

فرهنگ قاصی

فارسی - ترکمنی

تألیف

حاج مراد دوروی قاصی

انتشارات گل نشر - مشهد

۱۳۸۲

قاضی، مراد دوردی، ۱۳۰۷ -

فرهنگ قاضی: فارسی - ترکمنی / تألیف مراد دوردی قاضی

- مشهد: گل‌نشر، ۱۳۸۲.

بیست و شش، ۷۲۸ ص: مصور.

ISBN 964-93514-9-3 : ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان به ترکی: قاضی سوز لوگی فارسچا - تورکمنجه.

۱. فارسی - - واژه‌نامه‌ها - - ترکمنی. الف. عنوان.

1. Persian language - Dictionaries - Turkman.

۴۹۴/۳۶۴۳ فا

۴ف ۲ق / ۲۳۳ PL

۸۲ - ۳۸۲۴ م

محل نگهداری:



انتشارات گل‌نشر

مشهد: بلوار وکیل آباد، وکیل آباد ۱۰ (خیابان لاله)، نبش لاله ۳، تلفن: ۸۶۱۲۵۶۰ - دورنگار: ۸۶۱۰۷۸

نام کتاب: فرهنگ قاضی (فارسی - ترکمنی)

اثر: حاج مراد دوردی قاضی

ناشر: انتشارات گل‌نشر، مشهد

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۲

چاپ و صحافی: چاپخانه گل‌نشر

قطع: رقعی ۷۵۲ صفحه

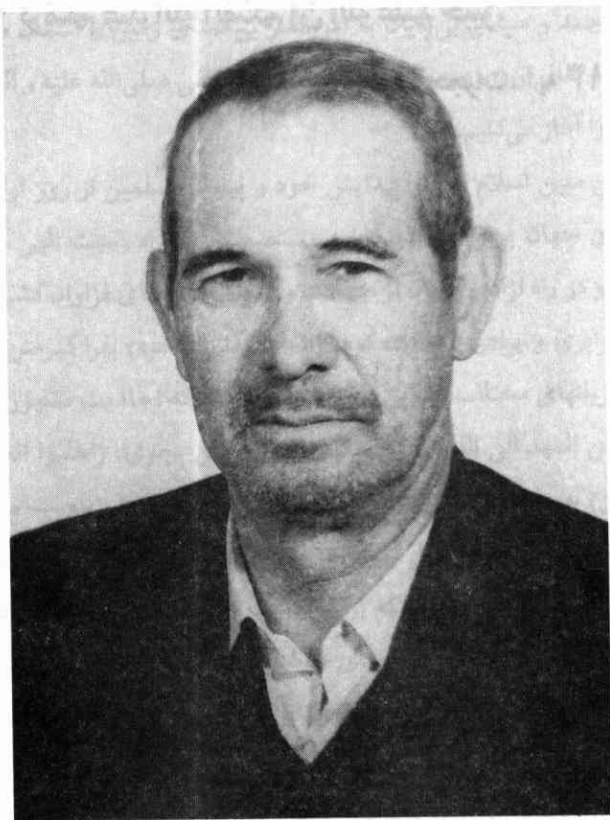
تایپ: محمود عطاگزلی

ویراستار: ملاعاشور قاضی و محمود عطاگزلی

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۹۳۵۱۴ - ۹ - ۳

مرکز پخش: ایران، گنبد کاووس، چهارراه شریعتی، کتابفروشی قابوس، تلفن ۲۶۲۳۳ - ۰۱۷۲



حاج مراددوردی قاضی
مؤلف کتاب

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَجَعَلْنَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

سوره حجرات، آیه ۱۳

تقديم به فرزندانم:

ملاعاشور، فرهاد، بهمن،

بهروز و قربان محمد قاضی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

با حمد و سپاس بی پایان به آفریدگار بی همتای زمین و آسمان خداوند تبارک و تعالی و درود به خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم سخن را آغاز می کنیم.

دین مبین اسلام از بدو پیدایش خود و پیامبر مسلمین از روز اول بعثت خلقهای جهان بویژه ستمدیدگان و مستضعفین را براه راست الهی هدایت فرمود و در راه آزادی انسان از جهالت و گمراهی رنجهای فراوان کشید و آنها را به برابری و برادری دعوت کرد. (انما المؤمنون اخوه) بفرا گرفتن علم و دانش زبانهای مختلف تشویق نمود، از اینجا است که احادیث مشهور (اطلبوا العلم من المهد الى اللحد) ز گهواره تا گور دانش بجوی، (اطلبوا العلم ولو بالصین) بهر عنوان دانش را بجوئید گرچه در چین باشد، پیوسته مد نظر مسلمانان بوده و به آن عمل نموده اند و از میان مسلمانان دانشمندان بسیاری برخاسته اند، پرواضح است که برای بدست آوردن علوم مختلفه و داشتن روابط فرهنگی و علمی با خلقهای دیگر دانستن زبان ضروری است زیرا آدمیزاد اشرف مخلوقات به اقوام و قبایل و ملت های گوناگون که بزبانهای مختلفی تکلم می کند تقسیم شده است.

در قرآن مجید خداوند متعال می فرماید: (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا) (سوره حجرات آیه ۱۳) یعنی: ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. برای شناخت خداوند و

مردمی که او آفریده ناگزیر باید زبانهای آنها را دانست زیرا زبان وسیله ارتباط خلقها و وسیله تفهیم و تفهم است، بنا بضرر المثل فرانسوی: هر کس که دو زبان بداند دو شخص است سه زبان بداند شخص و الی آخر. جهت فراگیری زبان ناچار باید از انواع فرهنگها یعنی کتب لغت استفاده کرد، علاوه بر این برای یاد گرفتن پدیده‌های نوین تکنیک نیز داشتن فرهنگهای اختصاصی ضروری است.

فرهنگها انواع و اقسام مختلف دارد از آن جمله است: فرهنگ دو زبانه مانند فرهنگ (فارسی به فرانسه) و بر عکس فرهنگ (عربی به فارسی) و بر عکس، فرهنگ توضیحی مانند (فرهنگ دهخدا) و (فرهنگ اصطلاحات) و یا فرهنگهای اختصاصی مربوط به رشته‌های مختلف علم و صنعت، کشاورزی و غیره مانند فرهنگهای پزشکی، سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، کلمات خارجی و امثال آن.

متأسفانه در کشور ما ایران تاکنون هیچگونه فرهنگی از زبانهای دیگر که به زبان ترکمنی ترجمه و چاپ شده باشد وجود نداشت، اما ضرورت چنین فرهنگهایی از مدتها پیش احساس می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و تشکیل جمهوری اسلامی برای هر گونه شکوفائی استعدادهای محلی و قومی امکانات فراوان ایجاد شد، در نتیجه پس از انقلاب تعداد کثیری کتابهای علمی، ادبی، مذهبی، تاریخی به زبان ترکمنی چاپ و نشر گردید، ولی هیچگونه فرهنگی (کتاب لغتی) چاپ نشده بود. کتابی که هم اکنون در دسترس شما قرار گرفته فرهنگ (فارسی به ترکمنی) است که برای اولین بار به وسیله این مؤسسه چاپ و به خوانندگان علاقمند تقدیم می‌شود.

البته فرهنگ نویسی کار آسانی نیست بلکه متضمن دشواری‌های فراوانی

است، صرف اوقات زیادی را طلب می‌نماید. به همین علت این کتاب در مدت نه چندان زیادی ترتیب یافته، طبیعی است که خالی از نواقص نخواهد بود. بدینجهت ما از خوانندگان گرامی تقاضا داریم که نظریه و پیشنهادات خود را درباره کتاب و نواقص مشاهده شده را کتباً یا شفهاً به ما گوشزد فرمایند، تا در چاپهای آینده اشکالات آن رفع گردد. والسلام.

حاج مراددوردی قاضی

بسم الله الرحمن الرحيم

سوز باشی

یری گونگی، بوتین عالم جهانی اوز یکه - تاک قدرتی بیلن یارادان و اگیلمز گویجی بیلن تمام دنیا ارک ادیان یالنگیز الله تبارک و تعالی غا چاکسیر حمد و ستایش آیتماق بیلن، شونونگ یالی - دا عزیز اسلامینگ فخری، همه مسلمانلارینگ قووانجی بۆلن پیغمبریمیز محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلمینگ و ایزیندا اسلاما رواج برن یارانلاری خلفای راشدین غه کوپ لرچه درود و تحیت آیتماق بیلن ازمیزینگ شو ایشیمیزه باشلاماغی معقول بیلدیک.

اسلام دینی و پیغمبریمیز محمد علیه السلام ایلکینجی گون دن باشلاپ بوتین آدمزادی جهالتدان، قارانگق لیقدان، چیقارماق اوغروندا جان آیامان تلاش اتدیلر، آدملاری نادان لیقدان چیقارماق، خدای تعالی نی تانیتماق و یاغتی یولا سالماق ایشینده دوغری یولباشچیلیق اتدیلر، خود شونگا گورا - ده اسلامداکی (اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) سالانچاقدان قبره چنلی علم طلب ادینگ، یادا (اطلبوا العم ولو بالصین) علم ختایدا هم بؤلسا، شونی اله آلقاق بولونگ دیین یالی فراستلی سوزلر بوتین دنیائینگ انسانلاری طرفیندان معقوللانیار، شوندا گوره لده آیینیار.

جهاندا یایران همه مخلوقلارینگ آراسیندا دینگه آدمیزاد دُر دانه سوز سوزله مکلیک نعمتی بیلن بزه لدی، اول اشرف مخلوقات بولدی. اما آدمیزاد دورلی دیلدره، گپله یان دورلی ملت لره، دورلی قوملارا بولونپیدیر.

قرآن مجیدده الله تبارک و تعالی: (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا) (حجرات آیه ۱۳)، یعنی: ای آدملار، بیز

اؤل سیزیڭ همانگیزی بیر عیال ارکه کدن یاراتدیق، سؤڭگ سیزی کوپ بولوملره و دورلی قبیله لارا بولدوک تا بیرى -بیرینگیزی تانار یالی، دییار. شو دورلی دیللرده گپله یان قوم قبیله لار بیرى -بیرینگ سوزله یشینده دوشونمک اوچین دورلی سوزلوکلره محتاج بولیارلار.

قالیبرسه -ده، حاضیرکی زمان دورلی علملارینی تکنیکیڭ قازانان تازه لیکلرینی اله آلماقدا هم سوزلوگینگ مهم اهمیتی باردیر.

شونونگ یالی سوزلوکلرده یازولی ادبیاتی بۇلان دنیائینگ همه خلقلاریندا بار دییان یالی دیر. سوزلوکلر دورلی -دورلی بولیار. اولاردان (ایکی دیللی سوزلوک) و (دوشوندیریشلی سوزلوک)، دورلی هنارلره، صنعتا دگیشلی بۇلان سوزلوکلر، اوی ماشغالالار (دایخانچیلیق) سوزلوگی، (هالی چیلیق یا دا طبییچیلیک سوزلوگی) و باشغالاری گورکزمک بولار.

نسیمیز آغیرسا -دا شو وقتا چنلی بیزینگ یوردومیزده باشغا دیللردن ترکمن دیلینه گچیریلن سوزلوک یوقدی. اما شونونگ گوپچولیک اوچین ضرورلیغی همیشه و کوپدن باری دیویلیاردی، قینانساقدا، ترکمن دیلینده کوپ سانلی علمی، ادبی، مذهبی کتابلار چاپ ادیلیپ چیقاریلان بولسا -دا، هیچ هیللی سوزلوک نشر ادیلمه ندیر. شو ضرورلیغی نظرا آلیپ بیز بیرنجی گزه ک شو الینگیزداکی (فارس چا -ترکمن چه) سوزلوگی حرمتلی اوقیچیلارلارا هودورله یاریس. البته بیر علمی ایش یازماق یا دا ایکی دیللی سوزلوک دوزمک، اوندا -دا شيله ایشی آز مدتینگ ایچینده یرینه یتیرمک آنکسات ایش دأل.

مونگا کتاب یازماق، ایلایتا -دا سوزلوک دوزمک ایشی بیلن مشغوللاتیان آدملار اؤنگات دوشونیان بولسالار گره ک. سوزلوک دوزمک دینگه بیر یکه -تاک آدمینگ ایشی دألدير. هر کیم بو مهم ایشی دولی یرینه یتیرمک

ایسته‌سه، بوتین عمرونی صرف ادیپ، زحمت چکسه-ده ینه اونونگ
ایشینده یتمزچیلیک بولجاقدینی طبیعی زاتدیر.

شیله فکردن اوغور آلیپ، حرمتلی اوقیچیلار شو کتاب بارادا اوز
نظرلارینی، تاپان کمچیلیک لرینی و باشغا تکلیف لرینی بیزه یازو اوستی بیلن
یادا دیلدن خبر برسه لر کوپ منتدار بولاریس.

انشاء...قویبریلن کمچیلیک لری بولسا، گلجک کی چاپلاردا دوزه لدیپ،
اوستونی یتیریپ، کامل لشدیره ریس دیین امیدیمیز بار. سوزونگ سونگینده
حرمتلی محمود عطاگزلی دان اوشبو اثرینگ چیقماغیندا بیزه یاقین دان
یاردام برن لیگی اوچین تویس یورکدن اونگا منت دارلیق بیلدیره سیم گلیار.

حاج مراد دوردی قاضی

علائم اختصاری (قیسغالدیلان بلگی لر)

اسم	علامت	ا.
اسم آلت	.	ا.آ
اسم جمع	.	ا.جم
اسم خاص	.	ا.خ.
اسم یا صفت	.	ا.ص.
اسم فاعل	.	ا.فا.
اسم مرکب	.	ا.مر.
اسم مصدر	.	ا.مص.
اسم مفعول	.	ا.مف.
انگلیسی	.	انگلا
پهلوی	.	په
ترکی	.	ت.
حرف	.	ح
روسی	.	رو.
صفت	.	ص.
صفت تفضیلی	.	ص.ت.
صفت فاعلی	.	ص.فا.
صفت مفعولی	.	ص.مف.
صفت نسبی	.	ص.ن.

صوت	•	ص
ضمیر	•	ض.
عربی	•	[ع]
عــــــــــــــــامیانه	•	عا.
فرانسوی	•	فر.
فرانسه و فارسی	•	فر.فا.
عربی و فارسی	•	[ع. فا]
قید	•	ق.
قید و صفت	•	ق.ص.
قبل از میلاد	•	ق.م.
قید مرکب	•	ق.مر.
لاتینی	•	لا.
کنایه	•	کنا.
میلادی	•	م.
مصدر	•	مص.
مصدر جعلی	•	مص.ج
مصدر لازم	•	مص.ل.
مصدر متعدی	•	مص.م.
معرب	•	مع
مغولی	•	مغ
نگاه کنید به...	•	نگا.
هندی	•	هند
یونانی	•	یو.

نشانه‌های آوایی و برابری‌های خطی آنها

نمونه	برابر خطی	نشانه آوایی
برائت «barā'at»؛ براعت «barā'at»	همزه، ع	'
آمد «āmad»؛ دارا «dārā»	آ، ا	ā
از «az»؛ مرد «mard»	آ، ت	a
سبب «sabab»	ب	b
پرچم «parčam»؛ پارچ «parč»	چ	č
مداد «medad»	د	d
اجلاس «ejlās»؛ نگاه «negāh»	ا، پ	e
فراز «farāz»؛ صفا «safā»	ف	f
گرگ «gorg»	گ	g
حساب «hesāb»؛ هادی «hādi»	ح، ه	h
ایما «īmā»؛ سیب «sīb»؛ بری «bari»	ای، بی، هی	i
عید «id»		
جمال «jamāl»	ج	j
کامل «kāmel»	ک	k
لبو «labu»	ل	l
مادر «mādar»	م	m
نان «nān»	ن	n

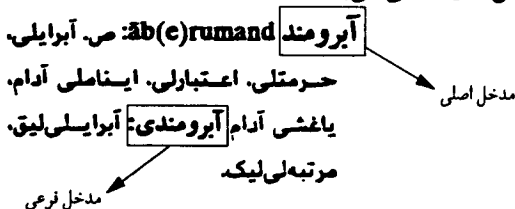
نمونه	برابر خطی	نشانه آوایی
o'bur «عبور» obbohat «آب‌هت»	ا، اُ	o
mow «مو» owbāš «اوباش»	اُو، مَو	ow
parvin «پروین»	پ	p
bāg «باغ» meqdār «مقدار»	غ، ق	q
rāh «راه»	ر	r
samar «ثمر» sāye «سایه» «صبور» sabur	ث، س، ص	s
šām «شام»	ش	š
tabib «طبيب» tāvan «تاوران»	ت، ط	t
ulā «اولی»	او	u
mavāred «موارد» vāli «والی»	و	v
xādem «خادم»	خ	x
sayyās «سیاس» yābes «یابس»	ی	y
reza «رضا» ruz «روز» zalil «ذلیل»	ذ، ز، ض، ظ	z
zohr «ظهر»		
aždar «اژدر»	ژ	ž
mavvāj «مواج»	تشدید	تکرار نشانه
mard-afkan «مردافکن»	تفکیک عناصر	
	سازنده واژه	

مزایای فرهنگ قاضی

فرهنگ قاضی نخستین فرهنگ فارسی به ترکمنی است که با رعایت اصول فرهنگ‌های دو زبانه و روش‌های معمول، تألیف یافته است. تجربیات پنجاه ساله فرهنگی و زمینه‌های کاری فراوان مؤلف که تماماً در ارتباط با کتاب‌ها و واژگان ترکمنی بوده است، بر ارزش این کتاب می‌افزاید. استاد قاضی اولین کار خود را در زمینه فرهنگ‌نویسی با آماده‌سازی فرهنگ تک زبانه ترکمنی به ترکمنی (سۆزلوک، ۱۳۶۴) آغاز کرد و با احساس کمبود فرهنگ دوزبانه فارسی به ترکمنی به تألیف این فرهنگ غنی همت گماشت. گرچه پیش‌تر از او کار شادروان استاد نورمحمد متقی به چاپ رسید، ولی وی با اعتقاد به ارائه کتابی کامل‌تر و کم‌نقص‌تر از کوشش باز نایستاد و حاصل زحماتش، فرهنگ حاضر است که پیش روی خود دارید.

اینجانب به حکم وظیفه و همکاری نزدیک با مؤلف، نکاتی را در رابطه با مزایای این کتاب یادآوری می‌کنم:

۱. هر واژه فارسی به صورت مدخلی مستقل، با حروف درشت‌تر و اندکی به طرف حاشیه صفحه آورده شده است. مدخل‌های فرعی، ریزتر از مدخل‌های اصلی می‌باشند:



۲. پس از هر مدخل، تلفظ واژه، آوانویسی شده است. در انتخاب حروف آوایی از نشانه‌های آوایی بین المللی پیروی شده است (← نشانه‌های آوایی و

برابره‌های خطی آن). در تلفظ هر واژه، در درجهٔ اول صورت آوایی متداول ارائه شده است و اگر تلفظ دیگری از آن وجود داشته باشد، تفاوت در داخل پراکنش آورده شده است:

آب زیرگاه **āb-e-zir(c)kāh**: امر. ۱.

تلفظ واژه

سامان آشاغیندا گیزلین قالان سو ۲.

که یکی یوزلی یالچی آدام: یوزونکه

ساده الجکه اما ایزینگدان

بیقیلسانگ دیانگه دیجک آدام.

برای تفکیک عناصر سازندهٔ یک واژه از خط تیره (-) بهره گرفته شده است.

۳. در مقابل هر واژهٔ مدخل، مقولهٔ دستوری واژه با علائم اختصاری ذکر شده است. (← فهرست علائم اختصاری).

آبدان **ābadān**: ص. آبدان سوزونینگ

مقوله دستوری

ینگیلدیپ آیدیلماغی، آباد.

۴. در مقابل واژه‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد زبان فارسی شده‌اند، نام منبع زبانی با استفاده از علائم اختصاری ذکر شده است. در مورد واژه‌های متداول عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و غیره، املاي فارسی و تلفظ آن داده شده است.

آبدۀ **ābedeh**: ا. [ع] (آبدۀ) ۱. اوّلی

زبان منبع

امر. قاتی یاددا قالان بلا. غریب

سوژی. غریب زات ۲. وحشی جانوار.

اوابد جمعی.

۵. پس از هر مدخل، اگر واژه املاي دیگری نیز داشته باشد، آورده

شده است:

آبرو $\bar{a}b(e)ru$: امر. (= آبروی) اعتبار.

گونه دیگر املا → آبرای، شأن، اینام، خُرمَت، سیلاغ،
مقام، مرتبه، قدر، اُزُرُون.

۶. پس از هر مدخل اگر واژه مدخل مترادفی در زبان فارسی داشته باشد،
آن نیز آورده شده است:

آب زندگی $\bar{a}b-e-zendegi$: امر. (=)

آب زندگانی، آب حیات) دیرلیک → مترادف فارسی
سُوی، یاشاییش سُوی، آب حیات.

۷. معنای هر واژه مدخل با حروف ریزتر پس از هر مدخل آورده شده
است. در مواردی که مدخلی بیش از یک معنی داشته باشد، با اعداد فارسی از
همدیگر جدا شده اند:

آبدیده $\bar{a}bdide$: می. ۱. پارچه و ش. م

زاتلارینگ سُو گیرپ نم چکمه گسی
۲. کُپ دُوووشی باشدان گچیرن،
کُوی گُون آدم. → مقوله فرعی معنایی

۸. در معنای هر واژه مدخل، سعی شده است، معنای آن با استفاده از
دقیق ترین واژه ترکمنی آورده شود. در مواردی که مدخلی احتیاج به توضیح
ترکمنی داشته، داخل پرانتز توضیح داده شده است.

آبدزدک $\bar{a}bdozdak$: امر. (= خای

سنبه، زمین سنبه) ماوین

(چسبکیرتگه لر تَویاریننان بُولان
مُوجه جیک، اول یری قازپ گُوی
اُونوم لرینگ کُکونه نقصان یتیریان).

توضیحات ترکمنی

۹. در هر صفحه، نخستین واژه مدخل در بالا سمت راست صفحه و آخرین واژه مدخل در بالا سمت چپ صفحه آورده شده است:

آخرین واژه مدخل در صفحه

اولین واژه مدخل در صفحه

آبال

۵

آبراکد

آبراکد āb-e-rāked: امر. یاتا سوو.	آبرایینی ایسته یان. آبرایینی ساقلایان
آقمایان سوو.	آدم. آبرایینی برگ ساقلایان
آبراه ābrāhe: امر. سوو یولی. سیل	آبرودار āb(e)rudār: مر.فا. آبرایلی.
یولی. آقار.	حرمتلی. اعتبارلی.

بغیر از مزایای فوق که مطابق با روش‌های معمول فرهنگ‌نویسی است، فرهنگ قاضی سرشار از واژه‌های اصیل ترکمنی می‌باشد که در معانی واژه‌های مدخل آورده شده است. یکی از وظایف مؤلفین فرهنگ‌های یک‌زبانه و چندزبانه اینست که واژه‌های فراموش شده را ثبت کنند و آن را به جامعه برسانند. البته در این فرهنگ، برخی از واژه‌ها جزو واژگان فراموش شده به حساب نمی‌آیند، بلکه مربوط به لهجه‌های مختلف طوایف ترکمن هستند. به عنوان مثال در واژه «آبجی» (= خواهر)، از تمامی معانی مورد استفاده آن در طوایف مختلف، بهره گرفته شده است:

آبجی ābjī: ۱. [ت] (= خواهر) عیال دوغان، سینگلی، اویا، قیزا، قیز دوغان.

عیال دوغان، قیز دوغان (خواهر): در لهجه ترکمن صحرای ایران، بالاخص شمال ایران.

اویا (خواهر): لهجه ادبی ترکمنی.

سینگلی (خواهر): ترکی قدیم (در دیوان لغات الترك کاشغری «سینگیل»).

قیزا (خواهر): در لهجه گوکلنگ.

مؤلف در برخی موارد برای ثبت واژه‌های ترکمنی از عرف معمول نیز فراتر رفته است:

گوسفند دو ساله gusfand-e-do-sāle: ایششک.

گوسفند نر کوهی gusfand-e-nar-e-kuhi: آرغالی.

گوشت خالص gušt-e-xāles: چیلقا.

استاد قاضی با یک عمر تجربه در عرصه فرهنگ و ادب ترکمنی، اینک با تألیف این واژه‌نامه اثری دیگر از خود به یادگار می‌گذارد. این واژه‌نامه، یکی از آثار باارزشی است که برای استفاده عموم تألیف یافته است. از این واژه‌نامه، محققین، نویسندگان، مترجمین و دیگر علاقمندانی که در جستجوی معادل‌های ترکمنی واژگان فارسی هستند، می‌توانند استفاده کنند.

محمود عطاگزلی



بسم الله الرحمن الرحيم

در پرتو نگرش معنوی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگران ترکمن توجه شایانی به گذشته پربار و پر فضیلت خود دارند.

این حرکت فرهنگی مقدس است و با الهام از آرمان‌های والای انقلاب می‌رود. تا بستر تدریس زبان و ادبیات ترکمنی در دانشگاه‌ها را مهیا سازد.

هدف اولیه از این واژه‌نامه، آموزش واژگان فارسی و ترکمنی به علاقمندان است. مراوده اقوام و ملل با یکدیگر تأثیر و تأثر زبانی را در پی دارد.

قوم ترکمن نیز در مراحل مختلف تاریخی خود از این قاعده مستثنی نبوده است. در آثار نویسندگان و شعرای ترکمن تأثیر زبانهای عربی و فارسی را مشاهده می‌کنیم.

تدوین این واژه‌نامه می‌تواند قدمی کوچک در جهت تسهیل استفاده از این آثار باشد. از طرف دیگر امیدواریم که این واژه‌نامه کمکی هر چند ناچیز به مترجمان متون اصیل فارسی به ترکمنی و بالعکس باشد.

فرهنگ قاضی حاصل حدود بیست سال کار پژوهشی است.

آقای حاج مراد دردی قاضی که از عاکفان روضه جمال و طائفان کعبه جلال حضرت مختوم‌قلی فراغی است، به سابقه ارادتی که بدان عنق‌ای قاف معرفت و علاقه‌ای که به زبان و ادبیات ترکمنی دارد و به برکت همتی که بدرقه راهش شده است، دست به تدوین فرهنگ لغت فارسی - ترکمنی گشوده است.

زبان ترکمنی دارای چند هزار سال پیشینه درخشان تاریخی است. برخی از زبان‌شناسان آنرا به هفت دوره و بعضی به پنج دوره زبانی تقسیم می‌کنند.

پروفسور زینالی پیشینه تاریخی این درخت کهنسال را به پنج دوره به شرح زیر تقسیم می‌کند:

I. «دوران ماوراء تاریخ و آلتای» که برای آن چهار دوره‌ی:

(۱) ماوراء تاریخ، (۲) دوره‌ی پیدایی السنه التصاقی (۳) دوره‌ی آلتای،

(۴) دوره‌ی ترکی مادر را قائل است.

II. «دوران هون» جدا شده از «ترکی مادر» شامل دو دوره‌ی:

(۱) «هون خاوری» و (۲) «هون باختری»

III. «دوران ترکی باستان» شامل دوره‌های کهن قرغیز، اویغور، قارلوق، قپچاق،

خزر، بلغار

IV. دوران «ترکی میانه» شامل دوره‌های کلاسیک قرغیزی، آلتای جنوبی، یاقوتی، تواتی، قاراقیش، قارلوق، خوارزمی، اوغوزی، سلجوقی، اوغوزی بلغاری و ...
V. دوران «ترکی معاصر» که از سده‌های پانزدهم میلادی آغاز می‌شود و دوره‌های تکاملی همه‌ی زبانهای تکی موجود در دنیا را دربرمی‌گیرد.

(نگاه، دکتر محمدزاده صدیق، یادمان‌های ترکی باستان، صفحه ۲۵).

زبان‌شناسان زبانها را از نقطه نظر ساختار به چهار دسته تقسیم می‌کنند:
زبانهای قالبی، زبانهای تحلیلی، زبانهای هجایی و زبانهای التصاقی (پیوندی).
زبان ترکی جزو زبانهای التصاقی و از خانواده زبانهای اورال - آلتای است.
نخستین تقسیم‌بندی زبانهای اورال - آلتای در نیمه اول قرن هیجدهم یعنی به سال 1730 توسط Ph.j.von Strahlenberg سوئدی انجام می‌گیرد.

در این زمینه همچنین می‌توان از تحقیقات N.Schott (1849) و M.A.Castren (1813-1852) نام برد.

Castren را بنیانگذار فیلولوژی اورال - آلتای به حساب می‌آورند.

زبانهای این خانواده همینطور تحت نام زبانهای «اسکیتیک» (Leibniz-1910)، زبانهای «فلات آسیای میانه» (J.CH.Adelung-1806)، زبانهای «فین - تاتار» (W.Schott- 1849)، زبانهای «تورانی» (F.Max Müller-1854) و گاهی نیز «اوگرو - آلتای» مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. در سایه تحقیقات و بررسی‌های رو به رشد یک صد ساله زبان و ادبیات، فولکلور و ابزار فرهنگی گوناگون مردم ترک، تونگوز، مغول (همینطور ژاپن و کره)، یکی از شاخه‌های علم و دانش یعنی Altayistik پا به عرصه حیات می‌گذارد. زبان‌شناسی تطبیقی آلتایی با G.J.Ramstedt شروع می‌شود. Ramstedt در این زمینه کتاب و مقالات متعددی تألیف و منتشر می‌کند. بر اساس دیدگاه این دانشمند، زبانهای آلتایی ریشه واحدی دارند. بعد از وفات Ramstedt، شاگردان و طرفدارانش از جمله P.Aalto و N.Poppe تحقیقات در زمینه زبانهای اورال و آلتایی را ادامه می‌دهند. بعضی از زبان‌شناسان علاوه بر زبانهای زنده ترکی (ترکمنی، ترکی آذری و ...)، مغولی، منچوری، تونگوزی، فنلاندی و مجاری، زبانهای «ژاپنی و کره‌ای» را نیز جزو خانواده زبانهای اورال - آلتای به حساب می‌آورند.

از میان دانشمندانی که سعی در وسیع‌تر کردن دایره خانواده زبانی اورال - آلتای داشته‌اند می‌توان از H.Winkler و F.Max müller و ... نام برد.
H.Winkler سعی داشت زبانهای آسیای مقدم مانند سومری و ایلامی را نیز در خانواده زبانهای اورال - آلتای داخل نماید. با در نظر گرفتن تقسیمات Schott, Castren, Ramstedt, Poppe و ... می‌توان زبانهای زنده ترکی (ترکمنی، ترکی

آذری و ...) و مغولی، منچوری، تونگقوزی، مجاری، فنلاندی، کره‌ای و ... و از زبانهای قدیمی سومری، ایلامی، هیتی، اورارتویی، مانتایی، هوری، کاسی و ... را از جمله زبانهای التصاقی به شمار آورد.

(نگا، محمد رحمانی‌فر، نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترکهای ایران، ۱۳۷۹، صفحه ۲۵) همان طور که می‌دانیم، قومی که در بین‌النهرین دارای تمدن درخشان بودند و خط را اختراع کردند، سومرها بودند.

زبان سومری از خانواده زبانهای سامی و زبانهای هند و اروپایی، نبوده بلکه مانند زبانهای اورال - آلتایی زبانی التصاقی است.

زبان سومری با زبانهای ترکی و مجاری و با بعضی از زبانهای قفقازی شباهتهایی در موضوع ساختار دارد. (به نقل از دایرة المعارف اسلام، جلد ۳۰، صفحه ۱۲۷).

زبان سومری از نقطه نظر تشکیل جمله نیز به ترکی نزدیک است. (همانجا). سومرها حدود سال ۳۲۰۰ قبل از میلاد به مزوپوتامیای جنوبی (بین‌النهرین جنوبی) کوچ کرده‌اند. (همانجا، صفحه ۱۹).

بعضی از اندیشمندان معتقدند که سومرها از شرق به احتمال زیاد از آسیای میانه به مزوپوتامیا (بین‌النهرین) کوچ کرده‌اند (Y. Gaglayan, 1976, صفحه 45-46).

F. Hommel سومرها را با ترکان آسیای مرکزی خویشاوند می‌داند و علاوه بر آوردن دویست کلمه مشترک بین زبان سومری و ترکی، به وجوه اشتراک در میتولوژی و جغرافیای حیوانی و ...). به عنوان دلایلی در اثبات مدعای خود استناد می‌جوید (F. Hommael, صفحه 22-24).

(Y. Gaglayan 1976 صفحه 45-46) با استناد به نتایج حفريات تمدن آنو و تمدن آسیای مقدم یعنی سومر (ایلام - سوس)، به ارتباط سومر با آسیای میانه معتقد است. باید اشاره کنیم که تمدن آنو در نزدیکی آشغابات پایتخت ترکمنستان واقع شده است و قدمت آن تا به سالهای ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ قبل از میلاد می‌رسد. زبان ترکی یکی از شاخه‌های رشد یافته خانواده زبانی آلتایی است.

زبان ترکی که دارای گذشته و تاریخ است، محدوده جغرافیایی وسیعی را در برمی‌گیرد. در زمینه زبان ترکی (از نیمه اول قرن نوزدهم) تا کنون تحقیقات متعددی انجام یافته است و کتابها و مقالات گوناگونی توسط دانشمندان و زبان‌شناسان کشورهای مختلف از جمله پیرامون تقسیم‌بندی آن به رشته تحریر در آمده است. ما در این قسمت به یکی از آخرین تقسیم‌بندی‌ها، براساس تقسیم‌بندی Räsänen و ... نظری کوتاه می‌افزاییم. در این تقسیم‌بندی، این زبان به

۶ گروه (۱) چوواسی، (۲) یاقوتی، (۳) گروه شمال شرقی (شمالی)، (۴) گروه شمال غربی (غربی) (۵) گروه جنوب شرقی (شرقی) (۶) گروه جنوب غربی (جنوبی) - اوغوز) تقسیم شده است.

ترکمنی به گروه ششم یعنی گروه جنوب غربی (اوغوز) تعلق دارد. به این گروه «تاغلی» نیز گفته می‌شود.

گروه «اوغوز» خود به دو شاخه «اوغوز شرقی» و «اوغوز غربی» تقسیم می‌شود. شاخه غربی گروه اوغوز را «ترکی ترکیه» و «ترکی آذری» و شاخه شرقی آنرا «ترکمنی» و «ترکی خراسانی» تشکیل می‌دهند.

زبان ترکمنی از شاخه ترکی جنوب غربی (اوغوز) و طبق تقسیم‌بندی پروفیسور زینالی از تنه‌ی هون غربی است.

قدمت کتابت سنگ نبشته‌های ترکمنی باستان با در نظر گرفتن الواح سومری به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد. «در سال ۱۹۷۰ نیز مقبره‌ای در ۵۰ کیلومتری الما آتا در کنار ایسیق گول در کاوشهای زمینی کشف گردید. این مقبره متعلق به یک ولیعهد ترک بود که ۲۵۰۰ سال پیش فوت کرده و در آنجا دفن گردیده بود. از این مقبره ۴۸۰۰ قطعه طلا بدست آمد. این امر خبر از وجود فرهنگی غنی، تمدن پایدار، آداب و مراسم تثبیت شده می‌داد و مراسم دفن مردگان را در آن دوران مطرح می‌ساخت. شگفت‌انگیزتر از اینهمه طلا و جواهرات دو سطر نوشته‌ای بود که روی یک سینی نقره حکاکی شده بود و باز خیره کننده‌تر اینکه این خط رونیک بود یعنی با قلم فولادین روی سینی نقره‌ای نوشته شده بود. دانشمندان جهت خواندن آن به تقلا افتادند و طولی نکشید که تمامی خط دقیقاً خوانده شد و مفهوم آن به زبان امروزی چنین بود:

«خان اوغلی بیگرمی اوچ یاشیندا اولدی - ایسیق خالقی نینگ باشی ساغ بولسون».

دانشمندان با کمک لیزر و آنالیز رادیو کربنیک قدمت آنرا تعیین کردند و اعلام گردید که این خط ۲۵۰۰ سال قدمت دارد. این الفبا از هیچ الفبای دیگر مشتق نشده است. گوگ تورک‌ها در سده ششم الی هشتم و ترکان ۱۲۰۰-۱۳۰۰ سال پیش از آن از الفبای یکسانی استفاده کرده‌اند. لذا این الفباء، الفبای ملی ترکان محسوب می‌گردد. این خط از قرن پنج پیش از میلاد تا قرن هشتم میلادی رایج بوده است. بعد از ظهور اسلام و گرویدن انبوه عظیمی از جمعیت ترکان به اسلام که با ابراز رشادتها و جانبازی‌های فراوان همراه بوده است، ترکان الفبای عربی را می‌پذیرند. الفبای عربی خط اکثریت ترکان جهان را تشکیل داده است و گنجینه هزار ساله زبان و فرهنگ ترکی در سراسر جهان به الفبای عربی بوده است. در

جمهوری‌های شوروی سابق نیز در اوایل قرن بیستم الفبای عربی و سپس الفبای لاتین و بالاخره الفبای کریل جایگزین الفبای لاتین می‌شود. ترکیه نیز الفبای خود را به لاتین تغییر می‌دهد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییر دوباره الفبا مطرح گردید و برخی از جمهوری‌ها تغییر الفبای کریل به لاتین را تصویب کردند.

مسلم است الفبای عربی با توجه به هزار سال ریشه در ادبیات و فرهنگمان و پیوند این زبان با دین مبین اسلام، حفظ آن ضروری می‌نماید، اما این الفبا قادر به رفع نیازهای زبان ترکی نیست و ایجاد تغییراتی در آن بلاشرط است. زیرا برای آموزش و از بین بردن بیسوادی سادگی الفبا مطرح است. مسلم است که مدت زیادی نیاز است تا این الفبا کاملاً جا بیفتد ولی یقین است که بیش از یک دهه به طول نخواهد انجامید». (نگا، م. کریمی، زبان ترکی در بوتّه زبان‌شناسی تطبیقی. صفحه ۶۲-۶۱).

تهیه و تنظیم الفبایی ساده و همگون به همراه قواعد درست نویسی یکسان و فراگیر اولویتی غیر قابل کتمان است و به تأخیر افکندن آن منطقی و معقول به نظر نمی‌رسد. البته در جای خود باید اشاره کنیم که در این امر مهم نزدیکتر شدن «زبان گفتار» و «زبان نوشتار» را نباید از نظر دور داشت.

امید است که در آینده‌ای نزدیک مراجع ذی‌صلاح و چهره‌های علاقمند فرهنگی به این مشکل رسیدگی و در جهت رفع فقدان الفبایی یکسان با قواعد درست نویسی همگون و فراگیر اقدام نمایند.

به دلیل فقدان فوق ممکن است که کاستیها و نارساییهایی در ویرایش این واژه‌نامه به چشم بخورد. لذا از مصلحان پژوهشگر استدعا داریم در این مورد به ما تذکر دهند تا در صورت تجدید چاپ اصلاح لازم به عمل آید.

احسان چنان مصلحی فیض رسان موجب قدردانی خواهد بود.

در خاتمه خداوند تبارک و تعالی را سپاسگزاریم که ما را از عالم غیب به عرصه شهود آورد تا از نعمت‌های بیشمارش بهره‌ور شویم. گوهر درخشان خود عطا کرد تا در تاریکیهای زندگی راه را از بیراه باز شناسیم. استعداد خط و کتابت در نهاد ما گذارد تا حلقه‌های تمدن را به یکدیگر پیوند دهیم و ثمره کوشش و تلاشهای خود را به آیندگان انتقال دهیم.

من الله التوفیق و علیه التکلان
ملا عاشور قاضی
بهار ۸۱



- آ ā: اۆستوندە مەھ قويولان يىپ،
مەھلى الف، الف، «ا-آ».
- آئىس ā'es: ص. فا. [ع] (= آيس)
اميدسىز، آرمانسىز، طماسىز.
- آئىسە ā'ese: ص. فا. [ع] (= آيسە) اللى
ياشيدان گىچە عىيال، يىلدا حىض
بۆلمەدىق (گوريم گورمەدىق) عىيال،
نەمازى، آي باشى گۆرونمەيان.
- آئورت ā'ort: ا. [فر] (= آورتا، ام
الشرائين) اۇلى قىرماز دامار، ايچدە
قلبىنىڭ چېپى طرفىندا يىرلىشىپ، اول
آونىق دامارلارنىڭ اوستى بىلەن قانى
اندامىنىڭ بوتىن يىرنە يىتەريپ.
- آب āb: ا. سۇو.
- آب āb: ا. ۱. آبىراي، شەرف ۲.
يالىدىراو يىقلىق، ياغىتلىق بىرىجىلىك،
يالىقىملىق، پارلاقلىق، ۳. يۇرگون،
رواج، طار، يۇل-يۇردا.
- آبا ābā: [ع] آتالار، بابالار، آتە-بابالار،
جمع اب.
- آب آتاشگون āb-e-ātašgun: ا. مەر.
۱. اۇدا مىنگىزىش سۇو ۲. (كنا). قىرماز
رەنگلى شىراب.
- آب آشامىدنى āb-e-āšāmidani:
ا. مەر. ايچىلىيان سۇو.
- آب آلو āb-e-ālu: ا. مەر. اۇوينىڭ
سۇوى.
- آب آلودە āb-e-ālude: ا. مەر. ھاپا
سۇو، بۆلەنچاق سۇو.
- آب آورد āword _ ābāward:
ص. مە. (= آب آورده) سىلىنىڭ گىتىرن
زادى، داشغىن بىلە گىلن زات.
- آباد ābād: ص. ۱. صفالى، اۇتلى-
سۇولى، يۇرگونلى ياشالىيان ۲.
اۇبا- شەھر آدىنىتىڭ ايزىنا
قوشۇلىپ-دا گىليار: «حسن آباد».



«حسین آباد».

آباد ābād: [ع] همیشه، باقی،

میدامالیق، ایمیقلى، آباد، جمع ابد.

آبادان ābādān: ص. آباد، یربه یر،

صفالی، اوتلى سؤولى یاشالیان یر،

ویرانینگ ترسی. آبادانی: آبادلیق،

آبادانلیق.

آبادانی ābādāni: ص. ن. خۇزۇستان

ولایتی نینگ آبادان شهرینه دگیشلى

بۇلان آدام، آبادانلى.

آبادبوم ābād-bum: ا.مر. آباد یر، آباد

یۇرت.

آبادجای ābād-jay: ا.مر. آباد یر، آباد

جای، اوتلى- سؤولى آباد یر.

آبادگر ābādgār: ص.فا. آباد ادیجى،

ایشى آبادلیق بیلن بۇلان.

آبادى ābādi: ا.اؤبا، کنت، آباد و اوتلى

-سؤولى یر.

آبار ābār: ا. (= سرب، توتیا) قۇرشۇن،

یانان قۇرشۇن.

آبار ābār: [ع] قۇيىلار، جمع بئر.

آبال ābāl: [ع] دویهلر، جمع ابل.

آبان ābān: ا. (= آبانماه) شمسى

ییلینگ سکیزینجى آیى نینگ آدى،

گويز فصلی نینگ اکینجی آیى.

آبانبار ābanbār: ا.مر. لاری، سؤو

آممارى (انبارى)، سؤوساقلانیان جای.

آب انداختن āb andaxtan: مص.م.

۱. یر یوزونه سؤو آقدیرماق ۲.

سیمک، پشو اتمک.

آبانگور āb(e)angur: ا.مر. ۱.

اوزوم سؤوی ۲. عرق، شراب.

آب باز āb-bāz: ا.ص. یوزوجى، غواص.

آب بازى: یوزوجى لیک، غواص لیک.

آب بسته āb-e-baste: ص.مر. ۱. (=

آب فسرده، آب خفته) بۇز، قار،

جووه نك ۲. (= شیشه، آبگینه)

سويشه.

آب بقا āb-e-baqā: ا.مر. [فاع] آب

حیات، دیرلیک سؤوی، یاشاییش

سؤوی.

آب بند āb-band: ا.ص. بۇز دۇنگدۇرما

ایشینده بۇلان: آب بندى: ۱. یرلشمه،

جایینا دوشمه (دینگه موتورا

خاصلانیار) ۲. بۇز دۇنگدۇرما؛ قاتیق

-پنیر اؤیدۇرما؛ قاپ-قاشینگ

یاریفینی تۇتدۇرما.

آب بها āb-bahā: ا.مر. سؤو پولی،

سؤو بهاسى، سؤو حقدا بریلیان پول.

آب بینی āb-e-bini: ا.مر. (= خل،

خیل) بۇرۇن سؤوی، مانگقا.

آپاش ābpāš: ا.مر. سؤو سپگیچ، سؤو

- سېگىسى، سۇوپور كگوچ، سۇوچۇدوريم. آبجى ābji: ۱. [ت] (= خواهر) عايال
 آب پز ābpaz: ص. مر. سۇوا قايناتما، دۇغان، سىنگلى، اۇيا، قىزا، قىز
 سۇو بىلن قاينادىلىپ بيشىرىلن دۇغان.
 نارسە - ايىمىت. آب پست āb-e-pošt: ۱. مر. دۇل،
 منى، ار كىلىك ارگانىندان گلىان
 سۇو. آب تابه ābtābe: (= آفتابه) كوندوك.
 آب تاختن āb tāxtan: م. ص. ل. سىمىك، پشو اتمك.
 آب تره āb-tare: ۱. (= بولاغ اوتى، شامى آبى، غلف چشمه) بۇلاق اوتى،
 تره (چۆلدە بيتيان اوت). آب تلخ āb-e-tax: ۱. مر. (كنا.) شراب،
 چاقير. آب تنى ābtani: ۱. م. ص. سۇوا دوشمه،
 ساويق سۇوا اندامى يۇوما، سۇوا يۇوونما، سۇوا چوممه.
 آب جارى āb-e-jāri: ۱. مر. آقار سۇو، آقىپ دۇران سۇو.
 آبجو ābjō: ۱. مر. آريا سۇوى، پيو. آب جوش āb(e)juš: ۱. مر. قاينان
 سۇو. آب جهيدن āb jahidan: سۇو
 زۇغدۇرىلماق، سۇو زىنگىلماق، سۇو
 چۇودوريم. آب چك ābček: ۱. مر. ياغيش -
 ياغين دامجالاما، ياغين گچيرمه. آب حيات āb-e-hayāt: ۱. مر. [فاع]
 ۱. (آب حيوان، آب بقا) ديرىلىك سۇوى،
 ياشايىش سۇوى (ظلماتدا بىر چشمه نىنگ آدى، آيدىلشينا گۇرا
 خضر پىغمبر شول سۇودان ايچىپ ديرى قاليار) ۲. (كنا.) يارىنگ
 دۇداغى. آب خانه āb-hāne: ۱. مر. مستراح،
 حاجت خانه. آب خضر āb-e-xezr: ۱. مر. [فاع]
 (= آب حيات) ديرى ليك سۇوى. آبخور ābxor: ۱. مر. ۱. بهره، نصيب،
 پاى، ايرسفال ۲. چشمه باشى، سۇو آلىنيان ير.
 آبخورى ābxori: ۱. مر. ۱. سۇو ايچىليان قاپ، چلك مارداق،
 كوروشكه، جونگول ۲. آطينگ اۇيانى. آبخوست ābxost: ۱. (= جزيره) آدا؛
 ايزغارلى پورسى لاي آدا. آبخيز ābxiz: ص. كۆپ سۇولى ير،
 سۇو چىققيان ير، سۇولوق ير.

سۇوۈنگ جۇشيان يىرى.

آبخیز ābxiz: ۱. مر. تۇلقۇن، سۇو داشغىنى.

آب دادن āb dādan: مص. م. سۇو برمک (آداما، حيوانا و اکرانچىلىغا).
آب داده āb dāde: ۱. ص. سۇو بىرلن قاما- قىلىچ.

آبدار ābdār: ص. ۱. سۇولى، سۇولى بۇلان تىرجە - تازە ۲. يۇرگونلى، شاولى، بادلى، صفالى، يالدىراويق، صاف ۳. جوهرلى.

آبدارخانه ābdārxāne: ۱. مر. عمومى ياشايىش جايلاردا چاى و قهوه تاييارلانغان يۇرتتە يىر؛ آبدار- آبدارىاشى: قهوه و شىربت برمک ايشىنىدە بۇلان آدام، چايچى، چايخانهچى.

آبدان ābdān: ۱. لارى، حوض، سۇو يىغنانغان يىر.

آبدان ābdān: ۱. مر. (= آبدانک) انسانىنىڭ - حيوانىنىڭ سىدىكلىكى، قاسىق.

آبدان ābadān: ص. آبدان سۇزونىنىڭ يىنگىلدىپ آيدىلماغى، آباد.

آبدزدک ābdozdak: ۱. مر. (= خاك سىنبە، زمين سىنبە) ماوين

(چىكىرتگەر تۇپارىندان بۇلان مۇجەجىك؛ اول يىرى قازىپ گۆك اۈنۈملرىنىڭ كۆكۈنە نقصان يتيرىل).

آبدست ābdast: ۱. مر. ۱. ال-يوز يۇويلان سۇو ۲. (= وضو) طهارت قىلما.

آبدست ābdast: ص. چالت، چاققان، چپر، ايشىنە چپر و اۋستاد بۇلان.

آبدوغ ābdūq: ۱. مر. (= دۈغ) چال، سوو چال آيران.

آبدە ābedeh: ۱. [ع] (= آبدە) ۱. اۋلى امر، قاتى ياددا قالان بلا، غرىب سۇزى، غرىب زات ۲. وحشى جانوار، اوابد جمعى.

آبدە ābdeh: ص. فا. سۇو بىرىجى، يىر آستىنداقتى كارىزىنىڭ دشىگىندىن سۇو داشىنا چىقىپ قناتا قۇيان يىرى.

آبدەهان ābdahān: ۱. مر. اغىز سۇوى، تويكوريك.

آبدىدە āb-e-dide: ۱. مر. ياش، گۆز ياش.

آبدىدە ābdide: ص. ۱. پارچە وش. م زاتلارنىڭ سۇو گىرىپ نم چكەمگى ۲. كۆپ دۈۋوشى باشدان گچىرن، كۆپى گۆزىن آدام.



- آب راکد āb-e-rāked: ۱. مر. یاتا سۆو، آقمايان سۆو.
- آبراهه ābrāhe: ۱. مر. سۆو يۆلى، سيل يۆلى، آقار.
- آب رخ āb-e-rox: ۱. مر. آبرای، شرف، اينام، قدر-قيمت.
- آب رز āb-e-raz: ۱. مر. ۱. آغاجينگ كسيلن شاخاسيندن داميان سۆو ۲. باده، شراب، چاقير.
- آب رزان āb-e-razān: ۱. مر. باده، اوزوم، شرابی، چاقير.
- آبرفت ābroft: ۱. مر. آقار سۆوونگ اته كينده سيريلىپ- سوروليپ قالان داش و ش. م زاتلار.
- آب رفتن āb-raftan: مص. ل. پارچه و اگين- اشيك لرینگ اؤل بۆلۆپ، سۆو گيريپ اينى- بۆيى كيچه ليپ سيقيلماغي، سۆو گيرمه گى.
- آب رنگ ābrang: ۱. مر. (= آب و رنگ) باق: آب و رنگ.
- آبرو ābrō: ۱. مر. (= آبراهه، كانال) سۆو آقار، سۆو يۆلى.
- آبرو āb(e)ru: ۱. مر. (= آبروى) اعتبار، آبرای، شأن، اينام، حرمت، سيلاغ، مقام، مرتبه، قدر، اوزون.
- آبروخواه āb(e)ruxāh: ص. فا. آبراييى ايسته يان، آبرايى ساقلايان آدم، آبرايى برک ساقلايان.
- آبرودار āb(e)rudār: ص. فا. آبرايلى، حرمتلى، اعتبارلى.
- آبرومند āb(e)rumand: ص. آبرايلى، حرمتلى، اعتبارلى، ايناملى آدم، ياغشى آدم آبرومندى: آبرايلى ليق، مرتبه لى ليك.
- آبريز ābriz: ص. مر. ۱. سۆو دۆكوليان ير، سۆوونگ داغدان- آرنادان و دريالاردان دنكيژه قۇييان يري ۲. حاجتخانه نينگ قۇيى سى.
- آب زمزم āb-e-zamzam: ۱. مر. زمزم سۆوى (كمبه ده مسجد الحرامينگ ياقين يانيندا قى قۇيى نينگ سۆوى).
- آب زندگى āb-e-zendegi: ۱. مر. (= آب زندگانى، آب حيات) ديرليك سۆوى، ياشاييش سۆوى، آب حيات.
- آبزي ābzi: ص. سۆودا ياشايان حيوان، دريا جانلى سى.
- آب زيرگاه āb-e-zir(e)kāh: ۱. مر. ۱. سامان آشاغيندا گيزلين قالان سۆو ۲. ك. ايكي يوزلى يالچى آدم؛ يوزونگه ساده الجك، اما ايزينگدان ييقيلسانگ دپانگه دچك آدم.
- آبسال ābsāl: ۱. مر. (= آبسالان) ۱. يان

ياغيشلى يىل، ياغىنلاق يىل ۲. باغ و بوستان، گلزارلىق، چمنزارلىق.
 آب سبز āb-e-sabaz: مر. گۈزۈنگ بىر ھىل كىلى، گۈزۈنگ ايچى نىنگ ايزاسىنى كۆپلدىپ و تۈۋرگىنى قاتىدىپ و گوراجىنى آزالدىپ سۈنگ گۈز كۈرلىگىنە سبب بوليان كىل.
 آبستىن ābestan: ا.ص. گۈۋرەلى، ايكى قات، قارنى چاغالى (حيوان يا خاتىن).
 آبستىنى ābestani: ا. گۈۋرەلىلىك، حاملەلىق.
 آب سفىد āb-e-sefid: ص.مر. (=آب مرواريد) آق سۇ، گۈزە سۇ اينمە كىلى، گۈزە قارا سۇ اينمە.
 آب سىنج ābsanj: ص.مر. سۇ ۈلچىك، يورىتە سۇۋىق زاتلارنىڭ آغرامىنى و ۈلچەگىنى ۈلچە يان قۇرال.
 آبسە ābse: ا. [فر.] دىشە يا اندامدا دۈرە يان چىركىلى چىش.
 آب سياه āb e-siyāh: ا.مر. قارا سۇ، گۈز كىلى (گۈزۈنگ كۆر بۇلماغىنا سبب بۇليان كىل).
 آب سياه āb-e-siyāh: ا.مر. (= آب سياه) ۱. اوزوم شرابى، قارا اوزومدن آلىنيان شراب ۲. كۆپ

چونگۈر سوو.
 آبشار ābšār: ا.مر. ۱. شارلاۋىق، شاغلاۋىق، بارغا (بىيىكلىك دىن آشق قۇييان سۇ) ۲. وزش. والىبال اۋىنۇندا تۈپى تۈرۈنگ دپەسىندىن باش آشق اۋرما، آبشار.
 آبشخور ābešxor: ا.مر. ۱. آقار سۇ يا چشمەلرىنگ يا آرنانىنگ سۇ آلىنيان ۈلۈمى، يرى ۲. ياشاليان ير ۳. قسمت، نصيب.
 آب شىدن ābešodan: م.ص.ل. ۱. قىزغى نىنگ ھاۋىرىناريمىك ۲. (كنا) ۈيالماق، ۈتانماق، ۈتانچلىقدان سۇ بۇلماق.
 آب شى āb-šoš: ا.مر. بالىقلارنىڭ سۇۋا دم آلىش عضۋى، بالىقلارنىڭ سۇۋا دم آليان اساسى عضۋى، برانشى.
 آب شور āb-e-šur: ا.مر. شۇر سۇ، آجى سۇ.
 آب شىرىن āb-e-širin: ا.مر. سۈيچى سۇ، شىرىن سۇ.
 آبغوره āb-qure: ا.مر. ۱. بيشمەدىك اوزومىنگ سۇۋى ۲. (كنا). آغلاما، گۈزدىن ياش دۈكمە.
 آب فشاندن āb-fešandan: سۇۋسپىمىك.

جۇشوپ چىقپان سۇو، اندام آغىرا
پيدالى بۇلان قىزغىن سۇو. ۲. قىزغىن
سۇو، ايسسى سۇو.

آب گرم کن **ābgarmkon**: ۱. مر. سۇو
قىزدىريان دستگاہ، قۇرال.

آبگند **ābgand**: ۱. مر. پۇرسى ياتا
سۇو، لای سۇو، آجان باتغاليق.

آبگوشت **āb(e)gušt**: ۱. مر. چۇريا،
ات، كرتوپ، نخود و پومازور بيلن
تاييارلانييلان اييميت.

آبگون **ābgun**: ص. (= آبگونه) ۱.
ارگين، سۇوا منگزش اريديلن سۇووق
زات، سۇو يالى ۲. (مجا)، پارلاق،
يالقيملى.

آبگیر **ābgir**: ۱. مر. حوض، استخر،
اولى سۇو ياتاق، گۆل.

آبگينه **ābgine**: ۱. مر. سويشه، بلون
آينا ۲. شراب سويشهسى؛ گۆزگى.

آبگينه گر **ābginegir**: ۱. ص. سويشه
بحريان، آينا بحريان.

آب لمبو **āb-lambu**: ص. سۇولى
يۇمشان اييميش، ماخول دوروپ
يۇمشان ميوه، ميلقىلان ميوه، ال
بيلن سيقپ يۇمشاديلان اييميش.

آبله **āb(e)le**: ۱. ماما خاسسالىنى،
جأچك كسلى ۲. قأبارچاق.

آبکی **ābak**: ۱. سيماب، جيوه.

آبكار **ābkār**: ۱. ص. ميراب، اؤىلره
سۇو پايلايچى، ساقى ۲. دمير
اؤرۇنا سۇو برمك ايشينده بۇلان
آدام.

آب كردن **āb-kardan**: مص. م. ۱.
اؤدۇنگ هاويرينا اريتكم ۲. اؤتمه يان
زادى هاييارلىق و زرنكلىك بيلن
ساتماق.

آبكش **ābkeš**: ص. فا. ۱. قۇيىدان يا
لاريدان و ش. م. يردن سۇو چكىان
آدام ۲. آش سوزكوج.

آبكشيدن **āb-kešidan**: مص. م. ۱.
قويى و لارى و ش. م. بدره يا شۇلار
يالى زات بيلن سۇو چكمك ۲. سۇو
اغورلاماق.

آبكوپيل **ābkupil**: ۱. (= آبقُمبُل)
جويتون.

آبکی **ābaki**: ص. ن. سۇولانگ،
سۇووق، سۇولى، سۇوجۇق.

آبگردان **ābgardān**: ۱. مر. ميس
سۇوساق (اونونگ بيلن سۇولانگ
نهارى قاپدان آليپ ايله كى قأبا
قۇيماق اوچين اۇلانييلان).

آب گرم **āb-e-garm**: ۱. ۱. مر.
كوكورتلى معدن سۇوى، يردن

آبلەرو ru __: ص. ماما كسليندن قالان

قۇتۇر يوز، ماما ديشان.

آبلە فرنگى āb(e)le-farangi: ا.مر.

سيفلىس كسليندن انداما اۇريان
ماما.

آبلە كوب āb(e)le-kub: ا.ص. ماما

كسلينه ايگنە اوريان آدام.

آبلە كوبي āb(e)le-kubi: ماما

كسلينه ايگنە اورماقلىق.

آبلە گاوى āb(e)le-gāwi: ا.مر. ماما

خاسساليغىندان سيفيردا دۇرەيان
كېسل.

آبلە مرغان āb(e)le-morqān: ا.مر.

تاويغا ماما خاسساليغىندان گليان
كېسل.

آب ليمو āb(e)limu: ا.مر. ليمون

سۈۈى.

آب مرواريد āb-morwārid: ا.مر.

گۈزە آق سۈۈ اينمە (گۈزۈنگ باطل
بۇلماغىنا سبب بۇليان كېسل).

آب مژە āb(e)može: ا.مر. گۈزياش.

آب معدنى āb(e)ma'dani: ا.مر.

[فاع] معدن سۈۈى.

آب مقطر āb(e)moqattar: ا.مر.

[فاع] قاينان سۈۈۈنگ بۇغۇندان
عملە گليان سۈۈ (اول درمان اتمک و

درمان بجرمک ايشينه ايشلنيا).

آب منى āb-e-mani: ا.مر. دۈل، منى

سۈۈى (ارککلىک مازيندن چىقپان
مايغ).

آبناک ābnāk: ص. سۈۈى، چىغلى،

ايزغارلى، ايفاللى.

آب نبات āb-nabāt: ا.مر. پيسک

شيرهسيندن عملە گليان چويچوک.

آب نقره āb(e)noqre: ا.مر. كوموش

سۈۈى.

آب نما ābnama: ا.مر. اۋى دور يا باغدا

گۈرنۈپ دوران حوض يا آقار سۈۈ ۲.

سالفين.

آبنوس ābnus: ا. [يو.] اين Eben

(هۇزا منگزش هندوستان دير حبشه

يالى يورتلاردا بيتيان بير هيلي

آغاچ).

آب نيسان āb-e-neysān: ا.مر. شکر

چينگرىک.

آبو ābu: ا.ص. دايى.

آب ورز ābwarz: ص.فا. يوزوجى،

غواص، سۈۈدا يوزوجى.

آب ورنگ ābo-rang: ا.مر. (کنا يوز،

گۈزۈنگ يالديراپ دۈران گۈزكى،

گۈزکلىک، يالديراويق، پارلاق.

آب وگل ābo-gel: ا.مر. اۋى، تام،



میرابینگ ایمیقلى ایشی پیشه‌سی،
میرابچیلیق.

آب یخ āb-e-yax: ۱. مر. بۇزلى سۇو،
دۇنگ سوو.

آبی روشن ābi-e-rōšan: ۱. مر. آچیق
گۆک.

آپارات āpārāt: ۱. [رو.] صورت
چکیلیان و نمایش و ش. م. زادینگ
دستگاسی، قورالی.

آپارتمان āpārt(e)mān: ۱. [فر.]
عمارت، اولی عمارت‌دان بیر بۆلوم، بیر
ناچه اۇتاغ‌دان عبارت یعنی قات به
قات اولی جای.

آپاندیس āpāndis: ۱. [فر.] آرتیقماچ
کۆز ایچه‌گه، آدامینگ ساغ طرفیندا
یرلشیان کۆزایچه‌گه.

آپاندیسیت āpāndisit: ۱. [فر.]
کۆزایچه‌گانینگ قاتی آغیرلی بولوپ
چیشمه‌گی.

آتابای ātābāy: ۱. [ت] بای‌آتا، ۲.
تورکمنینگ بیر ایلی‌نینگ آدی،
آتابای یومۇدینگ چونى اولادیندان.

آتاش ātāš: [ت] آد داش، آدلاش.
آتریاد ātryād: ۱. [رو] بیر بۆلک سرباز.
آتش ātāš: ۱. اوت.

آتش‌افروختن ātāš afruxtān

جای. ۲. (کنا) چاغانگ اۇنوپ
اۇسوپ اۇلاماغی.

آبوند ābwand: ۱. مر. کویزه، سۇو قاپ.
آبونمان ābun(e)mān: ۱. [فر.]
روزنامه‌دیز مجله، تلفن، برق، سۇو،
گاز یالی نارسه‌دن همیشه‌لیک
آی‌به‌آی آلینیان پول.

آبونه ābune: ص. [فر.] روزنامه یا
مجله‌نینگ دایمی یعنی ایمیقلى
مشتى‌سى.

آب‌وها ābo-hawa: ۱. مر. [فا. ع]
هوانینگ دورموشی، یاغدايی.

آبه ābe: ۱. آنانینگ قارنیندان جنین
بیله چیقیان قوی مایع.

آبی ābi: ص. ۱. سۇو دگیشلی:
«اسب آبی / سۇو آطی»، «مار آبی /
سۇو بیلانی» ۲. آسمانینگ رنگینه
منگزش رنگ، گۆک: «پیراهن آبی /
گۆک کۆنیک» ۳. سولی یر،
سۇواریلیان یر: «زراعت آبی /
سۇواریلیان اکین».

آبیار ābyār: ۱. ص. باغ-باغچا و اهلی
اکرانچیلیغا، اؤی‌لره سۇو بریان آدام،
میراب، سۇوچی. آبیاری: سۇواریم،
سۇوارما، باغ-باغچا و اهلی
اکرانچیلیغا سۇو برمکلیک،

اۋدا چۈشۈرۈش — تۇرۇشلۇق، اۋدا
سېغىنماقلىق.

آتاشخانىه ātaš-xāne: ۱. م. كوره،
اۋتۇق، اۋچاق كوره.

آتاشخو ātaš-xu: ص. م. بىدقلىق،
قهرجانگ.

آتاشدان ātaš-dān: ۱. اۋچاق، اۋتۇق،
كۈرە، اۋت قۇيۇلغان مانگال و ش. م.

آتاشرنگ ātaš-rang: ص. م. اۋدۇنك
رنگىندە بۇلان، قىزىل رنگ ۲. (كنا)
قرمز رنگە بۇلان شراب.

آتاشروشن كاردن rōshan kardan
آتاش ātaš: م. م. اۋد ياقماق ۲. (كنا)
فتتە تۇرۇشماق.

آتاشزا ātaš-za: ص. م. —. اۋت
دۈرەدىجى، اۋت اۋندورجى.
آتاشزبان ātaš-zā: ص. م. دىلى آوى
بۇلان، آجى سۆزلى.

آتاشزدن ātaš-zabān: م. م. اۋت
بىرمك، بىر زادى اۋت بىرمك، ياقماق.
آتاشزنه ātaš-zane: ۱. م. چاقماق،
اۋت ياقىلىغان مەخسۇس داش،
چاقماق داشى.

آتاشسوزى ātaš-suzi: ۱. م. اۋد
آلما، يانما، اۋت ياقما، دوكان ياۋى و
ش. م. اۋت آلماقلىغى.

م. م. ۱. اۋت ياقماق ۲. كىنايه
سۆزۈندىن: شىر تۇرۇشماق،
بۇزغاچچىلىق اتمك، اۋرۇش
تۇرۇشماق.

آتاشافروز ātaš-afroz: ۱. ص. اۋت
ياقچى ۲. كىنايه سۆزۈندىن: فتتەچى،
بۇزغاچچى، اۋت اۋقلاچى.

آتاشافروزي ātaš-afruzi: ۱. م. م. ۱.
اۋت ياقماقلىق ۲. (كنا) اۋرۇش
تۇرۇشماقلىق، اۋدى اۋلچىرمكلىك، آرا
بۇزماقلىق، فتتەچىلىك.

آتاشبار ātaš-bār: ۱. ص. اۋت ياغيان
زات ۲. اۋردانىنگ، قوشونىنگ
توپخانە بۇلومى.

آتاشبازى ātaš-bāzi: ۱. م. م. اۋت
اۋىنماقلىق، تۈزىدا، بايرامدا
شاغلانگدا، اۋدى دورلى رنگە ادېپ
آسمانا طرف گۈچورمك، آتماق.

آتاشبس ātaš-bas: ۱. م. (نظا)
اۋرۇشى ياتيرما، آتېشىنى بس اتمە.
آتاشپاره ātaš-pāre: ۱. م. ۱. بۆلك
اۋت ۲. (كنا) چاققان، زىنگ، آلىپ-
يۇلۇپ بارىان آدم، هرزە، پۇتۇر.

آتاشپرست ātaš-parast: ۱. ص. اۋدا
سېغىنىغان، اۋت پاراز.
آتاشپرستى ātaš-parasti: ۱. م. م.



آتش فشان

- آتش فشان ātaš-fešān: ص. فا. داغ‌بینگ دپه‌سیندن، کوکورتلی چیقیان یانغین، کۆپلنج دریا قیراسیندان دۆره‌یار.
- آثار āsar: [ع] نشانه‌لار، ایزلار، بللیکلر، اثرلر، جمع اثر.
- آشام āsām: [ع] گناهلر، یازیقلار، جمع اثم.
- آشم āsem: ص. [ع] گناه‌کار، گناه‌لی، یازیقلی، جمع اثمه.
- آجال ājāl: [ع] وقتلار، مهلتلر، جمع اجل.
- آجر ājor: بیشن کرییچ، کورده قهرلانماق؛ توپ و تشراتمک، هایبات‌اؤرماق.
- آجر فرش ājorfaš: ۱. بیشن کرییچدن دوشه‌مک، دوشه‌لن یر.
- آجودان ājudān: ۱. [فر] یوقار درجه‌دأکی یعنی اولی مرتبه‌ده بۇلان افسرلرینگ بویروغینی برجای ادیان کیچیراک افسر.
- آجیل ājil: ۱. قاویریلان کأدی و قاریز چیکیدی ۲. پیئدیق‌دیر بادام و پسته یالی نارسه‌دن عبارت.
- آچار āčar: ۱. ص. سرکه لیمو سؤوونا یاتیرلان تۇرشى نارسه، تۇرشى طغاما گیرن ۲. چاشنی.
- آچار āčar: ۱. [ت] آچار، قۇلپ‌لاری آچیان قۇرال، آچنی، آچنیچ.
- آحاد āhād: [ع] یالنگیز، تاک، بیر و یک، جمع احد.
- آتش گرفتن ātaš gereftan: ص. ل. ۱. بیر زات دوشوپ اود آلماق ۲. (کنا) قهرلانماق؛ توپ و تشراتمک، هایبات‌اؤرماق.
- آتش‌گون ātašgun: ص. اوت رنگ‌لی؛ اودا منگزش، اوت رنگینه بۇلان آب آشگون؛ (کنا) قرمز شراب.
- آتش‌نشانان ātaš nešāndan: ص. م. اوت سؤندورمک.
- آتش‌نشانی ātaš nešāni: ۱. شهرداری اداره‌سی‌نینگ یوریته اوت سؤندوریان بۇلومی، اودا قارشى گۆره‌شیان قۇراما.
- آتشی‌کردن ātaši kardan: ص. م. اوت یالی اتمک.
- آتشین ātašin: ص. ن. اوت یالی.
- آتی āti: ۱. فا [ع] گلجککی، گلجک زمان.
- آتیہ ātiye: ۱. فا [ع] مۇنث آتی، گلجک زمان، گلجک.

- آخ āx: قينانچ سۆزى، آخ، واخ.
- آخال āxāl: ۱. ھاپا، چۆر- چۆپ،
اتېرىندى، آشغال، دۆكوندى،
قاليندى.
- آختن āxtan: مص.م. قيليج دير يا قاما
يالى زادى قينيندان چيقارپ
سىرماق.
- آخته āxte: ص. بيجيلين، خاياسى
چكىلن (آدام يا حيوان).
- آخذ āxez: ص. فا [ع] آليجى، آليان.
- آخر āxar: ص. [ع] غيرى، آيرى،
اۆزگه، ايكي زادينگ بيرى.
- آخر āxar: ص. [ع] آخر، سۆنگ، بير
زادينگ قوتاران ىرى؛ آخري: اينگ
سۆنگى.
- آخر الامر āxerol-amr: ق. [ع] ايش
سۆنگۇندا، آخرى، اينگ سۆنگۇندا.
- آخر الزمان āxeroz-zamān: ۱. مر.
[ع] آخري زمان وقتى، قيامت وقتى،
محشر وقتى.
- آخرت āxerat: ۱. [ع] «آخرة» اول دنيا،
قيامت گونى، آخري زمان، دنياينىڭ
سونگى، آخرت.
- آخور āxur: ۱. (= آخر) مالىنگ اييم
قابى، آخور مالىنگ ياتاغى.
- آخورچى āxurči: ۱. ص. [فات] آخوردا
ايشلەيان، مھتر، سېيس، اطلارا اييم
بريان آدم.
- آخوند āxund: ۱. ص. دين علمىنى
اوقان، آخوندلىق پاتاسىنى آلان مُلا،
عالم، روحانى، آخۇن.
- آخوندك āxundak: ۱. اط باقار
(چيكيرتگەر ماشغالاسيندان بۇلان،
چيكيرتگەدن اولىراق، ياشيل رنگلى،
آياقلارى اوزين مۇجك).
- آداب ādāb: [ع] داپلر، عاداتلار،
يۆزلەر، يول-يۇردالار، جمع ادب.
- آدابدان ādābdān: ص. فا. [ع. فا]
ادبلى، يول-يورداه تانيش آدام.
- آداك ādāk: ۱. دريانيگ اورتاسيندا
يرلشيان بۆلك يىر، آدا.
- آدامس ādāms: ۱. [فر.] ساقىچ،
ساقىچينگ بير گۇرنوشى.
- آدرس ādres: [فر.] آدرس (پاكتينگ
يوزونده بارجاق يرينى و اونى آلجاق
آدامىنى گۇرگزيان يازغى).
- آدرنگ ādarang: ۱. اييجى، اونجى،
آزار، محنت، قاينى، رنج، هلاك.
- آدم ādam: ۱. [ع] ۱. ابوالبشر،
ايلكىنجى آدام، انسان ۲. آدام، نوكر،
قۇللۇقچى ۳. آدامىزاد
اولادلارى نينگ بيرينه باغلى، بير آدام

آذرنگ āzarang: ۱. مر. قايینی،

محنت، رنج، هلاک بولماق.

آذر نوش āzarnš: ۱. مر. بلخدا بۇلان

اینگ اولی یدی آتشکده نینگ بیرى.

آذرى āzari: ص.ن. آذره دگیشلى،

آذره باغلى، اودا منگزش، اوت يالى ۲.

آذربایجانا باغلى، آذربایجانینگ

يۇرگونلى قديم فارسى لهجهسى.

آذوقه āzuqe: ۱. آزیغا. آذیق.

آذین āzin: ۱. (= آدین) بزک، زینت ۲.

دأپ، يول-يوردا. آذین بندى: دورلى

ایشیقلار بیلن دوکان لرى و کوچه-

بازارلارى بايرامچیلیق گونلرينده

بزهک و زینتلاماقلیق.

آرا ārā: [ع] رای لار، اوی لار، پیکیرلر،

جمع رای.

آراستن ārastan: مص.م. بزهک،

تیجندیرمک، تیمارلاماق، آوادانلاماق،

بسله مک، گۆرکلندیرمک آرایش:

۱. مص. بزهک، زینت، آوادانلیق، گۆرک،

بزهمه آراسته: بزهلمن، تیمارلاناتن،

گۆرکلەنن آراستگی: بزه مکلیک،

آوادانلاماقلیق، بسله مکلیک.

آرام ārām: ۱. دینچ، راحت، آسوده،

اویغون، پسهی: آرام آرام: یوواش

-یوواش، آستا-آستا، یوغلا

آدمی: آداما باغلى بۇلان، آدمازاد، آدم

فرزندى آدمیان: جمع آدم؛ آداملار،

انسانلار.

آدم خوار ādamxār: ص.فا. [ع.فا]

آدمی نینگ ایتینی ایییان، آدم اییجی،

آدامخور.

آدمک ādamak: ۱. [ع.فا] کیچی آدم،

هیکیلى آدم شکلینده بجریلیان

قۇرباق و ش.م.

آدمیزاد ādamizād: ۱. ص. [ع.فا] آدم

اوغلى، انسان، بشر، آداملار، آدمیزاد.

آدینه ādine: ۱. جۇما، آنا، هفتانینگ

آخرقى گونى.

آذان āzān: [ع] قۇلاق لار، جمع اذن.

آذر āzar: ۱. ۸. اوت ۲. شمسی ییل

حسابی نینگ دوقۇزینجی آیى،

گوزیونگ آخرقى آیى.

آذرآبادگان āzarābādegān: ۱. مر.

آذربایجانینگ ایلکینجی آدی ۲. اوت

مکانى.

آذرخش āzaraxš: ۱. ییلدیریم.

آذرکیش āzarkiš: ۱. ص. اودا

سیفینیان، اوت پاراز.

آذرگون āzargun: ۱. ص. اوت رنگینده

بۇلان، اودا منگزش ۲. قرمز گل، گل

لاله، چوغان اوسوملیگی، چيگديم.

- آرام بخش *ārāmbaxš*: ص. فا. دینچلیق بریان، راحتلیق بریان، اینجالیق بریان، اینجالدیان.
- آرامش *ārāmeš*: ا. دیسنچلیق، فراغتلیق، آسودالیق، اینجالما.
- آرام کردن *ārām kardan*: مص. م. اینجالتماق، راحت اتمک.
- آرامگاه *ārāmghāh*: ا. مر. قبر، گور، مزار، مرقد.
- آرایشگاه *ārāyešghāh*: ا. مر. دللیک خانه، ساج ساقفال سیریلیان جای.
- آرایشگر *ārāšgar*: ص. فا. دللیک، ساج ساقفال سیریان آدام، ساج ساقفال سیریحی.
- آرتیست *artist*: ا. [فر.] بازیگار، آرتیست، رول اویینایچی (تأثر صحنه سینده رول اویینایان آدام، صنعت اثرلرینی صحنه ده کؤیچولگیگ اؤنگونده یرینه یتیرمک بیلن مشغوللانیان آدام).
- آرد *ārd*: ا. اؤن.
- آردبیز *ārdbiz*: ا. مر. الک، اؤن الینیان الک، غالبیر.
- آردینه *ārdine*: ص. ن. اؤنا باغلی، اؤندان بییشیریلیان نارسه لر (اؤن آش و ش. م.).
- آرزو *ār(e)zu*: ا. امید، آرمان، دیلهک، ایسلک، مقصد، تلواس، آرزو.
- آرزو کردن *ār(e)zu kardan*: مص. م. کویسه مک، هوس اتمک، ایسله مک.
- آرزومند *ārezumand*: ص. آرزولی، امیدلی، هوسلی آرزومندی: آرزولی لیق، هوسلی لیک.
- آرشین *āršin*: ا. [رو] روسیه نینگ بوی اؤلچه گی، ۷۱ سانتیمتر بیلن برابر بۆلان، آرشین، آرچین.
- آرشیو *āršiw*: ا. [فر.] بایگانی (اهلی ملی و دولتی ضرور مدرک لرینگ ساقلانیان یری).
- آرم *arm*: [فر.] آیراتین دولت اداره لارا و تجارتخانه لارا و ش. م. باغلی بۆلان علامت، نشان، بلگی.
- آرمان *ārmān*: ا. آرزو، امید، حسرت، مقصد، آرمان.
- آرمیدن *āramidan*: مص. ل. دینچ آلماق، اؤزانماق، راحت بۆلماق، یاتماق، اینجالماق.
- آرنج *āranj*: ا. تیرسک (قؤلونگ چيگین سونگکی بیلن بیلک سونگکونینگ بییریگیان یری).
- آرواره *ārware*: ا. انگی.
- آروغ *āruq*: ا. کاکیرمک.

- آروين ārwin: ۱. سيناغ و تجربه
اوستى بيلن گچيريليان بارلاغ.
آرى āri: ۱. جوغاب سۆزى، هاوا
دييمك.
آرى āryā: ۱. (= آريايى) اروپا، آسيا و
نژاد هنده بۇلان مهم آقياغيزلارا
خاصلانيار.
آز āz: ۱. حرص و طمع، ايتميلما، حندن
آشا طاماكين ليك، آچ گۆزلوليك.
آزاد āzād: ص. اركين، اۆز اركينده
بۇلان، اركلي، اۆز اختيارلى،
قاراشسىز، آزاد؛ آزادى: اركين ليك،
آزادليق، اۆزباشداقلىق، اركلي ليك، اۆز
اختيارلىق؛ آزادگى: اركينلىك،
آزادلىق، اركينلىك،
جومارتلىق، قاراشسىزلىق.
آزادمرد āzādmard: ص. مر. اركينلى،
جومارت، اۆزباشداق.
آزاده āzāde: ص. آزاد آدم، اركين
كيشى، جومارت، حقلى، اركلي.
آزادىخواه āzādixāh: ص. فا.
اركين ليك ايسله يان، اۆز باشداقلىق
ايسله يان، اركين ليگينگ خوسسارى.
آزار āzār: ۱. ايزا، اۇرغى، آغىرى،
خورلىق، اونجى، درد، اۇرتنمه،
اۇرتنمش، آزار.
- آزار دادن āzār dādan: مص. م. ايزا
برمك، اينجيتماق، اۇرتنمك،
خورلاماق.
آزردن āzordan: مص. م. ايزا برمك،
اذيت برمك، اينجيتماق، آزار برمك،
گۆونه دگمك؛ آزرده: گۆنى قالان،
اينجان آزردگى: اينجيما، اذيت
چكمه
آزردە خاطر xāter _ : ص. مر. [فاع]
گۆنى قالان، اينجان.
آزردە دل - ص. مر. اينجان، گۆنى
قالان، اۆيكەلەن.
آزرم āzarm: ۱. شرم، حيا، اۇتانچ،
اۇيات، يۇمشاقلىق، رحم ليك ۲.
بييك ليك، اۆلۇلىق، شرف.
آزمایش āzmayeš: ۱. مص. درنگه و،
سيناو، سيناغ، بارلاغ.
آزمایشگاه āzmayešgāh: ۱. مر.
سيناغ جاي، علمى و فنى
سيناغلارينگ بارلانيان یرى، بارلاغ
جايى.
آزمایشگر āzmayešgar: ص. فا.
سيناغچى، سينجى.
آزماییدن āzmāidan: مص. م.
سيناماق، سلجرمك.
آزمند āzmand: ص. مر. آچ گۆن،

حریص، طاماکین، نبسه‌ور.

آزمودن *āzmudan*: م.م. یاغشی

یامانی سیناماق، یاغشی یامانی

سایفارماق، سلجرمک، سیناغدان

گچیرمک.

آزمون *āzmun*: ا.م.م. سیناو،

برنگه‌و، تجربه حاصلی.

آزوغه *āzuqe*: ا. آزیقا، اییمیت اوچین

گرک بۆلن اؤنوم.

آزان *āzān*: ا. [فر.] ۱. آجان، پاسبان،

۲. آرا دوشوپ ایش بیتیریان.

آزانس *āzāns*: ا. [فر.] وکیلچیلیکی

یرینه یتیریان/خبرگزاری (خبر

برجی‌لیک)، بیر قورولشیق آیری بیر

قورولشیغینک وکیلچیلیگینی بویون

آلیپ ایشلرینی یرینه یتیرمک‌لیگی.

آزیر *āzir*: ص. ۱. دهینلی، نهملی،

هوشلی ۲. خطر جانگی، خبر برمه.

آس *ās*: ا. بۇغدایی اون ادیان دگیرمن

داشی.

آسا *āsā*: پ.س. بو سۆز دینگه منگزه‌مه

سۆزونو آنکلادیار، «یالی، کیمین»

معنیلری بریار، مثال اوچین: «برق

آسا/برق یالی»، «شیرآسا/شیر دیین

یالی».

آسال *āsāl*: ا. [ع.] ۱. اخلاق و قیلیق ۲.

اندیکلر، بللیکلر، نشانه‌لار.

آسان *āsān*: ص. آنکسات، زحمت‌سیز.

ینگیل، قین بۆلمادیق.

آسانسور *āsānsor*: ا. [فر.] آسانسور،

برقی باسسانچاق (بییک جایلارینگ

اؤستونه باسسانچاق یرینه برق بیلن

چیقپ اینیلیان قۇرال).

آسانگیر *āsāngir*: ص.ف. آنکسات

تۇتیا، قین تۇتمایان.

آسایش *āsāyeš*: ا.م.م. دینچلیق،

راحتلیق، فراغتلیق.

آسایشگاه *āsāyešgāh*: ا.م.ر. دینچ

آلیش جای، سیرقاوولاری ایلیتا-دا

کسللی‌لری ساقلاپ درمان ادیلیان

جای.

آسایدن *āsāidan*: م.م.ل. دینچ

آماق.

آسپیرین *āspirin*: ا. [فر.] تگه‌لک آق

قرص، قیزدیرمانی و آغیرینی

کؤشومتک اوچین اولانیلیان درمان.

آستان *āstān*: ص. آرقایین یاتان،

اؤزانیپ آرقان یاتان آدم.

آستان *āstān*: ا. آستانه: ایشیک،

بۇساغا، بارگاه، دربار، کؤووش

چیقاریلیان یر، درگاه.

آستر *āstar*: ا. ایشلیک، ایچلیک



بر

آسترى: ايچلىكلىك.

آستين āstin: ۱. يىڭ، گىيىمىڭ يىڭى.

آسفالت āsfālt: ۱. [فر.] آسفالت

(كۆچەدىر يۇللار قارا قىرى چاگە

بىلەن قارىلىپ قاينادىلىپ يولى

تەكۈزەلەمەك اوچىن دۇكولىان نارسە).

آسم āsm: ۱. [فر.] دىم قىسم، دىم كوتە.

آسمان āsmān: ۱. كۆڭ، كۆك،

آسمان.

آسمان جىل āsmānjol: ص. مىراۋى -

ايل سىز، ساللاخ.

آسمان خراش āsmān xarāš: كۆپ

قاتلى جاي، كۆگە يىتىپ ياتان اۋى،

اگىرت اۋلى جاي.

آسمان غرش āsmān qorēš: ۱. مىر.

يىلدىرىم، كۆك گويوردەمە.

آسمان فرسا āsmān farsa: ص. فا.

كۆگە يىتىپ دۇران، قاتى بىيىك، كۆگە

چكىلىپ دۇران.

آسمان گون āsmān gun: آسمان يالى،

كۆك يالى، گونگ رىڭنىڭ بولان.

آسمانى āsmāni: ص. ن: ۱. كۆگە

دگىشلى، آسمانا باغلى، كۆڭگە

دگىشلى، ۲. خدای لىقولى، خدایا

دگىشلى.

آس و پاس āso-pās: ص. عا. مىفلس،

غرىب، فقير، يۇقسول، مانتاچ.

آسودن āsudan: ص. ل. دىنچ آلمات،

ايشىدىن راحت بۇلماق، آرقايىن بۇلماق،

اينجالماق.

آسوده āsude: ص. مە. دىنچ، آرقايىن،

فراغت، راحت، ارگىن، آسودە.

آسوده خاطر āsude xāter: [فاع.]

كۆڭۈل دىنچلىق، كۆڭۈل راحتلىق،

جايلى، اينى قانى.

آسوده دل āsude del: ص. مىر. كۆڭۈل

آسودەلىنى، كۆڭۈل دىنچلىقى،

كونگۈللى، آلا داسىز.

آسە āse: ۱. ۱. دگىرىم داشى، ھاراز

داشى ۲. يىر تۇخۇملاغا تاييارلىق

گۆرمە.

آسە āse: ۱. بۇغداي اكيىننە دوشيان

ساريلىق كىسلى.

آسە āse: ۱. بىۋىۋىن اونگورغانگ

ايكىنچى دندەسى، بۇغۇنى.

آسيا āsyā: ۱. ۱. ھاراز ۲. يىر يوزونىڭ

باشىدىن بىر بۆلەگى نىڭ آدى، آسيا.

آسيا بان āsyābān: ۱. مىر. دگىرىمچى،

ھارازيان، كلوانچى.

آسيا سانگ āsyāsang: ۱. مىر. دگىرىم

داشى، ھاراز داشى.

آسيب āsīb: ۱. ايزا، اۋرغى، زيان، اذيت،



آزار.

آشتی کنان āštikonān: ۱. م. —.

یاراشماغی یولا بریلمه، میلپس،
یاراشیق میلپسی یولا قویما.

آشخانه āšxāne: ۱. م. —. آشپزخانه،

آشاوی، یوریته ناھار اوچین سالینان
جای.

آشغال āšqāl: ۱. چۆر- چۆپ، ھاپا،
اتیریندی زاتلار، قالیندی، دۆکوندی.

آشغالدان āšqāldān: ۱. م. —. ھاپا، چۆر
چۆپلری قویولیان قاپ، آشغال

قویولیان جای.

آشفتن āšoftan: م. ص. ل. ۱. توقات

یاغدا یا دوشمک، چاشغین حالا
دوشمک، ۲. قاھارلانماق، آلبیراماق.

آشفته āšofte: ۱. سرگزدان، آنگالان،
دارغان، چاشغین، آلبیرانگ، پریشان

آشفتگی: چاشغینلیلیق،
توقاتلیلیق، آلبیرانگلیق.

آشفتهدل āšoftedel: م. م. —. پریشان
حال، توقات یاغدا یلی، بوزوق

کۆنگوللی، چاشغین، آلبیرانگ.

آشفته عقل āšofteaql: م. م. —. مجنون،
دالی، عقلین ییتیرن، چاشان،

آلبیرانگ، الم تاس.

آشکار āškār: م. —. آیدینگ، عیان،
آچیق، مالییم، آنیق، بللی، آشکار، مه سانگا.

آسیمه āsime: م. —. توقات، چاشغین،

آلبیرانگ، اوغرونی ییتیرن،
قایغیلی.

آش āš: ۱. سوووق داماق، سوووق آش،
آش رشته: اؤنلی آش آش شیربرنج:

سویتلی آش، آش شل: سوووق آش
آش دهان سوز (کنا). پیدالی

کیردمجی معنیده آش ماست:
قاتیقلی آش.

آشام āšām: ۱. (=اشام) ایچمیلی زات،
شریت و اییمیت.

آشامیدن āšāmidan: م. م. —. ایچمک
آشامیدن: ایچمیلی زاد دگیشلی،

سوو، چال و نوشابه یالی نارسه.

آشپز āšpaz: م. ص. —. آش بیشیریان آدم،
یوریته ایشی آش بیشیرمه بیلن

بولیان، اییمیت بیشیرجی، آشپز.

آشپزخانه āšpazxāne: ۱. م. —. آش او،
یوریته آش بیشیریلیان جای.

آشتی āšti: ۱. یاراشیق، بارلیشیق،
اویک- کینه یا اوزوشدان سؤنگ

بولیان ایلاشیق، یاراشیقلیق.

آشتی پذیر āštipazir: م. فا یاراشیفا
تاییار بۆلن آدم، ایلاشیفا اوپجون

بۆلن آدم.

آشکارکردن āškār kardan:

مص.م. یایماق، عیان اتمک، آشکار اتمک.

آشکوب āškub: ۱. جایینگ هر بیر

مرتبه‌سی، جایینگ اوستی، بام ۲. یر آدالغاسیندا: یرینگ بیرقاتی، قاتلاق، قات.

آشنا āšenā: ص. تانیش،

دوست-یار، آشنا.

آشناگر āšenāgar: ص. یوزوجی،

غواص.

آشوب āšub: ۱. مص. بۇلاغای لیق،

فتنه، بۇزغاق لیق، غۇغا، آغیم-دونوم لیک.

آشوبگر āšubgar: ص. فنا.

بۇلاغایچی، فتنه‌چی، بۇزغاقچی،

شرچی.

آشوفتن āšoftan: مص.ل. ۱. توقات

بۇلماق، آنگالماق، آلبیرانگلی

بۇلماق، چاشماق، ۲. غضبلانماق،

قاهارلانماق.

آش‌ولاش āšo-lāš: ص. دربی داغین،

پیترانگ، چاشغین، یارانگ

ایزاسیندان چیرکله‌مک، قان قوق یوزه

چیقماق، پورسان پیتران ماسلیق،

مردارینگ پیتراماگی.

آشیان āšiyāne: ۱. (=آشیانه)

هؤوورتگه، کتیک ۲. اووی، مسکن،

مکان معنی‌ده.

آصال āsāl: ۱. [ع] ۱. تویس، اصللی

آدم‌لر، ۲. آغشام آرا، گون آیاغینی یره

دیکن چاغی، جمع اصیل.

آصف āsef: ۱. خ. اول برخیانینگ

اوغلی، سلیمان پیغبرینگ وزیری،

ارته‌کیلرده هم آدی گلیار. روایت

ادیارلر: اول علم غیبیدان خبرلی

بولوپ، ملکه بلقیسینگ تختینی گوز

آچیپ یومیانچالار سلیمانینگ

قاشینا گتیرنمیش. شيله‌ده اول دانا

و فراستلی وزیر بۇلمالی، آصف جاه:

اؤلی وزیرلرینگ بیر ناچه‌سی نینگ

لاقامی.

آقا āqā: [ت] حرمت سؤزی بۇلۇپ آت

بیلن باغلانیشیقلی، خاص-دا

عیاللارینگ و خواجه‌لارینگ

آدی نینگ اؤنگی بیلن بيله‌لیکده

چکیلیار، ارکک آدم‌لار حقدا آقا

دییلیار.

آغاچ āqāč: ۱. [ت] آغاچ، باغ ۲.

فرسنگ معنیده.

آغار āqār: ۱. چیغ، نم، ایزغار، اؤل،

ایغال.

آغاز āqāz: ۱. باشلانغیج، باشلاما،

ایلکی ایشینگ باشی، دسلاپ.

آغازگر āqāzgar: ص.فا. ۱. ایلکی

باشلایجی، باشلایجی، ۲. آط چاپنی



آدالغ-اسیندا؛ آط اؤغلانلاری
اؤغرادیان.

آغر āqar: ۱. قوری چای، سیل گلیپ
گچنده چایدا بۆلک پوچک، آز اولاق
قالان سؤو.

آغشتن āqēstan: مصم قارماق،
ازمک، قاریشدیرماق، بؤلاشدیرماق،
قاریم-قاتیم اتمک، یؤغورماق.
آغشته āqēste: ۱. مذ یؤغوریلان،
بؤلاشان، قاریشان.

آغل āqol: ۱. [ت] (= آغال) آیمان،
آیلاو، ماللاری ساقلاماق و اکلهمک
اوچین چکیل دیوار، آغاچ آیلانان یر،
قویون یاتاق، تاویق کتک.

آغنده āqonde: ۱. ۱. پامیقدا ادیلن
گوله، اگیرمک اوچین تاییارلانا
پامیق ۲. زهرلی کلپلی موی، رتیل.
آغوز tāquz: (= آغز) آویز، تازه قۇزلان
سیغیر و قویون یالی مالینگ ایلکی
سوددی.

آغوش āquš: ۱. [ت] تورک دیلیندن
آلینان؛ بو آت تورکلرینگ بنده و
غلاملارینا داقیلیان آت دیییپ
دوشوندیریش بریلیار.

آغوش āquš: ۱. قۇجاق، قۇیۇن،
قۇلتۇق. در آغوش گرفتن؛
قوجاقلاماق، قوجاغینکا آلماق، قۇینا

سالماق.

آخیل āqil: ۱. ۱. گؤزونگ قیتاغی بیلن
گؤزله مک، ۲. قاهر بیلن سراتمک.
آفات āfāt: [ع] کسللر، دردلر،
ایمگیلر، ناساغلیقلار، جمع آفت.

آفاق āfāq: ۱. [ع] کنارلار، قیرالار،
أفقلار، جمع افق.

آفت āfat: [ع] بلا، زیان، کسل، درد،
ایمگ، آفات جمع.

آفتاب āftāb: ۱. گونش، گون.

آفتاب پرست āftābparast: ۱. ص. ۱.
گونه چوقۇنیان، گونه سیغینیان،
گون پاراز ۲. (= حریاء) پاشلاق، کلپزا
منگزش سويرنجی حیوان؛ بو جانلی
گونیشده اؤز رنگینی اویستگه دیپ
اوتلارینگ اؤستونده اؤتوراندا اؤزونو
شول اوتلارا منگزدیار.

آفتاب زدگی āftābzadegi: ۱. ح. مص.
گون اورماقیلیق، گون یاقماقیلیق.

آفتاب زده āftābzade: ۱. ص. گون اؤران،
گون یاقان، گون کؤیدورن.

آفتاب گردان āftābgardān: ۱. مر.
گونه باقار.

آفتاب گیر āftābgir: ۱. ص. ۱. گون
دوشیان یر، گون دگیان جای، ۲. چتر،
سایه بان.





آفتابه

آکادمی ākādami: ۱. [فر] یونانیڭ

آتڭ دېيڭ شھرىندە بۇلان بېر باغىڭ
آدى. اول باغدا افلاطون اۋز

شاگردلرىنە فلسفە سافاغىنى بېرڭ
اكن. سۇڭك سۇڭگلار علمى مركزلرە
اۋورولپ گۇرنوكلى عالملاڭ

علمى و ادبى مسئلەلر بويونچا
يۇرتتە علمى درىڭگە و ايشىنى آليپ
بارىليان يىرىنە اۋورولپ آخىر
«آكادمى» دېيڭ آد قالپار و قالپىدېر،
شېلەدە آكادمى سۆزى علمى ادبى

اۋتۇرشىقدا شوندا قالپار.

آكادمىسىن ākādemisiyan: ۱. [فر]

آكادمى نىڭ عضوى، ايشكارى.

آكتور ākor: ۱. [فر] آرتىست، تآتېر

صحنە سىندە رول اۋيناڭان آدام.

آكتىو āktiwi: ۱. [فر] تالاشچانگ،

ايشىڭر، ايشە بېشىش.

آكروباسى ākrobasi: ۱. [فر] طناب

اۋىنى، آغىر دىمىرى زىڭما و

ژېمناستىك يالى اويون، اول چىتىڭ

ورزشلردن حسابە گلىار.

آكل ākel: ۱. [فاع] داماقچى، ايبەجڭ،

ايبەچڭگ، آكلېڭ جمع.

آكندن ākandan: ۱. مص. م. دۇلدۇرماق،

بېر قابى يا بېر زادى دۇلدۇرماق،

آفتابه āftābe: ۱. كوندوك.

آفتابى āftābi: ۱. ص. گونشلى، گونش.

آفريدگار āfaridegār: ۱. ص. فا. يارادان

الله، خلق اديجى، يوقدان بارا

گتيريجى، خداى تعالى نىڭ

آدلارنىڭ بېرى.

آفريدان āfaridan: ۱. مص. م. ياراتماق،

خلق اتمك، دۇرتمك، يوقدان بارا

گتيرمك.

آفريدە āfaride: ۱. مذ. مخلوق، خلق

بۇلان، دۇران، يوقدان بارە گلڭ.

آفرىن āfarin: ۱. برەكللا، تسوولەمە،

ساغ بول، ياغشى، دعا، شكر ثنا.

آفرىنش āfarineš: ۱. مص. ياراتما،

دۇرتسمە، دۇرەدىش، يارادىلىش،

دۇرەدىجىلىك.

آفند āfand: ۱. اۋرۇش، سۇوش،

دوشمانلىق يوزوندن بولپان اۋرۇش.

آق āq: ۱. ص. [ت] اق.

آقا āqā: ۱. [ت] حرمت سۆزى بولوپ

آداملارنىڭ آدى بىلڭ همرا، مثال

اوچىڭ فلان آقا دېيڭ يالى.

آقاسى āqāsi: ۱. [ت] بېيىك، اۋلى، بايار.

آق ساقال āqsaaqāl: ۱. ص. [ت]

آق ساقال، آق ساققال، ياش اۋلى، اوبا

ياش اۋلۇسى، قۇجا.

هم زنانه لرينگ آيديشى يالى: تازه
چاغا دوغوران عايال اؤيده يکه قالسا،
اونگا جن دير پرى و ش.م. صدمه و
آزار يتيرپ هلاک اديانميش دييارلر.
اول آلتينجى گيجه چاغا دوغاندان
سؤنگ، چاغا دوغوران عايالينگ باش
اوجونا گليپ اونونگ يورک باغرين
چيقارپ اکيديانميش. آيديلشينا
گؤرأ: چاغا دوغوران عايالى حماما
اکيديلمأنى، يکه قويولمايان.

آل āl: ا. [ع] اهلى ماشغالا، فرزندلر
آل الله: اوليائى الله، پيغمبر اسلامينگ
خاندانى. آل رسول: حضرت
رسولينگ اولادلارى، آل على، سادات،
اميرالمؤمنين على و فاطمه زهرا
نسليندن بۇلان، علويين.

آل āl: ص. آل، قيزيل رنگ، آچيق
قيزيل.

آلات ālāt: ا. [ع] آبزاللار، ابزارلار،
قۇراللار، شأى-شوىلار، جمع آلت.
آلاچيق ālāliq: ا. [ت] آغاچ اؤى،
تورکمن آق اؤى.

آلاف ālāf: [ع] مونگلر، جمع الف.
آلاله ālāle: ا. لاله گل، قيزيل لاله،
چيگيلدم گل.

آلام ālām: [ع] اونجىلر، دردلر،

ياسسيق و يۇرغان يالى زادى
پاميقدان يونگدن دۇلدورماق.

آگاه āgāh: ص. خبرلى، ساق، يتيك،
خبردار، آگاه، سرهساپ.

آگاهى āgāhi: ا. مص. خبرلى بۇلماق،
بليملى بۇلماق، آگاهى خواستن: خبر
سورماق، آگاهى دادن: خبر برمک،
آگاه اتمک.

آگاهى āgāhi: ا. انتظامى قۇرمانينگ
ببر بۇلومى، اول ياداوسيز اوغرى و
جسنايتکارلرينگ قارشى سينما
گؤرشيآن اداره.

آگاهيدن āgāhidan: ا. مص. ل. آگاه
بۇلماق، خبرلى بۇلماق، خبردار و ساق
بۇلماق.

آگرت ساحل āgart-e-sāhel: ا. مر.
آق هۇقار.

آگشتن āgāštan: ا. مص. م. (= آغشتن)
إزمک، قاريم قاتيم اتمک،
قاتيشديرماق، يۇغۇرماق.

آگهى āgahi: ا. ايغلان، بيلديرش،
رکلاما.

آگنيدن āganidan: ا. دولدورماق،
آنبارلاماق، دۇلى، قيرما-قيرات اتمک.
آل āl: ا. عاملار-توپارلارينگ و هم
بولغى سيز دأبلر آدالغاسينا گؤرأ و

كۆركىلەر، آغىرىلار، رىنجلار، ايزالار،

جمع الم.

آلايش *ālāyesh*: ا.مص. بۇلاشيقلىق،

قاتىم - قارىملىق، يوغورىلىش،

آراسسا و ناپاك زادىنىڭ قاتىشماغى.

آلايىدن *ālāyidan*: م.مص.م.

بۇلاشدىرماق، قارىشىدىرماق،

يوغۇرىشىدىرماق.

آلب *āl̄b*: [ع] تىكنلى آغاچ.

آلب آرسلان *āl̄barslan*: ا.خ. سلجوق

شاھلاردان، چۇغل بېكىنىڭ اۇغلى.

آلبالو *āl̄bālu*: ا. تۇرشۇمتىق ائىمىش،

عموماً اۇنگا «آلبالو» دىيىلىار.

آلبوم *āl̄bum*: ا. [فر] صورت، تمبر

يالى نارسانى يۇزىتە يادگارلىك

اۈچىن اۈنۈڭ ورقلارىنىڭ يۈزۈنە

بىلمىيان دفتر تاۋىرەلى نارسە.

آلت *āl̄at*: [ع] آبزال، اسباب، قۇرال،

شای-شوى، آلات جمع.

آلبا *āl̄e-abā*: ا.مر. [ع] پىغمبىرىمىز

حضرت رسول اكريمىڭ (ص)

ماشغالاسى. حضرت رسول اكرم و

اميرالمؤمنين على، فاطمە، حسن و

حسين عليهم السلام (بىر گۈن

پىغامبىرىمىز اۈز كۆرەكنى على و

قىزى فاطمە زهرا (س) و ايكى

آغتىغى بىلن بىلەلىكدە بىر دۈنۈڭ

آشاغىندا ياتان اكنلر. اۈنى گۈنلر،

اول گۈندىن سۇڭ، اۇلار ۵ تن يعنى

باش آدم بۇلماقلارينا گۇزا باش تن آل

عبا دىيىپ آدلاندىرىپ دىرلار.

آل عمران *āl̄e-omran*: ا.مر. [ع]

حضرت موسى دان قالان نسللر.

اۈنۈڭ آتاسىنىڭ آدى عمران

بۇلماغىنا گۇزا، اۈنگا عمران

دىيىلىپ دىر. ۲. قرآن كريمىڭ

سۈرەلارنىڭ بىرىنىڭ آدى.

آلفتن *āl̄oftan*: م.ص. تلبە بۇلماق،

آلبىرانگ بۇلماق، چاشغىن بۇلماق.

آلفتە *āl̄ofte*: ا.مف تلبە، اۈغرىنى

يىتىر، آلبىرانگ، چاشغىن.

آلنگ *āl̄ang*: ا. سىنگر، خندق،

قالانىڭ داشىنا چكىليان ديوار. اول

ديۋارىنىڭ دىنگە دوشمانىنىڭ

قارشى سىندا قۇرئانماق اۈچىن،

گۈزۈليان چارە و آدادالار.

آلو *āl̄u*: ا. آلو، ميوەلر توپارىندان بۇلان

توروشومتىق ائىمىش.

آلوبالو *āl̄ubālu*: ا. عموماً آدى آلبالو.

اول توروشومتىق ميوەلردىن بولىار.

آلوچه *āl̄uče*: ا. ھالچك آدىندا بۇلان

ميوە.



آلوبالو



آلو

- آلودن āludan: مص.م. بۇلاشديرماق،
يۇغۇرماق، ھاپالاشديرماق. اگرده:
«ا.مف» بولاشيق، قاريشيق، ھاپاليق.
آلونك ālunak: ا. چاتما، كومه، ايشك
آرقا، نيژده، پارخاو.
آله ālehe: ا. [ع] خدای لار،
تانگري لار، معبودلار، اربابلار، جمع
اله (قديمقى ايناملار).
آلى āli: ص.ن. شیمی علمی نینگ بير
رشته سی، بير بۆلومی.
آماج āmaj: ا. ۱. نیشانا، بلیک، تارپ،
توممک ير، ۲. دمیر آزال.
آمادگاه āmādgāh: ا.مر. اُرتیشه-
قوشونا تاييارلیق گۇرولیأن ير، اییم-
ایچیم و اگین-ایشیک نارسه لری
تاییارلانیان جای.
آمادگی āmādegi: ا. تاييارلیق،
حاضیرلیک، اوپچین لیک.
آماده āmāde: ا.مف تاييار، حاضیر،
اوپچین، تاييار.
آمار āmār: ا. سان، حساب،
كۆيچوليگینگ یاشایشینا و
دورموشینا گۆز یتیرمک اوچین بير
شهرینگ یا یوردونگ آدمالری نینگ
سانینی و دورموشینی گۆزکزمه.
آماردار āmārdār: ا.ص. حسابگار،
حسابدار.
آمارشناس āmāršenās: ا.ص.
آمارینگ قاعده و دوزگونیندن خبرلی
آدام، آمار بیلن قیزیقلانیان آدام.
آمارگر āmārgar: ا.ص. آمار ایشینی
یرینه یتیریان آدام.
آماس āmās: ا. چیش، پۆکگرمه،
اندامینگ ناساغلینیندان عمله گلیأن
یاریلما و دؤویلمه دن یوزه چیقیان
چیش.
آماسیدن āmāsīdan: مص.ل.
چیشمک، قابارماق.
آمال āmāl: [ع] آرزولار، امیدلار،
ایسلگر، جمع امل.
آمایش āmāyesh: ا.مص. زیبایلیق،
گۆزکلی لیک، بزیگیلک، آوادانلیق،
تایيارلیق.
آمبولانس āmbulans: f. [فر] ناساغ،
سرقاولاری شفاخانه بیمارستانا
قاتنادیان یۆریته تیز کومک ماشینی.
آمپر āmper: ا. [فر] برق-الکتریک
انرگه گویجونى اۆلچه یان یۆریته
قۇرال.
آمپرسنج āmpersanj: ا.مر. برق-
الکتریسیتە نینگ گویجونى
اۆلچە لیان قۇرال.

آمپول āmpul: ۱. [فر] ناساغلارا
اۋرۇلىان ايگنه.

آمدن āmadan: مصل. گلمک،
يتيشمک، حضور تاپماق. آمد و شد:
گليم-گيديدیم، قاتناشيق،
باريش-گليش.

آمر āmer: ۱. [فاع] بويروقچى، حکم
ايدىجى، فرمان بروجى.

آمرزش āmorzeš: ۱. مصل.
باغيشلاماق، خدای تعالى نينگ
بندهلرينه ادن عاصى چيلينغىنى،
اۋلندن سۇنگ اۋتمکليگى،
باغيشلاماى.

آمرزنده āmorzande: ۱. فـا
باغيشلايىجى، يازيق گچىجى،
يالقايىجى.

آمرزیدن āmorzidan: مصل. م.
باغيشلاماق، يازيغى اۋتمک.

آمرزیده āmorzide: ۱. مـفـ باغيشلاناتان،
يارادان يازيغىنى گچن آدام.

آمرزش āmorziš: ۱. مصل. (=آمرزش)
باغيشلايىش، باغيشلاماق، عفو
اتمک.

آمنه āmene: ۱. بير آرقا اۋدون، بير
اويشمک اۋدون.

آمنه āmane: ۱. [ع] عربلارینگ

قىزلارينا داقيان آدى، ۲. حضرت
رسول اکرمينگ (ص) اجهسى نينگ
مبارک آدى.

آموختن āmuxtan: مصل. ۱.
اۋورنمک، اۋورتىمک. آموخته:
اۋوره ديلن، اۋورهنن، ۲. اندىک ادن،
بيشيشن.

آموزش āmuzeš: ۱. مصل. اۋورتىمک،
اۋوره ديش، اۋورهنيش.

آموزشگاه āmuzšgah: ۱. مر. ساپاق
اۋوره ديليان جاي، علم و هنر
اۋوره ديليان مکان، مکتب، مدرسه.

آموزگار āmuzgār: ص. فا. مکتب-
مدرسه نينگ معلمى، ساپاق بريان
آدام، اۋوره ديجى، استاد.

آموزیدن āmuzidan: مصل. ل.
اۋوره تىمک.

آمیختن āmixtan: مصل. م.
ياناشدیرماق، ياقينلاشماق،
قاريشدیرماق، يۇغۇرماق.

آمیزش āmizeš: ۱. مصل. ياناشماق،
ياقینلاشماق، بيله ياتماق.

آمین āmin: [ع] دعادان سۇنگ
ايدىليان سۇز، خدای تعالى غا «قبول

ات، مستجاب ادهور» دييىپ يالبارما
سۇز.

آنجهان ānjahān: ا. مر. اول دنیا،
آخرت.

آنچنان ānčenān: ق. اول جور، اول
تأویر، اول هیل.

آنچه ānče: ا. هر زات، اول زات.

آنفلو آنزا ānfeloānzā: ا. [فر]

قورساق- سونگک آغیری یونگالاما،

دومه وله مه و یوقوشیق قیزدیرما

کسلی.

آنقوت ānqut: ا. آلاغان، آنقغاز.

آنی āni: [ع] دره، شو دم، شو چاق،

باسم، چالت، چاقغان. بیر دنه

آوا āwā: ا. آواز، هنگ، سس.

آوار āwār: ا. توت توزان، جای

بوزولپ ییقیلان بام و دیوار.

آوار āwār: ص. آواره سوزونگ

قیسغالتماسی، یوردونداش

دوشوپ ایغیپ یوون، بللی

مسکن سیز.

آوار āwār: ا. ایذا، رنج، ستم، زورلیق،

تالاماق، دوزگون سیزلیک.

آواره āwāre: ص. بللی مسکن سیز،

ایش سیز انتاپ یوون، سرگردان، آواره،

ساللاخ. آوارگی: سرگردانلیق،

ساللاخلیق، آوارالیق.

آواریه āwāriye: ص. [فر] زوال یتن،

آن ān: ض. اول، اوم- اشاره سوز، داشدا
دوران آداما اشاره: «اول آدام»، «شول

آدام» دیین یالی.

آن ān: [ع] وقت، چاق، چاغ، دؤویر، گوز

آچیپ یومیانچا. آنا: شول دم،

پاسیر-پوسیر، دره، شول حال.

آنا ānā: [ع] بوتین گون یا گوندیزینک

بیر بوله کی.

آناتومی ānātumi: ا. [فر] اندام

تانیحیلیق بارادا بۇلان علمی بارلاق؛

اندامی دیلمه، اولن آدمینگ سیناو

اوچین اندامینی کسمه.

آنارشی ānārši: ا. [فر] دوزگون-

سیزلیک، بوزغاقچیلیق، یوردونگ

حاکم سیزلیگی و قانون سیز لیگی.

آنارشست ānāršist: ص. [فر]

دوزگون سیزلیگی ایسله یان، فتنه نی

سویانلار.

آناف ānāf: [ع] بورونلار، جمع انف.

آناناس ānānās: ا. [فر] آناناس (آسیا،

آفریقا و اروپانینگ ایسیسی یرلرینده

عمله گلیان اوسوملیک و اونونگ

اگره لپ دوران توغلاق، یاقیم لی

ایسلی اییلیان میوه سی).

آنجا ānjā: ق. داش یره و یا بیر مکانا

اشاره، اول یر، اول جای.

آویز āwiz: ا. مص. اۋرۇش، سۋۇش،
دوشمان بىلن سۋۇش اتمك.

آویزان āwizān: ص. فا. ساللاغلى،
آسغىلى، آسىلىپ قويولان.

آويشن āwišan: ا. كاكىلىك اوتى.

آه āh: اۋكونچ سۋزى، آخ دىيىپ
اۋزىندان دم آلماق.

آهار āhār: ا. كتىرا و نشاستەدان
بجىريلىان مایع، اۋل مایى پارچا

اوروپ قاتىدىپ، سۈنگ، پتلى اديپ
قاتلاو اوچىن گىيم لره اۋلانىليان.

آهسته āheste: ص. يۋواش، آسسا،
سس سىز، اوين سىز. آهستگى:

يىواشلىق، آسسالىق.

آهك āhak: ا. هك، اكسيد كلسيوم.

آهمند āhmand: ص. يالانچى،
يازىقلى، عاصى، گناھلى.

آهن āhan: ا. دمير.

آهن پاره āhanpāre: ا. مر. بۆلك
پوچك دمير، آنىق اۋشاق دمير.

آهن ربا āhanroba: ا. ص. دميرى
اۋزونه چكىان قۇرال، دميره خركت

ساليان مغناطيس، داش مغناطيسى.
آهنگار āhankār: ا. ص. دمير

اۋسساسى، آهنكر.

آهن کش āhankeš: ا. ص. دمير

خراپلانان، ضايلانان، خسارت گۈن،
آواره.

آواز āwāz: ا. سس، آهنگ، آواز.

آوازه āwāze: ا. چاو، شهرت، دابارا، آد
چىقارما، سارسغىن.

آوازه خوان āwāzexan: ا. ص. (=)
آوازخوان) آيدىمچى، باغشى.

آوانس āwāns: ا. [نر] بىعانه،
اۋنگوندىن كىسكىتلاپ بىريلىان پول،

زحمت حقى.

آوردگاه āwardgāh: ا. مر. اۋرۇش
ميدانى، سۋۇش مكانى.

آوردن āwardan: مص. م. گتيرمك،
بىر يردن آليپ گللك.

آورنده āwarande: ا. فا. گتيرىجى،
آليپ گلىجى، آليپ گلن.

آوريل āwri: ا. [فر] فرنگى، يعنى
مىلادى تقويمىنگ دۇردونجى

آينىنگ آدى.

آوند āwand: ا. ۱. قاپ، كوزە، سۋو
كوزەسى، شراب كوزەسى، ۲.

اۋسوملىكلرىنگ آدالفاسىندا
اوتونگ شيرهسى نىنگ آقبيان

تۇرباسى، لولەسى.

آويختن āwixtan: مص. م. آسماق،
ساللاماق، بىر زاتدان ساللانماق.

چكيجى قۇرال.

آهنگ āhang: ۱. ساز، آواز، هېنگ، ۲.

قصد، نيت.

آهنگر āhangar: ۱. ص. دمير اۇسسا،

دمير ايشى بىلن قىزىقلانغان اۇسسا.

آهنگساز āhangsāz: ۱. ص. ساز

دۇردىان آدم، آهنگ ياسايان.

آهني āhanin: ۱. ص. ن. دميره باغلى

بۇلان، دميردن ياسالان پوختا و ماكام

نارسه، دميردن دمير.

آهو āhu: ۱. كىيىك، چرن، مارال.

آهوبره āhubarre: ۱. كىيىك چاغاسى،

توقار.

آهوپا āhupā: ۱. مر. كىيىك يالى

يۇرتيان، يىلدام، قاتى يۇرۇڭ جانلى.

آهوپا āhupā: ۱. مر. (=آهوپاي)

جايىنىڭ ديوارىنىڭ يوزونە چكىلىان،

بىر تويىسلى گچ ئىرىنىڭ ادى.

آهوچشم āhučesm: ۱. ص. مر. آوادان

كۆزلى، كىيىك كۆزلى، چرن كۆزلى.

آهودل āhudel: ۱. ص. مر. قۇرقاق، سەل

زاتنان قۇرقىان ھېك.

آهوكوهى āhukuhi: ۱. مر. آيراق، داغ

كىيىكى.

آهون āhun: ۱. كارىز.

آهون بر āhunbar: ۱. ص. كارىز قازان.

آهياه āh(i)yāne: ۱. كەكە كاسەسى،

مغزىنىڭ اۆستونده يىرلىشان سونگك.

آي āy: خطاب اديپ قىغىرما، يوزلنمە.

آي āy: اۆكونچ سۆز، آي درىغا، واخ

بۇلمادى دىين يالى، آي.

آيا āyā: سوراماق نشانهسى، بىر زادا

دوشونمك يا آكاھى تاپماق اوچىن

اولانىليان سۆز.

آيات āyāt: [ع] آيەلار، نشانهلار،

علامتلار، معجزەلار، قرآنىنىڭ

آيەلارى، جمع آيە.

آيت āyat: ۱. [ع] (=آيە) آيت، نشان،

بلىكى، علامت، معجزە.

آيە الكُرسى āyatol-korsi: ۱. مر. [ع]

اول سورة بقره ده: «الله لا اله الا هو

الحى القيوم» سۆزلر بىلن باشلايار.

آيە الله āyatol-lāh: ۱. مر. [ع] دىن

اوغروندا بىلیم آلان عالم، روحانى،

مجتهد، آخوندىلىق درجەسىنى آلان.

آيش āyeš: ۱. مص. بىر يىل اۇنگوندىن

اكيش يىرى سۇوارىپ قويماق، يىرى

تخت اديپ منگزىتمك، يىرىنىڭ زورىنى

كۆپلىتمك اوچىن كۆرولىان چارە.

آينده āyande: ۱. فا. گلجىك، گلجىكى.

آينه āyene: ۱. آينا، كۆزكى.

آيين āyin: ۱. دوزگون، عادت،



یول-یوردا، قادا، دسسور.

آیین بندی *āyinbandi*: ا.مر.

بزه مک، کوچه و خیابانلاری و

دکانلری دورلی گۆرنوشده، دوره گهی

ایشیقلار بیلن شاغلانگدا

بایرامچیلیقدا آوادانلاماق، بزه مک.

آیین جمشید *āyine-jamšid*: ا.مر.

قدیمقی ایرانلی سازلارینگ بیرینینگ

آدی.

آیین دادرسی *āyine-dādersi*: ا.مر.

محکمه لرینگ پایه اصولی،

دادرسی-نینگ یول یورداسی.

حقوقی و کیفیری دعوالارا

یتیشیکلیک اتمک اوچین قانونلار

بویونچا دوزولن دادگاهلار طرفیندان

دعوا ایه لرینگ حقینا اؤنگات

گۆزلگچلیک ادیلمه.

آیین نامه *āyinnāme*: ا.مر. دوزگون-

نامه، اساسنامه، قاعده و دستورنامه.

آیینه بندان *āyinebandān*: ا.مر. کۆپ

آینالاری بایرامچیلیقدا قاپی یا

دیوارینگ یوزونده اونگاتجا قویۇپ

بزه مکلیک.

آیینه کار *āyinekār*: ا.ص. آینا ایشی

بیلن قیزیقلانیان آدام.

آیینه گون *āyinegun*: ا.ص. آینا یالی،

آینا منگزش ۲. آجیق، صاف.



alef (همزه يا الف فارسی) الفبانیڭ
بیرینجی حرفی.

ائتلاف e'telāf: مص. [ع] بیرلشمک،
دوستلاشماق، بیریکمک.

ائمه a'emme: [ع] اماملار، دینی
یولباشچیلار، جمع امام.

اب ab: ا. [ع] آتا، دأده، آقنا، آبا جمع.
إبا ebā: مص. [ع] ساقلانماق، قایرا
دۇرماق، یوز دۇندۇرماق.

ابایل abābil: ا. جمع سۆزی،
کلمهسی، دسته، بۆلک-بۆلک.

ابان abān: ا. شمس یییلینڭ
سکیزینجی آیینینڭ آدی.

ابتدا ebtedā: مص. [ع] باشلاماق،
باشلانغیچ، ایش-باشلاماق، ایلکی.

ابتدال ebtezāl: مص. [ع] کۆپ
ایشلاپ کۆنلتمک، قدرسیزلیق،
کۆنهلیک، ایمیقلى ایشه اۇرماق.
ابتر abtar: ص. [ع] قۇرۇغى كىسىك،
ذریات سیز، فرزند سیز.

ابتکار ebtekār: مص. [ع] تازەدن
تاپماق، تازەلیک، اوزال گۆزولمه دیک
زادی تازەدن تاپماق گتیرمک.

ابتلا ebtelā: مص. [ع] بلا دۇچار
بۇلماق، غضبا قالماق، ناساغلیغا
اۇچرماق، یۇلۇغماق.

ابتهاج ebtehāj: مص. [ع] خوشلوق،
شادلیق، شادیانلیق.

ابتیاع ebtyā': مص. [ع] ساتین آلماق،
خرید اتمک، آلیجی لیک.

ابد ۱: abad [ع] همیشه‌لیک، مدامالیق،
عمرلیک، باقی، ابد.

ابداع 'abdā: [ع] جمع بدع، بدعتلار.

ابداع 'ebdā: مص. [ع] تازه‌دن بیر
زادی تاپماق، دۇرتمک، یۇقدان بارا
کتیرمک.

آبدال abdāl: [ع] جمع بدل و بدیل؛
چهلتن‌لر، بدل‌لر، صالح تقوا آدم‌لار،
ارلر، درویشلر، قلندر.

آبدال ebdāl: مص. [ع] اؤویرمک،
بگشیرمک، چالشیрмаق.

آبدان abdān: [ع] جمع بدن، بدنلر،
انداملار، تن‌لر.

آبداء ebdā: مص. [ع] آشکار اتمک،
آنیقلاماق، آیدینگلاماق، عیان اتمک.

آبدی abadi: ص.ن. [ع] همیشه‌لیک،
میدامالیق، اۆلمز بیتمزلیک، باقی‌لیق.

آبدیت abadiyyat: ۱. [ع] ایمیقلی‌لیق،
همیشه‌لیک، میدامالیق؛ ۲. آخرت،
محشر.

آبر abr: ۱. بولوت.

آبر abar: ۱. یوقاری، اۆست.

آبرار abrār: [ع] جومارتلار، سخی‌لار،
الی آچیق‌لار، ایله یارایانلار، جمع بر.

آبراز ebrāz: مص. [ع] آچیق‌لاما، یوزه
چیقارما، بیلدیرمه، آشکار اتمه.

آبرام ebrām: مص. [ع] آياق دیرمه‌ک،
برک دۇرماق، بیر ایشده پوختا
دۇرماق.

آبراء ebrā: مص. [ع] پاک‌له‌مک،
بیزارلاماق، ناساغلیقدان دیندارپ
شفا برمک.

آبرش abreš: مص. [ع] اؤز دۇرمۇش
رنگیندن یعنی آیراتین‌لیقدا بۇلان
ساقنار خال خاللی بۇلان چیپار آط،
ساقنار آط. مکان آبرش: دورلی رنگده
بولان اوتونگ مکانی، یری؛ دورلی
رنگده بۇلان اوتلی پر.

آبرنو بهار abre-nobahār: ۱. مر. یاز
فصلی‌نینگ بۆلۆدی.

آبرو-۱. abru: قاش، ابروان جمع.
آبروترش کردن abru torš kardan:
مص.ل. قاش چیتیمک، یوز
تورشوتماق.

آبرو کمان abrukamān: ص. قاشی
یای، یای قاشلی.

آبرو گشاده abrugošāde: ص. آچیق
یوزلی، گولر یوزلی.

آبره کوچک abrahe-ye kuckak:
۱. تۇغداری.

آبری abri: ص.ن. بۇلۇتلاق، قارامیق
هوا.





ابكار ebkār: مص. [ع] دانگ آتيرماق،

گيجانى اؤتورمك.

ابكار ebkār: [ع] جمع بكر، ال

دگمه ديك، ال اورولماديق، قيز اؤغلان،

بير زادينگ ايلكىسى، انه آتانگ

دسلايقى چاغاسى.

ابكار abkār: ا. (= ابكاره) اكرانچيلىق،

تايخانچيلىق.

ابل ebel: ا. [ع] دويه، ديه، آبال جمع.

ابلاغ eblāq: مص. [ع] قاوشيرماق،

خبر برمه، بيلديرمك، خط دير يا

بيلديرش يالى نارسانى بيرينه

يتيرمك، بيرى نينگ سارغيدىنى

قاوشيرماق.

ابلق ablaq: ص. [ع] آلا رنگ، قارا آلا،

چيپار آق آلا آط، چال آط.

ابله ablah: ص. [ع] آقماق، آنگلامازاق،

ساسوو، سامسيق، عقتليسز،

سنگسه.

ابلهانه ablahāne: ق. ص. [ع. فا]

نادانلىقدان، سامسيقلىق،

سامسيقلار يالى، آقماقلار يالى.

ابليس eblis: ا. [ع] شيطان، عزازيل،

عزازيل، ملعون، خداى تعالى نينگ

رحمتيندن اميدسيز بولوپ داش

دوشين، ابليس، ابالسە جمع.

ابريشم abrišam: ا. يوپك.

ابريشمى abrišami: ص. ن. يوپكدن،

يوپكدن اديلن، يويه گه باغلى بولان.

ابريق ebriq: ا. [ع] سفالندان بجريلن

آيراتين سوؤ، شراب قويماق اوچين

ياسالانميس كونديكـاـباريق جمع.

ابزار abzār: ا. شای شوى، قۇرال،

آبزال.

ابصار ebsār: مص. [ع] گۇرمك، سر

اتمك، باقماق، گۇركزمك.

ابصار absār: [ع] جمع بصر، گۇزلىر.

ابطال ebtāl: مص. [ع] باطل اتمك،

پوچ اتمك، پوچا چيقارماق، بيدرك

اتمك.

ابطال abtāl: [ع] ايرمن لر، چاپارمانلار،

غيراتلىلار، جمع بطل.

إبعاد eb'ād: مص. [ع] قاوماق، داشا

سالماق، داشلاشديرماق،

داشلاشماق.

أبعاد ab'ād: [ع] جمع بُعد: داش، اۇزاق

معنيده ۲. هندسه اصطلاحيندا: اين،

بۇى، يۇغين ليق اۆلچه گى.

إبقاء ebqā: مص. [ع] ايـمـيـقـلى

قالديرماق، اۇنگكى ايشينده قويماق،

برك ساقلاماق، برقرار اتمك،

بركيتمك.

ابن ebn: ۱. [ع] اوغۇل، ارېك اوغلان.
ابن الوقت ebnol-waqt: ص. مر. [ع]

دۈورە گۇرا ايشله يان، زمانا گۇرا ايش
گۇريان، دۇرمۇشا گۇرا رۇل اوينايان

آدم، فرصت طلب.

ابناء abnā: [ع] اوغوللار، چاغلار، جمع
ابن.

ابنه abna: ۱. [ع] قيز، بنت.
أبنه obne: ۱. [ع] عيب، كينه، دووين.

أبنيه abniye: [ع] بنالار، تاملار، جايلار،
جمع بناء.

أبو abu: ۱. [ع] آتا، دأده.
أبواب abwāb: [ع] جمع باب، قاپىلار،
ايشىكلر.

أبواب جمعى tabwābe-jam'i: مر.
دورلى طأرده گيرده جى دن بيرى نينگ

يانيندا ييغنائىپ سۇنگ حساب
برمه لى اديلمك.

أبوالبشر abolbašar: ۱. مر. [ع]
انسانلار نينگ آتاسى، آدم آتا، حضرت

آدم عليه السلام.

أبوالهول tabolh=۱: [ع] قديم
مصرى لر نينگ داشدان ياسالان

انسان نينگ كلّسى و يۇلبار سىنگ
هيكللى يالى مجسمه سى ۲.

قۇرۇنچلى معنيده.

أبوت obowwat: مص. [ع] آتا بۇلماق،
آتالايق.

أبوتراب abutorāb: ۱. [ع]
اميرالمؤمنين حضرت على كرم الله

وجهه نينگ بير آدى. بيرگون حضرت
رسول صلوات الله عليه اميرالمؤمنين

على كرم الله وجهه نى مسجده يوزى
گۇزى توپراقلى حالتدا گۇريار. شول

وقتدا اونگا يوزلە نىپ: «قم يا اباتراب»
دييىپ خطاب اديار.

أبوطالب abutāleb: ۱. [ع] حضرت
على كرم الله وجهه نينگ دأده سى،

قاقاسى.

أبوطيلون abutilun: ۱. باش بۇغداى.
أبو عطا abu'atā: ۱. مر. ايراندا شور و

همايون دستگامسى نينگ مشهور بير
أهنگى نينگ آدى.

أبوى abawi: ص. ن. [ع] ۱. آتا باغلى،
آتالايق، ۲. پارس ديلى نده آتا، دأده

معنيده.

أبه obe: ۱. [ت] (=اوبه) طايپا، ايل، ناچه
اۇيدن عبارت كنت، گۇچمه قۇنما،

يرلى اوتوريملى اوبا.

إيهام ebhām: ۱. [ع] باشام بارماق.
إيهام ebhām: مص. [ع] ناتحقيق
ياشيري ن سۇزلە مك، اوستى



اَبِل abil: ۱. [ع] راهب، عیسی دینینه
سیغینیانلارینگ یول
کۆرکیزجی سی، یولباشچی سی، اَبال
جمع.

اَپرا opera: ۱. [فر] آرتیستلرینگ ساز
آواز بیلن تئاتردا یرینه یتیریان اوینی.
اَپیدمی epidemi: ۱. [فر] یوقۇنچ
کسل، کۆچچولیک کسلی، یوقۇشیق،
سیرقاوچیلیغی.

اَتا ata: ۱. [ت] آتا، دادە.
اَتابک atābak: ۱. ص. [ت] ۱. آتا، دادە
معنیده، بییک اولی آتانگ، چاغا
تریه لیجی ۲. اولی وزیر دییپدە
دوشوندیریش بریلیپدیر.

اَتاق otaq: ۱. [ت] اوتاق، یاشالیان
جای، جایینگ بیر اوتاغی.
اَتباع atbā: [ع] تابینلار، ایزارلایانلار.
اَتباع etbā: ص. [ع] منگزش آغرامی
دنگ سۆزی آیری بیر سۆزۆنگ
ایزیندان گتیرمه، ایزیندان گیتمه.

اَتباع ettebā: ص. [ع] ایزارلاماق،
ایزینی ایرمک، ایزیندان گیتمک.
اَتحاد ettehād: ص. [ع] بیرلشمک،
بیریکمک، آغیز بیر بۆلماق.

اَتخَاذ ettexāz: ص. [ع] آلماق، اله
گتیرمک، تۇتماق، اۆزۆنگه گچیرمک.

باسیرغیلی گورله مک؛ علم بدیع
آدالغاسیندا شاعر و یا یازجی نظم و
نثرده ایکی معنالی سۆز آیتماقلیغی.
اَبْهَتْ obbohāt/ obohhat:

ا. ص. [ع] اؤلۇلیق، هاشاماتلیق،
شانلی مرتبه لی لیک، درجه لی لیک.
اَبهر abhar: ۱. [ع] بۆیۆن دامار، ینگسه
دامار، یوره گه بیرگیان ام الشرائین
آدلی دامار.

اَبهر abhar: [ع] قاتی آیدینگ، اۇران
پارلاق، یاغتی، آچیق.

اَبی abi: «بی» معنیده کلمه نینگ
سۆزۆنگ اۆنگۆندن کلیان سۆز.

اَبی abi: ۱. [ع] آتا باغلی، آتام دیین یالی
سۆز.

اَبی abiy: ص. [ع] بۆکدنجی، بۆیۆن
تاو لایجی، بۆیۆن قاچیرجی.

اَبیات abyat: [ع] ۱. اوی لر، ۲.
شعرینگ ایکی مصراع سی، جمع
بییت.

اَبیاری abyari: ص. ن. ۱. مصرده بیر
اوبانینگ آدی ۲. یومشاق پارچا، یول
یول نازیک اگین اشیک ۳. بیر تاویره
کبدر.

اَبیض abyaz: ص. [ع] آق یوزلی، آق
یاغیز.

اتراک atrāk: [ع] تورک‌لر، جمع ترک.

اتّصاف ettesāf: مص. [ع] تارييلماق،

نارييلانماق، بير زادی بيله اؤومک.

اتّصال ettesāl: مص. [ع] سېلشمک،

چاتيلماق، ايلتشمک، بير بيرينه

چاتماق، باغلانتماق.

اتّفاق ettefāq: مص. [ع] ۱.

بيرلشمک، بيریکمک، ايللاشماق، بير

فکره گلّمک ۲. پارس ديليندن آلساق

حادثه، دويدانسیز بۇلان ايش

معنيده.

اتّكاء ettekā: مص. [ع] سؤيونمک،

ديرنمک، آرقا تۇتماق، ياپلانماق.

اتّلاف etlāf: مص. [ع] وقت

گچيرمک، آرادان چيقارماق، يوق

اتمک.

اتم atam: ص.ت. [ع] قاتی دولی، اۇران

کامل.

اتم atom: ۱. [فر] اوچغون، ذره.

اتمام etmām: مص. [ع] تماملاماق،

سونگلاماق، بيتيرمک، انجام برمک.

اتو otu: ۱. گييمينگ يعنى ايشيگينگ،

ييفريغيني آييرماق اوچين اولانييلان

دستگاه، قۇرال؛ اوتوک، اوتو.

اتوبوس otubus: ۱. [فر] يۇرته

يولاغچى قاتناديان اولى ماشين،

اوتابوس.

اوتيوگرافي otubiyogerāfi: ۱. [فر]

اؤز ياغداى دۇرمۇشينگى يازماق،

ياشايشينگى يازماقلىق.

اوتوشوي otuṣuyi: ۱. مر. (مخفف

اتومبيل شونى): يۇرته ماشينلارى

يويوپ آراسسالانيان جاي.

اوتوماتيك otmātik: ص. [فر] اؤز

اؤزى دستگاهلارينگ گويجى بيلن

يولا دوشيان قۇرال.

اوتومبيل otomobil: ۱. [فر] ينگيل

ماشين، سوارى.

اتّهام ettehām: مص. [ع] تهمت

اتمک، بدنام اتمک، ميحابت ياپماق،

گناهكار اتمک، قارالماق.

اتيکت etiket: ۱. [فر] علامت، بلىگى،

چاپ اديلن بۆلك كاغيذ؛ ۲. رسم،

عادت، انديک.

اثاث asās: ۱. [ع] مال ماتا، اؤى

اسبابى، اؤى قۇشى.

اثبات esbāt: مص. [ع] بيرکيتمک،

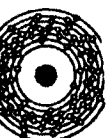
ثبوت يتييرمک، ايميقلى لاشديرماق.

اثبات asbāt: [ع] جمع ثبت، اينامدار

آدملار.

اثر asar: ۱. [ع] نشان، بلىگى، ايز،

علامت، حديث و خبر، اثر، آثار جمع.



اثراب esrāb: مص. [ع] یازغارماق،

اړیت ایشدن قایتارماق، کأیییمک.

اثلاث asās: [ع] جمع ثلث، اوچدن

بیرلر.

اثم esm: ۱. [ع] گناه، یازیق، آثم جمع.

اثمار asmār: [ع] میوهلر، ایری

اییمیشلر، جمع ثمار.

اثمان asmān: [ع] قیمتلار، نیرخلار،

بهالار، جمع ثمن.

اثمه asame: [ع] یازیقلىلار، گناهلىلار،

تقصیرلىلار، عاصىلار، جمع آثم.

اثنا عشر asnāašar: [ع] اون ایکى،

کیچی ایچه گهلرینگ آش قازانا

بیریگیان ایلکی بوله گى.

اثنا عشری asnāašari: ص. [ع] (=)

اثنا عشریه) شیعه مسلمانلارینگ

اولی طایپاسى، اون ایکى اماما

سیغینیانلار، اون ایکى اماما باغلى

بۇلار.

اثنان asnān: ۱. [ع] ایکى، ساندان

ایکى.

اثناء esnā: [ع] اورتالار، آرالیقلار،

ایکى زادینگ آراسى، جمع ثنى.

اثناء asnā: مص. [ع] دعا اتمک،

اوومک، حمد-ثنا آیتماق.

اثواب aswāb: [ع] اگین اشیکلر،

جمع ثوب.

اثوار aswār: [ع] اؤکوزلر، جسونگه لر،

جمع ثور.

اثیم asim: ص. [ع] گناهکار، عاصى،

یازیقلى، اثماء جمع.

اجابت ejābat: مص. [ع] جواب برمک،

قبول اتمک، حاجتینى بیتیرمک.

إجاره ejāre: مص. [ع] مزد، کیره ی،

بیر ملکی وقتلايينچا کیره يينه

بیری نینگ اړکینده قۇیماق.

اجاره ejāre: مص. [ع] (= اجارت)

بیرینی نجات برمک، پناه برمک،

بیری نینگ دادینا یتیشمک.

اجاره نشین ejārenešin: ص. فا. [ع. فا]

بیر ملکده کیره يينه، آيينا بیر زات

تۇلۇپ اوتوریان.

اجازه نامه ejāze: ۱. مر. [ع. فا] جوان

رخصت، خط، اذن خط، اجازه خط.

أجاق tojāq: [ت] ۱. اوجاق، قازان

آتارلییان جای، ۲. کرامتلى پیر و

مرشد.

اجانب ajāneb: [ع] کسه کىلر،

بیگانه لار، اؤزگه لر، جمع اجنب و

اجنبى.

اجبار ejbār: مص. [ع] بیرینی

زورلاماق، قیسساماق، مجبور اتمک،



اجبار

اجتماع 'ejtemā: مص. [ع]

ییغنانشیق، ییغناق، قاوجیم بیر یره
جملنمک، توپلانماق، جملشمه.اجتناب - مص. [ع] قاچا دورماقلیق،
داشدا دورماقلیق، چکینمک.

اجتهاد 'ejtehād: مص. [ع] ۱. تلاش

اتمک، تقلاً اتمک، ۲. فقه تایدان قرآن
و حدیث نبوی دن شرعی مسئله لره
دوشونمک.

اجحاف 'ejhāf: مص. [ع] ستم اتمک،

زورلاماق، چورکریمک، چیرکریمک، آشا
گیتیمک، هورلاماق، انصافدان
چیقماق، توقینماق.

اجداد 'ajdād: [ع] جمع جد، آتالار،

داده لر، آتابا، آرقا به آرقا گلیان.

اجر 'tajr: [ع] اجر، مزد، ال عذاب، ال

حق، اجور جمع.

اجراء 'ejrā: مص. [ع] حرکت ه سالماق،

یولا دوشوریمک، یولا سالماق،
یورگینلشدیریمک

اجرت 'tojrat: [ع] ال عذاب، ایش

حق، مزد، کیره ی.

اجزاء 'ajzā: [ع] بۆلک لر، تیکه لر،

پارچالار، جمع جزء.

اجساد 'ajsād: [ع] تن لر، جسد لر،

میت لر، لاش لر، جمع جسد.

أجسام 'ajsām: [ع] جمع جسم، تن لر،

میت لر. فیزیک و شیمی آدالغاسیندا :

اجسام ایکی بۆلک دن عبارت : مفرد و

مرکب. جسم مفرد و یا بسیط دن

باشقا زات عمله گلمه یار، دینگه

قیزیل کومیش یالی. اما جسم مرکب

ایکی یا نچه زات دان ترکیب بولیار

سوو یالی، اول اکسیژن دن

هیدروژن دن یوغوریلیار.

أجل 'ajal: [ع] مهلت، اولوم وقتی،

اولوم فرصتی، عمرینگ دیر و یا

شولار یالی زادینگ سونگی، آجال

جمع.

اجلاس 'ejlās: مص. [ع] اوتوریشماق،

بیر ایش اوچین مصلحتلاشماق،

گنجشمک.

أجلاف 'ajlāf: [ع] جمع جلف، کاسر لر،

سوجوقلار، پانگ ینگیل کلهر.

أجلال 'ejlāl: مص. [ع] اولی سایماق،

اولی تۆتماق، عزتله مک، حرمتلاماق.

أجلّاء 'ajellā: [ع] جمع جلیل، اۆلی لر،

بییک لر، مقامدارلار.

إجلاء 'ejlā: مص. [ع] وطنی ترک

اتم، اوی اوزاردان ال چکمک، جلاء

وطن اتمک، داشا دوشمک.

- اجم ajam: [ع] جنگلچە، قارغىلىق و اکزلیک، جمع اجمە.
- اجماع ejmā' مصص: [ع] توپلانماق، جملنمک، اویشمک، بیغنانشماق.
- اجمال ejmāl مصص: [ع] قیسغالتماق، سۆزی قیسغا طارده آیتماق، کپی قیسغالتماق.
- اجمال ajmāl: [ع] دویەلر، جمع جمل.
- اجمل ajmal: ص.ت. [ع] قاتی آوادان، قاتی گۆرنوکلی، اۇران گۆزل.
- اجناس ajnās: [ع] جمع جنس، مال ماتالار، زاتلار، خریدلار.
- اجنبی ajnabi: ص. [ع] اجنب، کسەکی، غیری، یاد، اۆزگە، جمع اجانب.
- اجنه ajenne: [ع] جمع جنین، انانینگ قاریندا بۇلان چاغلار، اوستی باغلی. پارس دیلینده یالنگیشلیق بیلن اجنه : جینلار معنیده گتیریلیار.
- اجور ojur: [ع] جمع اجر، مزدلار، ایش حقلار، پاداشلار، ال عذابلار، اجرلر.
- اجوف ajwaf: ص. [ع] ایچی بوش، زات سیز.
- اجهار ejhār مصص.م. [ع] قاتی قیغیرماق، جار چکمک، آشکار اتمک، سسینگی جهریا اتمک.
- اجیر ajir: ص. [ع] گونه مزد، گونه ایشلاپ حق آلیان، گونلوگونه ایشلاپ مزد آلیان، تالابان.
- احادیث ahādīs: ا. [ع] ب. جمع حدیث و احدثه، خبرلار، نقللار و روایتلار.
- احاطه ehāte مصص: [ع] ط. تۆۆرگنه آیلانماق، قابساماق، غورشاماق، قاباماق، داشینی آلماق، بیر زادی بیلیپ اۆکدهله مک، غورشاماق.
- أحبّا ahebbā: ا. [ع] دوست یارلار، جمع حبیب.
- احباب ahhbāb: ص.ا. [ع] دوست یارلار، سیرداشلار، یارلار، جمع حبیب.
- أخبار ahhbār: ص.ا. [ع] دانشمندلر، دانالار، بیلیملی لر، روحانیلار، یهودی لرینگ رهبری، جمع خبر.
- احتجاج ehtejāj: مصص. [ع] بیر زادی ثبوت اتمک اوچین دلیل گتیرمک، بیر دعوا اوچین دلیل تاپماق.
- احتراز ehterāz: مصص. [ع] داشدا دۇرماق، پرهیز اتمک، قایرا دۇرماق، چکینمک، ساقلانماق، قاچا دۇرماق.
- احتراق ehterāp: مصص. [ع] یانماق، اوت آلماق.

- احترام ehterām: مص. [ع] حُرمت
ساقلاماق، سیلاماق، عزیز گۆرمک،
سیلاغ.
- احتساب ehtesab: مص. [ع]
ساناماق، سانا گیریزمک، حساب
اتمک.
- احتشام ehtešām: مص. [ع] ۱-
اویالماق، ۲- حیا اتمک، شانلی
مرتبه‌لی بۇلماق، اولالماق، حاشاماتلی.
- احتضار ehtezār: مص. [ع] ۱- حاضر
بۇلماق، ۲- قارقارا گلیمک، اولوم
حالتدا یاتماق.
- احتفال ehtefāl: مص. [ع] میلیس
قۇرماق، بیر یریک ییغنانماق،
اویشمک.
- احتقار ehtepār: مص. [ع] کیچلتمک،
پسه دوشورمک، اورنونی پسه
سالماق.
- احتقان ehtepān: مص. [ع] قان
دونگماق، پشو توتولماق.
- احتکار ehtekār: مص. [ع] ۱-
انبارلاماق، ۲- ساتانی آرزان آلیپ
قیمت ساتماق، یۇقاربهاء ساتماق.
- احتکاک ehtekāk: مص. [ع]
قاشینماق، سویکنمک، اندامینگی
دیرناق بیله دیرماماق، قاشیماق.
- احتلام ehtelām: مص. [ع]
دیشیرگه مک، شیطان بۇلماق.
- احتمال ehtemāl: مص. [ع] ۱- گمان
اتمک، ۲- آخمال بۇلماق، ۳- چن
چاق اتمک، ۴- صبرلی جیداملی
بۇلماق، یوک گۆترمک.
- احتمالاً ehtemālan: ق. چن بیلن،
گمان بیله، بلکی، بلکم یالی سۆز.
- احتیاج ehtiyāj: مص. [ع] گرکلی لیک،
احتیاجلی لیک، ضرورلی لیک،
ماتاچلیکه ضروری لیک.
- احتیاط etiyāt: مص. [ع] اویلانشیپ
ایش اتمک، سونگون سایغارماق،
اویلانماق، صره صاپلی لیک.
- أَحَد ahad: ۱. [ع] بیر، یک، یالنگیز،
منگزشسیز، آحاد جمع.
- أَحَد (d) ahad(d): ص. ت. [ع] تیزراک،
قاتی راق، یتی راق، کسیجی راک.
- أَحْدَاث ehdās: مص. [ع] تازه دن
قۇرماق، تازه دن بچرمک، تازه دن
یاسماق، تازه دن بنا اتمک، قۇرناماق.
- أَحْدَاث tahdās: مص. [ع] ۱- تازه
زاتلار، ۲- بدعتلر، تازه تاپیلانلار
شرعه قارشى ایشلر، جمع حدت.
- أَحْدِيَّتْ ahadiyyat: مص. [ع] ح د
ی (ی) بیرلیک، تاکلیک، تانگری نینگ

بیرلیگی.

احرار ahrār: ص. [ع] آزادلار،

جۇمارتلار، ارکینلر، جمع حُرّ.

احراز ehrāz: م.ص. [ع] ۱- بیر

مقصدہ یتیم، ۲- الہ گتیرمک، ۳-

ساقلاماق، ۴- برکیتمک.

احراق ehrāq: م.ص. [ع] یاقماق،

یاندیرماق، اودلاماق.

احرام ehrām: م.ص. [ع] حرمة

گیرمک، حاجی‌لارینگ کعبا زیارت

اتمزدن اؤنگ احراما گیرمه‌گی احرام

بستن: احراما گیرپ کعبا (الله‌نینگ

اویونه) زیارت اتمک.

أحرام ahrām: ا. [ع] حرملر، جمع

حَرَم.

احزاب ahzāb: ا. [ع] دسته‌لر،

بۆلکلر، تۇپارلار، جمع حزب.

احزان ahzān: ا. [ع] غم غصّه‌لار،

قایغی‌لار، توقاتلیقلار، جمع حُزن.

احساب ahsāb: [ع] جمع حسب،

قوشولماق، سانا گلیمک.

احساس ahsās: م.ص. [ع] دۇیماق،

آنگشارماق، دوشونمک، سیزماق،

آنگماق، دۇیۇم.

احساسات ahsāsāt: ا. اؤجیگمک،

دویماقلیقلار، جمع احساس.

احسان ehsān: م.ص. [ع] قاویلیق،

آدمکارلیک، یاغشی‌لیق، سخی‌لیق،

خیر ثوغاپ، ثواب.

احسن ص.ت. [ع] اؤرآن قاوی، بتر

اؤنگات، احاسن جمع.

احسنت ahsant: [ع] ۱- قاوی ایش

اتدینگ! اؤنگات ایش عمله

آشیردینگ! ۲- پارس دیلینده:

مرحبا، آفرین، بره‌کلا معنیده.

احشام ahšām: [ع] جمع حَشَم،

سورلی قویون، سیغیر قارا مال.

احشاء'ahšā': [ع] ایچ اعضاسی، یورک

باغراویکن و قارین ایچه‌گه و آش

قازاندان عبارت، جمع حشاء.

احصان ehsān: م.ص. [ع] برکیتمک،

ساقلاماق، عیال آماق، اویلمک.

احصاء'ehsā': م.ص. [ع] حسابلاماق،

ساناماق، آمار تۇتماق.

احضار ehzār: م.ص. [ع] ۱-

حاضیره‌مک، ۲- طیارلاماق، ۳-

ایسله‌مک، یانینگا چاغیرماق.

احضاریّه ehzāriyye: ا. [ع]

چاغیریش خط، دادگاه‌نینگ

چاغیریش خطی، چاقیلیق خط.

احفاد ahfād: [ع] آغتیق چاولیقلا،

جمع حَفَد.

احقّ (q)ahaq: ص.ت. [ع] قاتی حقلى،
اۋرۇن حقلى، قاتى دوغرى، اۋرۇن
ياراشىقلى.

احقاق ehqāq: مص. [ع] حقلاشماق،
حق سوراماق، حقه دوغرى حكم
اتمك.

احقر ahqar: ص.ت. [ع] اۋرۇن كىچى،
بتر پس، قاتى اريت، قاتى عجيز.
احكام ehkām: مص. [ع] بىر زادى
مائۇملەمك، بركىتمك.

احكام ahkām: [ع] جمع حكم،
فرمانلار، بويروقلار، يارليقلار.
احلاف ehlāf: مص. [ع] آنت بىرمك،
قسم بىرمك.

احلاف ahlāf: [ع] پىمانلار، شرطلر،
عهدلر، جمع حلف.

احلال ehlāl: مص. [ع] حلاللاماق،
حلاله اۋویرمك، حلال لاشدیرماق،
حراملىقدان چىقارماق.

احلام ahlām: [ع] باسىرغانمالار،
آلجىرانگ اوقىلار، دویشلر،
دویشورگەمكلر، جمع حلم.

احمد ahmad: [ع] قاتى اۋوگا
مىناسىپ، بتر اۋوگولى راک، محمد
پىنمىرمىزىنگ يۇرتتە آدلارى نىنگ
بىرى، خاصدا پىنمىرمىزە احمد

مختار دىيىپ دە آيدىليار اكن.

احمر ahmar: ص. [ع] قىزىل،
قىرمىزى رنگ، جمع احامر.

احمق ahmaq: ص. [ع] عقلسىز،
نادان، آقماق، سامسىق، كلەسىز،
تنتك، إره، گدى.

احمقانه ahmaqāne: ق. [ع. ف. ا]
آقماقلانچ، سامسىقلىقدان،
احمقلىغا باغلى، سامسىق يالى.

احوال ahwāl: [ع] ياغدايلار،
دۇرمۇشلار، حاللار، جمع حال و حول.
احور ahwar: ص. [ع] (و) قاراگۇن،
مارال گۇن، جرن گۇن آوادان گۇزلى،
حور جمع.

أحوال ahwāl: ص. [ع] قىشيق گۇن،
چپ گۇن، بۇلە گۇن، گۇزونىنگ قاراسى
بأبه نه گى قايدالىندا بۇلان.

احول ahwal: ص.ت. [ع] قاتى
حيله چى راک، مكرچى راک، اۋرۇن
اويونچى، چاره گۇروجى.

احيان ahyān: [ع] وقتلار، زمانلار،
دۇويرلر، جمع حىن. احياناً: كآ-كأ،
كاتە-كاتە، وقت-وقت، دويدانسىز،
بىيرىنگأ.

احياء 'ahyā: [ع] دىرىلر، قىبىلەلار،
قوملار، جمع حى.

- احياء' ehyā' : مصص. [ع] ۱-
جانلانديرماق، ديرلتمك، ۲- گيجانى
عبادت بيلن گچيرمك.
اخ tax: [ع] دوغان، قارداش، اخوه و
اخوان جمع.
آخاذ axxāz: ص. [ع] (خ) ۱- كۆپ
چكيجى، قاتى آليجى، اۇران
توتوجى، ۲- سوم سيز، يوزى قالينگ
باج آليجى، پارا آليجى.
اخافه exāfe: مصص. [ع] قۇرقوزماق،
خوف سالماق، قۇرقى برمك.
إخبار exbār: مصص. [ع] خبر برمك،
خبرلى اتمك، خبردار اتمك، آگاه
اتمك.
أخبار axbār: [ع] آگاهليک، خبرلار،
جمع خبر.
أخت oxt: ۱. [ع] عيال دوغان، قيز
دوغان، اۇيا، سينگلى، اخوات جمع.
اختبار extebār: مصص. [ع] سيناماق،
سيناپ گۆرمك، بير زاتدان خبرلى
بۇلماق، آگاه بۇلماق، سيناو، درنگه و.
اختتام extetām: مصص. [ع] قوتارماق،
سونگلاماق، تماملاماق.
اختتان extetān: مصص. [ع] سنت
اتمك، اۇغلانى سنتلنديرمك.
اختر axtar: ۱. (ث) ۱- بخت، ييلديز،
۲- بخت، طاله ي.
اختراع' exterā: مصص. [ع] دۇرتمك،
يوق زادى يوزه چيقارماق، تازهدن
يوزه چيقارماق، اوزال چيقماديق
زادى دۇرتمك.
اخترأq exterāq: مصص. [ع]
يسيرتيلماق، كسيلمگ، اوزولمك،
ديلينمك.
اخترام' exterām: مصص. [ع] كسمك،
كۆكوندن يۇلماق، دويپوندن اوزمك.
اخترشناس taxtaršenās: ص. ييلديز
تانيجى، منجم
اختصار' extesār: مصص. [ع]
قيسغالتماق، قيسفا صوراتا گتيرمك،
سۆزى قيسغالتماق.
اختصاص' extesās: مصص. [ع]
آيراتينليق، خاصلاماق، آيراتينليغا
اوويرمك، آيراتينليق.
اختصام' extesām: مصص. [ع] بيله
دوشمانليق اتمك، قصد اتمك، ياغى
بۇلماق.
اختفاء' extefā: مصص. [ع] گيزگنمك،
ياشيرينماق، بوقولماق، اۇرتونمك.
اختلاس' extelās: مصص. [ع]
اوغورلاماق، پول دير يا ش.م. زادى
حق حقوق سيز بير قۇرما يا

یوقار پألیک اتمک، ۲- گمان اتمک.

اخشم axsam: ص. [ع] یاسسی، قالینک

بورون، یاسسی بورون و قولاق.

اخذ axz: مص. [ع] (خ) آماق، اله

گتیرمک، قولا سالماق، اوزونگه

گچیرمک.

أخراب axrāb: [ع] خُربه یا خرابه، بیر

زادینک دشیگی، ایگنه نینگ دشیگی

یالی، جمع خُرب.

إخراب exrāb: مص. [ع] ویران

اتمک، دربی داغین اتمک، خراب

اتمک، بوزغونلیق سالماق.

أخراج axrāj: [ع] خراج، خرجلار،

چیقداجی لار، جمع خرج.

إخراج exrāj: مص. [ع] داشاری

چیقارماق، داشار قاماق.

أخرَب axrab: ص. ت. [ع] قاتی خراب،

اُزان ویران.

أخربه axreba: [ع] خرابچیلیقلار،

خرابه لار، بوزوقلیقلار، جمع خراب.

أخْرَس axras: ص. [ع] لال، دیلی

پلتک، دیلی باسیق.

أخْرَم axram: ص. [ع] بورنی کسک،

بورنی دلیک، بورنی دشیک.

أخْروى oxrawi: ص. ن. [ع] آخرت گونا

باغلی، قیامتا باغلی، محشر گونینا

اداره نینگ صندینیندان اوغورلاپ

گؤترمک، آماق.

اختلاط extelāt: مص. [ع] قاتیشماق،

قاریشماق، قوشولماق، قاریشقیلیق،

یوغوریلماق.

اختلاف extelāf: مص. [ع] بیر

بیرینگه بيله قارشیلیق گؤرکزمک،

آغیز آلائیق، اونگیشمازلیق،

تَرسله شیک.

اختلال extelāl: مص. [ع]

چاشغینلیق، اوزونگی ییتیرمک،

دربی داغینلیق، دوزگون سیزلیک،

ألجرانگلیق.

اختناق extenāq: مص. [ع]

بوغولماق، بوغاز قیسسیلماق، خفه

بۇلماق، بوغولماق.

اخته axte: ص. خایاسی چکیلن،

ارککلیک مازی چکیلن، بیچیلن.

اختیارات extiyārāt: [ع]

ارکینلیکلر، آزادلیقلار، جمع اختیار.

اختیار extiyār: مص. [ع] بلله مک،

ارکینلیک، آزادلیق، دینچلیق،

حالماق، اختیار اتمک.

اختیال extiyāl: مص. [ع] ۱-

منلیکلیک اتمک، تکبَرلیک اتمک،

بۇيۇن یوغینلیق اتمک، اولی تۇتماق،

باغلى.	اخطاء' extā': مص. [ع] خطا اتمک،
آخرى oxrā': ص. [ع] مؤنث آخر،	يالنگيشماق.
باشغا، غیری، اوزگه، کسه کی	اخطب axtab: ص. ت. ۱- دیله وار،
معنى لرده.	کپه چپر، ۲- خطبه نی اؤنگات
اخرز axzar: ص. [ع] کیچی جک	اوقییان.
گوزلی، کیچی گوز.	أخفاف axfāf: [ع] جمع خَفّ و
اخرم axzam: ا. [ع] ارکک ییلان.	خفیف، ینگیلر، آغرام سیزلار.
أخس axas(s): ص. ت. [ع] بستر	إخفاف exfāf: مص. [ع] ینگیل
خسیس، قاتی بخیل، بتر پس، قاتی	بؤلماق، ینگلیتمک، ینگیل یوک
اریت، اؤرآن بیچاره و عجیز.	بؤلماق.
أخس axš: ا. [ع] دگرلی، بها، قیمت، نرخ،	اخفاق exfāq: مص. [ع] ۱- امیدسیز
دگری.	اؤورولمک، الی بوش اؤورولمک، بوش
اخص axas(s): ص. ت. [ع] قاتی	قایتماق، ۲- اؤچی اوسیز بوش
آیراتین، خاص سایلانان، سچیلن،	قایتماق.
بلله نن.	اخفاء' axeffā': [ع] جمع خفیف،
اخصاء' exsā': مص. [ع] اخته اتمک،	ینگیل لیکلر.
ارکک لیک مازینی آییрмаق، بیچمک.	إخفاء' exfā': مص. [ع] بوقدورماق،
اخضر axzar: ص. [ع] یاشیل رنگ.	گیزگه مک، یاشیرماق، اؤستونی
اخضع' axza: ص. [ع] خوارلیق،	اؤرتمک.
اؤزونی پس پأللیگه اوریان، اوزونی	اخفی axfā: ص. ت. [ع] اؤرآن گیزلین،
کیچی تۇتماق لیغا راضی ادیان آدم.	بتر یاشیرین.
إخطار extār: مص. [ع] اؤزینگی	اخفیه axfiye: [ع] جمع خفاء،
خطرہ سالماق، بیلدیرمک، خبردار	گیزلینلر، یاشیرینلار.
اتمک، یادا سالماق، دویدورماق.	اخگر axgar: ا. اود، یانان اودونگ یا
أخطار axtār: [ع] خطرلار، خوفلار،	کؤمورینگ بۆله گی، کؤز.
قۇرقیلار، وهم لر، جمع خطر.	إخلاص exlās: مص. [ع] پاک و

أَخْلَاءُ 'axellā: [ع] دوغرى وفادار دوستلار، جمع خليل.

أَخْلَص axlas: ص.ت. [ع] اۇرۇن الين،

قاتى پاك، بولاشيق سيز، بقر آراسسا.

أَخْلَف axlaf: ص. [ع] ۱- چىپه گى،

سۇل چى، ۲- احول: آقماق و ارکک

ييلان معنيده.

أَخْم axm: ا. يوز گۆزى آسماق،

يوزونگ تورشوتماق، مانگلاي

چيتمك، سوس، يوز گۆزى چييتيك،

سورتورماق.

أَخْمُ أَلُود axmālud: ص. ۱-

مانگلاي چييتيك، يوز گۆزى

تورشيدان، قاهاردا ۲- اربت ياغايدا

بۇلان.

أَخْمُو axmu: ص. قاشى چييتيك،

توتوق، يوزى ساليق، يوزى گۆزى

آسيق، سورتوريش.

أَخْمُ وَتَخْم axmotaxm: ا. مـر.

توتوقلىق، يوزى گۆزى چييتيكلىك،

سورتورما.

أَخَوَات axawāt: [ع] عيال دوغانلار،

جمع أخت.

أَخْوَال axwāl: [ع] جمع خال،

دايىلار، اجنگ دوغانلارى.

أَخْوَان axawān: [ع] ايکى دۇغان.

آراسسا، آيراتين دوست بۇلماق،

اخلاص. سورة اخلاص: «قُلْ هُوَ اللَّهُ

أَحَدٌ» سوره سى، توحيد سوره سى.

أَخْلَاط axlāt: [ع] يوغورلان زاتلار،

قاقيليق، چيرک، جمع خلط.

إِخْلَاف exlāf: مـص. [ع] وعده

خلافلىق، اقرار سيزلىق، عهدى

يالانلىق، بير زادى گيديپ يرينه بير

زات آلماق.

أَخْلَاف axlāf: [ع] ۱- اورۇندا

اوتورانلار، ايزيندا قالانلار، ۲- اوغۇل

قىزلار، جمع خَلَف.

أَخْلَاق axlāq: [ع] عادتلار، قىلىقلار،

اندىكلر، اخلاق، جمع خُلُق.

أَخْلَال exlāl: مـص. [ع] فسادا چكمك،

بولاشديрмаق، زوال ييتيرمك، فتنه

تـورۇزماق، بـولاغاي چىلىق،

دوزگون سيزلىك، دوزگونى پوزماق

أَخْلَالِگَر exlālgar: ص. فا. [ع. فا.] ايش

دوزگونى پوزيان، بوزوقچىلىق،

فتنه چىلىك، بوزغاق چىلىق اديان.

إِخْلَاءُ 'exlā: مـص. [ع] ۱-

چۇلاشديрмаق، ۲- بوشاتماق، ۳-

بوش جاي تاپماق.

أَخْلَاءُ 'axlā: [ع] عيال سيز ارککلر،

ارکک سيز عياللار، جمع خلو و خالى.

إخوان exwān: [ع] دوغانلار،

قارداشلار، جمع أخ.

اخوت axowwat: مص. [ع] دوغان

بۇلماق، دوغانلىق، دوستلۇق.

أخوي axawi: ص.ن. [ع] دوغان،

دوغانا باغلى، دوغانلىق، فارسچه
دوغان ديييليار.

اخيار axyār: [ع] ۱- اۇران اونگاتلار،

ياغشىلار، آدى بىللىلر، ۲-

سختوتلىلار، جوماتلار، جمع خيّر.

اخير axir: ص. [ع] آخىرقى، سونگقى،

اخيراً: آخردە، تازەلىك.

أخير axyar: ص. [ع] اۇران قاوى، قاتى

ياغشى، قاتى اۇنگات.

اخيل axyal: ص. [ع] ۱. اندامى

منگلى، انداميندا منگى كۆپ بۇلان

۲. داش دېش قوش، داركوب تاويق

معنيده.

أخيون axeyun: ۱. [ع] يونانلى نينگ

سۆزوندىن: گل گاوزانا منگىز اوت،

قاقىلىق و خاصدا يىلان ايچيان

چاقانينگ درمانى.

آدā: ۱. ناز و كرشمه، نازيرگه مه، ۲.

بيرى نينگ اده نينى اتجك بۇلماق

معنيده، آغيز اويكنمه.

آدات adāt: ۱. [ع] «اداة» آبزال، شای

شوى، جمع ادوات.

اداره edāre: مص. [ع] دولانديرماق،

دولتى جايلار، دولت آدم لارينگ ايش

جايى، اداره؛ رئيس-باشلىق و ناچه

ايشگاردن عبارت. اداره كردن: باش

چاراماق، اداره اتمك.

ادامه edāme: مص. [ع] دوام برمك،

عمله آشيرماق، سونگونا يتيرمك،

سونگلاماق، ايزينى تۇتماق.

آداء adā: مص. [ع] انجام برمك،

برگينگ برمك، قرض آلان پولونگى

بريپ ساوماق.

آداب adab: ۱. [ع] علم بيليم، مدنيت،

يول يوردا، آداب اركان. علم آداب: علمه

دولى اوستيم بولوپ اله آلانلار،

دوغرى شعر دوزمهگى و اۇنگات اثر

يازماغى ۲. دوغرى و يانادوغرى

يازىلان يازغىلارى سلجرمهگى و

سايفارماقلىقى دولى باشاريان؛

قديمى عالملارينگ فكرينه گۇرا علم

و ادبه آشاقداكى زاتلار گيريار: عرب

ديلى نينگ دستورى (صرف ر نحو)،

سۆزلوك، بيان، عروض، بديع، قافيه.

ادبيات: ادبه دگيشلى علملار، ادبى

مسئلهلر و علملار حقدان گوررونك

گچيان يازغىلار، ادبيات.

إدبار edbār: مص. [ع] ۱- يوز

- اؤویرمک، پِنگسانگ تۇتماق، ۲-
بدبختلیق، یوزی قارالیق.
- ادبار adbār: [ع] جمع دُبر، ایزلار، بیر زادینگ ایزلاری.
- أدباء 'odabā: [ع] جمع ادیب، علملیلار، بیلیملیلر، ادبیات علمیندان خبرلیلار.
- أدب گاه adabgāh: ۱. امر. [ع.فا] ۱. ادب جایی، ادب مکانی، ۲. مدرسه، مکتب.
- ادرار edrār: ۱. [ع] پشه، سیدیک.
- ادرار edrār: مص. [ع] آقدیرماق، روان اتمک، یوریتمک.
- ادراک edrāk: مص. [ع] دوشونمک، آنگلاماق، دویماق، بیلمک، عقل یتیرمک.
- ادرم adram: ۱. آط کچهسی، آطینگ ایر کچهسی.
- أدعانا مه edde'ānāme: ۱. امر. کیفر خواست، جزا ایسلهگی، جزا طلب اتمک.
- أدعاء 'edde'ā: مص. [ع] دعوا تۇتماق، دعوالاشماق، دعوا تۇرۇزماق، من حقلی دییمک.
- ادعیه ad'iye: [ع] جمع دُعاء، دعا لار.
- ادغام edqām: مص. [ع] بیریکدیرمک، یوغورماق، قاتیشدیرماق، یکی زادی بیریکدیرمک.
- إدناء 'ednā: مص. [ع] یاقینلاماق، قولایلاماق، یاقینلاشماق.
- أدناء 'adbā: [ع] جمع دُنى، دلیل لر، خبیسلار، خورحومسلار.
- أدوات adawāt: [ع] آبالار، شای شوی لار، قۇراللار، جمع ادات، اداة.
- ادوار adwār: [ع] گردش لر، زمانلار، دؤیرلر.
- ادوکلن odokolon: ۱. [فر.] ادوکلون، عطر ماده دان، آلمانینگ کلنی شهرینده دؤره یار.
- ادویه adwiye: [ع] ناهار آتیلیان داری درمانلار، درمانلار، جمع دوا.
- أدهان adhān: [ع] یاغلار، جمع دهن.
- أدهان edhān: مص. [ع] خیانت اتمک، اربت ایش اتمک، ایچیندأکینی یوزه چیقارماق.
- أدهم adham: ص. [ع] ۱. قارا رنگ، قارا آط، کؤنه چویران زات. ۲. یوپ باغ.
- ادیان adyān: [ع] دین لر، کیش لر.
- ادیب adib: [ع] شاعر، بیلیملی، یازیچی، دیله وار، علملی و ادبلی، یاغشی یامانی سایغاریان، ادبیات

علمینی اؤوردیان، چپر ادبیاتچی،
ادباء جمع.

ادیبانه adibāne: ق.ص. [ع.فا] ادیبه
منگزش، ادیب یالی، چپر ادبیاتچا
منگزه یان.

اذاعه - اذاعت ezā'at: مص. [ع] فاش
اتمک، جار اتمک، یایراتماق، خبر دیر
یا باشغا سیرلی خبری فاش اتمک.

اذاله ezāle: مص. [ع] عجیزلتمک،
پسلتمک، اورانیشدیرماق، اته گینی
گینگلتمک، اټکلی اتمک.

اذان azān: [ع] نماز چاقیلینی، نماز
چاغیرشی، آذان.

اذخار azxār: [ع] آرتیب
سویشیریلن لر، تیغشیتلان لر، جمع
ذخر.

اذخار ezzexār: مص. [ع] آرتدیرماق،
پس انداز اتمک، تیغشیتلی لیق.

اذعان ez'ān: مص. [ع] اقرار اتمک،
بویون آلماق، بویون بولماق، بویروغا
باش اگمک.

اذکار azkār: [ع] دعالار، ذکرلر، جمع
ذکر.

اذکار ezkār: مص. [ع] اؤورتمک،
بیری نینگ یادینا سالماق.

اذن ezn: مص. [ع] رخصت برمک،

بویروق برمک، اذن.

أذن ozon: ا. [ع] قولاق. آذان جمع.

اذن الغار ozonolfār: ا. [ع] قایاوتی.

اذهب ežāb: مص. [ع] ۱. آلیپ

گیتمک، ۲. بیرینی داشا دوشورمک،

داشا سالماق.

اذهب ažāb: [ع] طیللار، قیزیللار،

آلتینلار، جمع ذهب.

أذهان ažān: [ع] یادلامالار، ذهینلر،

اؤی و پیکیرلر، جمع ذهن.

اذیت aziyyat: ا. [ع] ایذا، درد، اورغی،

محنت، آزار، اذیت، اؤنجی.

ارائه erā'e: مص. [ع] گورکزمک،

أشکار اتمک، بیلدیرمک.

ارابه arrābe: ا. آرابا، یوک چکیان آرابا.

ارابه چی arrābeči: ا.ص. [فات] آرابا

سوریان، آراباچی.

اراحت erāhat: مص. [ع] راحت،

دینچلیق برمک، دینچ آلدیرماق.

ارادت erādat: مص. [ع] ۱. اراده،

قاوی گورمک، میل، ایسلگ. ۲. فارس

معنیده: چین دؤستلوق، قاوی

گوروشمک.

ارادتمند erādatmand: ص. [ع.فا]

ارادتی بولان، قاوی گورمکلیک، اؤران

قاوی گوریان.

- إرادة erāde: مص. [ع] (=إرادت) ۱. سۆزلەمک، پیکیرلنمائی قوشغی ایسلگ، قصد، یۆزلگه ۲. فارس دیلینده: اخلاص، اینام، طلب اتمک، ایسته مک، دوست گۆرمک.
- آراذل arāzel: [ع] اريت آدملا، پست آدملا، جمع ارذل.
- آراضی arāzi: [ع] يرلر، توپراقلا، دوز میدانلا، جمع ارض.
- آراقیطون arāqitun: ۱. آبی پنجه.
- آریاب arbāb: [ع] ۱. ایهلر، اکلہ یانلر، جمع رِب ۲. فارسجا مفرد صؤراتدا آقا، ایه و ملکدار معنیده.
- أربع arba: [ع] دؤرت، دؤرت خاتین.
- أربعاء ۱- [ع] چهارشنبه گونی.
- أربعه arba'e: [ع] دؤرت، دؤرت اړکک.
- أربعین arba'in: [ع] قیرق، قیرقینجی، وفات بولانینگ قیرقی. حضرت امام حسینینگ قیرقی.
- ارتباط erdebāt: مص. [ع] باغلانشیق، باغیللیق، بیرگیشیک، یاقین قاتناشیق، آراقاتناشیق،
- ارتجاع ertejā: مص. [ع] اؤوریلیمک و دؤنمک، سیاست تارشى چیقماق، دوزگونى پوزماق، کؤنأى ایزارلاماق، کؤنه یاغدا یا اؤوریلیمک.
- ارتجال ertejāl: مص. [ع] اویلانمانی
- سۆزلەمک، پیکیرلنمائی قوشغی آیتماق.
- ارتجاع ertejā: مص. [ع] امیدلی لیق، امیدلی بؤلماق.
- ارتحال erteħāl: مص. [ع] دونیأدن اؤتمک، وفات بؤلماق، بی یردن باشغا بیر یره گۆچمک، اؤلمک.
- ارتداد ertedād: مص. [ع] مرتد بؤلماق، دیندان چیقماق، اؤوریلیمک، دؤنمک، دیندان یوز دؤنڈرمک.
- ارتداع ertedā: مص. [ع] اؤوریلیمک، بیر ایشدن قایرا دۇرماق، بیر زادا دوچار بؤلماق، بیر زادا بولاشماق.
- ارتزاق ertezāq: مص. [ع] اکلنج اتمک، رزقینگ ایزیندا بؤلماق، رزقلانماق، اونگشیق قاولاماق، رزق طلب اتمک.
- ارتش arteš: ۱. ج بیر یوردونگ اهلی سربازلاری، قوشونی، حربی کوچلری.
- ارتشاء ertešā: مص. [ع] پارا آلماق، پارا اییمک، پاراخورلیق.
- آرتشبد artešbod: ۱. اولی افسر، ایرانینگ یوقار درجده بؤلان نظامی افسری.
- ارتشتار arteštār: ۱. ص. ارتیشتر :

ارتکاب ertekāb: مص. [ع] بیر ایشه

باشلاماق، بیر ایشی بیتیرمک، بیر
گناه ایشه یوز اۇرماق، عاصی ایش
اتمک.

ارتماس ertemās: مص. [ع] سؤوا
چوممک، بیر اوغور کله سینی سؤوا
سوقماق.

ارتهان ertehān: مص. [ع] گرو
تۇتماق، گرو آلماق.

رتیاب erteyāb: مص. [ع] شکه
دوشمک، شک اتمک، شبهه لنمک، بد
گمان بۇلماق، بیرینه تهمت اۇرماق.

ارتیاح ertiyāh: مص. [ع] شاد
بۇلماق، کوشیمک، راحتلانماق،
شادلیق.

ارث ers: مص. [ع] آزادان چیقان
آدمی نینگ مالیندان یعنی
بایلیغیندان میراث دوشرلرینه یتیان
مال، ترکه دن یتن مال، ۲. ارث آلیانلارا
ارث یتمک.

آرچ arj: ۱. دگر بها، قیمت، قدر، مرتبه.
ارچ arj: مص. [ع] حقى باطیلا
دۇندرمک، حقى باطل اتمک، حقى
بۇچا چیقارماق.

آرچ araj: ۱. تیرسک بیلن بارماغینک
آرا اؤلچه گی، ال لرینک ایکی قاپدالا

اورده، جمع ارتشتاران.

ارتصاد ertesād: مص. [ع] گۆز یولدا
بۇلماق، گۆزلی در بۇلماق.

ارتضاع 'ertezā: مص. [ع] سویت
ایچمک، سویت اممک، چاغانینگ
انه سى نینگ امجه گیندن سویت
اممه گی.

ارتضاء 'ertezā: مص. [ع] شاد
بۇلماق، خوش بۇلماق، حالماق،
بگنمک، سايلاپ آلماق، سچمک.

ارتعاب erte'āb: مص. [ع] وهم
اتمک، قۇرقماق، قۇرقا دوشمک،
حواتیرلانماق.

ارتعاد erte'ād: مص. [ع] بی طاقت
بۇلماق، حالینگ دگیشمک،
تیتیرهمک، توقات یاغدایا دوشمک.

ارتعاش erte'āš: مص. [ع] تیتیراپ
دۇرماق، تیتیره مک، لرزان اۇرماق،
لوزانلیق، ساندیراماق.

ارتفاع 'erteḡā: مص. [ع] یوقار قالماق،
بییکلیک، یوقار چیقماق، یوقار
قالدیрмаق، گؤترمک، زراعت
حاصلینی گؤترمک.

ارتقاء erteqā: مص. [ع] یوقار
چیقماق، پله پله یوقار قالماق، یوقار
درجه بییگه یتیشمک، بییگیلمک.

آچیلدیق اۆلچەگی.

ارج arej: ص. [ع] اۆنگات ایسلی
بۆلۈن، اۆرۈن ایسلی.

ارجاع 'erjā: مص. [ع] ۱. اۆویرمک،
دۆلماق، قایتارماق، ۲. ایکیلاپ بیر
ایشی بیرینە تابشیرماق.

ارجاء 'erjā: مص. [ع] ایشی ایزه
سالماق، امیدگار اتمک، سۆنگرا
قویماق.

ارجاء 'arjā: [ع] طاراپ، یان، جهت،
قیراق، چت و اولکە معنیدە: جمع رجا.
ارجح arjah: ص.ت. [ع] اۆرۈن اۆنگات،
قاوی راق، بتر قاوی، آرتیقماچ راق.

ارجل arjal: ص. [ع] آیاغی اولی
ارکک آدم، اولی آياق، اؤو و یا ایزقی
آياغی سکیلی آط، توتوش قواتلی
کامل آدم.

آرجل ārjol: [ع] آياقلار، آردیملا،
قدملا، جمع رجل.

ارجمند arjmand: ص. قییماتلی،
قدرلی، دگرلی، عزیز، سیلاغلی.

آرچین arčīn: ۱. پایا، مرتبه،
باسسانجاغینگ پلەسی.

ارحام arhām: - [ع] دۇغان
قارداشلار، ایلن- چالانلار رَحْمَلَر،
جمع رَحْم.

ارحم arham: ص.ت. [ع] قاتی
رحملی، قاتی مەرلی، اۆرۈن
باغیشلايچی ارحم الرّاحمین:
رحملى لرینگ رحملىسى، خدای
تبارک و تعالی نینگ صفتی نینگ
بیرى.

ارد ard: ۱. گۆنۈلیک، پاکلیک،
دۇغرۇلیق، آراسسالیق، قۇجۇرلىق،
قۇربۇلۇق، غضب قهر.

أرد ord: ۱. امر. [فر.] نظم، ترتیب،
دوزگون، یۆل یۆردا، حکم، بۇیرىق.
اردشیران ardeširan: ۱. اردشیروان:
مرو، آجى ایسلى اوت، داری
درمانلیق اۆتی.

اردک ordak: ۱. [ت] اۆردک، سۆو
قوشی، چۆل یرلردە هم یاشاپ
بیلیار.

اردک ماهی ordakmāhi: ۱. امر.
اۆردک تاویرالی بالیق، اۆردک بالیق.

اردلان ardalān: ۱. اخ. کـــرد
طايفاسی نینگ بیر تیرهسی.

اردنگ ordang: ۱. (= لگد) چۆومە،
آياق بیلن بیرینی دپمە.

اردو ordu: ۱. اچ لشکر، سپاه، اوردا،
قوشون.

اردو ordu: ۱. اوردو دیلی؛ بو دیل



- فارس، عرب، هندی دیللردن عبارت،
اۋزی-ده پاکستان بیلن
هندوستانلی نینگ دیلی.
- اردوگاه *ordugāh*: ۱. مر. اوردانگ،
قوشونینگ یرلەشن یری،
وقتلايينچا دوينه يان یری.
- اردیبهشت *ordibehešt*: ۱. یاز
فصلی نینگ و شمسی ییلی نینگ
ایکینجی آی.
- ارذال *arzāl*: [ع] ناکسرلر، اربتلر،
جمع رذل.
- ارذال *erzāl*: مص. [ع] پس سایماق،
خوار اتمک، عجیزلتمک، بۇلغى سیز
ایش اتمک.
- ارز *arz*: ۱. بها، قدر، قیمت. تجارت
چیزینیندا یعنی آدالغاسیندا خارجی
پول بیلن قیمتداش، یعنی مشخص
بولان بولسون.
- آرۇز *aroz*: ۱. [ع] تووی.
- آرۇز *arz*: ۱. [ع] صنوبر آغاجینگ بیر
کۆرنوشی.
- ارزاق *arzāq*: [ع] رزقلار، آزیقلار،
جمع رزق.
- ارزان *arzān*: ص. بهاسی آز، قیمتای
آز بۇلان، آزان.
- ارزانی *arzāni*: ۱. مص. آزان بۇلماق،
آرزانلیق، هۇدور، بهاچیلیغینگ
ترسینه ۲. باغیشلايش، پشركش.
- ارزش *aržeš*: ۱. مص. ز. دگرلی، بهالی،
قیمتلی.
- ارزن *arzan*: ۱. داری.
- ارزنده *arzande*: ۱. فا. دگرلی، بهالی،
بهاسی یتیک، قیمتای.
- ارزیاب *arzyāb*: ۱. ص. گمرک
اداره لاردا ماتالارینگ گمرکینی
کسگیتلەیان، ماتالارینگ گمرکینی
کسیان آدم، دگر-بهاسینی اۋلچەیان
آدم.
- ارزیدن *arzidan*: مص. ل. دگرلی
بۇلماق، قیمتای بۇلماق ۲.
- یاراشیقلى بۇلماق.
- ارۇنگ *aržang*: ۱. مانیغا دگیشلی
کتاب، مانی نینگ کتابی، اونونگ
ایچینده دورلی نقشلی صورتلار
چکیلن بۇمالی.
- أرس *ors*: ۱. داغ آرچاسی، سروی آغاچ،
جنگل کناریندا بیتیان آغاچ.
- أرس *ars*: ۱. گۇزباش، گۇز یاشی.
- أرس *oros*: ۱. اؤرس، اؤرس آدمسی.
- إرسال *ersāl*: مص. [ع] گۇندرمک،
ایسبرمک، گۇیبرمک، یوللاماق،
اۇغرأتماق.



ارسال arsal: [ع] پاره‌لار، تیکه‌لر، بیر زادی‌نگ تیکه‌سی، جمع زسل.

ارسالان arsalān: ۱. [ت.] یولبارس، بیرتیجی بارس. هاتیر و غیراتلی آدم؛ ۲. و ترکی آدلارنینگ بیرى.

ارشاد eršād: [ع] یول گورکزمده، گونوکدیرمده یولا سالماق، هدايت اتمک، یول گورکزمه.

ارشاء eršā': مص. [ع] رشوه پارا برمه. ارشد aršad: ص.ت. [ع] اۇران اولی، مرتبه‌سی اولی بۇلان، کۆپینگ آراسیندا یۇقار درجه‌لی آدم.

ارض arz: [ع] یر، توپراق، یر شارى، اروض و اراضی جمع.

ارضاء erzā': مص. [ع] راضی اتمک، شاد اتمک، دیل بیلن و یا بیر زات بریپ راضی اتمک، کونگلونی آلماق. ارضاع erzā': مص. [ع] آیلانگ چاغا سویت بریپ امیدیرمه‌گی، سویت برمک.

ارباب er'āb: مص. [ع] قۇرقۇزماق، و هم سالماق (بو سۆز عربینگ لغت کتابلاریندا گلماندیر).

ارغام erqām: مص. [ع] قوما توپراغا بولولماق، توپراغا قارماق، بولاشدیرماق، پسیلتمک، خۇرلاتماق.

ارغب arqab: ص.ت. [ع] اۇران هوسلى، اۇران گۇوينجنگ.

ارغنون arqanun: ۱. [یو] پیانو منگزش ساز قۇراللارینگ بیو گۇرنوشى، ارک، کۆپلنج کلیسالاردا اوندان پیدالانیلیار.

ارغنون orqanun: ۱. [یو] علم منطقدا بۇلان ارسطونینگ جملان کتابی؛ ارسطونینگ منطق کتابی نینگ آدی.

ارغوان arqawān: ۱. تگه‌لک یاپراقلى آچیق قیزیل گُللى آغاچ، اول یاپراق چیقارمازدان اۇنگ گل چیقاریان بۇلمالى.

ارفاق erfāq: مص. [ع] یومشاق‌لیق اتمک، مهربانلیق اتمک، نپ گۇرکزمک.

ارفاه erfāh: مص. [ع] دینچ یاشاماق، راحت گۇذران اتمک، راحتلیق، دینچلیق.

ارفع arfa': ص.ت. [ع] اۇران بلند، بتر یۇقاری، اۇران اولی، قاتى تفاوتلى، بلند پایهنی.

ارقاب erqāb: مص. [ع] شرطلى بخشش اتمک، اوی دیر دکان دیر شيله جایى بیرینه شرط بیلن برمک،



ارغوان



ارغوان

أرگان orgān: ۱. [فر] ۱. ایشگار، بیر
حزبینگ طرفدارى، ۲. اندام، آدمینگ
اندامینینگ بیر بۆلهگی، اعضاسى.

ارگانيسم orgānism: ۱. [فر] تنى نینگ
اۋسماگه و یاشاماغا اوقییبى بۇلان
اهلى جانلى زاتلار: (آدم و حیوان).

إرم eram: ۱. [ع] یول گۆرکزمک اوچین
یولدا قویولیان بلگی داش، آرام و اروم
جمع.

إرم eram: ۱. [ع] روایتہ گؤرا یر
یوزینده بهشت حکمینده شدادینگ
سالديران شهرى یا باغى. سامى
افسانه لاردا آیدیلشی یالى شداد عاد
اوغلى پیغمبرلرینگ بهشتی وصف
ادیشی یالى اۋزدار و دسته سینه اون
ایکی فرسخدان اون ایکی فرسخ
گینگلیکده یرده بهشت یالى ادیب
شهر سالديرپ سۇنگ اۋنۇنگ
ایچینه گیرماگه رخصت بریلمانى
اۋنۇنگ جانی آلینیار.

ارمان armān: ۱. آرزو، ارمان، حسرت،
ایسلیک، رنج، عذاب.

ارمغان armaqān: ۱. ساوغات.

أرواح arwāh: [ع] روان، جان، ارواح
معنیده، جمع روح ارواحنا فداه: دعا
سۆزى، «جانلاریمیز سانگا فدا

مثال اوچین من وفات بولسام، اۋى
مال سنینگكى، اما سن اۋلسنگ اۋى
مال ملک منینگكى بۇلسۇن
ادیلمک.

أرقام arqām: [ع] جمع رقم، نشانلار،
خطلار، سانلار، سانلارینگ بللى
علامتلارى ۱-۲-۳-۴.

أرك ark: ۱. کۆشک، قصر.
أركاک arkāk: [ع] جمع رک، آونیق
یومشاق یاغیش، سینگه دن یاغان
یاغیش.

أركان arkān: [ع] پایه لار، اساسلار،
ستونلر، جمع رکن.
أرکستر orkestr: ۱. [فر] کۆپ بولوپ
ساز چالپپ آواز اوقیما، دورلى ساز
چالیا نلارینگ تاپغیری.

أرکیدہ orkideh: ۱. [فر] اۋزان
گۆرنوکلى، باغچالاردا گلدانلاردا
اکیلیان آوادان گۈل لرینگ بىیر
گۆرنوشى.

أرگ org: ۱. [فر] پیانوا منگزش
سازلارینگ بىیر گۆرنوشى، فارسچا
ارغنون هم دییلیار.

أرگ arg: ۱. ارک: پوختا برک قالا،
دولت جایى، اولى قالانگ ایچینده
بۇلان کیچی قالا.



بۇلسۇن» دېيىمك.

أرواح arwāh: [ع] يىلر، جمع ريح.

ارواق arwāq: [ع] يىقايىن

دۇستلۇقلار، جمع روق.

اروج aruj: ا. عرعر آغاچ، اورس

آغاچى.

اروح arwah: ص.ت. [ع] قاتى

روحى، قاتى دىنچلىقلى، ۲. آبشى

آچىق آدم.

أروس arus: ا. متا، زات، اسباب.

اروس aros: ا. [يو] قديمدا آيدىليان

يونانىلارنىڭ عشق تانگىرىسى.

اروغ uruq: ا. [منذ] ايچر ماشغالا،

قارىنداش دۇغان، طايغا و تيرەلەر.

اروند arwand: ا. سىناغ، سىناو، ۲.

رنج، حسرت، آرزو.

اروين arwin: ا. تجربه، سىناو، سىناغ.

آرە arre: ا. آ. پىچنى.

اريش ariš: ص. عقللى، بىلىملى.

ارىكە arike: ا. [ع] پادشاهلارنىڭ

تختى، كۆشك، ارانك جمع.

آزار ezār: [ع] انداما اۇرتىليان زات،

چادر، اۇرتكى دىر و اگىن اشىك يالى

اندامى اۇرتيان زاتلار.

آزار' eẓā: [ع] قارشى، برابر، دنگ،

اۇنگ يرينه.

ازبر azbar: ا. مر. ساقلاما، يادكش، ازبر

ازبر كردن: سافاغيىنى يا شمرى

اۇنۇتماسىزلىق، يادىنگدا ساقلاماق،

يادداشتلىق، يادكشلىك.

آزبك ozbak: ا. خ. اۇزىك، جمهورى

اۇزىكسىستانىڭ آدمىلارى،

اۇزىكستانلى.

آزىبخ az bix: دويپدن، دويپ گۇتر.

آزوت azot: ا. [فر] ايس سىز و رنگ سىز

گاز، هوانىڭ باشدان دۇرت بۇلگىنى

شكىللندىريار. اول يومورتغانىڭ

آغىندا، اتده و سويتده بوليار، نيتروژن

آيدىندا.

آزدحام ezdehām: م.ص. [ع] كۇپلىك،

اويشمەلنگ، دىقنىشىق، باسا-باس،

آدملارنىڭ كۇپ يىغىنايان ىرى، آلا

باسقى، ھومبرده ھومبر، اروده

برولىق، تىقىلدا تىقىل بۇلما.

آزد دم az dam: بىرلاى، اوچدان تۇتماق

آزدواج ezdewāj: م.ص. [ع] آيال

آلماق، آر خاتىن بۇلماق، ھوبىتلىنمك،

اۋىلنمك.

آزدهار ezdehār: م.ص. [ع]

ياغتىلانماق، اۋووسمك، يىلدىراماق،

آيدىنگلاشما، بىر زادا بگنمك،

شادلانماق.

- ازدياد ezdiyād: مص. [ع] آرتماق، كۆپلەمك، آرتيقلق.
- ازرق azraq: ص. [ع] ماوى گۆز، گۆز، آسمانينگ رنگى، ماوى رنگ.
- ازكار افتادن az kār oftādan: ايشدن قالماق.
- ازگيل azgil: ا. كونديز، آماوش آديندا آغاچلارينگ ماشغالاسيندان بۇلان گويزينگ آحريندا بيشيان اييميش.
- ازل azal: ا. [ع] باشلانغىجى آخرى بولمادىق، هميشه باقى.
- ازل azall: ص. [ع] ييلدام، هاولييقماچ، آرىق دورىق آدم، عررض علم آدالغاسيندا : زلل.
- ازليت azaliyyat: مص. جم. [ع] هميشه ليك، مبداماليق.
- از ما بهتران az mā behtarān: ا. مر. جنلار، پرىلر.
- ازواج azwāj: ا. [ع] آر-هله لىلر، عياللار، جوبوتلر، جمع زوج.
- ازهار aẓār: [ع] شكوفه لار، آچيلپ فندقلاملار، جمع زهره و زهر.
- ازهار eẓār: مص. [ع] شكوفه له مك، گل آچماق، اود ياقماقلىق، پينديقلاماق.
- ازهد aẓad: ص. ت. [ع] تقواراق، قاتى خدايلىقلى بۇلان، پاكراك، مقربلار.
- ازهر aẓar: ص. [ع] قاتى ياغتى، گوندن و آيدان يالقيماق، پارلاق و آيدينگ راق.
- ازدر aẓdar: ا. آژدارها، آژدار ييلان، اولى ييلان.
- ازدر افكن aẓdar afkan: ا. ص. كيچىراك اۇرۇش پاراخودى، دريا گويچلريندن بۇلان، آژدر آتلى دوشمانينگ پاراخودى نينگ اوستونه زينگيان گامى.
- ازدرها aẓdarhā: ا. ۱. آژدار، آژدارها، قاتى اولى ييلان، افسانه لاردا آغزيندان اود چيقيانميش دييارلر. ۲. گۆچمه معنادا: شاعرلار اثرينده آيالينگ قارا اوزين ساچينى آژدار ييلانا منگزديارلار.
- ازدها aẓdahā: ا. بتر اولى ييلان، آغزيندان اود چيقيانميش ديسيپ قديم حكاتلاردا گليار، آژدار.
- اَس oss: [ع] پايه، اساس، دويپ، بنياد، اساس جمع.
- اسائه esā'e: مص. [ع] بدليك اتمك، يامانلىق اتمك، اربتليك اتمك، تله كهليك اتمك.
- اساتيد asātid: [ع] استادلان جمع



استاد.

اسامى asāmi: ا. [ع] آدلار، جمع اسم؛

آدينگ جمعى.

اساتير asātir: [ع] ساندا حسابدا

دۇرت، آغرام اولچەگينده دۇرت مئقال

ياريم، جمع استار.

اسانس esāns: ا. [فر] كايير اوتلاردان يا

حيواندان آينيان عطرىلى و سۇوۇق

مادە ياغ شكلينده، اسانس نئاع:

جوهر نئاع.

اسارت esārat: مص. [ع] بيرينى يوپ

بيلن دانگماق، باغلاماق، تۇتماق،

يسير اتمك، قولنى باغلاماق.

اسب asb: ا. (آط.

اسب آبي asbe ābi: ا. مر. سۇو آطى؛

سۇو آط.

اساس asās: ا. [ع] كۆك، هر زادينگ

اساسى، پاياسى، پايا، فوندامنتى،

جمع اس.

اسباب asbāb: ا. [ع] سببلر، جمع

سبب، علتلر.

اساس asās: ا. [ع] پايا، كۆك، پايا

دويپ اساسى: پايا دگيشلى قانون

اساسى: اهلى قانونلارينگ كۆكى،

پايەسى دوييى.

اسباط asbāt: [ع] آختيق، چاوليق،

اوغوللارينگ اوغلى، قيزلارينگ

اوغلى، جمع سبط.

اساسنامه asāsname: ا. مر. [ع. فا] بير

قۇراما يا حزينگ قۇرالماغيندان

اۇنگ، كاغيذ يوزونه يازيلان دوزگون

نامهسى، شرطنامهسى.

اسباع asbā': [ع] جمع سبع (بضم

سين)، بير زادينگ يدى دن بيرى.

اساطير asātir: ا. [ع] جمع اسطوره و

جمع الجمع سطر؛ قديم دؤويره

دگيشلى داستانلار، سؤزلر، كپلر،

يالان حكاتلار، ارتەكىلر؛ قديم

دؤويردن قالان پهلوانلار.

اسباق asbāq: [ع] ۱. جمع سبق،

ياريشدا گرو- شرط باغلاما؛ ۲. درس،

سافاق.

اسافل asāfel: ص. ا. [ع] جمع اسفل،

قاتى پسر؛ قاتى ياراما؛ قاتى اتكده،

بلندينگ ترسى.

اسب چرمه asb-e čarme: ا. چيچار

آط.

- اسب خاکستری asb-e xākestari: ۱. چال آط، چپار آط.
- اسب دریایی asb-e daryāyi: ۱. مر. آطا منگزش دریادا یاشایان کله‌سی بالیق و بویونی آط بونونا منگزش بۆلن جانلی.
- اسب دریایی asb-e daryāyi: ۱. دنگیز آطی، سؤو آطی.
- اسب سمند asb-e samand: ۱. ساری آط.
- اسباق asbaq: ص.ت. [ع] اۆنگراک، گچن وقت، اۆنگدن اۆنگراک.
- اسب کرند asb-e karand: ۱. دور آط.
- اسبوع 'asbu: [ع] هفته، یدی گون شنبه‌دن جمعه چنلی، اسایبع جمع.
- اسباس espās: ۱. اؤوگی، سپاس، حمد و ثنا، شکر، درود.
- اسبانچ espānaç: ۱. ایسپاناق.
- اسبانیول espānyul: ص. [فر] اسپانیا دییلن یوردونگ آدملاری و دیلی.
- اسباه espāh: ۱. ج. سپاه، قوشون، اؤرده.
- اسبهر espar: ۱. سپر، قالقان.
- اسبهر espor: ۱. [فر] گل‌سیز اوتلارینگ تخم‌لیق اوچین اۆندریان آونیق
- دانه‌لری.
- اسپرانتو esperantu: ۱. [فر] ۱۸۸۷ نجی ییلدا دکتر زامنهوف‌نینگ ساده آسان دۆرمدن دیلی، بجریلن خلق آرا دیللرینگ بیرى.
- اسپرت esport: ۱. [انگلا] اهلی ورزشلری اؤز ایچینه آلیان: (آط چاپما، گامی دیر، دوچرخه و چوگان یالی آزاد ورزشلردن عبارت).
- اسپرس espers: ۱. حیوانلارینگ اییبیان اوزین اوتی، یاز اوتی (بده) آدیندا.
- اسپرس espers: شایلی اؤت.
- اسپند expand: ۱. اوزارلیک.
- اسپهبد espahbod: ۱. ص. سپاه باشلیغی، سپهبد، سردار، اسپهبدان جمع.
- اسپهسالار espahsālār: ۱. ص. سپهسالار، سپاه باشلیغی.
- اسپیدار espidār: ۱. تبریزی آغاچ، اسفیدال.
- اسپیده espidah: ۱. یومورتغانینگ آغی، دانگ آتیپ جهان یاییلما، دانگ آغارما.
- است ostā: ۱. مخفف اوستا؛ زرتشتی‌لرینگ مذهبی کتابی.
- است est: [ع] اصل، اساس، پایه،



اسبه

دويپ.

استاره estārah: ۱. ييلديز، استارگان

جمع.

است ast: ۱. سونگک.

است -استی Ost-osseti: ۱. ن. قفقازده

استا ostā: ۱. مخفف استاد.

اوتوريملى، ايرانلى نژادا باغلى طايفا

استاد ostād: ص. اوستاد، اؤورهديجي

و ديئلري بولسا فارس ديئلي نينگ

معلم، دانا، علم بيلمى آدملارا اورديان

بیر بولومى.

کيشى.

استامپ estāmp: ۱. [فر.] مهر، کاغيز

استادانه ostādāne: ق. ص. اوستادلارا

يوزونه باسيليان جوهرلى پچات.

منگزش، استادلار يالى.

استان ostān: ۱. دوروملى ير، ياشامالى

استادکار ostādkār: ص. مرايشينه

ير؛ ولايت؛ اوزالقى آدى ايالت : اول

اؤکده و چپر بۇلان.

بیر ناچه شهرستانينگ و بخشينگ

استاديوم estādiyom: ۱. [انگلا] ورزش

مرکزی، يعنى ناچه شهردن و

ميدانى، ورزش ياريشى گچيريليان

بخشدان عبارت بۇلان اولکه.

يؤريته ميدان.

استاندار ostāndār: ۱. والى،

آستار astār: [ع] اؤرتوکلر، پردملر،

استانينگ حاکمى، ولايت حاکمى،

جمع ستر.

استانينگ باشليقى.

آستار estār: ۱. [ع] ساندان دؤرت، آغرام

استاندارد estāndārd: ۱. [فر.] نمونه،

تايدان دؤرت مثقال يا دؤرت مثقال

قاعده، دوزگون، اؤلچک، قبول اديلن

ياريم، اساتير جمع.

گؤرکزمه.

آستارت estārt: ۱. [انگلا]. ۱.

استانه astāne: ۱. ايشيک، بؤساغا،

باشلاماق، حرکت اتمک، يولا سالماق،

بارگاه.

يولا دوشورمک، ۲. ياريش

استبداد estebdād: ص. [ع]

ورزشلرى نينگ تازه باشلان وقتى.

يکه ليکده توتوم توتوپ ايش اتمک،

استاره estārah: ۱. اوچ کریشلى تار،

يکه اؤز کلّه سى بيله ايش اتمک،

اوچ تارلى ساز.

قانونا بيل باغلامان اؤز کلّه سینه

استاره estārah: ۱. [ع] چادر، اؤرتكى،

گلّه نينى اتمک، بو لاقام استبدادليق

اوسته اؤرتيليان نارسه.

بیلن حاکم لیک ادن محمدعلی شاه
 قاجارا بریلیپدیر.
 استبداع 'estebdā: مص. [ع] تازه
 بیلیمک، بیر زادی تازه سایماق.
 استبدال 'estebdāl: مص. [ع] عوضینه
 آلماق، بیر زادینگ دره گینه بیر زادی
 آلمانلیق.
 استبر 'estabr: ص. قالینگ، پؤکگی،
 یوغین، کوتی.
 استبراء 'estebār: مص. [ع] عیبدان
 مبرالیق ایسته مک، عیبدان تهمتدان
 پاک لیک ایسته مک، آراسسالاماق.
 استبشار 'estebšār: مص. [ع] شاد
 بولماق، شادلیق تاپماق، شادلیق،
 آچیق یوزلی لیک.
 استبصار 'estebśār: مص. [ع]
 دوشونجه لی لیک بیلیملی اتمک،
 گورمک لیک ایسته مک،
 دوشونجه لی لیک، دانالیق،
 گورگورلیک.
 استبعاد 'esteb'ād: مص. [ع] داش
 سایماق، داش دۇرماق، داش قاچماق،
 داشلاشما، داشلیق، اۇزاقلیق.
 استبقاء 'estebqā: مص. [ع] بیر
 زادینگ دواملی بولماغینی
 ایسـله مک، یـرینـده

اوتورتماق-قویماق، دیری و ایمقلی
 قویماق.
 استتار 'estetār: مص. [ع] یاشیرماق،
 اؤرتـمک، بیر زادا گیزلنمک،
 اؤرتونمک.
 استتمام 'estetmām: مص. [ع]
 تماملاماق، سونگلاماق، آخیرینا
 یتیرمک.
 استثمار 'estesmār: مص. [ع]
 اییر-اییمیش ییغماق، ثمر آلماق،
 نتیجه لنمک، بیرینینگ ال عذابینی
 یاتیب اییمک، بیرینینگ ال
 عذابیندان پیدالانماق و حایرلانماق.
 استثناء 'estesnā: مص. [ع] قاعده
 دوزگوندان چیقارماق، چۆله
 چیقارماق، آیری، شاید، مگر سۆزی
 بیلن عمومی بویروقدان جدا اتمک،
 آییрмаق، قاعده دان چیقماق.
 استجاب 'estejābat: مص. [ع] جواب
 آیتماق و ایسـله مک، روا گۆرمک، قبول
 اتمک، جواب برمک و حالاماق.
 استجاره 'estejāre: مص. [ع] پناه
 ایسـله مک، مدد ایسـله مک، فارسی چا
 اجاره اتمک و اجاره ایسـله مک.
 استجازه 'estejāzah: مص. [ع]
 رخصت ایسته مک، اجازه ایسته مک،

ماكاملەمەك.	اذن طلب اتمەك.
استحكام estehkām: مص. [ع]	استجماع estejmā': مص. [ع]
ماكاملەمەك، بركىتمەك، قايىملاماق.	يىغىنناماق، يىغىنناماق، اويشمەك.
استحلاف estehlāf: مص. [ع]	استحاضه estehāze: مص. [ع]
برمەك، آنت ايچ دىيىمەك.	عائىلارنىڭ رەھبەرلىرى قان
استحلال estehlāl: مص. [ع]	گەلەكلىكى، نامازى گۈزەللىكى،
يىلمەك، حلال اتمەك، حلال سايماق.	حىض غەدەتتىن سۈنگە.
استحمام estehmām: مص. [ع]	استحداث etehdās: مص. [ع]
ھامما گىتمەك، ئۈزۈنگى يىلى سۈيۈ	گەتتىرىمەك، ئازەتتىن تاپماق، ئازەتلىمەك،
يىلىن يۈيۈمەك، يىلى سۈيۈ يۈيۈنمەك.	ئازەتتىن ئايسەلمەك.
استخاره estexāre: مص. [ع]	استحصال estehsāl: مص. [ع]
چەكسەن دىيىمەك، خەير ئادىتىنى	ئالماق، ئۈنۈم ئالماق، نەتىجە
اتمەك، ياغشى ئالماق، ياغشى	ئالماق. ئۈنۈم ئالماق
نەت اتمەك، ئالماق.	استحضار estehzār: مص. [ع]
استخبار estebār: مص. [ع]	تەييارلاماق، تەييارلاپ
ايستەمەك، خەبەر سورىماق، خەبەر	ايستەمەك، گەتتىرىمەك، يادلاماق،
استخدام estexdām: مص. [ع]	خەبەرلى بۇلماق، خەبەرلى
يېزىش، يېزىش، يېزىش، يېزىش	استحفاظ estehfāz: مص. [ع]
چەتلىمەك، يېزىش، يېزىش، يېزىش	ساقلاماق، قەيىم تۇتماق، يادلىنىش
قويماق.	ساقلاماق، ئۆزلىمەك.
استخر estaxr: ا. اولى ھۈس، گۈل،	استحقار estehqār: مص. [ع]
بويى ۵۰ مەتر، ۲۵ مەتر لىككە	سايماق، كىچى تۇتماق، پەس
بۇلۇن يۈزىچىلىرى غەدەت دۈزگۈنە گۈزۈ	دۈشۈرمەك، تەھقير اتمەك، خوارلاماق.
ئۆندەن يارىش گەچچە يىلىسىنلىرى.	استحقاق estehqāq: مص. [ع]
استخراج estexrāj: مص. [ع]	ياراشىقلىق بۇلماق، ھەقلى بۇلماق،
چىقارماق، بىر ئادىتىنى	سۆزۈر بۇلماق، قايىملاماق،

- استدعاء 'ested'ā: مص. [ع]
خواهیش اتمک، توؤلا اتمک،
یالبارماق، ایسته مک.
- استدلال 'estedlāl: مص. [ع] دلیل
گتیرمک، دلیل ایسته مک
دلیللندیرمک، دلیلینی سؤراماق.
- استر 'astar: ا. قاطیر، یوک چکیان ارکک
مال، اشه گینگ بایتالا یاناماغیندان
عمله گلیان اشکدن اولی اطان
کیچی مال.
- استر 'estar: ا. [فر.] یاغلی ماده، الک و
اسید آلینگ بيله یوغوریلماغیندان
عمله گلیان زات.
- استراتژی 'esterātezi: ا. [فر.] لشکر یا
سپاهینگ اوروشدا عملیات و
حرکاتینی یولا قویماق، و اونونگ
یول-یورداسی نینگ تازی، یولی،
سیری.
- استراتژیک 'esterātežik: ص. [فر.]
اوروشدا لشکر چکمکلیگه باغلی
بۇلان یول-یۇدا، و سیر.
- استراحت 'esterāhat: مص. [ع]
دینچلیق تاپماق، دینچ آلماق،
آسودالیق، راحتلیق استراحتگاه:
دینچ آلیش جایی.
- استراق 'esterāq: مص. [ع]
آشاغیندان یا معدندن اله گتیرمک، یا
اؤی-فکر بیلن بیر مطلبی تاپماق یا
بیر مادهنی آیری بیر مادهدان
سایغاریپ چیقارماق و سایلاماق.
- استخصاص 'estexsās: مص. [ع] بیر
زادی اؤزونگه خاصلاماق،
ایسله گینگ اؤزونگه طرف اؤویرمک.
- استخفاف 'estexlāf: مص. [ع]
ینگیللندیرمک، بیرینی ینگیل
سایماق، پسه دوشورمک، خوارلاماق،
ینگلتمک.
- استخفاء 'estexfā: مص. [ع]
گیزلنمک، باسیرینماق، یاشیرینماق.
- استخلاص 'estexlās: مص. [ع]
خلاص اتمک، بوشاتماق، آزاد بۇلماق،
بیر زادی اؤزونگه خاصلاماق.
- استخلاف 'estexlāf: مص. [ع] بیرینی
اؤز یرینگه خلیفه اتمک، بیرینی اؤز
یرینگه اوتورتماق.
- استخوان 'ostoxān: ا. خرما و زردآلو و
ایگده یالی زادینگ شانیگی.
- استخوان 'ostoxān: ا. سونگک.
- استدرج 'estedrāj: مص. [ع] آز-آزدان
ایسته مک، یوواش-یوواشدان
یاقینلاشدیرماق، بیر زادا بیرینی آز
آزدان یاقینلاتماق.

«دوغری یولا هدایتات» دییپ
آیتماق.

استرشاء 'esteršā: مص. [ع] ۱.
بیریندن اطاعت اتمک و اؤنؤنگ
خوشلیغینی ایسته مک ۲. پارا
ایسته مک، رشوه آلماق.

استرضاع 'esterzā: مص. [ع] سویت
برمکلیک ایسته مک، انه که طلب
اتمک، سویت امیان اؤغلانا انه که
طلب اتمک، انه کا اؤغلانی امیدیرماکه
برمک.

استرلینگ esterling: ا. [انگلی]
انگلیستانینگ کوموش سکه پولی لیره
استرلینگ انگلیستانینگ واحد پولی.
اُستره ostarah: ا. آ. کله سیریلیان
تیغ.

استرهاب esterhāb: مص. [ع]
قۇرقیزماق، بیرینی قۇرقیزماق، خوف
سالماق.

استسلام esteslām: مص. [ع] بویۇن
انگمک، بویروغا باش انگمک مطیع
بۇلماق، ساغلیق طلب اتمک.

استشراق estešrāq: مص. [ع] ادبیاته
و علومه و دأبلر بارادا شرقشناس و
خاورشناسلار طاراپدان تحقیق
اتمکلیک، یعنی بارلاق اتمکلیک.

اوغورلاماق، یاشیرماق استراق سمع:
گیزلین قولاق آسماق، بیلدیرمان
قولاق آسماق.

استریان astarbān: ا. ص. قاطیرچی.
استرجاع 'esterjā: مص. [ع]
دولانماقلینی ایسته مک، ایزینا
اؤویرمک، برلن زادی ایزینا اؤویرپ
آلماق، بیر آدم وفات بولاندا «انا لله و
انا الیه راجعون» دیپ آیتماق، «الله
رحمت اتسین» دییمک.

استرحام esterhām: مص. [ع] رحم
طلب اتمک، رحمیلیک ایسته مک،
مهربانلیق ایسته مک، یالبارماق،
یؤزدمک، خوایش اتمک.

استرداد esterdād: مص. [ع] ایزینا
آلماق ینه ایزینا اؤویرپ آلماق، ایزینا
آلماغی طلب اتمک، بره نینگی ایزینا
آلماق.

استردار astardār: ا. ص. قاطیرچی؛
قاطیر ساقلايان.

استرزاق esterzāq: مص. [ع] رزق
قاوالاماق؛ گوندهلیک اونگالفانینگ
ایزیندان گیتمک، اونگشیق قوالاماق.

استرشاد esteršād: مص. [ع]
اؤسمکلیگی و دوغری یول طلب
اتمک، یول تاپماق، بلد ایسته مک،



استره

استشمام estešmām: مص. [ع]
ایستشماماق، ایسی دۇیماق، ایس
بیلیمک.

استشهاد esteš-hād: مص. [ع]
شایادلیق ایسته مک شهادتلیغا
چاغیرماق، گۇۋالیق ایسته مک.
استصباح estesbāh: مص. [ع] چیرا
یاقماق، چیرا ایسته مک، یاغتیلیق
طلب اتمک.

استصلاح esteslāh: مص. [ع]
مصلحت سورماق، یاغشیلیق اتمک
و ایسته مک، قاضی نینگ مصلحته
گۇزا درک ادیب اۇنکا بریان رایى.
استصناع estesnā: مص. [ع] ۱.
صنعتگرلیک ایشی طلب اتمک.
اوستا قاپی پنجا را بجرمک لیگی
تابشرغی برمک ۲. صنعتگرینگ
بجریپ ساتیان زادی.

استضعاف estez'āf: مص. [ع] خوار
سایماق، بیرینی پس و عجیز
سایماق.

استطاعت estetā'at: مص. [ع]
باشارماقلىق، پوللىلىق، باراندالىق،
قۇجۇرلىلىق، قۇرپلىلىق. شرع
آدالغاسیندا : قۇجۇرلى قۇرپلى
بۇلماق، تاپماق.

استطراب estedrāb: مص. [ع]
شادلىق ایسته مک، شاد بۇلماق،
خوشلىق اتمک.

استطراف stedrāf: مص. [ع] حیران
قالماق، بیر زادی تازهدن تاپماق، تازە
حساب اتمک، تازە سایماق.
استطعام estet'ām: مص. [ع] ۱. طعام
طلب اتمک، اییمیت ایسته مک، ۲.
قرآن اوقانا لقمه برمک.

استطلاع estetlā: مص. [ع] خبر
ایسته مک، آگاهلىق تاپماق، بیر ایش
دېرکلى خبر طلب اتمک.

استطلاق estetlāq: مص. [ع] ۱.
بوشادیلماغی ایسته مک، بندن
نجات برمک، باغلىلىقدان چىقماق،
۲. ایچ گچمک، ایچ آغیرا دوش
بۇلماق.

استظلال estezlāl: مص. [ع]
كۆلهگه له مک، كۆلهگا پناه گتیرمک،
كۆلهگه ده اۇتۇرماق.

استظهار estez-hār: مص. [ع] هارای
ایسته مک، مدد طلب اتمک، مدد
طلب اتمک، بیرینی آرقا تۇتماق.

استعاده este'āde: مص. [ع] بیر
زادینگ اۇوريلمه گینی ایسته مک، بیر
زادا اندیک اتمک، بیر ایشه اۇوریلیپ

كلمه گىنى ايسته مك.

استعاذە *este'āze*: مص. [ع] پناه
ايسته مك، آرقا توتونماق، مدد و
ھاراي طلب اتمك، كلمه اعوذ بالله
من الشيطان الرجيم دييمك.

استعاره *este'āre*: مص. [ع] قرض
آلماق، وقتلايىنچا امانت آلماق.
استعاضه *este'āze*: مص. [ع] عوضه
آلماق، عوضه ايسته مك، دراگينه
آلماق.

استعانت *este'ānat*: مص. [ع] ھاراي
ايسته مك، يارى ليق ايسلە مك، كمك
طلب اتمك، مدد ايسته مك،
ياردام ليق، قولداوليق.

استعباد *este'bād*: مص. [ع] بيريىنى
اۈز بىندەلینگە آلماق، اۈيرىمك،
بىندەلىگە سالماق، غلاملىغا آلماق.

استعجاب *este'jāb*: مص. [ع] حيرانا
قالماق، بىر زاتدان گنگ قالماق،
گنگلىگە سايماق، تعجيبه قالماق.

استعجال *este'jāl*: مص. [ع]
ھاوئليقماق، بىر ايشە ھاوئليقماقلىق،
ھاويل ھالاتلىق، يوگيرىمك،
قيساقلىق.

استعجام *este'jām*: مص. [ع]
سۆزلەمكدە سۆز تاپمان عاجز

بۇلماق، سۆزلەمكدە عجيز بۇلماق.

استعداد *este'dād*: مص. [ع] آمادە
بۇلماق، باشارجانگلىق ايشە قۇرىلى
بۇلماق، ذهينلىلىك، تالانتلى، تاييار
بۇلماق، اوقىپىلى.

استعذاب *este'zāb*: مص. [ع]
ايچمەلى سويجى سۇو طلب اتمك،
سويجى دورى سۇو ايچيرىمك،
آراسسا سويجى سۇو ايسته مك.

استعراب *este'rāb*: مص. [ع] ۱. عرب
يالى بۇلماق، عربلارینگ ادەنىنى
اتجك بۇلماق، فارسى سۆزىنى
عربچا اۈيرىجك بۇلماق، ۲.
بۇلغى سىز سۆز آيتماق، سۇومك.

استعفاف *este'tāf*: مص. [ع]
مەربانلىق طلب اتمك، كۈنگۈل
آولماق، مەرلى بۇلماق، يورك الە
آلماق.

استعظام *este'zām*: مص. [ع] بيريىنى
اۈلى بىلىمك، بىيىك سايماق، اۈلۈلىق
اتمك.

استغفاف *este'fāf*: مص. [ع]
آراسسالىق اتمك، پاكلىك اتمك،
حرامدان قاچا دۇرماق، حرامدان
ساقلانماق.

استغفاء *este'fā'*: مص. [ع] اۈتونج

تعجیبه قالماق، گنگ قالماق، گنگ
سایماق.

استغراق esteqrāq: مص. [ع] ۱. همه

یرینی آتماق، سؤوا غرق بؤلماق، ۲.
بیر ایشه قاتی قیزیقلانماق.

استغفار esteqfār: مص. [ع] خدای

تعالی دان رحمت دیله مک، توبه
اتمک، عفو ات دییمک، مغفرت طلب
اتمک.

استغفرالله [ع] توبه کلمه سی یعنی

استغفار، خدای تعالی دان مغفرت
طلب اتمک.

استغلاظ esteqlāz: مص. [ع] قوی

بؤلماق، قالینک بؤلماق، بیر زادی
قالینک سایماق.

استغلاق esteqlāq: مص. [ع]

باغلانماق، سؤزونک باغلانماغی،
سؤزونک چتین بؤلماغی.

استغلال esteqlāl: مص. [ع] غله

طلب اتمک، غله آتماق، غله اؤنیم
ییینماق، غله لی بؤلماق.

استغنما esteqnām: مص. [ع] غنیمت

تایماق، نپ سایماق، غنیمت بیلیمک،
پیدا بیلیمک.

استغناء esteqnā: مص. [ع] قناعتلی

بؤلماق، قوجورلی بؤلماق، ماتاچ

ایسته مک، ایشدن ال چکمک، ایشدن

خدمتدن بوشاماقلینی ایسته مک،

عذرا ایسته مک. ایشدن چیقماق.

استعلاج este'lāj: مص. [ع] علاج

طلب اتمک، چاره ایسه مک، دردینکه
درمان ایسه مک، علاج سورماق.

استعلام este'lām: مص. [ع] بیر

زاتدان خبر ایسته مک، بیر زاتدان خبر
تؤتماق و سورماق، خبر آتماق و

سورماق.

استعمار este'mār: مص. [ع] آبادانی

طلب اتمک، آبادلیق اتمکلیک،

آبادلیق بهانه سی بیلن کیچی

دولت لرینگ، بایلیغینی آماقلیق

اوجین اولاری ارکینکه آتماق.

استعمارگر este'mārgar: ۱. ازبجی،

اولی دولت لرگویجینه بويسانیپ

کیچی دولت لری ازیان، کیچی

دولت لره آقالیق ادیان.

استعمال este'māl: مص. [ع]

ایشلمک، عمل اتمک، اولانماق،

پیدالانماق.

استغائه estqāse: مص. [ع] داده

یتیشمکلیک، قینچیلیغی

چؤزمکلیگی ایسته مک.

استغراب esteqrāb: مص. [ع]

- بۇلماسىزلىق.
- استفاده *estefāde*: مص. [ع] اولانماق، پیدالانماق، نېلنمک.
- استفاضه *estefāzah*: مص. [ع] سۈوۈنگ آقیملى بۇلماغىنى طلب اتمک، بخشش ايسته مک، بخشش آماق، ۲. خبرینگ فاش بۇلماغى و يارماق معنیده.
- استفراغ *estefrāq*: مص. [ع] قوسماق، ايین اييميتینگ ایزینا اۋوريلمەگى.
- استفسار *estefsār*: مص. [ع] آچيقلاماغى ايسته مک، سوراماق، بيلمک ایزینا يتمک، تفسيرلە مک.
- استعمال *estefāl*: مص. [ع] بير ايش يا بير زادی طلب اتمک.
- استفهام *estefhām*: مص. [ع] دوشونمک، بير زادی بيلمک اوچين سوراماق بير زادينگ ایزینا يتمک ليک.
- استقامت *esteqāmat*: مص. [ع] گونی دیک دورماقلىق، آياق ديرە مک، دورىملىق، جيداملىق، ارجل ليک، آياق اۋستونده برک دۇرماق، دۇرئوقلىق.
- استقبال *esteqbāl*: مص. [ع] بير زادا يوزلنمک، بيرى نینگ اۋنگوندىن
- چىقماق، قارشى آماق، اۋنگوندىن گيتمک، قبول اتمک، دوشوشماق.
- استقدام *esteqdām*: مص. [ع] اۋنگە گيتمک، اۋنگە دوشمک، اۋنگە دوشىپ باتيرلىق اتمک.
- استقرار *esteqrār*: مص. [ع] جايلاشماق، دينج آماق، دوينە مک، برکيمک، قرار تاپماق.
- استقراض *esteqrāz*: مص. [ع] قرض آماق، وام ايسته مک، بيريندىن قرض آماق.
- استقراء *esteqrā'*: مص. [ع] بير زادی بارلاماق اوچين تلاش اتمک، بير زادينگ ایزيندان گيتمک.
- استقلال *esteqqlāl*: مص. [ع] اۋزباشداقلىق، اۋزارکينگە ايش اتمک، غيرى نینگ قوشولماسىزلىغى بيلن ايشينگى آليپ بارماق، اۋزباشداقلىق، ارکين ليک، اۋز اختيارلىق، قاراش سيزلىق
- استكان *estekān*: مص. [ع] اۋزينگى پس تۇتماق، پسه دوشمک، كيچى تۇتماق.
- استكان ۱. روس چشمه سيندىن آلمان : چای ايچيليان نارسه، استكان.
- استكانت *estekānat*: مص. [ع] ت.

چىقماق.

استكفاء 'estekfā: مص. [ع] بس

ادىلمەگى اىستەمك، آيرى آدم

ايشى يولا دوشمك ليگىنى

اىستەمك.

استكمال 'estekmāl: مص. [ع]

قۇتارماقلىنى اىستەمك، كمالا

يتىرمك، تمام اتمك، قوتارماق.

استماع 'estemā: مص. [ع]

دينكلەمك، قۇلاق آسماق، اشيتمك،

قۇلاق قۇيماق.

استمتاع 'estemtā: مص. [ع]

پيدالانماق، خىرلانماق، پيدالانماق و

نپ آماق.

استمداد 'estemdād: مص. [ع] ھاراي

اىستەمك، مدد اىستەمك،

قولداوليۇق.

استمرار 'estemrār: مص. [ع]

ھمىشەلىك، ايزى گىدرلى دوام

برمك، بير يۇل بىلن ادامە برمك،

آقىملى بۇلماق، بير يول بىلە گىتمك،

دواملىلىق.

استمساک 'estemsāk: مص. [ع] بهانه

اتمك، بير زادى الە سالماق،

بهانالانماق، ال اۇرماق، قۇلا سالماق.

استمگر 'estamgar: ص. قا. ظالم،

اۋزىنگى پس تۇتماق، يىغنى اۋزىنگى

آيرى آدم لاردن بىوك سايمانلىق،

اۋزىنگى كىچى تۇتماق پس پاللىك،

زارىنلىق.

استكبار 'estelbār: مص. [ع] بيرىنى

يا اۋزىنگى اۋلى سايمان، غورولانماق،

منلىكلىنمك، نافرمانلىق اتمك.

استكتاب 'estektāb: مص. [ع] بير

زادى يازماقلىنى طلب اتمك،

بيرى نىنگ خطىنى درنگەمك اوچىن

بير مطلبى يازماقلىنى تكليف اتمك.

استكتام 'estektām: مص. [ع]

گىزلىنلىگى اىستەمك، بير زادى

ياشىرىن بۇلماغىنى اىستەمك،

اوغرىن بۇلماغىنى اىستەمك.

استكثار 'esteksār: مص. [ع]

بۇلچۇلىنى اىستەمك، كۇپى

اىستەمك، طلب اتمك، كۇپى طلب

اتمك.

استكشاف 'estekšāf: مص. [ع] ۱. بير

زادى بارلاماغى اىستەمك، اۋستونى

آچماق، ۲. آيدىنگلاشديرماق.

استكفاف 'estekfāf: مص. [ع] بيرىنه

يالبارىپ الىنگ سرمك، بير زادىنگ

تۈۋەرەگىنه آيلانىپ يا آلىپ اونگا سر

اتمكلىك، بير زادىنگ داشىنا

ستم بریجی خورلایجی، ازیجی.

استملاک estemsāk: مص. [ع] ملک
طلب اتمک، بیر یردن ملک ادینمک،
ملکلی بۇلماق.

استملال estemlāl: مص. [ع] دار
قۇرساق بۇلماق، بیزار بۇلماق،
حالیم یادماق، داریقماق.

استمهال estemhāl: مص. [ع] مهلت
طلب اتمک، وقت ایسته مک.

استنابت estenābat: مص. [ع]
بیرینی کفیل ادینمک، بیرینی اؤز
طرفینگدان وکیل قویماق،
بیرینی اورنینگا بللمک.

استناد estenād: مص. [ع] بیر زادا
سوینمک و آرقا برمک، سند قرار
برمک، دیرانمک، سند توتونماق.

استناره estenāre: مص. [ع]
یاغتیلیق و نور طلب اتمک،
یاغتیلیق تاپماق، یاغتیلانماق.

استنامت estenāmat: مص. [ع]
یاتماقلىق طلب اتمک، یاتماغا میل
اتمک، اؤزینگی اۇقا اۇرماق، اۇرانماق،
دینچ آلماق.

استنان estenān: مص. [ع] سنت قرار
برمک، بیرینینگ دۇرمۇشی یول
یورداسینی سنفتنی آلماق،

یۆزلگه سینی یولابرک اتمک.

استنباط estenbāt: مص. [ع]
دوشونمک، دویماق، اؤز دوشونجأنگ
بیلن بیر زادا گۆز یتیرمک، بیر مطلبی
باشغا بیر مطلبدن دوشونجنگلیک
بیلن چیقارماق، ایزینا یتمک.

استنتاج estentāj: مص. [ع] نتیجه
آلماق، نتیجه طلب اتمک، بیر
مطلبدن نتیجه آلماق، دوشونمک.

استنحاء estenjā': مص. [ع] خلاص
بۇلماق، بسوق سیدیکدن
آراسسالانماق.

استنشاق estensāq: مص. [ع] دم
آلماق، ایسغاماق، دم آلیش آرقالی
هوانی-گازی یا-دا درمانی اویکه نه
گیریزمک.

استنطاق estentāq: مص. [ع] بیرینی
سؤزلتمک، گوررونک آلماق، بیرینی
کیله ماگه مجبور اتمک،
سوراغچیلیق، سوراغلیق اتمک.

استنکاح estenkāh: مص. [ع] نکاح
اتمگی طلب اتمک، عقد اتمک، عیال
آلماق، اویلمک.

استنکاف estenkāf: مص. [ع] ۱.
اولومسیلیق تکبَرلیک ادپ بیر
ایشدن ال چکمک، ۲. بیر زات اتمه گی

- عار بیلیمک، ۳. بیر زات اتمکدن ساقلانماق.
- استواء 'estewā: مص. [ع] دنگ-برابر بولان، جغرافیا آدالغاسیندا یر شارینی گون اورتا و دمیر قازیغا دنگ و برابر بؤلیان اولی خط -چیزیک، اونگا یاریم گون هم دییلیار.
- استوار ostowār: ص. پوختا، ماکام، برک، سارسمان، قاییم دوروملی، دواملی.
- استوارنامه ostowār nāme: ۱. امر. اعتبار خط، اینانچ خطی، ایلچی گه یا وزیر مختاره، دولت طرفیندان صادر بولیان بویروق خطی، اول مأمور بولوپ باران یوردی نینگ باشلیغینا اونی تابشیریار.
- استوانه ostewāne: ۱. هر زات ستون یالی بولسون، یکی باشی دنگ تارده بؤلان تگه لک جسم، ستون یالی.
- استودن ostudan: مص. [ع] آلقیش اتمک، دعا اتمک، مدح اتمک.
- استودیو estodiyo: ۱. [فر.] صنعتگرلرینگ ایش اوتاغی، رادیو-تلویزیون برنامه لارینی ترتیبه سالیپ پخش ادیان جای، گویبریلیان یری.
- استون ostun: ۱. ستون، تۇغلاق ستون یالی نأرسه.
- استهانت estehānat: مص. [ع] ینگیل سایماق، ذلیل و عجیز لتمک، خوارلاماق.
- استهزاء 'estehzā: مص. [ع] بیرینه گولمک، بیرینی مسخره لاماق، یووالاماق، شيلتاق آتماق؛ آبرایینی آتماق؛ يانگسی لاماق.
- استهلاک estehlāk: [ع] ۱. آرادان آیرماق، هلاک له مک ۲. وامی یا قرض یالی آلان پولونگی آز-آزدان برپ تمام لاماق، قوتارماق.
- استهلال estehlāl: مص. [ع] ۱. آی گۆزلگنه گیتمک، تازه دوغان آیی گۆرمک لیک؛ ۲. چاغانینگ دوغان وقتی آغلاماغی؛ قاتی سس اتمک؛ ۳. حاجی لارینگ حج وقتی «اللهم لیبیک» دیممه گی.
- استیجاب estijāb: مص. [ع] گرکلی و ضرور بیلیمک لیک، بیر زادی گرکلی بیلیمک، بیر زادا حقلی بؤلماق.
- استیجار estijār: [ع] بیرینه حق برپ قوللوغا تۇتماق؛ اجاره ایسته مک؛ قوللوغا تۇتماق، اجاره اتمک.



استیجال *estijāl*: مص. [ع]. مهلت

استه مک، زمان طلب اتمک.

استیحاش *estihāš*: مص. [ع]. خونه

دوشمک، وحشتلی بولماق، توقاتلی بولماق، قایغا قالماق.

استیصال *estisāl*: مص. [ع] کوکی

بیلمن یولماق، کوکونی کسمک، غریب و یوغسول بولماق، زات سیز و بیچاره بولماق.

استیضاح *estizāh*: مص. [ع] سوراغا

چکمک، مجلس وکیللری وزیرلرینک بیرینی سوراغا چکمکلیگی و بیر و یا ناچه مطلبی آچیقلاماگی طلب اتمکلیک.

استیفاء *estifā'*: مص. [ع] بارینی

آلماق، اهلی حق طلب اتمک، بوتین حق زات قویمان آلماق.

استیقاظ *estiqāz*: مص. [ع]. اویانماق،

اویا بولماق، هشیار بولماق، هوشیارلیق.

استیلاذ *estilād*: مص. [ع]. فرزند طلب

اتمک، بوغاز اتمک.

استیلاء *estilā'*: مص. [ع] ینگیش

قازانماق، بیر زادی اله سالماق، اوستونلیک، اوستم چیقماق.

استیمان *estimān*: مص. [ع]. امان

استه مک، بیرینه بویون بولماق.

استیناس *estinās*: مص. [ع].

اورانشمک، انس تاپماق، ایسنشیق تاپماق.

استیناف *estināf*: [ع] ۱. تازه دن

آلماق، تازه دن باشلاماق، ۲. دادگستری نینگ آدالغاسینده اونگی رایا اعتراض ایدیلمه گینگ نتیجه سینده یانگادان یوقاری دادگاه عرضه بریپ دعوا تۇتماق لیق.

اسجد *esjād*: مص. [ع]. انگیلیمک،

بویون انکمک.

اسجاع *esjā'*: [ع]. جمع سجع،

قافیه لار.

اسجال *esjāl*: مص. [ع] کۆپ بخشش

اتمک، لاری نی سؤودان دولدورماق، بیر ایشی بیرینه گؤیبرمک.

اسحار *as-hār*: [ع] جمع سحر،

دانگلار، دانگ آتان وقتلاری.

اسحار *as-hār*: [ع] جمع سحر،

جادوی لیک، جادی لیق.

اسحار *es-hār*: مص. [ع] سحر

وقتی بولماق، جهان یاییلاندا ایردن بیر یانگا گیتیمک.

اسحاق *es-hāq*: مص. [ع] کؤنه لمک،

سورورلمک سوربه گی چیقماق،

اسرائیل esrā'il: ا.خ. [ع] عبری
سۆزۈندن آلینان یعقوب بن اسحاق
پینمبرینگ لاقامی، خدایینگ
بندەسی اسرائیلی - بنی اسرائیل یهود،
یهودی نینگ اهللی طایفالاری،
کلیمی لر، بنی اسرائیل لار.

اسرار asrār: [ع] ۱. رازلار، سیرلار،
گیزلین سۆزلر، جمع سر. ۲. فارسدا:
حشیش و بنگ معنیده - ده آیدیلیار.
اسرار asrār: [ع] جمع سر، مانگلای و
إل آیاغینگ خطلاری.

اسرار esrār: مص. [ع] باسیرماق،
گیزلەمک، ایچینگ سرینی بیرینه
آیدیب آرا قویماق.

اسراع esrā': مص. [ع] یورتماق،
داریماق، قاتی گیتمک، یورتدیرماق.
اسراف esrāf: مص. [ع] اسریر
اتمک، آشا خرج اتمک، چندن آشا
گیتمک، خرجی وی لیک، بیدرک خرج
اتمک، بی صرفا توتماق.

اسرافیل esrāfil: ا.خ. [ع] یل وکیلی
بۇلان فرشته. اول قیامت قویچاق
بولاندا، الله نینگ امری بیلن
تویدوگینی چالیپ اۇلن لری
دیرلتجک.
اسرابول asr-ol-bowl: ا.مر. [ع].

قۇریماق، اشیگینگ کونه لمەگی، داشا
دوشورمک، داشا سالماق.

اسحر as-har: ص.ت. [ع] جادوی راق،
اوقیمیشراق.

اسخان esxān: مص. [ع]. قیزدیرماق،
بیر زادی قیزدیرماق، اسسی لاتماق.

اسخی asxi: ص.ت. [ع] قاتی سخی،
قاتی جورمات، اۇرآن بریم لی.

اسخیاء asxiyā': [ع] جومارتلار،
سخیلار، جمع سخی.

اسد asad: ا. [ع] آرسلان، یۇلبارس،
بیرتیجی شیر؛ ارکک یا اورقاچی
یۇلبارس.

اسدال asdāl: [ع]. عقد معنیده، بوینه
داقیلیان جواهر قیزیل.

اسدال esdāl: مص. [ع]. یره قویماق،
آشاق قویماق، قیسدیرماق.

اسدالله asadollāh: ا.مر. [ع]
خدانینگ شیر، ۲. حمزه بن
عبدالمطلب بیلن علی بن ابیطالبینگ
لاقامی.

اسر asr: مص. [ع]. اسیر اتمک،
باغلاماق، یسیر اتمک، برده لیک.

اسر asr: مص. [ع]. پشوا ده بیلیمان،
سسیدگی نینگ اونگی باغلانماق
توتولماق.

ادرارینگ دشیگی توتولماق،

پیشوونینگ اونگی توتولماق.

اسراء 'osarā: [ع] جمع اسیر، اسیرلر،

یسیرلر، بندی لر.

اسراء 'esrā: مص. [ع] گيجه يول

يوريمک، گيجه سير اتمک حديث

اسرا: حديث معراج.

اسرع 'asra: ص.ت. [ع] قاتی چالت،

قاتی ییلدام، هاولیقماچلیق،

قیسساقلیق، چاقغانلیق.

اسره 'osra: ا. [ع] خاندان، ایچر

ماشغالا.

اسری 'asra: [ع] اسیرلر، یسیرلر،

باغلی لار.

اسطار 'astār: [ع] جمع سطر، سطرلر،

سیرداشلار.

اسطار 'estār: مص. [ع] خطا اتمک،

اوقیماقدا یالنگشماق.

اسطار 'estār: ا. [ع] اسطارة، یازغی،

باى، حکات، پوچ سؤز اساطیر جمع.

اسطبل 'establ: ا. مالینگ یاتاغی، مال

طبله سی.

اسطربلاب 'ostorlāb: ا. [ع] یونان

چشمه دن آلمان نجومه دگیشلی :

ییلدیزلارینگ اوزاقلیغینی و نجومه

دگیشلی زاتلاری اولچه یان آبزال،

قۇرال.

اسطوره 'osture: ا. [ع] قصه، ارته کی،

حکات، باى، پوچ بوش سؤز؛ اساطیر

جمع.

اسطول 'ostul: ا. [ع] یونان سؤزی،

کشتی، پروخوت، اوروش گامی سی.

اسعاد 'es'ād: مص. [ع] یاری اتمک،

یاران بولماق.

اسعار 'as'ār: [ع] نرخلار، بهالار.

اسعاف 'es'āf: مص. [ع] دوغری

بیلمک، حاجتی بیتیرمک، کمک

اتمک، قولداولیق اتمک.

اسعد 'as'ad: ص.ت. [ع] قاتی بختلی،

قاتی بلند درجه لی، یوقاری بختلی،

بختی گلن.

اسعر 'as'ar: ص. [ع] خور، عجیز،

یاغداى سیز آدم، آریق آدم.

اسغر 'osqor: [ع] اولی اوقلی کیرپی،

اوق آتیان کیرپی.

اسف 'asaf: مص. [ع] اوکونمک،

قیناماق. قینانچ بیلدیرمک.

اسفار 'asgār: [ع] جمع سفر «س ف»،

اولی کتاب، توراتینگ بیر یا ناچه

بوله گی، اسفار خمسہ: موسی نینگ

باش سفری و باش کتاب بیرینجی

تورات



اسفار asfār: [ع] سفرلار،

یولاغچیلیقلار، جمع سفر.

اسفار esfār: مص. [ع] یاغتیلانماق،

دانگ آتیپ جهان یا ییلماق،

آیدینگلانماق؛ یوز-گوزونگ

یاغتیلانماق.

اسقاط asfāt: [ع] سبدر، چمدانلار،

جمع سقط.

اسفالت asfālt: ۱. [فر.] آسفالت،

اسفالت.

اسفاناج esfānāj: اسپاناق.

اسفراج esfarāj: ۱. [معر] یونانلی

سۆزدن: مارچوبه، ییلان اوتی.

اسفل asfal: ص.ت. [ع] آشاقراق، قاتی

پس و اتکراک، اسافل جمع اسفل

السافلین: اینگ اتکده بۆلن دوزخینگ

یدینجی قاتی.

اسفناج esfenāj: اسپاناق، اسماناق.

اسفنج esfanj: ۱. دريادا یاشایان اوتا

منگزهش جانلی.

اسفند esfand: ۱. شمسی ییلینگ اون

ایکینجی آیی، شمسی ییلینگ

آخرقی آیی.

اسفند esfand: ۱. اسپند، اوزارلیک.

اسفیدار esfidār: ۱. تبریزی آغاچ ۲.

دوویک ینجیک اتبریندی نارسه.

اسقاط asqāt: مص. [ع] ۱. اوقلاماق،

زینگمالی، تاشلانندیق زاتلار؛ دوویک

-ینجیک اتبریندی کۆینه نارسه لر.

اسقاط esqāt: [ع] ۱. اوقلاماق؛

زینگماق؛ ۲. سۆزده یالنکیشماق؛

جمع سقط.

اسقام asqām: مص. [ع] سیرقاوولقلار،

ناخوشلیقلار؛ ناساغلیقلار؛ جمع

سقم.

اسقف osqof: ۱. ص. [ع]. یونانلی

چشمه دن، رهبر، پیشوا، کشیش.

اسقف asqaf: ص. [ع]. ۱. اوزین، بوکیر.

۲. توی سیز ديه.

اسقف osqof: ۱. [ع] یونانلی سۆزوندن؛

پیشوا، رهبر، کشیشدن اولی واعظ.

اسقیل esqil: ۱. [ع]. یونانلی چشمه دن

سیچان سوغانی؛ داغ سوغانی، گوتی

سوغانه منگزش اوت.

اسقیه asqiye: [ع]. مشک معنیده، سؤو

مشکی.

اسکات esqāt: مص. [ع] دیندارماق،

کوشیتیمک، سوندیرمک، سسینی

قویدورماق.

اسکاف eskāf: ۱. ص. [ع] کؤویش

تیکیحی، آياق قاپ تیکیان آدم،

اساکفه جمع.



تاج

اسكان eskān: مص. [ع] اوتورتماق،

جای برمک، يرلشدیرمک، بیرینه
یانینگدان جای برمک، اوروون برمک.

اسکدار askodār: ا.ص. اسکدار،

اسگزار، قاصد، یومیش اوغلان، چاپار،
خط قاتنادیان.

اسکرک eskerak: ا. سینجفیلاویق.

اسکره oskore: ا. بشقاب، تاباق، سوو

ایچلیان جام او قارا.

اسکفه oskoffe: ا. [ع]. ایشیک.

اسکلت eskelet: ا. [فر.] آدم و یا

حیوانینک اندامیندا بۇلان سونگک

بووغونلاری، آدامینک أهلی

سونگک لری، سَنَمِیک.

اسکله eskele: ا. ایتالیا سۆزۆندن:

دریانینک قیراغیندا بۇلان گامی

دورالغاسی، گامینک یوریته یوک

دوشوریپ یوکله یان یری. پورت

اساکل جمع.

اسکناس eskenās: ا. روسی سۆزۆندن

آلینما : ارقاسی کوچلی بۇلان کاغذ

پول.

اسکنه eskene: ا. اسکنه، آغاج

اوسسالارینک آغاج دشیان آبزالی،

یعنی آغاج دشیلیان یوریته شای.

اسکنه eskenah: ا. آغاجا پیوند

اورمانک بیر گۆرنوشی.

اسکورت eskort: ا. [فر.] بیر بییک

شخصی سیلاپ مامورلارینک

قارشى آلیپ داشین قۇرشاپ یولا

سالپ، اوغراتماقلیق لری و

گتیرمکلیک لری.

اسکی eski: ا. [فر.] ایکی آغاچلی قار

اوستونده اوینالیان ورزشینگ بیر

گۆرنوشی.

اسکیزه eskize: ا.ص. شاللاقلاماق،

مالینک شاللاقلاماسی.

اسکیزیدن eskizidan: مص.ل.

شاغلانلار، بوکما، مالینک

بوکماسی.

اسگر osgor: ا. اوقلی کیرفی.

اسل asal: ا. [ع]. نیزه، اۇچلی زات،

باشی اینچه زات.

اسلاب aslāb: [ع] جمع سَلَب؛

غضب بیلن آلینیانلار.

اسلاف aslāf: [ع] دنیان اوتنلر،

گچنلر، جمع سلف.

اسلام eslām: مص. [ع] بؤیؤن

قویماق، مسلمان بۇلۇپ اسلام

دینینیه گیرمک، اساسی مهم

مذهب لرینگ بیرینینگ آدی،

۶۱۱-نجی میلادی ییلده حضرت



اسکنه (هيوود)



اسکنه

اسماع 'asmā: مص. [ع] قۇلاقلار،
جمع سمع.

اسم اعظم esme-a'zam: [ع] خدای
تعالی نینگ بیر اولی آدلاری نینگ
بیری.

اسماء 'asmā: [ع] آدلار، جمع اسم.
اسماء الحسنی asmā'-ol-hosnā:

ا.مر. [ع]. شهراتلی آد، خدای
تعالی نینگ ۹۹ آدی جبار، خالق،
رحمان، رحیم یالی.

اسمر asmar: ص. [ع] بۇغداي رنگ،
بۇغداي ارنگده بۇلان.

اسمن asman: ص. [ع]. سمیزاک،
اتلی راک.

اسن asan: ص. چۆوره گیلن اگین
اشیک، چوره اگین اشیک، فارسینگ
قاوونى.

اسناد asnād: [ع] جمع سند، مدرک،
سندلر.

اسناد esnād: مص. [ع] باغلی بیلیمک،
بیر ژادی آیری بیر ژادا باغلی بیلیمک،
آرقا بریمک، سۇینمک.

اسنان asnān: [ع] دیشلر، یاشایش
ییللری، جمع سن.

اسنه asennah: [ع] جمع سنان، سر
نیزه معنی ده.

محمد بن عبدالله نینگ اوستی بیلن
اسلام دینی یولا سالی نیپ رواج تاپیب
و اۇنۇنگ اوستی بیلن هم قرآن نازل
بولدی.

اسلايد eslāyd: ا. [انگلا] صورت، بیر
منظره دن گۆزیشردن آلینان فیلم،
اول پردہ یوزینده دۇرنۇقلی فیلم
بۇلۇپ دستگامده گورکزمه گی.

اسلحه aslahe: [ع] اۇرۇش یاراغی،
یاراغ، اۇرۇش تتاریگی، حربی یاراغ.

اسلخ aslax: ص. [ع]. مانگلاي ساچی
یۇق آدم، ساققار آدم.

اسلع 'asla: ص. [ع]. آیاغی دفه سی
یاریق آدم، آیاغی یانیب اثر قالان
یاراسی نینگ ایزی قالان.

اسلم aslam: ص.ت. [ع] قاتی سالم،
قاتی ساغ، زیان سیز.

اسلوب oslub: ا. [ع] یول یۆزلیگه،
شیوه تار یول یودا، اسالیپ جمع.

اسم esm: ا. [ع] آد، اسما و اسمی
جمع.

اسمار asmār: [ع] افسانه لار،
حکاتلار، جمع سمر.

اسمار asmār: ا. دگیرمن داشلاری.

اسماع 'esmā: [ع] گورونگ
اشیتدیرمک، اشیتدیرمک.

اسنه asennah: [ع] جمع سن، دیشلر معنیده.

اسوار aswār: ص. آطا مینیب باریان، پیاده دال. اسواران جمع.

اسوار oswār: ا. [ع] (= سوار) بیلهزیک، بیزهلیک، سور و اسوره و اساور و اساوره جمع.

اسواران aswārān: جمع اسوار، آطلی لار، ساسانیانلارینگ اؤز وقتیندا بۆلن سواره نظام لاری، یکه آطلی غا هم سواره دیپپ آیدیلیارمیش.

اسواط aswāt: [ع]. شاللاقلار، قامچی لار، جمع سوط.

اسواط aswāt: [ع] قامچی لار، شاللاقلار جمع سوط.

اسواق aswāq: [ع] بازارلار، جمع سوق.

اسود aswad: مص. [ع] قارا، سود و سودان جمع.

اسود oswod: [ع] آرسلانلار، یۆلبارسلار، جمع اسد.

اسوه oswe: ص. [ع]. پیشوا، رهبر، اونگدن گیدیان، سردار، یولباشچی.

اسوء aswa': ص. ت. [ع]. ارید، قاتی پس، تله که.

اسهاب eshāb: مص. [ع] کان

کپله مک، کپی اؤزالتماق، چندن جیقماق، حندن جیقماق، قاتی گیتمک.

اسهال eshāl: [ع] ایچ گچمه، ایچ آغیری، ایچ چوزولمه، ایچ گیتمه

اسهال خونی eshāl xuni: [ع. فا] قانلی ایچ گچمه آغیری، قانلی ایچ گچمه.

اسهل ashal: ص. ت. [ع] قاتی ینگیل، قاتی آنکسات.

اسیاف asyāf: [ع] قیلیچلار، جمع سیف.

اسید tasid: [فر]. باطری نینگ اسیدی، باطرا قویولیان اسید، کیسلاتا.

اسید سولفوریک asid sulfurik: ا. [فر]. گوگردینگ جوهری.

ایس سیز رنگ سیز سؤووق مایع.

اسیر asir: ص. [ع] قولى باغلى، بندى، یسیر، اوروشدا یا چؤزؤشدا دوشمانینگ ایینه دوشوپ گرفتار بۆلن، اسراء جمع.

اشادات ešādat: مص. [ع] بیر زادی قالدیرماق، بنانی یۇقاری دیکلتمک، بیرزادی آیدینگ لاشدیرماق.

اشارات ešārāt: [ع] جمع اشاره، املر، گۆز قاش بیلن دوشوندیرمک، سیر

بیلن آنکلاتماق.

اشاره ešāre: مص. [ع] بیرینی

اومله مه، ایچکی دویغینی اوم بیلن و
یا گوز قاش بیلن یا بارماق بیلن
دوشوندیرمک، دویدریلیش، اوم.

اشاعر ešā'er: [ع] شاعراقلار،

داناراقلار، اؤنگاتراقلار، جمع اشعر.

اشاعه ešā'e: مص. [ع] یایراتماق،

عیان اتمک، فاش اتمک، چاشیرماق،
رواج برمک، بیر خبری جار اتمک.

اشام ašām: ۱. (= آشام) ایچلیان زات،

اییمیت، حاجتینگا گؤزاً اییمک.

اشانتیون ešāntiyon: ۱. [فر.]

گورکزمه، بیر نمونه مالی متانی بیر
یردن بیر یره ایبریلمه گی.

اشباح ešbāh: [ع] قارامچی لار،

خیالاتلار. جمع شبح.

اشباع ešbā': مص. [ع] ۱. دؤیورماق،

آجی ناهارلاماق، دؤیورماق، کؤپلیگه
اؤویرمک؛ ۲. شیمی آدالغاسیندا

قاتی جسم، قاتی زات ارگین زات بیلن
یعنی اریلینده، حل ادیلنده قاتی

جسم آشاق چؤکوپ حل بولمانی
دوریار. اول حالتدا اول محلول حل

بولمانی آشاق چؤکوپ اشباع حدینه
یتن سونگ اشباع بولدی دیییلیار.

اشباه ašbāh: [ع] جمع شبه،

منگزشلر، شبیه لر.

اشباه ešbāh: مص. [ع] بیرینه

منگزش بولماق، بیر زادا منگزش
بولماق، منگزشیک.

اشبل ošbol: ۱. اشبیل.

اشپون ešpun: ۱. چاپخانه دگیشلی،

خطلارینگ آراسینی بیر مۆجبرده
دنگله مک اوچین قویولیان ابزال،

قۇرال، اؤلچک.

اشتافتن eštaftan: مص. یورتماق،

داریماق، یوگیرمک.

اشتباه eštebāh: مص. [ع] یالنگیش،

خطا، ساؤ دوشمه، انسانینگ
کونگلینه بیرنارسه نینگ باشغا بیر

زادا منگزش بؤلؤپ گورونمه گی، و یا
بیر ایشی یالنگیش اتمه گی.

اشتجار eštejār: مص. [ع] ایکی

دسته بولوپ دعوالاشماق، ایکی تۇپار
بؤلؤپ اۇرۇشماق.

اشتداد eštedād: [ع] برکیمک،

قایملاماق، قؤجۇرلانماق، قین چیلیق،
هر بیر ایشده پوختالیق.

اشتر oštor: ۱. دویه، دیه.

اشتر aštar: [ع] ۱. گوزونگ قاباغیندا

چورنگه مک، بیر ایش بیله
قیزیقلانماق.

اشتقاق ešteqāq: مص. [ع] یارماق،
بیرزادینگ دنگ یارسینی آلماق، ایکی
بولمک بیر کلمه دن باشغا بیر کلمه نی
یاساماق.

اشتمال eštemāl: مص. [ع] داشینی
آلماق، تۈۈرگینی آلماق، بیر زادینگ
آیری بیر زادینگ داشینی آماغی.
اشتهار eštehār: مص. [ع] آنیقلاماق،
آد آبرای قازانماق، شهرت قازانماق،
آدینماق لیق.

اشتهاء eštehā': مص. [ع] ایشدا، بیر
زادی ایسله مک، بیر زادی آرزو اتمک،
غذا ایمیته کوپ میللی بۇلماق،
ایشدا آرزو اتمک.

اشتیاق eštiyāq: مص. [ع] آرزولی لیق،
هوسلی بۇلماق، بیرزادا تولقونماق،
بگنمک؛ شوقلی بۇلماق، ایسلک لیک،
هوسجنگ لیک.

اشجار ašjār: [ع] باغلار، آغاچلار،
جمع شجر.

اشخاص ašxās: [ع] گۈۈرهلر، تنلر،
جمع شخص یعنی؛ آدمالار.

اشخاص ešxās: مص. [ع] ۱،
تولقوندیرماق، قیمیلداتماق، حرکت

انه دن دوغما یارا ایزاسی بولان آدم ۲.
حضرت علی بن ابی طالبینگ مالک
بن حارث دیین صاحابه سنینگ
لاقامی.

اشتراط ešterāt: [ع] ۱. شرط اتمک،
شرط نامه باغلاماق ۲. بیر زادی بیر
زادا آسیپ قویماق.

اشتراک ešterāk: مص. [ع] اورتاق
بۇلماق، شرکت اتمک، بیرى بیرینگی
قولداماق.

اشتراکی ešterāki: ص.ن. [ع]
شریکلیگه باغلی، ایراندا کمونیسم
یا کمونیزمی ایزارلایانلارا آیدیلیر،
عرب دیلینده اشتراکی نی یعنی
کمونیزم سؤزونى سوسیالیست
دیپ اولانلیلار سوسیالیست و
کمونیست یرینه شیوعی دیبیلیر.

اشتریان oštorbān: ا.ص. دویه
چوپان، دویه چوپان، دویه ساقچی،
دویانی ایده یان، دویه باقیان.

اشترچران oštorčerān: ص. فا. دیه
چوپان، دویه باقیان.

اشتعال ešte'āl: مص. [ع] اودونگ
یالینلاماغی و گویچلی یانماغی.

اشتغال ešteqāl: مص. [ع] ایشه
باشلاماق، بیر ایشه باشینگ

- اتدیرمک، یریندن قوفارماق، یولماق
 ۲. تبعید اتمک، روانا اتمک.
- اشد ašdd: ص.ت. [ع] قاتی شدید، بتر
 قواتلی، بتر ماکام، برک راک، قاتی راق.
- اشرار ašrār: [ع] شرچی لر، پسر لر،
 اربیت ایشلی لر، اربیت لر، بۇلغى سیزلار،
 جمع شریر.
- اشراط ašrāt: [ع] جمع شرط، بلگی لر،
 نشانلار، باشلانغیچلار.
- اشراف ešrāf: مص. [ع] یوقار قالماق،
 یوقاردان آشاغا سر
 اتمک، بییکلیکدن آشاغی گوز
 آستینا آلماق.
- اشراف ašrāf: [ع] اولی لر، بییک لر،
 یوقار درجه لی لر، بایارلار.
- اشراق ešraq: مص. [ع] ۱.
 یاغتیلانماق، پارلاماق، گون دوغماق،
 یالديرماق ۲. الهام آلماق.
- اشراک ešrāk: مص. [ع] مشترک
 بۇلماق، بیرینی بیرا یشده یا بیر زادا
 اورتاق سایماق، خدای تعالی غا اورتاق
 فرض اتمک، اورتاق سایماق.
- اشراک ašrāk: [ع] ۱. جمع شریک و
 جمع شرک، اورتاقلار ۲. اولارینگ
 دوزاغی معنیده.
- اشرف ašraf: ص. [ع] قاتی شریف،
 قاتی اولی، حرمتلی راق، سیلاغلی راق.
- اشرفی ašrafī: اون سگگیز نخود
 آغراملیقدا بۇلان قدیم ایرانینگ رواج
 آلتین پولی.
- اشعار aš'ār: [ع] جمع شعر،
 شیغیرلار، قوشغی لار.
- اشعار eš'ār: مص. [ع] خبردار اتمک،
 خبر یتیرمک، بیلدیرمک، آگاه اتمک.
- اشعال aš'al: مص. [ع] اود آلماق، اود
 یاقماق.
- اشعر aš'ar: ص.ت. [ع] اندامی توپلک
 آدم، توی اوزین آدم، اشاعر جمع.
- اشعر aš'ar: ص.ت. [ع] شاعراق قاتی
 دانا، اؤنگات شیغیرلی.
- اشعری aš'ari: ص.ن. [ع] اشعر طایفا
 باغلی بۇلان (فرقه اشعریه).
- اشعل aš'al: ص. [ع] گوزی انهدن
 دوغما گللی بۇلان آدم ۲. مانگلای
 ساققار سکیل آط معنیده.
- اشعه aš'a'e: [ع] یاغتیلیقلار،
 آیدینگلیقلار، پارلاقلیقلار، جمع
 شعاع.
- اشغال ašqal: [ع] ایشر گویچلر، کارلر،
 جمع شغل. باسیب آلماق
- اشغال ešqal: مص. [ع] ۱. گویمه مک،
 ایشه قویماق ۲. بیر جای ایهلمک،

اشک ašk: ۱. گوزیاش، دامجه، قطره.

اشکار eškār: ۱. شکار، آو.

اشکاف eškāf: ۱. اشکاف، قاپی‌لی

قفسه، قاب قاش کتاب قویماق اوچین

پیدالانیلیان نارسه.

اشکال aškāl: [ع] صورتلار، شکل‌لر،

هیکل‌لر، گورنش، دوروق.

اشکال eškāl: [ع] قینلانماق، تاولی

بۆلماق، قین چیلیغا دوشمک،

قینلاشماق، مشکل بۆلماق،

باسسیریلماق.

اشکال eškāl: ۱. عرب چشمه‌سیندن

آلنان: دوشاق، آياق باغ، قاطر یالی

مالینگ آياغی دانگلیان کوسسک.

اشکبار aškbār: ص.فا. گۆزی یاشلی،

گریان.

اشک تمساح ašk-e-temsāh: ۱. مر.

ایلی آلدماق اوچین ادیلیان آغی،

یالاندان آغلاما، جاوی‌لیک.

اشکم eškām: ۱. قارین.

اشکنجه eškanje: ۱. شکنجه، اذیت،

عذاب، آزار، روحی حورلیق.

اشکنه eškane: ۱. اییمتینگ بیر

گۆرنوشی.

اشکنه eškane: ۱. تاولی بۇیرالی ساچ

واگری-بۇغری معنیده.

جای آلماق، حربی گویجی مدامالیق

یا وقتلایینچا بیر ییرینی آلماق اوچین

قول آستینده آلماق.

اشغالگر ešqalgar: ص.فا.[ع.فا]

زورلیق بیلن بیر جایی آلان و ایه‌لن،

بیری‌نینگ زادینی زورلیق بیلن ایه

بۆلن، بیر یۆردی زۆرلاپ آلان.

اشفار ašfār: [ع]. جمع شفر، گوزونگ

قاباغی، هر زادینگ قیراسی معنیده.

اشفاق ešfaq: مص.[ع]. قۇرقماق، هدر

اتمک، وهم اتمک، مهربانلیق اتمک.

اشفی ašfā: ۱.[ع]. تمن، بیز.

اشق ošaq: [ع] کوندور یالی آجی

طغاملی نارسه، قدیمده طبیب‌لر

بۆورک داشی آییрмаق و بوغون

آغیرینی آییрмаق اوچین اۇندان

پیدالانیانمیش‌لار.

اشق ašaq: ص.ت.[ع] قاتی قین، قاتی

برک، قاتی قایم، قاتی چتین.

اشقر ašqar: ص.[ع] آل، قرمز و آق،

سارا یا قین قیزیل چین‌لگ آدم.

اشقی ašqī: ص.ت.[ع] یوره‌گی قاتی،

یوره‌گی قارا، یوره‌گی داش یالی بۆلن،

بخت‌سیز، باختی قایدان.

اشقیاء ašqiyā: [ع]. بختی یاتان‌لار،

عاصی‌لار، جمع شقی.

- اشکنه eškane: ۱. قدیم ایرانینک سازلارینینک بیرینینک آدی.
- اشکوب aškub: ۱. (= آشکوب): کُمدینک بیر گُرنوشی.
- اشکوفه oškufe: ۱. میوه‌لی آغاجینک گُلی، آغاجینک یاپراقلاپ پیندیقلاماغی.
- اشکوفه oškufe: ۱. ۱. فندقلاماق ۲. قۇسماق.
- اشکوه oškuh: ۱. مقام، مرتبه، شان، شوکت، بییک‌لیک.
- اشگرف ošgarf: ص. تاسیز، قیت، گنگ، انایی، گُرنوکلی، آوادان‌لیقدا تاسیز.
- اشل ašall: ص. [ع] الی ایسمایان، شل، ماییب، ایشدن قالان.
- اشل ešel: ۱. [فر.] باسغانچاق، پایه، درجه، ایشکارلرینک پایه‌سی، رتبه‌سی.
- اشم ašamm: بورونلاق آدم، اوزینه کونگلی یتیان، اولی آدم.
- اشمام ešmām: بیر زادی ایسغاماق، ایس دویماق.
- اشنا ašnā: ۱. ص. قیمتلی گوهر، بهالی، قیمتلی کوپ بۇلان، بهاسی کان بۇلان، دگرلی.
- اشنا ašnā: ۱. (= شنا): ۱. یوزمه، یوزجی لیک ۲. سؤودا اویناما و یوزجی لیک هم دیلیپ‌دیر.
- اشناور ašnāwar: ص. یوزجی، یوزیان.
- اشنیدن ešnidan: ص. ل. (= شنیدن) اشیتکم.
- اشوع ašwa': ساچی تاوولی‌لیق، پریشان، آلجرانگ آدم.
- اشوق ašwaq: آرزولی‌راق، امیدلی‌راق، هواسلی‌راک.
- اشهاد ašhād: [ع] شایادلار، گواه‌لار، جمع شاهد.
- اشهاد ešhād: ص. [ع] گواه آلماق، حاضرله‌مک، شایاد گتیرمک.
- اشهار ešhār: ص. [ع] اشکار اتمک، عیان اتمک، آدیغدی‌راق، شهرت برمک، تانیتماق.
- اشهب ašhab: رنگی آق و قارا بۇلان زات، قارا آلا، آقی کؤیراک، آلاجا آط.
- اشهر ašhar: ص. ت. [ع] قاتی مشهور، قاتی آدیغان، قاتی بُللی، اشکاراک، آیدینک‌راق.
- اشهر ašhor: [ع] آیلار، جمع شهر.
- اشهل ašhal: گۆزی گوک آدم.
- اشهی ašhā: قاوی‌راق، یوراک

سۆيان راک.

اشياخ ašyāx: قارى لار، ياشى قايدان،

جمع شيخ.

اشياخ ašyā': تايين لار،

جانىپ كىشلىر، مەرلى لار، دوست

يارلار، همراق لار، ايزارلايانلار، جمع

شيعة.

اشياف ašyāf: جمع شياف، گۆز

درمانى، فارسچا هر بير باش شکر

شکلينده توغلاق قاتى درمانا

آيدىليار.

اشياء ašyā': زات لار، نارسه لار، جمع

شىء قوشء نارسه.

اشيب ašyab: چال ساچ آدم، ساچى

آغاران آدم.

اشيم ašyam: اندامى خالى، منگلى

آدم.

اشيه ašihe: ۱. (= شيهه) آط

كىشىنگه مەسى.

اصائل asā'el: جمع اصيل، اصللى،

پاک، تىلى، تويس.

اصابت esābat: مص. [ع] ۱.

دوغريلاماق، دوغرى سۆزلەمک، ۲.

اوقىنىگ گونى نشانا دگمەگى،

گۆنىلەمک، بير زادينگ بير زادا

دگمەگىء نشانا اورماق.

اصابع asābe': [ع]. بارماق لار، جمع

اصبع.

اصابع asābi': [ع]. بارماق لار، جمع

اصبوع.

اصحاب asāhib: [ع]. جمع اصحاب،

اصحابلار، ياران لار.

اصارم asarem: [ع]. جمع صرم،

جماعت معنیده، تويار آدم.

اصاغر asāger: [ع] ياشلار،

كىچى راکلر، جمع اصغر.

اصاغرہ asāgere: [ع] كىچىلر،

چاغلار، جمع اصغر.

اصالت esalat: مص. [ع] اصللى

بۇلماق، تويس بۇلماق، نژادى نسلى

دوغرى بۇلماق، كۆكلى بۇلماق،

نژادينگ سوي بۇلماق. اۇنگات

بۇلماق.

اصباح asbāh: [ع] ارتيرلر، دانگ

آغاران وقتى، جمع صبح.

اصباح esbāh: مص. [ع] ارتيره

يتيرمک، جهان ياييلماق، دانگ

آتيرماق، ارتيرلتمک.

اصبار esbār: مص. [ع] صبرلى ليغا

چاغيرماق، دوروملى ليغا چاغيرماق،

بييرنى صبرلى ليغا جيداملى ليغا

بۇيۇرماق.

اصبار asbār: [ع] ۱. بىر زادينگ

قىراسى و انگرهگى و قالينگلىنى، ۲.

آق بولوت معنيده، جمع صېر.

اصباغ asbāg: [ع] رنگلر، جمع صبغ.

اصبع asba': [ع] بارماق، ال يا آياق

بارماغى.

اصبعين asba'ayn: [ع] ايكي بارماق.

اصبغ asbaq: ص. [ع] سحر تاوويغى،

دانگ حورازى، مانگلای ساققار آط.

اصبوع osbu': [ع] اصبع : بارماق

(انگشت)، اصابع جمع.

اصح asah: ص.ت. [ع] دوغرى راق،

دوزراک، آراسساراق.

اصحاب ashāb: [ع] يارلار، دوستلار،

مالک لار، بارلى لار، جمع صاحب.

اصحاب eshāb: مص. [ع] دوست

ايهسى بۇلماق، همرايىق اتمک،

بييرىنى يا بييرزادى بييرينه همرا اديپ

قۇشماق.

اصحاب السعير ashāb-os-sa'ir:

ا.ص. مر. [ع] يانغىنلى اود يارانلارى،

دورخى لار، جهنمى لر، اهل دوزخ لار.

اصحاب الشمال ashāb-oš-šomāl:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب شمال، سۇل

اصحاب، سۇل چى آدملا، سۇل چى،

دوزخى لار، قيامتده نامه اعمال لارى

سۇل اللرينه بريلجک.

اصحاب المشأمة ashāb-ol-maš'ame:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب شامه، سۇل

اصحاب لار، شوم لار، دوزخى لار.

اصحاب الميمنه ashāb-ol-maymane:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب ميمنه، ساغ

اصحاب لار، ساغ يارانلار، بهشتى لر.

اصحاب اليمين ashāb-ol-yamin:

ا.ص. مر. [ع] اصحاب يمين،

ساغ چى لار، نامه اعمال لارى ساغ

الينه بريلجک لر، بهشتى لار.

اصحاب كهف ashāb-e-kahaf:

ا.م. ر. [ع] اسلام دان اۇنگ

مسيحى لردن ىدى كيشى بيير ايت

بيلن دقيانوسينگ دورينده

بت پرست لرينگ قۇرقوسيندان بيير

قاواغا گيريپ ياتيپ، اوچ يوز ييلدان

سۇنگ اويانيپ ديپ لار.

اصحاء asehhā': [ع] جمع صحيح،

دوغرى لار.

اصدار esdār: مص. [ع] صادر اتمک،

ايبرمک، گوندرمک، يۇللاماق،

اؤويرمک.

اصداغ asdāg: [ع] قولاق لار يانى،

قولاق لار يوشاغى، چگه لر، قولاق

آى لر، جمع صدىغ.

اصطبل establ: [ع] طبله، طبيله، مال ياتاڭى، مال جايى، اصطبلات جمع.

اصطحاب esthāb: مص. [ع]. بىرى بىرىنگ بيله صحبتدش بولماق، گورىنگدش بولماق.

اصطرک astorak: ا. [ع]. آغاجىنگ بىر صورتى، اول هواسى قىزغىن يىرلرده اوسيار.

اصطرلاب astorlāb: ا. يونان چشمه سىندن: اسطرلاب، قديم نجوم يعنى يىلدىزىنگ اۆلچك قورالى، اۆنۇنگ بىلن يىلدىزلارىنگ اۇزاق و بلندلىگى و بىر ناچه نجومه دگىشلى مسئلەلرى تاپماغا ايشلنىار.

اصطفاء estefā: مص. [ع]. بللامك، بىرىنى سايلاماق.

اصطكاك estekāk: مص. [ع] ايكي زادينگ بىر بىرىنه دگمهگى، بىر بىرىنه سويكنمهگى، بىر بىرىنه ضربلى دگمهگى، نتيجه سىنده سورولماگى.

اصطلاح estelāh: مص. [ع] بارىشيق اتمك، ايللاشماق، اۇنگۇشماق، ياراشماق، ۲. علمىنگ - ھنارىنگ بىللى بىر پوداغىندا: اۇز اصل

اصداڤ asdāf: [ع] دريانيگ كيچى جانلىسى، ۲. دريانيگ تولقونى معنيده، جمع صدف.

اصداق esdāk: مص. [ع] قىز مەهرىنى بللەمك، بىرىنىگ سۆزىنى ماقوللاماق، بللەمك، مەر بللاب نكاح اتمك.

اصرار esrār: مص. [ع] بىر زادينگ ايزىندا قاتى ارچلىك بىلن دۇرماق، اينىقلىق اتمك، برک يايىشماق، ايشده دورۇملى، توتان پرلى ليكه

اصرار ورزىدن esrār: warzidan مص. [ع. فا] قاتى ارچلىك بىلن دۇرماق، برک دۇرماق، قاتى دورماق، ليق،

اصراف esrāf: مص. [ع] ۱. اۋويرمك، دولاماق ۲. عروض علمينده: شمىرىنگ آخرقى منگىزىش سۆزلىرىنىگ حركتى دورلى گورنوشده گتىرمك.

اصرام asrām: [ع] جمع صرم «ص»، كۆپچوليك، جماعت، كوپ اۋىلرىنگ بىر يىرده جمع بولوپ اۋتۇرماڭى.

اصطبار estebār: مص. [ع] صبر اتمك، جىداماق، دورىملى ليق.

- معنایسیندن آیری بیر معنادا
اؤلانیلیان سؤز، اصطلاحات جمع.
- اصطلام *estelam*: مص. [ع]. کوکیندن
کسمک، ریشه دن یولماق.
- اصطناع *estenā*: مص. [ع]. بیر زادی
ایسته مک، بلله مک، بییر زادی
بجرماگه بویورماق، قاویلیق اتمک.
- اصطوانه *ostowāne*: ا. [ع]. اسطوانه،
استوانه، توغلاق نارسه، توقلاق
لوله.
- اصطیاد *estyād*: مص. [ع]. آو اتمک،
شکار اتمک، آولماق.
- اصعاب *es'āb*: مص. [ع]. قینلاشماق،
قینا یازماق.
- اصعب *asab*: ص. ت. قین راق،
مشکل راق.
- اصغاء *esqā*: مص. [ع]. قولا ق آسماق،
دینگله مک، بییری نینگ سؤزینی
دینگله مک.
- اصغر *asgar*: ص. ت. [ع]. قاتی کیچی،
بتر کیچی، اوران کیچی، اصغر و
اصغر جمع.
- اصف *asaf*: ا. [ع]. تیکن لی، اوتونگ بیر
گۆزنوشی.
- اصفاد *asfād*: مص. [ع]. باغلاماق،
باغیشلاماق، بیر زادی باغیشلاماق.
- اصفاء *esfa*: مص. [ع]. سایلاماق، اؤز
ارکینگه آلماق، یورکدن دوستلوق
اتمک: ۲. تاوینینگ کورچوگمه گی.
- اصفح *asfah*: ص. [ع]. مانگلای گینگ
آدم، مانگلای اولی آدم.
- اصفر *asfar*: ص. [ع]. ساری،
ساری رنگ.
- اصفرار *esferār*: مص. [ع]. سارالماق.
- اصفهان *Esfehān* ۱. (= اسپاهان،
سپاهان): ایرانی نینگ اولی
شهرلری نینگ بییری، اؤنؤنجی استان
۲. اصفهانک آدیندا آواز، هنگ و
ایرانی نینگ بیر هیل سازی نینگ آدی.
- اصفهانک *esfehānak*: ا. اسپهانک،
اصفهان دن بیر اویانگ آدی و همده
اصفهان دا بیر حیل سازینگ آدی.
- اصفی *asfa*: ص. ت. [ع]. قاتی آیدینگ،
قاتی یاغتی، قاتی پاک آراسسا،
بلله ن راک.
- اصفیاء *asfiya*: ا. ص. [ع]. سایلانان لار،
بلله ن لر، پاک لر، یاغشی لار،
یورک دیش مخلص دوست لار، جمع
صفی.
- اصقاع *asqā*: اولکه، کنار، دریانگ
قیراسی.
- اصل *asl*: ا. هر زادینگ کوکی، نژادی،

- تخم تیج دویسی؛ تویس خانازات، اساس، اصل، اصول جمع.
- اصلاح **eslāh**: مص. [ع] دوزلتمک، بجرمک، بزمک، تیمارلاماق یاراشماق.
- اصلان **aslan**: ۱. [ت] ۱. آرسلان، یۆلبارس، شیر، ۲. مردلارینک آدلاری.
- اصلان **oslān**: [ع] اصیل لر، الین لر، تویسر لر، جمع اصیل.
- اصلب **aslab**: ص. ت. [ع]. قاتی راق، برک راک.
- اصلح **aslah**: ص. ت. [ع]. یاراشیق لی راق، قاوی راق، مناسب راق.
- اصلخ **aslax**: ص. [ع]. قولاغی بیلکُل اشیتما یان، ایمه دیمه کر، اشیتمه یان آدم.
- اصلع **asla**: ص. [ع]. کلّه سی تاس آدم، مانگلایی ساچی یۆق آدم.
- اصلم **aslam**: ص. [ع]. قولاغی دویبندن کسیک آدم.
- اصله **asle**: [ع] بیر دویپ، بیر کوی، یاش آغاچ.
- اصلیه **asliye**: ص. [ع]. دویبندن، اساس لی، کوکیندن.
- اصم **asamm**: ص. [ع] ۱. کر، قولاغی آغیر، اشیتمه یان، ۲. قاتی برک، صم و
- صمان جمع.
- اصمام **esmām**: مص. [ع] کر بۆلماق، کر اتمک، بیرینی کر تاپماق، ضرور و توقونجی.
- اصمع **asma**: ص. [ع] کسگیر قیلیچ، ییتی قیلیچ؛ یوره گی دیری آدم، آگاه یورک لی؛ قولاغی کیچی دولوغینا یاییش یپ دوران آدم.
- اصناف **asnāf**: ۱. [ع] دورلی دسته لر، کاسب لر، دوکان چی لر، جمع صنف.
- اصنام **asnām**: ۱. [ع] بُت لار، جمع صنم.
- اصنع **asna**: ص. ت. [ع] قاتی صنعت لی، صنعت لی راک.
- اصوات **asawāt**: ۱. [ع] سسر لر، هنگ لر، آواز لار، جمع صوت.
- اصواع **aswā**: [ع]. اولچک، اسلام حکمی کفار و فطریه بریلمه گی اول بیر من تبریز یا سه کیلوگرم آغراملیقه دولمالی.
- اصواف **aswāf**: ۱. [ع] قویون یونگلری، جمع صوف.
- اصول **usul**: ۱. [ع] پایه لار، کوکلر، دوزگون لر، اساس لار، جمع اصل.
- اصولی **usuli**: ص. ن. [ع] تویسه اصول باغلی بۆلن، اصول لره قاعده لارا

اۋىيان.

اصونه aswene: [ع]. جمع صوان،
چمەدان، صندوق، كىتاب و لباس
قويولييان جاي.

اصهار ashār: [ع]. جمع مهر،
قارينداش، گيووى.

اصهار eshār: مص. [ع]. گييه وليگه
بيريىنى قبول اتمك، بيريى نينگ
گييه وى بولماق، بيريى بيله قودا
قارينداش بولماق.

اصيل asil: ص. [ع]. تويسلى، ماکام،
برک، تىلى، دويپلى، تخم تيچلى
بولان.

اصيل asil: ا. [ع]. ايکيندى بيلن اغشام
آراسى، شامگاه؛ آصال، اصائل و
اصلان جمع.

اصيل osayl: ا. [ع]. اصيل، ياران لارينگ
صحابه لارينگ آدى.

اضائه ezā'e: مص. [ع]. ياغتى لانماق،
آيدينگ لاتماق، ضرور و توقونماق.

اضاهه ezā'e: مص. [ع]. ضايع اتمك،
ضايالاماق، پسلتمك.

اضافه ezāfe: مص. [ع]. آرتيقماچ،
آرتيق، آغديق، آرتديрмаق، بير زادى
كوفاتتمك.

اضافي ezāfi: ص. ن. [ع]. آرتيق ليغا

باغلى، آرتيقماچلىق، آرتيق.

اضحي tazhā: [ع]. عيدقربان گونى،
قربان عيد، قربانلىق چالينان گونى،
ديحجه آيينگ اۋنى گونى.

اضراب ezrāb: مص. [ع]. ۱. بير يرده
اوتوريملى بۇلماق، مقيم بۇلماق، ۲.
بيريندن يوز اۋويرمك، ۳. باش اگيپ
ديميپ اۋتۇرماق، آشاق باقيپ ديميپ
اۋتۇرماق.

اضرار azrār: [ع]. زيانلار، ضررلر،
جمع ضرر و ضرير.

اضرار ezrār: مص. [ع]. ضرر يتيرمك،
نقصان يتيرمك، آوينديрмаق،
اينجيتماق.

اضطراب ezterāb: مص. [ع]. تيتراپ
لرژانه دوشمك، آلجرانگلىق، واس
واساليق، زورزاناقلاماق.

اضطرار ezterār: مص. [ع]. بيريىنى
بيچاره اتمك، بيچاره بۇلماق،
عاجيزلىق، بيريىنى ماتاچ اتمك،
بيچارملىك.

اضطلاع eztelā': مص. [ع].
كويچلنمك، قۇجۇرلانماق، ايشه زور
كلمك، غيراتلىق.

اضعاف ez'āf: مص. [ع]. ياغديدان
دوشورمك، حال سيز اتمك، ۲. بير

زادی یکی اسسه اتمک.

اضعاف az'āf: ۱. [ع] جمع ضعف،

ایکی اسسه، ایکی برابر.

اضلاع azlā': ۱. [ع] یان قاپدالار،

دندهلر، غیرالار، کنارهلار. قافییرغالار،

چت قیراقلار، جمع ضلع.

اضلال ezlāl: مص. [ع] گمراه

اتمکلیک، یولدان چیقارماق لیق،

یول سیز یره دوشورمک، گمراه لیق.

اضمحلال ezmehlāl: مص. [ع]

یسوغالماق، آزادان چیقماق،

ضایالانماق، ییقیلماق، دارغاماق،

نابود بؤلماق.

اضیق azyaq: ص.ت. [ع] قاتی دار،

قاتی تنگ.

اطاعت etā'at: مص. [ع] مطیع

بؤلماق، بؤیون بؤلماق، اویماق،

بویروغی برجای اتمک، بؤیون اگمک،

قولاق آسماق.

اطاق otāq: ۱. [ت] ترک سؤزوندن

آلنان، اوتاق، یاشالیان جای، تامینگ

اوتاغی نینگ بیر بؤلومی.

اطاله etāle: مص. [ع] اوڑالتماق،

اوزاغا چکدیرمک. اطاله السان: دیل

اؤزاتماق، دیلینگ بیر قاریش اتمک.

اطباق atbāq: [ع] سفره لار،

دسترخانلار، طاباقلار جمع طبق.

اطباق etbāq: مص. [ع] اورتمک،

گییندیرمک، ابله مک، بیر ایشه کوپ

بؤلۆپ ییغنانماق، یولداشلیق اتمک.

اطبال atbāl: [ع] جمع طبل،

لانگارالار.

اطباء atebba': [ع] جمع طبیب،

دکترلر، طبیبلر، لقمانلار.

اطراب etrāb: مص. [ع] آیدیم

آیتماق، بیرینی شادلیغا چاغیرماق و

کتیرمک.

اطراح etterāh: مص. [ع] تاشلاماق،

داشا زینگماق، تاشلاماق.

اطراد ettrād: مص. [ع] بسیری

بیری نینگ ایزیندان گلک، ایشینگ

ایز ایزندن گلکی.

اطراد etrād: مص. [ع] قاوماق، بیرینی

داشا سالماق، یانینگدان آیییرماغی،

بؤیورماق، بیرینی قاوماغا بؤیورماق.

اطرار atrār: [ع] جمع طره، زادینگ

کناره لاری، قیرالاری.

اطراف atrāf: [ع] دولمی دوویشلر،

توهرک لر، جمع طرف.

اطعام et'ām: مص. [ع] طعام برمک

ایدیرمک، دویورماق.

اطعمه at'ame: [ع] ایسیمیتلر،

اییمه‌لی‌لر، جمع طعام.

اطفائیه etfā'iyē: ۱. [ع] اودا قارشى

گوروشیان، اود سوندیرش بولیمی.

اطفال atfāl: [ع] چاغلار، اوغلانلار،

اوشاقلار، جمع طفل.

اطفاء etfā': مص. [ع] اود سوندورمک،

اوچورمک.

اطلاع ettelā': مص. [ع] ایزینا یتمک،

خبردار بۇلماق، خبر برمک‌لیک، آگاه

بۇلماق.

اطلاق etlāq: مص. [ع] بوشاتماق،

کویبرمک، آچماق، چوزمک،

علی‌الاطلاق: ارکین مطلق،

شرط‌سیز.

اطلال atlāl: ۱. [ع] اوی‌لرینگ،

کنتلی‌لرینگ اثری، جمع طلل.

اطلس atlas: [ع] آطلان، یویک

پارچانگ بیر گۆزنوشی.

اطلس atlas: ۱. [فر.] یونان

چشمه‌سیندن، کرک، برخیل یویک

پارچامتا، نقشه‌لی جغرافیالی، بۇلان

کتاب (اطلس) جغرافیا.

اطلس atlas: ۱. [فر.] ۱. کله‌اته‌گینده

بۇیون سۆنگ‌لری‌نینگ ایسلکینجی

دنده‌سی، ۲. بو آدی رب‌النوع‌دان یا

یونان قدیمینگ، حکاتلاریندان یر

شارینی اۆز بویونونا یوکلأپ بارشینا

آلینییدیر.

اطماع 'atmā: [ع] جمع طمع، خام

طماچیلیق‌لار، طماکین‌لیک‌لر.

اطماع 'etmā: مص. [ع] بیرینی طاما

سالماق، طاما دوشورمک،

امیدلان‌دیرماق.

اطمینان etminān: مص. [ع] دینچ

آلماق، اینجالیب اۆتۆرماق، خاطر

جمع بۇلماق اطمینان دادن: آرقاییین

اتمک، خاطر جمع‌لیک برمک،

اطمینان داشتن: خاطرجمع بۇلماق،

اینانماق.

اطواد etwād: [ع] جمع طود، اولی‌داغ.

اطوار atwār: [ع] جمع طور، اۆلچک و

هیئت، دۆرمۇش و یاغنادی.

اطواق atwāq: [ع] بۇیون باغلار، جمع

طوق.

اطوال atwāl: [ع] جمع طول،

اوزین‌لیق، بوی معنیده.

اطهار athār: ص. [ع] پاک‌لار،

آراسسالار، جمع طاهر.

اطهر athar: ص.ت. [ع] قاتی پاک،

قاتی آراسسا.

اطیار atyār: [ع] اوچوجی قوشلار،

جمع طائر.



اطیب atyab: ص.ت. [ع] قاتی آراسسا،
اطایب جمع.

اظلم azlam: ص.ت. [ع] قاتی ظالم،
بتر ستم ادیجی، ظالم راق.

اظهار ezhār: [ع] اشکار اتمه، بیان
اتمه، آیدینگ لاتما. یوزه چیقارما.

اظهر azhar: ص.ت. [ع] قاتی اشکار،
بتر آیدینگ، اوران آچیق.

اعاده e'ade: مص. [ع] اوویرمک،
قایتارماق، کپی ایکیلاپ آیتماق، بیر
زادی اولقی یرینده اوویریپ قویماق،
تازمدن باشلاماق ایزنه برمه.

اعاشه e'āše: مص. [ع] دیرلتمک،
یاشاتماق، یاشاماق، رزقینک
تاییارلاماق.

اعانه e'āne: [ع] یاری اتمک، مدد
برمک، کمک برمک، کمک اتمک،
قولداماق.

اعتبار e'tebār: مص. [ع] عبرت آلماق،
پند آلماق، اوویت آلماق، آبرای و اینام،
اینانچ، دوغری لیق.

اعتبارنامه e'tebār-name: امر. [ع].

فا] اینانچ خطی، انجمن یا بیر اداره
طرفدان بیرینه بریلیان یازغی حکم و
یا تانیماق اوچین سفیر و یا وزیر
مختاره، دولت طرفدان باشفا بیر

یوردونگ باشلیغنا بریلیان اینانچ
خطی (استوارنامه).

اعتداد e'tedād: [ع] حسابا گتیرمه،
اهمیت برمه، سانا گتیرمه، اهمیت
برمه، اسگرمه.

اعتدال e'tedāl: مص. [ع] آرالیق
ملایم بۇلماق، دنگ بۇلماق، دوغری
برابر بۇلماق، یۇمشاق بولماق،
آرامیان، اورتا میانا بۇلماق، قیزغین یا
سایوق و یادا قۇراقلیق و ایزغارینگ و
ایفالینگ آرالیغی.

اعتداء e'teda': مص. [ع] ستم اتمک،
ظلم اتمک.

اعتذار e'tezār: مص. [ع] اؤتونچ
ایسته مک، گچیریم سورماق.

اعتراض e'terāz: مص. [ع] ۱. منع
اتمک، عیبینی آیتماق، یتمز چیلینگی
بیلدیرمک، ۲. بیرینینگ اؤنگونده
دۇرماق، قارشى لیق گورکزمک،
اونگینی آلماق، عموماً آد داقماق.

اعتراف e'terāf: مص. ع ادهنینگدن و
دورمۇشنگدن بیرینی اگاه ادیپ، اقار
اتمک، تانیتماق، بولیار هاوا دییمک.

اعتزاز e'tezāz: مص. ع سویولمک،
غزیز بۇلماق، یاغشی گوریلیمک، عزیز
سایماق، حرمتلاماق.

اعتصاب e'tesāb: مص. [ع] برلشیپ
کوپ ایشچی بولوپ حقى كۆپلتمک
و یا ایش وقتینگی آزالتماق اوچین
ایشدن ساقلانماق، إل چکمک، بۆلک
بۆلک توپار توپار بۇلماق.

اعتصار e'tesār: مص. [ع] ۱. اوزوم
دیر یا اشیگینگ سووونی سیقیپ
آلماق، ۲. بیرى نینگ الیندن مالینی
غرامت اوچین یا آیری سبب بیلن
چیقارماق.

اعتصام e'tesām: مص. ع بیر زادا إل
اؤزاتماق، ینجه اۇرماق، اؤزونگی
یازیقلىقدان ساقلاماق، عاصی
چیلیقدان قالماق.

اعتضاد e'tezād: مص. [ع] بیرى
نینگ قولنى تۇتماق، ياردام برمک،
ياران بۇلماق، قولداماق.

اعتقاد e'teqād: مص. [ع] عقیدالی
بۇلماق، اینانچلىق، ایناملىق،
اینانچلى بۇلماق، اینانماق،
اینانچلىق.

اعتكاف e'tekāf: مص. [ع] مسجد
ده يکه ليگده اؤتۇرماق، بیر یرده
قالماق طاعت، عبادت اوچین
مسجدده يکه قالماق، قیراقدان چتده
قالماق.

اعتلال e'tedāl: مص. [ع] نا ساغ
بۇلماق، عجیز یاغدا یا دوشمک، بهانه
کتیرمک، علتلى بۇلماق.

اعتلام e'telām: مص. [ع] خبرلى
بۇلماق، بیرزادی بيلمک، آگاه بۇلماق.
اعتلاء e'telā': مص. [ع] اۆستون
چیقماق، بلندنه قالماق، یۇقاری
چیقماق، بيلهکی لردن بیگلکمک.

اعتماد e'temād: مص. [ع] سۆنمک،
بیرینه بیر ایشی اینانیپ تابشیرماق،
بیر ایشی اینانچ بیلن قویماق،
ایناملیق.

اعتناق e'tenāq: مص. [ع] ۱. بیرى
بیرى نینگ بوینینا قول سالماق، ۲.
بیر ایشی بۇیۇن آلماق.

اعتناء e'tenā': مص. [ع] ۱. بیر ایشه
تلاش اتمک آنگشارماق ۲. بیر ایشی
یا بیر زات اوچین بیرینه یوزلنمک،
أسگرمک.

اعتیاد e'tiyād: مص. [ع] عادت اتمک،
اندىک اتمک، اؤوره-نیشمک، اونس
تاپماق، تریک هروئین یا الکلیالی
زادا اندیک اتمک.

اعجاب e'jāb: مص. [ع] بیرینی گنگ
گورکزمکلیک، منلیکلیک،
تکبرلیق.

اعراب e'rāb: مص. [ع] آنیق و آچیق
اتمک، دوغری سوزلمک و الیپی
حرفلارینگ آستین اوستینی و اوتور
مدّه تشدید حرکتلری معنیده.

اعراب a'rāb: [ع] چاروا عربلار،
دوزده مسکن توتوپ یاشایان
عربلار.

اعرابی a'rābi: ا. [ع] عرب ملتینه
باغلی، دوزده اوتوربان چاروا عربلار،
اعراض a'rāz: [ع] جسدلر، جانلار،
جمع عرض.

اعراض e'rāz: مص. [ع] یوز
اوویرمک، داش دورماق، پرهیز اتمک،
قاچا دورماق، بیر زاتدان قایرا دورماق.
اعراف a'rāf: ا. [ع] ۱. مسلمانلارینگ
عقیدهینه گورا دوزخ بیلن
بهشتینگ آرالیغیندا یرلشیان جای
۲. قرآنینگ سورهلرینین
بیرینین آدی.

اعراف a'raf: [ع] بییک مکانلار، بییک
جایلار، جمع عرف.

اعراق a'rāq: [ع] دامارلار، کوکلر، بیر
زادینگ اصلی، کوکی، جمع عرق.

اعزاز e'zāz: مص. [ع] عزتلهمه، عزیز
سایماق، حرمتلاماق، عزیز گورمک.

اعزام e'zām: آتارماق، یولا سالماق

اعجاز e'jāz: مص. [ع] دؤرموش
یاغدايدان دوشورمک، پسه سالماق،
قوریدان دوشورمک، باشغا کیشی
نینگ اونگارمیان ایشینی بیتیرمک.
اعجاز a'jāz: [ع] جمع عجز، بیر
زادینگ سونگی معنیده، شعرینگ
ایکینجی مصرعی.

اعجم a'jam: ص. [ع] قاوی سوزلاب
بیلمه یان، اؤنگات عربچه گورلاب
بیلمه یان، اعجم جمع.

اعجوبه ojube: ص. [ع] بیر زات یا
بیری آدملاری حیرانا قالدیرسین،
گنگ قالدیرجی، آگیرت آدم، اعجیب
جمع.

اعداد a'dād: [ع] سانلار، جمع عدد.

اعداد e'dād: مص. [ع] تاییارلاماق،
اوپچین اتمک، تاینلاماق.

اعدال a'dāl: [ع] تاییلار، جفتلر،
جمع عدل

اعدام e'dām: مص. [ع] یوق اتمک،
نابود اتمک، آتیپ یا آسیپ
اولدیرمکه اولوم جزا سی .

اعذار a'zār: [ع] اؤتونچلر، گچیریملر،
جمع عذر.

اعذار e'zār: مص. [ع] باهانا گتیرمک،
اؤتونچ ایسته مک.

- بیرینی بیر یره ایبرمک، اوغراتماق.
 اعصار e'sār: مص. [ع] ال دار بۇلماق،
 قول یوقالیق، محتاج بۇلماق،
 قین چیلیغا دوشمک.
 اعشار a'shār: [ع] جمع عشر، اون دان
 بیر معنیده.
 اعشى a'shā: ص. [ع] گيجهلر گۆزی
 گۆرمه یان، (شبکور).
 اعصاب a'sāb: [ع] اعصاب، سینگرلر،
 عصبلر، آدمی حرکتک سالیان اورغان
 جمع عصب.
 اعصار a'sār: ا. [ع] عصرلر، دوویرلر،
 زمانلار، جمع عصر.
 اعصار e'sār: [ع] تووهلی، ییلدیریم و
 بولوتینگ اثریندن دورایان یل، اعاصر
 و اعاصیر جمع.
 اعضاء a'zād: [ع] قوللار، جمع عضد.
 اعضاء a'zā': [ع] اون ایکی اندام، اون
 ایکی سونگک، اعضاء
 اعطاف a'tāf: [ع] جمع عطف، قۇلتۇق
 و چت قیراقلار.
 اعطاء e'tā': [ع] باغیشلاماق، برمک،
 هودورلەمک.
 اعطیه a'tiye: [ع] بخششلر، بریملر،
 جمع عطاء.
 اعظام e'zām: مص. [ع] اۇلاتماق،
- اۇلی سایماق، صرفه قۇیماق.
 اعظم a'zam: [ع] اۇزان بییک، قاتی
 اۇلی، اعظم جمع.
 اعلاء e'lā': مص. [ع] گۆترمک،
 یۇقاری چیقارماق، قالدیرماق.
 اعلال e'lāl: مص. [ع] ناساغ لاتماق،
 دردلی اتمک، ناخوش اتمک.
 اعلام e'lām: مص. [ع] خبرلی اتمک،
 خبر برمک، ییلدیرمک، جار اتمک.
 اعلام a'lām: [ع] جمع علم: ۱. بلگی،
 بایداق، ۲. باشلیق، قوم اولی سی.
 اعلامیه e'lāmiye: ا. [ع] ایلینگ
 دقتینه یتیریلیان خط کاغذ،
 ییلدیریش.
 اعلان e'lān: مص. [ع] آچیقلاماق،
 آشکار اتمک، بیر مطلبی یازیب
 آدم لارینگ گوزیندن گچیرمک، جار
 چکمک، جار اتمک ییلدیریش لیک .
 اعلم a'lam: ص. ت. [ع] قاتی دانا، بتر
 بیلیملی، اینگ علملی، کوپ دانا،
 بیلان آدم، فراستلی آدم.
 اعلى e'lā: ص. ت. یۇقارراق، بلندراک،
 اۇنگاتراق.
 اهم a'amm: ص. ت. [ع] اۇز ایچینه
 آلماق، عمومی راق، کۆچولیکلی راک.
 اعمار a'mār: [ع] یاشایشلار، عمرلر،



ياشلار، جمع عمر.

عنقاء.

اعمار e'mār: مص. [ع] آبادلاماق،

اعنى a'ni: [ع] تفسیرده و آچیقلامادا

یری آباد اتمک، بیرینی ماتاچسیز

بیر مطلبه شيله قصد ادیارین

اتمک، بیرینه اوی ایل دیکپ برپ

دیمک.

اولیانچا خیرلانماغا هودورلمک،

اعواض a'wāz: [ع] بدلر، عوضلر،

ارکینده قویماق.

جمع عوض.

اعماق a'māq: [ع] اویلار، چوقۇرلار،

اعوام a'wām: [ع] ییللار، جمع عام.

ترینگیلیکلر، جمع عمق.

اعوج a'waj: مص. [ع] قیشیق، اگری،

اعمال a'māl: [ع] عمللر، ایشلر،

اربت قیلیقلی.

جمع عمل.

اعوجاج e'wejāj: مص. [ع]

اعمال e'māl: مص. [ع] ایشه التمک،

قیشارماق، تاوانماق، قیشیقلیق.

ایشه چکمک، ایشه بویۇرماق.

اعوذ a'uzo: [ع] فعل متکلم وحده

اعماء e'mā': مص. [ع] گوزی باطل

یعنى: «سانگا سیفینیارین».

اتمک، کور اتمک معنیده.

اعوذبالله: الله اشاره ادیب: «سانگا

اعماء a'mā': [ع] جمع اعمی، کور

پناه گتیریارین» دیمک.

معنیده.

اعور a'war: ص. [ع] بیر گوزی کور

اعمی a'mā: ص. [ع] کور، گوزسیز،

آدم، بیر گوزلی آدم، اؤنؤنگ مونئی

گوزی گورمکدن باطل بۇلان، عمی و

عوراء، عور و عوران جمع:

عمیان و اعماء جمع.

اعیاد a'yād: [ع] عیدلار، بایراملار، جمع

اعناب a'nāb: [ع] اوزوملر، جمع.

عید.

عنب.

اعیان a'yān: [ع] جمع عین، اولی

اعنات - مص. [ع] اینجیتماق، بیرینی

آدملار، پوللی بایلار، بییکلر اعیانی :

قین چیلیفا سالماق، کونگلینه دکمک.

جایلار، جایینگ گِرکلیکلری،

اعناق a'nāq: [ع] بویونلار، جمع عنق.

مصالح، داش کرفیج آغاچ دیر قاپی و

اعنق a'naq: ص. [ع] بوینی اوزین

پنجره یالی.

بۇلان، بۇینی اؤزین اؤنؤنگ مونئی

اغتراب eqterāb: مص. [ع] اؤز اولکه

يۇردۇنگدان داش دوشمك، ياد آدم لارا
 بيريكمك، غريته دوشمك.
 اغتراف eqterāf: مص. [ع] آيا بيلن
 سۇو آلماق، الينگ آياسى بيلن سۇو
 گۇترمك.
 اغتسال eqtesāl: مص. [ع] غسل
 اتمك، يويونماق، سۇوا دوشمك.
 اغتشاش eqtesāš: مص. [ع] آغيم
 دونوم بۇلماق، آختار دونگتر بۇلماق،
 بۇلغاى چيلىق، قاريم قاتيم ليق،
 ييقان يومرانلىق، آياغا قاليشرليق.
 اغتصاب eqtesāb: مص. [ع] غصب
 اتمك، زور بيلن بيرى نينگ زادىنى
 آلماق.
 اغتفار eqtefār: مص. [ع] باغيшлаماق،
 خدای تعالى نينگ بندهسى نينگ
 گناه سىنى باغيшлаماغى، اۆتمه گى.
 اغتمام eqtemām: مص. [ع] غم
 لايىنا باتماق، قاينا قالماق، توقات
 ياغدايا دوشمك.
 اغتنام eqtenām: مص. [ع] غنيمت
 بيلمك، پيدا و نپ بيلمك، غنيمت
 سايماق.
 اغذيه aqziye: [ع] غذالار، اييميت لر،
 داماق لار، خوراك لار، جمع غذا.
 اغرار aqrār: [ع] جمع غر، ايش

گۇرمه ديك تجريه سيز، باسيم
 آلدانيان، ياش يتگنجك، جوان.
 اغراس aqrās: [ع] آغاچلار، باغلار،
 جمع غرس.
 اغراس eqrās: مص. [ع] آغاچ اكمك،
 باغ اكمك.
 اغراض aqrāz: [ع] ايسلگلر،
 مقصدلار، غرضلار، جمع غرض.
 اغراق aqrāq: مص. [ع] بويلاتماق،
 غرق اتمك، چن چاقدان گچيرمك،
 اوستينه ساليپ آيتماق، اوته گچمك
 سۇزده آلداپ اوتيشديرمك.
 اغشاء eqs'ā: مص. [ع] اورتكم،
 اوستونى باسيرماق.
 اغصان aqsān: ا. [ع] شاخه لار،
 پوداقلار، جمع غصن.
 اغضاء eqzā: مص. [ع] گوز يۇمماق،
 گوزى باغلاماق، بير زات دان گوز
 يۇمماق.
 اغفال eqfāl: مص. [ع] غفله سالماق،
 غافل اتمك، آلدماق، خبر سيز
 دويدان سيز ليغا سالماق، الدوا سالماق.
 اغلاط eqlāt: مص. ا. [ع]
 يالنگيشديرماق، بيرىنى يالنگيشليغا
 سالماق.
 اغلاط aqlāt: [ع] يالنگيشليقلار،

جمع غلط.

اغلاق eqlāq: مص. [ع] قابی یا پاماق،

بیر زات اوچین قین چیلیق دورتمک،

کلمه و عبارتлары، مشکل لشدیرمک،

چیرماشیغا سالماق و کلمه نینگ

مضونینی اویتگتمک.

اغلاق aqlāq: [ع] قولى و یا قولى

منگزش نارسه، اؤنؤنگ بیلن قابی

برکلنیار (اوریلیار)، جمع غلق.

اغلب aqlab: مص. [ع] کویلنج،

کوپوسی، زیادراق، غالاپا.

اغمار aqmār: [ع] نادانلار،

آنگلامایانلار جمع غمر، سامسیقلار

تجربه سیزلر، جمع غمر.

اغماز eqmāz: مص. [ع] عیبلاماق،

بیرکیشینی کوپونگ یانیندا

کیچلتمک، پسه دوشورمک، پسه

سالماق.

اغماض eqmāz: مص. [ع] گؤزی

یومماق، گؤز یومماق لیق،

اغماء aqma': مص. [ع] بیهوش

اتمک، هوش سیزلیق، بی هوش

بۇلماق، هوشی گیتمک.

اغنام aqnām: ا. [ع] داوارلار، قویون

قوزی لار جمع غنم.

اغناء eqnā': مص. [ع] ماتاچ سیز

اتمک، مالدار اتمک، پوللی وقۇجۇرلى

قۇرلىلى اتمک.

اغنى aqnā: ص.ت. [ع] قاتى باى،

ماتاچ بۇلمادىق، قۇجۇرلى، قۇرلىلى.

اغنياء aqniyā: [ع] بايلار، قۇرلىلى لار،

دولتلىلر و بارلى مال و ملكلىلر،

جمع غنى.

اغواء eqwā': مص. [ع] گمراه اتمک،

آلداماق، يولدان چىقارماق.

اغيار a:aqyār: [ع] كسه كىلر،

اوزگه لر، بىيگانه لار جمع غير.

افاده efāde: مص. [ع] (=افادت) پيدا

برمک، نپ يتيرمک، افاده فارسی

ديلينده : تکبرلیک و پانگقلىق

اولومسى منلیک لیک دیییپ آیدیلیار.

افاضل afāzel: [ع] یۇقار درجه لى راق،

بلند مرتبه لى، یۇقار درجه لى آدم لر،

مرتبه سى بلند آدم لر، جمع افضل.

افاضه efāze: مص. [ع] افاضت

اؤستونگه سؤو دؤکمک، ماخلول

سودان دولدورماق، سؤزده حدیثه

گیرمک، فیض يتيرمک.

افتادن oftadan: مص.ل. يره دگمک،

یۇقاردان آشاق ییقىلماق، آياقدان

دوشمک، ايشدن قالماق.

افتتاح eftetāh: مص. [ع] آچماق،

باشلاماق.

افتان eftetān: مص. [ع] فتنه گه دوشمک، فتنه تۇرۇزماق.

افتخار eftexār: مص. [ع] فخرلانماق، قۇوانچ، قۇوانماق، بویسانچلیق.

افتراق efterāq: مص. [ع] بیرک بیرکدن جدا دوشمکلیک، آیرالیق.

افتراء' efterā': مص. [ع] یالاندان بیرینه تهمت اۇرماق تونگکه مک، یالاندان بیرینه تهمت اۇرماق.

افتضاح eftetzāh: مص. [ع] بی آبرای بۇلماق، ارسوا بۇلماق، اویات سی بۇلماق.

افت وخیز oft-o-xiz: ا. مص. ییقلیپ قالماق، ییقلیما حالتیندا بۇلماق، اوغراماق و اۇتۇرماق لایق آرالیغیندا، اوتوریپ-تۇرماق یاغدایدا.

افخم afxam: ص. [ع] قاتی اولی، بتر گویجلی، اوران قوجورلی، یۇقاردیرجلی، بلند مرتبه لی.

افر ofr: ا. [فر] عرضا، هودورلامه، عرضه، عطا، بخشش، تکلیف.

افرا afra: ا. چنار تاویرهلی کوپ یاپراقلی و شاخالی بوی ۲۰ متره یتیان آغاچ، چچک، کرکاو، کرکوو.

افراخ efracx: مص. [ع] اوچوجی

قوشلارینگ چویچه له مگی و یومیرتفادان چویچه چیقارما یورکدن قۇرقی آیریلماغی، سیرینگ آشکار بۇلماغی.

افراخ afra: ا. [ع] چویچه، جمع فرخ. افراختن مص. م. اولالتماق، یۇقار قالدیرماق، بلند چیقارماق، یۇقار یتیرمک.

افراد afrađ: ا. [ع] جمع فرد، بیردن آرتیغا و کۆیه خاصلانیا.

افراد efrāđ: مص. [ع] بیر اتمک، بیر زادی یکه بۇلۇپ یرینه یتیرمک، یکه لیکده ایشه باشلاماق، یکه لیک.

افراز afraz: ا. بلندلیک، بییکلیک، و کرسی دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

افراز efrāz: مص. [ع] آیری اتمک، جدا اتمک، آراسینی آچماق، بیر نارسانینگ بیر نارسه دن آراسینی آچماق.

افراشتن afraštān: مص. م. یۇقار قالدیرماق، یۇقار گۇترمک، یۇقار چیقارماق، بلند گۇترمک.

افراض efracz: [ع] بیرینه بللی بیرمچبرده زات برمک، قویون مالینگ بللی بیرچنه زکات دوشرنه بارماغی، زکاة واجب بۇلماغی.

افراط efrāt: مص. [ع] چندن چيقماق،

حددن چيقماق، چندن آشا آرتيق راق
گيتمكه قاتی گيتمكه.

افراه afrāh: ا. توسساق لارا پايلايان
داماق، ايميت.

افرنند afrānd: ا. گوزلليک،
گورکلیلیک، آوادانلیق، اولۇلیق، شان،
شوکت.

افرنند afrānd: ا. قيلیچینگ جوهری،
قيلیچینگ ييلديراماغی، عربلار افرند
دييپ آيديارلار.

افرننگ afrāng: ا. پادشاه لارينگ
تختی، بزگ، گوزلليک، گورك، شان
شوکت.

افروختن afruxtan: مص. ياقماق،
پارلاتماق، چراغی يا اودی ياقماق،
يانماق، پارلاماق.

افروزاندن afruzandan: مص. م. (=)
افروزانیدن) ياقماق، ياغتی لاندیرماق.
افروزشي afruzeš: ا. مص. ياغتیلیق،
گون شعله سی دوشمک لیگی، گونش
نوری دوشمک.

افزار afzār: ا. قۇرال، شای شوی،
ابزار.

افزار afzār: ا. ابزار، قازانا آتیلیان داری
درمان، بوچ، ساری بوغا، اوزوم یالی

نارسه.

افزایش afzāyeš: ا. مص. آرتیق ليق،
کان آرتدیرماق، کوپ، بؤل.

افزودن afzudan: مص. کؤیلمک،
آرتدیرماق، قۇشماق.

افزون afzun: ص. کوپ، کان،
آرتیقماچ

افساد efsād: مص. [ع] ضایالاماق،
فسفی فجورلیق، فتنه و فساد
تورۇزماق، غوغا.

افسار afsār: ا. اريشمه، آط
اريشمه سی، آوسار، آغيزديریق،
اویان.

افسان afsān: ا. پيچاق چالینیان داش،
پيچاقی ییتی اتمک اوچین
اولانییلیان داش، نازداق داش، سان و
ساو هم دييیلیار.

افسانه afsāne: ا. قصه، حکایت، بای،
ارته کی، گلر گجر، بالان روایت.

افست ofset: ا. [انگلی] بیرهیل چاپ
ماشینی اؤنؤنگ بیلن کتابلاری و
صورتلاری دورلی نقشه لاری چاپ
ادیلیار.

افسر afsar: ا. سربازلارينگ اولی سی،
درجه لی، ستوان دان یوقاری.
افسردن afsordan: مص. ل. سولماق،



- ساویماق بوز باغلاماق، دونگماق،
توقاتلیق.
- افسوس afsus: ۱. قینانچ، اؤکونچ،
حسرت، قایغی، حسرت، ظلم و جبر
و تاوقی.
- افسون afsun: ۱. آلدواچ، حیلہ
جادوی، مکر، هیترلیق جادیچی
لارینگ جادی ادیان وقیتینده اوقیان
سۆزلری.
- افسونگر afsungar: ص. فا. جادیچی،
جادی چیلیق بیلن قیزیقلانیان.
- افشار afsār: ۱. تخته نردینگ
اوی لری نینگ بیر آدی، افشار، آوشار
طایفادان بۆلن ترک نژاددان.
- افشار afsār: ۱. ایرانی سازی لرینگ
بیری نینگ آدی.
- افشانندن afsāndan: م. م. (=)
افشانیدن) سپمک، دوکوپ ساچماق،
نثار اتمک، پیتراتماق.
- افشاء efsa': م. [ع] فاش اتمک،
اشکار اتمک، پیتراتماق،
آنیق لاشدیرماق، اوستونی آچماق،
یایماق. ءسیر آچماق.
- افشردن affordan: م. م. سیقماق،
بیر زادینگ سقیپ شیره سینی یا
سؤوینی آلماق.
- افضال efzāl: م. [ع] آرتدیرماق،
کؤپلتمک تایدان بخشش برمک،
حسنات یوقاری بۆلماق، قواوی لیق
جوماردلیق، سخاوتلی لیق.
- افضل afzal: م. ت. [ع] قاتی فاضل،
قاتی یوقاری، اینگ علم لی آدم،
بیلیم لی آدم، فاضل جمع.
- افطار eftār: م. [ع] آغیز آچماق،
آرازانی ایمک، آغیز آچارا رمضان آیی
آدمینگ آغیز آچاردا اییان داماغی.
- افطام eftām: م. [ع] چاغانی
سویتدن کسمک وقتی.
- افعال afāl: ۱. [ع] ایشلر، عمل لر، جمع
فعل.
- افعی afī: ۱. [ع] فارس چه قارا زهرلی
ییلان، اولی ییلان.
- افغان afqān: ۱. فریاد، قیقیلیق، ناله،
اینگراما، آخ واخ.
- افغان afqān: ۱. بخ. اوغان، افغانستاندا
اوتوریملی طایفانینگ آدی،
آوغانینگ آدملاری، اولارا افغانه
دیییارلر.
- افق ofoq: ۱. [ع] شفق، اینگریک، گۆز
یتیم، آفاق جمع.
- افقم afqam: م. [ع] اووکسی یوقار
دیشی چوممالیپ اووه گلیپ دوران

آدم، آنگا دیشلی آدم.

افکار afkār: [ع] اوی لان آدادان.

فکرلر، جمع فکر.

افکندن afkandan: مص.م. زینگماق.

داشاری تاشلاماق.

افگار afgār: ص. خسته، یارالی.

ایزالی اینجیلی.

افلاس eflās: مص. [ع] یوق سیزلیک،

غریب-مال سیزلیق، یوغسوللیق.

افلاق eflāq: مص. [ع] شاعرینک

انایی، گنگ کپ گتیرمگی.

افلاک aflāk: [ع] گونگر، گوکر،

جمع فلک.

افلیج eflīj: ص. [ع] ال آیاغی

ایسمایان، مایب، اندامی، ایسمایان

مایب مجریب.

افندی afandi: ا. [ت] آقا، بایار، فلان

آقایاده بایاری دیین یالی.

افواج afwāj: [ع] دسته لر، بۆلکلر،

جمع فوج.

افواه afwāh: [ع] آغیزلار، جمع فوه.

افواه afwāh: [ع] نهارد قویولیان

داری درمان، افوايه جمع.

افهام efhām: مص. [ع]

دوشوندیرمک، قولاغنه قویماق،

دویدورماق.

افهام afhām: [ع] دوشونجه لر،

آنگیلان، جمع فهم.

افهم afham: ص.ت. [ع] قاتر

دوشونجه لی، قاتی دانا.

افیون afyun: ا. شیره، تریاک، افیونی

شیره کش، تریاک کش، معتاد.

اقامت eqāmat: مص. [ع] دۇرماق

بیر یرده دینج آلیپ دۇرماق،

یرلشمک.

اقبال eqbāl: مص. [ع] یوز به یوز

گلکم، بیرزادا یوزلنمک، آغیردولته

دوش گلکم، فارسچه باخت، اقبال

دییلیار.

اقیل eqbil: اقبال، باختلی.

اقتباس eqtebās: مص. [ع] نورآلماق،

بیلیم اوورانمک، بیرینینگ بیلیمندن

پیدالانماق.

اقتدار eqtedār: مص. [ع]

قوجورلانماق، کویچلنمک، قواتلی

بۇلماق، قۇریلی بۇلماق، قۇجۇرلیق.

اقتداء eqtedā': مص. [ع] اویماق،

گۆزله آلیپ شونگاگوزا حرکت اتمک،

گیتمک، ایزینا اییرمک، امام جماعته

اویماق، امامینگ ایزیندا اویماق نمازا

دۇرماق.

اقتراح eqterāh: مص. [ع] اوی



اقتضاء 'eqtezā: مص. [ع] برن قرض
پـۇلۇنگى ايزينا ايستهـمك،
ترخواست، خواهش، بىرىنىڭ
برگى سىنى طلب اتمك و آلماق.

اقتطاع 'eqtetā: مص. [ع] كسمك،
بولمك، بىر زاتدان بىر بولگنى آلماق.

اقتطاف 'eqtetā: مص. [ع] ايميش
يىغماق، ميوه يىغىلماغنىڭ وقتى
يتمك، موسمى ييتىشمك.

اقتلاع 'eqtelā: [ع] كوكنى كسمك،
دوپىندىن يىغماق، قوفارماق.

اقتناء 'eqtenā: مص. [ع] مال
يىغناماق، سرمايه ادينمك، مال
تغشىدىلماق، مال جملەمك.

اقتناص 'eqtenās: مص. [ع] آو
آولاماق، آو اتمك.

اقدام 'aqdām: ا. [ع] آرديم لار، اديم لر،
جمع قدم.

اقدام 'eqdām: مص. [ع] اؤوه گىتمك،
باشلاما، بىر ايشە باشلاماق، آياغا
قالماق، يوزلنمك، بىر ايشىنىڭ
اوغرۇنا چىقماق.

اقدس 'aqdas: ص. ت. [ع] قاتى
آراسسا، قاتى پاكيژه، اوران مقدس.

اقدام 'aqdam: ص. ت. [ع] قاتى
قدىمقى، قاتى اۇنگ، اير وقتقى.

فكرسىز كېلمك، اويلانمانى سۆز
آيتماق، اۆز فكرىنگە گورا تازه زات
تاپماق و دوراتمك، بىرىندىن بىر زات
استەمك، سۇراماق.

اقتراض 'eqterāz: مص. [ع] وام
آلماق، قرض آلماق قرض اتمك.

اقتراع 'eqterā: مص. [ع] چك آتماق،
قرعە چكمك، بيجە آتماق.

اقتران 'eqterān: مص. [ع]
ياقنىلاشماق، بىرىنە يار بۇلماق،

مددكار بۇلماق، ياقىنلىق و بىرىكمك.
اقتسام 'eqtesām: مص. [ع] ۱. قسمت

اتمك، بۇلمك، ۲. آنت اىچمك، قسم
اتمك.

اقتصاد 'eqtesād: مص. [ع] هر بىر
ايشە اۇرتا يۇرۇش تۇتماق، اوز
گىردەجىنگە گورا خرچ اديپ خرچ و
دخلىنىڭ دنگلەمك، خرچ دخلى
تايلاماق، ميزانلاماق.

اقتصار 'eqtesār: مص. [ع]
قيسقالتماق، قيسقالتجاق بۇلماق،
چاكلندىرمك، بس اتمك.

اقتصاص 'eqtesās: مص. [ع] قصاص
اتمك، قصاص آلماق، جزا برمك،
اديشى يالى اتمك، قصە آيتماق،
روايت اتمك.

اقرار eqrār: مص. [ع] اوزکپینگ بيله
بیرایشی یا بویروغی ثابت اتمک،
بویون آماق، سوزینگی آشکار اتمک،
سوزینگده دۇرماق.

اقراص aqrās: [ع] قرصلار، جمع
قرص.

اقراض aqrāz: مص. [ع] قرض برمک،
وام برمک.

اقرع eqrā': مص. [ع] بیرینی
بیرایشدن ساقلاماق، چک آتماق.

اقران aqrān: ا. [ع] یاقینلار،
قرینداشلار، منگزشلر، جمع قرن.

اقران eqrān: مص. [ع]
یاقینلاشدیرماق، یکی بویروغی یا
ایکی زادی بیر بیرینه دوشورماق.

اقرء aqrā': [ع] قافیه دورلی شعر،
جمع قر.

اقرء eqrā': مص. [ع] اوقیماغا مجبور
اتمک، اؤویریلیمک، یاقینلاماق،
عیالینگ آیی گورنومه سی.

اقراب aqrab: ص. ت. [ع] اینگ یاقین،
بتر یاقین، یاقینراق، اقارب جمع.

اقرباء aqrabā': ا. [ع] دوغان
قارینداش یاقین، ایلن چالان
قوم قارداش، جمع قریب.

اقساط aqsāt: ا. [ع] قسطلار، بولاکلر،

جمع قسط.

اقساط eqsāt: مص. [ع] عدل و داد
اتمک، انصاف اتمک، اورتا
یوریملی لیک.

اقسام aqsām: [ع] بخشلار، بۆلکلر،
بولیملر، جمع قسم، پیدالار.

اقسام aqsām: [ع] آنتلار، قسملار،
جمع قسم.

اقسام eqsām: مص. [ع] آنت ایچمک،
قسما بارماق.

اقصاء eqsā': مص. [ع] داشلاتماق،
اوزاغا سالماق، داشلاشدیرماق، داشا
سالماق.

اقصاء aqsā': ا. [ع] داشلار، اۇزاقلار
معنیده، جمع قاصی و قصی.

ا قصر aqsar: ص. ت. [ع] قیسغاراق،
کلتلرک، اقاصر جمع.

اقصی aqsā: ص. ت. قاتی داش، قاتی
اۇزاق، داشراق، جمع اقاصی.

ا قطاب aqtāb: [ع] اولیاءلار، پیرلر،
قطبلار، مرکزلر معنیده، جمع قطب.

اقطاع eqteta': مص. [ع] کاییمک،
بیریندن اۆستون چیقماق، بیر ملکی

بیرینه پیداسیندن اونگار یالی برمک،
جمع قطع.

اقطاع eqteta': مص. [ع] خلیفه نینگ

اۋز مالیندن کسپ بیرینه اونگار یالی
برمک لیگی.

اقلام aqlām: ۱. [ع] قلملار، جمع قلم.

اقلیت aqaliyat: مص.ج. [ع] آز
بۆلماق، کۆیونگ قارشىسى،

کۆیونگ آراسیندا بۆلان آزلار.

اقلیم eqlim: ۱. [ع] یونانلیلار

چشمه دن: یورت، اولکه، دیار،

عالمینگ ناچه دن بیر بۆله گی، هوا

شرطلری نینگ اورتاچا طبیعی

یاغدا یی، اهلی یدی دن بیر عالمینگ

قۇرى یری.

اقلمار aqmār: [ع] آی لار، ییلدیزلار،

جمع قمر.

اقلر aqmar: مص. [ع] آق رنگ، آی یالی،

آق یاشیلا یاقین.

اقلع eqnā: مص. [ع] قانع اتمک،

خوشحال اتمک، راضی اتمک،

قناعتلاندیرماق، اېئانديرماق.

اقلوام aqwām: ۱. [ع] قارینداشلار، قوم

خویشلار، دوغانلار.

اقلانوس oqyānus: ۱. دنیانگ

دۇرت دن اوچ بۆله گینی توتان - دنگیز،

اۇلاری باش بولپ دیرلر. اۇلار

اقلانوس آرام، اقلانوس هند، اقلانوس

اطلس اقلانوس منجمد شمالی،

اقلانوس منجمد جنوبی دان عبارت.

اکابر akāber: [ع] جمع اکبر، اولی لار،

یاش اولی لار، یاشی گیدن لار.

اکاذیب takāzib: [ع] یالانلار، یالان

سۆزلر جمع اکذوبه.

اکالیتوس tokaliptus: [فر.] [ع]

آغاجینگ بیر گۆرنوشی، همیشه

گوک آغاج.

اکبر akbar: ص.ت. [ع] قاتی اولی،

قاتی بییک، اکابر جمع.

اکبر akbar/ ekber: ۱. [ع] آری نینگ

اۋندریان بیر هیل قۇراق حلوا منگزش

ماده سی.

اکتاف aktāf: [ع] یاغرینلار،

گریشلر، جمع کتف.

اکتبر oktobr: ۱. [فر.] [ع] فرنگی

ییلینگ اونونجی آیی نینگ آدی، مهر

آیی بیله جیس گلیار.

اکتتاب ektetāb: مص. [ع] کتاب

یازماق، یازماق.

اکتساب ektesāb: مص. [ع] اله

گتیرمک، اۋنوم آلماق، اویشیرمک،

کسب اتمک.

اکتشاف ektešaf: مص. [ع]

آختارماق، تاپماق، یوزه چیقارماق،

دور اتمک.

اكتفاء 'eqtefā: مص. [ع] بس اتمک،
بولیار اتمک، چاکلنمک قناعتلانماق.
اكتفاف eqtenāf: مص. [ع] پناه
گتیرمک، گیزلین یر سالماق، داشین
آلماق.

اکثر aksar: ص.ت. [ع] آغلابا، کوپراک،
کؤیلنج.

اکثریت aksariyat: مص. قالاباراغی،
کویی، اغلبباراغی، کوپراک.

اکرام akram: مص. [ع] اولی تۇتماق،
بییک سایماق، حرمتلاماق، بخشش
اتمک، بریم برمک، هودورلهمک.

اکران ekrān: ا. [فر.] سینمانینگ آق
پردهسی، تصویر دوشیان آق پرده.

اکراه ekrah: مص. [ع] بیرینی مجبور
ادیپ بیر ایشه قویماق زورلیق.

اکرم akram: ص. [ع] اوران حرمتلی،
قاتی اولی، بتر جومارت.

اکزما ekzemā: ا. [فر.] بیرهیل دری
کسلی، اندام چیشمه، قیزارما و
گیجیلوویکلی خستهلیق.

اکزیستانسیالیزم ekzistānsiyalizm:

اصلی توپس بولان، فلسفی مکتبی
اروپاده رواج بؤلماغینا و اولارینگ
عقیدهلارینا گؤرأ، انسانینگ
یارادیلشی یعنی ماهیتی گِرک یوزه

چیقما یولی بیلن دوشونیلمالی
یعنی درک ادیلمهلی، ایسیم علمی و
فرضی آدالغا یوزوندن دال، آیدیارلار
انسانینگ یاشایشینه قارشی بولیان
دورلی یاغدا یلار اوه گلیار، شیلهده
آدم پوچ و بیهوده زادا چکلیب
اینجالیفنی الدن بریار، و اغلب
هدفسیز پوچ زادا تلاش ادیار، گمان
ادیاریس انسانینگ مادی وجودی
جوهریندن و یارادیلشیندن و
روحوندان باشاریار اوژ ایستان جورده
اوزونی بجرسین و دوزالتسین و اوژ
دورموشنی گلجگنی سرنوشتنی
اوژی بللهسین یعنی تعیین اتسین
دیین یاغدا.

اکمال ekmāl: مص. [ع]
دولیلاندیرماق، بیتین اتمک، کامل
اتمک، تماملاماق.

اکمام akmām: [ع] ینگلر، جمع کُم.
اکمل akmal: ص.ت. [ع] قاتی دولی،
قاتی بتین و کامل.

اکناف aknaf: [ع] تۈۈرۈ داشی، چت
قیرا لار، جمع کنف.

اکنون aknun: ق. شوندی، شو وقت،
ایندی دیین یالی.

اکواریوم akwariyom: ا. [فر.]

- وقتلايىن بجرلن اولى حوض، اوندا
بالىق يالى جانلى زادى ساقلاينار
كۆپلنچ، بلوردان بجريليان.
اكونومىست ekonomist: ا. [فر.]
اقتصاددان، اقتصاد اوغيرده كوپ
بيليان، اقتصاد ايشى بيلن
قىزىقلانان.
اكونومىك ekonomik: ص. [فر.]
پيدالى اقتصاد، صرفهلى اقتصاد.
اكيپ ekip: ا. [فر.] بير توپار
كارندهلرينگ بير ايشه مشغول
بۇلماغى، ايشچىلرينگ ايشه
ايشچىلرينگ توپلومى
اگو ego: ير آستيندا خافا سۇويى
آقئريليان يول، سۇ يولى، سۇ يابى،
اكو آديندا.
ال al: ا. مازندرانينگ جنگلينده بيتيان
ياپراغلارى اوچلى اوزين سارى گللى
ميوهسى ترشى قاتى آغاچ.
الا alā: ح. [ع] اى، دويدوريش سۆزى،
بيلگين و آگاه بولغون ديين يالى.
الا ellā: ح. [ع] استثناء حرفى، مكر،
اكرده، آيرى.
الاجيق alačiq: ا. [ت] تركمن اۋىسى،
آغاچ اۋى.
الاغ olāq: ا. ترك سۆزوندن آلينان،
اشهك.
الام olām: ا. تركى مغولى سۆزوندن
قلايگ يالى، اووه دوشوپ يول
گوزكزيان آدم.
الامان al-amān: ص. ت. ا. [ع]
دوشماندان قۇرقىپ پناه ايستاپ
وحشته دوشن وقتى ديبيليان كپ.
الان alān: ق. [ع] شو وقت، ايندى،
شوندى، شۇ چاقدا.
اللب elb: ا. ع. تيكنلى تورنيچ آغاچ يالى
باغ.
اللب elb: ا. [ع] هوللاک، باشام بارماق
بيله سويوم بارماغينگ آرا اۋلچهگى.
الباب al-bāb: [ع] عقللىلار،
دوشونجهلىلر، مغزلىلار، دانالار.
الباء alebbā: ا. [ع] دانالار،
عاقيللىلار، فراستلىلار، بيليملىلر،
جمع لىبى.
البتة albatte: ق. [ع] تاكيد سۆزى
البتده، نيقتاما سۆزى، البتة،
كسگيتلى سۆز حكمان.
البسه albese: [ع] كييم كچيملر، اكين
اشيكلر، جمع لباس.
التزام eltezām: [ع] بيرايشى بۇيۇن
آلماق، اديلمهلى حكمان ايش، ضرور
ايش، درواييس ايش.

- التفات eltefāt: مص. [ع] بیرینه
یوزلنمک، بیرینه طرف باقماق،
مهربانلیق اتمک، خوشامایلاماق،
همرالیق اتمک.
- التفاف eltefāf: مص. [ع] بیرى
بیرینه چولاشماق ليق، اگین اشیک
اؤزونگه چولاشماق ليق.
- التقاء 'elteqā': [ع] گوروشمک،
یتیشمک، دوشیشماق.
- التماس eltemās: مص. [ع] یالبارماق،
یوزرمک، بیرزادی ایسله مک، بیریندن
بیرزادی خوایش اتمک، بیرزادی
اغتارماق.
- التهاب eltehāb: مص. [ع] اودونگ
یالینلاپ یانماغی، اود توتاشما
توتاشیپ یانماق چیشمه .
- التيام eltiyām: مص. [ع] بیریکمک،
بیتمک، یارانینگ قاوی لاشماغی و
قاوی بولماغی، یارانگ بیتمه گى،
قوتولماغی، ایکی زادینگ آراسینی
ایلا لاشدیرماق.
- الحداد elhād: مص. [ع] دیندن
خدای دان یوز اؤویرمک، دیندان
چیقماق، کفر، دین سیزلیق.
- الحداد alhād: ا. [ع] قبرلار، مزارلار،
جمع لحد.
- الحاق elhāq: مص. [ع] بیرینه
بیریکمک و یتمک، بیرى بیرینه
یتیرمک و باغلانشدیرماق، باغلی ليق.
- الحال alhāl: ق. [ع] شو دمد، شو
وقت، شو چاق.
- الغان alhān: ا. [ع] سسرلر، هنگلر،
آوازلا، جمع لحن.
- الحق al-haq: [ع] حق، شک سیز، عین
حقیقت، دوغریدان دوغری.
- الحکم لله al-hokmo-lallah: [ع]
حکمی و فرمان خدای تعالی بیلن
دیر.
- الحمد al-hamd: [ع] ستایش، سوره
حمد، الحمد سوره سی، فاتحه
سوره سی.
- الخ elax: [ع] ینگلتمه سؤزی، آخینه
چنلی، سونگون چنلی.
- الزام elzām: مص. [ع] مجبور اتمک،
واجب اتمک، بیرینه بیرایشی واجب
اتمک، بیرینه یا اؤزینگه ضرور
بیلیمک، بورچلی بیلیمک.
- الزام آور elzām-āwar: ص. ف. [ع]
حکمانی ایدیلمه لی ایش، ایدیلمه لی
ضرور ایش، دراویس ایش.
- السّاعه assā'e: ق. [ع] شو وقت، شو
دمد، دررو، قیامت، آخرت معنیده.

حروف تهجی، الف دن بی گه چنلی،

فارسی الفبىسى ۳۲ حرفدان

عبارت دیر، ترکمن الیپبىسى ۲۸

حرفدان عبارت.

الف olfat: مص. [ع] اؤرنیشمکلیک،

دوستلیق.

القاح elqāh: مص. [ع] گؤورهلی

اتمک، ایکی قات اتمک، بوغاز اتمک.

القاء elqā': مص. [ع] اوقلاماق، بیر

سۆزی بیرینینگ ذهنینه قویماق،

تاشلاماق، بیر کپی بیرینینگ یادینا

دوشورمک.

القصة al-qesse: [ع] سۆزۆنگ

قیسغاسی، الغرض، القصة.

الک alak: ا. الک.

الکترال elektorāl: ص. [فر.]

سیایللاوچیلیق، بىللیکلیک،

بلله مکلیک.

الکترونیک elekteronik: ص. [فر.]

الکترونیکه دگیشلی، الکتریک،

فیزیک علمینگ مهندسی، برق

علمی نینگ بیر بۆلومی.

الکتریک elekterik: ص. [فر.] برق و

برقه دگیشلی و باغلی بۇلانلار.

الکل alkol: ا. [فر.] کؤیلنج

طیببچىلىك اوجین پیدالانسیلیان

الصاق elsāq: مص. [ع] یلمه مک،

یابشیرماق.

الطاف altāf: [ع] مهربانلیقلار،

یاغشیلیقلار، مهرلی لیکلر،

عزتلی لیک، جمع لطف.

الطاف eltāf: مص. [ع] یومشاقلیق

اتمک، قاولیق، رحملى لیک، ساوغات

برمک.

الغار elqār: ا. آط قویماق، ایلغار،

دوشمانا آط سالماق، دوفولماق.

الغاز alqāz: [ع] ماتال، سیرلی سۆز،

جمع لغز.

الغاز elqāz: مص. [ع] اوغرىن کپ

آیتماق، ماتال آیتماق، بیللمجه، ادب

آدالغاسینده وصف ایدلنه اشاره.

الغاء 'elaqā': مص. [ع] باطل اتمک،

ساندان چیقارماق، اینامدان

دوشورمک.

الغرض al-qaraz: [ع] سۆزۆنگ

قیسغاسی، القصة، الغرض.

الغیاث al-qiyās: [ع] غیاث، قیقیلیغا

یتمه، حقى طلب اتمه، عرضاً داده

یتمکلیگه آیدیلیار.

الفاظ alfāz: [ع] سۆزلر، کپلر، جمع

لفظ.

الفباء 'alefbā': ا. مر. حروف هجا یا



الک

مايع، الكل.

الکلی alkoli: ص. الکله دگیشلی،

الکل ایچماگه اندیک ادن، الکلی
چاقیر ایچیب همیشه بیان بولیان
آدم، آلقاش.

الگو olgu: ا. گوزنوش، گوزکزمه،

خیاطلارینگ اؤلچک اوچین
پیدالانیان مقوادیر کاغذی نسخهالله allāh: ا. [ع] خدای، تانگری،
یارادان، خالق.

الله اعلم allāho-a'lam: [ع] (والله

الاعلم) خدا قاتی دانادیر،
بیرمطلبینگ دوغری و یا نادوغری
لیغنی شکلی بولناده الله اعلم دیب
دوغریدان دوغری الله تعالی قاتی
دانادیر دیب آیدیلیار.

الله اکبر allāho-akbar: شیله جمله:

«خدای تعالی قاتی اولی دیر»، آذان
چکیلنده هم آیدیلیار، «تانگری تعالی
قاتی اولی دیر»، آذان چکیلنده هم
قیغیریلیار، «تانگری تعالی قاتی اولی
دیر» دیب، الله اکبر دییلیار.

الله تعالی tallāh-ta'ālā: خ. خدای

تعالی، تانگری تعالی، بیک تانگری،
الله تعالی.

اللهم allāhomma: [ع] یا الله، یا

تانگری دییب ندا سۆزی، سسله نیش
سۆزی.الم alam: ا. [ع] درد، عذاب، ایزا،
قایغی، غم، آلام جمع.

الم alom: ا. ارزن، داری.

الماس almās: ا. بهالی قیّمات
داسلارینگ بیرى، آلماس. آلماز

المپیاد olampiyād: ا. [فر.] قدیم

یونان یۇردۇندا المپیک اویونلاری هر
دۇرت ییلدان بیر گزک المپی
شهرینده یولا قویولماغی اوچین
ایکی دۇویر دۇرت ییل آرایلیغینا
المپیاد دییب آد قویانسونگلار
سونگ المپیاد سۆزه شهرت تاپیپ،
آدلانیپ قالیار.

المپیک olampik: ا. ص. [فر.] قدیم

یونانده بۇلان هر دورت ییلده بیر گزک
دورلی ورزشلرینگ یاریشرینگ یولا
قویولماغی اوچین المپیک دییب آد
قویلیپدیر.

المثنی almosannā: ا. [ع] (=المثنا)

هر بیر مدرک و یازغی نینگ یوزوندن
آنان ایکیلانجی نسخه سی.

الم شنگه alam-šange: داد و بیداد،

قیق چیق اتمک، آلاقویغی تۇرۇزماق،
بولاقویلیق سالماق.

النگ olang: ۱. [ت] گوئیک، اوتلیق،

چمنلیک میدانی، اوری میدان.

النگو alangu: ۱. بزهلیک، بیلهزیک،

قوشاره داقیلیان بزهلیک.

الو alaw: ۱. یالین، اودونگ یالینی،

شوهله، شعله.

الو oloww: ۱. آغاچ شاخه سی، بورنا

قاینادیپ بخورادیب بوغی بورونا

توتولیار.

الوار alwār: ۱. کوتل، آغاچدان کسیلن

اولی دورت غیرانگ کسیلن تخته

الواط alwāt: ص. عا. ساللاخ آدم،

عارسیز ایقلاپ یورن آدم، ساللاخ آدم،

ایغیپ یورن.

الوان alwān: ۱. دورلی رنگلر، جمع

لون.

الوداع alwedā: [ع] خوش لاشماق،

الله یارلاشماق، دوستلاردان

آیریلشانیلاندا یا سفره گیدیلنده

آیدیلیان سۆز.

الهام elhām: [ع] یوره گینگه دوشیان

دوینی، بیودن فکرینگه گلکمک، الله

تعالی، انسانینگ یوره گینه یا ذهنینه

قوییان دوینی سی، ایلهام.

الهیات elāhiyāt: ا.ج. [ع] الله تعالی

نینگ حقنده بحث، دین تعلیماتی.

الهیار allahyār: ص. [فاع] خدا یاری،

تانگری اؤنؤنگ یاری بۆلان، ارکک

آدملارینگ آدلاری، الهیار.

الیم alim: ص. [ع] آغیرلی، ایزاسی

کوپ بۆلان، قاتی ایزالی.

ام omm: ۱. [ع] اجه، انه امات وامهات

جمع.

امّا ammā: ق. [ع] شرط سۆزی، ولی،

اگرده، امّا.

اماج omaj: ۱. اوماچ، بۇغداي دن

بشیرلیان سوویق ناهار، سوویق آش،

آوماچ.

امارات amārat: [ع] علامتلار،

نشانه لار، بلگی لر، جمع اماره.

امارات emārat: ص. [ع] امیر

بۆلماق، بویروغی یورییان و حکمی

روان امیرینگ یۆردی، جمع امارت.

اماکن amāken: [ع] مکانلار، جایلار،

مکان، مسجد و عمومی یاشالیان

جای.

ام الفساد ommo-lfesād: ص. مر. [ع]

فسق فجورلیق، فتنه، خراب

کارلرینگ باشی.

امام amām: ق. [ع] یوزبه یوز، اونگده.

امام emām: ۱. ص. [ع] پیش نماز، امام

امپراتورینگ طرفدارى، اولى
يوردونگ بيلهكى يوردلره اورناب زور
بيلن گيريپ حكرانسى ليغنى
كينگليپ اؤز قول آستينا آلماق ليق
سياستى.

امت ommat: ا.ج. [ع] بير بۆلك تابين
آدم، و بير پيغمبره اوييان جماعتلار
امم جمع.

امتحان emtehān: مص. [ع] بارلاق،
سيناو، درنگاو.

امتداد emtedād: مص. [ع] اوزالما،
چكيلمه، اوزالما، اوزالتما.

امتناع emtenā': مص. [ع] ساقلانماق،
قايرا دۇرماق، يوز دوندرمك، بير
ايشدن و بو يروغدان قايرا دۇرماق.

امتنان emtenān: مص. [ع] منتلى
بۇلماق، منت قويماق، قدر بيلديرمك،
منتدار بۇلماق، نعمت برمك.

امتياز emtiyāz: مص. [ع] آيراتين
بۇلماق، جدا بۇلماق، اؤستون
چيقيماق، دولت طرفيندان كارخ'نا
باشغا بير قۇراما و ش.م. سالماغا و يا
روزنامه چيقارماغا بريليان اجازه
رخصت. آرتيقماچليق.

امثال amsāl: ا. [ع] مثلر، منگزشرلر،

منگزشر، جمع مثل، چاليمه اش لاره.

جماعت و امام جمعه، ائمه جمع.
امامت emāmat: مص. [ع] پيش
نمازليک اتمك، رهبرليک اتمك،
يولباشچيلىق اتمك.

امامزاده temām-zāde: مر. [ع]
اماملارينگ فرزندى يا آغتيق
چاوليغى نييرهسى.

امان amān: مص. [ع] قۇرقى
بۇلماديق، خوف سيزليق، دينچليک،
آرامليک.

امانات amānāt: [ع] جمع امانت،
امانتلار، امينليک و دوغريليقلار.

امانت amānat: مص. [ع] دۇغۇرۇليق،
امين بۇلماق، بيرزادى بيرينينگ
الينده ساقلاماغا تابشيريلماق.

امانى amāni: [ع] آرزولار، جمع امنيّه.

امانى amāni: ص.ن. [ع] امانتى بيرينه
امانت صورته تابشيرلان نارسه.

امپراتور emperātur: [ع] قديم
رومده اولى سردارلارينگ لقمى، شو
زماندا بولقم بير نيچه پادشاهلاراهم
خاصلانيار، سالتان، سلطان.

امپرياليست emperyālist: ص. [فر].

امپراتور سياستىنينگ طرفدارى،
امپرياليسمينگ قولداوچيسى.

امپرياليسم temperyālism: [ف]

- امثال amsāl: ا. [ع] ایل آراسیندا بۇلان
قصه و ارته کی معنیده.
- امحاء 'emhā: [ع] آزادان چیقارماق،
یوغالتماق، یوق اتمک.
- امداد emdād: مص. [ع] کمک برمک،
مدد برمک، قولداماق، یاردام برمک،
حارای یتیرمک.
- امر amr: مص. [ع] فرمان برمک،
بویروق، حکم، اوامر جمع.
- امرار-emrār: مص. ا. [ع] گچیرمک،
بیرینی بیریردن گچیرمک، وقت
گچیرمک.
- امراض amrāz: [ع] جمع مرض،
کسلر، ناخوشلیقلار، سیرقاوولیقلار،
ناساغلیق.
- امراء 'omara: [ع] بییکلر، امیرلر،
جمع امیر.
- امرداد amordād: ا. شمس ییلی
نینگ باشینچی آیی نینگ آدی،
مرداد.
- امروز emruz: ق. بوگون، شوگون.
- امروزه emruze: ق. شو زماندا، شو
نوویرده، شو عصرده.
- امروزی emruzi: ص. ن. بوگونکی،
شوگونکی.
- امسال emsāl: ق. بو ییل، شو ییل.
- امشب emšab: ق. بو گیجه، شو
گیجه.
- امضاء 'emzā: ا. مص. [ع] قول چکمه،
خطینگ یا سندینگ آشاغینا هایسی
شخصینگ قول چکیلنی بیلمک
اوچین ادیلیان آد و علامت.
- امضاء کردن emzā' kardan: ا.
مص. م. امضالماق، قول چکمک.
- امعاء 'am'ā: ا. [ع] ایچه گهر، جمع
معی.
- امکان emkān: مص. [ع] بیر
بویروغی باشارماق، جای برمک،
ممکن چیلیک: فلسفه ماغانده
بولاری بۇلمازی بللی بۇلما دیق زات.
- امکنه amkane: ا. [ع] جای لار، یرلر،
جمع مکان.
- امل amal: ا. [ع] امید، آرزو، آمال جمع.
- أُمْلُ ommol: ص. عامی، قارا مایاق،
مدنیه تربیته گیرمه دیک کؤپلنچ
عیاللار خاصلانیار.
- املاء 'emlā: مص. [ع] دولدورماق، بیر
مطلبی کلماتی معلمینگ
شاگردلرینه دوغری یازماق اوچین
ادیان سیناوی، دویرست یا زوه
- املاح amlāh: ا. [ع] دوزلار، جمع ملح.
- املاک amlāk: ا. [ع] یر یورتلر،

ملک‌لر، جمع ملک.

جمع.

امن amn: مص. [ع] قۇرقى سىزلىق،
يورک دىنچلىقى، دىنچلىق، خوف
سىزلىق.

امناء omanā': [ع] جمع امين، امين‌لر.
امنيات amniyat: مص. [ع]

فراقت‌چىلىق، آماندا بۇلماق،
قۇرقى سىزلىق، خوف سىزلىق، گۇل آلا
گۇلىك.

اموات amwāt: ا. [ع] ميت‌لر، اولن‌لر،
جمع ميت.

اموات amawāt: [ع] قيرناق‌لار،
كنيزلر، جمع امه.

امواج amwāj: ا. [ع] تولقین‌لار،
قۇملار، جمع موج.

اموال amwāl: [ع] مال‌لار، جمع مال.
امور omur: ا. [ع] ايشلر، كسب و

كارلر، حادثه‌لار، جمع امر.

امونياك amoniyāk: ا. [فر.]
طبيب‌چىلىگه اولانلىيان مایع.

اميد amid: ا. آرزو، قاراشيق، طمالی،
آرمان، توووقا، ايسلگ.

اميدوار amidwār: ص. اميدلى بۇلما،
آرزولى، اميدلى، تاواققالی.

امير amir: ص. ا. [ح] سردار، باش
توتان، امير و مير هم دييىليان امرأ

امير المؤمنين amirrol-mo'menin:

ص. مر. [ع] مسلمان‌لارینگ سرورى،
امير مومنان حضرت على‌بن
ابیطالبینگ لقمى و بيله‌كى
خليفالارادا خاصلانيار.

اميل amyāl: ص. [ع] اگرى بوغرى،
ايرینگ اوستونده دوغرى اوتۇرىپ
بيلمه‌يان، قيليج و سپرسيز آدم،
يامان قارا يورکلى آدم.

امين amin: ص. [ع] دوغرى چيل
امانت ساقلايچى، اينام‌دار،
دوغرى ليقد ايله اوزونى تانيان آدم،
ايناملى

اميه omayye: ا. [ع] مصفرامه، كنيز،
قيرناق قيريش تيره‌سى نینگ بيىرى
نينگ آدى.

انابت enābat: مص. [ع] (=انابة) توبه
اتمک، گناه‌دان ال چکمک و خداى
تعالى غا قارشى اوۋرولمک، تانگري
تعالى نى ذکر اتمک.

انات enās: [ع] زنانه‌لار، عيال‌لار، جمع
اثنى.

انار anār: ا. نار.

اناس onās: [ع] آدم‌لار، جمع انس.

اناھيتا anāhitā: ا. بولاشمادىق، پاك،

سۇۋۇنگ موكل فرشته سىنىنگ
آدى، سونگلر زهره يىلدىزه هم
آدلاندىرىپ دىرلار آناھيد هم
ديلىپ دىر يعنى اناھيد سۆزى
اۋنۇنگ مخفى.

انبات enbāt: مص. [ع] يردن گوگريپ
چيىقماق، گوگرمک.

انبار anbār: ا. انبار، اعمار، پارخاو.
انباردار anbārdār: ص. نا. آنبارينگ
ساقلايىچىسى، ساقلاوى، آنبار
ساقچىسى.

انبار شدن tanbār šodan: ۋويلمک،
اويشمک.

انبار anbāz: ا. ص. آرقاداش، ايشدش،
اۋرتاقداش، كاردش، شاريك.

انباشتن anbāštan: مص. م. انبار
اتمک، آنبارى دولدورماق، اوستى
اۋستونه قويماق، جايلاماق،
اويشورمک.

انباء anbā: ا. [ع] خبرلار، جمع انباء.
انباء enbā: مص. [ع] اگاه اتمک،
خبربرمک.

انبان anbān: ا. ميشيک.

انبر anbor: ا. اود و ش. م. توتوليان
نارسه، ماشا.

انبردست anbor-dast: ا. يىچ مهره

آچماق اوچين اۋلانىليان قۇرال ۲.
سيم كسيليان آبار.
انبساط enbesāt: مص. [ع] آچيلماق،
يازيلماق، يايراماق.

انبوه anbuh: ص. دولى،
گۆرمه له شيك، اويشمالنگ، تاولى
كۆيلوك، هومبرده هومبرليک،
كۆيلوك.

انبىاء anbiyā: ا. [ع] پيغمبرلار،
نبىلار، جمع نبى.

انتحار entehār: مص. [ع] اۋزۇنگى
اولدورمک، اۋزۇنگه قصد اتمک، اوز
جانينگا قصد اتمک.

انتحال entehāl: مص. [ع] اۋزۇنگه
دگيشلى اتمک، باغلانىشىدىرماق،
بيرىنىنگ قوشنى سيني و يا
سۆزىنى اوزىمكى دىيىمک، اۋزۇنگه
خاىلاماق.

انتخاب entexāb: مص. [ع] بلله مک،
بيرىنى كۆيۇنگ ايچىندىن بللاپ
سايلاماق، سچمک، بيرىنى اۋز
آرانگدان بير ايشه سايلاماق.

انتخابات entexābāt: سايلاوچىلىق،

سچيم، سچگى، سچمکلىک.
انتر antar: ا. مايمين، ميمون.

انترناسیونال enternasiyonal:

ا.ص. [فر.] بیرلشن ملتلر ایشچی لر
قۇراماسینا عقیده لی بولانلارینگ
طرفداری قولداوی، ایشچی لرینگ
جهانلیق عمومی توپاری،
ایشچی لرینگ حقینی قوریماق
اوچین جهانلیق دیکلدیلن
قۇرلیشیق.

انتزاع 'enteza': مص. [ع] جایندان
قوفارماق، یۇلماق، یۇلۇنماق.

انتساب entesāb: مص. [ع]
باغلانشیقلی بۇلماق، قارینداش،
بۇلماق، سبله شیک.

انتساخ entesāx: مص. [ع] نسخه
گوترمک، نسخه آلماق، بیرزادینگ
یوزوندن یازیب گوچیرمک.

انتساق entesāq: مص. [ع] دوزگونه
سالماق، پیترانگ لیفی
دوزگون لشدیرمک، ترتیب برمک،
ترتیبه سالماق.

انتصاب entesāb: مص. [ع] 'قرار
تاپماق، جایلاشماق، ایشه قویماق،
بیر ایش اوچین آیاغا قالماق.

انتصاح entesāh: مص. [ع] اوویت
نصیحت آلماق، اوویت قبول اتمک.

انتصار entesār: مص. [ع] ینگیش
قازانماق، ینگمک، اوستونلیک

همرانگ بۇلماق.

انتصاف entesāf: مص. [ع] بهره
آلماق، یاری یولا یتمک، بیرزادینگ
یارسینی آلماق، حقنکه یتشمک.

انتطاق entāq: مص. [ع] سۆزله مک،
کپله مک بیلی باغلاماق.

انتظار entezār: مص. [ع] گۆزلی در
بۇلماق، قاراشماق، بیرزادا یایییرینه
قاراشماق، گۆز یولدا لیق.

انتظار داشتن entezār dāštan:
طماکین بۇلماق، ایمتیلماق،
قاراشماق.

انتظام entezām: مص. [ع] مرورینگ
دوزولمه گی، مرتب بۇلماق،
نظم لی لیک، دوزگون لی لیک،
ترتیب لی لیک.

انتفاع 'enteḡā': مص. [ع] پیدا لانماق،
نپ گۆرمک، خیرلانماق

انتقاد enteḡād: مص. [ع] پولی نقد
آلماق، اربیت پولی قاوی دن سایلماق،
کتاب یا مقاله درک لی بحث اتمک،
تنقید اتمک، شعرینگ عیبینی
کم چیلیگینی اشکار اتمک.

انتقال enteḡāl: مص. [ع] گوچمک،
بیر یردن بیر یره گوچمک، فارس
معنیده مالینگدن بیرینه برمک، بیر

مطلبه دوشونمک.

انتقام ente qām: مص. [ع] بیریندن

اویکه لی بۇلماق، کینه ساقلاماق، عار آلماق.

انتقاء ente qā': مص. [ع]

آراسسالاماق، بلله مک، پاک اتمک.

انتهاج entehāj: مص. [ع] یاغتی

یولدان گیتمک، آیدینگ یاغتی یول تاپماق، یول گۆزله مک.

انتهاء entehā': مص. [ع] آنگری باشا

یتمک، سونگونا یتیشمک، بیرزادی سونگونا یتیرمک، سونگلاماق.

انثی tonsā: [ع] اورقاجی، زنانه، عیال،

انات و اناثی جمع.

انجام anjām: ا. سونگ، آخیر.

انجامیدن anjāmidan: مص. ل.

ایشی یرینه یتیرمک، یرینه یتیرمک، سونگونه یتیرمک، قۇتارماق.

انجم tanjom: [ع] ییلدیزلار، جمع نجم.

انجماد enjemād: مص. [ع] دونگماق،

بوز باغلاماق، باغلاماق.

انجمن anjoman: ا. تۇپار آدم لار،

یییناق، بیر تۇپار جمعیت، گنگش اوچین یا باشغا امر اوچین ایش

اوچین بللنمه کی.

انجیر anjir: ا. اینجیر.

انجیر anjir: (= انجیره) ا. دشیك.

انجیل anjil: ا. [ع] ۱. یوناندان آلینان

سۆز، قولاق بوشلیق معنیده، ۲.

حضرت عیسی نینگ یاشایشی و

معجزاتی حقده یازیلان رسالانینگ

آدی، اناجیل جمع.

انحراف enherāf: مص. [ع] اونگکی

دورموشینگ دان اویتگاپ یؤلونگدان

چیقماق، دوغری یولینگدن، دونمک،

یولینگی ساوماق، یولدان چیقماق.

انحصار enhesār: مص. [ع] بیر

زادینگ بیرینه آیراتین لانماغی،

خاصلانماق، چاک لی بۇلماق،

مخصوص بولماق.

انحطاط enhetāt: مص. [ع] یاپ

آشاق اینمک، پسه دوشمک،

اربت لیکه چکیلک.

انحلال enhelāl: مص. [ع] دوگون

چوزولمک، حل بۇلماق، بنگاه دیر یا

ادارانگ آرادان گیتمک لیگی

پوزولماغی.

انداختن andāxtan: مص. م.

یایراتماق، تاشلاماق، زینگماق،

انداختنی : اتبریندی.

اندازه andāze: ا. مقدار، مقیاس،

اؤلچک، موچبر، چنگ.

- اندام andām: ۱. تن، اندام، بدن، گووره.
 اندر andar: ۱. قاپی، ایچ، ۲. اووی
 انه، اووی آتا معنیده.
 اندر andar: ص. [ع] قاتی قمت، بتر آن،
 تاپیلمايان.
 اندر tandar: [ع] بوغدای خرمن، اندر
 جمع.
 اندرز andarz: اوویت، پند، نصیحت،
 اوناو.
 اندرون andarun: ایچ، بیرزادینگ
 ایچی.
 اندک andak: ص. ق. آن، انتک، کم.
 اندوختن anduxtan: م. ص. م.
 تیغشیدلاماق، تیغشیتلی بولماق،
 آرتدیرماق، سويشورمک، آیماق.
 اندود andud: ۱. پالچیقلى سامان
 یالی جایینگ دغه سینه و دیوارینه
 سؤوارلیان نأرسه.
 اندوه anduh: ۱. غم، غصه، قایغی،
 خونا، توقاتلیق.
 اندوهگین anduhgin: ص. قایغیلى،
 غم غصهلى، توقاتلى.
 اندیشمند andišmand: ص. اوویلى،
 آیدینگ فکری، متفکر، اوی فکره
 باتان، بیلیملى، علملى.
 اندیشناک andišnāk: ص. اوویلى،
- فکری، علملى، آلاوالی.
 اندیشه andiše: ۱. اووی، فکر، آلاوا،
 انتتته شه.
 اندیشیدن andišidan: م. ص. ل. فکر
 اتمک، اویلانماق، خیال اتمک.
 اندیکاتور andikātor: ۱. [فر] یتن و
 ایبرلن خطلاری قیسغالدیپ یازیلیان
 و خطلاری ثبت ادیلیان دفتر.
 انرژى tenerži: فر گویج، قوات،
 قۇجۇر، تلاش، قۇرپ ایشلاماگه
 تاییارلیغی بۇلان.
 انزار enzār: م. ص. [ع] آزالتماق، عطا،
 بخشش، سخاوتلیق جومارتلیق.
 انزال anzāl: [ع] جمع نزل، گلن
 میهانا بریلیان طغاملار، بخشش،
 احسان.
 انزال enzāl: م. ص. [ع] ایندرمک، آشاق
 دوشورمک. آشاق یوللاماق.
 انزجار enzejār: م. ص. [ع] بیزارلاماق،
 ییگرنمک، ییگرنچ بیلدیرمک.
 انزوا enzewā: م. ص. [ع] ایشدن قالپ
 اویده اوتۇرماق، یکه لیکه گچیرمک،
 یکه مزک، ترک دونیالیک،
 انس ons: م. ص. [ع] اووره نیشمک،
 دوستلاشماق، یاقینلاشماق.
 انس ens: [ع] خلق، انسان، آدملار،

آناس و آناسی جمع.

انسان ensān: [ع] آدم، بشر، آدم‌لار،

آناس و اناسی جمع.

انسانیت ensāniyat: م.م. [ع]

آدمکارچیلیک، اخلاقلیلیق،

ادبیلیک، تربیتلیک،

مدنیتلیک.

انسجام ensejām: م. [ع] یولا

دوشمک، کلامینگ روان بؤلماغی،

سۆزۆنگ یۆرگۈنلیلیگی، یاش آقئین

بؤلماغی، یۆرگۈن بؤلماق، ایلاشلیق.

انسداد ensedād: م. [ع] باغلانماق،

دانگیلماق، بند بؤلماق.

انشاء enšā': م. [ع] باشلاماق،

اوزینگدن بیر زات تاپماق، دۇرتمک.

انشاء الله enšā-allah: [ع] اگر خدای

تعالی ایستسه، تانگری تعالی میسر

اتسه، خدای حالاسا دییمک.

انشعاب enšeāb: م. [ع] بۆلک

بۆلک بؤلماق، آغاجینگ یا یۆلۆنگ

شاخا شاخا بۆلۆپ آیریلماغی،

یۆلۆنگ چاتریق بؤلماغی، پیتراماگی،

یایراماگی.

انصاب ansāb: [ع] جمع نصب،

دیکالیدیلانلر، اوتوردیلانلار.

انصار ansār: [ع] حضرت رسول

مکه‌دن مدینه هجرت ادن سۆنگ،

اونگا ایمان گتیریپ یاران بۆلن،

آدم‌لار. جمع ناصر و نصیر.

انصاف ensāf: م. [ع] عدللیق

اتمک، اورتا یوریم، زادینگ اورتاسی،

جمع نصف.

انصاف ansāf: [ع] زادینگ اورتا

میانه‌سی، اورتا گورپی، جمع نصف.

انصراف nserāf: م. [ع] دۆلنماق،

اؤویریلیمک، یوز دۆنیرمک، یایماق.

انضباط enzenāt: م. [ع] ترتیبلی

بؤلماق، دوزگونلی بؤلماق، ترتیبه

کلمک.

انضمام enzemām: م. [ع]

تاییارلانماق، بیر زادینگ بیر زادا

سپلنمگی، باغلی بؤلماق،

یابشیرماق.

انطباق entebāq: م. [ع]

دنگلشمک، برابر بؤلماق، یکسان

بؤلماق تایلاشماق، اوورنیشمک.

انظار enzār: م. [ع] نظرلار، قولاق

آسماق، وقت برمک، بیرینی بیئر زادا

منگزتمک، گۆزلیکلر، قاراشلیقلار،

جمع نظر.

انعام an'ām: [ع] دورت آياقلىلار،

جمع نعم اولانلار، اشاکلار.

انعام en'ām: مص. [ع] بخشش،
سربای، خالات، حقدن آرتیق بریلیان
زات، سربای.

انعطاف en'etāf: مص. [ع] اگیلمک،
اگرالمک، قیشارماق، اؤورولمک.

انعقاد en'eqād: مص. [ع] پیمان
باغلانماق، باغلانماق، دانگیلماق،
شرط نامه باغلانماق، ارگین زادینک
باغلانیپ قویالماقی.

انعکاس en'eās: مص. [ع]
اؤوریللمکلیک، صورتی گورکزمک،
ساچماق، بیر زادینک تۇلقۇنی
یالقیمی چاقیریمی ایزینا
اؤوریللمهگی، یانگلانماقی. انعکاس
صوت: صدانینگ سسینگ آینا و
سؤو و ش.م یالی زات اؤز ایچینه
دوشۆپ ایزینا اؤوریللمهگی،
دۆنگبریللمهگی.

انفاس anfās: [ع] نفسلر، دم لر، جمع
نفس.

انفاق enfāq: مص. [ع] نفقه برمک،
خرج برمک، اکله مک، بیرینه مال
برمک، جمع نفقه.

انفاق anfāq: [ع] جمع نفق، دشیك و
یر آستی نینگ یولی، تونل.

انفال enfāq: [ع] اولجالار، پیدالار.

بأفیتلر، جمع نفل.

انفجار enfejār: مص. [ع] دانک
آغارماق، دانک آتماق، بیر زادینک
باشی یاریلماقی، سؤوونگ آقماقی،
بمب یالی زادینک پارتیللماقی،
پارتلاییش.

انفراد enferād: مص. [ع] یکه بۇلماق،
یکه لیک، آزادلیق، ارکین لیک،
یالنگیزلیق، یکه لیکده ایش اتمک.

انفس anfōs: جمع نفس، دم لر، نفسلر.
انفس anfas: قاتی قیّماتلی، قاتی
بهالی، قاتی زیبا، اینچه نفیس.

انفصال enfesāl: مص. [ع] آرانی
آچماق، آچیلماق، آیریلشما، اوزیلمه.
انفعال enfe'al: مص. [ع] ایش بیتمک،
بیر زادا اؤکۆنمک، قینانماق، اؤتانچلی
بۇلماق اؤیاتلی لیق.

انفلوانزا anfulanza: ا. [فر].
یۇقۇشۇقۇلى ساويقلاما، دم آلیش
اورگانی خطرہ سالیپ قاتی قیززما،
اوسگییرما و قۇرساق آغیرا
سونگک لرینگ آغیرماغنا سبب
بولیان کسل.

انقباض enqebāz: مص. [ع]
توتولماق، توتوقلیق، بیرى بیرینه
چکیلیمک، چکه لشیك.

انقراض enqerāz: مص. [ع] آرادان گیتمک، یوق بۇلماق، اولمک، کسيلمک.

انقسام enqesām: [ع] بۇلونمک، بۆلک بۆلک بۇلماق، پای لانماق.

انقضاء 'enqeẓā: مص. [ع] وقتى تمام بۇلماق، وقتى قۇتارماق، موسمی گچمک، وقتى دۇلماق.

انقطاع 'enqetā: قطع بۇلماق، کسيلمک، اوزيلمک، جدا بۇلماق.

انقلاب enqelāb: [ع] آغيم دونوم، بير ياغدايدان آيرى بير ياغدايا دوشمک، آغتار دونگتر بۇلماق، اوزگريش، کوپچيلک بۇلۇپ خلقينگ آياغا قالماغى ضرارلى بير ياغدايىنگ باشغا بير ياغدايا، اۇورولماگى. انقلاب اسلامى ايران: بو انقلاب امام خمينى نىنگ باش توتانليقىندا بهمن آيينگ ۲۲-سینه ينگشه يتدى.

انکار enkār: مص. [ع] منکر بۇلماق، اينانمازلىق.

انکسار enkesār: مص. [ع] دوويلن، پس پاللىک، و دوویشلىک.

انکيس enkis: ص. [ع] ۱. اۇوريلمە، دونگ—بريلمە، ۲. رملينگ

شکل لرى نىنگ بير گۇرۇشى.

انگ ang: ۱. علامت، تجارت مال لارينگ اوستينه يازيليان بلگى، علامت، آدریس.

انگاشتن engāštan: مص. م. گمان اتمک، خيال اتمک، شيله ميqa دييمک، شبهه لى بۇلماق.

انگشت angōšt: ۱. بارماق، انگستان

جمع. انگشت ابهام: باشام بارماق،

باشام بارماق. انگشت بنصر: اۇغۇل

بىرى. انگشت خنصر: گول بيکه.

انگشت وسطى: اورتا بارماق. انگشت

شهادت (سبابه، اشاره) سۇين بارماق.

انگشت angōštar: ۱. يوزوک.

انگشت نگارى angōšt-negāri:

نظميه طرفدان بارماقدان آلينان بلگى

علامت.

انگشت نما angōšt-namā: ص. آد

قازانان، ايل ايچنده مشهور بۇلان،

بللى، تانيليان آدم.

انگل angal: ۱. ۱. (= طفیلی) پارازيت

(باشغا بير اورگانيزمىنگ حاسابىنا

ياشايدان، اونونگ شيرەسى، قانى

بيلن اييميتلن يان اۇسوملىک،

حيوان، مۇجه جيک) ۲. (مجا.)

آدملارينگ ايشينه سىلتىنگ بريان آدم.



انگشتان

ابهام
سبابه
وسطى
بنصر
خنصر

- انگل angol: ۱. (= انگول) بارماق، إل بارماغی.
- انگل angol: ۱. ۱. کلید، منگوله، ۲. حلقا، دکمه جایی، کلید جایی.
- انگور angur: ۱. اوزوم، سالقیم اوزوم.
- انگیزاندن angizāndan: مص. [ع] اوجوکیدرمک، کوشگورمک، مچو برمک، تولقوندیرماق، حرکتہ سالماق، قیلاو یرمک.
- انگیزه angize: ۱. سبب، علت، ضرار.
- انوار anwār: [ع] نورلار، یاغتی لیلقلار آیدینگلار، جمع نُور.
- انوار anwār: [ع] پندقلار، شکوفه لر، جمع نُور.
- انوار enwār: ۱. [فر.] دمیردن و نیکل دن بۇلان زات اۇنۇنگ یوزده ۳۶-سی نیکل بۇلمالی.
- انواع anwā': [ع] هیل لر، تويسرلر، جمع نوع.
- انور anwar: ص.ت. [ع] نوراناراق، قاتی نورلی.
- انهدام enhedām: [ع] ویران چیلیق، خرابیلیق، دارغاولیق، ویران بۇلماق، بۇزۇلماق، ییقان یۇمران لیلق.
- اوا awā: ۱. آواز، سس.
- اوا awā: ۱. (= ابا، آش) آش، سۇوق آش.
- اوائل awāyel: [ع] (= وایل) اۇللار، ایلکینجی لر، جمع اۇئل.
- اواخر awāxer: [ع] جمع آخره و اخیر، سۇنگلار.
- اوار owār: [ع] قیزقین لیلق، اودینگ یا گونونگ ایسسسی سی، سۇوسیزلیق.
- اواره awāre: ۱. بیر هیل حساب دقتری.
- اواسط awāset: [ع] آرا میانه لار، اۇرتالار، اۇرتالیقلار، اۇرتالار، آرالار، جمع وسط.
- اوام awām: ۱. قرض، وام.
- اوام awām: ۱. رنگ.
- اوام owām: ۱. [ع] ۱. سۇوسیزلیق، ۲. باش آیلانما.
- اوباش owbāš: [ع] اربیت یاراما ز آدملار، بی یاش آدملار، ساللاخ، قاراما یاق، نادان، تربیت سیز آدملار، مدنیّت سیز آدملار، شردن چیقما یانلار.
- اوبه owbe: چادر، آلاچیق، ترکمن اوی، آق اوی، ترکمن دیلینده بیر آیلان اوتوریملی اوبه، یعنی بیر سیرغین اوتوران اوبا آیدیل یار.
- اوپراتور operator: ۱. [فر.] ۱. عمل ادیجی، فیزیکی عمل لر ییرینه

یستیریان ۲. سینمالاردا
یولباشچینینگ نظری بیلن
صحنه لردن فیلمبرداریق ادیان آدم.
اوپک OPEK: نفت صادر ادیان
قۇرامالار، ایران، عراق، عربستان
سمودی، الجزایر، لیبی، نیجریه،
ونزوئلا، اندونزی و اکوادریالی
یورت لردن عبارت.
اوت ut: ۱. [فر.] فرنگی تقویمی نینگ
سکزینجی آیی نینگ آدی، مرداد آیی
بیله برابر.
اوت owt: [انگلا] داشار چیقان، جابجا
یربه یر بولوپ یرلشن، فوتبال اویون
آدالغاسیندا توپ چیزیقدان یعنی
تاریپدان داشاری چیقماق لیغی.
اوتاد owtad: [ع] چوی لر، اولی لر،
طریقته رهبرلری، تقوالیقده و خدای
تعالی نی تانیماقده رهبرلیک ادیان
یولباشچیلار، برک قایم دورانلار،
دورت رکن لر، جمع وتد.
اوج owj: [ع] بلندلیک، بییکلیک،
اینگ بییک یر، گویچ لنمک، اینگ
یوقار حد.
اوحال owhāl: [ع] لای لار،
پالچیق لار، جمع وحل.
اوحاد owhad: ص. [ع] یک، یالنگیز،

دنگ سیز، تای سیز.
اوراد owrād: [ع] دوغالار، ذکرلر،
جمع ورد.
اوراق owrāq: [ع] ورقلر، کاغذلار.
اورانوس orānus: ۱. [فر.]
یونانلی لارینگ سؤزوندن گونگ
معنیده. یونانلی لارینگ رب النوع غا
سیغینیان لرینگ آدالغاسینده
گوگینگ خدای یا رب النوع گوگ،
۷۰ برابر یر شاریندن اولی منظومه
شمسی یعنی اولی سیاره نینگ آدی
دورت آیلی اول ۸۴ ییلدن بیر گزک
گونونگ داشینا آیلانیار اونی
۱۷۸۱ نجی. م. هرشل آدینداکی آدم
تایپار.
اورانیوم oraniyom: ۱. [فر.] اول دینگه
بیرلیک زاتلاردان شیلده کولتوم
اورانیوم نینگ جزئی بۆلهگی، اۆزیده
بهالی، کول ایرنگک نارسه.
اورده owrede: [ع] قانی یورهگه
اؤیرپ گتیریان دامارلار، قارادامار،
جمع ورید.
اورژانس uržans: ۱. [فر.] فوریتلی،
چالتلیق، هاولیقماچلیق،
چاققانلیق، ضرورلیق،
قیسساغلیق.

- اورند owrand: ۱. گورکلیلیک، گوزللیک، مقام و اولۇلیق، شان شوکت.
- اورند owrand: ۱. ۱. عقل، بیلم ۲. حیل، آلدایچ.
- اورنگ owrang: ۱. پادشالیق تختی.
- اورنگ owrang: ۱. عقیل و بیلم، اولۇلیق، بلند درجه‌لیلیک، مقام، مرتبه.
- اورنگ owrang: ۱. آبرنگ سۇولی رنگ، گوک رنگ، قاتی گوزللیک.
- اوره ure: ۱. [فر.] جوهر بول، رنگ‌سیز آجی تلخ انسانده و بیر ناچا حیوانانده بولیان زات هیدروژن و کربن دن دوغرالیار، اول قارا باغیردان عمله کلیپ قانا گیریار، یعنی بیرگیار.
- اوره owre: اگین-یشیگینگ داش یوزی.
- اوریون oreyyun: ۱. [فر.] قۇلاق و آلقیم چیشمه، غده دۆرمه‌گی‌نینک سباییندن، شیلہ-ده اول مازی‌نینک دۆرمه‌گی بیلن قولاغینگ اته‌گی یعنی چگه‌نینک چیشماگنه و ایرینگ‌لاپ یارا بۇلماغنا سبب بولیار.
- اوزار owzār: ۱. آبزال، شای و شوی، قۇرال.
- اوزار owzār: [ع] گـ____ناهلر، عاصی‌لیقلار، آغیر یوک‌لر، یازیق‌لار، جمع وزد.
- اوزان owzān: [ع] آغـ____یرلیقلار، سالدام‌لار، اولچک‌لر، مقدارلار، جمع وزن.
- اوساط owsāt: [ع] اؤرتالار، آرالار، جمع وسط.
- اوستا awesta: ۱. زرتشت دینینداکی‌لرینگ کتابی، زرتشت دینینده بۇلان آدم‌لارینگ کتابی.
- اوستاد ustād: ص. اوستا، چپر، استاد.
- اوسط owsat: ص. [ع] اؤرتا، آرامیق، اواسط جمعی.
- اوشاق tušāq: قول، اۇغلان، چاغا، غلام.
- اوشال ušāl: [ع] ۱. آرسۇو، داشدان داغدان دامیان، گوزونگ یاشی، ۲. داغدا ییغنانان سۇو، گوزیاش معنیده، جمع وشل.
- اوشین awšin: ۱. اؤتـ____ونگ آدی، یووشان.
- اوصاف owsāf: [ع] وصف‌لار، تاریف‌لار، اؤوگی‌لر، صفت‌لار، جمع وصف.
- اوصال owsāl: [ع] جمع وصل، آدمینگ سونگی‌نی بیریکدیریان

- بۇغۇنلار. **اولوالابصار** ulul-absār: ص.مر. [ع]
 اولوالعزم، اولى درجەلى گۇرگورلر،
 فراستلىلار، عقلدار آدملا.
اولوالالباب ulul-albāb: ص.مر. [ع]
 عقللىلر، فراستلىلار، عقل ايهلر.
اولويت owlawiyāt: م.ص.ج. [ع]
 قاتى لايىق، تفاوتلى، كانلىك،
 كۆپلوك قاتى ياراشىقلى، اوران
 دروايىس.
اولى awlā: ص.ت. [ع] قاتى لايىق،
 قاتى شايسته، مناسيب، قاتى
 ياراشىقلى، بلندراك.
اولى ulā: ا. [ع] مونث بىر، ايلكىنجى
 بىرىنجى معنيده.
اولياء owlīyā: [ع] دوست يارلار،
 تقوالار، ياقينلار، كرامتلىلار.
اولين awwalin: ايلكىنجى، بىرىنجى.
اوماج umāj: ا. بۇغداي دن اۋۇيلىپ
 ادىليان آش، اوماج.
اونس ons: ا. [فر] قديم
 رومده اون ايكى دن بىر ليور فرانسده
 اون آلتى دن بىر ليور آغرام اۋلچەگى
 بۇلمالى اول ۳۰ گرمه برابر.
اونيفرم oniform: ص. [فر] بىر
 منگزش اكين اشيك، رسمى لباس.
اونيورسال oniwersāl: ص. انگل
 بۇغۇنلار. **اوضاع** owzā: [ع] ياغداي لار، جمع
 وضع.
اوطان owtān: [ع] وطن لار، يۇرتلر،
 اولكلر، اونوپ اوسولن يرلر، جمع
 وطن.
اوقتادن uftādan: م.ص.ل. ييقيلماق،
 يره دگمك.
اوقات owqāt: [ع] زمانلار، دويرلر،
 چاقلار، هنگام لار، جمع وقت.
اوقار owqār: [ع] قىمتلى يوك، و
 كوپ ياغىنلى بولوت، جمع وقر.
اوقاف owqāf: [ع] وقف بۇلان ماللار،
 ملكلر، و ماتاچلر، مزارلار و
 مسجدرلر برىليان كمك، جمع وقف.
اۋل awwal: ا. [ع] بىرىنجى، ايلكى،
 اوائل، اولون جمع. اول آخر: اونكى
 سونكى.
اولاد owlād: [ع] اۋغلانلار، اوشاقلار،
 چاغلار، جمع ولد.
اولتيماتوم oltimātom: ا. [فر]
 آخرقى برلن شرط، آخرقى برىلن
 فرصت، آخرقى برىلن پروجە، وقت،
 كسگيتلى توتوم.
اولو ulu: [ع] بارلىلار، ايهلر؛ اونونگ
 بىرلىگى «ذو» دير «ايه» معنيده.

عمومی، دولی، اهلی، بوتین، جهانی
توتوجی، ییغناجی، توپلایجی.
اوهام owām: [ع] خیالات، اؤویتلر،
جمع وهم.
اویس oweys: ا. [ع] بوری، موجک،
قۇرت.
اویغور uygur: ا. [ت] چینده یاشایان
ترک طایفاسیندان بۇلان ملت، آدملار،
قوملار، ترکستانده یاشایان ترکلردن
اولار اوغوزه اویوپ دیل لری بولسا
ترک، خطلاری هم سریانی اؤیغۇری
دیپ آدانیپدیر.
اویماق uymāq: ا. [ت] (=ایماق)
اوروغ، طایفا، تیره.
اهالی ahāli: [ع] آدملار، جمع اهل.
اهانت ehānat: مص. [ع] پسلتمک،
توهین، کمسیتیمک، خارلاماق،
کیچالتمک، توقونماق.
اهتداء ehtedā': مص. [ع] یولا
سالینماق، دوغری یول تاپماق.
اهترار ehterāz: مص. [ع] تترامک،
پارلاماق، قیلیمداماق، قالغیماق،
شادلیق اتمک.
اهتمام ehtemām: مص. [ع] تقلا
اتمک، تلاش اتمک، بیر ایشده
قۇجۇرلیق گورکزمک، آلادا اتمه .

اهداف ahdāf: ص. بلگیلر، تارپلار،
نشانهلار، اۇق تاربی، گولله بللیگی.
اهداء ehda': مص. [ع] ساوغات
ایبرمک، سریای برمک.
اهرام ahrām: ا. [ع] کله قند شکلینده
بۇلان هیکل، جمع هرم.
اهرم ahrom: ا. قالینگ چیبیق
دمیردن، یا آغاچدان ادیلن تال.
اهریمن ahriman: ا. شیطان، ابلیس،
فسادلیغینگ فسق و فجورلیغینگ
گوزیاشی، ایه سی.
اهل ahl: ا. [ع] یاراشیقلی، گلشیکی،
ایچری ماشغالار و قارینداشلار
دۇغان و طایفالار، جمع اهالی.
اهلاً و سهلاً ahlan-wa-sahlan: [ع]
عریجه «خوش گلدینگ» دییمه.
اهل بیت ahl-e-beyt: ا. مر. [ع] ۱.
اوی اهلی، ایچر ماشغالار ۲۰. پیغمبر
اسلامینگ اولادی، امیرالمؤمنین
علی و فاطمه زهرا و اؤنؤنگ
چاغلاری.
اهل سنت ahl-e-sonnat: ا. مر. سنت
اهلینه باغلی بۇلان، سنّی، حضرت
ابوبکری ایلکینجی خلیفه بیلیانلر.
اهل صفا ahl-e-safā: ص. یورهکی
آچیق آدملار، پاک آراسا آدملار، گۇلر

يوز دوشونجه لی آدملا، صفایی
آدملا.

اهل طريق ahl-e-tariq: ص.

صوفی لار آدالغاسیندا؛ احکام شرعه
بۇيۇن بۇلۇپ عمل اديان و پیغمبر
اسلامینگ بویروقلارینا مطیع و
اینامی بار بۇلانلار.

اهلی ahli: ص. [ع] آدما و اویه
اؤوره نیشن حیوانلار، اکدی لر.

اهم ahamm: ص. ت. [ع] قاتی مهم،
قاتی چتین، ضرور بۇلان.

اهم ا. [فر] اؤم (جسم لرینگ الکتریک
قارش یلیغی نینگ اؤلچک بیرلیگی).

اهمال ehmal: مص. [ع] بیرایشده
سستلیک اتمک، ایشده کم چلیک
گویمرمک، تنبللیک ادیب قایرا
دۇرماق، یالتالیق اتمک.

اهمام ehmam: مص. [ع] بیرنی قاینا
قویرماق، بیرینی اینجیتماق، کونگلینه
دگمک، قازماق.

اهمر ahmar: ا. شاغل.

اهمیت ahmiyat: مص. [ع] قاتی
گرکلی لیک، یۇقار درجه ده بۇلماق،
اهمیت، اهمیتلی بۇلماق.

اهواء ahwa': [ع] خواهشلار،
هۇوسلر، ایسلکلر، جمع هوی.

ای ey: ح. ای (بیرینه خبر قاتیلاندا
اؤلانیلیان یوز تۇتما سۇز —
اوملوک): ای اوغلو، ای آدم.

ایا ayā: ح. ای (بیرینه خبر قاتیلاندا
اؤلانیلیان یوز تۇتما سۇز —
اوملوک).

ایادی ayādi: [ع] جمع ایدی و
جمع الجمع ید، ال لر.

ایاز tayāz: (= یاس) گسیجانگ
ساویجاق یلی، شمال، ساویجاق یل،
یر یوزونه قار یالی بۇلۇپ دوشیان
چیغلیق، آياز.

ایازی ayāzi: ا. (= یاسی).
عیارل لارینگ یوزونه مانگلاینا توتیان
قارا یاشماغی.

ایالت teyālat: [ع] استان، یۇردۇنک
نأچابۇلکدان عبارت بۇلان بیر
بۇله گی، ولایت، جمع ایالات.

ایشار isār: مص. [ع] اؤز حقینگدن
گچیپ باشغا بیرینه حقینگى
باغیشلاماق، اوز گرک زادینگى بیرینه
باغیشلاماق.

ایجاب ijāb: [ع] مص. [ع] گرکلی
اتمک، ضرور بیلیمک، گرکلی لیک،
ضروری لیک.

ایجاد ijād: مص. [ع] یوقدان بارا

آشاق دوشورمک، بهانه و آد داقماق،
گیریزمک، دالناماق.

ایرادگیر irād-gir: آد داقاغان،
دالنايان، دالنايجی.

ایران شناس irān-šenās: ا.ص.
ایرانینگ جغرافیا و تاریخ تایید
تانیش لیغی بۇلان دانشمند و
یازیجی داشاری یورتلی آدم.

ایرانیت irānit: ا. تام باسیریلیان

سیماندان و داغ پامیغیندان،
پاغتاسیندان قاریپ بجریلیان نأرسه.

ایز iz: ا. [ت] آباق ایز، بلگی، ایز

گم کردن: ایز یتیرمک، آياغ ایزنی

یتیرمک، ایز قالدیرماللیق، بیرینی

یالنگیشدیрмаق، یولۇنى یتیرمک.

ایزد izad: ا. خدای تعالی، تانگری
تعالی.

ایساغوجی isāquji: ا. [یو] یونانی

چشمه دن: منطقده تازه بیر بولوم.

ایستادن istādan: م.ص.ن. دۇرماق،

آباق اوستوندە دۇرماق، تۇغتماق.

ایستگاه istgāh: ا. بللی دۇرۇلیان یر،

دۇرالغا، ماشینلارینگ بللی دۇریان

یری.

ایشان išān: ص. انسانه باغلی،

یکه لیکده حرمت اوچین بیرینه

ایدیلیان، ضمیر جمع.

کتیرمک، بولدورماق، دۇرتمک، وجوده
کتیرمک. اویلاپ تاپماق.

ایجاز ijāz: م.ص. [ع] سۆزی
قیسقالتماق، سۆزۆنگ قیسقاسی،
کپی آزالتماق.

ایدئولوژی ideoloži: [فر]

دونیا قاراییش، ایدئولوگیا

(قاراییشلارینگ و ایدئولارینگ

سیتماسی).

ایدآل ideāl: ا. [فر] یوقاری آرزو،

باریپ یاتان ایسلگ، نهایت آرزو، اوی،

فکر.

ایده ide: [فر.] اوی، فکر، عقیده خیال،

نیت، سلیقه.

ایده ئولوژی ideoloži:

ایدئولوگیک (ایدئولوگیا دگیشلی

بولان، ایدئولوگیا خاص بولان).

ایده آلیسم idealism: ا. [فر.]

ایده آلیزم، خیالی تۇسلاما،

آرمان چیلیق (همه زادینگ اساسی

ماتریال بۇلمان، روح، ایدئو یا شۇلار

یالی زات دیییپ حاساپلایان،

ماتریالیزمه قارشى بۇلان فیلسوفیا

اوغری).

ایذاء izā: [ع] اذیت اتمک، عذاب

برمک، آزار برمک، اینجیتماق.

ایراد irād: م.ص. [ع] ۱. بیان اتمک ۲.

ایناملیق، عقیدانگ بۇلماق، شرعی
معنیسی یورکدن تصدیق ادیب عمل
اتمک، اقرار ادیب و یورک بیلە عمل
اتمکلیک.

ایمان *ayman*: [ع] جمع یمین ۱.
گویج و برکت ۲. آنت، قسم.

ایماء *imā'*: مص. [ع] ام اتمک، اشاره
اتمک، کنایه، سیر گوز قاش بیلن
دویدیرماق، کنایه سوزی،

ایمن *iman*: ۱. [ع] ۱. دوغری، گونی،
ساغ الینگ طرفی، ایامن جمع ۲.
مبارک، قوتلی، بختلی.

این *in*: بی، شو، بو.

اینک *inak*: ۱. یاقینا اشاره یعنی «بؤ»
و «شؤ».

ای واللہ *ey wallāh* خدایا قسم
اتمک، دوغری دیر دیمک، خدایا
قسم.

ایوان *eywān*: ۱. جایینگ ایوانی،
جایینگ آچیق اؤنگ طرفی.

ایها الناس *ayyoh-an-nās*: [ع] ای
خلایق، ای آدملار.

ایهام *ihām*: مص. [ع] ۱. گمان و شکه
سالماق، شکه دوشورمک،
یالنگیشماق، یالنگیشلیغا سالماق،
شبهلی بۇلماق، ۲. علم بدیع آدالغادا:
ایکی معنالی سؤز گتیرمک.

ایصال *isāl*: مص. [ع] بیر بیرینه
ساپماق، چاتماق، بیریکدیرمک،
باغلانیشدیرماق، ییتیرمک،
سپلشدیرمک.

ایضاح *izāh*: مص. [ع] آچیقلاماق،
آیدینگلاماق، بیرزادی آچیق اتمک.
ایضاً *ayzān*: ق. ینه، ینه-ده.

ایفاد *ifād*: مص. [ع]
یولاسالماق، ایبرمک، گوندرمک.

ایفاء *ifā'*: مص. [ع] عهدینگده دۇرماق،
بیری نینگ حقینی برپ قوتارماق.

ایل *il*: ۱. [ت] کوپ اوتوریملی آدملار،
طایفا، تیره.

ایل *il*: یۇرت، وطن.

ایل بیگ *il beyk*: ۱. امر. [ت] ایلینگ
بیگی، ایلینگ اؤلۇسی ایلینگ
باشلیغی، ایلینگ سرداری.

ایلچی *ilçı*: ۱. [ت] یوریتە ایبریلیان
آدم، شو وقت سفیرکبیرلره
خاص لانیار.

ایلخی *ilxi*: ۱. ص. [ت] ییلقی، سوری
بایقال.

ایلغار *ilqār*: ۱. [ت] چالت حرکت،
قیسساقلی، دوشمانینگ اؤستونه،
آط قویماق، چوزوش اتمک،
دوفولماق.

ایمان *imān*: مص. [ع] اینانچ،



ب باباغوری tbābā-quri ص. چاقان

گۆز، آق بیله قاراسی قاتیشان ناقص
گۆز، عییلی گۆز.

بابانوئل tbābā-nuel. [فر] قاردی آق

ساققاللی مسیحی قیزیل اگین
اشیکلی آدم، اول میلادی عیدلاردا

چاغالارا و اؤغلانلارا اویناواچ،
سویجی کوکه یالی زاتلاری شاد

اتمک اوچین پایلایار، تورکمن لر
آیازبابا دییپ آدلانديريارلار.

بابات t.bābat. [ع] باراده، حقد، و

اوچین یالی سوزلری آنکلاریار.

باباک t.bābak. آتاجیق، کیچی باب،

کیچی آتا، تربیه چی، تربیه بریان
دوغری برک امین آدم.

ب be: فارسی الیبی نینگ ایکینجی

حرفی، ابجد حسابیندن ایکی. (۲)

باب bāb: ا. آتا، داده، بابا.

باب bāb: ا. ص. حق و یاراشیقلی
فلانینگ بابی دیین یالی معنیده.

باب bāb: ا. [ع] ۱. قاپی، اویونگ

قاپی سی، دروازه ۲. فصل و کتابینگ
بیر بۆلومی، ابواب جمع.

بابا tbābā. آتا، بابا، قاقا، دادنگ
داده سی؛ تورکمنجه: اجه نگ

داده سی.

بابا آدم bābā-ādam: ا. خ. آدم،

ابوالبشر، حضرت آدم، آدم آتا.

بابا سلمان bābā- salmān: ا. سلمان
فارسی.

باجناق tbājenāq. ص. ت. (= همزلف،
باجناغ) باجا، عیال لاری دوغان
بۇلان لارا خاصلانان آد.

باجه tbāje. ۱. کیچی قافی، دشیک،
سینمالارینگ یوریتیه بلیط ساتیان
جایی ۲. بانک لرینگ پول برپ آلیان
یری.

باجی tbāji. [ت] عیال دوغان، اويا،
سینگلی، قیزا، دۇرمۇشا چیقما دیق
بولسا، قیزدوغان.

باختر tbāxtar. گون باتار، گون یاشار،
باتی.

باختن bāx-tan: مص. ل. اوتدیرماق،
اویوندا، سودادا یا قماردا پۇلۇنگی
اوتدیرماق.

باد tbād. یل.

باد bād: دعا کلمه سی، «دوروملی
بولسون» معنی ده، زنده باد:
یاشاسین مرده باد: اؤلسون.

باد bād: غرور، تکبرلیک، یل یالی
چیشمه، منلیک، پانگق، کله سینده
هوا بۇلان، اولومسی.

باد tbād. هوا، اویستگاب دوران هوا
گویچلی و هم یوغلا هوا.

بادآور bād-āwar: ص. ف. یل
کتیرجی، ایچی یللی ایدیان اییمیت.
بادآورد bād-āward: ا. مر. داغدا

بابو tbābu. ۱. کیچی باب، آتا ۲.
درویش و قلندر، اولی درویش لر و
قلندرلار.

بابونه tbābune ترکک چوپان تلپک.
بابونه گاوی bābune-ye-gawi: بر
هیل عطر ایسلی اوت.

بابی bābi: ص. ن. ۱. بابیه باغلی،
حلبده بیر کنت ۲. باب الابواب غا
باغلی، دریسند قفقازیه نینگ
شهرلریندن.

باتری bātri: (=باطری) برق یرین
تۇتۇپ ماشین آلاتا برق بریان دستگاه.
باتلاق tbātlaq. [ت] پالچیق لیق،
لای لیق، باتقالیق.

باتون bā tun: ا. مر. پلیس لرینگ
تایاغی، آجان لارینگ بیلینه باغلیان
مخصوص تایاغی.

باج tbāj. ۱. مالیات، سالغیت، آلمیت،
قراقچی لارینگ زور بیلن آلیان پولی
۲. اولی پادشاه لارینگ کیچی
دولت لردن آلیان باجی، آلمیتی.

باج bāj: (=واج، وچ) ۱. اوستا کلمه دن
آلینان : سۇن کپ معنیده ۲.
زرتشتی لرینگ بایرام-
چیلیق لاری نینگ بیر.

باج سیل tbāj-e-sebil. قولدورلیق و
زورلیق بیلن حلقدن آلینیان پول.

بیتیان قیزیل آلا بادمجان رنگ گللی
بیر متر بویلی، دیگ گونی آق تکنلی
دوزاوتی.

بادآورده bād- āwarde: ص. مز. (=)
بادآور ۱. یل بیلن گلن زات ۲. کنایه
سۆزۆندن : موغت، زحمت سیز اله
گلن زات ۳. خسرو پرویزینک
گنج لری نینگ ایچنده بیر گنجینک
آدی.

باداباد bādā-bād تامه بولسا شول
بۆلسۆن دیمک، توکل اتمک.
بادام bād-ām: بادم.
بادام زمینی bād-ām- zamini: بادم
حوز، یر بادم.

بادبادک bād-bādak. اوجار کاغذ،
چاغلارینک کاغذدن بجریان هوا
ایبریان ویناواجی.
بادبان bād-ebān. یلکن.
بادبزن bād-bezan: ۱. مر. یل اوریان،
یل اورغیچ، یلپازه.

بادپا bād-pā: ص. ۱. یل آیاغ، کنایه
سۆزۆندن ییلدام، یووروک، کۆپلنچ
چاپیلیان و یورغا یووروک آطا
خاصلاندیریلیار.

بادسر bād-sar: ص. کنایه سۆزۆندن:
منلیک چی، تکبرلی، اولومسی، یاغی،

کله سی نینگ اوغرۇنا.

بادسنج bād-sanj: ص. کنایه
سۆزۆندن: خام طماع، منلیک چی،
اوزینه گوونی یتیان، اوزونی اولی
توتۇپ ایلدن اوزنی اولی حسابلايان.
بادسنج bād-sanj: یل اۆلچکی، یل
اۆلچیان قۇرال.

باد صبا bād-e-sabā: گون دوغار و یا
دمیرقازیق گون دوغاردن اوسیان یل،
شمال.

باد صرصر bād-e-sarsar: [ع] قاتی
دوشیان یل، قارایل، توهلی.
باد کردن bād kardan: ص. ییل
دۆلماق، یل اۇرماق، چیشمک،
تینگقارماق.

بادکنگ bād-konag: یل دولدوریلیان
کیچی پلاستیک اویناواج.
بادگلو bād-e-galu: ۱. مر.
گاگیریشلیک، گاگیرمه، آغیزدان
چیقیان قاتی یل.

بادگیر bād-gir: ۱. مر. یلی اوزونه
چکیان، یلینگ اونگونى توتیان، یل
گچیرمیان.

بادگیر bād-gir: ص. ۱. یل دگیرمک
اوجین جایلارده قویولیان دشیک.
بادله bādele: ۱. (=بادلی) هندی





بادمجان

سۆزۈندىن زىلى پارچا قىزىل كومىش
رنگدە بۇلان تەكىلن پارچا.

بادمجان tbādemjān. بادامجان.

بادناما tbād-namā. بىك يردە يلىنگ
اوغرىنى جەتتىنى آچىقلاماق اوچىن
دىكىلدىليان قۇرال.

بادوام bādawām: ص. [فاع] برى،
ماكام، پوخته.

بادە tbāde. ۱. شراب، ايچكى، چاقير،
۲. عرفان آدالغاسىندا: اللەنىنگ
عرفان بادەسى، نصرتى، يارانى،
عشق.

بادە bāde: ص. [ع] دويدانسىز،
بىردىنكا، بىرى اونگا گلىپ گىنگ
قالماغى.

بادى bādi: ص. بادە، يله باغلى بۇلان،
يل حاراز، يل دگىرمن دىين يالى.

بادى tbādi: [فاع] دعا خطاب اتمە هر
زادىنگ باشى، باشلانغىچ.

بادىە tbādiye. اولى مىس كاسەسى.

بادىە tbādiye: [ع] صحرا، دوز، چول،
بىيابان، بوادى جمع.

بادىە نشىن bādiye-našin: ص. [ع]

چاروا، دوزدە اوتتورىملى،
دوزدىاشايانلار.

بار tbār. يوك، آرقا، مالا، آرابا، ماشىنا

اۋرولىيان يوك.

بار bār: ۱. كرت، گزك: «يك بار/ بىر

گزك»، «دوبار/ ايكي گزك» دىين يالى.

بار tbār. اولى، بىيك، سۆزلر، اى بار
الله، اى بار خدا.

بار tbār. رخصت، ازگىن، اجازە.

بار bār: پساوند، اول سۆزۈنگ آخرىندا
گلىار، ساي، کنار، گۆرمەلشيك و

بىلاگى ش.م. مثال اوچىن جوببار،
درىابار، رودبار، زنگبار دىين يالى.

بار bār: ص. [ع] كوپ خىرلى، صالح،
ايله يارارلى ايش اديان، بره جمع.

بار tbār. مر. ميخانه، آياق اوستونده
دورپ ايچكى ايچليان ير.

بار tbār. خ. هوانىنگ گويجونى،
فشارىنى اۈلچە يان قۇرال.

بار آوردن bār āwardan: ص.م. ۱.

آغاچىنگ ميوە گتىرمەگى، ميوە
برمگى، ۲. چاغالى بۇلما و تربىەلەمە.

باران tbār-ān. ياغىن، ياغىش،
ياغمير.

بارانداز bār-andāz: ۱. مر. يوك
دوشورىليان ير، بندر، پورت.

باران سنج tbārān-sanj. مر. ياغىن
اۈلچگى، ياغنىنگ مچبرىنى بىللى

اديان قۇرال.

بارانی tbārān-i. یاغین گچرمیان

گیم؛ یاغینلی هوادا گیلیان اوستکی
اشیک.

بارانی tbārān-i. ص.ن. یاغینا باغلی

بۆلان، یاغیشلی هوا.

بارانی tbārāni. خ. ترکی

طایفالاری نینگ بیرینینگ آدی.

بارانی bār-āni. ۱. یاغیشا باغلی ۲.

مارى دا بیر کیچی اوبانینگ آدی.

باربر tbār-bar. ص. حال، آرقاسی

بيله یوک چکیان، اصلینده حمل بار.

بار بردن bār bordan. مص.م. یوک

اکیتک، یوکى آرقا بيله بیر یردن بیر

یره التمک.

باربند tbār-band. مر. ماشین لرینگ

دِفَه سینده یۆریتَه یوک دانگیلیان

یری.

باربند bār-band. ۱. آط دانگیلیان یر،

آط طویلَه سی، طبلَه سی.

باردار bār-dār. ص. یوکلی، میوه

بریان آغاچ، گوروالی عیال، یکی قات

عیال، یوکلی.

بارز bārez. ص. [ع] آشکار، آیدینگ،

آچیق، بللی.

بارزانی bārezāni. ایرانینگ گون باتار

یرینده یاشایان کردلرینگ بیر

تیره سی، طایفاسی.

بارفروشی tbār-foruš. ص. اهلی

میوه لری کولتوم ساتیان آدم.

بارک الله bārak-allāh: [ع] دعا و

اووگی سۆزی، تانگری تعالی مبارک

اتسین برکتلی ادسین دیمه.

بارکش bār-keš. ص. یوک چکیان،

ماشین، آرابا یادا یوک اکیدیپ

کتیریان حیوان و ینه شولار یالی آیاق

اولاغ.

بارکش bār-keš. ص. غملی، غصه لی،

قایغی لی.

بارگاه bār-gāh. ۱. مر. کوشک، پادشاه

لارینگ دورلی قاتلاق لاری

حضورلارینا قبول ایدیان یری، کاخی،

کوشکی.

بارنامه tbār-nāme. مر. تیکه کاغذ،

یوزونه کالانینگ آدی و آلجاق

آدینگ آدی و بارجاق شهر، یازیلان

بۆلمالی.

بارونه bār-o-bone. ۱. مر. اسباب،

اثاث، یاشایشا دِرکلی زاتلار.

باروت tbārut. داری.

بارور bār-war. ص. ایملش بریان

میوه لی آغاچ.

باره tbāre. قاتانگ دیواری، دیوار.



- باره *tbāre*. یوک چکیان آط، سمیز دایاو آط، اولاغ، یوک آطی.
- باره *tbāre*. کرت، گزک، دفعه.
- باره *bāre*: ۱. یۆزلگه، دوزگون، رسم، اندیک، ۲. حق و مقام معنیده.
- باره *bāre*: پساوند بیر نیچه سۆزلر بیلن بییریگیب گلیار، دوست و دوستدار معنی سین بریار.
- بار یافتن *bār yāftan* مص. پادشاه یانینا بارماق، حضورینا یتمک.
- باریدن *bāridan* مص. یاغین یاغماق، یاغین، غار-جووه نیک یاغماق یالی.
- باریک *bārik*: ص. اینچه، آریق، یوقا، این سیز، باری بارک ده دیلیپ دیر.
- باریک بین *bārik-bin*: ص.ف. سینچی لیق، دقتلی لیق، زیرکلیک، دانا، اینجیقلیق.
- باز *bāz*: کؤیلنج کلمه لرینگ باشینده گلیب ینه ده، ایکینجی گزک، تازه دن دیان معنی لری بریار.
- باز *bāz*: «باختن/ اوتدورماق» و «بازی کردن/ اویناماق» ایشلیک لری نینگ بویروق فورماسی.
- باز *bāz*: ۱. قونگور رنگلی آوچی قوشلارینگ بیر گوزنوشی، آلفیر، القوش، اوتلگی، تورقوش.
- باز *bāz*: ص. آچیلان، آچیق، دیده باز، گوزآچیق.
- باز آمدن *bāz āmadan*: مص.ل. یانگادان گلکم، تازه دن گلکم.
- باز آورد *tbāz-āward* مر. یول گتیرمه، ساوغات، پیشکش.
- باز آوردن *bāz-āwardan*: مص.م. تازه دن گتیرمک.
- باز آوردن *bāz-āwardan*: مص.م. ایکیلا ب گتیرمک، اوویرمک.
- بازار *tbāzār*. زات آلیپ ساتیلیانیر، بازار، آلیش بریش ادیلیان جای، سودا ادیلیان یر.
- باز ایستادن *bāz istādan*: مص.ل. دورماق، آیاق ساقلاماق، دورماق، ساقلاماق.
- بازین *bāz-bin*: ۱. ص. قسطاردا، تماشاخانه لاردا و یا سینمالاردا بلیط لری گوزدن گچیریان، کنترول چی بارلیجی آدم.
- بازپرداختن *bāz- pardāxtan*: مص.ل. بیر اشیدن ال چکمک، بیر ایشی تماملاماق.
- بازپرس *bāz-pors*: ۱. ص. سوراغچی، پورکورور، گناهکارلری و مجابت دیر تهمت، یافیلیان آدم لاردان سوراغ

سورایان آدم.

بازداشت کردن bāz-dāšt kardan:

توسساق اتمک.

بازتاب bāz-tāb: ا.مص. ایکیلاب

بازداشتگاه tbāz-dāštghāh: م.

یاغتی لیق دوشمک، گون شعله سی

توسساق لاری ساقلانیان یر.

ایکیلاب دوشمک، یاغتی لیق سالماق.

زندانی لاری ساقلانیان جای، تورمه.

بازجستن bāz-jostan: م.ص.ل.

باز داشتن bāz dāstan: م.مص.م. منع

ایکیلاب بارلاق اتمک، ایزینده گزمک،

اتمک، اؤنگونی تۇتماق، اؤنگونه

تاپجاق بۇلماق.

گچمک.

بازجو bāz-ju: ا.ص. دولت یا بیر

بازده bāz-de: زحمت چکمک لیک

قۇرمانینگ طرفیندن بیر ایش

نتیجه سینده اله گلیان اونوم.

اوجین بارلاغ گچیریان آدم، تحقیق

بازدید tbāz-did: م.ص. گؤزدن

ادیجی. بارلایجی.

گچیرمک، گۆرمک، ایکیلاب گۆرمک،

باز خریدن bāz xaridan: م.مص.م.

بیر ایشه قایتلاب سر اتمک، بیر

ایکیلاب ساتین آلماق، یانگادان

ایشه یتیشکلیک اتمک.

ساتین آلماق.

بازرس tbāz-ras: م.ص. وزارتخانه یا

بازخواست tbāz-xāst: م.ص. سوراق،

ش.م. طرفیندان بیر اداره و یا

یازیقلی دن سوراغ سورماق،

ایشکارلرینگ ایشینه سر ادیان بارلاغ

بیری نینگ گناه سنینگ سبابینی

ادیان آدم.

بیلمک. روز بازخواست: قیامت گون،

بازرگان tbāzar-gān: م.ص. تاجر،

تانگلا معنیده.

سوداکار، بزرگن.

بازخواندن bāz xāndan: ایکیلاب

اوقوبماق.

باز سرخ پا bāz-e-sorx-pā: ل.چین.

باز دادن bāz dādan: م.مص.م. برمک،

باز شدن bāz šodan: م.ص.ل.

تابشیرماق، اوویریپ برمک، تازه دن

آچیلماق، قافی یا ش.م. زات،

اوویرمک.

آچیلماق.

باز شدن bāz šodan: م.ص.ل.

بازداشت bāz-dāšt: م.ص. توسساق،

اوورولمک، ایکیلاب بیر یانگا کیتمک.

حبس.

ایشدن قالماق، ایشدن بۇشانماق،

ایشدن ال چکمک، پنسه چیقماق.

بازنشسته tbāz-nešaste ایشدن قالان،

یاش یۇقاری چیقپ ایشدن قالان،

پنسه چیقان.

باز نمودن bāz nemudan مص.م.

ایکیلاب گۆرکزمک، گۆرکزمک شرح

برمک، بیان اتمک.

باز نهادن bāz nahādan مص.م. بیر

یرده قویماق، بیر یرده بیرزادی قرار

برمک، قویماق، نقشلی پارچادیر،

دعا و قمتلی زادی.

بازو tbāzu قول.

بازوبند bāzu-band ا.مر. قولا

دانگلیان، باغلانیا، قول باغ.

بازوکا tbāzuka [نر] اوتلی

یاراغلارینگ بیرینینگ آدی، بازوکا.

بازی tbāzi او یون.

بازیار tbāzyār ص. تایخان، دایخان،

اکرانچی، گونه مزد، پای آلیان

دایخان.

بازیار bāz-yār ا.ص. آلفیر قوش

ساقلاچی سی، ال قوش

تربیه لی جی سی، وحشی قوشی

الده کی ادیب ساقلایان.

باز یافتن bāz yāftan مص. ایکیلاب

باز شناختن bāz šenāxtan مص. م.

تانیماق، سایغارماق.

بازکردن bāz kardan مص.م.

آچماق، چوشلاماق، آچماق لیق.

باز گذاشتن bāz gozāstan مص.م.

آچپ قویماق، آچینلی قویماق.

بازگرداندن bāz gardāndan

(= بازگردانیدن) مص.م. اوویرمک،

قایتارماق، ایزینا دولاماق.

بازگرفتن bāz gereftan مص.م.

ایزینا آلماق، بیریندن بیر زادی

اوویرپ ایزینا آلماق، بیر زادی اله

سالماق.

بازگشت tbāz-gašt مص.م. بیر یردن

اوویریلیمک، دولانماق.

بازگشتن bāz gaštan اوویریلیمک،

اونگی یرینگه کلمک.

بازگشتن bāz gaštan مص.ل. ۱.

ایزینکا اوویریلیمک، دولانماق، ۲. توبه

اتمک.

باز گفتن bāz goftan مص.م. آیتماق،

ایکیلاب آیتماق، بیر مطلبی

قایتالاماق.

بازگو bāzgu ا.مص. سوزی ایکیلاب

آیتماق، سوزی و کپی قایتالاماق.

باز نشستن bāz nešastan مص.ل.

تایماق، الدن گیدن زادی اله گتیرمک،
زادی زحمت سیز آنکساتلیق بیله اله
سالماق.

بازیچه bāzi-če: ا.مر. اویناواچ،
اوینالیان زات، چاغلارینگ اوینایان
زادی.

بازی کردن bāzi karan: م.م.م.
اویناماق.

بازیگر bāzi-gar: ا.ص. اویونچی،
آرتیس، تماشاخانهدا تیاتردا اوینایان
آدم، بازیگری: آرتیسرلیق بیلن
قیزیقلانما.

بازیگوش bāzi-guṣ: ص. هایى کویى
اویوندا بۇلان، اویونا قیزیغیان اۇغلان،
هرزه.

باژگون bāž-gun: ص. دونگیریلمه،
آغما / دونمه.

باستان bāstān: ص. کؤنه گچن، قدیم
زمان.

باستان شناس bāstān-šenās: ص.
کؤنه گچن قدیمی زاتلاری تانییان
آدم، قدیمی زاتلاری تانیماقدا
عالم لیفا یتن.

باستان شناسی bāstān-šenāsi:
م.ص. کؤنه گچن آثارى تانیماق و
بحث اتمک اوچین ایشلنیان تانیلیان

علم.

باستانی bāstān-i: قدیمقى تاریخی.
باسره tbāsare: اکرانچیلیق، اکن
اکماگه یری منگزتمک.

باسکول bāskul: ا. [فر] اولی قاپان،
فرنکی اولی قاپان آغیر یوکلری
چکیان یوریته اولی قاپان.

باسلیقه bā-saliqeh: ص. [فاع]
سلیقاتلی، ایشی ترتیبلی دوزگونلی
بۇلان، ذوقلی، یاراشیقلى، ایل هالان.
باسم bāsem: ص. [ع] ییلغریجی،
میلغریجی.

باسمه bāsmeh: ترکی سۆزوندن، چاپ.
باسواد bā-sawād: ص. سوادلی،
یازماغی اوقویماغی بیلایان، عالم،
دانشمند.

باسیج bāsij: ا. قارلاواچ.
باش bāš: «باشیدن» و «بودن» (بۇلماق،
قالماق) ایشلیک لری نینگ بویروق
فورماسی «بۇل» معنادا.

باش tbāš: [ت] باش، باشلیق، سروو،
رئیس.

باشق bāšaq: قیرغی، بالابان.

باشگاه bāš-gāh: ا.مر. اولی حیاط،
اولی حوت، ورزش اویون اوچین





بـاعفت bā'-effat:ص. عفتلى
ناميسرلى، ناميسر جانگ، پارسا،
آراسسا.
باغ bāq:ا. بوستان، آغاچلارینگ جایی،
باغلیق یر.

باغبان bāq-bān:ص. باغینگ
ساقچیسی، باغ ساقلايچی، باغبان،
باغبانچیلیق بیلن قیزیقلانیان آدم،
آغاچلاری و گللری اؤسدوریپ
ایدگلیک ادیان آدم.

باغچه bāq-çe:کیچی باغ، گل اکیلیان
بۆلک یر، باغچه.
باغدار bāq-dār:ص. باغ ایهسی، باغ
بیله مشغول لانیان.

باغستان bāq-estān:باغلیق، باغینگ
کوپ اکیلن یری.

باغوحش bāq-e-wahş:وحشی چۆل
حیوانلاری یورته ساقلانیان یر.

باغوش bāquş:م.ص.ا. سوه چومکک.
باغی bāqi:ا.ع. بویروق سیز، بوینی
یوغین، اوزیاشینا گیدن.

بافت bāft:دوقولمه، دوقیجیلیک
عملی.

بافتن bāftan:م.ص. دوقیماق.
بافنده bāfande:فا. دوقوچی، پارچا و
یا هالی یالی زادی دوقییان.

یورته سالینان جای، کلوپ.
باشلق bāş-loq:ترکی سۆزۆندن
یاغین وقتنده پاپاغینگ اؤستوندن
چکلیان یاغین گچیرمه یان نارسه،
اؤرتوک.

باشماق bāş-māq:ت] کؤویش.
باشی bāş-i:ص. ترک سۆزۆندن،
سردار باشلیق، سرور مغنیده.
باصره bā-sere:ا.ع] گۆرهچ، گۆز،
بواصر جمع.

باصفا bā-safā:ص. ا.ع] صفالی،
آراسسا پاکیزه و شادلیقلی، آب و
هواسی آراسسا باغ بستانلی یر.
باصلابت bā-salabat:ص. ا.ع.] قاتی
ماکام، چتین، هیباتلی.

باطل bātel:ص. ا.ع] ناحق، پوچ،
بیدرک، نادوغری، بیهوده، هوائی،
بوش، اباطیل جمع.

باطله bātele:ص. ا.ع] پوچ، مونث
باطل، بیهوده، درک سیز، یاراماز.

باطن bāten:ا.ع] گیزلین، یاشیرین،
ایچ، اوغیرین، ایچکی، مالیم بۆلمادیق.
باطنی bāteni:ص.ن. ایچکین سۆزه
دگیشلی، ایچکین.

باعث bā'es:ا.ع.] سبب، علت،
ضرار.

باقر bāqer: [ع] یاریجی، آچیجی، کۆپ

علملی و ماللی دانا آدم.

باقلاء t̄bāqelā: [ع] لوبیادان اولی راق

اییلیان نارسه، باغالا.

باقی bāqi: ص. [ع] همیشه لیک، باقی،

ایمیقلی، اولمز یتمز.

باقی ماندن bāqi māndan: مص. [ع]

همیشه لیک قالماق، برقرار قالماق،

ایمیقلی قالماق.

باک t̄bāk: قورقی، اورکی، بی باک :

قورقمازاق، قوجورلی، قیراطلی.

باک bāk: ۱. مر. ماشینینگ بنزین و

گازوئیل قابی.

باکر t̄bāker: [ع] ارتیر، سحر.

باکره bākere: قیز، دؤرمۇشا

چیقمادیق قیز، آره بارمادیق قیز.

باکی t̄bāki: [ف.ع] آغلايجی، بکاه

جمع.

باگذشت bā-gozašt: ص. گچریملی،

اؤتونچلی، حقیندان گؤز یومیان و

بیری نینگ گناه سیندن گچیان،

بخشلايجی، بخشنده.

بال bāl: ۱. قانات ۲. آدمینگ قولى.

بال t̄bāl: [ع] یورک، حال یاغداى،

خاطر، عیش.

بال bāl: ۱. مر. اویونچی لارینگ

میلیسی اویونچی تانس ادیان لارینگ

یری.

بال bāl: ص. مر. (=بالن) دریا دا یاشایان

قاتی اولی بالیق.

بالا t̄bālā: ۱. یۇقاری ۲. بوی، قامت.

بالابان t̄bālābān: ترک سؤزونسن:

لانگارا، طبل، بالابانچی: لانگاراچی.

بالا پوش t̄bālā-puṣ: مر. ۱. یورغان.

یاتانگدا اوستونگه چکلیان اؤرتوک ۲.

اگین اشگینگ اوستوندن گیلیان

کییم.

بالاخانه t̄bālā-xāne: مر. اویونگ

اوستکی طبقه لاری.

بالاخره t̄bela-xare: آخر سونگی،

آخردا.

بالادست t̄bālā-dast: ص. ۱. یۇقاری،

بییکلرینگ اوتوریان یری ۲. اینچه

یوپکدن ادیلن بهالی زات دییپ-ده

آیدیلب دیر.

بالانس t̄bālāns: [فر] ترهزی، میزان

اؤلچگی، حساب علمینده دنگ لیان و

ورزش تایدان بدن دؤرلی یاغداى لاردا

ساقلايان قۇرال، دستگاه.

بالش t̄bālēṣ: مص. قۇوانماق،

قالقینماق.

بالش bālēṣ: ۱. یاسسیق، کویچک.



بالش bāleš: ۱. (= بالشت) ترکی

سۆزۈندىن سىم وز، اۆلچك و مۆچبر

معنیده.

بالشتک tbāleš-tak: كیچی كویچك.

بالغ tbāleq: [فاع] ییگیتلیگه یتن،

یتگینجك.

بالقوه bel-qowwe: [ع] قوواتا، قوت

حالتده، یاغدیدا، هنیز یوزه

چیقمادیق گیزلین بۆلان اثر ایز.

بالکن bālkon: ۱. مر. ایوان، پال.

بالن tbālen: مر. اولی نهنگ بالیق.

بالنگ tbālang: مرکبات

ماشغالاسیندن بۆلان، كۆپلنچ مربا

بحریلیان میوه.

بالون bālon: ۱. مر. گاز هیدروژندن

دولدییرپ گونكه اوچورلیپ

کویبریلیان اولی کیسه، شار.

بالیدن bālidan: یلنمک، پانگقارماق،

بویسانماق، غابارماق.

بالین tbālin: یاسسیق، دوشک،

یورغان دوشک، باش اوچ.

بالینی bālin-i: یورغان دوشک و ش.م.

باغلی بۆلان، سرقاوینگ بسترى

بۆلۆپ یعنی دوشکده یاتماقلىق

یاغدايى.

بام bām: ۱. ایر ارتى، گون دوغمازىنگ

اۆنگ یانى.

بام bām: ۱. ساز آدالغاسینده سازىنگ

بیر گۆرنوشى.

بام bām: جایىنگ اوستى، ترکمن

دیلینده جایىنگ اوستى نینىگ ایچ

اته گى.

بامداد tbām-dād: ارتیر ایر بیلن،

سحر، گون دوغمازىنگ اۆنگ یانى.

بامیه tbāmiye: ۱. یاپراقلارى

یاسسى پنجه یالى گللىرى اولى

یرلیگى یاشیل اوزین اوت ۲. اوتدن

عمله گلیان یاغ - شکر - نشاسته یالى

زاتدن بشیریلیپ اییلیان نأرسه.

باند tbānd: [فر] ۱. نوار، این سیز ماتا

۲. دسته، توپار.

بانداز bāndāz: ۱. [فر] نوار، دولاما،

اینسیز یارا باغلانیان یۇقا ماتا.

باندول tbāndrol: [فر] سويشانىنگ

آغزىنى یلمنیان اۇزىن اینسیز نوار

هم - ده دیلکاو چاپ بولان کاغذ.

بانک bānk: ۱. [فر] ایلینگ، پول آلیپ

هم پول تابشریان جایى، بانک.

بانک خون bānk-e-xun: ۱. مر.

[فر.ا] یوریته دیکلدیلن ایلینگ

قانینی ساقلانیان بوز انبار.

بانکه tbānke: روس سۆزۈندن، بنکه،

قاب.

بانگ tbāng. آواز، سس. قیقیلیق.

بانو tbānu. ص. حرمت اوچین عیال
لارینگ آدی نینگ اونگیندن آیدیلیان
سۆز، بانوان، بانویان جمع.

بانی tbāni. [فاع] بنا ادیجی،
یاسایجی، پایه سینی قویان، دویونی
توتان.

باور tbāwar. عقیده، یقین، اینانچ،
اینانمه.

باور کردن bāwar-kardan: مص. م.
اینانماق.

باهر bāher: ص. [ع] یاغتی، یالذیراق،
پارلاق، آیدینگ، آشکار.

باهم bā-ham: ا. ص. بيله.

باهوش bā-huṣ: دوشونجهلی،
اوقیپلی.

بای bāy: ص. ت. پوللی، بای، ماللی
قارالی.

باید bāyad: تاکید سۆز باید برود: گِریک
گیتسین

بایر bāyer: بائر - ص. [ع] ویران، خراب،
اکیلمیانیر.

بایزید بظام bāyazid-bstām:
سلطان عارفین اولی پیرلرینگ بیری
بظام شهرینده ۷۷۶-۷۷۷-نجی

بیبل لاردا دوغولیب ۸۷۴-۸۷۵-نجی

بیبل لاردا آرادان چیقپیپدیر.

بایقوش tbāy-quṣ. [ت] (= جفد، بوم،
بیغوش) بایقوش.

بایگان tbāygan. ص. ساقلاچی،
خط و سندلری بیر آیراتین جایدا
ساقلیان آدم.

بیر babr: ا. آلاجا پارس، قاپلانگ.

بیغاء tbabqā'. [ع] طوطی.

بت tbot. داش، آغاچ و یا دمیر یالی
زاتدان انسانینگ و حیوانینگ
شکلینده بجریلیان هیکل مجسمه
بت.

بت پرست tbot-parast. ص. بت-غ

سینغیانلار، بته اینانیانلار. بت پاراز.

بتخانه tbot-xāne. م. بت اویسی، بت
قویولیان جای، بتخانه.

بتکده bot-kade: بتلرینگ یری،
بتخانه.

بتو tbatu. مؤشر، آغاچ دوگونوی یا
اؤتۆنگ دویبی، دؤوچ ساپی.

بتول batul: ص. [ع] ۱. دنیادن ال
چکیپ خدایا بیرینگ، ۲. دورموشا

چیقماقدان ساققلانان، آراسسا،
آبرایلی ۳. حضرت فاطمه حضرت
رسولینگ قیزی نینگ لقبی و عیسی



پيغمبرينگ اجه سى مريم نينگ
لقبى.

بتون beton: (= بتن) ا. [فر] شيفته،
هك، آهك آونىق داش و ماسه و
سيمان قارىلان نارسه، مالات.

بتون آرمه beton-ärme: ا. [فر]
چيبيق دميرلى بتون.

بتياره batyäre: (= پتیاره) آفت، بلا،
پيس اريت، تله كه يولدا گزيان عيال،
كوتتى عيال.

بجا beiä: ص. يرينده، اوز وقتنده و
دگيرلى يرينه يتريلن ايش يا بو يروق.
بجا آوردن bejā āwardan: مص. م.
طاعت، عبادت يا مراسمی يرينه
پتيرمك، ادالانماق يا بيززادى و
بيرىنى تانيماقلىق.

بجز be-joz: ح. «حرف استثناء» مگر،
ممکن دير، اوندان باشغا ديین يالى
معنالاردا.

بجول bojul: ا. آيلاق و ال
سونگلرينگ بوغونى اويناين يرى
بندى، آشيق.

بچه bačče: ا. چاغا، اۇغلان، فرزند.
بچه دان bačče-dān: ا. مر. اۇغلان
ياتنى.

بجوبوه tbohbuhe: [ع] ايش

آراليغيندا، اويونگ اورتاسى، آراليغى.
بحث bahs: مص. [ع] جدل، گورونگه
چكيشمه، دعوا، جدلى كپ. اباحت
جمع.

بحر bahr: ا. [ع] دريا، دنگيز، ابحر و
بحور و بحار جمع.

بحرالعلوم bahr-ol-'ulum: ص. [ع]
بيليم و دانش دنگيزى، اهلى علمده
استادليغى بۇلان، استادليغا يتن.

بحران tbohrān: [ع] بۇلاغايلىق،
بوزغينلىق، ياغدايىنگ اويتگه مه گى،
قۇيۇندى، آغيم-دۇنوم.

بحرانى bohrān-i: ص. ن. [ع]
بولاغايلىغا باغلى، چاشغينلىق،
بۇلاغى، ياغداي دگيشمك ليگه
باغلى بۇلان، دوزگون سيزليك.

بحرانى bahrāni: ص. [ع] بحرين
خلقينا باغلى، بحرينلى، بحرين
ايلىندن و يوردىندن بۇلان.

بحرى bahr-i: ص. ن. [ع] دنگيز و دريا
باغلى بۇلان، دريا يوللارينا
تانيشلىغى بولان.

بھمدالله be-hamd-o-llāh: [ع]
شكراتمكليك سۇزى، خداي
تعالىغا بولان اؤوگى، حمد و ثنا،
خدایا شكر.

بخار tboxār [ع] بوغ.

بخاری boxār-i: ص.ن. بخارا

شهری غا باغلی بۆلن.

بخاری tboxāri: پچ.

بخت baxt: ۱. اقبال، نصیب، طالی،

بخت، غوت.

بخت آزمایی baxt-āzmā'i: ۱. مص.

بختی سینماق، بختا چک آتماق،

قرعه تاشلاماق.

بختور baxt-war: ص. بختلی،

دوستلی، بختیار.

بختیار baxt-yār: ص. ۱. خوشبخت،

بختلی، ۲. اصفهان خوزستان و

لرستان و فارس اطرافیندا یاشایان بیر

اولی طایفانینگ آدی. بختیاری:

بختیارا باغلی، بختیار طایفادان

بولان. بختی یارلیق.

بخسانیدن baxsānidan: مص.م.

سۆلدورماق، اینجیتماق، آزار یتیرمک،

قیزدیرماق.

بخش tboxš: بۆلک، پای، تیکه.

بخشایش baxš-āy-eš: ۱. مص.

باغیشلاماق.

بخشدار tboxš-dār: ص. اییچری

ایشلر وزارتسینینگ ایشکاری، بیر

بخشینگ ایشینی دولاندیریان آدم.

بخشدارى baxš-dār-i: ۱.

بخشدارى-نینگ ادارهسى،

بخشدارینگ ایشله یان یری، یعنی

ادارهسى.

بخشش baxš-eš: باغیشلاما، عطا اتمک،

گچمک.

بخشنامه baxš-nāme: ۱. امر. ادارالیق

حکمی و دستوری، وزارتخانه و یا بیر

ادارانینگ طرفیندن ناچه نسخه ده

آیری آیری بولوملره و یا ادارملره یا

کارمندلره ایشکارلره بریلیان حکم و

یرینه یتیریلمه لی بویروق.

بخشیدن baxš-idan: مص.

باغیشلاماق، زات برمک.

بخل boxl: مص. [ع] گۆریپ چیلیک،

قیسغانچلیق، بخیل لیق، خانناس.

بخود آمدن be-xod-āmadan

آییلماق، اۆزۆنگه کلمک.

بخور boxur: ص. کول ارنگ، هر

زادینگ آچیق کول ارنگه منگزش

بولانی، قوی ارنگ.

بخور tbaxur: [ع] قاینان سؤوا

مخصوص قاوی ایسلی درمان

باغینگ یاپراغی اکالیتوس باغینگ

یاپراغینی قاینادیپ بۇرنا تۇتۇلیان

نارسه.

بخون baxun: ۱. مریخ آدلی ییلدیز.

بخیل baxil: ص. [ع] خسیس، ایچی

قارا، گوریپ، قیسفانچ. بخلاء جمع.

بخیه زدن baxiye zadan: مص.م.

تیکمک، آدمینگ اندامینی تیکمک،

عمل ادیلن آدمینگ اندامینی

تیکمک، پارچانگ آراسینی تیکمک،

کوک آتماق.

بد bad: ص. تله‌که، پیس، اربت، یاراماز،

یامان.

بد bad: پساوند، سۆزۆنگ آخیرنده

گلیار. مثال اوچین: سپهبد، بارید،

هرید دیین یالی.

بد tbad: [ع] چاره، آیرالیق، ناچار،

ناعلاج.

بدآموز bad-āmuz: ص. فا. ایله اربت

زات یا آیری یاراماز بولغی سیز زادی

اووردیان.

بدانجام bad-anjām: ص. مر. آخری

سونگی اربت بۆلن ایش، عاقبتی

پیس ایش، یاراماز ایش.

بداندیش bad-andiṣ: ص. فا. اربت

یورکلی، یوره‌گی یامان، نیتی اربت

بۆلن. اربت فکرلی، ایچی قارا.

بدهات badāhat: مص. [ع] بیردن

گلمک، دویدانسیز گلمک، آشکار و

آچیق بۇلماق، اویلانیپ سۆز آیتماق.

بدایت badāyat (= بداءة) ا. [ع]

باشلانغیچ، هر بیر زادینگ باشی.

بدایع 'badāye: [ع] تازه تاپیلان زاتلار،

گنگ دوران زاتلار، جمع بدیعه.

بدباطن bad-bāten: ص. مر. [فاع]

زانندی یامان، ایچی قارا، ذاتی اربت.

ایل بیله چیقیشمایان اخلاقی اربت

آدم.

بدبخت bad-baxt: ص. مر. باختی

قارا، مانگلای قارا، قارا مانگلای،

بدبخت، اربت بختلی.

بدبدک tbad-badak. بیلدیرچین.

بدبو bad-bu: ص. مر. تله‌که اربت

ایسلی، پیس ایسلی.

بدبین bad-bin: ص. فا. هر. بیر ایشه

تله‌که فکر ایدیان، گمانلی سر ایدیان،

هر بیر ایشه اینامسیزلیق بیلن

قارایان آدم. شکلی شبهه‌لی.

بدجنس bad-jens: ص. مر. [فاع]

بدذات، دؤرمؤشی تله‌که،

آدمکارچیلیگی اربت، پیس، یاراماز.

بدچشم bad-češm: ص. مر.

نامحرم‌لری تله‌که گۆز بیلن

گۆزله‌یان.

بدحال bad-hāl: ص. مر. سیرقاو،

ناساغ، غملی، بدبخت.

بد حساب bad-hesāb: ص. مر. [فاع]

آلانی نی بر میان، برگیسینی وقتنده
برمه یان، یاقاسی قایشلی.

بد خط bad-xat: ص. مر. [فاع] خطی

اړیت بۆلان، اوقاریالی خط یازمایان.
بد خو bad-xu: ص. مر. بد اخلاق،
تله که قیلیقلی، اړیت اخلاقلی،
قیلیق سیز.

بد دهان bad-dahān: ص. مر. آغزی

پایش، اونگه مونگه سوویپ یورن،
دیلی آوی.

بد دین bad-din: ص. مر. بدمذهب،
ملحد، دین سیز، کافر.

بد ذات bad-zāt: ص. مر. اصل سیز،
زانندی یامان، تويس سیز، تی سیز،
بداصل.

بدر bdr: [ع] اون دردی گيجانینگ
آیی، دولان آی.

بدر دنخور be-dard-na-xor: ص. مر.
یارامان، لاقاشا، زادا یارامایان، درده
دگمه یان.

بدر رفتار bad-raftār: ص. مر. قیلیقی
اړیت، یارامان، حرکتی، گیدی شی اړیت
بۆلان.

بدر قه bad-raqe: یولا سالماق،

اوغراتماق، آتارماق.

بدرگ bad-rag: ص. مر. بداصل،

قیلیق سیز، اخلاق سیز، باشینا گیدن.
بدر یخت bad-rixt: گلشیک سیز،

شکیل سیز، بدشکیل.

بدر زبان bad-zabān: ص. مر. آغزی
پایش، دیلی آوی، اونگا مونگا
سوویپ یوران.

بدست آمدن be dast āmadan: مص. ل. اله گلمک، تاییار بۆلماق،
اؤنوم آلماق.

بدست آوردن be dast āwardan: مص. م. اؤنوم اتمک، تاییار اتمک،
تاپماق.

بد طعم bad-ta'm: ص. مر. طغام سیز،
طغالی بۆلما دیق.

بد طینت bad-tinat: قیلیق سیز،
خاصیت سیز، اخلاق سیز.

بد عادت bad-ādat: ص. [ع] تله که
اړیت زادی اندیک ادن، اړیت اندیکلی.
بدعت bed'at: [ع] اوزال یوق زادی
تاپما، دستوردن و دیندن سنتدن

آیری یول تاپماق، بدع جمع.
بدکار bad-kār: ص. مر. گناهکار،
یازیقلی، عاصی، حالانمایان اړیت
ایشلره یوز اوریان.

بدکردار bad-kerdār: قاوی ایش

اتمه یان، بۇلغۇسىز حرکت و یول.

بدگمان bad-gomān: ص. مر. اربت

گمانلى، شكلى، منكر، شك شبهه‌لى.

بدل badal: [ع] ۱. عوض ادیلن زات،

عوضى يعنى چالشیق قویلان زات، فارسچا بدل و بدلى ۲. بجرمه، تقلبى دىيپ-ده آیدیلیار، بيله‌كى بجرمه زاتلار یالى، ابدال و بدلا جمع.

بدلگام bad-legām: ص. مر. اوریکک

آط، سرکش آط، اله اورنمه دیک مال.

بدمعامله bad-mo'āmele: ص. مر.

آلیش برش ده دوغرى ایشله میان، بدحساب، حسابى دوغرى بۇلمادیق.

بدن badan: [ع] ۱. اندام، تن، اکین،

ابدان جمع.

بدنام bad-nām: ص. مر. رسواىی

آبرای، آدى یامان، اوتانچ سیز آدم.

بدنما bad-namā: ص. گلشیك سیز،

گورنوك سیز، گورنوم سیز، گورومی بۇلمادیق.

بدنه badane: بیلدیرچین.

بدو badw: [ع] باشلانغیج، ایلکی،

ایش باشلانغیجی.

بدو bedaw: ص. یورتیجی، یووروک

آط، ییلدام آط.

بدو badw: [ع] ۱. دوز، چول، بیابان.

بدونِ امضاء 'bedun-e-emzā:

امضاسیز، قول سیز.

بدون سروصدا bedun-sar-o-sedā:

دم-دویت سیز، سس سیز-اوینسیز.

بدون وقفه bedun-waqfe:

بوکدنچ سیز، پاسگل سیز، دینوسیز، دپگین‌لى.

بدوى badawi: ص. ن. [ع] باشلانغیج،

ایلکی.

بدوى badawiy: ص. ن. [ع] بدوه

باغلى، عرب تیره سیندن چولده یاشایان، چاروا.

بدهکار bedeh-kār: ص. برگیلی،

بورچلى.

بدهی bedehi: [ع] ۱. برگی، بورچ.

بدیع badi': ص. [ع] تازه دوران، گنگ

زات، تازه یوزه چیقان.

بدیهی badihi: ص. [ع] عقلا عیان،

واضح، آشکار، آچیق، بللی.

بذر bazr: [ع] ۱. تخم، دانه. بذور جمع.

بذرافشان bazr-afšān: ص. [فاع]

تخم سپیان، دانه اکیلجک یره اؤزی اندیگان سپیان مخصوص دستگاه.

بذل bazl: مص. [ع] عطا، بخشش،

کرم، بریم، سخاوت.

بر bar: ۱. قۇلتۇق، قۇجاق.

بر berr: ۱. [ع] ياغشىلىق، قاويللىق.

بر barr: ۱. [ع] دوز، چول، قۇراق ير.

بر tborr: [ع] بۇغداى.

بر bore: ۱. فر. بر هيل قویی رنگ، قاتی

توقالاق زات، کریستال دمیر

ماشغلا سیندان.

برآورد tbar-āword: مص. بللی

اتمک، قیمتینی اویلا نیپ آچیق

اتمک.

برائت barā'at: (=براءة) مص. [ع]

عیبدن خلاص بۇلماق، تهمتدن

ساویلماق، آقلانماق •

بر bar: ۱. ای میش، میوه، ثمر.

برابر barābar: ص. دنگ، تایی.

برات barāt: ۱. بیر یازغی بانکینگ

اوستی بیلن آلمالی یا برمه لی

بۇلۇنان پولی بیرینه تابشیرماق، برات

بیر سند، برات چکیان بیلە و برات

آلیانینگ آراسیندا بولان سند.

برادر tbarādar: دوغان، قارداش، برادر

کوچکتر از خود: باللی، جیگی.

برادرانه tbarādar-āne: ق. دوغان

یالی، دوغان تاردا، دوغان مثالی.

برازنده barāzande: لایق،

یاراشیقلی، گۆرنوکلی، گۆزکلی،

مناسب.

براعت barā'at: مص. [ع] بلندلیک،

اۇلۇلیق، اۆستون لیک چیقماق.

برافراشتن bar afrāştan: مص. م.

یۇقار قالدیرماق، یۇقار دارتماق، یۇقار

چکمک، پارلاتماق.

براق tborāq: [ع] معراج گيجه سینده

حضرت رسولینگ مینن آیاق اولاغی،

بُراق. دوری.

براق barrāq: ص. [ع] یاغتی لی،

برق لی، بیلدیراویق.

برانداختن bar-andāxtan: مص. م.

بیقماق، آزادان چیقارماق، یوق اتمک.

برانداز bar-āndāz: ۱. مص. چن

اورماق، چاق اتمک، —، سایغارماق

برانکار tbrānkār: [فر] (=تخت روان)

سیرقاو و یارالی لاری اؤنؤنگ

اۆستونده یاتیریپ، بیر یردن بیر یره

اکیدیلیار.

براه افتادن berāh oftādan: یولا

دوشمک، اۇغراماق.

برای barāye: ۱. علت، ضرار، سبب،

شو خاطر، اوچین

برباد bar-bād: ص. خراب، ویران،

نابودلیق، بوزوقلیق.

برباد دادن bar-bād dādan: مص. م.

یوق اتمک، یله ساویرماق،

یازغی.

سرمایانگی یله ساویرماق، یله

برچیدن bar čidan: مص. م.

برمک.

ییغناماق، تویلاماق، اله آلماق.

برپا barpā: ص. آیساق اوست، برپا

برچیدن bar čidan: مص. م. بیرزادی

خاستن: آیساق اوستونه قالماق، آیساق

یردن ییغناماق، قاویسینی سایلاب

اوستونده دۇرماق.

آلماق، ییغناماق، جمله مک.

برپای bar-pāy: ص. آیساق اوستونا

برخاستن bar-xāstan: مص. ل.

قالدیرما، دیکلتمه.

یوقاری قالماق، آیساق اوستونه قالماق،

تورماق.

برتر bar-tar: ص. ت. قاتی بلند، قاتی

برخورد bar-xord: ا. مص.

اولی، بلندراک، یوقارراق، اوستمراک.

چاقیشماق، ساتاشماق، یؤلۇقماق،

برج [ع] a. borj: [ع] کوشک، قصر، قلا،

اوچرماق دوشیشماق، یوز به یوز

گنبد یالی دینگ بیر یردن قۇریماق یا

چاقناشیق، توقوشماق.

یادگارلیک اوچین قاراویله سالینان

برخوردار bar-xordār: ص.

بلند دینگ.

پیدالانمه، خیرلانمه.

برج [ع] tborj: [ع] اون یکی آیینگ آدی،

برخه barxe: ا. بؤلک، زادینگ بیر

حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد،

تیکه سی، حساب آدالغاسینده بتین

سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی،

سانینگ نأچادن بیرى.

دلو، حوت، بروج جمعی.

برخی barxi: ا. کأبیری، کاسی،

برجا bar-jā: ص. برجای، برقرار، برک،

زادینگ بیر بوله گی، آزی.

ماکام، دۇرنۇقلى.

برداشت bar-dāšt: ا. مص. حاصیلی

برجستگی bar-jastegi: یوقارلیق،

ییغناماق، اونیمی اله گتیرمک.

بلندلیک، یردن بلندلیک، قالبانگلیق.

برداشتن bar-dāštan: مص. م.

برجسته bar-jaste: قالبانگ، یوقار

یوقاری قالدیرماق، اله آلماق، بیر

قالان، اولۇلیق تاپان.

زادی یردن گوترمک.

برچسب bar-časb: ا. مر. بوله جک

بردبار bord-bār: ص. صبرلی،

کاغذ، زادینگ اوستونه یلمنیان

قناعتلی، جیداملی، جفاکش.

بردن bor-dan: م.ص.م. اکیتمک، اوزینگ بیلہ آلیپ بارماق.

برده barde: ا.ص. غلام، قول، قیرناق.

بردی bardiy: ا. [ع] اوتونگ بیر گۆرنوشی، قارغا منگزش اینچه اوزین اؤت.

بررسی barrasi: م.ص. بارلاماق، درنگه مک، بیر ایشہ یتشیکلیک اتمک، گۆزدن گچرمک.

برزخ barzax: ا. [ع] دوزخ بیلہ بهشت آرالیغیندا بۆلن جای، برازخ جمع. برزگار bar-zegār: ص.فا. دایخان، تایخان.

برزگر bar-zegar: ص.فا. تایخان، دایخان، اکرانچی.

برزن barzan: ا. شهرینگ بیر بولاگی، بیر محله سی، محله، کوچه، شهرداری نینگ سۆزایان یری نینگ بیر بۆلومی.

برزیدن barzidan: م.ص.م. شاراپلیق، ایشی ایزلی ایزنه یرینه یتیرمک، ایشی دوام برمک، ایشہ شاراپ بۆلماق.

برزیگر barzigar: (برزگر) ص.فا. تایخان، دایخان، اکرانچی.

برزین barzin: ا. ۱. حرمتلانا، ۲. خراساندا بیر آتشکده نینگ آدی، گچمیشده اونگا «آذر برزین»، «آذر برزین مهر»، «آتش برزین» هم آیدیلیپ دیر.

برس bars: ا. دویانینگ بۇرۇنلیغی. برس bores: [فر] قلم موه منگزش نارسه اۇنۇنگ بیلن ماتا زادی آراسسالانیا.

برس bors: ا. داغده بتیان سرو آغاجی نینگ میوه سی.

برس tbors: [ع] پامیق، پاختا. برسر tbarsar: ص. ۱. باش اوستی ۲. بلند مرتبه.

برسم barasm: ا. زرتشتی لار بایرام چیلیق لری گچریپ دورقالار، گز و نار آغاجیندن اینچه شاخاسینی کسیب اله آلماق لیق لری.

برش boreš: ا. م.ص. کسمک. برش boreš: ا. تجارتلیق پایدان بیر برکدن بیر بۆله گی، بیر زاتدان کسیلن بۆلک، کوین، قاوی نینگ بیر دیلیمی. برش tborš: [رو] ات، کلم، پۇمازور یالی زاتلاردان ادیلن سوویق نهار.

برش tbaraš: [ع] انسانینگ و حیوانینگ اندامیندا و یا دیرناغینگ

اۆستونده بۇلان قارا آلا منگی.

برش bereš: ۱. [فر] ایشغالانگ،

دشیک، تخته داش، اونیق داشینگ

بیر بیرینه جۇش توتانی.

برعکس bar-'aks: ق.ص. [فاع]

ترسینه، قارشى سینه.

برف tbarf: غار.

برف پاک کن tbarf-pāk-kon: ص.

ماشینلارینگ سویشه سینه دگن

قاری و یاغین سووینی برق بیلە

آراسسالایان قۇرال.

برف روب barf-rub: ص.فا. غار،

آراسسالایان ماشین.

برفک tbarfak: ناساغلیغینگ بیر

گۆرنوشی، کۆیلنج یاش چاغلاردا

گۆرنویان آغیزقایناما.

برق barq: [ع] ییلدییراویق، پارلاق،

برق، ییلدیریم.

برق آسا barq-āsā: ق.ص. [ع] برق

یالی، چالت برق یالی، گۆز آچیپ

یومیان چانگ.

برقرار bar-qarār: دۇرۇقلی، دواملی

همیشه لیک، ماکام.

برکات barakāt: [ع] جمع برکت،

آرتیق لیک کۆیلوک، کانلیک.

برکت barkat: مص. [ع] ۱. اؤسمک،

اۆلالماق، آرتماق ۲. سعادت، کۆیلوک،

کانلیک، بۆلچۆلۈق؛ جمع برکات.

برکشیدن bar-kešidan: مص. [ع]

یۇقار چکمک، یۇقاری اکیتمک، تربیه

برمک، اکلەمک.

برکنار شدن bar-kenār šodan:

ایشدن بۇشالماق.

برکندن bar-kandan: مص.م.

یۇلماق، بیرزادی باشقا زاتلاردن

یۇلماق، کوکی بیلە آییрмаق، کۆکوندن

یۇلماق، قۇیارماق.

برکه tberke: [ع] سۇو حوضی، سۇو

یېغنانیان یر، کیچی استخرلار، گۆل.

برگ tbarg: ورق، یاپراق.

برگ tbarg: سامان، اوی اسبابی.

برگردان bar-gardān: اوویرمه،

دولامه، قایتارما، کپیه کاغذ، کاربن.

برگرداندن bar-gardāndan: مص.م.

قایتارماق، دولاماق، چۆویریپ ایزینا

اؤویرمک.

برگزیدن bar-gozidan: مص.م.

بلله مک، سایلماق، سایلپ سچمک،

هالاپ آلماق.

برگ سبز tbarg-e-sabz: مر. تازه

گۆک یاپراق، درویشلرینگ آدملا

ایسلی تازه هؤدورله یان یاپراغی.

- برگشتن *bar-gaštan*: مص. اؤورولمک،
دولانماق، دؤنمک، ایزینگا دؤنمک.
- برگ ماهی *barg-māhi*: ا. مر. دریای
سیاهدان خزر دریاسینا کوپلتمک
اوچین گتیرلن بیر هیل بالیق.
- برگه *t.barge*: یاپراق، یاپراق یالی زات.
برگه *t.barge*: بیر اؤلچکده کسیلن
بۆلک کاغذ یا مقوا، کتاب و آیری
زاتلارینگ آدی مرتب بۇلماق اوچین
یازیلیار و برگه داندا قۇیۇلیار.
- برلیان *t.barelyān*: ص. [فر] قمت بها
داش، برلیان، یالدیدراویق - پارلاق
اؤوسیپ دۇران آلماس.
- برمکی *bar-maki*: ص. ن. برمکه
باغلی، برمک خاندانینا دگیشلی.
- برملا *bar-malā*: ص. آشکار، عیان،
آچیق، اوستی آچیلیان.
- برمه *bar-me*: ا. آ. (= پرما) مته، آغاج و
دمیر یالی زادی دشیلیان قۇرال.
- برنا *bornā*: ص. ییگیت، جوان، جوان،
یتکینجک، جومارت.
- برنامه *t.bar-nāme*: کتابینگ یا
خطینگ باشینده یازلیان یازغی،
پروگرام، مقدمه دیباچه، باشلانغیچ.
- برنج *t.ber-enj*: بورونج.
برنج *t.ber-enj*: تئوی.
- برنشیت *t.boronšit*: مر. ناساغ
لیغینگ بیر گؤرنوشی، اویکن
چیشمه کسلی.
- برودت *borudat*: م. ص. [ع]
ساویق لیک، ساویماق.
- بروز *boruz*: م. ص. [ع] عیان بۇلماق،
آنیقلاماق، آشکار بۇلماق، یوزه
چیقماق.
- برومند *borumand*: ص. ثمرلی،
میوهلی، اییمشلی.
- برومند *barumand*: ص. «آبرومند»
سؤزونگ قیسفالتماسی، آبرایلی
آبرایی کوپ بۇلان، حرمتلی.
- برون *t.berun*: آرتیق کپ، سبب، سانگا
برون تو: سنینگ اوچین.
- بره *t.barre*: قوزی.
- بره *bere*: ا. [فر] ساده ارنگک سیز
قالینگ پارچه دن ادیلن پاپاق.
- بره *bere*: ص. یاغشی آراسسا یول،
یاراشیقلی، مناسیب.
- برهان *t.borhān*: [ع] دلیل، سبب،
ضرا، برگلشن دلیل، براهین جمع.
- برهم زدن *bar-ham zadan*: م. ص. م.
بولوماق، قاتیم قاریم اتمک،
بولاشدیрмаق، قارماق.
- برهنه *berahne*: ص. یالانکاچ، چپلاق،

اگین اشیک سیز، لوت.

بری barriy: ص. [ع] چوله باغلی،

چولده و دوزده گزیانه باغلی،
صحراالی.

بریān beryān: ص. شارا اتی یا بالینی

شارا چیشه دوزیب اوده کباب ادیلن.

برید tbarid: قاصد، اطلی، چاپار،

عربچه برید دیلییار، برد جمع.

بریدن boridan: مص. آییرماق،

کسمگ، اوزمک، غیماق.

بریگاد berigād: ص. [فر] ۱. بیر تۇپار

کارگر، بیر باشلیفینگ الی نینگ

آشاغیندا ایشله مه کی ۲. قوشون

قۇرلۇشیغیندا بیر تیپ، ایکی هنگ.

بز boz: ۱. گچی.

بز baz: «بزیدن» ایشلیگی نینگ بویروق

(فعل امر) فورماسی: قیمیلا، حرکت

ات، اوس.

بز baz: (=بزم) یۇرلگه، آئین و رسم دأب

معنیده.

بز tboz: دفه.

بز tbozz: [ع] کتندن و یا پامیق دیر و یا

آیری زاتلاردان ادیلن گییم، پارچا، متا.

بز اخته boz-e-axte: ۱. ارکج.

بزاز bazzāz: ص. [ع] پارچه ساتیان،

ماتا ساتیان، ماتا ساتیجی.

بزاق tbozāq: ص. آغیز سووی،

سوله کی.

بزداغ bezdāq: ۱. قیلیچدیر قاما یالی

زادینگ پوسینی آیریان قۇرال.

بُزدل boz-del: ص. قورقاق، هیک.

بزرگ bozorg: ص. اولی، حرمتلی،

کابه، شریف، آبرایلی.

بزرگ ارتشتاران bozorg arteštārān:

ارتشینگ اینگ اولی بویروقچی سی،

ارتشده اولی مقاملی کؤیلنچ شاهلارا

خاصلانیار.

بزرگداشت tbozorg-dāšt: مص.

اولی تۇتۇپ حرمت قویمان، صرفه

قویماق، اولی قوتماق.

بزرگسال bozorg-sāl: ص. مرکوپ

یاشان، یاش اولی.

بزرگ منش bozorg-maneš:

ص. مر. همتی بلند، اولی اورونلی.

بزرگوار bozorg-wār: ص. حرمتلی

شخص، شریف و اولی آبرایلی

حرمتلی آدم.

بزغاله tboz-qāle: اولاق.

بزک tbozak: کیچی گچی، چیش.

بزک tbazak: بزهمک، گؤزللشدیرمک،

آوادانلاماق.

بزکوهی tboz-e-kuhi: داغ گچی، داغ

گچیسی، اول چۆلدە یاشایار.

بزم t.bazm. چاقیلیق، میهمانچیلیق،
توی بایرام میلیسی، عیش عشرت
ییفناغی.

بزم آراء bazm-ārā: ص. فا. میلیسی
بزه یان کیشی، میلیسی عیش و
عشرتلی ادیان بزه یان.

بزنگاه bezangāh: ا. مر. قۇرقولى یر،
امن بۆلمادیق یر، قالتامانلارینگ
اوغریلارینگ ایلی تالایان یری.

بزه bezeh: ا. گناه، خطا، یازیق،
عاصی لیق.

بزه کار bezeh-kār: ص. فا. گناهکار،
یازیقلى، عاصی، خطاکار.

بستان bostān: ا. بوستان، باغ باغچەلى
کوپ میوهلى آغاچلى یر.

بستانکار t.bestān-kār: ص. آلفیلی،
بیریندن آلمالی پولی بۆلان.

بستر t.bastar. یورغان دوشک، یازغیلی
یورغان دوشک، یازغیلی دوشک،
یاتیلمالی یر.

بستری bastar-i: ص. ن. بستره
دگیشلی، سیرقاو، ناساغ یاتان،
مریض، یریندن قالا بیلمه یان.

بستن bastan: م. ص. باغلاماق،
دونگماق، بیر زادی بیر زادا باغلاماق،

دانگماق، اوشلاماق.

بستنی bastani: ا. ص. بوز قایماق،
دۇنگدۇرما.

بستوه besotuh: ص. یاداو، آرغین،
بیزار بولان.

بسته baste: ص. آرغین، خسته، ملول.
بسط bast: م. ص. [ع] یایراتماق،
کینگلتمک، اوسدیرمک.

بسک bask: ا. اوزۇلان آرپا و
بۇغدا یینگ دسته سی.

بسکتبال t.basketbāl. کۆپ بۆلۆپ
اوینالیان ورزش، ایکى توپار بۆلۆپ
اوینالیان اویونۇنگ بیر گۇرنوشی.

بس کردن bas kardan: م. ص. م.
ایشدن ال چکمک، ایشدن ساقلانماق.

بسم besm: [ع] «بسم» ینگ
ینگلیتمه سی، یعنی: «بسم الله
الرحمن الرحيم».

بسمل besmel: ا. ص. حیوانینگ
اۆلدورجک بۆلناندا «بسم الله» دییپ
اۆلدوریلیار و اۆلن حیوانا «بسمل»
دییللار.

بسیار besyār: ق. کوپ، کان، آرتیق.
بسیج basij: ا. اسباب و سامان، یاراغلى
کوچلرینگ بیر یرده قصد و اراده
ادیپ تاییار بۇلماغی.

بش t.baš. بۇغۇن، صندوقە بند ادیلیان دمیور.

بش t.boš. یال، آطینگ یالی، آطینگ بۇیۇن ساچی.

بش beš: [ت] باش.

بش bašš: مص. [ع] خوشلیق، شادلیق، آچیق یوزلی لیک، گولر یوزلی لیک.

بش bašš: مص. [ع] شاد، آچیق یوزلی، گولر یوزلی.

بشارت t.bešārat. [ع] خوش خبر، بوشلیق، شادلیقلى خبر.

باشاش baššāš: ص. [ع] گولر یوز، آچیق یوز، شاد خرم.

بشر bašar: [ع] انسان، آدم.

بشر bešr: ا. مص. گولر یوز، آچیق یوز. بشقاب t.bošqāb. [ت] تاباق، آش

سالنیاں تاباق.

بشکن t.beškan. بارماق لاری شارقیلاتماق دان چیقیاں سس. بشکن

زدن: بارماق لاری شارقیلاتماق.

بشکوفه t.beškufe. شکوفه، غنچه، آغاچینگ فندق لاب گل برمه گی،

گولله مه گی.

بشکول beškul: ص. ۱. چالت، یووروک، ۲. حریص، ایشنگر،

زحمتکش.

بشکه boške: [رو.] چلک.

بشور t.bošur. قارغیش، اربت دعا،

پشور و بسور هم دیلیپ دیر.

بشیر bašir: ص. [ع] خوش خبر

کتیریجی، اؤنگات خبر یتیریجی،

بوشلیق چی.

بصارت basārat: مص. [ع] گوزگور-

لیک، بیلیم لی لیک، دانالیق، گوزوجی لیک.

بصر t.basar. [ع] گون، گوز گوزوجی لیک، ابصار جمع.

بصری t.basri. [ع] بصره باغلی بۇلان، بصره لی، بصره آدم لارا دگیشلی.

بصیر basir: ص. دانا، گوزآچیق، گوزگور، دانا، گوزوجی، بصائر جمع.

بضاع bezā': [ع] بۆلک اترلر، جمع بضعه.

بضاعت bezā'at: [ع] پول، بایلیق، سرمایه مال، بضائع جمع.

بطل battāl: ص. [ع] بیکار، ایش سیز، سالاخ، آغزینا گله نینی سامراپ

یۇزن.

بطلالت batālat: مص. [ع] باتیر بۇلماق، غایراتلی لیک، قۇجۇرلی لیک.

بطلالت betālat: مص. [ع] بیکار بۇلماق، یالتالیق، سالاخ لیک.

بَطَر batar: مَص. [ع] شادلیغینا

بۇیسانماق و حددن چیقماق، نعمتی

کۆیه‌لنده شادلیغی چندن چیقماق.

بَطَر batr: مَص. [ع] کسمک، دیلمک.

بَطَری tbotri. [انگلا] سویشه.

بَطَریر betrir: ص. [ع] دیل اوزین،

قیق چیللیقچی، اۇتانچ‌سیز.

بَطَریق betriq: ا. [ع] بو سۆز

قَـدیم‌لاردا، اولی بییک، روم

قوشونینینگ حاکم و فرمانده‌سینه

آیدیلیان اکن.

بَطَل botl: ص. [ع] باتیر، قۇجۇرلی،

غایرات‌لی، ابطال جمعی.

بَطَل botl: مَص. [ع] باطل بۇلماق، پوچ

بۇلماق، ضایالانماق، ایشدن قالیپ

بیکار بۇلماق.

بَطْلان botlān: مَص. [ع] باطل بۇلماق،

ضایا بۇلماق، ایش و بیکار بۇلماق،

بیکارلیق، پۇچ‌لیق، ایشدن قالماق.

بَطْن tbatn: [ع] ۱. قارین، بیر زادینگ

ایچی ۲. طایفا تیره معنی‌ده، بطون

جمع.

بَطْن batan: ا. [ع] ایچ آغیری، کوپ

اییمکدن یا قارین اۇلۇلیقدن یتیان

ایچ آغیری.

بَطْن baten: ص. [ع] قارینلاق.

بَطْن batin: ص. [ع] قارینلاق، اۇلی

قارین‌لی آدم.

بَعَث ba's: مَص. [ع] ایبرمک،

ایبریلیمک، تۇرۇزماق یوم البعث:

قیامت.

بَعَث be'sat: مَص. [ع] ۱. یۇللاماق،

ایبرمک، اویانديرماق، تۇرۇزماق، ۲.

آیاق اۆستونه قالدیرماق.

بَعْد ba'd: ق. [ع] اۇندان سۇنگ،

گلجکده، سۇنگرا، اۇنگ سۇنگ،

سۇنگ.

بَعْد tbo'd: [ع] ۱. داشلیق، داش، اۇزاق

۲. بۇی-این، یوغین‌لیق، ابعاد جمع.

بَعْض tba'z: [ع] بیر زادینگ بوله‌گی،

بیرناچا، ابعاد جمع فارسی‌ده بیر

نیچه کوپ زادینگ بیر بوله‌گی.

بَعْوَض tba'uz: [ع] چیبین و یا ش. م.

بیرلیگی: بعوضه.

بَعِيد ba'id: ص. [ع] داش، اۇزاق، یاقین

بۇلمادیق.

بَغَا baqā: ص. محنت، دیوٹ، فاحشه،

تلکه ایش ایدیان عیال.

بَغَات boqāt: [ع] اوز باشینا گیدن‌لر،

بوینی یوغین‌لار، زورلی‌لار.

بَغَاز tbeqāz: گاز، کفش‌چی‌لر کووشه

قویان تیکه آغاچی.



بَطَر



بَغَاز

بغاز boqāz: ۱. [ت] بۇغاز، ايكي آرانگ

آراسيندان گليان دريانگ بير بۇلومى،
ايكي درياني بيرى بيرينه يتييريار
يعنى بيريكديريار.

بغرا baqrā: (= گراز) ۱. ارکک دۇنگۇز
يکه قاپان.

بغرا boqrā: ترک سۆزۈندن: اونلى آش،
بغراخانى هم دييليار. ترکستانينگ
پادشاسى بغراخانا دگيشلى.

بغرنج boqranj: ص. قين، چتين
چيليشريملى، اوستى اوستونه.

بغض boqz: [ع] كينه، دوشمانلىق،
يورک قارالىق، اؤيکه.

بغل tbaql: [ع] قاطر، ابغال، بغال
جمع.

بغل tbaql: قۇجاق، قويون، قيرا، يان.
بغل کردن baqal kardan: مص.م.

قوجاينگا آلماق، قۇينا سالماق،
باغرينگا باسماق، قۇچماق.

بغل گشودن baqal gošudan:
مص.ل. قۇجاق آچماق، قۇيىنى
آچماق.

بفور befowr: ق. [ع] (=فورى) تيز،
چالت، چاققان.

بقاع beqā: [ع] زيارتگاهلار، بقعهلار،
جمع بقعه.

بقال baqqāl: ص. [ع] ايييم-ايچيم

زاتلارى ساتيان، آنسيق دۇونوك
زاتلارى ساتيان آدم.

بقايا baqāyā: [ع] قالانلار، قاليندىلار،
جمع بقيه.

بقاء baqā: مص. [ع] ياشايش،
ياشاماق، المدام بۇلۇپ دورماقلىق.
هميشه ليک قالماق، ميداماليق،
هميشه ليک.

بقره tbaqare: [ع] ۱. جۇنگه، بير اؤكوز
۲. قرآنينگ بير سوره لرى نينگ آدى.

بقعه tboq'e: [ع] دين يول
باشچىلارينگ و صالح آدميلارينگ
جايلانان يرى، بقاع جمع.

بقول boqul: [ع] جمع بقل، سبزی،
گوك اونوم، دانه، ميوه يالى.

بقيع baqi: ۱. [ع] ۱. كوپ باغلى و
آغاچلى ير ۲. مدينه ده بير
قونام چيلينينگ آدى، جنت البقيع.

بقيه baqiye: ۱. [ع] آرتيپ قالانى،
قاليندى، آرتيپ سويشن، آرتيپقماچ،
بقايا جمع.

بکارت bekārat: مص. [ع] قيزلىق، ال
دگمه ديك.

بکاول tbe kāwol: ص. تـرک
سۆزۈندن، بقاول، پادشالارا و اولى

آدملار ایمییت تایارلایان آدم.

بکاء 'bokā: مص. [ع] آغلاماق، آغی.

بکاء 'bakkā: ص. [ع] کوپ آغلایان،

کان آغلایان.

بکبکه babake: ۱. چۆرک خورش،

قورد و یاغ ییلن ادیلن چۆرک خورش.

بکتاش tbaktāš: [ت] ۱. بک بیله

تاش قاتیشدیرما خیلتاش خواجه

بک تاش یالی ۲. ایلینگ اولیسی

دیپپ آیدیلیان، امیرینگ یانینده

ایشلیانلار، اولار بیر بیرینه بکتاش

دیپپ آدلانديريار اکنلار.

بکر bekr: ص. [ع] قیز، ال دگمه دیک،

انه آتانینگ ایلکینجی فۆزندى، ابکار

جمع.

بکر tbakr: [ع] ۱. ديه كۆشه گى، ياش

دويه، ۲. بیر عرب تیره سی نینگ

آتاسى.

بکرة tbokre: [ع] «بكرة»: ارتیر ایر،

جهان یاییلان وقتى، سحر وقتى.

بگاہ be-gāh: ق. تیز، ارتیر ایر، بگه و

پگاه و پگه دیپپ ده آیدیلیار.

بگردن گرفتن be-gardan-gereftan:

مص. ل. بویۇن آلماق، سۆز اتمک، عهد

اتمک، هوتده لئمک.

بگرس bagras: ۱. متانینگ بیر

گۆرنوشى، ایر وقت اۇندان پایاق دیر و

یاغین اشیگی یالی زات تیکیان اکن.

بگلر tbeglar: [ت] بیگلر، خانلار.

بگم tbegom: ص. ت. بانو، خاتین.

بل bol: پیشوند بۆلۆپ گلیار. کوپ بول

معنیده.

بل bal: حر. [ع] عطف سۆز، بلکه، بلکم.

بل tblol: ایگده.

بل tbel: اؤکجه، آياق اؤکجه سی.

بل tbell: [ع] ۱. شفا، ناساغینگ شفا

تاپماغى ۲. دانا، بیلیم لی معنیده.

بل bel: ینگلیتمه سۆز، مخفف بهل،

بیر زادی قوی دیین معنیده.

بلاد belād: [ع] شهرلر، جمع بلد.

بلاد balādat: مص. [ع] «بلادة»:

ذهین سیز، دوشونجه سیز، کوتدک،

ذهین سیز.

بلاد balāde: ص. فاسق، بدکاره،

بدنام، یوزی قارا.

بلاغت balāqat: مص. [ع] ۱. آچیق

آراسسا کپله مک، یترلیک لی

سۆزله مک، دیله وارلیق، کپه چپرلیک

۲. اصطلاح کلاندا کپلشیان آدمینگ

یاغدا یانا و دوشونجه سینه گؤزا

گورلشمک.

بلاغی balāqi: ص. [ع] دیله وار، کپه

بلغ balx: آغاجینگ بیر گۆرنوشی،
بلوط آغاجی.

بلغ balax: ۇلۇلیق، بییکلیک،
منلیکچی، اولی توتیان، اولومسی.

بلد balad: [ع] شهر، بلاد جمع.
بلد balad: ص. یول گۆرکزیجی، بلد،

سردار.

بلدان boldān: جمع بلد و بلده،
شهرلر.

بلدان baladān: بصره و کوفه شهری.
بلدرچین t.belderčīn. [ت] بۇغداي

آرغا اكين لرینگ ایچینده قوزلایان
قوش، فارسچا کرک دیییلیار.

بلدیة t.balad-ıye. [ع] شهرداری.
بلشویک t.bolšewik. [رو]

بلشویکینگ طرفداری.

بلعم bal'am: ص. [ع] داماقچی،
خوران، داماغی ایه جن چالت باسیم

یوویدیان.

بلعیدن bal'-idan: ص. [ع]
یوویتماق، ایمتی اییمک، بوغازدان

گچیرمک.

بلغار t.boqār. هشرخانده بویرالی
قیزیل قایش اۇنگات ایسلی

آغاجینگ قابیغیندان بجریلیان یعنی
عمله گلیان قاییش.

چپر، آیتجاق کپنی یترلیکی
دوشوندیریپ آیدیپ بیلان آدم.

بلاگردان balā-gardān: [فاع]
آدمدان بلانی ساویان، دولایان

قایتاریان و داشا سالیان، صدقه و
خدای یولی.

بلال t.balāl. جوون، مکه جوون.

بلال t.balāl: [ع] بوغازی اولجردیان،
سؤو و یا سویت یالی نارسه.

بلاء balā': [ع] عذاب، درد، آغیری، بلایا
جمع.

بلبرینگ t.bolbering. [انگ]
ماشین لرینگ تگیری نینگ ایچیندن

گلیان قورالی، ماشین لرینگ تیگیرنی
آنگسات آیلایان آبزالی.

بلشو bel-bešu: بل بشو مخفف بهل
و بشو یعنی قوی گیت، کنایه سۆزی

غوغا بولاغایچیلیق.

بلبل bolbol: [ع] خوش آواز قوش،
بلبل.

بلبلی bolbol-i. ۱. شراب و شراب
کأسه سی، کادی و شیشه دن بجرلن

قاب.

بلح t.balah. چیک خرما.

بلغ t.balx. شراب قویولیان قاپ،
کادی دن شیشه دن ادیلن قاپ.

بلغم balqam: [ع] اندامدان چیقیان آق

ماده طبابت آدالغاسینده قاقیلیق

لاردان حسابا گلیار، قاقیلیق.

بلقاء balqā: ص. مونث ابلق، قاراآلا،

یعنی هر زادینگ آق قاراسی.

بلکامه bol-kāme: ص. هؤوسجنگ،

آرزولی، کۆپ حسرتلی.

بلکه bal-ke: [ع.فا] شاید، ایسم،

بلکی.

بلند boland: ص. اوزین بویلی، بوی

دارتملی، چکیملی، یوقاردا

بییکلیکده یرلهشن، بلند.

بلندآواز boland-āwāz: ص. مر. آدلی

آبرایلی آدم، شهرت تاپان آدم، آدیغان

سسسی قاتی آدم.

بلنداختر boland-axtar: ص. مر.

بختلی، اقباللی، بلند بختلی.

بلندبالا boland-bālā: ص. مر.

چکیملی، بوی اؤسگون، اوزین

بویلی، بوی دارتیملی.

بلندپایه boland-pāye: ص. مر.

مرتبهسی درجه سسی اولی، اورنی

اولی، مقامی مرتبهسی عالی.

بلندپروازی boland-parwazi:

گۆچگونلیک، یارداق لیق.

بلند شدن boland šodan: مص. ل.

یوقاری چیقماق، بییکلیک ییتشمک،

یرینگدن تورماق، اوزانماق.

بلندگو boland-gu: ص. سسی قاتی

چیققاریان دستگاه، سسی

گویچلندیریان قۇرال، ییغناق لاردا

همه کیشا سسی اشیتدیرمک اوچین

اولانیلیان دستگاه.

بلندنام boland-nām: ص. مر.

شهرتلی، آدلی، جومارت.

بلندنظر boland-nazar: ص. مر. [ع.فا]

همتی یوقاری، بلند همت لی، قاتی

داشردان گۆریان آدم.

بلندهمت boland-hemmat: ص. مر.

[ع.فا] نیتی قاتی یوقاردا بۇلان اولی

همتلی بۇلان.

بلوچ baluĉ: ۱. ۱. تاج خروس،

حورازینگ تاجی، ککجی، ۲.

بلوچستانده اوتوریملی ایرانلی اولی

طایفانینگ آدی.

بلور bolur: ۱. [ع] شیشه

ماشغالاسیندن بۇلان، قاتی دوری و

صاف فارسچا اونگا بلور دیییارلر.

بلوز boluz: ۱. [فر] ایش کیمی، یقالی

کونیک، فارس دیلینده بلیز.

بلوط balut: ۱. [ع] اوزین یوغین

آغاجینگ بیر گۆزنوشی.

بلوغ boluq: [ع] ياشى يىگىت ليگە

يتن، يتگىنچك.

بلوف t.bolof: [فر] توپ و تشر،

قۇرقى برمه، پارداق ھايات آتما .

بلوك t.belok: [فر] بۆلك، تۇپار،

سياستداش، آغزى بىر بۇلان

يورتلارنىڭ يىغىمى.

بلوك t.boluk: شراب ايچلىان قاب.

بلوك t.boluk: [فر] ولايت، ناچە اوبە و

قصبە دن عبارت.

بله bale: عرب سۆزۈندىن: ھاوا دىيىن

سۆزى.

بله bolh: [ع] جمع ابله، فارس دىلىندە

عقلسىز نادان آقماق معنيدە.

بليارد t.belyārd: [فر] ميز اۆستۈندە

اوينالىان ورزشىنىڭ بىر گۇرۇشى.

بليت belit: ا. [فر] بليت، اتوبوس دىر

قطاردىر و يا سىنمىلارا گىرمك

اۋچىن يۈرۈتە چاپ ادىلن رخصت

كاغذى، بليت.

بليغ baliq: ص. [ع] اۋنگات گۈرلە يان ،

دىلەوار، كپە چپر، سۆزى يترلىكلى،

بلغاء جمعى.

بمب bomb: ا. مر. گۈچلى پارتلايچى

ياراغ لاردان اۋنى اۋچيان بىلە ھۋادان

دوشمانىنىڭ اۆستۈنە ياغدىرىلپار

اۋقلانپار، بمب.

بمب اتمى t.bomb-e-atomi: مر.

باران يىرىنى ياقىپ نابود ادىان

پارتلايچى بمبلاردان.

بمباران t.bombārān: [فر.فا] بمب

ياغدىرماق، بمب آتماق.

بمب افكن t.bomb-afkan: ص.

اۋرۇش اۋچيانى، بمبى حربى يارغلى

دوشمانىنىڭ اۆستۈنە تاشلايان

اۋچاغ، اۋچيان.

بن bon: ا. دۈيپ، اساس، كوك، ابنيه

جمع.

بنادر banāder: [ع] جمع بندر، بندرلر،

نۋالارنىڭ يۈك يۈكلەپ و بوشاديان

يرلرى، پورتلر.

بنا كردن banā kardan: قۇرناماق.

بنا گاه be-nāgāh: ق. بىردن، خبرسىز،

دويدانسىز.

بنا گوش t.banā-guś: مر. قولاغىنىڭ

يوشماغى، قولاغىنىڭ دۈيى.

بنام be-nām: ص. آدىلى، شەرتلى،

آدىغان، مشهور.

بنام ايزد benām-izad: خدايىنىڭ

آدىنا، تانگىرىنىڭ آدىنە.

بنان t.banān: [ع] بارماقلارنىڭ اۋجى

باشى، تۈۋەرگى.

بنان tbanān. [فر] موز.

بنا نهادن benā nahādan: ص. مر.

[ع. فا] دیکلتمک، جای سالماق.

بناور bonāwar: ص. ۱. کوکلی،

دوئسپلی، اوی ۲. اولی یارا چیش

دیپپ-ده آیدیلیب دیر.

بناء tbanā' [ع] تام، جای، عمارت.

بناء bannā': ص. [ع] داش اوسساسی،

بناء.

بن بست bon-bast: ص. اونگی-اووی

یایق، اووی توتوق بۇلان کوچه، یول.

بنت tbent. [ع] قیز، بنات جمعی.

بنجل bonjol: ص. پس، اوتمه دیک

مال، تلهکه، مشتری سی بۇلما دیق

قالان مال.

بند band: ۱. آدمینگ اندامی نینگ

سونگک لرینینگ بیرگیان یری،

بوغون، ایکی زادینگ بیرگیان یری، و

هم -ده یوب و یاغ معنیده.

بنده آب tband-āb. مر. پل، سووینگ

اووینی توتیان پل، سد.

بند آمدن band āmadan: مص. ل.

باغلانماق، اونگی توتولماق، اووی

کسیلمک.

بندر tbandar. دریانینگ قیراسیندا

گامی لرینگ یوک یوکلاپ و

دوشوریان یری، پورت، بندر.

بندرا آزاد tbandar-e-āzād. مر.

هایسی بیر یۇرتده گامی لرینگ یوک

دوشوریب یوکله مه گی و گلیب

گیتمه گی آزاد بۇلان بۇلسا اونگا بندر

آزاد دیپپ آدلاندیریلیان.

بندرگاه tbandar-gāh. مر. بندر،

دریانینگ قیراسیندا گامی لرینگ

دویناپ لابیر اوقلیان یری.

بندشدن band šodan: مص. ل. بیر زادا

ایلتشمک، بیر زادا سالانماق، بیر زادا

سالانماق.

بندکردن band kardan: مص. م.

باغلاماق، ییلمامک، بیر زادی باشغا

بیرزادا قیسیدیرماق.

بندکشیدن band kešidan: مص. ل.

زنداندا گچیرمک، زنداندا اوتورمک.

بنده tbandeme. کلید، کویناگینگ و

گیم یالی اکن اشیگینگ کلیدی.

بنده bande: ص. غلام، قوللیقچی،

قول، خدای تعالی بنده، بندگان جمع.

بندی tbandi. باغلی، اسیر، توسساق،

بندی، بندیان جمعی.

بنصر tbenser. [ع] اۇرتا بارماق بیله

گول بی بی بارماغینگ آراسینداکی

اوغۇل بی بی.

بنفش tbanafš.ص. بادمجان رنگ،
مور. ۴ ماوی.

بنفشه tbanafše. بنوشه، گولونگ بیر
گۆزنوشی.

بنک tbonak. ایز، اثر.

بنک tbonk. [ع] ۱. زادینک اصلی، بیر
زادینک دویبی ۲. گیجه دن بیر ناچه
ساعت گچمه گی.

بنکدار tbonak-dār.ص. زادی
لوممای ساتیان ساتیجی، چولکه
ساتیان دکان چی لره خرید بریان،
کولتیم ساتیجی مغازین.

بنگاه tbongāh. اوی، انبار، آلیش
بریش جای، قۇراما، ایش مکانی.

بنوت tbonowwat.ص. [ع] «بنوة»:
اوغۇل لیق، اوغۇل لیغا آماق.

بنه tbone. اصل، ریشه، کوک، دویپ.

بنه tbane. (=بنک) پستامنگزش آغاچ،
ساقیچ باغی هم دیییلیار، اوندان
ساقیچ آلینیار، چاتلانقوش.

بنه tboneh. جای، مکان، دکان، اگین
اشیک، اسباب.

بنی bonayy. [ع] «ابن» سۆزونینگ
کیچلتمه سی: «یا بنی/ ای عزیز
فرزندیم، ای عزیز اوغۇلۇم».

بنی آدم tbani ādam. مر. [ع] آدم

اۇغلانلاری، آدم اولادلاری.

بنیاد tbonyād. پایه، اساس، دویپ،
کوک.

بنیادگر tbonyad-gar.ص. بناء،
معمار، تام اوستاسی.

بنیاد نهادن bonyād nahādan:
مص.م. بنا اتمک، باشلاماق، پیین
دؤکمک.

بنی اسرائیل tbani-esrā'il. مر. [ع]
حضرت یعقوبینگ اولادلاری،
یهودلار، شو گونکی کلیمی لرینگ
اولادی.

بنی فاطمه tbani-fātemeh. مر.
حضرت فاطمه نینگ اولادی اؤنؤنگ

فرزندلری امام حسن و امام حسین.

بنی هاشم bani-hāšem. ۱. مر. هاشم

بن عبدمناف اوغلی نینگ فرزندلری
قریشینگ آبرایلی آدملاریندن
عبدالمطلب نینگ قاقاسی.

بو tbaww. [ع] گاپ، حیوانینگ اولن

چاغاسی نینگ ایچینه سامان
دولدوریپ انه سیننی آلداپ سویت
ساغماغی.

بو bu. ۱. ایس، قۇق.

بوئیدن bu'idan. (=بوئیدن) مص.م.
ایسغاماق.

بواسير *bawāsir*: [ع] باباسيل،
بواسير.

بواعث *bawā'es*: [ع] جمع باعث و
باعثه، سبب لر، ضرارلار.

بوالهوس *bol-hawas*: ص. [ع]
هووسی كۆپ بۇلان، هۇوسچىنگ،

فارسچا «بلهوس» هم يازيليبار.
بو برداشتن *bu bardāštān*: مص. ل.
ايس آلماق، ايس تۇتماق.

بوبردن *bu bordan*: مص. ۱. ايس
بيلمك، ۲. كناية سۆزۈندىن: انتك بىر
سىرلى خبرى دويماق، گمان اتمك.

بوته *tbute*: ۱. كوپ ياپراقلى كيچى
اوت، ۲. دورلى نقشىنگ بىر هيلى ۳.
زلف، ساچ هم ديييليبار.

بوته *tbute*: قىزىل اريديليان قاپ.

بوتيمار *butimār*: ۱. هوقار (سووينگ
كناريندا قيراسيندا دوروپ باليق
آولايان بويى اوزىن بويىنى قيسنا
قوروقلى آق ياشيل و ماوى رنگده
بۇلان قوش).

بوجار *tbujār*: ص. غللهنى
آراسسالايان آدم. بوجارى: الك بيلن
غله آراسسالايان دستگاه.

بودار *budār*: ص. فا. ايسلى.
بودجه *budje*: ص. مر. دولتىنگ يا بىر

خصوصى بنگاهنىنگ بىر يىلده بۇلان
چيقداجىسى هم ده گيردهجى-
سىنىنگ جمعى.

بودن *budan*: مص. ل. بۇلماق، بار
بۇلماق.

بوران *burān*: ۱. قاتى يللى ساويق غار
ياغىن قاتيشيقلى آنگزاق هوا،
سيرغىن قاتى قارلى يللى ياغىن هوا.
بورژوا *buržewā*: ۱. مر. شهرده
اوتوريملى پوللى باى ارباب، ماللى
قازالى آدم.

بورك *tburak*: (= سنبوسه) بۇغداي
اونى بيله بيشيريليان سۇۇق آش.
بورىاء *tburiyā*: [ع] كۆلۈش،
قارغىدان دۇقلان دوشك، فارسچا
بوريا ديييليبار.

بوز *buz*: ۱. ص. ۱. يووروك آط، گۆك
دور آط ۲. ذهنىلى دوشونجهلى
اوقىپلى آدم.

بوزينه *tbuzineh*: ميمون، انتر.

بوستان *tbustan*: ۱. باغ، گلستان،
گلزارلىق، ۲. شيخ سعدىنىنگ يازان
شعر كتابىنىنگ آدى.

بوسه *tbuse*: ۱. اؤيمه، اوپوش، اوغشاما.
بوسیدن *bus-idan*: اوغشاما،
اوپمك.



بوگرفتَن bu gereftan: مص. ل. ايس گوترمک، توتماق، اريت يا اؤنگات ايسلى بۇلماق.

بول t.bowl: [ع] سيدىك، پشو.
بولتن t.bulten: [فر] رسمى آچىقلاما، عمل لره باغلى بۇلان نظامى و يا طبیب چیلیک حقه آچىقلاما.
بولدزر boldozer: ص. [فر] یر قازیان ماشین، یۇرتیه یر قازماق اوچین بجرلن ماشین.
بولوار t.bulwār: [فر] گللى چمنلى بۇلان کینگ گزەلنچ اوچین بجرلن خیابان و میدان.

بوم t.bum: یر. شهر، اولکه، فراغت جای.

بوم bum: یرینی تاییارلاما، زمینەسینی تاییارلاما، نقاشی چکک یرینگی اوپجون اتمک.

بومهان t.bumahan: یر تیترمه، یر ایرغیلداما.

بومی t.bum-i: وبهلى، اویا آدما دگیشلى، اویه آدمسى.

بیوزه be-wiže: ق. مر. خاص-دا، ایلایتا-دا.

به t.be: باهى، بهی.

به beh: ص. قاوی، یاغشى، اؤنگات،

بوش buweš: ا. مص. ۱. اسم مصدر بۇلماق، بولوش، بارلیق ۲. یازغیت، تقدیر.

بوش t.buš: [فر] آغیز، آغیزلیق.
بوش buš: ا. [ع] هر طایفه و صنف-دان بۇلان قاتیشیق، اوباش جمع.
بوش buš: ا. دریند و ارمنستاندا عمله گلیان آغاچ، باغ.

بوش bawš: ا. اوزونى گۆزکزه، اوزونگی بزمه، اولی لیک و قدرتلی لیک، بوچ، پوچ هم دییلیپ دیر.

بوغ buq: ا. بۇق، بوغ، توبدوک.

بوف buf: ا. بايقوش.

بوفه bufe: ا. [فر] کۆپونگ ییغنانیان یرینده اییمیت نوشابه ساتیلیان یر.

بوقلمون buqalamun: ا. تاویقلار

ماشغالاسیندان بۇلان اویسه ساقلانیان اولی قوش، هندی تاوویق.

بوکس boks: ا. مر. ایکى بۇلۇپ

یومریق اورماق بيله گچریلیان یاریش، اول هم ورزشینگ بیئر گۆرنوشی.

بوکه bu-ke: (= باشد که، بود که)

بولدی کی، بۇلسۇن کی دیین یالی، کاشکی بولسادى.

قبول اتدیلن.

به beh: قاوی لیغا و حالانماغا دگیشلی، حیران قالدیریجی سۆز، پاە.

بهائی bahā'i: ص.ن. بهانیه باغلی بۆلن، بهائی یولینه دوشن، بهائی فرقه سیندن بۆلن.

بهادر bahā-dār: قیمتلی، بهالی. بهادر bahādor: ص.[ت] باتیر، غیراتلی، پهلوان، قورقمازاق قۇجۇرلى، اصلینده باتیر سۆزی، بهادر سۆزوندن آلینان بۆلمالی. بهار bahār: یاز، بهار.

بهار tbohār: ۱. بت، بتخانه، ۲. آتشکده.

بهار t.bahār: [ع] ۱. گۆزلیک، گۆزنوکلیلیک، ۲. بیر گولونگ آدی. پارسلار اونگا «گل گاو چشم» یعنی «سیغیر گۆز» دیییارلر.

بهاران t.bahārān: مر. یاز، یاز وقتى، بهار فصلی، بهار وقتى.

بهارستان t.bahārestān: مر. تورنوج آغاجی و مرکباتی کوپ اکلینیر، دورلی گلر اکیلن باغ و بوستان.

بهاره bahāre: ص.ن. یازا دگیشلی، یاز وقتى اله گلن اؤنوم.

بهانه t.bahāne: ۱. بهانه، بولفی سیز، بویتر- سویتار اتمه، جای سیز اؤتونچ بهانه جو: بهانه نینگ ایزیندا گزیان، بهانه آرایان، بهانه چی، ساپالاقچی.

بهانه آوردن bahāne āwardan: بهانه گتیرمک.

بهانه جو bahāne-ju: ص.فا. بهانه ایسته یان، بهانه آزالایان، بهانه چی. بهاء t.baha: نرخ، قیمت، دگر، بهاء. بهبود behbud: مص. قاوی بۇلماق، قوتورماق، آیینماق، ساغلیق، سلامتلیق.

بهت boht: [ع] یلان تهمت، قارالاما، قارچکمه، تهمت اتمه.

بهتان t.bohtān: [ع] تهمت، میجابت، قارالاما، یلان تهمت قارالیق یاپما. بهتر behtar: ص.ت. قاوی راق، یاغشی راق.

بهرداری t.behdāri: سساغلیق ساقلایش اداره سی.

بهداشت t.behdāšt: مص. پاکیزه لیک، آراسسالیق، سساغلیغی ساقلایش بۆلومی.

بهر bahr: ۱. قسمت، نصیب، پای. بهر t.bahr: دووینینگ یارسی، البته

۱۶ دووین بیر ذرع بولیار.

بهر bahr: نصیب، پای، نپ سبب، ضرار، اوچین.

بهرمند bahre-mand: ص. (= بهره‌مند) نپلی، پیدالی، خیرلی.

بهروز tbehruz: ص. خوش گون، اؤنگات گون، یاغشی گون.

بهروز tbehruz: ۱. قویی گوک رنگده بۆلن ییلدیراویق بلور ۲. هندی کندر.

بهره bahre: ۱. قسمت، نصیب، پای، پیدا، نپ.

بهره‌برداری tbahre-bardāri: ص. پیدالانماق، خیرلانماق، زراعتدان اؤنوم آلماق، کارخانانینگ اؤنومینی ساتماق.

بهره‌ور bahre-war: ص. نپله‌نین، پیدا تاپان، نپلی.

بهزاد behzād: ص. مر. ۱. قاوی نسللی، تیلی، اصللی ۲. آدمینگ آدی.

بهشت behešt: ۱. جنت، اؤچماخ، اؤچما، بهشت.

بهشتی behešti: ص. ن. بهشته باغلی، بۆلن، بهشته دگیشلی، بهشتلی، خیراتلی، بهشتی، بهشت نصیب بۆلن.

بهلول bohlul: ص. [ع] گولر یوز آدم،

آچیق آدم، طایفا تیره‌نینگ اولوسی.

بهم be-ham oftādan: افتادن

مص. مر. بیلک کجالیک ادیب

اوروشماق، ایکی، یا ناچه نفر بۆلۆپ

چکله‌شیپ سؤوش اتمک، یا قالاشماق.

بهم بستن be-ham bastan: مص. مر.

چاتماق، بیرری بیرینه چاتماق،

دانگماق، باغلاماق.

بهم پیوستن be-ham peywastan:

مص. ل. بیرریگمک، ساپیلماق،

دوشوشماق، بیر بیرینه یاییشماق،

چاتماق.

بهم زدن be-ham zadan: مص. م.

خرابلاماق، بولاماق، پوچ اتمک، آختار

دونگتر اتمک، قارماق، پوزماق، بیرری

بیرینه اورماق.

بهمن bahman: ۱. شمسی ییلینگ اون

بیرینجی آیینینگ آدی.

بهمن bahman: ۱. قارنگ داغا کوپ

یاغیپ ییغنانیپ یلینگ گویجی بیلن

باش آشاق انگپ اؤنگونده، یولیندا

ناما بولسا ویران اتمه‌کی.

بهمن bahman: ۱. اوتونگ بیر

گۆرنوشی.

بەھمنش beh-maneš: ص. مر. قاوى
قېلىقلى، اۋنگات اخلاقلى، گولر يوز،
آچىق.

بەنام beh-nām: ص. مر. ياغشى آدلى،
ياغشى آد آلان آدم، آبراىلى آدم،
قاوى آديغان آدم.

بەھوش be-huš: ص. دهنلى، هوشلى،
دوشونجەلى، عقللى. بەھوش باش:
هوشلى بول، آگاه بول.
بەھى tbehi. بە.

بەھى behi: ص. [ع] قاوى، آوادان،
گۈزىنوكلى، ياغتى، آيدىنگ، پارلاق.

بەھى behi: ۱. م. ص. قاويلق، ياغشىلىق.
بەھيار beh-yār: ص. آموزشگاهدا،
پرستارلىق دورەسىنى اوقونى
قوتازىپ درمانگاهدا و يا كسلخانەدا
ايشە باشلان آدم.

بەھيارى beh-yār-i: م. ص. ايشى و
درجەسى، اورنى بەھيار بۇلان،
بەھيارلىغا يتن، تانىلان، قاويليغا
يارانلىق.

بى آب bi-āb: ص. مر. ۱. سووسىز،
سۇو بۇلمادىق ىر ۲. آبراي سىز،
اوتانچ سىز معنيده.

بىابان tbiyābān: ص. حرا، دون چۇل،
يابان.

بىات bayāt: ىرانى سازلارىنگ
بىرى نىنگ آدى: بىات اصفهان، بىات
ترك ديىن يالى.

بىات bayāt: م. ص. [ع] ۱. دوشمانا
چوزىش اتمك اوچىن گىجە قالماق
۲. گون آشان قاتى چۆرك قاقان.

بىات bayāt: ۱. اىرانى ترك
طايفالارىنگ بىرى ۲. لرستانده بىر
قالانىنگ آدى.

بى احتياط bi-ehtiyāt: آداداسىز،
فكرسىز.

بى اختيار bi-extiyār: ترك سىز،
اوزونده ارک بۇلمادىق.

بى ارزش bi-arzeš: اوجىت سىز
دگرسىز.

بىاض bayāz: [ع] آق.
بى اعتناىى bi-e'tenāi: آسگرمة-

سىزلىك، اهميت برمة سىزلىك،
آنگشارماسىزلىق.

بى امان bi-amān: ص. مر. رحم سىز،
يورهگى قارا و قاتى.

بىان bayān: م. ص. [ع] ۱. آشكار
بۇلماق، تاپىلماق، ۲. دىلە وارلىق و
آچىق سۆزلىك، آچىقلاما، تعبىر،
بىان اتمك.

بى ايمان bi-imān: ص. مر. ايمانى

بولمادیق، ایمانسیز، اعتقادسیز.

بی باک bi-bāk: ص. مر. قورقمازاق،

باتیر، قوجورلی، قایدوسیز، غیراتلی.

بی برگ bi-barg: ص. مر. یاپراق سیز

آغاچ.

بی برگشت bi-bargašt: ص. مر. ایزینا

قایتماز بولان، ایزینا اوورولمز بولان،

ایزینا اوورولمەدیک.

بی بضاعت bi-bezāt: سرمایە سیز،

الی دار، ماتاچ، فقیر، یوقسول.

بی بندوبار bi-band-o-bār: یل

دوزگونینه و عادتینه و داب دستورینه

گیتمه یان، کوپچیلیگینگ دابینه

بویون اگمه یان.

بی بهره bi-bahre: ص. مر. نصیب سیز،

پای سیز، زات سیز، یوقسول.

بی پایان bi-pāyān: سؤنگ سیز،

سونگی بولمادیق، آخری بولمادیق،

ایمغیر.

بی پروا bi-parwā: ص. مر. قورقمازاق،

کله پروای، یوزی نینگ اوغرینده

بۇلان، آلا داسیز.

بی پناه bi-panāh: ص. مر. هیچ

زات سیز، اینداوسیز، دوست-یارسیز،

آرقاسیز، پناه سیز.

بی پول bi-pul: ص. مر. پول سیز، پولی

بۇلمادیق.

یت t.beyt. [ع] اوی، تام، بیوت، بیوتات

جمع. شەردن ایکى مصرع،

قوشنى دن ایکى سطر، ابیات جمعی.

بی تاب bi-tāb: ص. مر. بیقرار،

جیدامسیز، اینجالیق سیز.

یت الحرام t.beyt-ol-harām. [ع] خ.

کعبه اوی، کعبه، بیت الله، الله نینگ

اوی، خدانینگ اوی، اول مشرک لر

اوچین حرام بۇلماغنا گوراً سؤنگ

شيله آد قویلیب دیر.

یت الله t.beyt-ol-lāh. [ع] مر. کعبه،

خدانینگ اوی، کعبه اوی.

یت المال t.beyt-ol-māl. [ع] مر.

یوردونگ خزینه سی، اسلامی

دولت نینگ خزینه سی، یووردینگ

خزینه سی.

بیجا bi-jā: ص. مر. جای سیز،

سبب سیز، دلیل سیز.

بیجک t.bijak. بۆلک کاغذ،

ساتیجی لارینگ زادى نینگ هیلنى و

سانینى یازیب ایبریان کاغذی،

آلیجی خطی.

بیچاره bi-čāre: ص. مر. چاره سیز،

علاج سیز، اوغرىن یتیرن، پناه سیز،

یوقسول، ماتاچ، بیچاره، تاقا داسیز.

بی چشم ورو bi-češm-o-ru:

ص.مر.کنایه سؤزوندن حیاسیز،
شرم سیز، اوتانچ سیز، سؤوم سیز.

بیچون bi-čun: ص.مر.تای سیز،
دنگ سیز، منگز ش سیز.

بیی چون وچرا bi-čun-o-čera:

کپ سیز، سؤز سیز، گؤرونک سیز.

بی حال bi-hāl: ص.مر.عجیز، یارامان،
یاغدا ی سیز، توقاتلی، حال سیز.

بیحد bi-had: ۱.بیچاق، چاک سیز، چن
چاق سیز، حد سیز.

بیخ bix: ۱.دویپ، کوک، ریشه، اساس.
بی خانمان bi-xānman: ص.مر.عیال

اوغلان اوشاق سیز و اوی ایل سیز
ساللاخ، آواره، سرگردان.

بی خرد bi-xerad: ص.مر.عقل سیز،
نادان، سامسیق، علم سیز، آقماق،
دوشونجه سیز.

بی خواب bi-xāb: ص.مر.اوقی سیز،
یاتیب بیلمه یان، اوقلاب بیلمه یان.

بیخود bi-xod: ص.مر.بی هوش،
هوش سیز، حال سیز یاغدا ی سیز،
کله سینده هوشی بؤلما دیق،
ارک سیز، آلجرا نک.

بی خیال bi-xiyāl: ص.مر.[ع] اوی
فکر سیز، انته شه، قایفی غم سیز.

بید bid: سایه لی آغاج، سؤووت

آغاجی.

بید bid: ۱.گۆیه.

بیداد bidād: ۱.ص. ۱. ظلم، ستم ۲.
ظالم.

بیداد کردن bidād kardan: ص.م.
ظلم اتمک، ازمک، ستم اتمک،
حورلاماق.

بیدار bidār: ص. اویا، اوقلاما دیق.
بیدار باش bidār-bāš: ۱.ویا بولونک

دیمک، دانگدان سربازلاری اوقی دان
توروزماق اوچین چالینان شیپور.

بیدار خواب bidār-xāb: ص.مر. اویالی
اوقیلی بؤلماق، اوقلامان اویا بؤلماق.

بیدار شدن bidār šodan: ص.ل.
اوقودان توروماق، آگاه بؤلماق.

بیدار کردن bidār kardan: ص.م.
اوقودان توروزماق، آگاه اتمک، خبردار
اتمک، اویان دیرماق.

بیدخ tbaydax: ص. ییلدام، یوؤروک،
اؤرۇش آطی، سؤۇش آطی.

بیدخت tbaydoxt: زهره ییلدیزی.
بی درمان bi-darman: ص.مر.درمان سیز،

دردینه درمان تاپیلما دیق.
بی درنگ bi-derang: ص.مر.درو،

چالت، چاققان، کوتگیرمان.
بی دریغ bi-dariq: دوریم سیزلیق،

آیاماسیزلیق و قایغیرماسیزلیق بیل

جومارتلیق بیلله گجریم لیک.

بیدستر bidastar: ۱. قوندوز.

بی دست و پا bi-dast-o-pā: ص. مر. ال

آیاغی ماییپ موجریب بۆلن، یارامان، عاجز.

بی دوام bi-dawām: مر. دوریم سیز،

باسیم آرادن چیقپ نابود بولیان،

ارمک، وارسیز، دوام سیز.

بی دین bi-din: ص. مر. مذهب سیز،

دین سیز، دینی بۆلما دیق.

بیر bir: ۱. یورغان دوشک، یاتماق

اسبابی، یاتماغا گرکلی زاتلار.

بیر bir: ۱. ییلدیریم، توفان، یللی

چاغبالی یاغین غار غای.

بیراه bi-rāh: ص. مر. انصاف سیز،

گمراه، یۆلۆنی یترن. انصاف سیزلیق.

بیراهه tbi-rāhe: ص. یولی بۆلما دیق،

یول ایزسیز، مقصده یتیب بۆلما جاق

یول، اگر ی نادوغری یول.

بی رحم bi-rahm: ص. مر. [فاع]

یوره کی قاتی، ظالیم، ستم کش،

ایزغیت سیز، دونگ یورک، رحم سیز.

بیرگ bi-rag: ص. مر. کنایه سۆزیندان

غایرات سیز، تعصبی بۆلما دیق،

قۇجۇرسیز.

بیرون tbi-run: ۱. داشاری، زادینگ داش

طارافی.

بیرون شدن birun šodan: مص. ل.

داشاری چیقماق.

بیرون کردن birun kardan: مص. م.

داشاری چیقارماق.

بی ریا bi-riyā: ص. مر. ریاسیز، ایل

گۆزی اوچین بولمان خدای اوچین

بولان ایشلر.

بی ریخت tbi-rixt: ۱. درنج، الهنج،

یاراشیق سیز، گلشیک سیز.

بیزار bizār: ص. بیر زاتدان یوز

اوویرمک، بیر زادی حالامان اوندان

قاچماق، بیزار، یادماق.

بیست bist: ۱. سان دان ۲۰، بیگریم.

بی سروپا bi-sar-o-pā: ص. مر.

ساللاخ، بیچاره، اصل سیز، تی سیز.

بی سروته tbi-sar-o-tah: ۱. غور سیز،

باش سیز، گۆت باش سیز.

بی سروصدا bi-sar-o-desā: ق.

دینج، سس، اوین سیز، قیقیلیق سیز.

بیش از حد biš-az-had: چاک سیز.

بیشترین bištarin: کوپراگی، کانراگی.

بیشمار bi-šomār: ص. مر. سان سیز،

بی حساب، کوپ، کان.

بیشه biše: ۱. جنگل لیک، قارقى اکزلیک،

آغاچینگ کوپ بیتن یری، توقای.

بی صبر bi-sabr: ص. مر. [فاع]

صبر سیز، جیدام سیز، طاقت سیز.

بيضة t.beyze. [ع] خايا، قوتداق،

تاششاق، يومورتقا.

بى طاقت bi-tāqat: ص. مر. عجيز،

ياراماز، زوردان، جيدام سيز،

دوريم سيز، اينجاليق سيز.

بى طرف bi-taraf: ص. مر. طرف سيز،

هيچ كييمينگ طرفنى چكمه يان،

توتمه يان.

بيعانه t.bay'āne. مر. اۈنگوندن

سودانينگ قايملىنى اوچين پول

كچيرمه، آليش برش ده ساتيجا

بريليان پول، بيعانه.

بيعت t.bey'at. [ع] عهد و پيمان،

شرطنامه، دۈستلۇق باغلاماقلق،

وفاللىق، مسلمانلار خليفه بيلن

دۈستلۇق و وفاللىق اوچين باغلان

عهد و پيمانلىرى.

بى عرضه bi-orze: ص. مر. [فاع]

تاقاداسيز، همت سيز، ياراشىق سيز،

باشارنىق سيز.

بى عصمت bi-esmat: ناميس سيز،

آبراى سيز، گناه دان فسق و فجوردان

قاچمايان.

بى عقل bi-'aql: ص. مر. نادان،

بيليم سيز، دوشونجه سيز، عقل سيز،

سامساق.

بى علاقه bi-'alaqe: ص. مر. هيچ كيمه

هيچ زادا هوسى بۇلمايدىق، مىلى

بۇلمايدىق، ميل سيز.

بى عيب bi-'eyb: ا. م. وين سيز،

عيب سيز.

بىغوله bayqule: ا. چت، بوچ،

يول سيز، خرابا، اوبادان اۇزاق، قيراق.

بىفتك biftek: ا. مر. سيفيرينگ

اتىندن قاووويرىپ بشيريليان

داماق - اييمت.

بى فرهنگ bi-farhang: ص. مر. ادب

اركان سيز، پاكيزه بۇلمايدىق، آراسسا

بۇلمايدىق تربيت سيز، بيليم سيز،

مدنيت سيز.

بى فكر bi-fekr: ص. مر. ايشينگ

سۈنگۈنى گۈزله مه يان، سۈنگۈنى

سايفارمايان، اوى - فكر سيز.

بىكاره bi-kāre: ص. مر. بىكار،

هنارسيز، ايشرسيز، يۈنه ساللاخ

ايغىپ يۈرن.

بىكران bi-karān: ص. مر. سۈنگ سيز،

چن - چاق سيز، چاك سيز.

بىكس bi-kas: ص. مر. يكه، يالنگيز،

ايدگ سيز، دوست يارسيز، ايه سيز،

قارينداش سيز.

يېگ beyg: ص. ت. امير، اولى شخص،

باشلىق، قديملاردا شاهزاده اميرلره و

قوشون باشلىقلاردا بريليان آد.

یگار bigār: مزدسبز ایش، حقسبز

ایش، موغت ایش.

بیگانه bigāne: ص. ناتانیش،

کسه‌کی، آیری یورتلی، غیری، یاد
آدم، اوزگه، بیگانه.

بیگانه‌پرست bigāne-parast:

ص. فا. ناتانیش کسه‌کی و غریبه‌لار
بیلن ایلااشیان، قاوی چیقیشیان
آدم، بیگانه‌لرینگ نفعینه ایشلاپ و
ایلدش‌لرینگ زیانینا ایش ادیان آدم،
غریبه پرست.

بی‌گزند bigazand: آسیب‌سبز،

ضرر‌سبز، نقصان‌سبز، شکست‌سبز.

بیگم bigom: ص. ت. عیال لقبی،

خاتین، التی اجه، کیوانی، دیین یالی،
بیگ اولی معنیده یعنی منینگ بیگیم
دییمک.

بی‌گمان bi-goman: ق. شک‌سبز،

گمان‌سبز، شُبّه‌سبز،
گورمورتیک‌سبز.

بی‌گناه bi-gonāh: تقصیر‌سبز،

عاصی بۆلمادیق، یازیق‌سبز،
گناه‌سبز.

بیل bil: ا. آ. بیل، یر قازیلیان قۇرال.

بیلان bilān: ا. [فر] بیر ادارانینگ یا

قۇرامانینگ بیر بیل ده گیرده‌جی و
چیقداجی‌سی‌نینگ حسابین

گۆزکیان بیلان آدیندا یازغی.

بیم bim: قۇرقی، خوف، ایمنج،
اویشونمه.

بیمار bimār: ص. ناساغ، سیرقاو،
مريض، ناخوش.

بیمارستان bimār-estān: ا. مر. کسل
خانا، مريض خانا، ناساغلار اوچین
یوریته دیکدیلن جای، شفاخانه.

بیماند bi-mānand: ص. مر. تایی‌سبز،
منگزش بۆلمادیق، اگیرت، قاوی لیفا
اربت‌لیگه تایی بولمادیق.

بیمایه bi-māye: ص. مر. مایه‌سبز،
دویپ‌سبز، اصل‌سبز، ال دار عجیز.

بیمناک bim-nāk: ص. قۇرقولی،
خوفلی، قۇرقی گتیریجی.

بیمه bime: ا. دوشن چیقداجینی
ضرری تۆله‌یان یوریته بللی اداره،
الته اوزال اؤنؤنگ قارشى‌سینده
آی-دا بیر بللی حقى تۆله‌مه‌لی
ادیلن.

بَیْن bayyen: ص. [ع] آچیق، آشکار،
آییل ساییل.

بین beyn: ا. [ع] اورتا، آرا.

بینا binā: ص. فا. گۆرگور، خبردار، آگاه،
بیلیجی.

بین‌الملل bin-ol-melal: [ع]
بیرلشن ملت‌لر قۇراماسی،

شیلہ - دہ بیرلہ شن خلق آرا
قوراماسی.

بی نام bi-nām: ص. مر. ۱. آدی
بۆلمادیق، آدسیز ۲. آدی ییتن،
گمنام.

بی ناموس bi-nāmus: ص. مر. [فاع]
آبرای سیز، نامیس سیز.

بینایی bināi: ا. مص. گۆرگورلیک،
دوشونجه لیک، گۆز آچیق لیق.

بین خود tbeyn-e-xod: وز آرا.
بینش bineš: ا. مص. ۱. گۆرگورلیک،

گۆرهچ لیک، گۆرهچن، گۆروجی لیک،
گۆزی آچیق لیق، ۲. نظر معنیده.

بی نشان bi-nešān: ص. مر. ایزسیز،
بلگی سیز، اثرسیز، آدی سولی

بۆلمادیق، یتپ گیدن، نشان سیز.
بی نظیر bi-nazir: تای سیز، تایی

بۆلمادیق، دنگی بۆلمادیق،
منگزش سیز.

بی نماز bi-namāz: ص. مر. نمازسیز،
نماز اوقیمایان، بی نماز.

بی نمک bi-namak: ص. مر. ۱.
دۆزسیز؛ کنایه سۆزۆندن؛ الی دوزسیز

۲. قیلیق سیز، خاصیت سیز.
بیننده tbinande: فا. ۱. گۆرجی ۲.

گۆز، گۆرهچ معنیده، بینندگان جمعی.
بینوا bi-nawā: ص. مر. زات سیز،

یوغسول، عجیز، بیچاره، ماتاچ،
غریب.

بی نهایت bi-nahāyat: ص. مر. ۱.
سۆنگ سیز، ایمنیر، چاک سیز،
سونگی بۆلمادیق ۲. آنگیرباش کوپ.

بینی bini: ا. بۆرؤن.
بی نیاز bi-niyāz: ص. مر. قدرتلی،

قۇجۇرلی، قۇرلی، ماتاچ بۆلمادیق،
قۇرلی، باراندالی آدم، بای آدم.

بیوگراف tbiyogerāf: [فر]
یاشاییش حالی یازیان، ترجمه حالی

یازیان، یازجی.
بیوگرافی tbiyogerāfi: [فر]

یاشاییش حال، ترجمه حال.
بیولوژی biyoloži: ا. [فر] علمی

یاشاییش، دیری جاندارلار باراسیندا
بحث ادیان علم.

بیوه biwe: ص. آری اؤلن عیال، دؤل
عیال.

بی همتا bi-hamtā: ص. تئای سیز،
یالنگیز، سینگگیر، تایی بۆلمادیق.

بیهوده bihude: ص. باطل، پۇچ،
بیدرک، پیداسیز.

بییهوش bi-huš: ص. مر. هوش سیز،
سنگسه، دوشنوک سیز، آنگ سیز.



پ pe: فارسی الیپسی نینگ

اوچنجی حرفی، ابجد حسابیندن (۲)،

بو حرف عرب دیلینده یۇق.

پا pā: (= پای) ۱. آياق.

پا انداز pā-andāz: ۱. مر. آياق آستا

اوقلانا، آياق آستا اوقلانیان دوشک.

پایا pā-be-pa: ق. همرا، یولی بیر، بیر

آردیم آزالیقدا، یولداش، تیرکشمه.

پایا کردن pā-be-pā-kardan:

مص.م. حسابدارى آدالغاسینده،

آلغینگی باشغا بیرى نینگ آلفىسى

بیله دنگله مک و قبول اتمک.

پا برجا pā-barjā: ص.مر.برک، قایم،

ماکام، پوختا، دوروملى، سارسماز.

پا برچین pābar-čin: ق. م. آستا

بیرھیل یوواشلیق بیلن آياق باسماق

پا برهنه pā-berahne: ص.مر.آياق

یالانگ، آياق یالانگاچ، کؤووش سیز.

پا بست pā-bast: (= پای بست) ۱. ص.

آياق باغلى، دانگیلنى، آياغى

دانگیللى، ایشه هؤوسى بؤلما ديق.

پا بلند pā-boland: ص.مر.آياغى



پابند



پاجو

پايچ pā-piç: ۱. مەر. آياغا يەنى
اينجىگە اۇراليان دۇلاق.

پاپيون pāpiyun: ۱. [فر] ۱. كېلەك،
شاھپەر، ۲. پوكولينگ و كراواتينگ
بىر گۇرۇشى.

پاپيون tpāpiyun: [فر] ماييمينگ
بىر گۇرۇشى هېلى، ماييمين.

پاتريس pātris: ۱. [فر] روم
امپراطورلارينگ مصلحتچىسى-
نينگ مخصوص آدى و لا قامى.

پاتۇق pātuq: ۱. مەر. علم جايى، بايداق
تيكىلىپ تۇۇرگىنە اويشوليان يىر
بىللى وقت يىغنائىليان جايى.

پاجوش pā-juš: ۱. مەر. آغاجينگ
قابدا ليندان اوزياشينا چىقايان شاخا،
اوسونتگىسى، بچەلمەسى.

پاچال pā-čāl: ۱. مەر. ۱. اۇى، قۇرپ،
اولى چوقور، ۲. دكانچى لرينگ دكاندا
دوروپ زات ساتيان يىرى.

پاچراغ pā-čeraq: ۱. مەر. چراغ يىرى،
مسجىدلردە چراغ اوتور دىليان جايى،
چرا جايى.

پاچه pāče: ۱. بيشيريلن آياق، دابانندان
ديزا چنلى.

پاد pād: ۱. ۱. ساقلاو، قازاويل،
قازاويللىق ۲. تخت معنى ده.

پاد pād: ۱. اولى، بىيىك.

اوزين، آياغى اوزين حيوان، ديه آت
قاتير يالى.

پابند pā-band: ۱. ص. ۱. دوشاق،
كوسسگ، حيوانلارينگ آياغىنى
باغلانيان يوپ، آياغ باغ ۲. الى باغلى،
يا بىر زادا علاقهسى بولان پاي بند و
پايوند و پاوند هم دىيىلىپدير.

پابوس pā-bus: ۱. مـص. آياقدان
اوپـمك، آياقدان اوغشاماق،
بىرى نينگ آياغنا يىقىلماق، زيارت
اتمك.

پاپ pāp: ۱. مەر. قاقا، رومده ياشايان
كاتولىك مذهبينگ رهبرى، باشىلىغى.
پاپا pāpā: ۱. [فر] داده، آتا.

پاپاخ pāpāx: ۱. درى پاپاغينگ
اولوسى، پاپاق.

پاپك pāpak: ۱. بابك، كىجى داده.
پاپوش pā-puš: ۱. مەر. ۱. كۇووش، آياق

قاب، ۲. گوچمه معنىده، بىرى نينگ
دوشمانلىقدان غارالاب ترسىنه
پرونده دوغورلاپ دوزاغا دوشورمك
قصدينده بولان، آزار يـتـيرـمـك
قصديندا بولماق.

پاپى pā-pey: ۱. مەر. ايزيندان گىتمك.
پاپى بودن pā-pey budan: بىر
ايشينگ ايزينده بۇلماق، بىر ايشى
ايزارلاماق.

پادار pā-dār: ص. مر. برک، قایم،

پوختا، باقی، برقرار.

پاداش pā-dāš: ا. مزد، اجیر، قاتانج،

آقلیق، یاغشی یامان ادیان ایشینگ

اجری.

پادرختی pā-deraxt-i: ص. مر. آغاچ

باشیندان یره دوکولیان ایمیش، میوه.

پادرد pā-dard: ا. مر. آیاق آغیری.

پادرهوا pā-dar-hwā: ص. مر. ۱.

ارمک ادیلن ایش، اساس سیز ایش ۲.

یالان سوز، اوغور سیز پوچ گپ.

پادزهر pād-zahr: ا. آوی زهرینگ

قارشى سی، آوینگ ترسینه بولان،

آوی نینگ ترسینه یوریان نارسه.

پادشاه pādešāh: ا. ص. حاکم،

بویروقچی، سلطان، یورت ایه سی،

تاج تختینگ ایه سی.

پادگان pādegān: ا. ساقلاو،

سربازلارینگ ساقلاولوق ادیپ

دوینه یان یری، مکانی.

پادو pādu: ا. ص. شاگرد، یورتاویل،

خدمتکار، قوللوقچی، یوموش اوغلان.

پاده pāde: ا. سوری، مال سوری سی.

پاده بان pāde-bān: ا. ص. چوپان،

ساقچی، پاسبان دیپ-ده آیدیلیار.

پار pār: ق. گچن ییل، اوتن ییل.

پار pār: ص. مخفف پاره: کؤنه اسگی،

بۆلک ماتا.

پار tpār: رشوه، پول دیر یا مال، بيله

حقى ناحق اتمک اوچین قاضا

بریلیان پاره.

پارا pāra: ا. مر. بریلیان پاره.

پارابلوم tpārāblom: [فر] بيله

باغلانیاں کیچی یاراغ، موززیر.

پارازیت pārazit: ا. [فر] ۱. آیری

آدملارینگ گیرده جی سینه یعنی

پولی بیلن گذران ادیان مفتخورلار ۲.

آدمینگ اندامی نینگ ایچی داشیندا

یاشاپ اوندان اییمیتلنیاں جانلی و

قالییرسه-ده الکترو مغناطیس

گویجی بیلن دؤره یان سس.

پاراف pārāf: ا. [فر] قیسفا قول

چکمه، کیچی امضا، کیچی قول

چکمه.

پارافین pārāfin: ا. [فر] موم یالی

نارسه آق بلوریالی ایس سیز طغام

سیز نفتینگ آغیر یاغلاریندان اله

گلیب بیر ناچا درمانلار و

زینتلیکلره گرکلیکلر، شمع

یاسالیان یرلرده اوندان پیدالانیلیار.

پاراگراف pārēgrāf: ا. [فر] بو بیر

بولک، بیر پارا کتابدان یا باشفا

یازغى دان، کیچی بۆلک یا باشفا

یازغیدان سؤنگ شولار یالی §

علامت.

یر، کوپینگ گزهلنج و سیرادیان
جایی.

پارک pārk: ۱. [انگ] ماشین لارینگ
دورالغا یری، ماشین لارینگ دوینه یان
مکانی.

پارکینگ parking: ۱. [انگ]
ماشین لارینگ دوینه یان یری، ماشین
پارک ادیلیان قویولیان مکانی.

پارلمان pārlemān: ۱. [فر] ۱.
مشروطه و جمهوری یوگرت لارینگ
ملتی نینگ وکیل لری نینگ یوزیته
قانون لارینی بیر آغیزدان ماقوللاپ
دوزگونلشدیریان یری ۲. دولتینگ
ایشینه یتشیکلیک ادیان، یری،
شیله ده ایرانینگ میلیسی
(مجلسی) شورای اسلامی دیر.

پارو pārū: (=پاروب) ۱. مر. کورک،
حوری، چاپا منگزش نارسا، اؤنؤنگ
بیله سوده قایق، تایمیل دوممال یالی
گامینی سورولیار.

پاره pāre: ص. بؤلک، پارچا،
بیرزادینگ بوله گی، اگین اشیکه
سالینیان یاما.

پاره pāre: سال سال، یرتیق ایریک.
پاره پوره pāre-pure: سالام ساجام.
پاره دوز pāre-duz: ص. فا. یاماچچی،
کؤووش دیر اگین اشیک یالی زادی

پارت pārt: ۱. اوچوجی قوشلارینگ
بیر گورنوشی، اتی حلال قوش. اولی
یعنی کاکلیک یالی چونتی اوزین
اونگا چونتی اوزین هم دیییلیار.

پارتی pārti: ۱. [فر] بولک، تیکه،
دسته، ضرب، حمایتچی، جانبکش.
پارتی pārti: ص. ن. پارتا باغلی بولان،
پارت دیلی، قدیم اشکانی لارینگ
رسمی دیلی.

پارتیزان pārtizān: ۱. [فر] جانبکش،
طرفدار، سرباز، چریک، حمایتچی.

پارچ pārc: ۱. سوو ایچیلیان قاب،
کوروشگه، جونگول، چلک مارداق.

پارچه pārcē: ۱. بؤلک، تیکه، متا، اگین
اشیک تیکیلیان ماتا.

پارس pārs: ۱. ایتینگ هاولاماسی،
ایتینگ اویرماسی.

پارس pārs: ۱. ایرانی لارینگ قومی،
گون اورتا طرفیندا یاشایان
آدملارینگ آدی، فارس.

پارسا pārsā: (=پارسای) ص. زاهد،
تانگرینی تانیچی، تقوا خدایلیق لی،
خدایینگ قوللووغینداکی آدم.

پارسال pārsāl: ق. بیلدیر، گچن ییل،
اوتن ییل.

پارک pārk: ۱. [فر] کوپ باغ باغچه لی

پاسخ pāsox: ۱. جواب، جو غاپ،
قایتارغی.

پاسدار t.pāsdār: ص. قاراویل،
ساقچی.

پاسداری pāsdār-i: ساقچیلیق،
ایدگلیک.

پاسگاه pāsgāh: ۱. مر. ساقلیق
ادیلیان جای، یاسبانلارینگ جای،
نظامی مامورلارینگ و ساقچیلیق
ادیان یری.

پاسنگ pāsang: ۱. پارسنگ، میزان
ترهزی نینگ داشی.

پاشکسته pā-šekaste: ص. مر. ۱.
آیاغی دؤوۆلن، آیاغی دؤوۆک ۲.
کنایه سؤزۆندن: یاراماز، عاجز، عجیز
و یردن قالا بیلمه یان.

پاشنه pāšne: ۱. اوکچه.

پاشنه کش pāšnekeš: ۱. مر. کؤوۆش
گیمک اوچین اولانیلیان قۇرال.

پاشیدن pāšidan: ص. پیتراتماق،
سپمک، ساچماق، داغیتماق.

پافشاری pā-fešari: ۱. دورنوقلیق،
جیداملیلیق، آیاق دیره بییش،
کپینگده برگ دورماقلیق، آیاق
دیره مک.

پاک pāk: ص. ۱. آراسسا، آریغ،
هافالانمادیق، بولاشمادیق، ۲.

یامایان آدم.

پازند t.pāzand: زندی لرینگ

کتابی نینگ تفسیری، ترجمه بولانی.

پازند t.pāzand: ۱. یکی آغاجینگ بیر
بیرینه سویکاب چاقیشدیریپ
یاقماق، اود چاقماق.

پاس pās: ۱. ساقچیلیق،
ساقلاماقلیق ۲. پارچا، بۆلک یا گیجه
و گوندیزینگ بیربوله کی.

پاسارگاد pāsārgād (= بازارگاد) ۱.
قدیم دؤویرده هخامنشی لرینگ
پایتختی.

پاسارگاد pāsārgād: ۱. پارسیان ادلی
شهر، اول هخامنشی لارینگ قادیم
پایتختی.

پاساژ pāsāž: ۱. مر. بازارچا، وتلگه،
گذرگاه، تیمچه، گچیت، اوتوک.

پاسبان t.pāsbān: ص. قراویل،
ساقچی، شهر ساقلاجی سی نظمیه
اداره سنینگ ماموری.

پاسپورت t.pāsport: [فر] تذکره،
باش بیلیت، گذرنامه.

پاستوریزه pāsturize: [فر] علمی
اصول بیلن سویت و ش.م نارسه نی
اونگات قاینادیب زیانلی میکرب
لرینی علمی اصول بیلن یوق ادیلمه
و ادیلمک.

خدای لیلی، دوغروچیل، پاکان جمع.
پاک pāk: ۱. [فر] پاک آدلی عید،
یهودی لرینگ هر ییلدا مصردن جدا
و اوز باشداق بؤلماغی اوچین توتیان
عیدی و بایرامی.

پاکت pākat: ۱. [فر] کاغذدن بوقجا،
مقوادان و کاغذدان بجرلن کاغذ
بوقجاسی، پاکت.

پاک تن pāktan: ص. فر. ۱. اگنی
آراسسالیق، آراسسا انداملی ۲.
نجیب.

پاکدامن pāk-dāman: ص. فر. نجیب،
نامیسلی، نامیس جانگ، شرفلی،
اتهگی پاک بولان.

پاکدل pāk-del: ص. فر. یورکی
کینه سیز، آق یورک، یورک گونگلی
آچیق، حیلہ سی بؤلما دیق.

پاکردن pā kardan: مص. م. کزووش
دیر و اگین-اشیک جولبار یالی گیمی
آیاغا گیمک.

پاکروان pāk-rawān: ص. مر.
یورکی کونگلی آچیق آراسسا
آصیل زادا، تویس آتاسی نینگ دولی
بولان.

پاک سرشت pāk-serešt: ص. مر.
یاغشی، آراسسا، اصل زادا و اونگات
قیلیقلی، طریقت و مذهب یولوندا

یوقار درجده بولان، زانتلی.

پاک طینت pāk-tinat: ص. مر.
یاغشی زانتلی، اونگات قیلیقلی،
کونگلی آچیق، قاوی قیلیقلی،
آراسسا، پاک.

پاک نژاد pāk-nežād: ص. فر.
اصللی، تویس آتاسی نینگ دولی
بولان، اصل زادا.

پاک نویس pāk-newis: ۱. [فر] ایلکی
یازیلان یازغی نینگ یوزوندن ایکیلپ
آراسسا یالنگیش سیز یازماق.

پاک نهاد pāk-nahād: ص. مر. قاوی
قیلیقلی، اونگات پاللی، کونگلی
آچیق، اصل زادا.

پاکوفتن pā-kuftan: مص. ل. آیاق
اورماق، اویون اوینا ماقلیق.

پاککی tpāk-i: مص. آراسسالیق.

پاکیزه pākize: ص. پاک و آراسسا،
بولاشیق سیز، گول یالی آراسسا
بولان، پاکیزه.

پالاس pālās: (= پلاس) ۱. پالاس.

پالان pālan: ۱. پالان، مالینگ آرقاسینا
مینمک و یوک اورماق اوچین
قویولیان نارسه.

پالان دوز pālan-duz: ۱. ص. پالان
تیکیان آدم، پالان تیکجی.

پالانه pālāne: ۱. حوت، اوستی



پاک

اورتگولی، قافی نینگ دغه سی، اوستی
باسیرغیلی، چار دیواری،
باسسانجاغینگ اوستی.

پالایش pālāyeš: ۱. مصص.
آراسسالاماق، تمیزله مک، نفت
آراسسالایان دستگاه و زاوود.

پالایشگاه pālāyeš-gāh: ص. مر. نفت
آراسسالان زاوود، نفت تصفیه
خانه سی.

پالتو pāltu: ۱. مر. اوزین قیش اشیک،
پالتون.

پالوده pālude: ۱. بوز یا قار و نشاسته
و شکر بیلن یوغوریپ بجریلیان
ساویق سویجی نارسه.

پالیز pāliz: ۱. باغ باغچه، بوستان، خیار،
قاوون، قاریز اکیلن یر.

پالیزبان pāliz-bān: ۱. باغ بوستان
ساقچی سی، گوک اکین اکیان
دایخان، تایخان.

پامال pā-māl: (= پایمال) ص. مذ آیاق
آستیندا دغه له نن، آیاق آستیندا قالان.

پامال شدن pāmāl šodan: (=)
پایمال شدن) مص. ل. آیاق آستیندا
دغه لنمک.

پامچال pāmčal: ۱. نوروز گل.

پاندا pāndā: ۱. [فر] اولولینی پیشیک
یالی خرسا-آیا منگزش حیوان.

پانزده pānzdah: ۱. اؤن باش (۱۵).

پانسمان pānsemān: ۱. [فر] یاپی
یارادیروباشی یوویب آراسسالاب
مرهم اتمک، یارانی درمان ادیب
دانگماق، ساراماق دانگماق.

پانسیون pānsiyon: ۱. [فر]
میهمانخانه ده و آیری بیر یردن بیری
مسکن توتوپ، اییمیت و اتاق
کرایه سینی آی به آی بریلمه لی
ادیلن.

پانصد pānsad: ۱. باش یوز

پانی pāni: ۱. سوو.

پاورچین pā-war-čin: ق. باسایین
می باسمایین می دیپ آستا
یوریمه گینگ بیر گورنوشی.

پاورقی pā-waraq: ص. کتاب دیر یا
گونده لیک و آی ده بیر گزگ چیقین
مجله نینگ آشاغیندا توضیح بریب
یعنی دوشوندیریش بریب یازیلیان
یازغی، صحیفه اته گی.

پایاب pā-yāb: ۱. مر. سوو دویبی،
سوو اته گی.

پایاب pāyāb: ۱. مر. طاقت، جیدام،
قوجورلی لیق، دوریم لی لیق،
ادرمن لیک.

پایاپای pā-ya-pāy: ق. آتمان تابار،
مال بیله مال سودا اتمک، باشاباش.



لتو



لسا

- پایان *pāyān*: ۱. آخر، سونگی، ایزی.
- پایان نامه *pāyān-nāme*: ۱. [فر]
- دکترلیک رساله سی، تز.
- پای برهنه *pāy-berahne*: ص. فر.
- آیاق یالانگ، آیاق یالانگاچ، کوووش سیز.
- پای بریده *pāy-boride*: ص. مر.
- آیاغی کسک، آیاغی کسین.
- پای بسته *pāy-baste*: آیاغی
- دانگنلی، آیاغی باغلی.
- پای بند *pāy-band*: ۱. ص. آیاق باغ،
- یوب، آیاق یوفی، مالینگ آیاغینی
- باغلانین دوشاق.
- پایتخت *pāy-taxt*: ۱. [فر] بیر
- یوردونگ رهبری نینگ یعنی
- باشلیغی نینگ یاشایان شهری و
- بولیان یری.
- پایدار *pāy-dār*: ص. فا. همیشه لیک،
- برک میداملیق، باقی، ماکام،
- دورنوقلی.
- پایدار ی *pāy-dār-i*: برکلی لیک،
- یوختالیق، دورنوقلی لیق.
- پایکوبی *pāy-kub-i*: ۱. مص. آیاق
- اورماق، آیاق دپک، اویون اویناماق.
- پایگاه *pāy-gāh*: ۱. مر. مکان، جا،
- مرنبه، درگاه، بوساغا، ایشیک، اورون،
- مقام.
- پایمال *pāy-māl*: ص. مف. دله له نن،
- آیاق آستیندا آورانان، آیاق آستیندا
- قالان.
- پایمرد *pāy-mard*: ۱. ص. قولدایجی،
- هارای یتیرن، مدد یتیریجی.
- پاینداز *pāy-andāz*: آیاغ آشاغا
- آتیلیان زات.
- پایندان *pāyandān*: ۱. کوووش
- چیقاریلیان ایشیک، غرامت کش.
- پایندان *pāyandān*: ۱. ص. ضامن،
- کفیل، آراچی.
- پاینده *pāyande*: ص. فا. همیشه لیک،
- ابدی لیک، ماکام، برک، باقی.
- پایه *pāye*: ۱. اساس، فوندامنت، دوپ،
- باسسانجاق، هرزادینگ دوپ
- پایه سیء درجه.
- پاییدن *pāyidan*: مص. م. قاراماق،
- باقماق، سراتمک، سره صاف بولماق.
- پاییز *pāyiz*: (= پاییزه) ۱. گویز، گویز
- فصلی، خزان اوروپ یاپراق دوکولیان
- چاغی.
- پایین *pāyin*: (= پائین) ص. ن. آشاق،
- اتک، آست.
- پتروشیمی *petrošimi*: ۱. مر. [فر]
- شیمیایی عمل لری بیلن چیگ نفت و
- طبیعی گاز صنعتیندن آلنایان اونوم لر.
- پتک *potk*: ۱. اولی چکیش، هوتدیک.

- پَتک patak: ۱. چوپانلارینگ دؤلاغی،
نوار، اینلی نوار.
- پتو pataw: گونش، گونه‌ی، گون
دوشیان یر، یان، طرف.
- پتو patu: ۱. آدیبول، اوسته اورتمه‌گه
پیدالانیلیان نارسه.
- پتیاره patyāre: ۱. ص. آفت، بلا، یارامان،
ارید ایش ادیان عیال، اربت مخلوق.
- پتيله patile: ۱. پلته.
- پخت poxt: ۱. مص. بیشدی،
بیشیردی.
- پخت paxt: ص. ۱. یایرایش، پیتراتما،
یایراتما.
- پخت paxt: ۱. اکین اشیکه باغلی،
بولان اکین اشیکه دگیشلی.
- پخت poxt: ۱. ص. (= پَخ) قابدال،
انگرگی بؤلمادیق، ییتی یری
بؤلمادیق.
- پختن poxtan: مص. م. بیشیرمک،
یانماق، کویمک و اورتمک.
- پختو poxtu: ۱. نگا. پُشتو.
- پخته poxte: ص. بیشن، تاین بولان.
- پخته poxte: ص. بیشیرگیلی، بیشن
میوه، بیشگیلی زادا باغلی.
- پخش paxš: ص. یایراتما، پیتراتما،
داغیتما.
- پخش کردن paxš kardan: یایراتماق،
- پیتراتماق، یایماق.
- پخمه paxme: ص. عقلی و
دوشونجه‌سی آز بولان، هوش‌سیز،
نادان.
- پداگوژی pedāguži: ۱. [فر] چاغلارا
علم بیلیم تربیه بریجی یولی،
معلم‌چی لیغینگ اصولی و فنی یولی.
- پدال pedāl: ۱. [فر] رکاب، اوزنگی.
- پدر pedar: ۱. داده، آتا، آقما، قاقا -
پدرام pedram: ص. شادیان، گوزل
لاشن، بزه‌لن.
- پدرانه pedarnāne: ق. ص. آتا
منگزش، آتا یالی.
- پدراندر pedar-andar: ۱. اووه‌ی آتا،
آتانگ یرینه قالان آدم، آتالیق ادیان.
- پدربزرگ pedar-bozorg: ۱. م. دادنگ
داده‌سی، قاقا.
- پدرخوانده pedar-xānde: ص. مر. آتا
یرینه قبول ادیلن، آتالیق.
- پدردار pedar-dār: ص. ق. ۱. آتاسی
بار بولان، ۲. کنایه سوزی، نجیب،
تویس، اصللی.
- پدرزن pedar-zan: ۱. مر. قایین آتا،
عیالینگ داده‌سی.
- پدرمرده pedar-morde: آتاسی اولن
چاغا، یتیم چاغا، آتاسیز.
- پدید padid: ص. آجیق، آیدینگ،

عیان، بللی، آشکار.

پدید آمدن padid āmadan: مص.ل.

آنیق بۆلن، بللی بۆلن، دۆران، یوزه
چیقان.

پدیدار padid-ār: ص.مر.اشکار، آنیق،

آیدینگ اتمه، ظاهر اتمه.

پذیرا pazirā: ص.فا. قبول ادیجی،

قارشى آلیجی، قارشى آلماق.

پذیرایی pazirāyi: حامص.

میهمان قبول اتمک، قوللیق اتمک،

خدمت اتمک، سیلاماق، حرمت

اتمک.

پذیرش pazireš: مص. قبول لانما،

قبول، حالانیش، قبول ادیش.

پذیرفتن paziroftan: مص.م. قبول

اتمک، حالاماق، بۆیؤن آلماق.

پر tpar: یلک، قانات قوش و ش.م.

یله گی.

پر por: ص.دولی، پره پر، دوب دولی،

قیرمه قیراد.

پرآب por-āb: ص.مر.سوودن دولی،

سوولی، سوولی میوه.

پرآفت por-āfat: ص.مر.کوپ

امگکی، قاتی دزدلی آفتلی، اؤران

کسللی، کسللی کوپ بۆلن.

پرآوازه por-āwaze: ص.آدلی،

مشهور، شهرتلی، بنام، دارابالی.

پراکندن parākandan: ص.م.

چاشیرماق، پیتراتماق، یایراتماق.

پراکنده parākande: ا.مف یایرانگ،

چاشغین، یایغین، داغینیق، پیترانگ.

پرانتر par-āntez: ا.فر[قوشا دیرناق،

سۆزلرینگ ایکی طرفیندا شونونگ

یالی () آچیپ قویماق.

پرانندن parāndan: (=پرانیدن)

مص.م. اوچورماق، تاشلاماق،

زینگماق.

پرباد por-bād: ص.مر.۱. یلدن دولی

بۆلن، یللی، چیشگین ۲. کنایه:

تکبرلی آدم، منلیکلی آدم.

پربار par-bār: (=فروار) جایینگ

دفعه سی، تومیس جای.

پربار por-bar: ط.مر.کوپ میوه لی

آغاچ، کان ایمیش بریان باغ، کوپ

حاصل بریان آغاچ.

پربرکت por-barakat: برکتلی، کوپ

نعمتلی، حاصللی، اونومی اؤران

کوپ بۆلن.

پربهء por-bahā': ص.مر.دگرلی،

بهالی، قیمتلی.

پرت port: ا.فر[بندن گامی لرینگ

سوده دورالغا یری، گامی لرینگ یوک

دوشوریب یوکله یان یری.

پرت part: ا.داسا ساا، کنار، داش



قیرا، ساوا.

پرتاب par-tāb: ا. مص.، اوقلاما،
زینگما، تاشلاما.پرتاب شدن partāb šodan: مص. ل.
یوقاردان اته‌گه قاچماق، باش آشاق
قایتماق، ایرغیماق.پرتاب کردن partāb kardan: مص. ل.
اوقلاماق، تاشلانا، داشا
زینگماق.

پرتغال t: portoqāl: پورتیغال.

پرت کردن part kardan: مص. م.
اوقلاماق، تاشلاماق، یوقاردان آشاق
بیر زادی و یا بیرینی زینگماق،
تاشلاماق.پرتگاه part-gāh: ا. م. اوچیت، قایا،
دره‌نینگ قیراسی، کرت.پرتو par-taw: ا. پارلاق، قویاش،
یاغتی‌لیق، نور چاییلما، گونش
نورینی ساچما، شعله یالقیم ساچما.
پرتوافکن partaw-afkan: یاغتی
سالیان، ایشغالانگ بریان، نور
سالیان.پرتویلا t: part-o-palā: ص. بولار
بؤلماز کپ، یاراماز گپ، بی‌معنی گپ.
پرتمر por-samar: ص. مر. [فاع] کوپ
میوه‌لی، کان ایمیшли، کوپ

حاصل‌لی، کوپ پیدالی، ثمرلی.

پرجاذبه por-jāzebe: ص. مر.
چکیمی‌راک، دارتیمی‌راک، اوزینه
چکيجی‌راک.پرجرات por-jor'at: ص. مر.
قوجورلی‌راک، باتیرراق، غیراتلی‌راک.پرجانه por-čāne: ص. مر. کوپ
گورله‌ویک، ساقیرداویق، لاوزا، قایزا.
پرچم t: par-čam: بایداق، یالاو، توغ.پرچین t: par-čin: تیکنلی شاخادان،
چیبیق‌دان ادیلن چپر، آیلاو، مال
قارادان قوریماق اوچین، باغ دیر
حیاطینگ داشینا اوریلیان آیلاوچا.
پُرچین por-čin: ص. مر. ییغیرینی
کوپ بۇلان، تاوانچا بولان.پرحاصل por-hāsel: ص. مر. کوپ
حاصل‌لی، ایمیшли کوپ بریان آغاچ.
پرحرارت por-harārat: ص. مر.
قیزقین‌لی، ارجل، ایشنگر، قالجانگ،
فعال، قیزیق‌لی.پرحرف por-harf: ص. مر.
ساقیرداویق، لاوزا، یانگرا.پرحوصله por-hawsele: ص. مر.
جیداملی‌راک، اوران صبرلی، قاتی
دوریم‌لی.

پرخاش par-xāš: ا. مص. قینگرالما،



قاھارلانما، جدل لشمک، پاییش سوز
آیتما، چکه لشمه.

پرخاش کردن parxāš kardan:

مص. م. قاھارلانماق، سوومک.

پرخارج por-xarj: ص. مر. کوپ

چیقداجلی بۆلن، خرجی کوپ
بولان.

پرخروش por-xoruš: غوغالی،

جنجاللی، قیقلیقلی.

پرخور por-xor: ص. فا. داماقچی،

ایه جن.

پرداخت کردن pardāxt kardan:

مص. م. ۱. توله مک، بیرینه پول

برمک، ۲. ییلدیراتماق.

پرداختن pardāxtan: مص. م.

ییلدیراتماق، بزه مک، یرینه یتیرمک.

پردرآمد tpor-dar-āmad: اوران

پیدالی، قاتی نپلی، کوپ

گیرده جلی.

پردرد por-dard: ص. مر. قاتی دردلی،

بتر ایزالی، اوران اونجلی، قاتی

آغیرلی.

پردل por-del: ص. مر. یورکلی،

قوجورلی، ادرمن، غیراتلی،

قورقمازاق، باتیر.

پردوام por-dawām: ص. مر. قاتی

برک، اوران پوغتا، قاتی دۇرۇملی،

کوپ دواملی، دورنوقلی.

پرده parde: توتی، گیردک، پرده.

پرده parde: چادر، یوز اورتگی،

پنجارا قارا توتولیان پارچا.

پردیس pardis: ۱. باغ بوستان، کوک

باغلی یر، باغلیق یر.

پرزنگ por-rang: ص. مر. قویی

رنگ، قارا یاقین رنگ.

پررو por-ru: ص. مر. حیا سیز،

اوتانچ سیز، اویات سیز، سووؤمسیز،

هاییار.

پرزحمت por-zahmat: [فاع] قاتی

زحمتلی، قاتی مشقتلی، قاتی

چتین، کلچیک، کأس.

پرزور por-zur: ص. مر. اوران

گوپچلی، اوران قواتلی، قاتی ادرمن،

اوران باتیر.

پرزیدنت tperzidant: [فر] بیر

یوردۇنگ جمهوری باشلیغی.

پُرس tpors: [فر] بیر آدملیق اییمیت.

پرس tpères: [فر] زاوود و

کارخانه لاردا قیسیج، دستگاه منگنه،

کاغذدیر پامیق یالی زادی دانگیپ،

قیسماغی بیلن پرس ادیلمک عملی.

پرس pars: ۱. پرده، اورتگی، حجاب.

پرسش pors-eš: ا. مص. سوراغ،
سوراما.

پرستل personel: ا. [فر] شخصی،
خصوصی، شخصیت باغلی،
ایشکارلرینگ همه سی باری یوغی،
کارگزینی.

پرسه porse: ا. مص. عیادت،
بیرینینگ یاغداینی سوراماق، ناساغ
آدمینگ یاغداینی سوراماق.

پرسه زدن parse zadan: مص. ل.
گزنلج اتمه، سیل اتمه، گردش اتمه.
پرسیدن porsidan: مص. م. سوراماق،
خبر آماق، ایزینا یتمک.

پرش pareš: ا. مص. تاویسماق،
بوکمک، زینگماق، ارغیماق.

پرشدن por šodan: مص. ل. دولماق،
پره پر بؤلماق، قیرمه-قیرات دولماق.

پرشور por-šur: ص. مر. غوغالی،
قیزغینلی، قاتی تولقوندیریجی،
شوقلی بؤلان، قیزیقلی.

پر تراوت por-tarawat: ص. مر.
قاتی ترجمه، تازهجه.

پر طمع por-tama: ص. مر. طاماسی
کوپ بؤلان، اوران طاماکین، حانطاما.

پرفراژ perforāž: [فر] کاغذی
آنگساتلیق بیلن بلله نن یردن

پرس pers: (=پرسیا) ا. ایران
یوردی نینگ آدینی ایلکی اروپایی لار
شو آد بیلن تانییان اکن لر.

پُرسان porsān: ص. فا. سوراما
سوراما، اوندان موندان سورا

پرسانتاژ porsantāž: [فر] یوزه
بیرزادشرط اتمه، یوزه بیر ناچاسینی
آلماغا یا برماگه قرار اتمه، سودادا
یوزه بیر ناچا قرار ادیلن حق، یوزه بیر
زات بریلمه لی ادیلن شرط نامه.

پرستار parastār: ا. ص. ایدیحی،
ایندگچی، قۇللۇقچی، خدمتکار،
ناساغ لارا کسل خانه ده خدمت ادیان
آدم.

پرستاری parastār-i: ایشی عملی
پرستارلیق، پرستارلیق بیلن
قیزیقلانیان ایشکار.

پرستش tparasteš: مص. سیغینما،
چوقونما.

پرستشگاه parasteš-gāh: عبادتگاه،
خدای تعالی نینگ امرینی برجای
ادیلیان یر.

پرستو paras-tu: ا. قارلاواچ.

پرستیدن parastidan: مص. م.
بنده لیک اتمک، عبادت اتمک، خدمت
اتمک، قاتی دوست گورمک.

بيزتماق اوچين يۇرئته آبزال بيلن
دشمك.

پرفسور tporofesor. [فر] معلم،
دانشمند، يۇقار مکتب
مدرسەسى نینگ استادى.

پرک tparak. ۱. كىچى قانات، كىچى
ياپراق، ۲. جيفا.

پرک perk: ۱. قاباق.

پرک tparak. سهيل يىلدىزى.

پرکار por-kār: ص. مر. ۱. ايشنگر،

آرمان يادامان ايشله يان، ارجل ۲.

نقاشى تابلو و نقش نگار بارادا
ارجل ليگى بولماق.

پرکردن por kardan: مص. م.

دولدورماق، بير نارسانى بير قابدان

آليپ آيرى بير قابا قويۇپ دولدورماق.

پرکنده par-kande: ص. م. ۱.

يله گى اوتيلن، اوتگىلى، تاوويق قوش

۲. كناية سوزوندن: عاجيز، ياراماز

معنى لرده.

پرکنده tpar-kande. م. پيترانگ،

چاشغين، سلچنگ.

پرگار pargār: ۱. هندسه

حسابادگيشلى قورال، تگلک چيزيق

چكمك اوچين اولانييليان آبزال.

پرگرام porogrām: ۱. [فر] برنامه،

تاسلاما، اديلمه لى ايشلرينگ
ترتيب دوزگونى.

پرمان par-man: ۱. فرمان، بۇيرۇق،
امر.

پرمايه por-māye: ص. مر. ۱. مايالى،
بهالى، قمتلى ۲. قاتى دانا حرمتلى
سيلاغلى آدم.

پرنده par-ande: ۱. اوچوجى قوشلار،
هوادا اوچيانلار تۇپاريندن، پرنديان
جمع.

پرنده شكارى parande-ye-šekāri:
تۇر قۇش، يابانى قوش.

پرنسى peranses: ۱. [فر] شاهزاده

خانم، پادشاه قىزى، پادشاه خاتىنى.

پرنگ parng: ۱. جوهر قىليچ،

جوهرلى تنىغ، قىليجىنگ

يالپىلداماغى.

پرنیان tparniyān. ۱. ابنجه يۇمشاق

يوپك، قاتى لطيف نفيس يۇمشاق

گللى يوپك ماتا.

پروا parwā: صبر و قرار، آلا،

جيداملى، قورقى، اوركى، چكىنمه.

بى پروا: قورقى سىز، اوركى سىز،

قرار سىز.

پروار parwār: ص. سمىز، قويون دير

سيفيرى باغا داقىپ سمرىتمه.

مسیح دینی نینگ بیر بۆلومی، اولار روحانی باشلیغی پایا عقیده لری یوق بۆلمالی.

پروتکل tporotokol. [فر]

میلیسینگ سیاسی کپله شی، گینگ صورتی. رسمی شرط نامه لار، اونگدن یازیلیان شرط نامانینگ صورت جلسه سی، اول صورت جلسه اونگا اساس بولوپ پیمان صورتده یوزه چیقیار.

پروردگار parward-e-gār: ص. فا.

تربیه لیجی، تربیه بریجی، الله تبارک و تعالی نینگ بیر آدی.

پروردن parwar-dan: ص. م.

اکله مک، ساقلاماق، سمیوتمک، تربیه لمک، تاییارلاماق.

پرورش parwar-eš: ص. ۱. تربیه،

اکله مه عملی، ۲. خدمت اتمک لیک،

خورش و ایمیت معنیده هم آلینار.

پرورشگاه parwar-eš-gāh: تربیه

جایی، اکلاتیان مکان، چاغلاری اکلاب

ساقلاتیان جای، اؤنگ دارالتربیه دیییلیاردی.

پروژن tpar-wazan: ص. ورزش

آدالغاسینده، ورزش چیلرینگ

اندامی نینگ آغرامی ۵۶ کیلو

پرواز tparwāz: ص. قانات آچما،

قوشونگ قانات آچماغی.

پرواز کردن tparwāz kardan:

اؤچماق، هوادا اؤچماق.

پروان tparwān: ۱. ابریشم، یعنی

یوپک اگریلیان دستگاه، قورال.

پروانه tparwāne: کبه لک، ماشین

دیر هواپیما نینگ پری، عموماً پرلی

زادا حاصلنیار.

پروانه tparwāne: قارا قولاق، شاغالا

منگزش بیریتجی، یابانی حیوان.

پروانه tparwāne: رخصت، اذن،

اجاره، رخصت نامه یالی زادیتگ

دراگنه اولانیلیار.

پروبال par-o-bāl: ص. مر. ۱. تاویق

دیر اوچینجی قوش لارینگ قاناتی و

یله گی، ۲. کنایه سؤزوندن گویج،

قوات، قوجور معنیده.

پروتین tporote'in: [فر] ماده نینگ

آغی، اول آق ماده، ازت بیلن یوغورلان،

بو بولسا حیوانده و اوتدا تاییلیار اول

آیدیلشینا گؤزاً انسانینگ اندام

اعضاسینا گِرک ماده بۆلمالی.

پروتستان tporotestān: [فر]

عمومی آد، مسیحی یولونا

کؤپچولیک له بین اینانیان لار، اول

بۆلمالی.

پروژن par-wezan: قالبیر، آش

سوزگیچ یالی نارسه لر.

پروژکتور pero-žoktor: [فر]

نورافکن، یاغتی دوشوریان، یاغتی لیق

بریان، یالقیم سالیان نارسه.

پروژه poro-zh: [فر] نقشه، قصد،

نیت، تاشلاما، یرینه یتملی

ایشلرینگ نقشه سی یعنی

گۆزکزمه سی.

پروستات porostat: [فر] کیچی

ماز، کلّه قند شکلینده، ارکک آدمینگ

قاسیغی نینگ آشاغیندان دۆره یار. اول

پشه و وینگ چیقیان یرینده یرلشیار،

شیله ده منی نینگ یولی هم

شۆل اوغوردان گچیار.

پروفیل porofil: [فر] بیر یوزی،

قورولیان جایینگ بیر طرفینی

گورکزیان نقشه.

پرولتاریا poroltariya: ۱. [فر]

ایشچی، زحمتکش، قاتلاق لارینگ،

گونده لیک ایش حقیندان آیری

گیرده جیسی بۆلما دیق آدم لار.

پرونده tparwande: فرانسه

دیلینده: دوسیه؛ بیردانگی پارچا،

ایشچی لرینگ شای شوی سالیان

کیسه سی، بوقجانینگ ایچینده

سالنیز قویولیان، سندلر و یازغی لار.

پروین parwin: ۱. اولکر ییلدیزی.

پرهیز parhiz: ۱. مصر. ساقلاماق،

قاجماق، بیرایشی اتمک بۆلسۆن یا

ایمک بۆلسۆن شۆندن ضرر یتمز

یالی ساقلاماق، کسللی ناساغینگ

اوزونه یازار یا یازاماز زادی ایمکلیک

یا ایمزلیک دوزگونی.

پری pari: ۱. کونه ارته کی لره گورأ

اوران، گورنیکلی عیال، اول دؤوینگ

قاپما قارشى سی حسابلانیا،

حکات لاردن دوش گلیان جین یالی،

بیر موجود بولمالی، ۲. گوزل

عیال لاری شونگا منگزه دیلیار،

پریان جمع.

پری pari: ق. مخفف پریر، اونکی گون،

اونکی آغشام، ایکی گون یا ایکی گیجه

اؤنگ.

پری peri: [فر] پاداش، حالات،

جایزه، سرپای، بایراق، یاریش لارده یا

مدرسه لرده بریلیان حالات.

پری پیکر tpari-peykar: اندامی

پرینینگ اندامی یالی بۆلان، پری

انداملی، پری بدنلی، پری سیرتلی،

پری قامتلی، گلشیکلی، آوادان.

پرېچهر pari-čehr: ص.مر. پری

یوزلی، آوادان یوزلی، گوزل، کورکی

پری یالی بولما.

پریدن pari-dan: مص.ل. اۇچماق،

بوکمک، زینگماق، بوغ بۇلۇپ هوا

گیتمک.

پریدن pori-dan: مص.ل. دۇلماق،

اۆست اۆستونه ییغناماق، اویشمک.

پرېروز pari-ruz: ق. اۇنگکی گۆن،

دوین دال، اۇنگ گۆن.

پرېزاد pari-zād: ص.مر. پری

چاغاسی، پری فرزندى، اوران آوادان

چاغا، پری زادگان جمع.

پریشان parišān: ص. چاشغین،

آلجراڭگ، توقات، سوس، اینجالیق

سيز، قايغیلی.

پریشان حال parišān hāl: ص.مر.

[فاع] اربت یاغدايدا بولان،

آلجیرانگلیق یاغدايدا.

پریشب pari-šab: ق. اونغکی آغشام

ایکی گیجه اونغ.

پزشک pezešk: ا. ص. ناساغلارا اِم و

علاج ادیان، طبیب، دکتر.

پزشکیار tpezešk-yār: ص. طبیب

قولداوچیسی، کسل خانهلارده

طیبیه کمک بریان آدم.

پژمان pežmān: ص. قایغیلی، غملى،

سوس، توقات.

پژمردن pažmordan: مص.ل.

سولماق، توقاتلانماق، قایغا قالماق.

پژوهش pažuheš: او مص. بارلاغ،

بارلايش، آغتاریش.

پژوهشگر pažuheš-gar: ص. فا.

بارلاغچی، آغتاریجی، تحقیقچی.

پس pas: ق. ۱. ایز، آرقا طرف،

باغلانشیقلی سوز حکمینده اوندان

سۆڭک وینه قالیبیرسه دیین یالی.

پس pos: ا. اۇغۇل، چاغا.

پس افتادن pas oftādan: مص.ل.

ایزا قالماق، ایزا دوشمک، دالا

دوشمک، قالماق.

پس انداز pas-andāz: ص. ایزه

تاشلاما، تنفشیدلیلیق، پول آرتدیرما،

تیغشیتلیلیق، پول سنویشورمه

آیاولیلیق.

پساوند pas-āwand: ص. شمرده قافیه

معنی سینده، و یا فارسی دستورینده

بیرناچا قوشما سۆزۆندن عبارت بۇلان

کلمه‌نى دگیشریان وار، بندوار و یا بان

: باغبان، دریان دیین یالی.

پس پرېروز pas-pariruz: ق. مر.

ایکی گون اونغ، اونکیسی گون.

پست past: ص. قيسنا، آشاق، اتك، عجيز، ياراماز.

پست tpest: اون، بۇغداي و يا آريا اونى نىنگ قاويرغاسى، تالخانى.

پست post: ا. [فر] چاپار، ايلينگ خطنى بىر شهردن آيرى بىر شهره يتيريان، پست، پشته.

پستان pestān: ا. گوويى، عياللار و اورقاچى حيوانلارنىڭ چاغدا دىنيا ايندردندە چاغانى ايميتلنديريان امجگى، امجك، يلين.

پستانك pestānak: ا. امجگە منگزش بولان نارسەلەر، امزيكە پستانك pestānak: ا. ايگدە.

پستچى tpost-çi: مـ. پست اداره سنىنگ مامورى، گلن خطلىرى ايهلرينە يتيريان آدم.

پستخانه post-xane: ا. مـ. پست ادارهسى.

پست شمردن past šomordan: مـ. م. عجيز ياراماز سايماق، اريد بيلمك، اورنونى پسه دوشورمك، پسته tpeste: پسته.

پسته زمينى tpeste-ye-zamini: اشك ماش.

پس دادن pas dādan: مـ. م. اوويريب برمك، قايتاريپ برمك.

پس pesar: فرزند، اۇغۇل، چاغا. پسراندر tpesar-andar: اووى اۇغۇل، اوغللىق.

پس زدن pas zadan: مـ. م. ايزه اورماق، بىر زادى بىر زادىنگ يوزوندن آييرماق.

پس فردا pas-farda: ق. مـ. بىرى گون.

پس گرفتن pas gereftan: بـرن زادىنگ ايزينا آلماق.

پسند کردن pasand kardan: مـ. م. خالاماق، قبول اتمك، سويمك.

پسندیدن pasandidan: مـ. م. حالاماق، قبول اتمك، سويمك.

پشت tpošt: ايز، آرقا، هر بىر زادىنگ آرقا طرفى، آرقا يوزى، بيل بيله گرشىنگ آرايىنى، نسل .

پشت پا tpošt-e-pā: آياق يوزى، آياق اوستى.

پشت پا زدن pošt-e-pā zadan: مـ. م. كنايه سوزوندن: ترك اتمك، يوز اوويرمك، يوز دوندرمك، ايسله مزليک، آرانى آچماق، سوزدن دانمك.

پشت پرده pošt-e-parde: قاباتدا كنايه سۆزى، ياشيرين گوز اۇنگوندن

داشدا بۇلیان زاتلار.

پشتِ رو tpošt-e-ru. چووره.

پشتِ ساق pošt-e-sāq: داراقلیق.

پشتِ سر tpošt-e-sar. ینگسه.

پشتکار pošt-kār: ص. مر. ایشده تقلا

تلاشلیق، ایشنگرلیک، ارجللیک،

باشلان ایشنگی قوتارما، دورملی لیق،

برکلیک.

پشت کردن pošt kardan: مص. ل.

یوز دۇندرمک، یوز اوویرمک، قاچماق،

سویانمک.

پشت گرمی tpošt-garm-i. مص.

بیرینه یا بیر زادا دایانماق، ارقا دایانچ،

آرقالانماق.

پشت نویسی tpošt-newisi. مص.

بیر یازغی یا سندینگ آرقا طرافینا

یازیب امضاء اتمک.

پشتو tpaštu: افغانستاندا یاشایان

یرلی آدملارینگ دیلی بۇلان، پشتو،

اول اوچ دیلدن عبارت: فارس، عرب،

هندی دیل بیلن یوغورلان دیل،

خطلاری فارس عرب الفباسی.

پشتوانه tpošt-wāne: ص. ۱. دولت

دیر یا بانگ طرفیندن یایرادیلیان

پۇلۇنگ برابرینده یوریته چاپ ادیلن

مخصوص کاغذ ۲. دولتنگ

صندیغینده ساقلانیان قیزیل دیر

کومیش جواهر و آیری قمتلی

زادلار.

پشت و پناه pošt-o-panāh: ص. مر.

قراوویل، یاور، حارای، دایانچ، یترن،

کمکچی، قولداوچی.

پشته tpošte. ۱. آرقا یوکی، ۲. دفه،

تومک، ایکی کاریزینگ آراچاگی.

پشتی pošti: ص. ن. قارچین.

پشتیان poštibān: ص. حمایتچی،

آرقا دایانچ، مددکار، قولداوچی، کمک

یتیرن، هارای یتیرن.

پشتیان poštibān: آرقا دایانچ،

مددکار، یاران، حمایتچی، سۇگ،

دیرک.

پشم pašm: ۱. یونگ، دیه بولسون

قویون بولسون اولارینگ اندامیندن

اونیان یونگ اونیمی.

پشمک pašmak: ۱. یونگ یالی بیر

هیل سویجی نارسه، شکردن

بجریلیار.

پشه tpaše: چیبین. پشه خاکی:

سومسون.

پشه بند paše-band: ۱. پشانا، چیبین

گیرمز یالی قاتی یوقا پارچادان یوریته

بجریلیان چادر.

- پشیمان pašimān: ص. اوکونچلی، پشمان، قینانچلی.
- پفیوز pofyuz: ص. یالتا، تنبل آدم، بی‌غیرات، قوچورسیز، دامارسیز، یاراماز آدم.
- پگاه pegāh: ق. ایر ارتی، سحر وقتی. پل tpol: کوفری.
- پل tpol: گوریش یاریشی‌نینگ آدالغاسیندا بیر عملینگ، فنینگ آدی.
- پل pal: ا. سرحد، آراچاک، سامان. پل pel: ا. اؤکجه، آیاق اؤکجه‌سی.
- پلاس palās: ا. پالاس، اولی کلیم، دوشلیان دوشه‌گینگ بیر گورنوشی. پلاک tpelak: [فر] یوزونه آد یا نمره یازیلان قالایی دمیر.
- پلاکت tpelakat: [فر] مایدا آونیق نارسه.
- پلک pelk: ا. قاباق، گوزونگ قاباگی. پلکان pellekān: ا. باسسانجاق، باسغانجاق.
- پلمب polomb: ا. فر. قورشون سچمه، قورشوندان کیچی مهر. پلنگ palang: ا. آلاجا قاپلانگ، بیرتیجی یابان حیوانی.
- پلو tpolo: چکدیرمه و سوزمه‌یالی ایمیت؛ تووی، یاغ، ات، تاویق و بالیق
- یالی نارسه بیلن قاویرلیپ بیشیریلیان ایمیت.
- پله pelle: ا. ۱. مخفف پیله، یوپک قورچیغی‌نینگ پرده‌سی ۲. آز سرمایه، مایه قویوم معنیده.
- پله pale: ا. آغوز، قویون دیر سیغیرینگ آغوزی.
- پله pele: آغاجینگ بیر گورنوشی، بید آغاجی.
- پله tpelle: پایا، مرتبه، درجه.
- پلید palid: ص. ناپاک، نجیس، چیرکین، مردار، یاراماز، اربد.
- پلیس polis: ا. [فر] انتظامی ادارانگ خدمتکاری و ماموری، آژان، پاسبان.
- پلیکان pelkān: ا. قوتان.
- پلی‌کی poli-kopi: ا. [فر] ماشین تحریردن اولی‌راق دستگاه، اول یازغی‌لارینگ یوزوندن کپی‌آلیپ کوپ نسخه‌لارده چیقاریار.
- پماد tpomād: [فر] ۱. مرهم یالی، یارانینگ ۲. چیشینگ یوزونه چالینیان یاغ.
- پمپ pomp: ا. [فر] تلمبه، ناسوس، پومپ، ناس‌قوس.
- پناه panāh: ا. قاچالغا، بوقالغا، ساقلایش، حمایتچی، قولداو، امانده

بؤلما، آرقا دایانچ، بوقی یر.

پناه آوردن panāh āwardan:

مص.ل. پناه گتیرمک، آرقا توتونماق، سیغینماق.

پناهگاه panāh-gāh: ص.مر. جان

قورقیسیندان قاجیب باریلیان بوقی جای، دوشمانینگ قورقیسیندن باریپ پناه گتیریلیان یر، پناه یر، بوقالفا، سنگر.

پناهنده panāhande: ا.فا. آرقا توتما،

پناه گیترمه ۲ آمان بریلن یر.

پنبه panbe: ا. پامیق، یاغت.

پنبه کار panbe-kār: ص.فا. پامیق اکیان، پاختا اکیان.

پنج panj: باش.

پنج انگشت panj-angošt: باش بارماق.

پنجاه panjāh: ا. سان جسابیندن اللی.

پنج تن panj-tan: ا.مر. حضرت

رسول(ص)، علی(ع)،

فاطمه زهرا(س)، حسن(ع) و

حسین(ع)؛ آل عبا.

پنج تیر panj-tir: باش آتار.

پنجره panjare: پنجره، ابیشکه.

پنجشنبه panj-šanbe: هفته نینگ

آلتینچی گونی، پنشنبه.

پنجگانه panj-gāne: ص.ن.

باشلیک، باش سانا باغلی بؤلان.

پنجه panje: پنجه، باش بارماق، ال

پنجه سی.

پند pand: اؤویت، نصیحت، اوندان.

پند pand: زغن، اؤجوجی قوشلاردان،

اول قارغانینگ بیر گؤرنوشی.

پُند pond: چاپچی لرینگ

آدالغاسینده کوادرات آدیندا

حروف لارینگ آرایلیغیندا

جایلاشدیریلیان آرا اولچهگی.

پنکه panke: هندی سوزوندن

آلسانگ برق بیله آیلانیان یل اوریان

قورال، برق یلپه ویچ، یل اؤرغۇچ.

پنگوئن pang'u'an: [فر] آیاغی

برده لی و قاناتی کیچی اؤجوجی

قوش، قاناتی کیچی لیگیندن اوچا

بیلمه یان اول دریاده یوزیار و اوزونی

برده دیک ساقلا یار.

پنهان penhān: ص. گیزلین، یاشرین،

اوغرین، اؤرتوک، باسیرلان.

پنهان شدن penhān šodan: مص.

بوقولماق، یاشیرین ماق، بوقولماق.

پنیر panir: پنیر.

پنیرک panirak: ا. امام چۆرک.

پوت tput. [فر] اون آلتی کیلو گراما
برابر بۇلان آغرام اۆلچەگی.

پوت put: ۱. اییمیت-داماغینگ بیر
گۆرنوشی.

پوتین tputin. [فر] دورقی اوزین، آياق
قایینگ بیر گۆرنوشی، ادیک آدیندا.

پوچ puč: ص. ایچی بوش، پوک،
مغزسیز، پوچ.

پودر pudr: ۱. [فر] توت توزان، اونتا،
عیاللارینگ یوزلرینه چالیا، آق زادی،
آق مادهسی.

پور tpur. اوغۇل، اوغلان، ارکک، چاغا،
قیز دال، پوران جمع.

پورمند purmand: ص. اوغۇللی.
پوره tpure. چگیرتگانینگ تخمی،
چگیرتگانینگ چاغاسی.

پوره tpure. اوغۇل، فرزند، چاغا.
پوره tpure. [فر] اییمیتنگ بیر
گۆرنوشی.

پوزخند tpuz-xand. مر. بیدرک
بیجای ییلغیرما، بیرینی کیمسیدیپ
مسخره لاپ گولمه، یانگیسلاما.

پوزش tpuzeš. مص. اوتنج، گجریم.
پوست tpust. قاییق، دری، حیوانینگ.

انسانینگ اندامی نینگ دریسی، دری.
پوست کلفت tpust-koloft. مر.

دریسی قالینگ بۇلان، کنایه
سۆزۆندن هیچ زادی کونگلینه
گتیرمه یان، قین چیلیغی مشقتی
گورن کاییلسه ده کۆنگله
گتیرمه یان.

پوست کنده pust-kande: ص. ۱.
قاییغی آییغیلی ۲. آیدینگ آشکار و
آچیق کپله مه معنیده.

پوسته pust-e: ۱. کیچی. یوقا قاییق،
۲. یوقا نازک زادا باغلی بۇلان نارسه.
پوستین tpust-in. ایچمک،
پوسسین.

پوسیدن pus-idan: مص. ل.
چویریمک، چویره مک، سولماق.
پوشاک tpušāk. اگین اشیک، اگین
باش.

پوشال tpušāl. قوری اوت، پوشالی،
ایچی بوش، وارسیز برک بۇلما دیق
نارسه.

پوشاندن pušāndan: مص. م. (=)
پوشانیدن) گیدیرمک، اگین اشیک
گیدیرمک، یاپماق، اورتکم.

پوشش tpuš-eš. مص. اورتگی، اگین
اشیک، حجاب، گیمک.

پوشه tpuš-e. پرده، یازغی لری
ساقلاماق اوچین یوریته ادیلن

قالینک کاغذ، پوشا.

پوشیدن puš-idan: مص. م. اگین

اشیک کیمک.

پوک puk: مص. لاق، ایچی بوش،

مغزسیز، چویریک.

پوکه puke: ا. ایچی داری سیز بوش

فشنگ.

پول pul: ا. پول، دولت طرفیندن چاپ

بۇلان یوریتە کاغذ و قران پول، پول.

پولاد pulād: ا. پولات؛ قاتی دمیر

پولاد آدیندا.

پولادین pulādin: ص. ن. پولادا

باغلی، کنایه قین، برک، ماکام.

پولک tpulak: ۱. قیران پول، ۲. بالیق

تنگه سی.

پوند tpund: انگ. لیله انگلیسی قزیل،

و ۴۵۳ گرمندن عبارت آغرام اؤلچه گی.

پونز punez: [فر] گل میخ، پونز.

پونه tpune: نـمعناع تاویره،

سبزی نینگ بیر گۆرنوشی، اول

یابانده بتیان اوت.

پویا puyā: یورغلاماق، ایلغاماق،

داریماق.

پهلو pahlū: ا. کنار، قاپدال، چت،

یان باش، بووور.

پهلو pahlaw: ا. پارت قومی،

ساسانی لار و اشکانی لار نسلیندن.

پهلو pahlaw: ص. ادرمن، باتیر،

قۇجۇرلى.

پهلوان pahlawān: ص. گوراشجنگ،

زورلى، پالوان، بوکه.

پهلو گرفتن pahlū gereftan: مص.

ل. کناره، قیراغا یاناماق، کناره گلک،

لابیر، لنگر آتیپ بندره یوک

دوشورمک یا یوکلمک اوچین آیاق

ساقلاماق.

پهن pahn: ص. اینلی، اینی کوپ

بۇلان.

پهن pehen: ا. درس، تزک،

حيوانلارینگ تزه گی.

پهناور pahnāwar: ص. گینگ، یاراب

یاتان، یایبانگ، اینی بوی کوپ

اوسن.

پی tpey: ۱. آیاق ایز ۲. جاینگ

اساسی پایه سی، فوندامنت.

پی tpay: سینگیر، ساچ.

پی tpi: آشیق.

پیای پی pey-ā-pey: ایزلی ایزینا،

ایزی گیدرلی، دال با-دال.

پیاده piyāde: ص. اوز آیای بیله یؤل

یوریان، یؤل گیدیان آدم.

پیاده روی piyāde-rawi: او. مص.

پيدا *peydā*: ص. آشکار، گورنوب دوران،
آجیق، آیدینگ، بللی.

پيدا کردن *peydā kardan*: مص. م.
اله سالماق، تاپماق، قولا سالماق.

پيدایش *peydāy-eš*: مص. دؤرمه
پيدا بؤلما، تاپیلما، یوزه چیقما
تافیلیش.

پی در پی *pey-dar-pey*: ق. ایزلو
ایزینا، ایزی گیدرلی، دوام لی.

پیر *pir*: ص. یاش اولی، اوران قارتاشان،
قارری، رهبر، پیر طریقت.

پیراشکی *pir-āški*: [رو] روسی
سوزوندن سویجی چوراگینگ بیر

گؤرنوشی، بۆرک دییپ-ده آیدیلیار.
پیرامون *peyrāmūn*: تۋورک داش،

دوملی دوش، اطراف.
پیراهن *pirāhan*: کونینگ.

پیرایش *pirāyeš*: مص. بزه مک،
گورکلندیرمک، زینتله مک.

پیر زال *pir-zāl*: ص. مر. قارری چال
خاتین، یاش اولی عیال، کۋیلنج

ساجی آغاران کمپیره خاصلانیار.
پیرزن *pir--zan*: ص. مر. (= پیره زن)

قارری عیال، یاشی گیدن خاتین.
پیر مرد *pir-mard*: ص. مر. قارری آدم،

یاشی گیدن آدم، یاش اولی.

پیاده یؤل یوریمک، گزljنچ اتمک، آياق
بیله یوریمک.

پياز *piyāz*: ا. سوغان.
پیاله *piyāle*: ا. کاسه.

پیام *payām*: ا. خبر، سارغیت بیر
زادی، یا بیر سوزی بیرینه
قاوشیرماق یا اشیتدیرمک.

پیامبر *payām-bar*: (= پیغمبر) ا. ص.
خدای تعالی نینگ ایلچی سی،

سارغیت یتیرجی سی، بیرى نینگ
سارغیدنی آیری بیرینه یتیریان، بو آد

دینگه خدای تعالی نینگ رسولنه
خاصلانیار.

پیانو *piyāno*: ا. [فر] سازینگ بیر
گؤرنوشی.

پی بردن *pey bordan*: مص. م. ایزینا
یتمک، دوشونمک، بیر زادی

آنگلاماق، خبرلی بؤلماق، ایزیندان
گیتمک.

پیت *pit*: ا. بنکه، پوتلیق بنکه.
پیچ *pič*: ا. بوروم-بوروم، اگری بوغری

تاوولی چوی.
پیچاندن *pičāndan*: (= پیچانیدن)

مص. م. اگرلتمک، تاوولماق، بورماق.
پیچ دادن *pič dādan*: مص. م.

تاوولماق، بورماق، اگرلتمک.

بریلمالی وقتینی یعنی تاریخینی

بلاپ بریلیان خط.

پیش آمد piš-āmad: دویسدانسیر

تاپیلیان، اووه کلمه، واقعه، حادثه،

بردن دوشن ایش.

پیشاب piš-āb: ص. مر. سیدیک، پشو.

پیشاپیش piš-āpiš: ق. همەدن اونگ،

اونگده بۆلان، همەدن اونگده.

پیشانی piš-āni: مانگلای، آلین ساچ

اتهگی بیلن قاش آرالیفی.

پیشانی piš-āni: بخت، اقبال، طالی،

لايق، یاراشیق.

پیشاهنگ piš-āhang: ص. مر. اونگده

باریجی، اونگدن گیدیجی، کروانینگ

اونگیندن گیدیان، اؤنگه دوشوجی

پیشبرد piš-bord: م.ص. اونگه

گیدیش، ینگیشلیک، بیله ایشی

یرینه یتیرمک.

پیش بین piš-bin: ص. فا. گلجهگه

اویلانیان آدم، ارتیرین گوزله یان آدم،

سونگونى سایغاریان.

پیش بینی piš-bin-i: سونگونى

آنگشارما، سونگونا اویلانیان.

پیش پا piš-e-pā: ص. مر. آياق آستی،

پیش پا افتاده: کنایه، بؤلغوسیز، قمت

سیرزات.

پیرمغان pir-e-moqān: ص. مر.

زرتشتی لرینگ یاش اولی سی،

اصلیندا روحانی لرینگ باشلینى .

پیرو pay-raw: ص. ف. ایهریجی،

اویمه، ایزیندان یوره مک، ایزیندان

گیتمه، تابین بؤلماق.

پیرو piru: ص. کیچی قاری، اندامی

کیچی یاش اولی.

پیرو piru: ا. کیسه، پول کیسه.

پیروز piruz: ص. ینگیش، اوستم لیک،

دوشمانه یا یاریشده اوستون

چیقماق، ینگیش قازانماق.

پیروزمند piruz-mand: ینگیش

قازانان، ینگشیتن، اوستون چیقان.

پیروی pay-raw-i: ایزیندان گیتمه،

ایزنی ایمره، بیزینه اویمه،

ایرمک لیک، اویماق لیق.

پی ریزی tpay-rizi: م.ص. جای دیر

جایینگ دیفاری نینگ شیفته

دوکولمه گی، فوندامنتی، اساسی

دوکومی.

پیژاما pižāmā: ا. [انگل] بالاق.

پیش piš: اؤنگ، یوز به یوز، ایله ری،

آرقا، اونگ، گچن، گچمیش.

پیش آگهی piš-āgahi: ص. مر. بانک

آدالغاسیندا پول سندینی برکی لا

پیش پرداخت pis-pardāxt: ا.مر. بیر

زادینگ بهاسی درکلی اونگیندن
بریلیان پول، اونگیندن گچیریلیان
پول.

پیش تاز piš-tāz: ص. فا. چاپاری، آطلی

سواره، همه دن اونگ دوشمانا
دوپولیان آدم.

پیش خدمت tpiš-xedmat: ص.

قوللوقچی؛ اویده، اداره ده آياق
اوستونده بؤلۆپ، آياق اوستی نینگ
ایشلیرینی یرینه یتیریان خدمتکار.

پیش درآمد piš-darāmad: ا.مر.

آیدیمچی نینگ آیدیم آیتمازدان
اونگ، سازنده لارینگ اونگیندن چالیان
سازی، اونگین باشلاما، باشلانغیچ.

پیشرفت tpiš-raft: م.ص. اونگه

گیدیش، ترقی لیق، اووه گیتمه، اولاما
واوسمه.

پیشرو piš-raw: ص. فا. اونگه

گیدیچی، یؤل گورگزمه، اونگده
باریچی، سردار، بلد.

پیش فروش tpiš-foruṣ: م.ص.

ساتیچی نینگ، یۆق مالینی و
گلمه دیک مالینی اونگیندن
ساتماق لیق.

پیش قدم piš-qadam: ص.مر. بیر ایشه

همه دن اونگ اوغریان، حرکت ادیان،
آردیم آردیان، یوز اوریان.

پیش قسط piš-qest: ص.مر. برگی
بوللونیب قسط باغلانمازدان اونگ،
اونگوندن نقد گچیریلیان پول.

پیشکرایه piš-kerāye: ص.مر.

یوکینگ کراینی اوویندن برمک، یوک
چکیانه کراینی اونگوندن بریلمه.

پیشگاه piš-gāh: ص.مر.ایشیک،

درگاه، بوساغا، پادشاه لارینگ
تختینینگ اونگی، اونگی یانی،
ایوانی.

پیش گفتار piš-goftār: ا.مر. کتابینگ

اوویندن یازیلیان سوزباشی، کتابینگ
باشلانغیچی.

پیش مرگ piš-marg: ص.مر. اولومه

تاییار بۆلان، اونگیندن اولمه حاضیر
بولیان.

پیش نماز piš-namāz: جماعتینگ

امامی، مسجدینگ امامی.

پیش نویس piš-newis: ص.مر. خطی

ایکیلاپ یالنگیشنی دوزه دیلیپ
یازیلما، یازما.

پیشنهاد piš-nahād: ص.مر. تاسلاما،

تکلیف، بیرینینگ اوی فکری بیلن
دوزولپ کوپچولیگینگ نظرینه

- یتربپ بیر آغیزدان ماقوللاماگی و یولا قویولماقلینی.
- پیشوا piš-wā: ص. باشلیق، رهبر، یولباشچی، امام، سرکرده.
- پیشواز piš-wāz: ص. مرقارشیلما، قارشى آلمان، میهماندن یا بیر مسافردان خوش گلدینگ اتمه.
- پیشه tpiše: ایش، شغل، کار، کسب کار.
- پیغام tpeyqām: سارغیت، خبر، بیریندن آیری بیرینه یتیریلیان سارغیت.
- پیغامبر tpeyqam-bar: ا. ص. (= پیغامبر) ایلچی، فرشته لرینگ اوستی بیلن خدای تعالی نینگ فرمانلارینی ایله یتریجی، یعنی خدای تعالی نینگ سارغیدینی ایله یتیریجی.
- پیک tpik: [فر] نیزه، اوچلی زات.
- پیکار peykār: ا. اوروش، سؤوش، چاقینشیق.
- پیکارکرد tpey-kār-kard: ص. اوروش اتمک، اوروشماق، سؤوش اتمک.
- پیکان tpey-kān: جمع پیک، سارغیت اکیدیجی، ساوچی.
- پیکان tpey-kān: اوق یای، اوچی یتی دمیرلی یای.
- پیکر tpey-kar: تن، هیکل، مجسمه.
- پیکرتراش tpey-kar-tarāš: ص. فا. ایشی پیشه سی هیکل یاساماقلیق مجسمه یاساماقلیق بیلن قیزیقلانیان آدم، هیکل یاسایجی.
- پی کندن tpey-kandan: ص. م. دفارینگ، جایینگ چوقرینی قازیب شیفته سینی دوکمکلیک، پی کنی: شیفته نینگ یرینی قازماق.
- پیگرد tpey-gard: ص. فا. ایده یجی، ایزیندا گزیجی.
- پیگرد tpey-gard: ص. ایزینده گزمک، ایدلمک، جزا اوچین سورالماق و ایدلمک.
- پی گیر tpey-gir: ص. فا. ایزینده گزیجی، ایدیجی، بیر زادی ایزارلاپ ایزیندا گزیان.
- پيله tpile: یوپک آلق اوچین یوریته ساقلانیان فورچیق و اوندان آلنیان اونوم، پيله.
- پيله tpile: کنتله ویگینگ چیرکی، چیشی.
- پیمان tpeymān: ادیلن عهدناما، شرط ناما، قرارداد، ادیلن قول و قرار.

ایلاشیق.

پیمانکار tpeymān-kār. ص.

کونتوروتچی، ماغیتاسینا ایش آلیپ
ایش تحویل بریان، بیر مؤچبر
پولونگ قارشى سیندا بیر ایشی
بوون آلقاق.

پیمانه peymān-e. ا. اؤلچک، کاسه،

سوویق نارسانی اؤلچک اوچین
یوریته توتولیان قاب، اؤلچیلیان
مؤچبر.

پیمانی tpeymān-i. ص. ن. اؤلچک

باغلی بۆلن، شرط بیلن ایشه دوریان
آدم.

پیمودن peymudan. ص. م. یؤل

یوره مک، یؤل یوریمک، یؤل گچمک،
یولی اؤلچه مک، مؤچبر تۇتماق.

پینه tpine. یاما، اگین اشیگه یا ایاغا

گیلیلیان زادا یاما سالما.

پینه دوز pine-duz. ا. ص. یاماقچی،

یاما یامایان آدم، یاما سالیان آدم.

پیوست tpeywast. ص. باغلی لیق، بیر

زادینگ بیر زادا سوراکی بۇلماغی،
سپلنمه، سپله مه، باغلانما،
باغلی لیق، بیر خطی آیری خطه
قۇشماق، تیرکاپ بیر یانگا ایبرمک.

پیوستن peywastan. ص. م.

سپله نمک، سپله مک، باغلاماق
قاویشماق، داقماق، تیرکه مک.

پیوند tpeywand. باغ، یوپ، باغلاما

سایما، سپله مه.

پیوند کردن peywand-kardan

ص. م. بیریکدیرمک، ساپماق

سپله مک، داقماق، دوشوشدیرماق.

پیوندی tpeywand-i. ص. م

قارینداش لیق.

پیوندی peywandi. ص. ن. پیوند

ادیلن، سپلپ میوه سی اله گلن آغاچ،

ساییلان آغاچ.



ت te: پارس الیپبىسى نینگ
دۇردونجى حرفى، ابجد حسابىندان
(۴۰۰).

تئاتر te'ātr: ا. [فر] نمايش تماشاخانه،
تياتر.

تئورى te'ori: ا. [فر] علمى اصول،
نظرى علم، علمىنگ اساسى
دۇرمۇشى ثابت بۇلماسادا اما اونگا
اعتقاد اتمك بوليار.

تاب tāb: ا. طناب، نخى يالى زادىنگ
بوکولمه گى، تاب داشتن:
تسالانچاقلى، تاولى بۇلماق،
بوکولمک.

تاب tāb: ا. طاقت، جیدام، صبر. تاب

داشتن: جیداماق، صبرلى بۇلماق.

تاب tāb: ا. ياغتىلىق، اسىلىق.
تاب tāb: ا. يىلنمه، ساللانچاق اوچما.
تاب آوردن tāb āwardan: مص. ل.
طاقت گتيرمک، جیداماق.

تابان tābān: ص. فا. پارلاق، آيدىنگ،
يىلدىراوويق، يالقيم، ياغتىلىق.
تاب خوردن tāb xordan: مص. ل.
ساللانچاقدان يىلانمک، ساللانماق،
اوچماق.

تابدار tāb-dār: ص. تاولى.
تابستان tābestān: ا. توميس.
تابش tābeš: ا. مص. گون چوغى، گون
شعله سى، ياغتىلىق، نور ساجىلىش،

شمه نیش.

تابع **tābe'**: ۱. [فاع] ایه ریجی، تابین، باقنا، باقیندی، اویمه، بویون اگمه، ایزارلایجی، توابع جمع.

تابعیت **tābe'-iyyat**: مص. [ع] تابین بولماق، بویون بولماق، اییرمک، ایزیندان یوریمه، باقتالیق، رعیت لیق.

تابلو **tāblo**: ۱. [فر] ۱. پرده دیر تخته یا شولاریالی زاد، منظره نقاشی ادیلمک ۲. بیر آدمینگ آدی و یا فروشگانینگ آدی بیلن باغلی بولماق تابلو آدیندا.

تابناک **tāb-nāk**: ص. پارلاق، آیدینگ، یاغتی.

تابنده **tāb-ande**: ۱. فا. ییلدیراماق، شمله، چراغ، یاغتی لیق برمک، پارلاماق.

تابوت **tābut**: ۱. [ع] سالاجا.

تابه **tābe**: ۱. ساج، یاغلاوی، بالیق دیر، ات یالی زادی قیزدیریلیان قاپ.

تاییدن **tāb-idan**: مص. ییلدیراماق، یاغتی لیق برمک، پارلاماق، گون دوشمک.

تات **tāt**: ۱. ت. تاجیک، تازیک، ملتی، دیل لری بولسا فارس، فارسچه کپلشیارلار.

تاتار **tātār**: ۱. تتر، تتر، ایلکی بو آدی گون باتارده مغول قوملارا باغلی بیلیار دیلر، اما بیرنیچه سیبری ده یاشایان طایفالارینگ آیتماغینا گؤرأ، غازان، آسترا خان و کریمه ده اوتوریملی طایفالارا دگیشلی بولمالی، تاتار آدیندا.

تاج **tāj**: ۱. [ع] جیغا، اوتاغا، پادشاهلارینگ پاپاغنینگ مانگلاینده قویولیان، بها قمت داشدان یعنی جواهردن یاسالان جیغا.

تاج الملوک **tāj-ol-moluk**: ۱. امر [ع] پادشاهلارینگ افسرلری.

تاج خروس **tāj-xorus**: ص. مر [ع. فا] بیر یللیق، ایری یاپراغلی اوت، یاریم متر اوزینلیقدا، ناچا سورتده بولان قرمز گللی اوت.

تاجدار **tāj-dār**: ص. [ع] فا. تاجلی، تاجلی پادشاه.

تاجر **tājer**: ص. [ع] بزرگن، سوداگار، تاجر، تاجر، تاجر.

تاجریزی **tāj-rizi**: ۱. ایت اوزوم.

تاجیک **tāj-ik**: ۱. تازیک، عربده دال ترکده دال فارس دیلده گورله یارلار، اولار آریان نژاددان عرب اوغلی، عجمده پرورش تافیب ترکستاندا،



تاج خروس



تاجر، تاجر، تاجر

افغانستاندا و ترکستاندا،
 تاجیکستاندا روسیه ده یاشایارلار.
 تاختن tāx-tan: مص. چوزیش اتمک،
 هجوم اتمک، آط قویماق، دوفولماق.
 تار tā: ا. نخ، یوپ، یویک تابی، مؤی
 کله پی و ش.م.
 تار tā: ا. ساز قورال لارنینگ بیر
 گۆرنوشی.
 تار tā: ا. کله نینگ دفه یانی، کله نینگ
 اورتاسی.
 تار tā: ا. (هند) هندوستانده بییتیان
 قاتی یوغین اوزین آغاچ، یاپراغلاری
 آدمینگ پنجه سی یالی بۆلمالی اول
 یرده اوندان بادبزن و بوریا دوشک
 دوقییارلار.
 تار tā: ص. قارانگی، قارا.
 تاراج tāraj: ا. تالانگیلیق،
 باسماچیلیق، قاراقچیلیق، باسیب
 آلجیلیق.
 تاراجگر tārj-gar: ص. فا. تالانگی،
 باسماچی، قاراقچی.
 تار عنکبوت tār-e-'ankabut:
 مؤیونگ کله پی.
 تارک tārak: ا. باش، کله، دفه، کلاه
 خود هم دیییارلر.
 تارک tārek: ا. [فاع] ترک ادیجی، ال

چکیجی، تارک دنیا: دنیانی ترک
 ادیب خلوتده چوللیقده اوتوران،
 تقوا، صوفی.
 تارک الصلوة tārek-os-salāt:
 نمازی ترک ادیان.
 تارومار tār-o-mār: ص. درسی
 داغین، چاشغین، دارغانان، آغتر
 دونگتر.
 تاریخ tārix: مص. [ع] تاریخ،
 اوسوشنینگ حرکتندن یوزا چیقیش
 و گچن زامانینگ وقتینی بلامک،
 مهم خبرلارینگ زمانینی یاد توتماق،
 گچن مهم واقالاری بلامک، مثلاً
 تاریخ مغول یالی و یا تاریخ هجری
 اسلام تاریخی یالی، اؤنؤنگ
 باشلانغیجی پیغمبرمیز حضرت
 محمد مکهدن مدینا هجرت ادن
 گونیندن حساب توتولیار.
 تاریک tārik: ص. قرانگی، تونلیک.
 تاریکخانه tārik-xāne: قارانگی
 اتاق، عکاس لارینگ قرمز اوچگیسی
 چرادا فیلم و صورتینگ شیشه
 سینی ظاهر ادیان یری.
 تاز tāz: ا. یاراماز، فسق و فجور اوغلان،
 تله که یولدا بۆلان چاغا.
 تاز tāz: هجوم ات، چۆز دیمک.

- تازه taze: ص. يانگی، كونه بۆلمادىق،
تازه، تر*
- تازه كار taze-kār: ص. مر. تازه ايشه
باشلان، اوورانجه، تجربه سى آز
بۇلان، تازه نفس.
- تازه نفس taze-nafas: ص. تر. [فاع]
تازه ايشه باشلاپ يادامادىق آدم.
- تازه وارد taze-ward: ص. مر. تازه
بىر يره گلن، گلميشك.
- تازى tāzi: ا. آو ايتى، آو آولايان ايت،
شكار ايتى، تازى.
- تازى tāzi: ا. ص. عرب، عربى، عربچه،
تازيان جمع. اسب تازى: عرب آطى.
- تازيانه tāziyāne: ا. قامچى، شاللاق.
- تاژىك tāžik: ا. تاجىك.
- تاس tā: ا. تاس، كاسه دن اولى راق
چونگور قاپ، اوقارا.
- تاس tā: ا. جىدام سىز، بى طاقت،
قايغىلى، واسواسا، تيتراويك.
- تاس tā: ا. نرد اويونده گىديان بىردن
آلتا چنلى نقطه سى بۇلان مهره لارى
سونكدن دورت بورچ نارسه.
- تاس tā: ص. كله سى تاس بۇلان،
كله سى نىنگ ساچى بۆلمادىق،
تاقىركله.
- تاس ماهى tā: māhi: ا. مر. بالىنىنگ
- بىر گۇرنوشى بۇلان، دۇقى.
- تاسوعا tāsu'ā: ا. [ع] محرم آيى نىنگ
دوقىزىنجى گۇنى.
- تاغوت tāqut: ا. داغدان آغاجى.
- تافتن tāftan: مص. ايشمك، ياقماق،
پارلاتماق، ياغتيلاندىرماق، دمىرى
اوده قىزارتماق.
- تاك tāk: ا. اوزوم آغاجى.
- تاكتىك tāk-tik: ا. [فر] اوروشىنگ
تارى يولى، اوروشىنگ فنى اصولى و
حركت لرى، حربى گويچى اوروشده،
فنى يۇل بىلن اوغراتماقلىق.
- تاكستان tāk-estān: ص. مر. اوزوم
باغلىنى، اوزوم ليك ير، اوزومىنگ و
اوزوم باغنىنگ كوپ يرى.
- تاكسى tāksi: ا. [فر] شهرىنگ
ايچىنده دولت طرفىندان بلله لن
يورitte كراينه گزيان سوارى، ينگىل
ماشىن، اول آدمالارى بىر نقطه دن
آيرى بىر نقطه اكىديپ گتيرىار.
- تاكسى متر tāksi-metr: ا. [فر]
تاكسى لرده آرا اۇلچىسى بىلمك
اوچىن قويولىان قورال، شونىنگ بىلن
مسافىلارنىنگ برملى كرايى اۇلچىلار،
يعنى بللى اديلىار.
- تاكى tā key: نيچه زار، هاجانا چنلى.

- تالاب tālāb: ۱. حوض، گؤل، قورریق، بۇلاق.
- تالار tālar: ۱. اولی سالن اتاق، گینگ جای.
- تالان tālān: ۱. تالانگ، قاراقچی لیق.
- تالان tālān: ۱. [فر] یونانده قدیم آغرام اولچه گی، تخمیناً ۲۶ کیلوگرمه برابر بۇلمالی. پۇل سانی بۇلسا قدیم یونانی لارینگ یانیندا بیر مقدار قیزیل، اول بیر تالان آغراملیغی بۇلۇپ کومیش تالانی چنگ بیلن ۵۶۰۰ فرانک، قیزیل تالانی چنگ بیلن ۵۶۰۰ فرانک بۇلمالی.
- تالی tāli: ص. [ع] ایزارلایجی تابین، ایزینا اییه ریجی آط چاپنی میدانده دوردینجی بۇلۇپ گلن.
- تانک tānk: ۱. [فر] اۇرۇش ماشینی، اول ۱۹۱۶نجی ییلده برینجی جهانلیق اۇرۇشده یولا دوشوریلدی.
- تانکر tānker: ۱. [انگ] نفت و ش. م. زادی چکیان ماشین.
- تانگو tāngo: ۱. [فر] تانس، اویونچی لیغینگ بیر گۇرنوشی، بو اصل مکزیکی لی لرینگ اویونی، ایلکی ۱۹نجی میلادی ده باشلانیب سۇنگ ۱۹۲۰نجی یلده باشغا یورتلره
- یایراپ رواج تاپیار.
- تاو tāw: ۱. جیدام، طاقت، گویچ، اگری بۇغری.
- تاوان tāwān: ۱. غرامت، عوض، بدل.
- تایر tāyer: ۱. [انگ] ماشین لارینگ تیگیری نینگ داشقی لاستیکی.
- تأبی ta'abbi: مص. [ع] بیر زادی ایسلامزلیک، حالامزلیق، بۇیۇن یوغین اتمک لیک.
- تأبی ta'abbi: مص. [ع] بیرینی آتا یرینه آلماق، بیرینی آتا توتونماق.
- تأبید ta'bid: مص. [ع] ابدی لیک اتمک، همیشه لشدیرمک، مدام لیق سایماق، باقی.
- تأیین ta'bin: ۱. مص. [ع] ۱. بیرینی یوزیه یوز دوروپ کاییمک، ۲. بیرینی اولان سۇنگ اۇومک تاریفلاماق.
- تأثر ta'assor: مص. [ع] اثر اتمک، ایز قویماق، اثری قبول اتمک، غملی بۇلماق، قانیغیلی بۇلماق، غم غصه.
- تأثیر ta'sir: مص. [ع] اثر اتمک، بیر زاتدا ایز قالدیرماق، اثر قویماق.
- تأخیر ta'xir: مص. [ع] ایزه قویماق، ایزه اۇقلاماق، گيجا قویماق، ایزه سالماق.
- تأدیب ta'dib: مص. [ع] ادب اتمک،

تنبی برمک، تربیه برمک، تنبی اتمک.
تادیه ta'diye: مص. [ع] اوزمک،
 برمک، پول یا وامی برب آییروماق،
 توله مک.
تأسف ta'asof: مص. [ع] اؤکینمک،
 اؤکینج، قایغا قالماق، غما باتماق،
 توقات بؤلماق، آخمیر لیق.
تأسیس ta'sis: مص. [ع] بناسینی
 قورماق، دیکالتمک، برکیتمک،
 پایه سینی قورماق.
تأکید ta'kid: مص. [ع] برکیتمک،
 پوختالاماق، ماکام لمک، سؤزینگی یا
 ادن عهدینگی ماکام لمک، برک
 تابشیرغی، نیغتاماق.
تألم ta'allom: مص. [ع] دردلی،
 ایزالی بؤلماق، آغیرلی بؤلماق،
 ایزالی لیق، اینجاماق.
تألیف ta'lif: مص. [ع] دوستلوق
 اتمک، اوورانیشدیرمک، مطالبی
 یعنی یازغیلاری بیله کی کیتابلاردان
 آلیپ ییغناپ جملامک، ییغناماق،
 پیترانگ زادی ییغناپ تاییارلاماق،
 یازماق، اثر یازماق.
تأمل ta'mmol: مص. [ع] اویلانماق،
 فکرلنمک، قاراشماق. ساقلانماق،
 دقت اتمک، چونگ اویلانما،

اویلانشیق.

تأمین ta'min: مص. [ع] بیرینی امین
 بیلیمک، فراغتلی اتمک، آمانده
 ساقلانماق، خاطر جمع لیک برمک.
تأمینات ta'min-ât: [ع] انتظامی
 ادارانینگ بیر بؤلومی، آگاهی آدیندا،
 جمع تأمین، کفیل لیک.
تأنی ta'anni: مص. [ع] ساقلانماق،
 جایلی لیق بیلن ایش اتمک،
 یوواشلیق بیلن ایش گورمک.
تأهل ta'ahhol: مص. [ع] اویلنمک،
 عیال آتماق، جفتلنمک، بیر عیال
 بیلن قوشونگ بیریکدیرمک، عیال لی
 اوغلان اوشاق لی بؤلماق.
تأیید ta'yid: مص. [ع] گویچ برمک،
 یاردام برمک، قولداماق، دوغری دییپ
 قولداماق، کمک برمک، ماقوللاماق.
تب tab: (=تپ) ۱. قیزدیرما، ایستیم.
تبادر tabâdor: مص. [ع] اونگه
 گچمک، اؤوله مک، ایشده قیساقلی
 بؤلماق.
تبادل tabâdol: مص. [ع] چالیشماق،
 دکشیرمک، عوض بدل اتمک، فکر
 آلیشماق.
تبار tabâr: ۱. اصل و نسب، نژاد، تیره،
 اوروغ، قوم قارینداش.

تبار tabār: ۱. [ع] هلاک بولما، آرادان گیتمه.

تبارک tabāraka: [ع] صیغه ماضی، یعنی آراسسا و پاکیزه بۆلدى، تبارک الله: الله تعالى پاک و آراسسادير، الله تعالى قاتى پاک و آراسسادير.

تبارک tabārok: مص. [ع] شاد و برکتلى بۆلماق، قاوی زادا يورماق، ياغشى نيّت اتمک.

تبانى tabāni: اونگيشماق، ايللاشماق، آغيزيبرليک، بيرزاد درکلى، ديل بيریکديرمه.

تباه tabāh: ص. چويريمه، پوچ، ضايالانما، يوغالما، بوش، ياراماز، تباهى: يوغالماق، ضايالماق، ضايه‌لىق، نابودلىق.

تباهاکار tabāh-kār: ص. فا. يوق اديجى، فسادا چکيجى، خرابکار، فتنه‌چى، نابود اديجى، ضايالايجى، بوزوقچى.

تبر tab-bor: ۱. ص. قيزديرما کسلى کسيان، و يا کوشيديان درمان.

تبحر tabahhor: مص. [ع] اوران بيلملى ليک، قاتى بير زاتده علملى بۆلماق، علم و فضيلتينگ درياسينا

چومماک، قاتى فراستلىق.

تبخال tab-xāl: ۱. اوچوق، قابارچاق، قيزديرماقدان دوداقدان دورايان اوچوق، قابارچاق.

تبخير tab-xir: مص. [ع] مايع جسمينگ دۇرمـۇشى نينگ اويـتگه مگى بوغارتماق، بوغينگ اسسى سنينگ اثريندن، بوغ اتمک، بخور برمک.

تبديل tab-dil: مص. [ع] دگشيرمک، عوض اتمک، بدل اتمک، بير زادينگ دراگينه بيرزات آلماق، اوورمک، چالشيرماق.

تبذير tab-zir: مص. [ع] کوپ خرج اتمک، يرليک سيز خرج اتمک، چندن آشا يويماق، مالينگى پتراتماق، خرجى وهى ليک.

تبر tabar: ۱. پالتا.

تبرئه tabra'e: مص. [ع] ارکين لتمک، داش اتمک، آزاد اتمک، تهمتدان مجابدتان آراسسا چيقماق، يازيق سيز تانيلماق، گوناهدن يوويلماق.

تبرع tabarro: مص. [ع] خداى تعالى نينگ راضى ليفى اوچين خير ايش اتمک، ثوابلى ايش اتمک، خداى تعالى نينگ يولينا مال برمک.

تبرک tabrak: ۱. قلا، دفا، دره، سبز

تبرک، کنایه سۆزۆندن گۆنگ، گوک.

تبرک tabarrok: مص. [ع] برکت

تاپماق، برکتلی بۇلماق، برکتلی

سایماق، مبارک سایماق.

تبریک tab-rik: مص. [ع] قوتلاماق،

مبارکلمک.

تبسم tabassom: مص. [ع]

ییلغیریش، میلغیما، گولومجیرما.

تبش tabeş: ۱. مص. قیزغین

ایسسیلیق، چوغ، پارلاق، شعله.

تبصره tabsare: مص. [ع] آچیلماق،

آیدینگلاماق، قانون مادهسینا بیر زات

آرتدیریپ آچاچان اتمک، گومورتیک

زادی عیان اتمک.

تبعیت taba'iyat: ۱. مص. [ع] ایزیندان

گیتمک، گیدن یولیندن گیتمک،

اییرمک، اویماق، ایزارلاماق.

تبعید tab'id: مص. [ع] داشا سالماق،

اوزاقا اییرمک، بیرینی شهردن قاویب

باشغا بیر شهره ایبرمک، سورگون

لیک، سورگون.

تبعض tab'iz: مص. [ع] بۆلک بۆلک

اتمک، بیر ناچانی قبول ادیب بیر

ناچانی قبول اتمه سیزلیک، بیرینی

باشغا بیریندن الا گۆرمک، یعنی

دالناماق.

تبغیض tabqiz: مص. [ع] آرا دگیرمک،

بیرینی باشغا بیر ییله دوشمان

اتمک، شوغوللیق ادیب آرا دگیرمک.

تبل tabl: ۱. [ع] کینه، اویکه، کینه،

دوشمانلیق، اتبال و تبول جمعی.

تبل tabal: ۱. بیر زادینگ داشی، دوور،

دوور، بادام حوزینگ داشی یالی

بۇلان.

تب لازم tab-e-lāzem: ص. مر. [فا.ع]

ایمیقلی قیزدیرما، اینچه کسل.

تب لرز tab-larz: (= تب لرزه، تب و

لرز) ص. مر. مالاریا، ایسیتمه،

قیزدیرما کسلی.

تبلیغ tabliq: مص. [ع] یتیرمک،

قاوشیرماق، خبری یا سارغیدی

ایلینگ قولاغینا یتیرمک.

تب مالت tab-e-mālt: ۱. مر.

حیوانلاردان آدمزادا یوقۇشیان

قیزدیرما کسلی، اول ایلکینجی گزک

مالت دیلن مدیترانه آده سیندا پیدا

بۇلماغنا گۇرا تب مالت

دیپپ آدلانیب دیر.

تهکار tabah-kār: ص. مر. گناهکار،

عاصی، یازیقلی.

تسین tabyin: مص. [ع] بیان اتمک،

- اشکار اتمک، آچیلماق، تفسیرلیمک.
تپ tap: قیزدیرما.
تپاله tapale: ۱. سیغیرینگ دزسی،
 تزهگی، کودی.
تپانچه tapanče: ۱. کیچی یاراغ،
 موززیر.
تپش tapeš: ۱. مص. تیتراکم،
 سارسماق، بیطاقت بۇلماق.
تپه tappe: ۱. دفه.
تپه ماهور tappe-māhur: باییرلیق
 یر، بییکلی چۆککلی یر.
تپیدن tap-idan: مص. ل. تیترهکم،
 بیطاقت بۇلماق، سارسماق.
تبع tatabo: مص. [ع] ایزارلاماق،
 بارلاماق، آختارماق، دورجهلمک، بیر
 زادا یا بیر ایشی دقتلیق بیلن
 اویلانماق، بارلاماق، ایزیندا گزمک.
تتمه tatmme: ۱. [ع] قالان قاچان زات،
 ایزی، سونکی، قالانی.
تثبیت tasbit: مص. [ع] دۇرۇقلی
 اتمک، برکیتیمک، بیر سیخلی اتمک،
 ایمیق لاندیرماق، کسگیت لمه .
تجار tojjar: [ع] تاجرلار، بزرگنلر،
 سیناغلار، جمع تاجر.
تجارب tajārob: [ع] تجربهلر،
 اوورنمه‌لیلر، سیناغلار، جمع تجربه.
- تجارت** tejārat: مص. [ع] آلیش
 بریش اتمک، سودا ساتیق اتمک،
 تاجرلیک، سوداگاریک.
تجاوز tajāwoz: مص. [ع] حدینگدن
 چیقماق، اوز چنینگدن آشا گیتیمک،
 توقینماق، آشینماق، زور لاماق.
تجاوزکار tajāwoz-kār: ص. [ف.ع]
 حدیندن چیقان، اوز چن چاقیندن
 چیقان، توقونجی.
تجاهل tajāhol: مص. [ع] اوزونگی
 سامسیق لیفا اورماق، اوزونگی
 احمق گورکزمک، بیلمزلیگه اورماق.
تجدید tajdid: مص. [ع] تازهلمک،
 بیرایشی تازهدن باشلاماق،
 باشلانغیج.
تجربه tajrebe: مص. [ع] سیناغ،
 سینانشیق، درنگاولیک، سایغاریش،
 سایلاماق، بیلیم، هونار، تجربه آلما.
تجربه یافتن tajrebe yāftan: مص.
 گوزیکمک، تجربه تاپماق، بیلیم
 آلماق.
تجرد tajarrod: یکه یاشاما،
 یالانگاچلیق.
تجزیه tajziye: مص. [ع] بۆلک بۆلک
 اتمک، بیر توتوش زادینگ آراسینی
 آچماق، بۆلمک.

تجزیه تحلیل tajziyye-tahlil:

اویلانیپ سایغاریپ آچاچان اتمک.

تجسس tajassos: مـص. [ع]

ایزارلاماق، آغقارماق، بارلایش، بیر زادی تاپچاق بۇلماق، ایزارلاماق، گوزلەمک، سر اتمک.

تجسم tajassom: مـص. [ع] گوز

اونگینه گلەمک، بیر جسم صورتده گوز اؤنگونده گؤرونمک.

تجلد tajalod: مـص. [ع] گویچلیک،

جیداملیلیق، چالت لیک اتمک.

تجلی tajalli: مـص. [ع] آچیق بۇلماق،

شعله لئمک، نور، یاغتیلیق، آیدینگ لاشماق، عارفلاز آدالغاسینده نور مکاشفه دیییارلر، خدای تعالی دان عازفلارینک یوره گینده ظاهر بولماق، یوزه چیقماق.

تجلیل tajlil: مـص. [ع] اولاتماق،

بیگلتمک، حرمتلاماق، سیلاماق، صرفه سینی بلند توتماق.

تجمع 'tajammo: مـص. [ع]

ییغنناماق، اویشمک، جملنمک.

تجمل tajammol: مـص. [ع]

زینت لئمک، بزانمک، گؤرکلنمک، گؤرکلندیرمک، گوزل لشدیرمک.

تجوید tajwid: مـص. [ع]

قاولاندیرماق، قاوی ایش اتمک، قرآن تلاوتنی دوغری صحیح یالنگیش سیز صورتده اۇقاماق. علم تجوید: حروفلری بوغازدان علمی تارده قاوی تلفظ ادیب چیقارماق.

تجويز tajwiz: مـص. [ع] اجازه برمک،

یرلیکلی سایماق، روا گؤرمک، رخصت اتمک.

تجهيز tajhiz: مـص. [ع] ۱.

تاییارلاماق، اوپجین اتمک، ایش اسبابینی تاییارلاماق، ۲. قوشونینگ حربی قوشونینگ یاراغ شای اسبابی معنیده.

تحت taht: ۱. [ع] آشاق، اتک، آست،

یوقاری بۇلماق.

تحت الارض taht-ol-arz: ۱. مر. [ع]

یر آشاغی، تحت الارضی: یر آستی، یرینگ آشاغیندن چیقان زات.

تحت الحفظ taht-ol-hefz: ص. [ع]

قول آستیندا قورالیپ ساقلانما، قارایللیق و ساقلاولوق.

تحت الحمايه taht-ol-hemāye:

ص. [ع] حمایتده بولان، باشغا بیر یووردینگ قولداوینده قول آستینده بولان یورت، هنیز قاراشیق سیزلیغی

آلمادیق یۇرت.

تحرک taharrok: مص. [ع]

قوزغانماق، حرکته سالماق،
قیمیلداماق، تېرانمک، حرکته
دوشمک.

تحریم taharrom: مص. [ع] حرمت

ساقلاماق، بیرى نینگ کپینه حرمت
قویماق.

تحریر tahrir: مص. [ع] ۱. آزاد اتمک،

بیر بندهنى آزاد اتمک، ۲. یازماق آواز
اۋقانگدا سسینگی آلدیغیندن قاتى
چکمک، چیقارماق.

تحریر tahris: مص. [ع] حریر

آیلاندىرماق، طماع سالماق،
هووسلندىرمک، مجبور اتمک،
بیرینی بیر ایشه یابیر زادا
قالقىندىرماق.

تحریر tahriz: مص. [ع]

هووسلندىرمک، میللندىرمک،
مجبور اتمک، شاوخینلاندىرماق،
اوچوكدىرمک، قالقىندىرماق،
تولقوندىرماق.

تحریر tahrif: مص. [ع] اۋزگرتمک،

اوورمک، اویستگتمک، اوورمک و
آیلاندىرماق، بیرى نینگ سوزینی اوز
اصلیندن و اونگی حالتندن آیریب
بیر ناچه سۆزلری آرتدیریب یا

تحت الشعاع taht-oš-šo'a': ص. [ع]

شعله نینگ آستى، بیرى نینگ
یاغتى ليق اته گینده، بیرى یا بیر زات
اوزىندن اولى و مهم زادىنگ
قارشى سینده قرار تاپیب جلوه و
گۆزنىگی بۆلمادىق، ایکى اوچ گون
قمرى آیینىگ آخرینا قالاندا آیینىگ
جرمى قاراسى نینگ یتمه گى.

تحت اللفظى taht-ol-lafzi: ص. [ع]

سۆز مه سۆز و کلمه به کلمه ترجمه
اتمه.

تحتانی taht-āni: ص. ن. [ع] آشاغا

باغلى، اته گه باغلى، آشاغى.

تحریر tahjir: مص. [ع] قاتىماق،

برکیمک، یرینگ داش توه رگنه علامت
قویماق، یرینگ توه رگنه داش بيله
بللک اتمک، داش آیلاماق.

تحدث tahaddos: مص. [ع]

کپله مک، خبر برمک، آیتماق.

تحدید tahdid: مص. [ع] بیر زادىنگ

اینى بوینی تاپماق، بیر یرینگ
آراچاگنى بللیک اتمک، بیر زادىنگ
داش توه راگنى چاکلندىرمک

تحدیر tahzir: مص. [ع] قورقیزماق،

قاچىرماق، ال چکدىرمک.

کملدیپ دگیشرمک و معنی سینی
اویتگتمک، یوماق .

تحریق tahriq: مص. [ع] یاقماق، اود
برمک.

تحریک tahrik: مص. [ع]
قیمیلدا تاق، شوغوللاماق، غیلاو
برمک، قوزغاتماق، اوغراتماق،
قورجالاماق، آزدیрмаق، کوشگورمک،
اوجوکدیرمک، میچوبرمک.

تحریم tahrim: مص. [ع] حراملاماق،
بیر زادی یا بیر ایشی حرام
آیلاندىرماق، اونگینه گچمک، منع
اتمک.

تحریمه tahrime: ا. [ع] نمازده
تکبیرلمه، نماز تکبیری، نمازدان
باشغا کلامی اوزونگه حرام بيلمک.
تحرزب tahazzob: مص. [ع] بۆلک
بۆلک بۇلماق، توپار توپار بۇلماق،
بولینمک، دسته دسته بۇلماق،
بیری نینگ رایندن یا بیر مرامیندا،
طرفدارلیق ادیب ییغنانماق.

تحرزین tahzin: مص. [ع] قایغیلى
اتمک، توقات لاندیرماق، قایغا
قالدیрмаق، قایغا قویماق.

تحسین tahsin: مص. [ع] قاولیغا
چاغیرماق، قاوی سایماق، برک الله

دیلمک، قاولیغا دگیشلی اتمک.

تحصن tahasson: مص. [ع]

ایسلگلی بۇلۇپ قاتی برک و پوغتا
یرده جایلاشماق، بیر امن یره بارپ
اوتورماق، بیر یره بارپ پناه گتیرمک.

تحصیل tahsil: مص. [ع] ییغناماق،
اله گتیرمک، درس اۇقیماق، بیلیم

اوورانمک، حاصل اۇنیم آلماق، علم
قازانماق، سافاق آلماق

تحفظ tahaffoz: مص. [ع] اۇزۇنگی

ساقلاماق، ساقلانماق، قاجادورماق،
آگاه بۇلماق، پرهیز اتمک.

تحفه tohfe: ا. [ع] سوغات، هدیه،

سرپای، حالات، بهالی زات، تحف
جمع.

تحقق tahaqq: مص. [ع] حقیقت

تاپماق، حقیقتاً بیر یگمک، دوغری
بۇلماق، چینه اۇرۇلمک،
حقیقتلانماق.

تحقیر tahqir: مص. [ع] کیچی

سایماق، یانگیسلاماق، خارلاماق،
کمستیمک، پستلمک، ایرباسلاماق.

تحقیق tahqiq: مص. [ع] بیر ایشینگ

ایزینا یتمک، بیر زادینگ آنیغینا
یتمک، حقیقته یتمک، سوراغلیق و
یتیشکلیک اتمک، گۇنلیک و

دوغری لیک.

تحکیم tahkim: مص. [ع]

ماکامله مک، برکیت مک، پوغتالاماق،

بیر اولی وظیفه نی بیرینه تابشیرماق.

تحلل tahallol: مص. [ع] گنادن اوتوب

حلاله اوورلمک، آنتا کفاره بریب

آنتدان ساویلماق و دینماق،

حلال لیغی ایسته مک.

تحلیف tahlif: مص. [ع] آنت برمک.

تحلیل tahlil: مص. [ع] ۱. حلال لاق،

روا و جایز بیلیمک، آچماق، چۆزمک،

۲. ایمیتی معده ده سینگدیرمک.

تحقق tahammoq: مص. [ع]

اۆزۆنگی سامسیق لیغا اوورماق،

اۆزۆنگی آقماق لیغا اوورماق.

تحمل tahammol: مص. [ع] صبرلی

بۆلماق، جیداماق، طاقت گتیرمک،

جیداملیق، دوریم لیق.

تحمید tahmid: مص. [ع] شکر اتمک،

ستایش اتمک، اؤومک، ماغتاماق، ثنا

آیتماق، دعا اتمک.

تحمیر tahmir: مص. [ع] قیزارتماق،

قیزیل ارنگ اتمک، رنگینی قیزارتماق.

تحمیق tahmiq: مص. [ع] آقماق

سایماق، بیرینی آقماق بیلیمک.

تحمیل tahmil: مص. [ع] یوکله مک،

بیری نینگ آرقاسینا یوک اوورماق، بیر

ایشی زور بیلن بیری نینگ بۆینؤنا

داقماق، زورلاماق، تونگه مک.

تحول tahawwol: مص. [ع] بیر

دۆرمۆشدان آیری بیر دۆرمۆشا

اؤورۆلمک، بیر یاغدايدان باشغا بیر

یاغدايا گچمک، اؤزگرمک.

تحویل tahwil: مص. [ع] اوورمک،

اويتگتمک، یرلشدیرمک، گوچورمک.

تحویل سال: بیل دگیشمه سی، بیل

عوض بۆلماغی.

تحیت tahiyat: مص. [ع] سلام

آیتماق، درود ایبرمک، خوش گلدینگ

دیمک لیک، تحیات جمع.

تخ tax(x): ا. [ع] ترشی خمیر،

کونجی نینگ کونجاراسی، خمیر

مایا.

تخ tax: ا. کونجی کونجاراسی.

تخاریب taxārib: ا. [ع] آری نینگ

اویلری، دشیکلر، آری نینگ کته گی،

جمع تخروب.

تخاصم texāsom: مص. [ع] بیرى

بیرینگ بیلن دوشمانلیق اتمک،

بیری بیرینگ بیلن اؤرؤش اتمک.

تخت taxt: ا. دورت بورج اوسسول،

تخته و دمیردن بجرلن اورتورلقیچ، یا

تختده اۆتۆرپ یلینگ گویجی بیلن
ھاۋادان حرکت ادیان اکن ۲. تخت
سلیمان آدیندا اول تخت
رضائیہ نینگ دریاچه سی نینگ
تۆۋرگینده مراغا بیلن تبریزینگ
یولیندا قدیم شہردن قالان
خارابالاردان شیز و آتشکده
آذرگشتسبدن باقی قالیب دیر.

تخت طاووس taxt-e-tāwus: ص.

مر. نادر شاه افشارینگ هندوستانده
پادشالیق تختی بۆلمالی، اول تخت
آیراتین طیلادان بولان، دورت
بورجلی سکیز پایہ لی و ایکی
باسساناغللی بۆلۆپ، بو تخت
دورلی جواهر و مونگلرجه الماس
زمرد، لعل و یاقوت یالی زاتدان
ایشلنیپ بحرلیپ دیر، و طاووسینگ
هیکی دورلی جواهردان قبه ادیب
قوییلان، اول تخت هندوستانده شاه
جهانینگ زامانینده یاسالان اکن،
سۆنگ اورنگ زیپ اونی اونگات تآرده
بزآدیدر، روایت ادیارلر آغا محمدخان
قاجار اۆتۆنگ اهلی گوهرلرینی
قوفاریپ ساتیپ و تختدان هیچ بیر اثر
قویماندیر، آخرده فتحعلی شاه
قاجارینگ فرمانی بیلہ طاووس تختی

مخصوص پادشاهلارینگ اوتوریان
تختی، مونگا اورنگ و اورند هم
دییلیار.

تخت بلقیس taxt-e-belqeys: ۱. مر. ۱.

ملکه سبا و بلقیسینگ تختی دیپ
آدلاندریلیار، اۆتۆنگ ایوانینی بیر
سالیق وقتده سلیمانینگ یانینا
اکیدیلیپ دیر، عرش بلقیس دینپده
آیدیلیپ دیر ۲. تخت بلقیس دیپ
گون دوغار آذریایجانده یرلشیان
داغلارینگ آراسیندا بیر داغینگ آدی
هم بۆلمالی.

تخت خواب taxt-e-xāb: ۱. مر. آغاچ دیر

یا دمیر یالی نارسه دن اۆستونده
یاتماق اوچین یۆرته یاسالان دورت
آیاغلی دورت بورج تخت.

تخت روان taxt-e-rawān: ۱. مر.

دورت اوزین سایی صندقه منگزش
تخت، اۆستونده مسافر اۆتۆردیپ
آدملار اونی گرشینہ آلیپ گوتریار، و
یادا اونونگ اونگینه ایزینا ایکی آط
دایقپ اکیدیلیان اکن.

تخت سلیمان taxt-solimān: ۱. مر. ۱.

روایتہ گۆزا ارتہ کیلرده آیدیلماغنا
گۆزا، اول سلیمان پیغمبرینگ
تختی نینگ آدی، سلیمان پیغمبر اول

تخطی taxatti: مص. [ع] خطا اتمک، عاصی چیلیق اتمک، حدینگدن آشا گیتمک، حددن آشماق.

تخفی taxfi: مص. [ع] گیزگنمک، بوقولماق، یاشیرینماق.

تخفیف taxfif: مص. [ع] یسنگلتمک، کمالتمک، بیر کلمه‌نی (سوزی) آنکساتلیق اوچین آزالتماق.

تخلص taxallos: مص. [ع] ۱. ارکین بۇلماق، بوشاماق، خلاص بۇلماق، ۲. شاعر لرینگ قوشغی سینینگ اته‌گینه اوزینه خاصلان لقمنی کتیرمک لیگی.

تخلف taxalof: مص. [ع] ترس ایش اتمک، اقرارینگده دورماسیزلیق، وعده خلاف بۇلماق، سۆزینگده تاپیلماسیزلیق، ایزه قالماق.

تخلل taxalol: مص. [ع] ایلدش لرینگ، قارینداشلارینگ آراسینا گیرمک و نفوذ تاپماق، دیش آراسینا گیرن زادی چیقارماق.

تخلیص taxlis: مص. [ع] ایراتینلاماق، ایلاتلاماق، آزاد اتمک، بوشاندیرماق، قیسغالتماق.

تخلیه taxliye: مص. [ع] بوشاتماق، ایچینی زادسیز اتمک، گویرمک.

یاسالیپ دیر، ایلکی اول تخته گون شکلینده بۇلماغنا گؤرا، تخت خورشید آد قویب دیر، سؤنگ فتحعلی شانینگ اصفهانلی عیالی نینگ آدی طاوس بۇلماغنا گؤرا اول تخته تخت طاوس دیب آدلاندیریپ دیر. شو وقت بو تخت بۇلسا تهرانده گلستان دیلن کاخده ساقلانیار.

تخته taxte: ۱. یوغین آغاچدان کسلیپ ادیلیان یاستی نارسه، تاختا.

تخدير taxdir: مص. [ع] قاوشاتماق، یاغایدان دوشورمک، یاغادی سیز اتمک، سینگرلری بیحال اتمک، حال سیز اتمک.

تخریب taxrib: مص. [ع] خرابلاماق، ویران اتمک، ییقمایومورما.

تخصص taxassos: مص. [ع] چپرچیلیک، بیر ایشه چپر چیلیگینگ بۇلماق لیک، استادلیق بولماق.

تخطئه taxta'e: مص. [ع] بیرى نینگ ایشیندن خطا توتماق، یازیقلى اتمک، بیرینیک ایشیندن یالنگیشلیق توتماق.

تخم toxm: ۱. دانه، تخم لیق دانه، دول،
خایا، ارکک لیک.

تخماق toxmāq: ۱. ت. توقماق،
آغاچدان بجرلن توقماق.

تخم مرغ toxm-e-morq: ۱. یومورتغا.
تخمه toxame: ۱. [ع] معده ده ایمیت
سینگمان قالماغی، کوپ اییپ آداما
نقصان یتیشمه گی.

تخمه toxme: ۱. کادی و قارییز
قاوینینگ چکیدى، قارا دانه، و ش.م.
تخمه toxme: ۱. نسل، تخم تیچ، دول.
تخمیر taxmir: مص. [ع] خمیر اتمک،
خمیره، مایا قوشماق، خمیری
آلدیрмаق.

تخمین taxmin: مص. [ع] چن اورماق،
اؤلچمه مک، تاخمین اورماق، بیر
زادینگ بهاسینی گمان بیله چن بیله
بللی اتمک.

تخوت taxut: [ع] تختلار، جمع
تخت.

تخويف taxwif: مص. [ع] قورقیزماق،
خوفلاندیرماق، اورکیزمک.

تخیل taxayyol: مص. [ع]
خیاللانماق، خیالی حساب ادیب
گمان گتیرمک، فکره باتماق،
اولومسی بۇلماق، شبهه لنمک.

تداخل tadāxol: مص. [ع] داخل
بۇلماق، بیر بیرینگه گیرمک، طب
آدالفا سینده ایین، ایسمیتینگ
سینگماکأ ینه اوستینه ایمیت ایمک.
تدارک tadārok: مص. [ع]
تاییارلاماق، تایینلاماق، اوپجین
اتمک، تتارک گۆرمک، یالنگیشینگى
دوشونپ دوزالتمک، عوضینی
برمک.

تداعی tadā'i: مص. [ع] بیرى
بیرینگى ایسته مک و اویشمک،
یغینانماق، بیرى بیرینگ بیله
اوروشماق، ذهینده گچن خاطرالار
یوزه چیقارماق، گۆزاؤنگونه گتیرمک.
تداعی معانی tadā'i-ye-ma'anāi
بیر معنى دن باشا بیر معنى گه
دوشونمک، بیر معنى دن ایزارلاپ
باشا بیر معنى نی یادینگه گتیرمک.
تدافع tadāfo: مص. [ع] قورانماق،
بیرى بیرینگى قوراماق، بیرى
بیرینگى ایزینا اوراماق.

تداول tadāwol: مص. [ع] بیرى
بیرینگدن ال بهال اؤورؤلْمک،
بیریرینگدن نوبت یوزیندان بیر زادی
آلماق، رواج بۇلماق، یورگونلى بۇلماق.
تداوی tadāwi: مص. [ع] درمان

اتمک، علاج اتمک، ام اتمک.

تدبير tadbir: مص. [ع] بير ايشينگ
سۈنگۈنى سايناريپ اويلانماق، بير
ايشه دقتليق بيله اويلانماق، و
آنگشارماق، چاره گۈرمک.

تدريج tadjir: مص. [ع] پله پله
يوقارى چيقماق، آسسا آسسادان
ايش اتمک، يواش يواش اووه گيتمک،
آز آزادان اووه گيتمک.

تدريس tadris: مص. [ع] سافاق
برمک، درس برمک، درس آيتماق.

تدقيق tadqiq: مص. [ع] دقت اتمک،
ايىنجيqliق اتمک، ايىنچەدن
ايزارلاماق، اونس پرىک اويلانماق.

تدليس tadjlis: مص. [ع] بير زادينگ
عييىنى اورتىمک و گيزلمک، اوز
عييىنگى و اوز زادينگى گيزلمک،
آلداماق، عارفلارينگ آدالفاسيندا
صوفىليق اشيكده فسادچيليغا يوز
اورماق.

تدمير tadmīr: مص. [ع] هلاکلمک،
يۈق اتمک، نابود اتمک، آزادان
آيىرماق، دارغاتماق.

تدنى tadanni: مص. [ع] آز آزادان
ياقينلاماق، اتاگه دوشمک، پسلمک.
تدوير tadjwir: مص. [ع] تگلىک

اتمک، تگلامک، آيلاماق.

تدوين tadwin: مص. [ع] ديوان
دوغورلاماق، شعرلرى يا مطلبى بير
دقترده ييغناماق، بير زات ديوانده
يازماق.

تدين tadayyon: مص. [ع] دين
دارليق، دينلى بۇلماق، تقواليق.
تذرو tazarw: ا. قيرقاوول، سولگون،
ميدان تاوويق، دره خوراز، داغ خوراز،
يابان تاوويق.

تذکار tazkār: مص. [ع] يادلاماق،
ذکر اتمک، يادينگا گتيرمک.

تذکر tazakkor: مص. [ع] يادا
گلمک، يادا سالماق، اونوتماسيزليق.
تذکيه tazkiye: مص. [ع] اودى
اوچلنديرمک، اودى اۈلچىرمک،
يساقماق، حلال مالى داماغين
چاليپاولديرمک.

تذليل tazlil: مص. [ع] دليل اتمک،
خوار اتمک، اربىد سايماق،
عجيزلتمک، پس سايماق.

تر tar: ص. تازه، سولى، يانگجه
يولينان.

تراب torāb: ا. [ع] ير، توفراق، قوم،
اتربه و تريان جمع.

تراب tar-āb: ا. مص. دامجا سيزما،

کویزه‌دن قابدان سوونگ سیزیب
دامجالاماغی «سؤو کویزه‌سی
کویزه‌ده سیزلار».

تراجع 'tarājo: مص. [ع] ایزه
دولانماق، ایزینگا اؤورولمک، بیر
ایشده بیرى بیرینگه دوشیشیپ
گوررونکدش بولماق.

تراخم tarāxom: ا. [فر] گۆز کسلى،
اؤنؤنگ کسلىندن پرده‌سى چیشیپ
و تووره‌كى چیرکلأب جوش اوریب
آیراتین میکروبینگ یوقۇشماغیندا
گویجه‌مه‌گى، شيله‌ده اونسى علاج
ادیلمه‌سه گۆز کور بولماغینا سبب
بولمالى.

ترادف tarādoḡ: مص. [ع] بیر اوغوردا
بولماق، ایزلى ایزینده دورماق، بیر
خطرده بولماق، ایزلى ایزینا قرار
تاپماق.

تراز tarāz: ا. زینت، گۆز، بزک،
کیمینگ یا متانینگ دورلى نقشى و
بزکى.

تراز tarāz: ا. سؤو اؤلچگى، بییک
چوککلیگى آنکلا دیان آبال، قورال.

ترازنامه tarāz-nāme: ص. مر. بیر
ییلینگ خرجى و دخلینى یعنى
گیرده‌جیسینى و چیقداجى‌سینى

بیلدیریان حساب، بیلان آدیندا.

ترازو tarāzu: ا. تره‌زى، میزان.

تراژدى terāžedi: ا. [فر]

توقات لاندیریجى نمایش، یاشایش‌ده
غملاندیریجى قصه و یا نمایش،
مصیبت، بدبختلیق، یاس.

تراشکار tarāš-kār: ص. فا. دمیر

پولاد یالى زادی یونیان آدم.

تراشکاری: دمیر یونیلیان یر.

تراشه tarāše: ا. یونغۇچ.

تراضى tarāzi: مص. [ع] بیرک

بیرکدن راضى بولماق، بیرک بیرکدن
شاد بولماق، ایلالاشماق.

ترافع 'tarāfo: مص. [ع] دعوالاشیپ

بیله قاضى‌نینگ یانینا گیتمک، و یا
اکیتمک.

ترافق tarāfoq: مص. [ع] بیله دوست

بولماق، بیله یولداش بولماق.

ترافیک terāfik: ا. [انگلا] یول‌لاردا

کلیم کیدیم، قاتناولیق ماشین
آلاتینگ قاتناماغى یول حرکتى،

تراک tarāk: ا. آیریق، یاریق، ذیلیک.

تراک tarāk: ا. بیر زادی‌نگ

یاریلماغیندن یا دؤویلیمکیندن دورایان

سس، گونگ گوفیرده‌مه‌سى یالى.

تراکم tarākōm: مص. [ع] اوست

اوستىسە يىغىنناماق، اويشمىك، ياتان
باشاغايلىق بۇلماق، گورمەلشىك،
كۆپلۈك.

تراۋماۋى terāmway: ۱. [فر] برقى
واگن، شەھەر دىمىر يولى، مسافىرلارنى
شەھرىنگ ايچىندە قاتناديان آياق
اولاغ.

ترانزىت terānzit: ۱. [فر] بىر يورتدان
آيرى بىر يوردە مالىياتسىز
گىمرىكسىز مال گچمە يەنى گچىرمە.
ترانزىستور terānzistor: ۱. [انگىل]
ايكى كىلمەدن يوغورلان، گۈچىرىلمىك
و دورىملىلىق مەنىدە اول
۱۹۴۸نجى يىلدە آمىرىكادە
دوزادىلىپ شونىنگ اوستىبىلن
كىچى رادىولارى ياساۋاق مەمكىن
بۇلۇپدىر.

ترانسپورت terānsport: ۱. [فر]
يۈك داشايان بارىلار، ماشىنلار.
ترانە tarāne: ۱. ص. ۱. آيدىم ۲. ترو
تازە، جوان، يىگىت، آۋادان يىگىت.

تراۋرس terāwers: ۱. [فر] دىمىر
يۇلۇنگ آشاغىندا دوشلىيان قالىنگ
تاختا.

تراۋوش tarāwoš: ۱. ص. ۱. سىزماق،
دامماق، ۲. دامما مەنىدە.

ترب torob: ۱. تۇب.

ترىت torbat: ۱. [ع] قوم، توپراق، گور،
قبر، مزار.

ترىچە torob-če: ۱. سبىزىنىنگ بىر
گۇرنوشى.

ترىيت tarbiyat: ص. [ع] اكلەمىك،
ساقلاماق، تربىيەلمىك، بىرىنە تربىيە
اخلاق اۋورتىمىك، اۋگوش.

ترىتب tartib: ص. [ع] برىك، قايم،
ماكاملىمىك، ھەرزادى اوزىرىندە
قىوماق، تىرتىبە سالماق،
دوزگونلشدىرىمىك، ايزلى ايزىنا
قويماق.

ترىزىك tar-tizak: سبىزىلرىنگ بىر
گۇرنوشى.

ترىتىل tartil: ص. [ع] سۇزى
تىمارلاب آيدىنگلاندىرماق، قرانى
قاۋى سىس بىلن دوغرى قرائت
اتمىك، دوغرى اۋقىماق.

ترجىمان tarjomān: ص. [ع]
ترجمەچى، تراجمە و تراجم جمع،
ايكى دىل بىلىان آدم، دىلماچ.

ترجىح tarjih: ص. [ع] يوقارى
گۇرمىك، اىلا گۇرمىك، بىلند سايماق
آرتىق گۇرمىك.

ترجىع 'tarji': ص. [ع] اوۋىرىمىك،

رئیس باشلیق معنیده.

ترخیص tar-xis: مص. [ع] رخصت
برمک، اذن برمک، اجازه برمک،
بوشاتماق.

تردد taradod: مص. [ع] ۱.
شبهه لنمک، ایکی گونگل لی بؤلماق،
گلیم گیدیم اتمک، قاتناو اتمک ۲.
ایچ گچمه کسلی.

تردست tar-dast: ص. مر. کنایه
سؤزی: قاتی چاققان، زنگ، چپر،
چالت.

تردید tardid: مص. [ع] اوویرمک،
دولانماق، ایکی گونگل لی بؤلماق،
شبهه لی بؤلماق.

ترس tars: ۱. خوفلیق، قورقماق،
قورقی، اویشنمه.

ترس toros: ۱. ص. قاتی تدریم یر،
دمیریگن یر، پیل ایشله مه یان قاتی
یر.

ترس tors: ۱. [ع] قالقان، فولاد
قالقانی.

ترسا tarsā: ۱. ص. مسیحی، عیسوی
مذهب، نصرانی، ترسایان جمع.

ترساندن tarsāndan: (= ترسانیدن)
مص. م. قورقیزماق، بیرینیگ
یوره گنه قورقی سالماق، ایمندیرمک.

ایزینا دولاماق، آواز، سسی آواز بیلن
بوقیرداقدا آیلاماق.

ترجیع بند tarji'-band: بدیع آدیندا
بولان علم آدالغاسینده شاعر ناچا
بیتلی غزلی سازلاشیقلی و تفاوتلی
قافیهدہ آیدیب و هر بنددن سؤنگ بیر
بیتی قایتالاب آیری قافیہ بیلن
کتیرمه گی، اونگا بند گردان هم
دییلیار.

ترحم tarahhom: مص. [ع] رحم
اتمک، رحملی بؤلماق، مهربانلیق
اتمک، سله رحم.

ترحیم tarhim: مص. [ع] مهربانلیق
اتمک. سلام ایبرمک، الله رحمت
اتسین دیمک.

ترخان tarxān: ۱. اوتونگ بیر
گؤزنوشی، ترخون.

ترخان tar-xān: [ت] مغل
پادشاهلارینگ بیر نیچه اولی
آداملارینا و شاهزاده لارینا بریان
لاقامی، هر کیم بو لقمی آلسا، اول
اهلی آلنیان باج و خراجدان دینیان،
قالیبرسه ده هر وقت پادشاهنینگ
حضورینا بارجاق بولسادا هم
اجازه سیز گؤنی باریپ بیلیان اکن،
عربی سؤزوندن ترخان دییلیانی،

ترسناک tars-nāk: ص. مر. قورقیلی،

قورقینچلی، قورقینچ، الهنج.

ترسو tarsu: ص. قورقاق، قورقماسیز

یرده قورقیان.

ترسیدن tarsidan: م. ص. ل. قورقماق،

خوف اتمک، ایمنمک، حواتیرلانماق.

ترسیم tarsim: م. ص. [ع] رسم

چکمک، ایز قویماق، نقشه چکمک.

ترش torš: ص. تورشی.

ترشح taraššoh: م. ص. [ع] سیزماق،

داشینا نم چیقماق، «سؤو کویزاسی

کویزهده سیزلار نقل»، سوجارماق،

درله مک.

ترشو torš-ru: ص. مر. یوزی گوزی

چیتیک، یوزی تورشیتمه، بد قیلیق

آدم، یوزی توتوق آسیق آدم.

ترشک toršak: ا. آجی بالغان، قیزیل

بالداق، تورشوجا.

ترشیدن toršidan: م. ص. ل.

تورشیماق، ترشی داتلی بۇلماق.

ترعه tor'e: ا. [ع] بوغاز، ایکی

دنگیزینگ آراسنی بیریکدیریان سؤو

یولی، کانال، گامی لرینگ هم قاتناو

اده بیلیان سووی، ترع جمع.

ترغیب tarqib: م. ص. [ع]

هووسلندیرمک، میللندیرمک،

ایسلندیرمک، اوزینه چکمک.

ترفتنج tarfanj: ا. ص. قاتی، چتین،

اینجه قین یول.

ترفند tarfand: ا. ص. مکر، یالان،

هیتیر، حيله، پوچ سؤز.

ترفع tarfi: م. ص. [ع] قالدیرماق،

اولالتماق، بیگلتمک.

ترقی taraqqi: م. ص. [ع] اؤسمک،

اؤسوش، یۇقاری گیتمک، یۇقار درجا

یتمک، ترقی.

ترک tark: ا. آردلاشیقلى موتور یا

مالا آردلاشیب مینمک، آردلاشماق،

آردینا مینمک.

ترک tarak: ا. پارقیلدی، قاتی سس.

ترک tarak: ا. ص. ۱. کیچی راک،

چیغلی، ترو تازه ۲. آوادان قیز

معنیده.

ترک tarak: ا. یاریق، دیلیک، اویۇق.

ترک tork: ا. ساری نژاددان اولی

طایفا، قدیم وقتده اولار ترکستانده و

چینینگ قایراسیندا یاشایان اکنلر.

ترک tark: م. ص. [ع] قویماق، بیر

ایشدن یا بیر ژاتدان ال چکمک،

تاشلاماق، ترک اتمک.

ترکاندن tarak-āndan: (= ترکانیدن)

م. ص. م. دیلمک، یارماق، پارتلاتماق.

- ترکمن torkaman: (= ترکمان) ۱. آشایندان گلیان کچه.
- ترکمن لر کۆپلنچ ایرانینگ ترکمن صحراسیندا ترکمنستانده و افغانستانده، عراق دا و سوریه ده یاشایارلار، اوزلری هم حنفی مذهب، دیل لری ترکمن دیلی.
- ترکه tarake: [ع] اولی دن قالان مال، ترکه، میراث.
- ترکیب tarkib: مص. [ع] یوغورماق، بیریکدیرمک، قارماق، قاتیشدیرماق، قاریشدیرماق، بیرزادی بیرزادا اوتورتماق.
- ترکیب بند tarkib-band: ص. مر. [ع]. فنا [بديع علمینگ آدالغاسینده شاعر بیر ناچه بند قوشغینی سازلاشیقلی، تفاوتلی قافیهلارده آیدیب هر بننده بیر بیتى آیراتین قافیه ده گتیرمگی، مثال ترجیع بند یالی، اما ترکیب بنده بیت قایتالامایار.
- ترلان tarlān: ۱. [ت] تارلان، آوچی قوش، آغیر قوش.
- ترمز tormoz: ۱. روسی سۆزی، ماشینى حرکتدن دوشوریان، ماشینینگ گیدیشینی یوواشیدیان کملیان و ساقلایان قورال، تورمیز.
- ترمه terme: ۱. آط کچه سی، اییرینگ
- ترمه tarme: ۱. یومشاق تمیز پارچا، تورمه، شال ماتا.
- ترمیم tarmim: مص. [ع] تیمارلاماق، آباد اتمک، بجرمک.
- ترمینال termināl: ص. فر. سونگی، اینگ آخری و پایانی.
- ترن teran: ۱. [فر] قطار، اوتلی، یولاقچی، قاتناتیان و یوک اکیدیان واگن.
- ترن taran: ۱. گلینگ بیر گۆرنوشی.
- ترور terror: ۱. [فر] قورقی، خوف، سیاست آدالغاسینده قارشی آدمالاری اولدیرمک و اولارا قورقی بـریب وحشته سالماق و ایفندیرمک لیك.
- تروریست terrorist: ص. [فر] آدم اولدوریجی، قـانخور و آدم اولدیرمه گینگ قولدا یجی سی، غافل لیقده اوز مقصدینی بر جای اتمک اوچین آدم اولدیرمک و آدمالارینگ آراسیندا قورقی و وحشت سالیان آدم.
- ترونند tarwand: ۱. (= ترفند) مکر، حيله، یالان، پوچ سۆز، ترکند و ترکنده هم دییلیار.

ايگنه اورمه.

تزلزل tazallol: مص. [ع] تيتره مک، حرکت دوشمک، دپر نمک.

تزويج tazwij: مص. [ع] اويلنمک، عيال آماق، قیزی آره برمک، قیز دؤرمؤشا چيقماق.

تزوير tazwir: مص. [ع] آلدوويچ، آلدماق، حيله اتمک، حقه ليق، ايکی يوزلی ليک، کپينگی آوادانلاماق.

تسامح tasā moh: مص. [ع] بیری بیرينگی آنگسات ينگيل توتماق، يالتاليق، گؤز باش اتمه سيزليک، ايده مزليک، قايرا دورماق ليق، مدار اتمک، آنگسات توتماق.

تسامع tasāmo': مص. [ع] بیری بیرينگدن اشيتمک، بیرک بیرکدن نقل اتمک، روايت اتمک.

تساوی tasāwi: مص. [ع] دنگ بؤلماق، برابر بؤلماق، دنگلشمک، دنگليک، جبيسرليک.

تسيح tasbih: مص. [ع] سبحان الله دييمک، الله نى يادلاماق، خدای تعالی نى ذکر اتمک.

تست test: ا. (انگل) درنگاو، سيناو.

تسجيل tasjil: مص. [ع] برکلمک، قايملاماق، شرطلشمک، قبالا مهر

تروند tar-wand: ا. ص. تازه يتن ايميش، تازه يتيشن ايميش، تازه يتيشن ميوه.

ترويج tarwij: مص. [ع] رواج برمک، رونق برمک، ديکلمک و شاولانديرماق.

تره tare: ا. ايليان اوتونگ بير گؤزنوشی، سبزی.

تره بار tare-bār: ا. اير ايمش و ايليان سبزی لردن عبارت.

تريون teribun: . [فر] نطق جایی، گورله شيليان جای، گورونگ بريليان ير.

تريکو teriko: ا. [فر] اوريلن اگين اشیک.

تز tez: (= تز) ا. تازه چيقيپ گليان ياپراق.

تز taz: ا. کيچی سرچه تاويره خوش آواز قوش.

تز taz: (تزه، تزه) ا. ديش، ديش آچاری.

تز tez: ا. [فر] يوقار اؤقو اؤقييان اؤقوجی لرینگ سؤنگ يازمالی رساله سی.

تز taz: ص. تاس، کلّه سی کل، ساچ سيز. تزريق tazriq: مص. [ع] سانچما،

- یازماق، عهد و پیمان باغلاماق.
 تسخیر tasxir: مص. [ع]
 اوورەنیشدیرمک، مطیع اتمک، بویون
 اگمک، اوستون بولماق، حقسیز ایشه
 قویماق.
 تسریع tasri': مص. [ع] هاولیقماق،
 قسیساقلی بولماق، تیزلاماق،
 چالتماق، عربچادا بو معنی ده
 پیداانلیلمیار.
 تسطیح tastih: مص. [ع] تکیزلەمک،
 یایراتماق، دوزلمک، یر تکیزلەمک.
 تسفیہ tasfiye: مص. [ع] بیرینی
 آقماق سایماق، نادان سایماق.
 تسکین taskin: مص. [ع] کوشیتمک،
 یواشیدماق، آرام اتمک، اینجالتماق.
 تسلط tasallot: مص. [ع] اوستم
 بولماق، ینگمک، بیر زادی قولا
 سالماق وایەلەمک.
 تسلی tasalli: مص. [ع] اینجالماق،
 شادلانماق، قاینی سیز بولماق،
 دیسینجلیق تاپماق، تسلی دادن:
 مصیبتلی آدما گونگلیک برمک،
 کوششدیرمک.
 تسلیت tasliyat: مص. [ع]
 گونگللیک برمک، بیرینیگ
 مسصیبتینی و قاینی غمنی
- پایلاشماق، کونگلینی خوش اتمک،
 تسلی برمک.
 تسلیم taslim: مص. [ع] باش انگمک،
 بویون بولماق، رام بولماق، تابشیرماق،
 دیزا چوکمک، سلام آیتماق.
 تسمه tasme: ا. قاییش، قوشاق.
 تسمه آهنی tasme-āhani: قیرشاو
 تسمیه tasmiye: مص. [ع] آد داقماق،
 آد قویماق، آد لاندیرماق، آد
 داقیشلیق، آد داقماق لیق.
 تسنن tasanon: مص. [ع] سنتی و
 طریقتی قبول اتمک، اهل سنت،
 سنت یۆزلگە سینده بولماق، ابویکری
 بیرینجی خلیفه بیلانلر.
 تسویه taswiye: مص. [ع] دنگلەمک،
 تایلماق، جیبسلمک، دوغورلاماق.
 تسهیل tashil: آنگساتلاشدیرماق،
 آنگسات اتمک.
 تشابه tašāboh: مص. [ع] بیرینه
 منگزەمک، منگزش بولماق، بیر بیرینه
 چالیمداش بولماق.
 تشارک tašārok: مص. [ع] اورتاق
 بولماق، بیلە شارک بولماق.
 تشاعر tašā'or: مس. [ع] گۆز اوچین
 شاعرچیلیق اتمک، اۆزۆنگی شاعر
 گۆزکزمک و شاعر بیلەمک، شعر

آیتماق.

تشديد tašdid: مص. [ع] قاتیدماق،

ادرمن و قوجیرلی اتمک،
قواتلاندیرماق، بیر کلمه نینگ
اوستونده تشديد قويماق، شونینگ
«-» یالی.

تشریف tašarrof: مص. [ع] بیر اولی
آدامینگ حضورینا بارماق، اولالماق،
بیگلیمک، حضور تاپماق لیق،
گیتیمک لیک.

تشریح tašrih: مص. [ع] آچماق، بیر
زادی آچیپ آنیقلاشدیرماق، بیر
زادی چۆزمک، شرح برمک، بیر
مطلبی عیان اتمک.

تشریح tašri: مص. [ع] بیان اتمک،
بیر یولی یا شریعتی عیان اتمک.

تشریف tašrif: مص. [ع] ۱.
بیگلیمک، حرمتلاماق، سیلاماق،
اولالتماق ۲. خلعت برمک معنیده.

تشریق tašriq: مص. [ع]
آیدینگلاماق، نورلاندیرماق،
گۆزکلندیرمک، گۆزللشدیرمک.

تشریک tašrik: مص. [ع] اورتاق
اتمک، شارک اتمک، قاتیشدیرماق،
قوشماق، عریچه کووشه باغ
اوتورمک.

تشک tošak: ۱. کورفنچه، دوشکچه.

تساغل tašaqol: مص. [ع] بیر ایشه
گویمنمک، بیر ایشه مشغول بولماق،
بیر ایش بیلە قیزیقلانماق.

تثبت tašabbos: مص. [ع] بیر زاده
پنجه اوریب اله سالماق، بیر زادی
قولا سالماق.

تشییه tašbih: مص. [ع] منگزتمک،
بیر زادی بیر زادا منگزتمک،
منگزشییک، چالیمداش اتمک.

تشت tašattot: مص. [ع] بیتیرماق،
چاشغین لیق، آلجرانگ لیق،
توقات لیق.

تشت چوبی tašt-e-čubi: کرسن،
آغاچ قاب.

تشیجیع tašji: مص. [ع]
یورکلندیرمک، قوجورلاندیرماق،
یورک برمک، آرقا دوروپ جرئت
برمک.

تشیخیص tašxis: مص. [ع]
سایغارماق، بیر زادی بیر زاتدان
تفاوتینی بیلیمک، دکتارلارینگ بیر
کسلی سایغارماق لیق لاری یالی.

تشدد tašaddod: مص. [ع] قاتیماق،
قین توتماق، بویۇن یوغین لیق اتمک،
قینلاشدیرماق.

تشر tašakkor: مص. [ع] شکر
اتمک، منت دارلیق بیلدیرمک، ساغ
بول دیمک.

تشکل tašakkol: مص. [ع]
شکلنمک، اونگات صورت تاپماق،
گلشیگه گلیمک، قاوی صورتا
اؤوریلیمک، قورولماق.

تشکیل taškil: مص [ع] بیر زادی
قورماق، دوغورلاماق، بجرمک.
تشکیلات taškilāt: قوراما.

تشمیر tašmir: مص. [ع] سینینگ
یوقار چکمک، چالتلیق بیلن
گچمک، بیر ایشه اراده اتمک، بیر
ایشه تاییارلانماق، تایینلانماق، بیر
مقصدده یوز اؤرماق.

تشنج tašannoj: مص. [ع]
چکیشمک، اونایکی اندامینگ
سونگکونگ چکیشمک، اونگکی
یاغادیدان آیریلیپ تتراما دوشمک،
سیقیلماق، قالا-قۇلی یاغادیا
دوشوپ یاتماق.

تشنه tešne: ص. سوساما، انسان دیر
حیوانینگ سوو ایچماگه مأتاج
بۇلماغی، سوسیزلیق، سوسیرغان.

تشنه لب tešne-lab: ص. مر. قاتی
سووسان، اوران سووسیزلیق،

سووسیزلیقدان دۇداغی تبسیران و
قوران.

تشنیع tašni: مص. [ع] بیرینی قاتی
یامانلاماق، بیرینینگ عیبینی ایله
یایماق، بیرینینگ عیبینی آشکار ادیپ
رسوا اتمک.

تشویش tašwiš: مص. [ع] آالجیرانگ
بۇلماق، چاشغینلیق، توقاتلیلیق،
پریشان یاغدایدا بۇلماق.

تشویق tašwiq: مص. [ع] بگندیرمک،
شادلاندرماق، بیرینینگ ادیان
ایشینی اؤومک، ایشینه

هووسلندیرمک، اؤوگی سیلاغلاماق
تشهد tašahhod: مص. [ع] شایادلیق
ایسته مک، گواهلیق ایسته مک،

شہانت اشہدان لاله الله دیپ آیتماق.
تشیع tašayyo: مص. [ع] ایزارلاماق،
ایزینا اییرمک، شیعه بۇلماق.

تشیع tašyi: مص. [ع] بیرینینگ
ایزیندان گیتمک، یولا سالماق،
آیریلیان آدمی یرلہ ماگه گیتمک،
وفات بولان آدمی یولا سالماق.

تصاحب tasāhob: مص. [ع] ایہ
بۇلماق، بیر زادی ایہ لمک، الہ
سالماق.

تصادف tasādoḥ: مص. [ع] بیرینه

اتمک.

تصدی tasaddi: مص. [ع] بیر ایشه هوتدالئمک، بویون آلماق، بیر ایشه اراده اتمک، بیرینه ال اوزاتماق، قارشى بؤلماق.

تصدیق tasdiq: مص. [ع] زحمته سالماق، زحمت برمک، درده سر برمک، پاسگل برمک، وقت گچیرمک. **تصدیق** tasdiq: مص. [ع] دوغرى و حق بيلمک، دوغرى لیفنا شایات ليق برمک، اینانماق.

تصرف tasarrof: مص. [ع] بیر ایشى اله آلماق، اله گتیرمک، ملکلى بؤلماق، بیر ایشى اوز میلینگه گؤرا اویتگتمک.

تصریح tasrih: مص. [ع] سؤزى آچیقلا ب آجا آجان اتمک، بیر ایشى یا مطلبى آیدینگ لاشدیرماق.

تصریح tasri: مص. [ع] یره اورماق، یره چالماق، علم بدیع آدالغاسینده غزلینگ بیتینده اولقى مصراع سینده قافیه گتیریلیمک، شيله قوشغىنى مصرع دییب آدلانديریلیار.

تصریف tasrif: مص. [ع] پیدا لانماق، صرف اتمک، اویتگتمک.

تصفیه tasfiye: مص. [ع]

دگمک، چاقیشماق، بيله یوزبه یوز بؤلماق، توتاندان بیرینه دوش گلیمک، مثال اوچین ماشین دیر یا بيله کى وسيله لر، بیرى بیرى بيله چاقیشماق.

تصادق tasadoq: مص. [ع] بيله دوستلوق اتمک، بيله دوستلوق و دوغرى ليق اتمک.

تصادم tasadom: مص. [ع] چاقناشیق، بیر بیرینه قاتى دگپ اورانماق، ایکى زاد قاتى بیر بیرینه دگپ اورانماغى.

تصاعد tasad: مص. [ع] یوقارى چیقماق، بللى درجه ده یوقارى چیقماق.

تصاویر tasawir: [ع] صورتلار، پردهلری نینگ یوزونه بیرى نینگ صورتى چکیلیمک.

تصحیح tashih: مص. [ع] دوزله مک، کتابینگ یالنگیش یرلرنى دوزالتمک. **تصحیف** tashif: مص. [ع] یالنگیش یازماق، بیر کلمه نینگ نقطه سینی آزالدیپ یا کوفالدیپ اویتگتمک.

تصدق tasddoq: مص. [ع] صدقه برمک، بیر زادى بلالاردان قوریسین دییب بیر ماتأجه ذات برمک، خیرات

آراسسالاماق، پاكلامك، الين اتمك،
صافلاماق، آلفى برگىنى صافلاماق،
چوزىلمادىك زادى چوزمك، تصفيه
حساب: حسابىنگى غىرى بىلن
آچىقلاماق، صافلاماق.

تصميم tasmim: مص. [ع] توتوم
توتماق، بىر ايشه اراده اتمك، بىر
ايش اتمك ليكى يورهگىنگه دوومك و
ايشى يرينه يتىرمك اوغرىنده برک
دورماق، مقصد نيت.

تصوّر tasawwor: مص. [ع]
بىرىنىنگ صورتنى و يا بىر زادى اوز
خيالنگده مجسم اتمك، گۆز اونگىنه
گتىرمك، اويلانماق، گمان اتمك.

تصوّف tasawwof: مص. [ع]
صوفىچىلىق، اشىگىنى گىمك،
درويشلىك اتمك، صوفىلىق
خاطارىنه گىرمك.

تصويب taswib: مص. [ع] دوغرى
بىلمك، قبول اتمك، بىر ايشىنگ
حق دىغىنه حكم برمك يعنى سس
برمك، ماقوللاماق.

تصوير taswir: مص. [ع] صورت
چكمك، بىرىنىنگ يا بىر زادىنگ
هيكلىنى شكلنى نقش لاندىرماق.

تصويره taswire: ا. [ع] هيكل.

پردەنىنگ يوزونه چكىلن صورت،
تصاوير جمع.

تضاد tazād(d): مص. [ع] بىر
بىرىنگ بيله قارشىلىق اتمك،
قارشى بۇلماق، ترسلىشمك،
ايللاشمازلىق، قايماقارشىلىق
تضارب tazārob: مص. [ع] بىر
بىرىنگى يىنچمك، اورماق،
چاقىنىشىق.

تضامن tazāmon: مص. [ع] بىرک
بىرگه كفيل بۇلماق، ضامن بۇلماق.
تضرر tazarror: مص. [ع] ضرر
چكمك، زيان گۆرمك، اينجىماق.

تضرّع tazarro': مص. [ع]
عجىزلىك، پسلمك، يالبارماق،
زارىنلاماق، ارىد ياغدايا دوشمك.
تضعيف taz'if: مص. [ع] ايکى اسسه
اتمك، ايکى برابر اتمك، پسلىتمك،
عجىزلتمك.

تضمين tazmin: مص. [ع] غرامتى
تاوانى بۇيۇن آلماق، تولامك، اوز
پناهىنگه گتىرمك، جايى دولدورماق.
تضييع tazyi': مص. [ع] ضايلاماق،
بىرىنى قاتى توتماق، قاتىلىق اتمك،
هلاک اتمك، بىدرک بىر زادى بىكار
قويماق.

بیرینگ بیلە دنگ گلمک، بیرک بیرک
بیلە دنگ چیقماق، بیر میزاند
بولماق.

تعارض ta'āroz: مص. [ع] بیر
بیرینگ پأسگل چیلک برمک، آغیز
آلار دیب قارشى بولماق.

تعارف ta'ārof: مص. [ع] بیرى
بیرینگ بیلە تانیشیپ خوش گلدینگ
دییمک، تانیشلیق برمک، بیرک بیرک
سوغات برمک.

تعاشر ta'āšor: مص. [ع] بیلە
قاتیشیپ دوستلوق اتمک.

تعاشى ta'āši: مص. [ع] شبکور
بولماق، اوزونگی شبکورلیگه اورماق.
تعاقب ta'āqob: مص. [ع] بیرک
بیره گینگ ایزیندان گیتمک، ایزیندان
یوره مک، ایزارلاماق.

تعاقل ta'āqol: مص. [ع] اوزونگی
بیلگیچ و عاقیللى سایماق،
پایخاسلى گورکزمک، بیرى نینگ قان
آلغیسینى آرادان برمک.

تعالی ta'āli: مص. [ع] قالماق، یوقار
درجەلى بولماق، یوقار درجە معنیده،
الله تعالی: الله یوقار درجەده دیر
دییمک، خدای تعالی یوقار درجەده
دیر دییمک.

تطابق tatāboq: مص. [ع] بیلە برابر
بولماق، دنگلشمک، منگزش بولماق.
تطبيق tatbiq: مص. [ع] ایکی زادی
درنگامک، دنگشدیریپ گورمک.

تطمیع tatmi': مص. [ع] طماع
سالماق، بیرینی طما سالیپ بیر ایشه
اوغراتماق، طماکین اتمک،
حریص لندیرمک.

تطویل tatwil: مص. [ع] اوزالتماق،
بیر ایشى اوزاغا چکدیرمک، بیر ایشه
کوپ وقت صرف اتمک.

تطهير tathir: مص. [ع] پاکله مک،
آراسسالاماق، بیر زادی سوبیلە
یویوب آراسسالاماق.

تظاهر tazāhor: مص. [ع] آشکار
بولماق، عیان بولماق، بللى بولماق،
اوزونگی بیر یاغدایدا یا صفتده
بولماغینگى گورکزمک، بیر-بیرینگى
قولداماق.

تظاهرات tazāhorāt: مص. [ع]
قوپنین، یوزه چیقماق، بولاغایلیق.

تظلم tazallom: مص. [ع] ستم
چکمک، زیرنمک، بیرینینگ
ظلمیندن شکایت اتمک، دادگاهدان
دادخواهلیق ایسته مک.

تعادل ta'ādol: مص. [ع] بیر

تعذیب ta'zib: مص. [ع] عذاب
برمک، اینجیتماق، بیرینه آزار برمک،
خورلاماق.

تعرض ta'iroz: مص. [ع] توقینماق،
ال اوزاتماق، سؤمک.

تعرف ta'irof: مص. [ع] تانیش
بۇلماق، تانیلماق، اۇزۇنکی تانیتماق.

تعرفه ta'refe: مص. [ع] تانیتماق لیق،
تانیشرلیق خطی، زادلارینگ قیمتی،
دوشیان مالیات و عوارضینگ
صوراتی و گمرکینگ تعرفه سی دیین
یالی، تایارلانیش اصولی.

تعریض ta'riz: مص. [ع] کنایه بیلن
بیر زاد آیتماق، کنایه اورماق، یاشرین
سۆزله مک، اینینی آرتدیرماق،
اؤسدورمک، گینگلتمک.

تعریف ta'rif: مص. [ع] تانیتماق،
تانیشرلیق برمک، خبزدار اتمک،
دوشوندیرمک، بیر زادینگ آنیقنی
آچ-آچان بیان اتمک.

تعریق ta'riq: مص. [ع] درله مک،
درلتمک، چاقیری بیر آز سؤو بیلن
قارماق، قابا بیر آز سؤو قویماق.

تعزیر ta'zir: مص. [ع] کاییمک، ادب
اتمک، ینچمک.

تعزیه ta'ziye: مص. [ع] یاس توتماق،

تعاون ta'awon: مص. [ع] بیرک
بیرگه کمک اتمک، بیرى بیرینگه
یارى یتیرمک، آرقالاشماق،
کمکلشمک، قولداماق.

تعیر ta'bir: مص. [ع] بیر مطلبی
آچاچان اتمک، بیان اتمک، دیش
یورماق، اوز مقصادینگى بیر عباراتدا
دوشوندیرمک.

تعیه ta'biye: مص. [ع] بزه مک،
بحرمک، تاییارلاماق، قوشونینگ
گرکلیکلرنی تاییارلاماق، تایینلاماق.

تعجب ta'ajjob: مص. [ع] حیران
قالماق، گنگ قالماق، تعجیبه قالماق.

تعجیل ta'zil: مص. [ع] هاوولیقماق،
قیسساقلی بۇلماق.

تعداد te'dād: مص. [ع] ساناماق،
سایماق.

تعدی ta'addi: مص. [ع] حددن
چیقماق، چندن آشا گیتمک،
زورلاماق، بیر زادا ال اوزاتماق، ظلم و
ستم اتمک، توقونماق.

تعذید ta'did: مص. [ع] سانا
گتیرمک، ساناماق.

تعذیل ta'dil: مص. [ع] دوغرالتماق،
دنگله مک، میزانلاماق، یکی زادی بیر
بیری بیله دنگله مک. ، اوزگرتمک

دعالار.

تَعْلَقُ ta'lloq: مص. [ع] آسديريلماق،

بیر زادا ساللانماق، بیرینه یا بیر زادا باغلی بۇلماق، دگیشیکلیک.

تَعْلَل ta'allol: مص. [ع] بهانا

گتیرمک، ساقلانماق، اؤزۈنگی بیر زادا گویمه مک، بیر زادا قیزیقلانماق.

تَعْلَم ta'allom: مص. [ع] اوورنمک، بیلیمک.

تَعْلِيق ta'liq: مص. [ع] بیر زادی آیری

بیر زادا آسماق، آسیپ قویماق، کتابینگ، یا خطینگ آشاغینا بیر زاد آرتدیرماق.

تَعْلِیم ta'lim: مص. [ع] علم دیر یا بیر هناری بیرینه اوورتمک، بیرینه بیر زات اوورتمک، اوورادیش.

تَعْمَد ta'ammod: مص. [ع] بیلپ

دورپ قصد یوزوندن بیر ایشی اتمک، علم بیلیم و اراده بیلن بیر ایشه یوزلنمک.

تَعْمَق ta'ammoq: مص. [ع] دقت بیلن بیر ایشه اویلانیشماق، بیر ایشه چونگ اویلانماق، دقت اتمک.

تَعْمِیر ta'mir: مص. [ع] آباد اتمک، جاینگ بوزولان یرینی بجرمک، اوی اچینده یا شاریالی اتمک دیکلتمک.

مصیبت دوشن آدما الله رحمت اتسین دیمک، ایزی یاراسین دیمک، فارسی ده روضه خوانسی و عزاداری معنیده دیمک، امام لارینگ ایلایتا-دا حضرت امام حسین نینگ عزا و مصیبتی مناسبتلی یاس توتماق.

تَعْصَب ta'assob: مص. [ع] بیر مذهب، طریقتدن و بیریندن طراف کشلیک اتمک، بیر زادا بیل باغلاب اوندان دفاع اتمک، قورانماق. تعطیل ta'til: مص. [ع] بیکار اتمک، ایشی قویماق، دینج آلماق.

تَعْظِیم ta'zim: مص. [ع] بویون اگمک، سیلاماق، اولالتماق، اولی بیلیمک، حرمتلاماق.

تَعْفَن ta'affon: مص. [ع] ایسلنمک، اربت ایسلیلیک، پورسیماق، آنگقیماق.

تَعْقَل ta'aqqol: مص. [ع] هوش دوشونجه تاپماق، عقل گوچی بیلن بیر ایشینگ ایزینا یتمک، عقل یتیرمک، فکر و عقل یوزوندن بیر ایشه اویلانماق.

تَعْقِیب ta'qib: مص. [ع] ۱. ایزارلاماق، آنگتاما، ایزیندان گیتمک، ایزینا دوشمک، ۲. نمازدان سۈنگ اوقولیان

تعميم ta'mim: مـصـ. [ع]

عمومي لاشدیرماق، همەلر باغلی
اتمک، اهلینی اۆز ایچینه آلماق.

تعوذ ta'wwoz: مـصـ. [ع] پناه آلماق،
آرقا توتونماق، پناه گتیرمک.

تعویض ta'wiz: مـصـ. [ع]

دگشیرمک، عوض اتمک،
چالشیрмаق.

تعویق ta'wiq: مـصـ. [ع] ساقلاماق،

ایزه سالماق، بیر ایشه بۆکدنجلیک
دورتمک.

تعویل ta'wil: مـصـ. [ع] قاتی

قیغیریب آغلاب بیریندن مدد
ایسته مک، بیرینه اینانیپ آرقا برمک،
آرقا توتماق.

تعهد ta'ahhod: مـصـ. [ع] بۆیۈن

آلماق، هوتدالنمک، عهد اتمک، شرط
ناما باغلاماق، وعده اتمک

تغار taqār: ا. خمیر یوغوریلیان قاپ.

تغار taqār: ا. جنگل آغاجی نینگ بیر
گۆرنۈشی.

تغازل taqāzzol: مـصـ. [ع] بیله غزل

آیتماق، غزل آیدیشماق، سویوشمک.
تغایر taqāyor: مـصـ. [ع] دوشوش

بۆلماق، گۆریپ چیلیک اتمک، قارشى
بۆلماق.

تغذیه taqziye: مـصـ. [ع] ایتمیت

برمک، غذا برمک، ایتمیت لندیرمک.
تغریق taqriq: مـصـ. [ع] سودا غرق
اتمک، چومدیرمک، بویلاتماق،
سودا بوغماق.

تغزل taqazzol: مـصـ. [ع] غزل

آیتماق، سایراماق، سویمک.
تغیر taqayyor: اوزگرش، دورموشده

اویتگشیکلیک، قاهارلانماق، قاهار
بیلن گورلەمک، عمله گتیرمک.

تغییر taqyir: مـصـ. [ع] اویتگتمک، بیر

یاغداى دان باشغا بیر یاغدا یا اوورمک،
اوزگرتمک.

تف tof: ا. آغیز سو، قاقیلیق.

تف taf: ا. ایسسیلیق، قیزقینلیق،

یاغتیلیق، پارلاق.

تف tof(f): ا. [ع] دیرناغ اته گینده

بولان چیرک، هاپا.

تفاخر tafāxor: مـصـ. [ع] بیر بیرینگه

قۇوانماق، بیرک بیرگه نازیرگه مک،
اۆزۈنگه ایشانماق، قالقینماق.

تفاسیر tafāsir: مـصـ. [ع] تفسیرلر،

جمع تفسیر، کلامینگ معنی سینی
بیان ادیب آچیقلاماق.

تفاصيل tafsil: [ع] اؤزالتما، آچیقلاما،

جدا اتمک و بۆلک بۆلک اتمک، جمع

تفصیل.

تفاضل tafazol: مص. [ع] بیرى

بیرینگدن اونگه چیقماق، بیرى
بیرینگدن تفاوتلانماق ایسته مک، بیر
زادینگ بیر زاتدان آرتیقلىقى،
پارخلىلىق.

تفاله tofale: ۱. توپ، قالیندى، کنجاره،
سووی آیینان زادینگ تۆپی.

تفاوت tafawot: مص. [ع] فرقلىق،
قارشىلىق، تفاوت.

تفاهم tafahom: مص. [ع] بیرک
بیرگینگ مقصدینه اونگات
دوشینمک، بیر زادینگ تفاوتنه قاوی
گوز یتیرمک، قاوی سلجرمک.

تفت taft: ص. قاتی، یتی، اسسلى،
قیساقلىلىق، چالت، ایسسى.

تفتیح taftih: مص. [ع] آچماق.
تفتیش taftiş: مص. [ع] ایزیندان

گیتمک، بارلاماق، سلجرمک،
ایزارلاماق. درنگاو.

تفجیر tafjir: مص. [ع] سووی
آقدیرماق.

تفحش tafahhoš: مص. [ع] یاراماز
سوز آیتماق، یامانلاماق.

تفحص tafahhos: مص. [ع]
بارلاماقلیق، ایزارلاماق، دۆرمک، بیر

زاد بارادا تحقیق اتمک، حقیقتنا
یتمک، آختارماق، تاپماق.

تفخیم tafxim: مص. [ع] اولالتماق،
عزت لمک، اولی سایماق.

تفرج tafarroj: مص. [ع]
گینگیشلیک تاپماق، گۆوین آچماق،
قین چیلیقدان و دارلیقدان چیقماق،
گینگشلیک تاپماق، گزهلنج.

تفرقه tafreqe: مص. [ع] آراسینی
آچماق، آرانی آچماق، جدالیق،
پیتراتماق، آیراچیلیق اوقلاماق، آغیز
آلالیق سالماق.

تفرقه انداز tafreqe-andāz: مص.
[ع] بوزیجی، آرا بوزیان.

تفریح tafrih: مص. [ع] شادلیق
اتمک، حوشلیق اتمک، شادیانلیق و
حوشلیق.

تفریض tafriz: مص. [ع] بیر زادی آز
آزدان واجب اتمک، آیدینگ لاماق،
أشکار اتمک، آراسینی آچماق.

تفریط tafrit: مص. [ع] بیر ایشده
ساقلاتماق، قایرا دورماق، بیر ایشده
آیاوینشلیق اتمک، بیر ایشده
اجیزلیک اتمک، پوچا چیقارماق،
ضایع اتمک، مالی تلف اتمک.

تفریق tafriq: مص. [ع] پیتراتماق،

تفویض tafwiz: مص. [ع]

تابشیرماق، بیر ایشی یا بیر زادی
بیرینه تابشیرماق، بیر زادی
بیرینینگ ارکینده قویماق؛ صوفی لیق
آدالغاسیندا بنده اهلی ایشینی الله
تابشیرسین، بو یوقار درجده
توکلدن دیر.

تفهیم tafhim: مص. [ع]

دوشوندیرمک، بینیسینه قویماق.
تقابل taqābol: مص. [ع] یوزیه یوز
بؤلماق، دنگ گلمک، یوزیه یوز
دورماق.

تقارن taqāron: مص. [ع] بیله

یاقینلاشماق، بیرى بیرینگ بیله
دوست یار بؤلماق.

تقاصر taqāsor: مص. [ع] قایرا

دورماق، آشکار اتمک،
ساقلانماغینگی، بیان اتمک.

تقاضا taqāzā: مص. [ع] (=تقاضی)

خوایش اتمک، ترخوس اتمک،
ایسلگ، ایسته مک.

تقاطع taqāto': مص. [ع] بیر بیرینی

کسمک، چاقینشماق، چاتریق، ایکی
یولونگ بیرى بیرى بیله چاتیلیان
یرى بیریکیان یری.

تقاعد taqa'od: مص. [ع] ایشدن ال

بیر زادی بیر زاتدان آراسینی
آچیپ سایلماق، بیر کیچی سانی
اولی ساندان کلمتمک، آزالتماق.

تفسیر tafsir: مص. [ع] کلامینگ

معنی سینی آچاچان بیان اتمک،
سؤزونگ معنی سینی آچیقلماق،
کلام اللهنی آچیقلاب دوشون دیریش
برمک.

تفصیل tafsil: مص. [ع] آراسینی

آچماق، کتابی بولیم بولیم اتمک،
کتابی فصل فصل اتمک، شرح و
آچیقلماق، تفصیل جمع.

تفضیل tafzil: مص. [ع] اوسسام لیک

برمک، یوقار بها برمک، بیرینی یا بیر
زادی آیری بیر زاندان فرق برمک.

تفقد tafaqqod: مص. [ع] بارلاماق،

اگاه بؤلماق، یتگینی تاپماق،
گونگل لیک برمک.

تفکر tafakkor: مص. [ع] اویلانمق،

فکره اویه باتماق، فکرلنمک.

تفکیک tafkik: مص. [ع] گویدرمک،

آچماق، سایلماق، بیر زادینگ بیر
زاتدان آراسینی آچماق.

تفنگ tofang: ا. توفنگ، اوتلی یاراغ.

تفنگ سرپُر tofang-e-sarpor: ا.

میلتیق، آغزیندان دولدورما تفنگ.

چکیپ دورماق، ایشدن قالماق، باز
نشسته بۇلماق.

تقبل taqabbol: مص. [ع] قبول
اتمک، بۇیۇن آلماق، ایسلاگنی
قناعتلاندیرماق.

تقیح taqbih: مص. [ع] پیسرلمک،
ارید سایماق، بیرینینگ ایشینی
پیس یاراماز گۆرمک، بیرینینگ
ایشینینگ یوزونه قارا چکمک.

تقیل taqbil: مص. [ع] اوغشاماق،
اوپمک.

تقدس taqddos: مص. [ع] پاک
بۇلماق، آراسسالانماق، مقدسلیق.

تقدم taqaddom: مص. [ع] اونگه
دوشمک، اونگدن گیتمک، همه لردن
اونگده بۇلماق.

تقدیر taqdir: مص. [ع] اؤلجه مک،
بیر زادینگ اؤلجه گینی ساقلاماق،
اویلاشماق، قدر و مقدارنینگ بللہ گی،
قدیر بیلدیرمه، خدای تعالی نینگ
قضا و قدری، خدای تعالی نینگ اوز
بندہ لرینه بللأن قسمتی و
نصیبه سی، تالی.

تقدیس taqdis: مص. [ع]
آراسسالاماق، پاکلیگه و

آراسسالالیغا آدلاندیرماق،
آراسسالیشا اؤوگی بیلدیرمک.

تقدیم taqdim: مص. [ع] اونگه
تاشلاماق، اونگه سورمک، اونگدن
ایبرمک، هودیرله مک، پیشکش
برمک.

تقرب taqarrob: مص. [ع] یاقینلیق
تاپماق، یاقینلاماق، یاقین بۇلماق،
قارینداشلیق و یاقینلیق.

تقریب taqrib: مص. [ع]
۱. یاقینلاشدیرماق، یاقینا گتیرمک،
۲. یاقین بۇلماق، آطینگ
یورغالاماسی.

تقریر taqrir: مص. [ع] اقرار اتمک،
بیان اتمک، آیتماق، بۇیۇن آلدیرماق،
بوینینا قویماق.

تقریض taqriz: مص. [ع] کسمک،
چاپماق، بیرینینگ قاویلیغینا یا
اریتلیگینه قوشغی آیتماق.

تقریظ taqriz: مص. [ع] منتدار
بۇلماق، تشکر اتمک، بیرینینگ یازان
کتابی یا شعرى حقدہ اؤومک بیر زات
یازماق، شرح برمک.

تقریع taqri': مص. [ع] قاتی کائیمک،
یازغارماق، ملامت اتمک.

تقسیت taqsit: مص. [ع] بۆلک بۆلک

اتمک، وامی ناچہ بؤلومه بولمک،
پولی یا وامی ناچہ بولهگہ بؤلپ
برمک.

تقسیم taqsim: مص. [ع] پایلاماق،
بؤلمک، یایراتماق، پای لاشیق.

تقصیر taqsir: مص. [ع] قیسفالتماق،
ایشده قایرا دورماق، ایشده یارامازلیق
اتمک، خطا اتمک، گناه اتمک.

تقطع taqatto: مص. [ع] بیرتیلماق،
کسیلمک، بولیم بولیم اتمک.

تقطیر taqtir: مص. [ع] دامدیرتماق،
دامجه دامجه ادیب دامدیرماق،
قطره قطره ادیب دامدیرماق.

تقلا taqallā: مص. [ع] عرب
چشمه سیندن ارجللیک، اخلاصلی-
لیق، تلاشلیق، بیلاک- شیلک
آغینماق، اؤرج اتمکلیک، دوشکده ال
آیاق اورماق.

تقالب taqallob: مص. [ع] بیر
یاغدايدان آیری بیر یاغدا یا اؤورولمک،
ایشده اوز پیدانگا سر ادیب
غیری نینگ زینانیا ایشلامک.

تقلی taqallobi: یاساما، ارید زادی
قاوی نینگ دراگنه بریب یادا ساتیب
حق کؤندیرمه.

تقلید taqlid: مص. [ع] ساللاما

داقینماق، بیر ایشی بیرى نینگ
بوینینا اوqlاماق، شرعى تایدان بیر
علما و مجتهدہ اویماق، بیرى نینگ
آغزینی اویکنمک، بیرى نینگ ادن
ایشینینگ اوستوندن ایش اتمک.

تقلیل taqlil: مص. [ع] آزالتماق،
کممک، کملتکم.

تقوا taqwā: مص. [ع] قاچما،
پرهیزلیک، یارادان اللہدان قورقیپ
اؤنؤنگ امرینه مطیع بؤلماق،
مطیع ليق اتمک.

تقوى taqawi: ص. ن. تقیغا باغلی،
تقوالینغا باغلی بولان.

تقوى taqawi(y): مص. [ع] قواتلی
بؤلماق، قؤجۇرلی بؤلماق.

تقویت taqwiyyat: مص. [ع] قوات و
گوچ برمک، قؤجۇرلی اتمک.

تقویم taqwim: ا. [ع] آیینگ گونونگ
حسابینی دوزولدیپ چاپ اتمک.

تقویم taqwim: مص. [ع]
دوغورلاماق، قیشیق زادی گونالتکم،
قیمت اتمک، زادینگ بهاسینی بللی
اتمک.

تک tak: ا. آشق، اتک، دوپ.
ٹک tok: ا. چونت، تاوینینگ چونتى،

عموما اوچلی زات.

تک tek: ۱. لقمه، تیکه، بۆلک، ایمیت،
بیر آغیز سالیم.

نک tak: ۱. مص. ت. یورتما، چاپما،
چالتلیق، یورتمک.

تک tak: ص. یکه، یالنگیز، آز،
سینگیر، انتک.

تکاب takāb: ص. مر. یکه سو، اینچه
آقیان سو، این سیزجه آقیان سو.

تکابر takābor: مص. [ع] تکبر، اولی
توتماق لیق، اوزونگ بلند توتماق.

تکاپو takāpu: ۱. مص. قیسساقلی
کیدپ کلمک، بیر زادینگ ایزینه
ایلغماق، دوملی دوشه یورتماق،
حارسورماق.

تکافو takāfu: مص. [ع] بیرک بیرک
بیلن دنگ بۆلماق، تای کلمک، بس
بۆلماق، کافی بۆلماق.

تکالیف takālif: [ع] قین ایشلر،
زحمتلی مشقتلی ایشلر، جمع
تکلفه.

تکامل takāmol: مص. [ع]
کامل لاشماق، دولی لانماق، کماله
یتمک، اؤسمک، یواش یواش
کامل لیغا یتیشمک.

تکان takān: ۱. قییمیلدی، حرکت،
قوزغالانگ. تکان خوردن: قوزغانماق،

قییمیلداماق.

تکاندن takān-dan: مص. م.

قییمیلداماق، ایرالاتماق، بوتناتماق،
قوزغاتماق، حرکت دوشورمک.

تکاور takāwar: ص. ییلدام آط،
بیرلنجی، یورتیجی، یووروک آط،
تکاور دییپده آیدیلیدیر.

تکبر takābbor: مص. [ع]
اولومسی لیک، اؤزونگی اولی توتماق،
اؤزونگی اولی سایماق، منلیکلی
لیک.

تکبیر takbir: الله نی اولی لیفا
یادلاماق، الله اکبر دیمک.

تکسیر taksir: مص. [ع] کوفالتمک،
کانلتمک، آرتدیرماق.

تکدی takaddi: مص. [ع] گدایلیق
اتمک، سایل چیلیق اتمک،
دیلگچی لیک.

تکذیب takzib: مص. [ع] بیرینی
یالانچی اتمک، بیرینه یالانچی آد
برمک، آلداماق، بیر مطلبی یالان
بیلیپ انکار اتمک.

تکرار tekrār: مص. [ع] بیر ایشی
قایتالاما، بیر کپی ایکیلا ب آیتماق،
قایتالاما.

تکرار کردن tekrār kardan:

مص. مر. قایتالاماق.

تکریم takrim: مص. [ع] حرمتنی

ساقلاماق، اولی سایماق.

تکفل takaffol: مص. [ع] کفیل

بۇلماق، بۇیۇن آلماق، هوتدالانمک،

بیر ایشی بۇیۇن آلماق.

تکلم takallom: مص. [ع] سۆز

آیتماق، دیله گلکم، سوزله مک.

تکلیف taklif: مص. [ع] بیر چتین

ایشی بیرینینگ بوینونه اؤقلاماق،

قین و ماشاقتلی ایش اتمکلیگه

فرمان برمک.

تکمیل tak-mil: مص. [ع] کماله

یتیرمک، اوستونی یتیرمک،

قوتارماق.

تکنیسین teknisiyan: ا. [فر] هنارلی،

دورلی هناره و صنعته یتیک و آگاه

آدم.

تکنیک teknik: ص. فر. فنی درنگاو،

فنی سلجریش، هینار، فنی، دوزگونى

هینار.

تک و تاز tak-o-tāz: ا. مص. دوملى

دوشه چاپماق، یورتماق.

تکوین takwin: مص. ص. دوراتمک،

باره گتیرمک، یاراتماق.

تکه tekke: ا. بۆلک، تیکه.

تکه takke: ا. تکه، سورى قويونینگ

اؤنگوندن حرکت ادیان ارکک گچی.

تکیه tekye: ا. ا. عربى چشمه دن

بولان دایاغ، آرقا، سۆیگ برمک،

آرقانگی بیر زادا دایاماق، سۆیانمک،

دایانچ، غریب قاسار ساقلا نیان جای،

۲. یاس توتولیان یر.

تکیه گاه tekye-gāh: آرقا جای، آرقا

دایاق، سۆیاگ، یاپلانیچ، سۆیانچ.

تگرگ tagarg: ا. جوهنک، بورچاق.

تلاش talāš: ا. تقلا، ارجللیک، بیر

زادی اله گتیرماگه جهد اتمه، تلاش.

تلاطم talatom: مص. [ع] بیر بیر

-ینگه آزار یتیرمک، زوال یتیرمک،

بیرک بیرگه شاپباق اورماق، دریانینگ

قومی و تولقونی، تولقونلارینگ شوو

-یلدیسى، دریانگ بیربیرینه اۇرماغى.

تلافی talāfi: مص. [ع] ساتاشماق،

دوویشماق، تتارک اتمک، دراگنه زات

برمک، تۆله مک، عوض برمک، تاوان

برمک.

تلاقى talāqqi: مص. [ع] بیرک بیرگه

دوویشاق، بیر بیرینگه ساتاشماق،

دیدارلاشماق.

تلامیذ talāmiz: [ع] شاگردلر، جمع

تلمیذ.

تلاوت talawat: [ع] مص. [ع] كتاب

اوقىماق، قرآن اوقىماق.

تلىس talbis: مص. [ع] باسىرماق،

اۋرتىمىك، حقى و حقيقتى ياشىرماق،

عيبىنگى حيلهنگى خىلقدان

گىزگەمىك.

تلىيە talbiye: مص. [ع] قبول اتمىك،

بولىار دىمىك، لىيىك دىمىك، حجده

لىيىك دىمىك.

تلخ talx: ص. آجى، سويجىسى

بۇلمادىق.

تلخىس talxis: مص. [ع]

قىسغالتماق، كىيى آيدىنگ

-لاشدىرماق، آچىقلاماق، خلاصه

اتمىك.

تلسكوب teleskob: ا. [فر]

منجملرىنگ نجومى دورىنى،

يىلدىزلارى بارلانىان اولى دورىن،

اونى رصد خانهده دىكىپ يىلدىزلارى

تانىپ گورىارلار يعنى يىلدىزلارى

تاپىارلار.

تلف talaf: مص. [ع] هلاك بۇلماق،

يوغالماق، آزادان. گىتىمىك.

تلفظ talaffoz: مص. كپلهمىك، سۆز

آيتماق، سۆزلەيش.

تلفن telefon: ا. [فر] داش يرلر بىلن

گورلشلىيان يۇرىته دىسگه، تىلفون.

تلقى talaqqi: مص. [ع] دوشوشماق،

دىدارلاشماق، اوورانمىك، حالاماق،

قبول اتمىك.

تلقيح talqih: مص. [ع] خرما برمىك

اوچىن ارىك خورمانىنگ مايه سىنى

اورقاچى خرما اورماق.

تلقين talqin: مص. [ع] بىرىنه كلامى

كپى دوشوندىرىپ اووراتمىك، بىرىنه

سۆزى دوشوندىرمىك و كپى آيتماق

اوچىن مجبور اتمىك.

تلکس teleks: ا. [فر] اۇزاق يرلره

يازىجىلىق اديان ماشين.

تلکه talake: ا. بىرىندن حيله و

مكرلىك بىلن آلداب آلىنيان پول و يا

آيرى زاتلار.

تلگراف telegrāf: ا. [فر] دورلى

يازغىلىرى و خبرلارى داش يرلره

يتىريان دستگه.

تلگرام telegrām: ا. [فر] خط

تلگرافى، سارغيت تلگرافى، بىر

مطلبى تلگراف اوستى بىلن داش

يرلره يتىرمىك.

تلمبە tolombe: ا. ناسوس، قوئىدان

يا آرنادان ال يا برق بيله سۆوى

چكىيان قورال دستگه.

تلواسه talwāse: ۱. قایینی حسرت، بی‌قرارلیق، جیدام سیزلیق.

تلویح talwih: مص. [ع] داشدان اوزاقدان، ام اتمک، اشاره اتمک، بیر مطلبی اشاره بیلن دوشوندیرمک.

تله tale: ۱. دوزاق، قاپاق.

تماس tamās: مص. [ع] بیرک بیرگه دوشوشماق، ساتاشماق، یوزیه یوز بؤلماق، اولاشماق.

تماشا tamāšā: (تماشی، تمشاء)

عرب چشمه‌دن: یول یوریمک، گزنج اتمک، بیله آیلانگ چایلانگ اتمک، فارسده: بیر زادا سر اتمک.

تمام tamām: مص. [ع] کامل بؤلماق، همه‌سی، بوتین، باری یوغی، اهلی‌سی، کامل و عیب‌سیره‌توقوش، تماماً tamāman: زیل، ساپسیم، باشی بتین، عموماً، توتوشلاپن.

تمايز tamāyoz: مص. [ع] پیتراماق، آیریلیشماق بیله تفاوتلی، سایلانما

تمايل tamāyoz: [ع] میل و هوسلنکی بیلدیرمک، آشکار اتمک، بیر طرافا قیشارماق، انگ برمک.

تمبر tambr: ۱. غ. تمر.

تمتع tamatto: مص. [ع] پیدالانماق، پیدالانیلماق، خیرلانماق، گونانمک.

تمثال temsāl: مص. [ع] مثل اورماق، مثل گتیرمک، بیر زادی بیر زادا منگزاتمک، نقل اتمک، نقل گتیرمک. تمثال temsāl: مص. [ع] نقاشی‌نینگ صورتی، هیکل، مجسمه، تماتیل جمع.

تمجید tamjid: مص. [ع] اولی سایماق، بیرینی حرمتلاب قاوی‌لیفا اوورمک، بیرینه قاوی آد برمک، حرمتلاماق، سیلاماق.

تمدن tamaddon: مص. [ع] شهرده اوتوریملی بؤلماق، مدنیتلی بؤلماق، شهره اورنیشیپ اولارینگ اخلاقلی بیله تانیش بؤلماق، مدنیت، کؤچولیکلی یاشاماق، اویغارلیق، یاشایشدا بیر-بیرینگ و اؤز ترقی‌لیفینگی و آسایشینگی تایینلاماق.

تمدید tamdid: مص. [ع] چکمک، اوزالتماق.

تمر tamr: ۱. آغاجینگ بیر گؤزنوشی. تمر tamr: ۱. [ع] خرما. تمر tamr: ۱. گؤز کسلینگ بیر گؤزنوشی، گوزه قاراسؤو اینمه.

تمرد tamarrod: مص. [ع] نافرمانلیق اتمک، بویروقدان یوز

دۈندرمك، آزماق، بۇيۇن اگمزلىك،
بۇيۇن يوغىنلىق اتمك، سرکشلىك
اتمك، ترسلىك اتمك، بۇيۇن
قاچىرماق.

تمرین tamrin: مص. [ع] اندىك
برمك، ايشه شاراب بۇلماق، بىرىنى
بىر ايشه اندىك برىپ تانىش اتمك.
تمساح tamsāh: ا. [ع] گچى امه نىنگ
بىر گۈزنوشى.

تمسخر tamasxor: مص. [ع]
ماسخارا اتمك، ساققالىنه گولمك،
يوزدن دوشورمك، يانگىسلاماق.

تمسك tamssok: مص. [ع] پنجه
اورماق، بىر زادا ال سالماق، توتارلىق
ادىنمك، ياپيشماق، بىرى نىنگ
سنىينه ياپيشماق، يتىرمك.

تمشك tamešk: ا. بوويسلن.
تمغا tamqā: ا. تاغما، بلگى.

تمكن tamakkon: مص. [ع] مقاملى
بۇلماق، عزتلى بۇلماق، قۇجۇرلى
بۇلماق، گويچ تاپماق، جايلاشماق،
يرلشمك.

تمكين tamkin: مص. [ع] بركىتمك،
گويچ قوات برمك، ممكن چىلىك
برمك، قبول اتمك، حالماق، مطيع
بۇلماق، بىرى نىنگ بوىروغنى قبول

اتمك، بوىون بۇلماق، قولاق آسماق.
تملق tamalloq: مص. [ع]
يالنجرماق، يالچىلىق اتمك،
سويچى دىللىلىك، كيچى
توتماقلىق، يالبارىپ كپله مكلىك.
تملك tamallok: مص. [ع] مالک
بۇلماق، بىر مولكى اوز اركىنه
گچىرمك، ملكلىلىك، باى بۇلماق،
بىر مولكى ايه بۇلماق.

تمنى tamanni: مص. [ع] آرزو اتمك،
آرزولى بۇلماق، يالبارماق، خوايش
اتمك، پارس دىلىنده اينه «تمنا»
شىله يازىليار.

تميز tamiz: ا. ص. عرب چشمه دن
پاكلىك، آراسسالىق فرقلىلىق،
تفاوتلىلىق.

تميز tamayyoz: مص. [ع] جدالىق،
فرق، آيراتىنلىق.

تن ton: ا. آوازينگ بلندلىك و پسلىك
درجه سى، كپىنگ هىلى، آهنگ،
كپله يش تارى.

تن tan: ا. اون ايكى سونگىنگ، اندام،
بدن، بوى سىرت.

تن ten: ا. ص. [ع] تاي، حريف،
شخص، اتنان جمع.

تن ton: ا. [فر] مونگ كيلو گرم

تناول tanāwol: مص. [ع] آلماق،

گوترمک، ال یتیرمک، ایمیت ایمک.

تنباکو tanbāku: ا. تنباکی.

تنبان tonbān: ا. بالاق، ایچ گیم،

جولبار آشاغیندان گیلیان اشیک.

تنبک tonbak: ا. سازینگ بیر

گۆرنوشی.

تنبل tanbal: ص. یالتا، تنبل،

بیکارلیغی سوییان، ایش اتماکه

هووسی بۆلمادیق، ایش سیز. (نقل:

یالتا یالتانیارین دییماگده یالتانار).

تنبور tanbur: ا. بیر هیل ساز

گۆرنوشی، تامدیره.

تنیه tanbih: [ع] اویندیرماق، اگاه

اتمک، خبردار اتمک، دویدوریش.

تن پرور tan-parwar: ص. خوش

گچیرجی عیاش، بیکارلیغی سوییان،

دینچلیغی سوییان، یالتا، تنبل.

تنخواه tan-xāh: ا. نقد پول، قیزیل،

کومیش، متاع، مال. تنخواه گردان:

ادارانگ یا آیری بیر قورامانینگ

صندیقیندا قویولپ ضرور بولان

وقتده گِرک زادلارا خرج ادیلیان الدہ

ساقلائیان نقد پول، یعنی ال یترده

ساقلائیان پول.

تند tond: ص. ۱. تیز، قاتی، باسیم،

برابرینده آغرام اؤلچگی.

تنازل tanāzol: مص. [ع] آشاق

اینمک، بیلہ اوروشماق، اورون و

مقامدان قیراغا چیقماق، آشاق

دوشمک، اتهگہ اینمک.

تناسب tanāsob: مص. [ع] بیرى

بیرینگه قارینداش بۆلماق لیق، ایکی

آدامینگ یا ایکی زادینگ آراسیندا

قارینداشلیق قاتناشیغی بۆلماق،

منگزش بۆلماق، باغلانشیق لیق.

تناسل tanāsol: مص. [ع] اوغلان

دوغورماق، نسل دوراتمک، اولاد

کوپلتمک.

تناقض tanāqoş: مص. [ع]

قاپماقارشیلیق، بیر بیرى بیلہ

ترس لشمک، ترس بۆلماق، بیرى

بیرینگ بیلہ قارشى بۆلماق، بیرى

بیرینگ بیلن ضد بۆلماق.

تناوب tanāwob: مص. [ع] بیرى

بیرینگ بیلہ گزک قویماق، نوبت

یوزیندان بیر ایش اتمک، بیر زادی

نوبت بیلن آلماق، نوبت یوزوندن ایش

اتمک.

تناور tanāwar: ص. ادللک، یوغین،

گوشلی، پوککی، سمیز، یوغین

زورلی.

چالت ۲. بورچ یالی آغزینگی یاقیان
 آوی زاد ۳. قهارجانگ آدم معنیده.
 تندباد tond-bad: ۱. قارا یل قاتی
 اوسیان یل، تووهلی طوفان.
 تسندر tondar: ۱. گونگ گوفیرداب
 ییلدیریم چاقما.
 تسندرست tan-dorost: ص. مر.
 ساغدین، جانی ساغ آدم.
 تندر رفتن tond-raftan: مص. چاققان
 و قاتی گیتمک، چالت گیتمک، ییلدام.
 تندر و tond-raw: ص. فا. ۱. چیس،
 ییلدام، قاتی یورتیان آدم و حیوان یا
 قاتی گیدیان باشقا وسیله لر، یوروک،
 ۲. قورقمازاق کله پروای آدم معنیده.
 تنزل tanzzol: مص. [ع] آشاق
 ایبرمک، آشاق دوشورمک، اته گه
 ایندرمک.
 تنزیل tanzil: مص. [ع] آشاق
 دوشمک، آشاق اینمک، اته گه گلیمک،
 ترتیب یوزوندن آشاق دوشورمک.
 تنصیف tansif: [ع] ایکی بۆلک، بیر
 زادی ایکی دنگ بۆلیمک.
 تنظیف tanzif: مص. [ع]
 آراسسالاماق، آراسسا ساقلاماق،
 آراسساچیلیق، شهرداری نینگ
 آدالفا سیندا کوچه خیابانلاری

سویروپ آراسسا ساقلاماق.
 تنظیم tanzim: مص. [ع] مرتب اتمک،
 ترتیبه سالماق، جواهری و آلتینی
 یوپه دوزمک، سۆزی شعر دوزگونینه
 گتیرمک.
 تنفر tanaffor: مص. [ع] بیزار بۆلماق،
 یگرانمک، یگرانج ییلدیرمک.
 تنفس tanaffos: مص. [ع] نفس
 چکمک، دم آلماق، آراکسمه .
 تنقیح tanqih: مص. [ع]
 آراسسالاماق، پاک لمک، کلامی
 عیبیدن و کمچیلیکدن آراسسالاماق.
 تنقید tanqid: مص. [ع] تنقاد عرب
 چشمه سیندن: تنقید اتمک، پول
 چالیشان و پۆلۈنگ اونگات اریدینی
 سایلاماق، سۆزۈنگ قاویسینی و
 اریدینی تمیز برمک و فرقنی
 بیلدیریب آشکار اتمک. بو کلمه
 فارسدا دوزلدیلیپدیر اما عربدا
 ایشلنمه یار.
 تنقیه tanqiye: مص. [ع]
 آراسسالاماق، قنات و یا سووینگ
 لایینی آیریب آراسسالاماق، عملی
 اصولده آدمینگ ایچینی
 آراسسالاماق.
 تنک tonok: ص. یوقا، سلچنگ،

یایرانگ، کیچی گۆرۈملی. تنگ
 كردن: یایراتماق، بیر زادینگ یوزونه
 دوشک یایراتماق.
 تنکه toneke: ۱. قیسفا جولبار و
 قیسفا بالاق ارکک یا زنانه بالاق.
 تنگ tang: ۱. چکی، آطینگ و
 اشاگینگ بیلینه چکیلیان چکی.
 تنگ tong: ۱. کویزه، سۇو کویزهسی،
 تونگ.
 تنگ tang: ص. دار، اینچه، اینسین،
 دار، داریشفا.
 تنگدست tang-dast: ص. مر. کنایه:
 زاتسین، غریب، الی دار، یوغسول،
 ماتاچ.
 تنگنا tang-nā: ص. مر. ۱. داره دیره،
 دار کوچه ۲. دار یول، قاتیلیق و
 دارلیق، قیسیش معنیده.
 تنگه tange: ۱. بوغاز، ایکی دنگیزی
 بیریکدیریان یاب، ایکی قوری یر بیله
 ایکی دریانی بیریکدیریان بوغاز.
 تنور tanur: ۱. تامدیر، چۆرک
 بیشیریلیان پالچیقداں داشدان
 ادیلیان اولی اوجاق.
 تنور tanawwor: م.ص. [ع]
 یاغیتیلانماق، داشدان اودونگ
 یاغیتی لیغینی گۆرمک، اودونگ

یاغیتی لیغنا قابات گلک.
 تنوع tanawwo: م.ص. [ع] دورلی
 دورلی بۇلماق، جوریه جور بۇلماق، هر
 هیللی بۇلماق، هر تویسلی بۇلماق.
 تنومند tan-umand: ص. گۆورهسی
 اولی، بییک، یوغین، زورلی، قواتلی،
 گابه. تنومندی: یوغینلیق
 پۆکگیلیک.
 تنویر tan-wir: م.ص. [ع]
 آیدینگلاماق، یاغیتلاماق، پارلاتماق.
 تنوین tanwin: م.ص. [ع] کلمه نی نون
 حرفلی اتمک، عرب دیلینده کابر
 عرب سۆزلری نینگ آخیرینده ایکی
 آسسین، ایکی اوسسون، ایکی اوتور
 قویولوب و نون (ن) سسی بیلن
 آیدیلماغی، تلفظ ادیلمه گی، مثلاً:
 عالماً، امّة، کتابْ یالی.
 تنه tane: ۱. اندامه دگیشلی، آدامینگ
 اندامی و بدن، آغاجینگ تنهسی،
 گۆورهسی.
 تنه tane: ۱. (=تنیده عنکبوت) مۆیونگ
 کله پی.
 تنها tanhā: ص. یکه، یالنگیز، تک،
 تاک.
 تنهایي tanhā'i: یالنگیزلیق، یکهلیک.
 تنیس tandis: ۱. ورزشینگ بیر

گۆرنوشى.

تو tu: ۱. ايچرى، ايچ، ايچى، ايچ طرفى.

تو to: ض. سن.

تواب tawwāb: ص. [ع] ت. به قبول اديجى، گنانى بخشلايچى، خداى تعالى نينگ بير صفتى نينگ بيرى.

توابع tawābe': [ع] تۈۈركلر، جمع تابع، ايرهيجى لر، داش تۈۈركلر، تابينلار، قول آستينداكىلر.

تواتر tawātor: مص. [ع] ايزلى ايزينا بۇلماق، ايزلى ايزينا گلەك، ايزلى ايزينا. مېش مېش.

تۈارى tawāri: مص. [ع] گيزلەنەك، گيزگەنەك، بوقولماق، دريەدر بۇلماق.

تۈارىخ tawārix: [ع] تاريخلار، جمع تاريخ.

تۈازن tawāzon: مص. [ع] آغرامى دنگ بۇلماق، برابر بۇلماق، بير آغرام اۈلچەكده بۇلماق، آغرام داش بۇلماق.

تۈاۋاع tawāzo': مص. [ع] بيرى نينگ حرمتينه يرينگدن تورماق، كيچى گۈۈينلى ليك، پس پاللى ليك، اوزونگى كيچى توتماق ليك، كيچى گونگلى.

تۈاۋاق tawāfoq: مص. [ع]

ايلالشماق، آغزينگ بير بۇلۇپ

بيرلشمەك، آغزى بيرليک ايلالاشيق.

تۈاۋلت tawālet: ۱. [فر] حاجت خانه،

آياق يولى، برك جايى، آرايش يرى.

تۈاۋلد tawālod: مص. [ع] اوغول دوغورماق، كوپ فرزندلى بۇلماق.

تۈاۋلى tawāli: مص. [ع] ايزلى ايزينا يتمەك، ايزلى ايزينا بۇلماق.

تۈاۋان tawān: ۱. گويچ، قۈات، غورپ، ايسفين.

تۈاۋانا tawānā: ص. گويچلى، زورلى، قۇجۇرلى، تۈاۋاننى: زورلى ليك، گويچلى ليك.

تۈاۋانستان tawānestan: مص. ل. گويچلى بۇلماق، بير ايشينگ ھۈندەسیندن گلەك، بير ايشى اتماکه گويجونگ و باشارنيغينگ بۇلماق.

تۈاۋانگار tawān-gar: ص. گويچلى، پوللى، قۇجۇرلى، بايلىقلى، باى، قۇرلى.

تۈاۋام taw'am: ۲. ص. [ع] ۱. اكيذ، بير زامانده بير انەدن ناچه اوغلان دوغولماغي، بيله بۇلماق ۲. جفت ار عيال معنيده.

تۈبە tube: ۱. عالم قوشار.

طرفیندا یرلشیان بیر داغینگ آدی.
توحش tawahhoš: مص. [ع] وحشی
 حیوان یالی بۇلماق، قایغیلى بۇلماق،
 توقاتلى بۇلماق.

توحید tawhid: مص. [ع] یالنگیزلیغا
 اوویرمک، تاي سیز قرار برمک،
 خدایى بیر بیلمک، خدای تعالی نینگ
 یکەلیگنه ایمان گتیرمک. سوره
 توحید: قل هو الله احد سوره سی.

تودار tudār: ص. عا. ایچی فکری،
 ایچینده کپ ساقلايان، سیر
 ساقلايچی.

توده tude: ا. اویشمک، توممک، هر
 زادینگ اوست اوستونه اوشیریلن
 یری، تاي، اودین، کوپ چیلیک، اهلی
 ایلات کوپ چیلیگی.

تودیع tawdi': مص. [ع]
 خوشلاشماق، مسافر بیلن الله یار
 لاشماق، بیر زادی بیرى نینگ یانینده
 قویماق و تابشیرماق، وداعلاشماق،
 ساغ آمان بار دیمک، اولن آدامینگ
 جسدی بیلن خوشلاشیپ سونگقى
 یولینه اوغراتماق.

تور tawar: ا. یالتا.

تور tur: ا. تور، قوش و بالیق توتولیان
 تور، آق.

توبه tawbe: مص. [ع] گناهدن ال
 چکیپ اوکونمک، گناهدن ال چکیپ
 خدای تعالی نینگ یۇلۇنه شریعتنا
 گلمک، گیرمک، توبه.

تویخ tawbix: مص. [ع] کایینچ،
 کاییمک، پیس لنمک، یازغارماق.

توت tut: ا. میوه نینگ بیر گۆرنوشی،
 تۇت، تۇدانا.

توت فرنگی tut-farangi
 میوه نینگ بیر گۆرنوشی.

توتون tutun: ا. سیگار دیر، قلیان و
 چپق یالی زادینگ توتونى اوندریان
 اینلی یاپراقلى اوت.

توتیا tutiyā: ا. گۆز درماینیک بیر
 گۆرنوشی، گوزه چکیلیان سورما،
 توتیا.

توجه tawajjoh: [ع] دقت، یوزلنمه،
 اونس برمه، بیرینه یا بیر زاده طرف
 یوزلنمه، اونس برمه، اونس.

توجیه tawjih: مص. [ع] بیر زاده
 یوزلنمک، بیر مطلبی یاغشی
 دوشوندیریپ آچیقلاماق و قاوی بیان
 اتمک، بیر زادینگ یوزینی و بیرینی
 بیر یانا اوویرمک.

توچال tučal: ا. داغلارده بولان
 طبیعی یخچال ۲. تهرانینگ قایرا

تور tur: ۱. شاهنامه داستانیده قابات گلیان فریدونینگ اورتانچی اوغلی تورج دیبده آیدیلیار ۲. باتیر، پهلوان قایراتلی، قۇجۇرلى معنیده هم گلیار.

تورات torāt: [ع] یهودی لرینگ مقدس کتابی نینگ آدی، حضرت موسی پیغمبره اینن کتاب.

توربین turbin: ۱. [فر] سۇو یا بوغ گویجی بیلن چرخلاری تگییری حرکتک گلیپ برق دۇرەدیان و کوپلنچ سۇو چکمک اوچین بندرلرینگ کنارینده و قوییلارینگ آغزینده قوییلان موتورینگ بیر گۇرنوشی.

تورم tawarrom: مـصـ. [ع] چیشکین، پوگگزمک، قابارماق.

تورنگ turang: ۱. قیرقاویل، داغ هورازی، سولگون.

توره ture: ۱. شاغال.

تور tuz: ۱. آغاجینگ قاتی و نازیک قابینی.

توز tuz: تیکمک، سالماق و چکمک.

توزیع 'tawzi: مـصـ. [ع] بولمک، پایلاماق، یایراتماق، پیتراتماق، بیر زادی آدمالارینگ آراسیندا بولیپ پایلانماغی.

توزین tawzin: مـصـ. [ع] اۇزونگی بیر ایشه و دویدانسیزلیغا تایینلاماق، غرامتی بۇيۇن آلماق، آغرامینی چکیپ بیلیمک، اندازه آلماق، اۇلچەمک.

توسری tusari: مـصـ. مـرـ. بیرى نینگ کله سینه اورما، کنایه، سۇزی بیرینی کیچالتمک و ینگلتمک.

توسط tawassot: مـصـ. [ع] آراچی، اورتاده بولان، آراده گزنه آراچی ليق.

توسعه tawse'e: مـصـ. [ع] کینگلتمک، گینگلیک، یایراب یاتان، اوسمک.

توسعه دادن tawse'e dādan: اوسدیرمک.

توسکا tuskā: ۱. آغاجینگ بیر گۇرنوشی، توسساقی.

توسل tawassol: مـصـ. [ع] بیر زاد درکلی بیرینه یاقین ليق اتمک، بیریندن یاردام ایسته مک، بیر زاده یابییشماق.

توسن tawsan: مـصـ. وحشی، باش گۇرمەدیک، باش بیلیمه یان آط، اۇورەنیشمەدیک آط، اورکک آط.

توشک tušak: ۱. دوشک، کورفنجه. توشه tuše: ۱. ایمیت، اۇز یانینگ بیلە

توف tuf: ۱. قیقیلیق، پریاد، غالماغال،

قیق چیق، هومبیر هومبیر.

توفان tufān: هوانینگ قایلماغی، یل

قاتی اوسپیپدریانینگ قومی

تورماقلینی، توپان، غای غار.

توفیدن tuf-idan: مصر. ل. قالماغال

سالماق، قیغیرماق، دادو فریاد اتمک،

قالماغاللاماق.

توفیر tawfir: مصر. [ع] ۱. کۆپلتمک،

بیری نینگ حقینی کمسیز برمک، ۲.

آیراتینلیق معنیده، آیدیلیار.

توفیق tawfiq: مصر. [ع] بیرینه بیر

ایشده یاردام برمک، بیر ایشی اله

گتیرمک، بخت یاری اتمک،

اوستونلیک قازانماق.

توقع tawaqqo': مصر. [ع] بیر

زادینگ نتیجه سینه قاراشماق، گوز

تیکیم، گۆز یولدالیق، بیر بویریغینگ

بۇلماغنا قاراشماق، امید اتمک،

خایش اتمک، خانتاماچیلیق.

توقف tawaqqof: مصر. [ع] دورماق،

کوتگیرمک، آیاق ساقلاماق،

کأسگنمک بوکدنمک، اگینمک، بیر

ایشده ثابت قالماق، ساقلانماق.

توقی tawaqqi: مصر. [ع] قاچماق،

قایرا دورماق، چکینمک، اۆزۈنگی

یوله اکیدیلیان ایمیت، خوراک.

توشیح tawših: مصر. [ع] بزمک،

زینت برمک، گورکلندیرمک، بیر

یازغینی مهر و امضانگیبیلن

زینتله مک، بزمک.

توصیف tawsif: وصف اتمک،

بیری نینگ یا بیر زادینگ بولشینی و

دورموشینی بیان اتمک، ماختاماق،

تارییلاماق، اؤومک.

توصیه tawsiye: مصر. [ع] پند و

اؤویت برمک، تابشیرماق، وصیت

اتمک.

توضیح tawzih: مصر. [ع]

آچیقلاماق، آشکار اتمک، بیرین بیرین

یکه یکه ادیب آیتماق، دوشوندیریش

برمک، آچاچان اتمک.

توطئه tawte'e: مصر. [ع] گینگدن

تایینلاماق، گینگدن تاییار اتمک،

تکیزلاب صافلاماق، آنکسادا

اؤویرمک، بیر ایشی یرینه یتیرمک

اوجین اونگیندن تاییارلیق گۆرمک،

یرلیکلیک.

توغ tuq: ۱. آغاجینگ بیر گۆزنوشی.

توغ tuq: ۱. پرچم، بایداق.

توغدار tuq-dār: ۱. بایداق

ساقلاچی، بایداق کوتیرجی.

- ساقلاماق، اوزىنگى قوراب ساقلاماق.
توقیف tawqif: مص. [ع] توتماق،
 توساغ اتمك، بىير جايدا ساقلاماق،
 يولدان قويماق، ضبط اتمك.
توك tuk: ا. بىير دسته غيل، يال،
 آطينگ مانگلايى نىنگ ساچى.
توكد tawakkod: مص. [ع] بركىمك،
 ايناملى بۇلماق.
توكل tawakkol: مص. [ع] باشقا
 بىيرىنە اينانماق، ايشىنگى خدايا
 تابشیرماق، توكل اتمك.
توكيل tawkil: مص. [ع] وکیل
 توتماق، بىيرىنى وکیل اديب بىير ايشى
 بوينونه داقماق، بىير ايشى بىيرى نىنگ
 بوينونه آتماق.
تولد tawallod: مص. [ع] دوغماق،
 دورامك، دنيا اينمك.
توله tule: ا. گوجيك و شاغال
 چاغاسى، توله.
توله tawalloh: مص. [ع] حيران
 بۇلماق، اوزىنگ يتيريب چاشماق،
 توقات ياغدايا دوشمك.
توليت tawliyat: مص. [ع] والى
 اتمكلىك، ولايت برمك، بىير ايشه
 يتيشمكلىك اتمك اوچىن، باش
 اديب بىيرى نىنگ بوينونا آتماق، وقف
- ملكلىرى بىيرى نىنگ بوينونا
 اۇقلاماق.
توليد tawlid: مص. [ع] دوراتمك، بىير
 زادى بىير زاتىدان اوندرمك،
 تاىخانچىلىق اديب حاصل اوندرمك،
 حاصل، اۇنىم آلماق، توليد بمثل:
 اورنگاماق.
تومار tumār: اتوغالانان خاط.
تومان tumān: ت. اون رىالدان عبارت
 بولان پول. تومان، حاضر ۱۰
 رىالينگ دراگنه يورپان.
تونل tunel: ا. [فر] ير آشاغىندا بولان
 هوت، زول اوتلگه دالان.
توهم tawahhom: مص. [ع] گمان
 اتمك، شبهه لنمك، گمانه دوشمك،
 خيال اتمك.
توهين tawhin: مص. [ع] پسه
 دوشورمك، پسلتمك، عجيزلتمك،
 كمسیدمك، آشاق توتماق، اگسيك
 سايماق.
تهاجم tahājom: مص. [ع] بىيرى
 بىيرىنگه چوزيش اتمك، بىيرى بىيرىنگ
 اوستونه چوزماق، هجوم اتمك،
 دوفيلماق.
تەپەر tah-por: مر. شكارى ياراغىنگ
 بىير گۆزنوشى.

تەتغارى tah-taqāri: ص.ع.ا. آتانگ

آخىرقى فرزندى، كورفە فرزندى.

تەھجى tahajji: م.ص. [ع] كىلمەنىنگ

حرفلىرىنى اۆقاب يىرى يىرىندىن جدا

اتمىك، الفبا حرفلىرىنىڭ ادى و

حرىكىتى بىلە سىسلانىپ اۆقىماق.

تەچىك tah-ček: ص.م.ر. يازىلىان

چىكىلىنىڭ گوتىندە قالان بولامى،

چىك چىكىان ادامىنىڭ چىكىنىنىڭ

الىندە قالان بۆلەمى.

تەچىن tah-čin: ص.م.ر. دوشەمە،

آشاغىنا گومە.

تەدووزى tah-duzi: ا. م.ص. اينچە

سىم يانخى بىلەن كىتابىنىڭ يا

دەقترىنىڭ آشاغىنىنى تىكىمىك.

تەھدىد tahdid: م.ص. [ع] قورقىزماق،

قورمى و اوركىه آبى سورىك.

تەدىگ tah-dig: ص.م.ر. كىسمىك،

آشىنىڭ كىسمەمى.

تەھزىب tahzib: م.ص. [ع]

آراسىسسالاماق، اخلاقىنىڭ

قاويلاندىرماق، اخلاقلىناماق، قوشنى

يا يازغىنىنىڭ يالنىكىشىنى دوراتمىك.

تەھلىل tahlil: ا. [ع] تىسبىح ساناماق،

لالەالالە دىيىپ آيتماق.

تەھمت tohmat: ا. [ع] تەكە گمان،

يالاندان بدگمانلىك اتمىك،

بدگمانلىكە اورماق، تونىككەمە،

يونىككەمە.

تەھمت كىردن tohmat kardan:

مىجابىت تاپماق، تونىككامىك، بدگمان

بۆلماق.

تەھنىت tahniyat: م.ص. [ع]

مىبارىلىك، گۆز آيدىنىڭ دىمىك،

تەھور tahawwor: م.ص. [ع] وىران

بۆلماق، جىاى يىقىلماق،

قورقمازاقلىق و كىلە پىرواىلىق

اتمىك، باتىرلىق و كىلە پرواىلىق اتمىك

اوپچىن خادىتە دىچار بولوپ كۆ

خىسارت گۆرمىك.

تەھوع tahawwo': م.ص. [ع] يورىك

بولانمە، مەدە بولانمە.

تەھول tahawwol: م.ص. [ع] قورقماق،

بىرىنە گۆز آغىرى يىتىرمىك، گۆز

دىگىرمىك.

تەھويە tahwiye: م.ص. [ع] ھوانى

ساويتماق، تازە ھوا گىرىزىمىك،

جايىنىڭ ھواسىنى تازەلەمىك.

تەھى tohi: ص. بوش، زادىسىز، دولى

بۆلمادىق.

تەھج tahayyoj: م.ص. [ع] جىنبشە

گىتىرمىك، تولقونماق.

تهیدست tohi-dast: ص. مر.
پولسيز، فقير، زادسيز يوقسول،
الى دار، غريب.

تهيه tahiyye: [ع] تاييارلاماق،
تاييارلىق، طايينلاماق.

تيار tayyār: ۱. ص. ۱. تاييار، اوپچين
۲. اوقالاما، اوقالاماق.

تيار tayyār: ص. [ع] ۱. دريانيگ
قومي، تولقىنى ۲. منليك چى آدم.

تيپ tip: ۱. بىر بۆلك ترتيب دوزگونلى
آدم، نظامى اصطلاحينده اوچ هنگ
سربازدن عبارت.

تيپ tip: ۱. [فر] گوزالده، نمونه، قاوى
گوزنوشلى، باريپ ياتان.

تير tir: ۱. اوجى ييتى دميرچيك
بركيديلن اينچه و گونى چيبيق، شول
ياى بيلن مقصده طرف آتيليان
تفنگينگ آغزيندان چيقيان گولله.

تير tir: ۱. عطارد آدينداكى ييلدين، آى و
گون ييل حسابى نينگ دوردونجى
آيى نينگ آدى.

تيراژ tirāž: ۱. [فر] چكيم،
چكهله شيك، بىر گزاكده چاپ بولۇپ
چقيان روزنامه و مجله نينگ و
كتابينگ چاپ سانى.

تيرانداز tir-andāz: ص. فا. مرگن،

اوق آتيجى، تفنگ يا اوق ياى بيلن
اوق آتيان آدم.

تير ياران tir-bārān: ص. مر. اوقينگ
دوملى-دوشدان ياغين كمين
ياغديريلماغي، و اعدامينگ بىر
گوزنوشى؛ محكومى يعنى گناهكارى
اياق اوستونده ساقلاپ ناچه سرباز
اونى تفنگ بيله آتماغي.

تيررسى tir-ras: ص. مر. اوق يتر،
اوقينگ يتيان يرى.

تيركش tir-keš: ۱. ساغداق.

تيركمان tir-kaman: ۱. مر. اوق ياى.
تيره tire: ۱. طايغه، بۆلك، طايغانينگ
بىر بۆلومى، اوروغ، نسل توپارى.

تيره tire: ص. قرانگقى، قارا، كومير يا
كوله منگزش زاد.

تيره بخت tire-baxt: ص. مر. باختى
قارا، باختى ياتان، باختى قايدان.

تيز tiz: ص. ۱. كسگير، اوجلى، يتى،
چاقى، اگنه يالى زات ۲. يوريك،
ييلدام ۳. آوى طعام معنيده.

تيزآب tiz-āb: ص. مر. قاتى آقيان سو،
چالت آقيان سو، زور آقيان سو.

تيزين tiz-bin: ص. فا. آيلانشيقلى،
هوشلى، دوشونجهلى، فراستلى،
ييتى، ذهنلى، اوزاقدان گوزيان.

تیزهوش *tiz-huš*: ص. مر. زرنگ،

یادکش، ذهنلی، ییتی هوشلی.

تیشه *tiše*: ا. آ. کرکی.

تیغ *tiq*: ا. قیلیچ، کسگیر یاراغ، ساچ و

ساققال سیریلیان قورال.

تیغزن *tiq-zan*: ص. فا. تیغ اورجی،

قیلیچ اورجی.

تیفوس *tifus*: ا. [فر] یوقوشیقلی

حاسساجیلیق، بیتینگ اوستی بیلن

آداما گلیان کسله قاراحسالیق

تیم *tim*: ا. توقاتلیق، قایفی، غصه.

تیم *tim*: ا. [ع] بنده خدایینگ بندهسی.

تیم *tim*: ا. کروان سرای، تاجرلرینگ

آلیش بریش ادیان جایی.

تیم *tim*: ا. [انگ] ورزش کارلارینگ بیر

دسته سینینگ آدی، مثلاً تیم فوتبال،

والیبال دیین یالی، دسته، توپار.

تیمار *timār*: ا. خدمتکارلیک، مریضه

گووینلیک بریان و ایده یان، قایفی

ادیان، یورک یاندریان و آادا ادیان

دیپیده آیدیارلار.

تیمارستان *timār-estān*: دالی لری

ساقلانیان و علاج ادیلیان جای، دالی

خانا.

تیمچه *timče*: ا. کیچی کروان سرای،

بیر ناچه دکاندان عبارت بولان سرای.

تیمسار *timsār*: ا. ارتشده سرتیپدن

یوقارا داقیلیان آد، جناب یا حضرت

یالی سۆزونگ دراگینه، اولانیلیار.

تیمم *tayammom*: [ع] قصد اتمک،

قصد یوزوندان بیر ایش اتمک و شرع

آدالغاسینده ناچارلیقدان ادیلیان

عمل، مریض بولانگدا یا سؤو

تاپمایان وقتینگده توفراق بیله الی

یره اوریب ادیلیان طهارت.

تیموک *timuk*: ص. قهارجانگ،

توتوق، یوزی گوزین آسیپ یوران.

تیموکراسی. *timukerāsi*: ا. [فر]

بساقتا دولت، دوزگون سیز دولت،

اساس سیز عدالت سیز بولان دولت.



ث se: پـارس الیـبـیـسیـنـیـنگ
باشینجی حرفی، ابجد حسابیندن
(۵۰۰)، بو حرف فارس الیپبی سینده
یۇق، مخصوص عرب الف بی سینده
بۇلمالی.

ثابت tsābet. [فاع] ماکام، قایم،
دوروملی، پوختا، دورنوقلی، برک.
ثاقب tsāqeb. [ع] دشیجی، پارلاق،
آیدینک، یاغتی.
ثاقل sāqol: ص. [ع] آغیر، قاتی ناساغ،
ثواقل جمع.

ثالث sāles: ص. [ع] اوچینجی.
ثامن sāmen: ص. [ع] سکگزینجی.
ثامن الاثمه sāmen-ol-a'emme:

سکیزینجی امام، یعنی امام علی بن
موسی کاظم، رضا اؤنؤنگ لقبی.
ثانوی sānawi: ص.ن. ایکا باغلی،
ایکینجی.

ثانی sāni: ص. [ع] ایکینجی، ثنان،
ثانیا، ایکی گزک، ایکینجی گزک.
ثانیه tsāniye: ص. [ع] بیر دقیقانینگ
آلتمیشدان بیر.

ثبات sabāt: ص.م. قایم لیق،
ماکام لیگ، دوریم لی لیق، برک لیگ.
ثبات tsabbāt. [ع] ثبت ادیجی،
گؤندریلیان یازولاری و گلیان
خطلاری دفترده بلله یان اداره
ایشکاری.

ثقیل tsaqil: ص. [ع] آغیر، بهالی، کوپ
آغراملی.

ثلاث tsalās: [ع] اوچ، سانندان
اوچونجی.

ثلاثه tsalāse: [ع] اوچ ارکک، اوچ ارکک
آدام.

ثمانیه tsamāniye: [ع] سکیز، سانندان
سکیز.

ثمر tsamar: [ع] آغاجینگ میوه سی،
حاصل، اونیم، ثمار و اثمار جمع.

ثمره tsamare: [ع] ۱. میوه، تخم، بیر
دانه میوه، ۲. فرزند و نسل معنیده.

ثمن tsomn: [ع] سکیزدن بیر، بیر
زادینگ سکیزدن بیر بؤلگی، اثمان
جمع.

ثنا sanā: ۱. [ع] دعا، آلقیش، اووگی،
ماغاتاما، ستاینده: اوویجی،
ماغاتایجی، اثنیه جمع.

ثواب tsawwāb: ص. [ع] اگین اشیک
ساتیان.

ثواب tsawāb: [ع] مزد، حق، احبیر،
آقلیق، سوغاپ.

ثوم tsum: [ع] ساریمساق.

ثیل tsil: [ع] اوتونگ بیر گورنوشی؛
فارسچا اونگا «فریز» و «فرزد»
دییلیار.

ثبات tsobat: [ع] آغیری، آدمینی
آلیپ قالیان درد.

ثبت tsabt: ۱. ص. [ع] برک دورماق، برک
آیاق اوستونده دورماق، یازماق،
یادداشت اتمک، بلامک.

ثبت tsabat: ص. [ع] دلیل، سباب،
ایناملار، آدام، اثبات جمع.

ثبوت sobut: مصر. [ع] برک قایم
دورماق، ماکام بؤلماق، برکلیک،
پوختالیق.

ثبور sobur: مصر. [ع] هلاک بؤلماق،
هلاکلیک.

ثروت tsawat: [ع] بایلیق، مال و
ملک، قوربیلیق.

ثروت مند tsawat-mand: ص. [ع.فا]
بای، پوللی، ماللی، قارالی، قوربیلی.

ثریا tsorayyā: [ع] چهل چراغ، کوپ
شاخالی بامدام ساللاپ قویولیان
ایشیق لار.

ثقال seqāl: [ع] بهالی لار، آغیرلار، جمع
ثقیل.

ثقف saq(a)f: مصر. [ع] چالتلیق،
بیلدام لیق چپر بؤلماق، استاد بؤلماق.

ثقه seqe: ص. [ع] ایناملی آدام،
سوزینه اینانماق، سوزلرینه و ادیان
ایشلرینه اینانیلیان آدام، ثقات جمع.



ج

ج je: پارس الیبیسی نینگ آلتینجی

حرفی، «جیم» دییپ آدلاندیریلیار،
ابجد حسابیندان (۳).

جائز jã'ez: ۱. [فاع] روا، یاراشیقلی،

مناسب، لایق، جوائز و اجوزه جمع.

جائزه jã'eze: (= جایزه) ۱. [ع] مونث

جایز، مزد، حق، بایراق.

جا آوردن jã āwardan: (= بجا آوردن)

۱. برجای اتمک، یرینه یتیرمک ۲.

تانیماق معنیده هم بریلیار.

جا افتادن jã oftadan: مص.ل. یرینه

دوشمک، اندامینگ چیقان یرینی

جایینا سالبماق، هر زات اوز

مخصوص یریندن چیقپ جاینه

دوشمهگی.

جایجا شدن jã-bejã šodan: مص.ل.

یرلشمک، بیر جایدان باشغا بیر جایا

بارماق، یربه یر بۇلماق.

جابر tjäber: [فاع] ۱. دۇویک

یئنجیک باغلایان طبیب، دۇویک

دانگیان ۲. ظالیم، ستمکار.

جاجیم tjäjim: پلاس و دوشک،

جاجیم.

جا چراغی jã-čeraqi: ص.مر. چراغ

قوبولیانیر، چراغ جای، چیرا یری.

جا خوردن jã xordan: مص.ل.

قیمیلدماق، بیر گنگ زادی گوریپ

حیران بۇلماق، بیر زادی اشیدیپ

بیردن گنگ قالماق.

جادادن jā dādan: مص. م. یر برمک،

بیرینه جای برمک، یرلشدیرمک.

جاداشتن jā dāstan: مص. ل. جاینگ

بؤلماق، یرینگ بؤلماق، مکانینگ

بؤلماق.

جادو tjādu: افسون، جادی لیق،

گوزیاغچیلیق.

جادوگر jādu-gar: ص. فا. جادی چی،

گوز باغچی، پورخان.

جاده tjādde: یؤل، اولی یؤل، حاطدا.

جاده سازی tjādde-sāz-i: مص. [ع]

یؤل بجرمک، شهردن داشاردا یؤل

سالماق، شهر آرالیغینا یول بجرمک.

جاذبه tjāzebe: [فاع] چکیجی،

اوزینه چکیجی، ^{کک} اؤتگون، زادلاری

گویجی بیلن اوز طرفینه چکیان.

جار tjār: چلچراغ آدیندا کان چراغلی،

اشیق، قانديل، کوپ چرالی توق.

جار tjār: [ت] قیقیلیق، داد بیداد،

قاتی سس.

جار tjār: [ع] قونگشی، یانتاشیق،

اجوار و جیران جمعی.

جار tjār: [فاع] اولدوریجی و اوزونه

چکیجی، بیرتیجی.

جارچی jā-çi: ص. مر. [ت] جار

چکیان، جارچی، قاتی قیقیلیق بیلله

بیر ضرور مسئله نی ایله یتیریان، ایله

یاییان.

جارو tjāru: (= جاروب)، سوپورگیچ،

سوپورگی، سوپورگه.

جاروکش jāru-keš: سوپورگیچ چی

سوپورگی چی، کؤچه لری سؤپوریان.

جاری tjāri: ص. ارلری دوغان عیاللان،

ایکی یا بیر ناچه دوغانینگ عیاللاری

بیر بیرلرینه جاری آدلاندیریلیار،

یعنی التی.

جاری tjāri: [فاع] آقیم، آقار سؤو،

آقیان، روان، یورگوت حرکت ادیان،

جاریه tjāriye: ص. ۱. آقیم،

کیچی جک قیز، روان، قیرناجیق، کنیز

۲. گامی، گونش، ۳. بیلان، جاریات و

جواری جمع.

جاز tjāz: انگا. سازلارینگ بیر

گۆرنوشی، جاز.

جاسر jāser: [ع] ص. باتیر، قۇجۇرلى،

قورقمازاق، کله پروای، بی باش، جسار

جمع.

جاسم tjāsem: [ع] ۱. شام یوردینده

بیر اوبانینگ آدی، ۲. ارکک

آدملارینگ آدلاری نینگ بیرى بولیار،

۳. بیر طایفانینگ آدی.

جاله jālē: ۱. [ع] اوز اويوندن واطانيندن
گوچن لر، هجرت ادن لر.

جاليز t.jāliz. اكرانچيلىق، قاريز،
قاوين، خيار وش.م.

جام t.jām. كاسه، جام، اوقارا.

جامد t.jāmed: ص. [ع] قورى، دونگاق،
داش يالى قاتى، برک نارسه، جوامد
جمعى.

جامع t.jāme'. ۱. [فاع] ييغنايجى،
توپلايجى، اويشيريچى، كامل دولى
۲. جمعه اوقاليان اولى مسجد،
جوامع جمعى.

جامعه t.jāme'-e. [فاع] مونث جامع،
۱. جملايجى، بير شهرده و يورتنده
ياشايان دنگ حقوقلى كوپ آداملار،
كۆپلوك ۲. دانشگاه يۇقارلى اوقو
اوقوليان ير ۳. زندانىلارينگ اليه و
بۇيۇنونا باغلانليان دمير زنجير.

جامعه شناسى t.jāme'-e-šenāsi.
كوپليگينگ اوغرينده اوقولان علم و
داپ دستورلار، كوپچيلىگه دگيشلى
اوقوليان علم.

جامه دان t.jāme-dān. چمدان.

جان t.jān: ۱. روان، روح، ديرى ليك، هر
جاندارده بۇلان گويچ قورب، اول
اولمه گى بيلن آرادان گيديار.

جاسوس jāsus: ص. [ع] خبرلى، ايچ
آلى، ايچپيون، كپ چى، كپينگ
ايزينده گزيپ ايلينگ يا بير يوردونگ
سرينى بيرينه آليپ التيان آدام.

جاعل t.jā el: ۱. [فاع] ياسايجى،
دوره ديچى، سازلايجى، آيلايجى،
جمل اديچى، يالاندان بير زات
تاپيچى، يالاندان بيرى نينگ آدينا
سند يا يازغى بجرمك.

جافى t.jāfi: ۱. [فاع] جفا اديچى،
پيشه سى جفاليق بيلن بۇلان،
كۇسنديرن، جفاة جمعى.

جا كردن t.jā kardan: مص. م. جاى
برمك، سيفنديرمق، گيريزمك.

جا گذاشتن t.jā gozāshan: مص. م.
جاينده قويماق، جاينده اوتورتماق،
بيرزادى يرينده اوتورتماق.

جا گرفتن t.jā gereftan: مص. ل. جاى
آلماق، اۇزونگه جاى بلله مك، بير
يرى اۇزونگه خاصلاماق.

جال t.jāl. دۇزاق، قاپان.

جالب t.jāleb. [فاع] اوزينه چكيچى،
اناىى، گورنوكلى، گنگ قالديريچى،
اوز طرفينا چكيان، اناىى.

جاله t.jāle. سۇودان گچمك اوچين
مشيگه باغلانليان تختا.

جان آفرین jān-āfarin: ص. فا.

دنیائی یارادیجی، یوقدان باره
گتیریجی، خدای تعالی نینگ بیر
صفتی.

جان افشاندن jān affšāndan:

مصل. جان برمک، اولمک، جانندن
گچمک، جان فدا اتمک.

جانان، جانانه t.jānān-(e): ص. ۱.

سویگیلی، معشوق، سویگا مناسیب،
آوادان، جانی یالی گوریان، مهربان ۲.
جانانه جان بیله اویناماق یوزوندن،
جانندان گچمکلیک طریقه‌دا.

جانب t.jāneb: [ع] طراف، قاپدال، یان،
قیرا، جوانب جمع.

جانباز jānbāz: ص. فا. جانیندان گچن،
جانینی قربان ادیان، جانینی فدا
ادیان.

جانبدار jāneb-dār: ص. فا. [ع]
طرفدار، حمایتچی، قولداوچی.

جان پرور jān-parwar: ص. فا. روحی
قالقینچ، روحی گویج.

جان پناه jān-panāh: ص. مر. بوقی‌یر،
بوقالغا، گیزلین‌یر، سنگر، پناه توتوپ
دوشمانینگ الیندن قوتولماق اوچین
بوقی جای، قاچالغا یر، سیغینغا.

جانخراش jān-xarāš: ص. فا. جانا آزار

بیریجی، جان آغیردیجی.

جان دادن jān dādan: مصل. جان
برمک، جان تسلیم اتمکلیک.

جان دادن jān dādan: مصل. م. جان
باغیشلاماق، دیرلتمک، گویج بریپ
تازه یاشایشا یتیرمک.

جانسوز jān-suz: ص. فا. جان
یاقیجی، جان یاندیریجی، جان
کۆیدوریجی.

جانشین t.jā-nešin: ص. بیرى نینگ
یرینده اوتوریپ اؤنؤنگ ایشلرینی
یرینه یتیریان آدام، خلیفه، اورون
باسار.

جان کندن jān kandan: مصل. جان
برمک، اولوم حالتده بؤلماق، قارقارا
گلمک.

جان گداز jān-godāz: ص. فا. جان
یاندیریجی، روحی و روانی پسه
سالیجی، قاینی غمه قویوجی.

جانماز jā-namāz: ص. مر. نمازلیق.
جان نثار jān-nesār: ص. مر. [فا. ع]

جانینی بیرى اوچین فدا ادیان،
جانینی بیرى اوچین قربان ادیان.

جانور t.jān-war: ص. جاندار، جانللی،
کویلنچ حیوانلارا خاصلانیا، جانوران
جمع.

جانی jän-i: ص. ن. جانا باغلی، جان

یالی، مهربان یار، عزیز، جانبکش.

جانی tjāni: ضا. [ع] جنایتکار، قانخون

آدام اولدوریجی، جنة جمع.

جاودان jāwedān: ص. (= جاویدان)

سوزی نینگ قیسقالدیلانی، ابدی،

مدامالیق، همیشه لیک، اولمز

ییتمزلیک.

جاور tjāwar: ص. ۱. جا و مکان

ایه سی، ۲. یاغدا یلار و دؤرمؤشلار.

جاوید jāwid: ص. همیشه، باقی،

ایمقلی، ابدی.

جاویدان jāwidān: ص. ابدی،

همیشه لیک، ایمقلی.

جاویدان jāwidān: ص. همیشه،

ایمقلی، اولمز یتمزلیک.

جاویدن jāwidan: (= جویدن)

مص. م. چینه مک، گاوشه مک.

جاه tjāh: [ع] شرف، آبرای، شان،

مقام، اورون.

جاهد tjāhed: [فاع] تلاش ادیجی،

تقلا ادیجی، جان ادیجی.

جاهل jāhel: ص. [ع] نادان، عقل سیز،

تنتک، آنکمیان، آقماق، بیلیم سیز.

جاهلیت jāhel-iyat: مص. ج. [ع]

نادانلیق یاغدا یی، بیلیم سیزلیک

یاغدا ی، آنک سیزلیق یاغدا ی،

اسلام دان اونگ عرب لرینگ

عربستاندا بت پرست لیکده گچیرن

یاغدا یی.

جای jāy: اورون، مقام، جای.

جایز jāyez: ۱. [ع] یاراشیقلی،

مناسیپ، روا، دوغری، حلال.

جایزه tjāyeze: [ع] (= جائزه) بایراق.

جایگاه jāy-gāh: ص. مر. اوی، سرای،

مقام، مرتبه، اورون.

جایگزین jāy-gozin: ص. ضا.

جایلا شما، جای بلله مه، جای تاپما.

جبار jabbar: ص. [ع] ۱. خدای

تعالی نینگ آدلاری نینگ و

صفت لری نینگ بیر، ۲. مسلط،

اوستم معنی لاردا.

جبال jebāl: [ع] داغ لار، جمع جبل.

جبر jābr: مص. [ع] ۱. دوو یلن

سونگکی باغلاماق، ۲. غریبی

باییتماق، ۳. بیرینی زور بیل

ایشلتمک، ۴. بیر طریقه نینگ آدی،

میریدلرینه جبریّه آدلاندیریلار و

اولارینگ عقیده سینه گورا آدمی نینگ

تمام عمل لری خدای تعالی نینگ

اراده سی بیل یرینه یتیار، و آدامدا

هیچ حیللی اراده و ارک یوق دییپ

دوشنوک بریارلر.

جبرئیل t.jebra'il. خ. [ع] جبرائیل.

جبرائیل jebrā'il: ا.خ. [ع] عبری

چشمه دن خدا تعالی نینگ

سارغیتچی سی، ایلچی سی،

فرشته لرینگ بیری نینگ آدی، اول

خدای تعالی نینگ طرفیندان

پیغمبرمیز حضرت محمد (ع) وحی

نازل ادیان فرشته، یعنی وحی

گتیریان فرشته.

جبران jobrān: «جبر» عرب

چشمه دن، فارسچا: عوض برمک،

دره گینی تۆله مک، تلافی اتمک،

یتیشمک، اۆده مک.

جبروت t.jabarut. [ع] بییکلیک،

اؤلؤلوق، الله نینگ عظمتی و قدرت

عالمی.

جبل t.jabal. [ع] داغ، جبال و اجبال و

اجبل جمع.

جبهه t.jobbe. [ع] دون، گینگ اوزین

اگین اشیك، دمیر کوینک، جب و

جباب جمع.

جبهه جوشن jobbe-jawšan: ۱. مر.

دمیر کوینک اوروش اسبابی.

جبهه t.jebhe. [ع] ۱. مانگلای ۲.

جماعتینگ و اؤرؤش میدانسی نینگ

اونگ طرافسی، آلینی ۳. قاش

اوستی نینگ و مانگلاینگ قیل لاری،

سووش میدانی.

جسته t.josse. [ع] اندام، تن، گۆره،

انسانینگ اوزی، جثث جمع.

جحاف t.johāf. [ع] ایچ آغیر کسلی و

کوپ اییمکدن و بی اینجالیق دان

معهده، آش قازان دا دوره یان کسل.

جحاف jehāf: مص. [ع] اؤرؤش

اتمک، سووش اتمک.

جحش jahš: مص. [ع] تایخار، بایتال

کره سی، جحاش و جحشان جمع.

جحش jaheš: مص. [ع]

چیته نک له مک، دیرجانا قلاماق.

جحیم t.jahim. [ع] دوزخ، جهنم،

تامی.

جد jed(d): مص. [ع] تقلا اتمک،

تلاش لریق، چالت، قیسی ساغلی لریق،

دوغری لریق، حقیقت.

جد t.jad(d). [ع] آتانگ آتاسی، انه آتا،

اولی آتانگ، اجداد جمع.

جد t.jad. [ع] پنیدا، بخت، سوو

یاقاسی، هر زادینگ یاقاسی، سای.

جدا jodā: ص. آیری، بیر بیریندن جدا،

یکه، آنگیرباش، جدالیق، آیرالیق.

جدار t.jedār. [ع] دفار، دیوار، جدر

جمع.

جدا شدن jodā šodan: مص.ل. آرا

آچیلماق، آرانی آچماق، جدا بؤلماق، آیری بؤلماق.

جدا کردن jodā kardan: مص.م.

آراسینی آچماق، جدا اتمک، آرالارینی آچماق، بلله مک، آیریلیشديرماق.

جدا گانه jodā-gāne: ص. یکه و

ارین، یکه صورتده، یکه.

جدال jedāl: مص. [ع] دوشمانلیق

اتمک، اؤرؤشماق، چکش بکش، اؤرؤش سـؤـوش، چاقناشیق،

چکه له شیک.

جدال jaddāl: ص. [ع] ۱. قاتی

جدل چی، کۆپ جدل ادیجی، ۲. تاویق و تاویق کته گینی ساتیان.

جدل j. jedāl: [ع] اؤرؤش،

چکه له شیک، دعوا، چاقناشیق.

جدول t. jadwal: [ع] ۱. کیچی هاریق،

آریق کیچی یاپ، ۲. کاغذ یوزونه چکیلان چارپاره خطالر، شطرنجی

کاغذی یالی، چیز قیچ.

جدول بندی t. jadwal-bandi: مص.

جدول چکمک، کاغذینگ یوزونه

جدول رسم اتمک، خیابانلارینگ

کنارینه سمنددن چکیلان جوپ.

جده tjadde: [ع] دادنگ اجه سی

«انه»، اجنگ اجه سی «ماما».

جدی t. jady: [ع] ۱. آولاق، ۲.

اونونجی فلکی بُرج، دی آیی بیله

برابر ۳. قطب شمال یعنی قایرا

قطبدا بیر ییلدیزینگ آدی.

جدی jeddi: ص. [ع.فا] ۱. ایشنگگر،

ارجل، تلاشلی ۲. چین و حقیقت

یوزوندن بولانه چین لاقای.

جدید jadid: ص. [ع] ۱. تازه، یانگی،

هر زادینگ تازه سی ۲. عروض

قوشنی سی نینگ آغرام اولچه سی.

جدید الاحداث jadid-ol-ehdās:

ص. مر. تازه دیکیلن، تازه بنا بولان،

تازه سالینان.

جذاب jazzāb: ص. [ع] اوزینه

چکیجی، اوزونه دارتیجی.

جذام t. jozām: [ع] هیوره کسل، بو

کسلی توتان آدمینگ اتی قویوپ

دوکولیان بؤلمالی.

جذب jazb: مص. [ع] اوزونه چکمک،

سیگمه، یرلشمه، دارتیجی.

جذم t. jazm: [ع] کسمک، بؤلّمک،

قاتی کسمک، چالت کسمک.

جدور ozur: [ع] کوکله، دویپله،

جمع جذر.

جر t:or. اير، اط ايرى.

جر t:ar. ۱. دىلىك، ياريق، آيريق، ايريك، يرينگ آيرىغى، ۲. كيچى ياب.

جر j:er. ۱. پارچا دير كاغد يالى زادى ييورتانگدا چىقيان سس، اونگا جرجر هم دييىليار.

جر jar(r):مىص. [ع] ۱. چكمك، اوزالتماق، ۲. دويانى يواشلىق بيلن ايتمك، ۳. سوزلرينگ آشاغينا حركت برمك.

جرا t:jarā. اكلانج، نفقه، آى به آى گليان حق.

جرائد jarā'ed: [ع] جمع جريده، ۱. نخل آغاچينگ شاخاسى، ياپراق سيز شاخا ۲. صحيفه، گوندهليك يازغى، روزنامه، جرائد جمع.

جرائم jara'em: [ع] جمع جريمه، تاوان لار، گناه لار، يازيق لار و جريمه لار معنيده.

جراح jarrāh: [ع] يارالان باشلان جمع جراحت.

جراح jarah: [ع] يارالار علاج اديان، دورلى ايچ كسل لرى كسيپ ام اديان طبيب ايچ كسيجى دكتور، لقمان.

جراحت t:jerāhat. [ع] يارا، باش،

جراحات جمع.

جرات jor'at: مىص. [ع] باتيرليق، قورقمازاق ليق، غيراتلى ليق، قوجورلى ليق.

جرثقىل jarresaqil: (= جراثىقال) [ع] مانجاناق، آغير نارسه لرى گوتيرىپ قالديريان دستگاه، قورال.

جرح jarh: مىص. [ع] يارا سالماق، سوگمك، عيىلاماق، پوچ و باطل اتمك.

جرح t:jorh. [ع] يارا، اجراح و جروح جمع.

جرعه t:jor'e. يۇدۇم.

جرقه t:jarqqe. اوچنۇن، اودونگ سيجراتنى سى.

جرگه t:jarge. دسته، بۆلك، تۇپان، آوينگ شكارينگ داشىنى قابان شكارچى و يا بير بۆلك آدم.

جرم t:jorm. [ع] گناه يازيق، خطا، جروم و اجرام جمع.

جرم jarm: مىص. [ع] (= گرم / قىزغىن) چشمه دن آلنان، قاتى قىزغىن ير، جروم جمع.

جرم jerm: ۱. [ع] ارنگ، اندام، بدن، حيوانينگ و يا باشقا زادلارينگ اندامى، ييلديز، اجرام و جروم جمع.

جری jari: ص. [ع] قورقمازاق، باتیر،
کله پروای، پانگ کله، اجرئاء جمع.
جریان jaryān: مص. [ع] آقیم، آقین،
بانگ آدالغاسیندا پول ال به ال
دولانماغی گزمه گی، آقیم.

جریب tjarib. اول مونگ متره برابر
بولان اؤلچگ، بیر هکتار؛ «گریب»،
«گری» هم دیییلیان.

جریح jarih: ص. [ع] یارالی، یارالانان،
یاراسی بولان، جرحی جمع.

جریحه tjarih. عربی، چشمه دن،
جراحة، فارسچا جراحت، یارانگ
دره گینه پیدالانیلیار.

جریده tjaride. [ع] ۱. خرما
شاخاسی، یاپراق سیز شاخا، ۲. آياق
اولاقلی بیر بؤلک آدم، ۳. صحیفه،
یادنامه، روزنامه، جرائد جمع.

جریمه jarime: [ع] مونث جریم، ۱.
تاوان گناهکار ۲. گناه، یازیق، و
یازیقینگ جزاسی، یازیقلی دان
آلینیان پول، گناکارلیکدن آلینیان پول،
تولگ، تاوان.

جز oz: ح. آیری، غیر، باشغا.
جزئی oz'i: ص. ن. [ع] آز زادا باغلی،
آزاجیق، انتک، کم، چولکه اوچیپ سیز
جزائر jazā'er: [ع] (= جزایر) آدالار،

جمع جزیره.

جزاف jazāf: ص. [ع] ماغتا، تره ز
قویوپ چکمانی سانامانی آلیپ
ساتیلماق.

جزاف jazzāf: ص. [ع] آوچی،
بالیق چی، صیاد.

جزم jazm: مص. [ع] کسمک، بیر
ایشی برکیدمک، بیر ایشه شک سیز
اوغراتماق.

جزوه tjozwe. [ع] بیر بؤلک یازیلان
کاغد، و یا چاپ بولان کتابینگ بیر
بوله گی، دفترچه.

جزیره tjazire. [ع] آدا، یعنی
دنگزینگ ایچینده بولان بیر بؤلک یر.
جزیل jazil: ص. [ع] ۱. کوپ، کان، بول
۲. ماکام، برک اولی، بییک بلند ۳.
چپر سوز معنیده.

جسارت jesārat: [ع] باتیرلیق اتمک،
غیراتلی لیق، کله پروای لیق،
قورقمازاق لیق، ادب سیزلیک،
أسگرمه سیزلیک، باتیرهای،

جست tjast. مص. ۱. بوکمک،
تاویسماق، ۲. بییک دفار و بلند پایا
مغنیده.

جست tjost. مص. بارلاما، آغتاریش،
آغتمارماق ایشی.

جستجو t.josteju. مص. ایزارلاماق،

بارلاماق، آغتارماق، ایده مک.

جستن jostan: مص.م. ایزارلاماق،

تایماق، گوزلامک، ایسته مک.

جستن jastan: مص.ل. تاویسماق،

بوکمک ارغیماق.

جسد t.jasad. [ع] اندام، بدن، گووره،

میت، اولی نینگ بدنی، اندامی، اجساد

جمع.

جسد t.jasad. [ع] قوری قان، زعفران،

اجساد جمع.

جسم t.jesm. [ع] اندام، تن، گورا، بدن،

اینلی بویلی بولیپ هوانی توتیان زاد،

جیم.

جسمانی jesmāni: ص. [ع] جسمه

باغلی بولان، انداما گووره دگیشلی

بولان.

جسور jasur: ص. [ع] باتیر،

قورقمازاق، کله پروای، قایدوسیز

جشن t.jašn. شادلیق، خوشلیق، دابارا،

چاو، عید، توی، شاغلانگ دابارا،

بایرام، شادلیق بیر ایش اوچین بولان

بایرام.

جشن jašan: ا. قیزدیрма، اندام

قیزغینی و دامار اورما یاغدایی.

جشن واره jašn-wäre: ص. مر. چپر

اثرلری گورکزمک اوچین یوریته

گچیریلیان بایرامچیلیق، فستیوال.

جعبه t.ja'be. [ع] یاشیک، تخته دان

ادیلن صندوق، جباب جمعی.

جعفر ja'far: [ع] آقار سو، سویتلی مایا

دویه، یاپ.

جعفری ja'fari: [ع] امام جعفر صادق

باغلی بولان، جعفری مذهب، شیعه

مذهب.

جعفری t.ja'fari. [ع] ایلیلیان

سبزی نینگ بیر گورنوشی، جعفری

آدیندا بولان کوک اونیم، سبزی.

جعفری فرنگی ja'fari-farangi

ا. مر. شادیان یاپراق.

جعل ja'l: [ع] دوراتمک، یاراتماق،

بجرمک، یاساماق، حقیقتینگ

ترسینه بیر آدامینگ آدینه یالان دان

سند دوراتمک.

جعل jo'al: ا. [ع] مور موجه گینگ بیر

گورنوشی.

جعل t.jo'l. [ع] مزد، ایشه بریلیان

حق، اجمال جمع.

جغد t.joqd. بایقوش.

جغرات t.joqrāt. قاتیق، سوزمه.

جغرافی joqrafi: (=جغرافیا) ا. [فر]

۱. یر شاری نینگ و یورت لارینگ



جک

جک tjak: [انگ] دورلی ماشین لار و اتومبیل لار یالی آغیر زادلاری یوقاری قالدیرماق و قالدیریپ ساقلاماق اوچین ماشینینگ آشاقینده قویولیان دستگاه، اول ماشین تعمیر ادیلجک یاده بیر قورالی تگیری چالشیریلجاق بولان وقتده ایشلنیار.

جگر jegar: ۱. باغیر، قارا باغیر.

جگر داشتن jegar dāštan: مص.ل.

کنایه سؤزوندن: غایراتلی و

قوجورلیق، قورقمازاق لیق.

جگر سفید tjegar-sefid: آق باغیر.

جگر سیاه tjegar-siyāh: قارا باغیر.

جگر گوشه jegar-guše: مر. باغیر

یالی، گوچه معنی سی، عزیز فرزند،

جگر گوشگان جمع.

جل jal: چیرلاق.

جل tjol: [ع] پالان، مالینگ اشیکی،

اجلال جمع.

جلاد jallād: [ع] میر غضب، آدام

اولدیریان و شاللاغا یاتیریان دولت

ماموری، جلاد.

جلال jalāl: [ع] اولولیق، بییکلیک،

حرمتلی لیق، آبرایلی لیق، بلند

مرتبه لی لیک.

جلالی jalāli: ص. جلالة دگیشلی،

تاریخ جلالی: جلال الدین ملک

طبیعی، سیاسی یاغدای لارینی همده

یر یوزینده یاشایان قوملارینگ،

ملکلرینگ و بیله کی

یاشایجی لارینگ دؤرمؤشین

اوردیان علم. ۲. اول ناچه قسم:

جغرافیای طبیعی، سیاسی،

اقتصادی، انسانی دان عبارت.

جف tjo(f): ص. ۱. قارری کمپیر،

قاتی قاران، ۲. آراسی بوش.

جفاف jafāf: مص. [ع] قوریماق.

جفاف tjoāf: [ع] قوران زادی

بیله کی لری قوریتجاق بؤلپ

آراسیندا قوییلان نأرسه.

جفال tjoāl: [ع] سويدونگ کؤیوگی،

جفاء tjoā: [ع] ۱. بیهوده، خورلیق،

ستم، مهرسیزلیک، ۲. یوز دؤنډریمک،

۳. داشلاشماق، آرانى، قاقماق.

جفاء jafā: مص. [ع] ۱. پوچ، باطل،

بیدرک، پیداسیز، چورچوپ، ۲.

توتماقلى و توتماق کسلى.

جفت tjoft: ایکی، تایی، جوفت، ایکی

زات، قوشا، آر-عیال، ارکک و اورقاچی

حیوان.

جفتک tjoftak: اشک اولاغینگ

شاللاق آتماسی، شاللاقلاماسی.

جفنگ jafang: ص. بیهوده، بیدرک،

بوش گورونگ، سامراما.

سلجوقیه دگیشلی بولان تقویم و یا تاریخ.

جلاء t.jelā' [ع] سرمه.

جلاء t.jalā' : مص. [ع] ۱. وطندن و اووی ایلدن داش بۇلماق، گوچمک، وطندن داش دوشمک، ۲. بیر ایشینگ آشکار و آچیق بۇلماغی، ۳. قیلجینگ، آینانینگ و شونگا منگزش زادلارینگ پوسینی آیریپ ییلدیراتماق.

جلب t.jalab : ص. بدل، قوشوندی سی بولان، آراسسا بۇلما دیق زاد، هیتیر، حقه باز، تله که آدم، پیس ایشداکی یعنی کونتی بدکار عیال.

جلب t.jalb : مص. [ع] بیر یردن باشغا بیر یره چکمک، چکمک. جلبک t.jolbak : سووینگ ایچینده اوسیان اوتلارینگ بیر گورنوشی، چۇلانگ.

جلد t.jald : ص. [ع] قۇجۇرلى، باتیر، چاققان، اجلاد جمع.

جلد t.jeld : [ع] قابیق، دری.

جلد t.jald : مص. [ع] شاللاق اورماق.

جلسه t.jalase : [ع] اوتورلیش، اوتوریشماق بیلن، بیر ایشه یتیشیکلیک اتمه و شول بارادا گوررونک اتمک اوچین گچیریلیان اوتورشینق لیک، میلّس.

جلف t.jelf : [ع] ایچی بوش، زادسیز، پانک کله، قایزا، کلچیک، آقماق، کأس، یوخا، اجلاف و جلوف جمع.

جلق t.jalq : مص. [ع] کله سیرما.

جلق t.jalq : ۱. «زلق» عرب چشمه سیندن آلمان: ال بيله سویکاپ منی نی داشینا چیقاریلماق.

جلگه t.tjolge : کینگ تکیز دوز یر، جولگه، ایکی داغینگ آراسی.

جلو t.tjelaw : ۱. اونگ، مانگلای، یوز به یوز ۲. آطینگ آوساری، جیلاو.

جلودار t.tjelaw-dār : اونگدن یوریان آطلی، اونگدن گیدیان چاپاری.

جلوس t.jolus : مص. [ع] اؤتورماق، قرار تاپماق، یرلشمک.

جلوسر t.tjelaw-sar : دیه.

جلوگیری کردن t.jelawgiri kardan : مص. اووینی توتماق، اووینی آلماق، اووینه گچمک.

جلوه t.jelwe : (= جلوت) ص. [ع] اشکار اتمک، آچیق اتمک، فاز کرشمه.

جلوه t.tjelwe : [ع] یوز آچما، کوره کینینگ کیه وینگ ایلکی گیجه گلینه التیان ساوغاتی، عرفان آدالغاسینده عارفلارا الله نینگ نوری یوره که دوشمک لیگی.

بزک چی.

جماعت 'jemā: بیله یاناشماق، عیال
بیله ارکه گینگ یاقینلیق اتمه گی،
عیالا یاناشماقی.

جماعت 'jemā'at: ۱. [ع] بیر بۆلک
آدام، بیر توپار آدام، جماعت،
کۆپچولیک.

جمال jamāl: [ع] گورک، آوادانلیق،
حسن، گورنیکلیک، گورکلیک،
گوزللیک.

جمال jemāl: [ع] دویه لر، جمع جمل.
جمال jammāl: [ع] دویه چوپان، دویه
ایه سی، جماله جمع.

جماهير jamāhir: [ع] جمهور، بیر
توپار جماعت، هر زادیگ
تویلانماقی، جمهوری لار.

جمعہ jomjome: ۱. [ع] کله
سونگکی، سگیز بۆلک سونگدان
عبارت بولان، کله کاسه سی، جماجم
جمع.

جمرات jamarāt: [ع] بۆلک اودلار،
بۆلک داشلار، جمع جمره.
جمشاک jamšāk: ۱. آياق قاب،
کۆووش.

جمع 'jam: مص. [ع] ییغناق، پیتراگ
زادی توپلاماق، حساب علمینده

جلوه گر jelwe-gar: ص. [ف.خ] آشکار،
آیدینگ، بللی، بزکلی، یالقیملی،
اوزونی گوزل گورکزیان، یاقیملی
گورکزجی.

جله t.jolle: [ع] خرما آغاچدان یا
اینچه شاخادان ادیلن زنبیل، سبد.
جله t.jolle: دوگون، دوگون طناب.

جلیتغه jelitqe: ۱. قورساقجا.
جلیل jalil: ص. [ع] اولی، اؤلؤلوق،
حرمتلی، اجله و اجلاء جمع.

جلیل t.jalil: [ع] ۱. آط کچه، آياق
اولاغ لارینگ اشیقی، ۲. کجاوه،
کجاوه اوستی نینگ پارچاسی،
اورتگوسی.

جماد jamād: ۱. [ع] جان سیز،
حرکت سیز داش، آغیاج دمیر و
ش.م.لر.

جمادی jomādi: ۱. [ع] جمادی الاول و
جمادی الاخر دیپ آیدیلیار یعنی
هجری قمری سنه سی نینگ
باشینجی و آلتینجی آیی.

جماز jammāz: ص. [ع] یورتیجی،
یوؤرؤک آط، قاتی یورتیان آدام،
ییلدام دویه.

جماش jammāš: ص. شورته، مست،
غزل اوقیجی، اویونچی، آلداواچ،

دورت عملینگ بیرى جمع.

جمع 'jam: مص. [ع] بیر بۆلک
جماعت، بیر توپار آدم؛ يوم الجمع:
قیامت، آخرت.

جمعه 'tjom'e: [ع] هفته نینگ
یدینجی گونی، آنا گونی، آدینا.

جمعیت 'jam'-iyat: مص. [ع] کوپ
آدم بیر یره ییغناشماغی کان آدم،
ایلات، ایلات سانى.

جمل 'tjamal: [ع] دویه.

جمل 'tjomal: [ع] جمع جمله،
جمله لر، سوزلم لر، اهلى، بوتین.

جمل 'tjommal: [ع] طناب، یوپ،
یوغین طناب، گامى نینگ طنابى.

جمله 'tjomle: [ع] ۱. همه، بارى،
همه سی، کلی، اهلى، معنی لی بولان،

۲. سوز دوزیمی، سوزلم، بتین و کامل
جمنده 'tjomande: فا. قیمیلايان،

حرکت ادیان، قیمیلدیجى.

جموش 'tjamuš: [ع] هک بيله زرنیخ
قاتیشیق، ساچا اندامینگ قیلنى
آییرماغا پیدالانیلیان واجبى.

جمهور 'tjomhur: [ع] جماعتلار،
آداملار، بیر توپار آدم، هر زادینگ

کوپ اولى توپارى کوپ، جماهير
جمع.

جمهورى 'jomhuri: (=جمهوریه) ۱.

[ع] حاکمیت اتمک لیگینگ بیر
گۆرنوشى، شول جمهورى یورتلاردا
پادشانینگ دراگینه بیر آدم ایلات
طرفیندن بللى مهلته وقتلایینچا
سایلانیار، شونگا بولسا، رئیس
جمهورى یعنی جمهورى
یوردى نینگ باشلیغى دیییلیار.

جمع 'tjami: [ع] کوپ آداملار، بارى،
همه سی.

جميله 'jamile: ص. [ع] قاوی، گوزل،
گورنیکیلى، آوادان، مونث جمیل.

جن 'tjan: طرف، قایدال، اوغیر، یان.
جن 'tjen(n): [ع] تازه آچیلجاق گل،
شکوفه، ییگیت لیگه یتن، یتگینجک.

جن 'tjen: [ع] جین.

جناب 'tjenāb: [ع] ۱. آقا، جناب، اولى
آداملارینگ حرمت اوچین

آدلاری نینگ اونگیندن آیدیلیان کلمه،
سوز ۲. درگاه، ایشیک.

جنابت 'jenābat: مص. [ع] نجیس
بۇلماق، حافا بۇلماق، اندامینگ و
اینینگ حرام بولوپ غسل ادیلمه گی
واجب بۇلماق، این حراملیق.

جنات 'jonāt: [ع] جمع جانی.
جنات 'jannāt: [ع] جمع جنت،



اوچماخلار، بهشتلار.

جناح jonāh: ۱. [ع] يازيق، گناه، خطا.

جناح janāh: ۱. [ع] تاويغينگ

قاناقى، ۲. آدامينگ قولى و الى،

اۋرۇش ميدانينده بولان قشونينگ

ايكى طرافيندا ساغ و سولوندا قرار

تاييار، اجنحه، اجنح جمع.

جنازه jenāze: ۱. [ع] اۋلى، ميت،

نمش، ماسليق، جناز، جمع.

جنان jenān: [ع] جمع جنت، جنتلر،

بهشتلر، اوچماخلار.

جنان janān: ۱. [ع] ۱. يورك، ۲.

گيزلين سير، زادينگ ايچى ۳.

گيجانينگ قارانگقىسى، اجنان جمع.

جنايت jenāyat: مصص. [ع]

گناهكارليك، عاصى چيليق، اولى گناه،

كۈيلنج بو سۆز آدام اۋلدورمك ليگه

خاصلانيار قان خورليق.

جنب tjanb: [ع] قاپدال، کنار، چت،

اجناب و جنوب جمع.

جنب jonob: ص. [ع] داش، كسهكى،

غيرى هاپا، هاپا بولاشان، اينى حرام،

غسل واجب بولان.

جنبان jonbān: ص. فا. تيتريهان،

قيميليديان زات.

جنبش tjonbeš: مصص. قيميلدى،

حرکت، تولقونما.

جنيدن jonbidan: مصص. ل.

قيميليديماق، حرکت گلمك، حرکت

اتمك.

جنت jent: ۱. [ع] باغ، بهشت، اوچماخ،

جنات و جنان جمع.

جتلمن jentelman: [انگ] صابيرلى،

جومارد، آبرايلى و حرمتلى آدام.

جنج janz: ۱. سس، قيقيليق، فرياد.

جنجال janjāl: ۱. قيقيليق، فتنه،

نادازا، غالماغال، غوغا، باساباس.

جنحه jonhe: ۱. عرب چشمه دن

آلينان: كيچى گناه، يازيق.

جند jond: ۱. لشكر، قشون، اجناد و

جنود جمع، ۲. شهر ماغاندا.

جنډر jandar: ۱. گييم گجيم، اشيك،

اگين اشيك.

جنده jende: ص. كونتى، تله كه يولدا

بولان عيال، جلب، فاحشه.

جنرال tjenerāl: [فر] ژنرال، يۇقار

درجده بولان قۇشون باشليقى.

جنس jens: ۱. [ع] مال، زاد، دورلى

زادلارى اوز ايچينه آليان توپار مثلاً:

حيوان و آداملار و آيرى جاندارلارنيگ

جنسى، اجناس جمع.

جنگ jang: ۱. اۋرۇش، سۈۈش، نأچه

جنود junud: [ع] لشکرلر، قشونلار،
جمع جند.
جنون junun: مصر . [ع] دالی لیک،
عقل اویستگه مک لیک، عقلدان
آزاشماق.

جنه jenne: ۱. [ع] جین.
جنة jonne: ۱. [ع] سپر، قالقان آدمی
اوروشدا دوشمانینگ اوقوندان
قیلیجیندن اونی توتۇپ آمان
ساقلايار یعنی زات اۇنۇنگ بیلن
اوزونگی، قورالیار.

جنین janin: ۱. [ع] اوستی یاییق زاتلار،
انه نینگ هنیز دوغمادیق چاغاسی،
اجنه جمع.

جو ju: (= جوی) ۱. کیچی جک یاپ،
آریق: سۇو آقار.

جو jaw(w): [ع] هوا، یر بیلہ
گوگینگ آراسی، هاوا.
جو jaw: ۱. آریا.

جوائز jawā'ez: [ع] خلاتلار،
سیلاغلار، بایراقلار، جمع جایزه.
جواب tjawāb: [ع] قایتارغی،
جوغاپ.

جواد jawād: ص. [ع] ساخی، جومارد،
اجواد و اجاود و اجاوید و جوداء جمع.
جواد jawād: ص. [ع] یووروک آط،

آدملارینگ و یا ایکسی یوردونگ
آراسیندا بولیان یاراغلی چاقناشیق.
جُنگ jong: ۱. ۱. هند چشمه سیندن:
شعر و هر هیلی مطلب یازیلیان دفتر،
۲. ناو، گامی.

جنگجو jang-ju: ص. فا.
سۇوشجنگ، باتیر، غیراتلی،
قۇجۇرلی.

جنگل jangal: ۱. جنگل، طبیعی
اکیلمان اوز اوزی گوگرپ بتیان
آنگیرسی بارسى ایمنیر یاتان
آغاچلیقلار.

جنگلبان tjangal-bān: ص. جنگل
ساقلايچی، جنگلی قورایان، جنگل
ساقلاوی.

جنگنده jangande: اورۇشاجانگ،
ساواشجانگ، ساواشیچی.

جنگیدن jang-idan: مصل.
ساواشماق، اوروشماق.

جن گیر jen-gir: ص. فا. جین توتوجی،
روحی ناساغلارا دعا یازیان آدم
یازیچی.

جنوب junub: ۱. [ع] قاپدال لار، یانلار،
کنارلار، جمع جنب.
جنوب junub: ۱. [ع] گون اورتا طرف،
ایلاری، جنائب جمع.

بیلدام آط، اجیادو اجاوید جمع.

جوار t.jawār: [ع] یاناشیق‌لیق،

قونگشی‌لیق، تووه‌رک، عهد.

جواز t.jawāz: یاغ چیقاریان دستگاه،

آغاچدان بجرلن یاغلی دانه‌نی

سیقیپ یاغینی آلیان دستگاه، جواز.

جواز t.jawāz: مص. [ع] گچمک،

یولدان گچمک، رخصت، اذن.

جوال t.jowāl: ا. چووال.

جوال t.jawwāl: ص. [ع] کوپ

چیرفینیجی، کوپ ایلغایجی، کوپ

گزجی.

جوال‌دوز t.jawāl-duz: ص. مر. تمن،

چووال تیکیان ایگنه‌دن اولوراق تمن.

جوامد t.jawāmed: ا. [ع] جمع جامد،

نگا جامد.

جوامع t.jawāme': [ع]

بیغنانشیجی‌لار، کوپ آدم، قالین آدم،

جمع جامع.

جوان t.jawān: ص. طبیعی اورتاچه

یاشا یتن انسان، ییگیت.

جوانب t.jawāneb: [ع] یانلار،

قایدال‌لار، طرفلار، جمع جانب.

جوان‌بخت t.jawān-baxt: ص. مر.

باختلی، خوشبخت.

جوان‌مرد t.jawān-mard: ص. مر.

جومارد، مرد ییگیت، همتلی.

جوانه t.jawāne: ا. جوانلیق، یاش

ییگیت، آغاجینگ چتریمه‌گی،

فندق‌لاماسی، شینالاما.

جواهر t.jawaher: [ع] گوهرلر، قمت

بها داش‌لار، دُرلر، جمع جوهر.

جوب t.jub: ا. قاناو.

جوبال t.jubāl: جوال، چووال.

جوجه t.juje: ا. ماکیان، چویچه،

اؤچوجی قوشلارینگ جویجه‌سی.

جوجه‌تیغی t.juje-tiqi: اوقلی کیرفی.

جود t.jud: ا. [ع] کرم، بخشش، بریم،

جومارتلیق.

جودانه t.jaw-dāne: آغاجینگ بیر

گۆزنوشی.

جودر t.jaw-dar: (= جودره) ا. چاوتار،

بیر هیللی ساری گللی اوت.

جودر t.jawdar: سینیر جودره: تانا،

کوله.

جودو t.judo: [فر] ژاپون

چشمه‌سیندن آلنان: ژاپونلی‌لارینگ

گوره‌شی، بیر بیرینگی ییقماق و

یاتیرماق اوچین اندامه اوریلیان

ضربه.

جور t.jur: ا. جوره، تاویره، توپسلی،

هیللی.

جور jawr: مص. [ع] ظلم و ستم
اتمک، یولدان چیقماق، قیراغا
چیقماق.

جوراب jurāb: ا. جوراپ.

جوره jawre: [ع] ظالیم لار، ستمکارلر،
جمع جائر.

جوز jawz: ا. [ع] حوز.

جوز tjawz: [ع] زادینک ایچی و
اؤنؤنگ اولیسی، اجواز جمع.

جوزل tjawzāl: [ع] کپتر چاغاسی،
جواز جمع.

جوزن jawzan: ص. مر. آریا بۇغدایه
دگیپ قوریدیان آفت-کسل، زردی
دیپ-ده آیدیلار.

جوزن tjawzan: ص. جادیجی و
مرتاض هندی، گوز باغچی.

جوش ju: ا. مص. اندام تنانده دورایان
آوینجاق قیزیمتیق دانه قایناما.

جوشاندن jušāndan: (= جوشانیدن)
مص. قایناتماق.

جوش خوردن juš xordan: مص. ل.
ایکی زاد توتوپ سپلنمگی ایکی
زادینک بیر بیرینه یوغورلیپ جوش
توتماغی.

جوش زدن juš zadan: مص. ل.
قایناماق، قاهارلانماق، آلجیراماق.

قهر غضبه مینمک.

جوشیده jušide: ص. م. قاینادیلان،
قاینان.

جوف tjuf: [ع] قارین، بیر زادینک
ایچی، اجواف جمع.

جولان jawlān: مص. [ع] آیلانماق،
ایلانماق، میدانده، آطی چهار طرافه

چایدیرماق آط قویماق.

جوندگان tjawandegān: امجکلی
جانلی لار ییتی دیشلی چینه یجی لر،

سیچان و سنجاپ یالی.

جوهر jawhar: [ع] گوهر، بیر زادینک
اصلی و تویسی و اساسی، بهالی

داش، آلمان، یاقوت، مروارید و ش. م.
بهالی داشلار، اوزن.

جوی tjuy: یاپ جاغاز، آریق، قاناو.

جویا juyā: ص. فا. تاپماق، آغترماق.

جویبار juy-bār: ص. مر. آقار سو،
کوپ سؤولی، آریغینگ یاقاسی

سؤوؤنگ کوپ یری.

جویدن jawidan: مص. م چینه مک،
بیر زادی چیناپ آوراتماق، چیناپ

یومشاتماق.

جهاد jehād: مص. [ع] تقلا اتمک،
حق و دین یولینده اوریشماق،

ساواشماق.

جهاد jahād: ص. [ع] اوت سیز قاتی

دمریگن یر، برکیین یر.

جهار jehād: مص. [ع] ۱. قیغیرماق،

اشکار اتمک، سسینگ یتدیگندن

قیغیرماق، ۲. اورتگی سیز بیرینی

گورمک.

جهاز jahāz: [ع] ۱. گلینه یا مسافره

بریلیان سپ شای، ۲. شیلہ - ده

اندامدا بللی بیر ایش ادیان اعضاسینا

دییلیار.

جهال johhāl: [ع] نادانلار، آقماقلار،

جمع جاهل.

جهالت jahālat: مص. [ع] نادانلیق،

عقل سیزلیق، بیلیم سیزلیک.

جهان jahān: ۱. دنیا، عالم، جهان.

جهان آفرین jahān-āfarin: ص. فا.

دنیا نی یارادیجی، دۆرمدیجی، خدای

تبارک و تعالی.

جهان بین jahān-bin: ص. فا. دنیا نی

گۆریان، دنیا گوراجلی، گوزصفتی

گینگن بولان.

جهانگرد jahān-gard: ص. فا.

سیاحتچی، جهان گشته، دنیا

گزیجی، توریست.

جهان نما jahān-namā: دنیا نی

اوزونده گورکزیان، دنیا نی گورکزیجی،

جغرافیا نقشه سی، یری ایکی یاریم

کره یعنی توغالاغا (شاره) بولیپ

گورکزیان جغرافیا نقشه سی

(کارتاسی یا خریطه سی).

جهانی jahāni: ص. ن. جهانا دگیشلی

بولان، جهانا باغلی بولان.

جهت jahat: [ع] طرف، یان، قاپدال،

سبب، اؤغور.

جهد jahl: مص. [ع] تقلا اتمک، جان

چکمک تلاش اتمک چالشماق.

جهر zahr: [ع] اشکار اتمک، قاتی

قیغیرماق، قاتی سس.

جهش jaheš: [ع] ا. مص. نگا. جهیدن،

بوکمک، تاویسماق.

جهل jahl: مص. [ع] نادان بولماق،

عقل سیزلیق، نادانلیق،

بیلیم سیزلیک.

جهنم jahannam: [ع] ۱. دوزخ، تامی،

تاموغ.

جهود juhud: ۱. یهود، یهودی.

جهیدن jahidan: مص. ل. تاویسماق،

بوکمک، بیریردن باشغا بیر یره

بوکمک، تاویسلاماق.

جهیز jahiz: ص. [ع] یوریک آط

جهیز jahiz: ۱. پارسجا؛ گلننگ قایین

اویونه التیان سپی، سپ.

جیب jayb/jib: [ع] جوبى، كۆيىنگ دىر

اگىن اشىگىنگ جوبوسى، ھالتاسى،
جىاب جمع.

جىب بر jib-bor: ص. فا. جوبى كسىان
اوغرى.

جىپ tjip: [انگ] ماشىنىنگ بىر يىنگىل
ھىللى، اول چوقاناق يولسىز يىرلردە
ايلەكى ماشىنلاردان قاوى گىدىار.

جىر tjir: [ع] گچ.

جىران jirān: [ع] قونگشىلار،
ياناشىقلار، جمع جار.

جىران tjayrān: كىيىك، جرن.

جىرە tjire: گوندەلىك برىليان ايمىت و
آزىفا، ايرسفال.

جىغ tjig: قىقىلىق، قاتى سس، اينچە

آيىلغانچ سس.

جىم tjim: [ع] ۱. حروفدا باشىنجى
حرف ۲. يوپىك پارچا.

جىن jin: ۱. [انگ] ايچىليان
ايچكى نىنگ بىر گۇرنوشى.

جىن tjin: [انگ] پامىق و پاختا
آراسسالايان ماشىن.

جىود joyud: [ع] جمع جىد، بۇيۇن
معنيدە.

جىوہ tjewe: سىماب، كومىش

رنكىنداكى دمىر، اول قىرق درجە

صفردن آشاقدا دونگىيار، و بارومتر

(ھاوا ئۆلچىليان قورال) دىر و آينە

يالى زادى ياساماقدام ھولانىليان.



ج č: پارس الپ بی سنینگ
 یدینجی حرفی، ابجد حسابینده
 «جیم» اوچ سان یرینه اولانیلیار.
 چابک čabok: ص. چالاسین، زرنک،
 چاققان، اوکده، چپر.
 چابک سوار čabok-sawār:
 ص. مر. آط اوغلان، آط چاپماغا
 شاراب بولان، چابکسوار،
 چاپیق سووار.
 چاپ čāp: ا. یازغی چاپ اتمک،
 باسما، یازغی لاری قورشین
 حروف لار بیلن کاغذ یوزونه
 گچیرمکلیک تاری، طریقه سی.
 چاپاتی t.čāpāti. یاغلی چۆری،
 چاپاتی.

چاپار t.čāpār. ت. قاصد، سارغید
 اکیدیچی، خط اکیدیچی.
 چاپارخانه t.čāpār-xāne.
 پستخانه.
 چاپچی čāp-či: ا. مر. [فات]
 چاپخانانینگ ایشچی سی، چاپ
 ادیان، چاپ ادیچی.
 چاپلوس čāplus: ص. سویجی
 دیللی، یالچی، بارانجانگ،
 یالچی لیق بیلن آدم لاری آلداپ
 قاوی گورجک کپینگی آیدیان آدم.
 چاپیدن čāpidan: ص. م. تالاماق،
 غارت اتمک، چاپماق، سۇيماق.
 چاتمه t.čātme. [ت] چاتیلیپ
 قویمه، تفنگ یالی یاراغه

خاصلانان سوز، ترکمن دیلینده:
کومه، اولی اوچولیان ساللانچاق
معنیده.

چادر čador: ا. چارغات، چاشو،
سایه بان، اولی پرده، چادیر،
باش آتقیچ، اورتینجه.

چادرشب tčador-šab: مر. یورغان
دوشک، دانگیلیان چارشو.

چادر نشین čador-nešin: چادیر
بیلن گوچوپ قونما تاردا قیشلاق و
یایلاقده یاشایان لار.

چادر نماز čador-namāz: نماز
اوقیماغا حاصلانان، باش آتقیچ.

چارپا čar-pā: ص. مر. (= چهارپا)
دورت آياق، دورت آياقلى حيوان
كۆپلنچ آط، اشاك قاطيره
خاصلانيار.

چارپایه čarpāye: ص. مر. (=)
چهارپایه دورت آياقلى اوتورغیچ،
اوتوریلنجیچ.

چارچوب tčār-čub: (چارچوب)
قافى نینگ داشیندان گلیان
سویه، ایشیک، چارچوب.

چارسو čār-su: ا. (= چهارسو)
دورت طرفلى يول، ايکى کوچانیگ
بیریگن چاتیریغی، چارسو.

چارشاخ čār-šāx: ا. (= چهارشاخ)

دورت بارماق، كۆپلنچ اوت سامان
يالى زادی اونونگ بیلن ییغنانیلیار.
چارشانه čār-šāne: ا. ص. گرین لک،

اومۇزلاق، گریش لک، یوغین، دایاو.
چارغ čaroq: (= چارق) ا. [ت]
مالینگ خامیندان ادیلیان آياق قاپ،
چاریق.

چارقد čār-qad: ص. مر.
عیال لارینگ باش اورتونجه سی،
چارغات، حجاب.

چارک čārak: ا. بیر گورنک انینگ
دورت دن بیرى، چاریک،

چارگامه čār-gāme: ا. ص. ییلدام
آط، یووروک آط.

چارگاه čār-gāh: ص. مر. ایران
سازلارینگ بیر گورنوشی، بیر
هیلى، فورمی.

چارگاه čār-gāh: ص. مر. اؤری
میدان، اوتلوق میدان، مال لارینگ
اوتلاغ یری.

چارگوشه tčār-guše: ص. دورت
بورج.

چارمىخ čār-mix: ا. دورت چویى،
قدیم دؤیورده دۇرت میخ یره دورت
بورج ادیپ ارید آداملاری شکنجه
بریپ دورت ال آياغینی میخه
چکمک لیگی.



چاروادر t.čärwā-dār. دورت

آياقلى بولان حيوان، آدم لار اۇنى
مونوپ يوك چكيار.

چاره čäre. ۱. علاج، درمان، ام، مكر،
حيله.

چاره ساز čäre-sāz. ص. مر. چاره
اديجى، علاج اديجى، چاره
گچريان.

چاريار t.čäryār. (= چهاريار)
چاريار، دورت خليفه، ابوبكر، عمر،
عثمان، على رضى الله عنهم.

چاشت t.čāšt. قوشلوق وقتى،
گونونگ يۇقاراق قالان وقتى،
ارتيرليك، ارتيرليك نهارى.

چاشنى čāšni. ۱. دینگه ايسغماق و
داتلى ديفينى بيلمك اوچين بير آز
ترشى يالى زادى سرکه دير غوره
سووينى دامالغا اورماق ليق ۲. قارا
تھنگينگ قولاغينا قويوليان نارسه،
چاشنى.

چاق čāq. ص. دايو، سمیز، اتلى
قانلى، يۇغين، تيقيز، دۇلى، اتیگمه.
چالو čāqu. ۱. چاقى، پيچاق.

چاقو کش čāqu-keš. ص. چاقى
چکيجى آدم، آدمالار چاقى بيلن
دوفوليان.

چاک čāk. ۱. ياريق، جايريق، ييرتيق،

ايريك.

چاكر t.čāker. ص. نوكر، قوللوقچى،
بنده.

چال، چاله t.čāl(e). اوى، چوقور،
قورپ، قول. چال كردن: اوى اتمك،
اويماق، بيرزادى يره گوممك.

چال t.čāl. ۱. اوردى، غان ۲.
كاكيليک.

چال t.čāl. آل آط، چال آط.
چالاک čālāk. ص. ۱. چاققان،
زنگ، ارجل، ۲. اينگ بييك ير.

چاله چوله čāle-čule. چاقير
چوقور، قازغاناق، سورن يول
اوستونده دۇره يان آونيق چوقورلار.

چانه čāne. ۱. انگك، انگك
سونگكى ۲. بير چورک بيشيريپ
بولجاق وقتدا بولان خمير، چونه
سوزده هم اولانييلار.

چانه زدن čāne zadan. كان
كپله مك، يانگراماق، آلو-ساتو
وقتينده قيمتنى آزالتماق يا
كوپلتمك اوچين قايلاشماق، يعنى
نرخده چكەلشمك، اززيق.

چاو čāw. چينى سۆزوندن: كاغد
پول.

چاو čāw. آغى، انكراشيك، دردند و
ايزادان اوليمه، چينگسيما.

چاودار t:čaw-dār. چاوتار، چاودار.

چاه t:čāh. قوی، سوو قویسی، یا

آرتیقماچ مصرف بولان سووی

دوکمک اوچین قازیلان قوی.

چای t:čāy. ۱. چای.

چائیدن t:čā'idan. مص. ساویقلامه،

دومولاما.

چپ t:čap. ۱. ص. سول، سولا،

آغداریلما، ترس، دونگدیریلما.

چپاندن t:čapāndan. (= چپانیدن)

مص. زور بیلن بیر زادی باسیپ

گیریزمک، قاتی اورپ دولدورماق،

تیقماق.

چپاول t:čapāwol. ۱. ترک سؤزوندن،

تالانگ، باساماچیلیق،

تالانگچیلیق.

چپاولگر t:čapāwolgar. ص. نا.

تالانگچی، غارتچی.

چپ کردن t:čap kardan. مص

آغدارماق، دونگدرمک.

چتر t:čatr. ۱. چتیر، سایه‌وان، یاغین‌ده

و یا اسسی گونلرده اوندان

پیدالانیلیان قورال.

چتر باز t:čatr-bāz. ص. اوچپاندان

نجات چتری بیلن پره اینیان‌لار،

چتر بیلن قیزیقلانیارلار.

چترنجات t:čatr-e-nejāt. ۱. مر.

[فاع] اوچیاندن، هواپیمادان، پره

اینیلیان آبزال، قورال.

چچک t:čečak. (= چیچک) ۱.

خال، منگ، آدامینگ اندامیندا

دوره‌یان منگ ۲. چچک، گل.

چخماخ t:čāxmāx. ایگنه نخ

یووسه قویولیان کیسه‌چیک یعنی چاودار

هالتاجیق.

چخماق t:čāxmāq. ۱. [ت] تفنگینگ

چاقماقی، چاقماق.

چدن t:čodan. مص. م. چویون.

چر t:čor. (= چل، چول) آدامینگ

اوجیدی، ارکک‌لیگی.

چر t:čar. پروانه‌نی آیلیان سوو.

چرا t:čarā. اوتلاغ.

چرا t:čarā. مص. اوتلاماق،

مال‌لارینگ پایلیم یرده اوتلاماگی.

چرا t:čerā. ۱. سوراغ سوزی، نامه

اوجین؟ اول نامه؟، نامه سبیلی؟،

ناماشیپ؟ ۲. هاوا ماغاندا-دا

اولانیلیان.

چراغ t:čerāq. لامپا، برق یرینه

پیدالانیلیان ایشیق، چیرا.

چراگاه t:čerā-gāh. ص. مر. اورى

میدان، یایلیم، اوتلاغ‌یر.

چراندن t:čarāndan. (= چرانیدن)

مص. مالی اوتلاغا سورمک،

اوتلاتماق.

چرائى čarani: ۱. گوندهلىك يا آي دا

بيريته بريليان كاغذ پول.

چرب čarb: ص. ياغلى، ياغجىماق،

ياغلى زاتلار، ياغا باغلى زاتلار.

چرب زبان čarb-zabān: ص. مر.

سوويجى دىللى، آچاق،

خوشاماي، يالچى.

چىرى čarbi: ۱. ياغ، چورىانىنگ

اوستونده جملنيان ياغ، ۲. قايماق.

چرت čort: ۱. ايمزىقما، بير آز

اوقلاما، ايركىلمه.

چرت čert: ص. عا. معنى سيز، پوچ

سوز، هاوايى گپ.

چرتگه čortge: روس سۆزۆندن،

چرتگه، چوتگه.

چرخ čarx: دىگيرچك، تيگير.

چرخ čarx: آسمان، گونگ، فلک،

عصر، زمانا، دؤوير.

چرخ čarx: قاتى ياي، كمان.

چرخ čarx: مص. دووير، دوران اوز

داشينا آيلانيان، گردش، چرخ.

چرخانندن čarxāndan: (=

چرخانیدن) مص. م. آيلاماق،

تيرلاماق.

چرخیدن čarxidan: مص.

آيلناماق، تيرلاماق، دولناماق.

چرده čarde: ۱. يوز، كشيپ، آدامينگ

يوزى، يوزينگ رنگكى، كشيپ،

ياغيز.

چرش čareš: ۱. مص. اوتلاماق،

ماللارينگ اوتلاماغي.

چرك čerk: ايرينگ، چيرك.

چرخ čarq: اوتلگى، آغير قوش.

چركين čerkin: ص. ن. نجيس و

ناپاك زاتلار، باشدان چيقان

ايرينگ، ايرينگلى، هايا.

چرم čarm: ۱. قايش، قايش.

چرند čarand: ص. پوچ، بولغى سيز

كپ، بيدرك سوز، سامراما.

چرنده čarande: فا. اوتلايچى

حيوان.

چروك čoruk: ييغريق، اندام و يا

پارچا يوزونداكى اپلامر ييغريق.

چريدن čar-idan: مص. ل. اوتلاماق،

مالينگ اوتلاماغي.

چريش čeriš: ۱. آغاجينگ بير

گۆرنوشى.

چرىك čerik: ص. سرباز

كىتمه ديك و نظامى تعليم

گورمه ديك و اوز ارکينه اؤورنن

سرباز، داوطلب سرباز،

عشايرلرينگ آراسيندان بارىپ

سربازلره قوشولوپ اوروشه گيريان

تویار، چریک.

چرینه čarine: ۱. حیوانلارینگ آش قازانی.

چسب tčasb. یلیم، کاغذ یا آغاج یالی زادلاری یلمه مک اوچین اولانیلیان نارسه.

چسبانیدن časbānidan (= چسبانندن) مص. م. یلمه مک، بیر بیرینه بکله مک.

چست čost: ص. چاققان، زرنک، ارجل، ماکام، ییلدام، چیس، چالت. چشم češm: ۱. گوز.

چشم انداز češm-andaz: گوز یتیم، گوزونگ گویجی نینگ گوزماگه یتیان یری.

چشم براه češm-be-rāh: ص. گوزی یولدا بولان، قاراشیجی، گوز یولدالیق، گوزلی در بولما.

چشم بندی tčešm-bandi. مص. حيله و حقه بازلیق، گوزیاغچیلیق، گوزیاغلاما، آلدواچیلیق، جادی چیلیق.

چشم پزشکی tčešm-pezešk. ص. گوز طبیی، گوز لقمانی، گوز دکتری.

چشم پوشی češm-puši: ۱. مص. گوز یومما، گوزمه دیک کیش بولما،

گوزمزیلک اتمه، گوروپ گوز یومماق.

چشم چران češm-čerān: ص. فا. گوزی گزديرمه، گوزدیکمه، عیالی ارید گوز بیلن گوزلمه، سر اتمه، گوزی نامیسدا بولان.

چشمداشت tčešm-dāšt. مص. بیرى نینگ کومه گینه گوز تیکمک، خوایش و امید، بیر زادی اله گتیرماگه قاراشماق، قاراشیق، بیرى نینگ کومه گینه قاراشماق، طماکین لیک.

چشم دریده češm-daride: ص. مر. حیا سیز، شرم سیز، اوتانچ سیز، یوزی بیرتیق، سوویم سیز.

چشم روشنی češm-rawšani: ص. مر. سوغات و گوز آیدینگلیق، گلینه یا کوره کنه و یا تازه بیر یردن گلنه التیلیان هدیه سوغات.

چشم گیر češm-gir: گوزی چکیجی، گوزی اؤزونه دارتیجی، گوزه ایلیجی.

چشم زخم tčešm-zaxm. گوز دگیرمه، گوزدن بیرینه صدمه یتیرمه.

چشمه tčešme. گوزیاشی، سووینگ چوشیپ یردن چیقان جای،

چشمه، چشمه لیکه گوز باش.

چشمه سار t.češme-sār

چشمانینگ کوپ یری، چشمه لیک

یر.

چشم و هم چشمی češm-ham-češmi

۱. مص. شاوریق.

چشیدن čašidan: مص. ل. داتماق،

بیر زادینگ مازاسینی بیلیمک

اوچین بیر آز دادیپ گورمک.

چغاز čāqāz: ص. حیاسیز عیال،

آغزی پایش عیال.

چغاله t.čāqāle: ص. یتمه دیک و

بیشمه دیک، ایر ایمیش، میوه.

چغزیدن čaqzidan: مص. ل. ۱.

اینگراماق، آخ واخ اتمک ۲.

قورقماق.

چک ček: ۱. [فر] بانک طرفدان

مشتري لرینه بریلیان دفترچه

جیک، بانک دان پول آلماق اوچین

یازیلیپ آلینان کیچی جک دفترچه،

چک آدیندا.

چک ček: ۱. قطره، دامجا.

چک t.čak: انگک.

چک t.čak: شایباق.

چک t.čok: ۱. چوکه دوشوپ

اوتورماق، ۲. دیز معنیده.

چکامه čakāme: ۱. شعر، قوشفی.

چکاوک čakāwak: ۱. تورغای.

چکسه čakse: ۱. ص. بۆلک کاغذ،

عطارلارینگ درمان دولاپ بریان

کاغذی.

چکش čakoš: ۱. آ. چکیچ.

چکمه čakme: ۱. [ت] دورقی اوزین

کوؤوش، چکمه، ادیک.

چکمه دوز t.čakme-duz: ص.

چکمه تیکیان.

چکنه čekne: ۱. ص. سورا قوشولان

چکنه، بۆلک آز قویون.

چکه čake: ص. کیچی، آونیق،

شورته و مسخره آدام.

چکه čakke: ۱. دامجا، قطره، بیر

یردن بیر یره دامیان آزاجیق سو.

چکیدن čekidan: مص. ل.

دامجالاماق، دامماق، سیریقماق.

چگونه čegune: ناهیلی،

ناتویسلی، ناجوره، نینگ.

چگونگی čegune-gi: دؤرمؤشی

ناهیلی لیک، ناتویسلی لیک،

ناجوره لیک.

چلاق čolāq: ص. [ت] آغساق،

آیاغی ماییپ بولوپ دوغری یوریپ

بیلیمه یان آدام، چولاق، قولاق.

چلب t.čalab: فتنه، قیقیلیق

قیقچیق.



چلباسه čalqāse: ۱. کلباسا، اولی

پاتماجیق، گچی امن، کپزه.

چلچله t.čelčle: قارلاواچ، بو سوز

پیشباغا معنی سینده هم گلیار.

چلغوزه čelquze: ۱. مر. آغاجینگ

بیر گۆزنوشی، صنوبر.

چلک čolak: ۱. یوپک طناب، یوپک

کلبی.

چلک čelk: ۱. کفگیر، ملاغا.

چلم t.čalam: توت فرنگی، تودانا.

چلنگر čelengar: ۱. ص. قولپ

بجریان، قولپ یاسایان.

چلو t.čelaw: آش، پلو، سوزمه پلو.

چلوار t.čelwar: قمیس، متاقامیس.

چله t.čelle: ۱. قیرق قات، بوکولن

نخی، ۲. کمانینگ چله سی.

چله t.čelle: قیرق، قیرق گونلیک،

وفات بولانینگ قیرقی، یا

چاغانینگ دۇغولان گونونینگ

قیرقی.

چله تابستان čelle-ye-tābestān:

ص. مر. قیرق گون تومیسدان گچن

وقت.

چله زمستان čelle-ye-zemestān:

ص. مر. قیرق گون قیشردان گچن

وقت، قیشردان ۴۰ گون گچنده

اولی چله و اولی چله دن ۲۰ گون

گچنده کیچی چله نینگ وقتی

دیپ آدلاندریلیار.

چلیم čelim: قالیانینگ بیر

گۆزنوشی.

چماق čomāq: ۱. اولی یوغین

تایاق، دوگونلی تایاق، یوغین تایاق،

۲. آلتی قانات گۆز.

چمباتمه زدن čombātme zadan:

مص. چوغوتماق.

چمن čaman: ۱. اوت لیق، چمن،

اؤلنگ، اوتلوق گوک مایسا، میدان،

سونار.

چمچه čamčame: ۱. آدام و

حیوانینگ آیاق سسی.

چمچه čamče: ۱. کفگیر، مالاغا،

چمچه.

چنار čenār: ۱. آغاجینگ بیر

گۆزنوشی، چینار.

چنانچه čenānče: شرط سوزی،

کمک چی سوز، اگر، اگرده باردی

گلدی دییان معنیده.

چنبر čanbar: ۱. تگه لک، خالقا، هر

زادینگ تگه له گی، قورساغینگ

ایکی بۆلک سونگکی.

چنته čante: کیسه، توریا، هالتا،

درویش دیر و شکارچی لرینگ

(آوچیلارینگ) زادلارنی یعنی

قوشۇنى ساليان هالتاسى.

چنته چوپان čante-ye-čupān: ۱.

چوپانچى (اوتونگ آدى).

چندر čondar: ۱. چوغوندار.

چنگ čang: ۱. ۱. آدامىنىڭ

پنجهسى، پنجه، ۲. يىرتىجى و

وحشى حيوانلارنىڭ پنجهسى ۳.

قانگراق و قانگراغا منگىز زادلار،

۴. بىر هيل سازىنىڭ آدى.

چنگال čangāl: آدامىنىڭ و

حيوانىنىڭ پنجهسى، دىرناقلارى.

چىنىن čenin: باغلانىشيق سوزى،

شونىنىڭ يالى و مونىنىڭ يالى دىين

يالى معنىنى آنكلادىار.

چوب čub: ۱. آغاچ.

چوبدار čub-dār: ص. قويون

سوداسىندا بولان آدم، قويون

سوداسىنى اديان آدم.

چوب بست čub-bast: جايى،

ساختمانى اووروليپ قالاندا

ديوارىنىڭ قاپدالىنىدە قويوليپ

ايشلاپ دورماق اوچىن قويوليان

تختا دىر دمىر و آغاچ يالى

نارسەدن ايدىليان اشك آرقا.

چوبىك čubak: ۱. بىر هيللى اوتونگ

آدى، اوندان اگىن اشىك يىووماغا

پيدانىليار.

چوپان čupān: ۱. چوپان، قويون

سىغىر دويه يالى مالى ايسديهان،

باقيان آدم.

چوك čuk: ۱. بايقوشا منگىز

قوش، اول آغاچدان آسيليپ

قىغىريان بولمالى و اونگا مرغ حق

دييپ هم ايدىليان اكن.

چوك tčuk: ارکک آدمىنىنىڭ

اوجىدى.

چوگان tčawgān: باش اگري آغاچ،

اوجى اگري آغاچ.

چول čul: ۱. [ت] اوت سىز، سۇوسىز

ايغىر دوز، چول، بيه وان.

چون čon: ق. باغلانىشيق سوزى:

اونگ گورا، شو سببلى، شيله ده

ديين يالى.

چوگان بازى čawgān-bāzi:

۱. مص. آط بيله ينا پياده حالتده

اويناليان اويون.

چهار čahār: ۱. دورت (۴)، چار-دا

دييىليان.

چهارپا tčahār-pā: دورت آياقلى

حيوان.

چهارپايه čahār-pāyeh: چهارپايا،

كيچى كرسى، اوتورغىچ.

چهارسو čahār-su: ص. مر. دورت

يول، چاترىق، دورت يۇلۇنگ

چاترینی

چهارسوق čahār-suq: ا.مر. [فاع]

(= چهارسو، چارسو) دۆرت یان.

چهارشنبه سوری čahār-šanbe-suri:

ص.مر. قارا چهارشنبه.

چهارراه čahār-rāh: ا. چاتریق.

چهار یار čahār-yār: حضرت

رسولینگ یارانلاری، ابوبکر، عمر،

عثمان، علی، چاریار دیییده

آیدیلیار.

چهر - چهره čehr(e): ا. یوز، کشب،

رخسار، منگیز.

چهل čehel: قیرق (۴۰) سان.

چیدن čidan: ص. م. ییغماق،

یولماق، میوه و اوت ییغما یالی.

چیره čire: ص. باتیر، قوجورلی،

مسلط، اوستم.

چیز čiz: ا. بار بولان زاتلار، نارسه

ناچیز: آزاجیق، کم، انته جیک، آز

اولاق.

چیس čis: اشاک یالی، ینگل قویپان

مال.

چیلان čilān: غناب آغاجی.

چیستان čistān: ص.مر. مخفف

چیست آن، ماتال، ماتالار.

چین čin: ا. ییغریق، ییغریق، بوروم.

چین خوردن čin xordan: ص.مر.

ییغریلماق.

چینه čine: دینگه پالچیقدا

بجریلن دیوار، اونی بجرمکده هیچ

بیر داش یا کرفیچ اولانیلما یار.

چینه čine: ا. تاویغینگ و ش.م.

ایم لیگی، تاویغینگ یردن چوبلاپ

ایبان دانه سی.

چینه دان čine-dān: ا. تاویغینگ

ایم لیگی.

چینی čini: ا. آیراتین کائولن دیین

توپراقدان بجریلن قاپ چاناق، اول

قاپلار ایلکی چین یوردینده

بجریلمه گی اوچین چینی ظروف

دییلیپ آد قالپیدیر.





ح he: فارسی الیپسی نینگ
سکیزینجی حرفی، حا دیلیپ
اوقولیار، ابجد حسابیندان (۸)
سکیز.

حائز hā'ez: ۱. فا [ع] جمع لایجی،
دولی، ایه بولان، بارلی، ییغناجی،
تاییارلایجی.

حائل hā'el: ص. [ع] ۱. بیر زادی یا
بیری نینگ یاغدایی دگیشن ارنگکی
اویتگان ایکسی زادینگ آراسینی
کسیان زات، آراسیندان گلیان زات،
۲. قیسیر، چاغا دوغورمایان عیال و
یا حیوان.

حاتم hātem: ص. [ع] قاضی، حاکم،
قاضی طی دیین قبیلهدن بولان بیر
آدامینگ آدی، سخی لیکده آد
قازانان و مشهور بولان شخص
اونگا حاتم طائی، خاتم طی
دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

حاج (j)hāj: فا [ع] ۱. حاجی لیفنا
وصف بولان، حجه گیدن، حج
فرضینی بیتیران آدام، حجاج و
حجج جمعی، ۲. حاجی لار
معنیده.

حاجت hājat: ۱. [ع] گرکلیک،
گرکلیک، لازم بولان، گرکلی، ضرور

بولان، حاجت بۆلان، حاجات جمعی.

حاجتمند hājat-mand: ماتاجلیک،

گرکلیلیک، بیر زادا ماتاج بۆلان.

حاجی فیروز hāji-firuz: ۱. امر

[فا.ع] عید نوروز گونلری یعنی

نوروز بایرامیندا یوزینا قارا چالپ و

قیزیل اشیک گیبی خیابانلاردا و

کوچهلرده ساز آواز بیلن اؤز شورتی

سۆزلری بیلن آداملاری گولدورپ

شادلانديران آدام، حاجی فیروز.

حاد hād: ص. [ع] قاتی، کسگیر و

ییتی، کسگیتلی.

حادث hādes: ۱. فا. [ع] تازه

تاپیلمانگ وصفی، تازه، یانگی یوزه

چیقان، تازه یوزه چیقان، عمله

گلن، کونه دال.

حادثه hādes: ۱. فا. [ع] حادثه نینگ

مونثی، تازه یتیشن، واقا، قوپوندی،

تازه تاپیلان بلا و صدمه، تازه یوزه

چیقان واقا، حادثات و حوادث

جمع.

حاذق hāzeq: ۱. فا. [ع] استاد، چپر،

اوکده.

حارث thāres: فا. [ع] یرسوریچی،

اکرانچی، دایخانچیلیق ادیان،

دایخان، حراث جمعی.

حارس thāres: فا. [ع] ساقلاچی،

قاراویل، پاسبان، قورایچی

ساقلاچی، حراس و حرس و

حرسه و احراس جمعی.

حاسد hāsed: ۱. فا. [ع] گوریپ،

غیری نینگ بایلیغنی و همتلارینی

گوریپ بیلیمه یان، همه زادی اؤزیمه

بۆلسون دییان، حاد و حسده و

حسد جمع.

حاشا hāša: [ع] ۱. استثناء

کلمه سی، باشقا، آیری و هرگیز

معنی سینده بولان ۲. انکار اتمه

سۆزی الله ساقلامین.

حاشاک hāšāk: [ع] سندن داش دا

بۆلسون، سندن اۇزاق دا بۆلسون

دیلن سۆز.

حاشا کردن hāšā kardan: انکار

اتمک، اینانماسیزلیق اتمک،

دانمک.

حاشیه hāšiye: ۱. [ع] ۱. قیرا،

کتابینگ قیرالاریندا یازیلیان یازغی،

۲. آدامینگ و خدمتکارلی اهلی

عیال اۇغلان اوشاغی، حواشی

جمع.

حاشیه دوزی thāšiye-duzi: مص.



پارچا یالی زادینگ کنارینی
تیکمک، قیراسینی تیکمک.

حاصد thāsed. [ع] اوراق اورجی،
بیچی چی، اوراقچی، حصاد و
حصده جمعی.

حاصل thāsel. فا. [ع] اله گلن، بیر
زادینگ نتجه سی و اؤنیمی،
حاصلی بیر زادن اله گلیان
نتیجه، پیدا، گیرده چی، حاصل،
اؤنوم، حواصل جمعی.

حاصل خیز thāsel-xiz و ننگات
بیتیریان یر، کوپ حاصل بریان یر.
حاضر thāzer. فا. [ع] بار بولان،
تاییار، حضوره گلن، حاضر.

حاضر جواب hāzer-jawāb:
ص. مر. اوی و فکرسیز بیر سؤزونگ
جوابینی بریان، جواب برماگه تاییار
آدام.

حاضر کردن hāzer-kardan:
اویچین اتمک، تاییار اتمک.

حافظ thāfez. فا. [ع] ساقلایجی،
قورایجی، یاساویل، آرادان
گیتمه سیز لیگینگ اونگینه گجیان
یادکش، قرآنی یاددان بیلیان آدام،
حفاظ و حفظه جمعی.

حافظه thāfeze. فا. [ع] مونث

حافظ، اونیتماسیزلیق قوه، انساندا
بولان گویج، بیر نیچه حیواندا
بولان واقانی و گچمیشی یاددا
ساقلایش غورپی، اونیتماسیزلیق
گویج، ذهین لی لیک.

حاکم hākem. ا. فا. [ع] حکم
ادیجی، بویروق بریجی، حاکم،
قاضی، فرماندار، حکام جمعی.
حاکی thāki. فا. [ع] حکاة ادیجی،
نقل ادیجی، بیان ادیجی، روایت
ادیجی، حکاة جمعی.

حال thāl. [ع] هر بیر زادینگ صفتی
و دؤرمؤش یاغدایی، بیر آدامینگ
یاشایش یاغدایی احوال جمعی،
اصطلاح اهل عرفانده عبارت عشق
و محبت.

حال hāl. ا. فا. [ع] صفت فاعلی،
آشاق اینیجی، جای توتوجی،
حلال جمعی.

حالت hālat. ا. [ع] دؤرمؤش،
یاغدای، بیرینده یا بیر زادا بولان
دؤرمؤش یاغدای، حالات جمع.

حالی hāli. ا. فا. [ع] سپ شایا بزالن،
اوزونی قیزیل کوموشه بزآن عیال،
حوالی جمعی.

حالی hāli. ق. [ع] فا. شو وقت، شو

حالدا، شو دۇرمۇشدا، شو دمدە.

حامد hāmed: ۱. فا [ع] ثنا ادیجی،

اووگا دگیشلی، تاریفلايیجی،

اوویجی، ستایش ادیجی،

سوییجی اوویان.

حامل hāmel: ۱. [فاع] یوک

اکیدیجی، یوکلی، آرقاسی بیلن

یوک اکیدیان، حملة جمعی.

حامله hāmele: ۱. فا [ع] مونث

حامل، گورالی عیال، بوغاز عیال،

ایکی قات عیال، حوامل جمعی.

حامی hāmi: ۱. فا [ع] حمایتچی،

قولدايیجی، کمکچی، آرقاداغ،

مددبریجی، حماة جمعی.

حامی hāmi: ص. ن. [ع] نوح

پیغمبرینگ اۇغلی حاما باغلی

بولان، حام بن نوحینگ اولادینیڭ

طایفاسی.

حاوی hāmwi: ۱. [فاع] صفت

فاعلی، اۇز ایچینه آلیان، قوجاغینا

آلیجی، گوتاریجی، قولتوغا

چکیجی.

حب hob: ۱. [ع] اولی تانگسیقودن

بجرلن قاب خم، سوو و سولانگ

زادی قویماق اوچین اولانیلیان

قاب.

حب hab: ۱. [ع] بۇغداي دانەسی،

دانه، نخود دانەسی و ش.م. نخود

دانەسی شکلیندە بولان درمان.

حب thob(b): [ع] دۇستلۇق، عشق

سویگی، مهر و محبت.

حباب thobāb: [ع] ۱. دۇستلۇق،

سویگی ۲. دۇو، شیطان و ییلان، ام

حباب: دنیا، جهان.

حباب hobāb: [ع] کویوک،

سویدونگ، صابینیڭ و ش.م.

کۆیوگی.

حبال hebāl: ص. [ع] طناب، یوپ،

یوپ ساتان.

حبر thabr: ص. [ع] عالم، دانشمند،

بیلیملی، روحانی، علماء،

عیسوی لریڭ روحانیسی،

روحانی دانشمند، احبار و حبور

جمعی.

حبر thebr: [ع] قارداش، قۇر، مرکب،

یازماق اوچین اولانیلیان ارنگک،

حبور جمع.

حبر thaber: [ع] شادلیق، نعمت،

اجار و جور جمع.

حبر haber: ۱. ص. [ع] یول- یول،

تولفونلی، موجلی بیر هیل پارچا.

حبس habs: مص [ع] ۱. ثوسساق

اتمک، ساقلاماق، توسساقلیق .

حبس ابد، عمرلیک توسساق.

حبش habaš: ۱. [ع] آفریقادا یاشایان

قارالارینگ بیر طایفاسی، حبشه ده

یاشایان قارا یاغیزلارینگ بیر

طایفاسی.

حبیب thabib: [ع] یار، دوست،

محبوب، سویگیلی، احبه و احباب

و احباء جمعی.

حتم hatm: ۱. ص. [ع] ساده، الین،

حق و حکم و یرینه یتیریلماگی

ضرور بولان، حتموم جمع.

حتم hatm: مص. [ع] بیر ایشی

قاییم لاماق، واجب و گرکلی اتمک،

یرینه یتیریلماک، حکمان بولان

بووروق.

حجاب hejāb: ۱. [ع] پرده، چادر،

یوز اورتگی، یاشماق آورات یرینگ

اورتمک، حجب جمعی.

حجاب hejāb: [ع] قافی

ساقلاجی لار، قراویل لار،

پرده لی لر، حاجب جمعی.

حجاج hojjā: [ع] حاجی لار، مکه

زیارت ادن لر، جمع حاج.

حجاج hajjā: ص. [ع] کوپ حج

ادیجی.

حجار hajjār: ص. [ع] داش

تاراشلایان، داشی قازیپ یوزونه

خط یازیان لار.

حجار hejar: [ع] حجر لر، داشلار،

جمع حجر.

حجاره hajjāre: [ع] جمع حجر،

داشلار.

حجاز hejāz: ۱. [ع] ایرانینگ اون

ایکی سازلاری نینگ بیرینینگ

آدی.

حجاز thejāz: [ع] ۱. دویانینگ

آیاغنا و بیلینه دانگیلیان دوشاق،

ایکی زادینگ اورتاسی، ۲. مکه

مدینه نینگ اولی شهرلری نینگ

بیرینینگ آدی.

حجب hojb: [ع] حیا، اویات، شرم.

حجر hajr: [ع] بیرینینگ یاشلیغی.

یا عقل اویتگه مکلیگی و یا آیری

سبابلار اوچین دادگاه طرفدن

مالینگی ساقلانماق، اونگونو

توتماق، قاضی طرفیندان منع

ادیلماک لیک.

حجر hajar: [ع] ۱. داش، ۲. قیزیل،

کوموش، یاقوت، فیروزه یالی بهالی

داشلارا هم آیدیلیان، احجار و

حجار و حجاره و احجر جمعی.

حجر hejr: [ع] ۱. قیراق، دامان، کنار، قۇجاق، آرقا ۲. حرام معنیده.

حجر thejr: [ع] کعبه نینگ دفاری، ابراهیم (ع) سالان کعبه سی نینگ بیر بؤلومی، آیدیلشینه گؤرا اسماعیلینگ اجه سی هاجرینگ مزاری شول یرده بؤلمالی.

حجره thojre: [ع] اتاق، اوی، مکتبه و کاروانسرای لاردا بولان اتاق، حجر و حجرات جمعی.

حجله thejle: [ع] اۋروک اۋی، گیردک.

حجم thajm: [ع] بیر زادینگ اینی، بوی، چونگکورلینی، پوکگی لیگی و یوغین لیفی، گووره.

حد thad(d): [ع] ۱. یکی زادینگ آزالینی، ۲. سامان، ۳. یتی و کسگیرلیک، ۴. شرع اسلام دا بیر نیچه یازیقلى لره بللی ادیلن تنبی جزا.

حد had(d): مص. [ع] بیر زادی بیر زاتدان سایلماق، بیر زادینگ قیراسینی اشکار اتمک، یره سامان مرز بللی اتمک، بللامک، آراچاک.

حدائج had'a'ej: [ع] کؤجه به لر، جمع حداجه.

حذاق had'a'eq: [ع] باغلار، آغاچلار، جمع حدیقه.

حداد haddād: مص. [ع] ۱. دمیرچی، دمیر ساتیجی، ۲. ساقلاو، ۳. توسساق لاری ساقلايان.

حداد hedād: مص. [ع] بیرى نینگ مصیبتینا قارا گیمک، قارا اشیک گیمک.

حداد hedād: مص. [ع] ماتم اشیکى، یاس اشیکى بیرى نینگ اولومینده گیمک.

حدقه hadaqe: [ع] ۱. گوزونگ قاراسی، گوزونگ بابانه گی، فارس لر گوزونگ یرلشیان یری دییپ آدلانديريارلار، گوزونگ جایى اویى و کاسه سی.

حدود hudud: [ع] جمع حد، مرز لر، سامانلار، آراچاک لر.

حدیث hadis: ا.ص. [ع] تازه، یانگ، جدید، زادینگ تازه سی، خبر، گپ، احادیث و حدثان جمعی.

حدید hadid: ا. [ع] ۱. دمیر ۲. قاتی یتی و کسجی کسگیر معنیده.

حذاقت hezāqat: مص. [ع] ایشرده بیلیملی لیک و ایشده استادلیق،

استاد بۇلماق، چېرچىلىك،
فراستلىق، دانالىق.

حذر hazar: مىص. [ع] قاچماق، بىر
زاتدان داش دورماق و وهم اتمك،
خوف اتمك، پرهيز اتمك،
چكىنمك.

حذف hazf: م. مىص. ۱. كسمك،
آيىرماق، داشالتماق، تاشلاماق، يوق
اتمك، ۲. علم بديع چشمه سىندىن
بىر حرفى تاشلاماق و يا آيىرماق،
مثال اوچىن (ل) حرفى نظمده،
شعرده شوندا بۇلمالى دال، يعنى
نقطه سىز حرف بولمالى دال
دئىلمەگى.

حذق hazq: مىص. [ع] بىر زادى
اونكاتجه اوورنمك، بىر ايشى
قاوى بىلمك، چېرچىلىك، دانالىق،
فراستلىق.

حر thr(r): [ع] اسسىلىق، هاوير،
حرور و احارر جمعى.

حر thr(r): [ع] يوقا ير، عيال لرىنگ
يوقا يرى، عورت.

حر hor(r): آزاد، اركىن، قۇل و يسير
دال، حرار و احرار جمع.

حراب herab: [ع] ياراقلار، جمع
حربه.

حراب herab: مىص. [ع] اوريشماق،
سوواسماق.

حراج tharāj: [ع] مزايده صورتدا
ساتماق، كوپىنگ آراسىندا ساتلىق
زادى يۇقارى آلانا برمك، هر كىم
يۇقار آلسا شونگا برمك.

حرارت harārat: مىص. [ع] قىزغىن
بۇلماق، قىزغىنلىق، قىزغىن،
ايسسىلىق، چۇغ.

حراست harāsāt: مىص. [ع]
قاراويللىق، ساقچىلىق، ساقلىق،
ساقلاولىق.

حراص herās: [ع] حريصلار، آچ
گوزلر گوزى دۇيمايانلار، جمع
حريص.

حراق harrāq: مىص. [ع] قاتى
ياقىجى، يانديرىجى.

حراقه tharrāqe: [ع] اۇرۇش
گامىسىنىنگ بىر گۇرنوشى،
حراقه جمع.

حرام harām: ا. مىص. [ع] رواسىز،
اىدىلمەلى دال، گناه بولان ايش، منع

ادىلن، حلالىنگ ترسى. شهرالحرام:
كعبه، محرم آيى مسجدالحرام:

كعبه اويىنىنگ يرلەشن مسجدى.
حرب tharb: [ع] اۇرۇش، سۇۇش

حرفه herfe: ۱. [ع] پیشه، صناغت،

کار، ایش، حرف جمع.

حرکات harakāt: [ع] حرکتلر،

قوزغلانگلار، قییمیلدی لار، جمع

حرکت.

حرکت harakat: ۱. [ع] قییمیلدی،

حرکت، قوزغلانگ.

حرکت دادن harakat dādan:

حرکتده سالماق، اوغراتماق،

قییمیلداتماق.

حرم horam: [ع] حرمتلار،

سیلاغلار، جمع حرمت.

حرم haram: [ع] داش تئوریک،

دیملی دوش، جمع حریم.

حرم horm: مص. [ع] حرام بۇلماق،

رواسیزلیق، حج اتماگه احرام

باغلاماق.

حرمان hermān: مص. [ع]

ساقلاماق، منع اتمک، پیداسیز

اتمک، ایرسفال سیز اتمک، نپ سیز

قالماق، امیدسیزلیق.

حرمت thormat: [ع] آبرای، سیلاغ،

حرمت، حفظ اتمهگی واجب بولان

زات.

حرمسرا haram-sarā: ص. مر. [ع]

حرمسرای، بییکلرینگ ایچگی

میدانی، اۇرۇش، حروب جمعی.

حرب tharab: [ع] هلاکلیک، ویل،

بدبختلیق، احرب، احربا جمعی،

قینانچ یوزوندن آیدیلیان سۆز.

حربه tharbe: [ع] اۇرۇش اسبابی،

یاراغ، اۇرۇش یاراغی، حراب جمعی.

حرس hars: ۱. [ع] روزگار، دنیا، زمانا،

دؤیر، احراس جمعی.

حرس haras: [ع] قراویل لار،

ساقلاوچیلار، جمع حارس.

حرس hars: مص. [ع] ساقلاماق،

ساقلیق اتمک، بک توتماق.

حرص hers: مص. [ع] حریملیک،

آچ گوزلیک، گوز دویمازللیق،

قناعتسیزلیق، نبسهورلیک.

حرص زدن hers zadan: مص.

سورنوقماق، آچ گۆزی دؤیمایان،

قناعتسیزلیق، اورونماق.

حرف harf: ۱. [ع] ۱. هجاء

حرفلاری نینگ هر بییری

الیببسی نینگ حرفلاری، حروف

جمعی ۲. سۆز، گپ.

حرف heraf: [ع] ایشلر، پیشه لر،

کارلر، جمع حرفه.

حرف زدن harf zadan: مص.

کپله مک، سۆزله مک، دیللمک.

یوریتہ مخصوص بولان جایی،
عیالارینگ جایی و سرائی.

حروریت tharurriyat. [ع]

جوانمردلیق، آزادلیق.

حروف huruf: [ع] جمع حرفلار.

حریت thorr-iyat. [ع] مص.

آزادلیق، ارکینلیک، جوماردلیق.

حریر tharir. [ع] یوپک پارچا،

ابریشم، زریاف، نفیس.

حریص haris. ص. [ع]

طماکینلیک، آچ گوزلیک،

نېسه ورلیک، آچ گوزلیک، آچ گوز.

حریف harif. ص. [ع] ایشدش،

باسدش بیلہ کاردش، بیلہ

اوتوریشیان، بیلہ اوریشیان،

اوپوندا، اوروشدا، قامپہ قارشی

شخص، حرفاء جمعی.

حریق thariq. [ع] اود آلمان،

یسالینلی اود، اوددا یانپان، اوددا

یانان.

حریم tharim. [ع] حرام بولان

اویسونگ تۇورگی، قولداماق و

قوراماقلیق، واجب بولان مکان،

احرم و احاریم جمع.

حزب thezb. [ع] ۱. توپار، دسته،

بللی بیر مرام و ایدنولوژی ده بولان

سیاسی توپار، ۲. نصیب معنیده ۳.

قرآنینگ بولگی، قرآن بوتین اوتوز

جزء قرآنینگ پاره سنینگ

دورت دن بیرى .

حزر hazr: مص. [ع] اولچہ مک، بیر

اونیمی مقدارینی چن چاق اورماق،

تخمین اورماق.

حزن thozn. [ع] قاینی، غصہ،

یورک دارلیق، غم، توقاتلیق احزان

جمعی.

حس thes(s). [ع] دوش—ونجه،

دوینی، ایشی اله آلمان، یوواشجا

سس قولاغایتمه و قیمیلدی.

حساب hesāb: مص. [ع] ساناماق،

چن، اندازه. یوم الحساب : حساب

گونى، قیامت گونی.

حسابگر hesābgar. ص. فا. همه

زادینگ حسابینی ساقلاپ، پیدا و

نقصانی اولچہ یان آدم.

حسابی hesābi. ص. ۱. حسابا اوکده

چپر، حساب ساقلاپان حسابگر ۲.

عیب سیز و کم سیز دوغروچیل آدم.

حسادت hesādat: مص. [ع]

گوریپ چیلیک اتمک، بیرینه زوال

بخیل چیلیق اتمک، بیرى نینگ

بارزادینا گوز دیکمک، گوزپ

چیلیک اتمک.

حساس hassās: [ع] دوشونجه‌لی،

دویغور، دویاجانگ، تیز بیر زادی

دوییان و دوشونیان آدم.

حسب hasab: [ع] سانالان، چاق،

چن، اؤلؤلوق، شرف، اصل، احساب

جمعی.

حسب hasb: مص. ۱. ساناماق،

سان ۲. بولیيار اتمک، بس بؤلماق.

حسد hasad: [ع] گوریپ‌لیک و

باخیل‌لیق، جمع حسود.

حسد hasad: مص. [ع] بیرینینک

مقامینه و مالینه گوریپ چیلیک

اتمک، بیرینینک نابودلیغینی

ایسته‌مک، گوریپ‌چیلیک ادیب

بیرینینک پیسرلیغینی اربد یاغدا یا

دوشمه‌گینی ایسته‌مک.

حسر hasar: مص. اوکینمک،

اوکونچلی بؤلماق.

حسر hasr: مص. [ع] اندامینگی

یالانگاچلاماق، یالانگاچ اتمک.

حسرت hasrat: مص. [ع]

اوکینچ‌لیک، اوکینمک،

قینانچ‌لیق، توفات‌لیق.

حسن hasan: مص. [ع] قواوی،

یاغشی، اونگات، حسان جمعی.

حسن hosn: مص. [ع] گورک‌لنمک،

قواوی بؤلماق، آوادانلانماق،

قواوی‌لیق، یاغشی‌لیق، گورک‌لیک،

آوادان‌لیق، محاسن جمعی.

حسنات hasanāt: [ع] یاغشی

ایشلر، قواوی‌لیقلار، حالانان‌ایشلر،

جمع حسنه.

حسود hasud: مص. [ع] بخیل،

گوریپ بیلمه‌یان، بیله‌کی

آدم‌لارینک بایللیغینی سعادتی

یاشایان‌لیغینی گزوپ بیلمه‌یان،

اؤلارینک اربد بؤلماغینی ایسته‌یان،

حسیب hasip: مص. [ع] ۱. حساب

ادیجی ۲. اؤلؤلوق، عزتلی اکرام‌لی

معنیده، حسب جمع.

حسین hosyen: مص. [ع] ۱. کچی

حسن ۲. قواوی‌لیق و شیعه‌لرینک

اوجونجی امام‌نینک آدی، امام

حسین.

حشر thašr: [ع] ۱. قول‌توتما،

چریک، کوپ بؤلک، فوج سربان ۲.

فارسجه آلساق شهوتینه تابع بولان

آدم.

حشر hašar: [ع] آدم‌لاری ییغناماق،

قوزغالانگا سالماق، حرکته

دوشورمک، دیرلتمک. يوم الحشر:

قیامت گونی، محشر گونی.

حشرات hašarāt: ۱. [ع] مور

مؤجک، آوینجاق موجک‌لر،

چیبین، سینگک یالی، جمع حشره.

حشره کش hašare-koš: ص. فا.

سینگک و چیبین و بوره یالی زادی

اولدوریان آوی‌لار.

حشم thašam: [ع] یان یاقین‌لر،

قارینداشلار و قوللوقچی‌لر و ارکک

قول‌لار.

حشمت thešmat: [ع] حیا، اوتانچ،

غضب، اولؤلوق.

حشو thašw: [ع] ۱. پست ارید

آدام‌لار، ۲. کورفنچانینگ

دوشاکچانینگ ایچنی دولدورلیان

زات، یونگ و پامیق یالی.

حشیش thašiš: [ع] قوری اوت و

شاهدانه اوت، اوندان ناشالہ نیلیار،

بنگ یعنی ناشا اوچین پیدالانیلیار،

حشیش و حشائش جمعی.

حصاد hassād: ص. [ع] اوراق

اورجی، حاصد جمع.

حصاد hasād: ص. [ع] اوراق بیلہ

اکین اورماق، ۲. اوراق وقتی معنیده.

حصار thesār: [ع] تفرار، دیوار،

دوشماندان آمان قالماق و قورانماق

اوچین قالانینگ داشینا چکیلیان

تیفار، چپری.

حصان hasān: ص. [ع] آبرایلی پاک

عیال، ارلی عیال، نامیس جانگ

عیال، حُصْن و حصانات جمعی.

حصان hesān: ص. [ع] یاغشی آط،

اونگات بدو دایاو آط احصنه

جمعی.

حصبه hasbe: ۱. [ع] قاتی

یوقاشیق‌لی کسل، ترکمن دیلینده

قارا خسته‌لیق.

حصر hasr: ص. [ع] تیفار اتمک،

بیر زادینگ تۋورگینی باغلاماق،

چوقور آیلاماق، آیان اتمک.

حصر hasar: ص. [ع] سۋزده،

صحبتده عاجز بۋلماق، یورک

قیسماق، یورک قیسیجی‌لیق اتمه.

حصول hosul: ص. [ع] حاصل

بۋلماق، اونمک، اله گلکم، آرتیق

قالان زات.

حصیر thasir: ۱. [ع] بوریا، کولیش،

قارقی‌دان خرمانینگ یاپراغیندن

ادیلیان دوشک ۲. داریر، توسساق

و توسساق ادیلن.

حضر hazzār: [ع] تاییارلار،

حاضرلار، ییغنانانلار، جمع حاضر.

حضانت hezānat: مص. [ع]

قولناماق، اۆز الینگده، اكله‌مک،

حمایت اتمک، انه‌که‌لیک اتمک.

حضر hazer: ص. [ع] آدم‌لارینگ

ایمیت اییان وقتنی بیلپ خبردار

بۆلۆپ سفره‌سینده حاضر بولیان،

موغت‌خور، یالچی آدم.

حضر hazar: [ع] ۱. یاقین، بوساغا،

درگاه، ایشیک، حاضر بولینیان یر،

مانگلای دیرلیان یر، ۲. شهر و او.

حضرت thazrat: [ع] ۱. یاقین‌لیق،

قولای‌لیق ۲. حرمت اوچین، اولی

آدم‌لارینگ آدی‌نینگ اونگیندن

آیدیلیپ یازیلیان سۆز.

حُضن thezn: [ع] قۇلتۇقدان بیقینا،

یان باشا، قورساق، قۇجاق، احضان

حُضون جمعی.

حضور hozur: مص. [ع] ۱. حاضر

بۆلماق، یوز به یوز بۆلماق،

بیری‌نینگ یانیندا بۆلماق، حرمت

سۆزۆنسن، اولی آدم‌لارینگ

آدی‌نینگ اونگیندن احترام اوچین

آیدیلیان سۆز، ۲. فارسجا: گنگ و

شادلیق دیپ آیدیلیپ‌دیر.

حضورى hozuri: یوزبه یوز بۆلماق.

حط hat(t): مص. [ع] پسه اینمک،

آشاق ایندرمک، زادینگ بهاسی

اته‌که اینمک.

حطاب hattāb: مص. [ع] اودون

ساتان، اودون بیغنیان آدم.

حطام thotām: [ع] ۱. أونیق دونیک

زات، بیرتیق ایریک أونیق زات ۲.

آزدا- کاندانیا مالی.

حطام thattām: [ع] ییرتیجی

یولبارس، اول هر بیر جانوری

گورسه پنجه‌سینه آلیپ آورادیار،

کول ادیار.

حطب hatab: [ع] اودون، ماشا،

احطاب جمعی.

حظ thaz(z): [ع] پیدا، قیسمات،

نصیب، حوزیر، پای، باخت،

خوشلیق، ساغلیق، خوشبختلیق.

حفار thaffār: ص. [ع] ۱. یر قازما و

یری بارلاق ادیان آدم ۲. قبر قازان

معنیده.

حفاظ hefāz: مص. [ع]

ساقلاماقلیق، ایدگیلیک، بیر زاتان

قوراپ بیلان زات.

حفاظ hoffāz: [ع] ساقلاجی‌لار،

ایدگی‌لر، جمع حافظ.

حفر hafr: مص. [ع] یر قازماق، قوی

قازماق، چوقیر اتمک، یر اویماق.

حفره thofre: [ع] ۱. اوی، قورپ، قول، چوقیر، دشیك ۲. قبر معنیده. حفظ hefz: مص. [ع] قراویللیق اتمک، ساقلاماقلیق، بیر زادینگ آزادان گیتماسیزلیگینگ اووینه گچمک، قوشغی نی یا بیر مطلبی یادینگدا ساقلاماق، یاددان بیلمک، اونتماسیزلیق، یادکشلیک.

حفیظ hafiz: ص. [ع] ۱. قراویل، ساقلاجی، ساقچی ۲. خدای تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.

حق haq(q): [ع] ۱. دوغرى، باطلینگ ترسی، گونی، آنیق، آچیق، عدل، نصیب، بیر زاتدان آلینان پیدا، مال و ملک خدا تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.

حق haq: مص. [ع] بیر زادی ثابت و واجب اتمک، بیر زادینگ دوغرى و حق دیگینه گوز یتیرمک.

حقا haqqā: ق. [ع] دوغرىدان، چيندان.

حقائق haqā'eq: [ع] دۇغروۇلىقلار، حقیقتلار، جمع حقیقت.

حقارت heqārat: مص. [ع] کیچلمک، کیچی لیک، پستلیک، عجیزلیک، کمسیگمک.

حق الزحمه haqq-o-zzahme: ۱. [ع] ایشر حقى، ال عذابى، گونده لیک حق.

حق العمل thaq-ol-'mal: مر. [ع] ال عذابى، ایشلان حقى، ایشلان مزدی، مال ماتانی ساتیپ مال ایه سیندن آلینان پول، حق.

حق پرست haq-parast: ص. فا. [فاع] دوغریلیغى سوییان و قاوی گوریان، حق سوییان خدایى سوییان.

حق جو haq-ju: ص. فا. [فاع] دوغریلیغى ایزینده گزیان، حقى سؤیجی، حقیقتی سؤییان.

حق شناس haq-šenās: ص. فا. [فاع] تانیجی، حقیقتا و دوغریلغا بیل باغلیان، خدایى تانییان.

حق گو haq-gu: ص. فا. [فاع] دوغرىنى آیدىجى، حقى آیدیان، دوغروۇچیل.

حقوق hoquq: [ع] حقلار، آیلیقلار، حقوق، ال عذابلار، جمع حق.

حقه thoqqē: [ع] حيله، آلداولیق، یالان، مکرلیک، هیترلیق.

حقه باز hoqqē-bāz: شارلاتان، مکر، هیتیر.

حقیر haqir: ص. [ع] کیچی، پس،

دلیل، عجیزه، پس، حقیر.

حقیقت thaqiqat: [ع] هر بیر

زادینگ اصلی بولیشی اؤزی، حق،

دوغرۇلیق، حقائق جمع.

حکام hokkām: [ع] حاکیملر،

بویروق بریانلر، حکم سوریانلار،

جمع حاکم.

حکایت hekāyat: مص. [ع]

بیریندن خبر یا سؤز نقل اتمک،

حکات، بای، ارتهکی، باشند گچن.

حکک hakak: ا. [ع] مرمر یالی آق

داش.

حکک thakak: [ع] یـــــــول

یوریماینگ بیر گؤرنوشی، بوی

قیسنا عیالینگ گرشینى بولاب

یوریماکلیگی.

حکم thokm: [ع] قضا، بویروق،

امر، احکام جمع.

حکم hakam: ص. [ع] ایکى

دعوالى-نینگ آراسینی

باریشدیرماغا یاش اولۇلیق و

کدخدالیق ادیان و ناچا آدمدان

عبارت بۇلان.

حکم hekam: [ع] حکمتلر، جمع

حکمت.

حکماء 'hokamā: [ع] دانالار،

حکیملر، جمع حکیم.

حکمت thekmāt: [ع] عدل، بیلیم،

علم، دوروملىلىق، حاق سؤز،

عقللى، پاراساتلى، حکمت، حکم

جمع.

حکمران hokmrān: ص. فا. [فاع]

حاکم، فرمان بریجی، بویروق

بریجی.

حکم روا hokm-rawā: ص. مر.

[فاع] فرمان بریپ بویروغی یرینه

یتیان، حکم روان.

حکومت hokumat: مص. [ع]

حکم برمک، فرمان برمک، بیر

شهره یا یورده حکم سورمک،

خلقینگ سیاسى و اقتصادى و

مدنى جمعیت چیلیک قالیبرسده

اجـــــــتماعى ایشـــــــلرینی

دولاندیرماقلىق، حکومت.

حکیم hakim: ص. [ع] دانا،

بیلیمدار، عالیم، حکمت ایهسى،

دانالیق و بیلیملىلىک بیلن ایش

ادیان آدام، حکیم، لقمان.

حل hel(1): [ع] روا بۇلماق، حلال

بۇلماق.

حل hal(1): مص. [ع] چوزمک،

حلقوم tholqum. بوغان، بوقیرداق،
 سوودیر اییمیتینگ گیدیان اوغری.
حلقه halqe: [ع] ۱. تگه‌لک، تگه‌لک
 شکلینده بولان نارسه ۲. انجمن،
 ییغنانشیق ادیان بیر بۆلک آدم،
 دویریان اوتوریشیق ایدیان آدم‌لار،
 حلق و حلقات جمعی.
حلم tholm. [ع] اوقی گورمک،
 احوال گورمک، دویشرده گۆرونیان
 زات، احلام جمعی.
حلم helm: مصر. صبرلی‌لیق،
 جیداملی‌لیق، احلام و حلوم جمع.
حلوان tholwān. [ع] بوشلیق‌لیق،
 بخشش، بیرینه قوللوق اتمکی
 سبابلی بریلیان بایراق، آغلیق، مزد،
 پاداش.
حلواء thalwā' [ع] سویجی
 نارسه، اون، یاغ، شکر و زعفران یالی
 زاتلار بیلله تاییارلانیلیان ایमित،
 حلوا، حلاوی جمع.
حلول holul: مصر. [ع] ۱. بیر یره
 اینمک، بیر یردن چیقماق، بیر یره
 گیرمک، ۲. بیرینینگ روحی باشغا
 بیر آدمینگ بدنینه گیرمگی.
حله thelle. [ع] اوبا، کنت، مجلس،
 ییغنانشیق یر، کوپچیلیکینگ
 ییغنانیان یری، محله جمعی.

آچماق، دوگون آچماق، اریتمک،
 چۆزگیت، بیر زادی سووا چالیپ
 قارماق.
حلاج thallāj. ص. [ع] دستگاه بیلله
 پامینی چیکیدیندن سایلایان آدم،
 پامینی کمان بیلله سایان آدم.
حلاف hallāf: ص. [ع] قَسَمی
 (آنتی) کوپ ایچی‌جی، آنتی کوپ
 ایچیان.
حلاق hallāq: ا. ص. سلمان،
 دلک.
حلاقت thalāqat. مصر. دلک،
 ساققال ساچ سیریان.
حلال hallāl: ص. [ع] چۆزجی،
 قاتی آچیجی، کوپ آچان، دوگونی
 آچیجی، کینه‌نی آچیجی، سووا و
 ش.م. زاتلارا چالیپ قارماق.
حلال halāl: ص. [ع] روا، مباح،
 ایلمه‌کی یا ایچیلمه‌کی یاده یرینه
 یتیریلمه‌کی روا بولان زات،
 (حرامینگ ترسی)، حلال.
حلاوت halāwat: مصر. [ع]
 سویجی بۆلماق، شیرین بولان،
 سویجی‌لیک.
حلق halq: [ع] بوقیرداق، قیزیل
 اوزاک، ایमित گیدیان اوغیر.

حله tholle. [ع] ۱. تازه اگین اشیک،

اوزین گیم ۲. یارق معنیده، حلال و

حلل جمعی.

حلیله، حليلة (t) halilah: [ع] ارکک

آدامینگ نکاحلی عیالی، شرعی

عیالی، حلائل جمعی.

حلیم halim: ص. [ع] صبرلی،

قناعتلی، جیداملی، دوریملی، آرام،

جیداملی، حلماء و احلام جمعی.

حلیمه halime: ص. [ع]

جیداملی لیفا باغلی بۆلن، حلیم،

صبرلی، عیال، قناعتلی عیال.

حماسه hamase: ۱. [ع] باتیرلیق،

غیراتلیق، قوْجورلیق،

پهلوانلارینگ اؤز قومینه

باتیرغایلیغی و ایرمن لیگی اوچین

کتیرن قوْوانجینی شعر دوزگونه

کتیرلن داستان، شاهنامه فردوسی

یالی.

حماقت hamāqat: ص. [ع] عقل.

سیزلیق، آتماق لیق، تنتکلیک،

ساده لیق، نادانلیق.

حمال hammāl: ص. [ع] یوک

اکیدیان، آرقاسی بیله یوک داشایان

آدام. جمال.

حمال hemāl: [ع] یوکلر، جمع

حمل.

حماله themāle. [ع] قیلیجینگ

بوغونی، باغی، تسمه سی.

حمام thāmām. [ع] کپدر، قمری،

حمامات جمعی.

حمام hemām: ۱. [ع] مرگ، اولوم،

قضا و قدر.

حمام hammām: ۱. [ع] سووا

دوشیلیان جای، حمام، بانه،

حمامات جمعی.

حمایت hemāyat: ص. [ع]

بیرینی قولداماق، بیرینه آرقا

چیقماق، ساقلاماق، جازای،

یاردام لیق اتمک، قوراماق

حمد hamd: اؤوگی، ماغتاییش،

شکر، راضی لیق.

حمل hamal: ۱. [ع] قوزی، اوالقی

بورجینگ آدی، منطقه البروج، اون

ایکینجی فلکی بورجینگ

ایلکینجی آیی، فروردین آیینینگ

بورجی بیلن برابر.

حمل heml: [ع] ۱. یوک، ۲.

آغاجینگ میوه سی، ۳. انه نینگ

ایچینداکی چاغا، حمل و احوال و

حمل جمعی.

حماله thamle. [ع] بیر گزی

گوتریلمه، چوزیش، دوفولیش،

هجوم، اوقداريلماق.

حملة hamale: [ع] يوكلى لر، جمع حامل.

حمود hamud: ص. [ع] حاللانا، سويولن.

حمول hamul: ص. [ع] صبرلى، حلیم، جيداملى، دوروملى.

حمول homul: [ع] يوكلر، جمع حمل.

حميد hamid: ص. [ع] حاللانا، سويولن، قبول اديلن.

حميده hamide: ص. [ع] مؤنث حميد، حاللانا، بگه نيلن، سوييلن.

حمير hamir: [ع] اشهكلر، جمع حمار.

حمير themyar: [ع] قسحطانيه عرب لرینگ طایفاسينینگ آدى اولار يىمنده بنابعه وسبا آدلى دولت لر قوراپ آلتينجى قرنده داغاپديرلار.

حنان hanān: [ع] باغيشلايش، يورک يومشماق، رحمت، برکت، اريسفال.

حنان hannān: ص. [ع] ۱. قاتى مهربان، قاتى مهرلى ۲. خدای تعالى نینگ آدلارى نینگ بيرى.

حناء 'thennā: [ع] حينه.

حنبل thanbal: [ع] لوبيا، نوويا.

حنبل hanbal: ص. [ع] قارينلاق سمیز کوله آدم.

حنبلې hanbali: ص. [ع] ن. دورت مذهبينگ بيرى، ابو عبدالله احمد ابن محمد ابن حنبله باغلى بولانلار.

حنجره thanjare: [ع] بوقيرداق، بوغاز، سسينگ چيقان یرى، حناجر جمعى.

حنفى thanafi: [ع] دورت مذهبينگ بيرى، ابوحنيفه نعمان ابن ثابتا باغلى، اهل سنتينگ دورت مذهبينگ بيرينجيسى اول ۱۵۰ نجى هجرى دا وفات بوليار.

حواء 'thawwā: ص. [ع] ۱. مؤنث احوى، قارا ياقين ياشيل قيزيل، بۇغدايى ارنگ عيال، ۲. آدامينگ جفتى ويان يولداشى، هاييل و قابيلينگ اجهسى، اول ايلکينجى عيال و آداملارينگ انهسى ديبپ تانيليار.

حواج hawā'ej: [ع] جمع حاجت، حاجتلار، گرکلى ليکلر، ضرور زاتلار.

حوادث hawādes: [ع] جمع حادثه،
دویدانسیز تاپیلانلار، بیردن دوشن
واققلار، حادثه‌لار.

حواس hawās: [ع] دویغی،
دوشونجه، دوییشرلیق گویجی،
جمع حاسه.

حواله thawāle: [ع] بیرینه
تابشیرماق بیرینه پول یا بیر
زادی بیریندن آلماق تابشیرماق،
خط، حواله.

حوالی thawāli: [ع] تۋۋرگ، دیملی
دوش، داش توراک، داش.

حوت thut: [ع] ۱. بالیق، اولی بالیق
۲. فلکی بورجینگ اون ایکینجی
آیینینگ آدی.

حور hur: مص. [ع] حویر، آوادان،
قارا گوز، نازنین، قاتی گوزل، اۋرآن
گورنوکلی عیال.

حوراء hurā': [ع] اوچماداکسی
عیاللار، قاراسی آقی کامل بیر
کمسیز بولان گوز قاشی قاتی
آوادان گورنیکلی قارا گوز عیال،
اوچمانگ آوادان عیالی.

حوزه hawze: [ع] ۱. اولکه، اولوس،
یوردونگ ایچی، اولکانینگ بیر
بوله‌گی ۲. طبیعت ماغنادا.

حوش thawš: [ع] داش تۋۋرگ،
دیملی دوش، اویونگ تۋۋرگی، و
دورت دیفاری.

حوصله thawsele: [ع] ۱.
تاوینینگ اییم‌لیگی ۲. صبرلی‌لیق
و جیداملی‌لیق.

حوض thawz: [ع] یوریته‌لاری یالی
ادیپ بحرلیان اوستی آچیق سۋو
ساقلانیان جای، حوض، کیچی راک
سۋو هاودانی، احواض و حیاض
جمعی.

حول thawl: [ع] حو. قوت، گویج،
قۇجۇر، حرکت، گیدیش، ۲. ییل
تۋۋرگ ماغنادا، احوال جمعی.

حول hawal: مص. [ع] گوزونگ
قاراسی بورونه یاقین بۇلما، قیشیق
و قیتاق گویج، قیتاق گوز.

حومه hawme: ۱. [ع] گینگ یایراب
یاتان مهم یر، فارسی‌ده شهرینگ
توهرگی و اطرافی معنیده.

حی hay(y): ۱. [ع] ص. ۱. دیری ۲.
اوبه آراسی، ۳. قوم و طایفا، احیاء
جمعی.

حیا hayā: [ع] اوتانچ، هم کایینج‌دن
قورقیپ هر بیر ایشی یرینه
یتیرمکدن ساقلانماق، حیا، اویات.

حيات hayyāt: [ع] يیلانلار، جمع حیه.

حيات بخش hayā-baxš: ص. فا. یاشایش بریجی، یاشایش باغیشلايچی، دیری لیک بریجی.

حیاط hayāt: [ع] دیوار، باغ، باغچه، هوولی، و فارسی دیلینده اوستی آچیق اوینگ دیواری بوش یری، حولی.

حيات، حیاة hayāt: [ع] یاشایش، دیری لیک، اولماگینگ ترسینه.

حيث thays: [ع] ۱. جای، مکان، اهلی یر، اوغور ۲. یان، طرف، اول جهت، اول سببدن، اول طرفدان.

حيثیت haysiyat: مص. [ع] اینام، اعتبار، آبرای، یوزونگ سووی.

حیدر thaydar: [ع] قیسنا بویلی، بوی قیسنا، یولبارس، شیر.

حیران hayrān: ص. [ع] چاشغین، آواره، سرگردان، آجیرانگ، آلدالی.

حیرت hayrat: مص. [ع] ۱. آوارالیق، گنگ قالماقلیق، سرگردان بؤلماق، آجیرانگ بؤلماقلیق،

چاشغینلیق. ۲. عرفان اهلی نینگ چشمه سیندن گیدیلمانی اوغیر

عارف اوزونی آجیرانگ چاشغین

دویبار. شیله ده توتولدا عارف اوزونی آجیرانگ تاپیار.

حیز hayyez: [ع] قیراق، جای، مکان، محل، اوغیر.

حيض hayz: مص. [ع] عیال لارینگ عادت بؤلماغی، قاعده بؤلماغی، آی باشی، نماز سیزلیق. اول اون اوچ یاشدان تا قرق باش یاشا چنلی عیال لاردا بؤلۆپ دوام تاپیار.

حيطة hite: مص. [ع] ۱. قراویللیق چکمک، ساقلاماق، اۆز ارکینگه گچیرمک، اۆز پناهینگدا ساقلاماق ۲. پناهینگدا ساقلاماق ۳. داشی قاباغلی گینگ یر.

حیف hayf: مص. [ع] ۱. ظلم اتمک، ستم اتمک، خورلیق، جبر، ۲.

فارسچا: وا دریغ و الهییس معنادا آیدیلیار.

حیله، حیلت hile-hilāt: ۱. [ع] ۱. اۆنگات نظر ۲. بیر بیرا اوغیردا اله

گتیرماگه و گویچ قوات ادیب اویلانما و چاره ادیلمه هر هیل

گۆزولیان گویچ، قوات و چاره، ۳. فارسچا: آلداولیق، حیله، ساپالاق،

آل، بهانا، مکرلیک، هیل جمعی. حين thin: [ع] وقت، مدت، دوور،

دنیا، پله، احیان جمعی

حین hayn: [ع] هلاک، مرگ، اولوم،

بلا، درد، محنت.

حیوان heywān: [ع] ایچی جانلی،

جانور، جاندار، جانلی، حیوان،

حیوانات جمعی.

حیوان ناطق heywān-e-nāteq:

آدام، انسان، کبله یان حیوان.

حیوانی heyāni: ص. ن. [ع] فا.

حیوانا باغلی لیق، جانداره منگزش.

حیی hayy: ص. [ع] حیالی،

اوتانچلی، اویاتلی، شرملی.

خ

خ xā/ xe فارس اليپبى نىنگ
دۇقۇزىنچى حرفى، ابجد
حاسابىندىن (۶۰۰).

خائىن xā'en ص. فا [ع] (= خيانتكار،
دغل) خيانت اديجى، خيانتكار،
عهدى يالان، دۇنوك اخايىن.
خاتم xātam ۱. يوزى ناغيىشلانان،
بىزەلەن قۇطى، قاپىرجاق يالى
نارسە.

خاتم xātem ۱. [فاع] قوتارىجى،
تمام اديجى، سۇنگ لايىجى.

خاتم xātem [ع] ۱. سۇنگ، ھەر
زادىنگ آخرى ۲. يوزوك و
يوزوگىنگ قاشى مەنىدە

خاتم الانبياء: (= خاتم النبىين) خاتم
انبىاء، پىغمبر اسلام، سونگى
پىغمبر.

خاتم كار xātam-kār ۱. موص. (=)
خاتم بىند، خاتم ساز ايشى خاتم
بجرمكلىك بىلەن بۇلان، خاتم
ھىنرى بىلەن مشغوللانان،
قىزىقلانغان.

خاتمە xātame ۱. [ع] (= پايان)
خاتمىنگ مۇئىتى، سۇنگ، ھەر
زادىنگ سونگى، خواتىم و خاتمات
جمعى.

خاتون xātun ۱. ص. خاتىن، زنانه،
ھلى، عيال، خواتىن جمعى.

خادم xādem ۱. ص. [ع] نؤكر،
قۇللۇق اديجى، قۇللۇقچى،
خدمتكار.

خاده xāde ۱. گۆنى و اۆزىن آغاچ.
خار xār ۱. تيكن.

خارا xārā ۱. (= گرانيت) قاتى داش.
خارا xārā ۱. بىر هيل قاتى
يىغرىقلى يوپك پارچا.

خاراندىن xārandan (= خارانىدىن)
م. مص. قاشىنماق.

خارپشت xār-pošt ۱. مر. قۇيۇن
كىرىپى، اوقلى كىرىپى.

خارج xārej ۱. [فاع] ۱. داشار
گىدىجى ۲. داشقى گۆرنوش، داش
گۆرنوشلى، ايچرى دال.

خارجه xāreje ۱. [ع] خارجىنگ
مۇننى، يۇرتدان داشارى، داشارى،
خوارج و خارجات جمعى.

خارجى xāreji ۱. ص. ن. [ع] ۱. داشار
يۇرتلى، داشارا باغلى، غىرى ۲.
خوارج مذهبىنه اينامى و اعتقادى
بۇلان.

خارخسك xār-xasak ۱. ص. مر.
دمير تيكن.

خاردار txār-dār ۱. ص. ۱. تيكنلى،
تيكنى بۇلان اوسومليك ۲. تيكنى

بۇلان حيوانلار.

خاردار xār-dār ۱. ص. مر. پامىنىنگ
بىر تويىلى كرمى، قورچوغىنگ
بىر گۆرنوشى.

خارزار xār-zār ۱. ص. مر. تيكنلىك،
تيكەنىنگ كوپ ىرى، يانداقلى لىق.
خارستان xār-estān ۱. تيكەنىنگ
كوپ ىرى، تيكەنىنگ كوپ بيتىن
ىرى.

خارش txār-eš ۱. مص. گىجىنمك،
قاشىنماق.

خارشتەر xār-šotor ۱. ص. مر. حاشال
و تيكنلى اوت، گوكتيكن، يانداق.
خارشكر xār-šekar ۱. ص. مر. گوک
تيكن، يانداق.

خارق xāreq ۱. ص. فا [ع] صفت
فاعلى، يىرتىجى، يارىجى، يول
يوردانى و طبيعى دوزگونى بوزيان.
خارق العاده xāreq-ol-'āde ۱. (=)
خارق عادت) عادتدان داشارى،
معجزه، كرامت، اؤوره نيشيلمە دىك
ايش، حيران قالدیریجى، گنگ
قالدیریجى، گنگر گندیریجى.

خازن txāzen ۱. [فاع] خزىنه چى،
تغشىدىلى، خزىنانىنگ قراويلى،
ساقلايچىسى، خازىناچى، خزنه و

خزان جمعی.

خاستن xāstan مص.ل. یوقاری
 قالماق، قالیب دورماق، آیاق
 اوستونده دورماق، قالماق و تورماق.
 خاش txāš. آغاجینگ، کاغذینگ و
 اوتونگ اونیفی.

خاش txāš. ص. مجنون، عاشق،
 تلبه.

خاش txāš. عیالینگ اجه سی و
 ارینگ اجه سی دییپده آیدیلیار.
 خاشاک xāšāk. ۱. هاپا- هوپا، هاپور
 چوپور، سوپلوک.

خاص xās. ص. [ع] سایلاپ
 سچیلن، بللنن، آیراتین، تای سیز،
 یکه، خاص.

خاصره txāsere. [ع] یان باش،
 قاپدال، کمر. لگن خاصره:
 انسانینگ قارنی نینگ اته گینده
 بۇلان لگنه منگزش سونگک، یان
 باش سونگک، خواصر جمعی.

خاضع xāze. ص. فا. [ع] پالی آشاق،
 پس پال، کیچی گووین لی.

خاطب xāteb. فا. ص. [ع] خطبه
 اوقیچی خطبه اوقایان آدام.

خاطر txāter. [ع] یورکدن توریان،
 زات، اوی، فکر، یورک، خواطر

یادلاما. یاده

خاطره txātere. [ع] اوی، پیکیر،
 یادیار، خیال یادینگده قالان اثر.

خاطی txāti. ص. فا. [ع] گناکار، خطا
 ادیجی، خطاکار، عاصی، یازیقلی.

خاک txāk. قوم، توفراق، یورت.

خاک انداز txāk-andāz. مر. هاپا
 زاتلار بییغناماغا پیدالانیلیان نارسه،

چلو یالی نارسه.

خاکروبه xāk-rube. ص. مر. هاپا
 آشفال، اتبریندی، چور - چوب.

خاکسار xāk-sār. ص. مر. توفراغا
 منگزش، توفراق یالی و کنایه

سؤزوندن پالی آشاق، عجیز، دلیل
 آداما هم دیییلیار.

خاکستر txāk-estr. کول.

خاکستری xāk-estari. ص. ن. چال
 کوله باغلی بۇلان کوله منگزش،
 کول ارنگ، کولینگ رنگینده بۇلان،
 بۇز.

خاک شناس xāk-šenās. ص. فا.
 توپراق تانیجی، یرشناس، دورلی

قوم توفراقلاری تانییان، اکملی
 یرلری قاوی سایغاریان.

خاکی xāki. ص. ن. توفراغا باغلی
 بۇلان توفراقدان بۇلان یا توفراغا

خام xām: ص. چيک، بيشمادیک، ال
دگمه دیک، اوورنمه دیک،
يتمه دیک، طبعی حالتدان
اويتگه مان قالان زات، ایلنمه دیک
دری، اگریلمه دیک یوپک.

خامد xāmed: ص. [ع] آرام، سونوک،
قیمیلدی سیز، سسر سیز، اوینسیز.
خامس xāmes: ص. [ع] باشینجی،
خامس، آل عبا: حضرت حسین بن
علی، اوچینجی امام.

خامش xāmoš: ص. مخفف
خاموش، سونیک، سسر سیز.

خام شدن xām šodan: مص. ل.
غافل بولماق، آلدانماق، اوتونماق.

خام طبع xām-tab': ص. مر. طماسی
کوپ بولان بیدرک گوز تیکیان، خان
طما، گوز دویمه یان.

خامل xāmel: ص. فا [ع] آدسیز،
یتیب گیدن، نشان سیز، آدسول سیز.
خامل الذکر: آدی سولی توتیلیمیان،
آدی یتن.

خامن xāmen: ص. فا [ع] ییتیب
کیدن، یتگی، قدرسیز، گیزلین،
یا شیرین.

خاموش xāmuš: ص. کپله مانى
اوتوران، صم بؤلۆپ اوتوران آدام،

منگزش زات، یر یالی، و کنایه تاردا
آیدیلاندا پس پال، خوار، ذلیل پس
آداملار.

خال xāl: ا. منگ، آدامینگ اندامیندا
بولان منگ، اندامدا دورایان قارجا
نقطه یالی نارسه.

خال xāl: ا. [ع] اجنگ ارکک دوغانی،
دایی، احوال جمعی.

خالد xāled: ص. فا [ع] همیشه، ابد،
ایمیقلی، دواملی، ایزی گیدرلی.

خالد ار xāl-dār: ص. فا. منگلی.

خالص xāles: ص. فا [ع] ساده،
گرچک، پاک، آراسسا،

قوشانت سیز، الین صاف خالیص.
خالق xāleq: ص. فا [ع] یار ادیجی،

یارادان، دورادیجی، تانگری، خدای
تعالی نینگ بیر آدی.

خالکوبی txāl-kubi: مص. انداما
خال اوردیرماق، انداما منگ
اوردیرماق.

خالو xālu: ا. اجنگ دوغانی، دایی.
خاله xāle: [ع] دایزه، اجنگ عیال
دوغانی، خالات جمعی.

خالی xāli: ص. [ع] بوش، زادسیز.
آزاد گویدرلن، یکه، یالنگیز. دول
ارکک آدام.

چراغ یا اود یالی یانیان زاد یانمانی
سونمه‌گی، خاموش.

خاموش xāmuš: سونیک.

خامه txāme: ۱. پیله یوفکی،
چیلله، ۲. قایماق معنیده.

خان txān: [ع] دکان، میخانه، کرون
سرای، مسافرلارینگ دوشله‌یان
یری، خانات جمعی.

خان xān: ۱. اوی، سرای ۲.
لوله‌سی‌نینگ ایچینداکی تاوانیپ
کیدیان گولله یولی.

خان xān: [ت] ایل باشلیغی،
فارسی‌دا آدینگ اونگیندن
آرتدیریلیان خان، بگ دیین یالی.

خانندان xāndān: ص. مر. اوی،
ماشغالا، خوجالیق، طایفا، تیره،
نسل.

خانقاه xānqāh: ۱. مر. درویش‌لرینگ
اویشیان جایی، عبادتگاه‌سی، ذکر
جایی، خانقاه.

خانم xānom: ۱. ترکی چشمه‌دن
آلنان بانو، خاتین، حرمت اوچین
عیال‌لارینگ اونگیندن آیدیلیان
سوز.

خانمان xānemān: ص. مر. اوی
قوشی، ماشغالا، مال و ملک، اوی

ایچری، اوغۇل قیز، یاشایش
اسبابی.

خانمانسوز xānemān-suz: ص. فا.

اهل خانه و اوی یاشایش اسبابینی
یا قیجی، اوی و ایچری ماشغالانگ
آرادان گیتماگنه سبب بۇلان زات،
اوی یاقان، اویسی ییقان دییپده
آیدیلیان.

خانواده xānewāde: ۱. مر. ماشغالا،
عیال اوغلان اوشاق، آغتیق چاولیق،
خانواده سوزی، یاقین داش
قارینداشلارا هم حاصلانبار.

خانوار xānewār: ص. مر. اوی‌ده
یاشایانلار، آتانه اوغۇل و قیزلار.

خانه txāne: یاشالیان جای، اوی،
توزک، مکان، منزل، تام.

خانه‌بدوش xāne-be-duš: ص. مر.
اوی سـیز آدام، درویش، آواره،
ساللاخ، فقیر، بللی اوی ایللی
بۇلمادیق.

خانه‌برانداز xāne-bar-andāz: ص. فا.
خانمانی دارغادیان، اویسی
ییقان.

خانه تکانی txāne-tekāni: ص. مر.
اوی اسبابی چیقارماق، کچه حالی
هالچانی قاقماق، آراسسالاما،

اوی سویریپ قاقماق.

خانه خدا xāne-e-xodā: ا.مر.

خدایینک اوی، بیت الله، کعبه،
کعبه اوی.

خانه دار xāne-dār: ص. فا. اوی

ایشلرینی قاوی انجام بریان، اوی
قاوی ترتیب بریپ بیلان ارکک یا
عیال، اوی ایشه مشغول بولیان.

خانه زاد xāne-zād: اویده دوغلان.

خانه نشین xāne-nešin: ص. فا.

اویده ایشه گیتیمان بیکار یاتیپ
گونینی گچریان آدام، همیشه اویده
اوتوران آدام، اویده اوتوریجی.

خاور xāwar: گون دوغار، دوغی،

قدیملاری خاوره، گون باتار دییپده
آیدیلیان میش.

خاور xāwar: ا. تیکنلی اوت، تیکن.

خاور xāwar: قارینچفا، مور.

خاور دور xāwar-e-dur: ا.مر: گون

دوغار، آسیانینگ بیر بولگی، اول
چین، ژاپن، کره، اندونزی و
فیلیپینی اوز ایچینه آلیار، شرق دور
شرق اقصی هم دیییلیار.

خاورشناس xāwar-šenās: ص.

گون دوغار علمینا تاریخینا، گون
دوغار ملت لرینگ دۇرمۇش

یاغدا یینا، ملت لرینینگ دۇرمۇش

یاغدا یینا یتیک و تانیش آدام.

خاور میانه xāwar-meāne: ا.مر

اورتاگون دوغار، عربی یورتلر و

ایران، افغانستان، پاکستان و

هندوستان یورتلری اوز ایچینه

آلیار.

خاور نزدیک xāwar-e-nazdik:

ا.مر. آسیانینگ گون باتار گون

اورتاسیندا یعنی مدیترانه نینگ

گون دوغار قیراسیندا یرلشن

یورتلار باغلی بۇلان ترکیه، سوریه،

لبنان، مصر، اردن، اسرائیل

یورتلره باغلی بولان.

خاویار xāwiyār: [فر] روس

چشمه سیندن آلمان بالیغینگ

ایشبیلی ایشبیل.

خایه xāye: ا. اینک، یومورتقا،

انسانینگ تخمی، ارکک حیوانینگ

پیشه سی، تاششاغی.

خاباز xabbāz: ص. [ع] چورکچی،

یوریته چۆرک بیشیریپ ساتیان

آدام.

خبر xabar: [ع] معلومات، خبر،

دویداریش، اخبار جمعی.

خبر دادن xabar dadan: مص م.

یاغشی گون، برکتلی گون،
شادلیق لی گون.

خجل xajel: ص. [ع] اوتانچ لی،
اویات لی، حیالی.

خجل xajal: مص. [ع] ۱. اوتانچ لی،
اوتانچ لی یقداں آلیجیرماق، ۲. شرم
و حیا.

خجیدن xajidan: مص. ل.
ییغنانماق، اویشنماق، جملشمک،
خجیر xajir: ص. آوادان، گورنیکلی،
گوزل، اونگات، حالانان.

خدا xodā: (=خدای) ۱. خدای
تعالی، الله، تانگری یارادان، دنیانی
یوقدان باره گتیرن، ۲. ایه معنیده.

خداپرست xodā-parast: ص. فا.

خدایی سویوجی، دینلی، تقوا،
خدای تعالی غا بنده لیک ادیب
عبادت ادیان، یکه تانگرا سیغینیان،
خدا داد xodādād: مص. خدایینک
باغیشلان زادی، خدای برن،
تانگری نینگ برهنی.

خداشناس xodā-šenāš: ص. فا.

خدای تانییان آدام، خدایلیق لی،
تقوا، یالنگیز الله نی تانییان.

خدا xoddām: [ع] قوللوقچی لر،
خدمت ادیجی لر، خدمتکار لر،

خبر برمک، بیر زادی ایلینگ
قولاغینا یتیرمک، دویدورماق.

خبرگزاری xabar-gozāri: مص.
[ع. فا] دورلی خبرلری ییغناپ
روزنامه و رادیو تلوزیونه یتیریان
قوراما.

خبرنگار xabar-negār: ص. فا
[ع. فا] ادیلن گوررونکی خالقا
یتیریان آدام، خبری، ایل
اشیتدیریان آدام، خبرچی.

خیث xabis: ص. [ع] نجیس، ناپاک،
پیس، اریت، حبثه جمعی.

ختم xatm: مص. [ع] سونگه
یتیرمک، آخرا یتیرمک، ایش
سونگی، سونگ لاما ق.

خته xetne: [ع] عرب چشمه سیندن
چوک کسدیرمک، سنت لمک.

خجالت xejālat: اوتانچ لیک، حیا،
اوتانچ، حیالی لیک، اویات، قیجیت.

خجالت کشیدن xejālat kešidan:
مص. ل. شرمنده بؤلماق، اوتانماق،
اویالماق.

خجسته xojaste: ص. مبارک،
قوتلی، یاغشی، قاوی لیک،
خوش لیک.

خجسته روز xojaste-ruz: ص. مر.

جمع خادم.

خداوند xodāwand: خدای تعالی،

خدا، تانگری، یارادان، ایه.

خدایا xodāyā: کلمه ندا، زارین

سوزی، ای بار خدایا، ای الله

دیمک.

خدر xedr: [ع] پرده، چادر، اوینگ

بیر قاپدالیندا یسیرلر اوچین

توتیلیان پرده، توتی.

خدر xadar: مص. [ع]

تیتراویکلیک، سستلیق،

اعصابینگ ارید حالاتدا دوشمه‌گی.

خدر txadar: [ع] قارانگق ییر.

خدر xader: مص. [ع] دویغی سیز، اون

ایکی سونگکینگ بیر سستلاپ

و اوقا گیتمه‌گی و ارید یاغدا یا

دوشمه‌گی.

خدشه txadše: [ع] دیرمانماق لیق،

اوچلی زات یعنی دیرناق و یا ش. م.

زات بیلن دیرماماق، سیپجیرماق.

خدعه xod'e: ا. [ع] حيله، آلداو،

مکر، آل.

خدمت xedmat: مص. [ع] بیرینه

ایش اتمک، قوللوق اتمک،

قوللوق چیلیق اتمک، خدمت اتمک.

خدمتکار txedmat-kār: [ع]

خدمتکار، ارکک یا عیال دیر بیر

کیشی‌نینگ اوینده خدمت ادیان،

قول، قیرناق.

خدمتگزار txedmat-gozār: ص.

اداره دیر یا بیر قورمادا قوللوق

ادیان آدام، خادم، خدمتچی.

خدمه txadame: [ع] کؤپچولیک،

بیغناغ، قوم، حلقه‌سی، فارس‌لار

خدمه‌نی خدمتکارلر، معنی‌دا

اؤللانیار.

خدمگ txadang: ا. اوق و نیزه ۲.

اییر بجریلیان قاتی قایم آغاچ، آق

تبرک، آق تبرک.

خدو txadiw: مص. خدای تانگری،

شاه، وزیر، خدیورده دیلیلپ دیر.

خدلان xezlān: مص. [ع] بیرینه

کمک اتمکدن ساقلانماق،

بیچاره‌لیک، کمکدن بی‌بهره

قالماق، یاردام برمکدن ساقلانماق.

خر xar: ا. ایشک.

خر txar(r): لای، پالچیق، باتغا،

سوؤ قوشیق پالچیق.

خر xar: هر زادینگ اولی‌سی یوغینی

و صاف بۆلمادیق کپینگ اونگیندن

گلیار، مثلاً: خرپا، خرپشته،

خرچنگ یالی.

آینا و ساللما و شونگا منگزش
زادی ساتیان آدام، هینجی
ساتیجی سی، فارسی چه خرازی
فروش دیپ آیدیلیار.

خراس *xar-ās*: ص. مر. (= خر آس)
اشک دگیرمن، دگیرمنینگ داشینی
آیلایان اشک، اشه گینگ گویجی
بیلن حرکت دوشیان دگیرمن.

خراس *txarrās*: [ع] خم یاسایان
آدام، خم ساتیان.

خراش *txarāš*: ۱. دیرجاناق لاما،
سیرما، دیرناق دیر یا اوچلی
زادینگ قالدیریان ایزی و اثری، ۲.
تاشلانیلیان و آتبرینی زاد معنیده
خراشاندن *xarašāndan*: مص. م.
دیرماماق، دیرماماقلیق،
قاشینماقلیق.

خراس *xarrās*: ص. [ع] قاتی
یالانچی، کذاب.

خراط *xarrāt*: ص. [ع] دستگاه بيله
آغاجی یونپ بجریان آغاج بيله
قیزیقلانیان اوستا، خراط.

خرافات *xorāfāt*: [ع] موهومات و
باطل و بیهوده سوز، یالاندان
چیقاریلیان سوز، پوج زاتلار، جمع
خرافه، یالان دوشینجه لر.

خر *xer*: ۱. عا. بوقیرداق، بوغاز.
خراب *xarāb*: ص. [ع] ۱. ویران،
بیباد، آبادینگ ترسی، بوزوق،
بوزوق، بیقیق، ۲. فارسیچه عیش و
عشرت بیلن گچریلیان جای، اخبه
جمعی.

خرابکار *xarāb-kār*: ص. [ع] فا.
ویرانچیلیغا سبب بولیان، هر بیر
خرابچیلیغا سبب بولیان آدام.
خرابه *txorābe*: [ع] ایگنانگ
دشیگی، دینگ اخاب و خروب
جمعی.

خرابه *xarābe*: ۱. ص. ویران بولیان
یر، ویرانا، بیقان یومران بۆلان یر،
بوزوق یر.

خراج *txarāj*: [ع] باج، سالنیت،
مالیات، یردان و اکرانچیلیق
اونومیندن و باشا زاتلاردان آلینان
سالنیت.

خراج *txorāj*: [ع] چیش،
چیلتراویک، آدامینگ اندامیندا پیدا
بۆلان دومه لاپ چیقیان
چیلتراویک.

خراز *xarrāz*: ص. [ع] مشیک
تیکیان، کۆووشچی.

خرازی *xarāzi*: ۱. ص. هینجی دیر

خرامان xermān: ص. فا. ناز بيله

سوينيپ سارقپ يول يوريان، ناز

بيله باسايين مى باسمايین مى

سالانا سالانا يوريان عيال.

خریزه xarboze: ا. قاووين.

خر به xorbe: ا. [ع] دشيک، اگينه

دشيکی.

خرپا xarpā: ص. مر. يوغين آغاچ،

تختا يا ميله دميردن جای سالماق

اوچين يا سووورماق اوچين

اولانييليان قورال، شيله ده خرپا

خرپشته xar-pošte: ص. مر. ۱.

ايوان، طاق. ۲. اشک آرقا.

خرج xarj: ا. [ع] چيقداجی، يۇويما،

خراج، اخراج جمعی.

خرج کردن xarj kardan: ص. مر.

يۇويماق، خرجلاماق.

خرج xorj: ا. [ع] خورجين، قارچين.

خرچنگ xarčang: ص. مر. اوزين

ديرناقلي، ديرناقلي سوودا ياشايان

جانلی، ارلنگج.

خرخر xor-xor: اوقى دا ياتان

آدامدن چيقيان سس، هوررولدى،

خورخور.

خرخر txar-xar: [ع] سؤو يا يلينگ

سسسی.

خرخره xer-xere: ا. بوقيرداق،

بوغاز.

خرد xord: ص. آونيق، كيچی، هر

زادينگ آونيقی و كيچیسی.

خرد xerad: ا. پايخاس، عقل و

هوش، دوشونجه، بيليم.

خرد xard: ا. بوقير سو، لای.

خرداد txordād: شمسى ييل

حسابی نينگ اوچونجی و بهارينگ

آخرقى آيى.

خردسال xord-sāl: ص. مر. چاغا،

اؤغلان، باش ياشدان آشاق بولان

اؤغۇل قيزلار.

خردل xardal: ا. درمانليق اوت،

ايشدانى كؤپلتمک اوچين

اولانييليان درمان.

خردل xardel: ص. مر. کنایه سوزی،

قۇزقاق، يورک سيز.

خرده txorde: ص. ۱. انستک، آز

اولاق، كيچی و آونيق، ۲. اوچنين و

عيپ، خطا، ييتى سوز ديبيده

آيديليان.

خرده پا xorde-pā: ۱. سرمايه سى

آز، آيلانيپ سودا اديان ۲. يری

يۇردى آز آدام.

خرس txers: آيى، خرس، قاتى اولى



تویلی زورلی حیوان، قیزیمتیق.
قونگغیر آق رنگده بولیان حیوان،
اول آغاجینگ باشینا-دا چیققیپ
بیلیار.

خرس xaras: مص. [ع] دیلسیز
کپلاپ بیلمزلیک، پلتک.

خرسند xorsand: (=خورسند) ص.
خوش، شاد، شادیان، خوشلیق،
شادلیق، خوش و شاد بؤلماق.

خرسنگ xarsang: ص. مر. قاتی
اولی ی—ؤنؤلمادیق و تراش
بریلمه-دیک بییک یوزی دوویر
دوویر داش.

خرش txaraš: [ع] پیدالانیلمايان
زات، پست متا، خروش جمعی.

خرش xarš: مص. [ع] دیرماماق،
سیپجیرماق.

خرش txoroš: قیقیلیق، قهر
غضب، غوغا، جنجل.

خرشاد txoršād: گون، گونش.

خرص xars: مص. [ع] ۱. یالان
آیتماق، چن بیلن بیر زاد آیتماق، ۲.

میوهلی آغاجینگ میوه اونیمنی
چن اورماق.

خرطوم xortum: [ع] بورون، اولی
بورون، خاصدا پیلینگ بورونی،

خرطوم جمعی.

خرف xarf: مص. [ع] ایملش
بیغماق، میوه بیغماق.

خرف xaraf: مص. [ع] قاررلیق دان
عقلا گلیان ضرر، قوجالیق دان عقلا
یتیان نقصان.

خرف xaref: ص. [ع] آنگلامیان،
کم عقل، تننک، عقل سیز آدم،
سامسیق، نادان.

خرفه xorfe: ۱. سمزک.

خرق xarq: مص. [ع] ۱. دیلمک،
ییرتماق، یارماق ۲. یاریق،
دشیگه-ده آیدیلیار، خروق جمعی.

خرق xareq: [ع] ۱. اگین اشیگینگ
ییرتیق ایریگی ۲. خرقه-نینگ
جمعی.

خرقه xerqe: ۱. [ع] پارچانگ
بوله-گی، گیمینگ بوله-گی، ناچه
بؤلک تیکه پارچه-دان تیکیلن
درویش لرینگ دونی، گیمی.

خرک xarak: ۱. خارک، ساری
خرمانینگ بیر گؤزنوشی، خرک
خرماسی هم دیبیلیان.

خرک xarak: کیچی اشک،
اوتورلقیچ، دورت پایالی اشک
گورنوشلی ورزش ادنلرینده اونونگ

اوستوندن بوکیارلار.

خرکچی xarak-či. ص. اشکی

کراینه بریان، اشک ساقلایان.

خرگاه xar-gāh. ص. مر. اولی چادر،

اوی پرده، خرگه و خرمگاه دیپیده

آیدیلیار.

خرگوش txarguš. تاوشان.

خرم xarm. ص. [ع] بولمک،

دیلیمک، کسمک، دشمک، بارماق،

قولاغنی و بورنینی دشمک.

خرم xorram. شادیان، خوش، تازه،

گولر یوز.

خرما xormā. خرما.

خرمالو txormā-lu. پومازورا

منگزش اییمیش یوقا قابیقلی

ارنگکی قیزغیلته، گویزینگ

آخیریندا یتیشان آما آغاچا منگزش

یاپراقلاری ایری و آچیق یاشیل

بۆلمالی. خرمالوی بی دانه: ا.

هورازتاجی.

خرمگس xar-magas. ص. مر. ایری

و اولی سینکک، سینکه گینگ اولی

هیلی.

خرمن txarman. دوووک، خارمان.

خروار txarwār. اشک یوکی، و یا

تبریزلی لرینگ یوز منی و اوچ یوز

کیلو برابر آغرام اؤلچاگی بولان.

خروار xarwār. ص. اشک یالی،

اشکه منگزش.

خروج xoruj. ص. [ع] بیر جایدان

داشاری چیقماق، داشاری گیتیمک،

داش چیقماق، چیقیش.

خروس txorus. هوراز.

خروش txoruš. قاهار بیله قیقیلیق

اتمه، جوشغین، قالماغال، قیغیرما،

غوغا، اخروش و اخرش و خرش هم

آیدیلیپ دیر.

خروشیدن xoruš-idan. ص. ل.

قیغیرماق، جوشماق، تولغینماق،

زارینلاماق، دادوبیناد اتمک.

خروف txaruf. ارکک قوزی،

خرافان جمعی.

خره txare. یلمه شیک قویی رنگده

بۆلان پالچیق، لای، باتفا.

خره txare. ایزلی ایزینا تیرکه لن،

اوسته اوستینه جایلانان، خاطار.

خره txor(r)e. یاغتیلیق، پارلاق،

آیدینگ لیق، نور.

خره xare. ا. خورولدی، خورخور.

خره xoroh. هوراز.

خز txaz. قوندوز.

خز txaz. [ع] یوپکدن یونگدن

ذوقلان ماتا، یوپک پارچا، خزوز
جمعی.

خزان xozzān [ع] خزینه چی لار.

خزان krazān. گویز موسمی، گویز،
خزان.

خزانه xazāne ا. [ع] خزینه، پول و
بهالی زاتلار ساقلانیان یر، خزائن
جمعی.

خزنده xazande سویرنجی.

خزیدن xazidan مص. ل. اؤزونگی
یوزین قورساق بیلل یردن چکمک
ییلان یالی یردن سویرنمک.

خس xas ص. ارید، ناکس و بوزغاق
آدام.

خس xas ص. ارید ناکس بوزغاق
آدام، تله که آدام.

خسارت xesārat مص. [ع] زیان
چکمک، زیان گورمک، تاوان
گورمک، ضرر گورمک.

خساست xesāsat مص. [ع]
پستلیک، اریدلیک، خسیس
بؤلماق، تله که لیک، بخیللیق،
חסودلیق.

خستگی xastegi یاداولیق،
آرغینلیق.

خستگی ناپذیر xastegi-nāpazir

یاداوسیز، یادامایان، آرمایان
یادامایان، ایرگین سیز.

خسته xaste ص. یاداو، آرغین،
اینجان، پتنگ.

خسته xaste ا. شانیک، اریک یالی
زادینگ شانیگی.

خسوف xosuf مص. [ع] یره
گیرمک، ییتیریم بؤلماق، آی
توتولماق.

خسیس xasis ص. [ع] بخیل،
گوریپ، حوسیت، خساس و اخسه
جمعی.

خشاب xesāb. گولله جای،
خشاب.

خشاب xesāb ا. [ع] آغاچ ساتان،
آغاچ سوداسیندا بولان آدام.

خشک xošk ص. قوری، سووسیز،
اول دال.

خشکاندن xošk-āndan (=)
خشکانیدن) مص. م. قورومتاق،
گونه و اودا قوریتماق.

خشکسال xošk-sāl (=)
خشکسالی) ا. مر. قوراقچیلیق،
قحطیلق، اکرانچیلیقینگ
بیتمه دیک بولما دیق ییلی.

خشکه xoške ص. قوراق زات،

قۇرى چۆرك.

خصلت xeslat ۱. [ع] خوی، قیلیق،

خاصیت، خصال جمعی.

خصم xasm ۱. [ع] یاغی، دوشمان،

اوروشده قارشى طرف، آتیشیان،

آتیشیق ادیان، خصوم و خصام و

اخصام جمعی.

خصوص xosus مص. [ع]

یوریتەلمک، یۇقار گورمک،

آیراتینلاماق.

خصوصاً xosus-an ق. خاص

بۇلماق، عمومی دال، آیراتین

ایلاتادا.

خصوصیت xosus-iyat مص. [ع]

خاصلاماق، یوریتەلمک، خاص

بۇلماق، آیراتینلیق.

خصومت xosumat [ع] دوشمان

چیلیق، یاغی، دوشمانلیق.

خضر xazer ص. گۆک، آغاجینگ

شاخاسی، گۆکلیک، چمنلیک،

گۆک اؤوسوپ دۇران یر.

خضر xezr [ع] ۱. باغینگ

شاخاسی، یاشیل، پوداق، گۆکلیک،

۲. بیر پیغمبرینگ آدی، اول آب

حیاتدان ایچیپ همیشهلیک

دیری قالان، یتن و یولونی ییتیرن

آداملارا بۇلسا اۇلارا گورنیپ کمک

خشکیدن xoškidan مص. ل.

سولماق، اوت سولماغی، قوریماق،

اونومینگ قوریب سولماق لینى.

خشم xasm آلجرانگلیق، قهر،

غضب، اویکه.

خشم آلود xasm-älud ص. قهرلی

بۇلما، قهر غضبه گیرمه، چاشماق،

آلجیراماق.

خشمگین xasm-gin ص. قهردا

بۇلما، خیرسیز، قهرلی، قهرجانگ،

خشمگینی : قهرجانگلیق.

خشن xashen ص. [ع] ایری، یوغین،

تکیزدال، صاپ بۇلماق،

قهارجانگ، بدقیلیق، اونگات دال،

خشان جمعی.

خشنود xošnud ص. کونگلی

خوش، شادیان، خوش و شاد،

شهدی آچیق، گولر یوز.

خشوع xošu' مص. [ع] بۇیۇن

انگمکلیک، کیچی کونگلیک،

مطیع بۇلماق، پسپال بۇلماق.

خشونت xošunat مص. [ع]

قینگرالماق، قهارجانگلیق،

قهرلانماق، دوویر دوویرلیک،

تکیزسیرلیک.

باشلانغیچی یا سوز باشی سی.

خطبه txetbe. [ع] عیال

ایسلامکلیک، اوپلنمک اوچین

بیرینه بارماق، ایسله مک اوچین

بارلان عیال.

خطر txatar. [ع] هلاکلیگه یاقین

بۆلن، بیر زاد یا بیر آدمینگ هلاک

بۆلماغی نینگ مایه سی، شرف و

مقام و اؤلؤلوق، خاطار، اخطار

جمعی.

خطرناک xatar-nāk. ص. [ع]

خطره سبب بولیان زات، قاتی

خطرلی، قورقونچلی.

خط کش xat-keš. امر. چیزغیج.

خطمی فرنگی xatmi-farangi

گول ختمی، قیزیل گل.

خطور xotur. ص. [ع] یادینگا

دوشمه، یادا گلمه، یادینگا سالما.

خطوط xotut. [ع] خطلار، یازغی لار،

جمع خط.

خطه txette. [ع] اوی سالماغا بللنن

یر، چاکلی یر، بۆلک یر، توراگینه

جای اوچین خط چکیلن یر، اولی

شهر.

خطیب xatib. ص. [ع] گوررینگ

بریحی، واعظ، وعظ بریان، خطبه

ادیپ یولا سالیان، حضرت

خضر (ع).

خضرت xozrat. ا. [ع] گوی، گوی

رنگ، گوکلک.

خضوع xazu. ص. [ع] بویون انگمه،

مطیع بؤلما.

خضوع xosu. ص. [ع] پس

پاللیک اتمک، مطیع بؤلماق،

اوزینگ کیچی توتماق.

خط xat(t). ا. [ع] یازغی، کاغذ

یوزونه یازیلان زات، چیزیق.

خطاء txatā. [ع] نادوغری،

بیلینیپ ادیلمه دیک، گناه،

یالنگیشریلق.

خطاب txetāb. [ع] بیرینه

یوزلانیپ کپ آیتماق، یوز به یوز

دوروپ سۆز آیتماق، یوز توتما.

خطاب xattāb. [ع] خطبا اوکده

بۆلن، خطبه شاراب بۆلن، یوز به

یوز آیتماق. فصل الخطاب: آنت دیر

بیرینه شایادا بریلیان بویریوق.

خطاط xatāt. ص. خط یازماغا چپو

و اوکده آدم، خط یازماق بیله

مشغول لنیان آدم.

خطبه txotbe. [ع] خطیب کلامی،

وعظ و گورله مه، کتابینگ

قیسما، دمینگ برمان اولماگه سبب
بؤلماق، دمیگمک.

خفه xafe: ص. بوغولما.

خفیف xafif: ص. [ع] ینگل حرکتده
بۇلان چالتماق، ینگل لیک.

خفیه xofye: مـ صـ . [ع]

اورتـیلمک لیک، یاشیرین لیک،
گیزگنمک، باسیرغیلی، اورتگیلی.

خل xol: ص. آنگلامایان، نادان،
عقل سیز، تننک، سامسیق.

خل xel(1): ا. دوست، یار، یورکدش،
اخلال جمع.

خل xel: مال دیر انسانینگ بورنیندان
گیلان مانگقا، بورون سووی.

خل xol: ا. کول، غور، خلواره دیپیده
آیدیلیار.

خل txal(1): [ع] سیرکه. خلال
جمعی.

خلاء txalā': [ع] ۱. بۇشیر،
خلوتیر، ۲. حاجت خانه، توالت

معنیده.

خلاتق xalā'eq: [ع] دورا دیلانلار
یارادیلانلار، خلاق، آداملار، جمع

خلیفه.

خلاص xalās: مـ صـ . [ع] آزادلیق
تایماق، نجات تایماق . بۇشاماق،

اوقییان آدام، گوررونک برماگه اوکدا

آدام، کپه چپر آدام، خطباء جمعی.

خطیر xatir: ص. [ع] مقام، اولی،

شریف و مرتبه لی، درجه لی،
آبراییلی، سیلاغلی.

خفاء txafā': [ع] یاشیرین لیک،

گیزلین لیک، اورتگیل لیک، بیر
زادینگ اوستینی اورتیلماگی.

خفاش txoffāš: [ع] یار غانات، یاری
سیچان.

خفت txeft: یوپ حالقاسی، دوگون
حالقا.

خفت xeffat: مـ صـ . [ع] ینگیل
بؤلماق، ینگیل لیک، اندامدا، ایشده

یا عقلدا آغیز بؤلما دیق.

خفتان txaftān: اوروş گیمی، قدیم
زمانلاردا اوروşدا گیلیان یوپک

دولدورلان گیم.

خفتن xoftan: مـ صـ ل. اوقا گیتمک،
یاتماق.

خفته xofte: یاتان، اوقا گیدن،
خفتگان جمعی.

خفقان xafaqān: مـ صـ . [ع] یورک
اورماق، تیترامک، توتوق لیک،

بوغولما.

خفگی txafegi: بوغاز توتولما، دم

خلال xelāl: [ع] فساد، خرابچیلیق،

آرادان گیتمک لیک، جمع خلل.

خلال xallāl: ص. [ع] سیرکه ساتان،

سیرکه توتیان.

خلبان txalabān: ص. اوچان

سوریجی، هواپیما سوریجی،

اوچیان سوریان.

خلت xellat: ۱. [ع] دوغانلیق،

دوستلوق، خلال جمعی.

خلج txalaj: [ع] ترک

طایفاسی نینگ آدی، ساوه، قم و

اراک دیین شهرلرده اوتوریملی،

خلجستان آد اولاردان آلینیپ دیر.

خلج txoloj: [ع] ۱. اندامی

تیتراویک آداملار، نسبی شکلی

بۆلن قوم، ۲. عمرین خطاب

زمانیندا یاشایان عربلرینگ بیر

بوله گی.

خلخال txalxāl: [ع] عیال لارینگ

زینت اوچین الینه و آیاغینا داقیان

شایی، سپی، خلاخیل جمعی.

خلط xalt: ص. [ع] قاتیشماق،

قاریشماق، بیر زادی بیر زاد بیله

یوغورماق.

خلط txelt: [ع] بیله یوغورلان زات،

قاتیشان زات، قاقیلیق، اخلاط

ارکین لیک، قوتۇلماق، قوتولما.

خلاصه txolāse: [ع] سایلانان،

آراسسا، سایلپ سچیلن، سچیلن

زادینگ نتیجه سی، جم نتیجه.

خلاف xalāf: ص. [ع]

اؤنگۇشمازلیق اتمک، قارشیلیق،

بویۇن یوغین لیک، فارسچا: یالان

ناحق معنیده.

خلاف txelāf: [ع] بید، سوویت،

آغاجینگ بیر گۆرنوشی.

خلافت xelāfat: ص. [ع]

بیری نینگ اؤرنؤنی توتماق،

خلیفه لیک اتمک، اماملیق، اورون

باسار، نایب لیک، پیغمبرینگ یرینده

اؤتۇرماق لیک، امارت، امامت.

خلاق xalāq: ۱. [ع] نصیب، پیدا،

نپ.

خلاق xallāq: ص. [ع] «صیغه

مبالغه» کوپ دوره دیک، دۆرهدن،

یارادان، الله تعالی نینگ آدلارینگ

بیری.

خلال xelāl: ۱. [ع] ۱. اینچه جیک

آغاچ، دیش سینچنغیماغا کیچی

چوبجاغاز، ۲. زادی دشیلیان نارسه

واوی لرینگ و زادینگ آراسی، هر

بیر زادینگ ایچی معنیده.

جمعی.

خلع 'xal: مصر . [ع] دویبوندن
یولماق، یریندن قوفارماق، آییرماق
ایشدن بوشادماق.

خلع 'xal: مصر . [ع] طلاق برمک،
عیالینگ مهرین باغیشلاپ و یا
اوندان مال آلیپ طلاق برمهگی.

خلعت 'xel'at: [ع] اولی بییک
آدامینگ طرفیندان تیکگیلی
گییمی بیرینه حالات سوغات
برمک، حالات، سریای، خلع
جمعی.

خلف 'txolf: [ع] سوزینگده
تاپیلماسیزلیق، وعدانگه عمل
اتماسیزلیک، وعده خلافلیق.
خلف 'txalf: [ع] ایز، سیرت، ینگسه،
خلوف جمعی.

خلف 'txalaf: [ع] فرزند، صالح
اوغۇل، اخلاف جمعی.

خلفاء 'xolafa: [ع] خلیفه‌لار، جمع
خلیفه، خلفای راشدین، حضرت
رسول وفات بولاندان سؤنگ یورته
خلیفه‌لیق ادنلر، ابوبکر، عمر بن
خطاب، عثمان بن عفان، علی بن
ابیطالب.

خلق 'txalq: [ع] دوران، یارادیلن،

یارادیش، یارادیلانلار، دورادیش.

خلق 'xalq: مصر . [ع] دوراتمک،
یاراتمک، یارادیلش.

خلق 'txolq: [ع] خوی، قیلیق،
عادت، اخلاق جمعی.

خلقت 'txelqat: [ع] دورادیلش،
ذات، یارادیلش، خو، بولیش.

خلل 'txelal: [ع] ایشه بوزغینلیق
سالما، فساد، دشیک، رایى
چاشیرما، ایکسی زادینگ
آچیلماغی نینگ خلال جمعی.

خلم 'txelm: بورون سووی، مانگقا،
قاقیلیق، خل و خیل و خله قهاردا
دییلیار.

خلم 'txelm: [ع] دوست و یار، کییک
یاتاغی و قویونینگ یاغی و
ایچه‌گه‌سی.

خلو 'txolu: هلو، شپتالینگ بیر
گۆرنوشی.

خلو 'xolow: ص. [ع] بۇش، یکه،
یالنگیز، اخلاء جمعی.

خلوت 'xalwat: ا. [ع] بۇش جای،
یکه‌لیک، آدامسیز چوله یر، خلوات
جمعی.

خلود 'xolud: مصر . [ع] ایمیقلی
قالماق، همیشه بۇلماق، مداملیق.

اولمز بیتمزلیک.

خلوص xolus: مص. [ع] ایراتین

بۇلماق، پاک بۇلماق، ساده‌لیق،
تویس یورکدن.

خلیج txalij: [ع] دریانینگ،

دنگزینگ یر قارنینه گیریان یری،
دنگزینگ، دریانینگ یره آزالاشان
یری - بوله‌گی، دریانینگ قیرا،
توفرغا گیریان بوله‌گی.

خلیفه txalife: [ع] بیرینینگ

یریندا اوتوریان و اوتوردیلیان، اورو
باساری، بیرینینگ یرینده غرامتی
بویون آلپ اوتوران آدام،
پیغمبرینگ یرینده یا امامینگ
یرینده اوتوران اماملیغی بویون
آن، خلانف، خلفاء، خلیفه
جمعی.

خلیفه الله xalifa-tol-lāh: آدام
ابوالبشر.

خلیل xalil: ص. [ع] مهرلی دوست،

یورکداش دوست، وفالی دوست.
اخلاء و خلان جمعی. خلیل الله :
حضرت ابراهیمینگ لقبی.

خم txam: ص. ۱. قیشیق، تاوولی،

بوکیر، اگری، زائد، ییغریق. ۲.
تامینگ ایوانی و یا طاقی و قیش

اوی دیپده آیدیلیار، ۳. کمند و

یاساچدا بولان تاو، بویره.

خم txom: ش. م. خوم، اولی یاسالان
تانگسیق دان قاپ، اولی کویزه.

خم txom(m): [ع] ۱. تاوینینگ
کته‌گی، کتک و قوداق، ۲. مکه‌ده
بیر قویینگ آدی

خمار xomār: [ع] مستلیکینگ
ایزندان گلیان حالت، مستلیگدان
سؤنگ گلیان یاغدا، خمار،
سرخوش.

خمار txemār: [ع] چادر،
عیالارینگ اوزتگی‌سی،
اورتینجه‌سی، اورتگی، اخمره
جمعی.

خمار xammār: ص. [ع] ایچگی
ساتیان، عرق ساتیان، شراب
ساتیان.

خمان xamān: ۱. کمان، یای.

خمان xomān: [ع] بیر هیل اوت،
اوتونگ بیر گورنوشی.

خمان xemmān: ص. [ع] پست و
ارید آداملار، هر زادینگ اریدی.

خمپاره xompāre: ص. مر. توپینگ
گولله‌سی، هوادا یاریلیان اولی
توپینگ گولله‌سی.



خلج

خمر txamr. [ع] خرمادیر و

اوزومینگ سووی، عرق، شراب یالی

مست و سرخوش ادیان ایچگی،

کۆپلنچ شرابا آیدیلیار.

خمره txomre. [ع] خم، کیچی خم،

عربچه خمره دیییلیار.

خمسه txoms. [ع] باشدن بیر،

اخماس جمعی.

خمسه xamse. ۱. [ع] باش، سان

یوزوندن باش.

خموش xamuš. ص. سونوک،

دیمپ اوتوران، اومسوم.

خموش xomuš. [ع] دیرماماق،

دۆرجه له مک، جمع خمش.

خمیازه xamyāze. ۱. پالاما،

اوقی سیزلیقدان و یا یاداولیفینگ

ایزیندان کلیان یاغدا، پالاما.

خمیدن xamidan. م. ص. ل.

انگیلمک، بوکرلمک، کوپرکمک.

خمیده xamide. ۱. فا. انگیلن،

بوکورملن.

خمیر txamir. [ع] ۱. آرپا

بۇغدایینگ اونینا سوقاریپ خمیر

مایا قاتیلان نارسه ۲. بۇغدا

خمیری، و یا آرپا خمیری، خمیر.

خناس xannās. ص. [ع] عزازیل،

شیطان صفت آدم، تله که آدم،

شیطان، شیطانا منگزش آدم.

خشی xonsā. ص. [ع] ۱. نه ارکک نه

عیال، ارکک دیگی عیال دینی بللی

بۆلمادیق، ۲. بیکار و ایش سیز

اثرسیز معنیده.

خنجر txanjar. یتى ایکی یوزلی

پیچاق، غاما آدیندا، خانجار.

خندان xandān. ص. فا. گولوپ

دوران، گولر یوزلی، آچیق، گوله گر،

گوله گن، شادیان.

خنداندن xandān-dan.)

خندانیدن) م. ص. ل. گولدورمک،

گولدورتمک، گوشدیرمک.

خندق txandaq. [ع] شهر داشینا

دوشمانا گیرماگه یول بریلمزلیک

اوچین قازیلیان، ترینگ، گینگ جار

و چوقور، خندق.

خنده txande. م. ص. بگنجینگدن

گولونیان گولکی، ییلغما، گولکی.

خنده دار xande-dār. گولماگه

سبب بۇلما، گولکی لی، گولکینچ لی.

خندیدن xandidan. م. ص. ل.

ییلغیرماق، گولمک.

خنزیر txenzir. [ع] دونگوز، قارا

کییک، خنازیر جمعی.

خو xu (=خوی) ۱. اندیک اتمه،

عادت، قلیق، خلق.

خو txaw. اکرانچیلیق آراسیندا

بیتیان بیر هیل ها شال اوت.

خواب xāb اوقی.

خواباندن xābāndan (=

خوابانیدن) مص. م. یاتیرماق، اوقا

گیتدیرمک، اوقلاتماق.

خوابگاه xāb-gāh ص. مر. یاتیلیان

یر، یاتیلیان اتاق، یاتاق جای، یاتاق

خانه، یاتالفا یر.

خوابیدن xābīdan مص. ل. اوقا

گیتمک، اوقلاماق.

خوابیده xābīde اوقلان، یاتان

حالتده، اوقیدا بۆلان، دینج آلان.

خواجه xāje ۱. ص. ۱. ایه، سرون

آقا، خدای، شیخ، ۲. ارککلیگی

بولمان قوررا.

خوار xār ص. پست، بیچاره، عجیز،

هور-هومسی، ذلیل.

خوار [ع] xār سیغیر مولا ماسی،

قویون و یا طانا سسی.

خواربار xār-bār ص. مر. اییلیان

اییمیت، رزقلار.

خوارج [ع] xawārej خارجه لار،

مسلمان لارینگ بیر بۆله گی یعنی

بیر طایفاسی علی بن ابیطایینگ

سپاه لارینگ یارانلاری معاویه

بیلن صفین آدلی اوروشدا

ابوموسی اشعری نینگ عمرو ابن

عاص دان آلدانما قلیغینگ

نتیجه سینده اول حضرته یعنی

علی بن ابیطابه قارشی بۆلانلار.

خواست txāst مص. خوایش،

ایسلگ، دیلک.

خواستار xāst-ār ص. فا. ایسلجی،

خوایش ادیجی.

خواستگار xāsegār ص. فا.

بیری نینگ قیزینه اویلانجک

اوغلانینگ آتا و انه سی طرفیندان

قودالیغا باریانلار، ییگیت طاراپدان

قیزا قودالیغا باریانلار.

خواستن xāstan مص. م. خوایش

اتمک، ایسته مک.

خواطر xawāter [ع] خاطرلار،

ایسلگلر، جمع خاطر.

خواندن xāndan مص. م. اوقیماق،

کتاب یا روزنامه اوقیماق، چاقیلیق

اتمک، میهمانلیغا چاغیرماق.

خواهان xāhān: ص. فا. ایسله یان،

خوایش ادیان.

خواهر txāhar: قیز دوغان، عیال

دوغان، قیزا، اویا.

خواهش txāheš: م.ص. آرزو،

ایسلگ، خوانیش، یوزریش.

خواهشمند xāheš-mand: ص. مر.

خوایشی بۆلن خوایش ادیجی،

یالباریجی، یوزریجی.

خوب xub: ص. قاوی، یاغشی، اوز،

اونگات، یگ، حاللان.

خوبرو xub-ru: ص. مر. آوادان، گوزل،

گورنیکی، خویریان جمعی.

خود xod: ا. اشیدیجی و سوزلایجی

آرالیغیندا یوق بۆلمادیق آدام، نخود

من، خود شما: منگ اوزوم، سن

اوزونگ.

خودبین xod-bin: منلیکی، اولومسی،

دینگه اوزونه کۆنگلی یتیان.

خو پذیر xod-pazir: ص. فا. اندیک

ادیجی، اؤوره نشان، اخلاقلنما.

خودخواه xod-xāh: ص. فا. اوزونی

توتیان، اوزونی غیری لاردان ایلر

گوریان، قاوی گوریان، اولومسی،

منلیکی، من منلیکی.

خوددار xod-dār: ص. فا. صبری

دوزملی.

خودرو xod-ru: ص. فا. اوزی

گوگریان اوت، وحشی اوت، یابانی

اوت، هاشال اوت.

خودرو xod-raw: ص. فا. اوز اوزی

یولا دوشیان، ماشین، اتومبیل.

خودستا xod-setā: ص. فا. (=

خودستای) اوینجنگ، اؤزۆنگی

قاوی گوریان.

خودستائی xod-setā'i: ماختانماق،

اؤوینمک، پارداقلانماق.

خودسر xodsar: ص. مر. اوز

اراده سی و میلی بیلن ایش ادیان،

باشینا گیدن، قانونا، دوزگونه بؤیۆن

انگمیان، بوینی یوغین، باش سیز

بارات.

خودکار xod-kār: ص. مر. اوز اوزی

یولا دوشیان، ماشین، اتوماتیک.

خودکام xod-kām: ص. مر. اوز

باشینا گیدن، تاک ارکین، اوز

باشداق.

خودکامگی xod-kamegi: اوز

باشینالیق، تاک ارکینلیک، اوز
باشداق لیق.

خودکشی txod-kosī مص.
اؤزونگی اولدورمه، اوز جانینگا قصد
اتمک.

خودکفا xod-kafā اوز باشینی و
ایونی چارایان.

خودنما xod-namā ص. فا. اوزونی
و ایشینی بيله کی لره گوز ادیب
گورکزیان، اؤوینجنگ، پانگقى.

خودنویس xod-newis جوهردن
غوردن تلمبه جیغنی ناسفوسنی
دولدوریپ خط یازیلیان قلم، دواته
باتیرمانی ایزینی اوزمانی یازیان
قلم.

خور txur گون، قویاش، گونش.
خور txur خورشیدی آیینگ اون
بیرینجی گونی.

خور txor مص. اییمک، اییمیت،
اییمه لی اییمیت.

خور txawar [ع] سستلیق،
خورلیق، عجیزلیک.

خور txawr [ع] دریانینگ بیر
شاخاسی، فارس خلیجی نینگ

شاخالاری، موسی خوری و میناب.
خوراک txorāk اییمیت، طعام،
غذا، بیر نفرلیک اییمیت.

خوراندن xorāndan (=)
خورانیدن) م. مص. داماق
ایدیرمک، ایمیت ایدیرمک.
خوردن xordan مص. م. اییمک،
آغزا سالماق.

خورشید txoršid گون، گونش.
خوش xoš ص. شاد، قاولیق، بگنج.
خوش آمد txoš-āmad ص. بیرینه
خوش گلدینگ دییپ آیتماق، خوش
گلدینگ دییمک. خوش آمد گفتن:
خوش گلدینگ دییمک.

خوش آواز xoš-āwāz ص. مر.
یوقۇملی سس، اونگات آوازلی،
خوش آوازلی قوش.

خوش آیند xoš-āyand ص. مر.
حالانان، ماقولانان، سوزی یا بیر
زادی بیرى حالاپ خوشینا کلمگ،
بیری نینگ خوشینا گلیان سوزی یا
بیر زادی آیتماق.

خوش بخت xoš-baxt ص. مر.
باختلی، آق باختلی، اقباللی،

دولتلى.

آليان.

خوشبو xoš-bu: ص.مر. قاوى

خوش صحبت xoš-sohbat:

ايسلى، ايسى يۇقۇملى، عطر

ص.مر. [ع. فا] شيرين سوزلى،

ايسلى.

سويجى دىللى، كپى يۇقۇملى.

خوشبين xoš-bin: ص. فا. قاوى گوز

خوش قامت xoš-qāmat: ص.مر.

بيلن قارايدان، بدگمانلىك اتمه يان،

بويى چكىملى، قاوى سىرتلى، اون

اونگات گوزبيلن سراديدان.

ايكى اندامى مىسر بۇلان

خوش بينى xoš-bini: ياغشى گوز

خوش گفتار xoš-goftār: ص.مر.

بيلن قاراماقلىق، قاوى سر

سويجى سوزلى، سويجى دىللى.

اتمكلىك، خوش باور، اينانجانگ.

خوشگل xoš-gel: ص.مر. گولر يوز،

خوش حساب xoš-hesāb: ص.مر.

آوادان، گورنىكلى، قشنگ،

برگى سىنى وقتىندا اوزيان، وعده

گورمه گوى، گوزل.

سىنه دوغرى دوريان، ياغشى

خوشمزه xoš-maze: ص.مر. دادلى،

قارايشلىق.

طغامللى، هر زادىنگ طغامى قاوى

خوشرو xoš-ru: ص.مر. آوادان،

بۇلان لذتلى.

گوزل، گورمه گى، گورنىكلى، گولر

خوش منظر xoš-manzar: اونگات

يوزلى، مهربان، گرچك.

گورنوشلى، گۇرنوكلى.

خوش زبان xoš-zabān: ص.مر.

خوشنام xoš-nām: ص. آدى،

اونگات دىللى، ديله وار، شيرين

آبرايللى، امين، دوغورچيل،

سوزلى، سوزى يۇقۇملى، سويجى

كوپچىلىكده قاوى آد آلان، آدى

دىللى.

قاوا چىقيان.

خوش سليقه xoš-saliqe: [فاع]

خوشنود xoš-nud: ص. شاديان،

قباوى سلىقهلى بۇلان،

خوشحال، راضى، كويلنج

هووسجنگ، قاوى زات سايلاپ

(خشنود) صورتىندا يازيليار.

خوشوقت xoš-waqt: ص. مر.

[فاع] کونگلی خوش، شاد، وقتی

خوش بۇلان.

خوشه txuše: اوزوم، خرما.

ش.م. لرینگ خوشه سی، خوشه،

سالقیم.

خوض xawz: مص. [ع] سووا

چوممک، بیر ایشده فکره باتماق،

اویا باتماق.

خوف xawf: مص. [ع] قورقماق،

قورقی، قورقنچ.

خوفناک xawf-nāk: ایمینجی،

آییلغانچ، قۇرقۇنچلی.

خوک xuk: ا. [ع] دۇنگۇز.

خوک وحشی xuk-e-wahši: مکه

جین، یکه قاپان.

خول xawl: مص. [ع] قاوی

ساقلاماق، ایهلیک اتمک.

خول txawal: [ع] خدای

تعالی نینگ برن ناز نعمتی.

خون txun: قان.

خون آشام xun-āšām: ص. فا.

قانخور، بی رحم، دونگ یورک آدم،

آدام اولدیریجی.

خون آلود xun-ālud: ص. مذ قانا

بولاشان، قانا بویالان زات، قانا

یوغورلان.

خونا به xun-ābe: ص. مر. قان سویی،

قان لی یاش، قان بیلہ سوو.

خونخوار xun-xār: ص. فا. قانخور،

آدام اولدوریجی، قان ایچیجی،

یالماویز.

خونخواه xun-xāh: ص. فا. قان

ایسته یجی، قان آلیجی.

خونسرد xun-sard: ص. مر. آرام،

صبرلی، آنگساتلیق بیلن قاهاری

گلمه یان، جیداملی، صبرلی.

خونسردی xun-sardi

جیداملی لیق، صبرلی لیق،

جاییلی لیق.

خونگرم xun-garm: ص. مر. ۱.

قانی قیزغین بولان، ۲. کنایه

سوزونده مهربان و ایسنیشیق آدام

دییدیکی.

خونی xuni: ص. ن. قانلی، قانا

باغلی، قانا باغلی، آدام اؤلدیرن.

خونین xunin: ص. ن. قانا باغلی

بۇلان، قانا بولاشان، قانلی، قانا

بويالان.

خویش xiš: ۱. قارینداش،

قارینداشلیغی بۇلان، ایلن چالان.

خویش xiš: ص. بیرینجی و

ایکینجی و اوچینجی شخص،

مفرد و جمع آد چالیشماسی، اؤز.

خویشاوند txišāwand: ص. دوغان

قارینداش، خویشاوندان جمعی.

خویشتن دار xištan-dār: ص. فا.

جیداملی، صبرلی، بد ایشلردن

اوزونی ساقلایان.

خیابان xiyābān: ۱. اولی یول، شهر

آراسینداکی گینگ یول، اولی کوچه.

خیابانگرد xiyābān-gard: ص. فا.

خیابان لاردا بیدرک گزبان، بیکار

بیهوده خیابان لاردا ایغیپ یوران

ساللاخ.

خیار xiyār: [ع] ارکلی بۇلان اوز

ارکینده بۇلما، بیر ادیلن سودانی

پوزماغنا یا بیر ایشی یرینه

یتیرماگه ارکی بۇلما.

خیار xiyār: ص. [ع] ارکلی ایه،

اختیاری بۇلان، هر زاتدان بللانن.

خیار xiyār: [ع] خیر ایشلی، جمع

خیر.

خیار xiyār: ۱. خیار، چیک اییلیان.

اوزین گوک اونوم اییمیش، خیار.

خیارشور txiyār-šur: مر. دوزلی

سوا یا تیرلان خیار، دوزلی خیار.

خیاط txiyāt: [ع] ایگنه، تمن.

خیاط txayyāt: [ع] تیکجی، اگین

اشیک، گیم گجیم تیکیان.

خیال txiyāl: [ع] خیال، ذهنه

گلیانلار، وهم، گمان، اخله جمع.

خیالاندیش xiyāl-andiš: ص. فا.

فکری پیشهسی، خیالاتدا بۇلان

عالم خیالیندا بۇلان.

خیام xayyām: ص. [ع] چادیردا

گچریان، چادیردا یاشایان.

خیانت xiyānat: مص. [ع] خیانت،

اوغیرسیزلیق، نادوغریلیق،

اگریلیک، دغللیق، دؤنوکلیک.

خیانتکار xiyānat-kār: ص. مر.

پیشهسی ایشی خیانت اتمکده

بۇلان، خائن، نادوغریلیق ادیان.

خیر txayr: [ع] قاویلیق،

یاغشیلیق، خیر، شرینگ ترسی،

خیور جمعی.

خیر xir: ص. چاشغین، حیران،

سرگزدان، آجیران.

خیر xayyer: [ع] سخاوتلی،

جومارت، کریم، خیر ایشلی، قاتی

خیر یولدا بۆلن، خیر ایشی کوپ

ادیان، بریملی، سخاوتلی.

خیرات xeyrāt: [ع] خیر ایشلر،

صدقه، کوپچیلیگه پیدالی ایشلر،

مسجد دیر مدرسه و کوفری سالما

یالی.

خیره xire: ص. [ع] ۱. پروای سیز،

کله سیز، کله پروای، چپ، هرزه،

جدل، شرم سیز، ۲. حیران و نامه

اتجه گینی بیلیمه یان، خیرات

جمعی.

خیره xayyare: ص. [ع] جومارت

عیال، مونث خیر.

خیره سر xire-sar: ص. فا.

ایلاشمایان، چپ، غینگیز، کجال،

چاشغین، کله پروای، یوزی نینگ

اوغرینا بۆلن.

خیز xiz: ۱. مص. تاویسماق، بوکمک،

دیوارینگ تاقچانینگ یردن

بیکیلیگی، بلندلیک.

خیزاب xizāb: ص. مر. سووینگ

موجی، تولقون، قوم.

خیس xis: ص. اول، اول دگن زات،

ایغال، چیغ.

خیش xiš: ص. مر. آزال، آزال دمیر.

خیش xiš: ۱. بیر هیل کتن پارچا،

اوندان دوشک و پرده و باشغا زاتلار

تیکیلیار، خیوش و اخیاش جمعی.

خیط شدن xit šodan: مص.

اویالماق، اوتانماق، کیچلمک.

خیک xik: ۱. یاییق، مشیک.

خیلی xeyli: ق. [ع.فا] عربی

چشمه دن آلینان، کوپ آطلی لان

خیل، فارسی دا کوپ، کان معنیده.

خیم xim: ۱. قیلیق، خاصیت،

فارسی دا پیس قیلیقلی، تله که

اخلاقلی، دالی، تلبه، دیوانا دییپ

آیدیلیار.

خیمه txayme: [ع] چادیر، سایه بان،

خیام و خیم جمعی.

خیو xayu: ۱. تویکیریک، آغیز

سووی، قاقیلیق.



سارس الیپ بیسی نینگ
جی حرفی، مونگا دال دییپده
یلیار، ابجد حسابیندان ۴
(ت) بولیار.

دā'e: ص. فا [ع] آیلانیان، چرخ
ن، آباد، برقرار، برک، آیلانیجی،
یجی، بانر دال.

tdā'ere: [ع] حلقه، تس
ملک چیزیق، بیر زادینک
هگینی قورشاپ آلان تگه لک
یق، دوائر جمعی.

معارف dā'erat-ol-ma'āref:

ص. مر. [ع] بوتین، علمی و ادبی
سوزلرینگ یۆزلگه سی بۆلۆپ
الیپ بیسی نینگ ترتیبی بیلن اوز
ایچینه آلیان سوزلیک کتابی،
فرهنگنامه.

دائم dā'em: ص. ق. [ع] همیشه،
ایمیقلی، میدام، زؤل.

دائن dā'en: ص. [ع] وام بریجی،
آغیلی، وام ايسله یجی.
دائی dā'i: ا. اجنگ ارکک دوغانی،
دایی.

دابہ tdäbbe: [ع] یرده یوریان



حيوان، كۆيلىنچ اشك اولاغ و دويه

يالى زاتدان عبارت، دواب جمعى.

داخل dāxel: ۱. [فاع] گيريان،

ايچهري، گبريان، ايچ، ايچهري

داشار دال.

داخل dāxol: ۱. ۱. آواندانينگ

آوچى نينگ آوى توتماق اوچين

بجريان دوزاغى، ۲. پادشاهلارينگ

ايشيگى درگاسى، بوساغاسى

معنيده.

داخله tdāxele: [فاع] بير زادينگ

ايچى، داشارى دال، مؤنث داخل،

دواخل جمعى.

داد dād: ۱. عدل، انصاف،

باغيشلايش ۲. جار، قيقيليق

معنيده.

داداش tdādāš: ارکک دوغان.

دادبخش dād-baxš: ص. فا. عدل

انصافى باغيشلايچى، داد بريچى،

دادبـخـشى، عدللى ليق،

انصافلى ليق، عملى، عادل.

دادخواست dād-xāst: ۱. شكايـت

بريچى نينگ دادگاه يازيان عرضى

حالى، عريضه سى.

دادخواه dād-xāh: ص. فا. عدالت

ايسته يچى، ظلم اديلن آدامينگ

حق اوچين دادگاه بريان ، عرضى

حالى، عريضه سى ، حق طلب

ايدان.

دادر dādar: ۱. دوغان، دوغان يالى

دوست.

دادر dādar: ص. امين، عدالتلى،

دادر آسمان، خداى تعالى.

دادرس dād-ras: ص. فا. ظلم و

ستم آستينا قالان، آدامينگ دادينا،

عرضى حالينا يتيشيان، قاضى،

قيقيليقنا يتيان.

دادرسى dād-rasi: بىرى نينگ

دادينا و عريضه سينه يتيشمک،

شکايـت اديجى نينگ عريضه سينه

يتيشمک، سراتمک.

دادستان dād-setān: ۱. ص. عدل

ايسته يچى، حق ايسله يچى، هر

بير حلقى نينگ حقينى برمانى زور

ادیان طرفدان حقینی آلیپ بریان
آدام، دولتینگ نماینده‌سی و مدعی
المعموم.

دادستان dād-setān: ا. مر. داد بیله
انصافینگ مکانی جایی، داد بریپ
امین‌لیک ادیلیان یر.

دادسرا dād-sarā: ا. مر.
دادگستری‌نینگ بیر بۆلومی، بیر
ناچه بازپرس و دادیاردان عبارت،
دادستانینگ باش توتونلیغیندا بیر
ناچه بازپرس و دادیارلی بۆلان
دادگستری‌نینگ بیر بۆلومی.

دادگاه dād-gāh: ص. مر. دادا
عریضا یتیشیلیان یر، عرضا،
شکایتہ دعوالارا یتیشیلیان اداره،
حق آلیپ بریان اداره.

دادگر dād-gar: ص. فا. عدل
بریجی، عدل آلیجی، عادل و
عدالتلی، خدای تعالی‌نینگ
صفت‌لاری‌نینگ بیر.

دادگستری dād-gostari: ا. مر.
حقوقی و جزائی ایشلره

یتیشیک‌لیک ادیان وزارتخانه یا
اداره، اوزال اونگسا عدلیه دییپ
آیدیلیاردی، دعوالارا یتیشیک‌لیک
ادیان یۆریته اداره.

دادن dād-an: مص. م. برمک، بیر
زادی بییرینه تابشیرماق،
باغیشلاماق، قاوشیرماق.

دادنامه dād-nāme: ا. مر.
دادگانینگ حکمی یازیلان یارلیق،
کاغذ، حکم خطی، فرمان خطی.

داد و بیداد dād-wa-bidad:
قیق چیق، جار چکمه، قیقیلیق.

دادور dād-wār: ص. عادل عدالتلی.

دادوستد dād-o-setad: ا. مص.
آلیش بریش، سؤودا ساتیق.

دادوفراد dād-wa-faryād: ا. مر.
قالماغال، قیقیلیق.

دادیار dād-yār: ا. مر. دادستانینگ
اورین باساری، کۆپچولیک وکیلی.

دار dār: ا. آدمی داره آسیلیان آغاچ،
دار آغاجی.

دار dār: ا. [ع] ۱. اوی، سرای ۲.

شهر و طایفا معنیده، دیار جمعی.

دارا *dārā*: ص. بارلی، زادلی، ماللی

قارالی، قورپلی بای.

دارائی *tdārā'i*: ۱. بایلیق، مال ملک

سرمایه ۲. ییغیرچیق یوپک

پارچانینگ آدی، دارائی.

دارائی *dārā'i*: ۱. سالغیت - مالیات

آلیسان اداره، یوردونگ

گیردهجی سینه و چیقداجی سینا

یتیشیکلیک ادیان اداره.

دارابی *dārābi*: ۱. پـرتقال

ماشغالاسیندان بۆلان اوندان

اولی راق ترشی لنج لیمون و ترنج

تاویره میوه.

دارابی *dārābi*: ص. ن. دارا شهرینه

باغلی بۆلان آداملار.

دارالامان *dār-ol-amān*: ۱. مر. [ع]

امنیتی و خوف سیز و دینچلیق و

اراحتلیگی بۆلان جای، کرمان

شهری نینگ ایلکی آدی.

دارالبقاء *dār-ol-baqā*: ۱. مر. [ع]

قیامت، آخرت، محشر.

دارالخلافة *dār-ol-xalāfe*: ۱. مر.

[ع] خلافتینگ مرکزی، اسلام

خلیفه سینینگ بولیان جای،

دوینیه یان یرى، قدیم قاجارلار

زمانینداکی، تهرانینگ آدی.

دارالسلام *dār-ol-salam*: ۱. مر. [ع]

۱. ساغلیق سرائی، بهشت، جنت

۲. بغداد و دمشق شهرلارینگ

لاقامی.

دارالفنون *dār-ol-funun*: ۱. مر. [ع]

دورلی هنرلری اوره نیلیان جای،

۱۲۶۸ -نجی هجری قمری ییلده

آجیلان تهرانده بیر دبیرستانینگ

آدی، اروپا-ده بۆلان یوقار

مدرسه لرینگ فرمینده، ناصرالدین

شاه نینگ زمانینده امیرکبیرینگ

همتی بیلن تهرانده سالنیپدیر.

دارالمجانین *dār-ol-majānin*:

۱. مر. [ع] دالی ساقلانیان جای،

دالی خانه، دیوانه خانه.

دارکوب *dār-kub*: ۱. مر. داش

دشن، آدیندا بۆلان قوش.

دارو dāru: ۱. دوا، داری درمان.

داروخانه dāru-xāne: ۱. مـر.

دواخانه، یوریته درمان ساتیلیان
دکان،

داروغه dār-uqe: ص. [ت] هر بیر

توپارینگ یا صنفینگ باشلیغی،
اوبانینگ باشلیغی، یاش اولی سی،
قدیم دوویرده شهری قوراپ
ساقلایان قاراوئل لارینگ
پاسبان لارینگ باشلیغینا بریلیان
آد.

داروینست dāru-inist: [انگ]

داروین نینگ علمی یؤلونی
ایزارلایان، داروین یولی ایهریان،
داروین نینگ ایزینا دوشیان.

داروینسم dāruwinism: ص.

[انگ] انگله، داروین علمی،
داروین نینگ برن تتوری سی، یول
یورداسی.

داس dās: اوراق، اوت دیر و آریا

بوغدای یالی نارسانی اوریلیان
قوزال.

داستان dāstān: ۱. قصه، باشندان

گچن، افسانه، حکات، دسمان،
داس dās: ۱. تامدیر، کوره، یوریته
کریچ و کوزه و ش، م. بیشیریلیان
تامدیر.

داشتن dāštan: مص. بار بؤلماق،
بؤلماق، بارلیق.

داغدار dāq-dār: ص. داغلی،
داغینگ اثری بار بؤلان، داغیده،
مصیبت باشینا دوشن.

داغدیده dāqdide: ص. اوغلی و یا
قارینداشلاری نینگ اولماگیندان
یورهگی یانان، یورهگی داغلی،
یورهگی اینجان، یورهگی داغلی
مصیبت باشینا دوشن،

داغ کردن dāq kardan: مص. م.

قاتی قیزدیرماق، کوزلی دمیر بیلن
انسانی یا حیوانینگ اندامینی
تاغما باسماق، اشک، سیغیر یا آط
یالی مالا تاغما باسماق.

دال dāl: ۱. قاراقوش، بیرتیجی قوش،
یابان قوش، آولایجی قوش.

دال (l)dāl: ۱. فا. [ع] یول گورکزجی،

دلالت ادیجی، یولا سالیجی.

دالان t.dālān. اوستی اورتگیلی،

زال، هاودان.

دام dām: ۱. ۱. یابان حیوانی، کییک،

سوغین ۲. قویون، سیغیر، آط،

دویه یالی باقیلیان و ساقلانیان اوی

حیوان لاری.

دام dām: ۱. [فر] خانم، بی بی،

خاتین، عیال، ایکی نفرلیک توغلاق

مهرلی شطرنج، اویولی.

دام dām: ۱. قاپان، دوزاق، تور،

دارادان.

داماد t.dāmād. کۆزهکن، گییه و

دامان t.dāmān. (= دامن) اتک،

سین.

دامپرور dām-parwar: ص. فا. مال

باقیان و ساقلایان.

دامپزشک dāmpezešk: ۱. امر. مال

قارانینگ حیوانلارینگ طبیبی و

دکتري.

دامن dāman: ۱. اتک، قیرا، سین.

دامنگیر dāman-gir: ص. فا. اتک

توتیجی، اتکی ساقلایجی، کنایه

سوزی بیریندن یا بیر زاتدان بیرینه

یتیشیان آلجیرانگیلی سلتنگ و

آدامی ساقلاماغا و دورماغا مجبور

ادیان زات.

دامنه dāmane: ۱. اته گه منگزش،

اتک، قیرا یالی، داغینگ اته گی،

دمانا، داغ اته گی.

دان dān: ۱. دانه، اوتونگ توخمی،

بۇغداي، داری، شَانیک، اییمیش

توخمی.

دان dān: پساوند، کلمه نینگ

آخرینده گلیان سویرلتگی، یر و

اورین و قاپ ماغلاردا، چایدان،

یاغ دان، دیین یالی.

دانا dānā: ص. فا. بیلجی، بیگیچ،

عالم، عقلدار، دانا، عقللی،

پایخاسلی.

دانستن dānestan: مص. ل. بیلیمک

و آگاه بۇلماق، بیلیمک، تانیماق، بیر

مطلبه یا بیر زادا دوشونمک درک

اتمک.

دانش t.dāneš. مص. بیلجی لیک،

بیلیم‌لی‌لیک، علم‌لی‌لیق، دانالیق،

فراستلی‌لیق، پایخاس‌لی‌لیق.

دانش آموز dāneš-āmuz: ص. فا.

بیلیم اوورنیان، شاگرد مدرسه،

اووقوچی.

دانشجو dāneš-ju: ص. فا. دانش

طلب ادیان، دانشگاه‌ده اوقییان،

یوقار اووقی اوقییان، طالب.

دانشسرا dāneš-sarā: ص. مر. علم

اوی، بیلیم اووردیلیان جای، اووقو

جایی، معلم تربیه بریلیان جای،

معلم تربیه‌لنیان یر.

دانشگاه dāneš-gāh: ص. مر. تمام

علم‌لارینگ تدریس بولیان

مدرسه‌سی، بیلیم و علم جایی،

ناچه دانشکده‌دن عبارت بولیان

اولی علمی اداره، اونیورسیتته، یوقار

اووقو جایی.

دانشگر dāneš-gar: ص. علم

بیلیم‌لی بۆلن دانشمند، دانش

اهلی.

دانشمند dāneš-mand: ص.

بیلیم‌لی، دانا، عالم، فراستلی.

دانه خورخا کستری dānəxor-e-xākestari:

چیرلاق.

داهی dāhi: ص. [ع] هوشیار، زرنک،

فهملی، فراستلی، ده‌هه جمعی.

دایه dāye: ا. ص. اووی انه، انه‌که،

انه‌لیک، بیرینینگ چا‌غاسینا

سویت بریپ اکلہ یان عیال.

داب dāb: [ع] اندیک، عادت،

قیلیق، یول یوردا، داپ دس‌سور.

دباغ dabbāq: ا. ص. [ع] دری

ایلیجی، حلال اولیان حیوانلارینگ

دریسینی خامینی ایلاپ بجریان

آدام.

دبستان dābestan: باشلانغیچ

مکتب، مدرسه.

دبه dābbe: [ع] یاغ و ش. م. زادی

قویولیان قاپ، فارس‌چا لورانک

دییلیار، ترکمنچه دبه دیپیده

آیدی‌ارلار، دباب جمعی.

دبیر dābir: ص. یازجی،

دبیرستانده شاگردلره درس بریان

آدام، اورتامکتبده طالپلارا سافاق
بریان آدام.
دبیرخانه dābir-xāne: ۱. مر.
اداره‌نینگ بیر بۆلومی، بوتین
خطلری نامه‌لاری یازیان اداره‌نینگ
بیر بۆلومی، اداره‌نینگ یازو
ایشلرینی برجای ادیان بۆلومی.
دبیرستان dābir-estān: ۱. مر.
اؤرتامکتپ، ابتدائی‌نی یعنی
باشلانغیچ اوقووی قوتاریپ سۆنگ
اوقۇوا دوام بریلیان اؤرتا مکتبی.
دجاج [dojā]: [ع] ماکیان، تساویق،
دجاج دجج جمعی.
دجال [dajāl]: [ع] مالینگ تزه‌گی.
دجال [dajjāl]: ۱. ص. [ع] ۱. قیزیل
سووی، آلتین سووی ۲. قاتی
یالانچی، کذاب، آلدایچ آدم، آخر
زماندا مهدی‌دن اونگ اشه‌گی بیلن
تاپیلجاق کذاب آدم، کوپ آداملار
اوندان آلدانیپ تۈۈرگنه ییغنانجاق
اکن‌لر.
دچار dočar: ۱. ص. قولى باغلى،

باغلى، بلا اولاشان، محنته دوشن،
دوچار. دچار شدن: بیر زادا اولاشان،
بیرینه دوشوشماق.
دخالت dexālat: بیرى نینگ
ایشینه گیریشمک، داخل بۇلماق،
بیری نینگ ایشینه قاتیشماق.
دختر doxtar: قیز.
دخل daxl: مصر. [ع] قازانماق، بهره
آلماق، گیردايچی، پیدا خرجینگ
ترسی.
دخمه daxme: ۱. سرداب، یرینگ
آشاغینداکی اوی، گور، قبر.
دخول doxul: مصر. [ع] گیرمک.
دُر dor(r): ۱. [ع] قیمت بهاء داش،
بهالی داش، مروارید، درر جمعی.
در dar: ۱. ایچ، کا ماحال دسلاپ
مصدرینگ (فعلینگ نامعلوم
فورماسی‌نینگ) اونگیندان گلیپ
اۈنۈنگ معنی‌سینی بیر آز
اویتگدیار، مثلاً: آمدن (کلمک) در
آمدن (داشار چیقماق) آوردن
(گیتیرمک)، درآوردن (داشار

چیقارماق)، آویختن (آسماق)، در
آویختن (آسیلماق / یاقالاشماق) در
آمیختن (یاناشماق) یالی.

در dar: ۱. قاپی.

درآمد dar-āmad: ۱. مر. بهره،
گیردهجی، اله گلیان پیدا، نپ.

درآوردن dar-āwardan: مص. م.
داشاری چیقارماق، گوزه گورکزیمک.
دونگدرمک.

دراج dorraj: ۱. [ع] توراج، کویلنچ
اکرانچیلیقدا یاشایان قوش.

دراز derāz: ص. اوزی——،
چکیملی، اوزیناق، سویری، قیسفا
دال، دارتیملی.

درازا derāzā: ۱. اوزینلیق.

دراز کشیدن derāz kešidan:
مص. ل اوزانماق، آرقایین اوزانیپ
یاتماق.

درام tderām: [فر] نمایش، داستان،
حکات، قینانچلی گولکی بیله همراه
بۇلان حقیقته یاقین داستان یا
نمایش.

دراماتیک derāmātik: ص. [فر]
آگیرت و گنگ قالدیریجی حکات،
تولقوندیریجی ارتهکی، اونسنگ
اؤزونه چکدیریجی داستان.

درانی darrāni: ۱. افغانستاندا
یاشایان بیر طایفانینگ آدی.

درایت derāyat: مص. [ع] بیلمک،
خبرلی بۇلماق، دوشینمک، گوز
یتیرمک. سوزی اوتگیرلی لک.

درب darb: ۱. [ع] اویسینگ اولی
قایسی، قاپی، اولی قاپی، دروازه،
دروب جمعی.

دربان dar-bān: ص. مر. قاپی
قراویلی، کوشک قاپیسینی
ساقلايیجی، قافیچی.

دریدر dar-be-dar: ص. آواره،
سرگردان، قاپی قاپی قاقیپ
سیرپ یورن، ساللاخ، اوی سیز
اشیک سیز، اویندن ایلیندن داش
دوشن. دریدری: یایناماقلیق،
سرگردانلیق، قاپی قاپی
قاقماقلیق.



دربست dar-bast: ص. یـؤریتـه

بوتین آدمینگ ارکینده بۆلن اووی،
و یا ماشین یالر وسیله،

دربند dar-band: ص. مر. اووی

توتوق، قاباغلی قاپیلی کوچه،
داغده اینچه این سیز دار یول، دره،
۲. اوبا، قالا معنیده.

درج darj: مص، [ع] بیر زادی بیر

زادا دولماق، کتابه یا روزنامه بیر
مطلبی یازماق، خطده یازغی ده بیر
زاد یازیلغی بۆلن

درج dorraj: ۱. [ع] صاندیجاق،

قیزیل کوموش سالینیان
صاندیجاق، ادراج جمعی.

درج daraj: [ع] باسسانجاق معنیده،

جمع درجه.

درجا dar-jā: ق. یرلی، یرینده، اوز

یرینده، دوران یرینده دورماق.

درجه tdaraje: [ع] پاپه، مرتبه، پله،

درجه، درجات جمعی.

درحال dar-hāl: ق. شولحال، شول

ساعت، شول لحظه ده، شول

یاغدایدا، درووه درحال.

درخت deraxt: ۱. آغاچ، اوزین

شاخه لاری اوزین کوکلی و کوپ
یاپراقلاری اوسوملیک، باغ.

درختکاری tderaxt-kāri: مص.

آغاچ اکمک، یاش آغاچ اکمک، نهال
اکمک.

درخش tdoraxš: یـاغـتـیلـیق،

پارلاق لیق، آیدینگ لیق، برق.

درخشش deraxšēš: یـالـپـیلـدی،

پارلاق، ییلدیراویق.

درخشان deraxšān: ص. فا. یاغتی

بریجی، آیدینگ لایجی، پارلاق،
ییلدیرایان، یاغتیلیق بریان،
یالدیدراویق، اوووسگین.

درخشیدن deraxšidan: مص. ل.

یالپیلدماق، ییلدیراماق، برق
اورماق، یاغتیلیق برمک، پارلاق لیق،
اوشین آتماق، پارلاق، یاغتی لانماق.

درخواست der-xāst: ۱. مص.

ایسته مک، خوایش، ایسلگ،
یالباریش، ترخوس.

درد dard: ۱. خسته‌لیق، ناخوشلیق،
مریض‌لیک، ناساغ‌لیک، آزار، کسل،
درد.

دُرد dord: ۱. شرابینگ لایی و آشق
چوکه‌نی، نۆده‌ره‌سی (لۆدوره).
دردآلود dard-ālud: دردناک،
دردمند، دردلی درده دچار بۆلن
درده یوغورلان.

دردمند dard-mand: ص. خسته،
سیرقاو، ناخوش، دردلی، اینجیلی،
ناساغ، کسللی، ایزالی‌ایکلی.
دردنساک dard-nāk: ص. دردلی،
آغیری‌لی، اینجیلی، دردآور هم
دبییلیان.

درد رفتن dar raftan: مصل.
سپماق، قاقماق، آرانی آچماق،
قاجیپ چیقماق.

دردز dardz: دیشیک، دیلیک، ایریک،
ایشغالانگ.

درس tdars: [ع] درس، سافاق،
دروس جمعی.

دروست dorost: ص. ۱. سالم،

دوغری، دوز، دوست، کامل، دۆلی،
عیب‌سیز، ۲. امین، برک و قیزیل،
کومیش، دوغری چیل.

درستکار dorost-kār: ص. فا.
دوغرۇچیل، امین، اینام‌دار آدم،
ایشینی دوغری‌لیق بیلن عمل
ادیان آدم.

درشت dorošt: ص. اۆلی، یوغین،
ایری، قاتی.

درشکه tdoroške: روسی سوزدن.
آلینان، دورت تیگیرلی آرابه، آرابانگ
بیر هیل بیر گۆزنوشی.

درفش derafs: ۱. اوچلی دمیر، سیخ،
بیز توغ.

درفش dorafs: ۱. بلگی، علامت،
بایداق، یالو قوشونینگ اونگیندن
کیدیان بایداق، توغ.

درفشان dor-afšan: ص. فا. ۱.
ییلدیراویق، پارلاق، آیدینگ ۲.
تیتراویک و لرزان دیسپیده
آیدیلیب‌دیر.

درک dark: ۱. دۆشۆنجه، دۆینی،

بیلیم.

درک dark: مص. بیر زادا یتیمک،

آرزونگه یتیمک، ایزینا یتیمک،

حاجاتینگه یتیمک.

درکار darkār: ص. لازم، گرکلی،

ایشه قویماق. درکار داشتن: ایشه

اکیتیمک.

درگاه dargah: ا. مر. ایشیک، قاپی،

اونگی، بوساغا، درگاه.

درگذشت dar-gozašt: ا. مص.

دنیادن گچمک، اولمک، وفات

بؤلماق.

درگذشتن dar-gozaštan: مص. ل.

گچمک، گیتیمک، اولمک،

بیری نینگ گناسیندن گچمک.

درگیر dar-gir: ص. گرفتار، گیره

دوشن، الی باغلی، قولى باغلی.

درمان dar-mān: علاج، ام، درمان.

درماندگی dar-māndegi:

بیچاره‌لیک، عجیزلیک، قول

یوقالیق، الدارلیق.

درماندن dar-māndan: مص.

عجیزلمک، ارید یاغدایا دوشمک

بیچاره بؤلماق، پسلمک.

درمانگاه darmān-gāh: م. کیچی

بیمارستان، کیچی خسته خانه،

مریض‌لری آفاق اوستوندن علاج

ادیلیان یر، کسل خانه.

درمنده darmande: ص. بیچاره،

عجیز، یاراماز.

درمنه darmane: ا. یاوشان.

درنا dornā: ا. دُرنا.

درنده darande: ص. فا. ییرتیچی

حیوان، قاپلانگ - یولبارس یالی

حیوان.

درنگ derang: ا. ۱. زنگ سسی،

ایکی زادینگ: بیر بیرنه دگمه گیندن

چیقیان سس، ۲. ساقلانما، گیجا

قالمه، هاولینمازلیق، یوواشلیق

ماغنالاردا.

درو draw: ا. مص. آرپا، بۇغداى یا

اوتی اورماق، اوراق بيله اورماق.

دروازه darwāze: ا. اولی قاپی،

قلانینگ یا شهرینگ دروازه‌سی،

ایلیکی اویا شهره گیریلیان یر.

درد dorud: ۱. دعا، سلام، رحمت، ثنا.

دردوگر dorud-gar: ۱. ص. آغاچ اوستاسی، آغاچ ایشی بیلن قیزیقلانیان اوسسا.

دروغ doruq: ۱. یالان.

دروغ پرداز doruq-pardāz: ص. یالان سوزله یان کذاب، یالانچی، یالان زادلاری یاییان.

دروغگو doruq-gu: ص. فا. یالانچی، کذاب، شبیت.

دروگر deraw-gar: ص. فا. اوراقچی، اوراق اوریان.

درون darun: ۱. ایچکی بیر زادینگ ایچکی، ایچ، داش دال ۲. یورک و گیزلین ماغنالاردا.

درویش darwiš: ص. قناعتلی، الی قولى دار، قلندر، عجیز. درویشی: قولى دارلیق، زادسیزلیق، صوفی چیلیق.

دره dare: ۱. قول، دره، ایکی داغینگ

آراسی.

دره tderre: [ع] ۱. شاللاق، قامچی ۲. قان و سوید و بؤلچؤلوق معنیده

دیپیده آیدیلیار، درر جمعی.

درهم darham: ص. قاتیشیق، قاریشیق، چاشغین، وارتارخم.

درهم derham: ۱. [ع] یونان سؤزوندن آلینان، درم، قدیم بیر قیران، نقد پول، ساسانی لاردان مغلولرینگ دوره سینه چنلی ایشلنن رواج بۇلان بیر قیرانا برابر پول. کومیش پول.

دریا daryā: ۱. دنگیز، بحر، دریا.

دریابان tdaryā-bān: ص. دریا گویچ لری نینگ اولی افسری، دریانگ ایکینجی امیری.

دریاچه tdayā-če: گول کیچی دریا، کیچی دنگیز.

دریادار tdaryā-dār: ص. دریا گویچ لری نینگ اوچونجی امیری.

دریا سالار tdaryā-salār: ص. بیرینجی دریا امیری.

دریافت t.dar-yāft. مص. ۱. آلماق،

بیریندن پول آلماق، ۲. دوشونمک،

بیر زادینگ آنگریسینا و ایزینا

یتمک.

دریافتن dar-yāftan: مص. ل. م.

تاپماق، بیر زادا یتمک، بیر زادینگ

ایزینا یتمک، دوشونمک، آلماق،

بیرینه کمک ادیپ بلادان

قوتارتماق.

دریا کنار daryā-kenār: دنگیزینگ

قیراسی، کناری، دنگیزینگ

یاقاسی.

دریانورد daryā-naward: ۱. ص

فا. گامیچی، گامی بیلن دریا

یوزونده یوللاقیلیق ادیان،

مسافرچیلیغا گیدیان.

دریچه dariče: ۱. اوی پنجاراسی،

کیچی قاپی.

دریدن daridan: مص. م. ل.

بیرتماق، دیلمک، یارماق.

دریغ dariq: ۱. اوکونج، قینانج،

حسرت.

دریغ نکردن dariq na-kardan:

آیاماسیزلیق.

دزد dozd: ص. قاراقچی، اوغری.

دزدیدن dozdidan: مص. م.

اوغورلاماق.

دژ dež: ۱. قلا، قالا.

دژیان t.dež-bān: ص. قالانینگ

قاراویلی، قالا ساقلوی.

دژخیم dožxim: ص. خیرسیز،

جلاد، یاتاق سیز، قیلیق سیز،

میرغضب.

دست dast: ۱. ال، قول.

دستار t.dastār: یاغلیق، سلّه، پش.

دستارخوان t.dastār-xān: اولی

سفره، ساچاق، سفره، دسترخان.

دست افشان dast-afšān: مص.

سپمک، یره تخم سپمک.

دستان t.dastān: ال لر، جمع دست.

دستان t.dastān: ۱. حیلّه، حقه، ۲.

حکایت، ارته کی.

دست انداختن das-andāxtan:

ص. م. بیر زادا ال اوزاتماق، کنایه

سۆزۈندىن مسخره اتمك، يوبالاماق،
كمسيتمك، يانگسيلاماق.

دست انداز dast-āndaz. ۱. ال
قويماغا ممكن بۇلان زات، توقونما،
ال قاتماق ۲. قازغاناق، چاقير
چوقير معنيده.

دستاويز dast-āwiz. ص. مر.
سايلاق، بهانه، وسيله، ال اگري، ال
دولما هم دييلىپدير.

دست باف dast-bāf. ص. ال بيله
دوقولان، ال بيله دوقولماق، الده
دوقولماق.

دستبرد dast-bord. م. ص.
اوغرى ليق، غارت، چپاول.

دستبند dast-band. ۱. بيله زيك،
النگو، (قىزىل كوميشدان) ۲.
اوغرى نينگ يا خيانت اده نينگ
الينه اوريليان دمير حلقه.

دست بوس dast-bus. ص. فا.
بيري نينگ اليني اوغشاما، اوپمه.

دست پاچه dast-pāče. ص. مر.
قيساقلى بۇلماق، آلجيرانگ ليق،

كنايه سوزى هاوليقماق، اوزونگى
ييتيرمك ليك.

دست پخت dast-pox. ص. مف.
ايميتى اوز الى بيلن بيشيريان،
تاييارلايان.

دست تنگ dast-tang. ص. مر.
يوقسول، الى دار، الى يوقا.

دست تنگى dast-tangi. الى
دارليق، قولى يوقاليق،
يوغسول ليق.

دست چين dast-čin. سايلاما، الده
يغيلما سچيلما.

دستخط dast-xat. ص. مر. خطى اوز
الى بيلن يازان، قوليازما.

دستخوش dast-xoš. بيري نينگ
اويناغى بۇلما، مسخره سى بۇلان
بيچاره، قول آستى ليق.

دست دادن dast dādan. م. ص. ل.
۱. ال برمك، بيري بيله اللشمك،

الينگى برمك، شرط نامه باغلاماق،
بيل باغلاماق، ۲. اله گللك، اونيم،
آلماق.

دست درازی dast-derāzi: م.ص.

حلقینگ مالینا ال اوزاتماق، بیرینه

ظلم اتمک، ال اوزاتماق، ال سرمک.

دسترس dast-ras: م.ص.مر. آنکسات

لیق بیله اله گلیان، ال یتیان، ال

یترداکی قولا سالماغی آنکسات

بۇلان، ال یترده بۇلان.

دسترنج dast-ranj: م.ص.مر.ال عذاب،

زحمتدن و ایشردن اله گلیان حق،

ال عذابی.

دست شستن dast šostan: م.ص.ل.

ال یووماق، و کنایه سوزی بۇلۇپ

نامید بۇلماق، ال یوویپ بۇش

چیقماق.

دستشویی dast-šu-i: م.ص.مر. ال یوز

یوولیان چورنوکلی آبزال.

دستفروش dast-foruš: ا. ص. فا.

کوچه لرده بازارلرده زادینی آیلاپ

ساتیان آدام، گوچه ساتیجی.

دستکش dast-keš: ا. ص.مر. بیر

زادا ال چکیان ال چکیلیان زات.

دستکش dast-keš: م.ص.مر. اللیک.

دست کشیدن dast kešidan:

م.ص.م. ل. ۱. بیر ایشدن یا بیر

زاتدان ال چکمک، ال سییماق، ۲.

بیر ایشدن فارغ بۇلماق، دینماق

معنیده.

دستگیر dast-gir: م.ص. فا.

قولدا یجی، یاردام بریجی،

قولدا وچی.

دستگیره dast-gire: ا. توتالغا،

قافینگ توتاری، توتاواچ، قافی

آچیپ یاپماق اوچین، قویلیان،

توتاری، قازانینگ توتاری.

دستگیری dast-giri: کمک

بریجی لیک، حارای لیک،

بیری نینگ الین نوتماق لیک،

کمک اتمک لیک.

دستمال dast-māl: م.ص.مر. یاغلیق.

دستمزد dast-mozd: م.ص.مر.مزد، ال

عذابی، کیرایی، ال زحمتی، زحمت

حق، زحمت حق.

دست نشانده dast-nešānde: م.ص.

مف. باشقا بیری نینگ گویجی و

اراده‌سی بیلن ایشه قویلان آدام،
باشقا بیر آدامینگ دستوری بیلن
ایشله‌یان مقام‌دار، دیکمه،
اوتورتمه.

دست نماز dast-namāz: نمازه

طهارت قیلماق، طهارت.

دستور dastur: قاعده و قانون،

دوزگون، یول یورده، رخصت

بو یروق.

دستور dastur: ۱. ص. مقام ایه‌سی،

وزیر، مصلحت‌چی.

دسته daste: ۱. توتار، ساپ، ال

اندازه سینده بۇلان زات قیلیچ یا

قاما یالی زادینگ دسته‌سی، گل

دسته‌سی، کاغذ دسته‌سی، بوغی

کوپ آدم‌لار بيله بیر یرده بۇلماق.

دستیار dast-yār: ص. حارای

ادیجی، کمک بریجی، اورون

توتیجی، کمک‌چی، قولداوچی،

قول توتوچی.

دست یافتن dast-yāftan: مص. م.

بیر زادا و یا بیرینه مسلط بۇلماق،

اوستون چیقماق، ینگمک، اله

گتیرمک، اله سالماق، قولا سالماق.

دسیسه dāsise: [ع] آل، مکر. حيله،

گیزلین‌لیک، گیزلین‌لیکده

دوشمانلیق بيله و حيله یوزوندن

انجام بریلیان ایش.

دشت dāšt: دوز، چول بیابان،

صحرا، یابان.

دشت dāšt: دستلاف، ایلکی بیلن.

دشتبان dāšt-bān: ۱. ص. قاراویل،

ساقچی.

دشمن dōšman: ص. یاغی، یاو،

دوشمان، بیرینینگ یامان‌لیغینی و

زیانینی ایسله‌یان و اوندان کینه

ساقلایان آدام، غانیم.

دشنام dōšnām: ص. مر. تلکه سوز،

سوگینچ، یاراماز سوز، پایش سوز.

دشنه dešne: ۱. ساویق یاراغ، پیچاق،

قاما، خنجر.

دشوار dōšwār: ص. قین، چتین،

مشکل، آنکسات بۇلما‌دیق.

دعا dō'a: [ع] ایسلک، خدای

تعالی‌دان ایسلگ‌لیک، خدای
تعالی‌دان حاجت دیله‌مک،
مناجات، دعا.

دعوت da'wat: مص. چاغیریش،
چاقیلیق.

دعوی da'wi: مص. [ع] اؤرؤش،
جنجل، داوا، سوکینچ.

دغدغه tdaq-daqe: [ع] طمن
اتمک، غیبت اتمک، بیرینی دورتوپ
گولدورمک، قورقی، تشویش، گؤزلی
درلیک، اینجالیق سیز

دغل daqal: ص. نادوغری، حيله‌گار،
مکیر.

دغلکار daqal-kār: ص. مر. مکار،
حيله‌چی، حيله‌گار.

دفاع defa': مص. [ع] قورانما،
بیریندن حمایت اتمک، تله‌که‌لیگی
و آزاری اوزینگدن و غیره‌دن داش
اتمک، وطنی، نامیسی و
حقوقینگی دوشماندان قوراپ
ساقلاماق.

دفتر daftar: ا. کتاب شکلینده

دویی تیکیلن بیر دسته کاغذ،
دفتر.

دفترچه tdaftar-če: کیچی دفتر،
دفترچیک.

دفترخانه daftar-xāne: امر. نکاح

دیرو و طلاق یا سودا ساتیق
سندلری قول چکیلپ رسمی
دفترده ثبت ادیلیان جای. (دفتر
اسناد رسمی آدیندا)، محضر
جایی.

دفتردار tdaftar-dār: ص. یازوو و

حساب حسیب ایشلرینی آلیپ
باریان آدام، دفتر ایشلری بیلن
قیزیقلانیان.

دفع daf: مص. [ع] قوراماق، قاوماق،
قایتارماق، یانینگدان قاوماق،
داشاسالماق، گچیرمک.

دفعه dafe: ا. [ع] بیر دفعه، بیر
گِزک، بیر نوبتدا گچیرمک،
آییرماق، ساپار-یولا.

دفن dafn: مص. [ع] بیر زادی یره
گوممک، اولینی جایلاماق.

گومک، یرله مک.

دڤناس: defnās: ص. [ع] آقاماق،

تنتک، باخیل، گوریپ.

دق: tdaq(q): [ع] پارچانینگ،

ماتانینگ بیر گورنوشی.

دقایق: daqāyeq: [ع] (= دقائِق)،

دقیقه لار، مونوت لار.

دقت: deqqat: ——— ص. [ع]

اینچه لیک، اینچه دن ایزارلامه،

ی——ومشاقلیق، اونس-آلادا

برمک لیک، دقت.

دقیق: daqiq: [ع] ا. ص. اینچه،

یومشاق، ییتی، تاقیق .

دقیقه: daqique: ا. ص. [ع] دقیق

سؤزونگ مونشی، اینچه، ییتی سوز،

ساعتینگ آلتیشردان بیرى.

دکاکین: dakākin: [ع] دکانلر، جمع

دکان.

دکا گرم: dekā-garam: [فر] ۱۰

گرم.

دکالیت: dekā-litr: [فر] ۱۰ لیتر.

دکامتر: dekā-metr: [فر] ۱۰ متر.

دکان: dokkān: ا. [ع] ایچینه زات

ساتیلیان جای خیابانینگ کنارینه

بۇلان دکانلار.

دکتر: doktor: ا. [فر] عالم، علمینگ

بیر پوداغیندا، طیب چیلیکده،

ادبیاتده، دیلده، فلسفه ده،

حقوقده، و یا بیله کی بیر علمده

اینگ یۇقاری درجه ایه بۇلان آدام،

اول حکمان بیر علمی درنگو

اداره لاری نینگ علمی

شوراسی نینگ عالم لاری نینگ

اؤنگونده اوز تۇیلان علمی بارادا

قوراغ اتمه لی.

دکترا: dktorā: [فر] دکترا لیق

درجه سی، دکترا لیق رتباسی.

دکلمه: deklame: [فر] بیر مطلبی

قیغریپ قیزیقلی یاتدان اوقیماق.

دکمه: tdokme: دوکمه، کلید.

دکور: dekor: ا. [فر] آوادانلیق، بزک،

گورنوش، پرده، تماشاخانینگ

گورنوکى.

دکه: tdakke: [ع] کیچی جیک

دوگان، دوکانجیک، دکاکی جمعی.

دلال dalāl: مصر . [ع] ناز اتمک،

کرشمه اتمک، عیالینگ آرینه ناز

اتمگی.

دلāl tdallāl: ص. [ع] ساتیجی بیله

آلیجی نینگ آراچی سی، ساتیجی

بیله آلیجی نینگ آراسیندا بۆلن

سودانی یولا بریان، دلال.

دلالت delālat: مصر . [ع] یولا

سالماق، دوغری یولا سالماق.

سوزینگی برکیتیمک اوچین

کتیریلیان دلیل.

دل انگیز del-angiz: ص. فا.

انسانینگ یوره گینی آچیان زات،

شادلان دیریجی.

دلاور del-āwar: ص. دل آور، باقیر

غایراتلی، سواشجنگ، قورقمازاق.

دلاویز del-āwiz: ص. یورک

قواندیریجی، یورک سویجی،

یورک ایستیجی، خالانیان، میللی،

سوییلیان.

دلایل dalāyel: (= دلائل) [ع] جمع

دلیل لر، دلالت لار، توتاریق لار.

گر degar: ق. ص. باشغا، غیری،

آیری.

گرگون degargun: ص. مر.

اویتگمه، دگیشمه، باشغا هیللی،

اوزگیش، آیری جوره.

دل tdel: یورک.

دل آزدن del āzordan: مصر . م.

بیرینی اینجیتماق، کونگلنه

دگمک.

دلار tdlār: [انگ] آمریکانینگ

واحد پولی، ایالات متحده نینگ

پولی.

لارām del-ārām: ص. فا. دل آرام،

یوره گه دینچیلیق بریجی، دویپ

دینچیلیق مایه سی بۆلن محبوب،

دلبر، سویگیلی.

دل افروز del-āfruz: ص. فا. یورک

یاغتی لاندیریجی، یورک

شادلان دیریجی، یوره گسی

بگندیریجی.

دل افسرده del-afsorde: ص. مر.

قایغیلی، غملی، سوس، توقات.

دل باختن del-bāxtan: مص.ل.

يورک برمک، کونگل برمک، عاشق
بۇلماق، بېرى نېنگ عاشقى بۇلماق،
بېرىنى سويمک.

دلبر del-bar: ص. فا. سويگىلى،

يورک چکيجى، اول آوادانلىغى و
گورنىکلىلىگى بېلن بېرىنى اوزينه
سويدىريان، محبوب، سويوليان،
دىلبر، معشوق، يورک
قويغوندىرىجى.

دل بستن del-bastan: مص.

کونگول باغلاماق، بېرىنه يا بېر زادا
محبت تاپماق و سويمک، عاشق
بۇلماق، کونگول برمک.

دل بند del-band: ص. مر. يورهگه

باغلى بۇلان کونگول قالايچىسى،
يورکدن سويوليان قاوى گويلىيان
آدام، اوغىل قىزو سويگىلى يالى.

دلپذير del-pazir: ص. مف. يورک

سۇين ايسلانى، سويولن کونگول
آلان، حالانان و ياراشيقلى.

دلپاسند del-pasand: ص. مف

يۇقۇملى، حالانان.

دلتنگ del-tang: ص. مر. قايغىلى

غملى، دارىفيان، غصهلى.

دلجو del-ju: ص. مر. کونگول ليک

بريان، کونگول بىرىجى، کونگول
تاپيجى.

دلچسب del-časb: ص. مر. کونگول

سويىجى، قاوى گوروليان،
انسانىنگ سويوپ اونگات گورىيان
زادى، هوزيرلى، عشرتلى.

دلخراش del-xarāš: ص. فا. يورک

ياقيجى، يورک اينجيدىجى،
يورهگى سانجىلايچى، آدامىنگ هر
بېر زاتدان اينجيب عملى بۇلماغى.

دلخسته del-xaste: ص. مر. يورهگى

عملى، قايغىلى، يورهگى قان
باغرى باشلىق.

دلخواه del-xāh: ص. مف. يورک

ايسته مه، کونگل ايسته مه، يورک
ايسله يان و آرزو اديان زادى.

دلخور del-xor: ص. مر. ملول

اينجان، اينجين، آزار يتن.

دلخوش del-xoš: ص. شاد،

خوشحال، کونگل شاد.

دلخون del-xun: ص. مر. یوره‌گی

قان، یوره‌گی اینجان، قاینیلی،

غملی، غصه‌لی، توقات.

دلدادگی del-dādegi: عاشق‌لیق،

کونگل برمک‌لیک، سویمک‌لیک.

دل دادن del dādan: م. ص. ل.

عاشق بؤلماق، کونگل برمک،

بیرینی سویمک.

دلداده del-dāde: عاشق، کونگل

برن، یورک برن.

دلدار del-dār: ص. مر. یورک‌لی،

باتیرغای، سویگیلی، دلبر

ماغلانلاردا.

دل‌دل dol-dol: [ع] ۱. اوقلی کیرفی،

۲. اولی بـویروق ۳. حضرت

علی‌نینک (ع) مینیان آطی.

دلریا del-rubā: ص. فا. یورک

چکیجی، کونگل آلیجی، اوز

آوادانلیفی بیلن آدامینک یوره‌گینی

اوزینه چکیان، آوادان، گوزل.

دل‌ریش del-riš: ص. مر. یوره‌گی

یارالی، گوونی قالان، غصه‌لی،

قاینی‌لی.

دل زنده del-zende: ص. مر.

یوره‌گی دیری، آگاه، سره صاف،

شاد، قیلاولی، کیپی کوک.

دل‌سرد del-sard: ص. مر. ساویق‌لیق،

سوس، امیدسیز، ساوغین‌لیق.

دل‌سوخته del-suxte: یوره‌گی یانان،

حورلانان، مصیبت یتیشان، غم‌لی.

دل‌سوز del-suz: ص. فا. بیرینی‌نگ

اربت یاغداینا یوره‌گی آوآپ اونگا

دوینغی داشلیق بیل‌دیریان آدام،

یوره‌گی آوایان، رحمدار، درد‌دش،

جان کویر، جانب‌کش. دل‌سوزی:

مهربانلیق، رحم‌لی‌لیک، جان

کویرلیک، جانب‌کش‌لیک.

دل‌شاد del-šād: ص. مر. شاد،

خوشحال، بگنچلی، کونگلی

خوش.

دل شکستن del-šekastan:

م. ص. م. اینجیتماق، نا امید اتمک،

کونگله دگمک.

دلگشا del-gošā: ص.فا. یورک

دلشکسته del-šekaste: اینجان،

ناامید.

آچیان، کونگول آچیان، شادلیغا

سبب بولیان صفالی یر.

دلفرب del-farib: ص.فا. کونگول

دلگیر del-gir: ص.فا. قایغی لی،

غملی، تۇتۇق، تۇقات.

آلداویچ، یورک چکیجی، قاوی

دلنشین del-nešin: ص. فا. یوره گه

گورینیان، اوزینه چکیجی.

اوتورمان، یورک حالایجی،

دلُق tdalaq: [ع] یابان پیشیک، یابان

مشیک.

کونگلدن توریان.

دلُق dalq: ا. یئونگدن دوقالان

دلنواز del-nawāz: ص. یورک

درویشلرینگ گیممی، ایچمک.

سویجی، یورک حالایجی، عزیز،

دلُقک tdaqak: مسخره، شوخ،

مهرلی کونگله تسلی بریجی.

شورته، گولدیبریجی، آداملاری

دلو tdaqw: [ع] بدره.

گولدیریان.

دلواپس del-wāpas: ص.مر. گوزی

دلکش del-keš: ص.فا. یورک

یولدالیق، قایغی دا بۇلان، گۆزلی در

چکیجی، یورک حالایجی، کونگل

بولماق.

آلداایجی، اوزینه دارتیجی و

دلواپسی del-wāpasi: گوزی

چکیجی.

یولدالیق قایغی ده بۇلماق لیق.

دلگرم del-garm: ص.مر. دینچ،

دلیر dalir: ص. باتیرغای، باتیر،

خاطر جمع، آرقاین، قایغی سیز،

دوغوملی، قوچاق، غیراتلی،

امیدلی.

قۇجۇرلی، قورقمازاق.

دلگرمی del-garmi: دینچیلیق،

دلیل dalil: ا. [ع] یولباشچی، یول

خاطر جمع لیک، امیدلی لیق،

گورکزیجی و بیر ایشی برکیتمک

آرقاین لیق.



دل

اوجين گتريليان، بهانا، توتاريق،

ثبوت نامه، ادله و ادلاء جمعی.

دم dom: ۱. قويريق، قويريق.

دم tdam: ۱. نفس، بوغلی هوا،

ديميق هوا ۲. جادی و مکير، بير

سالام وقت، بير زادينگ انگرک،

غيرا و کناری ۳. پيچاينگ و

قيلچينگ ييتي طرفی، ييتي يوزی.

دم dam: ۱. [ع] قان، دماء جمع.

دما damā: ۱. ۱. نفس، دم ۲.

قیزغینلیق درجه سی، قیزغین و

ساويق اولچه گی ایسیلیق

دمادم damādam: ق. هر دم، ایزلی

ایزینا، دمه-دمدن.

دمار damār: مص. [ع] يانماق،

هلاک بۇلماق، خراب بۇلماق،

ضايالانماق.

دما سانج tdamā-sanj: مر.

ایسیلیغینگ مۆجبرینی نادرجه

بارانديغینی آنغلادیان قۇرال.

دماغ damāq: ۱. [ع] کله مغزی، ۲.

بوريون.

دماغه tdamāqe. بوريون شکیلينه

بولوپ دريانینگ -دنگيزینگ

ایچینه گيريان یر.

دمان damān: ص. فا. انگرایجی،

مست، قیغیرجی، قهرلی.

دم بخت dam-e-baxt: ص. مر.

چيقاريلماغا يتيشن قیز، دۇرمۇشا

چيقارماغا يتن قیز.

دم بدم dam-be-dam: ق. دمه-

دمدن، هر دم، آز سالیمدان.

دم بریده dom-boride: ص. مذ

قويرینی کسيک، قيسفا قويريق،

کوله قويريق.

دمدار dom-dār: ص. قويریقلی،

قويریقلی.

دمدمه tdam-dame: ۱. مکير،

آداواج، آداملارینگ کفی ۲. لانگارا

و اؤنؤنگ سسی، و عربجا

معنی سی بولسا قهر بیلن

گورله مک بولمالی.

دمده demode: ص. [فر] مُدهدان

دوشن، عاداتدان و یول یوردهدن

چیقان، ایسلگ و داپدن دوشوپ
حالانمایان زات.

دەر damar: ص. یوزلین دوشن،
یوزلین یاتان آدام.

دەساز dam-sāz: ص. فا. یولداش،
سر داش، گورونگدش.

دم کردن dam kardan: مص. ل.
چای دیر و نهاردیر و ش.م. زادینگ
دمینی آلدیرماق.

دمکش dam-keš: ا.ص. آیدیم
آیداندان ایزارلاپ آیدیم آیدیان،
آیدیم آیدیان آدام-دم-دینج بریان
آدم.

دمکش tdam-keš: مر. آشی دمینی
آلدیرماغا قازانینگ اوستونده
قویولیان بۆلک پارچه.

دم گاو tdom-e-gāw: سیغیر
قویروق.

دم گرفتن dam gereftan: مص. ل.
۱. عزاداری دا کوپ بولوپ
قایتالانیپ اوقولیان شعر، نوحه ۲.
ایشدن ال چکمک، دم آلاق، دینچ

آلاق معنیده.

دمل domal: ا. [ع] چیبان.

دموکرات tdemokrāt: [فر] ملی
حاکمیتینگ طرفداری،
دموکراسی نینگ طرفداری،
آزادلیقی ایسته یانلار.

دموکراسی tdemokrāsi: [فر]
ملی حکومتی قورماق، آداملارینگ
حکومتی اؤز الینه آلیپ اعضای
دولتی بلله مک و نماینده لاری
سچمک لیک، ملتینگ اؤز الینه
بؤلماغی.

دمونستراسیون demonesterāsiun:

ا. [فر] سیاسی توپارنینگ
خیابانلاردا ایسلگ و عقیده لیرینی
بیلدیرمک و ثبوته یتیرمک اوچین
یېغناق ادیب یؤریش اتمک لری.

دمیدن damidan: مص. م. ل.
اوفله مک، یلینگ اؤسمه گی،
اوتونگ یردن چیقماغی و
اؤسمه گی، گون دوغماق.

دنائت denā'at: مص. [ع]

پستلیک، نامردلیق.

دنبال tdonbal. ایز، سیرت، ینگسه،

بیر زادینگ ایزی.

دنبه donbe: ۱. قویریق، قوریق باغی،

دالاق، قوینونگ قویروغی.

دنچ tdenj. ص. اوزگه لردن بوش چولا

یر، خلوت.

دندان tdandān. دیش.

دندان آسیا tdandān-e-āsiyā. مر.

آزی، آزی دیش.

دندان پزشکی dandān-pezešk:

۱. ص. دیش طبیبی، دیش دکتري.

دندان درد tdandān-dard. مر.

دیش آغیری.

دندان ساز tdandān-sāz. ص. دیش

بحریان آدم.

دندان شکن dandān-šekan. ص.

فا. ۱. دیش دؤویجی، دیش

دؤویان؛ دیش دؤون ۲. کنايه

سؤزی برک جوغاب برمک، دیل

بیله یانديرماق.

دنداندار dandāne-dār:

دیش-دیش بولان، پیچیغی یالی

دیشلی.

دنده tdande. قاپیرغا.

دنی dani. ص. [ع] پست، نجیس،

بخیل، یاراماز، حسود، ادنیاء جمع.

دنیا tdonyā. [ع] حاضیرکی

یاشاییش، جهان، دنیا.

دنیاوی donyāwi(y). ص. ن. [ع]

دنیا دگیشلی، جهان باغلی،

دنئیوی.

دنئیوی donyawī(y). ص. ن. [ع]

جهانلیق، دنیاایک، دنئیوی، دنیا

دگیشلی.

دو do: ۱. سان (۲)، ایکی.

دو daw: ۱. مصر، یورتماق، چاپماق،

ایلغماق.

دو daw: ۱. مخفف داو، نوبت، گزک،

او یون نوبتی.

دو آتسه do-āteše. ص. ایکینجی

گزک اودونگ اوستونده قویولان؛

نان دو آتسه: برشته چۆرک، قاتی

ماخول بییشن چۆرک.



سان



دوائر

گزک، قایتادان، قایتالاپ ادیلن
ایش.

دوبله duple: ۱. [فر] ایکی برابر،
ایکی اسسه بۇلان، ایکی قات.

دو بهم زنی do-be-ham-zani: آرا
دگیرمه، آرا پوزما، ایکی آدامینگ
آغزینی آلا رتما، شوغول لیق اتمه.

دوبیتی tdo-beyti: مـ.
قوشغی نینگ بیر هیللی، دۇرت
مصراعلی، ریاعی یالی دۇرت
سطریدن دوزیلن قوشغی.

دوپیکر tdo-peykar: اون ایکی
برجینگ اوچونجی سی، عربچه
جوزاء دیلیار.

دوتا do-tā: ص. ایکی قات، بوکور،
کویکی، ایکی اپلم.

دوتار tdo-tār: مر. تامدیرا، دوتار،
سازینگ بیر گۆرنوشی.

دوجین tdo-jin: [فر] اۆن ایکی
ساندان عبارت بۇلان، بسته سی اون
ایکی ساندا بۇلان.

دوختن duxtan: مص.م. تیکمک

دوائر dawā'er: [ع] دائره لار،
اداره لار، جمع دائره.

دوات tdawāt: [ع] مرکب غور
قویولیان قاپ، سویشه.

دوار tdawār: [ع] باش آیلانما، کله
آیلانما، باشینگ آیلانیپ دورما.

دوار dawwār: ص. [ع] اۆز داشینا
آیلانیان زات، باشا زادینگ داشینا
آیلانیان زات.

دوازده tdawāzdah: ساندان اون
ایکی.

دوازده امام dawāzdah-emām:
ا.مر. اون ایکی امام، دوازده امامی:
اون ایکی اماملی، اون ایکی اماما
اینانیان.

دوام dawām: [ع] [ع] همیشه لیک،
باقی لیق، مدام لیق.

دواندن dawāndan: مص. مر.
یورتدیرماق، ایلغاتماق.

دوایر dawāyer: [ع] چنبرلر،
تگه لکلر، جمع دائره.

دوباره do-bāre: ص. ایکینجی



مکس



بن

دوخت و دوز: تىكىجىلىك،
تىكىنچى نىنگ اديان ايشى؛
دوزنده: تىكىجى؛ دوزندگى؛
تىكىجىلىك.

دود dud: ۱. توسسه.

دودمان dudmān: خاندان، ايچرى
ماشغالا، خانمان، طايغه، تيره،
نسل.

دوده dude: ۱. دويده، پچىنگ
تورىاسىندان چىقيان قارا دويت.

دور dawr: مص. [ع] گردش، آيلانىپ
دوران زات، يىل گردشى، دؤوير،
زمان.

دور dur: ص. اوزاق، آليس، داش.

دوران dawrān: مص. [ع] گردش،
فارسچا روزگار، زمان، دؤوير، ايام.

دور اندىش dur-andiṣ: ص. فا.
سونگىن فكر اديان، اويلانشيقولى
ايشىنگ سونگىنا قارايان، سونگىن
فكر اديان آدام.

دور برداشتن dawr-bardāstan:
مص. ل. قاتى گىتمك، گيديشىنى

چالقلاشدىرماق، آرتدىرماق، قاتى
گىتمك، هاوالانماق.

دوربين dur-bin: ۱. صورت
چكىليان قورال، ۲. داشى ياقينا
گتيريان دستگاه، دوربين.

دوردست tdur-dast: ص. داش ير،
اۇزاق ير، ياقين بۇلمادىق ير، آليس.
دورگه do-rage: ص. مر. ايكي

نژاددان بۇلان انسانا دگيشلى
معنىسى، قوما، انه و آتاسى بير
نژاددان بۇلمادىق حيوان و انسان.

دورنگ do-rang: ص. مر. ايكي
رنگده بۇلان آلا، ايكي رنگلى،
يالانچى، حيله گار.

دورنما tdur-namā: مر. آسمانى،
دنگىز قىراسىنى يا داغى،

چمنلىگى گورگزيان صورت يا
نقاشى پردەسى، گورنىش،
دوزلىكده و داغلىق يرداكي صفالى
منظره گورنوش معنى سينده گليار.

دورو do-ru: ص. مر. ايكي يوزلى
پارچه، بير قاپدالى بيله اول بير

بار بۇلان، دوستلى بۇلان، مهربان

يار، دوستى بۇلان.

دوسيه t.dusiye. [فر] پرونده.

دوشاب t.duṣāb. تۇشاپ، خورما و

اوزوم يالى زادىنگ شيرهسى.

دوشادوش duṣ-a-duṣ: ق. گريش

مه-گريش، اؤمۇزما-اؤمۇز.

دوشك doṣak: ا. دوشك،

كۇرفنجه، چۇكجه.

دوشنبه t.do-šanbe. هفتآنينگ

اوجونجى گونى، دوشنبه.

دوشيدن duṣidan: مص. ساغماق،

سويت ساغماق.

دوشيزه duṣize: ص. چيقاريلماديق

قيز، قيز، دۇرمۇشا چيقماديق قيز.

دوغ duq: ا. چال، آيران، سوو چال،

شبيت.

دوغ duq: ا. ايكي ياشان گچى.

دوغاب t.duqāb. مر. سۇو چال،

آهكىنگ سووى يا سمنتىنگ

سووى.

دولت t.dawlat. [ع] بايلىق، مال و

ملك.

يوزى فرق اديان ماتا، سۆزى بيلن

ايشى دنگ بۇلمايان آدم، ايكي

يوزلى آدم، حيله گار، مكير.

دوره t.dawre. [ع] گـردش، بير

زادىنگ داشينا آيلانما، بير گزك

آيلانماق.

دوره گرد dawre-gard: ص. فا.

خيابان و كۆچهلرده آيلانيپ زادىن

ساتيان ساتيجى، گۆچمه

ساتيجى.

دورى dawri: ا. اولى تاباق.

دوزخ t.dawzax. يانديريجي ير،

تله كه ير، گناهكارلرينگ بارجاق

يرى، تاموغ، تامى.

دوزنه t.duzane. ۱. ايگنه ۲. آرى و

چييين يالى مور-مۆجه گىنگ

نيشى، نشترى.

دوزنه do-zane: ص. مر. ايكي

عياللى، ايكي هلىلى آدم.

دوست dust: ا. ص. يار، دوست، خام

- چام؛ دوستى: دوستلوق، سۆيمه.

دوستدار dust-dār: ص. فا. دوستى

دولت t.dawlat. [ع] دولت، حکومت،

دول جمع.

دولتمند dawlat-mand.ص. [ع]

پوللى، مالدار، باى، قوربلى،

دولتلى.

دوميدانى t.daw-midāni.مر.

ورزشينگ بير گورنوشى.

دونده dawande.ص. فا. يورتيجى،

يورتیان، ايلنايجى.

دويىدن dawidan.م.ص. ل.

يورتماق، ايلغاماق، دارىماق.

دويست t.dewist. سان حسابدان

ايكى يوز.

ده deh: ا. اؤبا، كنت.

ده dah: ا. سان تايدان (۱۰)، اون.

دهان tdahan. آغيز.

دهان بين dahan-bin.ص. فا. آغيزه

باقيان، كۆپينگ كفينه اينانيان و

اولارينگ كفينه گيديپ يۇن.

دهان دره tdahan-dare. پاللاماق.

دهخدا t.deh-xodā.ص. كنت

ايهسى، كدخدا، اوبا باشليغى، اوبا

آرچينى.

دهدار t.deh-dār.ص. كدخدا،

اوبانگ ياش اولى سى، اوبانگ

باشليغى، اوبا آرچين.

دهر dahr: [ع] دنيا، عصر، دؤوير،

دهور جمع.

دهستان t.dehestān.مر. ناچه كنت

و اؤبادان عبارت بۇلان.

دهقان t.deh-qān.ص. [ع] تايخان،

دايخان.

دهكده t.deh-kade.مر. اؤبا، كنت.

دهگان t.deh-gān.ص. اؤبانگ

باشليغى، اؤبانگ ايهسى.

دهليز t.dehliz. اينچه، دار و اوزين

يۇل، گچلگه، اؤتلكه.

دهن dahan: ا. آغيز.

دهن كجى tdahan-kaji.م.ص. آغيز

قيشارتما، جورت آتما، دوداق

چؤويرمه.

دهن لق tdahan-laq. ازەنگى

ايريك، آغيزى قاوشاق.

دهنه dahane: ا. آغيز، اويان؛ دهنه

شتر: بۇرۇندىق.

يۈپك ماتا.

دەھە tdahe. اۋن، اۋنىنگ بىر بۆلەگى.

دېباچە t. dībā-če. سۆزىياشى،

دەيك t. dah-yek. اۋن دان بىر.

كتاينىنگ باشىندا يازىلان يازغى،

دى di: ۱. دوين، گچن گون.

گىرىش سۆزى.

دى dey: ۱. قىشىنگ باشقى

دېپلوم t. diplom. [فر] تصديق،

آيىنىنگ آدى، شمسى يىلىنگ

شهادتنامه، اون ايكى كلاسى

اونىنجى آيى.

قوتاران، اون ايكىنى اوقاپ تمام

ديار t. dayyār. ص. [ع] راهب لارينگ

ادن.

عبادت اديان جايلارى و شول

ديپلمات t. diplomāt. ص. [فر]

يرلرده ياشايان آدام.

سياسى اوغروندا ايش گۆن آدام،

ديار diyār: [ع] اۋى-ايل، يۇرت،

داشارى يورتنده بۇلان ايلچى

اولكه، شهر، طايفه، قبيله؛ جمع

خانه لرينگ ايشكارى.

دار.

دياليز t. diyālīz. [فر] شيميايى

ديد did: ۱. مص. نظر، گۆچ گويجى،

مادهنى بۆلك بۆلك اديپ

گۆزمه؛ ديدنى: گۆزماكه سزاوار،

آنگساتلىق بيلن دشىكلردن

گۆزماكه لايىق بۇلان؛ ديد و بازديد:

گچيرمك.

ديدار t. didār. مص. گۆرمك،

ديانت diyānat: مص. [ع]

گۆزمه-گۆريش، دوشوشيق،

ديندارلىق، خداى تانيماقلىق يولى،

يوزلنمك، كشپ، يوز توتماق، يوز -

خداى تانيجىلىق، تقوالىق دىنى ايشلىرى.

گۆز، گۆچ.

ديدگاه t. did-gāh. مر. قاراويلينگ

ديبا dībā: يۈپك پارچانينگ و

اوتورىان يرى، بيبك يىر، بلند يىر،

ماتانينگ بىر گۆرنوشى، دورلى

گۆز اۇنگونه آلمانا، نقطه نظر.

دیدن didan: مص. م. گۆرمک، سر

اتمک، گۆزله مک.

دیده tdide: گۆز، قاراق.

دیده بان dide-bān: (= دیدبان)

۱. ص. قاراویل، ساقچی، ساقلايچی.

دیر dir: ق. ص. داش، زمان، آسسا.

دیر باز dīr-bāz: ص. ایردن، گچن

زماندان، قدیمدان باری.

دیرند dīrand: ص. ۱. روزگار، زمانه،

۲. اۇزاق وقت، دواملی وقت، اوزاغا

چکیان پله.

دیروز dīruz: گچن گون، دوين.

دیروقت dīr-waqt: ق. ص. [فاع]

۱. گچن زمان، قدیم زمان، ۲.

بی موقع و بی وقت معنیده.

دیرین dīrin: (= دیرینه) ص. ن.

کهنه، قدیم.

دیزی dīzi: ۱. تانگسیقودان یا داشدان

بجرلن یوریته چوریا بیشیریلیان

مارداق قاپ.

دیس dis: اولی تاباق.

دیشب dīšab: اۇتن آغشام، اۇتن

گیجه.

دیفتری dīfteri: [فر] آدامینگ

بوغازیندا دۆره یان ناساغلیق مسیری

دیک dik: [ع] حوراز، دیوک وادیاک

جمع.

دیکتاتور dīktātor: [فر] ارکلی،

یکه-تاک اۇزی ایش کسیان، اۇز

کلهسی بیلن قانونا دوزگونه

باقمانی ایش ادیان، حکم سوریان

دیگر dīgar: ص. غیر، کسه کی،

اۇزگه، باشغا

دیلماج dīlmāj: ص. ت. دیلماج،

سۆزی گپی بیر دیلدن باشغا بیر

دیله اۇویریان، ترجمه چی.

دیم dim: ۱. یوز، کشپ.

دیم deyam: ۱. جمع دیمه.

دیمهāj dīmhāj: ۱. اگری گل.

دین dayn: ۱. [ع] وام، برگی، بۇنج.

دین din: ۱. [ع] مذهب، یۆلیۆرلگه،

طاعت.

دیوار dīwār: ۱. تغار، دیوار.

ديوان diwān: ۱. ۱. دفترخانه، ۲.

حساب دفتري، بىر شاھيرىنگ
ھمە شعرلارنى اۋز ايچىنە آليان
يىغىندىسى؛ ديوان بىگى:
صفويەنىنگ زمانىنداكى يۇرتتە
قانۇنلارى و حكملىرى يىرىنە
يتىريان مامور.

ديوان كشور diwān-e-kešwar: ۱.

اينىگ يوقار دادگاھ، محاكمە فرجام
غايىتىندە يتيشىكلىك اديان يۇقارى
دادگاھ.

ديوانە diwāne: ص. دالى،

عقلسىز، سامسىق، عقلى اويتگان،
تنتىك؛ ديوانگى: diwānegi:

دالىلىك، ديوانەلىق، قۇدرىماقلىق.

ديوت dayyus: ص. [ع] بىغىرت

آدام، اۋز عيالى حقتا غىرتى و
تعصىبى بۇلمادىق آدام، عيالىنى
بويرىپ بىلمەيان ديوت.

ديوسالار diw-sālār: ص. مر.

غىرتلى، قۇجۇرلى، ديو يالى.

ديون dowun: [ع] قرضلار، برگىلر،

جمع دىن.

ديە diye: ۱. قان بەھا، اۋران و يا

اۋلدىرن آدامىنگ آسيب يىتنە يا

اۋلن آداما و يا اۋنۇنگ مىراث

دوشىرىنە تۇلەيان پول يا مالى.

ديھيم tdayhim. تاج، پادشاھلارىنگ

جيغاسى.



ذ ze: فارس الیپبسی سنینک اون
بیرینجی حرفی ذال دیپپ آیدیلیار،
ابجد حسابیندان «۷۰۰».

ذات zāt: ۱. [ع] مؤنث ذو، ۱. صاحب،
مالک، ایه، ۲. هر بیر زادینک حقیقتی
و جوهری، اؤزه‌نی، ذوات جمع.

ذات البروج zāt-ol-boruj: ۱. امر. [ع]
سکیزینجی فلک، اون ایکی برج‌لار
قدما اصطلاح‌دان (حمل‌دن تا حوتا).

ذات الریه zāt-ol-riye: ۱. امر. [ع]
اؤیکن چیشمه‌سی، ساویقلامادان

اؤیکن ده یوزه چیقیان کسل، فارسیده
سینه‌پهلو دییلیار.

ذاکر zāker: ۱. [فاع] ۱. یاد ادیجی،
خدای تعالی‌نی یادلایجی، ذکر ادیان،
۲. دینی شعرلر اوقییان معنیده.

ذاهب zāheb: ۱. [فاع] گیدیجی،
اؤتیجی، گچمه

ذایع zāye: ۱. [فاع] چاشغین، آشکار،
پیترانگ، آیدینک.

ذبح zabh: مص. [ع] داماق چالما،
بوقیرداغی کسمه، قویون سیغیر

اۆلدیرمه، جانلی سۆیما، دمیگدیرمه.

ذبح zebh: ۱. ص. [ع] داماغی چالینان،

بوقورداغی کسیلن.

ذبیح zabih: [ع] ۱. داماغی چالینان،

قربانلیق اتماکه یاراشیقلی،

بوقورداغی کسیلن؛ ۲. حضرت

اسماعیلینک (ع) لاقامی.

ذخیره zaxire: ۱. [ع] پول سويشیرمه،

پول آرتدیرما، تیغشیت، ذخائر جمع.

ذرت zorrat: ۱. [ع] جؤون.

ذرع zar: مص. [ع] ۱. گز، پارچانگ

اۆلچهگی، بیر گز ۱۰۴ سانتی متر

بیلن برابر ۲. جیدام، قۇرپ و دۇرمۇش

اخلاق معنیده.

ذره tzarre: [ع] اونیق کیچیجک

قارینچفا، هر زادینک قاتی آوینجاغی

و اوچغین یالی اونیق، توزان

ذریات zorriyāt: [ع] نسلر، فرزندلر،

جمع ذریه.

ذریه zorriye: ۱. [ع] فرزند، نسل،

اوغۇل-قیز، ذریات و ذاری جمع.

ذفر zafar: ۱. [ع] قاتی اربت ایس، ها

قاوی ایس بۆلسین ها اربت ایس.

ذقن zaqn: ۱. [ع] انگک، اذقان جمع.

ذکاء zakā: مص. [ع] هوشلی لیق،

ازبرلیک، فراستلی لیق، یادکش لیک.

ذکاء zokā: [ع] گون، گونش.

ذکات zakāt: مص. [ع] مال

اولدورمک، قویون سیغیرمالی

حیوانینگ داماغینی چالماق، حلال

ات.

ذکر zekr: مص. [ع] یاد اتمک،

یادلماق، ذکر اتمک، دعاء و نماز،

اذکار جمع.

ذکر zakar: ۱. [ع] ۱. ارکک، ارکک

آدمینگ ارکک لیگی، ارکک آدمینگ

اوجودی، ۲. آنگیرباش قاوی دمیر و

میس، ذکور جمع.

ذکی zeki(y): ص. [ع] زرنک، چاققان،

چپر، هوشلی، عاقللی.

ذل zol(1): مص. [ع] پسلیک،

ذلیل لیک، عجیزلیک، خوارلیق.

ذلاقت zalāqat: مص. [ع] دیل

ینگیل لیک، ینگیل دیللی، آچیق

دیल्ली، دیله وارلیق.



ذلات zalālat: مص. [ع] پسلمک،

- ذوالحجه tzol-hejje. مر. [ع] قمری
 ییل نینگ اون ایکینجی آیسی نینگ
 آدی، حج ادیلیان آی، حاجی فرضی
 بیتریلیان آی، ذی الحجه و ذی حجه
 هم دیییلیار.
- ذوالفقار zol-faqār: ا. [ع] ایلکی
 حضرت رسولینگ قیلیجی، سونگ
 اونى غزوه أحددا حضرت علی غا
 باغیشلايار.
- ذوالقدر zol-qadr: ص. [ع] سیلاغلی،
 حرمتلی، درجه لی، طاقتلی، قدرلی،
 جیداملی، صبرلی.
- ذوالقعه tzol-qa'de. مر. [ع] قمری
 ییلی نینگ اون بیرینجی آیسی نینگ
 آدی، ذیقعه.
- ذوب zawb: مص. [ع] اریمک، سؤو
 بولماق، اریتمک، قار، یاغ و دمیر یالی.
 ذو حسب zu-hasab: ص. [ع] گوهرلی،
 جوهرلی، شرفلی و بلند مرتبه لی.
- ذوحیاتین tzu-hayātayn: ص. [ع]
 سوده و همده یرینگ یوزینده یاشاپ
 بیلان حیوانلار، غوریباغه یالی.
- ذو حظ zu-xaz: ص. [ع] حظ ایه سی،
- ذلیل بولماق، عجیزلمک، پسه
 دوشمک، خوار بولماق، انتیمک.
- ذلت zellat: مص. [ع] پس بولماق،
 ذلیل بولماق، عجیزلیک، خوارلیق.
- ذلیل zalil: ص. [ع] پس، خوار، عجیز،
 ذلیل، اذاء و اذله و ذلال جمع.
- ذم zam(m): مص. [ع] یامانلما،
 عیبلاما، کاییمک، ذموم جمع.
- ذمائم tzaam'ē: ص. [ع] جمع
 ذمیمه، اریت، حالانمادیق، پس،
 یاراماز، ذمائم جمع.
- ذمیمه zamime: ص. [ع] کاییلن،
 زشت، حالانمادیق، یاراماز، اریت،
 یوقومسیز، عیبلانان، ذمائم جمع.
- ذنب zanb: [ع] گناه، یازیق، یاراماز
 ایش، ذنوب جمع.
- ذوالجلال zol-jalāl: [ع] بییکلیک و
 قدر قمت ایه سی، مرتبه لی، حرمتلی،
 خدای تعالی نینگ صفت لاری نینگ
 بیرى.
- ذوالجناح zol-jenāh: [ع] قاناتلی،
 یووروک آط، امام حسینینگ (ع)
 کربلادا مینیان آطی.

نپلی، پیدالی.

ذوزنقه tzu-zanaqe: [ع] هندسه

اصطلاحینده شکلینگ بیر گوزنوشی،

شؤ شکل لرده  

ذوظل (zu-zel(l): ص. [ع] کولاگهسی

بار بۇلان کولاگهلی.

ذوفنون zu-fonun: ص. [ع] فن

ایهسی، هنرلی، هنری کۆپ بۇلان

آدم.

ذولغتين zol-loqatayn: [ع] علم بدیع

آدالغاسیندا؛ ایکی دیلده یازیلان شعر

واوقیپلی بۇلان قۇشغی.

ذهاب zahāb: مص. [ع] گیتمک،

اؤتمک، گچمک.

ذهل zohl: ا. [ع] بنو ذهل: عربینگ بیر

تیرهسی نینگ آدی.

ذهن zehn: ا. [ع] دوشونجه، هوش،

اوقیپ، یادکش لیک، هر بیر زادی

یادیندا ساقلاماقلیق، اوقیپلی،

آنگ، ذهینه

ذی zi: [ع] (= ذو) ایه معناسیندا بۇلۇپ

سؤزؤنگ اولینده گلیار، مثال :

«ذیحق/ حق ایهسی»، «ذیروح/ روح

ایهسی» و ش.م.لر.

ذی حق zi-haq: ص. [ع] ذو حق، حق

ایهسی، حقلی، یاراشیقلی، مناسیب.

ذی حیات zi-hayāt: ص. [ع] ذو

حیات، یاشایشلی، دیری، جانلی.

ذی روح zi-ruh: ص. [ع] روحلی،

جانلی.

ذی قییمت zi-qeymat: ص. [ع]

ارزشلی، دگرلی، قمتلی، قاتی بهالی.

ذیل zayl: ا. [ع] ایتک، ایز، هر بیر

زادینگ سونگی، اتهگی، اذیال جمع.



ر re/rā فارس الیپ بی سی نینگ اون
ایکینجی حرفی، ابجد حاسابیندان
(۲۰۰).

رائج rā'ez: (= رایج) ص. [ع.]
یورگونلی، جایز، رواج، مال یا
پولینگ رواج و یورگینلی بولماغی.
رابض rābez: ا.فا. [ع.] اوتوریملی،
یرلی، بیرتیجی آرسلان.
رابط rābet: ا.فا. [ع.] آراباغلانشیق،
بیریکدیریجی، سپلائیجی،

آراقاتناشیق، آراچی، ایکی زادینگ
ایکی آدامینگ آراسینه دوشن،
آرادا گزن، باغلایجی،
باغلانیشدیریجی.
رابطه rābete: [ع.] مونث رابط،
علاقه، باغلی لیق، ایکی آدام و یا
ایکی زادینگ بیرى بیرینه بۇلان
علاقه سی، ایکی آدام یا ایکی
زادینگ آراسینی بیریکدیریان،
باریشدیریان.

رابع 'rābe: [ع.] دوردينجی.

راپرت rāport: ا. [فر.] خبر بریجی،

روایت، کپچی، خبرچی، شوغول.

راجع 'rāje: ا. فا. [ع.] ایزینه اویرمه،

ایزینه اوریجی، اری اولان

سونک اویلرینه اوویریلیپ کلن

عیال، رواج جمع.

راحت rāhat: مصر. [ع.] دینج-سالت،

آسوده، شادلیق تاپماق.

راحم rāhem: ا. فا. [ع.] رحملی، رحم

ادیجی، مهربان، بخشلایجی، رحم

اتکوجی.

راد rād: ا. فا. [ع.] منع ادیجی،

ساقلاایجی.

رادمنش rādmaneš: ص. مر. سخی،

جومارت، سخاوتلی، بریملی.

رادیکال rādikāl: ص. [فر.] اهلی

آیغیتلی، اساسی، دویبلی، بیر

زادینگ اصلینه کوکینه دکیشلی،

بیر کلمه نینگ اصلی و کوکی،

یورتدا آدمینگ آسایشی اوچین

اساسی اوزگريش لر گچیرمک-

لیکینگ طرفداری بۇلان آدم.

رادیوتراپی rādiyo-terāpi: ا. مر.

[فر] ایکس تشعشعات بیلن بیر

ناچه مریض لری نا ساغ لاری

بجریان ام ادیان.

رادیوگرافی rādiyo-gerāfi: ا. مر.

[فر] اندامینگدان عکس آلماق،

مریض چیلیگی سایغارماق اوچین.

رادیوگرام rādiyo-gerām: ا. مر. [فر]

تلگرامانی بی سیم دستکاسی بیلن

گچرمکلیک.

رادیولوژی rādiyo-loži: ا. مر. [فر]

دستگاه بیلن سیرقاوولیغی یعنی

ناساغلایغی بللی آچیق بولمادیغی

سببلی دستگاه بیلن بيلمکلیک.

راز rāz: ا. سیر، اوغرین کپ، گیزلین.

رازدار rāz-dār: ص. فا. سیر

ساقلاایجی، سیرداش.

رازق rāzeq: ا. فا. [ع.] ارسغالی

بریان، رزق یتیریان، خدای

تعالی نینگ آدی و صفتی.

رازیانه rāziyāne: ا. قارا چورک،

درمان اوت.

راست rāst: ص. ساغ طاراپ، گونی،

ساغچی، دوغری سۆز، حق سۆز.

راستگو rāst-gu: ص. فا. دوغیرچیل،

- يالان آدامايان. راک rāk:خ. قوچ، ساواش جانگ
 راستين rāstin:ص.ن. دوغيرليغه
 باغلى بۇلان دوغيرليق،
 دوغيرچيليق، حقيقى بۇلان.
 راسخ rāsex:ع. ثابت، مالكام، برک،
 قايم، دورنوقلى.
 راشد rāshed:ع. دوغرى يول تاپان،
 دوغرى يوله گيرن، دوغرى يوله
 كيدن آدام.
 راضى rāzi:ع. خوشحال، اراضى،
 شاد، كونگل خوش.
 راغب rāqeb:ع. ميل اديجى، ميللى
 كۇنكول جنك هوسلى.
 رافىز rāfez:ا.فا. ترك اديجى،
 داشا ساليجى، رفاض جمع.
 رافع rāfe':ع. کوتاريجى، يۇقارى
 قالديريجى، بلند درجه چيقاريجى.
 راقص rāqes:ا.فا. اوپونچى
 اوپينايجى، اوپون رقص اديجى.
 راقم rāqem:ا.فا. يازيجى، كتاپ
 يا نامه يازيجى.
 راقى rāqi:ا.فا. يۇقار چيقيجى،
 اوقو اوقان، يوقار علم بيلم آلان،
 رقاۋە جمع.
 رامى rāmi:ع. زينكيجى، آتيجى،
 اوق آتيجى، اوق و داش آتيجى،
 رماه و رامون جمع.

راک rāk:خ. قوچ، ساواش جانگ
 قوچ، قويون.

راکت rāket:ا. [فر] تنيس و پينگ
 پونگ اوپون لارينده اله آلينيپ
 توپ قاقماق اوچين پيدالانيليان
 ساھلى تگلك آلت، قارينگ
 اوستينده يوريمك اوچين كۇوشه
 دانگيليان آبزال، و همده بير هيلي
 موشك.

راكد rāked:ع. دينج و برک و
 پوختا و بير یرده قايم بۇلۇپ
 دوران، قيميلاسيز، توغتاييش،
 ياتا، دورغون.

رام rām:ص. يواش، اورانيشن،
 اكدي اديلن، بويون بۇلان، بويون
 اكن.

رامش rāmeš:ا.م.ص. مخفف
 آرامش، راحتليق، فراقتليق،
 دينچليق، غالاقوپسيز، وينه
 خوشليق، شاتليق، آيديم، ساز
 آواز.

رامى rāmi:ع. زينكيجى، آتيجى،
 اوق آتيجى، اوق و داش آتيجى،
 رماه و رامون جمع.

رامی rāmi: ۱. [انگلا] بیر هیل اویون
کۆرنوشی.

رامی rāmi: ۱. [فر] بیر هیل اوزین
اوت، بویی اوچ میتره بیتان اوت و
همده یوپه‌که‌ده منکزش یؤمشاق
نأرسه کارخانه لارده اوندان
پارچه دوقولیار.

رامیار rām-yār: ۱. ص. چوپان،
چولوق.

ران rān: ۱. بؤت.
راندمان rāndemān: ۱. [فر] پیدا، نپ،

ایشدن اوویریپ بریان نفی، بیر
دستگاه‌ده صرف بولیان گویچ،
بریان و گۆرکزیاں پیداسی.

راندن rāndan: م. ص. یانینگدان
قاوماق، گیتماکه مجبور اتمک، یولا
سالماق.

راننده rānande: ۱. فا. سوریجی.

راوی rāwi: [ع.] روایت ادیجی، نقل
ادیجی، بیر سوزی و خبری
بیریندن آیتماق.

راویز rāwiz: ۱. تیکنلی اوت، یانداق.
راه rāh: ۱. یول، یوده.

راه‌آورد rāh-āward: ۱. سوغات.

راه‌آهن rāh-āhan: ۱. دمیر یول.

راهب rāheb: ۱. فا. [ع.] قورقایجی،
دنیا نی ترک ادن، مسیحی لرینک
روحانی عابدی.

راه‌بان rāh-bān: ۱. ص. یول
ساقچی سی، یول ساقلائیجی.

راهبر rāh-bar: ۱. ص. یولباشچی، یوله
سالیان، بیرینی یوله سالیان. آداما
یول گۆرکزیاں.

راه‌پیما rāh-peymā: ۱. ص. یوله
کیدیان، یولاغچی، ییلدام آط،
یوریک. راه‌پیما یی: یؤل یؤروشلی.

راه‌جو rāh-ju: ۱. ص. فا. یول تاپیجی.
راه‌خفته rāh-e-xofte: ۱. ص. کنایه
سوزیندن اوزاق داش یول، صاف
یول.

راه‌سدار rāh-dār: ۱. ص. یول
ساقچی سی، یولینک باجینی آلیان
آدام.

راهرو rāh-raw: ۱. اوتولکه، کچلکه،
گذر.

راهزن rāh-zan: ۱. ص. یول کسن،
قراقچی، چوله بیابانده
یولاغچی لرینک اونگونو توتوپ

وهمده غلام، قوللوقچی قول و بنده
دییپده آیدیلیار.

رای rāy: ا. عرب دیلی نینگ رای
سوزیندان آلینان فکر، اوی، عقل،
عقیده، همده یول یورالکه
معنی سینده.

رای rāy: ا. [هنا] راجه، قدیم
زمانان لارده هندوستان
پادشاهلارینا، وزیر وکیل لرینه و
حکمدارلارینا بریلن لقب و آد.

رایت rāyat [ع]. بایداق، پرچم، توغ،
غلامت، بلکی، قشون بایداقلی.

گۆز بیلن گۆرمه، خود اوز گۆزونگ
بیلن گۆرمه.

رایج rayej: ص. [ع]. یورگین، روا،
پول یا زادینک آلیجیسی، یعنی
خریدارلینگ بولماقلیقی.

رایزن rāyzan: ص. فا مصلحتچی،
بیر ایش حقه مصلحت سورالاندا
مصلحت بریان آدم، مستشار،
کنگشدار.

رایش rāyēš: ص. [ع]. آراچی، پاره
آلیجی بیله بریجی آراسینا
دوشیان.

زادینى تالایان، تالانکچی، یول
اورییجی، قـالـتامان، و
یولاغچی لارینگ یولینده اوتوریپ
مالینى تالایان اوغری.

راه سازی rāh-sāzi: ا. مص. یول
بجرمک، یول بجریجی لیک، یول
یاساماق.

راهگذر rāh-gozar: ص. یولاغچی،
مسافر همده کچیت، کچلکه،
کچیلیان پول معنی سینده هم
کلیار.

راه گشا rāh-goša: ص. فا. یول
آچیجی، یول کینکلدیجی.

راهنما rāh-namā: ص. یول ایز
گۆرکزجی، یولا سالیجی، بلد،
رهبر، یولباشچی، یول گۆرکزمه.

راهـنمائی rāh-namāi: یول
گۆرکزکمک، دوغری یول سالغی
برمک، یولباشچی لیق اتمک،
گۆنوکدیرمک.

راهنورد rāh-naward: ص. فا. پیاده
یوللاقی، ساوچی، قاصد.

راهی rāhi: ص. کیدیجی، یولا،
دوشن، یولاقچی، یوله کیدیجی

رایگان rāygān: ص. [ع.] موغت،

پولسین، اله گلن زات، موغت اله
گلن زات، عوض سیز اله گلن،
رایگان.

رنالیست reālist: [فر] دوغری نینگ

طرفداری، دوغرینی آغتریان،
دوغریلیغی بیر کم سیز ادیب
کۆرکزمه، حقیقک طرفداری،
رنالیسم مکتبینه. ایه ریان آدم.

رأس [ع.] باش، باشلیق، قومونک و

طایفانینگ باشلیغی، بیر زادینک
باشی، بیر زادینک بییکلیکینگ
اوستی و زادینک اۆلی.

رأس المال [ع.] سرماییه، اصل مال،
مایه.

رأی ra'y [ع.] اوی، فکر، عقیده،
اینانچ، سس (انتخاباتدا، سایلایا
سپکی ده) آراء جمع.

رؤیا ro'yā: [ع.] آدمینگ اوقیدا

کۆریان زاتلاری، دویش، خیالات.
رئوف رووف [ع.] رحملی،
محببتلی، مهرلی، مهربان،
ایسنیشیقلی.

رویت ro'yat: [ع.] کۆرْمک،

کۆریشمک.

رئیس [ع.] باشلیق، دسته باشی،
طایفانینگ باشلیغی، اداره
باشلیغی.

رب rab(b): [ع.] خدای تعالی، الله
تعالی، یارادان. ربنا rabbanā:
خدایمیز، تانگرمیز.

ربا rebā: ا. [ع.] پول قرض برن
آدمینگ قرض آلان آدمدن آلیان
پیداسی، نفی، ربا.

رباب rabāb: [ع.] بولوت، آق بولوت
واحدی ربابه.

رباعی robā'i: [ع.] دورتلیک، دورت
زاددان عبارت بولیان زاده، عروض
علمینده دورت سطریدن دوزیلیان
شعر، اؤنؤنگ برینجی، ایکینجی و
دوردینجی سطرلری اوز آرا
قافیه لاشار.

رباعیات robā'iyāt: [ع.] انسانینگ
دورت دیشی، رباعیه نینگ جمعی.

ربانی rabbāni: [ع.] رب سوزونه
باغلی یعنی خدایلیقلی، صوفی
عابد و عارف، خدای لیقلی، تقوا
آدم، علم دینینده ربانیون و

- ربانین جمع. قمری ییلی نینگ دوردینجی آیی،
ربط rabt: [ع.] باغلاما و سبشیرمک،
سبشیرگی لیک، باغلانیشدیرما،
بیریکدیرمه.
- ربع 'rob: [ع.] دورتدن بیر، چاریک،
هر زادینک دورتدن بیر بوله کی،
ربوع جمع. ربع مسکون: انسانینگ
یاشایان یری بۆلن، یر
شاری نینگ همه بولکلری، یر
شاری نینگ دورتدن بیر بوله کی
ربع مسکون هم دییلیب دیر یر
شاری نینگ دورتدن بیر بوله کی
یر توفراق.
- ربع 'rab: [ع.] اوی، سرای، اوبه.
ربودن robudan: مص. بیر زادی
زرنګلیک و چاققان لیق بیلن بیر
یردن کوتریپ کیتمک، اله سالماق،
اوغورلاماق، الپ قاقماق، الیندن
آلیپ قاقماق.
- ربیع 'rabi: [ع.] یاز، بهار فصلی.
ربیع الاول rabi'ol-awwal: [ع.]
هجری قمری ییل حسابی نینگ
اوچونجی آیی.
- ربیع الثانی rabi'ossāni: [ع.] هجری
قمری ییلی نینگ دوردینجی آیی،
ربیع الاول دن سونک.
- رپورتاژ reportāž: [فر]
خبرچی نینگ ییغنايان خبرلاری،
خبرچی لیق، خبرچی.
- رتبه rotbe: [ع.] درجه، مرتبه مقام،
اورون، رتب جمع.
- رتبیل ratbil: ا. قدیم سند و کابل
پادشاهلار داقیلیان آد بولمالی.
- رتق retq: مص. [ع.] باغلاماق،
تیکمک، آچماق.
- رتوش rotuš: ا. [فر] تیمارلاما، الدن
کچیرمه، بجرلن سونک تیمارلاما.
- رجال rejāl: [ع.] ارکک آدملار.
- رجال rojjāl: [ع.] جمع راجل پیاده،
معنیده.
- رجال الغیب rejālol-qayb: [ع.] ا. مر.
غایبداکی آدملار، اولیالار،
مقامدار، توره.
- رجاء rajā': [ع.] امیدلی، امیدگارلیک،
امیدلی لیق، طما. خواهیش
- رجب rajab: [ع.] هجری قمری ییل
حسابی نینگ یدینجی آیی.
- رجحان rojhān: مص. [ع.] کوپ

کلمک، آرتماق، فرقلیق،

آرتیق‌لیق، آرتیقماچ‌راق.

رجوع 'roju: مص. [ع.] اوویریلیمک،

دولانماق، یانگادان کلمک، قایدیپ

کلمک، یوز توتماق، یوزلنمک،

ارکک آدمینگ طلاق برن عیالینی

عدة دولماقا یانگادان آتماق‌لیغی.

رجیم rajim: [ع.] داشلانان، داش

زینگیلان، قاویلان، قارقیشلانان،

قارغالان، ملعون، ابلیس، شیطان.

رحلت rehlat: [ع.] گوچمک، بیر

یردن باشقا بیر یره گیتمک،

یولاقچی‌لیق، مرگ، اولوم، اولمک،

آرادان چیقماق.

رحمان rahmān: [ع.] باغیشلاچی،

مهربان، خدای تعالی‌نینک

آدی‌نینک بیرری، رحمن دیبده

یازیلیار.

رحمت rahmat: مص. [ع.] یوقا

یوراکی، یومشاق کونگللی،

همراقلیق، باغیشلاماق.

رحم rahm: [ع.] مهربانلیق، یورهک

یومشاقلیق، ایسنیشیق‌لیق،

قینانچلی دویغی داشلیق، شفقت.

رحم rahem: [ع.] عیا

اوغلان یاتغیسی، رحمی،

قارینداشلیق، قوم خویش‌لیق.

رحیم rahim: [ع.] باغیشلاچی،

ایسنیشیق‌لی، مهربان، رحم‌لی،

مهرلی.

رخ rox: ا. یوز، یوزکشب، یانگاق.

رخ rax: ا. ایریک، اینچه دیلک،

چیزیق، یاریق.

رخ rox: ا. شطرنج اویونینگ

مهره‌لارینگ بیرری.

رخت raxt: ا. گسیم گجیم، اکین

اشیک، اوی اسبابی، عرب دیلینده

آطینگ ایه‌رینه هم آیدیلیار، جمعی

رخوت.

رخت بریستن raxt barbastan:

مص. ل. یول آزیغینگی باغلاماق،

سفر اتمک، یوله دوشمک.

رختخواب raxtexāb: ا. مر. یورغان

دوشک، یاتیلما اسبابی.

رخت شو raxt-šu: ص. فا. اکین

اشیک یویان.

رخسار roxsār: (= رخساره) ا. یوز،

کشب، یانگاق.

- رخشان raxšān: ص. فا. یالیدیروایق،
یالپیلداویق، یاغتی.
- رخصت roxsat: [ع.] باغیشلایش،
آنکساتلیق و هم اجازه، ینگیلیک،
اورسغات معنیده، بیر زات بارادا
آلنان یاده بریلن اختیار.
- رخنه raxne: ا. دشیك، دیلیک، یاریق،
آیریق، دیوارینک آراسی نینگ
یاریفی.
- رخنه roxne: ا. کاغذ.
- رد rad: ا. بلکی، این، نشانا، اثر.
- رد rad: ص. جومارت، باتیر،
غایراتلی، عقللی، دانا، ردان جمع.
- رد rad(d): [ع.] اوویریپ برمک،
ایزینه برمک، قایتارماق.
- رداء redā': [ع.] دون، اکین اشیکینگ
اوستوندن گیلیان اشیک-دۆن.
- رده redde: [ع.] دیندن دانن، دیندن
چیقان، مرتد بۆلن پیغمبریمیز
رحلت ادن سونگ ابوبکر زمانیندا
اسلام دینیندن یوز اوویرن لار.
- رده rade: ا. خاطر، صب، درجه،
اورون، سیرغیش، کیریش.
- ردیاب rad-yāb: ا. ایزارلایجی،
ایزچی، ایبرجی.
- ردیف radif: [ع.] ایزلی ایزینه، بیر
نینک ایزینه دورماق، ایزلی ایزینه
صف چکیپ دوران، بیرناچه زات
یا آدام سیرغین، حاتار، ایزلی
ایزینه سیراش دورماق.
- رزاق razzāq: [ع.] رزق — ریحی،
ایرسغال یتیریان، الله تعالی نینگ
آدی نینگ و صفتی نینگ بیر.
- رزیان razbān: ص. قراویل، ساچی،
باغبان.
- رزرو rezerw: ا. [فر] ذخیره،
آرتدیریپ سویشورمه، تابشرغی
مغنیده هم اولانیلیار، زکاز اتمه.
- رزق rezq: [ع.] گونده لیک ایمیت، بیر
گونکی ایجک ایمیتینگ، ایرسغال.
- رزم razm: ا. اوروش، ساواش.
- رزمگاه razmgāh: ا. م. ساواش
میدانی، اوروش میدان، رزمکه
دیده آیدیلیار.
- رژه reže: ا. سربازلارینگ قاوی
اونکات تأرده صف قوریپ
پادشاهلارینگ و امرالارینگ
قارشى سیندان خطار گچمه کی.

رژیم reżim: ۱. [فر] قاعده، دستور،

یورالکه، حکومت طریقه‌سی، سیاست یولی یاشایش اوغری و دکترینگ ناخوشه ایمیت و پرهیز حقه بریان دستوری.

رسا rasā: ص. فا. یترلیکلی، یتیملی، یتیشیان، یوقاری کوپ دوشونجهلی، یاراشیقلی.

رسالت resālat: [ع.] سارغیت اکیتمک، پیغمبرلیق.

رساله resāle: [ع.] خط، کتاب، یازغی علمی ایش حقه یازیلان، کتابچا رسائل و رسالات جمع.

رساندن rasāndan: (= رسانیدن) مص. بیر زادی بیرینینگ الینه قاوشیرماق، یتیرمک، بیرزادی بیر زاده یاقین لاشدیرماق، و همده یتیشدیرمک، کامل لشدیرمک معنی ده گلیار.

رسانه rasāne: ۱. مطلب یا خبرلاری آدملارینگ قولاغنه یتیرمه، رادیو تلویزیون یا روزنامه یالی زادینگ اوستی بیلن.

رسانه rasāne: ۱. اوکونج، قایغی

غصه.

رستگار rastgār: ص. آزاد، ارکین، دینان، نجات تاپان، آسوده.

رستم rostam: ۱. قوجیرلی، یوغین، اوزین، ۲. ایرانینگ اولی پهلوان لاری نینگ بیر.

رستوران resurān: [فر] ناهار خانه، ایمیت ایییلیان جای.

رسم rasm: [ع.] نشان، بلگی، علامت، این، یره و یا بیر زادینگ یوزونه چکیلیان شکل یا خط، کاغذینگ یوزونه صورت یا خط چکمک، و همده یول، یورالکه عادت معنیده، دوزگون ترتیب عادت، داپ دستور.

رسوا rosawā: ص. آبرای سیز، بدنام، بیرینینگ یاراماز دن ایشی بیلنپ ایل آراسیندا آبرای دان دوشوپ شرمنده بولماق لیغی، مسخره آبرای سیز

رسوب rosub: مص. [ع.] اته که چوکمک، سووا چوموپ گیتمه.

رسوخ rosux: [ع.] برک، ماکام لیک، قایم لیک، پوغت لیک، آراشمه،

رسول rasul: [ع.] ایبرلن،	رشت rašt: ا. قوم، توپراق، توت
بیری نینگ سارغیدی آیری بیرینه	توزدان.
یتیریان آدم، پیغامبر، خدای تعالی	رشته rešte: ا. خمیردان ادیلن اونلی
طرفیندان ایبرلن ایلچی.	آش شکلینده ادیب کسمک و اونلی
رسوم rosum: [ع.] رسم لر، دابلر،	بوغدای دان رشته ادیب قوریدیپ
دستورلار، یول، یوردالار،	ناهارا آتماق.
دوزگون ترتیب.	رشته rešte: ا. ناخی، یوب، تار.
رسیدن rasidan: مص. کلمک،	رشد rošd: مص. [ع.] دوغری یولا
اؤلاشماق، یاقینلاشماق،	دوشمک، گمراهلیقدان چیقماق، و
قاویشماق، بیرزات اله کلمک، بیر	همده دوروملی و جیداملی لیق،
زاده یتیشمک، بیشمک، میوه	اولالماق، ترقی.
یتیشمک.	رشد rašad: مص. [ع.] دوغری یولا
رش raš: ا. دفه، اویشمک.	گیتمک، گمراهلیقدان چیقماق،
رش raš: ا. ارج، اولچک، بارماق بيله	دوروملی لیق.
ترسک آرالیغی.	رشک rašk: ا. غایرات، گؤریپ لیک،
رش raš: عادل، زردشتی دأبینه	بخیل لیق، ایچی قارالیق.
عدالت فرشته لی.	رشمه rešme: ا. اینچه طناپ، یوب.
رثی raš(š): مص. سوؤ سرپمک.	رشوه rešwe: [ع.] پاره، نادوغری
رش raš: ا. رخس، ایرانینگ پهلوانی	ایش اتمک اوچین یادا بیری نینگ
رستمینگ رخس آدلی آطی.	حقنی کور ادیب یانددیرماق، و نا
رشادت rašādat: [ع.] باتیرلیق،	حق حکم برمکلیگی اوچین بریلیان
قوجورلی لیق، غورپلی لیق،	پول یا زات، فارسی ده بلکفد و
ادرمن لیک.	بلکفت هم آیدیلیب دیر.
	رشید rašid: [ع.] دوغری یول تاپان،

اوسن، باتير، آزاد، كاميل لاشان

دوغرى يول سالغى بريان.

رشيق rašiq: [ع.] سىرتلى، بويى

سىراتلى آوادان، گولار يوزلى،

گۇرنوكلى، اون ايكي اندامى مىسر.

رصاص rasās: [ع.] قورشون.

رصد rasad: [ع.] يول يوردا، ساق،

قراويل، بولك قراويل لار.

رصد rasad: مص. [ع.] بير زادا نظر

ساليب و اونگا سر اتمك.

رضا rezā: مص. [ع.] شادلىق،

خشنودلىق، راضىلىق، كونگلى

خوشلىق.

رضاعت rezā'at: مص. [ع.] چاغانك

انه سىنينك امجگيندن سویت

اممكى.

رضایت rezāyat: [ع.] راضىلىق،

خشنودلىق، كونگل خوشلىق.

رضوان rezwān: [ع.] خوش بۇلماق،

خوشحاللىق، و بهشت و جنت

معنى ده آيدىليار و همده بهشتينك

ساقچىسى، قافى ساقلايانى

دييپده آيدىليار.

رضوى razawi(y): [ع.] رضا باغلى،

و همده مدينه ده بير داغينك آدى.

رضوى razawi(y): [ع.] رضا سۇزه

باغلىلىق، خوش آدم، شاد آدم،

ارضيا جمع.

رطب rotab: [ع.] تازه خرما.

رطل rotal: مص. [ع.] عجيز حال سيز،

ياغداي سيز آدم يتگنجك اينچه

ساغيت و همده ياغداي سيز قاررى

واحمق آدم.

رطل ratl: [ع.] اولچك قورالى.

رطوبت rotubat: [ع.] اول بۇلماق،

چيغلىق، اولليك، ايزغارلىق،

ايغاللىق، ترليك. تازهليك.

رعايت ra'āyat: [ع.] قويون و

قارامالى اوتلاتماق، ساقلاماقلق

و ساقچىلىق، ايدهكليك،

مهربانلىق، بيرىنينك، ايشينه

يتيشمكليك، ايسنيشيق.

رعب ro'b: مص. [ع.] قورقماق،

حواتير اتمك، خوف اتمك.

رعد ra'd: [ع.] كونگ گورريلدىسى.

رعناء ra'nā: مص. ن. نادان و سست،

عجيز، اوزين بزان عيال، فارسچه

سىرتلى، گۇرنىكى گۇزل آوادان

عیال معنیده.

آراسسالایان، سیریپ سوپیریان

رعیت ra'iyat: [ع.] بیر بولک جماعت

آدم، شهرداری نینگ سپوری.

باشلیغی و ایش دولاندریجی سی

رفتن raftan: مص. گیتمک، یوله

بۇلان بیر توپار آدملا، بیر ملکی

دوشمک، اوتمک، کچمک، گوچمک،

آدمینگ قول آستینده ایشلایان

یوزبه یوز کلمک. رفت و آمد:

تایخانلار.

کیدیب گلیش، قاتناشیق، باریش و

رغبət raqbat: [ع.] اراده، آرزو، میل،

کلیش

ایسلک، هووس.

رفراندوم refrandom: ا. [فر] بیر ایش

رغد raqad: مص. [ع.] یاغشی

بستیرمک اوچین کوپچلیگینگ

یاشایشه اوچران، یاشایشی

فکرلرینی و عقیده لرینی اله

خوش بۇلان، بایان.

کتیرمک مقصدی بیلن خلقه

رفاقت refāqat: [ع.] دوست بۇلماق،

یوزلنمک، یوز توتماق، عمومی

یولداشلیق اتمک، همرالیق،

سوراغلیق، سس سۇراماقلیق.

یولداشلیق.

رفرم reform: ا. [فر] دوزاتم،

رفاه refāh: [ع.] راحتلیق، دینجلیق،

اویتگتمه، بیر زادینگ یا ایشینگ

عیش عشرتلیق، قاوی کچیرمک

دورمیشینی، بیر قورالشیغینگ

-لیک، خوش کچیرمکلیک، صفاده

دورقونی تیمارلاماق و بجرمک.

یاشاماقلیق باغتی یارلیق.

رفع raf: [ع.] کوترمک، بلند

رفتار raftar: ا. مص. یول یوردا،

قالدیرماق، یۇقاری اکیتمک، آرادان

اوغور، عادت، یونگ، اوتوریب

آیرماق. رفع مشکلات: قین

توریش، قیلیق، حاصیت، اؤزینگی

-چیلیقلاری، آرادان آیرماق.

آلیپ باریشلیق.

رفوزه rofuz: [فر] قبول

رفتگر roft-gar: ا. مص. کوچلری

ادیلماسیزلیک، ساقلانماق،

سىناغدان كچمان قالماق،
كچيرلمەسىزلىك، امتحاندىن
قالدىرما.

رفيع 'rafi': [ع.] يۇقارى قالدىرما،
يۇقارى كۈتەرىش، مرتبه، بلند
درجه، اورون، بىك مرتبه.

رفيق 'rafiq': م. يار، دوست، همرا،
يۇلداش.

رقابت 'reqābat': [ع.] ساقچىلىق
اتمك، قاراشماق، گۇز اتمك،
گۇرىپلىك اتمك، گۇز قارالتمان،
باسداشلىق اتمك، يارىش.

رقاد 'roqād': م.س. [ع.] ياتماق،
اۇقلاماق.

رقباء 'roqabā': [ع.] باسداشچىلار،
قاراويللار.

رقت 'reqqat': [ع.] نازىكلىك،
يوشماقلىق، مهربانلىق،
ايسنىشىقلىق.

رقت انگيز 'reqqat-angiz': م. ف. ا.
يوراك اويماق، رحمىنگ كلكم،
يوشماقلىق، اوتانچ.

رقص 'raqs': تانس، اويۇن.

رقم 'raqam': [ع.] خط، يازغى، سان،
سۇرت، ارقام جمع.

رقيب 'raqib': م.س. [ع.] قراويل،
ساقچى، ياساويل، ساقلايچى،
قاراشىق، باش داش.

رقيق 'raqiq': [ع.] نازىك، اينچه،
يوشماق، سوويق.

رك 'rok': م. دوغرى كپ، يوزه
قالمان آيدىليان سون، پروايسىز
آيدىليان كپ، باسسور بوسورسىز
آيدىليان سون، يوز گۇرمە-
سىزلىك.

ركاب 'rekāb': [ع.] اوزانكى، آطينك
ايهرينه باغلانليان دميردن اديلن
حلقة، آطا مينىلجك بۇلناندا آياق
باسىپ مينىليان قۇرال.

ركاكت 'rakākat': م.س. [ع.] سوس
بۇلماق، عجىزلك، عقلسىز
بۇلماق.

ركانت 'rakānat': م.س. [ع.] قايم
بۇلماق، ماكام بۇلماق، بوختا
بۇلماق، دورىملى بۇلماق،
آغىرلىق، بركىلىك.

رکعت rak'at: [ع.] نمازینک بیر

انگلیمی، نماز اوقالاندا بیر کزهک
انگیلیپ قالماق.

رکلام reklām: ا. [فر] ایغلان،
بیلدیریش.

رکن rokn: [ع.] هرزادینک اولی و
گویجلی بولاکی، اوندان گویج
آلینپ همده اونکا دایانلییان
اساسی عضو، اساس، پایه،
ستون، اولی ایش، هر قومینک
باشلیفی و حرمتلی آدامسی.

رکود rokud: مص. [ع.] دینج آلماق،
دورغوئلیق، یل اوسماکی
یاتماقی، یاغین نینگ دینماقی، اوز
یرینده دورماق.

رکورد rekord: ا. [فر] یاریشده
یوقار ینگیش قازانان، بلند اورنی
قازانان، بلند اورنا ایه بۇلان.

رکوع roku': [ع.] انگیلک، نمازده
الینگی دیزینک، یتیریپ انگیلیپ
دورمه.

رکیب rakib: ا. آطلی و یا دویا
آردلاشیقلی آردلاشیپ مینن.

رکیب rekib: ا. اوزانگی.

رکیک rakik: [ع.] قاوشاق، کم عقل
همتی آن، پیس سون، بولفی سیز
سون، یارامان کپ، پاییش سون.

رکین rakin: [ع.] ماکام و برک،
قورس، برقرار، دوریملی، پوختا.
رگ rag: ا. دامار، آدامینک
اندامی نینگ داماری.

رگبار rag-bār: ا. گویجلی اما
دوامسیز یاغین، دولی ایری
دامجلی قاتی یاغین، و همده
آتیشیقده مسلسل یاراغی بیل
ایزلی ایزینه آتماق معنیده.

رگبرگ rag-barg: امر. یافراقلاردا
بۇلان دامار، یافراغینک آراسینده
بۇلان دامار، منکزاش خطلاری،
دامار یالی، آغاجینک یافراغی
یالی.

رگبرگ شدن rag-be-rag šodan:
مص. ل. دامارینک دوویلماکیندن یا
بیل بیقینماغیندان عمله کلیان قاتی
آغیری.

رگلاتور reglātor: ا. [فر] ماشین

آلات لاری ترتیبه سالیجی آبزال.

رگلاژ: reglāž: ۱. [فر] خط

چکمکلیک، سازلاماق، ماشینینگ

دورلی بولیملری نینگ ایشینی و

حرکتینی ترتیبه سالماق.

رل: rol: ۱. [فر] دفتر، لوله، عمل نوبت،

تاترلاردا آرتیستلارینگ اوینایان

نقشی.

رل: rol: فرمان، ماشینی دوغری

گۆنیکدیریان آبزال.

رم: ram: ۱. سوری قویون.

رم: ram: ۱. مص. قورقیدان قاچماق،

بیكرانج.

رم: ram\rom: ۱. آغیز ایچی.

رم: rom: ۱. [فر] نیشکرینگ

ایچکی سی.

رماتیس: romātism: ۱. [فر]

سونگکلرینگ بوغونی یعنی

سونگگونک بیرگیان یرنینگ

آغیرسی، آياق ال اعصاب قاتی

آغیریپ یورابیلیمیان ناخوشلیق،

یان و بیل آغیری.

رمال: rammāl: [ع.] آوینجا

داشلار، جمع رمل.

رمال: remāl: [ع.] آوینجا داش

ساتیان، فال آلیان، فال آلیجی،

فالچی.

رمان: ramān: ص. [ع.] قاچاقلاما،

قورقاق، اورکک، تاساماق.

رمان: rommān: ۱. [ع.] نار، نار

آغاجی، واحدی رمانه.

رمان: romān: ۱. [فر] داستان، حکات،

ارتهکی.

رماتیس: X. رمان یازماق لیغینگ

تأزه اصولی تأری، رماتیک

یازیجی لرینگ اصولی، ۱۹. نجی

عصرینگ باشلارینده فرانسه ده

انگلستان ده تاپیلان تأزه ادبی

اصول. اول اصول قدیمی کلاسیک

ادبیاتینگ دابلرینی کناره قویوپ،

اولاری اویگیتمان، تأزه بر اصولی

یولا بریلیار.

رمانی: rommāni: ص. ن. رمانه

باغلی بۇلان، نارینگ دانه سینه

منگزش یاقوت.

رمیدن: rombidan: مص. ل. خراب

بۇلماق يىقىلماق، يامى خراب
بۇلۇپ دۇكولمك.

رمز ramz: مص. [ع.] اشاره اتمك، ايم
اتمك، گۆز قاش، ال دوداق بيلن ايم
اتمك.

رمز ramz: [ع.] اشاره، ايم، گيزلن
سير، هيچ زات دوشونيلميان
آيراتن ايم اشاره.

رمس rams: مص. [ع.] گوممك
بيرزادى، اورتمك و گيزله مك يره
گوميپ ياشيرماق.

رمس rams: ا. [ع.] گۆر قبر، توپراق،
يووش سس رموس و ارماس
جمع.

رمص ramas: ا. [ع.] گۆزىنگ
قىرالارينده يىغنانيان آق چرك.

رمضان ramazān: [ع.] قمرى
يىلنىنگ دوقزىنجى آيى، آرازه
آيى، رمضان آيى.

رمق ramaq: قالان جان، گويچ قوات،
زور طاقت، آز مقدارده بۇلان
ايميت، سونكى دم.

رمق ramaq: ا. [ع.] رمه فارسچه،

سورى قويون.

رمك ramak: [ع.] جمع رمكه،
اورباليق آط، قوززاتماق اوچين
ساقلاڭلىيان بايتال.

رمكان ramkān: ا. روم، يميز غيلى،
يوقا يره بيتيان غيل، رمكان و
زمكان دييده آيديارلار.

رمگا ramgā: ا. بايتال.

رمل raml: ا. [ع.] قوملاق، آوينجاق
داش، شين و ماسه و همده بير
نيچه آدم لارينگ عقيده سينه گۇرا
رمل بيله طالع گۇروپ اونگيندن
بير زات آيتماق و فال آتيب
اونگيندن بير زات آيتماق اوچين
ايشلنيان آبال.

رموك ramuk: ص. اوركك حيوان،
ال گۇرماديك.

رمه rame: سورى، سورى قويون،
آط، ديه.

رميدن ramidan: مص. اوركمك،
قاچماق، قورقوب قاچماق، تسمك،
تازيغماق، تاساماق.

رميم ramim: [ع.] چويران كونه،

چویران سونگک.

رنج ranj: ا. درد عذاب، اینجی

آغیری، ازا، محنت.

رنج آور ranj-āwar: ص. فا. آزار

کتربیجی، کۆرکی کتربیجی، عذاب

سبب بولیان، اینجیدیجی.

رنجانندن ranjāndan: (= رنجانیدن)

ص. ازا برمکه آزار برمکه،

اینجیتماق، عذاب برمکه، کونگلونه

دکمک.

رنجبر ranj-bar: ص. فا. رنج

چکبیجی، عذابا قین چیلیغا جیداملی

بۆلان.

رنج دیدن ranj didan: ص. ل.

عذاب گۆرمکه، آزار کورمکه،

محنته آغیر یاغدایا سزاوار بۆلان.

رنجر renjer: ا. [انگا] جنگلینگ

دوزکینینی یولا بریان مامور یا

کامیده کوپلانچ آیدیلیانی گویچ

قواتدان دولی بۆلۆپ ارتشده هر

بیر قین چیلیقدان جنگل یالی داغ

یالی یوللاردان اوتماکه چهر

چیلیکی مهارتی بۆلان سربازلره

خااصلانیار، فارسیده تکارور

دیلیار.

رنجیدن ranjidan: ص. اینجیتماق

کونگلینگه دگیلمک، گۆوینی

قالماق.

رنده rend: ص. زرنک، حيله گار، کله

پروای، قورقمازاق.

رنگ rang: ا. بویا، غور، داش

گۆرنوشیندن گۆزه ایلیان زات

ساری قیزیل، قره قیزیل یالی

معدن دان یاده اوسوملیکدان یاده

شیمیائی عمل بیلن اونته (پودر،

گرد) و سوویقلیق (مایع) شکلینده

طیارلانیلیان و نقاشی لیقده، رنگ

اورمقده پیدالانیلیان اولانیلیان

ماده و همده حيله، پیدا نفع معنیده.

رنگ آمیز rang-āميز: ص. فا.

رنگلری قاتیشدیریان. رنگله مک:

رنگ اورماق بیر جایا و یا بیر

زادی سیرلاماق.

رنگارنگ rang-ā-rang: ص. مر.

دورلی دومن، آل الوان رنگده

بۆلان رنگبه رنگ معنیده.

- رنگ پریده rang-paride: ص. مر. بیرینه بۇلان علاقه‌سی، (بیرلیک سانی: رابطه).
- روات rowāt: [ع.] روایت ادیجی لر، جمع راوی.
- رواج rawāj: م. [ع.] رواج یاراشیقلى، یورگونلى، پول و یا مالینک یوروپ دورماغی، رواج، اونکینه بۇلان، شاولی، آماتلی، اونگایلی.
- روادید rawādīd: ا. مر. دولت ماموری نینگ پاسپورت یالی زادینک یوزونه قول چکمه‌کی، ویزا.
- رواس ra'ās: ص. [ع.] «را آس»: باش ساتان، کله ساتان، کله بشیریان.
- رواق rewāq: ا. [ع.] جاینگ اووی، اونگی، سایبان، ایوان.
- روال rowāl: [ع.] آغیز سووی، مالینک آغیز سووی.
- روال rawāl: ا. تازه یورگینلی بۇلان سوزلردن: یورالکە اصول نظم، ترتیب، دوزگون معنی سینده اولانیلیار.
- رنگ پریده rang-paride: ص. مر. یوزی گۆزی اونککی طبیعی یاغداي دان آیریلان، اوچمک قورقیدان یا نا ساغلیق ویا باشغا سبابه گؤرا اویتمک.
- رنگریزی rang-razi: بویاقچی لیق.
- رنگ رو rang-e-ru: ا. مر. یوز کشب قایغی دا ویا شادلیقدا و یا ناساغلیغی گؤرکزمکی.
- رنگین کمان rangin-kaman: ا. مر. عالم قوشار.
- رو ru: ا. یوز، صورت.
- روئیدن ru'idan: (= روییدن) م. ص. کوکرک، چیقماق، یردن دوموپ چیقماق، اوسمک اوسیملیگینگ یردن کوگریپ چیقماقی.
- روا rawā: ص. یورگون، جایز، یورگیر، یاراشیقلى، گلشیکی، دوزوم.
- روابط rawabet: [ع.] آرا قاتناشیقلار، هووس میل، ایکی زادینک آراسینداکی باغلانشیقلار، ایکی زادینک و یا ایکی آدمینک بیر

- روان rawān: ا. جان، روح، انسانینگ روحی.
- روان rawān: ص. فا. آقیجی، کیدیجی، سؤلوق، آقارسؤو، آقیم.
- روان بخش 'rawān-baxs': ص. فا. روح بریجی، روح باغیشلايیجی، روح لاندیریان، روح لاندیریجی.
- روانپزشک rawān-pezešk: ا. ص. دالی و روحی ناراحتی لیق لاری بجریان معالجه ادیان دکتري.
- روان ساختن rawān sāxtan: مص. [ع.] یولا سالماق، آقديрмаق، ایبرمک.
- روان شاد rawān-šād: ص. مر. اولان آداما حرمت سوزندان آیدیلیان کپ.
- روان شدن rawān šodan: مص. ل. گیتمک، یولا دوشمک، آقماق، سوونک آقماغی.
- روان شناس rawān-šenās: ا. ص. آدام لارینگ روحی تاییدن دورمیشینی آنکیان، بیلیان آدام، روح تانیجی لیق.
- روانه کردن rawāne kardan: مص. م. یولا سالماق، ایبرمک، یولا دوشیرمک، اوغراتماق.
- روایت rawāyat: [ع.] مص. خبر یا حدیثی نقل اتمک، حدیث و حکایت، ارتهکی، روایت.
- روباز ru-bāz: ص. مر. یوزی آچیق، حجاب سیز.
- روباه rubāh: ا. تیلکی.
- روبراه ru-be-rāh: ص. مر. تیار، یولا دوشن، اوپجین، ایشه طیار، سفره تیار بؤلماق.
- رو برگرداندن ru bargardāndan: مص. ل. یوز اوویرمک، یوز ساوماق، قهار اتمک، اویکه له مک.
- روبرو ru-be-ru: ق. ص. یوزبه یوز، قارشى کلمه.
- روبنده ru-band: یاشماق.
- روبوسی ru-busi: ا. مص. اوپمک، بیرى نینگ یوزینی اوغشاماق.
- روپوش ru-puṣ: ا. اورتگی، هر بیر زادینگ یوزینی اورتیان اورتگی پرده کیمینگ اوستیندان کییلیان

- یوریته گیییم، مثلاً دکتترلرینگ
پرستارلارینگ ایش وقتیندا گییان
مخصوص گییملری.
- روتختی ru-taxti: ا. مر. تختینگ
اوستینه چکیلیان پارچه.
- روح rawh: ا. [ع.] راحت، دینچ، صفا
یا قیملی شمال، یا قیملی ایس،
شادلیق، ینگیش.
- روح الامین ruhol-amin: ا. خ. [ع.]
جبرائیل فرشته نینگ لاقامی.
- روح الله rohol-lāh: ا. مر. [ع.]
حضرت عیسی نینگ لاقامی، امام
خمینی نینگ مبارک آدی.
- روحانی ruhāni: م. ن. [ع.] روحه
باغلی بۇلان، دین علماسی، آخوند،
دین عالمی و روح القدس جبرائیل
(ع) لاقامی.
- رود rud: ا. ساز، کیرش و همده
ایچه که خاصده قدیمی ساز
قورال لری نینگ بیرینک آدینه ده
آیدیلیار.
- رود rud: ا. اولی آقار سوو چای،
آرنا، اترک سووی یالی.
- رود rud: ا. ص. یالانکاچ اوتکیلی
تاوویق.
- رود rud: ا. فرزند، قیز، اوغلان.
- رو دادن ru dādan: م. ص. ل. یوز
برمک بیرینه چندن آشا یوز
برمک، چیشیرمک و
کاس لندیرمک.
- رودخانه rud-xāne: اولی آقار سو.
- رودربایستی ru-dar-bayesti: ا. م. ص.
اوتانچ حیا، بیرینینگ
خوایشی اوچین یوزه قالماق.
- رودرو ru-dar-ru: ق. ص.
یوزبه یوز، قارشی به قارشی.
- روده rude: ایچه که.
- روز ruz: ا. گون، گوندین، دانگ
آتان دان گون یا شار آرالیقی.
- روزانه ruzāne: م. ن. گونه
دگیشلی، گونده لیک، گونه باغلی
بۇلان، گوندا، هر گوندا.
- روزیه ruzbeh: م. مر. شاتلی گون،
باختلی گون، باختلی یاشایش،
شادیان بخت.
- روزگار ruzgār: ا. جهان، دنیا، عصر،

دوور، وقت، فصل، موسم.

رئیس.

روزمره ru:z-marre: ا.ص.فا. [ع.]

روستا rustā: ا.اوبا، کنت.

گونه‌لیک، هر گونه‌ده، گونه‌لیک
ایش.

روسیاه ru:siyāh: ک. یوزی قره،

گناهکار، عاصی، تلاکه یولده

روزمزد ru:z-mozd: گونه مزد کسانا.

بۆلان، ارسوا، آبرای سیز، ایسنات.

روزنامه ru:z-nāme: ا.مر. گونه‌لیک

روشی raweš: ا.م.ص. یاغدا،

چیقان یازغی، گونه‌لیک چاپ
بولیان قازییات.

کۆرنوش، حال، عادت، یونگ،

رسم، طریقه، یول، یودا.

روزنه rawzane: دشیک، ایشغالانگ.

روشن rawšan: ص. یاغتی، پارلاق،

روزه‌خوار ru:ze-xar: ص.فا. آغزی

نور دوشیان یر، آچیق، عیان،

آچیق، آرازه توتمایان، آراز آیده
آرازه توتمانی آغزینی آچیان.

أشکار، آچیق، توم (قارانگق)

سوزی نینگ ترسی.

روزه‌دار ru:ze-dār: ص.فا. آغزی

روشنایی rawšanāi: ا.م.ص.

آرازا بۆلان، آرازا توتان، آغزی
بکلی آدم.

یاغتی لیق، یالقیم لیق، قارانگق دال

(تاریک) سوزی نینگ ترسی..

روزی ru:zi: ا. رزق، اریسـفال،

روشن بین rawšan-bin: ص.فا. دانا

اونگالغا، اونگوشوق، گونه اییان
ایمتینگ نصیب، قسمت.

اوقیپالی، دوشینجه‌لی بیلم‌لی،

دوری فکرلی.

روزی‌رسان ru:zi-rasān: ص.فا.

روشندل rawšan-del: ک.ص.مر.

اریسغالی یتیریان، رازق خدای
تعالی نینگ صفتی نینگ بیر.

صاپ یوراک، دانا، بیلم‌دار، آق

یوراک.

روساء ro'asā: باشلیقلار، اولی‌لار،

روشن فکر rawšan-fekr: ص.مر.

طایفه باشیق‌لاری، رئیس‌لر، جمع

بیلم‌لی، دوششینجه‌لی،

پایخاسلی، اوی فکری.

روغن rawqan: ا. یاغ.

یردن قوفاریپ قوریدیپ بازار

لارده ساتیلیار.

روغن ماهی roqan-e-māhi: ا.

رونده rawande: ص. فا. یوله

باریان کیشی و همده ایشلدیان

خوراک معنیده.

بالیق یاغی، بالیق یاغینده ویتامین

(آ) و (د) بولمالی و اونی بیر نیچا

رونق rawnaq: [ع.] یئلدیراماق،

مریض لره اندامنی قواتلاندیرماق،

شهله سالماق، آوادانلیق، یالقیم

وام اتمک اوچین اییدیریارلار.

سالماق، رواجلانمه، اونگگین،

رو فرشی ru-farši: ا. مر. دوشاک

شاولی، بازارلی.

اوستنه چکیلیان پارچه.

روی ruy: ا. یوز.

روکار ru-kār: ا. مر. جاینگ دفارینگ

روی ruy: ا. قورشین یالی نبارسه،

یوزینه چکیلیان سوواق.

روی هم، اوست اوستینه.

روگرداندن ru gardāndan: مص. ل.

روی rawi(y): ا. [ع.] بولوتلی یاغین،

بیریندن یا بیر زاتدان یوز

سویجی سوو، کوپ سوو.

اوگیرمک، قاچماق، یوز دوندرمک،

رویداد ruy-dād: (= روداد) ا. مر.

اویکه له مک.

واقا، باشا دوشن ایش، بردن

رومال ru-māl: ا. مر. ال یوز

تاپیلان حادثه، یوزه چیقان واقا.

سوپیریلیان یالیق.

ره آورد rah-āward: ا. راه آورد

روناس runās: ا. قیزل بویا چوپ

یولدن گتیرلن، سوغات، بر

بویا، بیر حیل اوزین اوت

آدامینگ مسافرتا گیدانده اوز

کوکیندن، یوپ رنگلاماکه

دوست یارلارینه کتیریپ بریان

پیدالانیلیار و تخمینی، چوپ بویا،

زادی سوغادی.

سویجی بویان دان آلیپ اکیپ

رها rahā: ص. مص. م. آزاد اتمک،

ایکینجی اوچینجی ییل کوکینی

کویبرمک، بوشاتماق.

ره‌دان rahdān: ص.فا. یوله بلد

بۇلان، یولا آشنا، یولا تانیش.

ره‌رو rah-raw: ص.فا. یول گیدیچی،

یولاغچی.

ره‌روی rah-rowi: یول یوریمه، یول

کچمه.

ره‌گذر rah-gozar: (= راه گذار، ره

گذر) ص.فا. اوتکچی، مسافر،

یول‌دان کچیپ باریان، یولاغچی.

ره‌گذر rah-gozar: ا.ص. اوتالک،

کچلک، اوتولیان یر، گذر کچیت،

یول، کوچه، قاتنالیان یر.

ره‌ن rahn: [ع.] گرو، بیرینینگ

یانینده امانت زات قویوپ شول

مقدار قویلان زادینگ بهاسی چه

پول قرض آلماق.

ره‌نما rahnamā: ص.فا. یول

باشچی، بلد، یول کۆرکزیجی، یول

کۆرکزمه.

ریاست riyāsāt: [ع.] باشلیق

، اولی‌لیق، بویروق چی‌لیق،

سردارلیق.

ریاضت riyāzat: [ع.] مص. آت

کـورره‌سینی رام اتمک،

یواشیتماق، اونگا یول اورتمک،

بدنی قوتلاندیرماق مقصدی بیلن

عضولارینی حرکتلندیرمک

ورزش، نفسی آراسسالاماق و

اخلاقلانماق اوچین درد چکمک،

اویلانماق و عبادت اتمک اوچین

چولا یرده اوتورماق، خلوت‌ده

اوتورماق.

ریحان reyhān: [ع.] ا. یاقیملی ایسلی

اییلیان سبزی‌نینک آدی، گوک و

یاقیملی ایسی بۇلان اوسوم‌لیک

اونگات ایسلی گوک اوت ریحان.

ریختن rixtan: مص. دوکمک

ساچماق، پیتیراتماق، باش آشاق

توتوپ یرینگ یوزینه یایراتماق.

ریخت‌وپاش rix-o-pāš: ا.ص.

آقان دوکان، دوکوم ساچیم اتمک،

اسراف اتمک، اسریپ اتمک.

ریدن ridan: مص. ایچینگی

بوشادماق، آیاق یولینا اوتوریپ

ایچینگی بوشادماق.

- ریزش rizeš: ا. ریختن دوکمک
 قویماق، یقیلما، دوکیلما.
 ریزه rize: ص. آوینجاق، آونیق،
 کیچی جیک، مایده آوین تیق.
 ریزه کار rize-kār: ص. فا. اینچه
 نفیس ایش.
 ریمان rismān: ا. طناب، یوپ باغ.
 رسیدن risidan: مص. بوکمک،
 ایشمک، اگیرمک.
 ریش riš: ا. ساققال.
 ریشخند riš-xand: ا. مص. ک. خوش
 گلدینگ اتمه، ساققالینا گولمک،
 یالچی لیق و آلاماق و بیرینی
 مسخره اتمک یووالاماق.
 ریش سفید riš-sefid: ا. ص. آق
 ساققال، کدخدا، اوبا یاش اولیسی.
 ریشو rišu: ا. ساقال لاق مگور ساققال .
 ریشه riše: ا. کوک.
 ریگ rig: آونیق داش، آوینجاق
 داش، چاغیل چاگه.
 ریگزار rig-zār: ا. م. ریگستان،
 داشلیق یر، آونیق داشلی یر،
 چاگه لیک.
 ریگستان rig-estān: چاگه لیک،
 داشلیق.
 ریه riye: ا. اویکن.



بیری نینگ آدی

زابلی zāboli: ص.ن. زابلە باغلی
سیستانینگ آداملاری، زابلینگ
آداملاری.

زاپاس zāpās: ا. روسی سوزیندن
آلنان: ماشینلارا دگیشلی آرتیق
کؤتریلیان زادا زاپاس دیییلیار؛
آرتیق کؤتریلیان لاستیک، باردی
گلدی لاستیکلر پانچار بولاسا
یعنی یاریلسا و یا لاستیکه نقصان
یتسه اونونگ یرینه قویۇلیار،

زā: عرب الیببى سى نینگ اون
اوچونجى حرفى، ابجد
حاسایندان (۷).

زائد zā'ed: ا.فا.ع. آرتیق، آرتیقماچ،
گرکلى لیکن کوپ.

زائو zā'u: ص. تازه اوغلانى بۇلان
عایال، تازه چاغاسى بۇلان خاتین.
زائیدن zā'idan: مص. اوغلان
دوغورماق، چاغاسى بولمه،
دوغورماق.

زابل zāzol: ا. ایرانی سازلارینینگ

زاپاس.

زانو zānu: ۱. دین.

زاج zāj: ۱. اوزاک.

زاویه zāwiye: [ع]. ۱. بورچ، چت، ۲.

زاد zād: ص. دنیا اینن فرزند، اوغول

ایکی خطینگ چاقناشیفیندان عمله

قیز و همدہ پاکزاد، پریزاد، خانازاد

کلیان بورچ، زوایا جمع ۳.

دیین یالی.

صوفی لرینگ عبادتگاسی

زادبوم zād-bum: ۱. مر. وطن، یوورد،

«خانقاسی».

آدامینگ اونییپ اوسن و یاشان

زاهد zāhed: ۱. فا. [ع]. تقوا، ترک دنیا

یری، دوغولان یری.

بؤلۆپ گیجه گوندیز خدایا عبادت

زادگاه zād-gāh: ۱. مر. دوغلان

ادیب یوران آدام.

یرینگ، وطن یورد.

زاهق zāheq: ۱. فا. [ع]. آرادان چیقان،

زارع zāre': [ع]. دایخان، تایخان،

اوتن، یوغلان، باطل، پوچ، زهق

اکرانچی.

جمع

زاری zāri: ۱. مص. آغی انگشاشیک،

زایشگاه zāyešgāh: ۱. مر.

قیقیلیق، آغلاماق.

عیال لرینگ چاغا دوغوریان جایی،

زاغه zāqe: ۱. داغینگ قاپدالینی،

کورالی عیال لرینگ یوریته اوغلان

کوویپ قویونه سیغیره جای

دوغوریان جایی.

ادیلیان، قوواق.

زال zāl: ص. قارری، آق ساچ و همدہ

زایمان zāyemān: ۱. مص. اوغلان

دوغیرماق، چاغا دنیا ایندرمک.

رستمینگ داداسینینگ آدی،

زباله zobāle: [ع]. آرسو، آزات،

اونینگ داداسی دوغاندا، آق ساچ

فارسی دیلینده چور چوپ،

بؤلۆپ دوغانسونگ زال دییپ

اتبریندی، چوله تاشلانیان زادلاره

آدلاندیریلیب دیر.

دگیشلی.

زالو zālu: ۱. سولیک.

زبال zobāl: [ع]. قارینچغانینگ

آغزینه آلیپ کیدیان انتک زادی.

زیرجد zebarjad: قمت بهالی داش.

زبان zabān: ا. دیل، حیوانینگ و

زبردست zebardast: ص. مر. الی

آدامینگ آغزیندا بۇلان مهم

چالت، یسر، گویج قواتلی، قدرت

عضوی، شۇنۇنگ بیلن انسان

ایه سی چپر، استاد، مجلسینگ

کپله یار و هم ایمیتینگ طغامینی

یۇقار اوستی.

دادیپ بیلار.

زبان باز zabān-bāz: ص. فا. یالچی،

پیغمبرینگ کتابی.

دیله وار، سویجی دیل بیلن

زیون zabun: ص. اجیز، بیچاره،

آدملاری آلدایان، دیلینه شکر

عاجز، حور، اربد، پس، فقیر،

چالینان آدم، هیتیر، مکیر آدم.

گویج سیز، یاراماز. زیونی:

زبان دار zabān-dār: ص. مر. دیلی،

بیچاره لیک، یارامازلیق، اجیزلیک،

ساقیرداویق، یانگرا.

حورلیق.

زبان زد zabān-zad: ص. مر. آغیز

زیل zabil: ا. [ع]. سبد، زنبیل.

دیله دوشان، بیر سوزی کوپ آدم

زجاج zōjāj: ا. [ع]. سویشه.

اشیدیپ بیر بیرینه آیتماغی.

زجاج zājāj: ا. ص. [ع]. شیشه

زبان کوچک zabān-e-kučak: ا.

یاسایان بجریان، سویشه

کیچی دیل.

یاسایجی.

زبانۀ zabāne: ا. دیل یالی بیر زاد

زجاجه zōjāje: ا. [ع]. شیشه نینگ

دیله منگزش بولماغی، اودینگ

بولگی، جاجک.

یالینی یالی.

زجر zājir: ص. [ع]. منع اتمک،

زیده zobde: ا. [ع]. مسکه، کره

قیغیرماق، قاوماق، فال آتماق،

قایماق، همده سایلانان حالانان

قوش لارینگ اوتورماغی و اوچماغی.

زاد، سایلانتفی، سچیلیپ آلنان.

زحمت zahmat: [ع]. بیر بیرینگی

قیسماق، درد، اونجی حورلیق،

آدمزادینک بللی بیر مقصد اوچین

صرف ادیان عقل و هم فیزیکی

کویچی، قین چیلیق .

زحمتکش zahmat-keš: ص.فا. [ع].

زحمت چکیان، ایشله یان.

زخارف zxaref: [ع]. جمع زخرف، و

همده آلتین کومیش و گورک بزک

دورلی نقش معنیده.

زخم zaxm: مص. اورماق، ینچمک،

حورلاماق، بیر زات بیلن یارالاب

یارا اتمک، بیر زات بیلن بیرینی یا

باشقه بیر زادی اورماق.

زدوبند zad-o-band: ا. مص. اورپ

دانگماق، اؤنگوشماق، ایکی یا ناچا

نفر بولوپ بیر ایشی بیتیرمک

اوچین یا اله گتیرمک اوچین آغیز

بیریکدیرمک، ایلا لاشماق.

زدوخورد zad-o-xord: ا. مص.

اورماق و ایمک، بیر بیرینگی

اورماق چالماق، چاقینشیق.

زده شده zade šode: اوریلن،

برچیگم، برچیگن.

زر zar: آلتین، قیزیل.

زراعت zarā'at: [ع]. اکین اکیش لیک،

تایخانچیلیق، اکرانچیلیق.

زراعی zarā'i: ص.ن. اکرانچیلیغه

بساغلی بۆلان، تایخانچیلیغا

دگیشلی.

زرافه zarrāfe: ا. دنیا سیغیری، زرافه

زراندود zar-andud: ص.مف. طیلأ

سووی چالینان قیزیل، طلا سووی

بریلن.

زرباف zar-bāf: ص.مف. طیللادان

دوقیلان، زردن دوقیلان، آلتین دن

دوقیلان.

زر خرید zar-xarid: ص. پول بیلن

ساتین آلان، قیرناق یا قول.

زرد zard: ص. ساری.

زرد آلو zard-alu: ا. آلو، ایمش لردن،

ساری آلو.

زرد پوست zard-pust: ص. مر.

ساری یاغیز، ساری نژادان،

ساری انداملی.

زردپی zard-pey: ا. سینگر، ساچ.

زرد چوبه zard-čube: ا. ساری

بوغا.

نارسه.

زردی zardi: ا. مص، ساری باغیره

زعیم za'im: [ع]. ص. باشلیق، طایفه

ساری رنگه بؤلماق یرقان کسلی.

باشلیغی، بیر قومینگ باشی،

زرشک zerešk: ا. ناردان یرینه

یولباشچی، جمع زعماء.

اولانیلیان دانله‌لی نارسه، اوندان

زغال zoqāl: ا. کومیر.

مربا یالی زات بیشیریلیار، درمان

زغال سنگ zoqāl-sang: ا. داش

اوچین پیدالانیلیار، ناهارادا آتیلیار،

کومیر.

طغامی تورشومتیق.

زغن zaqan: ا. (قاق قارغا)، قارغا،

زرع zar': مص. [ع]. اکین اکمک،

منگراش، اما اوندان کیچی راک

اکرانچیلیق، اکین.

قوش، اونکا غلیواچ و قره سرچه هم

زرکوب zarkub: ص. آلتین بجریان

دییلیار.

آلتین اوستاسی.

زرگر zargar: ا. ص. پیشه‌سی قیزیل

قیزی دورموشه چیقارماق، گلینی

شای بجریان آدام، زرگار.

آدامسی نینگ اویونه ایبرمک، شب

زرنگ zarang: ص. چاقغان، اوکده.

زفاف: طوی گیجه‌سی، گلنی آلمان

زرنگار zarnegār: ص. فا. آلتین زر

گیجه‌سی.

بیلن زادلارینگ یوزینه چکیان و

زفان zafān: ا. دیل.

بزایان، زینت ادیان.

زفت zaft: ص. ایری، سمیز قالینگ،

زرو zaru: ا. سولوک.

یوغین.

زشت zešt: ص. گلشیک‌سین، اونکات

زقوم zaqqum: ا. [ع]. چول اوتی، اول

بولمادیق، یاراماز، چیرکین.

قالینگ اوزین و همده دوزخده بیر

زعفران za'ferān: ا. [ع]. ایمیته

میوه‌لی آجی آغاجینگ آدی،

قوییلیان اونکات ایسلی پیدالی

دوزخداکی لره اوندان بریلیار.

زکام :zokām [ع]. دومه وله مه، اتمه کی.

ساویقلامه ضرارلی بوروندان سوو قایتما ناخوش لیغی. زمار :zammār [ص]. تویدوکچی، قارغی تویدوکی چالیان.

زکات :zakāt (= زکوة) [ع]. مالینگ قرقدن بیرینی خدای تعالی نینگ یولینده محتاج غریب لاره برمک، زکوات جمع. زمام :zemām [ا.ع]. اریشمه، نوغتا، مالینگ دیه دیر آط یالی مالینگ اریشمه سی، نوغتاسی. زمامدار :zemām-dār [ص.ع.فا]. قومینگ باشلیغی، یوردینگ باش توتانی، یوردونگ ارکینی الینه آلان.

زکی :zaki [ص.ع]. آراسا، پاکیزه، گناهدان پاک. زلال :zolāl [ص.ع]. صاف سویجی سوو، دوپ-دوری گوزونگ یاشی یالی سویجی سوو.

زلت :zallat [ا.ع]. خطا، یالنجیش و همده توی چاقلیغی. زمان :zamān [ا.ع]. زمان، وقت، پله آز وقت یا کوپ وقت. ازمنه جمع. زمان :zamān [ا.ع]. هنگام، دوویر.

زمانه :zamāne [ا.ع]. روزگار، دنیا، عصر دوویر، زمان. زمانه :zamāne [ع]. آفت، عیب.

زلف :zolf [ا.ع]. قیزلارینگ ایکی چکه سیندن تا ولاپ کوپیریان ساچی، زولپ، زولف. زلزله :zelzele [ع]. یر تیتره مه، یر ایرانمه.

زمزم :zamzam [ا.ع]. زمزم سووی، کعبانگ یانیندا بولان زمزم سونینگ گوز باشی. زمزمه :zemzeme [ص.ع]. یواش آیدیم آیتماق، هینگ لنمک، دعا اوقیماق و همده یئلدیریمینگ سسی.

زلیل :zalil [ص.ع]. صاف سویجی سو. زمار :zemār [ص.ع]. دیه قوشینگ قیغیرماغی، شتر مرغینگ سس.

زمزمه :zemzeme [ص.ع]. یواش آیدیم آیتماق، هینگ لنمک، دعا اوقیماق و همده یئلدیریمینگ سسی.

زمستان zamestān: ا. قیش.

زمین zamin: ا. یر، اوستیندا

یاشایان یریمیز، توپراق.

زمینه zamine: ا. یرلیک، بیرزادینگ

یوزی، یوزینه نقشه چکیان زات،

موضوع، متن.

زمینی zamini: ص.ن. یره باغلی

بۇلان گونگینگ ترسی.

زنار zonnār: ا. [ع.] یونان سوزیندن،

قوشاق، مسیحی لرینگ بیله

دانگیان قوشاغی.

زناشوئی zanaš'u'i: ا. مص. اویلنک،

عیال آلماق.

زنانه zanāne: ق. ص. عیالا باغلی

بۇلان.

زناء zenā: مص. [ع.] ارکک بیله

عیالینگ شرع سیز یاناشماغی،

حرام کیف.

زنبق zanbaq: ا. سوسن گلی.

زنبور zanbur: [ع.] آری، بال

آریسی، بال سینکک.

زنجیل شامی zanjabil-e-šāmi: ا.

قوزی قولاق.

زنخدان zanaxdān: ا. انگک آشاغی،

آلقیم، انگک.

زندان zendān: ا. توستاغ خانه،

زندان، گناهکار آداملارینگ

ساقلا نیان یری.

زندگی zendegi: ا. مص. یاشایش،

دیری لیک عمر سورمک.

زنده zende: ص. دیری، ایچی جانلی

انسان یا حیوان.

زنده دل zende-del: ص. مر. شاد،

شهدی آچیق، کوک.

زنگ zang: ا. پوس.

زنگ ang: ا. جانگ.

زنگوله bal zangule-bāl: ا. بزبلتک.

زنگی zangi: ص.ن. زنگکی

یوردینگ آداملاری، افریقا

یوردینینگ آداملاری، قرالار

توپاریندن بولان، اولاره زنگده دییپ

آیدیلیار، یلچر قارا زنگی آدام،

اوزیده گلشیک سیز قارا بولمالی،

زنگی بابا سلیمان: حکیم آتانینگ

باش شاگردی.

زنهار zenhār: ا. عهد، پیمان سوز

باسیم، چالت.

زودآشنا zud-āšnā: ص.مر. بیری

بیله چالت دوست و تانیش بولیان

آدم.

زودبآور zud-bāwar: ص.مر.

اینانجانک، ساده، مون

زودرس zud-ras: ص.فا. تیز

یتیشیان، تیز بیشیان، اوز حیلیندن

یعنی اوزی یالی میوه دان باسیم،

ایردن یتیشیان تیز یتن میوه.

زودرنج zud-ranj: ص.مر. باسیم

تیز اینجایان، اینجیغار، تیز

اؤیکه لک، اینجیق.

زور zur: ا. قوت، کویچ، زور، قوجور.

زورآزمائی zur-āzemā'i: مر. کویچ

سینانشماق.

زور zur: [ع]. یالان، باطل خدای

تعالی شرک کتیرمک، وینه عقل

کویچ قوات، طغام لذتی باش و سرور

ماغنالارده.

زورمند zur-mand: ص. چاسلی،

کویچلی.

زوزه کشیدن zuze kašidan: مص.

برمه، تاکیدلمه، ماقوللاما،

آگاه بول، قاچا دور، خبردار بول

دییمه ماغنالارده.

زواج [zawāj: ا.ع]. اویلانمه، عیالی

بؤلماق.

زوار zowwār: [ع]. زیارت ادیجی لر،

زیارت ادیانلار.

زوار zawār: ا.ص. خـادم،

قوللو قچی، توستاغلارینگ،

ناخوشلارینگ قوللوغینده بؤلان،

همده قاری عیال معنیده.

زوال zawāl: [ع]. داش دوشمگ،

یوغالماق، آرادان کیتک، کونینگ

آسماندان یره یاشماغا اینمه گی.

زوان zawān: ا. دیل.

زوبین zubin: ا. کیچی نیزه، کوله

نیزه، قدیم لار اوروشده اونینگ

بیلن دوشمانا قارشی آتیان اکنلر.

زوج [zawj: ا.أر، عیالینگ آری،

جفتی، جمع ازواج.

زوجه [zawje: ا.ع]. عیال، ارککینگ

جفتی، یان بولداشی

زود zud: ق.ص. چالاسیم، تیز

مر. اؤلیمک.

قاویلیق، گوزلیک، آوادانلیق،

گورکیلیک.

زهر *zahr*: ا. آوی، جانلینی

زیتون *zetun*: ا. همیشه گوک سالیپ

اولدوریجی، آویلی ماده، زهر.

دوران اوسوملیک اؤنؤنگ

زهرآگین *zahr-āgin*: ص. زهرلی

میوهسی یاغی آداما قاتی پیدالی

آویلی.

بولمالی.

زهرآلود *zahr-alud*: ص. مف. زهر

زیر *zir*: ا. آشاق، اتک، یواش و اینچه

قاریلان، زهری زهره یوغورلان.

سس.

زیاد *ziyād*: [ع]. کوپ، کان، بول

زیرانداز *zir-andāz*: امر. دوشاک،

آزدال، یونگسین.

آیاق آستینه آتیلان دوشک (کچه،

زیاده روی *ziyāde-rawi*: ا. مص.

پالاس، کلیم یالم، زادلار).

چندن چیقما، حددن آشما.

زیرپوش *zir-puš*: ا. ایچ کوینک،

زیارت *ziyārat*: مص. [ع]. گورمه

ایچیندن گیبیلیان کوینک، ایچ

گوریش دیدار، باریپ گورمک

اشیکی.

ساتاشماق، دویشماق، بیک و اولی

زیر پیراهن *zir-pirāhan*: امر. ایچ

آدامدان یا زیارتگاهدن یاقیندان

کوینک.

باریپ گورمک دیدارلاشماق.

زیر دریائی *zir-daryā'i*: اوروش

زیان *ziyān*: ا. ص. فا. ضرر، نقصان

کامی سی، اول سووینک یوزینده و

چیقداجی، شکست، زیان.

هم اته کینده یوریپ بیلیر.

زیان آور *ziyān-āwar*: ص. فا. زیان

زیر دست *zir-dast*: ص. مر. ک. قول

گتیریجی، شکست یتیریجی.

آستی، تسابین، ال آشاغی،

زیبا *zibā*: ص. گؤرمه گوی، آوادان،

بیری نینگ قول آستینده بولیان

گوزل، گورنیکلی، گلشیکلی،

آدام.

آراسته گورمه کی. زیبائی:

- زیردستی zir-dasti: ا.مر. سفره
 اوستینده قویلیان کیچی تاباق،
 میوه‌نینک آرتیندی‌سی اونگا
 دوکلیار.
 زیر زمین zir-zamin: ا.مر. یر آستی
 یرینگ آشاغی.
 زیرک zirak: ص. زرنک، چاققان
 دانا، چولوم، باشارجانگ، زانگار.
 زیرورو zir-o-ru: ا.مر. آشاق
 یوقاری، قاتیشدیрма، بیله
 یوغورما، دورمک، آغطار دونگتر
 اتمه.
 زیروزیر zir-o-zebar: ا.مر. آشاق
 یوقاری، کنایه سوزی، خراب
 اتمک.
 زیره zire: ا. گرمس، زیره.
 زیست zist: ا.مصر. یاشایش عمر،
 گذران.
 زیستن zistan: مصر. یاشاماق.
 زین zin: ا. اییر، آطا سالینیان ایر.
 زینب zaynab: ا.ع. قورقاق،
 اونگات ایسلی، آغاج و همده
 عیال‌لارا داقلیان آدلرینک بیرری.
 زینت zinat: ا.ع. بزک، آوادانلما
 زات، تیمارلاما، شای‌سپه.
 زینت‌آلات zinat-alat: ا.مر. قیزیل
 شای بزک.
 زینه zine: ا. پله، باسانجاق،
 باسغانجاق.
 زینهار zinhār: ا. عهد و پیمان، امان
 برکیت‌مک‌لیک مقامده، هرگیز، هیچ
 وقت، پناه، آگاه بول، قاچادور،
 خبردار بول.
 زیور ziwar: ا. قیزیل شای، زینت
 بزک.



ژ že: پارس الیببسی سنینگ اون

دوردونجی حرفی عربی الیبب سیده

یوق اجد حسابینده یدی (۷) یرینه

اولانیلیار.

ژاکت žaket: ا. [فر] بیر هیل اریک

اشیگی، کۆینک اوستوندن گییلیان

قیزغین گییم، یاری اگنینگ اورتیان

زنانه گیمی.

ژاندارمری žandarmeri: ا. [فر]

اوژالقی آدی امنیه ادارهسی، ایندیگی

آدی بؤلسا نیروی انتظامی، اول

قانون بویونچا نظمی فراغت چیلیغی

قوریان و ساقلایان اداره.

ژنتیک tženetik. [فر] ارثی، موروثی،

علم وراثت: یاشایش تانیجی لیغینگ

بیر بؤلومی، اول صفات موروثی نینگ

دورموشی و ارثی عمل لری بارادا

بحث ادیار.

ژنده žende: ص. یرتیق، ایریک کؤنه

اگین باش؛ سال سال، سالام ساجام اشیک.

ژنده پوش žende-puš: ص. فا. کؤنه

گییان، کؤنه یرتیق اگین باش گییان آدم.

- ژنرال tženerāl. [فر] اولی افسر، سرتیپ، سولشگر بیلن دنگ درجه‌لی.
- ژوئن tžuān. [فر] فرنگی ییل حسابی‌نینگ آلتیلانجی آیی.
- ژوئیدن žuidan: مص. ل. چاشماق، آلبیراماق، قهارلانماق، توتولماق، توقاتلانماق.
- ژوئیه tžaw'ie. [فر] فرنگی ییل حسابی‌نینگ یدینجی آیی.
- ژورنال tžornāl. [فر] روزنامه، مجله.
- ژورنالیست tžornāl-ist. [فر] روزنامه یازیان، روزنامه‌نگار، روزنامه‌چی.
- ژوری tžuri. [فر] حکم ادیجی توپار، انصاف یوزیندان دۇغری کسیجی توپار، داورلیق امین‌لیک ایدیان توپار.
- ژیان žyān: مص. قهارجانگ، یرتیجی، قهر غضب‌لی‌لیق، جوشغون‌لیق، کوکرایجی.
- ژیگولو tžigulu. [فر] شیفنگ شاهندان خوش گچیریان ییگیت، یاش یکیدینگ قارری عیالی اوزی اوچین ساقلامغی، خوش گچیریان ییگیت.
- ژیمناستیک žimnāstik: خ. ا. [فر] بیر هیل بدن ورزشی، فرنگی ورزش‌لردن.

س

- س se: پارس المېبى نينگ اون
باشينجى حرفى؛ ابجد حسابىندا
(۶۰).
- سائب sā'b: ص. [ع] آقغين، آقيم، روان،
چاللاما.
- سائر sā'er: (= ساير) ص. [ع] ۱. سير
ادىجى، سياحت ادىجى، گزىجى ۲.
باشغا آقيم، روان و آيرى قالان آدم،
اوزگه.
- سائس sā's: ص. فا. ۱. تربيه بىرىجى،
ادب اۋورەدىجى، تربيت بىرىجى ۲.
- اۋورەنشدرىجى، سياست ساقلايىجى،
باشارجنگ.
- سائل sā'el: [ع] ۱. سوراغ ادىجى،
سوراغچى ۲. پاتاچى قافى گزن،
گداى، دىلگچى، ساللاخ، ساييل.
- سابق sābeq: ا.ع. اونگە دوشمه،
اۋنگ، اونگە دوشن، اونگە دوشىجى،
يارىشده (مسابقەدە) بىيرىنجى اورنى
ايەلەيان، اونگلرگچمىشده، سابق و
سابقون جمع.
- ساجد sājed: [فاع] سجده ادىجى

مانگلایینی یرە قویۇپ سجده ایدیان
آدم، سجود و ساجدون و ساجدین
جمع.

ساحر sāher: [فاع] جادوچی، جادی
گر، جادی گوی، اوقویمیش،
گۆزیاغچی، سحرار جمع.

ساحل sāhel: ا. [ع] کنار، دریانینگ
بویی، دریانینگ یاقاسی، دریا
یاقا ، دریانینگ قیراسی، سواحل
جمع.

ساخت sāxt: ا. مص. ساختن،
باریشماق، اونگوشماق، یاساما،
تاییارلاماق.

ساخت tsāxt: خ. آت یراق، اورووش
اسبابی.

ساختمان sāxtemān: ا. مص. جای،
تام، عمارت، بنا.

ساختن sāxtan: مص. بجرمک،
قۇرناماق، قۇراماق، تیکمک، بیر زادی
تاییار اتمک.

ساخت و پاخت sāxt-o-pāxt:
ا. مص. اونگیشماق، بیر و یا ناچه
آدملارینگ آراسیندا بیر ایشی یرینه
یتیرمک اوچین یۇقاری قرار باغلاماق،

شرطنامه، باغلاماق، پیمان باغلاماق.
ساخر sāxer: ا. فا. [ع] مسخره ادیجی،
ساققالینا گولوجی، یانگسی لایجی.
ساده sāde: ص. پوخارا، بوینی بوش،
مون، ساده، تکیز، یوزونه قیل
چیقمادیق اۇغلان، یونه کی
چیلشیریم سیز، مون، آراسسا،
آق یورک یونه کی.

ساده دل sāde-del: ص. مر. آق یورک،
دوغورچیل آدم، مون، حیلە سیز،
بوینی بوش، آراسسا، پاک، گۆونی
آچیق.

ساده لوح sāde-lawh: ص. مر.
حیلە سیز، اینانجانگ، مون، بۆینی
بوش، آقماق.

سار sār: پسوند، کلمه لرینگ آخیندا
کلیار. زادینگ کۆپ بول یرینی
بیلدیریار. مثلاً کوهسار/ داغلیق،
چشمه سار/ چشمه لیک و ش. م. لر
یالی.

سار sār: ا. سرچەدن اولی راق قارا آلا
یلکلی سایراق قوش، مله سار، قره
سار، آلا سار آدیندا.

سارا sārā: ص. صاپ، آراسسا، سوی،

تویس.

ساریان sārban: ا.ص. دویه چویان،

دویه ساقچی سی، دویه لی.

ساردین sardin: ا. [فر] (= سردین،

ساردین) تنی آوینجاق سویجی اتلی

بالیق، کنسرو اوچین پیدالانیلیار.

سار سیاه sār-e-siyāh: قارا سار.

سارق saraq: ص.فا. [ع] اوغری،

قازاقچی، سارقون، سارقین جمع.

ساری sari: ا. خوش آواز قارا یلکلی

قوشجاغاز، ساری قوش.

ساری sari: [ع] یوقوشیجی، یوقیان،

سینگیان، گیجه یوزبیان، آغنین،

یوزگون.

ساز saz: ا. چالینیان موزیک

قورالاری نینگ هر بیرینه بریلیان آد،

مثلاً: قیجاق، تار، تامدیرا یالی.

ساز دهنی saz dahani: ا.مر. قاویز

(آغیز بیلە چالینیان ساز، تویدوک،

یدی بوغون یالی).

سازش sazeš: ا.مص. ایلااشیق،

اونگیشما، یاراشیق.

ساز کردن saz kardan: م.ص.م.

یاراشماق، یاراشیق اتمک، قارشیلیق

بس اتمک.

ساز کردن saz kardan: م.ص.م.

بجرمه و تاییار اتمک، دوزله مک.

سازمان saz-mān: ا.مص. دوزگون،

ترتیب، اداره، قوراما، ال اله برپ

اداره نینگ ایشینی دوزگون بیلە انجام

بریآن لر، ایشکارلر و دستگاهلر.

ساس sās: ا. قاندالا، سومسون.

ساسان sāsān: ا.ص. درویش،

یوغسول، فقیر، مال و ملکدن ذره

یوق آدم.

ساعت sā't: وقت گورکزیان دستگاه

ساغات.

ساعد sā'd: [ع] ال، قول، بیلک.

ساغر sāqer: ا. کأسه، پیاله، شراب

جامی (ایچگی اوچین).

ساق sāq: ا. بالدير، اینجیک.

ساقط sāqet: [ع] ییقیلان، یره اینن،

پست، مفلس، ناکس، پسه دوشن،

یوقاردان دوشن، بلنندن قاچان.

ساقه sāqe: [ع] لشگرینگ ایزی و

جلوداری، آغاجینگ تنه سی و

گۆره سی.

سالک sālak: ۱. آتابای باش، آدمینگ

یوزونه بورنونا چیقیان باش، اول

باشینگ بیر ییلاپ آیریلماغی اوزاغا

چکیار و آیریلسا-دا جایی بللی

بولوپ دوریار. اول آیراتین بیر هیل

چییین دیشله مه گی بیلن یوزه

چیقیار.

سالک sālek: ص. فا. یۆریجی، ایزینی

ایه ریجی، ایزارلایجی، عارف، تقوا،

مرید عارفینگ ایزینا ایه ریجی.

سالگرد sāl-gard: ییل پتّر، بیر

واقادان ییل گچیپ ایندیکی ییللاردا

توتولیان بللی گونی، ییل دؤنوم.

سالم sālem: [ع] ساغ، عیب سیز،

جانی ساغ، ساغ دین.

سالن sālon: ۱. [فر] اولی اوتاق،

آراخوت، میهمانه خدمت ادیلیان

اولی اوتاق، نمایش بریلیان اولی

اوتاق.

سالنامه sāl-nāme: ۱. مر. ییلینگ

واقلاری یازیلیان کتاب، ییلدا بیر

گزک نشر بولیان نشریه.

سالوس sālus: ص. آلداجی، مکیر،

ساقی sāqi: ۱. فا. [ع] میلیده

کأسه لره سؤو شراب قویوپ پایلایان،

سؤو بریان، سؤو پایلایان آدم.

ساکت sāket: [ع] دینچ، سسر سیز،

اوین سیز، دیمپپ اوتوران.

ساکن sāken: ص. [ع] ۱. حرکت سیز،

بیر یرده دوران، قیمیلدی سیز، یرلی،

۲. عرب الیب بیینه یاییق بوغونینگ

آخیریندا چکیمسیز خرفینگ

اؤستونده قویولیان علامت.

سال sā: ۱. ییل، اون یکی آی.

سالار sālar: ۱. ص. سردار، باشلیق.

طایفانینگ باشی، لشگرینگ باشی،

یولباشچی.

سالانه sālane: ق. ص. ییلا دکیشلی،

ییلدا بیر گزک بیتیریلیان ایش، هر

ییل.

سالیه sālbie: ۱. مریم گلی.

سالخورد sālxorde: (= سالخورده)

ص. مر. قارری، یاش اولی، قوجا، کؤنه،

قدیمتی.

سالدات sāldāt: [فر] سرباز، عسگر.

ایکی یوزلی، قالب.

سام sām: ۱. چیش و همده مرض.

سام sām: ۱. شاهنامه داستانیندا سام

نریمان اوغلی زالینگ دادهسی نینگ
آدی.

سام sām: [ع] زهرلی، آویلی.

سامان sāmān: ۱. اوی اسبابی، اویونگ

دستگاسی، ایش ابراری، اؤلچک و

نشانه و بزک و ترتیب، یاشایشا گری

بۆلن زاتلار.

سامع sāme: ۱. فا. [ع] اشیدیجی،

اشیدیان، دینگلیجی، سماع و سمعه

جمع.

سامعه sāme'e: [ع] مؤنث سامع،

قولاق اشیتمه، اشیتمک گویجی،

اشیدیلیش گویج.

سامی sāmi: ص. [ع] بلند، بییک، اۇران

اونگات، عجایب، سماء و سامون

جمع.

سان sām: ۱. رسم، عادت، دوزگون،

یۆزلگه، ارتش آدالغاسیندا: یاراغلی

گویچلری گۆزدن گچیرمه، قشون

باشلینی صف دوران عسگرلرینگ

اۆنگوندن گچیپ اولاری سین

اتمکلیکلری.

سانترال sāntrāl: [فر] مرکزی، اصلی

تویس اورتالیق.

سانتی sānti: ۱. [فر] بیر زادینگ یوزدن

بیری، سانتی گرم یوزدن بیر گرم.

سانتیم sāntim: ۱. [فر] یوزدن بیری،

یوزدن بیر فرانک.

سانتیمتر sāntimetr: ۱. [فر] مترینگ

یوزدن بیری.

سانحه sānehe: ص. فا. [ع] باشا

دوشن ایش، بیردن دوشان واقا

توتاندان یوزه چیقان واقا، حادثه،

سوانح جمع.

ساندویچ sāndewiç: [انگلا] بیر هیل

ساویق آییمت، چۆره گینگ آراسیندا

سالیپ بریلیان آییمیت، چۆزک، کره،

پنیر، ات، یومورتنا، خیارشور،

پوموزاردان عبارت.

ساویت sāwiyet: (= سویت) ۱. [فر]

ایشگار، ایشچی، دایخان،

وکیل لرینگ شوراسی، روسیه نینگ

حکومتی، شوروی دولتی نینگ

قدیمقی رژی می.

یۈرلگه، قارینداشلیق علاقەسى،

سب، اسباب جمع.

سایبان sāyban: ۱. پرده، چادر یا باشغا

بیر گونه شینگ اۈنگونی آماق اوچین

تیکیلیان نارسه، کۈلگه سالیان زات،

سایه وان، چتر.

سبت sabb: [ع] دینچ آماق، راحت

بۇلماق، شنبه گونی، یهودی لرینگ

دینچ آلیان گونی، تعطیل گونی.

اصحاب سبت: سبت یارانلاری.

سایه sāyeh: ۱. کۈلگه.

سؤال soāl: مص. [ع] سوراغ اتمک،

ایسلگ اتمک.

سبحان sobhān: مص. [ع] پاکله مک،

آراسسالاماق، پاکلیک بیلن یاتلاماق،

سبحان الله آیتماق.

شانس se'āns: (= سانس) [فر] فیلم

یا تئاترینگ گۈرکزمه سینه قویولیان

سبحان الله sobhan-allāh: خدای

تعالی آراسسه و پاکدیر.

زمان، میلیس، اورتورشیق.

سبحه sobhe: [ع] ۱. ذکر، دعا، ۲.

تسبیحینگ مهره لری، سبح و

سبحات جمع.

سب sab(b): [ع] سۈگمک، قارغیش.

سبا sabā: ۱. قدیم عربستاندا یمن

تۈۈرگینده بۇلان بلقیس آدلی

ملکه نینگ شهری.

سبز sabz: [ع] گۈک، یاشیل.

سبز شدن sabz šodan: مص. ل.

گۈگرمک، گۈگریپ چیقماق، گۈک

یاشیل اۋویسمک.

سبابه sabbābe: [ع] سویوم بارماق.

سباح sobbāh: [ع] یوزوجی، کۈپ

یوزوجی، جمع سباح.

سبزه sabze: ۱. تازه گۈک سالیپ یاتان

یر، گۈکلیک میدان، مایسا، قرتیچ،

چمن.

سباحات sēbāhat: مص. [ع] سوودا

یوزمک، یوزوجی لیک.

سباع sēbā: [ع] یییرتیجی لار،

یییرتیجی حیوانلار، جمع سبع.

سبزه زار sabze-zār: ا.م. گۈکلیک،

اوتلوق، گۈک چمنلیک.

سبب sabab: ۱. [ع] علت، وسیله،

سبزی sabzi: ۱. ایییلیان و خورشه
آتیلیان اوتلار.

سبط sebt: [ع] ۱. قیز آغتیق، ۲. قبیله
معنادا؛ سبطی: حضرت
موسی(ع) نینگ امتی، جهودلار؛
سبطین: حضرت رسولینگ یکی
آغتیغی، امام حسن بیله امام حسین
خاصلانیار.

سبقت sebtat: [ع] ۱. اوزماقلیق،
یاریشماقلیق، گویج سینان شماقلیق،
یاریشدا اوزماقلیق، ایلرله، اونگه
چیقما.

سبک sabok: ص. ینگیل، آغیر
بۆلمادیق، کلپنگ، کاس.

سبکبار sabok-bār: ص. قمت دال،
یوکی ینگیل، آسوده، راحت، دینج،
شاد و خرم، آرقاسینا ینگیل یوک
آلیپ باریان.

سبکبال sabok-bāl: ص. ص. مر.
ینگیل قانات، کیچی جیک قوش،
چالت اوچیان قوش.

سبوس sabus: ۱. کفک.

سبیل sebil: ۱. مورت.

سبیل sabil: [ع] ۱. یؤل یۆزلگه، آشکار

یؤل، سبول جمع

سپاس sepās: ۱. ۱. حمد، ثنا، دعا،
شکر ۲. شکر ادیجی لیک.

سپاه sepāh: ۱. ج قوشون، ناچه
لشگردن عبارت بۆلان ارتشینگ بیر
بۆله گی، بیر بۆلومی.

سپاهی sepāhi: ۱. ص. لشکره
دگیشلی، قشون لیق، نظامی،
سپاهدان بیر بۆله گی، سپاهیان جمع.

سپر separ: ۱. قالقان (قورالما ایزاری).
سپردن sepordan: ص. تابشیرماق،
یؤل یۆزیمک، بیر زادی ساقلاماق
اوچین بیرینه برمک.

سپرز seporz: ۱. دالاق، آدامینگ چپ
طرفیندا بۆلیان بدن اعضاسی.

سپس sepas: ق. اوندان سۆنگ،
اونسونگ، ایزیندان.

شپنج sepanj: ۱. ییلان بورکوتی.

سپند sepand: ۱. اوزارلیک.

سپور sopur: ۱. [ت] شهرداری طرفدان
کۆچه لری سوپوریان ایشچی، سپور
آدیندا.

سپوس sapus: (= سبوس) ۱. کفک،
بوغدای یا آریانگ قابیغی.

- سپهر sepehr: ۱. آسمان، فلک، گۆنگ
(گۆک)، طبیعت معنیده هم گلیار.
- سپهسالار sepah-sālār: قشونینگ باشلینی، سردار، قشونینگ بویروقچی سی، فرمان بریانی، مارشال، سرکرده.
- سپیده دم sepide-dam: ۱. سحر وقتی، ارتیر بیلن، دانگ آتار وقتی، آلاقاویرداق چاغیندا، آلدانگ.
- ست set: [ع] آلتی.
- ستاد setād: ۱. مر. ۱. مخفف ایستاده، دیک دورماق، دورماق لیق، ستاد ارتش قوشونینگ فرمان بریان جای، مرکزی ۲. اورووش نقشه لری نینگ اوستونده اویلانیپ فرمان صادر ادیلیان یری، اوزال ارکان حرب دیییپ آیدیلیاردی.
- ستار sattār: [ع] کان باسیریجی، کۆپ یاییجی ستارالعیوب: عیب لار باسیریجی سی، الله نعالی نینگ صفت لری نینگ بیرى.
- ستار setār: مخفف سه تار، سه تار، تامدیرا.
- ستار setār: ۱. [ع] پرده، اورتگی.
- ستاره setāre: ۱. ییلدیز؛ ستاره پروین: عمر باقی ییلدیز.
- ستایش setāyeš: ۱. مص. اؤوگی وصف، بیرى نینگ یاغشی لیغینی ایسته مک، بیرینی اؤومک و اونگا منتداریلق ییلدیرمک، تعریف.
- ستبر setabr: ص. سمیز، یوغین، قاتی.
- ستر satar: ۱. مخفف استر، قاطیر.
- ستر satr: مص. [ع] اؤرتمک، گیزگه مک، یاشیرماق، اؤستونی اؤرتمک.
- ستر setr: [ع] پرده، اؤرتگی، استار جمع.
- سترگ sotorg: ص. دایاو، زورلی، ادلک، اولی، یوغین، لاق، و همده قاهارجانگ، اؤروشاجانگ معنیده.
- ستم دیده setam-dide: ستم گۆرن، ظلم یتن، حورلانا، ظلم آستیندا قالان، آزار یتن، ازیلن.
- ستمکار setam-kār: ص. مف ظالم، ستم ادیان. ایگینجی، آزار بریجی.
- ستمکش setam-keš: ظلم ادیلبان، ستم گۆریان، مظلوم.

- ستمگر setam-gar: ص. فا. ستم
ادیجی، ظالم، زور ادیجی.
- ستوه sotuh: ص. یاداو، عجیز،
قایغیلی، آلبیرانگ، بیزار، پتنگ.
- ستیز setiz: (= ستیزه) ا. مص. اوروş،
سویش، اونگوشماسیزلیق،
چاقنیشیق، کجاللیق، دوشمانلیق،
چکیشیک، خیرش.
- سجاد sajjād: ص. [ع] کوپ سجده
ادیجی، دوردونجی امامینگ لاقامی.
- سجاده sajjāde: [ع] نمازلیق.
- سجده sejde: ص. [ع] نماز اوچین
مانگلایینگی یره قویماق.
- سجده گاه sojdegāh: عبادت جای.
- سجع 'saja: مص. [ع] ۱. کپدرینگ
سسی، ۲. قافیه لی آیدیلیان سۆز.
- سجع 'saja: ۱. [ع] سۆزی قافیه بیلن
آیتماق.
- سجل sejel(1): [ع] سجیل، پاسپورت
آد و فامیل یازیلیان دفتر، قاضی نینگ
بویروغی و فتواسی.
- سجن sejn: [ع] توسساق، زندان،
سجون جمع.
- سجود sojud: مص. [ع] عبادت اوچین
مانگلایی یره قویماق.
- سجین sejjin: ص. [ع] همیشه لیک،
مدامالیق، اندیک، ادهمت، قایم،
دوزخدا بیر جایینگ آدی.
- سجین sajjin: ا. ص. [ع] تۇساق، گۆز
توسساغی، سجناء جمع.
- سجیه sajjīye: [ع] قیلیق، طبیغات،
سجایا و سجات جمع.
- سحاب sahab: [ع] بولوت، سحب
جمع.
- سحار sahhār: ص. جادیگوئی، جادی
ادیان، جادیچی.
- سحر sehr: [ع] جادی، اسحار و سحور
جمع.
- سحر sahar: ۱. [ع] دانگ، ایر ارتیر، گون
دوغاردان اؤنگ، دانگدان سحر
- سحرخیز sahar-xiz: ص. ایر توریان،
ایر توراغان.
- سحری sahari: سحرلیک، آرازا آیی،
سلایکده اییلیان ایمیت، سلایک.
- سقاوت saxawat: [ع] سخیلیق
اتمک، باغیشلاماقلیق، جومارتلیق،

- كرم، برىملى، الى آچىق. **سخاء** 'saxā: [ع] برىملىك،
جوماتلىق، سخىلىق.
- سخت** saxt: ص. ۱. قىن، مشكل،
چتىن، برک، ماکام، قاتى، پوغتا،
آنکسادىنگ ترسى ۲. خسىس،
گۇرىپ معنیده.
- سخت دل** saxt-del: رحم سىز،
دونگ يورك، داش يورك.
- سخن** soxan: ۱. سۆز، كپ، كلام.
سخن بجا گفتن
soxan-e-bejā-goftan:
سۇغشۇرماق، يرينده كپله مك.
- سخن چىن** soxan-čin: ص. شوغول،
غىيىت كىش، ايكى آدمىنگ آراسىنى
كپچىلىك اديپ بوزيان، دگىريان، آرا
بوزوجى، كپچى، كپ گزديريان.
- سخندان** soxan-dān: ص. فا. ديله وار،
چپر، سۆزه بها برىپ بىليان، شاعر،
ادىب، ادبياتچى.
- سخن ران** soxan-rān: ص. فا. يىغناقدا
كپله يان ديله وار آدم، ديله وار
كپله يىجى، گوررونكىچى.
- سخن سنج** soxan-sanj: ص. فا.
سۆزى سايفارىپ بىليان، سۆزه
دوشونيان، سۆزه بها برىپ بىليان،
شعر تاناماغى باشاريان، ادبياتچى.
- سخن گفتن** soxan goftan: مص. ل.
كپله مك، گورله مك، سۆزله مك.
- سخنگو** soxan-gu: ص. فا.
سۆزله يىجى، سۆزه چپر بولان، ناطق،
ديله وار.
- سخنور** soxan-war: ص. گوررونكىچى
شاعر، يازىجى، ديله وار، سۆزه چپر،
سويجى سۆزلى.
- سخى** saxi: ص. [ع] جومات، الى
آچىق، باغيشلايىجى، كرىم، سخى.
- سخيف** saxif: ص. [ع] ينگىل، زورسىز،
سسست، كلهسى بوش.
- سد** sad: ۱. [ع] بند، سۇو تيغشيتلاماق
اوچىن اۇنۇنگ اۇنگونده تۇورگىنده
قورىليان ديوار بۇوت، پاسگل، دفار،
بند توتما.
- سداب** sadāb: ۱. پۇرسۇجا اۇت.
- سدره** sedre: [ع] سدر آغاچ، يدينجى
قات آسماندا بۇلان بير آغاجىنگ

سرازیر sarāzīr: اینیش، انگیت، باش
آشاق.

سراسر sarāsar: ق. بوتینلی، باشدان
آیاق، بویدان باشا.

سراسیمه sarāsime: ص. مر. خوفلی،
قۇرقۇلى، سرگزدان، اۇزىنگى يىتيرمه،
آلجيرانگ، يايڭداو، پرىشان ارىد
ياغدايلى.

سراشيب sarāšib: ص. مر. باش آشاق،
ياپ آشاق، اينيش.

سراغ sorāq: ا. بلگى، علامت، نشان،
بىرىنىنگ اۋىونى و مكانىنى
سوراماق، سالغىن آماق، بىرىنىنگ
مكانىنى باشغا كىشىدن سوراماق،
بىرىنه بىر جايى و بىر زادى
گۇركزمك، اصلى تركى سۆزىنىنگ
سوراغ گۇرنوشى و سۆزى.

سرافراز sar-afraz: ص. فا. باش
يۇقارى، باشى دىكلىك، قووانىجى،
قالقىنجى.

سرافكندە sar-afkande: ص.
اوتانچلى، باش آشاق، اوياتلى،
سرافكندگى: اوتانچلىلىق، باش

آدى. سدرةالمتهى: بهشت يا
عرشىنگ ساغ طرفىندا بىر آغاجىنگ
آدى.

سر sar: ا. ۱. باش، كلّه، انسانىنگ و
حيوانىنگ بوقوردادان يۇقارسى ۲.
يۇقارى، اۋست معنادا.

سر serr: [ع] سىر، ايچ سىر، آيدىلمان
ايچده ساقلانغان سۆز، گىزلىن سۆز،
اوغرىن زات.

سرآغاز sar-āqāz: ا. سۆز باشى،
گىرىش، باشلانغىچ، باشدان
باشلانغان سۆز.

سرا sarā: (= سراى) ا. اۋى، اولى اۋى
تام.

سراب sarāb: ا. ص. ۱. سۇباشى، باغ
و يرىنگ ياقىندا بۇلان آقار سۇو،
شورلىق ۲. داشدان سۇو يالى بولوپ
گۇرۇنپان سالغىن سالغىم.

سراپا sarāpā: ا. باشدان آياق، بوتىن،
هّمه، توتوشلىغتا.

سراج serāj: ا. [ع] چراغ، چىرا، سراج
المساكين: كنايه سۆزى، ماھتاب،
آيينگ ياغتىسى، سرج جمع.

آشاقلىلىق.

سرباز.

سرآمد sar-āmad: (= سرآمد) همه دن

سرپالا sar-bālā: ا. ص. کوتل، ياپ

يوقاردان بولما، سايلانما، بللەنن،

يوقارى، يوقارى چىقىش، بىيىكلىك.

غىرىدان يوقاردان بولان.

سربسته sar-baste: ض. مر. آغزى

سرانجام sar-anjām: ق. سۈنگ، ايش

باغلى زات، آغزى ياپىق، اوستى

سونكى، آخردە، آخر سۈنگ. سرانجام

باسىرىلغى، باسىرغىلى، گىزلىن،

دادن: تمام اتمك، قۇتارماق.

تاولى سۆز.

سرانه sarāne: بىر-بىردن سان

سربسر sar-be-sar: ق. بويدان باشا،

يوزوندن آدملاردان آلىنيان ماليات،

اهلى، بارى يۇغى؛ سربسر شدن: برابر

سالغيت.

دنگ بۇلماق.

سرايت serāyat: مص. [ع] گىجه

سربلند sar-boland: ص. باش

گىتمك، گىجه يولا دوشمك، بىر

يۇقارى، باشى دىك، قىوانچلى؛

زادىنگ باشغا بىر زادا اثر اتمەگى، بىر

سربلندى: باش يۇقارلىق،

ناخوشلىغىنىگ باشغا بىرىنه

سربلندلىك.

يۇقۇشماغى، يۇقۇشيقلى بولماغى.

سرپا sar-pā: ص. آياق اۆست، آياق

سرب sorb: ا. قۇرشۇن.

اۆستونده دوران، اۆز آياق اۆستونده

سربار sar-bār: ا. مر. بىر تاي يوك،

دوران.

باشا دوشن، باشغالارىنگ زحمتيندن

سرپائی sar-pā'i: ص. آياق اۆستوندن،

مانگلاى دريندن پيدالانىپ ياشايان

آياق اۆستونده دورىپ ايشلەيان آدم،

آدم.

شاگرد و قولوقچى.

سرباز sar-bāz: ا. ص. باشيندان گچىپ

سرپائی sar-pā'i: ا. پايىش، شىيىيق،

جانينى فدا اتمكلىگە تاييار بۇلان

يىلكن، كۆويش، اۆيدە گىيىليان

عسگرە آيدىليان، عسگر، سپاهى،

سويرمه كۆويش.

فرمانده سی، فرمان بریجی سی،

سرهنګدن بیر درجه یوقاری، حربی

قوشونینگ اولی افسرلرینگ بیرى.

سرچشمه sar-češme: ا.مر.

چشمانینگ گۆز باشى، چشمانینگ

چوغوپ چیقان یری، چشمانینگ

گۆزى.

سرحال sar-hāl: غیلولى، شهد آچیق،

یاغداىى قاوی بۇلان.

سرحد sar-had: آراچاک، ایکى

یوردۇنگ آراسینی کسیان خط، بلگی

و نشان، سامان، ایکى اکرانچلیغینگ

آراسى.

سرخ soix: ص. قیزیل قرمزى، قانا

منگزاش بۇلان رنگ.

سرخاب soix-āb: ا. اوردگینگ بیر

گۆرنوشى، قیزیل اۆردک.

سرخ رو soix-tu: ص.مر. شاد، یوزى

گل منگزلى، خوشحال، کپىى کوک.

سرخک soix-ak: ا. قیزامیق، کۆپلنچ

چاغالارا دگیان ناخوشلیق، اوغلانینگ

اندامینه قیزیل دوورتیک بۇلۇپ

اوریان قیزامیق آدیندا کسل،

سرپرست sar-parast: ا.ص.

قوللوقچى، قاراویل، اؤی اولوسى،

اداره ده یا باشغا بیر قورالشیق یرلرده

باشلیق بولۇپ ایشله یان آدم.

سرپوش sar-puṣ: ا. عیال لارینگ

باشینا اؤرتونیان چاشیوی

اؤرتونجه سی، بیر زادینگ اؤستونی

اؤرتمک اوچین اولانیلیان نارسه،

اؤرتگی، قافاق.

سرپوش sar-puṣ: ص.فا. راز

ساقلايى، سِر ساقلايى،

بیرى نینگ سِرینی ساقلايان آدم.

سرپوشیده sar-puṣide: ص.مر.

اوستى اؤرتگیلى، باشى اؤرتونجه لی

عیال، اوستى یاپیق جای

سرتاسر sar-tā-sar: ق. ۱. بویدان

باش، باشدان آیاق، بارى یوغى همه،

تمام، بوتین ۲. باشدان آیاغا چنلى

دیپ-ده آیدیارلار.

سرتراش sar-tarāṣ: ا.ص. سلمانى،

آدم لارینگ ساجینی سیریان آدم،

دللك.

سرتیپ sar-tip: ا.ص. تیپ

مريض چيليك.

چاشغين.

سر خوردن sor-xordan: م.ل.

سر دسته sar-daste: ا.ص. بير بؤلگ

سورشمک، سورشوپ ييقيلماق،

آدمينگ باشليغي، ياش اولوسي، بير

تايماق، ييقيلماق.

توپار آدمينگ سرکرده سي.

سرخوش sar-xoš: م.مر.شاد، کيپی

سر دسير sard-sir: ا.ص. ساويق ير،

کوک مست کونگلی خوش.

هواسی ساويق ير، ييلاق.

سرخوشی: شادليق، کؤکليک،

سر دفتر sar-daftar: ا.ص.

سرخوشليق.

دفترخانه نينگ ايه سي، اوندا

سرخه دم سياه sorxe-dom-e-siyāh:

سندلری دفتره يازيليپ امضاء

چاقيق.

اديليار.

سر د sard: م. ساويق.

سر راست sar-rāst: ک. گؤنی،

سردار sar-dār: ا.ص. باشليق، سردار،

دؤغری، اگریم بوغرام سيز، بيته وی،

طايپانگ اولوسي.

کم سيز، گؤنی.

سر در sar-dar: ا. قاپينگ يوقار

سر راهی sar-rāhi: ا.مر. يولاغچي لان،

اوستی، قاپينگ اوستکی چارچوبی.

يولا دوشنده صدقه يا انعام آديندا

سر درختی sar-deraxti: ا.مر. باغدان

بريليان پول.

اؤنيان اييميشلر، آلمان، الو، نار يالی

سر راهی sar-rāhi: م. دوغورليپ

زاتلار.

آتبريلپ گیدن چاغا، يولدان تاپيلان

سر درد sar-dard: ا.مر. کلّه آغیری،

تازه دوغلان و دوغان چاغا.

باش آغیری.

سر رسيد sar-resid: ا. تجارت

سر درگم sar-dar-gom: م.مر.

رسمينده بريلجک پولينگ وعده

آنگالان، سرگزدان، حيران، يؤل

اديلن گونی.

ييتيرپ سرگزدان بؤلان، آالجيرانگ،

سر رشته sar-rešte: ا.مر. ا. نخ اوجی،

- ایش یولی، ایشده چپرچیلیک ۲. سرشار sar-šār: ص. دۆپ دولی، پریر، داشغین.
- سرزدن sar zadan: مصل. باش چیقارماق، اکیلن زادینگ گۆگریپ یر یوزونه چیقماغی، گونونگ دوغماغی، دويدانسيز بير ايشه يتيشيکلیک ادیپ بارپ گۆرمکلیک یاغداینی سورماقلىق، یوزه چیقماقلىق، یول اوستونده بۇلان ايشه قاقماق.
- سرزده sar-zade: ک. بیردن، خبرسيز، دويدانسيز.
- سرزمین sar-zamin: ا.مر. بۆلک یر، تیکه یر، بیر قوم و طایبانینگ یاشایان یری، یۇرت، نرز، آراچاک، اولکه.
- سرزنش sar-zaneš: کأیش، زیرنج، کأیننج، یازغاریش، قاتیرغانما.
- سرسام sar-sām: ا. باش آغیری، کلّه آغیری، تیتیرهه کسلی و آلبیرانگلیق، چاشغینلیق یاغداى.
- سرسبز sar-sabz: ص.مر.ترجه تازه، گۆک مایسا، خوش و کیپی کۆک جوان آدم.
- سرشت serešt: ا. قیلیق، خاصیت، یازادیلیش، طبیقات، عادت.
- سرشک serešk: ا. گۆر یاش، گۆزدن آقیان دامجا، آغلانگدا گۆزدن دامیان یاش.
- سرشکسته sar-šekaste: ص.مر. باشی آشاق، اۇتانچلی، اۇیاتلی، اوتــــانچلی. سرشکستگى: اۇتانچلیلیق، اۇیاتلیلیق.
- سرشناس sar-šenās: ص.مر. بللی آدم، تانییلیان، شهرتلی آدم، مشهور آدم، یاقاسی بللی آدم.
- سرشیر sar-šir: ا.مر. قایماق، سويدونگ یوزونداکی یاغی.
- سرطان saratān: ا. [ع] ارلنگچ، اون ایکی برج فلکینینگ دۆردونجی آیىنینگ آدى و طبیبچیلیکده خطرلی ناخوشلیق، اول یازا و چیش بولوپ اندامدان دوموپ چیقیار و ارلنگجینگ آیاغی یالی مونگ چشمه دییپ آیدیلیان کسل.

سرعت sar'at: [ع] تیزلیک، قاتی

گیدیش، قاتی بادلی یورتیش، چالت
گیدیش، چالتلیق، چاقغانلیق.

سرفراز sar-afrāz: سرافراز - ص.

بییک، مرتبه‌لی، اولی خدمت‌لی،
باشغالاردان تفاوتلانیان، باشی دیک.

سرفه sorfe: او اوسگورمه،
اوسگیله‌ویک.

سرقت serqat: [ع] اوغورلیق، بیر
زادی اوغورلاماق.

سرقفلی sar-qofli: بیر کیشی‌نینگ

باشغا بیرینه اؤی یا دکان دیرکلی
اونونگ اجاره‌سیندا داپ بولان
سرقفلی آدیندا بریان پولی.

سرکار sar-kār: ا.ص. ۱. ایش

باشلینی، ایشی یولا بریان، باقیجی،
ایش اوستونده دوریان، ۲. حرمت
اوچین آد بیلن قاباتلاب بيله‌لیکده
بیرینه آیدیلیان سؤز.

سرکرده sar-karde: ا.ص. بویروغچی،

دسته باشی، بیر بؤلک سربازینگ
باشی، یولباشچی، باش توتان.

سرکش sar-keš: ک. بوینی یوغین،

یاغی، بویروق‌سیز بؤیون اگمه‌زک،
باش تاولاما، باش اگمه‌یان، تابین
بؤلمازاق، قدرت‌لی، گویچ‌لی و باشی
دیک دیییپ-ده آیدیلیپ‌دیر
سرکشی: باش برمه‌سیزلیک، بؤیون
اگمه‌سیزلیک، یاغی‌لیق.

سرکوب sar-kub: ۱. باش آورادیجی،
اؤرؤش وقتینده دوشمانا آبانیپ
اوروپ یوق ادر یالی، دینگ، دغه، داغ
یالی بییک یر، ۲. کآیینچ، شیل‌تاق
دیییپ-ده آیدیلیپ دیر.

سرکوفت sar-kuft: ا.مص. کآیینچ،
علامت، عییلاما، یازغاریش.

سرکه serke: ا. سرکه، اوزوم، موز یا
خرما، انجیر یالی میوه‌لرینگ سؤوی،
سرکه آدیندا.

سرگذشت sar-gozašt: ا. باشندان
گچن، آدمینگ باشینا گلیپ گچن
واقالار، بؤلان واقا، باشندان گچن
یاغدا.

سرگرد sar-gard: ا.ص. قشونینگ
افسری، سرواندان بیر درجه اولی،
قدیم‌لار اونگا یاور دیییپ آیدیلیان

اکن.

قشونینگ اولی افسری، سرتیپدن

سرگردان sar-gardān: ص. سرگزدان،

بیر درجه یوقاری بولان.

چاشغین، آجیرانگ، باشاغلان،

سرما sar-mā: ا. ساویق هوا، هوا،

حیران، آواره، بللی، ساللاخ.

هوانگ ساولیق لیغی، آنگزا، آبازلی

سرگرفتن sar-gereftan: م.ص.

هوا.

باشلاماق، توتالاشماق، یاقالاشماق.

سرما خوردگی sar-māxordegī: ا.

ساویقلاما، دومه وله مه، ساویغینگ

سرگرم sar-garm: ص. ایشه

اثریندن آداما دگیان ناخوشلیق،

گویمینان، های کونی ایشه برن،

کسل.

ایشه قیزان، ایش بیلن باشاغای

بولان.

سرمایه sar-māye: ا. پول، مال،

سرگروه sar-goruh: باشلیق،

بایلیق، تجارت کسبی نینگ اساسی

طایفانگ اولوسی.

بۇلان پول سریشته سی، مایا، قۇیوم.

سرگشته sar-gašte: ص. سرگزدان،

سرمایه دار sarmāye-dār: ص.

پولدار، سرمایه ایه سی، مایه دار،

حیران، باشی آیلانان، چاشغین،

پۇللی.

اوغیرینی یتیرن، آجیرانگ.

سرمد sar-mad: [ع] همیشه لیک،

سرگشتگی: سرگزدان لیق،

ابدی، سۇنگ سیز.

چاشغین لیق، باشاغای لیق.

سر مست sar-mast: مست، سرخوش،

سرگیجه sar-gije: ا. باش آیلانما، همه

اولومسی، منلیک لی.

زات داشینگا آیلانیاں یالی بۇلما.

سر مشق sar-mašq: گۆزله، نمونه و

سرگین ser-gin: ا. آط و اشک یالی

ایش دستوری، اولگو، معلمینگ

حیوانلارینگ تزه گی، تزک.

یازیان خطینی، اوقوچیلار شونونگ

سر لشکر sar-laškar: ا.ص. لشکرینگ

یوزیندان گۇچیریپ آوادان یازماغی

باشلیغی، فرمان بریجی سی،

- اۋورنمک يۇلى، تارى. سرود sorud: ا. آواز، آيديم، يۇقۇملى
 سرمنزل sar-manzel: يورت، اولكه، آواز، سسر، بير ناچه آدم بولوپ بيله
 ير. آيدىليان آيديم.
 سرنا sornā: ا. تويدوك. سرودن sorudan: مص. آواز اوقاماق،
 سرنشين sar-nešin: ص. ماشينينگ آيديم آيتماق، قوشنى ديمك، شعر
 ايچينده اوتوران مسافرلار، قديمده اوقاماق.
 آتلى مسافرلر آيدىلياردى. سرور sarwar: ص. باشلىق،
 سرنگون sar-negun: ص. باش آشق يولباشچى، بايار، طايپانينگ اولى
 آغان، ييقيلان، دۇنگدريلن. آدمى، باش توتان، آغا، جناب؛ سرور
 سرنوشت sar-newešt: ا. يازغيت، كائنات پيغمبر اسلام (ص).
 بخت، طالع، اقبال، خدای تعالى نينگ سرور sorur: [ع] شادليق، شاديانليق،
 ايلكى آدمينگ مانگلايينا يازانى، خوشحالليق، بگنچليک.
 تقدير، ازله آداما يازيلان، يازغيت. سروسامان sar-o-sāmān: اۋى
 آداما، هميشه گۆك، سروى اسبابلارى، ياشايشينگ گرک
 آغاچ، هميشه گۆك اۋسوپ دوران زاتلارى، اۋيداكى، ياشايشداكى و يا
 آغاچ. ايشداكى دوزگونليک و ترتيبليک.
 سرو آزاد sarw-e-āzād: ا. ديك سروش soruš: ا. فرشته، جبرائيل
 اۋسيان، سروى آغاجى. فرشته.
 سروا sarwā: ا. سۆز ارتهكى، قوشنى. سروس serwis: [فر] نوكرليک،
 سروان sarwān: ا. ص. قديمده خدمتكارليک، خدمت، بير منگزش
 باشلىق؛ رئيس ديبپ آيديلارميش، نهار ايليآن قاپ چاناق، سروس.
 ايندى حربى قوشون افسرى، اوزاللار سره sare: ص. قاوى، ياغشى، تميز،
 سلطان ديبپ هم آيديليار اكن. عيب سيز، تويس؛ ناسره - عيبلى،

- تویس دال، پاک سیزلیک. سر ۱. [فر] اوزین، ایزلی-ایزینا،
سرھنگ sarhang: ۱. ص. حری قوشون افسری، سرگردان بیر درجه
اولی، یولباشچی. سری ۱. [فر] اوزین، ایزلی-ایزینا،
زول، قطار، صف، توپار. سریال seryāl: [فر] ایزلی-ایزینا،
بۆلک-بۆلک، بۆلک-بۆلک بولوپ چیقان ارتەکی، ایزلی-ایزینا
گۆرکزیلیان فیلم. سریر sarir: [ع] تخت، پادشالیک
تختی، کۆشک، قصر، اسره و سرر جمع. سریع sari': [ع] هاولیقما، تیز،
دپگینلی، بادللی، چالت، ییلدام، قییساقلیق، شاتیر.
سریع الانتقال sari'-ol-enteqāl: ذهینلی، تیز دوشونیان، قاتی
دوشونجهلی، تیزهوش. سریع السیر sari'-ol-seyr: تیز
گیدیان، قاتی گیدیان، ییلدام یۆرییان، چالت گیدیان، چاقغان یورییان.
سرین sarin: ۱. بۆت، ساغیر. سیه sorriye: قیرناق، کنیز، سراری
جمع. سزا seza: ۱. جزا، قاولیق و اریدلیگینگ
جزاسی، مزد، حق، عوض، ۲. سیلاغ و لایق لایق معنالاردا.
سزاوار sezāwār: لایق، مناسیب، یاراشیقلی، حق. سست sost: ص. عجیز، خور، پس،
حال سیز، قاوشاق؛ سستی: خورلیق، عجیزلیک، تنبل لیک، یوواشلیق.
سست تر sost-tar: قاوشاق راق. سست کردن sost kardan: قاوشاتماق، پسلمک.
سطح sath: [ع] بام، بیر زادینگ یوزی، اومت، یوزه
سطر satr: [ع] سطر، خاطار، سطور و اسطار جمع. سطل satl: [ع] بدره، قاوا.
سعادات sa'ādat: مـص. [ع] قوتلی لیق، بختی یارلیق، بختلی لیق،
خوشبختلیق. سعد sa'd: [ع] مبارک، خوش بختلی، سعود جمع.

- سعی sa'i: [ع] تَقْلًا اتمک، چالیشماق،
 جان چکمک ایشه اخلاص اتمک.
- سعید sa'id: [ع] بختلی، بختی آچیق،
 یختی یار.
- سفارت sefārat: [ع] آرا آلیپ بیر
 ایشی تیمارلاماق، آرا دوزله مک،
 ایلچی نینگ وظیفه سی دولی
 اختیاری بؤلۆپ باشغا دولتینگ
 پایتختینه دولت طرفدان گیدیپ یکی
 دولتینگ ایشینی یولا برما ایلچی خانان.
- سفارش sefāreš: (= سپارش) ا.مص.
 تابشیرماق، تابشیرماق، سارغیت،
 تابشیرغی، سارغاریش تابشریق.
- سفال sofāl: [ع] پست بؤلماق،
 پستلیک، قورپسیزلیق.
- سفال sofāl: ا. پالچیقدان بیشیریلیان
 کاسه، کویزه و شولار یالی زات، کویزه
 دؤویک، تانگسیق.
- سفت seft: ص. قاتی، برک، قالینگ.
- سفتن soft-an: مص. دشمک،
 سویکه مک، سیپاماق.
- سفته soft-e: اؤچلی زات، اؤق، پیکان،
 اؤچلی، اهلی اؤچلی زات.
- سفر safar: [ع] یولاغچیلیق، سیاحت،
 گزیم، بیر شهردن باشغا بیر شهره
 گزماگه گیتمک، بیر شهردن باشغا بیر
 شهره یولا دوشمک
- سفره sofre: [ع] ساچاق، دسترخان،
 سفره.
- سفله sofle: [ع] پس، ییگرنجی،
 یارامان، بی حیا، اوتانچ سیز، بد آصیل،
 باش آشاقلیق.
- سفید sefid: ص. آق.
- سفیدی چشم sefidi-češm: گۆز آغی.
- سفیر safir: [ع] ایلچی، آراچی، دولت
 طرفدان باشغا بیر دولته وکیل بولوپ
 گیدیان آدم.
- سفیل sofil: [ع] خور هومسی، پسه
 دوشن، ازیلن، سفیل سرگزدان، آواره.
- سفینه safine: [ع] گامی، سفائن و
 سفن جمع.
- سقامت saqqāmat: [ع] کسمله مک،
 هاسسالاماق، ناخوشلیق،
 سیرقاوولیق، خاسسالیق.
- سقاء saqqā': سؤوچی، سؤو داشایان
 آدم، سؤوکش.

- سقر saqr: [ع] جهنم، دوزخ، تامی.
- سقط seqt: [ع] ۱. بیهوده، پیداسیز زاتلار، پس مال ۲. رسواچیلیق و یالنگیشرلیق و خطا معنیده.
- سقط شدن seqt-šodan: اۆلمک، آزادان چیقماق، حیوان - انسانینگ هلاک بولماغی.
- سقف saqf: [ع] جایینگ اوستی، تامینگ اوستی، بام، سقوف جمع.
- سقف دهان saqf-dahān: ۱. آغیزینگ ایچ یۇقارسى، قانگشیرىق، کنتله ویک.
- سقوط suqut: [ع] ییقىلماق، یرە باش آشق اینمک. سقوط کردن: ۱. یرە اینمک ۲. دوشمانینگ الینه دوشمک.
- سکته sekte: ۱. [ع] دۇرۇقما، کسىلمه، اوزولمه، ساقلانما، بىردن آدمدا تاپىليان ناساغلىق ياغدايى، آدمینگ اندامى حرکتدن دوشوپ اۆلومه سبب بوليار، كۆپلنچ يوره گینگ مغزینگ دامارى قسىرىلماق نتیجه سینده يوزه چىقيان کسل.
- سکر sokr: [ع] سرخوشلىق، مستلىک، پيانلىق.
- سکوت sokut: [ع] دیمما، سس سیز، اوين سیزلىک، اومسوملىک، دیمما.
- سکونت sokunat: [ع] اوییده اؤتۇرماق، منزل اتمک، اؤی توتماق، مسکن توتماق، یاشاییش اوچین جای بجرمک، بیر یرده یاشاماق، اوروون توتماق.
- سکه sekke: [ع] اونیق پول، قیران پول.
- سکینه sakine: [ع] راحت، آرام، خاطر جملىک، اینانچ.
- سگ sag: ایت.
- سگ آبی sag-e-ābi: سؤو ایتی، دۆلن.
- سگ زبان sag-zabān: ایت دیلی.
- سلاح selāh: [ع] یاراغ، حربى انجام.
- سلاطین salātin: [ع] سلطانلار، پادشاهلار، جمع سلطان.
- سلام salām: [ع] آفتدان و عیبدان سایلانماق، آراسسالىق، دوغرولىق، دۇستلۇق و مهربانلىق دویغوسى

- حکمىندە آيدىليان آنكلاتما، سلام. **سلطه** sol-te: [ع] گويچ، قۇجۇرلىق،
 سلامت salāmat: [ع] ساغ، ساغلىق،
 قورغونلىق، دىنچلىق.
 سلب salab: [ع] اوغورلاماق، قاقماق،
 بىر زادى بىر زاتدان يۇلۇپ آيىرماق،
 آغاچ قابىغىنى آيىرماق.
 سلب salb: [ع] يۇلۇنان، اوغورلانان،
 قوفارىلان زات، آيرىلان، اسلاب جمع.
 سلب salab: [ع] ياسدا مصيبتدا
 گىليان قارا گىيم، قارا گىمك، سلاب
 جمع.
 سلسىل tsalsabil: [ع] سويچى و
 ينگىل آقغىنلى سۇو، ينگىل آقيان
 سۇو، جنتدە بىر چشمانىنگ آدى،
 اوچما بولاغى.
 سلسىل salsabil: ا. گچى ساققال،
 يلمىك.
 سلسله tselsele: [ع] زنجير يالى، بىر
 بىرىنە سىپەگىلى زنجير يالى
 سبشيرگىلى بۇلان. خاطر، سىرغىن.
 سلطان tsoltān: [ع] پاتىشا، حاكم.
 سلطنت sal-tanat: مص. [ع] شالىق
 اتمك، سلطانلىق، پاتىشالىق اتمك.
- سلطه sol-te: [ع] گويچ، قۇجۇرلىق،
 داياولىق، حكم سورمكلىك،
 بۇيۇرچىلىق، اوستىملىك.
 سلک selk: [ع] رسته، يوپ، دوزوم،
 دوزولمه، خاطر، رسته مرواريد، ساپ،
 اسلاك و سلوك جمع.
 سلوى solowi: ا. بدنه قوش.
 سلوى salwi: ا. [ع] باسالىق بريان،
 آدما اينجالىق بريان.
 سليم sal-im: [ع] ساغ، بيتىن،
 عىبسىز، ساغدين، يوشاق،
 خاصيتلى، آفتسىز، موينسىز.
 سم som: ا. تويناق، آطينگ -
 اشەگىنگ تويناغى.
 سم sam: ا. آوى، زهر، جانلىنى
 اۇلدورىان نارسە.
 سماء samā: [ع] آسمان، گۆك، هر
 زادينگ بامى، جمع سموات.
 سماجت samājat: [ع] گلشيك سىز
 بۇلماق، گلشيك سىزلىك،
 حياسىزلىق، اوتانچسىزلىق، يورهگە
 دوشوجىلىك، شرمسىزلىك،
 كجاللىق، ارجه شىك، جدللىك.

سماع samā': [ع] ۱. اشیئمه،

دینگله مه ۲. آیدیم ساز ۳.

درویشلرینگ قوشغی، ساز و رقص
بیلن ذکر چکمه گی.

سمانه samāne: ۱. کرک، بیلدیرچین.

سماوات samāwāt: (= سموات) [ع]

آسمانلار، گۆنکلر، گوکلر، جمع
سماء.

سماور samāwar: روس سۆزی: چای

قایناتماق اوچین ایشله نیان آبزال،
سماوار.

سماوی samāwi: [ع] گۆنگه دگیشلی
بۆلن، گۆنگ، گۆی آسماندان .

سمت semat: [ع] داغ اثری، بلگی، ایز،
آد، عنوان، سمات جمع.

سمت samt: [ع] یۆل یوردا، یورلکه،
اوغیر، طرف، سموت جمع.

سمج semej: (= سَمِج) [ع]

تله که لیک، پسرلیک، هالانمادیق، جد،
شرمسیز، حیاسیز، ایززیق، کجال،
ارجه شیک.

سمج semej: ۱. سرداب، نقیم، یر

آشاغینداکی یۆل، یر آستینداکی

زندان، داغینگ قوواغینداکی قویون
آخیری، یاتاغی.

سمع sama': [ع] قولاق، اشیدیش

دویغوسی، اشیئمه، اشیدیش،

دینگله مه، قولاق آسما، اسماع جمع
اسامع و اسامیع جمع جمع.

سمند samand: ۱. تويس، سوی،
ساری آط، ساری رنگه بۆلن آط.

سمندر samandar: ۱. کلپزا منگز

یرده سوودا یاشایان جانلی، اودا
یتنده اؤزوندن بیر زات زینگیپ اونی

سۆندوریا، شۆنۆنگ اوچین ده
ادیباتدا اوتدا یاشایان جاندار دیییپ

دوشونجه بریلیار.

سمور samur: ۱. قوندوز، اول تیلکا

منگز حیوان، دری سی یۆمشاق
قیمات بهالی، اونی دریسی اوچین

شکار ادیارلر، جمع سمامیر.

سمیع sami': [ع] اشیدیجی، اشیتگیر،
سمعاء جمع.

سمین samin: [ع] سمیز، پوگکی،

دایاو، کلام سمین، پوغتا برک سۆن
اسمان جمع.

سن sen: [ع] ياش، سن بلوغ؛
يتگينجکلیک ياش.

سن sen: ۱. [فر] نمايشينگ
صحنه‌سی، نمايش بریلیان یر، جای.
سنبل sonbol: [ع] خوشه، بۇغدايینگ
آریانگ جوانه‌سی.

سنبل sonbol: گل بریان وتلاردان،
زینتلی گل‌لردن.

سنت sent: [ع] یول یوردا، داپ،
یۆزلگه، اوغور، طبیعت، اهل سنت؛
حضرت ابوبکرینگ خلافتنه قائل
بولان مسلمانلار.

سنجاب sanjāb: ۱. آوی سیدیک.
یومشاق تویلی حیوان، اونونگ یومشاق
دریسیندن اگین اشیگینگ ایچینه
توتیارلار، و همده کلاً گیماکه
قۇلاقجین تیکیلیار.

سنجاق tsanjāq. [ت] ۱. بایداق، توغ
۲. ولایت معنادا.

سنجاق tsanjāq. [ت] ساچی
ساقلاماق اوچین اورولیان سنجاق،
گیره.

سنجد senjed: ۱. ایگده.

سنجر sanjar: ۱. ص. ۱. آو آولایان قوش
۲. دایاو آدم معنیده

سنجر sanjar: ۱. سلجوقلارینگ
یدینجی پادشاه‌سی، سلطان سنجر.
سنجیده sanjideh: ص. م. آغرامی
آلینلن، اؤلچاگی آلینان، اؤلچهلن.

سند sanad: انه آتاسی بللی بۇلما دیق
حرامزاده چاغا.

سند sanad: [ع] سند، دلیل، دایانچ و
ینه یول دوکومنتی

سندلی sandali: (= صندلی) ۱.
اوتورقیچ، اۆستونده اوتوریلیان،
دمیردن آغاچدان بجریلیان دورت
ایاقلی اوسۆل.

سنگ sang: ۱. داش، داغ داشی.
سنگ پشت sang-pošt: ۱. پیشباقا،
پیشدیل.

سنگ چشم sang-česm: ۱. آلاتۇغان.
سنگ دل sang-del: ک. داش یورک،
یوره‌گی قارا، دونگ یورک، ازغیت‌سیز.

سنگر tsangar. جانان قورناماق
اوچین بجریلیان چوقور یا تفار، آغاچ
دیر یا داشدن یاپراقدان ادیلیان، جان

- پناه، قوراق جای، سنگر. سواد sawād: [ع] ۱. قارا، آدم لارینگ
 سنگسار sang-sār: ۱. داشلانما، قاراسی، شهرینگ قاراسی نینگ
 داشلاما. داشدن گورنیمی ۲. فارسچا
 سنگستان sangestān: ۱. داشلیقیر، اوقویماق و یازماق لیغا قوجوری و
 داشینگ کۆپ یری. قدرتی بولان.
 سنگین sangin: ص.ن. ۱. آغیر ۲. سواد اعظم sawād-a'zam: اولی
 قمت بها معنی ده. شهر، پایتخت.
 سنی sani: [ع] اهل سنته باغلی بولان، سوارکار sawā-kār: ص. آط اوغلان
 اهل سنتدن بولان. آط چاپیان اوغلان، آط چاپماغا
 سو su: ۱. ۱. طرف، قاپدال، یان اوغور. چاقغانلان، چابک سوار.
 ۲. یاغتی لیق و پیدا، نفع معنی ده. سوار کردن sawar kardan: مص.م.
 سو su: ۱. [ت] سوو، چای سووی، میندیرمک، آطلاندیرماق.
 جغرافیا آدلاردا گلن دیر «قره سو» سواره sawāre: ص. آطلی، اولاغلی،
 دیین یالی. چاپاری، آطا مینن، اولاغ مینن، آط
 سوء su': [ع] اربت، یامان. مینن حالتده، آطلی یاغدایندا.
 سواء sawā': [ع] آیری، اورتا، میانه، سواره sawāre: ۱. [فر] ساز صحبتلی
 عدل، دنگ، و کلمه استثناء: باشغا اوتورشیق، گیجانگ اوتورشیفی،
 غیری، جدا. مهمانلی گیجه، گیجه یاتیلیان وقته
 سوابق sawābeg: [ع] جمع سابقه چنلی.
 ایلکی لر گچن لر، اونگکی لر. سوپ sup: خ. چوریا، سؤویق نهار.
 سواحل sawāhel: [ع] جمع ساحل سوخت suxt: ۱. یانفیج.
 دریانگ کنارلری، دریانگ قیرالاری، سوختن suxtan: مص. یانماق، اود
 سای لر. آلماق، اندامینگ اوده بیشمک، قاینان

سوره‌دن بیر بؤلومی، بیر فصلی،

آیری آیری بابی و بؤلومی.

سوز suz: (= سوزش) ا.مص. آویما،

یانما آغریما. سوز عشق: عشقینگ

یانغینی، عشقینگ اودی. سوزوگداز:

نالا چکمه، آخ چکمه، یالغین.

سوزان suzāan: ص. یانیپ دوران،

یانان حالتده، یانیپ دوران یاغدایده

یاندیریجی، یانان، کون یاقیجی.

سوزاندن suzāndan: مص.م. یاقماق،

کویدورمک اودلاماق.

سوزن suzan: ا. ایگنه.

سوزناک suznāk: ا. یانغینلی،

یوره‌گی یاقیجی.

سوسمار susmār: ا. پاتماجیق،

پاشلاق.

سوسن susan: ا. اونگات ایسلی

گولونگ آدی. سوسن سفید: سوغان

گل.

سوغات sawqāt: ا. سوغات، بیرینه

سیلاغ اوچین آلیپ باریلیان یا

التیلیان ذات، هدیه سوغات، سرپای.

سوق sawq: [ع] قاوماق، دورت آياقلى

سۇوا يانماق، اۇرتونمک.

سوخته suxte: یانان، یانیق، کؤین

کؤیوک، اؤرتنه‌نن.

سود sud: ا. پیدا، نپ، گیرده‌جی قازانج.

سودا sawdā: ا. آلیش بریش، آلو ساتو،

معامله.

سوداء sawdā': [ع] مۇنث اسود: قارا

معنیده.

سوداء sawdā': [ع] عشق، سوییگی،

کوی، خیال، پیکر معنادا.

سودائی sawdā'i: کویله‌نن، دالديران،

تنتک، ماساو.

سودازده sawdā-zade: کله‌سینه

عشقینگ یلی دوشن، چاشان،

آلجیران.

سور sur: [ع] قورانماق مقصدی بیلن

شهرینگ و اوبانینگ داشینا چکیلیان

قالینگ دیوار اسوا و سیران جمع.

سور sur: ا. شادیانلیق، شاد و

خرملیق، توی تماشا، مهمانچیلیق.

سوراخ surāx: ا. دشیک، کؤوک،

ایشغالانگ، یاریق.

سوره sure: [ع] قرآنینگ ۱۰۱۴.

مالی قاوما، سورمه حدیثی
 اوقیما، و بیان اتمه، آیتما .
 سوق sawq: [ع] بازار، مال ماتا، آلیش
 بریش ادیلیان یر.
 سوک suk: ۱. اولوم دوشمه، عزا، غم،
 مصیبت، یاس.
 سوم sewwom: ص.ن. اوچونجی.
 سوهان suhān: ۱. سویجی زادینک بیر
 توپسلی سی، شکر و گوک بۇغداى دن
 بی شیریلیان بیر هیلی سویجی
 نارسه.
 سه تار se-tār: ۱. بیر هیل ساز، اوچ
 سیملی ساز قورالی.
 سهره sehre: آرچاسار.
 سهل sahl: [ع] آنکسات، یومشاق،
 تکیز، یومشاق یر.
 سهم sahm: ۱. قورقی، قورقونچ، وهیم.
 سهم sahm: [ع] ۱. گولله، یای بیلن
 آتیلیان اوق، بیجک، بیجه، چک
 آتیلاندا آتیلیان اوق، سهام جمع ۲.
 پای، بهره.
 سهو sahw: [ع] یالینگیش،
 یالنگیشلیق، نادوغری، نادوغری لیق.

سهولت sohulat: [ع] آنکسات
 بۇلماق، یومشاق بولماق،
 آنکسات لیق، یومشاق لیق.
 سهی sahi: ص. دیک، دۇغری، اوزین،
 گۆنى سرو سهی: اوزین سرو، دیک
 سرو.
 سهیل soheyl: ۱. [ع] آسمانینگ گون
 اورتا طرفیندا تومیسینگ آخیریندا
 گۆرونیان پارلاق ییلدیزینگ آدی.
 سیاح sayyāh: ص. [ع] سیاحتچی،
 یۇرت گزیان، گزمن.
 سیاحت siyāhat: ص. [ع] یۇرت
 گزمه، یولاغچیلیق اتمه، اۇزاق
 یورتلارا اۇزاق یرلره گیدیپ
 گلملیک، گزالنج اتمک لیک.
 سیادت siyādat: (= سیادة) ص. [ع]
 آغالیق، اولولیق، شرف، اولولیق
 تاپماق.
 سیار sayyār: ص. [ع] سیر ادیجی،
 گزنج ادیجی گزیجی، مداما بیر یرده
 دورمان گزیان، گزه گن.
 سیاره sayyāre: ص. [ع] مؤنث سیار،
 سیر ادیجی، گزنده، بیر یرده

- دورمایان، ییلدیز گردان، گونونگ داشینا آیلانیان.
- سیاست siyāsāt: [ع] کوپچیلیگینگ
- ایشینی دوزگونه سالیب یوردونگ
- ایشلرینی اداره اتمک رعیت
- ساقلاماق، سیاست؛ فارسچا:
- مجازات یعنی عاصی چیلینینگ
- جزاسی دیپ-ده آیدیلیار.
- سیاق siyāq: [ع] سورمک، حیوانی
- اونگه سورمک، یۆلگه، تار، سورینگ
- یولی.
- سیاوش siyāwāš: ا. قزیزل اوردک،
- آنق.
- سیاه siyāh: ص. قارا، قارا رنگده بولان
- کومیر یالی رنگک.
- سیاه‌براق siyāh-barāq: ص. ییلچار
- قارا.
- سیاه‌روز siyāh-ruz: ص. مر. قارا
- یوزلی، کنایه: عاصی، گناهکار.
- سیاه‌زخم siyāh-zaxm: ا. قارا باش.
- سیاه‌سرفه siyāh-sorfe: ا. گوک بوغما
- کوپلنج یاش چاغلارا دگیان کسل.
- سیاه‌سینه siyāh-sine: ا. قارا باغیر.
- سیاه‌قلم siyāh-qalam: ا. ص. [فاع]
- قارداش یا مرکب بیلن چکیلن
- صورت.
- سیاهک siyāh-ak: قارا باش.
- سیاه‌گوش siyāh-guš: ا. قارا قولاق.
- سیاهی چشم siyāhi-češm: ا. قاراق،
- گۆز قاراسی، گۆزونگ گۆره‌جی، گۆز
- بابه‌گی.
- سیب sib: ا. آلمان.
- سیب زمینی sib-zamini: ا. کرتوب،
- کرتوشگه.
- سیر sir: ا. آغرام اۆلچه‌گی ۷۴ گرام.
- سیر air: ا. ساریمساق.
- سیر sir: ص. دوق، ایمیت ایپ قارنی
- دویان، معدده‌سی دولان.
- سیر sayr: [ع] گزه‌لنج، یوره‌مک، گزمه،
- تماشا ادیپ گزمه.
- سیرآب sirāb: ص. قانان، سؤودان
- قانان، قانما.
- سیرآبی sirābi: ا. قویونینگ قارین و
- گۆسوندن بی شیریلیان اییمیت.
- سیران seyran: [ع] جمع سور،
- شهرینگ تۆوره‌گینداکی دیوار

معنیده.

سیماب simāb: ۱. سیماب، جیوه،

سیرت sirat: ۱. [ع] (= سیره) یول،

سیمان simān: ۱. [فر] سمنت، سیمان.

یوردا، قیلیق، اخلاق، گۆرنوش،

سیمبر sim-bār: ص. (= سیمتن) آق

بولوش، گورک، مذهب، داپ، سیر

اندام، آوادان تن، کوموش بدن، اندامی

جمع.

سیم یالی آق بۇلان.

سیف seyf: [ع] قیلیچ، سیف الله:

سیمرغ si-morq: ۱. سیمرغ قوش.

خدایینگ قیلیچی، حضرت

عنقا، کوپ دستانلی قوش آیدیارلار،

علینینگ لقبی.

قاف داغیندا هوویرتگه لایان بۇلمالی

سیکران sikrān: ۱. آلاگوز (بیر هیل

اونگا سیرنگ دیبده آیدیلیار، اول

قوشونگ آدی).

قوش، روایت گؤرأ قاپ داغینگ اینگ

سیل sil: ۱. داشغین، سیل.

بلند یرینده یاشایان بولمالی.

سیلاب silāb: ۱. سیل سۇوی، یاغین

سیمین sim-īn: (= سیمینه) ص.ن.

سۇوی یا آقارسۇو آغزیندن آغیپ

کوموشه دگیشلی، کوموشدن بجرلن

یرینگ یوزونه یایراماغی.

وادیلن ذاتلار.

سیلان sayalān: [ع] آقیش، آقیان

سیمین بدن sim-in-badan: ص.مر.

سۇو، سیل یالی بۇلۇپ آقیان سۇو.

[فاع] اندامی کومیش یالی آق بولان.

سیم sim: ۱. کوموش.

سینه sine: ۱. قورساق، دۇشه کوکرک.

سیما simā: ۱. یوز، کشب، گۆرک،

سیه siyah: ص. قارا.

سیرات.



ش e: فارسی الیبسی سنینگ اون	کیپی کوک.
آلتینجی حرفی، ابجد حسایندا	شادروان šādrawān: روحی شاد
(۳۰۰).	فارسچا: مرحوم سوزنینگ یرینه
شاب šāb: [ع]. ییگیت، یتگینجک،	حرمت اوچین اولآ آیدیلیان سوز.
ییگیت بُرنا، شباب و شبان جمع،	شادمان šād-mān: ص. شاد، حوش،
شابوف šābuf: هووی، اوغلان	شادیان، کیپی کوک، شهدی آچیق،
سویگیسی.	بگنچلی.
شاخ šāx: ا. بوینوز، شاخ.	شارلاتان šārlātān: ص. فر. حقه باز،
شاخه šāxe: ا. بالداق، پوداق.	هیتیر، مکیر، یالچی، آلدایچ.
شاد šād: ص. شادیان، شاد، شاوخین،	شاش šāš: ا. سیدیک، پشو.
خرم، خوشحال، بگنچ.	شاشیدن šāšidan: مص. سیمک، پشو
شادان šādān: ص. شاد، خوشحال،	اتمک.

- شاطر šāter: [ع] شوخ، باتیر، چالت؛
 فارسجا: چوراکچی، چۆرک یاپیان.
 شاعر šā'r: [ع] شاهیر، قوشنی
 دوزیان.
 شافع 'šāfe: قوریجی، آرقادوریجی،
 شفاعت ادیجی، خوایشلی.
 شافی šāfi: [ع]. شفا بریان، درده درمان
 ادیجی، کسگیتلی قایتارغی جواب.
 شاکر šāker: ا.خا. [ع]. شکر ادیجی،
 منت دارلیق بیلدیریجی.
 شاکي šāki: [ع]. شکایت ادیجی،
 شکایت ادیان، عرضه سی بۆلان
 کونگلی قالان، قالیجی.
 شال šāl: ا. یونگ ماتا، شارف، شال.
 شالوده šālude: ا. اساس، پی، دوپ،
 تاسلاما.
 شام šām: ا. ایلکی آغشام، آغشام
 اییلیان ایमित، اینگریک قارالان
 وقتی، گون باتان چاغی.
 شامل šāmel: [ع]. اوز ایچینه آلیان،
 دنگ بولنیان، اوز اركینه آلیجی،
 شان šān: ا. [ع]. ایش، یاغدادی اولی
 ایش و مهم. اگریت، فارسچه: درجه،
 شان، شوکت، مرتبه، قدر، مرتبه لی.
- شانه šāne: ا. آ. داراق، باش داراق،
 شانه šāne: ا. گریش، اوموردن.
 شانه سر šāne-sar: ا. موللاقوش.
 شاهانه šāh-āne: شاهغا لایق، گوزل.
 شاهباز šah-bāz: ا. ص. شهباز- ا. ص.
 لاجین، آلفیر، بورگوت.
 شاهپور šāh-pur: ا. ص. شاهنگ
 اؤغلی، شاهزاده.
 شاه تره šāh-tare: ا. تورغای اوتی.
 شاهد šāhed: [ع]. شایات، گواه،
 حاضر، بۆلان واقانی یا بیر ایشی اوز
 گوزی بیلن گورن آدم.
 شاهراه šāh-rāh: ا. ص. گینگ یول،
 آیراتین اولی جاده، اولی جاده، اولی
 یول.
 شاهرگ šāh-rag: ا. بوین داماری،
 اولی دامار.
 شاهی šāh-i: ا. ایرانینگ ییگریمدن بیر
 ریالی.
 شاهین šāh-in: ا. آق لاجین، آوآلاماق
 اوچین تربیه له زن قوش.
 شاید šāyad: بلکی، بۆلماغی مومکین،
 بولار، بولسا بولمالی یکه اوچنجی
 شخص، شکلی سوز.

شایستن šāy-estan: مص. لایق
بۇلماق، مناسب بۇلماق، یاراشیقلى
بۇلان.

شایسته šāyeste: لایق، مناسب.

شایع šāye': [ع]. فاش، یایران، جار،
میش-میش، آشکار بۇلان.

شب šab: ۱. گيجه، آغشام.

شباب šabāb: یاش، ییگیت.

شبان šabān: ۱. ص. چوپان، سوری
قوینینگ ساقچیسی.

شبانہ روز šabāne-ruz: ۱. گيجه

گونديز ۲۴. ساعت، بیر گيجه گونديز.

شباہت šabāht: [ع]. منگزشلیک،
اوغشاما، منگزش بۇلان.

شباہنگ šab-āhang: ۱. ص. دانگ

سحر تاویقی، بلبل و سحر قوشی
کرون قیران ییلدیزی.

شب پره šab-pare: ۱. خفاش، یاری
سیچان، یاری قانات.

شب چراغ šab-čeraq: گيجه لر چرا
یالی یاغتیلیق بریان، ایشیق
یالديرايان گوهر.

شبدار šab-dar: ۱. یورونجانیگ بیر
گۆرنوشی.

شبرنگ šab-rang: ص. گيجه نینگ
قارانگيیسی یالی قارا.

شبرو šab-raw: ص. ۱. گيجه لرده یولا

گيدیان ۲. یول اوران و اوغری معنیده.

شبستان šab-estān: ۱. حرمخانه،
حرمسرا، یاتاق جای.

شبرگرد šab-gard: ۱. چوپان آلدان،
گيجه قوشی.

شبرگرد šab-gard: گيجه ساقچیسی.

شگون šab-gun: ص. گيجه یالی قارا
رنکلی، توم قارا.

شبرگیر šab-gir: ۱. دانگ، سحر،

گیجانیگ یاریندان سۇنگ

گزمکلیک، یاریم گيجه دن سۇنگ بیر
یره گیتمکلیک.

شب نشینی šab-nešini: ۱. مص.

گيجه اوتورشیق اتمک، گيجه
میهمانچلیق دا کوب بۇلۇپ

اوتورश्ماق.

شبنم šab-nam: ۱. گيچانگ چینی،
آیان، قیراو، گيجه لر دوشیان چیغ.

شبه جزیره šebbe-jazire: آدا

منگزش، یاریم آدا، بیر بۇلک یر، بیر

قایدالی یر و اوچ طرفی دریانیگ

ایچینده بۇلان آدا.

شبهه šobhe: ا. [ع] شک، گمان، شوبهه.

شیخون šabixun: ا. گـیجـه

دویدانسیزلیقدا دوپولیپ یعنی

هجوم ادیب قان دوکمکلیک.

شیه šabih: [ع] منگزش، چالیمداش،

اوغشاش.

شتاب šetāb: ا. مص. ایشده چالتلیق،

و قیملدیلیق، هاولیقماقلیق و قاتی

حرکت، قاتی گیتمک، تلسمک

قیسساقلیق.

شتر šotor: ا. دیه، دویه.

شتریان šotor-bān: ا. ص. دویه

چوپان، دیه چوپان، دیه ساقجیسی،

قاراویلی.

شتر دو کوھانه šotor-do-kuhāne:

بوغرا، ایکی اورکچلی دیه.

شتر کج کوھان šotor-kaj-kuhān:

قامغیل.

شتر مرغ šotor-morq: ا. دیه قوش.

شتریک کوھانه šotor-yek-kuhāne:

آروانا.

شجاع šojā: [ع] باتیر، ادرمن،

قایدووسیز، غیراتلی.

شجاعت šojā'at: [ع] باتیرلیق،

قایدووسیزلیق، ادرمنلیک،

غیراتلیلیق.

شجر šajar: [ع] آغاچ، باغ.

شخص šaxs: [ع] داشدان گورینیان

آدامینگ قاراسی، آدامینگ گورهسی،

انسانینگ گورهسی، تن، اشخاص و

شخوص جمع.

شخصیت šaxs-iyat: هر کیمینگ

اوزینه مخصوص بۇلان قییلیق

خاصیتی، کیشیلیک، آدمکارچیلیک،

مقام، مرتبه.

شخم šoxm: یر سورمه، آزال بیله یر

آغدارمه.

شداد šaddād: ا. خ. عاد اوغلی، گون

اورتا عربستانینگ پادشاسی، بهشت

شداد شونگا باغلی.

شدّت šeddat: قاتی، گویج

شدن šodan: مص. بۇلماق، یرینه

یتمک، گیتمک، اوتمک.

شدّه šedde: قۇشاق، بیل باغ، زنار.

شدید šadid: ص. [ع] قاتی، برک،

ماکام، بییک، هؤیوره.

شدیداللعن šadid-ol-lahn: ص. مر.

شریت šarbat: [ع]. شکردن و میوانینگ سوویندن بجرلن سوو قاتیشیقلى ایچیلیان سویجی نأرسه، سوو و ش.م. زات.

شرح šarh: مص. [ع] آشکار ادیلمک، سوز آیتماق، آچماق بیان اتمک دوشیندریش برمک. شروح جمع.

شرط šart: [ع] بیر زادینگ باشغا بیر زادا بۇلان باغلانشیغی، بیر زات اوچین ادیلن ایلالشیق قرار، وعده، شروط جمع.

شرع šar: [ع] دین و مذهب، خدای تعالی نینگ بنده سینه بللان یول یۆره لگ سی.

شرف šaraf: مص. [ع] اولۇلیق، اولی قدرلی بۇلماق، بلند مرتبه لی بۇلماق، آبرای، بییکلیک، یۇقاری حرمتلی لیک.

شرف šaraf: [ع] بییکلیک لر، شرفلی، اولی آدم لار خطرینه گیرن لر، جمع شارف.

شرف šaraf: [ع] جمع شرفه؛ ایوان، بالکن، جای دن تامدان اوزوپ دوران بۇلک.

[ع] قاتی سوو، اورغی لایجی سوو. **شر** šar(r): [ع] تله که لیک، پیسرلیک، شرلیک، فساد، یاراماز ایش، (شرور و شرر بضم تین) جمع.

شر šer: [ع]. قاتی پیس، قاتی تله که، قاتی یاراماز آدم.

شراباً طهوراً šarāban-tahuran: آراسسا شراب، قرآنینگ ۷۶ نجی سوره سنینگ ۲۰۱. نجی آیتندن بۇلک.

شرارت šerārat: مص. [ع] تله که لیک اتمه، یارامازلیق، اربتلیک، بولاغایلیق، قوزغالانگ، پۇتۇرلیق اتمک.

شرافت šerāfat: مص. [ع] اولۇلیق، حرمتلی لیک، شرفلی بۇلماق، آبرایلی لیک، بییکلیک، مرتبه لی لیک. **شرانگیز** šar-angiz: بوزغاق، فتنه چی، شر اوغرندا گزیان، پوتور.

شرب šarb: ا. بیر هیلی اینچه کتن پارچه، قدیم لرده اؤندن کوینک تیکیلیارمیش.

شرب šarb: مص. [ع] ایچمک، سوو ایچگی ایچمک.

شرفیاب šaraf-yāb: ص. فا. [ع. فا]

بیر اولی آدمینگ حضورینا
یتیشمک، بارماق، خدمتینه بارماق.

شرق šarq: [ع.] گون دوغار، یوقاری

دوغی، گونونگ چیقیان یری، گونونگ
دوغيان یری.

شرک šerk: [ع.] کفر، خدای تعالی غا

اوزگانی اورتاق بيلمه، خدای
تعالی نینگ اورتاغی بار ديمد

خدایی بیر بيلمزلیک.

شرکت šerekat: [ع.] اورتاق ليق، بیر

ایشده بيله ال بیریکدیرمکلیک، بیر
ایشی اتمکده شاعریک بولماق. بيله

لیکده بیر ایش اتمک.

شرم šarm: ا. حیا، عار، ناموس، اویات،

اوتانج.

شرمسار šarm-sār: ص. اوتانچلی

اویاتلی.

شرمنده šarmande: ص. اوتانچلی،

اویاتلی.

شروع šoru: [ع.] باشلاماق، ایشی

نکیدر اتمک، بیر ایشی باشلاماق.

شریر šarir: بوزغاقچی، شرچی، شر

ایه سی، شیطانینگ لاقامی.

شریعت šari'at: ا. [ع] اسلام

دینی نینگ قانون لاری - یول لاری.

شریف šarif: [ع.] حرمتلی، آبرایلی،

بیگ، شرفلی.

شستن šostan: مص. یوماق،

آراسسالماق، بیر پارچانی یا بیر اگین

باشی یوماق.

شط šat(t): ا. [ع] دنگیزه قوییان اولی

آقار سؤو.

شعاع šo'a: ا. [ع] گونونگ نوری،

گونونگ یاغتی سی، یالقیم،

یاغتی ليق خطی، شوهله.

شعبان ša'bān: ع. هجری قمری ییل

حسابی نینگ سکگیزینجی آیی.

شعبده šobade: (= شعوده) [ع].

جادى، آلداولیق، آلدواچلیق.

شعبه šo'be: [ع.] بولوم، شاخه، پوداق،

کیچی آقار سو، بیر اولی آقار سودن

آیریلان بولومی، شعب جمع.

شعله šole: یالین، شعله.

شغال šoqāl: ا. شاغال.

شغل šoql: [ع.] ایش، پیشه، کار.

شفاء šafā: مص. [ع] ۱. قوتیلماق،

ناخوشلیق دن قوتیلماق، علاج اتمه،

باینینما، آینگالما ۲. دوا، درمان
معنیده.

شفاعت \$afa'at\$: [ع]. خوایش،

ایسلگ، بیریندن باشقه بیر آدم
اوچین عفو و کمک دیلامگی، اؤتینچ
سوراماق لیق، آراچلیق، قولداماقلیق.

شفاهی \$afahi\$: یوز به یوز آیدیلیان
کپ، دیلدن آیدیلیان سوزء دیلدن .

شفا یافتن \$afa-yāftan\$: آینگلماق،
قوتولماق.

شفت کردن \$aft kardan\$: مص.
سوغشورماق.

شفق \$afaq\$: [ع]. شاماق، گون یاشیب
باریان چاغی، گونونگ ایزینینگ
قیزارماغی، شاپاق .

شفیع \$afi': [ع]. شفاعتچی، رحملی،
آرقا توتوجی، طرف دارلیق، آرقا
دوروجی.

شفیق \$afiq\$: مهربان، هامراق،
جانیبکش، رحملی:

شق \$aqq\$: [ع]. چاک، یاریق، یاریلان،
بولون، بیر زادینگ یاریسی، دیلینن،
شقوق جمع.

شق \$eqq\$: ۱. [ع] بدنینگ یاریسی، هر

بیر زادینگ دنگ یاریسی.

شق \$aqq\$: یارماق، بیرتماق، دارغاتماق.

شق القمر \$aqq-ol-qamar\$: قدرت
گورکزمه، آیینگ یاریلماغی.

شقاوت \$eqawat\$: [ع]. بدبخت
سولماق، اربت یاغدا یا دوشمک،
بدبختچیلیک، دونگ یورکلیک،
ظالم لیق معنادا.

شقایق \$aqaiq\$: ۱. گولاک، لاله.

شقی \$aqi\$: [ع]. ظالم، قانخور، دونگ
یورک، اشقیاء جمع.

شقیق \$aqiq\$: (= شقیقه) دولوق،
چککه.

شقیقه \$aqiqe\$: (= شقیق) دولوق،
چککه.

شقیق \$aqiq\$: ص. [ع] بیر زادینگ
یاریسی ایکی بولینن زادینگ بیر
بوله کی.

شک \$ak\$: [ع]. گمان، شبهه، منکر
چلیک، قارالیق.

شکار \$ekar\$: ۱. آو.

شکارچی \$ekarci\$: آو آتماق بیله
مشغوللانیان آدم، اوچی.

شکارگاه \$ekar-gah\$: ۱. ام. آو اولانیان

یر، شکارینگ کوپ یری، آو میدانسی،
آولاغ.

شکاف šekāf: یاریق، جایریق، آیریق.

شکافتن šekāftan: مص. یار ماق،
بووسمک، دیلمک، بیرتmaq.

شکااک šakkāk: [ع]. شک گتريجي،
شک ادیجی، شکچی.

شکایت šekāit: [ع]. بیریندن کونگل
قالماق. بیریندن اینجیماق لیق، عرضه
برمک لیک.

شکر šekar: ا. پیسک، قندینگ و
شکرینگ آونیفی

شکر šokr: [ع]. منتداریق اتمک،
آلقیش اتمک، بیرینینگ یاغشلیق
اتمکی اوچین خیر دعا اتمک،
قناعتلیق بیلدیریلیب آیدیلیان سوز.
شکر بار šekar-bār: ک. قاتی
سویجی، کان سویجی.

شکر تیغال šekar-tiqāl: ا. گوک
تیکن، یانداق.

شکست خوردن šekast-xordan:
دوشماندن باسیلیپ قاچماق،
باسیلماق، گورشد و یاریشده
بیقیلماق، ینگیلیمک.

شکسته šekaste: دوویک، سینیق.

شکفته šekofte: آچیلان، گل آچیلما.

شکل šekl: [ع]. منگزاتمه، گورنوش،
منگزارلیک، بیر زادینگ دورمیشی و
داشقی گورنوش، صفتی، کشپ.

شکم šekam: ا. قارین.

شکنجه دادن šekanje-dādan: آزار
برمک، کوسه مک، اورته مک،
اینجیتماق، هورلاماق.

شکوفه šokufe: غنچه، چیچک.

شکوه šokuh: شان، شوکت، اولولیق.

شکیب šekib: ا. صبرلی، آراملی،
جیداملی، طاقتلی.

شَل šal: ماییب، موجریب، ایسمان
ایشدن قالان.

شلاق šalāq: [ع]. گدالرینگ زنبیلی،
توریاسی، قامچی، بوزیوتور.

شلغم šalqam: ا. شوغوندیر، تاویره،
شالغام.

شلوغ šoluq: ا. گورمه لشیک، آدمینگ
کوپ بیننانان یری، کیم کیمه آلا

باسقی، هومبردا هومبر، بولاغایلیق.
شُل و ول šol-o-wel: ارمک، آلاقام،
قاوشاق.

شمائل šamā'el: ۱. اخلاقلار، قلیق

خاصیتلر، ۲. شکل، یوز، کشب،
گۆرونوش، صورت.

شمال šemāl: [ع] ۱. دمیر قازیق،

قایرا، چپ طرف، سول ال. باد شمال:
قایرادان اوسیان یل.

شمام šammām: ص. [ع] مازی، عطر

قابی ۲. دسسمیل معنالارده.

شمردن šemordan: مص. ساناماق،

بیر زادی ساناب حساب اتمک.

شمس šams: [ع] گون، گونش،

قویاش.

شمشاد šemšād: ۱. یاپراغی همیشه

گوک، کوله جه آغاچ، آغاچی نینگ

هیلى، بۇلسا قاتی برک، آغاجیندان

یاغشی زاتلار بجریلیار، (شمشاد

یالی) هر بیر زادی اوران قاوی

گلشیکلی دییپ شمشاد آغاچا

منگزه دیلیار.

شمشیر šamšir: ۱. قیلیچ، اولی ساویق

یاراغی.

شمع šam': [ع] ۱. شم، موم ۲. ایشیق،

چیرا، یاغتی.

شمع سوزان šam'-suzān: یانپ

دوران شم، شمع.

شمع شبستان šam'-e-šabestan:

کیچی جایینگ شمعی، حجره نینگ

شمعی، گیجه یاتیلیان جایینگ

شمعی.

شمله šamle: ۱. [ع] یونگ ماتا

یاغلیق، ینگ سیزگینگ دون، شملات

جمع.

شمه šamme: ۱. [ع] آز ایس، انتک

ایس، آزاجیق، اوجیپ سیز؛ فارسچا:

آز آلاق زات، آن انتک.

شمیم šamim: [ع] ۱. قاوی ایس،

اونگات ایس، خوشبوی ۲. بلند و

بییک معنیده.

شنا šenā: ۱. یوزوم، یوزمه.

شناختن šenāxtan: مص. بيلمک،

دوشونمک، تانیماق.

شناساندن šenāsāndan: مص.

تانیتماق، تانیش اتمک.

شناگر šenā-gar: ص. فا. یوزیجی،

سوده یوزیان آدم، سوده یوزماگه

اوکده آدم.

شناور šenā-war: ۱. یوزیجی، یوزیان.

شنبه šanbe: ۱. هفته نینگ بیرینجی

- گونی، هفتانینگ ایلکینجی گونی،
شنبه گونی.
- شنونده šenawande: دینگله یجی،
اشیدیجی.
- شنیدن šenidan: مص. قولا ق آسماق،
دینگله مک، اشیتیمک، دوشینمک.
- شوخ šux: ص. آچیق یورک، شلاین،
بی پروا، شوخین، شورته، دگیشاگن،
شاد، شاهانداز.
- شور šur: ص. دوزلی، دوزی کوپ
دوشن، طغمی دوزلی بۆلن، دوزی
آرتیقماچ دوشن ایمیت، بورتانگ.
- شورابه šur-ābe: ا.مر. دوزلی سو،
آجی سو، شور سو.
- شورش šureš: غوغا، جوشغین،
قوپغین، بۇلاغای، تولقون.
- شوره زار šure-zār: ا.مر. بیتیرمه یان
شور یر، اوت بتیرمه یان یر.
- شوره سر šure-sar: ا. قونگناق.
- شوریدن šuridan: مص. آریاغا
غالماق، قارشى سینه تورماق،
گۆتریلیمک، هیجانه گلمک،
قوزغالانگ تۇرۇزماق.
- شوفر šufer: خ. ماشین سوریجی،
راننده.
- شوق šawq: مص. [ع] ۱. میل،
گویجلی آرزو ۲. ایسلگ، یاغتیلیق،
ایشیق هیجولیق.
- شوکت šokat: شان، شهرت، مرتبه،
آد.
- شوکران šokarān: قوماق، بالديرغان.
- شوم šum: ا.ص. یاراماز، بولغی سیز،
شیم.
- شوهر šohar: ا. آر، عیاللی آدم،
عیالینگ آدمی سی.
- شهاب šahāb: [ع] شعله، یالین،
قوریقلى، سونیان ییلدیز، گۆچیان
ییلدیز، شهب جمع.
- شهادت šahādat: [ع] شایات
بۇلماق، خدای یۇلۇندا شهید بۇلماق،
دین یولیندا اۆلمک.
- شهر šahpar: ا.مر. قوشلارینگ
قاناتلاری نینگ اولی یله گی.
- شهد šahd: ا. [ع] بال، سویجی زات،
شهد شکر.
- شهداء šohadā: [ع] شهیدلر، حق
یولوندا دنیادن قایدانلار، جمع شهید.
- شهر šahr: ا. اولی آبادی، خیابانلی،

شاسی.

شهير šahir: [ع]. بللی، آدلی، آدیغان،

آد چیقاران، مشهور، شهرتلی.

شيب šib: ۸. یاپ آشاق، اینیش، ۲.

قامچی معنیده.

شیپور šaypur: ۱. یللی ساز قورالی،

آغیز تویدوگی.

شیخ šeyx: ص. [ع]. قارری، یاش اۆلی،

آخون، روحانی، پیر، ایشان، شیوخ.

شیخ الربیع 'šeyx-or-rabi': ۱. مر.

ساری سولماز.

شیخ و شاب šeyx-o-šāb:

قارری-یاش.

شیدا šeydā: ص. عاشق، آلبیرانگ،

عشق دوشوپ عقلینی آلدیران، تلبه،

دالی، مجنون.

شیر šir: ۱. سویت.

شیر šir: ۱. یولبارس.

شیر šir: چورنوک، ال-یوز یوویلیان

یا-دا قابینگ آشاغیندا بۆلن دمیردن

بـجریلن سؤو چورنیگی، اول

چورنوگی تاولاماق بیلن سؤو آقیار.

شیراز širāz: ۱. سوزمه، سؤوی گیدن

قاتیق، عربچا: کسین سویت دییپ

کۆچهلی، اۆیلی، دکانلی و کۆپ

جمعیتلی آباد یر، شهر.

شهربانی šahr-bāni: ۱. نظمیه

اداره سی، پلیس اداره سی، اؤنؤنگ

وظیفه سی، شهرینگ امنیتی نی

ساقلاماق و نظمینی برقرار اتمک، و

گناهکارلری توتماق.

شهرت šohrat: [ع]. آشکار بۆلماق،

بیر زادینگ فاش بولماغی، یوزه

چیقماق، گورینمک، بللی لیک،

مشهورلیق.

شهرداری šahr-dāri: ۱. خیابانلاری

کۆچه لری آراسسا ساقلایان، جای

سالینماغا رخصت خطی بریان اداره؛

اؤنگ بـو اداره بلدییه دییپ

آیدیللاردی.

شهریار šahr-yār: ۱. ص. شهر

اولی سی، پادشاه.

شهسوار šah-sawār: ص. آط چاپماغا

اؤکده، باتیر بیگیت، چاپکسوار، آط

اؤغلان.

شهلā šahlā: ص. [ع] ماوی قارا گۆز

عیال، آوادان گۆزلی عیال.

شهنشاه šahnešāh: ۱. ص. شالارینگ

آیدیلیار، شواریز و شراریز جمع.

شیردل šir-del: کنایه: قوجورلی،

باتیر، غیراتلی، یولبارس یورکلی.

شیرمرد šir-mard: ک. باتیر آدم،

غیراتلی آدم، قورقمازاق، قوجورلی

ادرمن آدم.

شیرین šir-in: آسال، بال، یاقیملی،

سویجی زات.

شیطان šeytān: [ع]. ابلیس، عزازیل،

بویروق سیز، یولدان چیقان، ملعون؛

شیطانی: شیطانا دگیشلی،

شیطانینگقی.

شیعه šey'e: [ع]. شیعه سۆزی

عیال-ارکک اهلی سینه آدلانیار.

مسلمانلارینگ بیر توپاری علی بن

ابیطالب و اونونگ اون بیر

اولادلاری نینگ خلافتینا،

خلیفه لیغینا یورکدن اینانیارلار.

شیعی šey'e: بیر شیعه، شیعه لاردان

بیری، شیعه مذهب دگیشلی.

شیک šik: خ. آوادان، گۆرنوکلی،

قشنگ، گۆزل زینت لی.

شیلāt šilāt: دریادان توتولان

بالیقلاری تابشیریلیان یر، دریانینگ

ایچینداکی آلانیپ بالیقلاری

تابشیریلیان جای.

شیوع' šiu': مص. [ع] فاش بۇلماق،

اشکار بۇلماق، یونگ بۇلما، یایراما.

شیون šīwan: ا. مصیبت وقتی آغلاما،

انگهرمه، آغی، قینغیرپ آغلاپ

انگرهمک، اولاشما، آغی.

شیوه šīwe: ا. یۇل یوردا، یۇل یۇرلگه،

عادت، اندیک، قاعده، دیلینگ دوزلی

پوداقلاری، طرن، آوادانلیق.

شیه šīhe: ا. آط سسلنمه سی،

کیشنگه مه گی، کیشنگه مه سی.

ص

ص se: عرب اليب بى نينگ ۱۷-نجى

حرفى. ابجد حسابىندا (۹۰).

صائب sā'eb: ا.فا. [ع] دۇغرى، گۇنى،

حق، يترلىكلى، عاصى بۇلما دىق،

صياپ جمع.

صائم tsā'em: فا. [ع] آرازا توتان، آرازا

توتيان، روزەلى، آغيزى بىكلى،

صائمون و صائمين و صوام و صيام

جمع.

صائن tsā'en: فا. (ع) ساقلايىچى،

ساقلاوچى، قراوول، ساقچى.

صابر tsāber: فا. [ع] صبرلى،

دۇزوملى، جيداملى، صابرون،

صابرين جمع.

صابون sābun: [فر] صابىن. اگىن

اشىك يوويليان نارسە.

صاحب sāheb: ص. [فاع] ايه، يار،

دوست، صحبت دىش، ملك ايه سى.

ايه، صاحبان جمع.

صاحب الزمان sāheb-zamān:

۱.ص.[ع] اون ايکينجي امام حضرت

محمد بن حسن عسکری نينگ

لاقامى، مهدي، زمان ايهسى، عصر

ايهسى، عصر امامى معنادا.

صاحب خانە tsāheb-xāne.ص. اوى

ايهسى، اويونگ ايهسى.

صاحب دل sāheb-del:ص.مر.عارف،

باتير، خدای ليقلی، خدای تانيان،

عشقلی، شوقلی.

صاحبقران sāheb-qerān: بير ناچه

ايران پادشاهلاری نينگ لقبی، بخت

ايهسى، اقبالی.

صاحبقرانى sāheb-qerāni:

صفويه دن تا ناصرالدين شاه قاجار

چنلى سکه لرینگ يوزونده

صاحبقران کلمه سی نقش باسليپ

کليپدير.

صاحب منصب sāheb-mansab:

۱.ص. اولی ايشداکی آدم، اولی

مرتبه لی و مقام لی آدم.

صاحب نظر sāheb-nazār:ص.مر.

فکری و رایى دۇغرى آدم، آگاه و بينا

اويلانشيقلی، داشدان گوريان آدم.

صادر tsāder.فا.[ع] ۱. چيقان، داشار

چيقما، گیرن دال، ۲. تجارت

آدالغاسينده بير يورت دن باشقا بير

يورده ايبريليان متاعلار، ماللار،

صادرات جمع.

صادرات sāderāt: بير يورت دن آیری

بير يورده ايبريليان مال. متا.

صادق tsādeq.فا.[ع] دوغورچيل،

امين، دۇغرى، آشکار، آيدینگ لايجی.

صادق القول sādeq-ol-qawl:

دوغورچيل، دۇغرى سۆزلی. سۆزونده

تاپيليان آدم، وعده سينه تاپيليان

شخص.

صادق الوعه sādeq-ol-wa'de:

سۆزينده دوريان، کپينده تاپيليان،

وعده سينده دۇغرى دوريان آدم، کپی

کپ آدم.

صاع tsā'.[ع] اؤلچک، مۇچبر، اوچ

کيلوگراما برابر تبریز منی، بو اؤلچک

اسلم حکم لری بيلن کفاره، فطريه ده

هم يۇرييان.

صاعد sā'ed:۱.ف.[ع] يۇقار چيقيجی،

يۇقار کيديجی.

صاعقه tsā'eqe. [ع] بیلدیریم، گونگ	جمع.
گوپیرده مک، صواق جمع.	صبا tsābā. [ع] گون دوغاردن اوسیان
صاغر sāqer: ص. [ع] ذلیل و پس آدم،	یواشجه یل، سالقین یل، باد صبا،
ستم ادیلماگه راضی آدم، اربدلیگه و	دانگ شمالی، سحر شمالی، اصباء
ستم ادیلماگه تن بریان آدم.	جمع.
صاف sāf: (= صافی) ص. [ع] پاک،	صباء tsābā' [ع]. ۱. چاغالیق دورینه
تمیز، آراسسا، دوری، دوبدون، تکیز.	هوس ادیان، اوغلانلیغا میل ادیان، ۲.
صافات sāfāt: [ع] ص. ۱. فرشته لر،	چاغالیق، اوغلانلیق.
صف دوران فرشته لر، جمع صافه، ۲.	صبح tsābāh. [ع] ایر ارتیر، نماز
بیر صفده دوران دویه لر.	وقتی، دانگ آتیپ جهان یاییلان
صاف روشن sāfrošan: دوری صاف.	وقتی، دانگ آغاران وقتی.
صالح sāleh: ص. [ع] یاغشی، خیر	صباغ sābbāq: ۱. رنگ بجریان، رنگ
ایشلی، خیرلی، یاراشیقلی، خیر	بویایان، ۲. یالانچی آلدوچی.
ایشینده بۆلان ایله یارایان آدم،	صبح sobh: ۱. [ع] ایر ارتیر، دانگ آتان
صالحین و صالحون جمع.	سونگ.
صامت tsāmet: [ع] ۱. دیمپ	صبر tsābr. [ع] دوریم لیق، جیدام،
اوتوران، دینچ، آرام. ۲. مال آلتین زد	طاقت، قرار، شهر الصبر: صبر آیی،
قویون سیغیر دیهدن دینچ دنیا	رمضان آیی.
مالیندن هیچ زادسیز، هیچ زادی	صبر و حوصله sābr-o-hosele:
بۆلما دیق.	ایسینی قانی، هاولیقمانی
صانع tsāne' فا. [ع] دۆره دیجی،	قیسسانمانی، صبر بیلن.
یاسایجی، تاییارلایجی، الی بیلن	صبور sābur: ص. [ع] جیداملی،
یاسایان صنعتگر، اؤندریان، صناع	طاقتلی، صبر ادیجی، صبرلی،

صبری: صبرلی لیق.

صبی tsābi. [ع] چاغا، ارکک

اوغلانچیق صبیان جمع.

صبیہ tsābiye. [ع] مؤنث صبی، قیز

اوغلان، صبیایا جمع.

صحابه sāhābe: [ع] صاحب‌لار،

یولداشلیقلار، همرالار، یارانلار، جمع

صاحب، پیغمبر اسلامینگ یارانلاری.

صحابی sāhabi: صحابه دگیشلی،

بیر صحابه دیدیگی.

صحاح sāhah: ص. [ع] ۱. دۇغری،

عیب‌سیز، ۲. قین و چتین یول، جمع

صحیح.

صحاح sāhah: مص. [ع] سرقاو لیق

آیریلماق و ساویلماق، ساغ سلامت

بۇلماق، ساغلیغنی اله آلماق.

صحاف sāhhāf: [ع] کتابی تیکیپ

کنارلارینی تیمارلاب جلد ایدیان آدم،

جلدلیجی.

صحاف tsēhāf: [ع] ص. اولی سولی

اوی، سولی چوقیر، سوو ییغنانان

قورپ.

صحبت sāohbat: مص. [ع] صحبه،

یار و همدم بۇلماق، یارلیق، دۇستلۇق

یولداشلیق، گورنگ‌دش‌لیک، ملایم

گوررونک، شلاین.

صحبت داشتن sohbat-dāstan:

صحبت اتمک، گوررونک‌دش بۇلماق.

صحبت نکردن sohbat-nakardan:

سویله‌مزلیک، گورلامزلیک.

صحت sehhat: مص. [ع] (= صحة)،

ساغ بۇلماق، جان ساغلیق، دۇغرو لیق،

سلامتلیق. صحت و سقم: دۇغری لیق

و نادۇغری لیق.

صحرا tsahrā. [ع] بیابان، اوت‌سیز

سوسیز دوزیر، چول، آچیق میدان،

صحاری جمع.

صحن tsahn. ۱. هۇلینگ اورتاسی

حیاطینگ اورتاسی ۲. تاباق. صحن

جمع.

صحنه sahne: ۱. [ع] (= صحنه) تکیز،

دوزیر، گینگیر، تاتر اوینی آلیپ

باریلیان یوریته میدانچه گورنوش.

صحیح sahih: ص. [ع] دۇغری، جانی

ساغ، عیب‌سیز، سالم صحاح جمع.

صحیح‌البئیه: ساغ، جانی ساغ، اندام

جانى ساغ.

قصه، ميل، هوس.

صحیفه tsahife. [ع] خط، کتاب

صدر tsadr. [ع] قورساق، انسانینگ

گوندهلیک یازغی. صحائف و صحف

قورساغی، سینه هر بیر زادینگ

جمع.

باشی یۇقاری، هر زادینگ یۇقاری

صخره tsaxre. [ع] اولی آغیر داش،

دفعه سی، بلندی. صدر اعظم: باش

قاتی داش. گوک داش، ییلچر داش،

وزیر، مجلسینگ تورى، مجلسنگ

قایا، صخر و صخور و صخرات جمع.

اینگ یۇقاریسى.

صد sad: [ع] یوز (سان)، (۱۰۰).

صدف tsadaf. [ع] دنگیز دویبوندن

صدھا : یوزلرچه.

آلینیان بالیق، قولاق چانگالاق، صدف.

صدā sedā: (= صدی) ۱. [ع] ۱. سس،

صدق sedq: مص. [ع] دۇغرى آیتماق

آوان، اوین، فارسچه قیقیلیق آواز

دۇغرى، دۇغرۇچیلیق، گۇنولیک،

معنیده ۲. حیوانینگ و یا انسانینگ و

دۇغرى آیتماق، گۇس گۇنى، حقیقت،

سازینگ سسی. صدای وحشتناک:

سۆزله مک.

آییلغانچ سس.

صدقه tseḍq. [ع] (= صدقة) بریم،

صدارت tseḍārat. مص. [ع] (=

خیرات، ثواب اوچین خدای یولینه

صدارة) یۇقاردا اوتوریجی-اوتوریان،

فقیرلارا بریلیان زات، صدقات جمع.

بییکده یرلشیان، شخص، نخست

صدمه tsadame. [ع] ایکى زادینگ

وزیر، صدراعظم، باش وزیر.

بیر بیرینه بیر نوبت دگیب آورانماغی،

صدافت tseḍāqat. مص. [ع] صداقة،

آورانسقلیق، انجیماق، آزار، اذیت،

دۇستلۇق، دۇغرىلیق، دۇغرى

اۇرغی، زیان، ضرر، صدمات جمع.

چیلیق، دۇستلۇق یوزوندن، چین

صدور sudur: مص. [ع] جمع صدر.

یورکدن بولان دۇستلۇق.

واقا قۇپماق، قوپماق، بیر زادینگ بیر

صدد tsadad. [ع] ۱. یوز به یوز ۲.

حرکتینگ آشکار بۇلماغی،

اوویریلیمک، یوزه چیقماق.

صرصر tsar-sar [ع] ۱. قاتی یل،

صدیق sediq:ص. [ع] دوست، یار

شانگلاویق، قارا یل، قاتی ساویق یل.

یولداش، همراه، اصدقاء و صدقاء

۲. فارسچا: قاتی ییلدام یوریک آطا

جمع.

منگز دیلیار.

صدیق sediq: [ع] ۱. سۆزی بیلن

صرف sarf: مص. [ع] خرج اتمک،

عملی دۇغری گلیان آدم، دۇغری

یویماق، اوویرمک. صرف نظر کردن -

سۆزلی، ۲. حضرت ابوبکرینگ

یایماق.

لاقامی.

صرفه tsarfe. [ع] پیدا، نپ، قازانچ.

صدیقه sediqe: [ع] مؤنث صدیق،

صرفه جوئی sarfe-ju'i: ص.

دۇغری سۆزلی زنانه، پیغمبر اسلام

تغشیدلی بۇلماق، بیر اندازه خرج

قیزی حضرت فاطمه نینگ لاقامی.

اتمک، یاغداینگه گورا خرج اتمک،

صراحت serāhat: مص. [ع] (=

یویماق، گیردهجیگه گؤرا یویماق.

صراحة) اشکار پاکلیک، اشکار

صریح sarih: [ع] آنیق، یاغتی آچیق،

بۇلماق، آچیق بۇلماق، آیدینگ

پاک، هرزاتدان یاغتی آیدینگ،

بۇلماق، گوسگونى، آنیق لیق.

صرحاء جمع.

صراط tsarāt. [ع] یول، یۆرلگه، اوغور

صعب sa'ab: ص. [ع] قین، چتین

صراط المستقیم: دۇغری یول، گۆنى

ایش، قین ایش، صعاب جمع.

یول. پل صراط: صراط کوپری سی،

صعب العبور: گچیپ بولمیان یول،

قیلidan اینچه اوزاق یول، دوزخ

قینلیق بیلن گچیلیان یول.

اوستونده قیامتدا اونونگ اوستوندن

صعود so'ud: مص. [ع] یۇقاری

چیقماق، یۇقاری قالماق، یۇقاری

گچمه لی.

صراف sarrāf: [ع] پول چالیشیان،

گوتریلیمک، بلنده قالماق.

صغر seqar: مص. [ع] کیچلمک، پس

دگشریان آدم.

بولماق، ذليل بولماق، صغر من:

كيچى ليك، كيچى ياشلىق.

صغرى soqrā: ص. [ع] مؤنث اصغر،

كيچى راک عيال، كيچى راک،

كيچى ليك، چاغاليق.

صغير saqir: ص. [ع] كيچى، چاغا،

ياش، صغار و صفراء جمع.

صغيره saqire: ص. [ع] (= صغيرة)

مؤنث صغير، ياش، كيچى، صفائر

جمع. گناه صغيره: كيچى گناه.

صف tsāf: فا. [ع] صف، رج، دوغرى

گۆنى بير خطده قرار تاپماق.

صف tsaf: [ع] خاطر، صف، رج.

صفاء safā: مصص. [ع] آراسساليق،

پاکليک، خوشلوق، ياغتليق،

آيدينگليق، لذت، هۆزير.

صفا کردن safā-kardan: مصص. م. [ع].

فا] ايلالاشيق اتمک، ياراشيق اتمک،

شادليق خوشليق اتمک، هۆزيرليک.

صفت sefat: مصص. [ع] دۇرمۇش،

سياق، کشيم، قيليق، شکل، ياغداى،

بولوش، بيرينينگ يا بير زادينگ

دورميشنى بيان اديان سۆز، بير

زادينگ داش گورنوشينى، انگلاديان

ياغداى، صفات جمع.

صفحات safehāt: [ع] جمع صفحه،

صحيفه لر، صفحه لر.

صفحه tsafhe: [ع] كاغدينگ بير

يوزى، كتابينگ و ش.م كاغذرلينگ

بير يوزى، بير طارافى صاحيبا،

صفحات جمع.

صفدر safdar: ص. [ع] ۱. باتيرغاى،

قورقمازاق، اوروش جانگ، ۲.

دشمانينگ خاطاريندا باتيرغايليق

بيلن يوروش اديان آدم. ۳. حضرت

على نينگ لاقامى.

صفر tsafar: [ع] هجرى قمرى ييل

حسابى نينگ ايکينجى آيى، اصفار

جمع.

صفر sefr: بوش، ايچى زات سيز، پوج،

هوانى، هيچ، حساب آدالغاسينده

شعر گورنوشده (۰) اوز-اوزى سان

دال، اگر سانينگ ساغ طرافيندا

قويولسا سانى اون اسسه کوفالديان.

صفر sofar: [ع] زر، طيللا.

صفرا safrā: اود.

صفی safi:ص. [ع] یورکدش دوست،
سایلانان، الین هر زادینگ سایلانانی،
سچیلانی، اصفیاء جمع.

صفیه safiye:ص. [ع] مؤنث صفی،
سویتلی دویه، کۆپ خورما بریان
آغاچ.

صقیل saqil:ص. [ع] ییلدیراتماق،
پوسین آییрмаق، یالپیلدا تماق.

صلاّب salābat: [ع] قاتیماق،
قاتی لیق، دۆرنؤقلی لیق، توتان
یرلی لیک.

صلات salāt: (= صلوٰة) [ع] نماز، دعا،
تسبیح، مغفرت.

صلاح salah:ص. [ع] اونگیشماق،
یاراشماق، ایلالاشماق، یاغشی
بۆلماق، خیر ایشده بۆلماق.

صلاحیت salāhyat:ص. [ع]
دوغری چیل لیق، و اؤنگاتلیق، آق
یورکلی لیک، یاراشیقلی لیق،
مناسیب لیک،

صلاحیت دار salāhyat-dār:ص.
[ف.ع] یاراشیقلی لیق، ایش یتیرماگه
اوقیپلی، لایق لیق.

صلب salb:ص. [ع] دارا آسماق، داره
چکمک. ۲. یاغنی مغزینی چیقارماق،
اتی کباب اتمک.

صلب solb:ص. [ع] ۱. قاتی، ایری و
گویچلی، ۲. آرقا سونگکلی، بیل،
اصلاب و اصلب جمع.

صلح tsolh: [ع] ۱. اونگیشمه،
ایلالاشما، یاراشیق، بارلیشیق، ۲.
سیاست آدالغاسینده اوروشدن ال
چکمک.

صلحاء salhā': [ع] یاغشیلار،
قاوی لار، جمع صلیح صالح معنادار.

صلح کردن solh-kardan:ص.
[ع.ف.ا]. یاراشماق، باریشماق،
ایلالاشماق.

صلوات salawāt: [ع] جمع صلاۃ
درود، رحمت تحیت پیغمبرمز درود
آیتماق، اللهم صل علی محمد و علی
آل محمد اوقیماق.

صله seleh: [ع] ص. دوستلوق
باغلانان، یاغشی لیق، خیرات
اتمکلیک، یاغشی لیق اتمک، صلات
جمع. صله رحم: قرینداشلارا

- ياغشى ليق اتمک، قوم قرينداشلار
 بيلن دوستلوق اتمک، احسان اتمک.
- صم sam: [ع] کرلر، قولاغی
 اشیتمه یانلار، جمع اصم.
- صمان samān: [ع] جمع اصم، کر
 معنیده.
- صماء samā': [ع] مؤنث اصم، ۱. کر
 معنادا، کر زنانه. ۲. برک قاتی، قاتی
 یر.
- صمت samt: مص. [ع] سونمک،
 دیمماق، دیم-دیرق لیق، کپله مزلیک.
- صمد samad: مص. [ع] حاکم، سرور،
 خوجایین، بی نیاز، هیچ بیر زادا ماتاج
 و باغلی دال لیک، (خدای تعالی نینگ
 صفت لر نینگ بیرى).
- صمصام sam-sām: [ع] ییتی
 کسگیر قیلیچ، اگرلمه یان قیلیچ.
- صمیم samim: ص. [ع] ۱. الین، هر
 زادینک الینی و خالصی، تویس، ۲.
 فارسجه: از صمیم قلب: تویس
 یورکدن، چین یورکدن.
- صمیمیت samimyat
 ایسنشیقلى لیق، یورکداش لیک،
- قـاوى لیق، یـؤمـشاقلیق،
 جانیب کش لیک.
- صناعت tsenā't: [ع] ایش، پیشه،
 هنار، اوسسادلیق و فکرلنمک لیک،
 گرک بولان هنار، صناعات و صنایع
 جمع.
- صنایع sanāe': [ع] جمع صناعت،
 نفیس هنرلر، چپر ال هونارلر، ایگنه
 اوجی بیلن اوریلیان نازک هونارلر.
- صندلی tsandali. اوتورقیچ.
- صندوق tsanduq: [ع] صانديق،
 یاشیک.
- صنع son': مص. [ع] ۱. بجرمک،
 یاراتماق، دورا تمک ۲. یاغشى لیق
 اتمک، قاوی لیق، اریسغال، اونگشیق،
 احسان.
- صنعت tsan'at: [ع] ایش، پیشه، هنار،
 صنوعات، هنره باغلی بولان.
- صنعتگر san'at-gar: صنعت ایه سی،
 هنر ایه سی، صنعت کار.
- صنف senf: [ع] هیل، توپار، اصناف،
 بؤلک، صنوف جمع.
- صنم tsanam: [ع] ۱. بت، بت

- پرستلرینگ داشدان، دمیردن،
 آغاچدان الده یاساما خدایی ۲.
 سویگلی و گوزل معنادا، ۳-
 سیغینیلیان و چوقینیلیان ذات، اصنام
 جمع. فارسجه دلبر و معشوق، گوزل
 دیلیار.
- صنو senw: [ع] ۱. هر بیر و یا ناچه
 گوگدن اؤنن آغاچ، ۲. دوغان، قارداش،
 آغا، اصناء و صنوان جمع.
- صنوبر tsenubar: [ع] بیر هیل چناره
 منگزش یاپراقلاری ایری آغاچ، اول
 جنگل آغاچی، یالی بولان سؤنگ،
 گیجه‌لرینده یالین یالی یانیار، بیر
 هیلی قطران شوندان آلینیار، اونی
 اکزما آدلی یارا ام ادیلیار.
- صنیع 'sani: ص. [ع] ۱. بـجـریـلـتـ،
 دؤره‌دیلن، کسگیرلنن قیلیچ ۲.
 تمیز و آراسسا اشیک ۳- یاغشلیق
 و قاوولیق.
- صواب sawāb: ص. [ع] دؤغری،
 گونی، حقیقت، سزه‌وار.
- صواف sawāf: ص. [ع] یونگ ساتان،
 یونگ‌ساتیان.
- صوب tsawb: [ع] ۱. گونی، دؤغری.
 ۲. طاراپ، یانگا، یان، دؤغری، ناحیه،
 اولکه.
- صوت tsawt: [ع] سس، آواز، آهنگ،
 هنگکلنمه، نغمه. اصوات جمع.
- صور sur: [ع] بۇق، اولاقان شاخ‌دان
 یاسالان شیپور، تویدوک. صور
 اسرافیل: قیامت گونی اسرافیل
 فرشته‌نینگ چالجاق سرنای
 تویدیگی. شیله‌ده اسرافیلینگ
 سوری بیلن اهلی اولی‌لر دیرلجکلر.
 صورت tsurat: [ع] شکل، یوز، کشب،
 بیرینینگ و یا بیر زادینگ چکلیب
 آلینیان شکلی، گورنوشی، صور جمع.
 صورت حساب tsurat-hesāb: مر.
 آغنی برگی یازیلان بۆلک کاغذ.
- صورت مجلس surat-majles: ا. مر.
 میلّیس اعضالاری نینگ آراسیندا
 بۇلان گوررونکلر، یازیلان ورقه کاغذه
 بۇلان واقانی شرح بریپ یازیلان
 یازغی.
- صوف suf: [ع] قویون یونگی، یونگ
 اصواف جمع.

صوفی *tsufi*: ص. [ع] صوفیلیق یولینه
گیرن آدم، یونگ پارچه‌دان ادیلن
گییم گییان آدم، صوی، تصوف
یولینداکی آدم.

صولت *sawlat*: مص. [ع] هایبات،
قاہار، دوپولیش، گویج و قدرت،
اؤرؤشده دوپولمه.

صوم *sum*: مص. [ع] آرازه، روزه،
ایمکدن ایچمکدن دانگ آتاندان گون
یاشینچا ساقلانماق، روزه توتماق.
صومعه *sum'e*: عبادت خانه.
چوقینیلیان جای.

صہباء *sahbā'*: ص. [ع] مؤنث اصہب
آق قیزیل قاتیشیق، شراب ایچگی،
چقیر، می، قیزیلا یاقین اوزوم شرابی.
صہر *tsahr*: [ع] یاقین لیق، قۇدا،
قیزینگ اری یا عیال دوغانینگ اری،
کۆرہکن، گیہوی قرینداشلیق، اصہار
جمع.

صہیونیست *tsahynist*: [ع] (=)
صہیونیسم) صہیونہ دگیشلی،
یہودی توپاری ۱۹. نجی قرن‌ده

اسرائیل حکومتی قورامازدان اونگ
مقصدلاری یہودی حکومتی،
فلسطین‌ده قوراماق لیق دی.
صیاد *sayyād*: ص. [ع] آوچی، مرگن،
کوپ آو اولایان شکارچی، آوچی.
صیام *sayām*: مص. [ع] آرازه توتماق،
آرازه شهر صیام: رمضان آیی، آرازه
آیی.

صیانت *siyānat*: مص. [ع] قوراماق،
ساقلاماق، قوراما، ساقلاما.
صید *sayd*: مص. [ع] اولاماق، آو،
اولانیان زات، شکار، آو.

صیدگاه *sayyd-gāh*: ص. مر. آو
'توتولیان یر، اولاغ یر.

صیف *tsahif*: [ع] ۱. تومیس، ۲.
موسم هوانگ اسسیلیفی.

صیفی *seyf-i*: ص. ن. [ع] تومیس
یتشیان حاصل، قارپز قاوین یالی.

صیقل *seyqal*: ص. [ع] ۱. قلیجی
کسگیر ادیان، قلیجینگ پوسینی
آییرماق، ۲. ییلدیراتما، صیاقل و
صیاقله جمع.

ض

بی اینجالیق، بیقرارلیق، داریقماقلیق،
کم حوصله لیق.

ضارب zāreb: ا.فا. [ع] اوریجی،

قارانگی گیجه، تکیز یرده اکیلن
آغاچ، ضارب جمع.

ضارع zāre: ص. [ع] پس پال،

منلیک سیز، هور، یاغدا ی سیز.

ضاری zāri: [ع] شکار ادیان حیوان،

آو، اولایان حیوان، موجک، یولبارس،

ایت و پلنگ یالی، شکاره حریص

بولانلار ضواری جمع.

ض ze: عرب الیب بی نینگ اون

سکگزینجی حرفی، ابجد حسابیندا
(۸۰۰).

ضابط t.zābet: ا.فا. [ع] ساقلا یجی،

قورایجی، ساقلا یان، قوجورلی،

ادرمن، فهملی، حکم ادیجی. جمع

ضوابط.

ضابطه t.zābete: ا.فا. [ع] مؤنث ضابط:

قاعده، یول یوردا، دوزگون، داپ،

دستور، اصل، جمع ضوابط.

ضاجر zājer: ص. [ع] ا.فا. ضجرلی،

ضال (zāl(l): ص. [ع] يۇلۇنى يىتىرن،

يولدان چىققان، يۇلۇنى اوردىران، آزان،

ضالين جمع.

ضاله zālle: ص. [ع] مۇنث ضال، يتن،

يىتپ كىدن، گم بولان.

ضامن zāmen: ص. [ع] غرامتى بوين

آلان، هوتدالنيان، كفيل، بوين آلان،

ضمانت كىش.

ضائر zāyer: (= ضائر) [ع] زبان

يىتيريان ضرر يىتيرجى، نقصان

يىتيرجى.

ضايع zāye: ص. [ع] پىداسىيز، پوچ

بيكار، بيدرك، بيهوده ضايا.

ضايعه zāye'-e: ص. [ع] مۇنث ضايع،

خراب بولان، آفت اوران، الدن كىدن،

جمع ضايعات.

ضايق zāyeq: (= ضائق) ص. [ع] دار،

كىنگ دال.

ضب zab(b): ا. [ع] كينه، اويكه،

ضباب جمع.

ضبط t.zabt: م.ص. [ع] اله آلماق و

ساقلاماق، ايه له مك، باسيپ آلماق.

ضبط صوت zabt-e-sawt: ا.

فونوگراف، ضبط، سس آليان.

ضبع 'zabo: ا. [ع] قوراچىلىق يىل،

قاتى يىل.

ضجاج zajā: م.ص. [ع] قىغىرماق،

اينگراماق، ناله اتمك، قورقىدان

قىغىرماق.

ضجر zajer: [ع] ا. م.ص. بىقرار،

طاقت سىز، بى اينجالىق، دورپ

بيلمزلىك، دوريم سىز.

ضجر zajar: م.ص. [ع] ا. ص. بىقرار،

بۇلماق، قاراسىزلىق، يوره گى توتوق،

قىسىقلىق، اينجالىق سىز بۇلماق.

ضجه zajje: [ع] قىغىرما، فرياد،

اينگراما، ناله، آدملارىنگ قىقىلىنى.

ضحاك zāhhāk: ص. [ع] كوپ

گولىجى، يووخا، شيرىق، كان گولوپ

يورآن، كوپ گوليآن، كان گولىجى،

كوپ گولكىلى.

ضحى zōhā: ا. [ع] ۱. قوشلىق، گون

دوغان وقتى ۲. گون، گونش، قوياش

معنيده.

ضخامت zexāmat: م.ص. [ع] ا.

قالينگلىق، يوغىنلىق، پوگىلىك.

- ضخيم zaxim: ص. [ع] اولی، یوغین، یومری، پوکگی، قالینک، پوکگی سمیز.
- ضد zed: ص. [ع] دوشمان، قاپما- قارشى، اونگیشمیان، آغیزی آلا.
- ضرائح zarā'eh: [ع] جمع ضريح، قبرينک داشينا آغاچدان-دميدن دير بجريليان صنديق.
- ضرار zerār: مص. [ع] ضرر اورماق، زیان یتیرمک، آزار یتیرمک.
- ضرب zarb: مص. [ع] ۱. اورماق، سکه اورماق، ینچمک، اورماق، اۇرغى، ۲. حساب آدالغاسنده ضرب اتمک، تئبک دیپ-ده آیدیلیار.
- ضرب المثل zarb-ol-masal: آتالار سۆزی، آیدیلیان نقل، ماتال، مثال گتیرمک.
- ضربت zarbat: (= ضربه) ۱. [ع] بیر گزک اورماق، بیر زادینگ بیر یریک دگماگی، ضربه، ضربات جمع. ضربت خوردن: یارالانماق، ضربت زدن: یارالانماق. ضرب دیدن: زیان گۆرمک، ضرر گۆرمک، صدمه گۆرمک.
- ضرب شست zarb-e-šast: ال گویجی، گوزونینگ اودینی آلماق.
- ضرر zarar: [ع] زیان، پیداسین، نفع سیز، ادیت، آزار.
- ضرر زدن zarar zadan: زیان یتیرمک، صدمه یتیرمک.
- ضرس zers: ص. [ع] ۱. دیش، آذی دیش، اضراس و ضروس جمع. ۲. بیک چوکاکلی چیقماغی قین دفه و آز یاغین، اضراس جمع.
- ضروب zorub: [ع] جمع ضرب، ضروب zarub: ص. [ع] اۇرۇجى، قاتی اۇرۇجى.
- ضرور zarur: ص. لازم، واجب، حاجتلی، کیرکلی معنیده، جمع ضرورات.
- ضرورت tzarurat: [ع] حاجت، گرهکلی لیک، واجب لیک، لازم لیک، جمع ضروریات.
- ضروری zaruri: ص. [ع] گرهک، واجب، لازم، ضرورات جمع.
- ضرب zarib: ۱. ص. [ع] مثل، منگزش، هیل، ضرائب جمع.

ضعیفه za'ife: [ع] ص. مؤنث ضعیف:

عجیز، زنانه، سست، هلهی، عیال.

ضلال zalāl: مص. [ع]. یتمک، یول

یتیرمک، گمرالیق، آزاشما.

ضالات zalālat: مص. [ع] گمراه

بۇلماق، گمراهلیک، یول یتیرمک،

یولدان آزاشماق.

ضم zam(m): مص. [ع] جملامک،

ییینماق، تاییارلاماق.

ضمائم zamāe'm: [ع] جمع ضمیمه،

سبلامک‌لر، ایلته‌شیک‌لر.

ضمانت zemānat: مص. [ع] ۱.

«ضمانه» همیشه‌لیک سیرقاوچیلیقه

دچار بۇلماق، باغلی بۇلماق، گاه گاه

تؤتؤپ گویبیران ناخوشلیق ۲.

فارسجه آلانگدا غرامت‌کش بۇلماق،

ضمانت بۇلماق، هوتدالنامک معنیده.

ضمن zemn: مص. [ع] عاجز قالماق،

یاغدا‌ی‌سیزلیق، ناخوش بۇلماق.

ضمه zamme: ۱. [ع] عرب الفباسینده

بولان حرکت، اوتور، یعنی حرفینک

اؤستونده قویولیان شیله (ـ) بلگی.

ضمیر zamir: ۱. [ع] یوره‌گینگ ایچی،

ضریح tzarih: [ع] قبر، قبرینک

تواره‌گی، قبرینک اؤستونده قویولیان

صان‌دیک، ضرائح جمع.

ضریر zarir: ص. [ع] ۱. کؤز، گوزسیز،

گوزی گورمیان. ۲. خور، آرریق، اضرأ

و اضرار جمع.

ضریع zari': ص. [ع] اولی گؤووسلی

عیال.

ضعف za'f: مص. [ع] یاغدا‌ی‌سیز

بۇلماق، عجیز بۇلماق، عجیزلیک.

ضعف za'f: ص. [ع] یکی اسسه یکی

برابر یا کوپراک، اضعاف جمع.

ضعف رفتن za'f raftan: حال‌سیز

بۇلماق، یاغدا‌ی‌سیز بۇلماق،

یاغدا‌ی‌دان دوشمک.

ضعف کردن za'f kardan: بیهوش

بۇلماق، ایسغین قاچماق، اوزونگدن

گیتمک.

ضعیف za'if: خور، لاغار، عجیز، جمع

ضعفا. ضعیف‌الجثه: اندامی کیچی،

آونیق اندام‌له

ضعیف‌النفس za'if-ol-nafs:

اراده‌سیز، سست آدم، عجیز آدم.

- آدامینگ ایچگی دویغی سی، گؤوین،
آدامینگ یورک دویغی سی، آدامینگ
ایچینداکی گیزلین سیری و فکری
چالیشما .
- ضیمہ zamime: ص. [ع] ۱. ایہ و
یولداش معنیدہ ۲. بیر زادی باشغا
بیر زادا جلامک، سبلامک،
قوشماچا، ۳. بیر زادی باشغا بیر
زادینگ یانینا قوشما، بیریکدیرما،
جمع ضمائم.
- ضوابط zawābet: ص. [ع] جمع
ضابطہ، ساقلاچی لار، قاعدہ و
دوژگون لر.
- ضیافت zyāfat: مص. [ع] میخمان
بؤلماق، میخمانلیق، میخمانچیلیق
برمک، اوتوریلشیق .
- ضیاء 'ziyā': [ع] نور، یاغتی لیق،
یالپیلدی، یالقیم.
- ضیغم zayqam: [ع] ۱. ییرتیا،
ییرتیجی، یولبارس، ضیاغم جمع.
- ضیق ziq: مص. [ع] داروقت، داره دیره،
داریشغانچلیق، داریشغانلیق،
قینچلیق.
- ضیق النفس tziq-on-nafas: مر. دم
قیسما، یورک قیسما، نتیجہ ده
انسانینگ دم آلیان اورغانی نه نقصان
یتمگی.
- ضیم zaym: [ع] ظلم، ستم، ضیوم
جمع.
- ضمیران zamirān: ۱. [ع] ریحان.
- ضیوف zuyuf: [ع] میهمانلار جمع
ضیف.



طايپاسيندان، حاتم طى شول
قبيله دن.

طاب tāb: ص. [ع] پاك، پاكيزم،
آراسسا، حلال.

طابع ttābe': فا. [ع] چاپه يتيريان،
چاپ اديجي، مهر اوريجي، چاپ
اڊيان، ۲. قىلىق، اخلاق، سياق.

طارق ttāreq: فا. [ع] گلجک گيجه،
گيجه گوزه گورونيان. دانگ ييلديزى.
طاري tāri: [ع] ۱. فا. دويدانسيز گلن،

بى خبر گلن، طراء «طُر» جمع.

ط te: عرب اليب بى نينگ اون
دوقوزنجى حرفى، ابجد حسايينده
(۹).

طائف tā'ef: ص. فا. [ع] ۱. طواف
اڊيان، زيارت اديجي زيارتچى. ۲.
گيجه گزيان قراويل، ساقلاو.

طائفه tā'efe: ص. [فا.ع] مؤنث طائف،
بۆلك، بىر بۆلك جماعت، بىر زادينگ
بوله گى، طايغه، تيره، طوائف و
طائفات جمع.

طائي tā'i: ص. ن. [ع] عرب لرينگ طى

طاس ttās. تاس، ميس كاسه،
عربچه ده تاس دييليار.

طاس tās. ص. تاس، ساچسيز كله.

طاعت tāt: مص. [ع] ۱. تايين
بۇلماق. بۇيۇن اگمك، قولاق آسماق
۲. عبادت معنا لاردا، جمع طاعات.

طاعون tāun: [ع] بىر هيلى يۇقۇشيق
مرگى كسل ناخوشلىق، بو كسلينگ
۱۸۹۴-نجى يىلدە مىكرى
تاپىلىپ دىرە اول هر هاچان آدمە
دگاسا تىترادىپ كله آغىرى دورەدىپ
قوسدىريار و اون سۇنگ اويلوق و
قولتوغىنگ آشاغىندان چيش دورايار،
بىر هفته دن سۇنگ چىركىلاب
قوتاران سۇنگ دە جايى بللى بولوپ
قاليار. يعنى اثرى قاليار.

طاغوت ttāqut: [ع] باشينا گيىدن،
باطل زادلرە سيفينيان، دوست
گورىان، آدمى يولدان چىقاريان،
شىطان خدای دان باشغانى سوييان
اونگا سيفينما، بت، صنم، طواغيت
جمع.
طاغى ttāqi. فا. [ع] ظالم، حدیندن

آشان، بىوين يوغىن، شرچى،
قوزغلانگچى، بۇيۇن اگمە يان.

طاق tāq. ص. تاک، يکه، بىر قاپى نينگ
اوستى، يا-دا زات قويماق اوچين
ديوارينگ ايچينده ياپيق آپيشگە
يالى اديليپ قويلان ير. جمع طاقات و
طبقات.

طاقت tāqat: مص. [ع] جیدام، صبر،
دۇرنۇقلىلىق، اينجالىق، گويچ،
قورپ. طاقت.

طاقت آوردن tāqat āwardaan:
مص. جیداماق، طاقت گتيرمک،
جیدەمینگ بۇلماق، صبرینگ بۇلماق
قواتینگ بۇلماق.

طاقت فرسا tāqat-farsā: ص. [ع. فا]
جیداب بيلمزلىک، طاقت گتيريب
بۇلمازلىق.

طاقچه ttāqče. طاقچا، اتاقينگ
ايچينده زات قويوليان طاقچه.

طاق نصرت ttāq-e-nosrat. مر.
ينگيش طاقى، آغاچدان، دروازه يالى
اديب جشن لردە، يا پادشاهلر بىر
شهره گلجک بولانده بزآپ

دیکلدیلیار.

آراسسا عیال، عیب‌دان ھاپادان پاک

عیال.

طاقه ttāqe. [ع] ۱. بیر تار، بیر رچ،

طایر tāyer: (= طائر) ا. فا. [ع]

فارسجه ۲. بیر قواره بیر گیمیک

اوچوجی، اوچیان قوش.

ماتا.

طایف tāyef: طائف - ا. فا. [ع] طواف

طالب ttāleb. فا. [ع] طلب ادیجی،

یدیان، سیغینیان، داشیندان آیلانیان،

آغتاریجی، ایسلایجی، ایسله‌یان،

زیارت یدیان، زیارتچی.

شاکرد، طالب دینی مدرسه‌لرده

طایفه tāyefe: طائفه - [ع] ا. فا. طایپا،

اوقییان اوچوجی. طالب.

اوروغ، تیره.

طالع ttāle' فا. [ع] ۱. گون دوغما و

طب tāb: مص. [ع] إم اتمک، درمان

تازه دوغان آی ۲. بخت اقبال و تقدیر

اتمک، علاج اتمک.

تألی ۳ طوالع جمع.

طبابت ttābābat. [ع] طبیبچی‌لیک،

طامات tāmāt: [ع] ۱. آغیر حادثه،

دکترچی‌لیک.

واقا، ۲. اصل‌سیز سۆزلر، یالان سۆزلر

طباخ tābāx: [ع] ص. بیشیریجی،

پوچ سۆزلر، جمع طامه.

آشپز، نهار تاییارلایجی، بیشیرمه،

طاووس ttāwus. [ع] تاوویقلار

بیشیرمک‌لیک.

ماشغالاسیندن بۆلن آوادان یلکلی

طباع tebā': [ع] اخلاق، قیلیق،

قاتی آوادان قاناتینی یایرادانده چتر

یارادیلیش، بولوش، دوغیش.

یالی آل الوان بولوپ دوریار قوریغی

طباع tabbā': مص. [ع] ۱. کوپ چاپ

هم اوزین آوادان گورنوکلی طاووس

ادیجی، بیر زادا پچات اؤریان ۲.

آدینداقی قوش.

قیلیچ یاسایجی.

طاهر tāher: مص. [ع] پاک آراسسا،

طباق tabāq: مص. [ع] ۱. جمع

آری، آریق، جمع طاهرین.

طبقه ۲. دنگلیک، برابرلیق،

طاهره tāhere: ص. [ع] مؤنث طاهر،

طیب tabīb: [ع] ا. طیب، دکترا، لقمان.	جبسریک معنالاردا.
طبیعت tabi'at: [ع] ا. قییلیق، یارادیلیش، بۇلۇش، خلق ادیلیش، خلقت.	طبخ tabx: [ع] بیشیرمک.
طبیعی tabi'i: [ع] ن. طبیعت، حاصلانان، طبیعت باغلی دگیشلی بۇلان.	طبری tabari: [ع] ن. طبرستانه دگیشلی، طبرستانینگ آدمسی.
طحال tḥāl: [ع] دالاق.	طبع 'tab: [ع] مص. چاپ اتمک، پچات اورماق، (موهیر اورماق) مهر اورماق، پچت اورماق.
طرائف tarā'ef: [ع] اونگات تازه، نفیس ینگیل قاوی زاتلار بهالی زاتلار.	طبع 'tab: [ع] ا. قییلیق، اخلاق، بۇلۇش، طباع جمع.
طراح tarāh: [ع] تاسلایان، تاسلایجی، نقشه چکیجی، نقشه چکیان، نقاش.	طبق ttebq: [ع] دنگ بیر اؤلچکده، بیر آغیرلیقده برابر، درس دنگ بۇلان.
طرار tarār: [ع] ص. اوسوک، عیار، ساللاخ، جووی کسن.	طبقات tabaqāt: [ع] درجه لر، مرتبه لر، قاتلاق لار، جمع طبقه.
طراز tṭarāz: [ع] زینت، نقش و نگار.	طبقه tṭabaqe: [ع] مرتبه، درجه، قاتلاق، بییکلیک، بیر بۆلک آدم لار، بیرناچه مرتبه لی جایینگ بیر قاتی، قات.
طرازیدن tarāzidan: [ع] ص. م. بزامک، گوزل لشدیرمک، ترتیبه دوزگونه سالماق.	طبل tabl: [ع] لانگگاره، دپرک، اورووش دپره گی، اولی دُمبک، سازینگ بیر گوزنوشی.
طراوت tatāwat: [ع] ترلیک، تازه لیک، سولی ترجمه.	طبله table: [ع] کیچی جیک صانديق، قوطی، إشک دیر، آطینگ دانگیلیان جای.
طراوش tarāwoš: سیزما.	

طراويدن tarāwidan: سيزديرماق.

طرب torb: مص. [ع] شادليق، خوشحالليق، بگنجليک.

طرب انگيز torb-angiz: ص. [ع.فا] شادليغا خوشليغه سبب بوليان زاتلار، شادليقلى، شاوخينلى.

طرح tarh: مص. [ع] ۱. تاشلاماق اوqlاماق، زينگماق، تاسلاماق، دويپنى توتماق، اوينگه التمک، هوديرله مک. ۲. فارسچا: اويلانماگه تصويب اتماگه بير قانونى يا مطلبى طرح اتماگه آيديليار.

طرخان tarxān: ۱. [ع] باشليق، سرور، ترخان، ظراخنه جمع.

طرد tard: مص. [ع] قواماق، داش اتمک.

طرز tarz: [ع] ۱. شکل، اصول ترتيب، هيکل بير زادينگ يوزى، ۲. يول يۇردا، تار، اوغور، ياغداى، بولوش، دۇرمۇش، پالانلاشديرماق.

طرف ttaraf: [ع] قاپدال، کنار، يان. ساي، سارى، اوغير، قيراق، و بير زادينگ سونگى، اطراف جمع.

طرفدار taraf-dār: ص. [ع.فا] حوسسار، قولدايجى. طرفدارى: جانيبكشريك، حوسسارليق، قول توتوجىليق، طرف تۇتۇجىليق.

طرفه ttorfe: [ع] تازه زات، انايى زات، اويتگاشيك زات، قاوى و تازه سۇز، گنگ قالديريچى، انايى سۇز.

طرفه tarfe: [ع] گوزده بۇلان قرمز نقطه، قاباغى بير گزک اورماق، گوزى آچيپ يوميانچانگ.

طرفة العين tarfat-ol-'ayn: بير گزک گوز آچيپ يوميانچانگ، تارفاتاين، بير دمده.

طرق toroq: [ع] يوللار، جمع طريق.

طرلان ttarlān: [ت] نگا. ترلان.

طريق ttariq: [ع] يان، يول، قاعده، اصول، اوغور، طرق جمع طرقات.

طريقت ttariqat: [ع] ۱. يول، يۇرلگه، سيرت، مذهب، ۲. عارفلار آدالغاسينده ايچ آراسسالاما دۇغرى نيت، صوفىلارينگ و عارفلارينگ يولى، طريقته اهلى.

طريقه ttariqe: [ع] يول، اوغور عادت،

مذهب، دین طریقت، معنالاردا.
طرائق جمع.

طعام tta'am [ع] طاغام، داتلی
ایمیت، طعاملی نهار، ایییلیان زات،
اطمه جمع.

طعم tta'm [ع] دادما، طعام، نهار
ایمیته مخصوص بۇلان آیراتین
لیقلاری دویان آغیز یا دیل دۇیغۇنی.
طعمه to'me [ع] (= طعمة) ایمیت،
خورش، اریسفال، رزق، طعم جمع.

طعن ta'n: مص. [ع] ترهنه، سانجی،
کنایه، مسخره لیک، قیجیت، کایینچ،
کپ اۇرما.

طعنه tta'ne: مص. [ع] ۱. بیر گزک
نایزه اورماق، اندامدا قالان نایزانیگ
ایزی ۲. زیرانچ، کاینچ معنادا، ۳.
انجیماق، سانجاق، ترهنه، شیلطاق.
طعنات جمع.

طغرل ttoqrol [ت] ۱. آلفیر
قوشینگ بیر هیللی، ۲. سلجوق
پادشالارنینگ بیر ناچه سنینگ
آدلاری.

طغیان toqyān: مص. [ع] ۱.

جوشماق، قوزغالانگ، اوز حدینگدان
گچمک، اوز چینینگدن اوتمک، اوز
اندازانگدن اونگه گیتمک، ۲.
آزغین لیک، بۇیۇن یوغین لیک اتمک،
کله پروای لیک اتمک، ۳. آقار
سووینگ یا دریانینگ سووی یۇقاری
قالماغی و چیشمه گی، توپالانگ،
باش گوترمه.

طفره ttafre [ع] بیر بوکمک بیر
بیکیلکدن تاویسلاماق.

طفره رفتن ttafre raftan: مص. ایش
ایزه قویماقلیق و قایرا دورماقلیق. بیر
ایشدن بۇیۇن قاچیرماق، بوگونکی
ایشی ارتیره قویماق، ارتیر اتمک،
ساقلانماق.

طفل ttefl [ع] یاش چاغا، تازه بۇلان
بابک، اوغلان، اطفال جمع.

طفل tafl: مص. [ع] یومشاق، نازک، هر
زادینگ لائیک گوریلیانی، قاوی
گوریلیانی، اطفال و طفول جمع.

طفل tafal: ا.ع، ۱. قرانگق لیک، گون
یاشارا یاقین وقت، ۲. یاغیش، یاغین
معنیده.

طفلك tteflak [ع] چاغاجيق،

بابه جيك، ياش چاغا، بابك.

طفولت tofulat: مص. [ع] ۱.

چاغاليق، ۲. اوغلانلىق، لائىكلىك،

يۇمشاقلىق.

طفوليت tofuliyyat: ۱. [ع] چاغاليق،

اوغلانلىق.

طفيل tofayl: ۱. ص. [ع] بنى اميه دن بير

آدم ايسلنمى چاغيريلمى

ميهمانچىلىغا كيدىان، اونكا «طفيل

العرائس» خم دييلىپدير. ۲. فارسچا:

ايسلنمە ديك ميهمان، بى وقت گلن

ميهمان، ميهمان بولوپ بارىان

آدمينگ يانينا قۇشۇلپ كيدىان-آدم.

طفيلي tafeyl-i: ص. ن. [ع] ۱. ميهمانا

باغلى بۇلان، ايسلنمە ديك ميهمان

بى وقت گلن ميهمان. ۲.

ميهمان بولوپ بارىان آدمينگ يانينا

قۇشۇلپ كيدىان آدم، موغت خور.

طلا talā: زر، قيزيل، آلتين، طيللا.

طلاب tollāb: [ع] جمع طالب،

طالبان.

طلاق talāq: مص. [ع] عيالىنگ

أريندن آيريلمى و جدا بۇلماى

آيريلشماى، خطينى آلاق، طلاق.

طلايه talāye: اونگدن بارىجى،

اونگدن كيديجى، اونگدن كيديان،

دوشمانينگ دورميشينى بيلمك

اوچين لشكرينگ اونگيندن ايبيرليان

سربازلار، طلايگان جمع.

طلب talab: مص. [ع] ۱. آغترماق،

گۆزلەمك، سراتمك، ايسلامك. طلب

كردن ۲. فارسچە پولى يا بير زادى

بيرينه بريب طلب اتمك، ۳.

ايزارلاماق، آلقى آلاق، ايسلهمك.

طلبكار talabkār: ص. [ف.ع] آلقىلى،

آلقىسى بۇلان.

طلبیدن talabidan: مص. [ع.فا] طلب

اتمك، ايسلهمك، چاغيرماق.

طلسم ttelesm: لاتين سۆزوندن آلىنان

جادىچىلارينگ و فال

گۆربجىلرينگ كاغذ يا دمير يوزونه

چكىان جدول خطلارى، دوغاجادى.

طلوع 'tolu: [ع] چيقماق، گون يا

ييلديزينگ گورونمكى، دوغماى.

طمطراق tomtorāq: [ع] دابارا،

اوزينگی گۆركزمه، نمايش، شان، شوكت.

طمع 'tama: مص. [ع] ۱. طاما، اميد، آرزو، ايسلک، گوز تیکمه ۲. آچ گوزلیک، حارصی دنیالیک، ايمتيلماق.

طناب ttanāb. عرب چشمه سیندن یوب، باغ، کندیر، طاناب، ريسمان.

طنبور ttanbur. [ع] اوزین دستهلی سازلارینگ بیرى، اونگا طنبار هم ديييليار.

طنین tanin: مص. [ع] داشدان وانگلاب اشیدیلیان سینگینگ، چييينینگ سسی، قاتی يانگلانمه قیقیلیق، کلیسالارده و مدرسه لرده قوييليان جانگینگ سسی ۲. ش.م.

طواف tawāf: مص. [ع] بیر زادینگ تۆوره گینه آیلانماق، بیر زادینگ داشینا آیلانماق، کعبه نینگ داشینا آیلانماق.

طواف tawwāf: مص. [ع] کاسب، کوچپ قونوپ زات ساتيان، کان آیلانیپ یوران، میوه و باشغا اییلیان

زات لاری کوچه لرده گۆچمه تارده آیلاب زات ساتيان آدم.

طوبى tubā: ص. [ع] مؤنث اطیب، قتی آراسه راق و پاک راک.

طوبى ttubā. [ع] ۱. خیر و خوشلیق بختلی و شادلیقلى، ۲. بهشته بیر اولی آغاجینگ آدی.

طور ttowr. [ع] یاغداى، هیل بۆلک، اولچک اطوار جمع.

طور ttowr. [ع] ۱. جایینگ داشی نینگ حیاطی، ۲. جزیره سیناده بۇلان داغینگ آدی طور سینا طور موسی دییپ ده آیدیلیان.

طوطى ttuti. قاراسی اولی لیغی کبتر یالی طوطی قوش، رنگی یاشیل چونتی اگری قوش، بیر ناچه سۆزلىرى آدمدن اووره نیپ آیدیان قوش، (آیدانینگ قایتالایان قوش)، اما اوژ آیدیان زادی نینگ معنی سینه دوشملی دال.

طوطى وار tuti-wār. ص. طوطی کمین، طوطی پالی.

طوفان tufān. ۱. [ع] آقیان کوپ سؤو

بیردن گلیپ یرینگ یوزینی غرق
 ایدیان سیل سووی، قاتی گویچلی
 یللی هوا دریانی تولقونلادیان،
 تولقونلیدیجی. همه زادی آزادان
 آیریان، یل، قره یل، اود و سوو یالی
 طویان، یل قاتیشیقلی گویچلی
 یاغین، قای.

طول tul: مص. [ع] اوزین، اوزینلیق،
 بوی، زول، گیدیپ یاتان، اطوال جمع.
 طولانی tulāni: ص. اوزین اوزالیپ
 گیدیپ یاتان.

طومار ttumār: [ع] اولی مکتوب،
 فارسجه تومار دییپ-ده آیدیلیار،
 اوزین. یازیلان خط طومامیر جمع.

طویل tawil: ص. [ع] قاتی اوزین، زول.
 گیدیپ یاتان، اوزالیپ گیدیان.

طویله tawile: ا. [ع] اوزین یوپ،
 مالینگ آیاغینا باغلانیا، فارسجا
 اصطلبل، مالینگ یاتاغی.

طهارت tahārat: مص. [ع] (= طهارة)
 آراسسالانماق، آراسسالیق تمیزلیک

هر بیر حافالیقدان پاکلنمکه

طیاره ttäyyäre: ص. [ع] (= طيارة)
 مؤنث طیار، قاتی گیدیان گامی،
 اوچیان، هواپیما، اوچاق، طیارات
 جمع.

طیب tib: مص. [ع] اونگات ایسلی
 بولماق، طغاملی بولماق، حلال
 بولماق.

طیبه tayyb-e: ص. [ع] مؤنث طیب،
 پاک، آراسسا، حلال، جایز، طیبیات
 جمع.

طیران tayarān: مص. [ع] اوچماق،
 اوچوش، بۆکوش.

طیور، کو کر - غیل قوریق .

طیفور tcyfur: [ع] اوچوجی قوش،
 اولی کیچی قوشلارینگ اهلی سی.

طینت ttinat: [ع] (= طینة) خلقت،
 یارادیلیش، دورادیلیش، قیلیق،
 بولوش.

طیور toyur: [ع] قوشلار، اوچوجی
 قوشلار، جمع طائر.



ظ zā: عرب اليب بى نينگ يگريمنجى

حرفى. ايجد حساييندا (۹۰۰)،

فارسى لغتده بو حرف يۇق، دينگه

مخصوص عربده بۇلمالى.

ظالم zālem: ا.فا. [ع] داش يورك،

رحم سيز، بى رحم، آزار بريجى، ظاليم،

ستم اديجى، آزيجى، رحم سيز،

ايزغيت سيز، ظاليم.

ظاهر zāher: ص. [ع] آشكار، عيان،

بللى، آچيق، آيدينگ، گورنوپ دوران،

داش گورنوش، سياق، سيرات.

ظاهر ساز zāher-sāz: ص. فا [ع] داش

گۇرنوشى بزآپ گۇركزيپ و آداملارى

هيتيرليق بيلن آلدايان.

ظرافت zerāfat: م. ص. [ع]

پاكيزه ليك، نفيس ليك، چاقغانليق،

ييتى ليك، آوادانليق، دقيق، اينچه دن

ايزارلاماق، گوزل ليك.

ظرف tzarf: [ع] قاب چاناق، ايچينه

زات قوييليان قاب.

ظرفيت zarfiyat: م. ص. ج ۱.

سيغيم، سيغيش، ۲. لايق ليق،

قۇجۇرلىق، تاييارلىق.

ظلمت zolmat: [ع] قرانگىلىق،

تونلىك..

ظروف zoruf: [ع] جمع ظرف، قاب

چاناقلار، قاب قاش.

ظنين zanin: ص. [ع] شك ادىلن،

تھمت آتيلان، بدگمان بولينان آدم، يا

باشغالارادىگمان بولينان.

ظريف zarif: نازك، اينچە، سويجى

دىللى، گوزل، آوادان، گۇرنوكلى

ظھر tzohr: [ع] گون اورتا، ياريم گون،

يارتى گون.

ظروف جمع، نفيسلىك.

ظفر zafar: مص. [ع] يىنگىش،

اۆستونلىك قازانماق، يىنگىمى،

مقصدە يىتمى، مرادىنگە يىتمى،

يىنگىش قازانماق.

ظھر tzahr: [ع] آرقا، يوزى نىنگ آرقا

طرفى، غوزاى طرفى، اظھر و ظھور و

ظھران (بضم ظا) جمع.

ظفر tzofor: [ع] دىرناق، اظفار و اظافير

جمع - جمع.

ظھرنويسى tzahr-newisi: مص. [ع]

آرقاسىنى يازماق، آرقا يوزونى يازماق،

چك يا سفته نىنگ آرقا طرفىنى

يازماق.

ظلم zolm: مص. [ع] ستم اتمى، ستم

آزار برمى، اذيت يىتىرمى، ايزا برمى.

ظھور zohur: مص. [ع] آيدىنگ

بۇلماق، آشكار بۇلماق، آچىق و عيان

بۇلماق، ظاھر بۇلماق.

ظلم zolam: [ع] قرانگىلىقلار،

تونلىكلار، جمع ظلمات.

ظھير zahir: ص. [ع] يار و ياور،

آرقاداش، آرقا، دايانچ، سوياك،

آرقانگ تۇتيان، مددكار.

ظلمات zolmāt: [ع] جمع ظلمت،

قرانگىلىق معنيدە ظلماتدە بىر

چشمە بۇلمالى اونگا آب حيات

دىييارلار اول چشمەدن حضرت

خضر(ع) ايچىپ دىرى قاليار. اما

اسكندر اونونگ اوغرۇنا چىقسا-دا

اونگا نصيب بۇلمايار.



ع e: عرب الیب بی‌نینگ ِی‌گ‌ریم

بیرینجی حرفی، ابجد حسابیندا
(۷۰). بو حرف عرب دیلینه

مخصوص بۆلمالی فارس لغتده
بۆلمالی دال.

عائله ā'ele. [ع] ایچری ماشغالا،

عیال اوغلان اوشاق‌لار، چاغلار.

عابد ābed. [ع] عبادت ادیجی،

خدایا قوللیق ادیجی، الله تعالی‌غه

سیغینیان آدم، نماز خوان، تقوا، عبد و

عباد عابدون و عابدین جمع.

عابده ābede. [ع] مؤنث عابد،

خدایی سوییجی، خدایا قوللوق
ادیجی، تقوا، عابدات و عوابد جمع.

عابر āber. [ع] اوتیپ گچیپ

باریان، یولاغچی، اوتگچی، عبار، عبره

و عابرون و عابرین جمع.

عاج ā. [ع] پیلینگ دیشی، آق و

قاتی اوزینلیغی اونونگ ایکسی متره

یتیار، اوندان بهالی زاتلار بجریلیار.

عاجز ājez. [ع] عجیز، یاداو،

یاراوسیز، یاغدا‌ی‌سیز، هور، پسه

دوشن، عواجز و عجزه جمع.

عاجل t.ājel.فا. [ع] قيساقلى،

چالتلايچى، تيزلشديريچى،
وقت سيز، هاوليقماچ.

عادت t.ādat. [ع] قيليق، انديك،

سياق، خاصيت، انسانينگ هر بير
ايشه اوورنشيپ بللى بير وقت
بتيريان ايشى، ادهمت بير ملتینگ
دورموشينه اورناشان قديمدن گليان
دأب دستور، عادات جمع.

عادت کردن ādat-kardan. مص.ل

[ع.فا] اوورەنيشمک، اندیک اتمک،
عادت اتمک.

عادت گرفتن ādat-kardan. مص.ل

[ع.فا] اوورەنيشمک، عادت اتمک.

عادل t.ādel.فا. [ع] انصافلى،

رحملى، عدالتلى، فراستلى،
پايخاسلى، دۇغرى چيل، عدول جمع.
عادلانه ādelāne.ق.ص. [ع.فا] عدالت
يوزوندن، عادلار يالى.

عادى t.ādi.فا. [ع] دوشمان، ظلم

اديچى، خلقينگ مالينه توقونيان،
ظلم الينى خلقينگ اوستينه قوييان

آدم، عداة جمع.

عادى āddi.ص.ن. [ع] عادته اوريلن

ايش، عادته دگيشلى، اوورەنيلشيب
عادت بۇلۇپ اديليان ايش، انديك
اديلن ايش، يوناكى عاداتى، عادات
جمع.

عار t.ār. [ع] عيب، اوتانچ، شرم و حيا،

ايعار جمع. عاربودن : حيالى بۇلماق
آبراىلى بۇلماق.

عارض شدن ārez-šodan. مص.ل.

باشا دوشمک، شکايت اتمک، ظلم
گۆرمک، ستم چکمک، يوزه چيقماق،
شکايت اتمک، حق اوچين قاضىغا و
يا دادگاه يوزلنمک، قاضى دادگاه.

عارضه ārez-e.ا.فا. مؤنث عارض،

اونگه گليان زات، انسانينگ اۇنگونه
گليان زات، واقا، حاجت،
مريض چيليک يالى، بوزولما.

عارف t.āref.فا. [ع] دانا، صبرلى،

بيليملى، خدايلىقلى، تانيلان، خداى
پرست، صوفى، خدايى عبادت
اتمکليگى مستحق بيلمک.

عارفانه āref-āne.ق.ص. [ع.فا]

عارف یالی، عارفه منگزش، عارف یولیندا بۆلان، عارف طریقه سیندا.

عاری āri:ص. [ع] یالانگاچ، لخت چیبلاق، عراة جمع.

عاریه t'ārie: [ع] عاریة بیریندن حاضرلکچه موقت زات آلماق و سۆنگ اونى آلیپ برمک یعنی ایزینا اوویریپ برمک اوچین آلماق.

عازم t'āzem:فا. [ع] قصد ادیجی، بیر ایشی یوره گینه دوویپ اراده ادیجی، بیر ایشی اتمانگه نیت ادن، بیر یره اوگران، یولادوشن.

عاشر t'āšer:فا. [ع] اون دان بیر آلیجی، اون دان بیر، اونونجی.

عاشق t'āšeq:فا. [ع] اؤرآن قاوی گۆریجی، سویجی، قاتی کوپ سوییان، عشقه دوشن، سویگا دوچار بۆلان، بیر زادی سۆین و یوره گی آلان، عشاق جمع.

عاشقانه āšeqāne:ق. ص. عاشقه لایق، عاشقلینا منگزشلیک، عشق یوزوندن، عاشقلیق.

عاشوراء āšurā':ا. [ع] (= عاشوری)

محرمینگ اونونجی گونی، حضرت حسین بن علی(ع)نینگ کربلادا شهید بولان گونی.

عاصر t'āser:فا. [ع] قسیجی، سیقیان، قیسیان، اوزومی یا آیری میوه نی سیقپ سوونی آلیان، عصره و عاصرون جمع.

عاصم t'āsem:فا. [ع] ساقلاوجی، ساقلاجی، خطا و یالنگیشلیقننگ اونگین آلماق.

عاصی t'āsi:فا. [ع] گناهکار، یازیقلی، بؤیؤن قاچیریان، بویروغی بویون انگمه یان، عاصی، عصاء جمع. **عاطف** t'ātef:فا. [ع] اووریجی، دولانديریجی، مهربانلیق ایدیان، مهرلی لیک.

عاطفه ātefe:ا.فا. [ع] مؤنث عاطف، مهر و محبت، دوغانلیق و قارینداشلیق، عاطفات و عواطف جمع.

عاطل ātel:ص. [ع] زاد سیز، بیکار، پوچ، بیهوده، بیدرک، عاطل و باطل.

عافیت t'āfiyat:مص. [ع] ساغلیق،

عالم t'ālam [ع] روزگار، خلق دنیا،

جهان، عالم، عوالم جمع.

عالم امر t'ālam-e-amr [ع] فرشته‌ها

عالمی، ملائکه عالمی.

عالم جبروت t'ālam-e-jabarut [ع]

۱. امر. دنیا‌نینگ قدرتی اوزونده بۆلن

خدای تعالی نینگ اولی لیغنی،

عظمتینی آنگیرپاشا باران لیغنی

بیلدیریار.

عالم ملکوت t'ālam-e-malakut [ع]

۱. امر. عالم جبروت.

عالی āle [ع] اولی، بییک، شریف،

اولی مرتبه، یوقاری درجه‌لی.

عالیجاه āli-jāh [ع] ص. مر. بلند

مرتبه‌لی، مقام و شانی اولی بۆلن.

عالیجناب āli-jenāb [ع] ص. مر. بلند

مرتبه‌لی، بلند بارگاه‌لی، بلند

ایشیک‌لی، بو آدی اولی مرتبه‌لی

حرمتلی آدم‌لار بریلیار.

عالی مقام āli-maqām [ع] ص. مر. بلند

مرتبه‌لی، بییک درجه و مقام‌لی

بۆلن.

عالی نسب āli-nasab [ع] نزادی نسبی

سلامتلیق، عافیات و عوافی جمع.

عاقبت t'āqebat [ع] ۱. آخر سونگ

ایزیندان، ایز، هر زادینگ ایزی و

سونگی، عواقب جمع ۲. عاقبت

سۆزی آخر سۆزی دیین معنی بریار.

عاقبت بخیر t'āqebat-be-xayr [ع] ص.

مر، یاشایشینگ و ایشینگ عاقبتی

سونگی خیر و اونگات بۆلسۆن

دیییمک.

عاقده t'āqed [ع] ف. ا. شرطی

برک‌لیجی، باغلاجی، نکاح‌نی یا

آلیش برشی باغلاجی، آرا دوویجی،

عقد ادیجی.

عاقل āqel [ع] ص. [ع] دانا، بیلیم‌لی،

عقل‌لی، عقلی کوپ بۆلن، پاهیم‌لی،

دوشونجه‌لی، پایخاسلی، عقلاء

جمع.

عاقلا نه āqelāne [ع] ق. ص. عقل‌لی‌لار

یالی، دانالار یالی، شیلہ عاقل‌لار

یالی.

عالم ālem [ع] ف. ا. دانا، دانشمند،

بیلیم‌لی، عقلدار، علام و عالمون و

علماء جمع.

يوقار درجەدە بولان، نسبى يوقار
درجەدە بولان، بگ زادە، بايار.

عام $t'ā\dot{m}$.فا. [ع] همەنى اوز ايچنە
آليان، قاراماياق، كۆپچوليك، عمومى،
همەلر، خاص و عام : آيراتين
حقوقلىلار و قارامايقلار، همەلر.

عام $t'ā\dot{m}$. [ع] يىل، اعوام جمع.

عام المنفعه $'ā\dot{m}-ol-manfa'e$:
ص. مر. باھبىدى اهل ايله يتيان، همە
آدملارينگ خيرلانيان زادى.

عامر $t'ā\dot{m}er$.فا. [ع] ۱. عمارت اديجى،
آبادلايچى، اوتوريملى بۇلماق ۲.
معمور، آباد، عمار جمع.

عامره $t'ā\dot{m}ere$.فا. [ع] مۇنث عامر،
آباد اديجى، آباد اويدە، جايدە،
ياشايدان، آباد، آبادان، آباد اديلن،
عوامر جمع.

عامل $t'ā\dot{m}el$.فا. [ع] ۱. عمل اديجى،
قىلغۇچى، ايشچى، كارگر، ۲.
يېرىنىنگ مال ملكىنى يولا بريان و
يا اداره اديان، ۲. حاكم، ولايتىنگ
حاكىمى، عمال، عاملون و عمله جمع.
عامه $t'ā\dot{m}me$.فا. [ع] مۇنث عام،

همەلر، همەلرە دگيشلى بۇلان، بار
آدملار كۆپچىلىگە باغلى، عوام
جمع.

عامى $'ā\dot{m}-i$.ص. ن. [ع] ۱. عام و عامه
باغلى بۇلان، قاراماياق، ۲. فارسچە
سواد سيز، عقل سيز نادان، معنيدە.

عامى $'ā\dot{m}-i$.ص. [ع] كور، يۇلۇنى
ساينارپ بيلمەيان، يۇلۇنى گۆرە
بيلمەيان، گوزسىز.

عاميانه $'ā\dot{m}-yāne$: [ع] ص. [ع] [فاع]
جمع عامى، عوام يالى، سوادسىز،
قاراماياق آدم.

عايد $'āied$: عائد- [ع] ۱. ناساغى،
سۇرايچى، ايزە دولانيچى ۲.
گيردهجى و نپ معنيدە، فوايد جمع.
عايق $'āiq$: [ع] بۇوہت، اۇنگونى آليان،
بوكدانچ ليك اديان، عوائق جمع.

عبا $'abā$: [ع] كمزور، ينگسىز و كىنگ
تيكىليان ارگەك لرينگ اوستكى
گيىمى، دونىنگ بير گۇرنوشى.

عباد $'ebād$: [ع] بندەلر، جمع عبد.

عباد $'obbād$: [ع] جمع عابد، عبادت
اديجى، خداى ليقلى.



عبادت 'ebādat: [ع] بन्दه‌لیک

اتمک، الله‌غه سیغینماق، یارادانا

بندهلک اتمک، خدای تعالی‌نینک

یولینده نماز اوقاب عبادت اتمک، دعا

اتمک.

عبادتگاه 'ebādat-gah: t.مر. عبادت

ادیلیان جای، عبادتگاه.

عبارت 'ebārat: مص. [ع] ۱. سۆزی

بیان اتمک‌لیگینک تآری، آراسسا

گورله‌مک، بیر سۆزی و یا دیشی

یورماق ۲. سۆزلرینک معنی‌سینی

بیریکدیرماکه دلالت ایدیآن مطلب.

عباسی 'a'bbāsi: ص.ن. عباس بن

عبدالمطلبه دگیشلی، حضرت

رسولینک داده‌سی‌نینک دوغانی،

عموسی، آرقاسی جدی خلفای

عباسی‌گه دگیشلی.

عبث 'abas: مص. [ع] بیهوده ایش

اتمک، پوچ ایش، بی‌درک یاراما،

پیداسیز ایش.

عبد 'abd: [ع] غلام، قول، خدایینک

بندهلسی، بنده، قول. عبید و عباد و

عبده و عبدون جمع.

عبدالقادر گیلانی

'abd-ol-qāder-gilāni: ص. اولی

پیرلرینک بیرى.

عبدالله 'abd-ol-āh: ص. [ع]

خدایینک بندهلسی، ارکک آدمینک

آدلاری.

عبرت 'ebrat: t. [ع] گنگ، اگیرت،

گۆزلده، عبرت، پند، اوویت، نسخه،

آیری آداملارینک ایدیآن ایشینده

آلینیان نتیجه. اوغیر گورکزیچ.

عبرت آمیز 'ebrat-āميز: ص. مف.

[ع.فا]. اوویت عبرت بیلن یوغورلان،

گۆزلده، و عبرت بؤلماغا سبب بۆلیان

زات.

عبرت گرفتن 'ebrat-gereftan:

مص.ل. اوویت آلماق، پند آلماق،

عبرت آلماق، گۆزلده آلماق.

عبری 'ebr-āni: ص.ن. [ع] عبرانی،

یهودی، یهودی‌لرینک دیلی سۆزی.

عبودیت 'obud-iyyat: بنده‌لیک

اتمک، سیغینماق.

عبور 'obur: ا. گچمک، اوتمک،

گچیت، قاتنالیان یول.

عبوس 'abus: مص. [ع] یوزی

تورشیتماق، یوزی آسماق، توقاتلی،
قایغیلی بۇلماق.

عبیر 'abir: [ع] ایسلی درمانلارینگ

بیری، اونگات ایسلی مادهلرینگ
بیری.

عتاب 'etāb: مص. [ع] کاییمک،

قاهارلانماق، کاینچ، قهار بیلہ بیرینه
گپ آیتماق.

عتبات 'atabāt: [ع] جمع عتبه،

آستانه، ایشیک، درگاه.

عتیق 'atiq: ص. [ع] کؤنه، ایرکی،

قدیمقی، آزاد ادیلن، آزاد ادیلن قول،
هر زادینگ سایلانتیغیسی، انستیک،
عتقاء و عتق جمع.

عتیقہ 'atiqe: ص. [ع] مؤنث عتیق،

کؤنه قدیمقی، عتائق جمع.

عثمان 'osmān: ۱. [ع] ۱. قوشینگ

چاغاسی، ییلان یا ییلانینگ

چاغاسی، ۲. ارکک آدمالارینگ آدلاری

۳. اوچونجی خلیفانینگ آدی.

عجایب 'ajāib: [ع] جمع عجیبه،

گنگ قالدیریان زاتلار، آنگالدیان

زاتلار، انایی، عجایب.

عجب 'ojb: ۱. مص. اوزینه کونگلی

یتن، منلیکلی، اوزونی اولی تۇتیان.

عجب 'ajab: مص. [ع] گنگ قالمالی،

آنگالمالی، اعجاب جمع.

عجبا 'ajab-ā: [ع] حایران قالارلی

گنگ قالارلی، شبهه لنمهگی

آنگلادیان سۆز.

عجز 'ajz: ۱. [ع] ۱. عجیزلیک، یارامازلیق،

قۇجۇرسیزلیق، حال سیزلیق،

یاغدا۱ سیزلیق.

عجله 'ajale: مص. [ع] هاولیقماق،

قاتی قیسساقلیق،

هاولیقماچیلیق، قاتی گیدیشلیک،

حوصلا دوشمک، آومکلیک.

عجم 'ajam: ۱. [ع] ۱. عربدان آیری

ملتler، عرب دال، پارس، ایرانلی، ترک

و اروپائی ملتlerدان عبارت ۲. ایران

یوردینهده آیدیلیار.

عجم 'ajam: ۱. [ع] ۱. دوپ اوغورغانینگ

بیر یری، مغز بیلہ گمپیجی، اونگا

عصص هم دیلیار.

عجم 'ojm: [ع] جمع اعجم، دیلی

- باسیق، پلتک آدم. عدد adad: [ع] سان، سانی، سانالان،
 عجوز ajuz: مص. [ع] قاراران عیال،
 اعداد جمع. بی عدد: سانسیز. کمپیر عیال، قاراران ارکگه ده
 عدس adas: ا. مرجیمک، میدان خاصلانیار، اونگا عجوزه هم دیییلیار،
 ماشی. عجز و عجائز جمع. عدل adl: ا. [ع] انصاف، عدالت،
 حقیقتغا دۇغری دولی بها عجل ajul: ص. [ع] قیسساقلی
 برمکلیک، اورتا یورۇم. بولما، چال்தلیق بیلن بیرایشی انجام
 عدل adl: ص. [ع] عادل، دۇغری، برمک، هاوایقماچ.
 کامل، برابر منگزش، تایلی، شهادت عجلانه ajulane: ق. ص.
 برمهگی قبول بولان. هاوایقماچلیق، قیسساقلی،
 عدم adam: مص. [ع] ییترمک، الدن تیزلیقلی.
 برمک، یوقلوق، آرادان گیتمکلیک، عجیب ajib: ص. [ع] حیران
 یوغالماقلیق. قالدیریجی، اگیرت، انایی، گنگ، گنگ
 عدن adn: مص. [ع] همیشهلیک، قالدیریجی.
 مسکن توتونماق، یرلشمک. بهشت عدالت edalat: مص. [ع] ۱. عدللیق
 عدن دییپ اونگا گۇرا آیدیلیار انسان اتمک، انصافلی بۇلماق،
 همیشهلیک شول بهشت عدن دن انصافلیلیق، ۲. بیرینه یا بیرزادا
 بولسون. بۇلان دۇغری حقیقی قارایش. عداوت edawat: ا. مص. (= عداوة)
 عدو adu: ا. ص. [ع] دوشمان، غنیم، دوشمانلیق، دوشمانچیلیق، یاغیلیق،
 یاغی، یوو، اعداء واعدی جمع. ییگرنج، ایچی قارالیق. عداوت پیشه:
 عدوان odwan: مص. [ع] دوشمانچیلیق ایدیان، دشمانچی لیغی
 اتمک، عدوانی: بیر ملکی زور بیلن اؤزونه داپ ایدیان.

مالکینگ الیندن آلمان

عجمینگ قارشیسسی، اعرپ و عروب

عدول 'odul: مص. [ع] دونمه، قایتما،

جمع.

چکیلمه، اؤوریلمه.

عریده 'arbade: ا. مص. [ع] پیس

قیلیقلی، ارید اخلاقلی، خیرش

عذاب 'azāb: ا. [ع] آزار، حورلیق،

یانایان، ارید قیلیق، فریاد.

اذیت، گورگی، جبر، جزا، عذاب،

عربی 'arabi: ص. ن. [ع] عربا باغلی،

قین چیلیق، انتیمه، اعذبه جمع.

عربا دگیشلی، عرب قومیندان، عرب

عذر 'ozr: مص. [ع] ادن ایشیندن

دیلی، عرب دیلی.

ساقلاماق، بیرینه کانیمک و ادن

عرج 'araj: مص. [ع] آغساماق، آغساق

گناسینی باغیشلاماق، بهانه، اعذار

بؤلماق، آغساقلیق.

جمع.

عرج 'orz: [ع] جمع اعرج، آغساق،

عذر آوردن 'ozr āwardan: مص. ل.

آیاغی مایپ معنیده.

بهانه گتیرمک، عذر گتیرمک.

عرس 'ers: ا. [ع] یاسسیقداش (ها)

عذر خواستن 'ozr xāstan: مص. ل.

عیال ها ارکک)، اعراس جمع.

اوتونچ ایسته مک، اؤتوش طلب

عرس 'oros: ت. [ع] اوریک اوی، توی

اتمک، منی باغیشلا دییمک.

شاغلانگی، توی میهمانچیلیقی،

عراضه 'orāze: ا. [ع] ساوغات، تحفه.

توی نهارینی، گلین آلمان سؤنگ

عراق 'erāq: ت. [ع] سای، سووینگ

گیه وی، کوره کن اویونده بریلمک.

یاقاسی، دنگیزینگ کناری، چایینگ،

عرش 'arš: [ع] تخت، کوشک،

عموماً آقار سووینگ یاقالاری، اعرقه

سایه بان، کوشکینگ بامی، قصر هر

و عرق جمع.

زادینگ ستونی و پایه سی، یدینجی

عرایض 'arāyez: [ع] جمع عریضه،

آسمان، اعراش و عروش و عرشه

عارضالار، شکایتلار.

جمع.

عرب 'arab: ت. [ع] تازی، تازی اهلی،



عرصات arasāt: [ع] جمع عرصه، کنایه سۆزۆندن محشر، قیامت گونی، آخرت گونی.	اراده، دوریم.
عرض arz: مص. [ع] آشکارا تمک، آیدینگ لشدیرماق، بللی اتمک، گورکزمک، بیر مطلبی بیان اتمک، آچیقلاماق.	عرف orf: ۱. [ع] اندیک، یاغشلیق، اؤوره نیشمک، عادت، ایمل آراسیندا یونگ بۆلان ایش ۲. آدالغا، قدیم دان دأپ بۆلۆپ قالان ترتیب دوزگون.
عرض arz: ۱. [ع] این، بوی دال، جغرافیا تایدن این، هر بیر زادینگ اینی.	عرفات arf: ۱. [ع] ایس، اونگات ایس.
عرض arz: ۲. [ع] متا، مال، قیزیل، کوموشدان آیری ماللار، عروض جمع.	عرفات arfāt: ۱. [ع] داغینگ آدی، قربان آیینگ دۆقۇزینه مگه نینگ یاقینیندا بۆلان، حاجی لارینگ دوینأپ شونده اويله نمازی بیله اکیندی نمازی اوقیپ منا اوویریلیان یری، عرفات.
عرض erz: ۱. [ع] جسد، ذات، نفس، نامیس، آبرای، شرف و قۇوانیلیان و فخر ادیلیان زات.	عرفان erfān: مص. [ع] تانیماق لیق، الله تعالی نی تانیماق لیق، حق تانیجی لیق، تقوالیق، بنده لیک.
عرضه arze: ۱. [ع] عرض، تاسلاما، گورکزمه، آیدینگ لاماق، گورکزمک، عیان اتمک. ۲. ساتماق اوچین زادینگ سرگی اتمک. عرضه داشتن: گورکزمک.	عرق araq: ۲. [ع] آدمینگ اندامیندان سیزیب چیقیان در، آدمینگ اندامیندان ایسسی نینگ اثریندن چیقیان چیغ در.
عرضه orze: ۲. [ع] لایق لیق، یاراشیق لیق، همت، جیدام، قصد،	عرق erq: ۱. [ع] دامار، کوک، بیر زادینگ کوکی و اصلی، عروق و اعراق جمع.
	عرفچین arqčīn: مر. بۆریک.



عرق خور 'araq: ص.فا. [ع] عرق
ایچیان آدم، عرق خور.

عروج 'oruj: مص. [ع] یوقار چیقماق،
بلنده مینمک، آسمانا کوتا، یلمک.
عروج 'oruj: مص. [ع] آغساماق،
آغساقلیق.

عروس t'arus: ص. [ع] تازه دورمیشا
چیقان قیز، گلین.

عرومک t'arusak: [ع.فا.] قورجاق.
عروسی t'arusi: توی، گلین آما
توی، اوغول اویه ریپ گلین آما.

عروض t'aruz: [ع] ۱. شمرینگ
میزانی، مصراعنگ ایلکی بولگی،
بیتی، والقی بوله گی اعاریض جمع.
۲. اولکه سای یاقاچت، داغ یولی ۳.
سۆز مضمونی، شمر اولچک
آغرامینی و اونیونگ اویتگه مه یان
یرلرینه گۆز یتیرمه لی علمینگ آدی.
عریان 'oryān: ص. [ع] یالانگاچ، اکین
اشیک سیز، چپلاق، لُخت.

عریض 'ariz: ص. [ع] گینگ، اینلی
یا یراب یاتان.

عزاء 'azā: مص. [ع] صبر اتمک،

یاسرده مصیبتده صبرلی بؤلماق،
مصیبت، یاس.

عزائم azā'em: [ع] جمع عزیمه، برک
اراده، خاصه شفا تاپماق اوچین
اوقوبولیان دُعا و جادی لار. عزائم الله:
خدای تعالی نینگ بنده لرینه واجب
ادن زادی.

عزادار azādār: ص.مر. [ع.فا.]

یاسرلی، مصیبتلی، اولوم دوشن.
عزازیل t'azāzil: [ع] ۱. عبری کلمه
خدایینگ عزیز، ۲. ابلیس.
لاقامی، اول قاویلمازدان اونگ
مقرب لاردان اکن بو آد ادبیات
فارسی ده شیطانا آد لانیپدیر

عزت ezat: مص. [ع] عزیز بؤلماق،
حرمتلی سیلاغلی بؤلماق.

عزرائیل t'ezrāil: [ع] ملک الموت،
جان النجیح فرشته، عزرائیل.

هزل azl: مص. [ع] ایشدن آییرماق،
ایشدن بوشاتماق، جدا اتمک.

عزم azm: مص. [ع] قصد اتمک، بیر
ایشه نیت اتمک، ایشده برک دورماق،
قاتی دورماق، توتان یرلی بؤلماق،

قرارا گلمک.

عزیز aziz: ص. [ع] شریف، دگرلی،

انایی، قاوی گورولیان خرمتملی،

قدرلی، عزاز و اعزاء و اعزا، جمع.

عزیمت azimat: مص. [ع] ۱. قصد

اتمک، بیر ایشه یوزلنمک،

اوغراماقلیق، یولا دوشمکلیک،

گیتمکلیک، بیر ایشی یوره گینگه

دوومک، اراده اتمک ۲. برک اراده و

قایم لاماق. عزائم جمع.

عسجد asjad: ت. [ع] ز، گوهر، آلتین،

کوموش، مرجان و ش.م.

عسرت osrat: ا.م.ص. [ع] عسرة، قول

دارلیق، قاتلیق، قینچیلیق، الی

دارلیق، زاد سیزلیق، الی یووقالیق.

عسگر asgar: ت. [ع] لشکر، سپاه،

قشون، عساکر جمع.

عسل asal: ت. [ع] بال.

عسلی asali: ص.ن. [ع] ۱. عسله

باغلی، عسله منگزیش بولان زاتلار ۲.

عسلی سؤزی فارسچا: کیچی میز،

کیچی تکجک.

عشاء ešā: ت. [ع] ایلکی آغشام،

شامگاه، گون یاشاندان یاری گیجا

چنلی.

عشاء ešā: ت. [ع] شام، گيجانينگ

ایمیتی، گون یاشاندان گيجانينگ

یارینه چنلی، عشا نمازی، یاسی

نمازی.

عشائر ašair: [ع] جمع عشیره، طایفا،

تیره، قوم، خویش.

عشاق ošāq: عاشیق لر، سویگیلی لر،

جمع عاشق.

عشر ošr: ت. [ع] اون دن بیر، هر بیر

زادینگ اون دن بیر بولاگی اعشار و

عشور جمع.

عشرت ešrat: م. [ع] دوستلوق،

اووره نیشمکلیک، کونگلی آچیق لیک،

خوش گچرمکلیک، شادیانلیق.

عشق ešq: مص. [ع] قاتی اونگات

گورمک، سویمک، سویمکلیک،

یورک باغلی لیک، آنگری باش

دوستلوق، تويس یورکدن سویمک،

سؤیگی.

عشق ورزیدن ešq warzidan:

مص.ل. [ع.فا] سویمکلیک،

عاشقلىق عاشق پيشهلىك،
پيشهسى سويمكلىك بۇلان،
عاشقلىق يولوندا بۇلان.

عشوہ ešwe: ۱. (= عشوة) ظلمت،
قارانگىلىق، ايلكى آغشامىنگ
دورتدن بىرى، ايلكى آغشام، شام.
عشوہ t'eše: [ع] گيزلين ايش، ناز،
كرشمه، گيزلين، اشكار بۇلماديق،
اورتگىلى ايش.

عشيره t'ašire: [ع] (= عشيرة) قوم،
قبيله، طايفه، دوغان قارينداش، ايلن
چالان، عشاير و عشيرات جمع.

عصا asā: ۱. [ع] ال تاياق، ياشاولىر و
مايب موجرىبلرىنگ كمك و سۆيك
اوچين اله آليان عصاسى.

عصب asab: ۱. [ع] سينگير، آدمىنگ
اندامىندا بولان سينگيرلر، اعصاب
جمع.

عصمت t'esmat: مص. [ع] ساقلانما،
گناهەدن ساقلاماق، نامىسلىلىق،
گناهەدن خطادان داش دورماق،
عاصىلىقدان ساقلانماق،
عاصىچىلىقدان قايرا دۇرماق.

عصيان t'osyan: مص. [ع] طاعت
عبادتنى ترك اتمك، طاعتدن ال
چكمك، بويروق سىزلىق، بۇيۇن
تاوламаقلىق، بۇيۇن قاچيرماقلىق، پشته،
عضلات azolāt: [ع] جمع عضله،
اون ايكي اندام، اون ايكي سۇنگونگ،
اندامىنگ اتلرى، ماهيچهلارى.

عضو ozw: ۱. [ع] ۱. اندام، گۇره،
اندامىنگ بىر بولهكى، ال و آياق و كله
يالى ۲. بىر بۆلك جماعت، بىر
ادارانىنگ يادە بىر قورامانىنگ
ايشكارلرى و طرفدارلارى، اعضاء
جمع.

عطاء t'atā: مص. [ع] بخششلىق،
باغيشلاما، بىرىنه بىير زادى
باغيشلاما، اعطيه و اعطيات جمع.
عطار attār: ص. [ع] عطر ساتىجى،
عطر ساتيان، ايسلى درمان ساتيان
آدم.

عطارد t'atārod: [ع] گونه ياقينراق
بولان كيچى يىلديزلارىنگ بىرى.
عطر atr: ۱. [ع] قاوى ايسلى، اونكات
ايسلى زات، يوقىملى ايسلى، عطر.

عطسه atse: ۱. [ع] آسغیرماق.

عطش ataš: مص. [ع] سوساماق،

قانگقیراماق، سوسان.

عطف atf: مص. [ع] دولانماق،

اوویسرلمک، و بیر زادا طرف

هوسلنمک، بیر سۆزی اونگینداکی

سۆزه دگیشلی (مربوط) اتمک.

عطوف atuf: مص. [ع] میللنمک،

هوسلنمک، بیر زادا میل بیلدیرمک،

مهربانلیق اتمک.

عطوف otuf: ص. [ع] مهربانلیق،

ایسنیشیق، مهر، محبت.

عطوفت otufat: مص. ماخوذ از

عطوف: محبت، مهربانلیق،

دوستلوق، ایسنیشیق.

عظام ozzām: ص. [ع] اولی، بییک.

عظام ezām: [ع] بییکلر، اولیلار،

جمع عظیم، مرتبه‌لی، مقامدار.

عظام ezām: [ع] سونگک‌لر،

استخوان‌لار، جمع عظم.

عظماء ozmā: [ع] اولیلار، جمع

عظیم.

عظمت azemat: مص. [ع] عضمة،

اولولویق، اولاقانلیق، اولی

خاصیت‌لی‌لیق، بییک‌لیک.

عظیم azim: ۱. مص. [ع] بلند، اولی،

بییک، عظما و عظام جمع.

عظیم‌الجثه azim-ol-jose: یوغین،

پوکگی، گابه، دایاو.

عفت effat: مص. [ع] ساقلانماق‌لیق،

یاراماز، حرام ایشلردن قاچا

دورماقلیق، تقوالیق، پاک‌لیک، هر بیر

قاچمالی زاتدان داش دورماقلیق.

عفریت efrit: ۱. [ع] منکر، خبیث،

شوم، اربد، گلشیک‌سیز، یاراماز

یارادیلن، دؤو، دیو، غول، عفاریت

آرواخ‌جین

عفر afw: مص. [ع] باغیشلاماق،

بیری‌نینگ یازینیندن گچمک،

اوتمک.

عفر afoww: ص. [ع] کثیرالعفر: کوپ

باغیشلاچی، قاتی یالقاوچی،

گناه‌دن گچیجی، اوتویح.

عفونت ofunat: مص. [ع]

ضایالانماق، پورمیشماق، اینجیماق،

بیر زادینگ طغامی اویتگه‌مک،

ایسلنمک، آنگقیماق.

عقب نشینی aqab-nešini: تسمک،

عفیفه afife: ص. [ع] مؤنث عفیف،

ایزه قایتماق، ترسه اوریلیمک، ایزه

یاک، نامیسلی عیال، عفیفات و

دولانماق؛ حربی اصطلاحیندا:

عفاف جمع.

سنگرلری ترک ادیب ایزا چکیلیمک.

عقائد aqā'd: [ع] جمع عقیده،

عقد aqd: مص. [ع] باغلاماق، دووین

عقیده‌لار، دین، ایمان، مذهب، اینام،

دوومک، عهد و پیمانینگ برکیتیمک،

آدمینگ اینامی بۇلان زات.

نکاح، عقود جمع. عقد کردن: نکاح

عقاب eqāb: مص. [ع] بیرینینگ

اتیمک.

ادن گناه‌سی سببلی جزا برمک، عذاب

عقدنامه t'aqd-nāme: مر. [ع.فا].

برمک.

قباله، اونده آر عیالینگ شرطلری

عقاب t'oqāb: [ع] قاراقوش،

یازیلان دفترچه.

تاوشانجیل، بورکیت، بورکیت.

عقده oqde: ا. [ع] دووین؛ عقده

عقاب eqāb: [ع] جمع عقبه، گردنه،

حقارت: سستلیق، عجیزلیک،

اوچیت، داغلیق، ارید یول عقاب و

کینه‌ساقلاما، رنج عذاب، قاینی غمه

عقبات جمع. عقاب آینلی: شا

سبب بؤلۆپ یوزه چیقیار. عقده دل:

بورکوتی؛ عقاب بره: قۇزی بورکوتی

کونگلی قالما غم غصه یورکده قالما.

عقاب دریائی: آق باشلی بورکوتی.

عقرب t'aqrab: [ع] ۱. ایچیان، عقارب

عقاب گوچکان: آق قویرۇقلی قارتال،

جمع. ۲. اون ایکی فلکی برج‌لارینگ

دمیردیرناق بورکوت.

سگ‌زینجی آیی.

عقار t'eqār: چال هوکار.

عققی t'aq'aq: آلا هیک.

عقب t'aqab: [ع] کوشینگ

عقل aql: مص. [ع] دوشونجه‌لی

اوکجه‌سی، ینگسه، ایز، فرزند، و

اوسلری بۇلان، فهیم، دوشونمک،

آغتیق چاولیق، اعقاب جمع.

بیلیم، پاهیم، آدمینگ فکرلنمک

اوقییبی عقول جمع. عقل اولی، عقل

کل: فلسفه آدالغاسیندا؛ اوزال دوغما
پینینگه قویۇلان.

عقلى 'aqli: ص. ن. عقله باغلى، عقل

گویجی بیلن یرینه یتن بۇلمالی، عقل
پایخاس بیلن بولان.

عقوبت 'oqubat: ع. [ع] عقوبة گناه و

پیس لیگینک جزاسی، مزدی،
شکنجه.

عقود oqud: ع. [ع] جمع عقد؛

باغلاماقلار، عهده پیمانلار.

عقیده 'aqide: ع. [ع] ۱. اینانچ، پیکیر، ۲.

دیـنـی تاغلیماتی نینگ
(تعلیماتی نینگ) اساسلاری، ایمان،
دین، عقاید جمع.

عقیق 'aqiq: ع. [ع] اونگات هیللی، قیزیل،

نارینج رنگلی اول قیّمات بها داش.

عقيل 'aqil: ص. ع. [ع] ماقول، حرمتلی و
بیلیم لی کیشی.

عقیم 'aqim: ص. ع. [ع] دوغورمازاق،

دوغورمایان عیال، چاغا دوغورمایان
عیال، عقام جمع. اوزیندن اوغلان
وجوده گلیمیان آدم، اخته، بیچیکلی،

قورره، عقماء جمع.

عکاس 'akkās: صورت چکیان آدم،

صورت آلیان آدم، صورت چکمه بیلن

قیزیقلانیان آدم.

عکاش 'okkāš: ع. [ع] کلبلی موی،

مویونگ ارکهگی.

عکس 'aks: ع. [ع] ۱. اووی—رمک،

آغدارماق ۲. آدمینگ صورتینی

عکس چکیلیان آبال بیلن آیینیان

صورت.

عکس العمل 'aks-ol-'mal: امر. [ع]

بیری نینگ دن ایشینینگ یا

حرکتینینگ قارشى سینا، ترسینه

باشنا بیر ایشی انجام برمک.

علاق 'alā'eq: ع. [ع] جمع علاقه،

هوسلر، اخلاصلار.

علائم 'alā'em: ع. [ع] جمع علامت،

بلگی، فارسجه دوغرلانا، یاسالان،

عربده بو سۆز اولانیلمايار.

علاج 'alāj: مص. ع. [ع] درمان اتمک، إم

اتمک، تاقادا، چاره، دوا—درمان اتمک.

علاج پذیر 'alāj-pazir: ص. فا. [ع] فا

درمان ادیپ بولجاق، علاج بۇلۇپ

بیلجک، چاره‌لی، ام ادیب بولجاق.

جمع.

علاقه alāqe: مص. [ع] ۱.

علف alāf: ۱. [ع] اوت، بوتین مالینگ

هووسجنگ‌لیک، خـیجولـیق،

اییان اوتی، اوسوملیک.

اوقغین‌لیق، اخلاصلی‌لیق ۲. مالینا و

علف حاج alāf-hāj: حاج اوتی.

اؤغلان اوشاغینا و زادینا یورک

علف خاردار alaf-e-xārdar:

باغلی‌لیق، دوستلیغا باغلی بۇلان

قیلديرغان، تکنلی اوت.

آدمینگ بوتین هر بیر زادا یورک

علف خوار alaf-xār: ص. فا. اوت

باغلی‌لیغی. آراء قاتناستیق.

اییان مال‌لار، سیغیر، قویون، آط، دیه،

مال یالی.

علاقه مند alāqe-mand: ص. [ع.فا].

علاقه‌لی، هووس‌لی، بیرینه یا بیر زادا

علف زار alaf-zār: اۇتلاق یر، اۇتلۇق

یورک باغلی‌لیقی بار بۇلماق.

میدان، اۇری میدان.

علا alālā: [ع] قالماغال، قیقیلیق،

علف گربه alaf-e-gorbe: ۲. پیشیک

غوغا، قاتی سس، عللوشدا دیییلیار.

اوتی.

علام allām: ص. [ع] کوپ

علف نقره‌ای alaf-e-noqre-i: ۲.

پایخاسلی، کوپ بیلیم‌لی عالیم آدم،

قایتارما.

اینگ کوپ بیلیان، دانا، آدم.

علق alaq: ۱. [ع] ۱. قان، دونگان قان،

علامت alāmat: ۲. [ع] (= علامه) ایز،

اله یاپیشیان پالچیق، و هر بیر

بلگی، تاغما، نشان بللیک، نیشان،

آسیلغی زات ۲. سولوک معنیده

تیکیلن زات، علام و علامات جمع.

بیرلیگی علقه.

علامه allāme: ص. [ع] کوپ بیلگیچ،

علل elal: [ع] علت‌لر، سببلر.

دانشمند، قاتی دانا، پایخاسلی، عالم.

علم elm: مص. [ع] بیلیم، دانش،

علت ellat: ۱. [ع] رنج، عذاب، سبب،

معرفت، علوم جمع.

دلیل، بهانا، ناخوشلیق، اذیت، علل

علماء olamā: [ع] دانش‌مندان

بيليملىلر، دانالار، ملالار، آخوندلار،
علماء جمع عليهم.

علمدار 'alamdār: [ع] سپاهىنىڭ
آرايلىغىنىدا بايداق گوتريجي،
اۋرادىنىڭ-قۇشۇنىڭ آراسىنىدا
بايداق پارلاتيان آدم.

علم غيب alm-qeyb: ا.مر. [ع]
گيزلين علم، غيبداكىنى بيلمك،
ياشىرىن سىرنى بيلمك.

علوفه 'olufe: ا. [ع] مالينگ اييان
اوتى، اوتلارى، مالينگ اييان زاتلارى،
اييم.

علوى 'alawi: ص. ن. [ع] على گه
دگيشلى، على نسليندن، على ابن
ابوطالب نسليندن بۇلان، علويون
جمع.

على 'ali: t. [ع] بىيىكلىك، اۇلۇلىق،
بلندلىك، يۇقارى، درجەدەلىك،
حورماتلى، شرف.

على ali: ص. [ع] اولى، بلند، بلند
مرتبهلى، شريف.

عليا olyā: [ع] مۇنث اعلى، قاتى اولى،
بلند، يۇقارى، اولى جاي معنيده، هر

زادىنگ دىفەسى، بلندى.

على البدل al-al-badal: ص. مر.
بىرىنىڭ يىرنە يوق وقتى اورنىنى
تۇتقان آدم، بدل آدم.

على الحساب ali-al-hesāb: ق.
وقتىنن يعنى بىرلىملى وقتىنن اونگ
آلىنيان و بىرلىيان پول.

على الخصوص ali-al-xusus: ق.
آيراتىن دە، خاص دە، ايلاي تا دا.

على اى حال ali-ayyo-hāl: [ع] هر
حالدا، هر صوراتدا، شونگا قارامازدان.
على رغم alā-raqm: ق. قارشى سينا،

مىلىنگ ترسىنە، ايسلەگىنگ
ترسىنە.

عليل alil: ص. [ع] ناساغ، ناخوش؛
سیرقاو، مريض، خور، حالدن دوشن،
دردلى.

علیم alim: ص. [ع] بلند مرتبهلى،
دانا، عالم، علماء جمع.

عليه elliye: ص. [ع] مۇنث على بلند
مرتبهلى، شرفلى.

عليه alayh: مر. ص. [ع] اونگا؛ فارسچا
اۋنۇنگ ترسىنە و ضدینه دىيىلىيار؛

عليه السلام: اونگا درود بۇلسۇن؛
پيغمبرلار يىنىڭ و اماملار يىنىڭ ايزىندان
گليان ذكر.

عم amm: ۱. [ع] دادانگ دوغانى، آغا،
فارسلار عمو دىيپ آيديارلار.

عماد emād: ۱. [ع] سۇيە نىليان زات
سۇيىچ سويگ عمى جمع. ۲. اولى
بنالار، جايلار بير ليگى عمادة.

عمار ammār: ص. [ع] ايمانلى آدم،
صبرلى، جيداملى، آدلى ايمانى كامل
آدم.

عمارت emārat: ص. [ع] آباد
اتمىك بنا اتمىك، آبادلاماق، آبادلىق،
اولى جاي، تام، آنگرى باش كوپ
اتاقلى تام.

عمال emāl: [ع] ايشكارلار، ايشلرلى
يولا ساليان جمع عامل.

عمامة amāme: [ع] سلّه، كلاً اوراليان
ياغلىق، پش، عمائم جمع.

عمد amd: ص. [ع] قصد بيله اتمىك،
بىليپ اتمىك، قصد و نيت بىلن ايش
اتمىك.

عمده omde: ۲. [ع] (= عمدة) ۱. اونگا

سويانىليان زاد، مهم، گورنىكىلى،
سوينچ ۲. فارسچا كوپ و توتوش
لۇمماي زادا آيدىليان.

عمده فروش omde-foruṣ: ص.
[ف.ع] ماتانى مالى زادى توتوش
ساتيان.

عمر omr: ۲. [ع] دىرى ليك، ياشايش،
ياشاجاق مدت يىنىڭ، ياشاجاق وقت يىنىڭ،
عمومور. عمر كردن: ياشاماق،
مادام العمر: عمر بويى، عمر ليك.

عمران omrān: ۱. مص. [ع] آبادلاماق،
آبادلىق، آبادانلىق، عمرانى: آبادلىغا
باغلى بۇلان، دگيشلى بۇلان.

عمره omre: ۱. [ع] حج اصغر، كيچى
حج، حجى تمتع دن كيچى راک
حاجى ليغ يىنىڭ بير گۇرۇنوشى.

عمق omq: ۱. [ع] چۇنك ليك،
ترينك ليك، قويى دىر يا چوقير يىنىڭ
دۆيىبى اونى گۇز گۇرە بيلمە يان
ترينك ليك، اعماق جمع.

عمل amal: ص. [ع] بجرمىك،
ايشلەمىك، ايشچىنك ليك، اعمال
جمع. عملاً: عملده، عمل تاردا، عمل

اوغوردا، تجربه و سپناو یوزوندان.

عملکرد amal-kard: ۱. مر. [ع.فا]

ایشرلیش، ایشر اؤلجهگی، ایش

اونومینگ نتیجهسی.

عمود amud: [ع] ۱. پایه، ۲. دیک

ستون، اوی ستونی، دمیر گرز،

باشلیق و قومینگ سروری و

اولیسی، عمد جمع.

عموم omum: مص. [ع] اهلی،

همه لر، بوتین، کۆچولیک، عمومی.

عمومه دگیشلی، اهلی آدما باغلی.

عمه amme: ۱. [ع] آتاتک، دادانگ

عیال دوغانی، اجه کنگ، عمت جمع.

عمیق amiq: ص. [ع] چونگ، ترینگ،

چونگور.

عناء anā: مص. [ع] قین چیلیق

چکمک، عذاب گۆرمک، مشقت،

عذاب، قین چیلیق.

عناّب annāb: تورشی طغاملی میوه،

عناّب.

عناصر anāsor: [ع] جمع عنصر،

عناصر اریعه: دورت عنصر: سؤو،

توپراق، یل، اؤت.

عنان enān: ۱. [ع] آطینگ اوساری

(افسار)، آطینگ آغیز دیریغی،

اویانی، اریشمهسی، نؤغتا.

عنايت enāyat: مص. [ع] قصد

اتمک، تقلا اتمک، یاغشلیق اتمک،

اونس برمک، هر بیر ایشده تویس

یورکن عمل اتمک.

عنب anab: ۱. [ع] اوزوم.

عنب الذئب t'anab-oz-ze'b: مر. [ع]

ایت اوزوم.

عنبر anbar: ۱. [ع] یوقۇملى ايس،

اونگات ايس، یوقۇملى ايس کوكيان،

عطر ايس.

عنبريار anbar-bār: ص. فا. [ع.فا]

عنبر ساچیان، عنبر یاغدیریان، خوش

بوی ايس یایرادیان.

عنبر بو anbar-bu: ص. مر. عنبر

ایسلی، عنبر قوقلی.

عنداللزوم and-al-lozum: ق. هر

هاچان گرک بؤلسا، لزوم ضرور بؤلان

وقتی.

عندالمطالبه and-al-motālebe: ق.

طلب اتمهلی وقت، هر وقت

ایسلنسہ.

عندليب andalib: ۱. [ع] بلبل، خوش

آواز قوش، اونگا مونگ دستانلی
دیپ-ده آیدیلیار؛ عنادل جمع.

عنصر onsor: ۱. [ع] اصل، تویس

دمیر یالی زات، باشغازدا تجزیه
بؤلونمه یان زات، قیزیل یالی نارسه؛
دورت عنصر سو، توپراق یل، اود.
دوزوم

عنقرب anqarib: ق. تیزلیکده،

یاقینلیقده، تیز وقتدان، قیساقلی
وقتده.عنكبوت ankabut: ۱. [ع] کلبلی
موی.

عنوان onwān: ۱. [ع] کتابینگ سۆز

باشی، خطینگ باشی، آدریس،
بللک، آت درجه.

عوارض awārez: [ع] ۱. جمع

عارضه، حادثه، باشا دوشن و
سرقاولیق ۲. فارسجه باج، سالفیت
معنی ده.

عواطف awātef: [ع] جمع عاطفه

مهرلر، مهربانلیقلار، انصافلار،

ایسنشیق لار، جانیپکشریک لار.

عواقب awāqeb: [ع] جمع عاقبة

سؤنگلر، ایش آخزلاری، عاقبتی.

عوام awām: [ع] جمع عامه،

کوچولیک، قارامایاق خلق، یونه کی
خلق، آشاقی قاتلاق، خواص دال، بیر
سانی عامه. عوام الناس؛ آشاقی
قاتلاقدان بۆلن آدملار، قارامایاقلار.

عوان ewān: مص. [ع] کمک برمک،

یاردام برمک، قولداماق.

عوان awān: ۱. ص. [ع] ۱. هر زادینگ

اورتا یاشا یتنه، کامللیک یاشا یتن

۲. دیوانخانانینگ عملداری، پاسبان،

آجان. ۳. مخفف اعوان؛ یاران،

خادمان معنیده.

عود awd: مص. [ع] اوویریلیمک،

ایزینا دولانماق.

عودت awdat: مص. [ع] ایزینا

قایتماق، ایزینا اوویریمک، ایزینا

دولاماق، ایزینا قایتارماق.

عورت owrat: ۲. [ع] (= عورة)

آدمینگ اندامینینگ یوقا یرلری،

آدملارینگ اوتانچیندن اندامینگ



اوستونی اورتیان یری، آدمینگ
اویات لانمالی یری، نمازدا اندامینگ
اورتوگلی بۆلمالی اعضالری.

عوض t'awaz. [ع] بیر زادینگ درگینه
بریلیان زاد، بیر زادینگ بدلی درگی
بۆلماق، بدل، درک، عوض دادن:
اۆده مک.

عوو t'aw-'aw. [ع] ایستینگ
اویرمه سی، ایت هاوولاماسی،
گوجوگینگ سسی.

عول t'awal. [ع] عیالینگ مایه سی و
گویجی، حارای و کمک ایستلیان
زات، قاتی قیقیلیق بیلن آغلاماق.

عول t'ewal. مص. [ع] توکل لیک،
اینانچ، اینام، حارای.

عهد ahd. [ع] ۱. بیر ایشی تاناماق،
ساقلاماق، قوراماق، وفا اتمک، اوویت
برمک، وصیت اتمک، اقرار، وعده،
امان، قسم، آنت، عهد جمع ۲. زمان،
روزگار جوانلیق معنیده عهد بستن: (=)
عهد کردن) شرط نامه باغلاماق،
شرط اتمک.

عهده ohde. [ع] ضمانت لیک، شرط

نامه کفیل لیک، تاوان، ضمانت
هۆتده لیک.

عهده دار ohde-dār. ص. فا. تراستی
بـوینونه آلان، غسوات کش،
هۆتده لنمک، بویون آلمان.

عیاب iyāb. [ع] جمع عیب، قشایش
زن بیل.

عیاب iyāb. ۱. [ع] قورساق لان پورکطر.
عیاب ayyāb. ص. [ع] قاتی عیب
ادیجی، عیبلیان.

عیادت ayādat. مص. [ع] (= عیادة)
مریض گۆرماگه گیتمک، ناهوش
سوراماق، ناساغینگ یاغما یمنی
سوراماق.

عیار ayyār. ۱. مکیر، هایبان، حبله گار،
۲. تالانگچی، یول اوریان، ۳.
سرگزدان، ساللاخ، آلیپ یبولوپ
باریان، باشاغای.

عیار ayār. مص. [ع] درنگه مک،
سیناماق، تره زی و اولچک بیلن ایزینا
یتمک.

عیاش ayyāš. ص. [ع] قاتی عشرت
سوریجی، خوش گچیریجی

خوشلیغینگ و عیشینگ ایزیندا
بمولان آدم، شادیان، حسدن آشا
عیشینگ ایزیندا گزیان.

هیال ^{ayāl}: [ع] زنانه، خاتین، هلی و
اهلی اویداکیلر، اویده بولانلار،
اؤغلان اوشاق ماشغالا، شول اؤیدن
داماقلانیانلار، جمع عیل.

عیال ^{ayyāl}: م. [ع] منلیکلی، ناز پوز
بیله یوریمک.

عیالوار ^{ayāl-wār}: ص. مر. عیال
اؤغلان اوشاقلی چۆرک اییانی کۆپ
بولان.

عیسان ^{eyān}: م. [ع] گوز بیله
آنیقلىق، آنیقلىق، آچیقلىق
آیهنگلىق، آشکار بۆلان.

عیب ^{eyb}: [ع] تلهکەلیک، پیسلیک،
مقصود، کسوس، نقصان، شکس،
یكسچیلیکە گناه عیوب جمع.

عیبجو ^{eyb-ju}: ص. [ف.ع.] عیب
تایمچی، عیب تایمب آشکار ادیجی.
عیبناک ^{eyb-nāk}: [ع] عیبلی،
شکەرلی، گنالی.

عیده ^{eyd}: ا. [ع] جشن، تۆی،

شادلیقلى گون، بایرام، عید.

عیدگاه ^{t'eyd-gāh}: مر. بایرام ادیلیان

یر، بایرام وقتی، بایرامچیلیق

گچریلیان جای، عید اوقالیان یر.

عیش ^{ayš}: م. [ع] ۱. یاشاماق،

یاشایش ۲. کیپ، لذت، عشرت، راحت

دورموش معنالاردا.

عین ^{ayn}: [ع] ۱. گۆز، گۆرهچ، اعین و

عیون و اعیان جمع ۲. چشمه و بولاق

معنادا، ۳. خود، ادیل، اؤزی، عین

اؤزی دیدیگی.

عین الباقي ^{ayn-ol-bāqi}: ا. مر. [ع]

آب حیات، دیرلیک سووی.

عین الیقین ^{ayn-ol-yaqin}: ا. مر. [ع]

دوغرولینی حقیقتی آنیق بولان، هر

بیر زادینگ حقیقی باردیغینی گۆز

بیله گۆرمک؛ تصوف آدالغاسیندا

ایکینجی آنیقلىق دیر؛ طریقتچی

ایچکین صفاسی بیلن جهانینگ

دورلی سیرلرینی کشف اتمک بیلن

نائل بولیار، مقصده یتیار.

عیوب ^{oyub}: [ع] جمع عیب، عیبلا،

کم چیلیکلر.



غ qe: عرب اليب بى نينگ يگريم
ايکينجى حرفى، ابجد حسابيندا
(۱۰۰۰).

غائب qā'eb: ص.فا. [ع] گورينمە يان،
يتىک، يتن، باشغا يردە بۇلان، حاضر
دال، آراميزدا بۇلمادىق.

غائله qā'ele: ا. [ع] شر، فساد،
قین چىلىق، غوغا، بولاغای،
هلاکلىک، آزار، آفت، آلادا

غابر qāber: ص.فا. [ع] يوريجى و
گچى جى، باقى، ايزده قالان.

غار qār: [ع] اۇيىق ير و يا داغده بۇلان

كۇواک، قاواق ير.

غار tqār: [ع] آغاجينگ بير گورنوشى.

غارت qārat: مص. [ع] (= غارة) ۱.

تالانگ چىلىق، تالانگلىق

چپاول چىلىق، باسيب آليجى ليق، ۲.

فارسجه ده: تالان دىيپ-ده آيدىليان،

غارات جمع.

غارتگر qārat-gar: ص.فا. [ع]

تالانگچىلىق اديان، چپاول چىلىق

اديان آدم.

غارچ qārč: ا. مى، شراب، ايچكى، اير

ارتير ايچىليان ايچكى.

غارس tqārs. فا. [ع] نهال اکیجی، باغ
آغاچ اکیجی.

غاز tqāz. قدیمقی اینگ کیچی
بیرلیک پولی، پول بیرلیگی.

غاز tqāz. ا. یاما، دیلیک، یرتیق، ایریک.
غاز tqāz. غاز، اوچوجی میدان واوی
قوشی، اوردکدن اولی.

غاز سرخ qāz-sorx: قیزیل غاز.
غاز سرخ پا tqāz-sorx-pā. قیزیل
آیاق غاز.

غازگلنگ tqāz-galang. قاما بورون.
غازی qāzi. ا. فا. [ع] تلاشگر،

سؤوشجنگ، دین اوغوردا دوشمان
بیله اؤرؤش ادیان.

غاسق tqāseq. فا. [ع] ۱. قارانگق
کیجه ۲. قارا بیلان، ۳-آی.

غاش qāš(š). ص. [ع] آدملاری
آلدايان، غشاش جمع.

غاش qāš. ص. عاشیق، بیرینی
سؤییان، عقلی یتنه، ذهین سیز
دیپ-ده آیدیلار.

غاصب tqāseb. فا. [ع] گویج زوربیلن
بیری نینگ مالینی باسیب آلان،
بیری نینگ مالینی زور ادیب الیندن

آلیان، بیرینینگ زادینی زورلیق بیلن
الیندن آلیان آدم.

غافت qāfes. ا. شاغال بورون.

غافل qāfel. ص. [ع] خبرسيز

دویدانسيز خبرسيز قالما،
اونوتجانگ، ايشده يالتانیب غفلت
اڊیان، خبرسيز قالیان، اونودیان.

غافلگیر qāfel-gir. ص. فا. [ع] فا.
دویدانسيز توتما، خبرسيز آلما،
بیرینا بیردن خبرسيز دوفیلما.

غافله tqāfele. مر کروان، یولاچقی لار
تویاری.

غامض qāmaz. ص. [ع] ارید یر، مهم
چتین ایش، سیرلی و دوشونمه سی

قین سؤز، غوامض جمع.
غاو tqāw. گاو، سیغیر، نگا گاو،

سیغیر.
غاو tqāw. مال آغلی، قویونینگ یاتاق

جایی، داغینگ قاواغیندا قویونلارا
بجرلن یاتاق جای.

غایب qāyeb. ص. فا. حاضر دال، یوق
آدم-یتیریم بولان.

غایت qāyat. ا. [ع] (= غایه) سؤنگ،
آنگری باش، حساب سیز، آخری،

بۇلماق، داش دوشمك ۲. بللى سيز و
تاولى بۇلماق معنیده، ۳- ذهندن
داش بۇلماق.

غراش t qarāš [ع] ۱. دېرماما، يارانى
درمانىپ بېرى بېرىنە يىتمك ۲. قاهر
غضب و قاينى دىيىپ-دە آيدىلىپ دىر.
غرامت t qarāmat [ع] (= غرامة) ۱.
تاوان ۲. زيان، ضرر و بىرلىملى ضرور
بۇلان زات.

غرب qarab: مص. [ع] گىزىلنمك،
گوزدن يىتمك، داش دوشمك، گون
باتار، و گون ياشار طرافى، باتى آشق
طرافى، گون باتار طرافى.

غرب qarab: ۱. [ع] ميوه گىتىرمە يان،
ميوه سيز آغاچ، آغاچ، اسپيدار، بىيد
آغاچى يالى.

غرب t qarab [ع] آلتىن، كوموش،
شراب، ايچكى ايچليان قاپ.

غربال t qarbāl [ع] غالبير، اولى الك،
غربت qorbat: مص. [ع] (= غربة)

اۇزاقلىق، اۇزاق لاشما، يادپورت،
غرتى qerti: ص. ياش جوان آدملا
سۆيىنچ، عياللارا تلهكه و اريد
سۆيىنچ، آقماق، بوش كله.

اينگ سونگقى، آنكرى چاگى.
غبار t qobār [ع] چانگ، توزان، توت.
غبار آلود qobār-ālud: ص. مد. [ع. فا]
(= غبار آلوده) توت توزانا قارىلان،
چانگ توزانا بولاشان.

غبار t qabāz (= غبازه) چوپان تاياغى.
غبس t qabas [ع] قارانگقى ليق، ايلكى
آغشام، كولونگ رنگى يالى.

غىغب t qabqab [ع] بـؤيـۇن
آشاغى نىنگ اتى، انگك آشاغى نىنگ
اتى، ساغاق، آلقيم.

قدار qaddār [ع] قاتى خانن،
وفاسيز، عهدى يالان و رحم سيز.

غدغن t qadaqan [ت] (= قدغن)
تركى سۆزۈندىن، نيغتما و قيسماقلى
منع اتمه، غدغن كردن: غدغن اتمك،
نيغتماق، ساقلانماق.

غده t qodde: ماز

غدير t qadir [ع] گول، سۆو ياتاق،
قورديق.

غذای سگ qazā-ye-sag: يال،
ايتىنگ ايتىمتى.

غرابت qarābat: مص. [ع] غرابه، ۱.
داش بۇلماق، داشلىق يورتدن داش

غرزدن qor-zadan: مص. م. [ع].

آلداماق، عیالی و یا قیزی آلداپ
اوزینگ بیلن ارید ایش اتمک اوچین
اکیتکم.

غرزدن qor-zadan: مص. ل. غورغور

اتمک، دیل آشاغیندان قهار بیلن
قاتی کپ آیتماق، قاتی کاییمک،
زیرنمک، قهارلانماق.

غرس tqars. قاهار، غضب، ارید قیلیق.

غرس qars: مص. [ع] اکمک، نهال

اکمک، یاش آغاچ اتورتماق.

غرس qars: آغاچ اکمه، اکیلن آغاچ.

غررش tqorreş. مص. هارلاماق،

ییرتیجی حیوانلارینگ هارلاماگی.

غرض qaraz: مص. [ع] ۱. آرزولی

بۇلماق، هوسجنگ بۇلماق، ۲. قصد،

حاجت، تارپ، بلگی، ۳. فارسچه

دوشمانلیق و قصد و اراده معنیده.

غرق qarq: مص. [ع] فارسچه سووه

قاجیب بوغولماق، سووده خفه

بۇلماق، سووده بوغولیب اولمک،

سووه چومیب هلاک بۇلماق.

غرقاب qarqāb: ۱. مر. [ع.فا] بورغان،

گرداب، سوودا بوغولیب اولمک، غرق

بولماق.

غروب qorub: مص. [ع] یتکم، داش

دوشمک، داش لاشماق، آشاقلاماق،

گون، آی و یا ییلدیزینگ یاشماگی.

غرور qorur: مص. [ع] ۱. آلداماق،

بیهوده بیرینی امیدلی اتمک، طمالی

اتمک، باطل و پوچ ژادا طماکین

اتمک، ۲. فارسچه تکبرلیک و

اؤزؤنگی اولی توتماق لیق، منلیک

معنیده.

غرور qarur: ص. [ع] آلداماغا سبب

بولان، آلدایجی، دنیادن کنایه.

غرور tqaror. [ع] غرغره ادیلیان

سوویق درمان، اولومسیلیک.

غرورآمیز qorur-āميز: ص. مف. [ع]

غروره یوغورلان، منلیکه قاریلان.

غرولند qorr-o-land: ایزیک لیق،

اینگیردی.

غریب qarib: ص. [ع] ۱. داش، داش

دوش، وطنندان جدا دوشن، یادا

دوشن، اوز دیاریندن داشلاشان،

کسهکی، ۲. هر زادینگ تازه و گنگ

انایسی جمع: غربا.

غریبه qaribe: کسهکی، ناتانیش، دل،

یاد.

غزلیات gazal-iyāt: فارسچا جمع

غزل معنیده، غزل‌لار.

غسال qesāl: [ع] بابالی، غسل

اتدیریحی، اؤلی یۇویان، مُرده‌شور.

غسل t.qasl: [ع] مص. اندام یوماق

سوه دوشمک، شرع دستوری بیلن

اندامینگی یوماق.

غسل qesl: [ع] اندامینگی یا باشغا

زادی اؤنؤنگ بیلن یوویلیان نارسه.

غش t.qaš: هوش سیزلیق، ناساغ‌لیق

سببلی، آغیر یاغدا یا دوشمک،

ایسغین سیز یاغدا ی سیز اوزیندن

گیدیپ ییقلیماق. غش کردن:

توتغای توتماق، اؤزونگدن گیتمک.

غش t.qaš: بیهوشلیق، هوشدن گیدن.

غش (q.aš): [ع] یورکداکینی

ترسینه آشکار اتمک، خیانت اتمک.

غصب qasb: مص. [ع] بیرینینگ

مالینی زور اتمک، ناراضی‌چیلیق بیلن

باسیب آلیپ ایه بۇلماق، زور بیلن

باسیب آلماق.

غصه t.qosse: [ع] (= غصة)

توقات‌لیق، قاینی و غم.

غضب qazab: مص. [ع] قهارینگ

غریزه qarize: [ع] دوره‌ییش و

دوغ‌وش، طبیعت، قیلیق،

اؤوره‌نیشیک، خاصیت، بولوش. غرائز

جمع. غریزی: غریزه دگیشلی، غریزه

جنسی: یاقینلاشماق اوستی بیلن

شهوتینگ سوندیریپ نسل دورتمه.

غزات t.qazāt: مص. [ع] (= غزاة)

اؤرۇش، سوویش، دین دوشمانلاری

بیلن سۇوش اتمک. غزوات جمع:

فارسچه غزا دیییلیار.

غزال t.qazāl: [ع] کییک، جرن، توقار،

غزلان جمع.

غزال qazzāl: مص. [ع] اوران اگریجی،

بوکوجی، طناب یوپ ساتیجی.

غزل qazl: مص. [ع] ۱. اگیرمک،

یونگ یا پامیق یالی زادی ۲. بوکولن،

اگیرلن و طناب معنیده.

غزل qazal: مص. [ع] ۱. گورونگ

اتمک عیال‌لار بیلن اویناشماق و

سویشمک، ۲. عیال‌لار حقدده سؤز

آیتماق، عشقی قوشنی آیتماق

سویگی حقدده یازیلان قوشغنی

آیتماق، دییمک.

گتيرمك، قهرلانماق، قهرجانگ،
قهرجانگلىق اتمك.

غضب qazeb: ص. [ع] قهرجانگ،
قهرلى.

غضب آلود qazab-âlud: ص. مر.
[ع.نا] غضبه يوغورلان، قهاره
يوغورلان، قهارجانگلىق.

غضروف tqozruf: [ع] گميرچك،
بالينينگ گميرچهگى، بالينينگ
كىتىردووك ىرى.

غضنفر qazanfar: ا. [ع] يولبارس،
يىرتىجى بارس، اپرى، دايوا آدم.

غفار qaffār: ا.خ. [ع] قىبلانگ آدى، و
عرب قىبلهسى نينگ آتاسى.

غفار qafār: ص. [ع] كووپ
باغيشلايچى، گنانى گچىجى،
خداى تعالى نينگ صفاتىندان،
صفتلرىندن.

غفار qafār: ص. [ع] قاتى
باغيشلايچى، گناهانى اوتىجى،
گناهانى اورتوجى، خداى تعالى نينگ
صفتلرىنىڭ بېرى.

غفارى qafārī: غفار قىبلهسىنە باغلى
بۇلان.

غفور qofof: ص. [ع] گناهانى
اورتىجى، گناەدن گچىجى.

غفور qafur: ص. [ع] قاتى
باغيشلايچى، گناهانى باغيشلايچى،
خداى تعالى نينگ صفتلرىنىڭ
بېرى.

غل t:qel(l): [ع] توتغاي، بولاشىقلىق،
اويكه، كينه.

غل qal(l): ص. [ع] بېرى نينگ الينى
بويىونا باغلاماق، يوب و باغى
بېرىنىڭ بويىونا و ال آياغىنا اوراماق،
كۆيلىمك.

غل qell: [ع] طوق، بۇيۇن باغى
توستاقلارنىڭ يىمىنى زندانى لارنىڭ
الينە. آياغىنا دانگىليان دىمىر زنجىرى،
اغلال و غلول جمع.

غلاب qelāb: ص. [ع] اۆستون
چىقماق، بېرىنە اۆستون گلمك، الى
اۆستونلىك.

غلات qallāt: [ع] (= غلاة) جمع غله،
آريا بۇغداي، تووى، جۇون، زيره پالى،
دانه دانهلى اكپن.

غلاج qallāc: ص. زادسىز، يۇقسۇل.
غلاف qelāf: ا. [ع] داش قاب، قاما و



[ع.فـا] یالنگیشدیریجی،
یالنگیشدیریان، آلداوچیلیق،
یالنگیشلیغا سالما.

غلط نامه qalat-name: ۱. مر. [ع.فـا]

کتاینگ غلطلارینی چاپ ادیپ
کتاینگ آخیریندا قویولماق، شونونگ
یوزوندن اونونگ غلطلارینی
دوزده ییلار؛ کتاینگ غلطلارنی یعنی
یالنگیشلارینی دوزلتمک اوچین
غلطنامه آدیندا چاپ ادیپ کتاینگ
آخیریندا قویولماق.

غلغلک qelqelak: ۱. قیجیق لانما،
آدمینگ بۇورونه گولدورمک اوچین
دورتولمه.

غللمان qalmān: [ع] جمع غلام،
غلاملار، قوللار، غلام اۇغلانلار.

غلول qalul: ص. [ع] خائن، دۇنوک.

غلول qolul: [ع] جمع غل، بۇیۇن توغ،
بۇیۇن باغی.

غله tqalle: [ع] گیردهجی آریا بۇغدای،
حاصل، غلال و غلات جمع.

غله خیز qalle-xiz: ص. مر. [ع.فـا]. غله
کوپ اوندریان، اونوم کوپ بریان یر.

غللیظ qaliz: ص. [ع] سوغاشیق،

قیلیچ یالی ساویق یازاغلارینگ قابی
غینی، غین.

غللال qelāl: [ع] جمع غله، آریا
بۇغدای.

غلام tqolām: [ع] ۱. یتگینجک،
اۇغلان یاش ییگیت، یگیتلیکه
یتمه دیک اۇغلان، ۲. فارسی چه برده،
بنده قول و نوکر معنیده.

غلبه qalabe: مص. [ع] ینگیش
تاپماق، اۆستون چیقماق، ینگمک
ینگیش قازانماق. غلبه کردن: برینه
اوستون چیقماق، دوشمانی ینگمک.
غلطان qaltān: ص. فا. بیلاک شیلک
آغماق، توغلانماق، آغینما.

غلتک qaltak: ۱. خمیر اوقلاوی.

غلتیدن qaltidan: مص. توغلانماق،
آغینماق، آغناماق، تیگیرلانماق،
سوروشمک.

غلط qalat: مص. ل. [ع] ۱. صواب
ایشی تانیلمازلیق، ۲. یالنگیشماق،
خطا اتمک، خطده حسابده و یا
یازماقدا یالنگیش، نادۇغری، خطا،
جمع اغلاط.

غلط انداز qalat-andaz: ص. فا

- قالینگ، اوزلی، ایری قاتی، قوی، سوویق دال، غلاظ جمع.
- غلیل t.qalil: [ع] کینه، دوشمانلیق، سویگا قاتی سوسان، عشق و سویگی آویسی، ایچ آویسی.
- غلیل qalil: ص. [ع] قاتی سوسان، قاتی سوسورغان آدم.
- غم qam: مص. [ع] قایغیلی، غم، توقات، قایغی، هپیت، غصه، غموم جمع.
- غماز qammāz: [ع] جمع غمزه، قین چیلیقلار، قاتیلیقلار، غماز و غمز جمع.
- غماز qammāz: ص. [ع] قاتی شوغول، کپچی، سیری فاش ایدان، گۆز قاش قاقیان، تخم تیجی غیب کش، شوغول، آدم.
- غمخانه t.qam-xāne: مر. غم اوی، کوپ قایغیلی اوی، توقاتلی، غصهلی.
- غمخوار qam-xār: ص. فا. غمی اییان، غم اییجی، قایغیچیل، یار، مهربان.
- غم خوار qam-xār: ص. فا. غم غصه اییان، توقاتلی.
- غمزده qam-zade: ص. [ع. فا.] قایغیلی غم باسان، غمی آرتدیریجی، غملی.
- غمزه t.qamze: [ع] گۆز قاش بیلن ام قاقماق، کرشمه نازلی باقماق، ناز، نازیرگمک، ناز بیلن گۆز قاش، یانگاق.
- غم کش qam-keš: ص. فا. [ع] غم خوار، قایغیلی، غملی.
- غمگسار qam-gosār: ص. فا. یار دوست، سیرداش، غمخوار، مهربان، ایزینیک قایغی سینی ایدان.
- غم گشته qam-gašte: ص. فا. غملی، قایغیلی.
- غمگین qam-gin: ص. مر. [ع. فا.] عملی، قایغیلی، غصهلی، توقاتلی بولان.
- غمناک qam-nāk: ص. مر. غملی، قایغیلی، غصهلی، سؤلوق.
- غنا qenā: ا. [ع] خوش آواز، قاوی آیدیمچی، قاوی هنگیلدی.
- غنا qannā: ص. [ع] مؤنث اغن، قاتی اوتلی آغاچلی آباد و تر چمنلی گوکلیک یر.
- غناء qanā: مص. [ع] قاتی باییماق،

دوشماندان آلىنان زاتلار، ياغىدان
آلىنيان اولجا.

غواص qawwās: ص. [ع] يوزىجى،
درىدان صدف مرجىن چىقارماق
اوچىن سووده يوزيان، سووينگ
آشاغىندان زات آلىپ چىقاريان آدم،
دنگيزده چومىب مروارىد چىقاريان
آدم.

غواص qowwās: [ع] جمع غائض؛
غواصلار، يوزوجىلر.

غوٹ qows: مص. [ع] يارى برىمى،
كىمى برىمى، بىرىنىنگ دادىنا
يتىشمى.

غورباغه qurbāqe: قورباقا.

غورى tquri: دمكىش، دكمچ.

غوغا tqawqā: [ع] قىقىلىق، جنجل،
بىدىرك قىق چىق اديان آدم، اوروش
سؤوش.

غول tqul: [ع] دؤو، ارتىكى لردى
گلىشىك سىز بوى اوزىن جانلى
اگىرت اولى گلىشىك سىز جاندار،
اغوال و غيلان جمع.

غول tqul: ۱. آغىل، قويون و
سىغىريالى مالىنگ ياتاغى ۲. چولده

قاتى قورىلى بۇلماق، ماتاچ سىزلىك،
غنائم qanā'em: [ع] جمع غنىمت،
اوروشدا زور بىلن دوشماندان آلنان
زادلار، اولجالار.

غنم qannam: ص. [ع] كۆپ قويونلى
آدم، چوپان.

غنم qannam: ص. [ع] كۆپ اولجا
الىنه دوشن آدم.

غنجه qanje: ۱. ناز، گوز قاش قاقمه.

غنچه qonče: ۱. غنچه، آچىلمادىق گل
چىچىك.

غنچه دهان qonče-dahān: ص. مر.

كنايه معشوقدان: آوادان گورنوكلى
اغزى اديل گلىنگ غنچه سى يالى
بولان.

غنى qani(y): مص. [ع] باى بۇلماق،
بىللانماق، قورىلى، ماتاچ سىزلىك،
بايلىق.

غنى qenā: ص. [ع] يوللى، ماللى،
قارالى، ماتاچ بۇلمادىق.

غنيم qanim: ۱. [ع] اورشده
دوشماندان اوستون چىقىپ آلىنيان
زات، ۲. فارسچا دوشمان معنىده.

غنيمت tqanimat: [ع] زور بىلن

داغده بجرلیان مال جایی.

غول پیکر qul-pikar: ص. مر. [ع.فا].

غول یالی، هیکللی، ادلک، دایاو،
غوله منگزش.

غیاب qyāb: مص. [ع] گیزلنمک،

ییتمک، گۆزدن ییتمک، داشلاشماق،
غایب بولماق.

غیاب qayb: [ع] جمع غیب، غایب
بولماق، ییتمک.

غیاث t.qyās: [ع] داده یتیان، داده
یتیحی، خدای تعالی نینگ
آدلاری نینگ بیرى.

غیب qayb: مص. [ع] غایب بولماق،
ییتمک، داشلاشماق.

غیبت qibat: مص. [ع] غایب بولماق،
گیزلنمک، گۆزدن یتمک، یتیریم
بولماق.

غیبت qeybat: مص. [ع] بیرى نینگ
ایزیندان یامانلاماق، بیرى نینگ

ایزیندان عیبینی آیتماق.

غیبگو qeyb-gu: ص. فا. [ع.فا]

غایبدان خبر بریان، قاباتداکی زادی
آیدیان، گیزلین سردن سۆز آیتماق.

غیر qeyr: ۱. [ع] ۱. مگر، آیری، باشغا،
بیله کی. ۲. کسه کی، بیگانه اغیار
جمع.

غیرت qeyrat: مص. [ع] ۱.
گوریبلیک اتمک، غیرت داشتن ۲.

نامیسرلی لیق، غایراتلی لیق، عار،
جوماردلیق، تعصیب کش.

غیرتمند qeyrat-mand: ص. مر.
[ع.فا]، غیراتلی، نامیسلی.

غیل qayl: مص. [ع] گورالی عیالینگ
چاغا سویت برمکی.

غیل t.qayl: [ع] سمیز، اتلی قانلی دایاو
اوغۇل اغیال جمع.

غیور qayur: ص. [ع] غیراتلی، عارلی،
قوجورلی نامیسرلی، مروتلی.



ماشين بيله ايشلاب بجران صنعت
کارخانه سی.

فاتح t.fāteh. فا. [ع] ینگن، آچان،

آچيجی، ینگيجی، بیري بیر زادی
آجسین و یا بیر یوردی اورشیب
آلماق و ینگمک؛ فاتح شدن؛
دوشمانی ینگمک؛ باسیب آلیجی.

فاتحه t.fātehe. فا. [ع] مؤنث فاتح
باشلانغیچ ایش، فواتح جمع.

فاتحه خواندن: مصیبتده و یاسدا
مرحوم اوچین قرآن اوقیپ روحونی

ف fe: عرب الیببی نینگ ییگیریم
اوچونجی حرفی، اجد حسابیندا
(۸۰).

فائده t.fā'de. [ع] پیدا، نپ، بهره،
آدامینگ مالدان یا علمدان آلیان
نتیجه سی فوائد جمع.

فاتق fā'eq. ا. فا. [ع] (= فایق) آرتیق
گلن، بیر ایشه اوستم لیک؛ فاتق
آمدن: ینگمک.

فابریک t.fabrik. [فر] کارخانه
ایش جای، زاووت، چیک مال لاری

شاد اتمک، الحمد سورهنی اوقیماق.

فاجر fajer: ا. فا. [ع] گناهکار، عاصی

زناکار، اولی گناهکار، فجار و فجره جمع.

فاجعه tfäje'e: [ع] (= فاجعة) اولی

مصیبت، بؤلماز ایش، باشا دوشن، قاینیلی غملی یاغدا، آغیر بلا، پاجیغا.

فاحش fäheš: ص. [ع] پیس، آچیق،

حددن گچن، چندن چیقان زات، هر بیر اربد یاغدایینگ حددن چیقماغی، حددن آشا بؤلماغی.

فاحشه fäheše: ص. [ع] مؤنث فاحش،

اربت فاحش، ازید عیال، کونتی عیال، زناکار.

فاخته fätehe: ا. میدان قوشینگ بیر

گورنوشی، خال کپدر، دالیجه کپدر.

فاخته طلایي faxte-talāyi: آلتین

هوک، هوک.

فاخر fäxer: ا. فا. [ع] فخر ادیجی،

بویسانیج، قووانچ، نازلنمه، هر زادینگ اوزی یالی دان یوقار درجه ده بولان، اؤزونه منگزشردن بلنده،

یوقاردا بولان.

فارس fars: ا.خ. پارس، ایران دیلی.

فارسی fārsi: ص. ن. پارسه فارسه

باغلی بؤلان، ایرانلی ایرانینگ دیلی،

ایرانا دگیشلی.

فارغ fāreq: ا. فا. [ع] ایشردن دینان،

آسوده بؤلان، دینچ، آرام، ایشدن ال

چکیب دینچ بؤلان.

فارغ التحصیل fāreq-ol-tahsil:

ص. مر. اوقونی بیر اوغیرده قوتاریپ سونگلان، فارسچه ده هم شو معنیده کلیار.

فاروق fāroq: ص. [ع] حقى ناحقى

سایغاریان دؤغری نادؤغری نینگ تفاوتینی سایلیان، عمر بن

خطابینگ لقمی.

فاریاب tfāryāb: سولی، ی، سؤو بیلن

سواریلیان اکرانچلیق.

فاستونی tfāstoni: روس سؤزی،

یونگ یا نخ پارچه دان، کؤیلنج اوندان

گییم جلواری تیکمک اوچین اولانیلیار.

فاسد fāsed: ص. [ع] پورسان،

ایسلان، ضایا، خرابلانا، بوزولان.

فاسق tfāseq فا. [ع] گناهکار، عاصی، یازىقلى، دۇغرى يولدان داش دوشن، يۇلۇنى آزاشان.

فاش fāš ص. آشكار، آچىق، آيدىنگ ۲. يايراب ياتان پيترانگ، يايان، جاي اتمك، ۳- مونينگ اصلى فاش آدى فاعل، كوكى فشو عربچه دير.

فاشيسم tfāšism: [فر] فاشيسم يوليन्दە بۇلان.

فاصله tfāsele فا. [ع] مۇنث فاصل، ايكي زادينگ آرا اۇلچگى، ايكي زادينگ بير بيريندن آرا داشلىنى، آزالىق، آراكسمە.

فاضل tfāzel فا. [ع] ۱. آرتىقماچلىق، كۇپلوك، ۲. علم كمالدە بىلاكيلردان تفاوتلى يۇقار درجەدە بۇلان، عالم، اوقىپلى، فضل ايهسى، فضيلت و فضلا جمع.

فاضل آب tfāzel-āb مر. [ع. فا] آقار سووينگ چايدان آرتىقماچ بۇلۇپ داشاره گيديان بيدرك سۇوى حمامدان، دستشويىدان دوكلوب قويا گيديان آرتىق سۇوى

فاطمه tfāteme ص. [ع] ۱. اوغلىنى سويىدن كسن عيال ۲. حضرت رسولنينگ قيزىنينگ آدى. فاطمه زهرا (س) (بىبى فاطمه).

فاطمى fātemi: حضرت فاطمه زهرا باغلى بۇلان، حضرت فاطمەنينگ اولادلارى.

فاعل tfā'el فا. [ع] عمل اديجى، اديجى، يرينە يتيريچى، ايشى انجام برن آدم، ايش بيترن، ايه.

فاقد tfāqed فا. [ع] بيترن، بيتيريچى، زادينى و يا بيرينى الدن بريچى، آرينى و يا اوغلانلارينى الدن برن عيال.

فاكتور tfāktor: [فر] ساتيلان زادينگ حسابى، صورت حسابى، ساتان زادينگ صورتى، اسپيسكى.

فال tfāl طالع، فال، بخت، اقبال، اۇنگدن گۇروجى ليك.

فال tfāl: بير زادينگ آز بولهگى، دورت يا باش سانى حوز.

فاميل tfāmil: [فر] ايچرى ماشغالا، دوغان قارينداش، ايلن چالان، تيره،

طایفه.

قازانماق، اوستون چیقماق.

فانتزی tfāntezi. [فر] خیال، قورقی،

فتحه tfathe. [ع] بلگی حرکتی،

هووس، شادلیق، بزگ، آوادانلیق،

حرفینگ اوستونده قویولیان علامت،

آوادان زاتلار، زینتلی زاتلار.

بلگی، زیر.

فاتوم tfāntom. [فر] خیال، خیالی

فترت tfetrat. [ع] (= فتره)

صورت، قورقی لی تارده.

سستلیق، ایزه غلاق، عجیز، یاراماز.

فانوس tfānus. یونانی سؤزوندن:

فتنه fetne: مص. [ع] ۱. سینماق، ۲.

پانار جایی، لامپا یالی چیرا، پانار

گمراه اتمک، عذاب، محنت، ۳.

چیرا جایی.

ناساغلیق، ۴. آغیز آلایق، بولاقلایق،

فانی fāni: ا.فا. [ع] یالان دنیا،

دیوانه‌لیق، پتنه، ایل آراسینا

سؤنگسیز دنیا، همیشه‌لیک

آغیز آلایق سالما.

بۆلمادیق دنیا، فانی، باقی بۆلمادیق

فتنه انگیز fetne-angiz: ص. فا. [ع.فا]

دنیا، قایدیلمالی دنیا، گچمه‌لی دنیا.

بوزغاق چی، باش پوزارلیق ایدیان،

فشودال fe'odāl: ا.ص. [فر] کوپ

شرچی، آغیز آلاردیان، بوزوقلیغی

رعیتلی تایخانلی و کوپ ملکلی

توروزیان.

آدم و شول رعیتیه مسلط و

فتوح fotuh: ینگیشلر، آچلیشلار.

حکمرانلیق ایدیان آدم.

فتوحات tfotuhāt. [ع] اوروشده

فتاح fattāh: ص. [ع] ۱. کوپ آچیجی،

اوزینه گچریلن شهرلر، اورشوپ آلنان

ایش آچیجی، یاردام بریجی ۲.

شهرلر، باسینپ آلنان یرلر.

حاکم، امین.

فتیله tfetile. [ع] فتیله، پلته نخ

فتادن fetādan: مص. ل. افتادن،

نواردان یا پامیق‌دان نفتی چراغ‌لارا

بیقیلماق.

یاقماق اوچین قویولیان نارسه، فتائل

فتح fath: مص. [ع] آچماق، ینگیش

فتیلات جمع.



انواع

فجار fejār: مص. [ع] زنا ايش اتمک،

فسق و فجور ليق اتمک.

فجار fejār: ا. [ع] گینگ يوللار، ايکى

داغینگ آراسى.

فجر fajr: ا. [ع] دانگ، سحر وقتى،

دانگینگ آغاران وقتى، دانگ آتيب

جهان يايلان وقتى گيجانگ سونگى.

فجور fojur: مص. [ع] ۱. گناه اتمک،

زنا اتمک، يالان آلاماق، حقدان يوز

دوندرمک، حقدان بؤيۇن تاوولاماق،

گناه کار لیک، ۲. فارسجه فسق يعنى

خدایينگ فرمانيندان چيقان معنيدم.

فجیع 'fajji: ص. دردلى، عربجه اونگا

فاجع ديب آيديليار يعنى درد

گتريجى، مصيبت؛ پاچيفالى.

فحاش fahāš: ص. [ع] آغزى پايش،

دلى آوى، آغيزى هافا.

فحشاء 'tfahāš: [ع] اولى گناه، قاتى

تلهکه ايش، زنا.

فخار faxār: مص. [ع] بويسانماق،

قۇوانماق، ايشانماقدا دنگليک اتمک.

- مص. [ع] بولسانماق، قۇوانماق.

فخر faxr: مص. [ع] قۇوانماق،

بويسانماق، ايشانماق، يوز اتمک.

فخيم faxim: ص. [ع] اولى، بييک

اولى ليق، بلند درجه لیک.

فداکار fadākār: ص. مر. فدا اديجى،

مالينى جانينى بيرى نينگ يولينده

فدا اديان. فداکارى: فدا اتمک لیک،

فدا اديجى لیک، جانپ کش.

فدراسيون tfedrāsiyon. [فر] کوپ

يۇرت لرينگ بيرلشيكى، ناچه

استانينگ بيرلشيكى، ولايات لرينگ

بيرلشمه سى، ناچه بۆلك جماعتينگ

بيرلشمه سى، بدن تربيانينگ

(ورزشينگ) بير گۇرنيشيني

دولانديران (اداره اديان) قوراما مثلاً:

فوتبال فدراسيونى، گۇرش

فدراسيونى.

فدرال federāl: ص. [فر] ايالتينگ

بيرلشگينه دگيشلى بۇلان بيرلشيك،

دولت لرينگ بيرلشگينه باغلى بۇلان.

فديه tfadye. [ع] جان ساتين آلماق

اوچين بريليان مال، اسيرلرينگ آزاد

بۇلماق اوچين بريليان زادى؛ فديات

سالغيت.

فرآورده farāwarde: آمدن تاییارلاناتان،

اله گلن اونیم، زراعت اکرانچلیق
اوغیرده اله گلن اونیم.

فرائض farā'z: [ع] جمع فریضه،
فرضلار.

فرات tforāt: [ع] دنگیز، دریا سوریجی
دوری سو، عراقده سوریهده بۆلن
شط آدیندا آقار سو.

فراخ farāx: ص. قاتی گینگ اینلی،
یایراب یاتان گینگلیک یر.

فراخ farāx: [ع] جمع فرخ، چویچه
معنیده.

فرار farār: ص. [ع] قاچماق، قاچیش،
قورقیب یورتیب گیتمک، اورکیب
گیتمک.

فسرار farrār: ص. [ع] ۱. کوپ
قاچاقچی، باسیم قاچیان آدم،
تیزلیکده چالت قاچما، ۲. شیمی
آدالفاسینده بووغ بۆلۆپ چیقیان زات،
باسیم بووغا اوویریلیان جسم،
چالاسیم بخار بولیان.

فراری دادن farāri dādan: ص. م.
قاچیرماق، اورکیزمک.

فراز tfaraz: یوقاری، اوست،
بییکلیک.

فراست ferāsāt: ص. [ع] فراسة، ۱.

دوشونجه، فهم، بیر زادینگ داش
گۆرنیشینه سر ادیب ایچکی گیزلین
یاغداینه دوشینمک، ۲. دانالیق،
بیلیملیلیک، عقللیلیق، زیرکلیک،
علم فراست: آدملارینگ یوزکشینه و

قیافهسینه و اخلاقینه و یاشایشینه و
ایچکی یاغداینا سر ادیب بیلیان علم.

فراست farāsāt: ص. [ع] آط
چایماق و آط تانیماقده اوکده و ماهر

بۆلن، سیس.

فراش ferāš: ص. [ع] یوزغان دوشک
دوشه یان، دوشک یازیان، فارسچا:

قاصد و خط یتیریجی معنیده.

فراش tferāš: [ع] قوران لای، پالچیق.

فراغنه farā'ane: [ع] (= فراغنة)، جمع
فرعون، فرعونلار، ستم کارلر.

فراغ farāq: ص. [ع] آسوده بۆلماق
دینماق، ایشی قوتاریپ دینج آلماق.

قاب بوشاماغی.

فراغت farāqat: ص. [ع] (= فراغة)

۱. دینچ سیزلیق، طاعت سیزلیق،

صبر سیزلیق، ایرالیق، آلجراڭ لیلیق،

۲. فارسچه دینچلیق، راحت لیلیق،

ایشیدن دینماق لیلیق، آسوده

بۇلماق لیلیق، الچکمک.

فراغی farāqi: دین، دینچ بولان،

قۇتاران، بوشان.

فراق ferāq: مص. [ع] بیرک بیرکدن

داشلاشماق، جدا بۇلماق.

فراکسیون tferāksiyon. [فر] بۆلک،

تیکه، دۇویک لیک، بیر عقیده ده بۇلان

توپار، بیر حزینک اعضالری، بیر

حزب ده فرقه ده یاده مجلس ده

بیری-بیری لری بیلن فکر دش بۇلۇپ

بیرلشن، بیر توپار، آدم دان عبارت.

فراگرفتن farā gereftan: مص. م. ۱.

آلماق، ایه بۇلماق، اله سالماق، ۲.

اؤورنمک، یاد آلماق، قاباق،

تۇتاشماق.

فراماسونری tferāmāsoneri. [فر]

۱. اول آیراتین بیر دوزگونلی سیرلی

بیر جمیغتی قوراما بۇلۇپ، اول بیر

نیچه یورتلرده خاصده انگلستانده

اۇلی تشکیلاتلی بۇلمالی، اۇنۇڭ

اعضاسینا فراماسون دییپ

آدلاندریلیان اکن. مرامی بولسا

یعنی اۇنۇڭ یول یورداسی

آدمکارچی لیگینگ و اونگات

اخلاقلی لیغینگ و کوپچیلیگینگ

اوی فکرینی اوسدیرمگینگ و مذهبی

قارشى لیقلاری آییرماغینگ

طرفدارى اکن، ۲. فارسچه اونگا

فراموشخانه یعنی اونیتجانگ لیلیق

اوی دییپ آدلاندریلیار.

فراموش tfarāmuš. مص. یاددان

چیقمه، اونوتمه.

فراموشکار farāmuš-kār:

اونیتجانگ لیلیق، یاددان چیقاراقان.

فراموش کردن tfarāmuš kardan:

اونوتماق، یاددان چیقارماق.

فراوان farāwan: مص. قاتی کوپ، کان،

زیاد، آرتیق، بۇل. فراوانی:

بۇلچۇلقلیق، کۆیلک، زیاده لیلیق،

کان لیک.

فراهم farāham: مص. بیر یره

یغینانیلان، تاییار، حاضر اتمه،

اویجین، بیر یریک اویشرلن.

فراهم کردن farāham kardan:

مص.ل. جمله مک، تاییارلاماق، اله

کتیرمک، تایینلاماق.

فریه farbeh: ص. (= فربی) اتلی،

سمیز، اتلی قانلی.

فریه کردن farbeh kardan: مص.م.

سمریتمک، باغا داقماق.

فرتوت fartut: ص. (= فرتود) قاتی

قارری، یاشی کیدن، یاشی اولی،

ایشدن قالان.

فرتوتی fartuti: قارری لیق، ایشدن

قالماق لیق.

فرج tfaraj: [ع] ایش آچیلماغی،

کینگلمه کی.

فرج tfarj: [ع] دشیگ، اوییق، آدمینگ

یوقا یری، عورت یری، فروج جمع.

فرجاد farjād: ص. فاضل، دانشمند،

بیلیم لی، فراستلی.

فرجام tfarjām: ۱. انجام، عاقبتی،

ایش سونگی، فرجام خواستن. ۲.

دادگستری اصطلاحینده یعنی

آدالفا سینه یانگادان دعوانگا

یتیشیکلیک ادیلمه گینی طلب اتمک،

یانگادان دعوا توتماق.

فرجه forje: ۱. [ع] یاریق، دیلیک،

آچیق لیق، فرج جمع.

فرجه tforje: [ع] (= فرجة) قاینی

غمدن چیقماق، شادلیق قاینی

توقات لیقدان چیقلاندا یوزه چیقیار.

فرجه ferče: ۱. فرجه، غیلدان

چوتگه جیک، ساقفال سیریلجاق

بولیناندن اونگ صابون کوفیریدیپ

یوزه اوریلیان چوتگه.

فرح انگیز farah-angiz: ص. [فاع]

شادلیق کتیریجی، خوشلیق

کتیریجی، شادلیغا سبب بولان،

بولیان.

فرخار farxār: ۱. بتخانه، تبتده

بتخانالیقدا شهرت تاپان شهر.

فرخان farxān: ص. ن. شاد، شادمان،

بگنج.

فرخ لقا farox-leqā: ص. مر. (فاع).

گورنیکی، آوادان، گوزل.

فرخنده farxonde: ص. برکتلی،

قوتلی، مبارک.



- فرد fard: ص. [ع] ۱. يکە، تاک،
تای سیز، يکە تاک، اوزياشداق، ۲. ادب
آدالغاسينده معنى سى بير بيت شعر.
فردا tfardā. ارتير، اول بير گون، بوگون
دال ارتيرى.
فردوس tferdos. باغ، بستان بهشت،
جنت، عربيچه هم فردوس ديييليار.
فردوس مکان ferdos-makān:
ص. مر. جنت مکان، جایی بهشته
بۇلان.
فرز farz: ص. ييلدام، چالت، تيز
قوييان. فرزى : ييلدام ليق، چالت ليق.
فرزام farzām: ص. گلشيب دوران،
ياراشيقلی، گلشیکلی، لایق، مناسب.
فرزان farzan: ص. حکیم، دانا،
بيليم لی، پراستلی.
فرزانه farzane: ص. حکیم، عالم،
دانشمند، فراستلی، بيليم لی، دانا،
عقللی، شریف، تویس حلال زادا.
فرزند tfarzand. انه آتانگ اوغۇل
قیزی، چاغا، ذريات، فرزند، نسل.
فرسایش tfarsāēš. مص. کونلمک،
چويريمک، سورولمک.
فرسایدن farsāiidan: مص. م.
کونلتمک، چويريتمک،
سورديرلتمک.
فرستادن ferestādan: مص. م. روانه
اتمک، ايبرمک، يوللاماق، يولا
سالماق.
فرسنگ tfarsag. آلتی كيلومتريدن
عبارت بۇلان اوزينليق و اۇزاق ليق
اۇلچەگی، بير آغاچ، پارساخ.
فرسوده farsude: وراق، کۇنه ايشدن
قالان، ايشدن چيقان. فرسوده شدن:
پوسلاماق، کونلمک، چويريمک.
فرش farš: مص. [ع] دوشک، کچه،
حالی، حالچه، پلاس يالی دوشليان
زاتلاردان عبارت.
فرشته tferešte. فرشته، پريشته،
خدای تعالی نينگ نوردان يارادان
مخلوقی، اولار آسماندا ياشايارلار،
قاتی سيرات ليقد، قاوی ليقده،
گورنيکلی ليکده، يۇقاری درجه ده
بۇلمالی، عربيچه اونگا ملک دييپ
آيديليار.
فرصت forsāt: [ع] ايشر اتماگه

مناسیب وقت، ایشه یاراشیق لی مای،
پرصات، نوبت، آمات، آسوده لیق
وقتی، گزک گلن چاق، پۇرجا.

فرض farz: مص. [ع] واجب و لازم
بۇلان زات، خدای تمالی نینگ
بنده سینه فرض ادن زادی، انسانینگ
اوزینه گرکلی بۇلان زادی، فرض
کردن: گمان اتمک، فرض اتمک.

فرض farz: [ع] جمع فرضه فرضلار.
فرط fart: مص. [ع] اووله مک، غالب
بولماق، مسلط بولماق، حد و اندازه دن
زیاد بۇلماق حددن آشا بۇلماق، چن
چاقدان آرتیق لیق، قاتی گیتمک لیک،
هر زاتده قاتی کوپ و زیاد گیتمک،
کوپ لیک، چندن آشالیق.

فرعون fer'on: ۱. [ع] ۱. اوز باشینه
گیدن قولدور ظالیم، باشینه گیدن
گویچلی، بویونی یوغین منلیک لی،
۲. مصرینگ قدیم پادشاه لرینگ
لقمی، فراغه جمع.

فرغان t.farqān: [ع] گینگ قاب، اولی
قاب.

فرفر fer-fer: ۱. چالت اوقیپ چالت

یازماق، ایشی قیسساق بیلن اتمک.

فرفیون t.farfiun: آوی ترنک.

فرق farq: مص. [ع] آییрмаق، آیرالیق،
تفاوت.

فرق دادن farq dādan: مص. ل. بیر
بیریندن جدا بۇلماق آییрмаق، تفاوتلی
بۇلماق.

فرق farq: ۱. [ع] کله آراسی، ساجینگ
اورتا آراسینینگ خطی.

فرقان farqān: مص. [ع] آییрмаق، بیر
بیریندن جدا اتمک، حقى ناحق دان
یعنى باطلدن سایلایان، حقى و
باطلى ساییغاریان، بیر بیریندن
سلجریان، قرآن.

فرقت t.forqat: مص. [ع] آیرالیق،
جدالیق، داشلیق.

فرقه ferqe: توپار، دسته، طایفا، تیره.
فرم t.faram: قایغی، غم، یورک
دارلیقى، توقات لیق، یورک قیساما.

فرم form: شکل، فوروم، دۆرمۆش،
گۆرنۆش، داش گۆرنۆش، اندام، بوی.

فرمان t.farmān: ۱. امر، حکم، یارلیق،
بویروق، اولی آدم طرافدان یازیلیب



بریلیان بویروق، پرمان، عربچه فرمان
دیییلیار، ۲. فارسچه ماشینینگ
رولینه قالبرکنده فرمان دیییلیار.

فرمانبر farmān-bar: بویروغا بۇيۇن
انگیان، مطیع آدم.

فرماندار farmān-dār: ص. حکم
ادیجی، شهرینگ حکمرانی، حاکمی،
شهرستانینگ ایشلرینی اداره ایدیان
آدم، استاندارینگ قول آستینده بۇلان
آدم، شهر حاکمی.

فرمانده farmān-de: ص. فا. فرمان
بریان آدم، سربازلار فرمان بریان،
سرکرده، بویروق بریان آدم، قشون
باشلیغی.

فرمانده هزار سرباز
farmāndeh-e-hezār-sarbāz:

مونگ باشی.

فرمول formul: [فر] ۱. قاعده،
دوزگون، اسلوب، گۆرکزمه، شیمی
آدالغاسینده بلگیلری قیسغالتما ،
یوغلوران چیگ مالی شیمی
اصولینده گۆرکزیلمک اوچین
ایشلنیار.

فرناس farnās: ص. غافل، نادان،
سامسیق، توتغایلی.

فرناس farnās: ص. [ع] قاتی باتیر،
قورقمازاق، یولبارس سیس و
تایخانلارینگ باشلیغی.

فرندل farandal: ۱. گلین گلی.

فرنگ farang: ا. افرنگ، اروپا خاصده
فرانسه فرنگستان هم دیییلیار،
اصلینده فرانگ سۆزۆندن آلینان ژرمن
نژادیندن بۇلان قوم، فرنگان جمع.

فرو بردن foru-bordan: مص. ل. ۱.
اتهگه ایندرمک، چومدورمک، آشغه
گتیرمک، ۲. یوویتماق.

فروتن foru-tan: ص. مر. پس پاللیک،
اوزونی کیچی توتیان، منلیک سیز،
کیچی گۆوینلی.

فروختن foruxtan: مص. م. بیرینه
بیر زادی ساتیب بهاسینی آلماق،
ساتماق پولی بیلن، بیرینه بیر زادی
تابشیرماق.

فروختن foruxtan: مص. ل.
افروختن، یاقماق، اود برمک،
توتاشدیرماق.

فرود *forud*: آشاق، آست، اتک، یوقار
دال. فرود آوردن: آشاق دوشورمک،
اته‌گه ایندرمک.

فرودگاه *forudgāh*: مر. قونالغا،
اوچیانینگ قونیب و اوچیان یری.
اینالگه، قونالغا و بیله‌کی قوریلان
دستگاه‌لاری بیلن.

فرودین *farwadin*: ا. مخفف
فروردین، فروردینی ینگلدیپ آیینمه.
فروردین *farwardin*: خورشیدی
بیل حسابینینگ بیرینجی آیی.

فرورفتن *foru-raftan*: مص. ل. باش
آشاق گیتمک، چومماک، باش آشاق
اینمک.

فروزان *foruzān*: ص. فا. پارلاق،
یاغتی، یالدیراق، یاغتی بریجی،
یاغتی‌لیق، یانیب دوران،
یاغتی‌لاندیریپ دوران.

فروزان‌فر *foruzān-far*:
ص. مر. پارلاق‌لیق، یالدیراق‌لیق.

فروزیدن *foruzidan*: مص. م.
یاقاماق، و (مص. ل) یانماق،
یالدیراماق.

فروشگاه *foru-šgāh*: مر. زات
ساتیلیان یر، ماتا ساتیلیان یر، دکان،
مغازه.

فروغ *foruq*: یاغتی‌لیق، نور، گونونگ
و اودونگ شعله‌سی، (شعله‌سی)
اودونگ یالینی، یاغتی‌سی.

فروکش *forukeš*: ص. فا. قایتغین‌لیق،
اته‌گه اینینجی، اته‌گه اینمه، آشاق
دوشیجی، کوشیمه.

فروماندن *foru-māndan*: مص. ل.
بیچاره بۇلماق، ذلیل بۇلماق، آشاق
دوشمک، عجیز دوشمک، پسلمک.

فرومایه *forumāie*: ص. ناکس، پس،
گۇریپ، نادان، عقل‌سیز، یوغسول،
تنتک، هنارسیز، یارامان، ذلیل، عجیز.
فرونشستن *foru-nešastan*: مص. ل.
آشاق اؤتۇرماق، سسوندیرمک،
قایتغین‌لیق، قات‌لیق و بیر زادینگ
قیزغین‌لیغی.

فرهمند *farah-mand*: ص. ا. شان‌لی،
شوکت‌لی، دانا، پایخاسلی، عقل‌لی
۲. فره‌مند هم دیییلیپ دیر.

فرهنگ *farhang*: ادب ارکان بیلیم،

يالانچى.

فزون fozun: ص. كوپ كان، زياد،
كانراک، آرتيىق، فزونى، افزونى،
كۆپلۈك، كانلىك، آرتىقلىق.

فساد fesād: م.ص. [ع] ۱. ضايه
لانماق، پورسىماق، ايسلنمك، آرادن
گيتمك، خرابلىق، يوق بولماق، ۲.
زيان، ضرر، ياراماز ايش اتمه، شرايش
اتمه، بوزغون چىلىق **باش پوزارلىق**.
فسانه fasāne: حكاات، ارتهكى، باى،
دسسان.

فستیوال festiwāl: [فر] شاغلانگ،
اولى مىيهمانچىلىق، اۇلى جشن،
آيدىم سازلى هنارلى بايرامچىلىق.

فسفر fosfor: [فر] شىمىيائى چىگ
مال اول اهلى اوتلاردا، حيوانلاردا و
حيوانلارنىڭ سونگك لرينده بولمالى،
رنكى آچىق سارى اۋنۇنگ خالصى
اليئنى طبيغته بۇلمالى دال،
قرانگقىده يىلدىريار، هواده لاولاپ
يانانسونگ (اود بۇلۇپ يانان سانگ)
اونى سۇودا ساقلانيار.

فسق fasq: م.ص. [ع] خدای

معرفت، علم اوقىماق، تربيت، مدنيت،
بىر قوم و ملتىنگ علمى و ادبى
اثرلرى ۲. سۆزلىگهده آيدىلىبدير،
فرهنگ.

فرياد faryād: ۱. سس، قىقىلىق، قاتى
سس، گويچلى سس، پرياد،
قالماغال.

فريادرسى faryād-rās: ص.
بىرىنىڭ قىقىلىغىنا يتيان، دادىنا
يتيشيان، عجىزىنگ دادينه يتيشيان،
كمگه يتيان.

فريب farib: آلدانمه، حيله،
آلداوويچ، مكىرلىك، يالان.

فريب faribā: ص. ۱. آلداجى، آلدايان،
آوادان، گوزل ۲. آلدانان معنيدە هم
آيدىلىبدير.

فريب خوردگى farib-xordegi:
م.ص.ل. آلدانماقلىق.

فريب خوردن farib-xordan:
م.ص.ل. آلدانماق.

فريب دادن farib-dādan: م.ص.ل.
آلداماق، پريب برمك.

فريب كار farib-kār: ص.مر آلداوويچ،

تعالی نینگ بویروغیندن چیقماق،
تله که بولغی سیز ایشلره یوز اورماق.
فسیل t.fosil. [فر] أونیق داش، یر
تانیما آدالغاسینده قدیمقی جانلی
موجوداتلار، یر تاپیلیان،
حیوانلارینگ سونگکی، دیش، صدف
وداشااویریلن زاتلار.

فشار fešār: ۱. زور و آغیرلیق،
بیری نینگ اوستونه اینمه گی، قیناما،
زورلاما.

فشار خون t.fešār-xun. مر. قانینگ
آقیمی نینگ گویجی، اگرده دامارلاردا
قان گوجیرگه سه یعنی حددن کچسه
قان کسلینی دؤردیار.

فشار دادن fešār-dadan: ایتکله مه،
قیسماق، باسماق، قیناما.

فشردن fešordan: مص. سیقماق،
قیسماق، بیر زادینگ سیقیپ
سووینی آماق.

فشرده fešorde: ینجام، ینغناقلی،
اوستی اوستینه، ین ین.

فشنگ fešang: فشنگ، ایچی
داری لی گولله.

فصاحت fesāht: مص. [ع] (=)
فصاحة) دیلی ینگیل، دیله وارلیق،
کپه چیرلیک، سخن ورلیک.

فصل fasl: مص. [ع] بۆلمک، آراسینی
آییرماق، آراسینی آچماق، کسمک،
چاپماق.

فصل t.fasl. [ع] ایکی زادینگ آراسی،
کتابینگ اوزیاشداق بوله گی،
تیکه سی، ییلینگ دورتن بیر
بوله گی، یاز تومیس، گویز، قیش بولوم.

فصیح fasih: مص. [ع] دیله وار، کپه
چیر، سخنور.

فصیل t.fasil. [ع] کوله دفار، دفارینگ
ایچی، شهرینگ ایچی.

فضائل fazā'1: [ع] ۱. فضایل،
تفاوتلی لیق، آرتیقماچلیق، ۲. علم ده
معرفت ده یوقار درجه ده لیک، جمع
فضیلت.

فضاحت tfazāhat. مص. (= فضاحة)
ارسوالیق، اوتانچ سیزلیق.

فضل tfazl. [ع] ۱. جومارتلیق،
خیرات، تفاوتلی لیق، کۆپلوک،
یاغشی لیق، ۲. علم بیلیم، خدای



ن



د

- تعالی نینگ صفت لاری نینگ بیرى. فطره fetre: [ع] (= فطرة) زكات فطر، اندامینگ زكاتى، عيد فطرده بریلیان فطره.
- فضول fozul: [ع] ۱. جمع فضل، فضل لر، ۲. آرتیقماچ لیق معنیده و آرتیب قالان حاجتینگدان زیاد اندامدان چیقیان زات، ۲. بولغى سیز گپله یان بیدرک یانگرایان آدم، گپچی، فضولات جمع.
- فضولی fozuli: ص. [ع] بیدرک پوچ ایش اتمک، بیهوده غیرى لرینگ ایشینه قاتیشماق، کپ گزديرمکلیک، کپچی لیک، فضول چیلیق، شوغول چیلیق، شوغول لیق.
- فضیح fazih: ص. [ع] رسوا، آبرای سیز. فضیحت tfozul: [ع] مسخره چیلیق، ارسوالیق، اوتانچ سیزلیق، آدى یامانلیق، بدنام لیق فضائح جمع.
- فطر fetr: مص. [ع] آغیز آچماق، آزارا آیی قوتاریپ آغیز آچماق، عيد فطر، رمضان آیی تمام بولانده توتولیان عید.
- فطر fetr: [ع] کومه لک، بیرلیگی فطرة. فطرت tfetrat: [ع] طبیعت، بولوش انسانینگ طبیعی صفتی، یارادیلیش.
- فطره fetre: [ع] (= فطرة) زكات فطر، اندامینگ زكاتى، عيد فطرده بریلیان فطره.
- فعال fe'āl: [ع] جمع فعل، فعل لر، ایشلر، کارلر، حرکت لر.
- فعال fa'āl: ص. [ع] ایشی قایدوسیز ایشلیان، ارجل، ایشنگگیر، زحمتکش، کوب زحمت چکیان تلاشلی.
- فعال tfa'āl: [ع] اونگات ایش، ثواب ایش، خیر ایش.
- فعل tfa'l: [ع] ایش عمل، یوزلگه یوزوش، قاعده، دوزگون غیمیلدی.
- فعلاً fe'lā: شوندى، ایندى، حاضرچاک، حاضرلیکچه.
- فغان tfeqān: انگشاشیک، آغی، اینگرامه، آه، ناله.
- فقدان feqdān: مص. [ع] یتیرمک، الدن برمک، یتگی، یتیرمک، یتیمک، گم بولماق، یوقلوق، آرادان چیقماق لیق.
- فقر tfaqr: مص. [ع] قزل دارلیق، یوغسول لیق، درویش لیک.
- فقط faqat: ق. [ع] دینگه، یالنگیز، یکه،

- بقط. **فلات** tfalāt. [ع] چول، بیابان، دوز
 صحرا، اوت سیز سوسیز چول فلوات
 جمع.
- فلاح** falāh: [ع] ۱. آزادلیق، دینچلیق،
 ینگیشرلیک، اوستونلیک، ۲. یاغشی
 حال، یاغشی یاغدا۱.
- فلاح** fallāh: ص. [ع] اکرانچی دایخان،
 تایخان، اکینچی.
- فلاح** tfalāhat: مص. [ع] (= فلاحه)
 دایخانچیلیق، تایخانچیلیق،
 اکرانچیلیق.
- فلاسفه** falāsefe: [ع] جمع فیلسوف.
- فلاکت** falākat: ۱. بیچاره‌لیک،
 بدبختلیق، حورلیق، عجیزلیک،
 قولی دارلیق، یارامازلیق، شوملیق.
- فلان** ۱. [ع] بللی سیز آدم، بللی سیز
 آدما اشاره، فلان.
- فلج** falj: ۱. آغاچ قاپی نینگ قولپی،
 قافی سیرتی نینگ زنجیری، فلجم
 هم دیلیلپ دیر.
- فلج** falaj: مص. [ع] درد بلا دچار
 بؤلماق، ال ایاق یا اندامینگ بیر طرفی
 ایشدن دوشمک، ال آیاغی ایسغیندن
- فقید faqid: ص. [ع] بیتن، الدن گیدن،
 یوغلان، وفات بؤلان آزادان چیقان،
 دنیادن قایدان.
- فقیر** faqir: ص. [ع] الی دار، قولی دار،
 ماتاچ، یوغسول درویش، فقراء جمع.
- فقیرانه** faqhrāne: ص. [ع]
 درویشلر یالی، فقیرلر یالی،
 یوغسوللر یالی.
- فقیه** faqeh: ص. [ع] دانا، دانشمند،
 عالیم، بیلیملی، فراستلی فقه
 علمینده یوقار درجه ده بؤلان، دین
 یوللارین دوشوندیریان روحانی
 بؤلان، فقها جمع.
- فک** tfak. [فر] دنگیز دؤنگوزی، دریا
 آرسلانی.
- فک** fak: [ع] انگک، آرواره.
- فکر** tfekr. [ع] او۱، پکیر، کوی.
- فکر کردن** fekr-kardan: اویلانماق،
 کویلانمک.
- فکور** fakur: ص. اویلانشیقلی فکری
 بو لغت فارسجه پیدالانیلیار عربجه
 فکیر دیییلیار.

دوشمک، ایسماز بؤلماق.

کشتی.

فلز tfelaz [ع] دمیر.

فلک tfalak [ع] آسمان، چرخ،

فلس tfels [ع] قراپول، سگه، کفر

فلک، ییلدیزلرینگ گزیان اوغری،

چاپاغینگ تنگه سی.

اهلی ییلدیزلاری، آق مایانینگ

فلسفه tfalsafe [ع] (= فلسفه)

سویدینی (کهکشانلاری) اوز ایچینه

حکمت علمی مسائل لره اویلانश्ماق،

آلیان عالمینگ بوتین قوریلشی،

علمینگ عمله گلشینه دوره دیلشینه

افلاک جمع.

و حقیقتنه و باشلانغیچ زادینه بحث

فلکه falake: چاتریق تآرده تگه لک

ادیلمه.

میدان، فلکه.

فلفل tfel-fel. بورچ.

فلکی falaki: ص. ن. فلکه باغلی

فلفل فرنگی felfel farangi: ۱. گۆک

بۆلان عالم، ییلدیز تانیجی منجم.

بورچ.

فلورن tfeloren [فر] هلندینگ پولی

فلق falaq: مص. [ع] اویماق، یارماق

و بیر نیچه اروپا یورتلرده دورلی

دیلیک، یرینگ یاریغی.

نرخلاری بار بؤلمالی.

فلق tfalq [ع] ۱. دانگ آغاران وقتی،

فن tfan [ع] یاغدا، دۆرمۆش، هیل،

دانگ وقتی، داغینگ یاریغی آرالیغی،

هنر، افنان، و فنون جمع.

غایا ۲. همه خلقلار، اهلی آدملا.

فناء fanā: مص. [ع] یوغالماق آرادان

فلک tfalak: ۱. فلکه، اورتاسینا یوپ

گیتمک، یوقلیق، نابودلیق، باقی لیق

دانگیلان آغاچ، گناهکأرینگ آیاغینی

دال.

اونگا باغلاپ شاللاق اوریلیار، ۲.

فنان fanān: ص. [ع] ۱. هنر ایه سی،

عربچه فلک دیییلیار آیاقدان فالاق

هنرمند، ۲. گورخر دییپ-ده آیدیلیب

آسما.

دیر.

فلک tfolk [ع] سفینه، گامی، ناو،

فنجان fenjān: ۱. جای ایچیلیان

- كأسه، كىچى كاسه، استكانىنگ بىر كۆرنۈشى.
- فندق tfandoq. يىندق.
- فندق fondoq: مھمانخانى، كرون سرائى.
- فندق tfandak. چاقماقلى داش، اونونگ بىلن اود ياقىليار.
- فنون fonun: [ع] ۱. جمع فن، فنلر، هينارلر، ۲. فارسى ده صنعت و هنار دىيپ ده آيدىليار.
- فوائد fawā'ed: [ع] پيدالار، نپلار، بافيتلر، گيرده جىلر.
- فواره fawāre: ص. [ع] مۇنث فوار، جوشىجى، پوزكمه، چشمه دن جوشىپ چودىرلىپ چىقان سو، سۇو چوودورىم.
- فواصل fawāsel: [ع] جمع فاصله، آراچاك، ايكي زادينگ آرا اولچكى، اوزاقلىنى.
- فوت fut: مص. [ع] اولمك، آزادان چىقماق، يوغالماق، يزق. بۇلماق، مرحوم بۇلماق.
- فوت tfut. اوفله مه، چوفله مه.
- فوت tfoot. [انگ] آياق، بوى اولچگىنىنگ بىر ليگى اول ۳۰/۴۸ سانتى متر بىلن برابر يا ۱۲ اينچ، ۵۰ فوت (۵۰ آياق) تخمينا مزنده ۱۵ درع بوليار.
- فوتبال tfutbāl. انگ توپ اوينى، آياق بىلن اويناليان اويون، ايكي دسته اون بىر آدم بۇلۇپ اويناليان توپ اوينى، فوتبال.
- فوج fow: مص. [ع] جماعت، بولگ، هنگ، كۇچچوليك، تويار، افواج جمع.
- فوران fawarān: مص. [ع] قايناماق، جۇشماق، چشمه دن يا لوله دن سۇو ضاريلى جوشىپ چىقماق، پوركمك، سۇو چوديرش، سۇو چوودورىم.
- فوريه tfewriye. [فر] فرنگى يىلىنىنگ ايكىنجى آيى.
- فوزالكلام fuz-ol-kalām. قرآن.
- فوق fawq: ا. [ع] بلنده قالماق، بلنده قالماق، آشاق دال ۲. فلسفه آدالغاسيندا آنكرى باش كمالا يتن.
- فوق fawq: مص. [ع] يۇقارى، اۆست، يۇقارى قالماق، يۇقار سايماق، علم ده

آیدیلان عربچادا اؤلانیلمایار.

فوق العاده fawq-ol-'āde: [ع]

عادتدن داشاری، اوران گنگ، حسدن

آشامه اویتگه شیک فارسمه، یشگارلره

آیلیقدان آیری بریلیان پول.

فوقانی fawqāni: ص. ن. یوقارقی،

اوستکی، دفةکی.

فولاد fulād: ا. پولاد.

فولکلور folkelor: ا. [فر]

کویچیلیگی تانیمما، ایل آراسیندا

کونه دن قالان گینگ ادبیات، و داب

دستورلار، اول حککاتلاری،

ارتهکی لری، عامیانه آیدیملاری، اوز

ایچینه آیار، و همده بای و لاله

هوودی لردن عبارت.

فونتیک fonotik: ص. [فر] سسرلی،

آهنگلی، سسینگ علمی تایدان

یوغوریلماسی، سسرلرینگ اویلانیپ

بحث بولیان جای.

فونوگرافی fonogerāfi: ا. [فر]

سسلی یازماق، اصولی، سس

آلماغینگ یولی.

فهد tfahad: [ع] پلنگ، ییرتیجی

حیوان، فهود و فهد جمع.

فهرست tfehrest. کتابینگ اولینده یا

آخیریندا کتابینگ مضمونینی بیان

اتمک اوچین آرتدیریلیان ورقلار،

کاغذلار.

فهم fahm: مص. [ع] ۱. بيلمک،

دوشینمک، آنگماق، دوشونجه، آنک

بیلیم و سلجریش ۲. علم و دانش و

هر بیر زادینگ دوشونجهلیک

کویجی، افهام جمع.

فهماندن fahmandan: مص. م. بیر

زادی سوز و یا ام بیلن اشاره بیلن

دوشوندیرمک، سوز و

دوشوندیریشلیک بیلن آیدپ

بیلدیرمک، آنکلاتماق، کله سینه

قویماق، آنکدارماق.

فهمیدن fahmidan: مص. ل. [فاع]

دوشینمک، درک اتمک ایزینا یتمک،

آنگماق، سلجرمک، آنکشارماق.

فیاض fayyāz: ص. [ع] ۱. آقار سؤو و

دولی چشمه ۲. اوران سخی آدم،

جومارد آدم معنیده.

فی الحال fel-hāl: ق. [ع] دررو، شول

دمده، چالت.

فی الفور fel-fawr: ق. [ع] فوری،



درو، شول دمد.

فی المجلس fel-majles: ق. [ع] شول

جايدا، شول یرده.

فیزیوتراپی fiziyoterapi: ا. [فر]

فیزیکی طبیبچیلیک، طبیبچیلیک

اتمک فیزیکی یولی، نور، ایسسیلیق

ورزش بیلن.

فیزیولوژی fiziyołoži: ا. [فر]

جانلی لارا، جاندارلارا علم تایدان

بولان وظیفه لر، جاندارلارینگ

اندامی نینگ بیر-بیرینه باغلی لیغی

باردا بحث ادیان علم.

فیروز firuz: ص. یئنگیش.

اوستون لیک، آرزو وینا یتن.

فیصل tfaysal: ص. [ع] حاکم، قاضی.

حق بیله باطلی سلجریب جدا ادیان.

حق بیله باطلی آیری ادیان حکم.

فیل fil: (= پیل) ا. پیل، قاتی اولی

حیوان.

فیلسوف filsuf: ا. ص. [فر] یونانی

چشمه دن، حکمتینگ دوستلاری.

حکیم، عالم، دانا، فلسفه بیلن

قیزیقلانیانلار، عربجا فیلسوف

دییلیار.

فیلم tfilm: [فر] صورت آماغا یورته

بۆلان نوار، مخصوص بۆلان نوار.

عکس آماغا تاییارلاناتان نوار.

فیئال tfināl: ص. [فر] سونگی، آخری.

یاریشینگ سونگی، ورزش یاریشینگ

اینگ سونگی.



ق qe: عرب اليب بى نينگ يگريم
دوردينجى حرفى ابجد حساييندا
(۱۰۰).

قائد qā'ed: ا.فا. [ع] سردار، باشليق،
اوردانگ باشليغى، قواد و قاده جمع.
قائل qā'el: ا.فا. [ع] گوینده، آيديجى،
گورله يجى، بيان اديجى، سۆزله يجى.
قائم tqā'em: ا.فا. [ع] آياق اوسته دوران،
برک، مأكام، دورنوقلى، برقرار. قائم
آل محمد: اون ايکينجى امامينگ
لقمى، امام زمان، صاحب الزمان.

قائم مقام tqā'em-maqām
ص.مر.اورين باسار، بيرى نينگ يرينه
اوتورپ اۇنۇنگ ايشيني يرينه
يتيريان، اۋرون توتيان.

قاب tqāb: ترک سۆزى، تاباق.
قاب tqāb: [ع] مقدار، اۆلچک، چن،
چاق.

قابض tqā'ez: ا.فا. [ع] توتوجى،
يومروغا ساليجى، دارالديجى، قهر
بيله چکيجى.

قابل tqābel: ا.فا. [ع] حالايجى،

ياراشيقلی، قبول اديجی تجربه‌لی،
گله‌شیک‌لی، لایق بیر ایشی یا
دورمیشی حالاب قبول ادن، حالانان،
اینانیلان، حالانیجی.

قابلمه qāblame: میسگه.

قابلیت tqābelyat. مص. [ع]

ياراشيقلی‌لیق، لایق‌لیق، تاییارلیق
جرات، بیر ایشی و دورمیشی حالاب
تاییار اتمک‌لیگه ياراشيقلی بۇلماق.

قابوس qābus. ا. ص. [ع] یاغشی
آودان آدم، گورنیکی آدم.

قاییدن qāpidan: قابساماق، قاقیب
آلماق، قاپماق.

قاتل tqātel. فا. [ع] اولدریجی، آدم
اولدریجی، قانخور، قتله جمع.

قاجار tqājār. [ت] قاتی گیدیجی
چالت گیدیجی، ترکمن طایفاسی،

بیرینجی شاه عباسینگ زمانینده
اولارینگ بیر بولگی آسترآباددا
مسکن توتیارلار، قاجار پادشاه‌لری
بۇلسا، شوی طایفادن اکن‌لر.

قاجاق qāčāq. ا. [ت] ماخود از ترکی

دولتینگ اختیارینده بۇلان آلیش
بریش اتمه‌گی قاداغان ادیلن زادلاری
ساتماق، قاداغان بۇلان زاتلار، قدغن
ادیلن زاتلاری داشاری یۇرتدان
گتیریپ ساتماق.

قاجاقچی qāčāq-či. ا. ص. [ت]

قاجاق زادلاری آلیپ ساتیان.

قارچ tqārč. کومه‌لک.

قارعة qāre'et. ا. فا. [ع] مۇنث قارع،

۱. یۇلۇنگ آنگری باش بوله‌گی،

قیامت. ۲. بلا و زمانینگ واقاسی،

قویغونی.

قاری qāri. ا. فا. [ع] اوقیجی، قرآن

اوقییان، قرآنی یاددان بیلیان آدم،

قاری.

قاسم qāsem. ا. فا. [ع] پایلايیجی،

بولیجی، قسمت ادیجی.

قاش tqāš. ماخود از ترکی، ترک

سۆزۈنن ایه‌رینگ قاشی، قاوی‌نینگ

دیلمی.

قاشق qāšoq. ا. ترک سۆزۈندن، قلام،

چمچه.

قاصد t.qāsed. فا. [ع] بیر ایشه قصد

ادیجی، ساوچی، چاپار، سارغیت
اکدیجی، خط قاتنادیجی، خبرچی.

قاصدک t.qāsedak. توزغا باباتلیک،

شیردیش، شگرک.

قاصر t.qāser. فا. [ع] ۱. قایرا

چکلیجی، قایرا دوریجی، ۲. قیسغا،
یتمزلیک، کلتلیک.

قاضی t.qāzi. فا. [ع] حکم ادیجی

شریعتہ حکم بریجی.

قاضی الحاجات qāzi-ol-hājāt:

حاجت لاری بتریجی، خدای
تعالی نینگ صفت لارنینگ بیرى.

قاطر qāter: ۱. ترکی سۆزوندن: قاطر،

اشکدن اولی آطدان کیچی.

قاطع t.qāte. فا. [ع] کسیجی،

چاپیجی، اوزیل - کسیل، کسگیت.

قاعدہ t.qā'ede. فا. [ع] مؤنث قاعد،

اساس، پایه، دویپ، قانون دوزگون
قادا، قواعد جمع.

قاف qāf: ۱. سیمرغینگ باشیندا

هوویرتگه لاپ حکات لاردا گلیان

داغی نینگ آدی بیر نیچه لر اونی

قفقاز سۆزنی ینگلیدیپ و بیر

نیچه سی پهلوی سۆزی بیلن باغلی

بیلیپ یا داغ بیله کۆکونی بیر

معنی ده بیلیارلر.

قافله t.qāfele. فا. [ع] قافله مؤنث

قافل، کروان، بیر بۆلک آدم بۆلۆپ
سفره گیدیپ اوریلمه، توپار.

قافیه t.qāfie. [ع] ریفما بۆیون سیرتی،

ینگسه، هر زادینگ آخری و ایزیندان

گیدیجی و قوشغی نینگ بییتی نینگ

آخرقی سۆزلری نینگ سازلاشیپ

کلمگی، ریفما، مثلاً: آغاز و آواز یاده

آلدى گلدى دیین یالی.

قال qāl: مص. آیتماق، سۆز آیتماق.

گوررونک اتمک، کپله شیک،

سۆزله شیک، آیدیشیق.

قالب t.qāleb. [ع] قالبب آلما، اولچک

قابى، قالبب.

قالی t.qāli. هالی.

قالی باف qāli-bāf: هالی دوқијی،

هالی دوқима بیله قیزیقلانیان.

قالیچه tqāliche. حالچه.

قامت tqāmat. [ع] بوی، اندام،

اوزینلیق، آدملاری اذانندن سؤنگ

نمازه گلینگ دییپ چاغیرماسی اذان

چاقیلیغی، قامات جمع.

قاموس tqāmus. [ع] دریا، دریانینگ

اورتاسی، دریا آراسی، اولی دریا،

چونگگیر دنگیزینگ اینگ ترینگ

یری ۲. عربی لغت کتابی، عموماً

سؤزلیک. قوامیس جمع.

قانع tqāne. فا. [ع] قناعت ادیجی

قسمتینه و یتنینه راضی بۇلان

طماسی آز بۇلان، پایینه قسمتینه

راضی آدم، قناعتلی، اینانان

قانون tqānun. [ع] ۱. اندازه و اؤلچک

قادا، ۲. دولت و اسلامی شورا

مجلسی طرفندن، نظم دوزگون

ساقلاماغا و کوپچیلیگینگ ایشینی

اداره اتمک اوچین دوزیلن قادالار،

دستور و حکملر یرینه یتیریلمگی

همملره حکمان بۇلان دستورلار،

شيله قادالار، دستورلار، مجلس

طرفیندان قبول ادیلن، ۳. ساز قورال

لاری نینگ بیرى، ۴. طبیبچیلیک

حقینده ابوعلى سینانینگ یازان

کتاب لاری نینگ بیرى نینگ آدی.

قاهر qāher: ا. فا. [ع] اوستم بولماق،

ینگمک، ال اؤکده لیک، شامخ، بییک،

بلند، قواهر جمع.

قایق qāyeq: ا. ترکی سؤزوندن: کیچی

پاروخود، کیچی گامی.

قباحت qebāhat: مص. [ع]

تلهک لیک پیسریک، رسوالیق،

یارامازلیق، اریدلیک، اوتانچ، عیب.

قبر tqabr. [ع] گور، مزار، اولی نینگ

جایلانیان چوقوری، قبر.

قبرستان tqabr-estān. مر. گورستان

قونامچیلیق.

قبض qabz: مص. [ع] آلماق، اله

آلماق، دارالتماق، فارسچا یازغی و

سند، اوینگ قارشى سینده پول یا

باشغا بیر زات آلماق.

قبضه tqabze. [ع] ۱. بیر قیسیم بیر

زاتدان بیر قیسیم، قیسیمه آلم،

الینگ آیاسی یالی زات ۲. پیچاقینگ بیر آتانگ اوغلانلاری.

وقیلیجینگ دسته سی ساپ قتال qattāl: ص. [ع] قاتی اۆلدورجی.

قبل tqabel: [ع] اونگ، اوینچاک، ایلکی. قتال qetāl: مص. [ع] اورشماق، اولدورمک، سواشماق.

قبل tqabal: [ع] ۱. اوغور، (اونگ) طرف، ۲. جیدام و گویچ معنیده. قتل qatl: مص. [ع] اولدورمک، آرادان چیقارماق، نابود اتمک.

قبله tqeble: [ع] اوغور، یان نماز اوقومالی بولیناندا باقیلیان طرف قبله طرفی، کعبه طرف، کعبه قارشى، بیت الله قارشى، هجرتینگ اکینجی سنه سینده رجب آینده

مسلمانلارینگ قبله سی مکه بولدی، اونگ مسلمانلارینگ قبله سی بیت المقدس اکن. قدر qad: مص. [ع] ۱. ديلمک، یارماق، اوزین لیغینا ایکی بولمک ۲. اوزینلین، بوی یۇقاری معنیده، قدود جمع. قدار qadār: ستم ادیجی، حاین. قدخ tqadah: چاناق.

قدر qadr: مص. [ع] ۱. اۆلچه مک، بیر زادی اۆلچه مک ۲. طاقت، جیدام، گویچ لی لیك معنیده. قدر qadar: ۱. [ع] ۱. اۆلچک، بیر زادینگ اۆلچه گی.

قبول qabul: مص. [ع] آلقاق، بیریندن بیر زادی آلقاق، قبول اتمک. قدرت qodrat: مص. [ع] باشارماق، گویچ لی بۇلقاق، گویچ، قوات، جیدام، گویچ، قوریل ی، خدای تسمالی نینگ بویروغی، قوجور، ایشی انجام برماگه

کوشتینگ چاتماق، اقدار جمع. قبیله tqabile: [ع] طایفه، تیره، بۆلک، قباح جمع. قیسح qabih: ص. [ع] زشت، تسله که، پیس، نادوغری، اوتانچلی، اویات، قباح جمع.

قدس qods: مص. [ع] آراسسالانماق،

آراسسا بۇلماق، ياكىزە بولماق.

قدس t.qeds. [ع] آراسساليق، بهشت،

اورشلیم.

قدم tqadam. [ع] آرديم، اديم آياق،

آياق اولچىگى، اۈكجەيىلە، بارماق

آراليفى.

قدم qedam: ص. [ع] اونگده اوزال

ادىلن ايش، قديمقى، كۈنە.

قدمگاه qadamgāh: ا.مر. [ع.فا] قدم

جایی، آر دیم آر دیلان یر.

قدیم qadim:ص. [ع] اونگکی، گچن

زمان، اسگی، خدای تعالی نینگ

آدلارینینگ بیرى، قداما جمع.

قراء qarā':ص. [ع] قرآنی اونگات

اوقییان، قرائی: قرآن اوقیماقلیق،

قرآن اوقیجی لیق.

قراء qerā' [ع] جمع قاری، قرآن

اوقییان و عابد معنیده.

قرائت qerā'at: مص. [ع] اوقيماق،

قرآن، کتاب و روزنامه اوقیماق.

قرار qarār: مص. [ع] ۱. آسوده

بۆلماق، دینیچ آماق، جای آماق ۲.

بیر مسئله باراده چیقاریلان حکم ۳.

عهد و پیمان معنیده.

قرارداد *qarār-dād*: امر. [ع.فا] عهد،

بیمان، شرط نامہ.

قرارگاه t qarār-gāh. مر. [ع.فا] دینچ

آلماق و يرلشمك، مسكن، اوى.

قراقروت t.qarāqurut.مر. قره

قروت، قاراقوروت.

قرآن tqorān. [ع] قرآن، قرآن مجید،

قرآن کریم۔

قربت t.qorbat.مص. [ع] ياقينليق

طاعت عبادت و یاغشی ایشلراوچین

خداى تعالىغا ياقين بۇلماقلىق،

قرب و قربات جمع.

قرص qors: [ع] ۱. تگلی چۆری،

گونونگ تگلاگی، تگلہ نیپ بجرلن

درمان ۲. ماکام و برک ماغنادا، اقراص

جمع.

قرض qarz: مص. [ع] کسمک،

بولمک، مزد برمک، شعر آیتماق.

قرض t:qarz [ع] وام، قرض، قروض

جمع.

قرطاس t.qartās. [ع] کاغذ قراطیس

جمع.

قرعه t.qor'e. [ع] اولوش، پای و

نصیب، بیجه، بیر بۆلک کاغذ یا

باشغا بیر زات بیلن چک آتیب پای

بللنمک.

قرق t.qoroq. ساقلانان، منع ادیلن

قورالیان یر، قورالیان زات، بللی بیر

سانلی آدما خاصلانان و قورالیان یر.

قراقول t.qarqāwol. [ت] دره

حورازی، سولگون، میدان تاوینی.

قرقره qarqara: ص. [ع] قینغیرماق،

اشاک، کبتر سسی، قاتی گولکی،

قراقر جمع.

قرقره qerqere: ۱. تک، تیگیر، نخ،

ماشین ساپاق.

قرمز t.qermez. [ع] قیزیل رنگ،

قرمیزی.

قرن t.qarn. [ع] وقت، دوویر، زمان، یوز

ییل لیق دوویر، قرون جمع.

قرن t.qarn. [ع] قویون و سیغیر یالی

مالینگ شاخی، ایشیلن ساچ، عیال

لارینگ ساچی، قرون جمع.

قرن t.qaran. [ع] ۱. دویانی بیر بیرینه

باغلاماق، یوب بیلن ایکی دویانی

باغلاماق، دانگماق ۲. اوق یای، قیلیچ

و اوق یای یاشیگی.

قرن t.qaran. [ع] عربلارینگ بیر اوبا و

طایفاسینینگ آدی، اویرس قرنی بو

طایفادان بولیار.

قرب qarib: ص. [ع] ۱. یاقین، قولای

۲. قارینداش و قوم معنیده.

قریحه t.qariE. [ع] ۱. هر زادینگ

باشی، باشلانغیچ هوس و دوشونجه،

گویچ قنات طبعی بولان گویچ،

قوشغی آیتماق لیفا و کتابت، قرائح

جمع.

قزل آلا qezelālā: امر. اندامیندا

قیزیل خال لری بۆلن اتی قاتی

سویجی بالیق.

قزلباش t.qezel-bāš. مرت. شاه

اسماعیل نینگ قشونلارینگ بیر

بولوگی، اوزلریده شیعه مذهب لردن

دوزیلن پاپاقلاری قیزیل رنگده

ادیشی یالی جزا برمک، اولدیرانی
اولدیرمک قان آلاق، عار آلاق.

قصاص tqsaṣṣ.ص. بای آیدیان،
حکات آیدیان، داستان آیدیجی.

قصبه tqasabe [ع] اولی اویا، اولیراق
اوبه، بیرناچه اوبادان عبارت بولان
آبادی، کیچی شهرک، شهرجیک.

قصد qasd: مص. [ع] اور تاجہ یول

**يۈرۈمەك، ئورتە يۈرۈشلىك ارادە، ارادە
اتمەك، بىر ايشى اتمگى يۈرەگە
دوومەك، يۈزلەنگەلىك، قەصد مەقسەد**

قصه t.qesse. [ع] داستان، خبر، حدیث،
ارته کی، بای، قصه.

قصر tqasr [ع] قيسغالتماق، دورت
 رڪعتلى نمازى سفرده ايكي بولمك،
 يمعنى شونونگ ايكي رڪعتيني
 اوقيتماق.

قصر *qasr* [ع] کوشک، سرای، کاخ،
پادشاه‌لرینگ یا شایان جایی، قصور
جمع.

قصص qesas: [ع] جمع قصه،
قصه لار، حکات لار، ارته کی لر، روایتلار.

بولاندىنى اوچىن اولارا قىزلباش
دىليانمىش، سۇنگلر بوتىن صفويە
قىشونىنا ھم شوندىن سۇنگ قىزلباش
دىلن آد قالبار.

قسم tqesm.[ع] توپار، بۆلۈك، پيدا،
نصيب، پاى، بىر بولونن زادىنگ بىر
آزى، پاى اقسام جمع، اقسام جمع
جمع.

قسم qasam: ۱. [ع] سوگند، قسم، آنت،
قسم خوردن: آنت ایچمک، قسم
اتمک.

قسمت t̤qesmat [ع] نپ، اولوش،
نصیب، پای پیدا، قسم جمع.

قشلاق t̪qɛʃlɑq. [ت] ایسیسی یر،
مالدارلارینگ قیشینی گچیریان یری

قشنگ qešang:ص. گورنیکلی آوادان،
اوز، گورمه گوی، گوزل گلشیکلی.

قُشُون t:qoʃun. [ت] ارتش، قشون،
یپینین، حربی گویچلر، بیر یوردونگ
حربی گویچلر نینگ جمعی.

قصاص qesās: مص. [ع] جزا برمک،
جزا، تنبی، آدم اولدیرونه یا اورانا اوز

قصور qosur: مص. [ع] بیر ایشدن

ساقلانماق، بیر ایشی اتمکی قویماق،

عجیزلیکدن، یاغدا۱ سیزلیقدان قایرا

دورماق، خطا.

قصیده tgasede. [ع] ۱. قوشنی نینگ

بیر گورنوشی، بیرینه خاصلا نیب

قوشیلان قوشنی، اولده کویلنج

وعظ- نصیحت، حکمتدن بیان

ادیان ۲. بیرى نینگ ادرمن لیگی

اوپچین وصف ادیلیار یاده بیر آدم

تاریپلانیار، اؤنؤنگ بیرینجی

بیتى نینگ ایکی سطرى (مصراعى)

بیله کی بیتلرینگ ایکینجی

سطرلری بیلن قافیہ لاشیار و سانى

۱۶ بیتدان کأن بؤلمالی، قصائد

جمع.

قصیر gasir: ص. [ع] کوله، قیسغا،

کلتہ، قصار و قصراء و قصائر جمع.

قضاء 'gazā: مص. [ع] ۱. حکم اتمک

بویروق اتمک، جایز بیلیمک، اولمک،

وفات بؤلماق ۲. خدای تعالی نینگ

تقدیری و حکمی معنیده.

قضات gozzāt: [ع] (= قضاة)

قاضی لار.

قضاوت gazāwat: قضا چشمه

سیندن حکم اتمک، ایکی یا بیر ناچه

آدمینگ آراسینی آق ساقفال چیلیق

ادیپ دوغورلاماق، قاضی چیلیق

اتمک، ایش کسک.

قضیه tgaziyye. [ع] خبر، بویروق،

حکم، فرمان، سؤز یا سؤزؤنگ

معنی سی تمام بؤلؤپ و اونگا حکم

بریپ بؤلیان.

قطار tqatār. [ع] تیرکلمه، ترکش

ادیلیمه.

قطران tqatarān. [ع] دامماق، دامجه

دامجه بؤلؤپ سووینگ دامماغی.

قطران tqetrān. [ع] صنوبر و اوروس

آغاجی یالی آغاچدان قارا نارسا نینگ

دامماغی بیلن قارا یاغ یالی زاد عمله

گلیپ، اول اکزما یالی کسله ام

ادیلیار، ام بولوپ بیلیار.

قطع 'qat: [ع] جمع قطعہ، کسیلن

بؤلک، کسيلمه لی یری، قطع و

قطعات جمع.

قطور qatur: ص. [ع] سولی یاغین،

قارسى چه قالینک پوکگی معنیده.

قعر qa'r: ۱. [ع] دویپ.

قفس qafas: ۱. دمیردن یا آغاچدان

ییرتیجی قوش یا حیوانلاری

ساقلاماق اوچین بجریلیان جای،

قفس.

قفل tqofl: [ع] قولپ، چیلیک.

ققنس tqofnös: ققنوس یونانی

کلمه دن، اول افسانه ای قوشلاردان

بؤلۆپ روایت ادیارلر، چونتى دشیك

دشیك و انایی گنگ اوزیندن آواز

چیقاریار و اول مونگ ییل عمر ادیان،

عمری آخره یتنده کوپ اودون

ییغناپدا اؤنؤنگ اؤستونده یاتیپ

کۆپ قانات اؤرۆپ اؤدی یاتیپ اوزی

هم یانیان.

قلب tqalb: [ع] یورک، قلوب جمع.

قلت qellat: مصر. [ع] آز بؤلماق، کم

بؤلماق، آزلیق، آز.

قلزم tqolzom: [ع] نیل دریاسی نینگ

یاقینینده و بحر احمرینگ قیراغیندا

یرله شن بندرینگ آدی، اول شهرینگ

آدی قلزم دنگیزینگ دریاسی بیله

اوتغاشیق بولانسونگ قلزم دییپ

آدلاندریلیپ دیر قلزم دییدیکی اولی

دنگیز دییدیکی.

قلع qal': مصر. [ع] یؤلماق، قازماق

دویپندن یؤلماق، کوکینی کسمک.

قلعه tqal'e: [ع] اولی دیفار، بوقی یر و

داغینگ بییک یری و بییک قلا، قلاع و

قلوع جمع.

قلندر tqalandar: ص. درویش،

صوفی، فانی دنیأدن ال چکیب آخرت

ایشینه باش قوشوپ یکه یاشایان

آدم.

قلیج tqelič: [ت] شمشیر، قیلچ.

قلیل qalil: ص. [ع] آز انتک، کم.

قمار tqomār: [ع] عموماً پوللی شرط

ادیپ اولانیلیان اویون، ورق، تخته نرد

و شطرنج یالی.

قمارباز qomār-bāz: ص. [ف.ع] اویون

اوینیان آدم، قمار اوینیان.

قماش tqomāš [ع] آوینجاق زات،

دوزگون، قادا.

اوی اسبابی، اوجیق بوجیق زاتلار،

قوه qowe: قویاغاز.

فارسچا نخی پارچه معنیده آیدیلیار،

قندیل tqandil [ع] آسغیلی چیرا،

اقمشه جمع.

بامدان آسیلیان چیرا، شله‌لی چیرا.

قمچی tqomči [ت] قامچی، بوز

قوة qowat: قوت - ا. [ع] گویج قوجور،

بوتور.

زور، قوی جمع.

قمر tqamar [ع] آی، اقمار جمع.

قوج quč: قوج.

قمری tqomari [ع] کـبـدردن

قوج کوهی quč-e-kuhi. اؤمغا.

کیچی‌راک چالجا یکی بیر بؤلؤپ

قوزک پا quzak-e-pā: ا. تیویوق،

یاشایان قوش، موسیجه، کیچی‌جک

توفق.

کبتر.

قماقم tqamqam [ع] اولی بیوروق،

قوریلنتای tqurultāy. ترکی مغولی

کوپ سان، دنگیز، اولی آدم سخی

چشمه سیندن آلنان، بیر اولی ایش

بییک آدم، یاش اولی سیس، قماقم

اوجین اوتورشیق ایدیان یؤریته توپار و

جمع.

کنگش اوجین یوریته اولی

قناعت qenā't: مصص. [ع] اوز

ییغنانشیق.

نصیبینگه راضی بؤلماق، آز زاددان

قوس قزح tqas-o-qazah. مر. [ع]

راضی بؤلماق، قناعتلی، گوز دوقلیق،

عالم قوشار.

راضی آدم، تیغشیتلی آدم.

قوی qawi: گویجلی، یازاولی، قواتلی،

قنبره qonbare: تورغای، چکیک.

زورلی.

قنطوریون tqatoreion. آلتین‌گل.

قهر کردن qahr-kardan: مصص. م. [ع]

قواعد qawā'ed: [ع] جمع قاعده،

فا. بیرینی ترک ادیب کیلشمه

سیزلیک، قاهر اتمک، اؤیکه اتمک.

قهرمان qahremān: ا.ص. پهلوان،

قوجورلی باتیر، قهرمان عربی معنیده

بؤلسا، وکیل و گیدهجی و

چیقداجی نینگ امینی دیپپ آیدیلیار.

قهقهه qah-qahe: مص. [ع] قاتی

گولمک قاهقاه ادیب گولمک.

قیاس qaiyās: مص. [ع] اؤلچمهک،

درنگهک، دنگلهک، درنگه و.

قیافه شناس qiyāfe-šenās: ص.

[فا.ع] سینچی، آدمینگ یوزونه سر

ادیپ تانیان، تانغیر آدم.

قیافه گرفتن qiyāfe-gereftan:

پانگقارماق، پوز برمک، چیشمک.

قیام qiyām: مص. [ع] آیاغا قالماق،

ایاق اؤستونده دورماق، دیکلمک،

ایاق اؤستونه قالماق.

قیامت tqiyāmat: [ع] دیکلمک،

اولومدن سؤنگ دیرلمک، قیمیلدی

آیاغا قالماق، آخر زمان، اول دنیا.

قید tqeyd: [ع] یوب، طناب، باغ مال

دانگلیان یوب، قیود و قیاد جمع یازما،

قیصر qeysar: ا. [ع] روم پادشاسی،

روم پادشاه لارینینگ قدیم قی لاقامی

قیاصر جمع.

قیطان tqeytān: [ع] یوپکدن

دوقولیان اینچه یوب، قیاطین جمع.

قیف tqif: ق. موش، موشی.

قل qeyl: مص. [ع] آیتماق، سؤز

آیتماق، گورونگدشلیک، گوررونک.

قیم qayyem: ا.ص. [ع] غرامتکش،

یتیمینگ ایشلرینه سر ایدیان

باشلیق، هواندار، هؤسسار.

قیمت qeymat: ا. [ع] بهاء، دگر، نرخ.

قیوم qeyum: ص. [ع] همیشهلیک،

برک، برقرار، دۇرنۇقلى، خدای

تعالی نینگ آدلاری نینگ بیرى.



باسيرغانماق، ديش گورمك، قارا
باسالاق باسماغى.
كابين *kābin*: ا. [فر] مھريه نكاحده
اويلەنن آدمينگ برمهلى اديليپ
بللەنن پولى، قالينگ، مھر.
كابين *kābin*: ا. [فر] كيچى اتاق،
گامى نينگ كيچى اتاقى.
كاپيتال *kāpitāl*: ا. [فر] سرمايه،
بايلىق، اسامس، كۆك، شرط اساسى،
شرط دويى كۆكى.
كاپيتاليسم *kāpitālism*: ا. [فر]
سرمايه دارليق، تجارت و صنعت
ايشلرينگ باشليغى، اهلى اؤنيان
اؤنوملر، ارکينده بولوپ كارخانه لرى و

ك *ke*: عرب اليب بى نينگ بگريم
باشينجى حرفى، ابجد حسايينده
(۲۰).
كائن *tkā'en*: فا. [ع] بارليق، بار بولان،
بار بوليچى، وجودى بۇلان.
كائنات *tkā'enāt*: فا. [ع] گۆكده دوران
زاتلار، يعنى قويوندىلار، حادثه لار،
بارلار، بار زاتلار، فارسچا: بيلديريم،
طوفان، قار، جمع كائنه.
كابل *kābol*: ا. [فر] يوقين طناب،
گامى نينگ بنديلى طنافى، تلفن دير،
تلگراف و برق اؤغرونا سؤوينگ و
يرينگ آشاغيندن چكليان سيم، كابل.
كابوس *tkābus*: [ع] قورقونچلى

کارآزموده *kār-āzmude*: ص. مف
ایش گورن، تجربه‌لی، ایشه چپر
بۇلان، ایشه اوکده‌لان.

کارآگاه *kār-āgāh*: ص. مر. ایشلره
آگاه آدم، هر بیر ایشینگ دوغورلیغنا
و دورموشینا خبرلی بولان؛ قدیم‌لار
جاسوس و منجم دیییلیار اکن، بو
گون آگاهی اداره‌سی‌نینک ایشکاری
دیپ آیدیلیار؛ گیزلین پلیس دیپیده
آیدیلیپ‌دیر.

کارآموز *kār-āmuz*: ص. فا. ایش
اوورونه‌جی، بیر کارخانه‌ده یا قورامادا
یادا باشغا بیر قورلوشیقدا ایش
اوورنیان آدم، تازه اوورنجه.

کاراته *kārāte*: ا. [فر] قاتی اورغی
اورمانک یولی، بو هم ورزشینگ بیر
گورنوشی بولوپ ال آیاق بیله
حریفینگی الدن گلدیگیندن فنی یولی
بیلن اورمالی ادیلن، کاراته آدیندا.
کارخانه *kār-xāne*: ا. مر.

ایشچی‌لرینگ ایشله‌یان جای، زاود،
کارخانه.

کارد *kādr*: ا. گزلیک، پیچاق، یاراغ.
کاردان *kārdān*: ص. فا. ایش بیلیجی،
ایش تانیجی، عاقل، دانا، ایشینه
چپر، اوکده.

آیری قوراملاری اوز ایستان
کۆنگلونه و میلینه گؤز آیلایان آدم.
کاتالوک *kātālok*: ا. [فر] یازیلان
آدلار و یا زاتلارینگ بهاسی،
اسپیسک.

کاتب *kāteb*: ا. فا. [ع] یازجی، میرزه،
سکرتر، کتاب، کاتبون جمع.

کاتولیک *kātolik*: ص. [فر] بو
بولسا، اوچ سانی مسیح دینی‌نینک
بیر بوله‌گی، مسیح دینی یعنی پاپه
عقیده‌لی بولوپ اؤنگا اوییان توپار.

کاج *kāj*: ا. همیشه گوگ آغاچ سروی
آغاچ، کاج، آرچا، یؤلکا.

کاخ *kāx*: ا. کؤشک، قصر، ناچه
اؤتاقلی اؤلی عمارت.

کادر *kādr*: ا. [فر] چار چوب، صورت
قابی، یرلیک، چاک، ارتشده بیر
دسته خدمت ایدیان افسرلرینگ،
اداره‌ده یا باشغا قورامه‌ده ایشلیان‌لار،
اهلی ایشکارلر.

کادو *kādo*: [فر] سوغات، تحفه،
سرپای، پشکش.

کاذب *kāzeb*: فا. [ع] آلدوچی، کذاب،
حیله‌گار، هیتیر، یالانچی، کذب جمع.
کار *kār*: ا. پیشه، ایش دایخانچیلیق و
اکرانچیلیق معنیده هم گلیار.

کارزار *kār-zār*: ۱. اُورۇش، سوووش، جنگ.

کارشناس *kār-šenās*: ص. فا. ایشه چاققانلان، بیلیملی بۆلان، ایشه تخصصی بۆلان، ایش تانیجی، ایشینه اوکده، چپر.

کارفرما *kār-farmā*: ص. فا. ایش ایه‌سی، کارخانه‌نینگ ایه‌سی، ایشلره بویروق بریان بویروقچی، فرمان بریجی.

کارگاه *kār-gāh*: ۱. مر. ایش ادیلیان جای، کارخانه، ایشچی‌لرینگ ایشلیان جای، اوستاخانا.

کارگر *kārgar*: ص. فا. ایشچی، ایشگار، کارگر.

کارگردان *kārgardān*: ص. فا. ایش دولاندیریان، ایشلری یولا بریان، ایش ترتیبینی بریان.

کارگزين *kārgozin*: ص. فا. ایشه بلله‌یان، ایشه سایلایان؛ کارگرنی؛ بیر دولتی ادارانگ یؤریته بۆلیمی، اونونگ وظیفه‌سی ایشگارلرینگ ایش سابقه‌سینی ساقلاپ مأموریت‌لرینی اویتگتمک‌لیک.

کارمزد *tkār-mozd*: مر. ایش حق، ایش مزدی، ال عذاب، ایشچی‌نینگ

ایش بتیریب آلیان پولی.

کارمند *tkār-mand*: ص. اداره ایشچی‌سی، اداره ایشکاری، ایشگار، ایشچی.

کارنامه *kār-nāme*: بیرینینگ ترجمه حالی و گچمیشی و ادن ایشلری‌نینگ نتیجه‌سی یازیلان بولمالی؛ شاگرد مدرسه‌لرینگ سیناو نتیجه‌سی یازیلان یازغی.

کاروان *tkār-wān*: کروان، بیر ناچه مسافر بۆلۆپ بیله مسافرتا گیدیان تۆیار.

کاسب *tkāseb*: فا. [ع] ساتیب آلیجی سووداگار، کاسیب، آلیش بریش ادیان آدم.

کاست *tkāset*: مص. آزلیق، کملیک. کاستن *kāstan*: مص. آزالتماق، کمک، کملمک، میزه‌مک.

کاسته شدن *kāste šodan*: مص. میزه‌مک‌لیک، آزالماق، کملمک.

کاسه *tkāse*: کاسه.

کاشتن *kāštan*: مص. م. اکمک، آغاچ اکمک و باشغا آرپا بۇغداي یالی یردن گوگریان اکین‌لرینگ تخمین ییره سفیب اکمک.

کاشف *tkāšef*: فا. آشکار ادیجی، یوزه

چیقارچی، تاپیچی اویلاب تاپیچی.
کاظم tkāzem. فا. [ع] قاهارینی
 یوووتیان جیداملی، قاهاری گلهمیان،
 دینج.

کاغذ kāqaz: کاغیذ، خط یازماق
 اوچین پیدالانیلیان نأرسه کاغیذ
 آدیندا.

کافر kāfer: [ع] دین سیز، خدایا
 سیغینمایان، کفار جمع.

کافه kāfe: ا. مر. [فر] مشتری لره
 ایمیت چای قهوه تاییارلاب بریلیان
 جای، کافه.

کافی kāfi: [ع] یترلیک، اعتبارلی،
 اینانچلی، بس، بولیار اتمه، بولا ره
کاکل tkākol: ساچ، دفانگ ساچی.

کال tkāl: ص. قورپ، یاغینینگ اثریندن
 اوییلان چوقور، اولی چوقور، سوو
 یری قازماق نتیجه سینده عمله گلیان
 چوقور، کاکیل.

کال kāl: ص. یتمه دیک میوه، چیک،
 یتیشمه دیک اییمیش، تال.

کالا tkālā: ماتا، اوی اسبابی، اگین
 اشیک.

کالبد tkāl-bod: قالب، گوره، بدن،
 اندام.

کام tkām: آغیز، مقصد، آرزو، ایسلگ.

کامپیوتر kāmputer: ا. انگ ماشین
 حسابینگ بیر هیللی، قین مسئله لری
 آز و قتده چوزماکی باشاریان دستگاه،
 اوزی ده قاتی یادکش حافظه لی
 بؤلمالی، هر حسابی و خطی قیل
 قیشارتمانی گوس گونی گورکزپ
 بیلیار.

کامل kāmel: ص. [ع] بتاوی،
 عیب سیز، کم سیز، بتین، کامل، دولی.
کامیاب kāmyāb: ص. فا. مقصده
 یتن، خوش بخت، بختلی، مرادینه
 یتن، آرزوینه یتن، نیتینه یتن،
 اوستونلیکلی.

کامیار kāmyār: ص. مر. کامیاب،
 بختلی، مرادینا یتن، خوش بخت.

کانال tkānāl: [فر] قنات، کاریز، ایکی
 دریانینگ آراسینا چکیلن سوو یولی،
 پرخود دیرو گامی نینگ قاتناب بیلیان
 سوو آرناسی، کانال، قاناو.

کاندیدا kāndidā: [فر] آدالان، بیر
 ایشه بللان، داوطلب، مجلس ده یاده
 باشغا بیر ایشه کوپ چیلیگینگ
 طرفیندان وکیل چیلیگه و یاش اولی لار
 یالی زادا بللنچک آدم.

کاوش kāwoš: دورجه له مه، پشه مه،
 دورمه.

کاویدن *kāwidan*: مص. م. دورمک،

دورجه لمک، اختارماق، يردن قازيب
چيقارماق.

کاه *kāh*: ا. سامان.

کاهش *tkāheš*: مر. آزالما، کلمه.

کاهگل *kāh-gel*: کهگل، پالچيقولى
سامان.

کاهل *kāhel*: ص. [ع] يالتا، قارى،
ايشر خوش يوقمايان، تنبل، عجيز،
سست.

کاهل *tkāhel*: [ع] ينگسه، گريش،
بويون آشاغى، کواهل جمع.
کاهو *kāhu*: ا. کؤو.

کباب *kabāb*: ا. شارا، کباب.

کبتر *tkabtar*: کيدر، کيدرى.

کبد *tkabed*: [ع] باغير، جگر، اکباد و
کبود جمع.

کبر *kebr*: ا. مص. اولۇليق، منليك،
پانگقاريش، اولومسيليک،

کبريت *kebrit*: ا. [ع] سوييشگه،
اووتلى چوب، کوکيرت.

کبک *kabk*: ا. کاکليک.

کبکنجير *tkabkanjir*: توراج.

کوک رنگ، ماوى.
کبير *kabir*: ص. [ع] اولى، بيىک، کبار و
کبراء جمع.

کبيره *kabire*: ص. [ع] مؤنث کبير،
اولى گناه، اولى يازيق، جنايت و زنا
يالى.

کپک زدن *kapak-zadan*:
هنگله مک.

کپل *kapal*: ا. ساغرى.

کپل سفيد *tkapal-sefid*: آق گوٲ
قوش.

کپور *kapur*: کفير، آونيق باليغينگ بير
گؤرنوشى، کپير.

کپيه *kopiye*: [فر] نسخه، اويکنمک.

کتاب *tketāb*: [ع] يازغى، چاپ بۇلان
ورق لار، کيتاپ، کتب جمع.

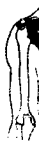
کتابت *ketābat*: مص. [ع] يازماق،
يازؤو.

کتف *tketr*: اگين، کورک، کپزه، گردن.
کتک *tkotak*: عصا، ال تاياق.

کتک زدن *kotak-zadan*: بيرينى
ناياق يا شاللاق بيلن اورماق،
ينچمک.

کتمان *ketmān*: مص. [ع] ياشيرماق،
بير زادى گيزگه مک، ياشيرماق،
ييفشيرماق.

کبود *kabud*: ص. گوک رنگ، قووى



کتیبه tkatibe. [ع] لشکرینگ بیر
بوله گسی، داشینگ و ش.م. یوزونه
یازیلان خط.

کثافت kesāfat: مص. [ع] کوفالمک،
اوست اوستینه بولماق و فارسی چه
آلانگدا بولاشیق لیک و هاپالیک
معنیده.

کثرت kesrat: مص. [ع] کویلمه،
کویلک، بوللیق.

کثیر kasir: ص. [ع] زیاد، کان.
کثیر 'kasir-ol-azlā: ا.م. [ع] چنبر،
چندبر.

کشیف kasif: ص. [ع] قوییی،
سوقاشیق آغیر، قالینگ، چرکلی
هاپا، بولاشیق.

کج kaj: ص. قیشیق، قینگیر، اگری
بوغری، دوغری بولمادیق، کج.

کج tkaj. بوکولمه دیک، چیک یوپک،
کژ یعنی قیشیق دیپ-ده آیدیلیار.

کجا kojā: کلمه استثناء: کدام جا،
نیرمه، هایسی یرده.

کچل kačal: ص. کل، ناساغلیق دان کله
ساجی دوکولن.

کد kad: ا. او، اوبا، اولوس.

کد kad(d): مص. [ع] ایشده آزار،
قین چیلیق چکمک.

کدبانو kad-bānu: ص. مر. اویلی
ایشیکلی عیال، اوی ایشی دوزگونلی
عیال.

کدخدا kad-xodā: ا.ص. ۱. آرچین،
اوبانینگ یاش اولی سی، اوبانینگ
باشلیغی اوی ایه سی ۲. عیاللی
آدماده آیدیلیار.

کدو tkadu. بیر یللیق اوسوملیک دن
عمله گلیان کادی.

کدورت kodurat: مص. [ع] قارالیک،
یورک قارالما، قارا بولماق، قارانگق
بولماق، یورک قیسماق.

کدوی سفید kadu-ye-sefid: سوو
کادی.

کذاب kazzāb: مص. [ع] قاتی
یالانچی، کذاب.

کذب kazb: مص. [ع] یالان آداماق،
یالان.

کر kar: ص. قولاغی اشیتمه یان، کر
قولاق.

کراراً kerāran: ص. [ع] تلیم گزک،
قایتا قایتا، قایتادان.

کرامت kerāmat: مص. [ع] اولولیک
اتمک، سخیلیق، جوماردلیق اتمک،

انایی گنگ ایش، بیریندن یوزه
چیقما، ولی لرینگ گورکزیا ن عادتدان



کدورت



کدو

جوماردلیق، اؤلؤلوق، خیر احسان
اتمک.

کرم kerm: ا. قورچیق؛ کرم خاکی و
سولیک و ش.م.

کرم ابریشم tker-m-e-abrišam: مر.
یوپک قورچینی.

کرم خاکی tker-m-xāki: سوغولجان.
کرنا karnā: ا.مر. اولی تویدیک، اولی

شیپور، اوروش تویدیگی، اوفله نیب
چالینیان ساز قورالی.

کر کر میش مرغ - ا مر. توقلی تای.
کره kare: مسگه، قاتیق دن اونیان یاغ.

کره korre: ایشک و اولاغینک
چاغاسی، ترکمن لار ایشک چاغاسینا

«تایخار» و اولاغینک چاغاسینا «تای»،
کره» دیبیان، اما ایکی سینه ده کره

دییبیپ ده آیدیلیان.

کریسمس kerismas: ا. [فر]

مسیحینک دوغان گونونه
گچیریلیان عید بایرام،

مسیحی لرینک دسامبرینک ۲۵.
گونى توتیان عیدی، کریسمس

بایرامی.

کریم karim: ص. [ع] جومارد، سخی
کرملى، کرام و کرماء جمع.

کریه karih: ص. [ع] اريد، یازاماز،

داشاری ایشلری اما اول
پیغمبرلارینک گورکزیان

معجزه سیندان آشاق اورندا دوریار.

کراوات tkerāwat: [فر] بوینه
داقیلیان بوکول.

کراحت kerāhat: مص. [ع]
ییگرنمک لیک، میل سیزلیک،

حالانمازلیق، حوشینگه گلمزلیک،
ناراضی بولماق.

کرباس karbās: ا. متقال، متا، بیز.
کردار kerdār: ا. مص. ایش، یوزلگه،

دوزگون، عمل.

کردگار kerd-egār: ص. ارجل
ایشنگر، خدای تعالی نینگ

صفتلارینک بیرى، و همده
بیلگشلى، بیلان معنیده.

کردن kardan: مص.م. یرینه یتیرمک،
انجام برمک.

کرشمه tkerešme: ملایم قارایش، ناز،
گوز قاش گرمه.

کرفس tkarafs: قارا اوق.
کرکس tkar-kas: بورکیت، قارتال.

کرکی korki(y): ا. [ع] دورنا.
کرگ kark: ا. کرگدن.

کرگدن tkargadan: کرک، کرگدن.
کرم tkeram: مص. [ع] سخی لیک،

هالانمادیق.

کراز *kozāz*: قوری یاقیپ یاندریب

باریان آغیری، ساویق هوانینگ

اثرینده دریده تاپیلیان یارا.

کژدم *tkaž-dom*: ایچیان.

کساد *kasād*: مص. [ع] رواج سیز،

سوداسی بولمایان، مشتری سیزلیک،

آلیجی نینگ یوقلیغی، سودا پوره مزلیک

کسالت *kasālat*: ا. مص. [ع]

عجیزلیک یاغدا ی سیزلیق،

قاوشاقلیق، سستلیق، حال سیزلیق،

ینگیل ناخوشلیق.

کسب *kasb*: مص. [ع] اونیم آماق، اله

کتیرمک، حاصل آماق.

کسبه *t.kasabe*: [ع] ایشدن آدما

دوشیان دوشاوینج، اله گلیان قازانچ.

کسبه *kasbe*: [ع] کاسب لر، جمع

کاسب.

کسل *kesel*: مص. [ع] سستلیق

اتمک، بیحاللیق، یاغدا ی سیزلیق.

کسوت *t.kesut*: [ع] اگین اشیک، کیم.

کسوف *kosuf*: مص. [ع] گون

توتولماغی شیلہ - ده اول آی یر بیلن

گونونگ آزالینیندا قالان وقتینده یوزه

چییقار، یعنی گونونگ

شعلہ لری نینگ یره یتمه گی نینگ

اؤنگونی آلیار.

کشاکش *kešākeš*: ا. مص.

چکه له شیک، هر طرفدان، هر یانندان

چکیلک، چکمک، و کنایه غم غصه

قایغی و گونده لیک واقا، حادثه، قولى

باغلی لیک معنیده.

کشاندن *kešāndan*: (= کشانیدن)

مص. م. بیر زادی یا بیرینی اؤزونگه

طرف چکمک، اوزینگا قارشى

دارتماق، سويره مک.

کشانه ران *tkešāne-ye-rān*.

چاتریق.

کشاورز *tkešāwarz*: مص. اکرانچی،

دایخان، تایخان.

کشت *kešt*: ا. مص. ۱. اکمک،

اکرانچیلیق ۲. اونیم معنیده.

کشت *t.košt*: مص. اولدورمک.

کشتار *t.koštār*: مص. ۱. قیرماق،

اولدورمک کوپ اولدورمک ۲. قویون

سیغیر اولدورمک.

کشتارگاه *t.koštār-gāh*: مر. مال

الدوریلیان جای، قویون سیغیر

اولدوریلیان یر، مال اولدوریلیان

یوریتہ یر.

کشتزار *keštzār*: اکیلن یر، اکین.

کشتکار *t.kešt-kār*: مص. دایخان

کشکول t:kaškul. درویش‌لرینگ
کاسه‌سی.

کشمش t:kešmeš. اوزوم.

کشمکش kešmakeš: چکه‌لشیک،

چکش بکش، سنه منه، دعوا، جنجل.

کشور kešwar: ا. ناچا شهر و ولایتدان

عبارت بۆلان یۇرت، مملکت، وطن.

کشیدن kešidan: مص. م. اوزالتماق،

چکمک، سويندرمک.

کشیش t:kešiš. مسیحی مذهبنینگ

آخونی.

کشیک keşik: ا. ترکی چشمه‌دن

قاراویل، ساقلايجی، ساقچی.

کعب ka'b: ا. [ع] سونگکونگ بوغونی.

کعبه ka'be: ا. [ع] بیت‌الله، دورت بورچ

اوی، بیت‌الحرام، مکه مسلمانلارینگ

زیارت ادیان اوی.

کف kaf: ا. [ع] ال، ال آیاسی، بیر

زادینگ یوزی، یا اوتاغینگ دالاغی.

کف kaff: مص. [ع] ساقلانماق،

دورماق، یایماق.

کفار kóffār: [ع] کافر، کافرلر.

کفاره kaffāre: ا. [ع] (= كفارة)

گنانینگ اوستینی اورتیان یوویان

نأرسه، آرازه توتماق و صدقه برمک

یالی.

تایخان، کشتکاری : زراعت اتمک،
دایخانچیلیق اتمک.

کشتن koštan: مص. م. جانلی‌نی

بیجان اتمک، اۆلدورمک.

کشته kešte: ا. قوری میوه، هلو، اریک

یالی میوه‌نینگ قاقی.

کشتی t:košti. مص. گوریش.

کشتی kašti: دنگیزده یعنی سووینگ

یوزینده یوریان پروخود گامی، یوک

اکیدیان، یولاقچی، قاتنادیان گامی

الته گامی‌نینگ اورشا و سواشا

باغلی‌سی هم بار.

کشتیان t:kašti-bān. ص. ناخدا،

پروخود سوریان، گامی سورجی

سی، گامی ایشچی‌سی.

کشتی‌گیر košti-gir: ص. فا. پهلوان

گورشیان.

کشف kašf: مص. [ع] آشکار اتمک

تاپماق، آچماق، اویلاب تاپماق،

دۆرمک.

کشف t:kašaf. ۱. پوشتیل، پیشباقا ۲.

آغیزی گینگ اولی کویره ۳. برج

فلکی‌نینگ دوردینجی آیی.

کشک kašk: ا. قوروش‌آق قوردینگ نهار

ادیلیان هیللی.

کشک kaškak: ا. دیز چاناق.

کفاف *kafāf*: یتریک، حاجته گؤرا بولماق، کم کاس بولماسیزلیق.

کفال *tkafāl*: یونانی چشمه دن: قرا بالیق، چؤنتالی.

کفالت *kafālat*: مص. [ع] (= کفالة) بیرینه کفیل بولماق، بیرینی بؤیون آتماق، بیر زادینگ غرامتنی بؤیون آتماق ها آدم بولسون ها زات بولسون.

کفایت *kefāit*: مص. [ع] (= کفایة) بس اتمک، بولیار اتمک یتیرلیکلی، کف پا *tkaf-e-pā*: آياق دابان.

کفتار *tkaftār*: سیرتلان. **کفتار** *kaftar*: ا. کبتر.

کفر *kofr*: مص. [ع] ناشکرلیک اتمک، ایمان دایره سیندن چیقماق، دین سیزلیق.

کفش *tkafš*: آياغا گییلیان گیکي، قایشردن تیکیلان آياق قاب، کؤووش. **کفشدوز** *kafš-duz*: ص. فا. کؤوش تیکیان.

کف کردن *kaf-kardan*: کوفریمک. **کفگیر** *kafgir*: ا. مر. کفگیر.

کفن *kafan*: مص. [ع] اورتمک گیدیرمک، اولی نینگ گیم لیگی، کفن بیله اولینی دوناماق.

کفیل *kafil*: مص. [ع] هوتده لنمه،

ضامین، غرامت کش، کفیل بولما، بؤیون آتما.

کل *kal*: ص. کچل، کل.

کل *kal*: ا. ارکک گچی، ارکک حیوان قویون و سیغیر و گچی و کییک یالی. **کل** *kol(l)*: ق. [ع] باری، همه سی، اهلی سی.

کلاب *kelāb*: [ع] ایتلر، جمع کلب.

کلات *kalāt*: ا. ۱. قالا، اوبه، کنت کیچی کنت، بؤلک اکرانچیلیق یر، داغ اؤستونده سالینیان قالا، ۲. نادر شانینگ زماننده خراسانینگ شهرلرینینگ بیرینده سالیان برک قلانینگ آدی.

کلاته *tkalāte*: کیچی قلا، کیچی اوبه، کنت.

کلاس *tkelās*: [فر] طبقه، درجه مرتبه، سافاق اوتاقی مکتب.

کلاسیک *kelāsik*: ص. [فر] اروپاده قدیمی یوزه چیقان ایلکینجی قاعده دوزگینه برابر گلیان درس، اول یونان و روم ادبیاتی دییپ آدلاندریلیب دیر خلاصه، مدرسه سافاغینا دگیشلی اؤل گلجک نسللره گؤرلده بؤلؤپ بیلجک ادبیات.

کلاسه *kelāse*: ا. [فر] قاتلاق قاتلاق

کلاه خود tkolāh-xud. مر. دمیردن
پاپاق، یۇرتتە اوروشلاردا اوندان
پیدالانیلیار.

کلب t.kalb. [ع] ایت، کلاب جمع.
کلب t.kelb. [ع] ۱. قاتی سۇوساما،
قاتی طامالی لیق ۲. آدمده یا ایتده
بۇلان قۇدۇز کسلی.

کلسترول kolesterol. ۱. [فر] سۇووق
یاغلی نارسه، مغز-اعصابدا، کبدده،
قاندا، اۇدده تاپیلیار.

کلفت koloft. ص. یۇقا دال، قالینگ،
پوکگی.

کلفت koloft: قیرناق، کنیز.
کلک kalak. ۱. حیلە، حقّ، مکیر،
جنجالچی.

کلم tkalam. گوگینگ یعنی
سبزی نینگ بیر گۇزنوشی، گوک
اۋنوم، کۈو یالی قات قات توغلاق
نارسه.

کلمه tkalame. [ع] سۆز، کپ.
کلوب tkolub. [فر] باشگاه، ییغناق
جایی، توپار اویشلویان یر.

کلوته kolute. ۱. باغیرداق.
کلوخ kolux. ۱. بۆلک کرییج، ترسک،
لونگگا، توپراق.

کله kalle: کله، باش.

اتمک، ترتیبه سالماق، پرونده نینگ
نمره سی.

کلاغ kelāq. ۱. اتی حرام قوش، قارغا
آدیندا.

کلاغ سبز kelāq-sabz. ۱. داراقلیق.
کلاف kalāf. ۱. (= کلافه) چرخا اورالان
(ساریلان) نخى یا یوپک کلابه و
کلاوه دییپ-ده آیدیلیار.

کلافه شدن kalāfe šodan: مص.
آلجیرانگ بولماق، باش آیلانماق،
حیران و آواره بولماق.

کلام kelām. [ع] سۆز، معنیل بۇلان
سۆز. کلام الله: قرآن مجید، خدای
تعالی نینگ سۆزی.

کلان kalān: ص. اولی، یوغین، پوکگی
هم-ده دییپ آیدیلیار.

کلانتری tkelāntari. نظمیه انتظامی
اداره سنینگ بیر بۆلومی، نیروی
انتظامی نینگ بیر بۆلومی.

کلاهبردار kolāh-bardar: ص. فا.
بیریندن بیر زادی آلداپ بیر حیلە
بیلن اله سالماق، آلماق، بوریک
قویوجی، قولاق کسن، پاپاق گیدریان،
اوغورلایجی.

کلاهبرداری kolāh-bardāri: آلداپ
حقّ-مکیرلیک بیلن قولا سالیجی.

کلیه tkolie. بوورک.

کم kam: ص. آز آلاق، انتک.

کمال kamāl: مص. [ع] تمام بۇلماق، قوتارماق، بتین بۇلماق آراسسالیق، کامل‌لیک.

کمان tkamal. یای.

کمبود tkambud. آز گلمک، سانالانده یا چکیلنده بیر زادینگ بللی مقداریندان کم گلمه‌گی، کم‌چیلیک، آزلیق.

کم‌بها kam-bahā: ص. مر. آز قیمتلی، آز بهالی، بهاسی آز بۇلان.

کمپر kamper: ص. قارری، قارران، ساچی آغاران عیال.

کمد tkomod. [فر] اشکاف.

کمر tkamar. ۱. بیل، ۲. ایکی داغینگ آراسی ۳. بیل باغی قوشاق .

کمر بستن kamr-bastan: مص. ل. بیلی دانگماق، بیلی قوشاماق بیر

ایشه تاییار بۇلماق، مقصد ادینمک، توتیم توتماق.

کمر بند tkamar-band. قوشاق، بیل باغی. کمر بند چرمی: شیتده.

کم‌رو kam-ru: ص. مر. اؤتانجانگ، چکینجنگ، یوزسیز.

کم شدن kam-sodan: قاوزماق،

آزالماق.

کمک tkomak. ترک چشمه‌دن قولداو، حارای.

کمند tkamand. ۱. یوب، طناب، ۲. حیوانلاری توتماق اوچین اولانیلیان دوزاق، باغ.

کمیاب kamyāb: ص. قیت، تافیلما یاز زات یرلیگی آز زات، آز تاپیلیان زات. کمیت tkamyat. [ع] أط، قارا بیله قیزیل آرایلیغی أط، دور أط.

کمیت tkemyat. [ع] اندازه، اؤلچک مقدار، زادینگ مقداری، چن اوریلان یا سانالان بۇلسۇن.

کمیسون komisiyun: [فر] ۱. هیئت یا انجمن آدیندا بیر ایشه یتیشیکلیک اتمک اوچین بیر ناچا آدمدان عبارت بۇلان توپار ۲. اسلامی مجلسینگ هر بیر بۆلومی ۳. سارغیدا گورا، آلو ساتو ادیان دلال. کمین kamin: ص. ن. آزی، دگری آز بۇلان.

کمین kamin: ا. [ع] بیرینینگ قصدینا بولوپ اونگا زوال یتیرجک بولوپ گیزلنمه‌گی.

کمینگاه kamin-gāh: ا. مر. گیزیلیر، اویسون.



کله

G

کمر بند



کمد



کم

- کنار t.kenār: بیر قابدال، جت، قیرا
- کناره t.kenāre: بیر جت، قیراق.
- کناره گیری kenāre-giri: ایشدن ال چکیپ اوتورماق.
- کنترل kontrol: ا. [فر] بارلاغ، تفتیش باقماق، گوزدان گچیرمه.
- کنفرانس t.konferāns: [فر]
- کوررینگ چیلیک، وعظ، نصیحت، بللی مسئله حقه بحث اتمک اوچین گچیریلیان ییغنانیشیق.
- کنکاش kankaš: ا. گنگش، مصلحت، اوندهو.
- کنکور konkur: ا. [فر] کوپ او قوچی لارینگ، آدم لارینگ بیر یره بیر مقصد اوچین ییغنانماقی، قصد اتمک سازلاشیق، آرقلاشیق، یاریش.
- کنگر t.kangar: آبی پنجه سی.
- کنگر kangar: قاماق.
- کوبیدن kubidan: مص. م. اووراتماق بیر ضربه بیلن کول ادیب اووراتماق.
- کوتاه kutāh: ص. قیسفا، کوله کلته.
- کوتاهی نکردن kutāhi:
- na-kardan مص. قایغیرماسیزلیق.
- کوتوله kutule: ص. کوله بویلی، کلته، قارساق، بوی کوله جه آدم.
- کوثر kawsar: ا. جنتده بیر چشمانینگ آدی.
- کوچک kučak: ص. چاقلانگ، کیچی کیچی جیک، مايدا.
- کوچیدن kučidan: مص. ل. گوچمک یر یوردونگ اویتگتمک، یاشایان یرینگ اویتگتمک.
- کودتا t.kudetā: [فر] دؤنوک لیک، حکومتی رژیم ییقماق یا اویتگتمک اوچین، قشونینگ بیر بولگی نینگ دویدانسیز آياغا قالماقی.
- کودک kudak: ص. بابک، چاغا اوغلان.
- کود کردن kud-kardan: اومک، اوشیرمک.
- کودن kawdan: ص. تنتک، آنگسین، عقل سیز، یالتا.
- کوران kurān: ص. [فر] یوزگون، روان، هوانگ یا برقینگ آقیمی.
- کور دل kur-del: ص. مـ. دوشنوک سیز، آنگمایان، فهم سیز، تنتک.
- کوژپشت kužpošt: ص. مـ. بوکیر، کویکی.
- کوشا kušā: ص. فا. (= کوشان) قالجانگ، تقلا ادیجی، تلاش ایدیان،

جان ادیجی.

کوشش tkušeš. مص. تلاش اتمک،
تقلا اتمک، آلادا اتمک، جان اتمک.

کوشک tkušk. کوشک، قصر،
قورغان، سرای، عمارت، تۆۋرگی باغ
باغچه‌لی شهرینگ داشیندا قورالان
اولی جای.

کوشیدن kušidan. مص. ل. تلاش
اتمک تقلا اتمک، قارا باغرين بولماق،
آلادا اتمک، جان يانديرماق.

کوفتن kuftan. مص. م. آوراتماق،
ينچمک، زوال يتيرمک، مايب اتمک.
کوکب tkokab. [ع] ييلديز، کواکب
جمع.

کومه tkume. اوراچا، اویسون، چاتما،
پارخو، کومه.

کوه tkuh. داغ.

کوهان tkuhān. اورکیچ.

کوهپایه tkuh-pāye. مر. دامان، داغ
اته‌گی.

کوهستان tkuhestān. داغلیق.

کوه‌نورد kuh-naward. ص. فا.
داغلارینگ دله‌سینه قله‌سینا
بارماغی باشاریان و اوندان گچیان آدم،
داغا چیقیان آدم.

کوی tkui. محله اولی گینگ یول

کوچه، شاه یولی.

کویر kawir: ۱. ۱. دوزلیک شور یر،
شور یر، شورلیق ۲. قاهارجنگ
یولبارس معنیده.

کهکشان kah-kešān: ۱. مر. بیر توپ
ییلدیز، اول «آق مایانینگ سویدی»
آدیندا.

کهنسال kohansāl: ص. مر. یاشی
قایدان قارری، یاش اولی، کمپیر.

کهنه kohne: ص. اسگی، کونه
ایشله‌نن، پیدالانیلن.

کیان kiyān: ۱. جمع کی، اولی پادشاه
معنیده، شاهنامه داستانی بوینچا
ایران پادشاه‌لارینینگ سلسله‌سی
بۆلن پيشدادیان لاردان سۆنگ
قوییلان آد.

کیسه tkise. زات قویماق اوچین
تیکیلن هالتا، کیسه.

کیش tkiš. دین، مذهب.

کیش tkiš. کتندن دوقالان پارچانینگ
بیر گۆرنوشی.

کیفر kayfar: ۱. جزا، مکافات.

کیفر tkayfar. قدیم وقتدا قالانگ
دیواری‌نینگ اۆستونده دۆشمان
چوزیش ائنده کله‌سینه اورماق
اوچین بورجی‌نینگ اۆستونده

قویولیان داش.

کیفرخواست tkifar-xāst. مر.

دادستانینگ جزا ایسلگی. ادعا

نامه‌سی.

کیفیت tkifyat. [ع] دۆرمۆش یاغدای،

حال، هیل، کیفیات جمع.

کیمیا tkimiyā. یونانی چشمه‌دن،

آلنان، دگیشمه معنیده قدیم

اصطلاحده سوویق‌لیق بیلن میسی

قیزيله اؤورولیان اکن و اونگا اکسیر

هم دیییلیار، اما شيله اکسیر شو

وقته چنلی اله گلماندیر. عربچا

معنی‌سی شیمی، علم دیر. اما

فارسچا مکیر و حيله و اویلانشیق

آلداویچ دییپ آیدیلیپ دیر.

کینه tkine. دُشمانلیق، یورک قارالیق،

عداوت.

کیهان tkeyhān. عالم، دنیا، جهان،

روزگار.

گ

میهمانخانه نینگ و نهار خانانینگ،
رستورانینگ خدمتکاری.

گاری t.gāri. آرابا.

گاز gāz: ۱. دیش، گاز گرفتن:
دیشله مک.

گاز gāz: ۱. [فر] گاز، یاقیلیان گاز.

گازوئیل gāzo'il: ۱. [فر] نفت ده:
چیقاریلیان یانغیچ اول دینگه دیزلی
موتورلار اوچین اولانیلیار.

گال t.gāl: [فر] دری کسلی، انداما
دوومه-دوومه بۆلۆپ اوریان
ناخوشلیق گيجيله ووکلی ناخوشلیق

گ ge: عرب الیب بی نینگ یگریم
آلتینجی حرفی ابجد حسابیندا کاف
یرینه (۲۰). سانیندا کلیار.

گاراژ t.gārāž. [فر] ماشین لرینگ
دورالغا جایی، دوریان یری، گاراژ.

گارد t.gārd. [فر] ۱. قاراویل لیک،
ساقلايچى لیک، ۲. قاراویل و
ساقلايچى ۳. بیر تۇپار نظامی اۆیادا
ساقلايچى لیک و قاراویل لیک اتماکه
مأمور ایدلمه کی.

گارسن t.gārson: ۱. [فر] اوغلان،
ییکیت، شاگرد، یۇرتاویل،

گام gām: ا. قدم، آرديم، آرديمينگ
آراسی.

گاو gāw: ا. سيفير، قارا مال.
گاو آهن gāw-āhan: مر. دمير آزال،
ير سوروليان دمير آزال.

گاو بند gāw-band: ص. فا. جفت
سيفيرلی، دايخان، کشاورزی
آدالغاسينده سيفير ايه سی،
گاو بندی: سيفير بند اتمه،
اوتاکچی دن ثروت مال اله گتيرماگه
ديل بيریکديرمه.

گاو چران gāw-čerān: ص. فا. سيفير
چوپان، سيفير باقیان.

گاو ميش gāw-miš: سيفيردن
اولی راق حيوان، گاميش.

گاه gāh: په وقت، چاغ، زمان.
گاه gāh: په جا - مکان پادشاليق
تختی.

گاهواره gahwāre: سالانچاق.
گبر gabr: زردشتی، زردشتی دینی نی
قبول ادن لر، بو آد اسلام دان سوڼگ
اولارا دا قیلیپ دیر.

گدا gedā: ص. سایل، قافیچی ایل گزن،
پاتاجی، گدای.

گداختن godāxtan: مص. م.
دمیریالی زادی اریتمک، کوز اتمک.

گذاردن gozārdan: مص. م. (=)
گذاشتن) بیر زادی بیر یرده قویماق،
جایلاماق.

گذر کردن gozar-kardan: گجیب
گیتیمک، اوتیمک.

گذرگاه tgozar-gāh: مر. اوتولیان یر،
کچیلیان یر، کچلگه، اوتلگه، کجیت.
گذرنامه tgozar-nāme: مر.

سرحددن اوتیمک اوچین رخصت
خطی انتظامی ادارانگ طرافیندان
داشاری یوردا گیتیمک اوچین بریلیان
دفترچه، تذکره، پاسپورت.

گذشت کردن gozašt-kardan:
ا. مص. اوتیمک، گچمک.

گذشتن tgozaštan: مص. اوتیمک،
کچمک.

گرامر tgerāmer: [فر] دیل قاعده سی
سوژ دستوری، صرف و نحو.

گرامی gerāmi: ص. عزیز، حرمتلی،
سیلاغلی، بلند مرتبه لی.

گران tgerān: بهاء، قیمت، آغیر، ارزان
بؤلمادیق.

یېغناماق، اوشیرمک، جمله مک.

گرداب tgerdāb. مر. دنکیزده

سووینگ آیلای، آقار سووینگ

آیلانیان یری. بورغان، بورغون،

اویغون.

گردان t:gordan. جم. پهلوان لار،

باتیرلار، ادرمن لر.

گردان gardan. ص. فا. آیلانماق،

داشینا آیلائیب دولانماق.

گرداندن gardan-dan. مص. م. م.

آیلاندیریجی، دولاندیریجی،

آیلاندیریان، حرکت برمک،

اویتگتمک.

گردباد gerd-bād. ا. مر. توهلای، بیردن

قاتی گلیب گچیان یل، تیز گلیپ

ساویلیپ گچیان یل.

گردش t:gardeş. مص. گزه لنج جای،

بیکار وقتینگ بارپ آیلانگ چایلانگ

ادیلیان جای، پارک.

گردگیر gard-gir. ص. فا. توت توزان

توتیان، توت توزان چکیان.

گردن t:gardan. بویون.

گردن بند t:gardan-band. مر.

زنان لرینگ بونینه داقیان قیزیلی،

گرانها gerān-bahā. ص. مر. بهالی

قمت، تاپیلمايان، بها زات، قیمت زات.

گرانمایه gerān-māye. ص. مر.

بهالی، اهمیتلی، قمتلی، عزیز،

دگرلی.

گرانی t:gerāni. مص. بها بولماق، آغیر

بولماق.

گرایش gerāyeš. ا. مص. میللنمک،

هووسلنمک، دوپولماق، قیشارماق.

گره gorbe. ت. میشیک، پیشیک.

گره صحرائی gorbe-sahrā'i.

کووک، یابان میشیک.

گره وحشی t:gorbe-wahši. مر.

کووک.

گرد gerd. ص. توغلاق، تگه لک، گولله

شکلینده بولان زات، هر زادینگ

توورگی ۲. بیر زادینگ اطراپی دیان

معنیده.

گرد t:gard. توت توزان، چانگ، توز.

گرد gord. ص. باتیر، پهلوان، ادرمن.

گرد آمدن gerd āmadan. مص. ل.

یېغناماق، توپلانماق، جملنمک،

اویشمک.

گرد آوردن gerd-āwardan. مص. م.

انسانا دونولیار و کا وقت اول،
سوری لی قویونا اؤزونی اؤرۇپ ناچا
قویونی اولدورۇب وس ویران ادیب
گیدیار.

گرم tgeram. [فر] فرانسه نینگ آغرام
اؤلچه کی، اؤنۇنگ باش گرمی بیر
مثقالا برابر بۇلمالی.

گرم garm: ص. قیزغین، ایسسی.
گرما tgermā. هوانینگ قیزغین لیغی،
ایسسی لیغی.

گرما به tgermābe. مر. حمام، سووه
دوشمک اوچین یوریته بجرلن جای،
بانیه.

گرما گرم tgermā-garm. ق. جینبا
جیغ، قیزدی قیزی دا، قیزغین لی
حالتده.

گرم سیر tgerm-sir. هواسی ایسسی
یر، چاروا دارلار قیشینا قیشلاماق
اوچین گوچیان یری.

گرو tgerow. دراگینه قوییلان زات.
گروه tgoruh. دسته، توپار، بۆلک،
جماعت.

گرویدن garawidan: مص. ل. ایمان
کتیرمک، اینانماق، عقیده تاپماق.

بویۇن قیزیلی، عیال لارینگ بوینینه
داقیان قیزیل شایی.

گردنکش gardan-keš: ص. فا.
بویروق سیز، کلّه سی نینگ اوغرینا،
یاغی، بوینی یوغین.

گردنه tgardane. داغینگ اوچیت
یری، اگرلیان آیلا نچاقلی یری.
گردو tgerdu. هوز، قوز.

گرد و خاک gardoxāk: کیرش، قوم
توزان، توت توزان.

گردون tgerdun. فلک، آسمان.
گورز tgorza. چوقماق، توقماق.
گرسنه gorosne: ص. قارنی بوش، آج،
قارنی آج.

گرفتار gereftār: ص. توتولما، اله
دوشما، آلما. گرفتاری : اله دوشما،
کوپ قین چیلغه و عذابا قالما، قین و
زحمتلی ایشلی.

گرفتن geref-tan: مص. م. آلماق، اله
سالماق، اله کتیرمک، قولا سالماق،
اوشلاماق.

گرگ tgorg. بۆری، مۆجک، قورت،
وحشی بیرتیجی حیوان ایت یالی اما
ایتدن زورلی آج وقتیندا حیوانلارا و



گره

گزه نه t:gezane. دالاماز.

گزیدن gozidan: مص.م. دیشله مک،
چاقماق، دیش بیله توتماق، زهرلی
ایگنه سوقماق.

گزیدن gozidan: مص.م. بللامک،

حالاماق، سایلاماق، انتخاب اتمک.
گستاخ gostāx: ص. باتیر، غایراتلی،
قورقمازاق، کله پروای، اوتانچ سیز،
گودک، عارسیز، ادب سیز، اوتانمازاق،
یوزی قالینگ، یوزی یرتیق، اوستاخ و
بیستاخ هم دیلیلیدیر.

گستردن gostardan: مص.م. دوشک
یا آیری نارسانی یازماق یایراتماق،
دوشه گی یازماق.

گسستن gosastan: مص.م. بولمک،
آراسینی آچماق، کسمک، بیرری
بیریندن آیرماق.

گسیل t:gosil. ص. یولا دوشن، ایبرلن،
روانا بۆلان.

گسیل داشتن gosil-dāştan: بیرینی
بیر یریک ایبرمک، روانا اتمک.

گشاده رو gošāde-ru: گولر یوز، آچیق
یوز.

گشایش t:gošāyş. مص. آچیلماق،

گره t:gerreh. دووین، دوگون.

گریان geryān: ص. آغلایان حالتدا،
آغلایان، گوز یاش دوکیان، آغی،
انگشه شیک.

گریبان t:garibān. یاقا.

گریزان gorizān: ص. فا. قاجماق،
قاجماق، قاجیان، قاجاق، بیزار.

گرم grim: تناثرده یوز کشبینی یاش
یا قارری لار یا باشغا هیللی صورتا
کشه چیقاریپ منگزتمک لیک.

گزاردن gozārdan: مص.م. یرینه
یتیرمک، انجام برمک.

گزارش t:gozāreş. مص. قویماق،
یرینه یتیرمک، عرضا، بیر واقانی بیان
اتمه، خبر برمک.

گزارشگر gozāreş-gar: ص. فا.
عرضه بریجی، خبر بریجی،
تاریخ چی خبرچی، یورجی، دیش
یورجی.

گزاف، گزافه gazāf-(e): ص. قاتی
حساب سیز، بیهوده، پوچ بیدرک سؤز،
حساب سیز، حددن آشا بیچاق.

گزلک t:gazlik. [ت] پچاق، دسته لی
پچاق، یاراغ.



گره

گینگلمک.

گشتن gaštan: مص. ل. تماشا اتمک،

آیلانماق، دولانماق، گزالنج اتمک.

گشودن gošudan: مص. م. آچماق،

کویبرمک، بوشاتماق.

گفتار t:goftār: مص. ۱. کپلامک، سۆز

آیتماق ۲. گپ معنیده ده آیدیلیار.

گفتگو t:goft-gu: مص. گوررینگدش

بۆلماق، بیله گوررینگ اتمک،

صحبتدش بۆلماق، صحبتدشلیک.

گفتن gortan: مص. م. کپله مک،

سۆزله مک، سۆز آیتماق، یرینه

پتیرمک.

گل t:gol: آچیلان غنچه، گل.

گل آلود gelālud: لوقور، لایلانچ،

پالچیقلیق، لای.

گلاب t:golāb: مر. گلینگ سۆوی گل

محمدی نینگ سوویندن بجرلن

گلینگ سۆوی، گلاب آدیندا.

گللابی t:golābi: آرمیت، میوه نینگ بیر

هیلى، بیرگۆزنوشی.

گل استکانی t:gol-e-estekāni: ۱.

جانگ گلی.

گلاویز gal-āwiz: ص. مر. آسفیلی،

ساللانان. گلاویز شدن: بیرینینگ

یاقاسیندن توتماق، ایکی آدمینگ یاقا

توتوشیپ یومریقلاشماغی.

گلبرک t:gol-barg: مر. گل یاپراق.

گل پنجه کلاغ t:gol-panje-kalāq:

دورنا آیاغی.

گلچهره gol-čehre: ص. مر. گورکلی

گوزل، آوادان، گورمه گوی، گورنیکلی،

گل یوزلی، کۆپلنچ عیال لارا

خاصلانیار.

گلچین gol-čin: ص. فا. گل یغیان، هر

زادینگ اینگ قاوی سینی سایلاماق.

گل خطمی t:gol-e-xatmi: خطمی

فرنگی.

گل خنجری t:gol-e-xanjari: مر.

یاپراقلاری اولی قالینگ بوی ایکی

متره یتیان اوت، اول ایسیسی یرلرده

عمله کلیار.

گل دکمه t:gol-e-dokme: سولمازاق.

گلرخ gol-rox: ص. مر. گل یوزلی، گل

منکزلی، گله منکزش.

گل رعنا t:gol-e-ra'nā: خیتای

بیلدیزی.

گلزار gol-zār: ۱. مر. گلستان، گل بیلن

یا توپونگ و ش.م. یاراقلارینگ

گولله سی.

گله ge:le: عرضه، شکایت، کؤنگول

قالما، کینه، اویکه.

گله galle: سوری قویون و سیغیر.

گله دار t.galle-dār: ص. سوری ماللی،

سوری قویونلی.

گله مند galle-mand: ص. بیریندن

کونگلی قالان، بیریندن اینجان،

اویکه لی.

گلم t.gelim: کیلیم، پالاسینگ

کیچی سی، یونگ یا نخدان دوقالان

یوقا دوشک.

گلین t.gelin: [ت] گلین، تازه دورمیشه

چیقان قیز، تازه آلینان قیز.

گلین gelin: ص. ن. پالچیفا و توپراغا

باغلی بۇلان، پالچیق دان یاسالان،

قومدان ادیلن پالچیفا دگیشلی

نارسه.

گم gom: ص. ییتن، گوزدن داش،

دوشوپ تاپیلمايان، گوزه گورینمه یان

زات، یتگی.

گماردن gomārdan: ص. م.

قویماق، بیر جایده بیر ایشده قویماق،

بلله مک، ایشه بلله مک.

گماشتن gomāštan: ص. م. بیر

اورتیلن.

گل زبان در قفا gol-e-zabān-dar-qafa:

ساری چوب.

گلستان t.gol-estān: مر. گلینگ کوپ

یری، گلشن، گلزارلیق.

گل سرخ t.gol-sorx: مر. مشهور بۇلان

گل لرینگ بیرری، اول هر قسمده، هر

تویسلی سی بولیار اؤنؤنگ قرمز

آچیق راق هر رنگده بۇلان قیزیل گل.

گلشن t.gol-šan: گلستان، گلزارلیق،

گلینگ کوپ بیتن یری.

گلهذار gol-'ozār: ص. مر. گل یوزلی،

گل منگزلی، گل صورتلی.

گلگون gol-gun: ص. مر. قرمز ارنگک

گل سرخ یالی.

گلنار t.gol-nār: مر. نارینگ گلی.

گلو t.galu: مر. بوقیرداق، بویۇن، بوغاز.

گلوبند galu-band: ا. مر. بویۇن باغی،

عیال قیزلارینگ بویۇنلارینا داقیان

قیزیل شایلاری، بویۇنا داقیلیان

کوموشدن ادیلن زنجیر، بزاگ اوچین

بویونه داقیلیان زات.

گلوگاه t.galu-gāh: مر. بوقیرداق،

بوغاز، اییمیت گچیان یری.

گلوله golule: ۱. توغلاق نارسه، نخ

یالی زادینگ توی؛ ۲. گولله، توپنگ

گنجاندن gonjandan: مصص. م. (=)

گنجانیدن) سیغدیрмаق،

جایلاشدیرماق، بیر زادی بیر جایده یا

بیر زادینگ آراسیندا یرلشدیرمک.

گنجایش tgonjāyš: مصص. سیغیم

سیغیش، گنج و گنجا دییپ-ده

آیدیلیپدیر.

گنجشک tgonješk: آوینجاق قوشلار

توپاریندن، سرجه.

گنجشک صحرائی tgonješk-e-sahrā'i:

۱. چول سرجه.

گنجینه tganjine: گنجه دگیشلی

بولان، گنج مالی، خزینه بهالی

زادلاری ساقلانیان یر.

گند t gand: پیس ایس، پورسی.

گند t g ond: خایا، قوتداق.

گندآب t gand-āb: مر. (= گندابه)

پورسی سو، ایسله نن سو، پورسی

سوونگ جملنن یری، یاتا سو.

گندم t g andom: بوغداق.

گندمگون t g andom-gun: مر.

بوغداق ارنگده بولان آدم، بوغداق

ارنگلی آدم.

گندیدن t g andidan: مصص. ل.

ایسلنمک، پورساماق، پورسیماق.

گنگ t g ong: یرینگ آشاغیندن سوو

ایشه قویماق، بیر ایش تابشیرماق.

گمان t g omān: اوی فکر، چن، چاق

خیال، اندیشه.

گمراه t g omrāh: ص. مر. یولونی

ییتیرن، یولدان آزاشان، دوغری

یولدان چیقان، گمراه.

گمرک t g omrok: ۱. ترکی دیلدن آیینان

سوز، داشاری یورتدن گلن یا گیدیان

ماللاردان آیینان مالیات، سالغیت،

گمرک.

گمنام t g omnām: ص. مر تانیلمایان

آدسیز، گوردیم بیلدیم بولمادیق،

آدسیز و شهرت سیز آدم.

گناه t g onāh: عاصی چیلیق، تله که

ایش، یازیق، یاراماز ایش.

گناهکار t g onāh-kār: ص. فا. گناه

ایش ادن، عاصی چیلیق ادن، پیس

ایش ادن، گناهکار.

گنبد t g onbad: ۱. قاتی بییک دیک

جای، داش بیلن اوریلن، کویلنچ

مسجد و زیارتگاهلارینگ اوستینه

سالینیان گنبد.

گنج t g anj: خزینه، قیزیل کومیش،

بهالی قمتلی زاتلار. گنج باد آورده:

زحمت سیز اله گلن، خسرو

پرویزنینگ گنجلرنینگ بیرى.

گچرمک اوچین قویلیان پلانه.

گنگ gong: ص. دیل سیز، کیلاب

بیلمه یان، لال، پلتک.

گنهکار gonah-kār: ص. فا. عاصی،

یازیقلی، گناهکار.

گو gau: ص. سیس، باتیر، پهلوان،

گورِشجنگ.

گو t.gou: توپ یالی توغلاق زات.

گوارا gowārā: ص. فا. طغاملی و

سویجی ایلیپ ایچیلیان اییمیتلر،

تیز سینگیان اییمیت، داتلی اییمیت.

گواه gowāh: ص. آگاه، خبردار، خبرلی،

شایات، گوالیق.

گواهی نامه t.gowāhi-nāme: مر.

شهادت نامه، گواهنامه، گواه خطی.

گوجه t.goje: هلچک، آلوچا.

گوجه فرنگی t.goje-farangi: مر.

پومازور.

گود god: ص. چوقیر، اوی، قوواق،

قورپ.

گودال t.godāl: چوقیر، اوی، قورپ.

گور t.gur: اولی جایلانیان چوقیر، قبر،

کۆز، مزار.

گورخر t.gur-e-xar: قۆلان.

گورستان t.gurestān: مر قبرستان

مزارچیلیق، قونامچیلیق.

گورکن t.gurkan: ساقغار تورسیق.

گوریل t.guril: [فر] میمونینگ بیر

کۆرنوشی.

گوزن t.gawazn: سوغون، داغ

سیغیری.

گوزپشت guž-pošt: کویکی، بوکیر.

گوساله t.gusāle: آردانا، تانا، گوله.

گوسفند gusfand: کوسپند-ا. قویون،

داوار.

گوسفنددو ساله gusfand-e-do-sāle:

ایششک.

گوسفندنرکوهی gusfand-e-nar-e-kuhi:

آرغالی.

گوش t.guṣ: قولاق.

گوش بر guṣ-bor: ص. فا. کنایه

سۆزی حيله و زرنګلیک بیلن بیر

زادی بیریندن یولماق، قولاق کسیان،

قولاق کسین.

گوشت t.gušt: ات.

گوشت خالص gušt-e-xāles:

چیلقا.

گوشتخوار gušt-xār: ص. فا.

مخصوص ات ایییان حیوانلار.

گوشمالی guṣ-māli: ا. مص. قولاق

آوقالاما، کنایه: ادب اتمکلیک.

گوشماهی guṣ-māhi: ا. مر. صدف،



کودک



کود



کوجه



کوجه فرنگی



کوشماهی

دربا قولاغی، دادران - چانگلاق یالی.
گوشه guše: ۱. چت، قیراق، بۇج،
كونج.

گوشه گیر guše-gir: ص. فا. یکه مزک،
اوزینی قیراغا چکیان، آدملاردان داش
دوریان، چتده دوریان، چتده یاشایان.
گوگرد t.gugerd: کوکورت.

گونا گون gunāgun: ص. مسر. دورلی
دومن، توپسلی، هر هیللی، هر جوره،
دوره گوی.

گون خان gun-xān: اۇغۇزخانینگ
اوغلی.

گونه t.gune: ۱. یانگاق، یوز، کشب
یوزینگ بیر قاپدالی، ۲. رنگ و هیل
معنیده.

گونی t.guni: کنفدان ایری دوقولان
کیسه، قالینگ پارچه تاویره نارسه.
گوهر t.gohar: توپس توخیم و هم ده
قمتلی داش، مروارید لغل، الماس،
یاقوت یالی، گوهر.

گویا guyā: ص. فا. کپله یان کپلیجی،
سۆزله یجی، ناطق و گویا دیمه گی،
گمان اتمه، آشکارا.

گوش گویهš: ۱. مص. کلام، کپ،
سۆزله ییش، سۆز آیتماق، گورله مه.
گهریا t.gohar-bā: هنجی نینگ بیر
گۆرنوشی.

گهواره gahwāre: گاهواره - ۱.
سالانچاق.

گیاه t.giyāh: اوت، اؤسوملیک.
گیاه مگس کش giyāh-e-magas-koš:
ییلمه شک اؤت.

گیتی giti: ۱. جهان، دونیا عالم.
گیج gjiz: ص. چاشان، هوش سیز حیران،
سنگسه، آلجرانگ، کله سانگ.

گیرودار gir-o-dār: ۱. مر. دارا - دیره.
گیس gis: (= گیسو) ۱. عیال قیزلارینگ
اوزین ساچی، عیال لارینگ اوزین
اوریم لی ساچی.

گیلاس gilās: ۱. میوه نینگ بیر
گۆرنوشی، گیلان.

گیلکی gilaki: گیلانلی نینگ دیلی،
گیلان ده یاشایان ایلاتینگ دیلی.

گیوه t.giwe: اوستی آق پامیق دن بولان
نخی کووش، تومیس کووش.

گیهان t.geyhān: کیهان، دنیا، جهان.





ل le: عرب الیہبی نینگ ییگیریم
 یدینجی حرفی ابجد حسابیندن ۳۰.
 لا ابالی lāobāli: [ع] ۱. (در عربی
 متکلم وحده از فعل مضارع) قورقیم
 یوق، ۲. فارسجا: قورقمازاق،
 کلہ پروای آدم.
 لاقل lā'aqal: [ع] آزیندن،
 اینگباریسی.
 لائحہ tlā'eh-e: [ع] مؤنث لائحہ،
 لایحہ، دولی یازغی، خط، کامل
 یازغی، نامہ، قانون تاسلاماسی،
 مجلس شورای اسلاما دولت طرفدان
 قوللانیپ یعنی تصویب اتمک اوچین
 بریلیان حساب یازغی سی.

لابد lābod: [ع] چارہ سیز،
 علاج سیز.
 لبراتوار lābrātowār: ۱. [فر] سینا و
 جای، علمی سینا و لارا مخصوص
 بۆلان جای.
 لات lāt: ص. فقیر آدم، حور زادسیز
 آدم، غریب آدم.
 لات lāt: ۱. [ع] عرب لارینگ اسلام دان
 اونگ سیغینیان بُتی.
 لاجرم lājaram: ق. [ع] چارہ سیز،
 علاج سیز.
 لاحول lāhowl: [ع] مخفف لاحول و
 لا قوة الا بالله سۆزی، یعنی گویچ و
 قورپ دینگہ خدای تعالی دان غیری غا

یوق دیر.

لال lāl:ص. لال، دیلسیز، کیلاپ

بیلمه یان.

لادن t.lādan: باغچه ده اکیلیان اونگات

ایسلی ساری گل.

لال lāl:لعل. قیزیل رنگ، قرمیز

دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

لازم t.lāzem: [فاع] واجب، گر

ضرور، درواییس.

لاله lāle:ل. آياقلى شمع قويوليان

بلوردان بۇلان چراغ.

لاش t.lāš: لاش، میت، حیوانینگ

ماسلیغی، ۲. عجیز، هوردیپ-ده

لاله lāle:آله، کۆلنچ چینگ یرلرده

بیتیان کیچی اوسوملیک، چگیلدم

آیدیلیپ دیر.

لاله زار t.lāle-zār:مر. گل لاله نینگ

کوپ اونیان بیتیان یری.

لاشخور t.lāš-xor:ص. حیوانلارینگ

ماسلیغنی اییان، ییرتیجی قوشلار

لاله عباسی lāle-'abbasi:۱. آغشام

کلی.

خاصلنار، قاراقوش، بورکوت و

بیله کی لاش ایییان حیوان لار و

لام lām:۱.مر. تیغ، یوقا نازک دمیر.

قوشلار.

لاما t.lāmā:۱. درویشلرینگ زینت

لاشه t.lāše:نکا. لاش؛ ماسلیق.

اوچین اۇرۇنیان قۇشاغی، ۲. لاف

لاعلاج t.lā'laq: [ع] چاره سیز،

پارداق دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

علاج سیز، ایم سیز، تاقاداسیز.

لاما t.lāmā: [فر] اورکوج سیز دیه، گون

لاغر t.lāqar:ص. [ع] انسان یا

اۇرتا امریکاده تاپیلار، بوی بۇلسا،

حیوانینگ هوری، آرینی.

بیر متردن کۆپ بولمالی دال.

لاف t.lāf: بیهوده کپ، پوچ کپ، بیدرک

کپ، بۇلغی سیز کپ.

لامپا t.lāmpā: مأخوذ از لامپ فرانسه،

نفت بیله یانیان چرا.

لاقید t.lāqiya:ص. [ع] پروای سیز،

بولغی سیز، بی پروای.

لامع lāme:ص. [فاع] یالديراق،

پارلاق، یالديرایجی.

لاک t.lāk: هندوستانده آغاچدان اونیان

قیزغیلت زات.

لامکان t.lāmakān:ص. [ع] مکان سیز،

تونک سیز، جای سیز، یرسیز.

لاک پشت t.lāk-pošt: پشیشباقا،

پیشدیل.

لانه t.lāne: اوی، کتک، آری نینگ

لباس tlebās. [ع] اگین اشیک، البسه

جمع.

لبخند tlab-xand. مر. بیلغیرما، دوداق

گولمه، دوداق دینگه بیر بیریندن
آچیلما گولکی.

لبن tlaban. [ع] سویت، انسانینگ

حیوانینگ سویدی، البان جمع.

لیک tlabbeyk: [ع] تلبیه مقامده،

قبول اطاعت ادیارین سنینگ
امرینگی دیمک.

لتکه lotke: ا. مر. ناو، گامی.

له لape: ا. نوخودینگ یاریسی له
آدیندا.

لجاجة lejājat: مصر. [ع]

چکه لشیك اتمک، جدل اتمک،
کجال لیق، ارجه شیک.

لجام lejām: ا. [ع] (= لگام) آطینگ

آغیزدریغی، اویانی.

لجن tlajan. لای، پالچیق.

لجوج tlajuj. [ع] کجال، جدلچی،

اونگوشمازاق، ساواشجانگ.

لچک lačak: اوج بورچ یالیق،

عیال لارینگ باشینا آتیان یالینی،

قینکاج.

لحاظ tlahāz. [ع] گوزینگ چتی،

قیاغی.

خانه سی، آلا نه هم دیلیپ دیر.

لاهیجی lāhiji: ص. ن. لاهیجانلی،

لاهیجانا باغلی.

لایتناهی lā-yatanāhi. [ع]

چاک سیز، سونگ سیز، بیچاق.

لایزال lā-yazāl. [ع]

زوال سیز، همیشه لیک، بدی لیک،
توکه نک سیز.

لا یعقل lā-y'qel. [ع] عقل سیز،

دوشنوم سیز، بیلیم سیز، سامسیق،
نادان.

لایق la-yeq. [ع] یاراشیقلی،

گلشیکی، مناسب، لایق.

لاینحل lā-yanhal. [ع] چوزیب

بؤلما یان، حل بؤلما یان.

لاینفک lā-yanfak. [ع]

آیریلما سیز، آچیلما سیز.

لاینقطع lā-yanqate. [ع] ایزلی

ایزینا، همیشه، ایزا گیدرلی.

لؤلؤ tlo'-lo'. [ع] دُر، مرمر، مروارید،

قمت بهالی داش.

لب tlab. دوداق. لب به لب: پُرپر،

آغزیندان.

لباب tlobāb. [ع] سایلانان،

خالص، الین، حوز و بادام یالی

زادینگ مغزی و ش.م.



لجام

- لحاظ lahāz: مص. [ع] گۆز قياغی بیلن
باقماق، آگاه بولماق.
- لحاف lahāf: ا. [ع] یۇرغان.
- لحد lahad: ا. [ع] گور، قبر، الحاد و
لحدود جمع.
- لحظه tlahze: [ع] سالییم وقت،
آزسالییم، گۆز آچیپ یومیانچانگ، بیر
دم.
- لحن tlahn: [ع] آواز، هنگ، حوش
سس، الحان و لحون جمع.
- لخت loxt: یالانگاچ، چیبلاق، اشیگی
یۇقا.
- لخت tlaxt: ا. تیکه، بۆلک، بیر
زادینگ بولهگی، ۲. گرز دییپ-ده
آیدیلیپ دیر.
- لخته tlaxte: تیکه، بۆلک، بیرزادینگ
تیکهسی قان یالی، لخته خون، لخته
جگر یالی.
- لدن ladon: [ع] دوویر، زمان یانی
معنی ده علم لدنی: ذاتی طبیعی
بیلیم، استادسیز اوورنیلن علم، قۇیما
قۇرساق.
- لذت lezzat: ا. [ع] لذت، حوزیر،
حوشلیق، لذات جمع.
- لذیذ laziz: ص. [ع] طامامی، داتلی،
لذائذ جمع.
- لر lor: ا. ۱. مراد، مقصد ۲. قۇزی
معنیده هم آیدیلیپ دیر.
- لر lar: ا. جوب، پورسی سۇو.
- لرد lard: ا. صحرا، چول، بیابان، آط
چاپغی میدان.
- لرز larz: مص. تیتیرهه، قیمیلدی،
جنبش.
- لرزاندن larzāndan: مص. م.
تیتیرتمک، قیملداتماق.
- لرزه larze: ا. مص. نگا. لرز، تیتیرهه.
- لرزیدن larz-idan: مص. ل.
قاقشماق، تیتیرهه، قیمیلداما.
- لزوم lozum: مص. [ع] واجب بۇلماق،
ضرور تاپماق، گرک بۇلماق.
- لژ lož: ا. [فر] ۱. آغاچدان اوتاق، کچی
اتاق، ۲. تماشاخانه لاردا اووکی
اوتورلغیچ، اووکی ردیف.
- لسان tlešn: [ع] دیل، السنه جمع.
- لسان الغیب lešn-ol-qayb: ا. مر. [ع]
ایچکی گیزلین سیری آیدیان، آدلی
شاعر خواجه شمس الدین محمد
حافظ شیرازی نینگ لقبی.
- لشکر laškar: ا. جم ارتش، حربی
قوشونینگ بیر بولهگی، اون ایکسی
مونگ سربازدان عبارت.
- لطافت letāfat: مص. [ع] یومشاق،

نازیک، آوادنلیق، گۆزللیک، یومشاق،
اونگات سۆز.

لطمه latme: ۱. [ع] صدمه، ایلکی
تپانچه اۇرماق، شاپیاق، آزار، مصیبت،
لطمات جمع.

لطیف latif: ص. [ع] یومشاق، نازیک،
مهربان، مهرلی، ایسنیشیق، اونگات
قیلیق لی، یاقیملی لیت.

لطیفه latife: ص. [ع] مؤنث لطیف،
اونگات سۆز، شادلیق شاوخینلی
گپ، شادلیق گتیریان گپ، لطائف
جمع، دگیشمه.

لعل la'1: ۱. [ع] قمت بهالی داش.

لعل la'all: ق. [ع] کاشکی، شاید، مگر،
بلکی.

لعن la'n: مصر. [ع] قارقیش اتمک،
سوومک، قاوماق.

لعت la'nat: ۱. [ع] قارقیشلاماق،
لعت، عذاب، سووینچ، لعان و لعنات
جمع.

لعین la'in: ص. [ع] ملعون، لعنت
ادیلن، قارقیش سینگن.

لغت loqat: [ع] سۆزلوک، مشکیل
سۆز، لغت.

لغزش laqzeš: ۱. تایما، سوروشمه.

لغو laqw: [ع] بیدرک سۆز، باطل پوچ

کپ، بولغی سیز کپ، حسابا سانا
کلمه یان زات.

لغوی loqawi: ص. [ع] لغته دگیشلی
باغلی، علم لغتی بیلیان.

لغافه laf(f)āfe: ۱. [ع] زادینگ داشینا
دولانیان زات، لغائف جمع.

لفظ lafz: ۱. [ع] سۆز، کپ، آغیزدان
چیققیان کپ، الفاظ جمع.

لقب laqab: ۱. [ع] اؤز اصلی آدیندن
آیری باشغا بیر آدا شهرت تاپان،
لاقام، لقب.

لقمه loqme: ۱. [ع] بیر آغیز سالیم
اییمیت، لقمه، بیر لقمه.

لک lak: مینک، اگین اشیکه دگیان هاپا.
لکام lokām: ص. ۱. حیاسیز،

تربییه سیز، اوتانچ سیز، ۲. قاتی
یوغین هیکلی آدم.

لک لک lak-lak: آیاقلاری و بویون
اوزین اوچیجی قوش.

لکنت loknat: مصر. [ع] لکنته، دیل
توتوقلیق، دیلی باسیق، دیلی پلتک.

لکه lakke: ۱. مینک.

لگام leqām: آطینگ آغیزدریغی،
اویان.

لمس lams: مصر. [ع] ال چکیپ
گۆرمک، ال بیله سیپاپ گۆرمک،

سىپالاماق.

لمع 'lam: مص. [ع] يىلدىراماق،

ياغتى لانماق، يانماق، شۆھلەلنمک.

لمعه 'lom'e: ۱. [ع] ۱. اول اوتونگ

آراسينداقى قۇراق اوت، ۲. آق مېڭ ۳.

ياشايشىڭ آز عشرتى، لمع و لماع

جمع.

لم يزرع 'lam-yazra: ص. [ع] اکماگه

ياراشىقلى يىر بۇلمادىق، زراعت

بىتيرمە يان يىر.

لنبر lonbar: ص. ۱. سمىز، يوغىن

هیکللى، دایا و ۲. بۇت.

لنچ lenj: ۱. دانەسى آیریلان اوزومىڭ

خوشەسى.

لنچ lanj: ۱. مص. ناز، يول يوردا،

گىتمک.

لنجه کردن lonje-kardan: مص. م.

اززيقلىق اتمه، قايالاشماق،

چكەلشمک، سودا ادنسونگ قايتادان

اززيقلىق اتمک.

لنگ leng: ۱. ۱. انسانىڭ بىر آياغى،

بوددان بارماغا چىنلى ۲. بىر تى

كووش، بىر لنگه.

لنگ lang: ص. چايشىق، آغساق،

پايتىق، انسان يا حيوانىڭ آياغىنا

آزار يىتىپ دوغرى يۇرىپ

بىلمەسىزلىگى.

لنگرگاه tlangar-gāh: مر. پورخود،

يعنى گامىلرىڭ دريا لايىر اوڭلاپ

دوينەمەگى.

لنگه lenge: ۱. يکه، يالنگىز، بىر تى

كۆووش.

لنگیدن langidan: مص. ل. آغساماق.

لو law: ۱. دۇداق.

لو law: بىر هیل حالوا.

لو law: ۱. دپە، تپە.

لوائح lawā'eh: [ع] جمع لائحہ.

لوازم lawāzem: [ع] جمع

گرکلى لیکلر.

لواط lewāt: مص. [ع] ارکک آدم بیلن

اوغلانىڭ اربت ایش اتمەگى.

لویا lubiyā: ۱. نۇبیا.

لوت lut: ص. يالنگاچ، لخت.

لوٹ laws: مص. [ع] بولاشدىرماق،

قاوی زادی اربد زات بیلن يوغورماق.

لوزتین lawzatayn: [ع] ايکى سانى

بوغازده بۇلان بادام يالى ماز.

لوس lus: ص. يالچى، کلچىک، کأس،

سۇوچىق، غنى، يوف، يالبارما،

جای سیز يره اؤزونى کىچلتمک.

لوط lawt: ۱. [ع] ۱. چادر، دون، ۲. قاتى

چالت آدم، شاتیر آدم.

لوکس luks: ۱. [فر] آوادان، هر زادینگ آوادانی، قشنگی.

لولا law-lā: «لو» و «لا» بـیـلن یوغورلان، یعنی اگر یوق لولاک یعنی اگر سن بولماسانگ، پیغمبرمیز معروف حدیثینه اشاره، لولاک لما خلقت الافلاک یعنی اگر سن بولماسایدینگ دونیانی یعنی فلک‌نی، عرش-کرسی دۆرتمزیدیم دییار.

لولو lulu: ۱. قۇرقۇنچ شکیللی، اوغلانلارینگ قورقیان هیکیلی.

لوله lule: ۱. پتله.

لوم lawm: مص. [ع] کائیمک، ملامت اتمک.

لون lawn: ۱. [ع] ایرنگک، هیل، کشپ، الوان جمع.

لوند lawand: ص. هر جانی عیال، مسخره و لاوزا عیال.

لهب lahab: ۱. [ع] ۱. هاویر، یالین ۲. توران توزان.

لهجه lahje: ۱. [ع] شیوه، کپله‌شیگ، دیل، سۆزله‌مه‌گینگ یولی، تلفظ.

لیاقت liyāqat: مص. [ع] یاراشیقلی لیق، گلشیکیلی لیک، دوشوملی لیک.

لیبرال liberāl: ص. [فر] آزادلیقی

ایسلیجی، ایسله‌یان، ارکین‌لیگی سوییان.

لیتر liter: ۱. [فر] بیر دسیمتر مکعب مقطر سۇو بیلن برابر بۇلان اؤلچک، تخمیناً بیر کیلو آغرام‌لیقده بۇلان پیمانہ.

لیث lays: ۱. [ع] ۱. ارکک آرسلان، یولبارس ۲. کلبللی موینگ بیر حیلنه‌ده آیدیلیار.

لیدر lider: ۱. [فر] رهبر، یولباشچی، باشلیق، حزبینگ باشلیغی و یولباشچی‌سی.

لیر lir: ۱. [فر] ایتالیا یوردی‌نینگ پولی. لیره lire: ۱. انگلستانده و ترکیه‌ده یوریان قیزیل بۇلان بیر بۆلک سکه، هر بیر انگلیسی لیره بیگرم شلینگ و ترکیه لیره سی یوز پیاستر بیلن برابر و شول یوردلرینگ پول برلیگی.

لیریکی liriği: عشقی قوشنی، عشقی شعر.

لیز خوردن liz-xordan: مص. ل. سوروشمک، یرہ کلّه دگمک، سوروشیب ییقلماق، بودریمک، تایماق.

لیسانس lisāns: ۱. [فر] رخصت خطی، یوقاری بیلیم آلان آداما بریلیان

- علمی درجه، دکتری درجه سیندن
اونگ، یعنی آشاق درجه ده بولان
علم لی یعنی لیسانس اوقونی قوتاران
آدام.
- لیسانسیه lisānsiye: ص. [فر]
دانشنامه و لیسانسینی آلان آدام.
- لیست list: ا. [فر] حساب دفتری،
آدلارینگ صورتی.
- لیسیدن lisidan: مص.م. یالاماق.
- لیقه liqe: ا. [ع]. بیر بۆلک نخى و
یوپکدن عبارات بۆلان اونى مرکب
قویولیب دواته سالینیار.
- لیل ley: ا. [ع] گیجه، آغشام.
- لیمو leymu: ا. لیمون.
- لیموناد leymu-nād: ا. [فر] لیمو
عمانی، تورشیجا، گازلی لیمون
سؤوی بیلن شکر دیر، شربتدن
بجرلان ایچمه لی نارسه.
- لیوان liwān: ا. سؤو ایچیلیان
کوروشکه تاویره آیراتین سؤو
ایچیلیان قاپ.
- لیوه liwe: ص. ۱. آلداوچی، یالچی،
آقماق و سامسیق، نادان و هرزه ۲.
ساللاخ، سِلکی.



م me: عرب الیپبسی نینگ ییگیریم
سکیزینجی حرفی، ابجد حسابیندان
۴۰.

مائده tmā'ede: [ع] مائدة، بزەلین
سفره، طعام، مائدت و موائد جمع.
مابعد māba'd: ص.ع. اوندان سونگ.
ماقی mābaqi: قالان زات، قالانی،
آرتیب قالان.

مایین mā-beyn: [ع] اورتاده، آزاداکی.
مات mā: ص. سرگزدان، آلجرانگ،
آنڭان. مات شدن: آنڭالماق.
ماتریالیست māter-i'ylist: ص. مر.

مادی، دهری و ماتریالیسم لاردان
ایزارلایانلار؛ ماتریالیسم: اولار

روحیات و معنویات منکره دینگه اولار
مادی نی -- انیایارلار، دنیانی باقی و
ابدی بیلیانلر، یعنی ماتریالیستدن
ایزارلایانلار.

ماتم tmātam: یاس، مصیبت، آغی،
اولوم گورن آدم.

ماتم mātām: [ع] جماعتینگ
ییغنانیان یری، یاس و عزا توتما.

مآثر mā'sser: [ع] قاوی اونگات
ایشلر، حالانان ایشلر، جمع مآثره.

ماجرا tmājerā: [ع] باشا دوشن،
بۇلان و اقا، باشا گلن.

ماجراجو mājarāju: ص. فا. شر
باشی، حادثه تۇرۇزیان، فتنه چی،

مارشال t.mār-šāl. [فر] سردار،

سپهبد.

مارک mār: ۱. [فر] آلمانینگ پولی

بیر فرانک و ۲۵. سانیم فرانسه

ياقین دگرلی.

مارک mār: ۱. [فر] نشان، ایز، بلگی،

کارخانه لرنینگ چیقاریان

اؤنوم لرنینگ اؤستونه اوریان

بلگی سی، علامتی، نشانی.

مارکسیست mār-k-sist: ص. فر.

مارکسیسم یؤلونی ایزارلاب قبول

اڊیان آدم، مارکسیسم یولینه گیرن.

مارگریت mār-garit: ۱. [فر] مینا

کلی.

مارگیر mār-gir: ۱. ص. ییلانی دیری

تؤتیان آدم، ییلان تۇتۇجی.

مارماهی mār-māhi: ۱. ص. ییلان

تاویره بالیق، ییلانا منگزش بالیق.

مارى mār: ص. اولن، هلاک بۇلان.

مازاد māzād: [ع] گِسرکلیکدن

آرتیقماچ بۇلان، زیاده گلن زات،

آرتیقماچ.

ماژیک māžik: ص. فر. اگیرت، گنگ،

انایی، جادیجی چیلیق.

ماساژ t.māsāž. مر. اوقلاما، اندامی

اوقلاماق.

بولاغایچی.

ماچ t.māč. اوغشاما، اؤیمه،

اوغشاییش.

مادام t.mādām. [فر] خانم، عیال.

مادر t.mād. اجه، نانه.

مادراندر t.mādar-andar. مر. اؤوی

انه، اؤوی اجه.

مادر بزرگ t.mādar-bozorg. مر.

ماما، دأدنگ اجه سی.

ماده t.māde. [ع] هر زادینگ مایه سی،

اصلی.

ماده mādē(h): ص. اورقاچی، چاغا

دوغوریان حیوان، عیال.

مادی mādi: یاشایشا دگیشلی بۇلان

مال.

مادیان mādiyān: ۱. بایتال.

مادیان نازا mādiyān-e-nāzā:

دوغورمازاق، قیسر بایتال.

مار mār: ۱. ییلان.

مارپیچ mār-pič: ۱. مر. توقاغلاق

زادینگ داشینا آیلانان دمیره یول

آیلای ۲. ییلانینگ یردن اگره لپ

کیدیشی یالی.

مارچوبه t.māčube. سرسپیل.

مارس t.mārs. [فر] فرنکی ییلینگ

اوجینجی آیی.

ماست māst: ۱. قاتیق، یۇغۇرت.

ماسک māsk: ۱. [فر] یوز اۋرتگی،

نقاب، یوزونگ بوره یان زاتلار.

ماسوا māsaawā: [ع] اوندان غیری،

اۋندان باشغا، ماسوی الله: خدای

تعالی دان غیری، الله تعالی دان

غیری.

ماسه māse: ۱. چاگه.

ماش māš: ۱. ماش، عدسه منگزش

عربچه ده ماش دیلیار فارسچه بنو

سیاه ده دیلیب دیر.

ماشالله mā-šā-āllāh: [ع] خدایینک

ایسته ماگنه گورا، کۋپلنچ قاوی

تانیماقلیق و حیران قالماق لیق مقام دا

آیدیلیار، برک الله، توده لمه.

ماشین māšin: ۱. [فر] آرابا، آقتامایل،

آقتامیل، ماشین.

ماضی tmāzi: [فاع] گچن وقت، گچن

زمان.

ماعون mā'un: [ع] ۱. قاویلیق،

خیر-احسان، پیدالانیان زات ۲. پس

پال لیک مطیع لیق معنیده.

مافات māfāt: [ع] الدن گیدن، گچن

زات، اۋلن.

مافوق mā-fowq: ص. [ع] یوقاری ده

بۇلانال، اۋستونال، اوزینگدن یوقاری

درجه ده بۇلان آدم.

ماقبل mā-qabl: ص. [ع] اونگ گچن،

اۋندان اونگ.

ماکارونی mākāruni: ۱. [فر] اونلی

آش، فرنگی رشته.

ماکت tmāket: [فر] گورکزمه اوچون

قالینک کاغذدان آغاچ دان بجرلن اوی.

ماکو māku: ۱. خیاطی، تکيجی لیک

ماشینینگ آبزالی. ۲. دوقیجی لیق

دستگانینگ قورالی.

ماکیان mākiyān: ۱. تاوویق، قوشینگ

ماکیانی، ارکک دال.

مال māl: [ع] بایلیق، آدامینگ الینده

بۇلان ملکی، پولی.

مالاریا mālāriyā: ۱. ایسییتما و

قیزدیرما کسلی.

مالامال māl-ā-m-āl: ص. مر. دۋپ

دۋلی، قیرماقیراد، قاتی کوپ.

مالت tmālt: [فر] آریانینگ باش

چیقارماغی، آریا.

مالدار māal-dār: ص. مر. بای،

قوریللی، کۋپ ماللی.

مالش māleš: ۱. مص. اندامی

آوقالاماق، آوقالاما.

مالک mālek: ص. [ع] ایه، خدای

تعالی، مُلک ایه سی، بیر زادینگ



ماسک



ماش



ماکیان

ایه سی بۆلن. بخوجایین.

مالیات māiyāt: عربی دیلدن آلینان،

باچ، سالغیت آلمیت، مالیه اداره
سنینگ قانون یوزونسدن آداملاردان
آلیان پولی.

مالیدن māl-idan: مص.م.

سویکامک، سیفاماق، بیر زادینگ
یوزونه ال چکمک، چالماق، بیر
زادینگ یوزونه رنگ و یا یاغ چالماق.

مالیه māiyāe: ا. بایلیق.

ماما māmā: ا. گویک انه، قابله.

مامان māmān: ا. [فر] ۱. اجه، انه ۲.

زادینگ آوادانینا هم آیدیلیان،
فارسجه گورنیکلی آوادان معنیده.

مامک tmāmak: کیچی انه، اجه.

مان mān: ا. اوی، اوی اسبابی.

مان mān: منگزش.

مان mān: ص. ضمیره باغلی سوز،
بیرینجی شخص جمع: «کتابمان/
کتابیمیز».

مانتو mānto: ا. [فر] یاغین گچیرمیان

اوزین اشیک، یاغین گچیرمیان پالتو.

ماندگار mänd-(e)-gār: ص.فا.

همیشه لیک قالجا، قالمالی، برک
ماکام، اویتگه مه سیز، بیر یاغدایدا
اویتگه مان قالیان.

ماندن mān-dan: مص.ل. منگزامک،
اوغشاماق.

ماندن mān-dan: مص.ل. قالماق،
دورماق، قویماق، بۇلماق، دوینه مک.

مانژ mānž: آط ترتیبی، یوریته آط
تربیه لمک، آط چاپماق و ورزش
اوچین اوستی باسسیریلنی جای،
باسسیرغیلی جای.

مانع māne': ا. [فاع] ساقلایجی، اونگه
گچیجی، بووت بولیجی،
آسیلجانگلیق، سلتنک بریجی،
پاسگل چیلک

مانند mānand: منگزش، منگزتمه،
چالیمداش.

مانور mānowr: ا. [فر] قیمیلدی،
اؤرؤش عمل لرنی تمرین و اندیک
اتمک یولی بیلن گچیریلیان
سینا و چیلیق، ارتشینگ اؤزؤش نقشه
سینه دورلی بۆلک لرده ادیلیان
قیمیلدی، حرکت.

ماورا māwarā: ا. [ع] آرقا طرف،
آنکرسی، ینگسه طرفی.

ماه māh: ا. آی.

ماه آب tmāh-āb: مر. آبان، آبان آیی.
ماهانه māhāne: ق. آیلیقنا، آی به آی

بریلیان حق.

ماہتاب māhtāb: ا.مر. آیینگ یاغتی
سی، آیینگ شعلہ سی، آیینگ
یالقیمی.

ماہر māher: ص.[ع] چپر، استاد، ازیر،
زیرک، ایش بیلن اوکده.

ماہرخ māh-rox: ماهر، آوادان
گورنیکلی و آی یالی، آیا منگز
دیپ-ده آیدیلیار، آی یوزلی.

ماہروی māh-ruy: ا. آی یوزلی،
آوادان، آی یالی.

ماہ نو māh-e-naw: ا.مر. یانگی تازه
دوغان آی، آیینگ آوالقی دوغان
گیجہ سی.

ماہو māhu: زینت، بزک.

ماہوت māhut: بگرس.

ماہور māhur: ا. بیکلی و چوککلی
یر، داغ لیق درہلیک یر.

ماہور māhur: ا. ایرانی آہنگ لرینگ
بیر گورنوشی، سازلرینگ بیر هیلی،
بیر تویسلی سی.

ماہی māhi: ا. بالیق.

ماہیانہ māhiyāne: ق. آلیق، آی بہ
آی ایشکارلرہ یعنی آیدا بیر گزک
بریلیان حق، ماہگانہ و ماہکانی
دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

ماہیت māhiyat: ا.[ع] ہرزادینگ

طبیعی و حقیقی دورایشی، بولیشی،
ہر زادینگ دویبی توتوش بولوش
اصلی، حقیقی بولوشی، ماہیات
جمع.

ماہی خاویار māhi-xāwiyār: ا.
ایشبیللی بالیق.

ماہی سفید māhi-sefid: ا. آق بالیق.

ماہی سوف māhi-suf: ا. سیلہ.

ماہی کپور t.māhi-kapur: کپیر.

ماہی کفال māhi-kafāl: قارا بالیق.

ماہیگیر māhi-gir: ا.ص. بالیق توتیان
صیاد، بالیقچی، ایشی پیشہ سی
بالیق توتماق بیلہ بۆلن، آوچی.

ماہیحتاج māyohtāj: ا.[ع] اُتیاج

ضرور بۆلیان زات، گِرکلی بۆلن زات.

ماہی مایع māye: ص.[ع] آقیم، آقیان
جسم، ارگین، سوویق لیق.

ماہیل māyel: مائل - ص.[ع] میل لی
ایشدالی، ہوس لی، بیر زادہ میل
ادیجی، گووینجنگ.

ماہیملک mā-yomlak: ا.[ع]

بیرینینگ اختیاریندہ بۆلن،
بیرینینگ ارکیندہ بۆلن، بیرینینگ
بایلینی.

ماءالشعیر t.ma'-oš-ša'ir: مر. آریا

سووندن عملہ گلیان مایع، آریا



سؤوی .

ماخذ māxaz: ا. [ع] جمع مأخذ، بیر
زادینگ جای آلماغی یول و یول
یوردا، یۆزلگه.

مؤثر tmo'asser: [ع] اثر ادیجی،
ایز قالدیریجی.

مؤدب mo'addab: ا.مف [ع] ادب
آلان، ادب اووره-نن، تربیت تاپان،
ادبلی، تربیه لی، مدنیت لی.

مؤدی mo'addi: ا.فا [ع] یرینه
یتیریجی، بیتیریجی، اداء ادیجی،
بزمک.

مؤذن mo'azzen: ا.فا [ع] آذان
آیدیان، آذانچی، آذان چکیجی.

مؤسس mo'asses: ا.فا [ع]
قورماق لیق، قورایجی، آچیجی،
اساسینی قوران و دیکلدن، دویبونو
تؤتان، قورنان.

مؤکد mo'akkad: ا.مف [ع]
تاکیدلنن، ماقوللانان، نیغتانیلن،
ماکام و برک.

مؤلف mo'allef: ا.فا [ع] تالیف بۆلن،
کتایینگ یازغیسینی ییغنان، کتابی
یازان، یازوچی سی.

مؤلف mo'allef: ا. [ع] تالیف
ادیجی، کتایینگ مطالبنی ییغنان

تویلان.

مؤلم mo'lem: ا.فا. [ع] درد گتیریجی،
آغیری گتیریجی، آغیرلی، دردلی،
قایغی لی.

مؤمن mo'men: ص.فا. [ع] ایمان لی،
ایمانی بار بۆلن، ایمان گتیرن، تقوا.

مؤید mo'ayyad: ا.مف. [ع]
نیغتانیلان، گویج بریلن، ماقوللانان،
برکیلن.

مأمور ma'mur: ا.مف. [ع] امر بۆلن،
بویروق بریلن، بیر ایشی بیتیرماگنه
ایبرلن آدم، قوللو قچی.

مأموم tma'mum: ا.مف. [ع] نمازده
امامه اویوب دورماق.

مأمون ma'mun: ا.مف [ع] امانلی،
قورقی سیز، خوف سیز.

مأنوس tma'nus: ا.مف. [ع]
اووره-نییشن، عادت لاشان،
اندیکله شن.

مأوی ma'wā: ا. [ع] جای یر، بوقی یر.
مأیوس ma'yus: ا.مف [ع] امیدینی
اوزن، امید سیز، ناامید بۆلن، سوس.

مباح mobāh: ا.مف [ع] حلال ادیلن،
جایز، رواه حلال.

مباحثه mobāhese: م.ص [ع]
بحث دش، بیله بحث اتمک،

جبدلشکم.

مباد ma-bād: دعا سوزی.

مبادا ma-bād-ā: خدا ایله مه سین،

یوق بؤلسون.

مبادرت mobāderat: مص. [ع]

مبادرة، اونگه گچمک، هاولیقماق،

تیزلشدیرماق، بیر ایشه یوزلنمک، بیر

ایشه یوز اورماق.

مبادله mobādele: مص. [ع] مبادلة،

بیری بيله بیرزادی آیش بریش

اتمک، چالشماق، آتمان تابار اتمک،

عوض اتمک، مال بيله مال سودا

اتمک، آلیشیق چالیشیق.

مبارزه mobārez-e: مص. [ع]

ساواشماق، اوروشماق، دیرجاشماق،

چالیشماق بیر بیریینگ بيله

چکه لشمک.

مبارک mobārak: ص. [ع] برکتلی،

برکت تافان، قوتلی.

مباشرت mobāšerat: مص. [ع]

مباشرة، اوز الینگ بيله ایشله مک،

بیر ایشه یوزلنمک، جماع اتمک،

یاناشماق.

مبالات mobādelāt: مص. [ع] بیر

ایشده اویلانماق، تقلا اتمک، کوشش

اتمک.

مبالغه mobāleqe: مص. [ع] مبالغة،

بیر ایشه ایشنگگیر قاتناشماق، بیر

ایشده قاتی گیتمک، حددن آشماق،

بیرینی تارپیلاماقد حددن گچمک،

چندن چیقماق، اولاتما.

مبانى mabāni: [ع] بنالار، جای لار،

ساختمان لار، تام لار، جمع مبنی.

مباهات mobāhāt: مص. [ع] مباهاة،

قۇوانماق، ایشانماق، بویسانماق

بیرینه یا بیرزاده قالقینماق.

مباهى mobāhi: ص. [ع] بویسانجی،

قۇوانیجی، ایشانیجی.

مبتدى mobtadi: ا.فا. [ع] مبتدء، تازه

ایشه باشلان، باشلائیجی، اوورنجه.

مبتذل mobtazal: ا.مف. [ع] اهلی

آدمینگ گورن زادی بؤلمالی، آیاق

آستینا قالان، یازاماز، پس

حالانمادیق، بولغی سیز، ییگره نیلن،

آتبریلن، حرمتی قاچیران.

مبتکر mobtaker: ا.فا. [ع] تازه بیر

زادی دۆره دن آدم، اویلاب تاپان بیر

تازه زادی دۆره دن.

مبتلا mobtalā: ا.مف. [ع] مبتلى بلا و

دردسره دوشن، درده بلا قالان، آزاره

دوچار بۇلان.

مبتنى mobtani: ا.فا. [ع] دیکالیدیجی،

بنا اديجى، قۇرئۇجى.

مېشوت mabsus: ا.مف [ع] يازماق،

يازىلان، يايرادىلان.

مېدأ 'mabda: ا. [ع] باشلاما، علت

اصل، سبب، باشلانغىچ، مېادى جمع.

مېدع 'tmabde: [ع] بىر زادى

تازەدن تاپىپ الە آلان آدم، بىر زادى

اوزى دورەدن آدم.

مېدل mobaddel: ا.مف [ع] بدل

ادىلن، چالیشان، اويتگە دىلن.

مېذول mabzul: ا.مف [ع]

باغىشلانان، قناعتلاندىرلان.

مېرا mobrrā: ا.مف [ع] گناھدان

يوويلان، گناھسىز چىقان، گناھدن پاك

بۇلان، تھمتدن پاك بۇلان.

مېرز mabraz: ا.فا [ع] قضا حاجت

سۇو دوکوليان قويى، آياق يولىنە

اوتوريليان یر.

مېرز mobarrāz: ا.فا [ع] گورنىب

دوران، آيدىنگ آشکار، يولا دوشن،

اوستونلىک.

مېرم tmobaram: مف [ع] ماکام، برک،

دوزىنقىلى.

مېرهن tmobarhan: مف [ع] آشکار

دليللى، سببلى.

مېسوط mabsut: ا.مف [ع] آچىلان

يايران، شرح بريب گىنگلدىلان،

يايرادىلان.

مېشر tmobaššer: [ع] بوشلايچى،

گۆز آيدىنگ دىيچى.

مېصر tmobasser: [ع] ساقچى،

قاراوول، ساقلايچى، گۆزۇجى.

مېصر mobser: ا. [ع] گوريجىلىک،

ياغتىلاندىريچى، داناليق بىلن.

مېعث mab'as: ا. [ع] اىبريلمەگى

زمانى و مکانى، پىغمبر خدانىنگ

پىغمبرليغا يتن گونى، اول گون، رجب

آيينگ يىگرم یدی سى بۇلمالى.

مېعوث tmab'us: مف [ع] اىبرلن،

يوللانان، گوندرلن، روانە ادىلن.

مېبل tmobl: [فر] اۋى اسبابى، ميز و

صندلى و آيرى آغاچدان ادىلن زاتلار.

مېبلغ mablaq: ا. [ع] حددە يىتمک،

زادىنگ آنگرى چاگى، چن چاقا

يىتمک، پۇلۇنگ اندازەسى و مقدارى

مبالغ جمع.

مېلغ moballeq: ا. [ع] تبليغ اديان،

اۋويان، يىتيريچى، يىتيريان بىر

بويرىنى يادە حکمى عقيدانى باشغا

بيريने يىتيريان آدم.

مېنى mabnā: ا. [ع] مېناء، بنا ادىلن

يرى و زادىنگ کوکى، پايا و اساس .

مبني mabni: ا. مف. [ع] تكيلىن لر

ياسالان لار، بنا اديلن لر.

مبهم mobham: ص. مف. [ع]

گومورتىك، باسسيرغىلى اورتىگىلى،

چىلشيريملى، بللى سىز، دوشنىك

سىز ايش، نابللى، بللى بۇلما دىق.

مبهوت mabhut: ص. مف. [ع]

آلجراڭك، چاشان، آنگالان، حيران

بۇلان، اۋزۇنى يىتيرن.

مبين mobayyen: ا. فاع. [ع] اشكار

اىدىجى، آچىق اىدىجى، آچىق و بللى

اىدىجى.

مبين t.mobin: م. [ع] بيان اديلن،

اشكار اديلن.

متابعت motābe'at: مصر. [ع] متابعة،

ايزارلاماق، ايزىندان گىتمك، تابع

بۇلماق، بۇيۇن بۇلماق.

متاركة motāreke: مصر. [ع] متاركة،

ترك اتمك، قويىپ قايتماق، بىرى

بىرىنگان ال چكمك، ال چكمك.

متاع matā': ا. [ع] متا، قوش، اسباب

زات، آليپ ساتىليان زات، ساتىليپ

نپ گورىليان زات.

متانت metānat: مصر. [ع] متانة،

ماكام بۇلماق، برى بۇلماق، قايم

بۇلماق، قوجورلىق، سىكىنلىك،

آغراسلىق.

متأثر mota'asser: ا. فاع. [ع] اثر اديان،

اثر ادىجى، قايفىلى اينجان،

توقاتلى قايفىلى، حسرتلى

متأسف mota'ssef: ص. فاع. [ع]

اوكونچلى، قايفىلى، غملى، دردلى.

متألم mota'allem: ص. فاع. [ع] دردلى،

اينجىلى، دويدانسىز بۇلان واقادان

آغىرى قالان، درد تاپان.

متأمل mota'ammel: ص. [ع] بير

ايشده اويلانيان و بوكدنيان آدم.

متأنى mota'nni: ص. فاع. [ع] ساقلانما

بير ايشده اويلانيان و بوكدنيان آدم،

اويلانشىقلى آدم.

متأهل mota'ahhel: ص. [ع] عياللى

فرزندلى بۇلان، اويله نن.

متبحر motbahher: ص. [فاع] قاتى

دانا، كۆپ بىلملى علمى آدم.

متبرك motbarrek: ص. [فاع] [ع]

بركتلى خىرلى و مبارك.

متبسم motebassem: ص. [فاع] گولر

يوز، گولجى، آچىق يوز، گولك

متجاوز motajāwez: ا. [فاع] چن و

چاق دن چىقيجى، اوز حد دىندن اونگه

گىدن، توقونان، حد دن آشان.

متجلى motjalli: ا. [فاع] اشكار بۇلان،

باشی آیلانان.

متخاصم motaxāsem: ا. [فاع.]

دوشمانلیق اتمه، بیرى باشغا بیرى
بیله دعوالاشمان، اۇرۇش اتمه،
اوروشجانگ، جنگ پاران.

متخذ mottaxaz: ا. مف. [ع] آلینان،
آلما.

متخصص motaxasses: ص. فا. [ع]

آیراتین، بیر ایشده چپرچیلیگی و
اوکدهچیلیگی بۇلان آدم.

متخلف motaxallef: ا. [فاع.]

یالنگیش و بولغى سیز ایش ادیجی،
خلاف ایش ادیجی، یالنگیشرلیق
گوپیریان.

متد metod: ا. [فر] دستور، دۆزگون

یۆزلگه علمی یۆرۈش، تاره

متداعی motadā'i: [فاع.] بیرکیشى

آیری بیرى بیلن داعواگار بۇلماغی.

متداول motadāwel: ا. [ع] داب بۇلان

زات، یۈنگ بۇلان زات، الدن اله آیلانان
زات، یایران زات، داپ و عادت بولان
زات.

متدین motadayyen: ا. [ع]

دیندارلیق، ایمانلیلیق، دینلیلیک،
تقوالیق.

متذکر motazakker: ا. [فاع.] بیر

آچیق آیدینگ، بللی، گۆرکزیجی،
عیان ادیجی.

متحاشی mothāši: ا. فا. [ع] بیر طرافا
آیریلان و جدا بۇلان داشدا دوران.

متحد mottahed: ا. [فاع.] بیریکمک،
بیری یا بیر زات بیرى بیلن بیریکن،
بولسون، بیرلشمه.

متحدالشکل mottahed-ol-šekl:

ص. مر. منگزش بۇلماق، شکل دش
بۇلماق، منگزه مک.

متحد شدن mottahed-šodan:

اوتغاشماق، بیریکمک، بیرلشمک.

متحرک moteharrek: ا. فا. [ع]

قیمیلدايیجی، حرکت ادیجی،
قوزغالما.

متحصن motehassen: ا. [فاع.]

داشینا آیلانلن، بیرینه پناه گتیرن،
بیری نینگ بیر جایده پناه گتیرمه گی،
بیری بیر یره بارپ ارقا توتونماغی.

متحقق motahaqqeq: ا. [فاع.]

دوغری و گونی بولان، بولوجی،
چینلاقایلیق.

متحمل motehammel: ا. [فاع.] یوک

گوتاریجی، صبرلی، جیداملی.

متحیر motahayyer: [فاع.] حیران،

آواره، سرگردان، آلجرانگ، آنگلان،

زادی یاد ادیجی، یادلاما، یادینه
گتريجی، یادینه ساقلایان، خاطرینه
گتريجی.

مترادف moterādef: ا. [فاع]

سیرغین، ایزلی ایزینا، بیری
بیرینینگ ایزینده یرله شن و ایزینده
قرار تاپان، بیر ناچه کلمه معنی بيله
آیدیلیپ و یازیلان بولسون.

متراکم moterākem: ا. [فاع] اوستی

اوستونه اوتسوران، اوست اوستونه
بیغنانان، کوپ اویشن، کویلوک.

مترجم t.motarjem: ا. [فاع]

ترجمه چی، بیر دیلدن آیری دیله
ترجمه ادیان.

متردد t.motaraded: ا. [فاع] گلیم

کیدیملی، بیر زادا شکلی بۆلان، ایکی
کونگلی، یابدانجانگ.

مترصد t.motarassed: ا. [فاع] گۆز

یولدا لیق، قاراشما.

مترقی t.moteraqqi: ا. [فاع] یوقار

گوتاریلما، قالپ یوقار گیتمه، اووه
گیتمه.

مترو t.metro: [فر] برقی ترن و یر

آشاغیندن قاتنادیان، آیاغ اولاغ.

متروک matruk: ا. م.ف. [ع]

تابشیریلان، بیری نینگ ارکینده

قوییلان، ترک ادیلان، قالدیریلان،
قالان.

متساوی motsāwi: ا. [فاع] برابر،

دنگ، بيله قیرادنگ.

متشاعر t.motš'er: ا. [فاع] اؤزینی شاعر

بیلیان و شاعر اؤی ایدیان، پارداق.

متشاغل motšāqel: ا. [فاع] بیرایشه

گویمنیان آدم، ایشلی آدم.

متشخص motešaxes: ا. [فاع] اولی

آدم، آیراتین بییک آدم، بللی

سیلاغلی آدم، تانیلیان آدم.

متشکر motašakker: ا. [فاع] منت

دار، ساغ بول دیمک، منت دارلیق

بیلدیرمک.

متشکل motešakkel: ا. [فاع] شکل

تایدان قبول ادیلن، آیراتین گورنیشه

صوراتا چیقان بۆلمالی.

متشنج motešannej: ا. [فاع]

تیتره یجی لیک، ساویق دان یا باشقا

بیر علت دن قالان اوشوتمه، تیتره مه.

متصادف motesādef: ا. [فاع] یوزبه

یوز بولیجی، دوشیجی، ساتاشیجی.

متصادم motesādem: ا. [فاع] بیری

یا بیر زادینگ بیری بیری بيله

چاقیشماغی، بیری بیرینه اورماغی،

دگماگی.

متصاعد t.motesā'ed: [فاع] یوقار
گیدیجی، بییک‌لیک چیقیقی.

متصالح mote-sāleh: ا. [فاع] بیر
آیری بیر کیشی بیلن اونگیشماغی،
ایلالاشماغی، باشغا بیرینینگ
طرفیندان بیر مالی یا ملکی اؤنؤنگ
بیلن ایلالاشیان آدم.

متصدی motasaddi: ا. [فاع] غرامت
کش، باشلیق، مسئول، بیر ایشینگ
باشین تۇتیان، باش تۇتانی.
متصف t.mottasef: [فاع] صفتلی،
دورموش کشبی بۇلان آدم، صفته ایه
بۇلان.

متصل mottasef: ا. فا. ایزلی ایزنه،
ایزی گیدرلی، سبله‌نن، جیبیسله‌نن،
مداما همیشه باغلانان.

متصور motasawwer: ا. مف [ع]
گمانلی، شک ادیجی، تصوّر ادیجی.
متصور motesawwer: ا. فا [ع] بیر
زادی اوز خیالینگده گوز اونگینه
گتیرمه و گتیریلمه.

متصوف motesawwef: ا. فا [ع]
درویشلیگی صوفی چیلیغی آشکار
ادیپ گورکزیپ، بیان اتمه.

متضمن motazammen: ا. فا [ع]
شامل، اوز ایچینه آلما.

متظلم motezallem: ا. فا [ع] ازیلن،
ستم گورن، بیریندن شکایت ادیپ
حقینگ سوراما.

متعادل mote'adel: ا. [فاع] بیر
آغرامده بۇلان، برابر، دنگ،
بیرآغیرلیقدا.

متعاقب mote'aqeb: ا. [فاع]
بیری نینگ ایزیندان گیدیان آدم،
ایزارلایجی، ایزیندان گیدیجی، تابع.

متعال mote'al: ص [ع] یوقاری
بییک، قاتی اولی، بلند، خدای
تعالی نینگ صفت لارینینگ بیر.

متعامل mote'amel: ا. فا [ع] بیر
بیری بیلن آلیش بریش ادیان، بیر
آیری بیر کیشی بیلن سودا ساتیق
ادیان آدم، ساتیان و آلیان، ساتیجی و
آلیجی.

متعدد mote'aded: ص. [ع] سانسیز،
قاتی کوپ، کوپ سانلی، کوپ
مقدارده بۇلان زات.

متعدی mote'adi: ا. [فاع] توقینجی
توقینما، آزار بریجی، ازیجی، ستم
ادیجی، ایزاوی.

متعرض t.motarez: [فاع] بیر آیری
بیرینه قارشى بولوپ ال اوزاتماغی،
سؤومه‌گی یا بیر ایشه ال اورماغی.

متعصب mote'aseb: ا. فا [ع]

تعصیب‌بلی، تعصیب کش، نامیس جانگ، بیرینینگ بیر ایش درکلی بیرینه تعصیب گورکزمه‌گی.

متعفن mote'afen: ا. فا [ع] پورسی،

آنگقما، ارید ایسلی.

متعلق mote'aleq: ا. فا [ع] باغلاغلی،

ساللاغلی، آسینغلی ساپنغلی، همیشه، دگیشلی، باغلی.

متعلقه mote'aleqe: ا. فا [ع] مونث

متعلق، عیال، ارکک آدمینگ عیالی.

متعمق mot'ameq: ا. فا [ع] داشدان

گوریان، زادینگ سونگوننا اویلانیان آدم، اویلانشیقلی.

متعهد mote"ahed: ا. فا [ع] عهد

باغلان، شرطنامه باغلان، بیر زادی بویون آلان، بیر غرامتی گوته رن.

متغیر mote'qair: ا. [ع] بیرینینگ یا

بیر زادینگ یاغداایی دگیشمه‌گی، اویتگان، آنگلان، چاشان، قهارلی.

مفاوت mote'fawet: ا. فا [ع]

تفاوتلی بولما، فرقلی بولما، جدا، آیری.

متفحص motefahes: ا. فا [ع]

آغتاریجی، بارلایجی، یرغازیجی، دؤریجی.

متفرد motefared: ا. فا [ع] یکه

یالنکیز، بیر طرف بولوجی.

متفرق motefareq: ا. فا [ع] پتیرانگ،

پتیراب داشا دوشن، یایران بیرى بیریندن آیرا دوشن.

متفق motefaq: ا. فا [ع] رای داشلیق،

سازلاشیق، رای داش، بیله همراه بولما، آغیز بیر بولما، بیرلشن.

متفکر motefaker: ا. فا [ع]

اویلانیجی، بیرى بیرزات درکلی اویلانیان، فکر ادیان.

متقابل moteqābel: ا. فا [ع] یوز به

یوز بولما، دوشیشما، یوز به یوز کلمه، دنگ، ساتاشما، برابر کلمه.

متقارن t: motaren: ا. فا [ع] باغلی و بیر

بیری بیله بیریکمه، بیرلشما، اوتناشما، آغیز بیر بولما.

متقاضی t: moteqāzi: ا. فا [ع]

ایسله‌یجی، بیرى بیریندن بیرزادی خواهیش اتمک.

مقاطع moteqāte': ا. فا [ع] بیر زات

بیر زادینگ اوستیندن گچمه، ایکی خط بیرى بیرینه یتیب کسیپ

گچمه، بیرى بیرینی بولمه، ایکی یولونگ چاقناشیان نقطه‌سی،

چاتریق.

متقاعد moteqā'ed: ۱. [فاع] اوز
حقينه راضى و قانع بۇلۇپ يىرىندە
اوتوران، ايشىندىن ال چكىب اوتوران
آدم، ايشىدن قالان.

مقال moteqābel: ۱. [فاع] عربى
چشمەدن، نخىدن دو قوليان آق
پارچە، آق ماتا.

مقبول moteqābel: ۱. [فاع]
حالايچى، قبول اديجى، بىرايشى
بۇيۇن آلان، قبول ادن آدم.

مقلب moteqaleb: ۱. [فاع] ۱. آيرى
تويىلى بۇلما، آيرى رنگە اۋورۇلمە،
اويىتگايچى. ۲. دوغرى ليق بيله
ايشلەمەيان آدم، هيتىر، حيله گار،
نادوغرى دغل آدم.

مقتى mottaqi: ۱. [فاع] تقوا،
خدائىلىقلى، دوغورچىل، نامىسلى
ديندار.

مكتا mottakā: [ع] ياسىق، كويچك.
مكتبر motbaker: ۱. [فاع] بويىنى
يوغىن، منلىكچى، اوزىنى اولى
تۇتايان، دىنگە اوزىنى گورىان، اوزىنە
بويىسانيان، اولومسى اووينجىنگ.

متكفل motekafel: ۱. [فاع] بىرايشى
بۇيۇن آلان آدم، هوتدالەنن، غرامتى
قبول ادن آدم.

متكلف motekalef: ۱. [فاع] بىر
ايشى بۇيۇن آليپ اوزىنى عذابە قىن
چىلىغە ساليان، آدم.

متكلم motekalem: ۱. [فاع]
گوررونكى، سخنور، گوررونكى
برىان.

متكى tmotaki: [فاع] ديانيچى،
سويانيچى، اينانيان، بىرىنە سويانيپ
اينانيان آدم، ياساسانيچى.

متلاشى motelāši: ۱. [فاع] دارغان،
دارغانىپ پيتران، درى داغىن بۇلان.
متلاطم motelātem: ۱. [فاع] تولقىن،
دزيانىنگ دنگىزىنگ جوشغىنى،
قومى، قوم قالىپ آشاق يوقارى
اورماغى.

متمادى motmāde: ۱. [فاع] مدتلى،
كوپ واقتلى، هميشە ليگ، مدامالىق،
اۋزاق و قتلاب، دوواملى.

متمايز motemāyez: [فاع] آيرى
آدملاردان آيراتىن ليقى بۇلان، آيىل
سايىل سايىلانان آدم.

متمايل motemāyel: ۱. [فاع] اگىلن،
اگرالن، قىشارىجى، بوكرالن،
مىللى، بىرزاڭا ھۇۋسى بۇلان.

متمدن motemaden: ۱. [فاع] شەھردە
اوتورىملى، شەھردە اوتورىپ مدنيت

تاپان، شهرده یاشایان، بازار سوونی
ایچن، مدنیتلی تمدنلی.

متمرد motamarred: ا. [فاع]

هوالانگ، بویروق سیز، آزعین، یولدان
چیقان، بوینی یوغین.

متمکن motemakken: ا. [فاع] جای

آلیجی، گینگیشلیکلی، جای آلان،
قوجورلی، بای لینی کوپ بۇلان آدم.

متملق motemaleq: ا. [فاع]

یالچی لیق، دیلی سویجی لیک،
یالینجانگ، یارانجانگ لیق.

متمم motamam: ا. [فاع] تمام

ادیجی، قوتاریجی، بوتین لیجی، بیر
زادینگ کامل بۇلماغینا سبب بۇلۇپ

آیری زادی قوتارماق.

متمنی motemanni: [ع] ایسله یجی،

آرزو ادیجی، خوایشی و آرزوسی بار
بۇلان، خوایش ایدیان.

متمول motamawwel: ا. [فاع]

ماللی، بای، دولتلی، پوللی، قوریللی.

متمهد motamahhed: ا. [فاع]

یایرانگ لیجی، یایبانگ لیجی،
قوواتلی، زورلی، گویچلی، قوریللی.

متن matn: ا. [ع] آرقا، بیر زادینگ

ایچی، بییک بلند یر، کتابینگ
ایچینداکی یازغیسی، متان و متون

جمع.

متناسب motenāseb: ا. [فاع] آیری

بیری یا باشغا بیر زات بیلن
ایلته شیگی یا منگزشلیگی بار بۇلان
آدم، یاراشیقلی، گلشیکی بۇلما.

متناقض motenāqez: ا. [فاع] بیری

بیرینه قارشلی، اونگوشمازلیق،
قارشلی بۇلما، ترس دوشمه.

متناوب motenāweb: ا. [فاع] ایزلی

ایزینا، گزکمه گزک، بیری، اول
بیریندن سۇنگ.

متناول motenāwel: ا. [فاع] بیر

زادی آلیجی، آلیپ اییجی،
اییه جن لیک.

متناوم motenāwem: ا. [فاع] اوزینی

اوقلاب یاتان گورکزمه، اوقلان کیش
بۇلما، اوزینه یالاندان اۇقا اورمه.

متناهی motenāhi: ا. [فاع] سۇنگۇنا

یستن، بیر زادینگ آخری بۇلۇپ
سۇنگۇنا یتمک.

متنبه motenabe: ا. [فاع] اوقی دان

اویانان، توران، اویا، آگاه، ساق:

متنفذ motenafez: ا. [فاع] نفوذلی،

آیدانی بولیان، بیری نینگ امری و
حکمی بیله کی لره گۇرا یورپ اثر
اتمه گی و اوستم بۇلماغی.

متنفر motenaffer: ۱. [فاع] ييگرنجى

لىك، ييگرنجى، بىزار، قاچماق،
بىرىنى ييگرنىان، قاچا دوريان.

متنور t.motenawer: [فاع] يانيجى،

يانان، ياغىلىق تاپيچى.

متنوع mote-nawe: ۱. [ع] جور به

جور دورلى دورلى و ناچه گۇرۇشده
بۇلان زات.

متواری mote-wāri: ۱. [فاع] قاچاق،

گىزلىنمە، اوستى اورتگىلى گىزلەنن،
ساللاخ، قاچىپ يورن، قاچماق.

متوازی mote-wāzi: ۱. [فاع] بىرى

بىرى بىلە دنگ، بىرى بىرى بىلە
برابر و نه قدر چكسنگ اوزاىپ بىرى

بىرىنە يتميان ايكي چيزيق.

متواصل mote-wāsel: ۱. [فاع] بىرى

بىرىنە يتن، بىرى بىرىنە باغلى، بىلە
سافىلان، قۇشۇلان.

متواضع t.motewāze: [فاع] كيچى

گووينلى، اوزىنى كيچى تۇتيان،
منلىگى بۇلمادىق، اوزىنى اولى

توتميان، پس پال، ساليقاتلى

متوالى motewāli: ۱. [فاع] ايزلى

ايزنه، بىرى بىرىنىنگ ايزىندان آرقا
به آرقا.

متوجه motewajje: ۱. [فاع] يوز

توتيجى، آنگشيريچى، يوز تۇتيان،

بىر زاده يوز تۇتيان، اسهوان اديجى،
آنكيان، اونس بريان، يوزلنيجى.

متوحش motewahheš: ۱. [فاع]

قورقان، بىرىنىنگ بىر زاتدان
دارىغىپ قۇرقىسى بۇلان، درىسى
داغىن و ويران بۇلان جاي.

متورط motewarret: ۱. [فاع]

چوميجى، اتهگه گيديجى، چتين
مشگل ايشه دوستن.

متورم motewarrem: ۱. [فاع]

چيشن، چيشمك، پوكگر و
توممەن، قالبانگ، چيشگين.

متوسط motewasset: ۱. [فاع] اولى ده

دال كيچى ده، اورتا، اورتا يۇرۇش نه
ياغشى نه يامان، نه اۇزين و نه ده

كوله، آرا ميان.

متوسل motewassel: ۱. [فاع]

بىرىنىنگ سىنىندن تۇتۇپ كمك
طما اتمه، كمكى تاپجاق بۇلما،

يارداملىق طما اتمه، كمك طلب اتمه.

متوفى t.motewaffi: ۱. [ع] اولن،

يوغلان، دنيا دن اوتن.

متوقف motewaqqef: بىر جايدە

قالان، توغتان، بىر ياغدايدە دوران،
آياق اوستنا دوران.

متوکل t.motewakkel [فاع] توکل

ادیجی، خدایا توکل اِدیان، تانگرا
توکل اِدیان، اینام ادیجی لیک.

متولد motewalled: ا. [فاع] دوغیلان،
دوغیلما.

متولی motewalli: ا. [فاع] باشلیق،

ایشی دولانديران، ایشی یولا
سالیان، بیر ایش تابشیرلان آدم.

متون motun: [ع] جمع متن.

مته matte: ا. اوشکی.

متهم mottaham: ا. مف. [ع] تهمت

اورلان، تله که ایش اتدی دییپ
مجاہت تونکگلان، یاراماز ایشه

باغلی بیلینن آدم، گناه تونگکه لن
آدم، قارالانان.

متین matin: ص. [ع] ماکام، برک، قایم،

قورس، سارسماز، پایخاسلی،
اوقیپلی، چیداملی.

متینگ mating: ا. [فر] جمعیت

چیلیک عمومی مسئله لر باراده کوپ
چیلیکینگ اویشوپ ییغنانیپ

گوزرینگ اتمه گی.

مثال mesāl: ا. [ع] منگزش، بویروق

حکم، مقدار، مجبر، قصاص، اندازه،
یالی، کیمین، ائله و مثل جمع.

مٹانه masāne: ا. [ع] (= مٹانه)

سیدیک لیک، قاسیقدا پشه و
هالتاسی.

مثبت mosbet: ا. [فاع] برکیدجی،

ماکام لیجی، برقرار ساقلا جی.

مثبت mosbat: ا. مف. [ع] ماکام بۆلان،

برکیین، قایم لانان، پوختالانان.

مثقال tmesqāl: [ع] آغرام اولچگی،

۲۴. نخود آغراملیقده، سیرینگ اون

آلتی دان بیرى، بیر مثقال، مٹاقیل

جمع.

مثل masal: ا. [ع] یالی، یاناق، کمین،

گورا.

مثالث mosallas: ا. مف. [ع] اوچ بورج،

اوچ بورجلی، اوچ نقطه لی و اوچ

حرکتلی بۆلان سوز.

مثمر mosmer: ا. [فاع] مینوه بریجی،

ایمیش بریان آغاج، پیدالی نپلی،

میوه لی.

مٹنوی masnawi: [ع] ایکسی

مصراع سی هم قافیه لی بۆلان شعر،

ایکی مصراع سی قافیه لاشیب گلیان

شعر، ایکی لیک، ایکی ایکی ایکی ایکی

مصراع سی قافیه لاشیان شعر،

اؤنؤنگ ایکینجی مصراع سی نینگ

قافیه سی بیرینجی مصراع سی نینگ

قافیه سینه منگزش بۆلؤپ گلیار

مثلاً: فردوسی نینگ شاهنامه سی و مولوی نینگ مثنوی سی یالی.

مجادله mojādele: مص. [ع] مجادله، بیرى بيله دوشمانلىق اتمک، بیرى بيلن جدل لشمک، چکه له شیک، دعوا جنجل و اوروش اتمک، گورش

مجارى mjāri: [ع] سوو آقار، اؤتلمگه، گچلمگه، جمع مجرى.

مجاز tmojāz: مف. [ع] رخصت بريلن، اجازه لی، رخصت لی، روا، جايز.

مجازات mojāzāt: مص. [ع] جزا برمک، ياغشی يامان آلیان اجرینگ و مزدینگ، تنبی برمک، جزا، جزالاندیرماق.

مجازى majāzi: ص. [ع] غیر حقیقی، آنیق بولمادیق، گوچه معنولی

مجال majāl: ا. [ع] ایکی یانا آط چاپدیرلیان یر، آط گویدرلیان میدان، آط آیلام، ایش اتماگه فرصت، آماق.

مجالس majāles: [ع] جمع مجلس، میلسلر، مجلسلر، اوتورشیقلار.

مجالس majāles: ا. [فاع] بيله اوتورشیق ایدیان آدم، بيله اوتورشیان.

مجامع majāme': [ع] جمع مجمع، ییغنانشیلیان یرلر.

مجاور maojāwer: ا. [فاع] یاناشیق،

همسایه، قونگشی.

مجاورت maojāwerat: مص. [ع] یاناشیق لیق، قونگشی لیق اتمه، بیرى نینگ قولای یانینده قونگشی بؤلۆپ یاشاماق.

مجاهد maojāhed: ا. [فاع] تقلا ادیجی، قارا باغرىن بۆلان، تقلا ایدیان، دوشمان بيلن اوروش ایدیان، دوشمان بيله جنگ ایدیان، دین یولوندا اوروشیان، سؤوشیان.

مجبور majbur: ا. مف. [ع] ناچار، ناعلاج، گوچ بيله بیر ایشه قوییلان، زور سالینان، قیسیسالان، مجبور، چاره سیز.

مجتبى mojtabā: ا. مف. [ع] حالانان، بلله نن، سایلانان.

مجمع mojtama': ا. [ع] ییغنانشیلیان جای، ییغنانشیلک، بيله اوشیلیان، ییغنانشیق ایدیلیان یر، ییغنانشیب بيله ایشلنیان یر.

مجمع mojtame': ا. [فاع] اویشمه لنگ یر، ییغنانشیق ایدیلیان جای.

مجتهد mojtahed: ا. [فاع] تقلا ادیجی، شرع مسئله لرینی قرآن دن

گناهلى، يازىقلىق.

مجروح majruh: ا.مف. [ع] يارالى،

يارالانان، يارا دوشن.

مجرى mojri: ا. [ف.ع] اوغرا دىجى،

يورىدىجى، بىر ايشى يرينه يتيريان
آدم.

مجرى mojra: ا.مف. [ع] يرينه يتن،

اجرا بولان، آقديرلان.

مجرى majra: ا. [ع] گچلگه، اولۇم،

سووينگ و چايىنگ سووى نىنگ
آقيان يرى، سوو آقار، مجارى جمع.

مجرى mejri: ا. ساندىجاق، آغاچدان،

دمىردان بۇلان كيچى ساندىق.

مجسم mojasam: ا.مف. [ع] اينى

بويى چونگ ليغى بار بۇلان جسم،
جسم شكلىنه اورىلن، گوز اونگينه
گتىرمه، جسم شكلىنه اوويريلمه.

مجسمه mojasame: ا.مف. [ع] گچدن

يا داشدن، فلزدن آدم يا حيوان
شكلىنده بجرلن، پىكر، هيكل.

مجلس majles: ا. [ع] مىلس،

مهمانچلىغنه ضياقتا گورىتگ اوچىن
اوتورشىق ادىليان جاي، مىلس ير،
پىغناق.

مجلل mojalal: ا.مف. [ع] اولى

توتولان، اولى بۇلان، درجهلى و

چىقارپ دوشوندىرىپ بىليان عالم،

دينى مسئله لرىنى و دينى علمنى

بىر كمسىز بىليان و اجتهاد

درجه سینه يتن مجتهد، مجتهد

درجه سینه يتيشن عالم، علمده بىر

حدده يتن آدم.

مجد majd: ا. [ع] اولۇلىق، بىيک ليک،

جومارتلىق، امجاد جمع.

مجد mojedd: ا. [ف.ع] تلاش ادىجى،

تلاشلى، تقلالى، ايشنگرلىک،
هجوليق.

مجدد mojadad: ا.مف. [ع] تازه له بن،

تازه تاپىلن، ايلکينجى گزک، تازه دن
دوران، ايکى لاپ.

مجدوب majzub: ا.مف. [ع] چكىلن،

اؤزونه چكىلن، دارتيلان، عقلنى

آلديران، آلجرائگ، كونگول برن، يورک
برن، عاشق.

مجرب mojarab: ا.مف. [ع] تجربه

آلان، ايش اوورهنن آدم، تجربيه لى،
اوورهنن، اوکده لآن، باشارجانگ، چپر.

مجرد mojarad: ا.مف. [ع] عيال

سىزارکک، يالانگاج، يالنگيز، يکه،
عيال سيز.

مجرم mojrem: ا. [ف.ع] عاصى ليغا و

گناه ايشه يوز اوران، گناه کار آدم،



اولی بۆلۈن، عزتلى حرمتلانىن،

دگرلى، امجاد جمع.

مج دست moč-dast: ۱. قوشار.

محارب mahāreb: ۱. [ف.ع.]

اورشيجانگ، ساواشجانگ، اۇرۇش

اديجى، اوروشيان، اورشاغان.

محاسب mahāseb: ۱. [ف.ع.] حساب

اديجى، حساب ساقلايىچى.

محاسن mahāsen: [ع.] ۱. جمع

حسن، اونكاتلى ليقلار، ياغشى ليقلار

۲. گورنيكلي انداملى ۳. همده

ساققال معنيده.

محاصره mohāsere: مص. [ع.] (=

محاصرة) بيري نينگ داشينا

آيلانماق، بيري نى دار يرده غاباب

تۈۈرك داشيني آلماق، بيري يري و

شهرى قورشاپ آلماق داشيني

قاباماق، قابساماق.

محافظ mohāfez: ۱. [ف.ع.]

قاراويل ليق، ساقلايىچى، قورايىچى،

ساقلاو، ساقچى

محافل mahāfel: [ع.] جمع محفل،

ميلس، انجمن، ييغناق، اوتورشيقي.

محاکم mohākem: [ع.] محكمه لر،

قاضى لارينگ ايشه يتشيكيك اديان

يرى.

مرتبه لى، حرمتلى دابارالى، بزه لن.

مجمع majma': ۱. [ع.] جملشيليان ير،

ييغنانيليان ير، ييغنانشيقي، ييغندى،

مجامع جمع.

مجموع majmu': ۱. مف. [ع.] ييغنانان،

ييغنانيلن، اويشولن، جمله نن، جم

اديلن، مجاميع جمع.

مجموعه majmu'e: ۱. مف. [ع.]

اويشرلن، ييغنانيلان، بير يريك

ييغنانيلان زاتلار، ييغندى.

مجنون majnun: ص. [ع.] ديوانه،

تلبه، مجانين جمع.

مجوز mojawez: ۱. ف.ع.] اجازه

بريچى، رخصت بريچى.

مجوس majus: ۱. مر. گونه سيغينيان،

اوده سيغينيان، چوقونيان، گبر، اود

پاراز.

مجون majun: مص. [ع.] قاتى ايرى و

قورقمازاق ليق، حيا شرم سيزليك،

ماسخاراليق.

مجهز mojahaz: ۱. مف. [ع.] تاييارلانىن،

تاييار، آماده، اويچين ياراغ شايا

تاييارلانىن، ياراغلانىن.

مجهول majhul: ۱. مف. [ع.] ناماليم،

نابللى، تانيلميان، بيلينم يان ناتاش

مجيد majid: ص. [ع.] بلند درجه لى،

محاكمه mohākeme: مص. [ع] بیری
بیله دادگاه بارماق و شکایت لاشیب
دعوا توتماق.

محال mahāl: ص. [ع] بؤلماسیز زات،
بؤلماچاق زات، بولارلی دال، ممکن
بؤلما دیق زات، بؤلماچاق نارسه.

محبت mohabbat: ا. مص. [ع] (=)
محبة) سویگی لیک، دوستلوق،
مهرلی لیک، بیر زادا یا آداما بؤلان
طبیعی هووس، اخلاص، علاقه،
سویگی، مهر، قاوی گورمه.

محبس mahbas: ا. [ع] توستاق خانه،
زندان، تورمه.

محبوب mahbub: ا. مف. [ع]
سویگیلی، مغشوق، قاوی گوریلیان،
دوست، عاشق بولینن.

محبوس mahbus: ا. مف. [ع] توستاق،
توستاق ادیلن زندانه دوشن،
ساققلانان، بندی ادیلن.

محتاج mohtāj: ص. [ع] آتیاجلی،
مأتاج، زار، غلاج.

محتاط mohtāt: [ع] بیر ایشه
اویلا نشیقلی، چملشیان آدم،
احتیاطلی، سونگینی سایقاریپ ایش
اتمک.

محترف mohtaref: ا. [ع] حرفه لی،

ایشلی، کاسب.

محترق mohtareq: ا. فا. [ع] اود آلمان،
یانغینلی، توتاب دوران.

محترم mohtaram: ا. مف. [ع] حرمتی
گرک بؤلان آدم، حرمتلی معزتلی،
حرمتی بار بؤلان، حرمت ادیلمه لی.

محشم mohtašam: ا. [ع] ۱.
قهارلی، قهارجانگ، ۲. حیالی،
نامیسرلی، حاشاماتلی، شرم لی.

محقر mohtaqar: ا. مف. [ع]
خوارلانا، عجیز گورلن، کم ساییلان.

محتر mohtaker: ا. [ع] ۱.
آبارلایجی، آریا بؤغدایی یا باشقا بیر
زادی ییغناپ قویپ بها ساتیان آدم،
بها ساتماق اوچین مالی ییغناپ
آبارلاب ساققلایان آدم.

محتمل mohtamal: ا. مف. [ع] بولاری
بؤلمازی گمانه، شکلی بؤلان،
بولجاغینی بؤلماجاغینی چن چاق
اؤرما.

محتوم mahtum: ا. مف. [ع] واجب
ادیلن، ماکأم، برک.

محتوی mohtawā: ا. [ع] ۱. اوز
ایچینه آلمان، بیر زات آیری بیرزادی
اوز ایچینه آماغی، باشقا بیرزادی اوز
ایچینه آلیان زات، ایچینداکی،

محتوی کتاب: کتابینگ ایچینداکی.

محبوب mahjub: ا.مف. [ع] پرده‌لی،

حیالی، اورتگولی، شرم‌لی،
اوتانجانگ، چکینجنگ.

محدث mohades: ا.مف. [ع] تازه

تاپیلان زات، کتاب‌ده و اجماع سنت‌ده
مشهور بۆلمادیق زات‌لار، محدثان
جمع.

محدث mohades: ا. [فاع] حدیث‌دن

نقل ایدیان آدم، پیغمبر اکرمینگ
سوزلرینی نقل ایدیان کیشی، علم
حدیثه عالم آدم یعنی عالم به علم
حدیث.

محدود mahdud: ا.مف. [ع] حدی

چاگی بللی، سونگلی، محروم، آزا
چاگی، بلله‌نن زات، چاکلندیرلن،
تۆرۆگی قابالان یر یورت، محروم.

محراب mehrāb: ا. [ع] تامینگ

یوقارسى، میل‌سینگ تۆری و یوقار
باشی. محراب مسجد: مسجدینگ
محرابی، امامینگ دوریان یری قبله،
محاریب جمع.

محرر moharrer: ا. [فاع] یازیجی،

آزاد ادیجی، ارکین ادیجی.

محرز mohraz: ا.مف. [ع] اله گتیرلین،

اله آلینان، ساقلانان، بللی، عیان،

آچیق.

محرک mohrrek: ا. [فاع] [ع]

قوزغایجی، حرکت‌اتدیریجی،
قیملدادیجی، حرکت‌ه گتیریجی،
آزدیریجی.

محرم mahram: ا. [ع] اوزینگکی و

یاقین قارینداشینگ، بیر خانوادهدان
اۆنۆنگ بيله اۆیلنمک‌لیک حرام
بۆلۆپ، نکاح دوشمه‌یان قارینداش،
محارم جمع.

محرم mohrem: ا. [فاع] حجینگ

احرامینی باغلان، احرام اگین اشیگنی
گین، احرام باغلان.

محرم moharram: ا. [ع] هجری

قمری ییل حسابی بوینچا اولینجی
آیی، محرم الحرام، شهرالحرام‌غا
دیییلیار.

محروم mahrum: ا.مف. [ع]

امیدسیز، پای‌سیز قالان، محروم.

محزون mahzun: [ع] قایغیلی،

غم‌لی، غصالی، توقات.

محسن mohsen: ا. [فاع] یاغش‌لیق

ادیجی، خیر ایشده بۆلان، قاوی‌لیق،
آدم کارچیلیک.

محسوب mahsub: [ع] سانالان، سانا

گتیرلن، حسابلانان.

محسود mahsud: ا. مف. [ع] گوریپ-

چیلیک ادیلن، بخیل چیلیق ادیلن.

محسوس mahsus: ا. مف. [ع]

دوییلان، دویولما، بیر زادینگ بارلیغی

واثری دویولماق، ایزی دویولماغی.

محشر mahšar: ا. [ع] آداملارینگ

ییغنانمالی جای، اهلی آدملارینگ

ییغنانجاق یری، قیامت گونی،

محشر گونی.

محصل mohassel: ا. [فاع] بیرزادی

اله گتیریجی، اله گتیریان، آلفی

ییغنائیان، اوقوؤ اوقایان، مکتب

شاگردی، اوقوؤچی.

محسن mohsan: ا. مف. [ع] عیال آلان

آدم، عیاللی آدم.

محصور mahsur: ا. مف. [ع] دیفارلی،

داشینه دیفار چکیلن یر، قبالان یر.

محصول mahsul: ا. مف. [ع] أونیم،

دایخانچیلیق دان آلیننیاں أونیم،

حاصل.

محضر mahzar: ا. [ع] حضور تاپمالی

جای، حکم لری و سندلری ثبت

ادیلیان دفترخانه، محاضر جمع.

محفل mahfel: ا. [ع] دوستلرینگ

ییغنائیان یری، میلس، ییغناق،

اویشلیان یر، محافل جمع.

محفوظ mafhuz: ا. مف. [ع] ساقلانان،

قوریلان، برکیدلن، ساقلاولی

محقر mohaquer: ا. مف. [ع] عجیز

بۇلان، عجیزله نین، کیچالدیلن،

خوارلانان، کوله، ارید.

محقق mohaqaq: ا. مف. [ع]

بارلایجی، ایزارلایجی، بیر زادینگ

حقیقتینا یتن، ماکام، مرتب و دوغری

و برک.

محقق mohaqqaq: ا. [فاع] حقیقته

باغلانان، حقیقته بیریکن، حقیقتینگ

ایزینده گزبان، تحقیق لایجی،

بارلایجی، حقیقی.

محک mahak: ا. [ع] عیارنی یعنی

اصلنی سیناماق و آنیقلاماق اوچین

قیزیلا و کومیشه سویکیلان اولچک

محکم mohkam: ص. [ع] قاتی برک،

قایم، ماکام.

محکمه mahkame: ا. [ع] (=)

محکمة) دادگاهده دعوا و شکایت

یتیشیکلیک ادیلیان یر، محاکم جمع.

محکوم mahkum: ا. مف. [ع]

دادگاهده ضررینه حکم بریلن یعنی

بویروق صادر بۇلان، گناکار حسابلانان

آدم، دادگاهده اونونگ ترسینه یعنی

ضررینه حکم بریلن آدم.

محل mahal: ا. [ع] جای، یر، مکان.

محل mohell: ا. فا. احرامدان چیقان آدم، احراما یا شرطه باغلی بولمادیق.

محلل mohallel: ا. [فاع] حلال

ادیجی، اوچ طلاق ادیلن عیالی اری یانگادان آلمالی بولسا، ایلکی باشفا بیر آدما وقتلایینچا نیکاح لاپ برمه‌لی، اول طلاق ادن سونگ، دسلابقی اری، ینه قایتادان نیکاح لاپ آلیپ بیلیار، اکینجی اره محلل دیلیار.

محلول mahlul: ا. م. ف. [ع]

قاتیشدیریلان، هر زادینگ سووق زات بیلن قاریلماغی، هر زات سوویق زاده اری—دیلب قاریلماغی قاتیشدیریلماغی، یوقوریلماغی.

محله mahale: ا. [ع] محله، آیلاغ،

آیلاغ یرلشیان یر، دوشله نیلیان یر، شهرینگ بیر بوله‌گی، برزن، محله، یاشالیان یر.

محمد mohammad: [ع] تاریفلانان،

اوویلن، یاغشی قیلیقلی، قاوی صفتلی و اسلامینگ ایلکی پیغمبرنینگ آدی.

محمل mahmel: ا. [ع] بیر زادی یا

بیرینی شونونگ بیلن اکیدیلک،

حمل ادیلک، کجابه، محامل جمع.

محمود mahmud: ا. م. ف. [ع] اوویلن، آلیقش آلان، ماغتالان، تآریپلانا.

محمول mahmul: ا. م. ف. [ع]

گوتهریلن، آرقاآلینان یوک.

محنت mehnat: ا. [ع] محنة، اورغی

ایزا، بلا، آزار، قایغی سیناغ، عذاب.

گوزگی، کؤسنمه، رنج، محن جمع.

محور mehwar: ا. [ع] تیگرینگ

چاغیریریغی، بیر باشی دمیر قازیق،

قطبده بیر باشی گون اورتا قطبدا

بولان خط، چیزیق یر، اول اوز حرکت

دورمیشنی خطینگ اوستونده انجام

بریار یعنی یرینه یتیریار.

محوطه mahwate: [ع] داشینه دیفار

چکیلن یر.

محول mohawwal: ا. [فاع]

اویتگدیجی، اویتگدیان، دگشیریان،

گچیریان، بیر یاغدایدن آیری بیر

یاغدا یا گچیریان.

محول mohawwel: ا. م. ف. [ع]

اوورولن دگیشلن، اویتگدیلن،

دگیشدیرلن، حواله بریلن.

محول الاحوال mohawwel-ol-ahwāl:

خدای تعالی‌نینگ صفتلارنینگ

بیری.



دوشمانلیق ادیجی، اوروشیجی،
ساواش ادیجی.

مخاط **moxāt**: ۱. بورون سووی
مانگقا.

مخاطب **moxāteb**: ۱. م.ف. [ع]
کپلشیان طرفینک، گوررینگداشینک،
گوررینگد ش بولیان آدمینک، یوزلنیا
آدمینک.

مخاطره **moxātere**: م.ص. [ع]
مخاطرة، اوزونگی خطرہ اوqlاماق،
اوزونگی خطرہ سالماق، اوزینگی
خوفا سالماق.

مخالف **moxālef**: ۱. [ف.ع.] قارشى،
ترسینه بۆلن، قاپماقارشى،
اونگوشمازاق، قارشى ليق ۴ قارشى.

مخالفت **moxālefat**: م.ص. [ع]
مخالفة، اونگشاماسیزلیق،
ساواشماق، اوروشماق، قارشى ليق
گورکزمک.

مخبر **moxber**: ۱. [ف.ع.] خبر بریجى،
آگاه ادیجى، خبرچی، خبر بریجى.

مختار **moxtār**: ص. [ع] ارکلى،
اختیارلى، سايلا ب سچيچى،
سايلايان، سايلانان.

مخترع **moxtare**: ۱. [ف.ع.] تازه
دورادیجى، چیقاریجى، اویلاب

محیط **mohit**: ۱. [ف.ع.] تۈۋرگ داشا
آیلانان، بیرزات آیری بیر زادینک
داشینى قورشاماغى، انسانینگ
یاشایان جایی، شهرى، اویاسى.

مخ **mox**: ۱. ۱. اله اوۋره نشمه دیک آطا
سالیان او یان ۲. اود، آری، خرما
آغاجی دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

مخ **moxx**: ۱. [ع] پینی، کلآنینک
مانگزی، هرزادینک الینی یعنی
خالصی سونگکینک ییلىگى، هر بیر
زادینک قارینجاسیز و قوشانت
سیزلیغى، خالصى، باش مانگزینک
ایکى دنگ یاریم تگلک بۆلوننى.

مخابره **moxābere**: م.ص. [ع] (=)
مخابرة) خبر برمک، تلفن یا تلگراف
بیلن کپلشمک، خبر آلماق
خبرلاشماق.

مخارج **maxārej**: ۱. [ع] ۱. جمع
مخرج، چیقیلیان یر، ۲. فارسى چه
خرج لار، چیقداجى لار، هر کیمینگ اوز
مالیندان یوویلیان خرج ایدیان
مقدارینا آیدیلیار.

مخازن **maxāzen**: [ع] جمع مخزن،
خزنه، آنبازلار، زاد خزینه ادیلیان
جایلار، مالی جایلانیاں یرلر.

مخاصم **moxāsem**: ۱. [ف.ع.]

تاپیجی، تازه بیر زادی اویلاب تاپان آدم.

مختص moxtas: ا.مف. [ع] حاصلانان، ایراتین لاشان، مخصوص.

مختل moxtal: ا.مف. [ع] چاشان، آنگلان، ضایه بۇلان، بولاشان.

مختلط moxtalet: ا. [فاع] یوغورلان، قاتیشان، قاتیشیق، قاریشان.

مختلف moxtalef: ا.ف. [ع] قارشیلیق ادیجی، دورلی دورلی، هر حیللی.

مختوم maxtum: ا.مف. [ع] مهرله زین، پتحتله زین، آخره یتیرلن، سؤنگ لانان، آخینه چنلی یرینه یتیرلن، تمام بۇلان.

مخدوش maxduş: ا.مف. [ع] دیرمانن دیرمالانان، سوریلن، سییجیرلان. مخدوم maxdum: ا.مف. [ع] قوللیق ادیلن، آقا، باشلیق، قولى بار بۇلان، نوکرلی.

مخرج maxraj: ا. [ع] داشار چیقیلیانیر، داش چیقمه جای، مخارج جمع.

مخروط maxrut: ا.مف. [ع] یونۇلان، خراطی بۇلان، هندسه شکل لردن، کله قنده منگزش جسم.

مخزن maxzan: ا. [ع] آنبار، خزنه، خزینه، مال ساقلانیانیر، مال ییغناپ قویلیان جای، مخازن جمع.

مخصوص maxsus: ا.مف. [ع] خاص ایراتین لانان، یوریتله زین.

مخفف moxafef: [ع] آزالدیلمن، آزالدیجی، ینگلیدیجی، ینگلشن.

مخفی maxfi: ص. [ع] اورتیگی بوقییر، قاچالغایر، یاشیرین، گیزلین.

مخلص moxles: ص. [ع] آراسسا و ریاسیز ایش ایدیان آدم، آراسسا و پاک یورکلی دوست، قاراباغیرین، جانبیکش.

مخلوط maxlut: ا.مف. [ع] قاتیشیق، قاتیشیان، قاریشان، یوغورلان، قاریم قاتیم، قاتیلان.

مخلوع maxlu': ا.مف. [ع] قوفاریلان، اؤرنۇندان مقامیندان آشاق دوشان، اؤرنۇندان دوشورلن آدم.

مخلوق maxluq: یارادیلانلار، دوره دیلن لر.

مخمس tmoxmes: ا.مف. [ع] باشله مه، باشلیک، باش بورج، هریندی باش مصراع دان (سطر دن) عبارت بۇلان قوشنی.

مخمصه maxmase: ص. [ع] (=)

مخمصة) معدەنینگ اییمتدن بوش
بۇلماغی، قارنى آچ بۇلماق، عذابدا
رنجده زحمتده بۇلماق.

مخمل tmaxmal: [ع] قاتى نفیس،
یومشاق؛ نازک، لطیف و ظریف
پارچه.

مخمر tmaxmur: مف. [ع] مست
خمار، بولاشیق، هافالیق.

مخنت moxannas: ص. [ع] عیال
صفتلی، نامارد، قورقاق، بی نامیس،
عیال تاویرلی آدم، عیال یالی کیشی.

مخوف maxuf: ص. [ع] قورقینچلی،
قورقیلی، قورقی گتیریجی، خوفلی.

مد tmad(d): تار، سیم، خورشیدی
حسابی بیلن هر آیىنینگ آلتینجی
گونینینگ آدی.

مد mad: مص. [ع] ۱. چکمک،
اوزالتماق، گینگلتمک ۲. سیل و
داشغین دریانینگ قالماغی معنیده.

مد tmad: [ع] شيله علامتى ﴿﴾
الفنینگ یوقارسینده مده قویلیار.

مد modd: ۱. [ع] عراقده ۱۸ لیتر
مچبرینده پیماناسی، اۆلچگی.

مد tmod: [فر] سلیقه، یۆلگه، شیوه،
رسم، داب.

مداح maddāh: ص. [ع] مدح ادیجی،

اوویجی، ارته کیچی.

مداخله modāxele: مص. [ع] (=)

مداخله) گیریشمه، بیرایشه یا باشغا
سوزه قاتیشماق لیق، باشغا
بیرینینگ ایشینه قاتیشماق لیق،
گیریشمک لیک، قوشولما

مداد medād: [ع] قارداش، مداد.

مدارس madāres: [ع] جمع مدرسه،
مکتبلر، مدرسلر، اوقو جای لار.

مدارک madārek: [ع] جمع مدرک،
مدرکلر، سندلر.

مدافع tmodāfe: [فاع] ساقلايچى،
قورايچى، داشینی چالیان، قوراب
ساقلايان آدم.

مدال tmedāl: [فر] قۇۋانچ نشانى،
ادن ایشینه بها بریب هودورلنیان
نیشان، مدال، سیلاغ.

مدام tmodām: [ع] ۱. می، ایچگی،
شراب، همیشه یاغیان یاغین ۲.
مداما و همیشه معنیده.

مداووم tmodāwem: [فاع] دوام
بریجی، ایشی همیشه انجام بریان
آدم.

مداین madāyen: [ع] شهرلر، جمع
مدینه و قدیمی تیسفون شهرینگ
آدی.

- مدبر** modabber: ۱. فا. [ع] آرقا
بريجی، ایزه گیدیچی.
- مدبر** modabar: ص. مف. [ع] آرقا
بریلن، باختی یاتان، بدبخت، بیچاره،
بوکرالن.
- مدبر** tmodabber: [فاع] اویلانیشیچی، اویلانیشیان،
اویلانشیقلی، هر زادینگ سونگینی
سایغاریان آدم، هر ایشنگ آخیرینا
اویلانیب اونگیندن چاره گوریان آدم.
- مدت** tmoddat: [ع] وقت، زمان، بللی
وقت، آزلی کویلی وقتینگ بیر
بوله گی، مدت.
- مدح** madh: مص. [ع] اووگی، اوومه.
- مدخل** tmadxal: [ع] گیریلن جای،
گیرلگه، سؤمؤلگه.
- مدخل** modxal: ۱. ناکس، هیچ زاد
سین، باشی آشاق ۲. اووی اوغول
معنیده.
- مدرس** tmedras: [ع] درس بریلیان
کتاب، درس بریلیان جای، مدرسه،
مکتب.
- مدرس** tmodarres: [فاع] درس
بريجی، معلم، استاد.
- مدرسه** tmadrase: [ع] مکتب، درس
برلیان جای، اووو اووودیلیان یر.
- مدرك** tmdrak: [ع] ۱. زمان، مکان،
دوشینجه ۲. سند دییپ-ده
آیدیلیپ دیر، مدارک جمع.
- مدرك** tmdrek: [فاع] بیر زادا
دوشینیان، دوشینیان درک ایدیان آدم.
- مدرن** modern: ص. فر. تازه زات، شو
واقتقی حالانان و یاراشیقلی بؤلان
زات، شو گونکی مناسیب حالانان
زات، حاضر زمانداکی.
- مدعی** tmoda'a: مف. [ع] دعوا
ادیچی، ایسلگ چی، بیرینینگ
آیری بیر ییلن دعواسی بؤلان آدم،
دعواسی دوشن آدم، ایسله یان، ادعا
یدیان، دعوا لاشیان.
- مدعی** moda'a: ۱. [فاع] ایسله نن،
بیری بیلن دعواسی بؤلان.
- مدعی العلوم** moda'i-ol-'ulum:
دادستان.
- مدفوع** tmadfu: مف. [ع] قاویلان،
انسانینگ اندامیندان چیققیان و
آیریلیان نارسه، ناپاکلیک،
بولاشیقلیق.
- مدفون** tmadfun: مف. [ع] گومیلن،
اوستینه قوم اورتیلیپ گومیلن، یر
آستینده گیزلین زات.
- مدل** tmodell: [فاع] دلالت ایدیان،

دلالت ادیجی، یول گورکزمه اوزینه
اینامی بۇلان.

مدل t.model: [فر] گورکزمه، گۆزلده،
الگو.

مدنی madani: ص. [ع] مدینه باغلی
بۇلان، مدنیت لشن.

مدنیت madani-yat: ۱. [ع] شهرده
اوتوریملی خلقلار.

مدور modawwar: ص. [ع] تگه‌لک،
هر زادینک تگه‌لک زادی، توغلاق
نارسه منگزش بۇلماغی.

مدهوش t.madhū: مف. [ع] ۱. باشی

آیلانان، آجیران، سرگردان، چاشان،
۲. فارسی‌چه بیهوش هوش‌سیز

دیپ‌ده آیدیلیار.

مدیحه t.madih-e: [ع] مدیحه،
اووگی، تاریپ.

مدید madid: ص. [ع] چکیلن، اوزین،
فاعلاتن فاعلن فاعلاتن آغرامیندا
بۇلان شعر، قۇشغی.

مدیر t.modir: [فاع] یوریدیان، بیر
ایشی یولا سالیان آدم، دولاندریان،
اداره ایدیان.

مدینه t.madine: [ع] مدینه، شهری،
عربستانده بیر شهرینگ آدی، مدائن
جمع.

مذاق t.mazāq: [ع] طغام، دادلی، دیل
گویجی بیله طغامینگ مزّه‌سینی
بیلمه، دادما.

مذاکره mozākere: ص. [ع] بیر
ایش بارادا بیرى بیله گوررینگدش
بۇلماق، گپله شیک گچیرمکه صحبتدش
مذبوح t.mazbuh: مف. [ع]
بوقورداغی کسیلن، اولدیریلن، آرادان
چیقارلان.

مذکر mozakkar: ص. [ع] ارکک آدم،
عیال دال، عیالینگ ترسینه.

مذکور t.mazkur: مف. [ع] یادلانان،
آدی توتولان.

مذلت mazallat: ص. [ع]
عجیزلیک، دلیل لیک، پسه دوشن،
حورلیق، حورلانماق.

مذهب t.mazhab: [ع] دین اوغری،
یول یورده، یۆزلگه، مذاهب جمع.

مذهب t.mozahhab: مف. [ع] قیزیل
ایشلنن، طیللا چاییلان، زر چاییلان.

مرابحه morābehe: ص. [ع]
پیداسینه پول برمک، پول بریب
اوستینه بیر زات چکمک، بهره‌سینه
پول برمک.

مراتب marāteb: - [ع] جمع مرتبه،
درجه‌لر، مرتبه‌لر، اورون‌لار.

معنیده، ۲. باشقا بیر سوزە منگراش
بۇلان کلمه.

مراۋات marārat: مص. [ع] آجی لیک،

آجی بۇلماق، تلخ لیک، گورگی، ایزا.

مراسله morāsele: مص. [ع] مراسله،

بیر بیرینگه خط یازیشماق، خط

ایبرمک، خط، مکتوب، سلام خطی.

مراسم marāsem: [ع] جمع مرسوم،

یول یودالار، یول یۆرلگه لر دستورلار،

داب لر، دابارا.

مراش tmarāš: قوسماق، قایتارماق،

هراش و مراش هم دییلیپ دیر.

مراشد marāšed: [ع] دوغری یوللار.

مراعات morā'at: مص. [ع] ۱. بیر

بیرینگ یاغدینی گوزله مک، بیر

بیرینگ یاغداینا سر اتمک،

ساقلاماق، بیر زادا ساق بۇلماق، ۲.

بیر ایشی و بویروغی نظرینگدا

توتماق.

مراعی morā'i: [ع] اوری میدان

یا لیم، جمع مرعی.

مراغه tmarāqe: [ع] مال قارالارینگ

قومینگ اوستونده آغینیان یری

یعنی توغالانیان یری، فارسجه

توغالانماق هم دییلیپ دیر.

مراقب tmarāqeb: [ف.ع.]

مراۋ marāte: [ع] جمع مرتع، مال

اوتلاغ جایلار، یا لیملار، اوری

میدانلار، جلگه لر.

مراجع marāje: [ع] جمع مرجع، یوز

توتولیان آدملار. مراجع تقلید: شرعی

تکلیف لره و مسئله لره یوز توتولیان،

و همده اولارینگ ادهنینی ادیب تقلید

ادیلیان روحانی عالملار.

مراجع tmarāje: [ف.ع.] اری اولن

عیال، اونونگ سونگ اویلارینه

قایدیپ بارماغی.

مراجعت morāj'eat: مص. [ع] ایزینا

کلمک، دولانماق، فارسجه مراجعت،

اوویرلمک لیک، دولانماق لیک،

قایتماق لیک.

مراحل marāhel: [ع] جمع مرحله،

منزل، گجیلیان یرلر، دوشولیان یرلر،

یولاغچی نینگ بیر گونده گچیان یول

لاری و آزالیق لاری.

مراد tmarad: م.ف. [ع] ایسله نن،

مقصود، مقصد.

مرادف tmarādef: [ف.ع.] ۱. بیر

زادینگ ایزینا و اونونگ ردیفینده

بۇلماق، آردلاشماق، بیر نینگ ایزینا

مینمک، بیر زادینگ ایزینده و

شونینگ خطارینده بۇلان زات

ساقلاچی، قازاویل، ساقچی،
سرادیچی، خبردار، ایدگچی
قورایچی.

مراقبت morāqebat: مص. [ع]
ایدگچیلیک اتمک، ساقلاماق،
قراویل لیق اتمک، گوز آستینا آلماق،
گوزگچیلیک اتمک، گوزگچیلیک.

مراکز marākez: [ع] جمع مرکز،
مرکزله، اورتالار، اورتا گوروپلار.

مرال tmarāl: [ت] ترک دیلدن آلینان،
کییک، جرن، مارال.

مرام tmarām: [ع] مراد، مقصد، آرمان،
ایسلگ، مسلک.

مراوده morāwede: مص. [ع]
مراوده، ایسله مک، بیر بیرینگ بيله
دوستلوقده و قاتناشیقده بولماق،
قاتناشیق اتمک.

مراهم marāhem: [ع] جمع راهم،
مرهم لر، یارا چالینیان مرهم.

مرآت tmarāt: [ع] مرآة، گوز دیکمه،
سراتمه.

مرآت tmerāt: [ع] مرآة، آینا، مریا
جمع.

مرئی mar'i: مص. [ع] عیان، آشکار،
گورنیپ دوران زات، گورینیان زات.

مریا ا. [ع] مریا.

مربع moraba: مص. [ع] ۱. دورتله مه،
دورت بورچ، دورت چت، دورت طرفی
دنگ و دورت دینگ بورچلی هندسی
شکل، ۲. فارسجه «چهار سو» یعنی
دورت طرف دورت یول چاتریق هم
دیلیلار، ۳. شاعرینگ دورتلمه
قوشفی سی.

مربوط tmarbut: مف. [ع] باغلانان،
باغلی، باغلانشیقلی، دگیشلی لیک،
باغلی لیق.

مری t. morabi: [ف.ع] تربیت چی،
تربیه چی، تربیت بریجی، تربیت
تاپان، تربیتله نین، سیسرله نین.

مرتب t. moratab: مف. [ع] ترتیب
بریلن، بللی، جای به جای، اوز یرینده
قوییلان زات، نظم و ترتیبلی،
دوزگونلی.

مرتبه martabe: ا. [ع] مقام، اورون،
پایه، درجه.

مرتجع 'tmortaje: [ف.ع] اوویریجی،
دولانیجی، کونه پرست، کونه پسند،
کونه نی حالایان، کونه نی قبول ادیان.
مرتد mortad: مص. [ع] دین دان چیقان،
یولدان آزاشان، دین سیز کافر، مرتد.

مرتضی morteza: مص. [ع] ۱.
حالانان، خشنود، بلله نین ۲.



امیرالمومنین نینگ لقمی، علی

مرتضوی، مرتضی علی غا باغلی.

مرتق 'tmarta. [ع] اوری میدان، اوری

یا یلیم، اوتلیق میدان، تدریم سیز.

مرتفع 'tmortafa. [ف.ع] یوقاری

قالیجی، بییک، بلندة قالیجی.

مرتکب 'tmortakeb. [ف.ع] ۱. بیر

ایشه یوزلنیجی، بیر ایشی یرینه

یستیریان، ۲. عاصی چیلیق یدن،

یازیقلى، گناهلى.

مرجان 'tmarjān. [ع] قرمز رنگلى

مونجیق، دريادان چیقیان بهالى

نارسه، مرجن.

مرجح 'tmorajjah. مف. [ع] یوقار بها

بریلن، یوقار درجه بریلن، بلندلیک

بریلن، آرتیقماچ لیق بریلن.

مرجع 'tmarja. [ع] یانگادان اوویرلیان

جای، یوز توتولیان یر، اوویرلیان یر،

مراجع جمع.

مرجوع 'tmarju. مف. [ع] اوویرلن،

یانگادان اوویرلن، نامانگ جوابی،

ایزینا گلن، و ایزینا گلیان زات،

مراجع جمع.

مرحله 'tmarhale. [ع] منزیل،

دوشلگه، گۆچلگه، قونالغا،

مسافرینگ ایکی یر آرایلیغینداقی

اوزاقلینی، کسگیتله مه دور.

مرحمت tmarhemat. [ع] رحمت،

مهربان لیق، یاغشی لیق، مراحم جمع.

مرحوم tmarhum. مف. [ع] ۱.

یالقانان، مهربانلیق ادیلن، کنایه

سۆزی، ۲. اولن، وفات بۆلن، آرادان

چیقان.

مرخص tmoraxas. مف. [ع] رخصت

بریلن، آزاد بۆلن، اجازه بریلن،

آنگسات لاشان.

مرد tward. ۱. انسان، ارکک جنسلى

انسان، آروات دال ۲. قورقمازاق، باتیر

دوغوملى، ادرمن، جیداملى، مرد

ماغنالارده.

مرداب mordāb: ۱. مر. گول سو،

باتغالیق، یاتا سوو، یالچی، ایسله من

یاتاسوو، دریانگ سوونینگ قارایره

گیرمگی، دریانگ سووی یره طرف

آغماغی، اوزماغی.

مرداد twordād. شمسی ییل نینگ

باشینجی آی نینگ آدی.

مردار tmord-ār. ص. اولن حیوان،

یاراماز هاپا اولن جاندار، داماغی

چالینمانی اوزی اولن حیوان.

مردار خوار mord-ār-xār: ص. فا.

اولن حیوانلارینگ اتینی اییان جانور،

لاشخور حیوان لار.

مردانه mardāne: ص. ن. ۱. ارکگه

باغلی، ارکگه مناسیب بۇلان زاتلار، ۲.

قایدوسیز، ادرمن، مثال اوچین؛ لباس

مردانه - ارکگ گیمی.

مردد moraddad: ص. [ع] ایکی

گۆنگلی، آجگرانگ، سرگردان،

سرگزاز، یایدانما، شک گتیرمه.

مردم t.mardom: انسان، آدملا،

کۆپلنچ جمع یرینه اولانیلیار.

مردم آزار mardom-āzār: ص. فا.

رحمسیز، ستم کش، هیچکیم بیلن

اونگیشمایان، تله که قیلیق لی، آدملا

آزار بریان.

مردم دار mardom-dār: ص. فا.

آدملا بیلن قاوی چیقیشیان، اونگات

قاتناشیان، آدملا بیلن یاغشی اخلاق

بیلن قاتناشیق ایدیان، ایلا لاشیان.

مردمک t.mardomak: گۆزونگ

بابه نه گی، گۆزونگ گۆره گی.

مردن mordan: مص. ل. وفات بۇلماق،

اؤلمک، جان برمک، دنیا دن اۆتمک،

جان تسلیم اتمک.

مردود t.mardud: ص. [ع] رد ادیلن،

اوویریلن، ایزینا اوویریلن، ایزینا

دولانان، ایزینا قایتارلان، سیناغ دان

امتحان دان گچمان قالان.

مرده t.maradah: باش انگمه زک،

بوینی یوغین، جمع مارده، تکبرلی،

کونگلی یوقاری و فارسی ده مرید

یرینه اولانیلیار.

مرده morde: ص. اولن، وفات بۇلان.

مرده شو morde-šu: ا. ص. بابالی

اولی یوویان، مرده شور.

مرز t.marz: ۱. اکیلن یر، سرحد،

سامان، چاک، آرا چاک و ۲. مرزو و

مرزوی دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

مرزبان t.marz-bān: ص. سرحدچی،

سرحد ساقلایان، مرزی ساقلایان،

مرز ساقلاوی.

مرزدار t.marz-dār: ص. نظامی

مامورلری مرزده یوریته مرزی

ساقلاماق اوچین قویولیان تۇپار، مرز

ساقلاوی، سرحد ساقلاوی.

مرزوبوم t.marzobum: مر. مرز

یرینگ قیراسی یوردونگ سرحدی

معنی ده.

مرسل t.morsel: ص. [ع] ایبرلن،

گونداریلن، سارغیت گتیرن، ایلچی.

مرسوم t.marsum: ص. [ع] رسم

بۇلان، خط فرمان، بویروق، یول یوردا

عادت، یۆرلگه، داب بۇلان، رسم بۇلان،



مردم

مرغ انجیرخوار morq-e-anjir-xār:

۱. انجیر قوشی.

مرغ خانگی t.morq-e-xānegi. نگا.

ماکیان، ماکیان، اوی تاویقی.

مرغ دریائی t.morq-e-dariyā'i:

چارلاق.

مرغزار t.morq-e-zār. مر. گوکلیک،

چمن لیک، گوکلیک، گوک اووسیپ

دوران یر، گوک اوتلیق میدان.

مرغ زنبورخوار morq-e-zanbur-xār:

۱. داراقلی قوش.

مرغ سحر t.morq-e-sahar. مر. مونگ

دستانلی بلبل، حوراز دیپ-ده

آیدیلیار.

مرغ سلیمان morq-e-soleymān:

۱. مر. هدهد، قیزلار، قوش، هویک

هویک، پیک.

مرغ شاخدار morq-e-šāxdār: ۱. مر

شاخیلجه تاویق، تاویق یالی اتی

سویجی ییلده ۱۰۰ الی ۱۵۰

یومردغا قوزلایار، اویده ساقلاب

اوندان چویچه کشی هم ادیلیار.

یعنی چویچه چیقاریلیار.

مرغ ماهیخوار morq-e-māhi-xār:

قوتان

مرغ نوروزی morq-e-nawruzi:

والی و حاکم طرافیندان بریلن فرمان

مراسم و مراسیم جمع، خلیفه

مرشد t.moršed. فا. یول گورکوزیجی،

رهبر، یولباشچی.

مرصاد t.mersād. [ع] یول، بوقی یر

گجیت، گچلگه، قراویلینگ جایی.

مرصع t.morassa' مف. [ع] گوهر

نشانلی جوهر قاتیشینی بۆلن زات،

گوهر ایشله نن قمت بهالی داشلار.

مرض t.maraz. [ع] سیرقاوولیک،

ناخوشلیق، ناساغلیق مرض، امراض

جمع.

مرض قند maraz-qand: ۱. مر. نگا.

دیابت، سویجی کسل.

مرطوب martub: [ع] تر، چیغلی،

اول، ایزغارلی، ایغاللی.

مرعشی mar'aši: ص. ن. مرعشه

باغلی، سوریه ده بیر شهر.

مرعوب t.mar'ub. مذ [ع] قورقان،

قورقیزلان.

مرغ t.morq. اهلی اوچیجی قاناتلی

قوشلار.

مرغ آتش خوار t.morq-e-ātašxār:

شتر مرغ، دویه قوش.

مرغابی t.morqābi. مر. اوردک، سودا

یوزیان اوردک، سوو قوشی.



۱. آق چارلاق.

مرغوب tmarqub. مف. [ع] حالان،

ایسله‌ن، هر زادینگ اینگ قاوی سی.

مرفه moraffah: ص. [ع] دینچلیقه

راحتلیقه بؤلما، قاوی یاشاشده

بؤلما، قورپلی

مرفین t. morfin. [فر] تریاگینگ

جوهری.

مرقد marqad: ۱. [ع] ابدی لیک جای،

قبر، مزار، مراقد جمع.

مرقوم t. marqum. مف. [ع] یازیلان،

خطلی.

مرکب t. morakkab. مذ. [ع] یوغورلان،

یوغوریلما، یکی زادینگ بیر بیرینه

یوغوریلماغی، قاتیشیق.

مرکز t. markaz. [ع] تگلک چیزیفینگ

اورتاسی، اورتا آرا، اولی حاکملارینگ

دوینایان یری مرکزی. مراکز جمع.

مرگ t. marg. اولوم.

مرگبار marg-bār: ص. فا. اولومه

سبب بولیان، اولوم یاغدیرجی.

مرمت maremat: مص. [ع] بجرمک،

تیمارلاماق، آباد اتمک.

مروژ t. marmuz. مف. سیرلی، رازلی،

گیزلین یکی آدم آراسیندا ایم اشاره

بیلم بلله نیلم بؤلمالی.

مروارید t. morwārid. اول بیر

ییلدیراویق آق گوهر،

مروارید صدف ایچیندن عمله گلیار

اول خلیج فارس و اقیانوس هندده

آولانیان بؤلمالی.

مروت t. morowat. مص. [ع] مروء -

جومارتلیق، آدمکارچیلیک، مردلیک،

یاغشی لیق، یورک یومشاقلیق.

مروج t. morawwej. [فاع] رواج

بریجی، یورگون لیک بریان، رواج

بریان.

مرور morur: مص. [ع] گیتمک و

گچمک، گچیب گیتمک، اوتمک،

کتابی قیسساقلی اوقیپ گچمک.

مرهم t. marham. [ع] عموماً یارا

چالینیان درمان، یارا چالینیان ملهم.

مراهم جمع.

مرهون t. marhun. مف. [ع] گروبریلن،

گرووه گیدن، گرووه قوییلان.

مريخ merix: [ع] بهرام ییلدیزی، یردن

کیچی راک، اول یردن سؤنگ قرار

تاپیپ دیر، اؤنؤنگ کوچیپ قونمه سی

ایکی ییله داغی چکمه لی، اؤنؤنگ

شعله سی یاغتیسی ایکی اسسه

عطاردان و زهره ییلدیزینگ یارسی

اونونگ قوچیان وقتی ایکی ییلا-د



آسیل جانگ، پاسگل چیلیک، باشفا
بیرینه زحمت بریان آدم.

مزار t.mazār: [ع] زیارت جایی
زیارتگاه، زیارت ادیلیان جایی،
فارسچه گور و قبر دیپ-ده آیدیلیار.
مزارع 'mazāre': [ع] جمع مزرعه،
اکیلیان یرلر، کیچی اکیش یر، اکیش
اکیلیان یرلر.

مزاوجت mozāwejat: مص. [ع]
مزاوجة، بیله جفت لشمک، اوینمک،
عیال آلماق.

مزایا mazāyā: [ع] جمع مزیت،
اوسسم لیکلر، آرتیق لیق، یوقار
درجده بؤلماق، علمدا، صنعتده و
عقلدا و ش.م. ده آرتیقماچ لیق لار.

مزایده mozāyede: [ع] بیر بیرینگن
آرتیق گلمک، بیر زادی ساتلیفه
قولاندا هر کیم یوقار بهاء بیلن آلسا
شونگا بریلمه لی ادیلن، یوقار آلا نه برمه
مزبور t.mazbur: مف. [ع] یازغا اشاره،
یازیلن یازغا اشاره بؤلان.

مزخرف t.mozaxraf: مف. [ع]
آلداویچ زادلر بیلن بزهن، چینا
منگز ایدی دوزیلن، یالان و پوچ
باطل سؤز.

مزد t.mozd: اجیر، ال عذاب ایش

باریان، فارسچه بخون یعنی بهرام هم
دیلیلپ دیر. کونه روایت لارا گورا اونگا
اوروشینگ خدایی هم دیلیلپ دیر.

مرید t.morid: [فاع] اخلاصی،
سویوجی، ایسله یجی، مخلص، اراده
ادیجی.

مرید morid: ص. [ع] خبیث هولانگ،
شردن قاجمایان بوینی یوغین.

مریض mariz: ص. [ع] ناساغ، ناخوش
سیرقاو، سؤکل، سنجوو، خسته،
مریض، سیرقاوچیلیق

مریم گلی t.maryam-goli: ماوی
گل.

مزاج mezāj: ۱. بیر زاد بیلن
یوغرولما، شراب یالی سؤو بیلن
یوغرولان بؤلسون. ۲. طبیعی یاغدا ی
بولوش، طبیعی یارادلیش، امزجه
جمع.

مزاح mozāh: مص. [ع] بیله اوین
اتمک، دگیشمک.

مزاح mezāh: ۱. مص. [ع] دگیشمه،
اوین، مسخره لیق.

مزاح mezzāh: ص. [ع] قاتی
دکشه کن، گولکی لی

مزاحم t.mozāhem: [فاع] آزار
یتیریان، زحمته سبب بولیان،

مس mes: ۱. میس.

مسائل masā'el: [ع] جمع مسئله، ضرورلر، گِرکلی لیکلر، ایسلگلر، مسئلهلر.

مساجد masājed: [ع] جمع مسجد، مسجدلر.

مساحت masāhat: مص. [ع] مساحه، یری اولچه مکلیک، یرینگ اینی بویی، یا هر بیر زادینگ اینینه بویینه خاصلانیار.

مساعد mosā'ed: [فاع] اویون داش، دوست و یار، جبیس دشر، اونگایلی، مساعدت mosā'edat: مص. [ع] ۱. کمک اتمک، یولداشلیق اتمک، یاران بؤلماق، ۲. فارسجه یاری اتمک، اونگیندن بریلیان پول.

مساعی mosā'i: [ع] جمع سعی، تقلالار، ارجل لیکلر، تلاشلار، جمع سعی.

مسافت masāfat: [ع] آرالیق، داشلیق، یؤلونگ اوزین لیغی، ایکی مکانینگ اوزاقلیغی، آراچاگی.

مسافر mosāfer: [فاع] سفر ادیجی، سفره گیدیجی، یولاغچی.

مسافرت mosāferat: مص. [ع] (= مسافرة) یولاغچیلیق اتمک، بیر

حق، عذابینگ زحمتینگ قارشى سینده آلینیان حق، ایش اوچین آلینیان پول.

مزدور mozddur: مص. بیرى اوچین ایش ادیب مزد آلیان، گونه مزد، کسانا، مزد آلیجی.

مزرعه tmazra'e: [ع] مزرعة اکرانچیلیق، اکین اکیلیان یر، مزارع جمع.

مزروع tmazru': مف. [ع] اکیلن یر، تخم سپپ اکیلن یر.

مزلت mazelat: مص. [ع] سوروشیپ ییقیلماق، سوروشمه.

مزمن tmozmen: [فاع] کونه، ایرکی، کوپ زمان گچن، ناساغلیق کونه خسته لیک، کونه سیرقاو لیک، اندامدن چیقمان قالان سیرقاو لیک، اندامده جایلاشان کونه خسته لیک، ناساغ لیک، سؤکل لیک، سنجو لیک.

مزمین tmozayyan: [فاع] زینت بریجی، زینتله زن.

مژدگانى tmoždegāni. بوشلانیب آلینیان نارسا، قولاق بوشلیق، خوش خبر و بوشلیق اوچین بریلیان پول.

مژده možde: سویونجی، بوشلوق.

مژگان tmožgān. کیریپک.

شهردن آیری بیر شهره گیتمک،
مسافرلیق.

مساكن masāken: [ع] جمع مسكن،
مكانلار، مسكنلر.

مسالمت mosālemat: مص. [ع] (=)
مسالمة) یاراشماق، اونگیشماق،
ایلاشیلق، خوش قیلیقلیق،
آزارسیزلیق.

مسامحه mosāmeḥ: مص. [ع] (=)
مسامحة) آنکسات توتماق، ینگل
توتماق، آنکساد ديب فکر اتمک
یومشاقلیق و خوشامایلیق بیلن
ایش اتمک، بؤیون تاوولماق، مدارا
اتمک. گچریملیک.

مسامع mosāme': [ع] قولاقلار، جمع
مسمع و مسمعه.

مساوی mosāwi: ص. [ع] برابر، دنگ،
قیرادنگ.

مسئلت mas'alat: مص. [ع] خوایش
اتمک، ایسله مک، ترخوس. مسائل
جمع.

مسئله mas'ale: [ع] مسئله، حاجت،
ایسلگ، مهله، مسائل جمع.

مسئولیت mas'uliyat: [ع] مسؤولیة
بؤیون آلنان غرامت، آدمینگ بؤیون
آلان غرامتی، جوابکارچیلیک.

مشوول mas'ul: مسئول-ا. مف. [ع]
سورالان، ایسله نن، جوابکارلی،
جوغابکارلی بۇلان.

مسبب tmosabab: [فاع] سبب کأ،
سبب بولجی، سبب بولیان علت،
مسبب الاسباب: خدای تعالی دیر.

مسبوq tmasbuq: مف. [ع] اونگ
بۇلۇپ گچن، اونگ، سابقه لی، اونگ
أوره لان، سابقه سی بۇلان،
اونگه دوشن.

مست mast: ص. مس، سرخوش، بیان،
الکلی، ایچگی ایچیب اوز عقلینده
بۇلمان بیهوش بۇلان، اسریک، مست.
مستأجر tmosta'jer: [فاع] اجاره
ادیجی، کراینه اوتوریان اوی دیر دکان
یا ش.م. آیلیغنه اوتوران آدم.

مستبد tmostabed: [فاع] اوز
کله سینه گورا بۇلان، اوز کله سینه
کله نینی ادیان، اوز کله سینه گورا،
دینگه اوز بیله نینی ادیان،
مصلحت سیز ایش ادیان.

مستبعد tmostabe'd: مف. [ع]
داشلاشان، نظره قارشی کلیان، داش
کلیان زات، بۇلماجاق زات.

مستثنى mostasnā: ا. مف. [ع]
مستثنا، کؤچولگیگینگ چیزیفیندان

چیقپ کناره گیدن، آیراتین لنان،
دوزگوندن چیقان.

مستجاب tmostajāb.مف. [ع]

جوغاب بریلن، قبول بۇلان، حالانان.
مستجد tmostajedd. [فاع] تازه له نین،
تازه ادیجی، تازه ادیلن.

مستجد tmostajadd.مف. [ع] تازه
بۇلان، تازه اوویرلن.

مستجیر tmostajir. [فاع] اجازه،
رخصت اسلاجی، جواز ایسله یجی،
جایزه ایسله یجی کیشی.

مستحب tmostahab.مف. [ع] دوست

گوریلن، دوست گورمه لی،
یدلمه گینده ثواب بۇلۇپ، اما ترک
ادیلنی بیلن گناه کارلیگی یوق عمل.
مستحضر tmostahzar. [فاع] حاضر
ادیجی، تاییارلایجی، خبرلی، آگاه.

مستحق mostahaq.ص. [ع]

یاراشیقلی، گلشیکلی، لایق، حقلی.

مستحکم mostahkam.ص. [ع]

ماکام، برک، قایم.

مستخدم tmostaxdem.مف. [ع]

ایشگار، قوللوقچی، خدمتکار.

مستخرج tmostaxraj. [فاع] داشار

چیقارجی، داشار گتیرجی.

مستخلص tmostaxlas.مف. [ع]

خلاص بۇلان، آزاد بۇلان، ارکلی بۇلان.
مستدام tmostadam.مف. [ع] دوام

تاپان، برکیین، برقرار بۇلان، دواملی.

مستدعی mostadā'i.ا. [فاع]

ایسله یجی، خوایش ایدیان، تقاضا
ایدیان، تمنّا ایدیان، ترخوس ادیجی.

مستراح mostarāh. [ع] دینچ جای،

فارسچه حاجت خانه، توالت
معنیده.

مسترد tmostard(d).مف. [ع]

اوویریب آلینان، ایزینا بریلمه،
قایتاریپ برمه.

مستزاد tmostazād.مف. [ع] آرتان

آرتدیرلان، کؤپلیدلن، بدیع علم
آدالغاسینده هر بیر مصراع نینگ
آغرامیندن ناچه کلمه آرتیقماچ
گتیرلیان قوشغی، ادبیات
تنوری سینده هر بیر مصراع نینگ
آخرینده اوز باشداق بیر ناچه سؤز
گتیریلیان شعر فورمی، اول سؤز لر اوز
آرا قافیه لاشیب گلیار.

مستشار tmostašār.مف. [ع] صلاح

مشورت ادیلن آدم، مصلحت

سورالان آدم، مصلحت چی،

مصلحت ادیلن طرف.

مستشرق tmostašarq. [فاع]

طلب اتمک.

مستعمره tmostamere. مف. [ع]

کسه کی بیگانه دولت طرافیندن

ایه له نن یورت، باسیب آلینان یورت.

مستعمل tmosta'mel. مف. [ع] ایشه

قوییلان، ایشله نن، الدن اله دگن،

کؤنه، اولانیلما.

مستغرق tmostaqraq. فاع. [ع] سوودا

چومیچی، قاتی ایشه اویلانیپ

قیزیقلانیان آدم، سوودا باتیچی.

مستغفر tmostaqfer. فاع. [ع]

یالقاوولق، ایستیچی، بخشش

ایستیچی یالقانماق لیق ایسله یان.

مستغنی tmostaqnā. فاع. [ع] پوللی،

باي، قۇجۇرلی، قورپلی.

مستفیض tmostafiz. فاع. [ع] باخشش

طلب ادیچی، فیض ایسله مکلیک.

مستقبل tmostaqbal. مف. [ع]

گلجک، گلجک زمان.

مستقبل tmostaqbel. فاع. [ع] قارشى

آلیچی، اونگیندن چیقیقی، حوش

کلدینگ دیمه.

مستقر tmostaqar. فاع. [ع] یرلشمه،

جایده قرار آماق، جای آلان

جایلاشان، یرلشن، قرار تاپان.

مستقل tmostaqel. فاع. [ع] اؤز ایشینی

گوندوغار یورتلرنینگ دۇرمۇش

یاغداينا تانییش و دانا آدم، شرق

شناس، گوندوغار شناس، گوندوغار

یورتلرنینگ دورموشینی اونگات

بیلیان عالم، گوندوغار یورتلرنینگ

علمینه تاریخینا یاقیندان یتیک آدم.

مستضعف tmostaz'af. مف. [ع]

عجیز ساییلان، حور، پس گورولن،

عجیز ضعیف بیلینن.

مستطاب mostatāb: ص. [ع] پاک،

آراسسا گلیدیدر، خوش گلیپ دیر.

مستعار tmosta'ār. مف. [ع] امانت،

پیدالانماق اوچین وقتلاین بیریندن

آلینان و ایسله نن زات ء گیزلین آت .

مستعان tmosta'ān. مف. [ع] یارادام

ایسله نن، کمک سورالان آدم.

مستعجل tmosta'jel. فاع. [ع]

قیساقلی، هاوولیقان ایش،

هاوولیقماچلیق بیله ادیلیان و

ایدلمه لی ایش.

مستعد mosta'ed: ا. [فاع] تاییین،

اوقیپلی، بیر ایش اتمآگه قۇربی

بۇلان، بیر ایشه تاییین بۇلان آدم.

مستغفی tmosta'fi. فاع. [ع] ایشدن

قیراغا چیقماق، ایشدن بوشاماق،

ایشدن ال چکمک، گچریم لی لیک

ارکلی لیک بیلن دولاندیریان آدم،
 ایشنه آیری آدما قوشولماغا حق
 برمه یان، آزاد، ارکلی لیکاء قاراش سیز
 مستقیم mostaqim: ص. [ع] دوغری،
 گۆنی، برک، قایم.
 مستکبر tmostakber: [ف.اع]
 منلیکلی، اوزینه بویسانیان، اوزینه
 کونگلی یتیان، اوزینی اولی ساییان،
 قاباریجی.
 مستلزم tmostalzam: [ف.اع] باشقا
 بیر زاده ضرور بولیان زات، باشقا زادا
 گرکلی بولان زات.
 مستمر tmostamer: [ف.اع] ایمیقلی
 یۆرگونلی، مداما، همیشه لیک، ایزی
 گیدرلی، مستمری: آیلیقلی،
 حقوقلی، همیشه مواجیبلی بۆلن.
 مستمسک tmostamsak: [ف.اع]
 پنجه اورجی، بهانا، توتاریق،
 سایالاقچی.
 مستمسک tmostamsek: م.ف. [ع]
 بیر زادا پنجه سینی اوریان، بهانا.
 مستملک tmostamlak: م.ف. [ع] بیر
 جای اوز ملکیم دیپ اؤزینه کچیرن
 آدم، اؤزینه اوویرن آدم، اؤزونه
 خاصلان آدم.
 مستمند mostamand: ص. عجیز،

بیچاره زادسیز، یوغسول، قایغیلی
 کونگلی قالان.
 مستند mostanad: ا.م.ف. [ع] سندی
 آرقا توتما، سویانمه، مدرک، دلیل.
 مستنطق mostantaq: ا. [ف.اع] باشقا
 بیرینی کپلیدیان گورله یان آدم، بازپرس
 استنطاق ایدیان، سوراغ ایدیان،
 سوراغچی.
 مستنکف mostankaf: ا. [ف.اع]
 ایشدن یوز اوویریان، ایشدن
 ساقلانیان، منلیک یوزوندن ایشدن
 قالیان و ساقلانیان، ایشدن بؤیون
 قاجیریان، ساقلانما.
 مستوجب mostujeb: ا. [ف.اع]
 یاراشیقلی، گلشیکلی دوشوملی،
 مناسب بۆلن.
 مستوحش mostuħeş: ا. [ف.اع]
 بیریندن قورقولی، بیریندن اینعجان،
 قورقونجلی.
 مستور mastur: ا.م.ف. [ع] اورتگیلی،
 اورتولگی، نامیسلی، پردهلی،
 یاشیرین، مساتیر جمع.
 مستوره masture: ا.م.ف. [ع] پردهلی
 عیال، آراسا پاک نامیسلی عیال.
 مستوفی mostufi: ا. [ف.اع] ۱. آلیجی،
 اهلی حق آلیان، حق آلیجی ۲.

مسخر tmasxar. مف. [ع] بؤیون

اگدیرن، مطیع ادن، اوستون چیقمه.

مسخره masxare: ص. [ع] مسخرة،

اوینالما، گولینمد، یویولانیان آدم،

بیری نینگ ساققالینا گولمد

اوستیندان گولینیان آدم، گولکیلی

ایشلر ادیان آدم، گولکونچ.

مسدس mosaddes: ص. [ع] آلتی

چتلی، آلتی بورچلی، آلتی خطلی،

آلتی چیزیقلی.

مسدود tmasdud. مف. [ع] باغلی

بۇلان، اونگی باغلانان، برک ادیب

ساققلانان، باغلانان، سد ادیلن.

مسرت moserat: ص. [ع] شاد

بۇلماق شادلیق، شادیانلیق،

خوشلیق.

مسرف tmasaref. [ف.ع.]

تیغشیت سیز خرچله یان، چن

چاق سیز خرچلایان.

مسرور tmasrur. مف. [ع] شاد،

شادیان، خوش، بکنجده.

مسروق tmasruq. مف. [ع]

اوغیرلاناتان، اوغیرلاناتان مال، زادی

اوغیرلاناتان آدم.

میری mosri: ص. یوقاشیجی،

بیریندن آیری آدما کسلینگ

خزینانینگ حسابدارى و دفتردارى،

حساب و دفتر بیلن قیزیقلانیان.

مستولی mostuli: ا. [ف.ع.] مسلط

بۇلان، اوستون چیقان، بیر زادی

دولی لیغنا کامل اله سالان، ینگن.

مستهلك tmostahlak. مف. [ع] یوق

بۇلان نابود بۇلان.

مسجد masjed: ا. [ع] سجده ادیلیان

جای، عبادت یری، نماز جمعه

اوقولیان مسجد.

مسجل tmosajjal. مف. [ع] مهر

اوریلان سنده، مهر اوریلان قبالة،

پچات اورولیپ ثبت بۇلان مدرک.

مسجل tmosajel. [ف.ع.] سجل

یازیان، قاضی نینگ حکم لرنی قبالة

یازیب پچات اوریان.

مسح mash: ص. [ع] آراسسالاماق،

بیر زادینگ ایزینى یعنی اثرنى بیر.

زاتدن آیرماق، سیفالاماق یوزونگه و

آیاغینگا طهارت ادنگده ال چکمک، ال

بیلن سیپاماق.

مسح tmesh. [ع] پالاس، دون، قالینگ

اشیک، امساح و مسح جمع.

مسخ masx: ص. [ع] شکلینگ اربد

صورتده اویتگتمک و اربد گورنیشه

چیقاریلماق، یانگیسلاماق.

سیرقاوولیغینگ یوقۇشماغى.

مسطح t.masatah.مف. [ع] یایرانگ

دوز، تکیز، گینگ و تکیز یایرا دیلن و

گینگلن، اوستی یایرانگ و تکیز زات.

مسطور t.mastur.مف. [ع] یازغى،

یازیلان.

مسطوره t.masture.مف. [ع] نمونه

گورکزمه، بیر یردن بیر یره التیب

ایبرلیان زادینگ گورکزمه سی، عربچه

مسطره.

مسعود mas'ud.ص. [ع] خوش

بختلی، اقباللی، بختی گلن،

باغتی یار.

مسقط t.masqat. [ع] آشاق اینمه

جای، ییقیلماق جای، آشاق دوشمه،

یوقاردن آشاق دوشمه، مساقط جمع.

مسکن t.maskan. [فاع] یاشالیان

مکان، یاشالیان یر، اوی، مسکن،

مساکن جمع.

مسکن t.mosaken. [فاع] اینجالیق

بریجی، دینچلیق بریجی، آغیرینی

دردی کوشیتدیران درمان.

مسکوت maskut. [ع] سونن،

سونوپ دیر، ساکت بۇلان، دینن،

سونیک ساکت بۇلان، دینن، حرکتدان

دوشوریلمه قالدیریلما.

مسکوک t.maskuk.مف. [ع] قیران

پول، قارا پول، زیککه قاقیلان پول.

مسکه meske.ا. کره. مسکه یاغ.

مسکین t.meskin.ص. [ع] یوغسول،

غریب، زادسیز، درویش، بیچاره،

فقیر، ماتاج آدم، مساکین جمع.

مسگر t.mesgar.ص. میس قابلاری

یاسایان.

مسلم mosalah.ص. [ع] یاراغ،

یاراغلی، یاراغلانان، یاراغ داقینان،

یانی یاراغلی.

مسلم شدن mosalah-šodan:

یاراغلانماق.

مسلمت mosalat.ص. [ع] اوستونلیک

تافان، ازبر، باشارجانگ، اوکده چیقان،

ینگن.

مسلك t.moslek. [ع] یول یوردا،

یۇرلگه، طریقه، کار، هوناره

مسلم t.mosallem.مف. بۇیۇن بۇلان،

ثبوت بۇلان، آنیق بۇلان، اینانیلان،

حکمان.

مسلم moslem.ص. [ع] مسلمان،

دیندار، اسلاما اویان، مطیع بولان.

مسلمان mosalmān.ص. اسلام

دینی نی ایزارلایان، اسلام دینینده

بۇلان، اسلام دینینی قبول ادن.

- مسلوب tmaslub. مف. [ع] قوفاریلان، یولینان، گوترلن.
- مسلول maslul. ص. [ع] اینچه کسللی، اینچه کسل ناخوشلیقا دوچار بۇلان.
- مسمع 'tmosama. [ع] قولاق. مسامع جمع.
- مسموع 'tmosmu. مف. [ع] اشیدن، اشیدیلن.
- مسموم tmasmum. مف. [ع] آوی ایین، زهر ایچن، زهر اندامینه یایران، زهرلەنن.
- مسمی tmosammā. مف. [ع] بللی، مالم، آدلانان.
- مسن tmesan(n). [ع] پچاق چالینیان نارسا، پچاق چالینیان داش، فسان و فسن.
- مسن mosen(n). ص. [ع] قاری، یاشی کیدن، یاش اولی، قوجا.
- مسواک tmeswāk. [ع] دیش یوویلیان چوتگه جیک، مسواک.
- مسهل tmoshel. [ف.ع] ایچ آراسسالایان، ایچی پاکله یان، ایچ گجریان یاغ.
- مسیح masih. ص. [ع] مقدس یاغ بیلن پاک بۇلان آدم، دوعری کیشی، کوپ
- سیاحت ادیجی آدم و حضرت عیسی (ع) نینگ لاقامی.
- مسیر masir. ص. [ع] گیتک، روانا بۇلماق، یوله دوشمک، سیر سیاحت جایی، گزالنج جایی.
- مشابه mošābeh. ص. [ع] منگزش، چالیمداش زات، باشقا بیرزاده منگزش بۇلان نارسا.
- مشابه mašābeh. [ع] جمع شبه، منگزشر.
- مشاجره mošājere. ص. [ع] مشاجرة، بیرری بیرینگ بيله اوروشماق، بیرری بیرینگه دوشمانچیلیق اتمک، داوالاشماق، غالمغال ادیشمک.
- مشارق mošareq. [ع] جمع مشرق، کون دوغار.
- مشارکت mošārekat. ص. [ع] بيله اورتاق بۇلما، بيله شاریک بۇلماق، بیر ایشه قاتیشماق، قوشولماق.
- مشاع mošā. ص. [ع] اورتاق ملک، پولاشیلمه دیک، بولینمه دیک یر، نأچه نفرینگ آدینه آرالاری آچیلماق، قالان ملک.
- مشاعره mošā'ere. ص. [ع] مشاعرة، قوشغی اوقوشماق، یاریش

صورتده بيله قوشغى اوقوشماق.

مشاغل mošāqel: [ع] جمع مشغله

ایشلر، گویمنچلر، گویمندیریان
زاتلار، مشغولاندیریان زات.

مشام tmašām: [ع] ایس بیلجی

گویج، بورونلر، بورون.

مشاور tmošāwer: [فاع] بيله گنگش

ادیلمه، مصلحت ادیجی، گنگش
ادیجی، مصلحت ادیلیان طرف،
گنگشچی.

مشاهده mošāhede: مص. [ع]

مشاهده، گوز بيله گورمک، باقماق،
گوزله مک، سر اتمک، سینلاما.

مشاهیر mašāhir: [ع] بناملار، جمع

مشهور، شهراتلیلر، مشهورلر، آد
قازانانلار.

مشایعت mošāey'at: مص. [ع]

مشایعة، ایزیندان گیتمک، یوله
سالماق، میخمانی آتارماق، میخمانی
یوله سالماق، میخمان یا یولاغچی
یوله سالنان وقتده اؤنؤنگ بيله بیر آز
یره بيله گیتمک.

مشت tmošt: یومروق. ال پنجه سی،
ال دوومه.

مشت tmešt: آقار سو، آریق.

مشتاق moštāq: مص. [ع] شوقلی،

هوسرنگ، میللی بیر زاده هوسینگ
بؤلماق، آرزولی.

مشرک moštarek: ا.مف. [ع] اورتاق،

شاریک، بيله لیکده ایش توتونماق،
ناچا آدمینگ اورتاق مالی بؤلماق،
ناچا آدمینگ پایی بؤلماق.

مشتري tmoštari: [فاع] آلیجی، زات

آلیجی، خریدار، ساتین آلووچی.

مشتري tmoštari: مخ. ایکینجی

مرتبه ده بؤلان ییلدیز یعنی زهرمدن
سؤنگ.

مشتعل tmošta'el: [فاع] اود

یاندیرما، توتاشدیرما، شعله لندیرمه.

مشتق tmoštaq: مخ. [ع] یاریلیپ جدا

بؤلان، زادینگ بیر آیری زاتدان جدا
بؤلماغی، بیر سؤز آیری بیر سؤزدان
آلینب یاسالان بؤلسون.

مشتمل tmoštamel: [فاع] اوز

ایچینه آلیجی، غابایجی، غاباماق، اؤز
ایچینه آلماق.

مشجر tmašjar: [ع] آغاچ بیتن یر،

آغاچلیق یر، مشاجر جمع.

مشجر mošajjar: ا.مف. [ع] آغاچلی،

باغلی، آغاچ اکیلن یر، آغاچا منگزش
زاتلار.

مشخص tmošaxas: مخ. [ع] بللی،

- بللی بۆلن، بیرری بیریندن سایلانان،
آییل-ساییل بۆلن.
- مشرف mošref: ۱. [فاع] اولی جای،
بلند جای، مشارف جمع.
- مشرف tmošaraf: مف. [ع] اولولیق،
حرمتلیلیق، بلند درجه‌لی بۆلن،
اوستونلیکده بۆلن، بلند درجه‌ده
بۆلن
- مشرق tmašreq: [ع] گون دوغار،
گونونگ دوغیان اوغری دوغی،
یوقاری، مشارق جمع.
- مشرک mošrek: ص. [ع] خدایی
اورتاغلی بیلیان آدم، خدایی اورتاغلی
شریکلی بیلیان آدم، خدای
تعالی‌نینگ شریکی بار دیر دییپ
گمان ادیان آدم، ناچه خدایا
عقیده‌سی بار بۆلن.
- مشروب mašrub: [ع] ایچیلیان
ایچگی (سؤو و شراب و چاقیر و
ش.م.لر).
- مشروط tmašrut: مذ. [ع] شرط ادیلن،
شرط ادیلمه‌گه باغلانان.
- مشروع mašru': [ع] شرعه مطابق
بۆلن زات، شرع تاییدان جایز و
بۆلن زات.
- مشعل tmaš'al: [ع] مشعله، قندیل،
- اولی سالاما چرا، چرا قویولیان،
مشاعل جمع.
- مشغله mašqale: [ع] ایش، پیشه
گویمه یان زات، مشاغل جمع.
- مشغول mašqul: [ع] ایشه گویمنیان
آدم، آلینیان جای، ایه‌لنن اورون.
- مشفق tmoštaq: [فاع] یاغشلیق
ادیان، یوره‌گی یانیان، مهربانلیق
ادیجی، جانبیکش، همراق، نازیک،
مشق mašq: مص. [ع] هر بیر ایشی
کوپ ادیب اندیک اتمک، یازماق
اندیک اتمک، ایشه شاراب بۆلماق،
بیر ایشی کان ادیب، اؤکده‌لمک،
یازماق.
- مشقت mašequat: مص. [ع] ایشینگ
قین بۆلماغی، قین چیلیق، زحمت،
عذاب، مشاق و مشقات جمع.
- مشک tmošk: مشک کیگینگ
گوبه‌گیندن عمله گلیان اونگات ایس،
عربچه مسک دیلیار.
- مشک tmošk: مشک.
- مشک چوپان tmošk-čupān:
آلاستلمه.
- مشکل mošakkal: [ع] شکللی، یوز
گۆزه منگران زات بۆلمالی.
- مشکل tmoškel: ص. [ع] قین ایش،

گچیلیان زات ۲. جمعه گونی و قیامت گونی معنیده هم آیدیلیپ دیر.

مشهور mašhur: [ع] ادلی، شهراتلی، آدی آدملارینگ آراسیندا بللی بۇلان، آدیغان، شهرت غازانان مشاهیر جمع.

مصاحبه mosāhebe: [ع] بیرى بيله گوررینگینگ بۇلماق، دوست و یار بۇلماق، گپلشمک، گوررینگکداش بۇلماق، گوررونگدشلیک گچیرمک.

مصادره mosādere: [ع] بیرینینگ مالینی زور بيله آلماق، جریمه و تاوان آلماق، ایزینا آلماق.

مصادف mosādef: [ع] بیرى یا باشغا بیر زات بيله یوزبه یوز بۇلۇپ چاقیشماق، بیرى بیرینه دگمک، یوزبه یوز دگمک، بیرى بیرینه ضربلی دگمک.

مصادم tmosādem: [فاع] بیرى یا بیر زات باشغا بیر زات بیلن چاقیشیب صدمه یتیرمهگی، آزار یتیرمهگی، دگمهگی.

مصارف mosāref: [ع] جمع مصرف، خرجلامالار، چیقداجیلار.

مصالح tmasāleh: [فاع] ایلاشماق، یاراشماق، انسانینگ صلاحینه و پیداسینه بۇلان زاتلار.

اوستى یاییق، چوزيلمکی قین مسئله، آغیر.

مشكل پسند moškel-pasand: ایش دالناجی، اینجیق، آد داقاغان، دالناغار، دالناجی.

مشكل گشا moškel-goša: قین ایشی باشاریان، قینچیلیغی چوزیان. مشکوک tmaškuk: مذ [ع] گمان ادیلن، بیر زاده شک ادیلن و گمانلی بۇلان.

مشکی meški: ص. قارا یاغیز، قره، قره رنگ.

مشمول mašmul: تۈۋرگی آلینان، داشینی آلدیران، قابالانان، دگیشلی بۇلان.

مشورت tmašwerat: م.ص. [ع] مشورة، صلاح اتمک، گنگش اتمک، اویلانشیق، مصلحت، اوندو.

مشوق tmošaweq: [فاع] آرزولی، هوس جنگلیک، هوس لندریان.

مشهد mašhad: [ع] محضر، حضور تاپمالی یر، شهید بولینیان یر، اماملارینگ بیرینینگ مزارى ابدی لیک جای، مشاهد جمع.

مشهود mašhud: [ع] ۱. حاضر بولینن، گورینن، گورینیان اونگا گواه

مصدق t.mosaddaq. مذ [ع]

تصدیق‌لاران، اینانیلان، شهادت‌لاران.

مصدوم masdum: [ع] صدمه

گوریجی، آورانان، ضربه دگن، صدمه

گوران، زیان گوران، آغیران، اینجان.

مصراع t.mesrā'. [ع] قافینگ بیرتایی،

بیر بیت شعرینگ یاریسی مصاربع

جمع.

مصرف t.masraf. [ع] خرج ادیلن یر،

یؤیؤلان یر، چیقداجی چیقارلان یر،

خرچلاما.

مصطفی mostafā: ص. [ع] سایلانان،

حضرت رسولینگ لقب‌لرینینگ بیرى.

مصطلح t.mostalah. مذ [ع] اؤز

بولوشلی معنی‌سیندن آیری بیر

مخصوص سؤزه دأب بؤلؤپ قبول

ادیلن کلمه.

مصلحت t.maslehat. [ع] گنگش،

صلاح، آدم‌لارینگ خیرینه و پیداسینه

و راحتلیغینا سبب بولیان اؤز آرا

گچریلیان گوررونک گنگش صلاح،

مصالح جمع.

مصلی t.mosalā. [ع] نماز اوقولیان

جای، نماز و دعانینگ جایی آیراتین

گونلرده آدم‌لارینگ شهردن داشارده

نماز اوقایان یرلری.

مصالح ساختمان masāleh-e:

sāxtemān- جای سالماق اوچین

پیدالانیلیان کرییچ داش، گچ، سیمان،

حلب و آغاچ و ش.م. جای سالماق

اوچین گِرک بؤلان زات‌لار.

مصالحه mosālehe: مص. [ع] بيله

اونگیشماق، یاراشماق ایلااشماق.

مصباح t.mesbāh. [ع] چرا، ارتیرلیک

اییلیان یا ایچیلیان قاب، ارتیرینه

ایپ ایچیلیان اییمیت‌نینگ قابی.

مصحح t.mosahheh. [ع] فـا.

دوزالديجی، چاپ اتمک اوچین

کتابینگ غلط‌لرینی دوزالديان آدم.

مصدق t.mesdāq. [ع] بیرى نینگ

دوغرى کپینی تصدیق لاما، شاید

بولیان آدم، بیر آدمینگ دوغرى

سؤزینی تصدیق‌لایان آدم.

مصدر t.masdar. [ع] دولانماق یری

اوویرلمک جایی، اوویریلیان یر، صادر

بولان یر، بیر کلمه‌نی اصلیندان

چیقاریپ یارینی آلماق، یعنی بیر

سؤزی آیری کلمه‌دن چیقارماق.

مصدق t.mosaddeq. [ف.ع] تصدیق،

اینانیجی، تصدیق‌لایجی، و (بفتح

دال مشهد) تصدیق بؤلان، اینانیلان،

تصدیق‌قلانان.

مصمم tmosammem [فاع]

قایدوسیزلیق، توتومی و اراده سی بار
بۇلان، بیر ایشی اتماگی یوره گنه
دوون، تصمیم توتان آدم.

مصمم tmosammam [فاع] بیر

ایشه اراده ادیلن، توتوملیلیق،
دۇروملیلیق.

مصنوع tmasnu' مف. یاسالان،

بجرلن، دوزه دیلن.

مصوب tmosawab مف. [ع] قبول

ادیلن، بیر آغیزدان قبول ادیلن.
دوغری لیغینا و حقیقت دیغینا حکم
بریلن زات.

مصور tmosawer [فاع] نقاش،

صورتکش.

مصور tmosawar مف. [ع]

نقش لانان، شکللی، صورتلی، یوز
کشبللی، نقش بۇلان، صورت ادیلیب
چکیلن.

مصیبت tmosibat [ع] یاس، ایزا،

رنج، قین چیلیق، و عذاب، قایغی غم،
گورگی، تاوقی. مصائب جمع.

مضاربہ mozārebe: مبص. [ع]

قاقینشماق، بیرینینگ پولی بیلن
تجارت اتمک، آلیش بریش اتماگه
مال بیرینه برمک.

مضاعف mozā'f: ص. [ع] ایکی

دوقان، ایکی اسسه.

مضامین mazāmin: [ع] مضمونینگ

جمی، مضمونلار، اصلی مطلبلر.

مضایقه mozāeqe: [ع] بیرینی داره

غاباماق و قاتی توتماق، بیرینه
قین چیلیق دوراتمک، آیاوینچ.

مضحک tmazhak [فاع] گولمه لی،

گولکلی لی، گولکونچ لی بۇلان،
گولکولیک.

مضر tmozer [فاع] زیان، نقصان

یتریجی، ضرر گتیریجی، زیانلی.

مضروب tmazrub مف. [ع] اوریلان،

ینجیلن، ضربه اوریلان.

مضطرب tmoztareb [فاع]

چاشغین، آجرانگ، اینجالیق سیز،
توقات.

مضمحل mozmahal: ص. [ع]

دارغان، آزادان چیقان، پتیران و
اورتادان گیدن، یوق بۇلان، یوغالان.

مضموم tmazmum: مذ [ع] بیغنانان،

جمله نن، ضمه لی، ضمه حرکتی
بولان حرف.

مضمون mazmun: [ع] اورتا آلینان،

کلام دن آنغلانان زات، سؤزدن فهم
آلما، بیر زادینگ اساسینی دوزیان

فكر، معنى، يازغى نينگ معنى سى،
كتابينگ ايچينداكىلر، مضامين
جمع.

مضيقه mozāeyqe: ا. [ع]
داريشغانلىق، دارلىق ير، قىيساسقا
بۇلماقلىق.

مطابق motābeq: ص. [ع] جبيس،
قىرادنگ، برابر، دنگ ۋ جيس ۋ

مطالب matāleb: [ع] جمع مطلب،
مطلبلار، ايسله نديكلر، آرزولار،
مقصدلار، علمى مسئلهلر.

مطالبه motālebe: ص. [ع]
ايسته مك، اۆز حقينگى ايسسته مك،
سورماق، حقينگى طلب اتمك.

مطالعه motāle'e: ص. [ع] كوب
اويلانماق بيلن بير زاتدان خبرلى
بۇلماق، كتابى يا يازغىنى اوقاماق،
كتاب يا بير يازغىنى دقت بيلن
اوقاماق، درنگو، درنگو اتمك.

مطب tmatab: [ع] درمـانگاه،
طبيب چيليك اديليان ير، درمان
اديليان ير، دكترينگ ايش جايى.

مطبـخ tmatbax: [ع] ايمـميت،
بشيريلىان جاي، آش اۋى، مطابخ
جمع.

مطبـوخ tmatbux: مف. بشيريلن،

قايناديلان.

مطبوع tmatbu: مف. [ع] چاپ بۇلان،
آدمينگ حالايان زادى، چاپ اديلن ۋ

مطرب tmotreb: [فاع] دمبك اوريان،
آيديم اوقايان، اويونچى، تانسچى.

مطرح matrah: [ع] تاسلاما دوزيليان

ير، اونگه اوقلنيان جاي، بير
مسئلهنى اونگه سوريب اورتا آتيليان

ير، اورتا آتماق، مطرح جمع.

مطروـد tmatrud: مف. [ع] قاويلان،
داشا ساليان، آرادان چيقارلان.

مطعم tmat'am: [ع] ايمميت ايليان ير،
ايمميت، مطاعم جمع.

مطلب matlab: [ع] ايسلگ، آرزو
ايسله نيلين ير، مقصد طلب اديليان
ير، علمى مسئله لرينگ بيرى،
مطالب جمع.

مطلع tmotale: [فاع] دانا، هـشيار،
پايخاسلى، صبرلى، خبردار، آگاه.

مطلق motlaq: ص. [ع] ارکين، آزاد،
سالتيق، آلا داسيز، اۆز ارکينده بۇلان،
شرط سير، بير زات بيلن
چاكلنمه ديك، مطلق العنان: اۆز
كله سينه گۇزا باشينا گيدن.

مطلقه motlaqe: ص. [ع] بوشاديلن
عيال، طلاق بريلن، اړى گويبرن عيال،

خطی بریلن.

مطلوب tmatlub. مف. [ع] ایسله نن

زات، ایسله نن، ایسله نن آدم، ایسلگ، مقصود، آرزو.

مطمئن motma'n. ص. [ع] دینج آلان،

اینجالیق تاپان، خیالی راحت بۆلن، آرقاین.

مطهر tmotahher. [ف.ع.]

آراسلایجی، پاکلیجی.

مطهر tmotahhar. [ف.ع.] آراسسا

بۆلن، آراسسالانان، پاک و آراسسا،

مطیع moti'. [ع] بویون بۆلن، تاییین

بولوجی، تاییین بۆلن، بویروغی یرینه یتیریان، خبرلی.

مضان mazān(n). [ع] جمع مظنه،

گمان ادیلن یرلر، ایچینده بیر زات بار دییپ گمان ادیلن یرلر، جمع مظنه.

مظاهر tmazāher. [ف.ع.] حمایت

ادیجی، آرقادایانچ، یاردام بریجی.

مظروف tmazruf. مف. [ع] بیر زادینگ

قابا سالینماغی، قابا سالینان زات.

مظفر mozafar. ص. [ع] ینگن،

ینگیشه دوش بۆلن، ینگجی.

مظلوم tmazlum. مف. [ع] ازیلن،

ظلم ادیلن، ظلم واقع بۆلن.

مزنون maznun. [ع] گمان ادیلن بد

گمان بولینان آدم، شک ادیلن آدم.

مزنه mazane. [ع] گمان ادیلن یر، بیر

زادینگ باردیغینه گمان ادیلن جای،

فارسچا مالینگ نرخسی و باهاسی،

چاق اتمه دییپ-ده آیدیلیار.

مظهر mazhar. [ع] آیدینگ بۆلن یر،

آچیق بۆلن جای، ظاهر بولینیان

جای، مظاهر جمع.

معارب ma'āber. [ع] جمع معبر، گذر،

اوتیب گچیلیان یرلر، گذرلر،

گچلگه لر، اوتلگه لر.

معاد ma'ād. [ع] اوویریلمه،

اوویریلمک جای، قیامت، آخرت.

معادل mo'ādel. [ع] برابر، دنگ گلن،

دنگ بۆلن، آغرامسی دنگ بۆلن،

آغرامداس.

معادن ma'āden. [ع] معدنلر، یر

آستی بایلیق.

معارج ma'ārej. [ع] جمع معراج،

باسنانجاق، یوقار چیقیلیان قۇرال.

معارض ma'ārez. ص. [ع] قارشسی،

قارشسی ظرف.

معارف ma'āref. [ع] جمع معرف

علملار، بیلیملر، مشهور آدملار، ادلی

کیشیلر، علم و فضل ایهلری،

فضیلتلار.

- معاش ma'āš: [ع] یاشاما، یاشایش، یاشایش تتاریگی، یاشایش اوچین
 گِرک بۆلن زاتلار، اییمیت اییپ
 ایچمه یالی، اکلە تیش آیلیق،
 معاشرت ma'ašerat: مصص. [ع] (= معاشره) بیرى بیرینگ بيله یاشاماق،
 باریش گلیش اتمک، قاتناشماق،
 یاناشماق.
 معاصر mo'āser: [ع] زمانداش،
 عصرداش، دوویرداش.
 معاظدت mo'zedat: مصص. [ع] قول،
 بیرک بیرگه قول برمک، کمک اتمک،
 قولداماق.
 معاف tmo'āf: مف. [ع] باغیشلانا،
 باغشلاييش، بوشادیلان،
 معافیت mo'āfiyat: مصص. [ع]
 باغیشلانماق، لیق، بوشاتما.
 معاقب tmo'āqab: مف. [ع] ازیلن، آزار
 یتزلن، عذاب بریلن.
 معاقب tmo'āqeb: [ف.ع] عذاب
 بریجی، ایزارلایجی.
 معالج tmo'ālej: [ف.ع] کسلی
 بجریجی، علاج ادیجی، چاره ادیجی
 طبیب، درمان ادیجی.
 معالجه mo'āleje: مصص. [ع] علاج
 اتمک، ام اتمک، درمان اتمک.
- معالجه mo'āleje: مصص. [ع] علاج
 اتمک، ام اتمک، درمان اتمک.
 معالم ma'ālem: [ع] نشانلار، گورکزمه
 برمک اوچین یولدا قوییلان بلگی لر.
 معالی ma'āle: [ع] جمع معلاة، شرف،
 آبرای، بلند مرتبه معنیده.
 معامله mo'āmele: مصص. [ع] بيله
 آلیش بریش اتمک، آلماق، ساتماق
 سودا اتمک.
 معانی ma'āni: [ع] جمع معنی،
 دوشونجه لر، فهم لر.
 معاودت mo'āwedat: مصص. [ع]
 معاودة، اوویریلیمک، دولانماق.
 معاون mo'āwen: ا. [ف.ع] کمک
 ادیجی، یاردام ادیجی، یاران بولیجی،
 اوورن باسار، کمک چی، قولدا یجی.
 معاونت mo'āwenat: مصص. [ع]
 بیرى بیرینگه کمک اتمک، یاردام
 اتمک.
 معاهده mo'āhede: مصص. [ع] بيله
 شرطنامه باغلاشماق، قسم اتمک،
 آنت ایچمک.
 معاینه mo'āeyne: مصص. [ع] گۆز بيله
 گۆزیمک، یوز به یوز بیر زادی گۆزیمک،
 باقماق، سر اتمک.
 معبد tma'bad: [ع] عبادت یری

عبادت ادیلیان یر، عبادتگاه.

معبد tmo'abbad. مف. [ع] ۱. سیلاب

ساقلان، ۲. دوزلان و اورادیلان یول.

معبر tme'bar. [ع] گچلگه، گذر، اوتیب

گچیلیان یر، قاتنانیلیان یر، اؤلوم.

معبر tmoa'bber. [فاع] یوروجی،

دیش یوریان.

معبود tma'bud. مف. [ع] چوقونیلان،

سیفنیلان، عبادت ادیلن، عبادتا

مناسیب گوریلن.

معتاد mo'tād. ص. [ع] عادت ادیجی،

بیری بیر ایشه یا بیر زاده عادت ادن،

اندیک ادن، اؤوره نشیب اوزیلیپ

آیریلیشیپ بیلمه یان.

معتبر mo'tabar. ص. [ع] عبرت آلان،

ایناملی، امین، اینامدار، اعتبارلی،

اینام یر، ایناملی.

معتدل mo'tadel. ص. [ع] گۆنی،

دنگ، دۇغری، اورتاچا، برابر، اورتا،

اورتا گیدیش، سالقین، اورتا یاغدا

معترض tmo'tarez. ف. [ع]

عیب لایجی، آد داقیجی، دادگستری

آدالغاسینده بریلن حکمه قارشى

بۇلماق، ترس بۇلماق.

معترف tmo'taref. [فاع] بۇیۇن

آلیجی، اقرار ادیجی، بۇیۇن آلان، اقرار

ادن.

معتقد tmo'taqedd. [فاع] عقیده لی،

عقیده سی بۇلان، اینانچلی بۇلان،

اینامی بۇلان.

معتقد tmo'taqedd. [ع] عقیده،

اعتقاد آدمینگ اونگا اینانجی بۇلان،

اینامی بۇلان.

معتکف tmo'takef. [فاع] قیراغا

چیقان، عبادت اوچین مسجده یا بیر

چتده یرلشن، اعتکافا اؤتوران.

معتمد mo'tamad. [ع] اینام ادیجی،

باشغا بیرینه اینام ادیان، اینام ادیلن،

اعتماد ادیلن.

معتمد tmo'tamed. مف. [ع]

اینانیلان، اینامدار بۇلۇپ ایش

تابشیرلان.

معجزه tmo'jeze. [ع] انایی، اگیرت

نارسا، باشغا آدما ممکن بۇلما دیق

زات، عجایب حال، گنگ زات، قدرت.

معجون tma'jun. مف. [ع] ناچه

درماندان قاتیشدیرلیپ خمیر ادیلن،

یوغورلان، مأجون، معاجین جمع.

معدل tmo'addel. [فاع] دنگله مه،

دوغورلاما.

معدل mo'addal. [ع] دنگلمک و

آغرامی دنگ بۇلان، آرالیق اورتا، هر

زادینگ اورتاچه سی نمره لرینگ

معدلی، نمره لرینگ اورتا سانی.

معدن tma'dan [ع] کان، زادینگ

مرکزی، داش دیر دیر یالی یر آستی

یر اوستی طبیعی بایلیغی، معدن

جمع.

معدود ma'dud [ع] سانالان، سانالیب

گچیلن، آن، آز مقدار، سانلیجا.

معدوم tma'dum [ع] یوغالان،

ییتن، یتگی، یوق بۇلان، اولدیرلن،

اعدام ادیلن.

معه me'de [ع] آش قازان، ماده

(معه)، ایشینگ باریان یری.

معذرت tma'zerat [ع] معذرة،

گچیریم، اوتونچ، اوتونچ سورامه.

معراج tme'raj [ع] باساسانجاق

یوقاری چیقیلیان قورال، نرده وان،

نردبان، معارج و معاریج جمع. شب

معراج: خدای تعالی نینگ بویروغی

بویونچا محمد (ص) سویگیلی

پیغمبر میزینگ آسمانه چیقان

گیجه سی.

معرف tmo'arref [فاع] تانیدیجی،

تانیش ادیجی، تانیدیان، تارپیلیان.

معرفت ma'refat [ع] مص. معرفه،

بیر زادی تانیماق، تانیلمه، علم،

بیلیم، دانش.

معروف tma'ruf [ع] ۱. تانیلان،

آدلی، مشهور ۲. یاغشی لیق، و

یاغشی ایش معنیده.

معزول tma'zul [ع] ایشدن

آیریلان، ایش سیز اویده اوتوران،

ایشدن بوشادیلان.

معزی tmo'zze [ع] یاسرلی،

مصیبتلی.

معشوق tma'suq [ع] سۆیلن،

محبت بیلدیرلن، دلبر، سۆیگیلی،

سۆیولن قیز.

معشوقه tma'suqe [ع] مؤنث

معشوق، بیر کیشی نینگ

سۆیگیلی سی بۇلان عیال، قیز.

معصوم tma'sum [ع] گناه دن

پاک، گناه دن یوویلان، عمرینده گناه

اتمه دیک آدم، مغصیم، گناه سیز.

معصیت tma'siyat [ع] معصية،

یازوقلیق، گناه، عاصی چیلیق،

معاصی جمع.

معطر mo'ater [ع] اونگات

ایسلی، ایسلی، یاقیملی ایسلی،

عطر ایسلی.

معطل tmo'ttal [فاع] تعطیل

ادیجی، خدای تعالی نینگ وجودینه

انكار اديان و شريعتى باطل بيليان.

معطل tmo'ttal. مف. [ع] بيكار،

ايشرسيز قالان، معطل.

معطل شدن ma'tal-šodan:

بوكدانمك، اكلنمك، مأطل بۇلماق.

معطوف tma'tuf. مف. [ع] انگيلن،

مايل بۇلان، اونس بريلن، اونس

مرکزینده بۇلان، سر اديلن، گۆز

اونگينه آلنان، اونگكى كلمه بيلن

آيرى كلمانى باغلانيشديрмаق.

معظم mo'azam. ص. [ع] اولى، اولى

توتولان، بيبك، هر بير زادينگ قاوى

راق و اولى راق بۇلەگى، معاضم جمع.

معظم mo'azzam. ا. مف. [ع] اولان،

اولى ساييلان، اولى ساييلان كيشى،

معظم له : اولى بيلينن.

معقد mo'aqed. [ع] سوقاشيق،

دووينلى، دوويلن، گيزلين كپ

تاوانچاقلى سۆز.

معقول tma'qul. مف. [ع] عقلا

سينيان، عقله گيريان زات، عقلا گلن،

ماقول، دوغرى حسابلاناتان، معقولات

جمع.

معكوس ma'kus. ص. [ع] باش آشق،

دونگيريلما، آغاريلما.

معلا mo'allā. نكا. معلى؛ بلند مرتبه،

بلنده قالان.

معلق tmo'alaq. مف. [ع] آسيلغى،

آسيلغى، ساللانيپ دوران، ساللاناتان.

معلل tma'tal. مف. [ع] سببلى،

علتلى، دليللى بۇلان.

معلل tmo'ttal. [ف.ع] علتى بيان

ايديجى، سبابى دوشونديريجي.

معلم mo'allam. [ع] اوورهنن، تعليم

بريلن، اوورهديلن.

معلم mo'allem. [ع] اورايديجى، معلم،

اوقوديجى، اوورهتيان، اوقوتيان.

معلم tma'lam. [ع] گوركمك اوچين

يول لارينگ كناريندا قويوليان بلگى.

معلول tma'lul. مف. [ع] ۱. علتلى،

سببلى، و سببدن اوتري ثابت اديلن

زات، ۲. ناخوش ماييپ معنيده هم

آيديارلار.

معلوم tma'lum. مف. [ع] بيله بيله

آشكار، آچيق آيدينگ، عيان بۇلۇپ

دوران و بيلينن و دوشينيلن.

معمار tme'mār. ص. [ع] عمارت

ايديجى، عمارت ديكلديجى، جاي

اوستاسى، تام اوستاسى.

معمر mo'ammār. ص. [ع] اۇزاق

ياشان، ياشى قايدان، قارى، قارزان.

معمم mo'ammām. ص. [ع] سللهلى،

باشينا سىلە قويىان، كەسىنە سىلە
اورايان، پىشلى.

معمور tma'mur.مف. [ع] آباد اديلىن،
آباد.

معمول ma'mul: [ع] عمل بۇلان،
ايشلەنن، بجريلن، يول يوردا، رسم،
دستور.

معنا ma'nā: [ع] معنى، دوشوندىرىش،
مقصد، دليل، سۆز، سۆزۈنگ
مضمونى معنىسى، بير زاتىدان
چىقىيان نتيجه.

معنوى ma'nawī: ص. ن. [ع]
دوشيندىرىشە باغلى بۇلان، معنا
دگىشلى ايجگين، حقيقى، روحى.
معوج mo'waj: [ع] قىشيق، اكرەلن،
بوكرەلن، اكرى.

معوق mo'wwaq: [ع] ايزە غالان، ايزە
قالدىرلان.

معهدا ma'a-hāzā: [ع] شونلىقدا،
شونىنگ بيلن، هر حالده، شونىنگ
بيلن بيرلىكدە، شيلهلىكدە.

معهود ma'hud: ۱.مف. [ع] عهد اديلىن،
آدىلى، گوريلن و تانيلان، قديم قى و
كونە.

معيار me'yār: [ع] اۆلچك و اۆلچاليان
زات، محك داش و ترەزى، معاير

جمع.

معيت ma'iyyat: ص. جمع [ع]
يولداشلىق اتمك، بيله بۇلماق.

معيشت tma'iṣat: [ع] ياشايش،
اونگالفا، گذران، ياشايش تىتارىگى،
ايمك ايجمك نارسەلر، اكلنچ،
معایش جمع.

معين mo'ayyan: [ع] يارادام اديجى،
ياران، ياور، كمكچى.

معين ma'in: [ع] آقىم، آقىيان،
چشمەنىنگ آقىب دوران سۇوى.

معين mo'in: [ع] آچىق، مالىم، بللى.
معيوب tma'yub: مف. [ع] مايب،
عيبلى، شكست تاپان، نقصانلى،
كم چىلىكلى.

مع moq: ۱. زرتشتى لرينگ عالمى،
آخونى، زرتشتى لرينگ مذهب تايدان
بولان رهبرى.

مع maq: ۱. ص. ۱. چوقير، اۋى. ۲. آقار
سوو معنيده هم آيدىليپدير.

مغازه maqāze: ۱. [فر] دكان، انبار.

مغاير moqāyer: [ع] ۱. قارشى،
باشقا هيللى، اويىتگان ۲.
دگىشيكلىك آغداريلما معنيده هم
آيدىليار.

مغايرت moqāyrat: ص. [ع]

مغايرة، بىر بىرىنگە قارشى بۇلماق،
بىر بىرىنگە قارشى بۇلماق، بىر
بىرىنگە يوز بە يوز بۇلماق، قاپما
قارشى بۇلماق، ترس بولماق.

مفتتم moqtanam: ۱. مف. [ع] غنيمت
سايىلان، غنيمت آلىنان آماتلى
ياغداى.

مغرب tmaqreb: [ع] گون باتار،
گونونگ ياشيان اۇغرى يانى، باتى.
مغرض moqrez: ص. [ع] بىرىنىنگ
قصدى و غرضى بۇلان، پيس اريد
قىلىقلى، اريدلىك ايسلەيان.

مغرور maqrur: ص. [ع] باطله طرف
گيديان و گوز تيكيان، آلدانان، اوتيلان،
اولومسى، من منليك اديان.
مغز tmaqz: پينى، مانگيز.

مغشوش tmaqşuş: مف. [ع] بولاشيق،
قاتيشيق، الين بۇلماديق، يوغورلان.

مغضوب tmaqzub: مف. [ع] قهار
اديلن، غضبه اوچران، غضبه دچار
اديلن، غضب لانان.

مغفرت maqferat: مص. [ع] معفرة،
يالقاما، يالقاييش، بىرىنىنگ
گناسىنى گچمه، بىرىنىنگ
گناسىندان گوز يومماق.

مغفور tmaqfur: مف. [ع] يالقانان،

باغيشلانان.

مغلق tmoqlaq: مف. [ع] باغلانان، كلام
مغلق: دوشينجهسى چتتين بۇلان
سۇز.

مغلوب maqlub: [ع] اوتديران،
اوتيلان، ينگىلماگە سزاوار بۇلان، ينگىلن.
مغيلان tmoqilān: تيكنلى آغاچ،
تيكنلرى اگري ايرى آغاچ، تيكنلرى
ايلكى گوك، سونگاباقا قارا و قيزيل
رنگە اۋوروليان، اۋنۇنگ ميوهسى
باغالا منگزش بۇلۇپ هر دويىيىندە
باشردن دوققوزه چنلى دانەسى بوليار
عربلار اونگا «ام غيلان» ديبارلار.

مفاخر mafāxer: [ع] جمع مفاخره،
قۇوانارلى، بويسانارلى.

مفاد mafād: [ع] معنى، مضمون،
دوشونديرش.

مفاسد mafāsed: [ع] جمع مفسده،
اريدلىگە پيسرلىگە سبب بۇلان.

مفاصل mafāsel: [ع] جمع مفصل،
فصل، بوغونلار، سونگكلىرىنگ
سپيشن يرى، فصل بۇلان، بۇلك
بۇلك بۇلان، بىرى بىرىندىن جدا بۇلان،
آچىقلاپ گىنگلتمك.

مفاهيم mafāhim: [ع] جمع مفهوم،
فهملر، بيلنن، آنغلانان، دوشونيلن.

مفت mofit: ص. موغت، پولسيز،

بھاسيز، الھ گلیان زات، یونہ زات.

مفتاح tmeftāh: [ع] آچار.

مفتح tmeftah: [ع] آچار، مفتاح جمع.

مفتح tmofatteh: [ع] فنا، آچیجی.

مفتخر tmoftaxer: [ف.ع] بویسانیجی، قووانیجی.

مفتی tmoftari: [ف.ع] تھمت

اوریجی، قارالیجی.

مفتوح tmaftuh: مذ [ع] آچیلان.

مفتون tmaftun: مف. فتنہ اوقلانان،

عاشق، اھوشینی آلدیران.

مفتی tmofti: [ف.ع] پاتا بریان، فتوا

بریان.

مفخر tmofaxer: [ع] فخر ادیلمگینگ

جایی، نازلنماگ، قووانماغا یرلیکلی.

مفرح tmofarah: ف.ا. شاد، گوین

آچیق، یورگه قوات بریان درمان.

مفرد tmofrad: ص. [ع] یکہ، یالنکیز،

بیر، تاک.

مفرط tmofrat: [ف.ع] چن چاقدان

چیقمه، حددن گچمه، اؤران کوپ،

زیاد.

مفصل tmeft sal: بوغون.

مفعول tmeftal: مف. [ع] ادیلن،

بیری نینگ و یا بیر زادینگ باشینا بیر

ایش دوشن.

مفقود tmafqud: مف. [ع] یتن،

ییتگی، یوق بۇلان، ییتیرلن.

مفقودالثر mafqud-ol-asr: گوردیم

بیلیدیم بۇلمادیق، اثری بۇلمادیق، نام

نشان بۇلمادیق، گوریم جیریم بۇلان،

ییتن.

مفلس mofles: ص. [ع] زادسیز،

الی دار، یوغسول، بیچاره، غریب،

فقیر.

مفهوم tmafhum: مف. [ع]

دوشونیلن، بیلینلن، ایزینا یتیلن

زات، دوشونیلن و دیولان نارسه.

مفید tmofid: [ف.ع] فایدا بریجی،

خیرلی، پیدالی، بافیدلی.

مقابر maqāber: [ع] جمع مقبره،

قبرلار.

مقابل morābel: [ع] برابر، دنگ، یوز

به یوز، قارشى به قارشى، قارشى،

اونگ، قاریشدا دوران.

مقاتل tmoqatel: [ف.ع] اولدوریجی،

اوروشجانگ، ساواشجانگ، اؤرۇش

تورۇزیان.

مقادیر maqādir: [ع] جمع مقدار،

اؤلچکلر، بیر بۆلک زات، مقدارلار،

مچبرلر.

مقاربت moqā2rebat: مص. [ع]

مقاربة. بيله ياقینلاشماق،
قولایلاماق، بيله یاتماق.

مقارن maqāren: ص. [ع] همدم،

همرا، یاقین، یۇلداش، بيله بیرگیشن
و دوست بۇلان.

مقاصد maqāsed: [ع] جمع مقصد،

نیتلر، آرزو ادیلن یر، قصد جای.

مقاطع maqāte: [ع] جمع مقطع، ۱.

کسیلنلر، کسیلن یرلر، آیریلان، ۲.

سۆزۆنگ آخری ۳. قصیدانینگ یا

غزالینگ آخرقی بیتلرینه

آدلاندیریلیار.

مقاله maqāle: مص. [ع] سۆز آیتماق

سۆزله مک، گپله مک، کتابینگ بیر

بوله گی، مقاله.

مقام maqām: [ع] یرلشمه، مکان،

زمان، مقام.

مقام maqām: [ع] ۱. اوتوریلیان یر،

اورون، جای، درجه مرتبه، جایگاه، ۲.

فارسجه هنگ، آهنگ، سازینگ

پرده سی دیپ-ده آیدیلیان.

مقامات maqāmāt: [ع] جمع مقامة،

۱. مجلس، میلّیس، ۲. معنیده

روایت، خطبه.

مقاوم moqāwem: [ف.ع] برک

دوروملی، قایم دوریان، پوخته

دوریان، قایدوسیز دوریجی.

مقاومت moqāwemat: مص. [ع]

دوریملیلیق، دیرانمکلیک، قارشى

دورماق قارشیلیق گوزمه.

مقایسه moqāyese: مص. [ع] ایکی

زادی بیرى بیرى بيله اولچه مک،

درنگه مک، سـلجـرمکلیک،

دنگشدرمک، ~~دنگشدرمک~~

مقبره maqbare: [ع] گور، قبر،

قبرستان.

مقبول maqbul: مف. [ع] حالانان،

قبول ادیلن، قبول بۇلان، یاقیملى.

مقتدا moqtadā: مف. [ع] آدم لارینگ

اۇنگا اۇییان آدمسى، رهبرى.

مقتدر moqtadar: ص. [ع] قدرتلى،

گویشلى، قوجورلى، چاسلى،

قۇربلى.

مقتدی moqtadi: [ع] (مقتدا) ایزینده

دوریب اوییلیان آدم، امام، پیش نماز،

یولباشچی.

مقتصد moqtased: ص. [ع] اورته

یوریملى، تغشیدلى، اورتاچا صرف

ادیان آدم.

مقتضی moqtazā: مف. [ع] اولن،

اولدیریلن.

بۇلان حکمانى، ممکن، ایش
ممکن چیلیگی بۇلان.

مقر maqarr: ا. [ع] قرار تاپماق،
یرلشمک، قالماق، دینچ جای.

مقر tmoqedr: [ف.ع] اقرار ادیجی،
بویۇن آلیجی.

مقرب tmoqarrab: م.ف. [ع] یاقینلان،
یاقینلاشان، بیرىنینگ یانینه
یاقینلاشیپ اۇنۇنگ یانیندا اوروون
تاپان.

مقرر tmoqarrar: م.ف. [ع] دۇرۇقلى،
برکیشن، برک بۇلۇپ یرلەشن، مأکام
بۇلان، قویولان، قرار تاپان، برقرار
بۇلان، بیان ادیلن، قرارا گلنن،
چوزیلن.

مقروض tmaqruz: م.ف. [ع] برگیلی،
بورچلی.

مقرون tmaqrun: م.ف. [ع]
یاقینلاشان، بیرى بیرینه یاقینلان،
بیرى بیرینه بیریکن، سپیشن.

مقسوم tmaqsum: م.ف. [ع] بولینن،
پایلاشیلان، پولشدیریلن.

مقصد tmaqsad: [ع] قصد ادیلن
جای، ایسلگ، آرزو، نیت، مقاصد
جمع.

مقصر moqaser: ا. [ف.ع] یازیقلى،

مقدار tmeqdār: [ع] اۆلچگ، مچبر،
بیر زادینگ بوله گى، اۆلچه لیب اله
گلیان زات.

مقدار زیاد meqdār-e-ziyād:
اپپاسلى، یونگ سیز.

مقدر tmoqadār: م.ف. مانگلیا

یازیلان، تقدیر، تالی، یازغیت، نصیبه.
مقدس moqaddas: ا. [ع] آراسسا و
پاک جای، پاک و آراسسا یر، مقدس.

مقدم maqdam: م.ص. [ع]
یوللاغچیلیق دن قایدیب گلکم، آياق
باسان وقتینگ، گلن وقتینگ قایدیب
گلکم.

مقدم moqaddam: ا. [ف.ع] قوریلی،
باتیر، اقدام ادیجی، بیر ایشه یوز
اوران آدم، جرأتلى، باتیرغای،
هجولی.

مقدم moqdem: [ع] اونگه دوشن،
اونگه گیدن، اونگه سوریلن، اونگ،
اونگه گیدیجی، اونگده باریجی.

مقدمه moqaddame: [ع] باشلانغیچ،
اونگه گیدیجی لیک، هر زادینگ اونگی
گیریش، سۆز باشی، دسلابی.

مقدور tmaqdur: م.ف. [ع] گویچ
بريلمه، گویچینده و قدرتینده بۇلان
زات، قدرت بریلن، بیر زاده گویجی

گناهکار، عاصی، قایرا دوران، اؤز
بورجینی یرینه یتیرمکده یالتالیق
ایدیان آدم.

مقصود maqsud: ا. مف. [ع] قصد و
نیت بۇلان، ایسلگ، ایسله نن،
نیتله نن.

مقطع maqta': ا. مف. [ع] کسیلن،
تؤورگینی کسلیپ آوادانلنماق.
مقطوع maqtu': ا. مف. [ع] کسیلما،
کسیلن، بؤلونن.

مقعد moqed: ا. [ع] اوتوریلیان یر،
اوتورقیچ، مقاعد جمع.

مقعر maq'ar: ص. [ع] اوی، قورپ،
چونگ، سیق دال.

مقلد moqallad: [ف.ع] بیرینینگ
اده نینی اتمک، بیرینینگ ادن
عملینی اؤوره نیپ اوندان ایزارلاماق،
اویکنمک، اویکونجی.

مقلد moqalled: مف. [ع] عالم، دین
یولباشچی سی، اهلی آدملار اونونگ
اده نینی ادیپ ایزلایانی.

مقلوب maqlub: مف. اوویرلن،
دونگدیرلن، بیله سی بیلاک چوویرلن.
مقنع meqna': [ع] قانع ادیجی،

قناعت ادیجی، قناعتلی.
مقنعه maqna'e: بورونچک، باش

اورتگی.

مقنن moqannan: [ف.ع] قانون
دوزیجی، قانون شناس.

مقنی moqanni: [ع] قویی قازان،
کاریز قازان.

مقوا moqawwa: ا. [ع] قالینگ قاتی
کاغذ، کتاب جلد اتمک اوچین
اولانیلیان کاغذ.

مقوی moqawwi: ا. ف. ا.
گویچلندیریجی، گویچ بریجی، قوات
بریجی.

مقید moqayyad: مف. [ع] باغلانان،
دوشاقلانان.

مقیم moqim: [ف.ع] آياق اؤستونده
بۇلان، اوتوریملی، آياق اؤستونده
اوتوران، یرله شن، جایلاشان، بیر یرده
جای مکان تۇتۇپ اوتوران آدم.

مکاتب mokāteb: [ع] جمع مکتب،
مکتبلر، مدرسه لر.

مکاتبه mokātebe: مص. [ع] (=)
مکاتبه) بیرى - بیرینگه خط یازماق،
خط آلیپ بریشمه، خط یازیشما.

مکار makār: ص. [ع] حیلہ گر،
آلداوچی، اوران مکیر.

مکاره makāre: [رو.] روسی
سؤزوندن: بازار مکاره: هر بیلده ناچا

گون یۇرتدا قورالیان بازار و آیری
یورتلاردن مال ماتا ساتماق اوچین
گتیریلمکلیک.

مکاشفه mokāšefe: مص. [ع]

مکاشفه، بارلاماق، آنیق لاماق، بیر
زادی یوزه چیقارماق.

مکافات mokāfāt: مص. [ع] مکافاة،

اجیر برمک، مزد برمک، جزا، جزا
برمک، تممی برمک.

مکالمه mokāleme: مص. [ع]

گپلشمک، بیرری بیرینگ بيله
گوررینگ اتمک، بيله گوررینگدش
بؤلماق.

مکان makān: [ع] جای، یر، اورون،

یاشالیان یر، منزل، مکان.

مکانیک mekānik: ص. فر. ماشین

تعمیرچیسی، ماشین بحریان آدم،
عادتن داشاری اؤز ارکینه ایشلیان
آدم.

مکتب maktab: [ع] یازو اوقو جایی،

مدرسہ، مکتب، مکاتب جمع.

مکتوب tmaktub: مف. [ع] یازیلان،

یازغی، خط، سلام خطی.

مکتوم tmaktum: مف. [ع] گیزله نین،

اورتگی لی، یاشرین، گیزلین.

مکت کردن maks-kardan:

مص. [ع] ساقینماق، دورماق،

ساگینمک، کوتگورمک، تینگقارماق.

مکدر tmokadar: مف. [ع] قارالاشان،

قارالما، فارسجه اینجان، توقات لانان،
کونگلی قالان، اویکه لآن معنیده.

مکرر tmokarar: مف. [ع] قایتالانان،

ایکیلانن، تکرارلانان، گزیکله نین.

مکرم mokaram: ص. [ع] عزیز،

حرمتلی، اولی ساییلان، سیلاغلی.

مکروه makruh: ص. [ع] حالانمادیق،

قبول ایدلمه دیک، پیسریک، شر،
جایز بؤلما دیک.

مکشوف tmakšuf: مف. [ع]

چیقاریلان، آچیق بؤلان،

آیدینگ لاشان، یالنگاچ لانان، اویلانیب
تاپیلان، آشکار بؤلان.

مکفی mokfi: ص. [ع] بس، کافی،

یترلیک.

مکلف mokalef: ص. [ع] آزاره

دوشن، بیر بورجی یا بیر ایشی بویون

آلان، شرع بویونچا بیر ایشی یرینه

یتیریان، بویون آلان ایشینی شرع

بویونچا یرینه بیتیریان آدم. بورجلی

مکمل tmokammel: [ع] فاع

دولی لایجی، سونگلایجی،

کامل لیجی، تمام لایجی، یرینه

یتريجي.

مکمل tmokammal. مف. [ع] کامل

بۇلان، تمام بۇلان.

مکنت tmeknat. [ع] مکنة.

قوریللیق، گویج، قوجور، بایلیق،

مال.

مکیدن makidan: مص. م. سۇرماق.

مگر magar: ۱. عادتدان داشارده شک

گمان اؤرنۇندا ۲. شاید معنیده

آیدیلیپدیر، ترکمن دیلینده «می»

سوراغ قوشۇلماسینی انگلادیار،

مثلاً: مگر نیامد؟ گله نوق می؟ دییان

یالی.

مگس tmagas. سینگک.

ملا molā: ۱. دینی درس اوقان،

سوادلی، اصلینده «مولی» مییش ۲.

آقا، باشلیق معنیده.

ملاح molāh: ص. [ع] گامیچی،

کشتی سورجی، گامی سورجی،

ملوان.

ملاحظه molāheze: مص. [ع] بیرى -

بیرینگی گؤزوتگ آشاغیندان سر

اتمک، اسوان اتمک، گؤزله مک،

باقماق، سراتمک، تارایش.

ملازمه molāzeme: مص. [ع] (=)

ملازمت؛ بیرینه بیریکمک،

بیری نینگ خدمتنده بۇلماق، همیشه

باغلی لیق.

ملاغه tmalāqe. چمچه، قازان دان

آلیپ قویولیان نارسه، چمچه،

سۇساق.

ملافه tmalāfe. یورغان دوشه گینگ

داشینا چکیلیان آق پارچه ماتا.

ملاقات molāqāt: مص. [ع] بیرى

بیله دوشیشماق، بیرى بیرینگ بیله

یوزلشمک، ساتاشماق، گؤروشمک،

دیدارلاشماق، دوشوشیق.

ملاک tmelāk. [ع] هر زادینگ اوزه نی،

مایه سی واصلی.

ملال malāl: مص. [ع] بیزار بۇلماق.

یاداماق، پتنک بۇلماق، عجیزله مک،

قایغی، غم.

ملالت malālat: مص. [ع] ملاله

بیزارلاماق، اینجاماق، یورک قیسم.

ملاّت malāmat: مص. [ع] کاییمک،

کاینچ، زیرانچ.

ملایم molāyem: [ع] ایلا لاشیق، میله

گورا، مناسیب، یوقیملی لیق؛

یوواش لیق، آرام، موافق.

ملبس molbbas: [ع] کیمیم گجیم،

گیلیان کیمیم، اگین اشیک، ملابس

جمع.

- ملبس mollbes:ص. [ع] گیزلین،
یوغورلیپ گیین، فارسچه گیلن گییم
معنیده آیدیلیار.
- ملت tmlät: [ع] شریعت، یۆزلگه،
یول یۆردا، آدملا، بیر یوردینگ
آدملاری، ملل جمع.
- ملترم tmlätzam: [فاع] اۆزینگه
ضرور بیلمه، بۆیۆن آما، هوتدهلنمه،
بیر ایشی بۆیۆن آماق.
- ملتفت tmltafet: [فاع] بیر زادا
باقیجی، آنکشریجی، بیر زاده طراف
سراتمه، اؤیرلیپ بیر زادا طرف
باقسین، یوزلنسن.
- ملجا tmljā: [ع] بۆقی یز، بۆقی، پناه
کتیرلیان یز، بوقولغا یز.
- ملحق tmlhaq:ص. [ع] بیریکن،
ایلتشن، ساییلان، باغلانان، آرا
باغلانشیق، بیر یز یا بیر زادینگ
بیرینه باغلی بۇلماغی.
- ملزم tmlzam:ص. [ع] بیرینه بیر
ایش یا بیر بویروق واجب بۇلان
بولسۇن.
- ملزوم malzum: [ع] لازم بۇلان، بیر
زات لازم بۇلان بولسۇن.
- ملعون mal'un: [ع] قارغیشلانان،
قاویلان، قارغیش سینگن، لعنتلهنن،
- شیطان، عزازیل، ملعۇن.
- ملقب tmoqaleb:ص. [ع] لقبی بار
بۇلان، لقبلی، لقب بریلن.
- ملک tmalek: [ع] شخصینگ
آدمینگ ارکینده بۇلان زاتلار، یر یا
باشقا زاتلار، املاک جمع.
- ملک malak: ا. [ع] فرشته ملاتکه
جمع.
- ملک الموت malak-ol-mawt:
ا.مر. [ع] عزرائیل، جان آلیان فرشته.
- ملکه malake: [ع] ملکه، ملک و کوچ
قوات، قوجور، بایلیق، انسانینگ
نفسینده بۇلان دۇرنۇقلیق صفتی،
تورگونلشیک نتیجه سینده انسان
طبیعتنده یوزه چیقان ایشه
اوقیبیلیق یا تیز دوشینجه لی.
- ملکه tmaleke: [ع] ملکه، شاهینگ
عیالی، شهبانو.
- ملل melal: [ع] جمع ملت، ملتله.
- ملل malal: ص. [ع] بیزارلاماق، ملال.
- ملنگ malang: ص. مست، سرخوش،
پیان، یکه، اوپلنمه دیک.
- ملوس malus: ص. صفایی، یومشاق
آوادان، گۆزل، گۆرنوکلی، زیبا.
- ملول malul: ص. [ع] توقات، بیزارلان،
قایغیلی، غملی، غصالی.

مليون meleyonn: [ع] ملتگه باغلى

بۇلان توپار.

مليون million: فر. ميليون، ساندان

مونگ مونگ.

مليونر milioner: ص. فر. بىر

مليون دان بايلىنى كوپ بۇلان آدم.

مماۋ tmomāt: [ع] اولوم، فرصت،

زمان.

مماۋ tmomās: مف. [ع] بىر بىرنە

سوريلن، آوقالانان، دگىپ دوران.

ممالك mamālek: [ع] يوردلر،

مملكتلر، جمع مملكت.

ممانعت momāne't: مص. [ع] (=

ممانعة)، بىرىنى ايشىندىن ساقلاماق،

ساقلاماق، اونگىنى آلماق، بووت

بۇلماق.

ممتاز momtāz: [ع] آيراتىنلانان،

تفاوتلىق، بللەنن، سايلانان، يوقار

درجەلىك، بلندلىك.

ممتد tmomtad(d): مف. [ع] اوزالپ

گىيىن، چكىيلن، اوزالان، و

قوشنىنىڭ بىر وزىنىنىڭ آدى:

«فاعلن، فاعلاتن، فاعلن».

ممتنع tmomtana: [فاع] ساقلانىان،

ممکن بۇلمادىق، يوز دۇنڧىريان بۇيۇن

قاچىريان، بىر ايشدان بۇيۇن تاوлайان

آدم، ممکن دال، بولارلى دال.

ممدوح tmamduh: مف. [ع] اوويلن،

تاريپلانان.

ممدود tmamdud: مف. [ع] مد بريلن

چكىلن، اوزىن مدهلى بلگى.

ممکن momken: ص. [ع] مىسر،

دوغرى، جايز، آنگسات، بولارلى.

ممکن tmomken: مف. [ع] ثابت،

دۇرنۇقلى، برک، قايم، برقرار،

ماكاملەنن، برکيدىلن.

مملکت mamlekat: [ع] پادشانيڭ

عزتى و گويجى، پادشانيڭ سورايان

يرى و يووردى، يۇرت، وطن، ممالک

جمع.

مملو mamlow: ص. [ع] مملوء، دولى،

دولديريلان، پُر پر.

ممنوع tmamnu': مف. [ع] ساقلانان،

قدغن ادىلن، اونگى آلىنان، قاداغان.

ممنون tmamnun: مف. [ع] نعمت

بريلن، منت قوييلان، راضى كسىلن،

واوزىلن معنيدە هم گليار.

من tman: اوج كيلودن عبارت بۇلان

آگرام اۇلچگى.

من man: [ع] خداى تعالى نىڭ

باغيشلاب برن زادى، بىرى نىڭ

باشغا بىرىنە بريان زادى.

منابع 'manābe': [ع] جمع منبع،

چشمه‌لر، سووینگ جوشوپ چیقیان

یرلری، دویبی و چیقیان یری.

مناجات monājāt: [ع] یورکداسی

سیرینگی آیتما، دعا اتمه، خدای

تعالی‌غا زارینلاب یالبارما.

منادی tmonādi: [ف.ع] قیغیرجی،

جارچی، ندا ادیجی، چاغیرجی.

منادی tmonādā: [ع] ایسله‌نن،

ایسلگ بیلدیرلن، قیغیرلان.

منار tmenār: [ع] یاغتیلیق، نور جایی،

چراغ یا بلگی قویولماق، یول
اوغرینده قویولیان برج یالی نارسه.

مناره menāre: [ع] نور جایی،

گلدسته، دینگه مسجدلرده آذان
اوچین چراغ اوچین بجریلیان برج.

مناور و منائر جمع.

منازع tmonāze': [ف.ع] شرچی،

اورشاغان، دعواچی، دعوآدان

قاچمایان، بیرى بیلن دوشمانچیلیق

اڊیان آدم.

منازل manāzel: [ع] منزل‌لر، اوی‌لر،

جمع منزل.

مناسب monāseb: [ع] شکل‌دش،

گلشیکلی، منگزش، بیرى بیرینه

یاقین، یاراشیقلى.

مناسک manasek: [ع] جمع منسک،

قربانلیق ادیلیان جای، مناسک حج:

حج اعمالی و عبادتی، کعبه طواف

اتمه و صفا مروه‌نینگ آراسیندا

یورتماق یالی اعمال‌لارا آیدیلیار.

مناطق manateq: [ع] جمع منطقه،

بیل قوشاق یوب، آرا، آرا باغ،

منطقه‌لار.

مناظره monāzere: [ع] مص.

مناظره، بیر ایشده بيله بحث‌دش

بؤلماق، گوررینگ اتمک، جدل‌لشمک.

منافات monāfāt: [ع] منافاة، بیرى

بیرینگی قاوماق، بیر بیرینگه قارشى

بؤلماق.

منافع 'manāfe': [ع] جمع منفعت،

پیدالار، خیرلر، نپلر.

منافق monāfeq: [ع] یوزونگه

دوست ایزینگدا دوشمان: آدم، ایکی

یوزلی، ظاهری بيله باطنی بیر

بؤلما‌دیق، یوره‌گی بيله دیلی بیر

بؤلما‌دیق.

مناقصه monāqeze: [ع] مص.

مناقصة، کملتک، آزالتماق، بیر

زادینگ بهاسینی آزالتماقدا بیرى

بیرینگ بیلن باسداشلیق ادیب رقابت

اتمک.

منان mannān:ص. [ع] ۱. منت

قويوجى، اونكات ايش اديجى،
باغيشلايچى ۲. خدای تعالى نینگ
آدلارى نینگ بیری.

منت mennat:ص. [ع] (= منة)، ۱.

بیر خیر ایشی و یاغشی لیفی بیرینه
ادیب اونگا شیلە اتدیم دیب دیلە
گتیریب منت قویماق و یوزونە اورماق
۲. احسان معنیده، منن جمع.

منتج tmontaj:فاع] نتیجه بریجی،

پیدالی، خیرلی، نتیجەلی، نپلی.

منتخب tmontaxeб:فا. سچیان،

بللە یان، سایلایان.

منتاسب tmontasab:مف. [ع]

باغلانیشدیرماق، یاقینلاشدیرماق،
ایلتقشدیرمک.

منتشر tmontašer:فاع] یایراتما و

پتراتما، آشکارا تمة، آچیق اتمە.

منتصب tmontasab:فاع] برک،

قایم، پوخته دیکلدیلن، بللە نن.

منتظر tmontazer:فاع] بیرینه یا بیر

زادە قاراشیان، گوزی یولدالیق،
قاراشماق لیق.

منتظم tmontazem:فاع] گونی

دوغری نظمە گتیرمە، دوزگونە
سالما، تربیت لی.

منتفی tmontafi:فاع] یوق بۇلان،

یوغلان، داشا دوشن، قاویلان.

منتقد tmontaqed:فاع] عیب لایجی

کتاب دیر یا بیر مقالانیگ کم
چیلیگنی بیان اتمک.

منتقل montaquel:یر به یر بۇلان، بیر

یردن باشغا بیر یره گچن، بیر یردن
باشغا بیر جایا گیدن، گوچن،
یرلە شن.

منتھی tmonthā:فاع] سونگە یتن،

قوتاران، زادینگ سونگی، آخری.

منتھی tmonthi:مف. [ع] سونگە یتن،

آخر، سۇنگ.

منجر tmonjar:مف. [ع] چکیلن، بیر

یره و یا بیر زاده چکیلن.

منجلاب tmanjelāb:پورسی سۇو

یاتا سو، یاتا پورسان سو.

منجمد monjamed:ص. [ع] دونگان،

بوز، دونگدیرلان، باغلان، قاتی
ساویغینگ اثریندن سووینگ
دونگماغی.

منجی tmonji:فاع] نجات بریجی

آزاد ادیجی، دینداریجی، بوشادیجی.

منجی tmonjā:فاع] نجات یری،

بوشادیلما جای، ارکین لیک جای.

منحرف tmonharef:فاع] اۋریلن،

ایبریلن.

منزلت tmanzelat. [ع] منزله، مقام
اورون، درجه، مرتبه.

منزوی monzawi. ص. [ع] خلقه
قاتیشمایان، یکه مزک، اویدن
چیقمایان، چوله لینی حالایان.

منسوب mansub. [ع] باغلانان،
نسبت بریلن، باغلانیشیقلی،
دگیشلی.

منسوخ mansux. ا. مف. [ع] آزادان
چیقاریلان، یاتیرلان، آیریلان، رد
ادیلن.

منشاء tmanša'. [ع] بیر زادینگ یوزه
چیقیان یری، بیر زادینگ پیدا بولیان
یری، گلیپ چیقیشی، بیر زادینگ
گوگریپ اوسدیریلیان یری.

منشور tmanšur. [ع] فرمان، بویروق،
پادشالیق حکمی، یارلیق، آچیق خط.
منصرف tmonsaref. [ف.اع] ایزینا
اویریلیجی، اؤز قصدیندن اویریلیب
یایان، اؤز مقصدیندن ال چکیپ یایان.

منصف tmonsef. [ف.اع] انصاف
بریجی، انصاف ادیجی، عدالت
یوزوندن ایشی کسیان.

منصوب tmansub. مف. [ع] تیکیلن،
قرار تاپان، بیر ایشه مقاما و اورونه

آزغین، یؤلونی ییترن، دولانان،
اگرهلن، یولدان چیقان، آزان، ترس یولا
دوشن.

منحصر monhaser. چاکلی بۆلن،
چاکلانیان داش غابالان، محدود، دیفار
چکیلن، توارگنه دیفار آیلانان.

منحط mohatt. ص. [ع] آشاق دوشن،
آشاق اینن، پسه دوشن.

منحل monhal. ص. [ع] چوزیلن
آچیلان، فارسچا: گوتریلن، آزادان
کیدپیدیر دیپ آیینار.

منحوس monhus. [ع] شوم، نجس،
ارید.

منداب شتری tmandāb-e-šotori.
شادانه، چاپراز.

مندرج mondarej. ص. [ع] یازیلان،
گیرن بیر زاده گیریب اورناشان،
گیزله نن.

مندرس mondares. ص. [ع] کونه،
کونه لن، کونه گیم، ییرتیق گیم
گجیم.

منزجر monzajer. [ع] قاویلن،
قورقوزیلان ییگرنج بیلدیرلن.

منزل tmanzel. [ع] اؤی، یاشالیان
جای، دوشلگه.

منزل tmonzal. مف. [ع] آشاق اینن،

قویولان، بلله نیلن.

منصور t.mansur: مف. [ع] یاری لیق

بریلن، یارانلیق ادیلن.

منطبق montabeq: ص. [ع] اۆست

اۆستونه قوییلان، دنگشدیریلن،

برابریق، دنگلیک.

منطق manteq: مص. [ع] سۆز آیتماق،

سۆزله مه اۆلچهلن و دلیللی سۆز.

اول بیر علمینگ آدی اویلانیپ

سۆزله ننده، سۆز اۆلچه گینی

قاعده لارینی نظره آلیپ سۆزلنسه

آدمی هر بیر خطادان یالنگیشدان

آمان ساقلاجاقدیغی ایکی

اوچ سیزدیر.

منظره t.manzare: [ع] سر ادیلیان یر،

باشدن گورونیان، گورنوش، گوز یتیم،

گوز یتیان یر.

منظم monazzam: ا. [ع] ترتیبلی و

دوزگونه بزمّن و ترتیبلی بولان.

منظم manzem: ا. [ع] مکان دوزگون

جایی، مناظم جمع.

منظور t.manzur: مف. [ع] نظره

آلینان گورینن، نظرده توتولان، گوز

اۆنگونه گتیرلن.

منظوم t.manzum: مف. [ع] یوفا

دوزیلن، ترتیبه سالنان، اۆلچکلی

آغراملی سۆزه دوزیلن؛ شیفریلن یازیلان.

منع man': مص. [ع] ساقلاماق، بووت

بۆلماق، بیرینی بیر ایشدن قویماق.

منعقد t.mon'aqed: مف. [ع] باغلی،

باغلانان، باغلانان شرطناما.

منعکس t.mon'akes: [ف.ع] اؤوریلن،

دونگدیریلن، سۆو آینه و ش.م.لر بیر

زادینگ شکلی باشغا بیر زادا دوشوپ

گورینمه گی.

منفجر t.monfajer: [ف.ع] آقان سو،

یاریلان، آچیلان، پاتلانما، بوسیلان.

منفرد monfared: ص. [ع] یکه

یالنگیز، بیر، تاک.

منفصل t.monfasel: [ف.ع] کسیلن،

بۆلک بۆلک بۆلن.

منفعت t.manfe'at: [ع] منفعه، پیدا،

نپ، دۆشه وینت، گیرده گی، منافع

جمع.

منفور t.manfur: مف. [ع] یگرنجی،

یگره نیلن، حاللانمایان، داش دوشن،

قاویلان، ایلخانچ، یگره نیلن.

منفی t.manfā: [ع] تبعید یری، داش

دوشورلن، بیر شهردن باشغا شهرده

یاشاماغی مجبور ادیلمه، تبعید

جایی تبعید گاه.

منفی manfi: ص. [ع] داش دوشن،

یوغلان، قاویلان.

اینانمیان، انکار ایدیان.

منکر *mankar*: ص. [ع] ارید ایش

حاللانمادیق ایش، منکرات جمع.

منگ *mang*: ص. آقماق، گنج، کم

هوش، هوش سیز، چاشان، اوغری،

یول اورجی معنیده ده آیدیلیپدیر.

منگ *tmang*: ۱. قمار، قاعده دوزگون

۲. لاف دیپ-ده آیدیلیپدیر.

منگنه *tmangane*: فشار بیلن یعنی

زور بیلن کتاب یا کلید یالی زادی

منگنه اتمه، سیقپ سبله مک.

مننژیت *menanžit*: همشک.

منوال *tmanwāl*: [ع] یۆزلگه، طرز و

دوقیجی لیق دستگاسی.

منور *manawwar*: ص. [ع] نورلی،

یاغتی لاتان، ییلدیراویق، یالقیملی،

پارلاق.

منوط *manut*: ۱. مف. [ع] باش آشاق

باغلی، بیر زاده آسغیلی، آسغیلی.

منهچ *tmanhai*: [ع] دوغری یول،

آچیق یول گینگ و آچیق یول، مناهج

جمع.

منهلم *monhadem*: ص. [ع] خراب،

بوزوق، ویران، دربی داغین.

منی *tmani*: م. ص. من دیمک،

اولومسی من من دیمک، اؤزونگی

منقار *tmenqār*: [ع] ۱. چونت، اوچ،

تاویغینگ چونت، اوچی، ۲. چونت

یالی دمیر، اؤنؤنگ بیلن داش یا آغاچ

یالی زادلاری غازیلیار.

منقرض *tmonqarez*: [ف.ع] آرادن

کیدن، یوغلان، وفات بۆلان.

منقش *tmonaqasš*: م. ف. [ع]

نقش لاناتان، بسله نن، گورکله نن،

رنگله نن.

منقضى *tmanzey*: [ف.ع]

سونگلایجی، گچن، نابود بولیجی.

منقطع *tmonqata*: ف.ا. کسیلن،

اوزیلن، چورت کسیک.

منقلب *tmonqaleb*: [ف.ع] اؤورۆلن،

بیری بیرینه دگن، دگیش، حالی

دگیشن، حالی اویستگان، بولاشان،

چاشان.

منقوش *tmanquš*: م. ف. [ع]

نقش لاناتان، بزالن.

منقول *manqul*: [ع] گوجوریلن،

جایلاشان، آیدیلان، گورینگ ادیلن،

روایت ادیلن، یریندان اویتگه دیب، بیر

یردن باشغا یره گچیریب بولیان زات.

منکر *tmonker*: [ف.ع] بؤیؤن آلمایان،

دانیان، بیر زادی اقرار اتمه یان آدم،

اولی سایماق، غرورلیق.

منی tmaneyy. [ع] یانگرینگدن

چیقیان مایع، اول جماع یا احتلام

شیطان بولانگده آدمینگ وجودیندن

چیقیان زات.

مو tmu. قیل، ساچ، زولف.

موات mawāt. ص. [ع] جان سیز،

اؤلی، اؤلن، قوراق و اکیلمه یان یر

ایه سیز قوراق اکیلمه یان یر.

مواجب mawājeb. [ع] ۱. واجب

بۇلۇپ قرار ادیلن یر آیلیق یا یللیق

بلله نن حق، ۲. جمع موجب، حقلار،

همده اولوم معنیده.

مواجه mowāje. ص. [ع] یوز به یوز

بۇلماق، دوشوشماق، دوش گلک.

مواخذه moāxeze. ص. [ع] باز

خواست اتمک، بهانا اتمک، سوراغ.

مواد manwād. [ع] جمع ماده،

ایلیکینجی مواد، یر آستی یر اوستی

بایلیقدان اله گلیان زاتلار.

مواد سوختی manwād-suxtani. ۱.

[ع. فا] یانغیچ.

مواد مخدر manwād-moxader. ۱.

[ع] ناشالی مادّه.

موازنه mowazene. ص. [ع]

دنگله مک، ایکی زادی بیرری بیله برابر

اتمک، دنگ آغرام اتمک، ایکی زادی

اؤلچاب، اولاری برابر اتمک دنگ

اتمک ایکی زادی آغرام داش قیلماق

ایکی زادی آغرام تایدان دنگ آغرامدا

مواصلت mowāselat. ص. [ع]

بیله بیرگمک، بیله دۇشۇشماق،

وصلت اتمک.

مواظب t.mowāzeb. [فاع] سر

ادیجی، ساقچی بیر زاده

قاراویل چیلیق ایدان، ایده مک،

ساقلاماق، انتی بیت.

موافق mowāfeq. ص. [ع] یۇلداش،

آغیز بیر، رای داش، ایلا لاشیجی،

قارشى بۇلمادیق.

موالید mawālid. [ع] جمع مولود،

مولودلار، دۇغولانلار، چاغلار، جمع

مولود.

موج t.mawj. [ع] تولقون، قوم، ییل،

قایینک اثریندن دورایان قوم، امواج

جمع.

موجر mujer. [ع] انبار دیر و یا جایی

دکانی اجاره بریان کره یینه بریان،

ملک ایه سی.

موجود t.mojud. مف. [ع] وجوده گلن،

بۇلان، دورادیلن، بار بۇلان.

موجه mowajjah. ص. [ع] اورون و

مقام ایہ سی اونگات حالاتان.

موحد mowahed: ص. [ع]

خدایلیق لی، بیر الله ایمانی بۇلان
آدم، خدایہ سیغینیان، الله نینگ
بیرلیگینه اینانیب ایمان گتیریان آدم.

موحش mowāheš: ص. [ع]

قورقنچ لی، قورقیزیان، آییلغانچ لی.

مودت mawaddat: م. ص. [ع]

دوستلۇق اتمک، محبت، عشق،
ایسنیشیق، دوستلوق.

مور mur: مورچه، قارینچا، قارینچا.

مورث tmures: [ع] سبب، علت.

مورث mowarres: ا. [فاع] ارث

یتریجی، اؤزوندن ارث قوییان آدم،
ارث بریجی، ارث قویان آدم.

مورخ mowarex: [ع] تاریخ یازیجی،

دنیا ده بۇلۇپ گچیان و اقالاری یازیان
و تاریخی بیلیان آدم، تاریخ چی.

مورد tmored: [ع] گیرالگه، ایسالگه،

سوه طرف یول، موارد جمع.

موروث mowrus: ا. م. ف. [ع] بیرینه

ارث یتن مال، ارث اوزیندن قویان آدم.

موزع tmowazze: [فاع] پیتراتیان،

پخش ادیان، یایرادیان.

موزون tmozun: م. ف. [ع] آغرامی

آلینیان، آغرامی اؤلچهلن، سالداملی.
موزه tmuze: چکمه، دورقی اوزین
ادیک.

موزه tmuze: [فر] قدیمی باستانی
اثرلرینگ ساقلانیان یری، موزه لی
جای.

موسم tmawsem: [ع] وقت، زمان،
فصل، بیر زادینگ وقتی آدملارینگ
حجغه جملانیان وقتی، مواسم جمع.

موسوم tmawsum: م. ف. [ع]
گورکزیلن داغ قوییلان، آد قوییلان
آدلانديريلان.

موش muš: سیچان.

موش خرما muš-xormā: پورسی
گۆزن.

موش خوارسیاه muš-xār-e-siyāh:
چای.

موشکافی mu-šekāfi: ک.

سینلاماق، بیر زادی دقت ادیب
اینچه دن سینلاماق، اینچه دن
ایزارلاماق.

موش مزرعه muš-e-mazra'e: آلاقا،
آلانگقیرت.

موصوف mawsuf: [ع] وصف بۇلان،
ماغتالانان، تارییلانان، وصف ادیلن.

موضع tmawze: [ع] یر، اورون، جای

مغايرة، بير بيرينگه قارشى بۇلماق،
بير بيرينگه قارشى بۇلماق، بير
بيرينگه يوز به يوز بۇلماق، قايما
قارشى بۇلماق، ترس بولماق.

مغتنم moqtanam: ا.مف. [ع] غنيمت
ساييلان، غنيمت آلينان آما تلى
ياغداى.

مغرب tmaqreb: [ع] گون باتار،
گونونگ ياشيان اۇغرى يانى، باتى.
مغرض moqrez: ص. [ع] بيرى نينگ
قصدى و غرضى بۇلان، پيس اريد
قيليقلى، اريدلىك ايسله يان.

مغرور maqrur: ص. [ع] باطله طرف
گيديان و گوز تيكيان، آلدانان، اوتيلان،
اولومسى، من منليك اديان.
مغز tmaqz: پينى، مانگيز.

مغشوش tmaqşuş: مف. [ع] بولاشيق،
قاتيشيق، الين بۇلماديق، يوغورلان.
مغضوب tmaqzub: مف. [ع] قهار
اديلن، غضبه اوچران، غضبه دچار
اديلن، غضب لانان.

مغفرت maqferat: مص. [ع] معفرة،
يالقاما، يالقاييش، بيرى نينگ
گناسينى گچمه، بيرى نينگ
گناسيندان گوز يومماق.
مغفور tmaqfur: مف. [ع] يالقانان،

باغيشلانان.

مغلق tmoqlaq: مف. [ع] باغلانان، كلام
مغلق: دوشينجهسى چتين بۇلان
سۆز.

مغلوب maqlub: [ع] اوتديران،
اوتيلان، ينگيلماگه سزاوار بۇلان، ينگيلان.
مغيلان tmoqilān: تيكنلى آغاچ،
تيكن لرى اگري ايرى آغاچ، تيكن لرى
ايلكى گوك، سونگاباقا قارا و قيزيل
رنگه اؤروليان، اؤنؤنگ ميوهسى
باغالا منگزش بۇلۇپ هر دويبينده
باشردن دوققوزه چنلى دانهسى بوليار
عربلار اونگا «ام غيلان» دييارلار.

مفاخر mafāxer: [ع] جمع مفاخره،
قۇوانارلى، بويسانارلى.

مفاد tmafād: [ع] معنى، مضمون،
دوشونديرش.

مفاسد mafāsed: [ع] جمع مفسده،
اريدلىگه پيسلىگه سبب بۇلان.

مفاصل mafāsel: [ع] جمع مفصل،
فصل، بوغونلار، سونكگلرينگ
سپيشن يرى، فصل بۇلان، بۆلك
بۆلك بۇلان، بيرى بيريندن جدا بۇلان،
آچيقلاب گينگلتمك.

مفاهيم mafāhim: [ع] جمع مفهوم،
نهملر، بيلنن، آنغلانان، دوشونيلن.

مفت mofit: ص. موغت، پولسيز،

بهاسيز، اله گليان زات، يۇنه زات.

مفتاح tmeftāh. [ع] آچار.

مفتاح tmeftah. [ع] آچار، مفتاح جمع.

مفتاح tmofatteh. [ع] فا، آچيجى.

مفتخر tmoftaxer. [ف.ع]

بويسانيجى، قۇوانيجى.

مفتري tmoftari. [ف.ع] تهمت

اوريجى، قاراليجى.

مفتوح tmaftuh. مذ [ع] آچيلان.

مفتون tmaftun. مف. قتنه اوقلانان،

عاشق، هوشىنى آلديران.

مفتى tmofti. [ف.ع] پاتا بريان، فتوا

بريان.

مفخر tmofaxer. [ع] فخر اديلمگينگ

جايى، نازلنماگه، قۇوانماغا يرليكلى.

مفرح tmofarah. فا. شاد، گۇوين

آچيق، يورهگه قوات بريان درمان.

مفرد tmofrad. ص. [ع] يكه، يالنگيز،

بیر، تاک.

مفرط tmofrat. [ف.ع] چن چاقدان

چيقمه، حددن گچمه، اۇران كۆپ،

زياد.

مفصل tmeft sal. بوغون.

مفعول tmeftal. مف. [ع] ادیلن،

بیرى نینگ و يا بیر زادينگ باشينا بیر

ایش دوشن.

مفقود tmafqud. مف. [ع] يیتن،

يیتكى، يۇق بۇلان، يیتيرلن.

مفقود الاثر mafqud-ol-asr: گوردیم

بیلیدیم بۇلما ديق، اثرى بۇلما ديق، نام

نشان بۇلما ديق، گوریم جیریم بۇلان،

يیتن.

مفلس mofles: ص. [ع] زادسیز،

الى دار، يوغسول، بیچاره، غریب،

فقیر.

مفهوم tmafhum. مف. [ع]

دوشونیلن، بیلیلنن، ایزینا ییتیلن

زات، دوشونیلن و دویولان نارسه.

مفید tmofid. [ف.ع] فايدا بریجی،

خیرلی، پیدالی، بافیدلی.

مقابر maqāber: [ع] جمع مقبره،

قبرلار.

مقابل morābel: [ع] برابر، دنگ، یوز

به یوز، قارشى به قارشى، قارشى،

اونگ، قاریشدا دوران.

مقاتل tmoqatel. [ف.ع] اولدوریجی،

اوروشجانگ، ساواشجانگ، اورۇش

تۇرۇزیان.

مقادیر maqādir: [ع] جمع مقدار،

اؤلچکلر، بیر بۆلك زات، مقدارلار،

مچبرلر.

مقاربت moqā2rebat: مص. [ع]

مقاربة. بيله ياقينلاشماق،
قولايلاماق، بيله ياتماق.

مقارن maqāren: ص. [ع] همدم،

همرا، ياقين، يۇلداش، بيله بيريگشن
و دوست بۇلان.

مقاصد maqāsed: [ع] جمع مقصد،

نيتلر، آرزو اديلن ير، قصد جايى.

مقاطع maqāte': [ع] جمع مقطع، ۱.

كسيلنلر، كسيلن يرلر، آيريلان، ۲.

سۆزونگ آخرى ۳. قصيدانينگ يا

غزالينگ آخرقى بيتلرينه

آدلانديريليار.

مقاله maqāle: مص. [ع] سۆز آيتماق

سۆزله مك، گپله مك، كتابينگ بير

بوله گى، مقاله.

مقام maqām: [ع] يرلشمه، مكان،

زمان، مقام.

مقام maqām: ۱. اوتوريليان ير،

اورون، جاي، درجه مرتبه، جايگاه، ۲.

فارسچه هنگ، آهنگ، سازينگ

پردهسى ديبپ-ده آيديليار.

مقامات maqāmāt: [ع] جمع مقامة،

۱. مجلس، ميليس، ۲. معنیده

روايت، خطبه.

مقاوم maqāwem: [ف.ع] برک

دوروملى، قايم دوريان، پوخته

دوريان، قايدوسيز دوريجى.

مقاومت moqāwemat: مص. [ع]

دوريملى ليق، ديرانمك ليك، قارشى

دورماق قارشىلىق گوزمه.

مقايسه moqāyese: مص. [ع] ايکى

زادى بيرى بيرى بيله اولچه مك،

درنگه مك، سلجرمك ليك،

دنگشديرمك، نهنگليک گوزمك

مقبره maqbare: [ع] گور، قبر،

قبرستان.

مقبول maqbul: مف. [ع] حالانان،

قبول اديلن، قبول بۇلان، ياقيملى.

مقتدا moqtadā: مف. [ع] آدم لارينگ

اۇنگا اۇبيان آدمسى، رهبرى.

مقتدر moqtadar: ص. [ع] قدرتلى،

گويچلى، قوجورلى، چاسلى،

قۇرپلى.

مقتدى moqtadi: [ع] (مقتدا) ايزينده

دوريب اوييليان آدم، امام، پيش نماز،

يولباشچى.

مقتصد moqtased: ص. [ع] اورته

يورپملى، تغشىدىلى، اورتاچا صرف

اڊيان آدم.

مقتضى moqtazā: مف. [ع] اولن،

اولديريلن.

مقدار t.meqdār: [ع] اۆلچك، مچبر،
بیر زادینگ بوله گى، اۆلچه لیب اله
گلیان زات.

مقدار زیاد meqdār-e-ziyād:
اپپاسلى، یونگ سیز.

مقدر t.moqadār: مف. مانگلیا
یازیلان، تقدیر، تالی، یازغیت، نصیبه.
مقدس moqaddas: ا. [ع] آراسسا و
پاک جای، پاک و آراسسا یر، مقدس.
مقدم maqdam: مصص. [ع]
یوللاغچیلیق دن قایدیب گلک، آیاق
باسان وقتینگ، گلن وقتینگ قایدیب
گلک.

مقدم moqaddam: ا. [فاع] قورپلى،
باتیر، اقدام ادیجی، بیر ایشه یوز
اوران آدم، جرأتلى، باتیرغای،
هجولی.

مقدم moqdem: [ع] اونگه دوشن،
اونگه گیدن، اونگه سوریلن، اونگ،
اونگه گیدیجی، اونگده باریجی.

مقدمه moqaddame: [ع] باشلانغیچ،
اونگه گیدیجی لیک، هر زادینگ اونگی
گیریش، سۆز باشی، دسلابی.

مقدور t.maqdur: مف. [ع] گویچ
بریلمه، گویجینه و قدرتینه بۆلان
زات، قدرت بریلن، بیر زاده گویجی

بۆلان حکمانی، ممکن، ایش
ممکن چیلیگی بۆلان.

مقر maqarr: ا. [ع] قرار تاپماق،
یرلشمک، قالماق، دینچ جای.

مقر t.moqedrr: [فاع] اقرار ادیجی،
بویون آلیجی.

مقرب t.moqarrab: مف. [ع] یاقینلان،
یاقینلاشان، بیرى نینگ یانینه
یاقینلاشیپ اۆنۇنگ یانیندا اورون
تاپان.

مقرر t.moqarrar: مف. [ع] دۇرنۇقلى،
برکیشن، برک بۇلۇپ یرلەشن، ماکام
بۆلان، قویولان، قرار تاپان، برقرار
بۆلان، بیان ادیلن، قرارا گلنن،
چوزیلن.

مقروض t.maqrüz: مف. [ع] برگیلی،
بورچلى.

مقرون t.maqrün: مف. [ع]
یاقینلاشان، بیرى بیرینه یاقینلان،
بیرى بیرینه بیرىگن، سپیشن.

مقسوم t.maqrsum: مف. [ع] بولینن،
پایلاشیلان، پولشیدیریلن.

مقصد t.maqsad: [ع] قصد ادیلن
جای، ایسلگ، آرزو، نیت، مقاصد
جمع.

مقصر moqaser: ا. [فاع] یازیقلى،

اورتگی.

مقنن moqannan: [فاع] قانون

دوزیجی، قانون شناس.

مقنى moqanni: [ع] قوی قازان.

کاریز قازان.

مقوا moqawwā: [ع] قالینگ قاتی

کاغذ، کتاب جلد اتمک اوچین

اولانیلیان کاغذ.

مقوى moqawwi: [فـا] .

گویچلندیریجی، گویچ بریجی، قوات

بریجی.

مقید tmoqayyad: [ع] باغلانان،

دوشاقلانان.

مقیم moqim: [فاع] آياق اوستونده

بۇلان، اوتوریملى، آياق اوستونده

اوتوران، یرلشن، جایلاشان، بیر یرده

جای مکان تۇتۇپ اوتوران آدم.

مکاتب mokāteb: [ع] جمع مکتب،

مکتبلر، مدرسه لر.

مکاتبه mokātebe: مص. [ع] (=

مکاتبه) بیرى - بیرینگه خط یازماق،

خط آلیپ بریشمه، خط یازیشما.

مکار makār: ص. [ع] حیلہ گر،

آلداوچی، اوران مکیر.

مکاره makāre: [رو] روسی

سؤزوندن: بازار مکاره: هر بیله ناچا

گناهکار، عاصی، قایرا دوران، اؤز

بورجینی یرینه یتیرمکده یالتالیق

ایدیان آدم.

مقصود maqsud: ا. مف. [ع] قصد و

نیت بۇلان، ایسلگ، ایسله نن،

نیتله نن.

مقطع maqta': ا. مف [ع] کسیلن،

تۇررگینی کسلیپ آوادانلانماق.

مقطوع maqtu': ا. مف [ع] کسیلما،

کسیلن، بۇلونن.

مقعد moqed: ا. [ع] اوتوریلیان یر،

اوتورقیچ، مقاعد جمع.

مقعر maq'ar: ص. [ع] اوی، قورپ،

چونگ، سیق دال.

مقلد tmoqallad: [فاع] بیرى نینگ

اده نینی اتمک، بیرى نینگ ادن

عملینی اؤوره نیپ اوندان ایزارلاماق،

اویکنمک، اویکونجی.

مقلد tmoqalled: مف. [ع] عالم، دین

یولباشچی سی، اهلی آدملار اونونگ

اده نینی ادیپ ایزلایانی.

مقلوب tmaqlub: مف. اوویرلن،

دونگدیرلن، بیله سی بیلاک چوویرلن.

مقنع tmeqna': [ع] قانع ادیجی،

قناعت ادیجی، قناعت لی.

مقنعه maqna'e: بورونچک، باش

مصص. [ع] ساقينماق، دورماق،

ساگينمك، كوتگورمك، تينگقراماق.

مكدر tmokadar. مف. [ع] قارالاشان،

قارالما، فارسچه اينجان، توقاتلانا،

كونگلى قالان، اويكه لان معنيده.

مكرر tmokarar. مف. [ع] قايتالانا،

ايكيلانن، تكرارلانا، گزكله نين.

مكرم mokaram. ص. [ع] عزيز،

حرمتلى، اولى ساييلان، سيلاغلى.

مكروه makruh. ص. [ع] حالنامديق،

قبول اديلمه ديك، پيسرلىك، شر،

جايى بولماديق.

مكشوف tmakšuf. مف. [ع]

چيقاريلان، آچيق بولان،

ايدينگ لاشان، يالنگاچ لانا، اويلانيب

تاپيلان، آشكار بولان.

مكفى mokfi. ص. [ع] بس، كافى،

يترلىك.

مكلف mokalef. ص. [ع] آزاره

دوشن، بير بورجى يا بير ايشى بويون

آلان، شرع بويونچا بير ايشى يرينه

يتيريان، بويون آلان ايشينى شرع

بويونچا يرينه بيتيريان آدم. بورچلى

مكمل tmokammel. [ف.ع.]

دولى لايىجى، سونگلايىجى،

كامل لايىجى، تمام لايىجى، يرينه

گون يورتدا قوراليان بازار و آيرى

يورتلاردن مال ماتا ساتماق اوچين

گتيريلمكلىك.

مكاشفه mokāšefe. مصص. [ع]

مكاشفه، بارلاماق، آنيق لاماق، بير

زادى يوزه چيقارماق.

مكافات mokāfāt. مصص. [ع] مكافاة،

اجير برمك، مزد برمك، جزا، جزا

برمك، تممى برمك.

مكالمه mokāleme. مصص. [ع]

گيلشمك، بيري بيرينگ بيله

گوررينگ اتمك، بيله گوررينگدش

بولماق.

مكان makān. [ع] جاي، ير، اورون،

ياشاليان ير، منزل، مكان.

مكانيك mekānik. ص. فر. ماشين

تعميرچىسى، ماشين بجرىان آدم،

عادتن داشارى اوز ارکينه ايشليان

آدم.

مكتب maktab. [ع] يازو اوقو جايى،

مدرسه، مكتب، مكاتب جمع.

مكتوب tmaktub. مف. [ع] يازيلان،

يازغى، خط، سلام خطى.

مكتوم tmaktum. مف. [ع] گيزله نين،

اورتگىلى، ياشرين، گيزلين.

مكث كردن maks-kardan:

یتريجي.

مکمل tmokammal. مف. [ع] کامل

بۇلان، تمام بۇلان.

مکنت tmeknat. [ع] مکنة،

قوریللیق، گویج، قوجور، بایلیق،

مال.

مکیدن makidan: مص. م. سۇرماق.

مگر magar: ۱. عادتدان داشارده شک

گمان اۇرنۇندا ۲. شاید معنیده

آیدیلیپدیر، ترکمن دیلینده «می»

سوراغ قۇشۇلماسینی انگلادیار،

مثلاً: مگر نیامد؟ گله نوق می؟ دییان

یالی.

مگس tmagas. سینگک.

ملا molā: ص. ۱. دینی درس اوقان،

سوادلی، اصلینده «مولی» مییش ۲.

آقا، باشلیق معنیده.

ملاح molāh: ص. [ع] گامیچی،

کشتی سورجی، گامی سورجی،

ملوان.

ملاحظه molāheze: مص. [ع] بیرى -

بیرینگی گۇزۇنگ آشاغیندان سر

اتمک، اسوان اتمک، گۇزله مک،

باقماق، سراتمک، تارایش.

ملازمه molāzeme: مص. [ع] (=)

ملازمت؛ بیرینه بیریکمک،

بیری نینگ خدمتنده بۇلماق، همیشه

باغلیلیق.

ملاغه tmalāqe. چمچه، قازان دان

آلیپ قویولیان نارسه، چمچه،

سۇساق.

ملافه tmalāfe. یورغان دوشه گینگ

داشینا چکیلیان آق پارچه ماتا.

ملاقات molāqāt: مص. [ع] بیرى

بیله دوشیشماق، بیرى بیرینگ بیله

یوزلشمک، ساتاشماق، گۇروشماک،

دیدارلاشماق، دوشوشیق.

ملاک tmelāk. [ع] هر زادینگ اوزه نی،

مایه سی و اصلی.

ملال malāl: مص. [ع] بیزار بۇلماق.

یاداما، پتنگ بۇلماق، عجیزله مک،

قایغی، غم.

ملالت malālat: مص. [ع] ملاله

بیزارلاماق، اینجاماق، یورک قیسم.

ملاّت malāmat: مص. [ع] کاییمک،

کاینچ، زیرانچ.

ملایم molāyem: [ع] ایلا لاشیق، میله

گورا، مناسیب، یوقیملیلیق،

یوواشلیق، آرام، موافق.

ملبس molbbas: [ع] گیمیم گجیم،

گیلیان گیمیم، اگین اشیک، ملابس

جمع.

ملبس mollbes:ص. [ع] گیزلین،

یوغورلیب گیین، فارسچه گیلن گییم

معنیده آیدیلیار.

ملت t.melāt: [ع] شریعت، یۆزلگه،

یول یۆردا، آدملا، بیر یوردینگ

آدملاری، ملل جمع.

ملترم t.molāt zam: [فاع] اۆزینگه

ضرور بیلمه، بۆیۆن آما، هوتدهلنمه،

بیر ایشی بۆیۆن آماق.

ملتفت t.moltafet: [فاع] بیر زادا

باقیجی، آنکشریجی، بیر زاده طراف

سرا، اۆییرلیپ بیر زادا طرف

باقسین، یوزلنسین.

ملجا t.meljā: [ع] بۆقی یز، بۆقی، پناه

کتیرلیان یز، بقولنا یز.

ملحق t.molhaq:ص. [ع] بیررگن،

ایلتشن، ساییلان، باغلانان، آرا

باغلانشیق، بیرری یا بیر زادینگ

بیرینه باغلی بؤلماغی.

ملزم t.molzam:ص. [ع] بیرینه بیر

ایش یا بیر بویروق واجب بۆلان

بولسون.

ملزوم t.malzum: [ع] لازم بۆلان، بیر

زات لازم بۆلان بولسون.

ملعون t.mal'un: [ع] قارغیشلانان،

قاویلان، قارغیش سینگن، لعنتله،نن،

شیطان، عازیل، ملعون.

ملقب t.moqaleb:ص. [ع] لقبی بار

بۆلان، لقبلی، لقب بریلن.

ملک t.malek: [ع] شخصینگ

آدمینگ ارکینده بۆلان زاتلار، یر یا

باشقا زاتلار، املاک جمع.

ملک malak: ا. [ع] فرشته ملانکه

جمع.

ملک الموت t.malak-ol-mawt:

ا.مر. [ع] عزرائیل، جان آلیان فرشته.

ملکه t.malake: [ع] ملکه، ملک و گویج

قوات، قوجور، بایلیق، انسانینگ

نفسینده بۆلان دۆرنۆقلیلق صفتی،

تورگونلشیک نتیجه سینده انسان

طبیعتنده یوزه چیقان ایشه

اوقییلیلق یا تیز دوشینجه لیلیک.

ملکه t.maleke: [ع] ملکه، شاهینگ

عیالی، شهبانو.

ملل t.melal: [ع] جمع ملت، ملتله.

ملل malal: ص. [ع] بیزارلاماق، ملال.

ملنگ t.malang: ص. مست، سرخوش،

پیان، یکه، اوینلنمهدیک.

ملوس t.malus: ص. صفایی، یومشاق

آوادان، گۆزل، گۆرنۆکلی، زیبا.

ملول t.malul: ص. [ع] توقات، بیزارلان،

قایغیلی، غملی، غصالی.

مليون meleyonn: [ع] ملتگه باغلى

بۇلان توپار.

مليون million: فر. ميليون، ساندان

مونگ مونگ.

مليونر milioner: ص. فر. بىر

مليوندان بايلىقى كوپ بۇلان آدم.

مات tmomāt: [ع] اولوم، فرصت،

زمان.

مماس tmomās: مف. [ع] بىر بىرنه

سوريلن، آوقالانان، دگىپ دوران.

مالک mamālek: [ع] يوردلر،

مملكتلر، جمع مملكت.

مانعت momāne't: مص. [ع] (=

ممانعة)، بىرىنى ايشىندىن ساقلاماق،

ساقلاماق، اونگىنى آلماق، بووت

بۇلماق.

ممتاز momtāz: [ع] آيراتىنلار،

تفاوتلىلىق، بللەنن، سايلانان، يوقار

درجەلىك، بلندلىك.

ممتد tmomtad(d): مف. [ع] اوزالپ

گىدىن، چكىيلن، اوزالان، و

قوشغىنىنگ بىر وزننىنىنگ آدى:

«فاعلن، فاعلاتن، فاعلن».

ممتنع tmomtana: [فاع] ساقلانان،

ممکن بۇلمايدىق، يوز دۇندىريان بۇيۇن

قاچىريان، بىر ايشدان بۇيۇن تاوлайان

آدم، ممکن دال، بولارلى دال.

ممدوح tmamduh: مف. [ع] اوويلن،

تاريپلانان.

ممدود tmamdud: مف. [ع] مد بريلىن

چكىيلن، اوزىن مدهلى بلگى.

ممکن momken: ص. [ع] مىسر،

دوغرى، جايز، آنگسات، بولارلى.

ممکن tmomken: مف. [ع] ثابت،

دۇرنۇقلى، برک، قايم، برقرار،

ماكاملەنن، برکيدىلن.

مملکت mamlekat: [ع] پادشانىنگ

عزتى و گويجى، پادشانىنگ سوراين

يرى و يووردى، يۇرت، وطن، ممالک

جمع.

مملو mamlow: ص. [ع] مملوء، دولى،

دولديريلان، پُر پر.

ممنوع tmamnu': مف. [ع] ساقلانان،

قدغن ادىلن، اونگى آلىنان، قاداغان.

ممنون tmamnun: مف. [ع] نعمت

برىلن، منت قويىلان، راضى كسىلن،

واوزىلن معنيده هم گليار.

من tman: اوج كيلودن عبارت بۇلان

آغرام اۇلچگى.

من man: [ع] خداى تعالى نىنگ

باغيشلاب برن زادى، بىرى نىنگ

باشغا بىرىنه بريان زادى.

منابع 'manābe': [ع] جمع منبع،

چشمه‌لر، سووینگ جوشوپ چیقیان

یرلری، دویبی و چیقیان یری.

مناجات monājāt: [ع] یورکداکی

سیرینگی آیتما، دعا اتمه، خدای

تعالی‌غا زارینلاب یالبارما.

منادی tmonādi: [ف.ع] قیغیرجی،

جارچی، ندا ادیجی، چاغیرجی.

منادی tmonādā: [ع] ایسله‌نن،

ایسلگ بیلدیرلن، قیغیرلان.

منار tmenār: [ع] یاغتیلیق، نور جایی،

چراغ یا بلکی قویولماق، یول

اوغرینده قویولیان برج یالی نارسه.

مناره menāre: [ع] نور جایی،

گلدسته، دینگه مسجدلرده آدان

اوچین چراغ اوچین بجریلیان برج.

مناور و منائر جمع.

منازع 'tmonāze': [ف.ع] شرچی،

اورشاغان، دعواچی، دعوآدان

قاچمایان، بیر ییلن دوشمانچیلیق

ادیان آدم.

منازل manāzel: [ع] منزللر، اوی‌لر،

جمع منزل.

مناسب monāseb: [ع] شکل‌دش،

گلشیکی، منگزش، بیریری بیرینه

یاقین، یاراشیقلی.

مناسک manasek: [ع] جمع منسک،

قربانلیق ادیلیان جای، مناسک حج:

حج اعمالی و عبادتی، کعبه طواف

اتمه و صفا مروهنینگ آراسیندا

یورتماق یالی اعمال‌لارا آیدیلیار.

مناطق manateq: [ع] جمع منطقه،

بیل قوشاق یوب، آرا، آرا باغ،

منطقه‌لار.

مناظره monāzere: [ع] مصص،

مناظره، بیر ایشده بیله بحث‌دش

بؤلماق، گوررینگ اتمک، جلدلشمک.

منافات monāfāt: [ع] منافاة، بیریری

بیرینگی قاوماق، بیر بیرینگه قارشى

بؤلماق.

منافع 'manāfe': [ع] جمع منفعت،

پیدالار، خیرلر، نپلر.

منافق monāfeq: [ع] یوزونگه

دوست ایزینگدا دوشمان آدم، ایکی

یوزلی، ظاهری بیله باطنی بیر

بؤلما‌دیق، یوره‌گی بیله دیلی بیر

بؤلما‌دیق.

مناقصه monāqeze: [ع] مصص،

مناقصة، کملتک، آزالتماق، بیر

زادینگ بهاسینی آزالتماقدا بیریری

بیرینگ بیلن باسداشلیق ادیب رقابت

اتمک.

منتفی t.montafi. [فاع] يۇق بۇلان،

يوغلان، داشا دوشن، قاويلان.

منتقد t.montaqed. [فاع] عيبلايىچى

كتاب دير يا بير مقلانينىڭ كم

چىلىگىنى بيان اتمك.

منتقل montaql. ير به ير بۇلان، بير

يردن باشقا بير يره گچن، بير يردن

باشقا بير جايا گيدن، گوچن،

يرلەشن.

منتھی t.monthā. [فاع] سونگە يتن،

قوتاران، زادينىڭ سونكى. آخرى.

منتھی t.monthi. مف. [ع] سونگە يتن،

آخر، سۇنگ.

منجر t.monjar. مف. [ع] چكىلن، بير

يره و يا بير زاده چكىلن.

منجلاب t.manjelāb. پورسى سۇو

ياتا سو، ياتا پورسان سو.

منجمد monjamed. ص. [ع] دونگان،

بون، دونگديرلان، باغلان، قاتى

ساويغينىڭ اثيريندن سـووينىڭ

دونگماغى.

منجى t.monji. [فاع] نجات بريچى

آزاد اديچى، دينداريچى، بوشاديچى.

منجى t.monjā. [ع] نجات يرى،

بوشاديلما جايى، اركين ليك جايى.

منحرف t.monharef. [فاع] اۋريلن،

منان mannān. ص. [ع] ۱. مننت

قويوجى، اونگات ايش اديچى،

باغيشلايچى ۲. خدای تعالى نينىڭ

آدلارى نينىڭ بيرى.

منت mennat. مص. [ع] (= منة)، ۱.

بير خير ايشى و ياغشى ليغى بيرينه

اديب اونگا شيله اتديم ديب ديله

گتيريب منت قويماق و يوزونه اورماق

۲. احسان معنيده، منن جمع.

منتج t.montaj. [فاع] نتيجه بريچى،

پيدالى، خيرلى، نتيجهلى، نپلى.

منتخب t.montaxeб. فا. سچيان،

بلله يان، سايلان.

منتسب t.montasab. مف. [ع]

باغلانيشديرماق، ياقينلاشديرماق،

ايلتشديرمك.

منتشر t.montašer. [فاع] يايراتما و

پتراتما، اشكارا تمة، آچيق اتمه.

منتصب t.montasab. [فاع] برک،

قايم، يوخته ديكلدیلن، بلله نن.

منتظر t.montazer. [فاع] بيرينه يا بير

زاده قاراشيان، گوزى يولداليق،

قاراشماق ليق.

منتظم t.montazem. [فاع] گونى

دوغرى نظمه گتيرمه، دوزگونه

سالما، تربيتلى.

ایبریلن.

منزلت tmanzelat. [ع] منزله، مقام
اورون، درجه، مرتبه.

منزوی monzawi. ص. [ع] خلقه
قاتیشمایان، یکه مزک، اویسن
چیقمایان، چوله لیفی حالایان.

منسوب mansub. [ع] باغلانان،
نسبت بریلن، باغلانیشیقی،
دگیشلی.

منسوخ mansux. ا. مف. [ع] آزادان
چیقاریلان، یاتیرلان، آیریلان، رد
ادیلن.

منشاء tmanša'. [ع] بیر زادینگ یوزه
چیقیان یری، بیر زادینگ پیدا بولیان
یری، گلیپ چیقیشی، بیر زادینگ
گوگریپ اوسدیریلیان یری.

منشور tmanšur. [ع] فرمان، بویروق،
پادشالیق حکمی، یارلیق، آچیق خط.

منصرف tmonsaref. [فاع] ایزینا
اویریلیجی، اؤز قصدیندن اویریلیب
یایان، اؤز مقصدیندن ال چکیپ یایان.

منصف tmonsef. [فاع] انصاف
بریجی، انصاف ادیجی، عدالت
یوزوندن ایشی کسیان.
منصوب tmansub. مف. [ع] تیکیلن،
قرار تاپان، بیر ایشه مقاما و اورونه

آزغین، یؤلونی ییترن، دولانان،
اگره لن، یولدان چیقان، آزان، ترس یولا
دوشن.

منحصر monhaser: چاکلی بۆلن،
چاکلانیان داش غابالان، محدود، دیفار
چکیلن، توارگنه دیفار آیلانان.

منحط mohatt. ص. [ع] آشاق دوشن،
آشاق اینن، پسه دوشن.

منحل monhal. ص. [ع] چوزیلن
آچیلان، فارسچا: گوتریلن، آزادان
کیدپ دیر دیپ آیینار.

منحوس monhus. [ع] شوم، نجس،
ارید.

منداب شتری tmandāb-e-šotori.
شادانه، چاپراز.

مندرج mondarej. ص. [ع] یازیلان،
گیرن بیر زاده گیریب اورناشان،
گیزله نن.

مندرس mondares. ص. [ع] کونه،
کونه لن، کونه گیم، ییرتیق گیم
گیم.

منزجر monzajer. [ع] قاولن،
قورقوزیلان ییگرنج بیلدیرلن.

منزل tmanzel. [ع] اووی، یاشالیان
جای، دوشلگه.

منزل tmonzal. مف. [ع] آشاق اینن،

قویولان، بلله نیلن.

منصور tmanсур. مف. [ع] یاری لیق
بریلن، یارانلیق ادیلن.

منطبق montabeq: ص. [ع] اوست
اوستونه قوییلان، دنگش دیریلن،
برابریق، دنگ لیک.

منطق manteq: ص. [ع] سۆز آیتماق،
سۆزله مه اۆلچهلن و دلیللی سۆز.
اول بیر علمینگ آدی اویلان یپ
سۆزله ننده، سۆز اۆلچه گینی
قاعده لارینی نظره آلیپ سۆزلنسه
آدمی هر بیر خطادان یالنگیشدان
آمان ساقلا جاق دینی ایکی
اوج سیز دیر.

منظره tmanzare. [ع] سر ادیلیان یر،
باشدن گورونیان، گورنوش، گوز یتیم،
گوز یتیان یر.

منظم monazzam: ا. [ع] ترتیبلی و
دوزگونه بزمئن و ترتیبلی بولان.
منظم manzem: ا. [ع] مکان دوزگون
جایی، مناظم جمع.

منظور tmanzur. مف. [ع] نظره
آلینان گورینن، نظرده توتولان، گوز
اؤنگونه گتیرلن.

منظوم tmanzum. مف. [ع] یوفا
دوزیلن، ترتیبه سالنان، اۆلچگلی

آغراملی سۆزه دوزیلن، شیفریلن یازیلان.

منع man: ص. [ع] ساقلاماق، بووت
بۆلماق، بیرینی بیر ایشدن قویماق.

منعقد tmon'aqed. مف. [ع] باغلی،
باغلانان، باغلانان شرط ناما.

منعکس tmon'akes. [ف.ع] اؤوریلن،
دونگدیریلن، سؤو آینه و ش.م. لر بیر
زادینگ شکلی باشغا بیر زادا دوشوپ
گورینمه گی.

منفجر tmonfajer. [ف.ع] آقان سو،
یاریلان، آچیلان، پاتلانما، بوسی لان.

منفرد monfared: ص. [ع] یکه
یالنگیز، بیر، تاک.

منفصل tmonfasel. [ف.ع] کسیلن،
بۆلک بۆلک بۆلن.

منفعت tmanfe'at. [ع] منفعه، پیدا،
نپ، دۆشه وینت، گیرده جی، منافع

جمع.

منفور tmanfur. مف. [ع] یگرنجی،
یگره نیلن، حاللانمایان، داش دوشن،

قاویلان، ایلخانچ، یگره نیلن.

منفی tmanfā. [ع] تبعید یری، داش
دوشورلن، بیر شهردن باشغا شهرده

یاشاماگی مجبور ادیلمه، تبعید
جایی تبعید گاه.

منفی manfi: ص. [ع] داش دوشن،

یوغلان، قاویلان.

منقار tmenqār. [ع] ۱. چونت، اوچ،

تاوینینگ چونتى، اوجى، ۲. چونت

یالى دمير، اونونگ بيلن داش يا آچاچ

یالى زادلارى غازيليار.

منقرض tmonqarez. [فاع] آرادان

گيدن، يوغان، وفات بۇلان.

منقش tmonaqasš. [ع] مـف.

نقشلانان، بسلەنن، گورکلهنن،

رنگلهنن.

منقضى tmanzey. [فاع] عـ

سونگلايى، گچن، نابود بوليى.

منقطع tmonqata'. فا. كسيلن،

اوزيلن، چورت كسيك.

منقلب tmonqaleb. [فاع] اؤورولن،

بيري بيرينه دگن، دگيش، حالى

دگيشن، حالى اويستگان، بولاشان،

چاشان.

منقوش tmanquš. [ع] مـف.

نقشلانان، بزالن.

منقول manqul. [ع] گوچوريلن،

جايلاشان، آيديلان، گوررينگ اديلن،

روايت اديلن، يريندان اويتهگه ديب، بير

يردن باشغا يره گچيريب بوليان زات.

منکر tmonker. [فاع] بويون آلمايان،

دانايان، بير زادى اقرار اتمه يان آدم،

اينانميان، انكار اديان.

منکر mankar. ص. [ع] اريد ايش

حاللانماديق ايش، منكرات جمع.

منگ mang. ص. آقماق، گيچ، كم

هوش، هوش سيز، چاشان، اوغرى،

يول اوريجى معنیده ده آيديليپدير.

منگ tmang. ۱. قمار، قاعده دوزگون

۲. لاف ديبپـده آيديليپدير.

منگنه tmangane. فشار بيلن يعنى

زور بيلن كتاب يا كليد يالى زادى

منگنه اتمه، سيقپ سبله مک.

منثريت menanžit. همشک.

منوال tmanwāl. [ع] يۇرلگه، طرز و

دوقيلىق دستگاسى.

منور manawwar. ص. [ع] نورلى،

ياغتىلانان، ييلدير اويق، يالقيملى،

پارلاق.

منوط manut. ا. مـف. [ع] باش آشاق

باغلى، بير زاده آسغىلى، آسغىلى.

منهج tmanhai. [ع] دوغرى يول،

آچيق يول گينگ و آچيق يول، مناهج

جمع.

منهدم monhadem. ص. [ع] خراب،

بوزوق، ويران، دريى داغين.

منى tmani. مـص. من ديمک،

اولومسى من من ديمک، اؤزونگى

اولی سایماق، غرورلیق.

منی tmaneyy [ع] یانگرینگدن

چیققیان مایع، اول جماع یا احتلام

شیطان بولانگده آدمینگ وجودیندن

چیققیان زات.

مو tmu. قیل، ساج، زولف.

موات mawāt:ص. [ع] جانسیز،

اؤلی، اؤلن، قوراق و اکیلیمه یان یر

ایه سیز قوراق اکیلیمه یان یر.

مواجب mawājeb: [ع] ۱. واجب

بؤلۆپ قرار ادیلن بر آیلیق یا یللیق

بلله نن حق، ۲. جمع موجب، حقلار،

همده اولوم معنیده.

مواجه mowāje:ص. [ع] یوز به یوز

بؤلماق، دوشوشماق، دوش گلکم.

مواخذہ moāxeze:ص. [ع] باز

خواست اتمک، بهانا اتمک، سوراغ.

مواد manwād: [ع] جمع ماده،

ایلکینجی مواد، یر آستی یر اوستی

بایلیقدان اله گلیان زاتلار.

مواد سوختی manwād-suxtani: ۱.

[ع.فا] یانغیج.

مواد مخدر manwād-moxader: ۱.

[ع] ناشالی ماده.

موازنه mowazene:ص. [ع]

دنگله مک، ایکی زادی بیر ییله برابر

اتمک، دنگ آغرام اتمک، ایکی زادی

اؤلچاب، اولاری برابر اتمک دنگ

اتمک ایکی زادی آغرام داش قیلماق

ایکی زادی آغرام تایدان دنگ آغرامدا

مواصلت mowāselat:ص. [ع]

بیله بیرگمک، بیله دوشوشماق،

وصلت اتمک.

مواظب tmowāzeb: [ع.فاع] سر

ادیجی، ساقچی بیر زاده

قاراویل چیلیق ایدیان، ایده مک،

ساقلاماق، انتی بیت.

موافق mowāfeq:ص. [ع] یؤلداش،

آغیز بیر، رای داش، ایلا لاشیجی،

قارش ی بؤلما دیق.

موالید mawālid: [ع] جمع مولود،

مولودلار، دؤغولانلار، چاغلار، جمع

مولود.

موج tmawj: [ع] تولقون، قوم، ییل،

قایینگ اثریندن دورایان قوم، امواج

جمع.

موجر mujer: [ع] انبار دیر و یا جایی

دکانی اجاره بریان کره یینه بریان،

ملک ایه سی.

موجود tmojud:ص. [ع] وجوده کلن،

بؤلان، دورادیلن، بار بؤلان.

موجه mowajjah:ص. [ع] اورون و

مقام ایہ سی اونگات حالاتان.

موحد mowahed: ص. [ع]

خدایلیقلى، بیر الله ایمانى بۇلان
آدم، خدایه سیغینیان، الله نینگ
بیرلیگینه اینانیب ایمان گتیریان آدم.

موحش mowāheš: ص. [ع]

قورقنچلى، قورقیزیان، آییلغانچلى.

مودت mawaddat: م. ص. [ع]

دۇستلۇق اتمک، محبت، عشق،
ایسنیشیق، دوستلوق.

مور mur: مورچه، قارینچقا، قارینچا.

مورث tmures: [ع] سبب، علت.

مورث mowarres: ا. [فاع] ارث

یتریجی، اؤزوندن ارث قوییان آدم،
ارث بریجی، ارث قویان آدم.

مورخ mowarex: [ع] تاریخ یازجی،

دنیا ده بۇلۇپ گچیان و اقلاری یازیان
و تاریخی بیلیان آدم، تاریخ چی.

مورد tmored: [ع] گیرالگه، ایسنالگه،

سوه طرف یول، موارد جمع.

موروث mowrus: ا. م. ف. [ع] بیرینه

ارث یتن مال، ارث اوزیندن قویان آدم.

موزع 'tmowazze: [فاع] پیتراتیان،

پخش ادیان، یایرادیان.

موزون tmozun: م. ف. [ع] آغرامی

آلینیان، آغرامی اؤلچهلن، سالداملی.

موزه tmuze: چکمه، دورقى اوزین
ادیک.

موزه tmuze: [فر] قدیمی باستانی
اثرلرینگ ساقلانیان یری، موزه لی
جای.

موسم tmawsem: [ع] وقت، زمان،

فصل، بیر زادینگ وقتی آدم لارینگ

حجغه جملانیان وقتی، مواسم جمع.

موسوم tmawsum: م. ف. [ع]

گورکزیلن داغ قوییلان، آد قوییلان
آدلان دیریلان.

موش tmuš: سیچان.

موش خرما muš-xormā: پورسی
گۆزن.

موش خوارسیاه muš-xār-e-siyāh:
جای.

موشکافی mu-šekāfi: ی.

سینلاماق، بیر زادى دقت ادیب

اینچهدن سینلاماق، اینچهدن
ایزارلاماق.

موش مزرعه muš-e-mazra'e: آلاقا،
آلانگقیرت.

موصوف mawsuf: [ع] وصف بۇلان،

ماغتالانان، تاریپلاناتان، وصف ادیلن.

موضع 'tmawze: [ع] یر، اورون، جای

قویماق، جا قوییلیان یر، مواضع

جمع.

موضوع 'tmowzu.مف. [ع] قوییلان،

یرلشدیریلن، باراسنده بحث ادیلن

زات، گورونگ بولیان زات، مواضع و

موضوعات جمع.

موظف 'mowazzeef.ص. [ع] وظیفه

بریلن، وظیفه‌لی، تکلف‌لی، بورچلی،

ایشکار.

موعد 'tmow'ed. [ع] وعده ادیلن یر،

وعده ادیلن یر و وقت، عهد و پیمان،

مواعد جمع.

موعظه 'tmow'eze. [ع] اؤویت،

نصیحت، کلام، واعظ و عظم ادیجی

مواعظ جمع.

موعود 'tmow'ud.مف. [ع] وعده

بریلن وعده ادیلن، یوم الموعود:

قیامت گونی.

موفق 'mowaffaq.ص. [ع] ینگیش

قازانان، توفیق تاپان، اوستونلیک

تاپان، پیدالانان، قازانیان ینگن.

موقت 'mowaqqat.ص. [ع]

وقت لایین، بللی وقت، آنقرسی

گۆزنوپ دوران، بللی وقت، چاکلی.

موقر 'mowaqqar.ص. [ع] عقللی،

فراستلی آدم، دانا آدم، سیکین،

پایخاسلی، کیچی گۆینلی، ادبلی.

موقع 'mowqe.ا. [ع] ایش دوشن یر،

آشاق اینیلن جای، ییقیلنن جای،

قرار تاپان جای، مواقع جمع.

موکل 'tmowakkel. [ع] فا. وکیل

ادیجی، اؤزون وکیل توتان، اوزینه

وکیل بلان آدم، آقلاچی.

موکل 'tmowakkal.مف. [ع] ایش

تابشیرلان آدم، بیر ایشی بؤیؤن آلان

آدم.

موکول 'mawkul. [ع] تابشیریلان و

قوییلان، بیرینه باغلی بۆلان.

مولد 'tmawled. [ع] دوغیلان وقت

دوغان یری، بیرینینگ دوغان یری،

دوغیلان یر، مولد جمع.

مولد 'tmowalled. [ع] باع. وجوده

کتیریجی، دورادیجی، اوندریجی،

دوغولان، بیریندن یا بیز زاتدن اؤنس

زات.

مولود 'tmawlud.مف. [ع] دوغیلان،

بأبک، مولید جمع.

مولوی 'mawlāwi.ص. ن. [ع] مولی

باغلی بۆلان، باشلیفا باغلی بۆلان،

حرمتلانیان آدما باغلی بۆلان.

مولویہ 'mawlāwiye. اوزین پایاق و یا

کیچی سلّه.

مہ tme. [فر] فرنگی، ییلینگ
باشینجی آیی.

مہاجر tmohājer. [فاع] وطن دان
داش دوشن، وطن دان آیریلیب باشفا
بیر شہرہ گیدیپ شول یردہ یرلہ شن،
یورت آلان آدم، گلمیشک.

مہاجم tmohājem. [فاع] بیردن آط
سالما، چوزیش ادیجی، بیردن
دوفولیجی، هجوم ادیجی.

مہار tmahār. [ع] دیہ بورونلیفی
بولی.

مہارب mahāreb. [ع] جمع مہرب
قاجالفا.

مہارت mahārat: مص. [ع] ایشدہ
استادلیفی بۇلان، دانالیق، بیر ایشدہ
چاققانلیق، ایشدہ چپرچیلیک،
اؤکدہلیک، استادلیق.

مہتاب tmahtāb. ف. آی آیدینگلیق،
آیینگ آیدینگلیفی، آیینگ یالقیمی،
مہشید یعنی آیینگ یاغتی سی
دیپ-دہ آیدیلیار.

مہتر tmehtar. ص. ت. اولی راق، قاتی
اولاقان، کلانتہر، بیر قومینگ سرداری
و باشلیفی.

مہتر tmehtar. ص. آطینگ سیسی،
آطی تیمارلاب قوللیق ایدیان آدم، آط

مولی tmowlā. [ع] ملکلی، سیس،
دوست، بندہ، ارکلی آزاد بولان بندہ،
موالی جمع، مولانا، صاحب و یا
بیزینگ آتامیز.

موم tmum. بال، آری نینگ
اویجوگیندہ بال قاتیشیقلی نارسہ،
موم.

مونس tmunes. [فاع] اؤرہ نیشن،
ہمدم، ایسناشان، دوست.

موہبت mawhebat. [ع] موہبتہ،
بیرینہ باغیشلانیان زات، باغیشلاما،
بریم، باغیشلاماق، باغیشلانا زات،
بریلن اونگات نعمت لار و باشفا
زات لار، جمع مواہب.

موہن tmuhēn. [فاع] عجیزلدیجی،
پسلدیجی، پسہ سالیجی،
توہین لیجی، عجیز ادیجی.

موہوم tmowhum. مف. [ع] وہم لی
بۇلان، گمان لی بۇلان، خیال لی بۇلان،
قورقیلی بۇلان.

موہون mowhun: ص. [ع] سوس،
آریق، پس، عجیز، ہور.

موی سر tmuye-sar. ساچ، زۇلف.
مہ tmeh. اؤمیر.

مہ tmah. مخفف ماہ، آیی ینگلیدیپ
آیتما.



شناس.

مہجور mahjur: [ع] آیرادوشن، داش
دوشن.

مہد mahd: [ع] سالانچاق، مہود
جمع.

مہد mahd: ہندی چشمہ دن آلینان،
بیر ہیل یابان اوت.

مہدی tmehdi. مف. [ع] دوغری یولا
گونوگن، خدای تعالی نینگ دوغری
یولہ گونیکدیرن آدمسی.

مہر mehr: دوستلوق، محبت،
ہمراقلیق، جانب کش لیک.

مہر tmehr. گون، زرتشت ملتی یوزہ
چیقمازدان اؤنگ خدای لارینگ بیر
-نینگ آدی، و اؤنی رب النوع گون
-گونش بیلیان اکن لر.

مہر mehr: شمسی ییلینگ یدینجی
آیی.

مہربان mehrbān. ص. مہر و
محبتلی، دوستلوق، مہربان، مہرلی.
مہرگیاہ tmehr-giyāh. سنلمہ لیک.

مہشید tmahšid. آیینگ یاغتیسسی،
آیینگ یالقیمی، آیینگ شعلہ سی.

مہلت mohlat. مم. [ع] مہلہ، زمان
برمک، آسسالیق بیلن وقت برمک،
کسکیتلی وقت، بیر ایشی یرینہ

یتیرمک اوچین بریلن مہلت، فرصت،
پوریجا.

مہلک tmohlek. [ع] فا. ہلاک لیجی،
ہلاک ادیجی، یوق ادیجی
اولنوریجی، نابود ادیجی.

مہلکہ tmahlake. [ع] مہلکہ، ہلاک
یری، یوق ادیلیان یر، خطر یری،
مہالک جمع.

مہم mohem. ص. [ع] چتین ایش،
اولی ایش، اہمیتلی آغیر ایش، مہا،
جمع.

مہمات mohemāt: [ع] جمع مہمہ
مؤنث مہم، فارسی دہ اؤرۇش آبزاری
اسبابلاری دیپ آیدیلیار.

مہمان mehmān. ص. میخان، قوناق.
مہمل mohmal. ص. [ع] بیہودہ و پوچ
یاتان زات، پوچ سۆز، یؤنہ قویولان
زات، ایشلمہ یان.

مہوش mah-waš. ص. آی یالی، آوادان
گوزل، آی یوزلی، آی دک.

مہیا mohayyā. ص. [ع] اوپجین ایش،
حاضر تیار ایش.

مہیج tmohayyej. [ف.ع] اگیرت،
تولقون دیریجی، انایی، ہیجانہ
گتیریجی، ایچگی دویغینی
اویاندیریجی زات، قیزیقلاندیریجی.



مـیراٹ tmir-ās [ع] مـیراٹ
دوشرلرینه اؤلی دن قالان مال، میراٹ،
ارٹ، مواریت جمع.

میرزا tmir-zā. ۱. امیر زاده، قدیم لار
شاهزاده لارینگ آدی نینگ ایزیندان
گلیارمیش، احمد میرزا دیین یالی
ارکک آدم لارینگ کا بیرر نینگ
آدی نینگ باشینا ارتدیریلیان اکن، ۲.
یازبجی معنیده هم آیدیلیپ دیر.

میرشَب tmir-šab ص. گیجه گزبان،
گیجه قاراویل چیلیق چکیان لرینگ
باشلیغی.

مـیرشکار tmir-šekār ص. آو
میدانینگ قراویلی و باشلیغی، شکار
تتاریگنی طیارلایانینگ مسئولی و
مأموری.

میرغضب tmir-qazab مر. جلاد،
اؤلیم بویروغنی یرینه یتیریان آدم.

میزان mizān [ع] ۱. ترهزی، اؤلچک
مقدار، موازین جمع، ۲. اون ایکی لیک
فلکی ییلینگ یدینجی آیی نینگ
آدی.

میش tmiš اورقاجی قویون.

میعاد tmi'ād [ع] وعده جایی، وعده
زمانی، دوشوشیق وقتی و وعده
ادیلن یر.

مھین meh-in ص. ن. اولی راق، بییک
راک، قاتی اولی.

مھین mah-in ص. ن. آیا باغلی، آیا
دگیشلی، زنان لارینگ آدی نینگ
بیری.

مھین mah-in ص. [ع] پست، عجیز.
میادین mayādin [ع] میدان لار،
آلام لار، جمع میدان.

میان tmiyān کمر، بیل، اورتا، بیر
زادینگ ایچی.

میانبجی tmiyānji آراچی، ایکی
آدامینگ آراسینا دوشیپ دعواسینی
یاراشدیریان، باریشدیریبجی، آرا
دؤزلدیان آدم.

میانه tmiyāne اورتا، آرا، بیر زادینگ
اورتاسینده جای توتان زات.

میت mayyet ص. [ع] اؤلی، جسد،
میت.

میثاق tmišāq [ع] عهد، پیمان، قرار،
میثاق و میثاق جمع.

میخ tmiš چوی.

میدان meydān آط چاپنی میدان،
آیلام، گینگ یر، میدان، آیلاو.

میراب tmir-āb ص. سؤو قراویلی،
سؤو ساقچی سی، سؤو پایلایان،
میراب.

مىقات tmiqāt. [ع] وقت، ایش وقتى
يىغنانشىغا بلله نىلن جاي مواقیت
جمع.

مىکائیل tmikā'el. [خ.ع]
فرشته لرينگ بيرى نینگ آدى، مىکال
ديپ-ده آيدىلپ دیر.

میکروب tmikrob. [فر] گۆزه
گورینمه یان قاتى مايدا کیچی زات،
گۆزیلن گۆرینمه یان آوینجاق دیری
نارسه، اول همه یرده بۆلمالی، اول
انسانده حیوانده مریض چیلیک
دورادیان جانلی.

میل meyl. [ع] اگرلمه، اوریلمه، هوس
اتمک، هوس، ایسلک، میل، انگگیت.

میلاد milād. [ع] ۱. دۇغان وقتى،
دۇغان گونى، دۇغۇلان وقتى ۲.
حضرت عیسی نینگ دۇغان گونى،
میلاد مسیح.

میلیارد melyārd. فر. مونگ میلیون،
بیر میلیارد.

میلیاردر melyārder. ص. فر. بیر
میلیارد دان کوپ بایلیغى بۇلان آدم.
میمون meymun. مایمین، بیجین.
میمون meymun. [ع] مبارک، قوتلاق،
قوتلی، میامین جمع.

میوه tmiwe. ایمیش، میوه، ثمره.
میھن tmihan. دۇغلان یرینگ، وطن
یۇرت.



میک



میکرو



می



ناب nāb: ص. صاف و پاک، آراسسا،
الین، خالص، تويس.

ناب tnāb: [ع] ديش اوجى، اوجى
ييتى ديش، انياب جمع.

ناباب nābāb: ص. ياراشيقيق سيز،
حالانمايان، ياراماز، داپ بولماديق.

نابغه nābeqe: ص. [ع] قاتى دانا و
بيليملى آدم، اولى و شانى بيبك
حددن آشا عقللى و پراساتلى آدم،
نوابغ جمع.

نابكار nābekār: ص. بسدكار، اربت
ايشلى، حاصل سيز، پيداسيز، پوچ،
بيكار.

نابود nābud: ص. يوغان، آرادان

ن ne: عرب اليب بى نينگ ييگرم
دوقوزينجى حرفى، ابجد حسابيندا
(۵۰).

نا nā: پيشوند؛ كلمه نينگ باشيندا
كليار. كلمه گى بيلن معنى سيني
اويتگديار. مثلاً «ناگاه/ آگاه سيز»،
«ناتوان/ قوجير سيز»، «ناشناس/
ناتانيش»، «نابينار/ گوزى گورمه يان».
نا آشنا nā-āšenā: ص. ناتانيش، غريبه،
كسه كى، ياد، يل.

نائل tnā'el: [فاع] تاييچى، پيدالى
مقصودينه و مطلوبينه يتشن
ايسلگينه يتن، اوستونليك قازانان.
نائم nā'em: ص. [ع] ياتان، اووقا گيدن.

کیدن، یوق بۇلان.

نابودی nābudi: یوقلیق، آرادان

کیتمکلیک، یوق بۇلماق لیک.

نابینا nābinā: ص. کور، گۆزی باطل،

گۇراجیندن محروم بۇلان گۆزی

گۆرمه یان.

نابایدار nāpāydār: همیشه لیک دال،

دۇرنۇقسیز، دوام سیز، آلا قایم.

نابخته nāpoxte: ص. بیشمه دیک،

چیک، کنایه سۆزی بۇلۇپ

تجربه سیز آدما دیییلیار.

ناتوان nātāwān: ص. عاجیز، حور،

یاراوسیز، عجیز، حال سیز، یاغدا ی

سیز، گویچ سیز.

ناجور nājūr: ص. یاراشیق سیز،

آلدیغی، اۇنگۇشماسیز بیر زات بیلن

دوغری گلمه دیک.

ناچار nāc'ār: ص. بیچاره، علاج سیز،

چاره سیز، گۆرگولی.

ناخن nāxon: ا. دیرناق.

ناخن گیر nāxon-gir: ا. دیرناق

آلینیان.

ناخوانده nāxunde: ص.

ایســــلنمه دیک،

چاغیریلما دیق، چاقیلیق سیز

میخمانچیلیغه باران ۲. درس

اوقیما دق بی سواد آدم، اوقیومادیق

سواد سیز.

ناخوش nāxoš: ص. ناخوش، سیرقاو،

مریض حالی پس ۲، ناساغ ،

نادان nādān: ص. بیسواد، عقل سیز،

ارّه، بیلیم سیز، دوشنوم سیز،

دوشینجه سیز، گدی، سامسیق.

نادر nāder: ص. [ع] تاپیلما یان زات،

غیت، آز زات، اوز سوز، آز بولسون اوز

بولسون.

نادرست nādorost: ص. ۱. دؤویلن،

عیبلی، نادوغری، ۲. پس واریت آدم

حقده.

نادم nādem: ص. [ع] اوکونچلی،

پشمان ایدیان، قینانچلی.

نادیده nādide: ص. گۆزینمه دیک،

گۆزه گۆزینمه دیک زات، گۆرمه دیک.

نار nār: ا. انارینگ مخففی نار، انار

سۆزونینگ کملتیه گی.

نار nār: [ع] اود.

ناراحت nārāhat: بی اینجالیق،

بی مزا، قالا قوپ، اینجالیق سیز.

ناراضی nārāzi: ناگیله، راضی

بۇلما دیق، ناراضی، کۆنگلی قالان.

ناردان nārdān: ا. مر. نارینگ دانه سی،

ناردان.



نارس nāres: ص. بیشمديک،

يتيشمه دیک، چيگ، تال.

نارسائی nāresā-i: ص. يتمزچيلیک.

نارنج tnārenj: نارنگ، تورنيچ.

نارنگی tnārengi: تورنيچ دان و

پرتقال دان کچيراک ميوه، نارنگی.

ناروا nārwa: ص. حرام، نادوغری،

حاللانماديق، جايز بولماديق.

نازا nāsezā: ص. قيسير عيال و حيوان.

نازپرور nāz-parwar: ناز نعمتده

ياشان، ناز نعمتده اونيب اوسن.

نازپرورده nāz-parwarde: لايک

تربييه له نين، ناز بيلن تربييه له نين،

سؤجيق.

نازک nāzok: ص. اينچه يۇقا، يوغين

و اينلى دال.

نازک اندام nāzok-andām: ص. مر.

آرريق سيراتلى، اينچه ميك، اينچه

ساغيت.

نازک بدن nāzok-badan: ص. مر.

اندامينينگ دريسى يوشاق و

ييلماناق بۇلان آدم.

نازک بين nāzok-bin: ص. اينچه دن

گۇريان، دقيق، اينجيق سينگه دن

سايفاريان.

نازک شدن nāzok-šodan: مص.

يۇوقالماق، اينچلمک.

نازل tnāzel: [فاع] آشاق اينن، اتهگه

اينيجى، آشاق دوشوجى.

نازنين nāzanin: ص. نازلى، سيراتلى

آوادان گۇرمه گى گۇزل، يورک آليجى.

ناساز nāsāz: ص. قارشى، ناجور،

اونگيشمايان.

ناسازگار nāsāz-gār: ص. قارشى،

باشغالار بيله قارشى بۇلۇپ

اونگيشمايان، تلهگه چليک اديان،

دوزگونه قارشى بوليان.

ناسخ tnāsex: [فاع] باطل اديجى،

کتابينگ يا بير يازغى نينگ يوزوندان

گوچورمه، نسخه آليان، نساخ جمع.

ناسزا nāsezā: کاينج، سووينچ.

ناسيونال nāsiyonāl: ص. فر. مىلى

قوما و ملتہ باغلى.

ناسيوناليست nāsiyonālist: ص. فر.

ملت پرست، اؤز مليت و قوميتنى

ايسته يان، مليت چى، مىلى تعصيبى

بۇلان.

ناشايست، ناشايسته nāšāyest-(e):

ص. لايىق بۇلماديق، حاللانماديق،

اوصليب سيز، ياراشيقيق سيز، اريت،

پيس، ياراماز.

ناشتا nāštā: ص. آچ، ارتيرليگنى

ایمه دیک آدم، آجاؤدینه لیک.

ناشتایی nāštā-i: ارتیرلیک، ارتیرلیک اییمتی.

ناشر nāšer: [ع] نشر ادیجی، یایرادیجی، پایلایجی.

ناشناس nāšenās: ص. ناتانیش، کسه کی، غیری، تانیلمایان.

ناشنا nāšenawā: ص. ۱. کر ۲. کنایه سؤزوندن: اوویت نصیحت قولاق آسمایان آدم.

ناشی nāši: ص. تازه اووره نجه، ایش گۆرمه دیک، اوکده چلیگی بۆلمادیق، ایشه چیرچیلیگی بۆلمادیق.

ناصر tnāser: [ف.ع] کمکچی، یاردام ادیجی، نصار و انصار جمع.

ناطق tnteq: ف.ع. گورلایجی، نطق ادیجی، آیدیجی، گوررینگچی، کپه چپر.

ناطور tnātur: [ع] باغبان، اکینینگ ساقچی سی، نواطیر جمع.

ناظر tnāzer: [ف.ع] سر ادیجی، گوره جی، باقیجی، قوزایجی، ایدیجی، نظار جمع.

ناظم tnāzem: [ف.ع] دوزگونه گتیرجی، بیر ایشی یا بیر زادی ترتیبه سالیان آدم، نظم و ترتیب

بریان.

ناف tnāf: کویک.

نافرجام nāfarjām: ص. ۱. سونگی

ارید بۆلان، ایشی نینگ سونگی قاوی بۆلمادیق، ۲. بیهوده پیداسیز معنی دا.

نافرمان nāfarmān: ص. باشینه گیدن،

کپه گیدمه یان، کله سی نینگ اوغرینه گیدیان، بویونی یوغین، دوزگونه بویون بۆلمایان، انگمه یان.

نافع 'tnāfe: [ف.ع] نپ یتیرجی، پیدا ادیجی، پیدالی.

نافی tnāfi: [ف.ع] داشا سالیجی،

داشلادیان، قاویان، ساویان، یوق ایدیان، داشلادیان.

ناقابل nāqabel: دگییرسیز،

اوقیپ سیز، یاراشیق سیز، ارزش سیز.

ناقص nāqes: ص. [ع] آز قوتارمادیق،

یتمه دیک، کماله یتمه دیک زات، یرینه یتمه دیک، نقصانلی، کم چیلیکلی.

ناقل tnāqel: [ف.ع] نقل ادیجی روایت

ادیجی، یربه یر ادیجی، نقله جمع.

ناقوس nāqus: [ع] کلیسالارده

قویولیان اولی جانگ زنگ، بت خانانینگ جانگی، نواقیس جمع.



ناکام nākām. ص. محروم، مراده
یتیمه دیک، آرزوسینا یتیمه دیک،
آرمانلی.

ناکردار tnākerdār. دیلمه دیک،
اتمه دیک.

ناکس nākes. ص. نالایق، قیلیق سیز،
نامارد، پس.

ناگاه nāgāh. ق. بیوقت، بی موقع،
خبرسیز، بیردن، اوسمازلیقدا،
توتاندن.

ناگزیر nāgozīr. ص. ناچار، چاره سیز،
ناعلاج، علاج سیز، ایم سیز.
ناگفته nāgofte: آیتمان، دویمان.

ناگهان nāgahān. ق. بی وقت،
خبرسیز، بیردن،
اوسمازلیقدا، بیردنکأ، دویدانسیز،
توتاندن.

نالان nālān. ص. اولییان، ناله چکیان،
آخ چکیان، انگریان، زارینلایان،
چینگسیان.

نالیدن nālidan: مص. ل. اولیمک،
چینگسیماق، اینگراماق، زارینلاماق،
آغیری دان و اینجی دان انگراماق، ناله
اتمک، جوورنمک.

نام nām. آد، بیر زاده یا بیر آدمآ
قویلیان آد. آت.

نام آوار nām-āwar. ص. آدلی،
شهراتلی، آدلی آوازملی.

نامادری nā-mādari. ص. اووی انه
اووی اجه.

نامبرده nām-borde. ص. آدی
توتولان، آدی چکیلن، یادلانان.

نامحدود nāmahdud. ص. فآ.
چاکسیز، سانسیز، سونگسیز.

نامدار nāmdār. ص. [فاع] آدلی،
شهراتلی، آبرایلی.

نامراد nāmorād. ص. [فاع] محروم،
آرزونه یتیمه دیک، مرادینه یتیمه دیک،
نامرد nāmard. ص. نامارد، قورقاق،
غیرات سیز.

نامزد nām-zad. ص. بیر ایش اوچین
نظره آیینان، اوغلان بیله قیزی بیر
بیرینه آداماق، بلله مک.

نامشروع nāmašru. [ع] شرعی
بۆلمادیق، ادیلمه لی دال ایش.

نامور nāmur. ص. آدیغان، آدلی،
آبرایلی، شهراتلی، معروف.

ناموس nāmus. [ع] نامیس، شرف،
آبرای، وجدان، یورک سیری، ایچکی
ایشه خبرلی، پاراساتلی، عفت،
نوامیس جمع.

نامه nāme. یازغی، خط، سلام خطی.

یازیلان کاغیذ، کیتاپ.

نامه‌رسان nāme-resān: ا. ص. پست

اداره طرافیندان خط قاتنادیان،

خطلری ایه‌لرینه یتیریان مامور، خط

یتیریان.

نامه نگار nāme-negār: ص. فا. خط

یازجی، نامه یازیان.

نامی tnāmi: فا. ص. آدلی، شهرات‌لی،

آد گتیرن، مشهور، آدیغان.

نامی nāmi: [ع] اوسیان، اولالیان.

نامیدن nāmīdan: مص. آد قویماق،

آد داقماق، آدلاندیرماق.

نان tnān: چوراک.

نانوا tnānwā: ص. چورک خانه، چورک

ساتیان، چورک بیشیریپ ساتیان آدم،

چورکچی.

ناو tnāw: پاراخود، ناو، اوروش

گامی‌سی، ناوگان جمع.

ناهار tnāhār: ص. آج، ارتیردن زات

ایمه‌دیگ، گون اورتا اییمتی، اویلان

اییلیان اییمیت.

ناهوار nāhamwār: ص. دوز و صاف

بۆلمادیق یر، چاقیر چوقورلی یر،

تکیز دال یر، پوتورسوتور، آنکقی

تۆنگی.

ناهنجار nāhanjār: ص. تکیز

بۆلمادیق، قیشیق، گلشیک‌سیز،

پیس، اربت، یول‌سیز، قاداسیز،

یاراشیق‌سیز.

ناهید nāhid: ا. زهره ییلدیز.

نای tnāy: بوقیرداق، قیزیل اؤزک

(اؤدک).

نای tnāy: نی، قارقى تویدیک.

نایاب nāyāb: قیت، تاپیلمايان.

نایب nayeab: اورین‌باسار، کمک‌چی.

نبات tnabāt: نبات.

نباتات nabātāt: اوسوملیک.

نبات‌الرربع 'tnabāt-ol-rabi: [ع]

قاماق.

نبرد nabard: ا. اوروش، ساواش،

اوروش میدانی.

نبش nabš: مص. [ع] قبری قازماق،

یری غازیب بیر زات چیقارماق،

ساختمانینگ جایینگ چتی، بورجی.

نبض nabz: مص. [ع] یورک حرکتی

یورک اورماسی، دامار اورمه‌قانیینگ

یورکده و دامارلارده آیلانیش یاغدايی،

دامارینگ دامار حرکتی .

نبوت nobowwat: مص. [ع]

خدای تعالی‌نینگ الهام اتمه‌گی بیلن

گلجکدن و غیب‌دن خبر برمک،

پیغمبرلیق.

- نبوغ nobuq: مص. [ع] پیدا بؤلماق
گورینمک، هشیارلیق، دوشینجه‌لیک.
نبی nabi: [ع] خدای تعالی نینگ الهام
اتمگی بیلن غیب‌دن خبر برمک،
پیغمبر، خدای تعالی نینگ الهام
اتمگی بیلن غیب‌دن خبر بریان.
نیره knabire: آغتیق، چاولیق، نبره.
نبیل nabil: مص. [ع] آبرایلی، شریف
آدم، دانا، دوشنیان آدم، دوشینجه‌لی.
نتایج natāyej: [ع] جمع نتیجه، اوئوم،
نپ، آلینیان پیدا.
نتیجه knatije: [ع] دوغوش، بیر زاتدن
اله گلیان زات، نتیجه، نایج جمع.
نثر nasr: مص. [ع] یازماق، پتراتماق،
یتیرمک، یایراتماق، نظمی بؤلماق
کلام، قافیه سیز اوّلچک سیز سؤز.
نجابت nejābat: مص. [ع] اصیل و
سوی و اصلی پاک، نامیس جانگ،
اولی حرمتلی بؤلماق، چیقالغا.
نجات nejāt: مص. [ع] خلاص، آزاد،
گوییریلیمک، آزاد بؤلماق، قوتولماق.
نجبا nojbā: مص. [ع] جمع نجیب،
آراسسالار، پاک‌لر.
نجس najes: مص. [ع] ناپاک، بولاشیق،
آراسسا بؤلماق، نجیس، انجاس
جمع.
- نجیب najib: مص. [ع] اصللی، شریف،
آبرایلی، حرمتلی ۲. سایلانان دویه
معنیده، نجباء جمع.
نخاله tnoxāle: [ع] کفک، اوئن
الأنینگده اله‌گینگ گوتونده قالیان
زات.
نخجیر tnaxjir: آو، شکار ادیلیان
حیوان.
نخجیرگاه tnaxjir-gāh: م. آو میدانی
شکارگاه، شکار ادیلیان میدان یا
جنگل.
نخست tnoxost: بیرینجی، تاک، بیر،
بیرینجی، ایلکی، دستلاب.
نخست وزیر tnoxost-wazir: وزیرلرینگ
باشلیغی، دولتینگ
باشلیغی، باش وزیر.
نخستین noxostin: اولینجی،
دستلابقی، ایلکینجی.
نخل tnaxl: [ع] خرما آغاجی.
نדה nedā: مص. [ع] قینیرماق،
سسلنمک.
ندامت nedāmat: مص. [ع] اوکونج،
اوکونجلی بؤلماق، پشمان بؤلماق،
اوکونمک، آخمیردا بولماق.
ندانم کاری nadānam-kāri: بیلمه سیزلیک، بیلمزلیک.

ندرت tnodrat. مص. [ع] قیت زات،

کاته کاته تاپیلیان زات، آز تاپیلیان زات.

ندیم nadim. ص. [ع] گوررونکدش،

همدم، هام چام، ندماء جمع.

نذر nazr. مص. [ع] صدقه، بریلیان

چیقاریلیان صدقه، آدم اؤزی اوچین

خدای یولینا بریان صدقه سی.

نذور nozur. [ع] جمع نذر، صدقه لار،

خیرات لار.

نرخ tnerx. بهاء، بیر زادینگ دگری،

قیمت، نرخ.

نردبان tnardebān. باسنانچاق، پله.

نرده tnarde. باغچانینگ تۆرگینه یا

تامینگ ایوانینا چکیلیان آغاچدان یا

دمیردن بجریلن تأریم، چفه ری.

نرگس tnarges. ساری یاپراقلی

آوادان ایسلی آقجه گل، نرگیز، و

کنايه سۆزی بۆلۆپ «سویگیلینگ

گوزونه» هم دیییلیار.

نرم narm. ص. یومشاق، اون و یا

تالخان یالی دؤویلن یا اله نن یومشاق

زات، قاتی بۆلمادیق.

نریمان narimān. ص. غیرات لی

پهلوان و سام دییان پهلوانینگ داده

سینینگ آدی و رستمینگ آتاسی

دیپ-ده آیدیلیار.

نزاع 'nezā' مص. [ع] چکه لشیك،

اوروشماق، سواشماق، سؤوینچ،

دعوا، جنجل، اؤرۈش.

نزاكت tnezākat. آراسالیق، ادبلیك،

گوزللیك، نازکیك گولر یوزلیك،

اخلاقلی لیق، صفایی لیق.

نزاهت nezāhat. مص. [ع] عیب بدن

آراسا بۆلماق لیق، اربتلیك دن داش

بۆلماق لیق، پاکلیك، تقوالیق.

نزدیک tnazdik. ص. ۱. یاقین،

آراسی یاقین بولان یر، داش دال، ۲.

قارینداش معنا سینده کس. «نزدیکان/

قارینداشلار».

نزول nozul. [ع] اینمک، اته گه

دوشمک، بییکلیک دن آشاق اینمک.

نژاد tnežād. اصل، توخوم، نسب.

نژادپرست nežād-parast. تیره پاراز،

نسب nasab. [ع] قارینداشلیق،

یاقینلیق، انساب جمع.

نسبت nesbat. ۱. نسبه، یاقینلیق،

قارینداشلیق ایکی زادینگ آرایغی،

ایکی زادینگ باغلی لیغی،

دگیشلی لیک.

نستوه nastuh. ص. یادامایان،

اوروشدان یادامایان، یادامازاق، ایشدن

یادامایان.

نسخه nosxe: [ع] یازغی، بیر کتابینگ یوزوندن یازیلیان مطلب، قولیازما، کتابینگ یوزوندن گوچیریلن، نسخ جمع.

نسل nasl: ۱. [ع] فرزند، اوغول و قیز، نسل، انسال جمع.

نسیم tnasim: [ع] ملایم هوا، ساویجاق هوا، یۇواشجا اوسیان یل، شمال.

نشاط nešāt: مصص. [ع] شادلیق، شادیانلیق، خوشلیق.

نشان tnešan: ایز، بلگی، اتر، علامت، اونكات قوللیق ادنلیگی اوچین دولت طرافیندان بریلیان سیلاغ، اول دمیردن و رنگلی سویشه دن دورلی شکله یاسالیان بلگی، بللیک.

نشاندن، نشانیدن nešan(i)dan: مصص. ۱. اوتورتماق بیرینی

اوتورماغنا مجبور اتمک، اکمک ۲. اودی سوندیرمک معنیده هم اولانیلیار.

نشانه tnešāne: بللک، بللگ چلیک.

نشانی tnešāni: ن. علامت، آدرس، ایکینگ آراسیندا بللنه ن بلگی، بیرینی یا بیر زادی شونینگ بیلن

تانیلیان علامت.

نشر nešr: [ع] یازماق، یایراتماق، دیرلتمک، قیامتدا اولی لری دیرلتمک. یوم النشر: قیامت گونی.

نشستن nešastan: مصص. ل. جای آتماق، دینچ بۇلماق، اۇتۇرماق جایده دوینه مک.

نشو našw: نشو و یا نش عربی چشمه دن، گوگرمک، اکلنمک لیک، گوگرمک لیک.

نشیب tnašib: صص. باش آشاق، اینیش، اته گه اینیش، اینمه.

نشیمن tnešiman: اوتوریلیان یر، یاشالیان جای، اوی، یاتاق، سکی، کتک.

نصاب tnesāb: [ع] ۱. بیر زادینگ بللی حدی، واجب بولان مقدارده زکات دوشیان مال ۲. مال و سرمایه معنیده.

نصایح nesāyeh: [ع] اوویتلر، نصیحتلر، جمع نصیحت.

نصب nosb: مصص. [ع] ۱. دیکمک، دیکلتمک، بلله مک، قویماق ۲. نحو آدالقاسینده آخرقی حرفینه اوستون (فتح) سسی بریلمه گی.

نصب knosob: [ع] بیر دیکالدیلیب

کیلامک، کیله ییش، سۆز، سوزلمه .
نظارت tnezārat. مص. [ع]
 گۆزگچیلیک، ایسددگیلیک،
 سرادیشرلیک.

نظاره tnezāre. [ع] تماشاجی لار، کوپ
 بۆلۆپ بیر زادی گۆزله یان آدملا، سر
 ادیان لار قارایان لار.

نظافت nezāfat: مص. [ع]
 آراسسالیق، پاکیزه لیک، تمیزلیک،
 پاک بۇلماق لیق، آراسسا بۇلماق لیق.

نظام nezām: مص. [ع] دوزگون،
 ترتیب، دوز گونلشدیرمک، بزامک،
 مرواریدی یوپه دوزمک، یۆزلگه،
 یۆرۆش، مروارید دوزولن یوپه، آغاچ
 صفی، فارسچا ارتش و سپاه
 دییپ-ده آیدیلیار.

نظر nazār: مص. [ع] گوزلمک، سر
 اتمک، باقماق، فکرلنمک و اویلانماق،
 گوریش.

نظم nazm: مص. [ع] دوزگونلمه،
 بزامک، تترتیبه سالما،
 دوزگونلشدیرمک، مرواریدی یوپه
 دوزمک، ۲. اۆلچگلی و قافیله
 سوز، شعر، نثر دال.

نظمیه nazm-ıyy-e: شهرانی،
 انتظامی اداره.

قوییلیان زات، باغلاما، بکلمه، بت یا
 شولار یالی زادا سیغینیلیان زات.
نصر nasr: مص. [ع] ۱. یاردام برمک
 یاردام اتمک، کمک اتمک ۲. کمک
 ادیجی معنیده.

نصرانی nasrāni: ص. ن. [ع] عیسوی
 مذهب، مسیحی، مسیح دینینه
 اوویان، ناصره شهرینه باغلی حضرت
 عیسی بیلن وطنداش بولان لار، جمع
 نصاری.

نصرت tnosrat. مص. [ع] کمک
 اتمک، یارانلیق اتمک، یاردام، ینگیش.
نصف tnesf. [ع] یاریم، یارتی، زادینگ
 یاری.

نصفت tnesfat. [ع] انصاف، عدل،
 دنگلیک، بیرلیک.

نصوح nosuh: ص. [ع] اؤویت بریجی،
 یورکداش و بیریا دوست، چین
 دوست. توبه نصوح: ابد هرگز
 دویمه یان چین توبا، حقیقی توبا.

نصیب tnasib. [ع] بخت و اقبال
 نصیب، پای، نصب «بضم تین» و
 انصبه جمع.

نصیحت tnasihat. مص. [ع] نصیحة
 اؤویت، نصیحت، نصایح جمع.

نطق notq: مص. [ع] گوررینگ اتمک،

نظير nazir: ص. [ع] منگزش، منگزتمه،
يالى، نظراء جمع.

نظيف nazif: ص. [ع] آراسسا، پاکيزه،
پاک.

نعش tna's: [ع] جنازه، اولی، میت.

نعمات na'amāt: [ع] نعمت‌لار.

نعمت tne'mat: [ع] احسان،
ياغشلیق، پیدا و حوشلیق، مال،
ایرسغال، اییمیت، نعمت، نعمات
جمع.

نعناع وحشی tna'na'wahši: پونه،
نارپیز.

نعیم na'im: [ع] ۱. نعمت، مال بایلیق،
ایرسغال، حوشلیق و حوش
گچیرمک‌لیک.

نغز naqz: ص. قاوی‌لیق، یاغشلیق،
اونگات.

نغمه tnaqme: [ع] آوان، آهنگ،
سایرایش، آیدیم، هنگ، نعمات جمع.
نفاق nefāq: ص. [ع] ایکی
یوزلی‌لیک، مکر، حيله، آغیز آلايیق،
دوشمانلیق.

نفاق nafāq: ص. [ع] رواج آلاماق، آلو
ساتو، بازارینگ یورگینلی‌لیگی.

نفاق nefāq: [ع] جمع نفقه.

نفت tnaft: نفت.

نفر nafar: [ع] مردم، آدم‌لار، بیر بۆلک
آدم، بیر بۆلک آدم اوچدن اونه باریانچا
و فارسی دیلده بیر آدم‌ا خاصلانیار.

نفر nafr: ص. [ع] ۱. داش بۆلماق،
داسا دوشمک، اورکمک ۲. حاجی
لارینگ منی‌دان مکه یولا
دوشمک‌لیک لری. یوم‌النفر: ذیحجه
آیی‌نینگ اون‌ایکی‌سینه
حاجی‌لارینگ منی‌دان مکه طرف
حرکت ادیان گون‌لری.

نفرت tnefrat: [ع] بیزار بۆلماق،
یگرانمک، بیگره‌نچ.

نفرت داشتن nefrat dāštan:
یگرانمک، بیزارلاماق.

نفرین tnefrin: سووینچ، بد دعا،
قارغیش.

نفس tnafas: [ع] جان، قان، تن، جسد،
انسان، هر زادینگ دوغریسی، نفوس
و انفس جمع.

نفساء nafsā': ص. [ع] تازه اوغلان
(چاغا) دوغران عیال.

نفل tnafl: [ع] واجب بۆلما‌دیق عبادت،
فرايضینگ داشیندن آرتیق یرینه
یتیریلیان عبادات.

نفوذ nofuz: ص. [ع] اوق نشانا
دگیب بارسیندن گیریپ آنگرسیندن

چيىقماق، بويروق و حكيمينگ
يوريمگى يورگونلىك، سينگمك،
اورناشماق.

نفوس nofus: [ع] نفسلر، جمع نفس.
نفيس nafis: ص. [ع] چپر، اينچه دن
اديلن، كوپ مال هر زادينگ قاويسى
نازك و بهاسى قيمتلىسى، نپيس.

نقاب tneqāb: [ع] پرده، يوزه
اورتيليان پارچه، توتى، ياشماق.

نقاب neqāb: ص. [ع] نفوذى قاتى
كوپ آدم، اينجيق و دقيق آدم.

نقاھت neqāhat: مـصـ. [ع]
دوشونمك، سیرقاوлықدان قوتوليپ
قاوى بولماق، آينگلالماق،
ناخوشليقدان قوتولوپ باريان وقتى.

نقره noqre: [ع] كوموش.

نقش بند naqš-band: ص. فا. [ع]
نقاش، صورتى و شكلى بير زادينگ
يوزونه نقش اديان. نقش بند،
نقشبنديه صوفى چيليقدا بير
سلسله نينگ يعنى نسل به نسل آرقا
با آرقا قايديان شيخ بهاءالدين
نقشبنديه دگيشلى. آيديارلار
نقشبند بخارانينگ تووره گينده شيخ
بهاءالدينينگ ياشايان اوباسى
بولمالى. شو سببدن شيخ بو ادا

شهرت تاپيار. قاليبىرسه ده اول
الله نينگ آدينى چاك سيز ذكر
اتمه گى و تهليل اتمه گى نتيجه سينده
اونونگ قلوبندا حقينگ ذكرى نقش
باغلاماغى سبابلى نقشبندى گه
معروف بوليار. بير شعرده شيله
آيديليپدير:

ای برادر در طريق نقشبند

ذكر حق را بر دل خود نقش بند.

نقش بندى naqš-bandi: صوفى
چيليقدا بهاءالدين آدى دورادن و
شول اوغرا اويانلار.

نقشه tnaqše: [ع] يوزونه بولك يرينگ
يا شهرينگ يا يوردينگ شكلينى
گوركزيان بولك كاغذ، بير صحيفه
كاغذينگ يوزونه اويينگ شكلينى يا
باشغا بير زادى گوركزمك، نقشه
آديندا.

نقص naqs: مـصـ. [ع] آزالماق، كملمك،
آزليق، كم ليك، كم چيليك.

نقصان naqsān: مـصـ. [ع] كملمك،
كم چيليك، آزالماق، آزليق كمليگى يا
كم چيليكى بولماق، زيان، ضرر.

نقض naqz: مـصـ. [ع] دؤومك، ويران
اتمك، عهد پيمانى سيندارماق،
بوزماق، شرطى بوزماق.

نقطه tnoqte [ع] نـوقاط،

حروف‌لارینگ اوستینه یا آشاغینا
قوبولیان توغالاجیق کیچی علامت
نقط آدیندا و نقاط جمع. ونقطه
شونونگ (.) یالی.

نقطه نظر noqte-nazar: ایسلگه گؤرأ،
مقصدا گؤرأ، نوغتا ناظار.

نقل naql: مصص. [ع] بیر زادی
جایلاشدیرماق، بیر یردن باشغا بیر
یره اکیتمک، بیر سؤزی باشغا بیرینه
آیتماق، گوچمک.

نقلیه naql-iy-e: ۱. [ع] یوک اکیدیلماگه
باغلی بۇلان زات، یوک چکمه.

نقیصه tnaqise [ع] عیب، کم‌چیلیک،
تلکه قلیق، پیس اخلاق، اربت عادت،
نقائص جمع.

نکبت knekbat [ع] مصیبت، یاس،
قاینی، قینچیلیق، عجیزلیک،
حورلیق، نکبات جمع.

نکته nokte [ع] آق زادینگ یوزینداکی
قارا نقطه، نقاط یا آق نقطه قارا
زادینگ یوزینده، آدما گویچلی تاثیر
ادیان سؤز، چونگ معنالی فکر و
ییتی معنالی سؤز، آیدیلان سؤز،
نازک معنالی سؤز نکت و نکات جمع.
نکوھش tnekuheš: کاییمک،

زیرانمک، ملامت اتمک.

نکیر nakeyr: [ع] انکار، قین و قاتی
ایش.

نکیر و منکر nakir-o-monker: آدم
اؤلندان سؤنگ قبره گلیان ایکی
فرشته‌نینگ آدلاری، اولار دنیاده ادن
اتمیشینگی سندن سوراجاق‌لار.

نگارش tnegāreš: مصص. یازماق.
نگاه tnegāh: باقیش، آنکشریش،
گوزله‌مه، سراتمه.

نگاهبان tnegāhbān: صص. پاسبان،
ساقچی، قاراویل.

نگاهداشت negāh-dāštan: ساقلاماق،
اونگینه گچمک، اونگینی
ساقلاماق، اؤنگونی آلماق.

نگران negarān: انکیس، گؤزلی در.
نگون negun: صص. اگرهلن، بوکرهلن،
دؤندریلن، باش آشاق دؤنگدیریلن.

نگون بخت negun-baxt: باختی
قایدن، بدبخت.

نگهبان tnegahbān: صص. قاراویل،
ساقلاجی، ساقچی، قارایجی.

نگین tnegin: یوزوگینگ قاشی، قاش.
نما tnamā: هر زادینگ داشقی
گؤرنوشی، جایینگ عمارتینگ
گورینیان داش طرفی، سوماق.

نماء 'namā: [ع] آرتماق، كويلمك،
اولالماق.

نماز tnamāz. نماز، بندهليك و باشى
آشاق انگمك، انگيلپ قالماق، هر
گونده باش وقت نمازى يرينه
يتيريليان دينى بورچ، دينى وظيفه.

نمازگزار namāz-gozār: ص. نماز
اوقيان، نماز اوقايان، نمازخوان.
نمايان namāyān: ص. فا. آشكار،
آچيق، آيدينگ، بللى گورينپ دوران،
آشكار بۇلماق.

نماياندن namāyāndan: ص. م.
گورگزمك، آشكار اتمك،
آيندينگ لاشديرماق، آچيقلاماق.

نمايشگاه tnamāyešgāh: مر. سرگى،
گورگزيليان جاي، اوى اسبابى و
اكرانچليق شايى و ش.م. لرينگ
ساتيليان و گورگزيليان یری.

نمايشنامه tnamāyešnāme: م.
تئاترده اويناماق اوچين دوزيليب
يازيلان داستان.

نماينده tnamāyande: ص. ۱.
گورگزيجى و وکیل و نايب،
بيرى نينگ طرفيندن بير ايشى يرينه
يتيرمك اوچين بللان ۲. علامت،
بلگى معناده.

نمد tnamad: كچه.

نمدار nam-dār: ص. فا. اول، چيغ،
ايزغارلى، نملی.

نمره nomre: ا. مر. سان، شماره.

نمك tnamak: دوز.

نمك پرورده namak-parwarde:
ص. مر. بيرى نينگ دوزينى چوراگنى
اييپ و شونينگ اوينده اولان آدم،
دوز-امك بۇلان.

نمكدان tnamak-dān: دوز قاب، دوز
توريه.

نمكزار tnamak-zār: دوزليق،
شورليق، دوز اۇنيان ير، دوز چيقيان
ير، دوزلاغ.

نمناك namnāk: ص. اول، چيغلى،
ايزغارلى، ايغاللى.

نمو nemow: [ع] اولالماق، بيگلمك،
اوسمك، كۆپلمك.

نمودار nemudār: ا. ص. آشكار
گورينپ دوران، گورگزيلن، گورنيكلي،
آچيق لانان، منگزش، نشان، علامت.

نمونه tneune: ص. ۱. نسخه،
منگزشليك، گورگزمه، تمام
بۇلماديق، ايشدن قالان ۲. اريد
معنىده آيديليپ دير، ۳. حاصيل يا
اؤنومينگ و ش.م. لرينگ يوقار يا

- آشاقدادیغینی بیلدیریان خط.
- نگ** t:nang. ۱. شرم و حیا، اویات، آبرای، حرمت ۲. پیس، اربت، رسوالیق معنیده‌ام آیدیلیپ دیر.
- نگین** nangin: ص. ن. اویات‌لی، بدنام، اربت، اوتانچلی.
- نوآموز** now-āmuz: ص. اوقوه تازه باشلان اوغلان، اووره‌نجه، تازه هنر اووره‌نیان آدم، باشلانقیچ مکتبینگ اوقوچی‌سی.
- نوا** nawā: ۱. هنگ، سس، نغمه، آواز ۲. ایرانی سازلارینگ بیرینینگ آدی ۳. یاشایش اسبابی، یورگون‌لی لیک و یاغشلیق، ۴. گرو توتمه معناده هم آیدیلیپ دیر.
- نواختن** nawā-xtan: مص. [ع] ۱. گووین‌لیک برمک، الله قوات اتمک، ساز چالماق ۲. بیر زادی یره اورماق معنیده هم آیدیلیار.
- نواده** nawāde: آغتیق، اوغولینگ اوغلانی، فرزندینگ فرزندی.
- نوازش** nawāzeš: مص. عزیز گورمک، سویمک، سییلاماق.
- نوبت** t:nowbat: [ع] ۱. فرصت، ایشینگ یا بیر زادینگ وقتی، نوبتی ۲. کرت و مرتبه معنیده.
- نوبر** t:now-bar: ص. تازه یتیشن میوه، تازه بازاره گلن میوه (اییمیش) نوبر کردن: تازه یتن اییمیش ایلکی گزک اییمک.
- نوبهار** t:now-bahār: ۱. یاز فصلی، آلا یاز، بهار گیرن وقتی، بهارینگ باشلان وقتی ۲. بلخ‌ده بیر معبدینگ آدی.
- نوجوان** now-jawān: ص. یاش ییگیت، ییگیت‌لیگه یتن اوغلان یتگینجک.
- نوچه** now-če: ص. ییگیت، یاش ییگیت، تازه باشلان بؤکه، باستانی ورزش‌لرده اولی پهلوان لرینگ الینینگ آشاغیندا ایشله‌یان یاش پهلوان، یاش بؤکه.
- نوحه** now-he: [ع] . آغلاما، آنگراما، اؤلانه آغلاما.
- نوخاسته** now-xāste: ص. مر. یاش ییگیت، تازه یتیشن، تازه اکیلن آغاچ، یاش آغاچ.
- نور** nowr: [ع] یاختی‌لیق، چراغینگ و

یا-ده آیینگ-گونونگ یاغتی سی،
نور، انوار جمع.

نورس now-ras: ص. تازه یتیشن، تازه
یتن ایمیش، یاش آغاچ، یاش بیگیت.

نورسیده now-reside: ص. تازه
یتیشن، تازه گلن، تازه گورونن.

نورمال nowrmāl: دوزگونا جور
گلیان، قاعدا جیبیس گلیان.

نوروز now-ruz: تازه گون، فروردین
آیینگ ایلکینجی گونی ایرانی
لارنینگ ملی عیدی، نوروز بایرامی.

نوزاد now-zād: ص. تازه دوغان، تازه
دنیا اینن، تازه بۆلان چاغما.

نوساز، نوساخت now-sāz-(sāxt):
ص. تازه سالینان، تازه یاسالان، تازه
بجرلن، تازه سالینان اوی جای.

نوسان nawasān: [ع] بیر زادینگ
دوران یرینده قیمیلداماسی دیواری
ساعتنگ قیمیلداماسی یالی،
ایرغیلداماق.

نوشاندن، نوشانیدن now-šān(i)dan:
م. ایچیرمک، ایچگی ایچیرمک،

نوشاننده: سؤو یا شراب یالی زادی
ایچیرجی، ایچگی (سو، شراب

یالی) زادی ایچیرجی ایچیریان.
نوشتافزار t.nawešt-afraz: یازو
اسباب لاری، یازماغا گِرک بۆلان
زاتلار، کاغذ، قلم مداد و سر قلم
یالی، لوازم التحریر دیب آیدیلیار.
نوشتن neweštan: م. یازماق،
کاغذینگ یوزونه قلم بیله زات یازماق.
نوشیدن nušidan: م. ایچمک،
ایچگی ایچمک.

نوشین nošin: ص. ن. سویجی داتلی
یارارلی.

نوع no': صورت، هیل، پؤؤم.
نوغان t.nowqān: یوویک
قورچیفینیک توخمی.

نوک nok: ا. چونت، قوشونگ چونت.
نوک زدن nok zadan: م. م.
چوقماق.

نوکیسه now-kise: ک. کنایه سؤزی
بؤلۆپ، تازه بایان، تازه کوپ پوله و
ماله یتن آدم، تازه بایلیغا یتن.

نوم nowm: [ع] اؤقی، یاتماق،
اؤقلاماق.

نون known: شو وقت، ایندی، حال،
شو چاق.

نون *tnun*: آغاچینگ گؤوره سی و نرد

ناراد دیپ-ده آیدیلیپ دیر.

نون *known*: [ع] قیلیچ و قلیچینگ

اوجی، هم-ده بالیق معنادا؛ ذواتون:

۱. یونس پیغمبرینگ لقمی ۲.

مصرلی بیر زاهدینگ لقمی.

نونهال *now-nahāl*: ص. یاش آغاچ،

تازه نهال، تازه بیتن آغاچ، یاش باغ.

نوه *nawe*: ۱. اوغلانینگ اوغلانی، آغتیق

چاولیق.

نوید *tnawid*: بوشلیق، مژده خوش

خبر.

نویسنده *newisande*: یازیجی.

نوین *nowin*: ص. تازه، تازهجه.

نه *na*: یوق.

نه *noh*: ساندان دوقوز (۹).

نهاد *tnahād*: دوغوش، قیلیق، بولوش،

ایچکین، باطن، زات، اساس.

نهادن *nahādan*: مـ ص.

جایلاشدیرماق، قویماق، بیر زادی

یرینده قویماق، اؤتورتماق.

نهار *nahār*: [ع] گوندیز، فارسچا اوپله

اییمتی، گون اورتان ایلیان اییمیت.

نهال *tnahāl*: یاش آغاچ، تازه بیتن یا

اکیلن آغاچ، نهال.

نهان *nahān*: ص. اؤغرین، اورتگیلی،

گیزلین، یاشرین.

نهان داشتن *nahān-dāštan*:

گیزله مک، یاشیرماق، گیزلین

ساقلاماق.

نهایی *nahāi*: ص.ن. منسوب به نها،

سونگ، زادینگ سونگی، آنگری باش.

نهایت *nahāyat*: [ع] سؤنگ، آخر بیر

زادینگ یا بیر ایشینگ سونگی

آخری، آخرسونگی

نهر *nahr*: [ع] آقار سو، آریق، چای، آرنای،

آقابا.

نهضت *nehzat*: [ع] قالماق، آیاغا

قالماق، قیمیلدی، حرکت قوزغالانگ.

نهفتن *nehoftan*: مص. یاشیرماق،

گیزگه مک.

نهیب *tnahib*: خوف، قورقی، اورکی.

نیت، زانت، پال.

نیابت *niyābat*: [ع] اورون باسار

بؤلماق، بیرینینگ یرینه بیر ایشی

یرینه یتیرمک، بیرینینگ یریندا

اؤتورماق، بیرینینگ یرینه اؤتورپ

بیر ایشی یرینه یتیرمک.

نیاز t.naiyāz. حاجت، خواهش، ایسلک. گرا کلی.

نیازمند naiyāz-mand. ضرورلیق، ماتاچ، حاجتی بۆلان.

نیایش t.naiyāyeš. ممس. دعا، آلقیش، سیغینماق، یالباریب دعا اتمک.

نیرنگ t.nyerang. مکر، حيله، آلداو، هیتیرلیق.

نیرو niru. گویچ، اوقیپ، قووات.

نیرومند nirumand. ص. زورلی، قوجورلی، قدرتلی، گویچلی، گرچک.

نیز niz. باغلی سۆز، یعنی ایضا، ینه ده.

نیسان naysān. ص. قارغا منگزش، قارغا چالیمداش قوش.

نیسان naysān. سریانی آی لارینگ یدینجیسی و یازینگ اکینجی آی.

نیست nist. ا. ص. یوق، یتیک.

نیستان tney-estān. قامیشلیق، قارقلیق.

نیستی nisti. یوق اولماق، آزادان گیتمک، یوقلوق.

نیش tniš. چونت، دیش هر زادینگ اوجی و چونت، نایزا، حیوان لارینگ

آغزینداقی زهرلی عضوی مثلاً ییلانینگ، ایچیانینگ زهرلی دیشی یا چاقیان دیشی.

نیشکر tneyšekar. شکرچینگریک.

نیک nik. ص. یاغشی، گۆزل آوادان و خیرلی آدم معنیده هم آیدیارلار.

نیک پی nik-pey. ص. اصللی، اصلی اونگات آدم، خوش قدم، مبارکلیگی ایزارلا یجی.

نیکخواه nik-xāh. ص. فا. خوش نیتلی، قاوی لیق ایسته یان، قارری نیتلی.

نیکزاد nik-zād. ص. مر. اصللی، اصل زاده، تویس، خانازات.

نیکنام nik-nām. ص. یاغشی آدلی، آدی یاخشا چکیلیان، قاوی لیقدا آدی چیقان.

نیک نهاد nik-nahād. ص. مر. یاغشی قیلیقلی، اخلاقی اونگات بۆلان اصللی.

نیکوتین nikotin. فر. توتونینگ یاپراغیندا بۆلان آوی ماده.

نیکوکار nikukār. ص. دوغری چیل و یاغشی قیلیقلی، اونگات ایشلی.



بشر د

نیل neyl: مصر. [ع] آرزوایتمک، مقصد

مراداایتمک، اؤزونگه مقصد ادينمک.

نیلگون nilgun: مصر. ماوی رنگده

بۆلان گل.

نیلوفر nilufar: آق پیچک، ماوی

گللی.

نیلوفر وحشی tnilufar-wahši.

توقای چیرماشیق، ماوی گل.

نیم nim: ۱. یارتی، بیر زادینگ یاریسی.

نیم تنه nim-tane: ۱. مر. قیسفا گیم.

نیم دار nim-dār: مصر. ایشله نن، گیلن
گیم.

نیمرخ nim-rox: ۱. مر. صوراتینگ

یاریسینی گؤرکزیان یارتی صؤرات.

نیم سوز nim-suz: مصر. یاری یانان.

نیو niw: ص. ۱. ییگیت، غیراتلی

قوجورلی، قوجورلی، ۲. ناو و ناودان

معنیده.

نیوشا niyuš-ā: مصر. فا. اشیدیان، قولاق

آسیان.

نیوشنده tniyušande: فا. قولاق

آسیان، اشیدیجی، دینگلیجی،

اشیدیان، دینگله یان.

نیوه tniwe: آغی، انگشه شیک، آغلاما،

نالا.



و we: عرب اليب بى نىنگ اوتوزىنجى

حرفى، ابجد حسابىندا (۶).

وابسته wābaste: ص. باغلى،

دگىشلى، باشقا بىرىنە باغلى بۇلان،

باشقا بىرى بىلە باغلانشىقلى و آرا

قاتناشىقلى بۇلان آدم، اۆنۇنگ

جمعى وابستگان (قارىنداشلار).

وابستگى: علاقه، ايقجاملىق،

باغلىلىق.

واپس twāpas: ص. ايز، سىرت، ايزا

كلمه

واپس رفتن wāpas-raftan: ايزه

گىتمك، ايزا اؤورولمك.

واپس آمدن wāpas-āmadan: ينه

اؤوروليپ كلمك.

واپسين wāpasin: آخرقى، سونگقى.

واثق twāseq: [فاع] مأكام، برک، قايم،

اينانيجى، بيل باغلايچى، اينام

بيلديريجى، اينانان.

واجب wājeb: ص. [ع] لازم، گرکلى

بۇلان، ضرور، بۇلان يرينه

يتيريلمەگى لازم و ترک اديلمەگى

گناهلى بۇلان نارسه لر.

واجد twājed: [فاع] تاپيچى، بارلى،

ایزارلایجی، قوریلی.

وارو wāru: ص. ۱. آغداریلان،

دونگدریلن، بیله‌سی بیلاک بۇلان ۲.

دونگدریلمه معنادا.

واژگون wāžgun: ص. واژگونه، باش

آشاق، ترسینه، دونگدریلن، «باژگون،

باژگونه و باشگونه و واژون و واژونه»

دیپیپده آیدیلیپدیر.

واسطه wāsete: ص. [ع] مؤنث واسط،

۱. آراچی، آزاده بۇلان آدم ۲. علت

سبب دیپی-ده آیدیارلار.

واصف twāsef: [فاع] وصف ادیجی،

تعریف لایجی، اوویجی.

واصل twāsel: [فاع] بیر زاده باغلی

بۇلان، بیر زات یا بیرری باشغا بیرینه

بیرریگن بۇلسۇن، یتیشن، قاویشان،

قاویشمه.

واضح wāzeh: ص. [ع] اشکار، آچیق،

آیدینگ، گورنوپ دوران، آپ اشکار.

واعظ twā'ez: [فاع] وعظ ادیجی،

اؤویت بریجی، نصیحت بریجی.

وافر wāfer: ص. [ع] ۱. کوپ، کان،

قوشنی ۲. اؤلچکلری-نینگ

بیری-نینگ آدی.

واحد wāhed: [ع] بیر، بیر، سانی، یکه.

واحه twāhe: [ع] چولده بۇلان

کیچی جک اوبه، بیابان‌ده بۇلان اوتلی،

سؤولی گینگ بیر بؤلک یر؛ واحات

جمع.

واخواست twāxāst: م. ص.

قارشیلیق، عیب‌لاما؛ بانک

آدالغاسینده برات بریلیمان

ساقلانماغی سبابلی واخواست

بؤلماق، ایزینا قایتماق.

وادار کردن wādār-kardan: م. ص.

مجبور اتمک، بیرینه بیر ایشی

زورلاپ اتدیرمک، حرکتک سالماق.

وارث wāres: [ع] میراث دوشر، ارث

آلیجی، بیریندن ارث آلیان، میراث

دوشیان آدم، ورثه و وراث جمع.

وارد twāred: [فاع] ۱. گیرجی

گیریان، یتیشن، گلیان مسافرتدان

گلیان، ۲. اؤکده معتادا.

وارسته wāraсте: ص. آزاد، گویدریلن،

بوشان، آزاد بۇلان، دینچ و اؤزارکینده

بۇلان.

واقع 'twāqe'. [فاع] ۱. هوادان آشاق

اینن، قرار تاپان، برک و قایم ۲.

ایشینگ حقیقتی معنیده.

واقعہ 'twāqe'e. [فاع] مؤنث واقع،

قویغین، اووه گلن، باشا دوشن، بیردن

تاپیلان واقا، بۆلن ایش، حادثه،

قیامت معناسینده هم گلیب دیر، واقا.

واقف 'twāqef'. [فاع] بیلجی و

خبردار بۆلۆپ دوران، خبرلی آگاه،

حرکتدن قالان، دوران.

واکنش 'twākoneş. مص. بیر آدمینگ

ایشینینگ یا حرکتینینگ ترسینه

آیری بیر آدمینگ ایدیان حرکتی یا

ایشی، (عکس العمل)، قارشى سینا

دورماقلیق.

واگیر 'wāgir. مص. یوقانچ کسل،

بیریندن باشغا بیرینه یوقۇشیان

کسل - بیماری.

واگیر 'wāgir. یوقانچ ناخوشلیق.

وال 'twāl. بالن.

وال 'twāl. بیر هیلی یوپک پارچا، والا و

واله هم آیدیلیپ دیر.

والا 'wālā. مص. یوقاری، بلند یوقاری

مرتبه‌لی، یوقار درجه‌لی.

والده 'wālede. [ع] مؤنث والد، انه،

اجه.

واله 'wāle. ص. [ع] قایغیلی، توقات‌لی،

آلجیرانگ، عشقا دوشن.

والی 'wāli. [ع] حاکم، قدرت و اختیار

ایه‌سی، استاندار واه جمع.

وام 'twām. قرض، برگی، بورج.

وامخواه 'wām-xāh. ص. باشغا

بیریندن پول قرض آلان، قرض آلان

آدامدن آلفی‌سینی ایسته‌یان آدم.

وامدار 'wām-dār. ص. برگیلی،

بورچلی.

وامق 'wāmeq. [ع] ۱. دوست، سوییان

عاشق ۲. عذرا آدلی قیزه عاشق بۆلن

یگیدینگ آدی، بو ایکی عاشق

معشوقینگ داستانی گوندوغار خلق

-لاری نینگ آراسیندا «داستان وامق و

عذرا» آدی بیلن تانیلیپ یایراپ

شهرات تاپیپ دیر.

واهمه 'wāheme. [ع] قورقی، تشویش

آدامینگ گوران و گورمه‌دیک یالان

یاشیریق ژادلاری نینگ گوز اؤنگونده

تصویرله نیپ قورق دوردیان

دوینی سی.

واهی wāhi: ص. [ع] سوس، پایه سیز،

پوچ، کونه، چویریک.

وباء twabā': [ع] مرگ میرلی کسل،

اؤلوم بیتیم لی خاستالیق، قیرھین.

وبال twabāl: [ع] قینچلیق، عذاب

عاقبتی تله که بۆلن یازیق.

وئوق wosuq: مص. [ع] برکلیک،

قایم لیق، اینام، خاطر جمع لیک،

بیرینه اینانماق، بیل باغلاماق، اعتماد

اتمک.

وثیقه twasiqe: ص. [ع] مؤنث وثیق ۱.

مأکام، برک، قایم ۲. اینانلیان زات

عهد نامه و گرو دیپ ده آیدیلیار،

وثایق جمع.

وجاهت wejāhat: مص. [ع] مقام لی،

عزت لی، حرمت لی، آبرایی و آچیق

یوزلی، گوزل لیک، آوادانلیق.

وجب twajab: قاریش، گول بی بی

بارماق بیله باشام بارماغینگ آرا

اؤلچگی.

وجد wajad: مص. [ع] بیرینی

سویمک، شادلیق، دوقی صفالیق.

وجدان wojdan: مص. [ع] نفس و

زانت و آدمینگ ایچگی گویچ

دوینی، ایچگی دوینی سی، شیله ده

آدمزاد شونونگ بیلن یاغشی یامانی

درک ادیب دوشونیار.

وجود wujud: [ع] ۱. بارلیق،

یوقلیغینگ ترسی ۲. گوره و بدن

معنادا.

وجوه wojuh: [ع] ۱. وجه لر، پول لر ۲.

یوزلر معنیده، وجوه جمع.

وحدانیت wahdāniyyat: ۱. [ع] (=

وحدانیه) یکه لیک، یالنگیزلیق،

تای سیزلیق، تآک لیک.

وحدت wahdat: [ع] یکه لیک،

بیر لیک، بیر بؤلماق.

وحش wahš: [ع] چول حیوانی، دوز

جانوری، وحشی حیوان، وحوش

جمع.

وحشت wahšat: [ع] خـوفلیق،

یکه لیک، قاینی، قورق و یکه لیکدن

یوروکه قورق گتیریلیب داریقما.

وحشت آور wahšat-āwar

ایمنجی، قورقینجلی.

یانگراماق، کوپ کیله مک،

وحشتناک wahšat-nāk الهنج،

ساقیرداماق.

قورقینج، حویلی، قورقیلی.

ورد tward. [ع] گل، قرمز گل.

وحی wahi: [ع] خدای تعالی

ورد twerd. [ع] دعا، آلقیش، گیجه

طرفیندان پیغمبره بۆلان الهام، ام و
اشاره و سارغیت.

گوندیزده انسانینگ اوقامالی

قرآنی نینگ بیر بوله گی، اوراد جمع.

وخامت waxāmat: [ع] قینلیق،

ورز warz: ا. مص. ایش، کسب،

اکرانچیلیق.

قینچیلیق، اونگیشماسیزلیق،

ورزش twarzeš. مص. ورزش اتمه،

پیسرلیک، و طعامینگ و یا مکانینگ

اندیک اتمه، عادت و اندیک اوچین بیر

قاوی بۆلماسیزلیغی، جانینگا

ایشی ایزی گیدرلی اتمک، بدن

یارامازلیغی، و هیم لی.

عصبلا رینی و عضولارینی

وخیم waxim: ص. [ع] قاتی، قین،

گویچ لندیرمک اوچین ایزی گیدرلی

آغیر، اونگوشارلی بولمادیق، توفیق

حرکت اتدیرمک، بدن ساغلیغی

تایمادیق کیشی.

وداع wedā': [ع] خوشلاشماق، خوشلاشیق. اوچین یکه لیکده یا کوپ چیلیک لین

یرینه یتیریلیان بدن حرکت لری، بدن

ودیعه wadi'e: [ع] مؤنث و دیع،

تربیه سی.

تابشیریلان، بیرینه تابشیرلان مال،

ورشکستن war-šekastan: مص.

بیری نینگ النده قوییلان مال ماتا،

ورشکسته بۆلماق، شکست ایتمک،

ودائع جمع.

زیان گورمک، تجارت ده زیان چکمک.

وراثت werāsat: مص. [ع] میراث

ورشکسته war-šekaste: تجارت

آلماق، اولن کیشی دن چاغالارینا

آلیش بریشده کوپ زیان گوروپ

قالان زات.

برگینگ آشاغینا گیرمک لیک.

وراجی کردن werrāji-kardan:

ورم waram: [ع] چیش، چیشمه،

قابارما، انداما ضربا یتیب یا باشغا
ناخوشلیق دن قابارماق لیق.

وزش twazeš: مص. وزیدن: اوسمک،

یل دوشمک، یل اؤسمک.

وزن wazn: مص. [ع] اؤلجه مک، بیر

زادینگ آغرامی، سالدام.

وزیدن wazidan: مص. اوسمک، یل

دوشمک، یلینگ یا شمالینگ
اوسمه گی، یل تورماق.

وزیر wazir: [ع] وزارت خانانینگ

باشلیفی، وزیر، مینیستر.

وزین wazin: [ع] آغیر، بهاء، آغراس،

سالدام

وسائط wesā'at: [ع] واسطه لر،

آراچی لر، آرا دوشن لر، سببلر،

علت لر، سباب لار، وسیله لر، جمع

واسطه و وسیطه.

وسائل wasā'el: [ع] وسیله لر، آفاق

اولاغ لار، شای لر، اسباب لار، جمع

وسيله.

وساطت wasātat: مص. [ع] آرا

دوشمک، آراچی بولماق.

وسط wasat: [ع] اورتا، آرا، بیر زادینگ

اورتاسی، اوساط جمع.

وسطی wosta: ص. [ع] مؤنث اوسط:

آرا، اورتا.

وسعت wos'at: [ع] گینگ لیک،

اوسیش، جاینگ میدانینگ

گینگ لیگی، یایبانگ لیمی، گینگش لیک

وسواس waswās: [ع] یوره گه دوشن

اریت اوی، فکر، انته شه، یکی
گونگلی لیک، شیطانی فکر.

وسوسه waswase: [ع] واسواسالیق،

حوصله دوشمک، اربت اویلانماق،

انسانینگ یوره گینده تاپیلیان تله که

اریت فکر، شیطانی قوزغالانگ.

وسیع wasi': [ع] اوسیش، گینگ،

یایراب یاتان، یایبانگ، ایمقر.

وسيله wasile: [ع] سبب، توتاریق

شونینگ بیلن باشغا بیرینه یاقینلیق

تاپیلیان زات، وسائل جمع.

وش twaš: ۱. هوزه، هوزده پامیق و

پامیق دانه سی ۲. یوپکدن دوقالان

بیر هیلی پارچه.

وصاف wassāf: [ع] وصف ادیجی ۱.

تعریف لایجی، وصفی حالینی بیان
 ایدیان عارف ۲. طیب، پز شک معنادا.
وصال wesāl: [ع] بیریمک، بیر
 بیرینه یتیشمک، بیر بیرینه
 قاویشماق، دوشوشماق.

وصایا wasāyā: [ع] جمع وصیت:
 وصیتلر.

وصف wasf: مص. [ع] تارپیلاماق،
 صفتنی آیتماق، بیر زادینگ و یا
 بیرینینگ دورمیشینی و یا یاغداینی
 بیان اتمک دورمیشی و یاغداینی
 آیتماق وصف اتمک، اومک.

وصل wasl: مص. [ع] سېله مک،
 بیریمک، بیر بیرینگه ساپماق،
 باغلاماق.

وصله wasle: یاما، اوروندی.
وصله دار wasle-dār: یامالی، یاما
 -یاما، یاماقلی.

وصله دوز wasle-duz: یاما یامایان،
 یاماتچی.

وصول wosul: مص. [ع] یتیشمک،
 یتمک، اله گتیرمک، بیریندان بیر زات
 یا پول آلماق.

وصیت twasi'at: [ع] اؤویت
 نصیحت، تابشیرغی، اولمه زیندن
 اونگ آدمینگ آیدانی اتجک آدما
 وصیت اتمک، وصیتنگ آیتماق،
 آدمینگ اولندن سؤنگ ایدلمه لی
 ایشینینگ تابشیرغی سی.

وضو wozu: مص. [ع] نماز اوچین
 طهارت قیلماق، ال آیاق یووماق
 پاکلنمک، وضو، طارت.

وضوح wozuh: مص. [ع] آشکار
 بولماق، آپ آشکار بولماق، تاپیلماق،
 آچیق لانماق، آیدینگ لبق.

وطن twatan: [ع] آدامینگ دوغوب
 اونیپ اوسن و یاشان یری، میهن،
 یورت، وطن.

وظیفه wazife: [ع] بورچ، گونده کی،
 جیره، ایرسفال، ایدلمه لی قوللیق،
 آدما بیتیرلمه کی تکلیف بۇلان
 ایش، وظائف جمع.

وعظ wa'z: مص. [ع] اؤویت برمک،
 نصیحت اتمک، اؤویت، نصیحت،
 اوندانو.

وفاء wafa': مص. [ع] سؤزونگده

تاپیلماق، وعدانگی یرینه یتیرمک،

وعدانگده دورماق، ادن شرطینگده

تاپیلماق، عهد و پیمان ساقلاماق،

دوستلیغی برکیتمک.

وفات wafāt: [ع] مرگ، الوم، یوغالما،

اولمه، وفیات جمع.

وفق wefq: مص. [ع] یاراشیقلى و

اونگیشماقلىق، ایکی زادی بیر بیرینه

درنگاب گورمک؛ وفق دادن: دوز-دنگ

گتیرمک، ایلا لاشدیرماق.

وفور wofur: مص. [ع] کوپ بۇلماق،

زیاد بۇلماق، کانلیک، کۇپلوک.

وفادار wafādar: ص. مر. وفالى،

سوزینده دوریان، یاران، وفالى بولان.

وقاحت weqāhat: مص. [ع]

بى-حیالیق، حیا سیزلیق، ادب

سیزلیک، اوتانچ سیزلیق، وجررا،

کأس، سوووجیق.

وقار waqār: مص. [ع] یواشلیق،

صبرلى لیق، آغراشلیق، اولۇلیق،

صبرلى بۇلماق، سیکین لیکه آغراس لیق.

وقائع waqā'e: وقایع - [ع] حادثه لر،

آسیبلار، باشدن گچن لر، اۇرۇشدان

یتن صدمه لان، جمع وقیعه.

وقت twaqt: [ع] بیر آز پله زماندن بیر

آن، بیر مقدار زمان، وقت، اوقات جمع.

وقف waqf: مص. [ع] ۱. دورماق

گوزلاب دوران وقتینگ بیر از

کودگریب یانگادان باشلاماق ۲. بیرى

مالیندن بۇلوپ کوپونگ خیرینه

برمک.

وقفه twaqfe: [ع] بیر گزک دورماق،

ساقلاماق، کودگریمک، شبهه و

شک.

وقیح waqih: ص. [ع] شرم سیزلیک،

حیا سیزلیق، بی حیالیق.

وکالت tweekālat: مص. [ع]

وکیل چیلیک، بیرینه بیر ایشی

اینانیب برمک.

وکیل twakil: [ع] وکیل، قوییلان،

باشغا بیرى نینگ طارافیندان بیر

ایشه بلله نن آدم، بیر حزینگ یا بیر

کوپچیلیگینگ طارافیندن بلله نیلن

آدم، وکلاء جمع.

ول wel: ص. آزاد، ارکلى، گویریلن.

ول کردن wel-kardan: آزاد اتمک،

بوشاتماق، گوييرمک.

ولو welow:ص. آزاد، بوش، پتيران،

ولادت welādat: مـص. [ع]

چاشغين، سرلمه.

دوغورماق، دوغولوش، دوغولماق،

ولى wali: اونگه گورا، شيله ده، ولى،

دوغوش، دوغولان وقتينگ.

ليكن، اما.

ولايت welāyat: [ع] يورتدا بير

ولى wali: [ع] ۱. دوست گوريان،

والى نينگ حکم سوريان يرلرى،

ياغشى گوريان، ياردام و مدد اديجى،

جغرافيا آدالفاسينده استانينگ -

باشغا بيرى نينگ ايشنى بويون آلان

اياتينگ بير ناچه شهرلريندن و

آدم ۲. خدای تعالى غا مقرب ياقين

اوبالاريندان عبارت بولان یرى

بندهسى، اولياء جمع، کراماتلى،

بۆلگى، حاضرکى وقتده استان

ولى الله waliolāh:ص. [ع] خدايینگ

ديييليار، ولايات جمع.

دوستى، خدايا ياقين اولياء.

ولايت welāyat: [ع] ۱. حکومت

وهاب wahāb:ص. [ع] قاتى ساخى،

اتمک، حاکمليک اتمک، پادشاهليق و

جومات، خدای تعالى نينگ

حکم سوروليان یرى ۲. دوست

آدلارى نينگ بيرى.

ساقلاماقلیق، قارينداشليق معنيده.

وهله twahle: [ع] بير زادينگ باشى،

ولد twald: [ع] فرزند، چاغا، اولاد

هر زادينگ اولى، هر زادينگ

جمع.

ايلکينجىسى.

ولدالزنا wald-oz-zanā: [ع]

وهم wahn: مـص. [ع] يورکده بۇلۇپ

حرامزاده، حرام سیدیکدن اونن

گچيان دوينى، هيچ هيلي ارک و

اوغول قيز.

نيت سيز بير زادی خيال اتمک، گمان،

ولگرد welgard:ص. فا. ساللاخ، بيکار،

خيال اوهام جمع.

هرزه، يونه ايغيب گزيب يوران،

ويترين twitrin: [فر] آينهلى جمبه،

سلكى.

شيشهلى قفسه.

- ویر twir. ۱. یادکشلیک، دوشینجه
 هوش ۲. وای و ویل، ناله و قیقیلیق
 معنیده.
- ویران wirān. ص. خراب، بی باد،
 ییقیق، وارخام تارخام، درسی داغین،
 بوزوقلیق، بوزوق چیلیق.
- ویرانه wirāne. ییقیق یومریق، یقان
 یومری.
- ویرگول twil-gul. [فر] بو بلگی (۱)
 سۆزلیک لرینگ آراسیندا آراسینی
 آچماق اوچین قویولیان علامت بلگی.
- ویزیت twizit. [فر] گورمک،
 دوشیشماق، ساتاشماق، ناخوشی
 سورماق.
- ویژه wiژه. ص. یوریته، ایراتین،
 مخصوص، الین، سایلانان بیژه و
 آویژه دییپ-ده آیدیلیپ دیر.
- ویس twis. [ع] درویشلیک ۲.
- ایسلگ، مطلوب و انسانینگ
 ایسته یان زادی.
- ویل twayl. مص. [ع] ۱. تله که لیگینگ
 و شرینگ یتیشمه گی، قین چیلیق،
 هلاک، مصیبت ۲. وای سانگا معنیده
 بؤلۆپ نفرین، قارغیش ۳. جهنم ده
 بیر قوی آدی.
- ویل twil. ینگیش، اۆستون لیک،
 همه دن اونگ بیر زادی اله گتیرمک.
- ویلا wilā. ۱. [فر] بیلاغی اؤی، بیلاغی
 کۆشک.
- ویلان weylān. ص. آلجرانگ،
 سرگزدان، چاشغین، گمراه و باشی
 چاشان، دریدر.
- ویولون twiyolon. [فر] کیریشلی
 ساز قورال لاری نینگ بیرى نینگ آدی،
 سسی قیجاغینگ سسینه منگزش
 ساز.



ه he: فارس الیب بى نینگ اوتوز
بیرینجی حرفى نینگ آدى، ابجد
حسابیندا (۵).

ها hā: جواب سۆزى، بلى، هاوا.
ها hā: «-لار، -لر» (جمع علامتى
جان سیز زات لاردا)؛ مثال: «سنگ ها/
داش لار»، «خانه ها/ اوى لر».

هاتف thātef: [فاع] آواز بریجى،
سس ادیجى، قیقیلیق ایدیان، سسى
اشیدیلیپ اۇزى گۆرونمه یان.

هاجر thājar: [فاع] جدالیق ادیجى،

لايق و اوستم اۇز جنسیندن آرتیقماچ،
بیله کیلردن آرتیقماچ بۇلان،
اۇزگه لردان قاوی راق بۇلان.

هادم thādem: [فاع] بوزوق چى،
جایی بى باد ادیجى، خراب ادیجى،
بنانى و جایى ویران ایدیان.

هادى thādi: [فاع] دوغرى غا
گونیکدیریان، دوغرى یوله اکیدیان،
یول سالغى بریان هدايت ایدیان، هداه
جمع.

هار hār: ۱. ۱. مرواریدینگ باغى، یوپه

دوزوپ گردنہ داقیلیان لعل، یاقوت
یالی یوپہ دوزولیان بهالی داشلاردان
گردن بندہ ۲. بویوندن آسیلیان و
بویون دییپ-دہ آیدیلیپ دیر.

ھار hār: [ع] قودوز ایت، قودوزلان ایت،
قودوز ایت ھر کیمی یارسہ اونونگ
میکروبی یاران آدامسینا یوقوشیپ
اونی دا قودوزلادیار.

ھاروت hārut: ۱. [ع] فرشتہ نینگ
آدی ینہ بیر فرشتہ بار اول ھر ماروت،
بابل چایینا باش آشاق ساللانیپ
قویلان.

ھارون hārūn: ۱. [ع] حضرت
موسی نینگ دوغانی نینگ آدی،
فارسچا ساقجی، قافیچی و یومیش
اوغلان ساوچی و قاصد دییپ-دہ
آیدیلیپ دیر.

ھاشم thāšēm: [فاع] ۱. آورادیجی،
دوویجی، چۆرہ گی دواجہ سالیپ
دویان ۲. عمرو عمروالعلی عبد
مناف نینگ اوغلی حضرت رسولینگ
جدی دییپ آیدیلیار.

ھاضمہ thāzeme: [فاع] مونث

ھاضم، سینگدیریان، جھاز ھاضمہ
آغیز، قیزیل اؤدک، قارین آش قازان، و
ایچہ گہ لردن عبارت، اییمتی معدہ
یومشادیپ سینگدیریان اعضاء.

ھالو hālu: ص.ل. سادہ کۆنگول، مون
یورک، اینانجانگ.

ھامون hāmūn: چول، تکیز یر.

ھامی hāmi: ص. حیران، سرگزدان،
چاشغین، باشی آیلانان، آلجرانگ.

ھاون thāwan: دووچ، سوقی.

ھاویہ thāwiye: [ع] ھاویہ، دوزخ،
جہنم، تامی، تموغ.

ھای ھوی hāy-huy: قیقیلیق، قیق
چیق، شاغلانگ.

ھوبوب hobub: مص. [ع] اؤسمک، یل
اؤسمک.

ھتک hatk: مص. [ع] ۱. پردانی
بیرتمک، پردانی جاینندان چکمک و
قوفارماق ۲. بیرینی رسوا و بی آبرای
اتمک.

ھتل thotel: فر میخمانخانہ، میخمان
اوی.

ھجا hejā: مص. [ع] ۱. سؤومک،

سوگمگ بیرینینگ عیبینی ساناماق

۲. حرفلاری آستین اۆستونلی

هتجکله مک. حروف هجاء: الف

بی نینگ اولیندن آخرینه تهجی

دیپ-ده آیدیلیار.

هجر hejr: مص. [ع] داشلیق، جدالیق،

آیرالیق، بیریندن جدا دوشمکلیک.

هجران hejran: مص. [ع] جدالیق

اتمک، آرانی آچماق، دوست یاردان

داش دوشمکلیک. آیرالیق. هجران

هجرت thejrat: مص. [ع] | هجره.

وطن دان داش دوشمک، وطنینگدان

گوچیپ باشغا بیر یره گیتمک، بیر

شهردن باشغا شهره گیدیپ و شول

یرده وطن توتماق و مسلمانلارینگ

تاریخی نینگ باشی بولمالی، شول

ییل حضرت رسول اکرم مکه دن مدینا

هجرت ادیب دیر میلادی حسابی

بۇیۇنچا ۶۲۲-نجی ییلىنه قابات

گلیار، هجری یغمبریمیزیگ

هجرتینه دگیشلی، هجری ییلی

دییلیار.

هجو hajw: مص. [ع] ایزیندان

يامانلاماق، بیرى نینگ عیبىنى آیتماق،

فاش اتمک، عیبىنى آچماق.

هجوم hojum: مص. [ع] دويدانسیز

چوزیش اتمک، توتاندن حمله اتمک،

دوفولیش، دوفولماق، اؤقداریلماق.

هجیر hajir: [ع] اوپله، گون اورتا،

قاتی ایسیسی، اوپله وقتی گون اورتان

ایسیسی سی.

هدایا hadāyā: [ع] سوغات، سریای،

سیلاغ، سوغاتلار.

هدایت hedayyat: مص. [ع]

اوغریقدیрма، هدایت اتمک، یول

گورکزمک، دوغری یول گورکزمک،

دوغری یوله گونیکدیرمک، گوزونی

آچماق.

هدر hadar: مص. [ع] باطل بۇلماق.

ضایع بۇلماق، بیدرک، بی صرفه توتولان.

هدف thadaf: [ع] مقصد، بلگی، نیت،

نشانه سی، اهداف جمع.

هدهد hod-hod: [ع] هدهد، هوک

هوک، اوتاغالی قوش، سلیمانینگ

تاوغی، قیزلار قوش، پوپ و پوپک.

هدی thodā: [ع] دوغری لیق، دوغری

هرج و مرج harj-o-marj:

بولاغایچیلیق، قاتیشیقلیق،
دۆزگون سیزلیک، دوکوم ساجیملیق،
باش سیز بارات.

هرچند har-čand: ق. هر ناچه، هر
قدر.

هرچه har-če: هر نامه، هر هیللی.

هرروز har-ruz: گون سایین، هر گون.

هرزگی har-zegi: سامراب یورمک،
تله که ایشده بولماق، یاراماز ایشلر
بیلن گزمک، یازاماز ایشلر بیلن
مشغول بولماق، لولی لیق.

هرزه harz-(e): ص. بیهوده،

بیکار، ساللاخ، وجرآ، پوتور، کاس،
لاوزا، بولفی سیز.

هرزه گرد harze-gard: ص. فا. آواره،

ایقلاب یوران، ساللاخ، بیهوده آیلانیب
یوران، سلکی.

هرکجا har-kojā: ق. هر یرده، هر
جایدا.

هرگاه har-gāh: ف. ۱. هر وقت، هر

هاچان، هر زمان ۲. شرط سوژی،
اگر ده، شيله ده.

یول گورکزملیک، گۆنی یول.

هدی thadi: [ع] قربانلیق، قوینی نی
مکه ایبرمک حاجی لار دویا یا قویونی
مکه ده قربانلیق اتمگی.

هدیه thadye: [ع] ساوغات، سرپای،
هدایا جمع.

هذا hāzā: [ع] عرب دیلینده «شو»،
«بو» دیدیگی.

هذیان hazyān: مص. [ع] اوقیده یا
دیشده هاوایی گورله مک، پوچ کپ
بیهوده کپ سامراماق، آغزا گلینی
سامراماق، باسیرغانیب گپله مک،
ساماسا اولماق.

هراس tharās: مص. قورقی، خوف.
هراساندن harāsāndan: مص.

قورقیزماق، خوف اتدیرمک،
اویشندیرمک.

هراسیدن harāsīdan: مص. ل.
قورقماق، خوف اتمک.

هرج harj: مص. [ع] فتنه،
بولاغایچیلیق، دوشماق.

هرجائی har-jā'i: ص. آواره، سرگردان،
ساللاخ، هرزه، آالجیرانگ، بی پیار.

هرگز chargez ق. ۱. هيچ وقت، ابدًا،

اصلا، معنیده ۲. هميشه، ايزی

گيدرلی ديپ-ده آيدیلیپ دير.

هزار hezār: مونگ، مونگ

سانی (۱۰۰۰).

هزار افشان hezār-afšān: آندیز

(اوتونگ آدی). آندیزلی اویده آط

اولمز (نقلی).

هزارپا thezār-pā. قیرق آياق، بدنی

کوب خلقلاردان دوزیلن هر حلقه دن

ایکی آياغی بؤلمالی و اوزین لیغی اون

سانتیمتره یتیان ساری رنگکده بؤلان

موجه جک، قولاق گیرجی.

هزار چشمه thezār-češme. مر.

سرطان کسلی، قیل بوقیرداق کسلی،

هووره کسل.

هزاره hezare: ۱. مونگه باغلی

بؤلان، مونگینجی، مونگلنجی، بیر

گورنیکلی آدمینگ دوغیلان یا آرادان

چیقان گونی نینگ مونگینجی ییلی

مناسبتلی گچیریلیان دابارالی

ییفناق لار، مراسملار، مونگ ییل لیلیق

دوره، ۲. افغانستانده بؤلان بیر

طایفانینگ آدی، اول طایفه کویلنچ

هزارجات داغلارینده یاشاماق لاری

اوچین هزاره دیلیار.

هزل hazl: [ع] شورته سؤز، دگیشمک،

شوخی، اویون اتمک، دگیشمه کپ،

چین لاقای بؤلما دیق سؤز بیهوده

سؤز.

هزیل hazil: ص. [ع] آردیق، هور.

هزینه hazine: ۱. خرج، چیقداجی.

هست hast: ۱. مص. بار، بارلیق.

هسته haste: ۱. شانیک، اریک شفتالی

و ش. م. لرینگ شانیکگی.

هستی hasti: ۱. مص. ۱. بؤلماق، بارلیق،

۲. بایلیق و سرمایه دیپ-ده

آیدیلیار.

هشام thešām: [ع] باغیشلاما،

سخی لیق، جوماردلیق، جومارد.

هشت hašt: ۱. سان. سکیز «۸».

هشتاد hašt-ād: ۱. سان. «۸۰».

هشتصد hašt-sad: ۱. سان. «۸۰۰».

هشتم hašt-om: ۱. سان. سکیزینجی.

هشيار hoš-yār: ص. پایخاسلی،

فراستلی، ذهینلی، زرنگ، بیلجی،



اوقیپلی.

شاهنامه نینگ داستانلاری نینگ

بیری، اول رستمینگ مازندران

سفریندا باشیندا گچن گونلری،

کیکاوس مازندراندا بندى بولاندا

رستم اونى آزاد اتمک اوچین یولدا

بارشینا کۆپ مشقتلار سزاوار بولیار

یعنى یدی مهم واقا اونگا دوش گلیار،

اولاردان رستم ساغ آمان گچیپ

اولاری ینگپ، شیله لیک بیلن هفت

خوان نقلی شو واقادان سونگ، بیزه

نقل بولوپ قالیار.

هفته .thaftē یدی گون، شنبه،

یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه،

چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه.

هفده thefdh و یدی (۱۷).

هکتار thektār. مر. اون مونگ متر

مریعدن عبارت بۇلان اۆلچک.

هلاک .halāk: مص. [ع] یوغالمق، بیر

اتفاق بیله اولمک، بیر بولار بۇلماز

ایش بیله اولمک.

هلال .thelāl: [ع] تازه دوغان آی،

آیینگ اۆلقی گونوندن اوچ گونه

چنلی یای صورتدا بۇلۇپ گۆرونیار.

هضم hazm: مص. [ع] ۱. آش قازاندا

اییمیت سینگمک، اورناماق ۲.

دؤومک و ستم اتمک معنیده.

هفتاد .thaftād. یتمیش (۷۰).

هفت اقلیم haft-eqlim: ۱. مر. یدی

یورت، کنایه سۆزوندن اوزال یرینگ

یوزینداکی بوتین یوردلری یدی

اقلیما بولیار اکنلر.

هفت اندام haft-andām: ۱. مر.

آدامینگ اندامینینگ یدی بوله گی

باش، قورساق، قارین ایکی ال ایکی

آباق دان عبارت.

هفت برادران haft-barādarān: ۱.

مر. یدی ییلدیز، یدی گن، هفت اورنگ

دیپ-ده آیدیلیار.

هفت تیر haft-tir: ۱. مر. ایچینده یدی

اوق جایلاشیان کیچی یاراغ.

هفت خزینه haft-xazine: ۱. مر. کنایه

سۆزی اون ایکی اندام مغز، یورک،

معد، باغیر، اویکن، یوورک اؤدن

عبارت.

هفت خوان haft-xān: ۱. مر. هفتخان،

هلو holu: ۱. شفتالی نینگ هیلیندن

بۇلان اما اوندان اولى راق سۇولى و

سويجى راک ميوه.

هم آواز ham-āwāz: ص. آهنگدش،

هنگدش.

همان hamān: ق. شول، اول، داش يره

اشاره.

همانا hamānā: ق. نيغتاماق حقدە هم

گليار يالى منگزش، اوغشاش.

هما homā: ۱. (= هماي) قاوى قوش،

بورکيت تاويره قوش اييمتى سونگک

بۇلمالى، شيله روابت اديارلر اول

قوشينگ سايه سى هر کمينگ

اوستينه دوشسه، اولى بخته يتيار

ميشين ديپ آيديليار.

همانند hamanand: ص. بيله

منگزش، بيريرى بيله منگزه، بيله

منگزش ليک.

همايون homāyun: ص. قوتلى،

مبارک، بختلى.

همايون thomāyun: ايرانى

سازلرينگ بيرى نينگ آدى.

همبازى ham-bāzi: ص. بيله

اوينايان، اويون داش.

همپايه ham-pāye: ص. بيرى بيله بير

درجده و اورونده بۇلان آدم.

هم پيشه ham-piše: ص. ايشديش،

کاردش، ايشى بيله بولانلار.

هم پيمان ham-peymān: ص. پيمان

دش، بيله عهد باغلاشان، بيله قرار

ادن.

همت themat: [ع] قصد، نيت، تقلا،

قوجير، غايرات، خوش نيت لى ليک.

همتا hamtā: ص. شريک، شارک،

اورتاق، دنگ، برابر، عيال آر.

همجوار ham-jawār: ص. فا.

همسايه، قونگشى.

هم چشم ham-češm: ص. رقيب،

حريف، بيرى بيله بير ايشده

باسداشليک اديان، باسديش.

هم چشمى ham-češmi: منجه-

شیک ليک، شاوريق، شاشاو.

همچنين ham-čenin: ق. شونينگ

يالى، شيله، شونگا منگزش.

همخواب ham-xāb: ص. (=)

همخوابه) اري بيلن بير دوشکده



یاتیان عیال، بیله یاتیان،
یاسسیق داش.

ھمدرد hamdard: ص. درد ددش،
دردلری بیله بولوپ غم و غصه لارینی
پایلاشیان.

ھمدست ham-dast: ص. اورتاق،
یولداش، بیرری بیرری نینگ کمگی بیلن
ایشله یان آدم لار، الی بیر ایشده بۇلان
آدم لار، کاردش، ایشدش، دوست یار.
ھمدام ham-dam: ص. یولداش،
صحبت ددش، سیرداش، گورینگداش.

ھمراز ham-rāz: ص. سرداش، درد
دش، ھمراق، بیرری بیرری بیله یاشیر
یوشیر سۆزی بۇلما دیق.

ھمراه ham-rāh: ص. یولداش، دوست
یار، بیله سفره گیدیان.

ھمرنگ ham-rang: ص. منگزش،
ایکی زادینگ بیر ارنگده بۇلماغی،
رنگ دیش.

ھمزلف ham-zolf: ی. باجا، عیال
لاری دوغان بۇلان

ھمزستی t. ham-zisti: ص. ۱. بیله
یاشاماق، ایکی یۆردینگ آدم لاری.

بیری بیرری نینگ اقتصادی، سیاسی،
کمگی بیلن ایلا لاشیب یاشاماق لاری
۲. اوت تانیجی لیقدا اوسوملیگینگ
یاشا یشده اورتاق بۇلماق لیغی.

ھمسال ham-sāl: ص. یاشداش،
یاشی بیله بۇلان آدم لار.

ھمسایه ham-sāye: ص. قونگشی،
یاناشیق، یانتاشیق.

ھمسر ham-sar: ص. ۱. دنگ، برابر،
قدر و مرتبه لری دنگ بۇلان، ۲. ار،
هلی معنیده.

ھمشهری ham-šahri: ص. بیر
شهرده بیله یاشایان لار، شهر ددش،
اوباداش، ایلدش.

ھمشیره ham-šire: ا. ص. قیز دوغان،
بیر امجکدن سوید امن ایکی چاغا.

ھمکار ham-kār: ص. ایشدش،
کاردش، ایشی بیله بۇلان، بیر ایشده
بۇلان ایکی آدم، ایشی بیر بۇلان

ھمکاری ham-kāri: بیله ایشلایان،
ایشده بیرری بیرینه کمک ایدیان،
ایش دیشلیک.

ھمکام ham-kām: ص. آرزوسی بیله

بۇلان، ايکى آدمينگ مقصدى بير
بۇلان، مقصددش.

همکيش ham-kiš: ص. مذهبدهش،
بير دينده بير مذهبده بۇلان ايکى
آدم.

همگام ham-gām: ص. قېدم دش،
آرديم دش، همراه، يۇلداش.

همگان hamegān: همەسى، اهلى
جمعى.

همگى hamegi: ق. هممه، بوتين،
اهلى.

همنام ham-nām: آدداش، آدى بير
بۇلان، آدلارى بير بۇلان ايکى يا بير
ناچه آدم لار.

همنشين ham-nešin: ص. بيله
اۆتۈرپ تورشيان، صحبتدهش،
گوررينگ دش، دوست، يار، بيله
اۆتۈرپ تورشيان.

هم نمک ham-namak: ک. بيله دوز
چورک ايين، ايکى و يا ناچا آدم.

هموار ham-wār: ص. مناسيب، تکيز،
صاف، دوز.

همواره ham-wāre: ق. هميشه،

المدام، ايزى گيدرلى، ايزلى ايزينا،
زول.

همه hame: ق. تمام، بوتين، همه.
همه کاره hame-kāre: ص. هر بير
ايش اليندن گليان، هر ايشه
اوکدهليگى بۇلان.

همهمه hamhame: ا. [ع] آدم
حيوانينگ قاتيشيقلى سسرلىرى،
حيوان و انسانينگ سسرلىرى.

هميشه hamiše: ق. مداما، ايزى
گيدرلى، هميشه، زول، يالانگ، المدام.
هميشه بهار hamiše-bahār: ا. مر.
سارى رنگده بۇلان گل، بوتين
توميسدا گلله يار، قيشده هم گوک.

همين hamin: شونونگ اۋزى، شوى.
هندوانه hendewāne: ق. ص. قارفيز.
هندوانه ابوجهل: آجى قارپيز.

هندى hendi: ص. ن. هندلى، هندلا
باغلى بۇلان، هندوستانلى.

هنر honar: ا. صونغات، پيشه، هونار.
هنرآموز thonar-āmuz: ص. هنر
اۋورنيان، هنرستانينگ شاگيردى.

هنرپیشه thonar-piše: ص. هنرمند،



سازده نقاشی ده تئاترده استادلیغی
بۇلان، آرتیست.

هنرمند honar-mand: ص. هنرلی،
هنارلی، آرتیست.

هنرور honar-war: ص. هنرلی بۇلان،
هنرمند، هنرلی.

هنگ thang. زور، گویچ، قدرت،
آغیرلیق، آغراس، آغرام، هوش،
دوشونجه، قصد.

هنگ thang. بۇلک، تۇپار، طایفه، اوچ
گرداندن عبارت بۇلان قوشون
بۇلومی، بوله کی.

هنگام thangām. دوور، ایام، دوران،
زمان، فصل.

هنگفت hengoft: ص. یوغین،
قالینک، کوپ، کان.

هنوز hanuz: ق. هنیز، شو وقته
چنلی، شومحاله چنلی، انتک.

هوا thawā. [ع] آرزو، میل ایسلک،
اهواء جمع.

هواپما hawā-pymā: ا. مر. اوچیان،
اوچاق، بالون.

هواخواه hawā-xāh: ص. [فاع]

حمایتچی طرفدار، یاردامچی،
کمکچی، باشغا بیرینی قولدایان.

هواری thawāri. اولی چادر، بارگاه.
هواء thawā' رنگ سیز گاز اکسیژن،

ازت، بوغ و گاز کربنیک و ایلاکی گازلر
بیله یر یوزونی تۇتۇپ دوران اما گوزه
گورونمهیار. دینگه ورزش ادیلنده
باردینی دویلیار.

هور thur. ۱. گون، گونش ۲. ییلدیز،
بخت و طالع دییپ-ده آیدیلیپ دیر.

هورا thurā. [فر] شادلیق شاغلانک.
هوس thawas. [ع] بیر هیلی

ییلدیرگه مک، ینگیللیک، عقل
ینگیللیک، خوابیش، هوس، میل،
اۇرج.

هوش thuš. عقل، دوشونجه،
دوشنوم، بیلگی، ذهن، فهم، جان.

هوش huš: ا. مرگ، اولوم، هلاک.
هوشیار hušyār: ص. هوشلی، زرنک،

دانا، آگاه، هوشکار.

هولناک hol-nāk: ص. [ع] آییلغانچ
خطرلی، خوفلی، قورقینچلی،

آدمینگ اونی گورنده ایمنیان زادی.

هوو huw: ۱. بیر اری بۆلن یکی عیال،
بیر ارلی یکی عیال.

هویت howiyat: [ع] آدمینک

بولیشی، دورمیشی، شخصیت یا
آیری بیر زادینک حقیقتی و مایه‌سی
بارلیق و بولیش.

هویج thawij. کاشیر.

هویدا howeydā: ص. گورنیب دوران،
اشکار، آچیق، آیدینک.

هیئت hey'at: [ع] ۱. بیر زادینک

یاغدایی و دورمیشی، بیر زادینک
دورموشی، یاغدایی، گورنوشی، شکل
۲. بیر بۆلک آدم معنیده، هیئات جمع.

هیاھو thayāhu. غوغا، قیقیلیق،
جنجل، قیق چیق، داد بیداد.

هیبت theybat: [ع] قورقی، قورقنچ،
اؤلؤلوق، هایبات.

هیجان hayejān: [ع] مـص. ۱.

تولقینماق، قالاغوپلیق،
جوشغونلیق، اوجیگمک، لرزانہ
دوشمک، جوشما، قالا قویلی یاغدایا
سالماق.

هیج hič: ص. ۱. یوقلیق، از ۲. بیهوده
و آز انتک معنیده ۳. ایچ دییپ-ده
آیدیلیار.

هیراد heyrad: ص. خوش اخلاق آدم،
آچیق یوزلی، گولر یوزلی.

هیربد thir-bod. زرتشت دینی نینگ
یولباشچی‌سی، زرتشتی مذهبینک

قاضی‌سی و رهبری.

هیز hiz: ص. مخنث، تله‌که، حیاسیز،
اوتانچ‌سیز، لاوزا، سوومسیز.

هیزم hizom: اودون.

هیزم‌کش hizom-keš: ص.

اودون‌چی، اودون گترب ساتیان.

هیکل heykal: [ع] بیک جای، یوغین

آغاچ، یوغین حیوان یا آدم، آدمینک

پیکری، یوزی و اندامی فارسچا

مجسمه بت خانه معنادا آیدیلیپ

دیر هیاکل جمع.

هیهات heyhāt: [ع] ۱. فعل آدی،

یعنی داش دیر ۲. دیدیگی فارسچا:

اوکونچ، حسرت، آرمان و داروغا

معنالاردا.



یاب yāb: بیر یۆز بیلن گلنده تاپیجی، تاپیلیان معنادا کلیار، مثلاً: کمیاب - آز تاپیلیان زات، یاب، یافتن تاپماق. یابنده yābende: ا. فا. تاپماق، تاپیجی. یابو tyābu: ص. یابی، یوکچی آط. یاد tyād: ذهن، دوشونجه، یاد، یادکشلیک.	ی ye: فارسی الیب بی‌نینگ اوتوز ایکینجی حرفی، ابجد حسابیندا (۱۰). یا yā: دگیشلی حرف و جواب حرف اغلب اختیار، ارک و شک شبهه‌نی یتیریار، بو یا اول یا الوم، یا نجات معنیده.
یاد آمدن yād-āmadan: یادینگا کلمک. یادآوری yād-āwari: یادلاما، یاده کتیرمه.	یا yā: [ع] ندا حرفی، داش یاقینا. یاب yāb: ص. ضایع، بیهوده، پوچ، بیدرک، ایشه یارامایان، درده دگمه‌یان.

يادبود tyād-bud مر. يادگار، يادگار.

بۇلمايدىق.

اوچىن بىرىنە برىليان زات.

ياسان yāsān ص. لايق، ياراشىقلى.

ياددادن yād-dadan اوورتمك.

ياسر yāser [ع] ص. ۱. آنكسات و

يادداشت yād-dāšt ۱. يادا سالماق

سهل ۲. ديه اولدوريپ اونونگ اتنى

اوچىن يازىليان علامت و بلگى و

بۆلك-بۆلك لىان آدم، بولىان آدم.

دورلى زاتلار يازىليان دفترچه

ياسمين tyāsamin بوى چكىيان

اونتمازلىق اوچىن يازىليان مطلب و

كيچى جك آغاچ اونونگ دورلى قسم

آدرس.

اونكات ايسلى گلى بار اول آق سارى

يادگار yād-gār ۱. بىرىنە يادلاماق

رنكده بولىار.

اوچىن برىليان زات، يديگار بىرى

ياشماق yāšmāq ۱. [ت] نقاب،

اوزيندن اثر باقى قويماق.

عياللارينگ يوزونه و آغزينة چكىيان

يار tyār ص. ۱. دوست، يولداش همدم،

ياشماغى.

سويگىلى، مددكار ۲. منگزهش

ياغى yāqi ت. مغوللار سؤزوندن

دييپ-ده آيدىليپ دير ياور معنيده

بويروغا بويون اگمەيان باشينا گيدن،

هم اولانيلىار.

بوينى يوغين؛ ياغيگرى؛ باشينه

يارد tyārd انگل انگلستانده و

گيتمكلىك، بوينى يوغينلىق، فرمانا

آمريكاده اوزينلىق اولچهگى، اول ۳۶

بويون انگمزلىك.

اينچ يا ۹۲ سانتيمتره برابر اوزين

يافتن yāftan مص. قولا سالماق،

ليقده بۇلان.

تاپماق.

ياس tyās انگل گلدانده ساقلانيان و

يافث yāfec ۱. نوح پيغمبرينگ اوغلى.

آوادان و ياقيملى ايسلى بۇلان گلىنك

ياقوت yāqut [ع] قمت بهالى

آدى.

داشلارينگ بىرى، يواقيت جمع.

ياس yās [ع] اميدسىز، اميدى

يال yāl ۱. بويون، مالينگ يالى.

ياور yāwar: ص. مددچی، کمکچی، قولداوچی، آرقالاشیان، حربی قوشون اصطلاحینده یعنی آدالغاسینده سرگرد درجه سینده بولان.

ياور tyāwar: دووچ سای، دووچ دسته سی.

ياوه tyāwe: ص. بیهوده، پوچ معنی سیز سۆز، سامراما، یانگرا، یاوه گوه، بی معنی سامراما، پوچ گپ، وارریق، وارساقی گپ.

ياجوج و ماجوج ya'juj we

ma'juj: [ع] نقل ادیارلر کوله بوی، مغول طایفه سیندان بۆلان، اولکه لره لودبیری بؤلاغایلیق سالجاق فسادچی ایکسی طایفانینگ آدی دستاندا آیدیلشنه گورا قارشى سیندا، چوزیش اتمکلری نینگ اونگینی آلماق مقصدی بیلن ذوالقرنین سد چکیب دیر. اولار قفقاز داغلارنینگ آنقرسینده مسکن توتان بۆلمالی.

ييوست yobust: [ع] قوراقلیق، ایچ قاتاماقلیق.

يتميم yatim: [ع] ۱. داده سی اولن

اوغلان، چاغا، یتیم، ایتم جمع، ۲. هر زاتدن قالان یکه یالنکیز معنادا. در یتیم: تایی سیز بهالی مروارید.

يحيى yahyā: ذکر یا پیغمبرینگ اوغلی.

يخ tyax: غیراو، بوز.

يخ بندان yax-bandān: ۱. دونگاق، قاتی ساویق بۆلۆپ سؤولارینگ دونگماغی، آنکراق.

يخچال tyax-čāl: بوز انباری،

قییش لاردا اوستی باسیرغیلی چوقورلارینگ ایچینده بوز ساقلانیان انبار، یخچال برقی: برق بیلن اییمتی و زات لاری ساویق ساقلایان دستگاه، یخچال.

يخدان tyax-dan: بوز جایی، یخچال بوز ساقلانیان صندوق.

يدكى tyadaki: ص. زاپاس زاتلار.

يراغ yarāq: یورغا، اوستی یومشاق سارسدیرمایان و هم ده یووروک آط.

يراق yarāq: ت. ترک سؤزۆندن، ۱. قیلیچ و قالقان اوق یای و تفنگ و

شولایالی یازاق ۲. آط سبابی اییر

شای و آط قولانگی و اورش اسبابینی
گیپ اورشا ساواشا تاییار بۆلان آدم.
یرقان yaraqān: ۱. [ع] ساری باغیر
زردی آدیندا بۆلان، مریض چیلیک.
یساول yasāwol: ۱. [ت] ۱. قاراویل،
ساقچی و جلوداری قدیمده کوموش
عصا بیلن کوشکینگ قافی سینده
دوریمان آدم ۲. پادشاه ارکان
دولت لرینگ داشینا قوراپ اولار بیلن
بیر اوغرا بیلده گیدیان ساقچی.
یعنی ya'ni: [ع] سۆزلرده توضیح
برمک و آچیقلاماق اوچین اولانیلیان
سۆز، بیر سۆزی یا جملانی دولی
دوشیندیرمک اوچین اولانیلیان سۆز،
یعنی.
یغما tyaqmā. تالانگ چیلیق، باسیب
آلما، غارت.
یغمای yaqmā-i: ص.ن. یغما
اولکه سینه باغلی بۆلان، ترکستانده
یعنی بؤ اوبا آوادان یوزلی لیکده
شهرت تاپان اولکه.
یقین yaqin: [ع] شبهه سیز، و گمان
سیز بۆلان، آچیق بۆلان، آنیق.

یکان yekān: ص. یکه، تایی سیز،
یالنگیز.
یکایک yekā-yek: ق. بیر بیر، یکه
یکه، یکان یکان.
یکبارگی yekbāregi: دویدانسیزلیق،
همه لر، اهلی.
یکباره yek-bāre: ق. دویدانسیز،
بیردن کا، اؤسمازلیقدا.
یکپارچه yek-pārče: ص. بتین، کامل،
تمام.
یکتا yektā: ص. یکه یالنگیز، تایی سیز.
یکجا yekjā: ص. همه، بیلده، کولتوم،
لوممای، همه لر، باری یوغی، بوتین.
یکدست yek-dast: ص. بیر اللی،
یکه الی بۆلان، بیر الی ماییپ،
یالنگیز، بیر اللی.
یکدست yek-dast: ص. ۱. یکسان،
همه سی دنگ، اندیگان، غیرادنگ،
آونیقلی، ایرلی بۆلما دیق ۲. تمام،
دولی، کامل دوغری معناده.
یکدل yek-del: ص. یکدله - آغیز
بیرلیک، ایلا لاشیق، ریاسیز، یورکدن
بیر بۆلان، ظاهر باطنی بیر بۆلان، داش

وايچ گورنيشى بىر بۇلان.

يكرنگ yek-rang: ص. بىر زادىنگ

باشغا بىر زات بىلە منگزش بۇلماغى،
كنايه سۆزۈندىن قاوى و يوركدش
دوستە ھەم دىيىليار.

يکسان yek-sān: ص. دنگ، برابر،
ھىلى بىر.

يکسرە yek-sare: ق. ۱. بىردىن كا،
بىردىن، ۲. ھەمەسى، بار يوغى و ھەملر
معنادا.

يکسو yek-su: ص. بىر قىراق، بىر
چت.

يکلا yek-lā: ص. بىر قات،
ايچلىك سىز، اينسىز پارچا.

يکناخت yek-nawāxt: ص. قىرا
دنگ، بىر رنگە بۇلان، بىر پۈرۈمدا،
منگزش بۇلان.

يکە خوردن yeke-xordan: مصل.
بىر ياراماز زادى بىردىن كا گوروپ يا
اشديپ تيسگە نيپ قورقماق.

يگانگى yegānegi: ۱. بىرلىك،
يکەلىك ۲. دۈستلۇق و باغلىلىق.

يگانە yegāne: ص. مخفف يک گانە،

تک، يکە، تاي سىز، اۋنۇنگ يالى
بۇلمازلىق، منگزشى يۇقلىق.

يىل yal: ص. باتير، پهلوان، بوکە،
قۇجۇرلى، غايراتلى.

يىلدا tyal-dā: ۱. ميلاد معنادە دوغالما
وقت حضرت عيسى نىنگ دوغولان
يىلى ۲. فارسچا: گۈيز آخردا اينىگ
اۋزاق گيجانىنگ آدى.

يىمن tyaman: [ع] خير و برکت
بختلىلىق، مبارکلىک.

يىمين tyamin: [ع] ساغ طاراپ، ساغ ال،
ايمان و ايامن و ايامين جمع.

يىمين tyamin: [ع] آنت، ايمان جمع.
يىنگە tyenge: ص. گلين يانى نىنگ
ھىملارلى، يىنگە.

يىواش yawāš: ق. ص. ترک سۈزى
آستا، يواش.

يىواش کار کردن yawāš:
kār-kardan مىقىلداماق، قاوشاق و
ھاياال ايشلەمک.

يۇرت tyort: ترک سۈزى، يۇرت،
مسکن اوى، اما ترکمن دىليندە اوى و
ھەم کشور، مملکت معنادا.

يورتمة yurtme: ۱. تركى سۆزوندن:

يورغالاپ يۇرپان آت، يۇرغا آت.

يوروش yureš: ۱. تركى ديلدن آلىنان:

چوزيش، سورھا سوراتمك، آت

اوقدارماق، آت قويماق معنادا.

يوزباشى tyuz-bāši: مرت. يوز آدمما

باش بۇلان، يوز آدمينگ باشى، يوز

آدم ارکينده بۇلان دولت مامورى.

يوز پلنگ yuzpalang (= يوز) ۱.

ييرتيچى، يابانى حيوانى، آلاجا

بارس.

يوسه tyuse: پيچنى، آغاچ اوستانينگ

پيچنىسى.

يوشن yowšan: يوشن.

يوغ tyowq: ير سورانده سيفر لارينگ

دوشينه قوييلان آغاچ، بويونديريقي.

يوم yowm: [ع] گون، ايام جمع.

يوم الحساب tyowm-ol-hesāb: مر.

روز قيامت، قيامت گونى.

يوم الدين tyowm-ol-din: مر. جزا

گونى، محشر گونى.

يون tyon: ۱. ايه، ايه رينگ اوستيندن

گليان قايش، ايه رينگ كچه سى ۲.

يونگ معنادا هم آيديليپ دير.

يونجه yonje: تركى ديلدن آلىنان،

يورينجه، مال اوتى.

يونسكو yonesko: ۱. انگل مدنيتلى

قوراما، اؤل بويرله شن ملتار

قوراماسينا دگيشلى ۱۹۴۶-نجى

يىلده قورالدى.

يهود yahud: ۱. [ع] بنى اسرائيل

حضرت موسى نينگ ايزينى

ايزارلايان لار، حضرت موسى نينگ

دينينى قبول اديان لار، يهود، جهود.

يهودى yahudi: ۱. [ع] بير يهود،

جهود، كليمى، موسى پيغمبرينگ

دينينده بولان.

يىلاق yeylāq: ت. ساويق ير، آب و

هواسى قاوى ير، يايلامالى ير، يايلاغ.

خاکستری Varanus griseus: زمزن،

گچی امن.

بوآی شنی باریک، کورمار شنی

Eryx elegans: داغ گومولگنی.

بوآی شنی تاتاری، کورمار تاتاری

Eryx tataricus tataricus: تاقیر

گومولگنی.

بوآی شنی کوتوله، کورمار

Eryx miliaris: قوم

گومولگنی.

سوسن مار Telescopus fallax

iberus: پیشیک گوز بیلان.

قمچه مار Culuber najadum

najadum: قونگقوز بیلان.

کبرا، کفچه مار Naja Okiana: کپچه

باش، کپچه کله.

گرزه مار Macrovipera lebetina

obtusa: گؤک لوزس.

گکوی انگشت سحابی

Crossobaron: آس.

گکوی قفقازی Agama caucasica

پاشلاق.

گوند ماریون Elaphe dione

تیتره ووک بیلان.

نام علمی خزندگان

سؤیره نیجی لر

آگاما Agama: هاژریق.

آگامای خورشید پرست

Phrynocephalus helioscopus

تاقیر عالمی، تاقیر پاتماسی.

آگامای سروزغی تورانی

Phrynocephalus mystaceus: قیزار

قیزار، قیزار قولاق، قیزیل قولاق.

آگامای وزغی شانه صورتی

Phrynocephalus interscapularis

قوم عالمی، قوم پاتماسی.

آلوسر Boiga trigonatum

melanocephala: اشک گریش

بیلان.

ارمیا س آسیای مرکزی Eremias

velox velox: چالاسین

سووولغانجیق.

اسکینگ علفزار طلایی Mabuya

aurata: بیلان چیر.

بزمچه (وارانوس) بیابانی

لاسر تا Lacerta: سوولولغان.

لاک پشت برکه‌ای اروپایی Emys

orbicularis: باتقالیق، دریا

پیشدیلی.

لاک پشت برکه‌ای خزری

Mauremys caspica caspica:

کاسپی پیشدیلی.

لوس مار، لو Ophisaurus apodus:

پیغاممار قامچی‌سی، آغاچ ییلان،

اوت ییلان.

مار پلنگی Coluber ravergieri

ravergieri: قارا باش ییلان.

مار جعفری سندی Echis carinatus

sochureki: هاژلاویق، آلا هؤوره‌ن،

کسه یؤران.

مار خالدار Coluber carelini:

آلا ییلان.

مار درفشی Lytorhynchus

ridgerwayi: قونگقورجا ییلان.

مار سوجه Coluber jugularis

jugularis: قیزیل ییلان.

مار قیطانی coluber rhodorachis:

آت ییلان.

مار گرگی Lycodon striatus:

آلا جاییلان.

مار موشخوار خاوری Ptyas

mucosus: قارا غایچاق، قارا قاقاق.

پستانداران

سؤید امدیر یجیلر

آهو Gazella subgutturosa: چرن،

دۆز کییگی، آقجا

بیر Panthera tigris: قاپلانگ

بچه خرگوش: چبشک.

بچه خوک: جوجوق، چوچغا.

پازن Capra aegagrus aegagrus: داغ

گچی‌سی، اومغا، داغ تکه‌سی.

پلنگ Panthera pardus: بارس، آلاجا

قاپلانگ

جریل بزرگ، جرد بزرگ

Rhombomys opimus: یوزسیچان

جریل نیمروز Meriones

meridianus: قیزیلجا سیچان.

خارپشت Erinaceus: کیری: قویون

کیری.

سنجاب زمینی، کلاهو

Spermophilus Fulvus: یومران.

شنگ معمولی Lutra lutra: قوندوز

شتر نردوکوهانه Camelus

bactianus: بغرا، ایک

اؤرکۆچلی دۆیه.

شیر Felis Leo: یولبارس، آرسلان.

فک Phoce: دۆولن.

قوچ اوریا Ovis ammon: داغ

قوچی، آیراق.

کارا کال Caracal caracal: قاراقولاق.

کفتار Hyaena hyaena: سیرتلان.

گراز ماده Sus scrofa: مِکجین.

گراز نر Sus scrofa: یکه قاپان، قاپان،

یابان دونگقوز.

گره جنگلی Felis Chaus: قامیش

پیشیگی، یابان پیشیک.

گره شنی Felis Margarita: کؤووک،

قوم پیشیگی.

گرگ Canis lupus: مۆجک، قورت،

بۆری.

گورخر Equus hemionus: قولان.

گوساله: گۆله، تانا، هۆجک، اۆجک.

گوساله ماده دوساله: قولاجین.

خرس سیاه Ursus thibetanus: قارا
آیی.

خرس قهوه ای Ursus drctas:
قونگقور آیی.

دوپا Dipodidae: آتاسار، یالمان، آت
یالمان.

راسو Mustela nivalis: قوروم
قورادان.

روباه ترکمنی، روباه گرساک
Vulpes corsac: تیلکی.

رودک عسل خوار Mellivora
Capensis: ایت آیی.

رودک معمولی، گورکن Meles
meles: ساققار تۆرسوق

زردیر Vormela peregusna: آلاجا

گۆزن، پۆرسی گۆزن، آلاجا
جۆوزن، آلاجا جۆوجن.

سمور سنگی، سمور کوهی
Martes foina: قایاسامیری.

سنجاب Sciurus vulgaris: آوی
سیدیک.

سنجاب ناخن دراز
Spermophilopsis
Leptodactylus: آلاقا

مرال Cervus: سوغون، بَره سیغیر.

موش بزرگ، موش ورامین

Nesokia indica: گیردن.

وُل حفار شمالی، وُل حفار

ترکمینی Ellobius talpinus:

کۆرگامه، یارغانات، کۆر سیچان،

یاراسا، کۆرمال سیچان، یرسیچان،

کۆر شپک، گیجه گزهگن،

یرشپک.

یوزپلنگ Acinonyx jubatus: آلاجا

بارس.

اسامی پرندگان

فارسی - توکمینی

آبچلیک تکزی Tringa

Ochropus: چولوق.

آبیار Scolopax rusticola: یابان

تاووق.

آنقوت Tadorna Ferruginea: آنق،

قیزیل اۆردک، انگقیت.

اردک اردهای Anas strepera: چال

اۆردک، قاراگۆت.

اردک بلوطی Aythya nyroca: قارا

اۆردک

اردک تاجدار Netta rufina: آلمان

باش، آلا اۆردک.

اردک سرحنائی Aythya

ferina: آلاجا اۆردک، قیزیل باش.

اردک سرسفید Oxyura

leucocephala: کۆرجه

اردک سیاه کاکل Aythya fuligula:

ککیللی.

اردک مرمری Marmaronata

angustirostris: اکینچی اۆردک.

اکراس سیاه Plegadis falcinellus:

قاما بورون.

اگرت بزرگ Casmerodius albus:

آق هوکار.

بادکوبه ای Tadorna tadorna:

آلاغاز، آلاجا غاز.

باکلان بزرگ Phalacrocorax

carbo: چویتون.

بالابان Falco cherrug: اوتلگی.

بحری Falco peregrinus: باخارین،

توغان.

بلبل معمولی Luscinia

megarhynchos: بیلبل، قیزیل

توکا Turdus: جوق - جوقی	قویروق.
توکای سیاه Turdus merula: قارا	بلدرچین Coturnix coturnix: بدهنه.
جوقچوقی، قارا تاووق.	بوتیمار بزرگ Botaurus stellaris:
تیپو Ammoperdix griseogularis:	حاقگی، قاوقوش.
چیل کاکلیک.	بوتیمار کوچک Ixobrychus
جغد کوچک Athene noctua:	minutus: کؤگه باقار.
بای قوش.	پاشلک بزرگ Gallinago
جغد گوش دراز Asio otus: شاخلی	media: جنگگل اوردک.
بایغوش.	پاشلک معمولی Gallinago
چکچک دشتی Oenanthe	gallinago: اوهک.
isabellina: چکیک.	پرستوی دریای خزر Sterna
چکچک کوهی Oenanthe	Caspia: ساقاو چارلاق.
oenanthe: آق گؤت.	پرستوی دریایی گونه سفید
چلچله کوهی Neophron	Chlidonias hybridas: قارا
rupcnopterus: داز زارکل.	بالیقچی.
چنگر Fulica atra: باراق،	پرستوی دریایی معمولی Sterna
ساققار باراق.	hirunda: چریک.
چنگر نوک سرخ Gallinula	پرستوی معمولی Hirundo rustica:
chloropus: باراکلبه	قارلاواج.
چوب پا Himantopus himantopus:	پری شاهرخ Oriolus oriolus:
قیزیل اینجیک، قیزیل آیاق.	سارغیلداق.
حواصیل ارغوانی Ardea	پری شاهرخ ترکستانی Oriolus
purpurea: قیزیلجا هوکار.	turkestanicus: سیقلیق.
حواصیل شب Nycticorax	پلیکان Pelicanus: قوتان.

دیوار خَرَزَك :Tichodroma muraria	nycticorax: ماوقان.
دیوار قوش.	خروس کولی :Vanellus vanellus
زاغ نوک سرخ :Pyrrhocorax	بززیلتیک :Bezziltik
pyrrhocorax: قارا زاغ.	خروس کولی دم سفید :Vanellus
زاغی :Pica pica، آلاهیکی، آلا هککه.	leucurus: تکه جیللیک.
زرد پره مزرعه :Emberiza caladra.	خوتکا :Anas Cressa: جوئکی
چیرلاق.	اؤردک، جوړره اؤردک.
زنبورخور معمولی :Merops	دارکوب خالدار بزرگ
apiaster: داراقلیق، قیزلار قوش.	Dendrocopos major: داش ده شن
رنگوله بال :Tetrax tetrax: بز بلتک	دارکوب یال سفید :Dendrocopos
Bezbeltek	Leucopterus: دونگقوزقوش.
سارگپه پا بلند :Buteo rufinus	دال معمولی :Gyps Fulvus: کل همچ
سیچان چی.	Kelhemeç: تومزاق.
سار معمولی :Sturnus vulgaris	دال سیاه :Aegyptius monachus
قاراسار.	قاجار، قاجیر، قارا قوش.
سبز قبا :Coracias garrulus: گوگ	دراج :Francolinus francolinus
آرچین، گوگ قارغا.	توراج.
سرسبز :Anas platyrhynchos: یاشیل	دُرناي معمولی :Grus grus: دورنا.
باش.	دلیجه معمولی :Falco tinnun calus
سسک درختی کوچک	گووه نک.
Hippolais Caligata: جیک -	دُم جنبانک معمولی :Motacilla
جیکی، شیغ - شیغی، سؤم - سؤم.	falva: قویون قوشی.
سقر خاکستری :Circus cyaneus	دُم سرخ سیاه :Phoenicurus
پکه.	ochruros: چاقیق.

سليم کوچک Charadrius

alexandrius: كېز Kebez.

سنگ چشم پشت سرخ Lanius

collurio: آلا توغان.

سهره سياه Mycerebas cornipes

آرچاسار، پالتا تومشيق.

شاه بوف Bubo bubo: هووی،

هووی قوشی.

شېگرد معمولی Caprimulgus

curopaeus: گوندیز كۆر، چوپان

آلدار، آياق سيز پادشاه، قوياناق.

شتر مرغ Struthio camelus: دویه

قوشی.

طاووسک Porphyrio porphyrio

سۇلطان تاووق، آفتالا.

طرلان Accipiter gentilis: قارچغای.

عقاب طلایی Aquila chrysaetus

بۆر گۆت.

غاز پيشانی سفید کوچک Anser

erythropus: قاراجا غاز.

غراب Corvus corax: چول قارغا.

فلامینگوی بزرگ

Phoenicopterus ruber: قیزیل غاز،

قیزیل آياق غاز.

فیلوش Anas acuta: جیغالی.

قرقاول Phasianus: سۆلگۆن،

قیرقاول، میدان تاووق، داغ هۇراز،

يابان تاووق، دره هۇراز.

قرقی Accipiter nisus: قیرغی.

کاکایی بزرگ Larus ichthyæetus

قاراباش، چارلاق.

کاکایی نوک سبز Larus canus: آق

چارلاق.

کبک چیل Perdix perdix: کاکیلیک.

کبک دری دریای خزر

Tetragallus caspicus: اولار.

کبوتر جنگلی Columba palumbus

حال کپدری.

کبوتر چاهی Columba livia

گۆگرچین.

کرکس Neophron percnopterus

داز زار کِل.

کشیم بزرگ Podiceps cristatus

قورجان، قورجان کِل.

کشیم کوچک Rodiceps ruficollis

ترس آياق.

کفچه نوک Platalea Leucorodia

قاشیق چی، قلام ليق.

- کلاغ ابلق *Corvus corone*: آلا قارغا.
- کور کور سیاہ *Milvus migrans*:
- چای کِل، چای، چای چانگگالاق.
- کوکردم دراز: *Syrhaptus paradoxus*: دیک - دیکی.
- کوکر شکم سفید *Pterocles alchata*: قیل قوروق، آق باغیر.
- کوکر شکم سیاہ *Pterocles orientalis*: باغیر تلاق، قارا باغیر.
- گنجشک *Passer*: سرچہ، سۆتی، چیمچیک.
- گنجشک تاغی *Passer ammodendri*: سازاق سرچہ سی.
- گنجشک درختی *Passer montanus*: میدان سرچہ سی.
- گنجشک کویری *Passer simplex*: چؤل سرچہ.
- گنجشک معمولی *Passer domesticus*: قاراداماغ سرچہ، اووی سرچہ سی.
- گیلار *Anas penelope*: ساققارجا.
- لک لک سفید *Ciconia*: آق لک لک، حاجی لک لک.
- لیل *Falco subbuteo*: توز لوتای.
- میش مرغ *Otis tarda*: توقلی تایی.
- نوک پهن *Anas clypeata*: تامدیرا
- اؤردک، سۇرق-سۇرق.
- هُد هُد *Upupa epops*: ملا قوش، هویپ - هویپیک.
- هوبره *Otis undulata*: توغدارئ.
- هما *Gypaetus barbatus*: ماسلیقچی
- یلوه خال دار *Porzana porzana*: جویجه - یلبه.

نام علمی گیاهان (فارسی - ترکمنی)

اطلسی *Petunia hybrida*: چیراگول،

منگ باش چیرماشیق.

افرای قرمز *Acer rubrum*: قیزیل

کِرکُوو، قیزیل کِرکاو، قیزیل گوللی

چچک، قیزیل چچک.

افرای قندی *Acer saccharum*:

شکر چچگی، غاتی کِرکُوو.

افعی گیاه *Echium*: بیلان گول.

اکلیل الملک *Melilotus officinalis*:

اشک یورونجا.

اگیر *Acorus calamus*: آجی پورروق،

آجیلیق، پورروقلی.

انجدان *Ferula*: آق شاییر، کییک

اوقارا، سونبول، جییش اوتاران.

انگور خرس *Arbutus uva_ursi*:

آیی اوزومی.

«ب»

بابونه حقیقی *Chamomilla*

recutita: آق گول، چوپان تلپک،

توپ باش.

بابونه گاوچشم *Chrysanthemum*

parthenium: چوپیر تلپک.

بادام وحشی *Amygdalus*

آب تره *Nasturtium officinalis*:

قاران اوتی.

آفتاب پرست *Heliotropium*: گون.

بییک، آشیف اوتی.

آلاله *Ranunculus*: چرریک.

آنقوزه *Ferula assa-foetida*:

چوموچ، یاپیلداق.

آهو ماش زرد *Lotus corniculatus*:

داغ یورونجا، میدان ماش.

«ا»

أزمکی *Draba*: آجی بالغاز،

تویبانباش.

أژدر باشی *Drancocephalum*:

أژدارها گولی.

اسپرسی *Hedysarum*: شایلی اوت.

اسپرک زرد رنگ *Reseda*

Luteola: سییاق.

استلاریا *Stellaria*: ییلدیز لیجا.

scorparia: سوۆسهلى بادام.

بارهنگ Plantago major: بالغوشا.

بارهنگ آبى Alisma plantago

سامۇق.

«پ»

پامچال Primula: نۇروروز گۆلى.

پاي خر Tussilago farfara: اجە-

اجەلىك.

پاي خرس نرم Acanthus mollis:

آبى پنجهسى.

پنبه‌اي Lachnolama: يۆنگ

تۇخومليجا.

پنج انگشت Potentilla: غايتارما،

بارماق اوتى.

پنجه غازى Chenopodium: سىلمه،

غاز آياغى.

پنيرك Malva: ماما مۇنجوق.

پنيرك گرد برگ Malva neglecta:

مامام كۆكه، مامام تيتيره، مامام

چۆرهك.

پىچك صحرايى convolvulus

arvensis: پچك، آق پچك.

پير بهار Erigeron: سىغىر غويروق.

پيرگياه Senecio vulgaris: سارى

سۇلمان، پاپير.

بارهنگ سرنيزه‌اي Plantago

lanceolata: قوزى قولاق، آت

قولاق.

باريجه Ferula gummosa: پۇر

سانگگيز.

برگ بابا آدم Arctium lappa:

ياسسى ياپراق، خان ياپراق،

غولاقلى.

برگ پنبه‌اي Lachnophyllum: يۆنگ

ياپراقليجا.

بذر البنج Hyoscyamus niger:

مانگفيراقلق، مانگيرداق، چاقجا

غوندوز، قابير تيقلىق، آلا گۆز،

كۆويرتيكليك.

بنفش Pluchea capsica: غاماق، آق

باش.

بو ماداران Achillea millefolium:

بويىدۇرۇن، بۇيىدۇران.

بوف تاج Gnaphalium: كچه گۆل.

بهار دوست Erophila: بهار اوتى.

جگن نہری

Butomusumbellatus: سوو اوقی.

جنتیانا Gentiann: یریاخاسی، اشک تورپی.

جہیرہ Hypecoum procumbens: گچی امجک، قوش جوڭگلی، گچمچک.

چسبک Caulalis: ایلیشیک.

چغندر گاوی Beta vulgaris var. altissima: اییم شوغوندور.

چنتہ چوپان Capsella bursa pastoris: چوپانچی، گچی -

گچی، پولچی، گچی - گچی. چوبک Acanthophyllum: قاراپچ.

حشیہ الصلیب Phuopsis stylosa: شن اوت، خاچ اوتی.

«خ»

خارخر Ononis spinosa: دمیرلی، پولاتلی.

خارلنگری Lappula: ماوی گول، یاپیشاق.

خاکشیر Sisymbrium officinale: دؤنگقوز اوت.

«ت»

تاتوره Datura stramonium: دانہ گرچک، ایت اولدورگیچ.

تاج خروس Amaranthus: بدن اوت. تاج خروس برگشته Amaranthus retroflexus: هولپا، خولپا، کونجی

اوت.

ترب شیر Leontice: دؤنگقوز.

ترتیزک Lepidium: سیغیر سیدیک، ات یارما.

ترشک Rumex: تورشوجا، تورشیجا.

ترشک باریک Rumex obtusifolius: آت قولاغی.

ترشک درشت Rumex Acetosa: بیده نک، گچی قولاق.

تره Allium porrum: کبر. تلخه Centaurea repens: ککره، آجی

ککره.

«ج»

جام زرین Sternbergia lutea: نارغیز.

خرشوف بری *Carlina vulgaris*:
تیکنلی اوت.

خرقه *Portulaca oleraria*: سَمیزهک،
سَمره‌تی، غویون سمرهک،
سمیزهک.

خرماش *Agriophyllum*: قومداری،
قوش داری، خومارجیق، ایشک اوت.
ختمی سه رنگ *Hibiscus trionum*:
غویون گوزی.

ختمی گل سرخ *Alcea rosea*:
قیزیل گؤل، گؤل خاتما.

ختمی طبی *Althea officinalis*:
چربییه، گؤل خاییر.

خلر عطر *Lathyrus odoratus*:
ایسلی دالیجه ماش، ایسلی
توخوت.

خلر غده‌دار *Lathyrus tuberosus*:
ایشک ماشی.

خیارک *Ixiollirion tataricum*:
جوّمجومه.

خوشا ریزه *Echinophora*:
تیکنلیجه.

دُم شیر *Leonurus cardiaca*: شیر
غویروق، چولچه، یورهک سلمه.

دُم موشک *Myosurus minimus*:
سیچان غویروق.

دوبندی *Diarrhron*: قوش گوزلی،
سوو دوغان.

دو دندان *Bidens tripartita*:
قوشادیش.

دیمهاج کوچک *Lycopsis arvensis*:
اگری گؤل.

«ر»

رازیانه *Foeniculum vulgare*:
گرمس بادیان.

رازک *Humulus lupulus*: هوشلی
غونچا.

روناس *Rubia tinctorum*: قیزیل
بویا، چوپ بویا، شن.

ریحان *Ocimum basilicum*: نازیای
گؤل، ریحان.

ریواس *Rheum*: قارا یاپراق، چوقرا،
چوقری، ایشغین.

«ز»

زاغک *Hieracium*: لاجین گؤلی.
زبان در قفا *Delphinium*: آق

گۆللى، گلینچک، دیری سۆنلگ،	تاتران.
سارى چۆپ.	سراستیوم Cerastium: شاخلیجا.
زعفران Crocus sativum: زفرن،	سرخان Centaurium erythraea:
زاعپیران.	یدی گۆچ، ساندراما، یرساری،
زلف عروس Celosia cristata: هوراز	تۆپى قیزیل.
ککچ، تاجی هوراز.	سرگجشکی Euclidium: یاباغان.
زنجیل شامی Inula helenium:	سریش Eremurus: چیریش.
قوزی قولاق.	سگ شلن Atropa belladonna: آق
زیبای شورەزار مردار	سامرا.
Halocharis spida: آق سیرقین.	سس Cuscuta: یزیت ایچهگه، مرض
زیره سیاه Carum carvi: گرمس.	چۆپ.
«س»	سنبل Hyacinthus: سۆنبۆل.
ساسک Corispermum: دۆیه اۆتی.	سنبل یابانی Eremostachys: سیغیر
سایان Petasites: اوسگۆله وۆک	دیلى.
اۆتی، کل اۆتی، غیرغین کۆکی.	سوزن چوپان جنگلی Anthriscus
سبد نقره Asperugo procumbens:	silvestris: تورغای کویپیری،
آق پامیق.	تورغای چوپان اینگگهسى.
سپری Peltaria alliaceae:	سوسن Lilium: سوغان گۆل.
غالقانلیجا.	سیاهدانه Nigella sativa: قارا چۆرک
سپید تاک Bryonia alba: آق آندیز.	اۆتی.
سُدابی Haplophyllum: پنیچک،	سیاهدانه دمشقى Nigella
پۇرسی کرت، پۇرسی چۆپ.	damasvena: چۆرهک اۆتی.
سپیده Crambe: دادران، دنگیز کلم،	سیر خرس Allium ursinum: دره
	سوغانی.

سیر طلائی Allium moly: آلتین ساریمساق.

سیرک Allium petiolata: ساریسماقچی.

سیر وحشی Allium vineale: ایت یؤوا.

سیلن Silene: یلمه شک.

«ش»

شاترا Stachys: تیلکی چای.

شاخ شاخی Octoceras: سکیز شاخ.

شانه چوپان Dipsacus: غوش اوقارا، دؤنگوز داراق غوزاسی.

شاه بلوط اسبی Aesculus hippocastanum: آت قاشتانی.

شاه تره Fumaria officinalis: شاترنه.

شب بوی صحرایی Malcolmia: قیزیل غوزالاق، دؤومه لیجه، یاباغان، بننه و Bennew.

شبدر Trifolium: یؤرونجا.

شبدر باتلاقی Menyanthes trifolata: اؤچ یاپراقلی.

شبدر صحرایی Trifolium arvense:

ایت یؤرونجا.

شقاقیق Glaucium: (گؤگ) گؤلألک،

گچی غاماق.

شکاغی Onopordon: آلاتیکن، دورنا

دابان، تیکنک، چاقیر تیکن.

شکر تیقال Echinops: گؤگ تیکن.

شنبليله Trigonella: اؤچ یاپراقلیجا.

شن جار Psammogeton: کییک

بورچا، چاگه سؤیه گن.

شنگ اسبی Scorzonera:

غارلا، بورچا، غارلاج.

شنگ اسبی گون Epilasia: یلمیک، آت یلمیک.

شور پشمالو Salsola lanata: بالیق گؤز، غوش گؤز.

شوکران باغی Physospermum: چیشیک تۇخوملیجا.

شوکران کبیر Conium maculatum: بالیدیرغان، قوماق.

شیر پنیر Galium verum: تیلکی سوما، پیشیک-پیشیک، شان

اؤتی، شن اؤت.

شیرین بیان Glycyrrhiza: بؤیان کؤکی، غان ساقلایان، سؤیجی بؤیان.

عنبر *Amberboamoschata*: باغاياپير،
پيشديل اۆتى.

شير مرغ چترى *Ornithogalum umbellatum*:
خونچاليجا.

«ص»

«غ»

غازاياغى *Falcaria*: غاز آياق.

غاز اياغى بدبو *Chenopodium*

vulvaria: پۇرسى سىلمه.

غافت *Agrimonia eupatoria*

بۆرمك.

صابونى *Saponaria officinulis*

صابين اۆتى، چۆغان كۆكى.

صبر *Aloe vera*: سابير.

ظريفه *Leptaleum filifolium*: چتير

بۆينوز.

«ع»

عجوه بى گرك *Halothamnus*

hispidulus: چۆغان، چۆغان اۆق.

علف دندان *Plumbago europaea*

غورشون گۆلى.

علف شاخى *Ceratophyllum*: شاخ

ياپراق.

علف شور *Salsola*: كىتگن، شور، غارا

زور، چركز.

علف شير *Galium aparine*

چولاشيق.

علف فتق *Herniaria*: اينگگىليجه.

علف هفت بند *Polygonum*

aviculare: غيرق بۇغون.

فراسيون *Marrubium vulgare*: يۇل

غوتلى، خال مورات اۆت.

فراسيون آبى *Lycopus europaeus*

مۆجك آياق.

فرفيون *Euphorbia*: آوى تىرك، قارا

داغ چايى، سىدهك، سۆودهك،

سۆيتىليجه، چىمپىلغان.

فرفيون شماطه *Euphorbia*

helioscopia: گونه باقار، سىدهك

فرنندل *Lythrum Salicaria*: گلين

گۆلى.

فرنجمشك *Melissa officinalis*

ایشغینلی.

کدو حلوائی *Cucurbita moschata*:

بال بۇرانی، بوغوملى بۇرانی.

کدو قلیانی *Lagenaria Siceraria*:

ناس کادی، سوو کادی، سویت کادی.

کدو مسمای *Cucurbita pepo*: داش

کادی.

کک کش *Pulicaria*: بۆره لیجه.

کلاغک *Muscari*: ییلان سۇغانی.

کلاه میر حسن *Acantholimon*: کپبه

گۆوهن.

کنف *Hibiscus cannabinus*: کینپ.

کنگر *Cirsium*: غالغان.

کنگر اوتی *Carduus*: قیزغان.

کنگر علوفه ای *Gundelia*: کنگار.

کمای ییابانی *Schamannia karelini*:

کوسۆک.

«گ»

گچ دوست *Gypsophila*: پشمک.

گزنه *Lamium*: دالاماز.

گزنه سفید *Lamium album*: آق

دالاماز.

گشنیز *Coriandrum sativum*: قینزا.

گل استکانی *Campanula*: جانگ

«ق»

قاشقک *Scutellaria*: قیزیل شورا.

قاصدک *Taraxacum vulgare*:

شیردیش، شکرک، توزغا، گۆل بابا=

بایاتلپک.

قلیا *Salicornia europaea*: یاتا،

غورشون اوتی.

قندران *Chondrilla juncea*:

پرساقیچ.

«ک»

کاجره *Carthamus tinctorius*: گۆل

غادجارا.

کاسنی *Cichorium intybus*:

سیچراتغی.

کاهو *Lactuca sativa*: کۆو،

کۆوره ییک.

کاهوی خادار *Lactuca serriola*:

سۆیتلنگلیچ، سۆیتلی غالغان.

کتان *Linum usitatissimum*: زینغیر.

کرفس *Apium gravealeus*: قارا اوق،

پورسی گۆزن.

گل ریزک: <i>Cephalaria</i> : باشلیجا.	گل ریزک: <i>Cephalaria</i> : باشلیجا.
گل شپش: <i>Pedicularis</i> : بیتلیجه.	گل شپش: <i>Pedicularis</i> : بیتلیجه.
گل فراموشم مکن: <i>Myosotis</i> : سیچان غولاق.	گل فراموشم مکن: <i>Myosotis</i> : سیچان غولاق.
گل کتانی: <i>Linania vulgaris</i> : زیغیر بالداق، یابانی زیغیر.	گل کتانی: <i>Linania vulgaris</i> : زیغیر بالداق، یابانی زیغیر.
گل عروسک: <i>Roemeria</i> : قیزیل بالداق، پاق پاقی.	گل عروسک: <i>Roemeria</i> : قیزیل بالداق، پاق پاقی.
گل عشق: <i>Agapanthus orientalis</i> : مَاهیر گۆلی.	گل عشق: <i>Agapanthus orientalis</i> : مَاهیر گۆلی.
گل ناز: <i>Sedum acre</i> : تئوشان کِلِمی.	گل ناز: <i>Sedum acre</i> : تئوشان کِلِمی.
گل همیشه بهار: <i>Calendula</i> : ساری سۆلمان، دیزناقلیجا، دیرناق گۆل.	گل همیشه بهار: <i>Calendula</i> : ساری سۆلمان، دیزناقلیجا، دیرناق گۆل.
گل مروارید: <i>Alyssum</i> : چاپراز، مایا دانه، شادانه.	گل مروارید: <i>Alyssum</i> : چاپراز، مایا دانه، شادانه.
گل مهمیزی: <i>Corydalis</i> : تورغای اوتی.	گل مهمیزی: <i>Corydalis</i> : تورغای اوتی.
گوشاب: <i>Potamogeton</i> : کِلپ، سوو کِربی.	گوشاب: <i>Potamogeton</i> : کِلپ، سوو کِربی.
گوش موش: <i>Parietaria erecta</i> : غایا اوتی.	گوش موش: <i>Parietaria erecta</i> : غایا اوتی.
گون سَمی: <i>Oxytropis</i> : ساقار یئورونجا.	گون سَمی: <i>Oxytropis</i> : ساقار یئورونجا.
گلایول: <i>Gladiolus communis</i> : گۆجهله، قیلیچ اوتی، قارغا سۇغانی.	گلایول: <i>Gladiolus communis</i> : گۆجهله، قیلیچ اوتی، قارغا سۇغانی.
گل بی مرگ: <i>Helichrysum</i> : غورت غیران، یاشی اوزین، اِگر-اِگر، سۆلمازاق.	گل بی مرگ: <i>Helichrysum</i> : غورت غیران، یاشی اوزین، اِگر-اِگر، سۆلمازاق.
گل پیامبر: <i>Arnebia pulchra</i> : قیزیل دویپ، چکه نه ی لیک.	گل پیامبر: <i>Arnebia pulchra</i> : قیزیل دویپ، چکه نه ی لیک.
گل تب بر: <i>Ajuga</i> : مورت.	گل تب بر: <i>Ajuga</i> : مورت.
گل جالیز: <i>Orobanch</i> : غارغی چوموچ، یوقانچ گۆل، ییلان دۇداق، ییلان چوموچ.	گل جالیز: <i>Orobanch</i> : غارغی چوموچ، یوقانچ گۆل، ییلان دۇداق، ییلان چوموچ.
گل جالیز منشعب: <i>Orobanch ramosa</i> : غاوون گۆل.	گل جالیز منشعب: <i>Orobanch ramosa</i> : غاوون گۆل.
گل حسرت: <i>Colchicum</i> : بی واغیت اوت.	گل حسرت: <i>Colchicum</i> : بی واغیت اوت.
گل حسرت غول آسا: <i>Merenda robusta</i> : دالی گۆجهله.	گل حسرت غول آسا: <i>Merenda robusta</i> : دالی گۆجهله.
گل حنا: <i>Impatiens balsamina</i> : خیناگۆل، حینه گۆل.	گل حنا: <i>Impatiens balsamina</i> : خیناگۆل، حینه گۆل.
گل راعی: <i>Hypericum perforatum</i> : چره بای، هوش برهن، ساری گۆل.	گل راعی: <i>Hypericum perforatum</i> : چره بای، هوش برهن، ساری گۆل.
گلپر رسمی: <i>Heracleum</i>	گلپر رسمی: <i>Heracleum</i>

گياه ابلک Ceratocarpus: سېته، آق داماق.

گياه تورنسل Chrozophora tinctoria: آشېغ اوتى، اشک اوت، اشک سېلمه.

گياه جارو Kochia scoparia: سۆسەلىك، سۆسەلىك.

گياه قردمانا Chaerophyllum: شادىيان ياپراق، چيشىك ياپراق.
گياه مسنگ چوپان Chenopodium botrys: آلا سېلمه، يلمه شگن سېلىن.

«ل»

لاله Tulipa: لاله، چىگىلېم، قىزىل سۇغان گۆل.

لاله واژگون Fritillaria: آلمان، آلمانچىق، خالى چىگىلېدەم.
ليف Luffa: مازى، دە سېسەم مايا، سۆرتچ كادى.

«م»

مارچوبه Asparagus officinalis: سىرسپىل.

مرزنگوش خزرى Origanum: ياقىملىجا، ايس ياقىم.

مرىم گلى Salvia officinalis: آق كىمچە.

مشك گياه Adoxa moschata: يۇسسەن چۆى تىكنى.

منداب Eruca sativa: ايندەو.

مهرگياه Mandragora officinarum: سېلمه لىك.

موسك Sideritis: دميره ووک.

مىخك Dianthus: مىخاق، گۆللە مەدىك، چۆى تىكنى.

مىنای چىنى Callistephus chinensis: خىتاي يىلدىزى.

«ن»

نجم طلا Gagea: غار سۇغانى.

نعل اسبى Hippocrepis: مال اوتى.
نعناى گربه Nepeta cataria: پىشىك اوت.

نوگ عقابى Horaninovia: غاراغىر، سارى تىكنى، ساغان.

نوگ لك لكى هرز Erodium: سارى تىكنى، چولوق.

نیلوفر آبی سفید *Nymphaea alba*:

آق سوو سۇغان گۆلى.

نیلوفر وحشى *Culystegia sepium*:

توقای چیرماشینی.

«ی»

یونجه تاجی *Coronilla varia*: آجی

یوزونجا.

«و»

وسمه *Isatis tinctoria*: غاناتلیجا،

کۆنجیلیک.

وشق *Dorema ammoniacum*:

غماق.

خزردتگیزینده یاشایان بللی
بالیق لارینگ آدی

کولمه: چاپاق.

کفال: قارا بالیق، چونتالی، کفال.

کپور: کپیر.

ماهی سفید: آق بالیق.

سیاه کولی: چوی.

سوف: سیله

سُس ماهی: اورگنج.

زالون: تاقناز.

تاس ماهی ایرانی: بکره، قره بورون.

شیپ: تۆپ.

فیل ماهی: دوقی.

اوزون بورون: تیرانا.

تاس ماهی روسی: گوش.

ماهی آزاد: آزاد ماهی.

دهان گرد: یدی گوز.

«ه»

هزار پای *Koelpinia*: باش بارماق،

پیشیک دیرناق، بۆرمکلیجه، باش بارماق.

هزار گره *Polygonatum afficinale*:

اگری، اگریجه.

هسپریس بانوان *Hesperis*

matronalis: میس گۆلی.

هل *Elettaria cardelmomum*: غار

دامار.

هولوستوم *Holosteum*:

جۆتکلیجه.

هندوانه ابوجهل *Citrullus*

colocynthis: آجی غارپیز.

داوار و قارامالارینگ بیرنیچه سینک آدلاری (نام بعضی دامها)

گوسفند: قویون

بره ۶ ماهه: غوزی

بره از ۶ تا ۱۲ ماهه: توقلی

دو ساله: اششک

۳ ساله: اووچ

۴ ساله: مانگ

۵ ساله: مانگراماز

۶ ساله: انگراماز

۷ ساله: ملامز

قوچ: قوچ

گوسفند دمه دار: دالاق قویون

گوسفند بی دمه: ارک قویون

گوسفند پرواری: باغ قویون

گوسفند اخته: ارکک قوین

بیچلیگی.

بُز: گچی

بزغاله تا ۶ ماهه: آلاق

بُز یک ساله: چبیش

یکسال بیالا: دوغ

بز اخته: ارکج

بز بیضه دار: تکه

گاو: سیفر

گوساله: تانا - گوله بوزاو

یکسال بیالا: آردانا

دو ساله: کشر

۳ ساله: قاچار

۳ سال بیالا: تنووه

گاو نر دو ساله جوانه: اوکوزچه،

جوانه

گاو نر: بوغا

گاو میش: گامیش

تا ۶ ماهه: گدک

گاو میش نر: بوغا

اهلی حیوانلارینگ بیر

نیچه سی نینگ آدلاری

نام بعضی حیوانات اهلی

اسب: آط

کره اسب: تایچاناق، کورره.

کره اسب یک ساله: تای

اسب دو ساله: کیچی غونان

اسب دو تا سه ساله نر: غونان.

مادیال: بایتال.
 مادیان نازا: قیسر بایتال.
 اسب نر: هوور آط.
 کورره ماده: قیسراق.
 اسب سه ساله: اوچ یاشار.
 اسب سفید: بوژ آط.
 اسب نیله: گوک قیر آط.
 اسب کهر: دور آط.
 اسب کهر: قارا یاغیز آط.
 اسب کرند: آل قویی ساری آط.
 اسب ابرش: مله آط، آق خاللی آط.
 اسب ابلق: آلا آط.
 اسب اسقر: آل آط.
 اسب چیرمه: چیپار آط.
 اسب سمند: ساری آط.
 اسب خاکستری: چال آط، بوز آط.
 نژاد اصیل اسب: ایگدش.
 خر: اشک.
 کرّه: کورره.
 دراز گوش یک ساله: سیپا.
 قاطر: قاطیر.
 سگ: ایت.
 بچه سگ: کوچیک.

مرغ: تاوویق.
 جوجه: جویچه.
 ماکیان: ماکیان.
 خروس: هورواز.
 گربه: پشیک.
 تازی: آوایتی، تازی.

اسامی شتران (فارسی - ترکمنی)

شتر نر یک کوهانه‌ای که از شتر نر
 یک کوهانه (اینر) و شتر ماده یک
 کوهانه (آروانا) بدنیا آمده باشد:

گوفارد

شتر ماده یک کوهانه که از شتر نر
 یک کوهانه (اینر) و شتر ماده دو
 کوهانه (مایا) بدنیا آمده باشد:

کأردری

شتر نر یک کوهانه که از شتر ماده دو
 کوهانه (بوغرا) و شتر ماده یک
 کوهانه (آروانا) بدنیا آمده باشد:

اینر

شتر ماده دو کوهانه‌ای که از شتر نر
 دو کوهانه (بوغرا) و شتر ماده یک

کوهانه (آروانا) بدنیا آمده باشد: شتر نر یک کوهانه: اینر
مایا شتر ماده سفید: آق مایا

شتری که از شتر نر دوکوهانه
(بوغرا) و شتر حاصل از شتر نر و
ماده یک کوهانه (کأردری) بدنیا
آمده باشد: قوشماق

شتر نر یک کوهانه‌ای که از شتر نر
دوکوهانه (بوغرا) و شتر ماده
دوکوهانه (مایا) بدنیا آمده باشد:
اینر

شتر ماده دوکوهانه‌ای که از شتر نر
دوکوهانه (بوغرا) و شتر ماده
دوکوهانه (مایا) بدنیا آمده باشد:
ارک

شتر: دیه، دویه
تا ۶ ماهه: کوشاک
تا ۱۲ ماهه: توروم
تا دو ساله: اوغشیق
تا سه ساله: کشر - دولوچ
شتر دوکوهانه: بوغرا - ایکی
اورگچ‌لی
شتر کچ کوهانه: غامغیل
شتر یک کوهانه ماده: آروانا،
اینن‌دویه

ترکمنچه بیر ناچه درمان اوتلار

- ۱- ایشغین، آط قولاق، آش قازانا پیدالی.
- ۲- جرن اوتی بوی دانه، عیال اوغرا دگیشلی.
- ۳- داغ چایی، مکه قورساق، کاکیلیک اوتی، دمیر تیکن، شیر قویروق، بورجاق، یورک آغیرا درمان.
- ۴- زیتون، باغینگ یا پراغی و حوزینگ یا پراغی، سویجی کسله پیدالی ام بولیار.
- ۵- ایشغین، بورجاق، دم قیسمه ام بولیار.
- ۶- یوشان، قورچیغا پیدالی.
- ۷- شیر قویروق یورک آغیرا دگیشلی.
- ۸- یسانداق، بوی بودران، ایچی آغیری.
- ۹- کاکیلیک اوتی، قاقیلینی آیریار.
- ۱۰- اشک یورنجا، ساری گل، قیرق بوغان، ذریک ساری بوغا، یدی

- گویچ، باغیراویکنه ام بولیار.
- ۱۱- گوبیل، باباسیل کسله درمان.
 - ۱۲- لیمون نارقیز، کونه کسله ام.
 - ۱۳- ماوی گل، دامازی یومشادیار.
 - ۱۴- چوپان تلفک، کله آغیرا، ام
 - ۱۵- شیر قویروق، قان فشارینگی بیرمدار ساقلایار.
 - ۱۶- قارا هیلیه، ایچ یلنی چیقاریار.
 - ۱۷- باگل، آجی دری آیریار.
 - ۱۸- باشی آشق، گوزی آراسالایار.
 - ۱۹- چنگللی، پروستاده پیدالی، پشو یولنی آچیار.
 - ۲۰- چوب بویا، دوویگه ام.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Barbus brachycephalus caspius* Berg, 1914

نام علمی:

English name : Caspian barbel

نام فارسی: سس ماهی خزری

Local name : Sas, Zardepar

نام محلی: سس، زرده پر (اورگنچ)



S.L : 46 cm

DIII-IV 7; A III 5; L.I. 65 $\frac{12-14}{8-10}$ 77; G.r. 18-21

مشخصات کلیدی:

بدن کشیده و باریک، دهان تحتانی و بزرگ دارای دو جفت سیبک دراز، سر نسبتاً کوتاه و باریک بوده و تفاوت ظاهری با سس ماهی سر بزرگ در فرم بدنی کشیده و نزدیکتر بودن باله پشتی به سر است.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه بوده و دارای مهاجرت بهاره و پائیزه می‌باشند. در دریا و در اعماق ۲۰-۲۵ متری یافت می‌شوند. در ۴-۵ سالگی بالغ شده و تخم‌ریزی از اردیبهشت تا مردادماه صورت می‌گیرد. از بی‌مهرگان کفزی و تخم و بچه سایر ماهیان تغذیه می‌نمایند.

اندازه: بیشینه طول ۱۰۳ سانتیمتر و وزن ۱۴/۵ کیلوگرم؛ میانگین ۳۹ سانتیمتر و وزن ۴۲۰ گرم.

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Rutilus rutilus caspicus* (Jakowlew, 1870)

نام علمی:

English name : North Caspian roach, Astrakhan vobla

نام فارسی: کرلمه خزری

Local name : Koolmeh

نام محلی: کرلمه (چاپاق)



S.L : 13 cm

DIII 8-10; A III 8-10; L.I. 42 $\frac{6.5-8}{4-4.5}$ 47; vert. 39

مشخصات کلیدی:

ندان حلقی یک ردیفی ۵-۶، دهان نیم تحتانی، فلس‌ها نسبتاً بزرگ، بدن نیمه پهن و طول ساقه دمی ۱۸-۲۴ درصد طول بدن و ارتفاع بدن ۲۵-۳۶ درصد طول بدن می‌باشد.

خصوصیات زیستی: از ماهیان نیمه مهاجر بوده و دارای دو نوع مهاجرت، یکی از دریا به رودخانه جهت تخم‌ریزی (بهاره) و دیگری در داخل دریا جهت زمستان‌گذرانی (پائیزه) می‌باشد. نژادی از این زیرگونه تحت عنوان *R.r.c. natio Kurensis* Berg, 1932 در مناطق مطالعاتی شناسایی شده است. در اسفندماه و بر روی ریشه و ساقه گیاهان آبزی تخم‌ریزی می‌کند. از نرم‌تنان، سخت پوستان ریز و لارو حشرات تغذیه می‌نماید.

اندازه: بیشینه طول ۳۰ سانتیمتر و وزن معمولاً ۲۰۰ گرم، ندرتاً تا ۸۰۰ گرم؛ میانگین ۱۵ سانتیمتر و وزن ۸۰ گرم.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Rutilus frisii kutum* Kamenskii, 1901

نام علمی:

English name : Kutum (White fish)

نام فارسی: ماهی سفید

Local name : Mahi - sefid

نام محلی: ماهی سفید (آق بالیق)



S.L : 35 cm

DIH9; A III 10; L.I. $\frac{9.5-10}{4.5-5}$ 62; G.r. 8-12

مشخصات کلیدی:

دندان حلقی یک ردیفی ۵-۶، گاهی ۵-۶ یا ۶-۶، دهان نیم زیرین، فلس‌ها متوسط، ارتفاع بدن کمتر از طول سر یا برابر آن، طول باله مخرجی بزرگتر از ارتفاع آن است.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه بوده و دارای دو شکل بهاره و پائیزه می‌باشند. فرم پائیزه از اوایل آبان تا اسفندماه و فرم بهاره از اوایل اسفند تا اواخر اردیبهشت وارد رودخانه‌های حوزه جنوبی دریای خزر شده و تخم‌ریزی در فصل بهار انجام می‌گیرد. در سن ۳-۴ سالگی بالغ شده و از نرمتان، سخت پوستان ریز و لارو حشرات تغذیه می‌نماید. اندازه: بیشینه طول ۷۱ سانتیمتر و وزن ۴ کیلوگرم؛ میانگین ۴۵ سانتیمتر و وزن ۱۱۰۰ گرم.

Family : CYPRINIDAE

خانواده: کپور ماهیان

Scientific name : *Cyprinus carpio* Linnaeus, 1758

نام علمی:

English name : Common (European) carp

نام فارسی: کپور معمولی یا وحشی

Local name : Kapour

نام محلی: کپور (کپیر)



S.L : 46 cm

DIII-IV(15) 16-21(22); A III 5(6); L.I. (32)33 $\frac{5-6}{5-6}$ 41

مشخصات کلیدی:

Vert. 36-38, G.r. 21-29 ، دندان حلقی سه ردیفی به صورت ۲.۲.۱ - ۱.۲.۳ ، دارای یک شعاع سخت مضرس در باله‌های پشتی و مخرجی، فلس‌ها بزرگ، بدن ضخیم. رنگ معمولاً زرد تیره و دارای دو جفت سبیلک می‌باشد.

خصوصیات زیستی: دارای دو فرم، یکی نیمه مهاجر که اکثریت را شامل گشته و دیگری نوع رودخانه‌ای می‌باشد. از نظر شکل بدن دو فرم کشیده (وحشی) و پهن (پرورشی) دارد. در ۳-۴ سالگی به بلوغ می‌رسد. تخم‌ریزی در مناطق کم عمق رودخانه و با جریان آبی کند، در طی ماه‌های اردیبهشت تا نیمه دوم خرداد و در آب با دمای ۱۸-۲۰ درجه سانتیگراد انجام می‌گیرد. بچه ماهیان از پلانکتون‌های گیاهی و جانوری، سخت پوستان و روتاتورها و ماهیان بزرگتر از ۱۸ میلیمتر، و سایر کفزیان و دتریت‌ها تغذیه می‌نماید.

اندازه: بیشینه طول ۱۵۰ سانتیمتر و وزن ۱۲ کیلوگرم؛ میانگین ۲۸ سانتیمتر و وزن ۱۳۰۰ گرم.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : ACIPENSERIDAE

خانواده: تاس ماهیان

Scientific name : *Acipenser guldenstadti* Brandt, 1833

نام علمی:

English name : Russian sturgeon, Osetr

نام فارسی: تاس ماهی روسی

Local name : Chalbash

نام محلی: چالباش (گوش)



S.L : 147 cm

Du 27-51; Au 18-33; SD 8-18; SL 24-50; SV 6-13; Sp.br 15-31

مشخصات کلیدی:

پوزه کوتاه و گرد، خارهای آبششی کمتر از ۲۰ عدد، سیبک‌ها نزدیک انتهای پوزه و بدون رشته، لب پائینی در وسط دارای بریدگی و بر روی بدن آن ۵ ردیف صفحات استخوانی وجود داشته که بین آنها برجستگی‌های استخوانی ریز دیده می‌شود.

خصوصیات زیستی: از ماهیان ساکن منطقه شیب قاره و در آب‌های لب شور باقی می‌ماند. مهاجر به رودخانه بوده و دارای دو فرم بهاره و پائیزه می‌باشد. نرها در ۱۱ تا ۱۳ سالگی و ماده‌ها در ۱۲ تا ۱۶ سالگی بالغ شده و تخم‌ریزی در اردیبهشت و خرداد و بندرت تا مرداد یا شهریور انجام می‌گیرد. بچه ماهیان ابتدا از موجودات بی‌مهره، سخت‌پوستان و کرم‌ها و بالغین از نرم‌تنان و ماهیان تغذیه می‌نمایند.

اندازه: بیشینه طول ۲۱۵ سانتیمتر و وزن ۶۵ کیلوگرم؛ میانگین ۱۲۸ سانتیمتر و وزن ۲۰ کیلوگرم.

Family : ACIPENSERIDAE

خانواده: تاس ماهیان

Scientific name : *Huso huso* (Linnaeus, 1758)

نام علمی:

English name : Great white sturgeon, Beluga, Hausen (دوقی)

نام فارسی: فیل ماهی خزری (دوقی)

Local name : Chalbash

نام محلی: فیل ماهی، بلوگا



S.L : 195 cm

Du 48-81; Au 22-41; SD 9-17; SL 37-53; SV 7-14; Sp.br 17-36

مشخصات کلیدی:

سر بسیار بزرگ و دارای پوزه‌ای تیز و کوتاه، بدن کشیده و دراز، دهان بزرگ، نیمه هلالی و تمام سطح زیرین پوزه را شامل می‌گردد. پرده‌های برانشی بهم متصل، سیبک‌ها پرک مانند و از دو پهلو فشرده، اولین مهره پشتی، کوچکتر از سایر مهره‌هاست.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه (Anadromus) و دارای دو شکل مهاجر بهاره و پائیزه می‌باشد. در قسمت‌های عمیق رودخانه با جریان شدید آبی و بسترهای سنگلاخی تخم‌ریزی می‌کند. نرها در ۱۴-۱۲ و ماده‌ها در ۱۸-۱۶ سالگی بالغ شده و در اواسط بهار تخم‌ریزی می‌نمایند. بچه ماهیان از بی‌مهرگان و بالغین در دریا از ماهیان و در رودخانه از بی‌مهرگان تغذیه می‌کنند.

اندازه: بیشینه طول ۶۰۰ سانتیمتر و وزن ۱۵۰۰ کیلوگرم، میانگین ۱۹۸ سانتیمتر و وزن ۸۷ کیلوگرم.

اطلس ماهیان رودخانه سفیدرود و تالاب انزلی

Family : ACIPENSERIDAE

خانواده: تاس ماهیان

Scientific name : *Acipenser nudiiventris* (Lovetsky, 1828)

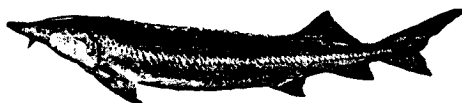
نام علمی:

English name : Ship sturgeon, Spiny(bastard) sturgeon

نام فارسی: شیپ

Local name : Ship

نام محلی: شیپ (تُپ)



S.L : 147 cm

مشخصات کلیدی: Du 39-57; Au 23-37; SD 11-17; SL 49-74; SV 11-17; Sp.br 24-45

لب پائینی یک پارچه، فاقد چاک، سیبک‌ها رشته‌ای و نخستین صفحه استخوانی پشتی، بزرگتر از سایر صفحات می‌باشد.

خصوصیات زیستی: از ماهیان مهاجر به رودخانه بوده و دارای مهاجرت‌های بهاره و پائیزه می‌باشد. جهت تخم‌ریزی وارد رودخانه‌ها می‌گردد. این ماهی در دریا، به علت رفتارهای تغذیه‌ای خود، در ارتباط با آب‌های ساحلی باقی مانده و در بسترهای گلی تا اعماق حدود ۵۰ متری زیست می‌نماید. ماده‌ها در ۸-۱۲ و نرها در سن ۹-۱۸ سالگی بالغ شده و تخم‌ریزی آنها در بهار (اردیبهشت تا خرداد) می‌باشد. از لارو حشرات، نرم‌تنان، سخت‌پوستان و ماهیان کوچک (گاوماهیان) تغذیه می‌کنند.

اندازه: بیشینه طول ۲۰۳ سانتیمتر و وزن ۵۸ کیلوگرم، میانگین ۱۴۷ سانتیمتر و وزن ۲۵ کیلوگرم.

GAZY SÖZLÜGY

PARSCA-TÜRKMENCE

YAZAN:

HAJY MYRATDURDY GAZY

GÜNBET 2002